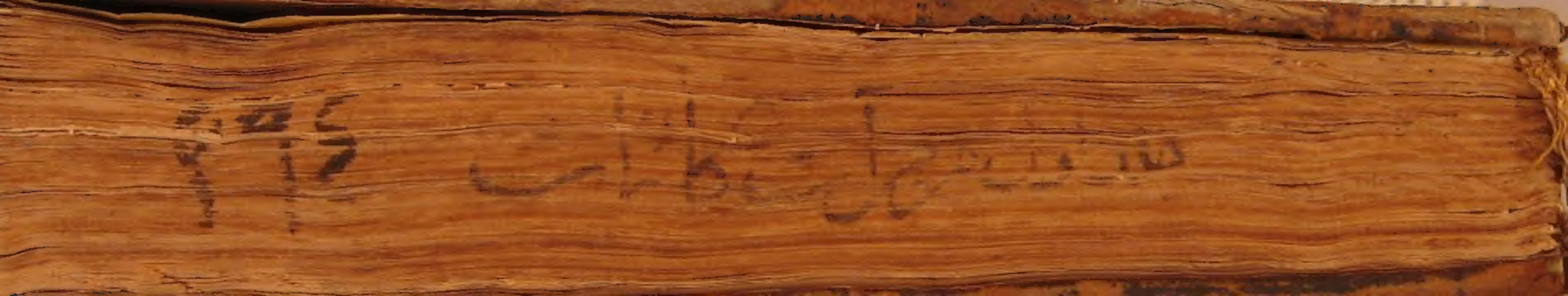




الكتاب
من
مكتبة
الشيخ
العلامة
ابن
البربر
البربر
البربر
البربر



394
1
A571



فهرست الجزء الاول من كتاب مرآت الكائنات

باب اول در بيان ترتيب ظهور اشيا	باب ثانی در ذکر معظمات امور علویه	مطلب جنّت	سبب تالیف کتاب
۶	۱۱	۱۵	۳
مطلب هفت آسمان	مطلب غمام و بیت العمور	مطلب خمس و ثمر و نجوم	مطلب سدرۃ المنتهی
۱۷	۱۸	۱۹	۱۶
مطلب لیل و نهار	باب ثالث در ذکر ملائکه کرام علیهم الصلاة والسلام	مطلب در حقایق ارواح	مطلب کهکشان
۲۲	۲۲	۲۵	۲۱
مطلب خروس عرش	مطلب ملائک صیام و ملائکه مخلیجین و ملائکه روح	مطلب ملائک رؤیا و ملائکه صلوات	مطلب جمله عرش
۲۸	۲۹	۳۰	۲۷
مطلب احوال ملائکه	مطلب دخول الملائکه فی الجنة	مطلب ترتیب ملائکه	مطلب کثرت ملائکه
۳۶	۳۶	۳۷	۳۵
مطلب جابلقا و جابلسا	مطلب هلوع و عدد عوالم مخلوقه	باب خامس در احوال عوالم سفلیه	باب رابع در احوال کوه قاف و بحار سبعه
۳۸	۳۹	۴۰	۳۸
مطلب ریح و ابر و باران	مطلب قوس الله و ارض دنیا	مطلب کعبه معظمه	مطلب رعد و برق و صاعقه
۴۱	۴۲	۴۴	۴۰
مطلب اوقات خلق اشیا	مطلب مدت عمر دنیا	باب سادس در بیان امم عالم	مطلب احوال جهنم و تبدل ارض
۴۷	۴۸	۴۸	۴۶
مطلب جن و شیاطین			مطلب احوال ابلیس علیه اللعنه
۵۲			۵۱

قسم ثانی

باب اول در احوال حضرت آدم و حوا صلوات الله علیهما	مطلب نفخ روح و تعلیم اسماء و سجده ملائکه ارض و سما	مطلب خلق حوا و نکاح حوا و تأویل زله	قصه خروج آدم و حوا از فردوس اعلا
۵۵	۵۷	۵۹	۵۹
مطلب حج آدم و بناء کعبه	مطلب اخذ میثاق و ظهور اولاد و انساب	قصه قایل و هایل و فساد دنیا	رسالت آدم و نزول صحف و تعیین شرع انور معظم
۶۰	۶۱	۶۲	۶۳
مطلب حلیه آدم عایه السلام	وفات آدم و حوا علیهما السلام	باب ثانی در احوال شیث ابن آدم علیهما السلام	فصل در احوال افوش ابن شیث و احوال صابی ابن شیث علیهما السلام
۶۳	۶۴	۶۵	۶۵
فصل در احوال قینان ابن افوش	فصل در احوال مهلائیل ابن قینان	فصل در احوال یرد ابن مهلائیل و ظهور اصنام	باب ثالث در احوال ادریس نبی علیه السلام
۶۵	۶۶	۶۶	۶۶
مطلب رفع بآسمان و احوال متوشلح بن ادریس علیه السلام	فصل در احوال ملک ابن متوشلح	باب رابع در احوال نوح نبی علیه السلام	دعوت و محنت و احوال طوفان و بناء سفینه
۶۸	۶۸	۶۹	۶۹
مطلب وفات نوح علیه السلام	فصل در احوال سام ابن نوح علیه السلام	مطلب اولاد سام	فصل در احوال یافث ابن نوح نبی علیه السلام
۷۱	۷۱	۷۲	۷۳
فصل در احوال حام بن نوح نبی علیه السلام	باب خامس در احوال هود نبی علیه السلام	مطلب قصه شداد	باب سادس در احوال صالح نبی علیه السلام
۷۴	۷۵	۷۷	۷۷
مطلب احوال مؤمنین	مطلب جابلقا و جابلسا	باب سابع در احوال ابراهیم نبی علیه السلام	قصه آتش و هلاک نمروذ
۷۸	۷۹	۸۰	۸۱
قصه هجرت و احیاء طیور	مطلب قصه خلت	مطلب بناء کعبه	مطلب نزول صحف
۸۳	۸۴	۸۵	۸۶

مطلب آمدن و هلاک شدن و انصاف و بقیه حال دانیال ۱۵۷	مطلب مدفن دانیال ۱۵۸	باب ثلثون در احوال زکریا علیه السلام ۱۵۸	مطلب ولادت یسیر و قصه شهادت ۱۵۸
باب هادی و ثلثون در احوال یحیی نبی علیه السلام و فضائل و عائل او ۱۵۹	قصه شهادت و انتقام ۱۶۰	باب ثانی و ثلثون در احوال عیسی نبی علیه السلام و ولادت مریم ۱۶۲	مطلب ولادت عیسی علیه السلام ۱۶۲
قصه هجرت و ارمغان ۱۶۳	مطلب نبوت و رسالت او ۱۶۴	مطلب خلق طیور و شفاء مرضی و احیاء عاذر و احیاء ابن العجوز ۱۶۵	مطلب احیاء بنت و احیاء سام بن نوح نبی علیه السلام و احیاء عزیر ۱۶۶
مطلب احیاء حام بن نوح نبی علیه السلام ۱۶۶	احیاء مردوزن و حواریون ۱۶۷	مطلب مشی علی الماء و معجزه عیسی ۱۶۸	مطلب نزول مائده ۱۷۰
قصه حبیب بخار ۱۷۲	مطلب رفع عیسی علیه السلام ۱۷۳	مطلب فضائل و خصائص ۱۷۴	مطلب ارسال رسول و احوال مریم و حواریون ۱۷۶
مطلب ضلالت نصاری ۱۷۷	قصه اصحاب کهف ۱۷۸	مطلب نزول عیسی علیه السلام در آخر زمان و ظهور و بعض اشراط ساعت ۱۸۳	باب ثالث و ثلثون در احوال ذکر انبیاء مشبهه الاحوال ۱۸۵
فصل در احوال سام بن نوح علیه السلام ۱۸۵	فصل در احوال یافت بن نوح علیه السلام و ذو القرنین الاکبر و اقوال در اسم او ۱۸۶	مطلب اقوال در لقب او ۱۸۷	مطلب اقوال در احوال او و سیر بلاد دنیا ۱۸۸
مطلب بناء سد ۱۸۹	قصه عیسی و بناء بلده اسکندریه ۱۹۰	مطلب بناء بلدان و طلب آب حیات و وفات ۱۹۱	فصل در احوال شادون علیه السلام ۱۹۲
فصل در احوال اخوة یوسف علیه السلام ۱۹۲	فصل در احوال یوسف ثانی ۱۹۳	فصل در احوال موسی ابن میشا و جرجیس اول علیه السلام ۱۹۴	فصل در احوال بشر بن ابوب علیه السلام ۱۹۴
فصل در احوال کانج و کاب بن یوقنا ۱۹۵	فصل در احوال اغاثا دیون حکیم ۱۹۶	فصل در احوال ذوالکفل علیه السلام ۱۹۶	فصل در احوال مخلیفای عابد و طالوت ۱۹۷

فصل در احوال لقمان حکیم ۱۹۸	مطلب کلمات حکمة ۱۹۹	فصل در احوال اسام بن اتابن رجیم بن سلیمان علیه السلام ۲۰۰	فصل در احوال جبهه و ق علیه السلام ۲۰۰
فصل در احوال خرقال علیه السلام ۲۰۱	فصل در احوال زرداشت حکیم ۲۰۱	فصل در احوال تبع اوسط ۲۰۲	فصل در احوال رسل عیسی علیه السلام ۲۰۳
فصل در احوال فولوس حکیم ۲۰۳	فصل در احوال جرجیس علیه السلام و هجرت و نصیحت و بلايا و کرامات و نبوة و معجزه ۲۰۳	مطلب قتل زن و شهادت جرجیس و هلاک قوم ضلالت انیس ۲۰۶	فصل در احوال شمعون عابد ۲۰۶
فصل در احوال خالد بن سنان العباسی ۲۰۷	قصه وفات و عنقا ۲۰۸	فصل در احوال حنظل ابن صفوان علیه السلام ۲۰۸	قصه مشید و اصحاب رس ۲۱۱
فصل در احوال یاسین علیه السلام ۲۱۳	فصل در احوال ذوانا حکیم ۲۱۴	فصل در احوال نبی اسود ۲۱۴	باب رابع و ثلثون در احوال مشترکه کتب جمیع انبیا ۲۱۴
مطلب خصائص انبیا ۲۱۴	مطلب عدد انبیا ۲۱۶	فرق نبی و رسول ۲۱۷	اولوا العزم ۲۱۸
سادات انبیا و احوال کذب منزله ۲۱۹	قبائل و صنایع انبیا ۲۲۰	ازمنه انبیا و مدت مابین انبیا ۲۲۱	

قسم ثالث

باب اول در احوال نسب رسول صلی الله علیه و سلم و اسماء آباء و اجداد او ۲۲۵	باب ثانی در ذکر ارمغان رسول علیه السلام ۲۲۸	باب ثالث در احوال رسول علیه السلام تا بوقت نبوت ۲۲۹	باب رابع در ظاهر و نبوت رسول علیه الصلاة والسلام ۲۳۱
باب خامس در رسالت و نبوت رسول علیه السلام ۲۳۲	باب سادس در بعض امور تا بوقت معراج ۲۳۴	باب سابع در بیان معراج رسول دره التاج صلی الله علیه و سلم ۲۳۷	باب ثامن در وقایع مابعد معراج ۲۴۱

باب ناسع در هجرت رسول علیه السلام ۲۴۲	باب عاشق در احوال بدایع و وقایع بعد الهجرة و بناء مسجد قبا ۲۴۴	فصل در بناء مسجد و خانه رسول علیه السلام و زیاده رکعات بعض صلوات و فرضیت غزا ۲۴۵	فصل در تحویل قبله و فرضیت صوم ۲۴۶
فصل در فرضیت زکوة ۲۴۶	فصل در فرضیت یم و تحریم خر ۲۴۷	باب حادی عشر در غزوات رسول علیه السلام ۲۴۷	فصل در ذکر غزوة بدر الکبری ۲۴۸
فصل در غزوة احد ۲۵۰	فصل در غزوة مریسج و بنی المصطلق ۲۵۳	فصل در غزوة خندق ۲۵۴	فصل در غزوة بنی قریظه و غزوة خیبر ۲۵۶
فصل در غزوة مکه مکرمه ۲۵۹	فصل در غزوة حنین ۲۶۲	فصل در غزوة طائف ۲۶۴	باب ثانی عشر در انقطاع غزوات رسول علیه السلام ۲۶۵
فصل در غزوة تبوک ۲۶۵	فصل در حج رسول علیه السلام ۲۶۶	فصل در ظهور و متنبیان ۲۶۷	فصل در ختم نزول قرآن ۲۶۸
باب ثالث عشر در وفات رسول علیه السلام ۲۶۸	فصل در دفن رسول علیه السلام ۲۶۹	باب رابع عشر در معجزات رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ۲۷۰	باب خامس عشر در خصائص و فضائل رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ۲۸۴
مطلب در ذکر ظهور انواع فضائل در قیامت ۲۹۵	باب سادس عشر در اخلاق و عادات رسول علیه الصلاة والسلام ۲۹۶	باب سابع عشر در حلیه رسول علیه السلام ۳۰۲	باب ثامن عشر در احوال رسول علیه السلام ۳۰۵
باب ناسع عشر در اولاد رسول علیه السلام ۳۰۸	باب عشرین در ازواج رسول علیه السلام ۳۱۱	باب حادی و عشرون در اقرار بامر رسول علیه الصلاة والسلام ۳۱۶	باب ثانی و عشرون در اصحاب رسول علیه السلام ۳۲۵
فصل در تعریف صحابه و فضیلت صحابه ۳۲۶	فصل در ذکر عشره مبشره ۳۲۸	فصل در بیان طبقات علماء صحابه ۳۳۰	فصل در خصائص بعض صحابه ۳۳۳
فصل در اصحاب صفه ۳۳۴	فصل در رفقاء رسول و قضاة و اولاد رسول علیه السلام ۳۳۵	فصل در کتاب رسول علیه السلام ۳۳۵	فصل در مؤذنین از اصحاب و ابلیجیان رسول علیه السلام ۳۳۶

فصل در حراس و خدام رسول علیه السلام ۳۳۷	فصل در شعر او خطبای و حدیث حضرت رسول علیه السلام ۳۳۸	فصل در عدد جمع صحابه کرام ۳۳۸	فصل در زمان انقراض صحابه ۳۳۹
باب ثالث و عشرون در امت رسول علیه الصلاة والسلام ۳۳۹	باب رابع و عشرون در احوال صلوات بروح سید کائنات ۳۴۷	فضائل صلوات ۳۵۱	مطلب متافع و فضائل صلوات ۳۵۲
مطلب کیفیت صلوات و انواع صلوات ۳۵۴			
قسم رابع			
باب اول در احوال ابوبکر الصدیق رضی الله تعالی عنه ۳۵۷	فصل در اسم و سن و نسب و حلیه و کنیه و لقب او ۳۵۷	فصل در احوال جاهلیت و کیفیت ایمان او ۳۵۷	فصل در بعض فضائل و خصائص او ۳۵۸
فصل در احوال خلافت ۳۶۰	فصل در ارسال جیش امامه و قتال مرتدین ۳۶۱	فصل در ایمان بعض قبائل و وقعة یمامه و غزای عراق ۳۶۲	فصل در غزای بقرین و ظهور کرامات و غزوات و فتوحات ولایت شام ۳۶۳
فصل در امارت خالد بن ولید و وقعة حاربه اجنادین و وقعة مرج الصفر ۳۶۴	فصل در وفات ابوبکر رضی الله عنه و جمع قرآن ۳۶۵	فصل در اولاد حضرت ابوبکر رضی الله عنه ۳۶۶	باب ثانی در احوال عمر الفاروق رضی الله عنه و نسب و حلیه و ایمان او ۳۶۷
فصل در کیفیت بیعت بعمر رضی الله عنه ۳۶۹	فصل در زهد و عدالت عمر رضی الله عنه ۳۷۰	فصل در اولیات عمر رضی الله عنه ۳۷۱	فصل در فتوحات عمر رضی الله تعالی عنه ۳۷۲
مطلب امور متفرقه و اولاد عمر رضی الله عنه ۳۷۳	فصل در شهادت عمر رضی الله عنه ۳۷۵	باب ثالث در احوال عثمان ذوالنورین رضی الله عنه و نسب و حلیه و ابتداء ایمان او ۳۷۶	فصل در مناقب او ۳۷۷
فصل در کیفیت بیعت باو و فتوحات و غیرهم ۳۷۸	فصل در اولیات عثمان رضی الله تعالی عنه ۳۷۹	فصل در اولاد عثمان رضی الله تعالی عنه ۳۸۰	فصل در وفات کبار صحابه و شهادت عثمان رضی الله عنه ۳۸۱

باب رابع در احوال علی رضی الله عنه و در نسب و حلیه و ابتدای ایمان او ۳۸۳	فصل در اسامی و القاب و کنیت های او ۳۸۳	فصل در مناقب علی رضی الله عنه کرم الله وجهه ۳۸۳	فوائد در ایجاد علم نحو و صد کلمه شریفه ۳۸۵ و ۳۸۶
فصل در کیفیت بیعت بعلی کرم الله وجهه و وقوعه جل ۳۸۷	فصل در وقعه شمار به صفین ۳۸۸	فصل در ظهور و خوارج و ابتدای ظهور و فرق ضاله در امت محمد و اولاد علی ۳۸۹	مطلب وفات بکار صحابه ۳۹۰
فصل در کیفیت شهادت حضرت علی کرم الله وجهه ۳۹۱	باب خامس در احوال حسن بن علی رضی الله عنهما ۳۹۲	فصل در اوصاف و اخلاق او ۳۹۳	فصل در احوال خلافت و فراغت و زمان فراغ او ۳۹۳
فصل در اولاد و ازواج حضرت حسن و کیفیت شهادت او ۳۹۴	باب ششم در احوال حسین بن علی رضی الله عنهما و ولادت و بعض احوال و فضائل و کیفیت شهادت او ۳۹۵	فصل در اولاد حضرت حسین رضی الله عنه ۳۹۶	فائده مهمه در ذکر ائمه ۳۹۷

۴۹۶





مرآة
کائنات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جدید و انشأ * و شکر لا بعد ولا یحصى * حضرت خدای بی همتا * جل شانہ و تعالی * و عم احسانہ
و نوالی * جناب اعلا ستم که نوع انسانی نطق و بیان و فصل و عرفانہ ممتاز * و ابراز از حقیقت و مجاز
ایچون آیت غایت (و تقدیر منافی آدم) خواستہ جلہ عالم بینندہ اصناف الطاف الیہ مخصوص *
و سرفراز الیہ (نظم) * حدیکہ همجو بحر کرم بیکران بود * حدیکہ شکر نعمت هردو جهان بود *
حدیکہ در تضاعف ذرات کائنات * چند آنکه مستزاد کنی به ازان بود * حدی بدان مشابه که ادراک
کنہ آن * برتر زیایہ خرد خردہ دان بود * یاد اثار بار که عز کبریا * کان مصدع محمد قدوسیان بود *
لا احصی است تحفه خاصان دران جناب * این گفت و گو چه لایق آن آستان بود (نثر) و صلوات و صلوات
صلوات * و تسلیات عظیمات متوالیات * سلطان سیرافلاک * مظهر خطاب لولاک * محرم خلوت کاه
لی مع الله * حبیب آلہ * محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم * بعد از انقاس من سکت و تکلم حضرت تلمیذ
روح بر فو حلیہ کہ کہ دین مبینہ لری جمیع ادیان و ملای ناسخ و عرش شرع متینہ لری ابد الہر ثابت
و راستد (نظم) * محمد جوشاہت و عالم چو خیل * کہ مقصود او بود و باقی طویل * همه عالم از نو و ازادہ شد
* بدستش کلید ہدایہ شد * زیباغ رخس ہست بستان کلی * دران باغ روح الامین بلبل * زمین تا فلک
یک غبار رہش * مقام او ادنی غاشا کہش * بامر شفاعت بکراہ تمام * علیہ الصلاۃ علیہ السلام (نثر)
و آل خیر ما آل * و اصحاب شرف نوالرینہ کہ * ہر بری داعی راہ ہدای * ساعی اعلان امر خدا را فاع
اعلام دین اسلام * دافع ظلام شک و اوہام * اولشدی (نظم) آل و اصحاب بکراہ کنند * قصر دین را ہمہ اش
ار کنند * علم و عدل آوری وجود و عطاست * کہ از ایشان بچہان ماندہ بیجاست * همه مرضی ہمہ
راضی رقتند * وعد حق را متقاضی رقتند * شدہ در رحمت حق ایشان کم * رضی الله تعالی عنہم
(امابعد) نکته شناس و اشرف ناس اولان ارباب البال و عرفان * و اصحاب عقل و فضل و بیان
زمرہ لری نیک خیر منیر آیینہ نظیر لریہ مستور و خفی دکادر کہ اشرف اعمال نافعہ * و الطیف افعال جامعہ
بعد از امور الدین * متع اخبار انبیاء و مرسلین * و تتبع اطوار سلاطین پیشین عدالت آیین اولوب * مزور
سنین و شہور الیہ صدور و نظم و راہیدن احوال عجیبہ الا آثارہ اطلاع و آثار غریبہ الاطوار استماع باعث
تحصیل سرمایہ حکمت * و مورث تکمیل پیرایہ عبرت ایدوکی محقق و مصدق (نثر) (اذا ما طالع التاریخ مزم
* رأی الدنیایا صناف الانام * و حادہم و کان لہ اطلاع * علی تفصیل احوال الکرام * فصارت بحیث

جرب کل شیء * بصیر بالامور مع اهتمام * و بکنی ناظر التاریخ خفا * مشاہدہ النبیین العظام * با بصارت خفی
معنوی * تکتون بالقوا دیلا کلام (نثر) خصوصاً کہ آیینہ روزگار و صورت نمای حوادث ناہموار
اولدین اوقات غم آنارده مطالعہ کتب سیر پر عبرت * موجب نشاط قلب جزین و مستوجب انبساط خاطر
عمکین املق مقرر و محقق (نظم) شوائس کجاہای نفیس * انہ فی الزمان خیر جلیس (نثر) اگر زبان طوطی
بیان ارباب نوار بخ بستم * و افلام عنبرین ارقام اصحاب قصص نابریذہ و شکستہ * اولسہ احوال ام سابقہ
و افعال ملوک لاحقہ مر و رایام و اقراض حفاظ الیہ متروک و مذہول * و بالکلیہ منسی و محمول فالوردی
حقیقہ علم توانیخ عوالی شمار بخ دم عیسی آسمان چرخ ساز کہ زندہ کنندہ نام قدما اولشد (نظم) سخن
بر صیغہ عالم بنودی * نشان از عالم و آدم بنودی * بنام علی ذلک راہ انبیاہ سالک اولان علماء کل
(ما حفظ فروما کتب قر) * ضم و سئلہ علی ایتمکی امل ایدینوب صیغہ روزگار دہ یاد کار فائزہ * کتب
مفیدہ و رسائل پسندیدہ تألیف و ترکیب و تصنیف و ترتیب ایتمکدر ثقاۃ رواۃ اقطار و اوصار کائنات
السنة فصاح الیہ نقل ایدیکری اخبار صحیحی مورخان ہمہ آنکہ جوہریان بازار عرفانہ و با تمام ضبط
ورسن حفظ حسن الیہ ربط ایدکارندہ دروغ و اخبار و آنلری بی منع و کظم و رشتہ سطور طروسہ نظم
ایدوب کلمات صحت معالری لالی النظام * و عبارات کثیرہ البراعانلری جواہر احترام اولغین کتب جلیہ
الاعتبار لری سبجہ وار فی اللیل والنهار دستاویز سلاطین عالی تبار اولشد (مدح و مدح باطل خدا)
مالک بروبحر هفت اقلیم * صاحب حسن خلق و وجود عظیم * شاہ جمہاد سلطنت بخشا * مانع ظلم و دافع
غشاشا * صاحب بخت و بخت و تاج و تکیں * ظل حق بادشاہ روی زمین * آسمان خلافتک ماہی *
خان عثمان زمانہ منشاہی * نسل عثمانیہ بخ دہ اولدی * چار دہ شب دہ ہجیرہ اولدی * جمع ایتمشدور
کمالانی * بولدی عرفانہ اور کہ حالانی * خالق عصر مندہ امن و راحتندہ * لطف حقہ رخا و نعمتندہ *
عہد عدلندہ کرکالہ جیران * اولدیلر بار و مونس و حیران * ایددی جلہ عالم کن اصلاح * نظم حال الیہ بولدی
خلق افلاح * الثنائیلہ ہر کال اہلی * اولدی مرعی و حسن حال اہلی * جلہ اسلافہ ایدوب تقید * بیجہ
آنارخیری ایددی بدید * حاصل اولہ دیو عبرتہ خیر * اولدی مقبول ہر قصہ شیرہ انبیاء و ملوک احوالی *
نظر ندن ہج اولشدی خالی * طبعی میل ایددی نوار بخ * صاحبہ اغداسنی خدا سنجہ * یا الہی شول
اولداتلشایچون * جلہ اسماء الیہ صفاتک ایچون * یکن برآد کہ اسم اعظم ایچون * روح پاک حبیب اکرم
ایچون * اولشہ خوش رہ جوان بختی * زینت افزای تاج و ہم تختی * صحت الیہ جہان دہ و اراہیہ *
تخت عزتندہ برقرار الیہ * واصل ایت عر نوحہ شاہمزی * فلک سعیدہ مہر و ماہمزی * جلہ حاجتی
میسر قیل * شرق و غربی آکامہ خرقیل * ضبط عالم ایدہ سلیمان و ش * قیل جہان کبریا ہی ہجو کوش *
حکمی جاری و لوب جہان ایچرہ * اولہ صاحب قرآن زمان ایچرہ * خلق عالم دیمیہ امر نہ لاہ ابرمیہ جستمہ
الم اصلا * قلی الطاف حقہ جمیع اول * تازہ تازہ سرور الیہ طول * الیہ مقیم ورجلہ اعداس * مظهر اطاعت ایت
احیاسن * ہر توروب ہر زماندہ شوکتی * مستدام الیہ عمر و دولت * د آئنا فضلک الیہ شاد الیہ *
دمبدم واصل مراد الیہ * داخل ایت باغ عدنہ اسلافن * دائم ایت نسل بالذوالخلاقن * اکا توفیقہ لکی
رفیق الیہ * مرشد و ہادی طریق الیہ * ہر ایشندہ صوابی الہام ایت * خیر داری آک انعام ایت *
عسکر بنی مظفر ایت دائم * دشمنی محقر ایت دائم * عمان شرق و غربہ قبل منصوب * جلہ اعداسنی ایدوب
مغلوب * خضر و الیاسنی آکا اولداس ایت * صیت عدلینی عالمہ فاش ایت * مظهر رایت دائمہ جانیہ کہ *
روز بخشردہ دہ عنایتکہ * شاہد در بوندہ آندہ دہ شاہ ایت * چار و بار حبیب اللہ ایت * نور منبر لراوزرہ
جاس اولہ * دائم الطمکہ موانس اولہ * قورہ تختن جہان فضا لریہ * بارہ حق حضرت فی رضا لریہ * غرق
انوار اولہ تجلادن * ہر من اذن بولہ و مولادن * کیکہ دیر بود و ایچون آمین * اولہ عالمہ ہر بلاذن آمین

سبب تألیف کتاب

فن توانیخندہ مخبر اولان کتبک مقبول و معتبر لری طویلہ القصہ قلیلہ الحصہ اولوب مطالعہ لری مقتضی
فتور و مال و مقتضی کسل و کلال اولغین جدا جدا و ایچد رمضان زادہ امیر محمد جناب خیر مکان مرحوم

(باب اول در بیان ترتیب نظم و راسخیا)

١٠

بوزایت اوزره سق چل وعلا قبل خلق جمیع الاشیاء ابتدا لوج محفوظ بجامع الاسرار ی بعده قلم فایض
 الانواری برادوب بصامتند ارض وسما مقداری در بیاض برادوب کا خطاب آیتد کده هیبت نده خطابیدن
 اریوب دریا اولوب قوج واضطراب آیتد کده امر خالق الاماکن ایله ساکن اولدی بعده عرشی بشل و مرددن
 کیمی بی آفت و براق بردانه انجودن برادوب ایکینسیدخی بچرمز کورک اوزرینه قودی معارج النبوة ده
 اشود بیا ناک اسمی صادیدی (من والقره آن ذی الذکر) آیتد صاعدن مرادوب در دیشلردیومز کوردر
 بعض معتبرند عرش صافی نوردن یرادشد زینوب لکن کتب حدیثه یکبارہ قزل باقونندردیو
 مذکور در کتاب القانون قادی ابوبکر بن العریبه حق تعالی ابتدا عرشی برادوب صوا ووزرینه قو بوج صودخی
 ریح اوزرینه اولوب عرشی کرسیدن ایکی ییل اول برادوب صوتک بخارندن کول صکر ملح و قلم
 یرادلدی دیو ابن عباسدن روایت صحیحه واردر * اول مخلوقاتده علما اختلاف ایدوب کیمی عرش کیمی ماء
 کیمی غمام یعنی یوقه بولوندردیوب لکن قول اصح اوزرینه عرش دیومز کوردر (کتاب العظمه ده) ابن عباسدن
 مرویدر که الله تعالی صو براتقی دیلایکده نوردن بریشل یاقوت برادوب یدی قات کوکار یدی قات برلایله
 جله سنک ماینلری قدر اولوب اکاند آیتد کده دهشتندن اریوب یوم قیامتده دل لرزان و جوشان اولوب
 صکره ریح برادوب صوی بل اوزرینه قو بوج صکره عرشی برادوب اتی صوا ووزرینه قودی مواهب لدینه ده
 عرشدن اول صو برادوب (ان الله لم یخلق شیاً ماعدا خلق قبل الماء) حدیث صحیح در زینوب تفسیر کونانیده (والله
 خلق کل دابة من ماء) آیتد مرویدر که حق تعالی ابتدا بر جوهر برادوب نظر هیبت خدایله اریوب صو
 اولوب ناز و نور و هو اوترا بجله اول صودن برادلدرد زینوب تفسیر کشفه دخی آیت مزوره مرویدر که
 ملائکه نینجندن جن ناردن آدم ترایدن برادلوب ریح و ناز و ترا بوجی صودن برادلدرد زینوب تفسیر کبیرده
 حضرت رسول علیه السلام (کان الله ولاشی معه ثم خلق اللوح واثبت فيه جمیع احوال الخلق الی تمام القیامة
 بیورمشلرد زینوب تفسیر کشفه) (وهو الذي خلق السموات والارض فی ستة ایام وکان عرشه علی الماء) آیتد
 اشبو آیت عرشه ماء ارض و حاددن اول برادلد قریبه دلالت ایدوب ماء مزبور ریح او صغده ایدی دیشلر
 دیومز کوردر (والله اعلم بالصواب) بعد مباد حرکت معتاد نیجه یوزیک قنادایله برادلوب عرشی کورون
 دریا ناک اوزرینه قوندی * کتاب العظمه ده امام مجاهد بادلایکی قنادی و بر قو برینی واردردیوب حضرت
 رسول علیه السلام دن عاده قومنه الله تعالی بر خاتم حلقه سندن زیاده اچامشدی بیورمشلردردیو مرویدر
 بعده غایتده جسیم درت ملات عظیم یرادلوب عرش جلیل انزلد اموزرینه تحمیل اولندی تفسیرده (و یحمل
 عرش ربنا فوقهم یومئذ ثمانية) آیتی دلالتی اوزرینه یوم قیامتده سکر ملک کورنورسه کرک دیومز کور
 و مسطور در بعده بر عظیم ازدها یرادلوب عرشی احاطه ایدی مزبور اژدرک وصفی اشاغده ده کراولنسه کرکدر
 بعده باد امر رب العباد بحر سابق الذکر ی تحریک ایدوب کوپو کندن ایکی کونده یدی قات برامواجندن طاعلر
 برادلوب هر بندن کوه قافه بر طمار واصل و متصل اولدی نیجه کتب معتبره ده کوپو کندن ابتداء کعبه
 معظمه ناک بری برادلوب صکره وجه ارض اول خاک کال تاناکدن مذ و بسط اولمشلردردیو بحق و مفتقد رتفسیر
 لبایده ابن عباسدن مرویدر که بر یوزی کعبه برینک التندن دخول اولوب صو یوزرینه ببط اولندی صکره
 بر یوزی اهل ایله کی چلقا نور کی صو یوزنده چلقا غن طاعلر برادلدی تا که بر حرکتدن ساکن اوله بعده
 قاف طاعلنک اردنده یدی عظیم دریا برادلدی که بری بر برینی قوشادوب جله سی قافی احاطه ایشلردر ایچلرنده
 اولان مخلوقات انواع و اصنافی و احوال و اوصافی کمال کثرت و نهایت غرایب سبیلده حضرت حقندن غیرک
 معلوم دکلدر دیشلر بعده دنیا یوزنده اولان دریالر ایچلرنده اولان حیوانات اوچنی کونده برادلدی
 کتاب فوائج مسکبه ده وحوش و طیور و حشرات و دواب بر و بحر و جمیع حیوانات عفونت ارضندن برادلدی
 دیومز کوردر بعده در دینی کونده اول حیواناتک اوزان و سائر احوالی تغیر و قظم برنقد بر اولندی بعده
 براتنده قراکه اولمقله حرکت اوزره اولمقلین امر خالق فلک و فلک ایله بر ملک براتنه کیروب صاغ الی
 مشرق دن مول الی مغرب دن چساروب زمین بی غم کیمی اوموزنده محکم طو بوب بعده حضرت رب العزة
 و الجبروت بشل باقرل باقوندن بر حضرة عظمت بهره برادوب مذکور ملک انک اوزرنده دائم قائم اولدی * کتاب

المـنظر فـده وهـب بن منبهـدن مـر ویدر که اول ملکـان آتـنده اولان جـرجـعالی کوهرکـ اورتـاسـنده بدی یـک
 دلوکـ اولوب هر برندن بر دریا جـبقـار و آفرکـه یـوکلـکنی هـمان حـضرت الله عز و علا و جل عن الـانـبـیاء یـیلور
 بـعدـه کیـونا یا خـود لـیونان آدلوب بر تور عظیم الطور بر ادوب جـرجـمن بورانک ارقامـیلـه یـو سوزلی اراشـنه قونـدی
 بـعض مـعـتـبرانـده مذکور او کوزک کوزی قولانغی اغزی یورنی یوسوزلی ایاقلری دوردر یلک یاقوق یلک عدد
 اولوب هر ایکـ ایانغی مایـنی بشیـوزیـلاق یولدر دیوتـیین اولـشـدر (فتـبارک الله احسن الخالقین) بـعدـه حـضرت
 رب خالقیم مـوت آدلوب ربانقـی رادوب مـن بور او کوزی اشبوغـالکـ اوزرینه قودی کتب معتبره ده مـن بور بالک
 کمال عظمت و جسامتـدن و کوزلـنک لـهـمان واضـه آتـندن یوزینه یاقوق بحال اولوب باشی الیه قورونغی ایکـ
 جـانـبـدن اورا نوب عرش آتـنده جـمع اولـشـدر دیومـذکور در بـعدـه مـن بور بالقـی سـابقـاذ کـر اولـشـان در یانک
 اوزرینه بـعدـه در یادخـی هـوا اوزرینه بـعدـه هـوا دخـی ظلمت اوزرینه قونوب امر پرورد کار حکمت کار مجیر
 الافکار الیه جـله سی بواسـلوب اوزره قـرا و ایدیلـه ظلمتک اشـاغـه سی جـمع مخلوقـاتـه نامعلوم ایدوکی مجزوم
 و محـتـومـدر بـعض تـفـاسـیر ده نور الیه حـوت اراشـنده بر جـرجـذ کـر اولوب بر روایـده بـجـرمـذ کور آتـنده بر جـرجـآنـک
 آتـنده بر ملکـانک آتـنده دخـی بر جـرجـآنک آتـنده و یـحـد که قدرت حق الیه معلق طور در یـنوب مـستـظر فـده وهـب
 قولنجـه بـجـر آتـنده اولان هـوا بر دریا اوزرنده اولدخـی تری اوزرنده اولدخـی ظلمت اوزرنده اولوب اشـاغـه سی
 حـقـدن غـیرـه مـعلوم د کادر مـشـاهـیر تـفـاسـیر ده (له مافی السموات و مافی الارض و ماینها و ماتحت الثری)
 آتـنده تری باش طبراقدر (ماحت) دن مـر ادا اول طبراقـک آتـنده نه و اوبـه دیمـکـدر * محمد بن کعب دیمـشـدر که
 مـر ایدـدی قـات یـز آتـنده اولان نـسـنـدر * امام سـدی دیمـشـدر که تری بدی قـات یـز آتـنده اولان صـخـره نـک
 اسـمـجـدر دیومـذ کور در * تاریخ ابن شـعـنه ده بالقـی آتـنده در یانک آتـنده جـمـعـدر دیوب ابن عباسـدن مـر ویدر که
 کـتاب العظـمه ده ارض صـولـطـه صـولـطـه طـاش اوزرنده طاش بالقـی ارقـه سـنده در که بالغـک ایکـی طرفی
 عـرـشـه جـع اولـه و ربانقـی دخـی بر ملکـا و زنده در که ایکـی قـدمی هـوا اوزرنده در دیو بر حدیث شریف ذکر اولوب
 کعب الاحبار دن دخـی مـر ویدر که بدی قـات بر صـخـره او سـقـنده صـخـره بر ملکـا اوجی ایچـنده ملک بالقـی قنادی
 او سـقـنده بالقـی صـوده صـولـطـه اولـشـنده یـل ریح عقیـم او سـقـنده در * که ریحکـ یوسوزلی عـرـشـه مـعلقـدر تـفـسـیر
 نـعـلـبـیـده مذکور در که بر آتـنده بالقـی انک التـنده در یانک التـنده صـخـره انک التـنده تورانک التـنده تری انک
 ماروامی معلوم ماسوی د کادر نور مـن بور اغـز بن آچوب طور رقـیـامـتـده جـله در یالـقـادشوب بر د کـر اولوب
 یونک اغـز بنـه دو کـوب جـله سی قـرنی ایچـنده قـور یوب محـو اولور تـفـسـیر مـن بورده سـید بن بـعض مـعـتـبرانـده نـیـجه
 صـحـابـه دن مـر ویدر که ارض حـوت او سـقـنده حـوت در یاده در یاعـر یـحـه صـفا یعنی مـهر التـش کـلـغـکـی دوزان
 قیا او سـقـنده اولوب صـفا دخـی ملک ارقـه سـنده ملک صـخـره او سـقـنده صـخـره ریح او سـقـنده در قرآن عظیمـه (فـکن
 فی صـخـره دن) مـر ایدو صـخـره در حـوت بر ادا لـقـده حـرکت ایتـمـکـن حق تعالی طـاعـلـر برانـدی ناکـه بر یوزنـه
 انـکـر اولـه تـفـسـیر مـکـبـه ده ابوهریرـه دن مـر ویدر که ارض حـوت او سـقـنده حـوت در یا او سـقـنده در یا صـخـره او سـقـنده
 صـخـره نـک دوت کـوشـه سی اولوب هر کـوشـه اوزرنده بر ملک ابـاغ اوزره طور ووب در یایچـنده طور ووب کـنـز
 الامر اده مذکور در که حـضرت عیسی علیه السلام ماتحت ارض دن سـوال او اده لـقـده بدی طـبقـه یـه وارنجـه
 بر ارض و بر دریا اولوب ارض سابعه التـنده بر عظیم محـوف صـخـره واردر که بر ملک براوموزی او سـقـنده در
 ملک التـنده تورانک التـنده حـوت انک التـنده در یانک التـنده ریح انک التـنده هـوا و ظلمت انک التـی هـج بر مخلوقـک
 معلومی د کادر دیو یوسور بـلـر بـعض مـعـتـبرانـده کعبـدن مـر ویدر که ارض سابعه صـخـره او سـقـنده صـخـره ملک
 او سـقـنده ملک بالقـی او سـقـنده در که بالغـک ایکـی طرفی عـرـشـه مـعلقـدر بالقـی التـنده هـوا الیه ظلمت اولوب علم مخلوقـات
 بـرنـده مـتـقـطـع اولـدی کـتاب العظـمه ده حـضرت ابن عـمر دن مـر ویدر که اشـودینا در یاسـنک التـنده آتـندن
 بر در یانک التـنده صـودن بر دریا اولوب بواسـلوب صـودن بدی دریا آتـندن دخـی بدی دریا واردر کـتاب جـمـعـه
 النفوسـده ابن عباسـدن مـر ویدر که ارض بر ادا لـقـده روحانیـودن از مائل آدلوب بر ملک ایکـی یاغـری
 اورتـاسـنده قونوب مـن بور ملک ارض سابعه آتـنده اولوب طوی بشیـوزی لاق یولدر ملک دخـی طوی و قولاقـریـه
 یوسوزلی اراسی بشیـوزی بلای یول بر عظیم او کوزا و زرنه او کوز دخـی طوی بشیـوزی بلای بریشل یاقونـدن

طاش اوزرینه قونديکه كوه قاف انك شعبه لرندن دريا قونى بالى باقى دريا درياى ربح ربحى طاش ظالمى
 هوا وواى تری اوستنه قویوب ماورای تری معلوم ماسوی دکادره بعض کتبه به ابن عباسدن هر قیدرکه
 طبقات ارضك هر بری آتنده بر دریا اولوب بدیخی بر آتنده جنتدن چقهش بریشل یا قوت اولوب انك آتنده
 بر ملك انك آتنده جنتدن چقهش بر او کوزانك آتنده بحر السجور اولان بحر سابع بالقرینك بریسی اولوب
 دریا دخی بر طبق ایچنده اولوب جهنك اوستنده طور را کراول بحر عظیم اولسه جهنم چله کند و اوستنده
 اولان اشیا بی یقاردی صکتب متفرقه ده ما تحت ارض خصوصه بر قاج روایت دخی حکایت اولوب
 انك خط و خلدن خالی اولماقین ذکر اولندی والله تعالی اعلم بما انظم رواهم بعده حق تعالی عقی برادوب
 کل دیو چاغرد قده کاوب دون دیکده دونوب (وعزنی و جلالی ما خلقت خلقا احب الی منک بک آخذوبک
 اعطی و عیلت انیب) دیو خطاب رب الارباب ایشدی کنزالامرا اوده عقل نور مکتوندن براداشد در دیوب
 حضرت علیدن مرید رکه بعض مه برانده مذکور در رکه (اول ما خلق الله تعالی نوری اول ما خلق الله تعالی
 روحی اول ما خلق الله تعالی القلم اول ما خلق الله العقل) حدیث برینك توفیق و تطبیق خصوصه بعض علماء
 مخلوقینه اول حقیق نور غیر عالم صلی الله علیه و سلم اولوب اولیت روح و عقل و قلمه نسیبه واضافیه در
 یعنی اول مخلوقات ارواح جنتندن عقل کل اجسام جنتندن قلم حکمت سیدر دیوب لکن نیجه ارباب
 البیال و عرفان تحقیق و بیان ایدوب اول مخلوق رب حی اولان شی کندی ذات و نهادنی و سید اوده عادی
 بله که سائر اشیا بی دخی ادرالایه دیکچون عقل دیتوب مرات تجلیات جناب صعدی اولدی یغیون نور
 محوری دیتوب لوح محفوظه و غیره نقوش اسرار و علوم انکه مرقوم و مرقوم اولان قلم دیتوب اختلاف
 العیارات لا اختلاف الاعتبار و کثرة الاما دلیل شرف المسمی دیکلر انظم) عبارات شایسته و حسنك
 واحد و کل الی ذلک الجلال بشیر و اشیر عقل افراد انساندن هر کسک بدتنده اولان عقل غیر بدتنگم اشاغیده
 یاب ملائکه ده حضرت عزرائیل احوالندن بیان اولنور عقل اول مخلوقات اولسنه متعلق اولان جمیع
 احادیث موضوعه در هیچ بریسی صحیح دکادر دیوب کار محتملین متاخر شدن شیخ مضادی مقاصد حسنه آدلو
 کتاب لطیفنده تصریح و تصحیح ایشدر بعده حضرت رب معبود مقدما ذکر اولان دریا بخارن هوا به
 صعود ایدوب بدیخی والتخی کونده آسمان عالی شانی براندی بعده ارض و سما خوف خدا اجل و علاایه
 یاریلوب بر رقات اینک بدیشر طبقات اولدی تفسیر لیباده ابن عباسدن مرید رکه ارض و سما مقدما
 شی واحد اولوب بری برلینه ملتزم و ملاصق ایدی الله تعالی مایتنلرین آریوب برلورینده قالوب کولنور قویه
 چکلدی کعب دیمشدر که الله تعالی بر ربح برادوب ارض و سما آرا لنده اولان وصل انکه قطع و فصل اولندی
 مجاهد و بدی دیشدر که سما و اوقور و ده ارضین اشاغیده مستعلا همان بر رطبقة طور رکن الله تعالی
 هر برینی بدیشر قات ایدی مشاهیر تفسیرده حسن بصیردن مرید رکه الله تعالی بر یوز بنی بیت المقدس
 موضعنده فخر مشالنده یعنی آوج طولوی اولان طاش شکلنده برادوب انك اوستنه متصل اولان دختندن
 هفت آسمانی برادوب صکره مکانه ثابت و مستقر اولان فخر دن روی زمینی مبسوط و عدود و مریوط
 و مشد و ایدی ارض و سما حقیقه (کما تبارک و تعالی فقهناهما) آیتندن ودخی (والارض بعد ذلک دحیما)
 آیتندن مری ایدورد بدیشرینه تفسیرده (قل انکم لتکفرون بالذی خلق الارض فی یومین) آیتنك معناستنده
 مرید رکه عرش اعلی قبل از خلق ارض و سما هوا و اوزرنده ایدی صکره اول صودن امر حقه دختان چیقوب
 صوری منجمه و معتقد ایدوب بر یوزی پیدا و هوید اولدی صکره بر یوزینی فتق ایدوب بدی قات اولدی صکره
 اولد و دوقوی الصعود مریقع اولوب آسمان برادوب عیان اولدی بعض معتبرانده نیجه صحابه دن مرید رکه
 عرش صواستنده اینک حق تعالی مخلوقاتنی بر افع دیکده صودن دختان چقاروب یوقار و چکوب کول
 برادوب عالی و سامی اولدی یغیون سما دیو آدقوندی صکره صوری دو کدوب بر یوزی پیدا اولدی کنز
 الاسراوده ابن عباس قولنجه سما و اوقار زمین بری برلری اوستنده برادوب صکره برل برادوب هرابکی
 طبقه آراسنی اول یاروب آردی دیومده کورد معلوم اولاکه (هو الذی خلق لکم مانی الارض جیعام استوی
 الی السماء) آیتی ارض سعادن اول برادلیقنه (انتم اشد خلقا ام السماء بناها رفیع سمکها فواها و اعطش لیلها

واخرج

واخرج صخرها و الارض بعد ذلک دحیما) آیتی امر بر عکس اولقه دلالت اینکین الله جمعه قوله آتیری
 توفیق خصوصه علماء اهل الاف کالی اختلاف ایدوب بعضل (ثم استوی الی السماء) آیتنرنده اولان ثم کله متدن
 مراد اذندن اعلایه ترقی طریقیله تراخی رتیبدر تراخی زمانی دکادر دیوب سما ارضدن مقدم بر اذلق احتمالان
 ترجیح ایدوب بعضل دخی مراد تراخی زمانیدر (والارض بعد ذلک دحیما) آیتنده بعد کله سندن مراد بعدیت
 رتیبه اولوب زمانیه اولماق اظهردر زیرا اول آیت کمال قدرت خدایی بیان ایچون سوق اولنور و اومعنی
 ایسه خلق سموات ذکرینك تقدیم اقتضا ایدر دیوب ارض سعادن اول بر اذلق احتمالان ترجیح ایدوب بعضل
 دخی جرم ارض اصول مانی الارضه معیار اولوب صکره سما برادوب صکره وجه ارضه بالطول و العرض
 بسط اولندی زیرا ابن عباس خلق الله الارض یا قوتها من غیرانید جوها قبل السماء ثم خلق السماء فواها من
 سبع سموات ثم دخی الارض بعد ذلک دیمشدر دیوب لکن علامه تفسیرانی کشف حاشیه سنیده والاوجه ان
 بول قوله تعالی (والارض بعد ذلک دحیما) دیکین و کتاب العظمه ده مجاهدن الله تعالی ارضی سعادن اول
 برانده قده بردن دختان چیقوب کوکار اولدی دیکین خصوصه احادیث صحیحه و صحیحجه جمیع مفسرین ارض
 یوم احد و اثنین ده مانی الارض ثلاثا و اربعه سما و ما فیها خمس و جمعه ده برادلی دیکین قول ثانی
 رجحانی ظاهر و باهر در بعده نور عرشدن خمس نور جیایدن نور برادوب هر برینه برر ملات مؤ کل اولدی
 بعده هشت بهشت غیر سرشت برادلی جنتنك اوصافی اشاغیده ذکر اولنور

(باب ثانی در ذکر معظمت امور علویه)

عرش اعلاایه سما و دنیا ارا لنده اولان اشیا و ذوالارواح اصنافنه علم شامل و اطلاع کامل حضرت غلام
 القیوم به مخصوص ایدوب آیت عبرت غایت (وما یعلم جنود ربك الا هو) ایه مصرح و منصوص و لکن مالا یدرک
 کله لایدرک کله منلی مضی و نجه اشبو و کتاب صحت تصاب معتبر که عون خالق الکنون ایدر زنده چله کتب و اربع
 و سیر اولنور و زردر کار آثار قدرت خدا و جلالت دلائل و حدایت مولی جل و علایسی الیه عزیز و محلی
 و شرف و معالی اولنور و عیون عالم علونك اصول و فروع و عین معظمت مهمات ذکرته شرف و اولندی و بالله
 التوفیق وهو الهادی الی سوا الطریق (احوال عرش و اصناف ملائکه) او عرش عالی بخت حوالینك بعض
 احوالی یوقار و ده مناسبتله ذکر اولنور در حال معلوم اولاکه تاریخ غنیقه عرش انور یکپاره یا قوت ایدردن
 برادوب انك آتنده بر دریا و اورد که اوراق مخلوقات اندن نازل اولور جناب حقدن اکادخی اولوب اولدی
 اکا کورد بغمور یا غدروب مخلوقات آراشده تفسیر اولنور دیوبان عباسدن مرید و تفسیر ابن ابی ساعده
 مذکور در که الله تعالی عزنی نور دن برادوب کرسی عرشه متصل در جمیع صور کرسی ایچنده اولوب صور ربح
 اوزرنده در عرشك اطرافنده درت ایرماق و اورد که بری نور تاباندن بری بالکوا آتندن بری قاردن در که
 بیاضندن کوزلر قماشور بری دخی صافی خودنذر از منقلک ایچنده ملکر طروروب حقه تسبیح ایدر
 عرشك مخلوقات عدده دیکلری و اورد که هر بری تسبیح ایدر کعب ایدر عرشك عیش بیک دلی و اورد که انواع
 لغات الیه تسبیح خالق کائنات ایدر تفسیر تعلیمه بعض سافدن مرید رکه عرش انور بریشل جواهر اولوب
 بیک باشی هر یا شنده بیک کرم بیک یوزی و اورد که هر بری بیک کرمه دینا قدر در هر برنده دخی بیک کرمه بیک دلی
 اولوب هر دبله بیک کرمه بیک در لولفت الیه تسبیح رب العزیز ایدوب هر لغتندن بر طاقنه برادوب اول لغتله
 ایدر دخی تسبیح ایدر تفسیر لیباده جعفر صادقدن مرید رکه (وان من شی الا عندنا خزائنه) آیتی دلالتی اوزره
 بر یوزده اولان جمیع مخلوقاتک مشالی عرش عالیده موجود اولوب عرشك پایه لیک هرابکیسی اواسی ظفر
 سمرج السیر و حکسان بیک نیلان بولدر هر کون عرش امر حق الیه عیش بیک زنگ نوره متفرق اولوب
 نور و فوری شول مری تبه باهر زاهر در که ماسوی الله دن بر فر نظر ایدر که قادر دکادر چله مخلوقات عرشك
 و معتنه کوزه بر جهرای بی پایان ایچنده بر حلقه کیمیدر من طوالده (ما من مخلوق الا صورته تحت العرش) دیو
 بر حدیث باز یلوب تفسیر کیمیدر عرشك آلیوز بیک پایه سی و اورد که هر برنده نیجه سلاک و اورد دیوب بعض
 معتبرانده ابن عباس قولنجه عرشك ملائکه ایل طولو اوچیو و التیش بیک برخی و اورد دیوب اشاغیده
 کثرت ملائکه احوالنده تفصیل و انور نیجه کتب تفسیر و ابرار بخنده مذکور در که خرقا بیل نام ملائکه اون

کتاب قدسی اولوب هر ايكه می مایینی بشیورناتی بولدو عرشى سرتاسر سیران ایتمک بکرمی یلکیل
طیران ایدوب بعده امر حقه قوت ومددی واجحه سی عددی مضاعف اولوب تکرار اولوز یلک یا خود الی
یلکیل اوجوب مرادی حاصل اولدقده نفخ صورده کجهد ایستک ساق عرشه واصل اولامز سن
دو خطاب مولی ایردکده سبحان ربی الاعلی دوتسبیحه مشغول اولدی کعبدن مرویدر که جمع مؤمنینک
عرش الشده منالری اولوب دینا ده عبادته مباشرت ایدو نیک صورتی دخی اکاقلید ایدوب ملائکه ابرارانی
کوروب انک ایچون دعا واستغفار ایدر لر معصيته مباشرت ایدو نیک صورتی دخی اول قبیلک نظیرین اشدکده
حضرت رب ستار غفور ملائکه به منظور اولسون دیو محض اطقندن بر پرده ایلو مستور ایدو دعا مأثورده
سبحان من اعظم را جمل وتر القیج) بومعنا به رمز وتلم ایدر دیو نصیرج ایتمکدو عرشک ملائکه سی احوالی
اشاغده باب ملائکه ده ذکر اولنور حیه عرش نیچه معتبر ایدو کعبدن مرویدر که عرش پر نور ایدو
عظمتنه مقرر اولوب حرکت ایتمکین باشی انجودن بدنی اتنوندن کوزلی یا قوت اچردن بر عیب ومهمیب
اندو بر اولوب عرشک جله اطرافن کندونک نصی ایلک کراندام بالتمام قوشادوب نصی زیاده قالدی اشو حیه
بهیه نیک عیش یلک قدادی وهر برنده عیش یلک یوزی وهر یوزده عیش یلک دلی اولوب هر کون انقاس اجناس
مخلوقات رب الناس عدد نیچه تسبیحات و تحمیدات ایدر (لوح محفوظ) تفسیر تسبیحه تحریر اولمشدو که لوح
محفوظ بر آق وراق انجودن و دقتینی یعنی پروازی قیزل یا قوتدن اولوب طول و عرضی سما وارض قدوردو
قلی و خطی نور دندو یقاروسی عرشه واصلدو و اشاغده سی ماطر یون آدلو ملکک دیری اوستنده در بعض
معتبر ایدو مقابل قولچه لوح هر شک صاغ اشدو طووردو یونوب تفسیر کبریه لوح اسرافیلک اوکندو در بر امر
حق نظم ورا یقار اولدقده لوح قاقوب اسرافیلک الشده و قنوب اولدخی لوحه باقوب امر الهی اولان نسنه فی
ملائکه دن هر کیم خدمتته متعلق ایسه اسرافیل اکا خبر و بر دیو بر مصل حدیث مرویدو بعض
معتبر ایدو دخی ابن عباس قولچه لوح اسرافیلک الشده طووردو یونوب تفسیر لیساده ابن عباسدن مرویدر که
لوح بشیور یلک یول اولوب بر دانه آق انجودن دقتینی یا قوتدنر الله تعالی اکا مرکون اوج یوز انقش کره
نظر ایدوب دبلدو کنی محو دبلدو کنی اثبات ایدر (بحواله مایشاء و ثبت وعنده ام الکتاب) دیشدر حضرت
رسول علیه السلامدن مرویدر که کچه دن صباحه اوج ساعت قالدقده الله تعالی ام الکتابه یعنی لوحه
نظر ایدوب اکا ندن غیری کسنه باقوب دبلدو کنی محو دبلدو کنی اثبات ایدر یونوب و مشرک کتر الا مراده
ابن عباسدن مرویدر که هر ایل و نهار حضرت پروردگار لوح محفوظه اوج یوز انقش ککره نظر ایدوب
خیر و شر نفع و ضرر و موت و حیات و سرکات و سکات و مرض و صحت و عزت و ذلت و نصب و رفع و تفریق و جمع
و توفیر بکرمی نیچه امور تدبیر و تقدیر و نظام سار و تقدر بر ایدوب اجناس مخلوقاتنه متعلق انواع اشیا بدید ایدر
یفه الله مایشاء و بحکم ما یرید کل یوم هوفی شأن) آیتندن مرا. رب العباد یوم معنای رعناى حکمت میندو
دیشدر کتاب العظمه ده حضرت رسول علیه السلامدن الله تعالی ک بر لوحی واردر که بر یوزی یا قوت بر یوزی
بشل زمره اولوب قلی نور درانده برادوب اندو رزق و بر و پنده احیانده امانه اندو اعزازانده تذایل ایدوب
انده دبلدو کنی ایدو دیو مرویدر یعنی هر نه تقدیر ایدو جک ایسه اندو یازردی کدر نه بر حدیث دخی
مرویدر که عند الله بر لوح وارد و انده اوج یوز و اون بش شریعت وارد و رحان تعالی بیور و عزم جلالم حقیقون
قولرمدن بر قول انلردن برنده بکا اشرافا. و کی حاله بکا کلز الا که الی جنته ادخال ایدرم الاتقان فی علوم
القرآن آدلو کایدو لوح محفوظه قرآن عظیمک هر بر حرفی قاف طناعی قدر اولوب هر بر نیک نختنده اولقندر
معانی و اسرار واردر که همان حضرت پروردگار یلوردو یونوب بعض معتبر ایدو لوحه خدمت ایدن ملائکه
غایت جوق اولوب عددی بی هوان الله یلور بر تیسری حضرت اسرافیلک را بشو خدمت کرام و الا مقام احکام
رب الانامی اوجدن یازوب خدمت متنوعه به تعیین اولان ملائکه کزینه دقتلر و برور (بایدی سفره
کرام برده) آیتندن مراد یونلردو یونوب تفسیرده مذکوردر که ملکک لیل برانده بر یلک نظم و ریاده جک
حوادث کائنات یازمغه شروع ایدوب ایلو قدرده تمام اولوب دقتلر عذاب و عقاب و بعض تصرفات جبرائیل
دقتلر دقتلرات امطار و نباتات و مهمات ارزاق مخلوقات میکائیل دقتلر موت و مصیبات عزرائیل دقتلر

اعمال حسنات و سیئات مخلوقات ربیس حفظه سما دنیا اولوب اسمی اسماعیل یا اسرافیل اولان ملائک جلیله
و بر یلوب امور جم و مخلوقات اشو دقتلر حکمت مایه مشهوره موافق صادر اولور و تفسیر کیده
ابن عباسدن محکیمدو که کراما کاتبین مؤکل اولد قلمی کسنه لر بر کونک عللری هر کونده بر کره لوح
خدمتنه لوحدن یازدوب بعده ککندو لر دخی واقع اولان حسنات و سیئات یازوب ایکی دقتلر تطبیق
یتد کزنده حرف بحرف موافق بولور (انا کما نستسخ ما کنتم تعملون) آیتک معنای یونوب مؤکل
اولد قلمی کسنه نیک و فاتی کونی دقتلر ایدو کزنده خدمت لوحه باقوب مؤکل اولد یکنز کسینک ایدو جک هیچ
علی قائمادی آنجی دیوب نسنه یازمز و تفسیر قرطبیده کعبدن مرویدر که قیامت اولدقده لوح محفوظ
رفع اولنور و علامه صاحب الا فاده و لانا کمال یا شاراده و ساله جبر و قدرده عالم کونده نظم و ریاده جمع
اشیادن هر بر نیک لوح محفوظه بر صورت اجمالیه سی واردر که زمانه منسوب اولقندن منزله اولوب قضای ازلی به
موافق و تفسیر اشو صورت اجمالیه اولقنین قرآنده لوحه ام الکتاب دیوب زملندن منزله اولد یکنه (وعنده
ام الکتاب) آیتنده عنده کله سله اشارت یورلدو بعده لوح محفوظه صور اجمالیه سی اولان اشیا نیک
لوح محفوظه و ایتنده صور تفصیلیه لری واردر و قرآنده اشو لوح حواء دینا ایلو تفسیر یونوب اشو ایکی در لوحه
(بحواله مایشاء و ثبت وعنده ام الکتاب) آیتنی اشارت ایتدو لوح محفوظه لوح قضای لوح محفوظه
لوح رضادیر بر پس ایکنجیده اولان زمانی اولوب اولکیده اولان زماندن منزله کائنات ایچون لوح رضاده
تبدیل و تغییر عارض اوله جق تقدیر نانی اولد یکنه حضرت عمر اللهم ان کنت کتبت اسمی فی دیوان
الاشقیاء فاحمه من دیوان الاشقیاء و ان کنت فی دیوان السعاده فانک قلت وقولک الحق (بحواله مایشاء و ثبت
وعنده ام الکتاب) دیو دعایه معتاد ایدو کاری دلالت ایدر یونوب تحقیقه (خذوا حذرکم) آیتنده خذوا حذرکم
اولد یونوب تحقیق حقیق بالتصدیق ایتدو تفسیر مولانا ابوالسعودده (بحواله مایشاء و ثبت) یعنی الله
تعالی احکامدن دبلدو کنی نسخ ایدوب انک بر نه حکم و مصالحی متضمن حکم آخر اثبات ایدر یا خود حالی
اوزره غیر منسوخ تور یا خود مطلقا اثبات دبلدو کنی اثبات ایدر که ذکر اولان و ایدو انشا اولانسانه شاملدر
یا خود دقتلر اعمال عباددن جزاته لایق ایتمک لری محو یا قیستی اثبات ایدر یا خود سیئات عبادتاتی محو و بر نه
حسنات اثبات ایدر یا خود بر زمان معین خلقی محو و انشا ایدوب بر نه زمان آخر اهلی اثبات و ایجاد
ایدر یا خود عالم جسمانیدن قاصداتی محو و کائناتی اثبات ایدر یا خود رزق محو و زیاده ایدر یا خود اجل
و سعادت و شقاوتی محو ایدر که صحابه دن ابن عمر و ابن مسعود مذهبی بودو کذا ذهب اولانلر باربری
سعدان ایدو یونوب تضرع و دعا ایدر بومعنا جابر بن عبدالله حضرت رسولدن روایت ایتدو راسب و صوب
محو و اثباتدن هر بری تعمیم اولقندر تا که ذکر اولان امور لیله سنه بروجه کامل شامل اوله دیو تفصیل
جلیل اولقندر (قلم) کتب معتبر ایدو نوردن یا بشل زمره دن یازدوب طول و عرضی بشیور یا خود طولی
بشیور عرضی قرق یلک یولدو مرکبی نوردن اولوب به کندو ایچو ندن ظاهرا اولور دیوب قلم بعض احوالی
دخی باب اولده ذکر اولمشدو و ابن عباسدن مرویدر که الله تعالی قلمی برانده ده کتب دیو امر ایدوب
هیبت نداه خدادن لرزان وهر اسان اولوب صدای رعذکی صوت عظیمه لوح اوستنه جاری اولوب نامور
اولد یق امور یسطور ایتدی کاب العظمه ده (ان الله تعالی اول ما خلق خلق القلم وهو من نور مسیره
خمسائه عام فامر الله ان یجری بامه کائن الی یوم القیامه فصدقوا کل ما یلقم عن الله من قدرته) دیو بر حدیث
شریف مذکوردر (کرمی) تفسیر تعلییده مدیدن مرویدر که کرمی بر دانه انجودن بر اولوب حیوات و ارضیتدن
اعظمه ده کتر الا مراده حضرت رسولدن مرویدو که حیوات سبع کرمی به نسبت بر صحراد بر اغاش بر حلقه به
بکزر کرمی دخی وسعت و عظمت عرشه نسبت اول مشابهه در و و هیدن دخی مرویدر که کرمی عرشک
نوردن بر اولوب کرمی ایچنده بر و یا واردر که ل اوزرنده در حیوات و ارضیتدن و آخرت و جنت و جهنم
کرمینک ایچنده در کرمی کندو نور تابانندو در دت بایه سی واردر که هر بری حیوات و ارضیتدن اعظم اولوب
حیوات و ارضیتدن دنیا و آخرت کرمی به نسبت اوج ایچنده دانه نردل کیدر و معارج النبوه کرمینک

اطرافند آیه الکرمی بارش اولوب صاعنده و صوانده اونریک کرمی وارد کرده برنده بر ملک اونوروب
 آیه الکرمی اوقیوب نوابی امت محمدن بآیت شریقه بی اوقیوبانه باغش لر دیومذ کوردن کر سینگ ملائکه سی
 جوقلغی اشاعده باب ملائکه ده بیان اولور بعض معتبرانده حسن بصری عرش ایه کرمی شی واحدردیوب
 لکن چمور علما اخبار صحیحیه مقتضا سنجه کرمی عرش غیردردیوب تحقیق ایتمشله (علیون) بعض معتبرانده
 زبرجدن بر لوحدر که عرش آئینده اولوب اعمال حسن زمرة انسان آنده یازیلور (کالان کتاب الابرار فی
 علیون) آیتک معنای بودردیوب کترالاسرا رده ابن عباس قولنج یث زبرجدن بر لوحدر که تحت عرشده
 معلق اولوب اعمال ابرار آنده یازیلور بر روایتده علیوندن مر ادجند در ضحاک قولنج سدره المنتهی در کعب
 وقصاده قولنج عرش صاع طرفنده کی پایه سیدر مقاتل قولنج ساق عرشدر * تفسیر واحدیده
 علیون سماه سابعده اولوب عرش آئینده در دیور حدیث شریف واردلکن مفسرین قولنج سماه
 سابعه نک کند و سیدردیوب نیجه تفاسیرده بر قوله جمیع انفس و جن مؤمنین ملک اعمال خیری جامع اولان
 کتابک اسمیدر بر قوله دخی یدخی کوه کده بر ملک اسمیدر سبب عز و رفعت انام یا خود غایت شریف
 و عالی مقام اولغین علیون دیونام قوندی دیوب * کشانده مذ کوردن که حفظه یعنی کر اما کاتبین بر کسینک
 عملی دفترله کوه جیه قوب مقام عرض و مناجات قاضی الحاجات وارد فلانده سیزه ولور ملک اوزرینه حفظه سز
 قلبیه مطلع اولان بنم عملی خالص ایتمکین دقتربنی علیونه قول که کامغرت ایتمشدر دیوب وحی خندا
 ایرشور بر کسینک حفظه سی دخی عملی دقتربنی عرض ایتمکازنده سز قولومک اوزرینه حفظه سز قلبیه مطلع
 اولان بنم عملنده اخلاص ایتمکین دقتربنی مجینه قول دیو فرمان رحمان ابریشور * اصل الله قلوبنا و غفر
 بفضله ذنوبنا (صور) تفسیر علییده حضرت رسول علیه السلامدن مر ویدر که صورت و عوالت و ارضینده نصکره
 برادوب امر الهیله امر ایل آتی اغزینه قوب نفخ ایتمک ایچون امر خدا یه منتظر و عرشه ناظر دوردوره
 عظماسی طبقات سموات و ارض عرضی قدردر * کترالاسرا رده انفس و جن و حیوانات عدد رنجبه دلکری
 اولوب هر بری بر وجه مقر اولسی مقرردر دیوب * بعض معتبرانده صورت درت شعبه سی اولوب
 بری مشرقده بری مغربده بری بر آئینده بری راوستنده در الی عدد دلکری اولوب هر برندن صدا چقار
 زندن انبیانک برندن ملائکه نک برندن خواص و عوام بی آدمک برندن طائفه چنک برندن شیاطینک برندن
 حیواناتک روحلری طورسه کر کدر * صورت اون درت دائره سی وارد کرده هر بری سموات و ارض دائره سی
 کیدر صورت کندوسی نوردن یوزدور جمیع مخلوقات عدد رنجبه دلکری واردردیوب * تفاسیر و غیریده
 مذ کوردن که قیامت قویمن ایچون صورتوایکی دفعه جالوب اولکینک ایچی نفخه فزع و نفخه صغی ایکجینک
 نفخه بعث و نفخه قیامتده ایا که جائنده طاعن از یلوب هیا اولور برلر کوکار یاریلوب جله یلدرلر دوشوب
 صیحه اسمرا فیل عمد و طویل اولغین و اخرنده جمیع مخلوقات وفات ایدوب همان درت ملاک قالوردرلک ایکسی
 اولان میکائیل و اسرافیل دخی وفات ایدوب بعدد جبرائیل ایه عزرائیلک بری مقدم بری دخی در عقب وفات
 ایدوب بعدد مخلوقاتده حی دیه چنک برشی قالمیوب فرق یلدر نصکره امر حقه اسمرافیل حیاته کلوب قدسده
 حضرت مبارکه اوزرینه جیه قوب * ایتمه اله نظام البالیة والاوصال المتقطعة واللحوم المتزقة ان الله یا امرکن
 ان تجتمعن لفصل القضاء * دیوند ایدوب ایکجی دفعه چالنده مقدمه وفات ایدن انفس و جن و سایر مخلوقات
 ایاکی کبی حیات یلوب بعدد احوال و احوال حشر و نشر و عرصات و واقعات مفصله و در و نظم و ریادر
 * رساله حشر کمال پاشا زاده ده نفخه صورتو اوچدر بری نفخه صغی و موت و بری نفخه بعث و قیامت بری نفخه
 فزع یعنی صغی و غشیدر که بعد الحشر نظم و ریادر تکیم (الناس یصعقون یوم القیامة فاکون اول من یفقی
 فاذا انما یومسی آخذ بقائمة من قوائم العرش فلا ادری اأفاق قبلی ام جوی بصعقة الطور) حدیثی دلالت ایدر
 دیوب لکن سبب صغی و غشی اولان احوال قیامت یجدد و غایت اولغین حدیث من یورده مذ کور اولان
 صعقه نفخه بعث و قیامتدن صکره نفخه آخری ایه اولغه اصلا دلالت یوقدر * تفسیر کورایده و نیجه
 معتبرانده نفخه صورتو اوچ دفعه اولور که بری نفخه فزع و دهنه ایکجی نفخه صغی و موت اوچجی نفخه بعث
 و قیامتدیوب لکن (ونفخ فی الصور فصعق من فی السموات ومن فی الارض الا من شاء الله ثم نفخ فیها اخرى

فاذا هم قیام نظرون) ابی و اکثر معتبرانده ذکر اولنان (ما بین النفثین اربعون عاما) حدیثی نفخه صورتو
 ایک دفعه اولغه دلالت ایدر که چنه تفسیر مکیده نفخه اوچدر دیوب حدیث مفصل مر ویدر لکن احادیث
 صحیحه دن ایدوکی مقطوع دکلدر و العلم عند الله لا یعلم الغیب احد سواه (بحر معجور) بعض معتبرانده
 مذ کوردن که سابقا عرش کونون دریا ایک یولوب نصی برالتنه قوب نصی بودر که عرش التنه قوندی
 قیامتده جله ذی الارواح وفات ایدیکازنده بر یوزینه بودر یادن قرق کون یغمور یا غوب جمیع موتی انکه احیا
 اولغین براسی بحر الحیة اولوب جله صوبی منی کبی قوسیدر اشبور یا به ملکرم ما مور اولوب اللرنده اوزر نلغی
 یشیوز بلای حربه لردیوب رتیساری بر ملکدر که اغزین آچه سموات و ارضینی برلقه ایدردی (بحر نور)
 تفسیر الوالسعودده (و یخلق ملائکون) آئینده ابن عباسدن مر ویدر که عین عرشده نوردن برهر وارد کرده
 سموات و ارضین و بحار سه قدردر هر سحراندن جبرائیل علیه السلام غسل ایدوب حسن و جمال زیاده
 اولور قنادلرین لیکد کده هر قطره دن نیجه یلک ملک برادوب یتش یکی کوکده بیت المعموری یتش یکی پرده
 کعبه معظمه برنوری طواف ایدوب بر کون زیارت ایدنله تاروز قیامت اصلانوبت ذکر * تفسیر واحدیده
 مذ کور بر حدیثه جبرائیل در دخی قات کوکده نهر حیواندن جیه قوب سلکند کده یتش یلک قطره دوشوب
 هر بر قطره سندن بر ملک براده یلوب امر حقه بیت المعموره واروب نماز قیلار انله بر دخی نوبت ذکر دیو
 یور یلوب * کتاب زین المجالسده مذ کوردن که جبرائیل علیه السلام بحر نوره هر کون اوچ یوزالتش کره کبروب
 هر جیه قد قنادلری قطره لریک هر برندن کند و صورتده بر ملک برادوب تسبیح حقه مشغول اولوب
 یونله روحانین دیرلر (انواع حجب) بعض معتبرانده و هیدن مر ویدر که اگر چه حضرت باری جسم و رسم
 و زمان و مکاندن منز و بریدر لکن اطراف عرشده اولان ملائکه جمال بیثال رب متعاله ناظر اولغه قادر
 اولماغین آتش و ظلمت و نور و دریا و باقوت و زمر و قار و صور و طول و جهنمندن یتش قات حجاب یعنی پرده
 برادوب اولجبه حجابله قوسندر که همان حضرت الله عز و علاه و جل عن الاشیاء آکادر * کتاب العظمه ده
 عکر مه دن مر ویدر که کونش کرمی نورینک یتش بولکندن کرمی عرش برینک یتش بولکندن عرش حجاب
 نورینک یتش بولکندن بر یولکدر * مجاهدن دخی مر ویدر که عرش الله ملائکه اراستده یتش یلک حجاب وارد کرده
 بری آئیندن بری ظلمتند و حضرت رسول علیه السلامدن مر ویدر که یتش یلک حجاب واردردن و ظلمتدن
 و اول حجابلرک صداسنی بر کیسنه ایشته زایدی ادا که هلاک اولوردی * بعض معتبرانده عرش آئینده
 التیوزینک قات حجاب وارددر هر برینک یولکدی بیر ایه کوکلردن زیاده اولوب ملائکه عبادته اشتغال ایه
 مالا مالدر * السن الجلیله و هیدن مر ویدر که سما را به یوقر و سندن حجاب کثیر و هر برنده ملائکه دن
 جم غفیر وارد کرده کمال کثرتدن بری برلرین یلوب لغات مختلفه ایلد تبیع و تحمید حقه اشتغال ایدر شدت
 صورتلری رعد مالدیر به سما سابعده اوستنده بحر خیوان انک اوستنده بحر قیامت اندن انعام اندن بحر حجب
 اندن رق منشوراندن کتاب مسطوراندن بحر مسجور اولوب انک اوستنده نوردن انک اوستنده ظلمتدن انک
 اوستنده رعددن انک اوستنده برقدن انک اوستنده ضوئش کبی ضیادن انک اوستنده دیادن انک اوستنده
 عیندن یتش یلک قات حجاب اولوب انلرک اوستنده یتش یلک طاعن هر برنده یتش یلک سبجاق هر برینک آئینده
 یتش یلک صف هر برنده بشیورینک ملک واردردن لک اوستنده کو مشدن یتش یلک حجاب انلرک اوستنده
 جنت عدن و سدره المنتهی انک اوستنده ذله الحمد انک اوستنده مسکدن انک اوستنده عنبردن حجابلر انک
 اوستنده کرمی حجابلری وارددر * کتاب کشف علوم آخرنده امام غزالی عرش اوستنده قوربلان حجابلر مکان
 سرادق یعنی سر ابرده در که هر برینک شرفه سی وارددر هر شرفه ده بر و آری وارددر که برینسی دنیا یوزینه
 طوعیددی کمال حسن و جالتدن بعض خلق آکا طاباردی و نوردن دنیا ناردی دیوب کتاب العظمه ده حجابله
 مؤکل بر ملک وارددر که آدی میطاطروش در دیومذ کوردن مطولات کتب سیرده قصه معراج عبد البکرده
 بحر دولا بعد حجب مختلفه و هر یلک سکافی اولان طائفه نک عبادت عا کفنه سی خصوصنده اولقد و عظیم
 تفصیلار وارددر که عقل انسان میموت و حیران قالور (نظم) سبحان من تجر فی صنعه سواه * عقل و خرد و عز
 و جلالتش نبرده راه (بخت) عنبر مرشت جمیع معتبرانده محل جنان دفت آسمان ایه عرش رحمان میسازنده

ایدری بیان و عیان اول شده و مشاهیر و تفسیرده ابن عباس قولی جنت یدید که اسمی (فردوس) (عدن)
 (جنت نهم) (دارالخلد) (جنت المأوی) (دارالسلام) (علیوند) دیوب و جمیع کتب تواریحده سکر در
 دارالخلد که آتی انجودن دارالسلام که قبل یا قوتدن جنت المأوی در پیش زبردن جنت الخلد در که
 صاری می جاندن جنت نهم که آتی انجودن جنت فردوس که آلتوندن دارالقرار در که مسکن از فردن جنت
 عدن در که جلد سندن اشرف و الطاف اولوب آتی انجودن در دیوب * صحیح امام مسلمده حضرت رسول علیه
 السلامدن می ویدر که ایکی جنت وارد که بناری و ایچنده اولان جلد التوتندن ایکی جنت دخی وارد که
 بناری و ایچنده نه واریسه کومشدندردیو بیور مشر * معلوم اولان که محض قدرت رحمان ایل طبقات چنان
 ایچنده اولان منازل و تصور یقصور و زمرة غلمان و حور و آلات تم و حضور و اسباب قرح و سرور و الاء
 و نعمه پر شکور و اصناف و الطاف رب غفور و تقاضایان شرح و مدح ایتمک بی رب و اشتباه مقدور ماسوی
 الله دکار و لکن اول باید کمال اجال بومنوال اوزره در که صحیح مسلمده مروی ایکی حدیث شریفه که مضون
 همایون بنار عتقونی بودر که اهل جنتک ادعای سکسان یک خدمتکاری و تمش ایکی خانونی اولاندر که
 اکا انجودن وزیر جندن و یا قوتدن چادور قورقوب بیوکاکی شامله بن آرامی قدر در برنده دخی
 اهل جنتک ادعای کند و یا غنچه لری نه و خانقار نه و اسباب تم و سرور نه و خدمتکار نه یک یلیق بولدن
 نظر ایدن کیچنده دزدیو بیور نمشد و تفاسیرده (لادین احسن و الحسنی زیاده) آیتنده زیاده تک معناینده
 قول کنیز اولوب جلدن کشفده مذکور در که اهل جنت اوزرتدن بولونلر کیچوب نه دیگر سکر یا غنچه لم دیو
 سوزنلر اهل جنتک هر یری هر نه دلوونسته دیلر نه محض قدرت حق و فضل عظیم جواده طاق ایل بولونلر
 نازل و واصل اولور * سن ترمذیه جنتده یوزدرجه وارد که فرایک کسینک مایینی برایله کولار اسی قدر در
 فردوس جنتک اعلائی یعنی یوقار و سیدر جنتک درت عدد ابره قلمری فردوسدن چیقوب آخر فردوسدن
 یوقار دخی غرشدن الله تعالیدن دیلر یککرده فردوسی دیلر کردیو بر حدیث شریف و تفسیرده عدن
 الله تعالی تک رحمتی اویدر که کوزلر کوزمیب و خاطر لره کلامشدر بیله و صدقار و شهادتدن غیری کیچنده
 اکا کبر من دیو بر حدیث و بعض تفاسیرده الله تعالی جنت عذبی را تده ایچنده کوزلر کوزمیلر قولار
 ایشتمک خاطر لره کاد لکن لره برادوب بده اکا سوله دیو ایدوب اولدخی اوج کره (فدا فح المؤمنون) یعنی
 تحقیق مؤمنان نجابت و سعادت بولدر بولدر یوب بده بن هر بخیل و هر مراقی به حرام دیو و بیلدی دیو بر حدیث
 شریف مذکور در جنته متعلق دخی بعض امور عن قرب سدره المنتهی ده مذکور اولور * معارج النبوه
 خازن چنان اولان حضرت رضوان عالی شانک سکر نه خایه می اولوب هر برینک مکسانر یک اعوان
 و انصاری و تواضع و خدمتکاری وارد دیو مستطور در * رزق الله تعالی دخول الجنة بحرمه حبیبه المرسل
 الی الانس و الجنة و جعل النار حتمه من النار حتمه انه ولی الفضل و المنة (سدره المنتهی) بونک بر ایدخی
 شجرة طوبی و در معارج النبوه مذکور در که اول شجرة عالی که رلساقی آلتوندن شاخلری در و یا قوت
 و زمردن اولوب اصلدن شاخلر نه دلالی یک یلیق بولدر هر بری غنچه نجوم عدد نجه و قوملر دانی
 صاعنجه آلتوندن پروانه لصورتمده ملکار وارد شاخلر تک بریکه زمردن اولوب یوز یلیق اوزونلغی
 وارد اوزرتده اولان بیر اقلردن سموات و ارضینی احاطه ایده جک قدر برداته ورق اوستنده امر حقله نوردن
 بر عالی قالی دشتوب اوزرتده یا قوت اچردن بر بحر ایکه از تعالی سکنان یک یلیق بولدر وضع اولنوب
 حضرت خیریل امین آتده مقیم و سکن اولوب عبادت رب العالمین ایدر * تفسیر واحدیده (اذن فی السدره
 ما یفتی) آیتنده حسن بصری و مقاتل الحاج اوستنه قرعار اوشر کی سدره اوستنه دخی ملائکه اوشر دیش
 ابن مسعود و غیر بلسدره بی بورین آلتوندن پروانه لور در دیشلر دیوب تفسیر قاضی و کشفده بعضیلر سدره به
 ملائکه مدن جم غفیر و جم کثیر او شوب سدره قاتده حقه عبادت ایدر * حضرت رسول علیه السلام
 سدره بیر اقلردن هر ورق اوستنده بر لک طور در کورد که الله تعالی به تفسیر ایدر دیو بیور * بر حدیثده
 دخی سدره بی بورین بشل و شاردن زفر قدر یعنی قنادی آچیلر در دیو بیور * تفسیر سحر قندیده سدره بی
 بورین نور رب العالمین یا التوتدن چکر که لماننده نورد در دیو مذکور در * تفسیر و سیرده سحر تر در که سدره

اتحادک کوکی جنتده حضرت رسول مقام شریفنده اولوب یانی اشاعه توب یا بر جنتلرده اولان مسلمانلر
 مقاملر نه برزخال کسیر الذوالی و اصلدر حضرت رب و دود هر نه در لومیه و راعش ایه اوستنده
 موجود در * تفسیر تعلیمده حضرت رسول علیه السلامدن می ویدر که روز جزا ده هر مؤمن ایچون (نفی
 لعیبدی عماشه) دیو نجره طوبیا نه انداختن و علا ایدر که افراد عباددن مراد فواض صفا معتاده کوره آت
 و طون و حله و تاج و طعم و شراب و حور و غلمان و سایر اسباب تنم و ابتهاج طوبی اتحادک بود ایلر بیر اقلری
 اراشده محض قدرت خدا ایل بیداه عددن پیدا و هوید اولور * مستدرک حاکمده دخی می ویدر که بیخبره ز
 یوریدنی کوکده بکاسدره المنتهی کوسر لدی ساقندن ایکی نر ظاهر و ایکی نر باطن آخر یا جبرائیل بولندر
 دیدم دیدیکه باطن آقنلر جنتده در ظاهر آقنلر نیل و فرات ابره قلمردیو صحیح مسلمده دخی می ویدر که سیحان
 و جیحان و فرات و نیل جلد می اتمار جنتدن در (هفت آسمان) معتبرانده طبقات ارضین و سموات بدشرفات
 اولوب هر طبقه تک قانلغی و ایکی سکن مایینی بشر یوز یلیق بولدر دیوب * تفسیر ابوالسعودده کول یوزی حکا
 زعم ایدر کاری کی کروی اولوب یعنی طوب کی مدور اولوب مبسوط یعنی دوشش و یا بلس ایدوکی متفق
 علیه جمهور در * معتبرانده متفرقه ده اولان اختلاف اقوال اوزره مذکور در که (سماء دنیا) اسمی
 رقیع اولوب موج مکشفون یا خود صوابه بولوندن یا زبردن برادوب ملائکه می او کوز صورتمده در
 برادلدن بر و تسبیح و تقدیس ایل قیام اوزره بردوام اولوب رتبه لری سکن اسمی اسماعیل یا انرا فیلدر (سماء ثانیه)
 اسمی قیدزم یا خود پراز تکون یا خود از قلول اولوب آتی می مردن یا آتی کومشدن یا قوتدن یا التوتدن
 یا آتی زمردن برادیلوب ملائکه می حقا یا ارسلان صورتده جلد تهلیل ایل قیامده یا خود و عله رکوعده
 اولوب رئیس لری اسمی مجابیل یا امر ایلدر (سماء ثانیه) اسمی ماعون یا خود زبولن یا خود قیدوم یا خود عینا
 اولوب دموردن یا آتی انجودن یا صاری یا قوتدن ملائکه می قوشن کی اولوب جلد می خشوع ایل
 رکوعده و رئیس لری اسمی عدائیل یا خود صوابه ایلدر * مواهب لدینه ده بولملکار نیجه قنادلری و نیجه
 یوزلری وارد جلد می صغوف کثیره اولوب رفع صوله تسبیح ایدوب قیامده درل دیوب بهض کتبه
 جلد می موجودده درلر دیو مذکور در (سماء ثانیه) اسمی اربلون یا خود از بولون یا خود عز یا خود ماعونا
 اولوب باقردن یا آتی کومشدن یا انجودن یا قوتدن یا خود جلد * ملائکه می آت صورتده اولوب
 جلد می موجودده درلر رئیس لری اسمی صله ایل یا خود موصائل یا خود عزرائیل یا خود موصائلدر
 و اشوب ملکار رنگاری آتش رنگنده اولوب سایر خلقلری قار کیمیدر دیشلر * بعض معتبرانده جلد می
 قعودده در دیوب مواهب لدینه ده کی رکوعده کی موجود کی قیام کی قعود اوزره انواع عبادات
 ایدر لری ایلرندن برین حق بر خدته گوندرد که یاشده طورین ملک عبادته کمال اشتغالندن بولداشی کندو کنی
 بیلزدیو مذکور در (سماء خامسه) اسمی رتقا یا خود برعا یا خود جیقا یا خود البیاقون اولوب کومشدن
 یا آلتونلر ملائکه می خور عین صورتده در * بعض معتبرانده اشوب ملکار بیدی عدد لون لطیف
 غیر قابل التمر یقبملون و مزین اولوب جلد می خوف خدا ایل دایما یکا ایدر دیوب بعضنده دخی یوزلری
 اوزره یا قوب ناله و افغان ایل کر یا نلدر دیو بیان اولمشدر رئیس لری اسمی کلکائیل یا خود کلکائیل یا خود
 سطا ئیلدر * بعض معتبرانده جلد می خشوع و تسبیح قیامده در * بعضنده دخی کی رکوع و کی
 موجودده اولوب قیامته دکن باشلرین فالدر من لرو زحشرده (ربنا ماعنه نالک حق عبادتک) دیرلر دیوب
 لکن نیجه معتبرانده بولکلای قیامته جمیع ملائکه دیسه لکر کردیو مذکور در (سماء سادسه) اسمی رقیبا
 یا خود رقیبا یا خود عاروس یا خود عذرتدن اولوب آلتوندن یا صاری یا قوتدن یا آتی انجودن ملائکه می
 ولدان صورتده اولوب باشلرند درلر یوزلری وارد جلد می دیرچو کوب خوف رب رجاندن ماتدر برل
 خزان لزان صوت اعلا ایل تسبیح مولی جل و علایه مداوم و ملازمدر رئیس لری اسمی شغائیل یا خود
 روعا ئیلدر * مواهب لدینه ده التخی کولملکار نه کروییون دیرلر عدلر بی همان رب احدیلر رئیس لری
 برملکدر که تمش یلمکه انلر هر بری دخی تمش یلمکه حاکم اولوب دنیا امور نه حق تعالی بولری
 کوندردیوب * بعض کتبه بولکولملکار دایما قائم اولوب تسبیح ایدر دیو مذکور در (سماء سابعه)

ا کما سبب استماعی صورتی یارب بن طوغد قدغه بعض قولارک بکا طارل دید کده چیق سکا اندن
 نسته یوقدر ابله جهنم یتر دیوندا خدا کاد کده طوغار * بعض سافدن دخی مردر که کونشک اون ایکی
 برچی واردر که هر برنده بر آیت طوروب هر برنده و توره طوغار واردر که هر کون برندن طوغوب برندن طوغور
 هر ایکی مطلع اراشی اربه قدر در * ابن عباسدن دخی مردر که کونش طوغق ایستد کده بر شیطان کاوب
 مانع اولور کونش ایکی یو یوزی اراشدن طوغوب شیطان کونش اتنده یانر کونش طوغق
 ایستد کده حق تعالی به مجده ایستون دیو بر شیطان دخی مانع اولور انک دخی یونوزلی اراشدن
 طوغق شیطان یا نوب (ماطلعت الایین قری شیطان و ما غربت الایین قری شیطان) حدیث شریفی
 یو عنایه اشارت در * صحیح بخاریده هر کجه کونش عرش اتنده مجده ایدوب مغربدن طوغاغه
 اجازت دیر یو حدیث صحیح مسنده دخی اول علامت قرب قیامت طلوع شمس من المغرب الیه خروج دایه
 الارض در که ایکی سندن قنقیسی مقدم اولور سه اوری دخی اکا قریب زمانه ظهور ایدوب بر حدیث
 و جمیع کتب حدیثه بعد طلوع الشمس من المغرب توبه قبولی منسند و بعد واقع اولان ایمان و توبه
 عند الله رد اولور دیو بر حدیث ذکر اولور * لکن مستدرک حاکمه مردی بر حدیث مفصل محصلی
 بودر که نزول عیسی و قتل دجال و نصره یا جوج و ما جوج خروج ایدوب ابله هلاک اولد کده کونش
 مغربدن طوغره نیجه معتبر اتده تعدد روایه حضرت ابن عمردن مردی و محمد در که شمس مغربدن طوغوب
 یکر می یل یکد کده جمیع دیاده * لما نزلت ایدوب بعد تمام یوزیل کافر لایله طوروب بعد قیامت کافور
 اوسته قویار * خبریده الهیایده حضرت علیدن مردی ویدر که بعد خروج یا جوج شمس مغربدن طوغوب بعد
 قیامت قویچه یوز یکر می یله دل اول کی کبی مشرقدن طوغوب لکن کونرا غایت قصه لوب ییل بر آیت قدر
 آی هفته قدر هفته بر کون قدر کون بر ساعت قدر اولوب خروج دایه بعد طلوع الشمس من المغرب واقع اولور
 فواجح مسکیده * فماتلندن مردی ویدر که اول علامت قیامت خروج دجال آخری طلوع الشمس در * قتاده دن
 دخی مردر که قتل دجال و نصره یا جوج حقیق اولد ابله هلاک اولد قنصره عیسی علیه السلام وفات
 ایدوب بعد النزول دیاده جله قری ییل طور مش اولوب بعد حبش کافر لای کعبه فی یقوب بعد کونش
 مغربدن طوغوب یوز یکر می یلندن صکره قیامت قویار * کتر الاسرا دره ابن عباس قولنج یوم قیامتده
 کونش عرشه داخل و متصل اولوب بعضیلر قولنج حق تعالی نک دبلد و کی ره کیدر نیجه ل قواجه جهنمه
 آنلور عطا قولنجه دریایه آنلور نایس یا لکتر قراحوالی بودر که شمس کبی قردخی نور عرشدن براد لدیقی
 حدیثه مصرح اولوب کتاب العظمه ده سلمان فارسیدن مردی ویدر که الله تعالی قری نور جیابدن برادوب
 یوزینه بونی یازدی (انی ان الله لا اله الا انا و وضعت الشمس و خلقت الظلمات و النور فالظلمة ضلالة و النور هدی
 اضل من شئت و اهدی من شئت) فارته دخی بونی یازدی (انی ان الله لا اله الا انا خلقت الخیر و النور بقدری
 و عزی ابلیس بهما من شئت من خاتی) عکر مه دن دخی مردی ویدر که جرم قرع نام دیا قدر در * کتاب المسالکده
 مذکور در که جرم قرتقر ساجرم ارضک او توظقه و زور و جرجراشدن بر جزوی قدر در * کتاب العظمه ده حسن
 بصیردن مردی ویدر که قریارب کونشی سندن افضل ایدوب بنی ناقص و عیلول ایدوب * ایدی انی بن عیبه مطلع ایتمه
 دیو مشاجات ایتمکین فرق نور لوطرقی کونش نور سز طرفه یعنی کونشک خلایق طرفه دوشور مشدر
 (ناشما) شمس ایل قرع قدغه مشترک اولان اخبارک بعضی بودر که * تفسیر تعلیمده مذکور بر حدیث
 مفصل محصلی بودر که الله تعالی ادمدن غیری جله اشیا یی براتند قدغه نور عرشدن بری دیا قدر بری دخی کوچک
 ایکی کونش برادوب مشافع خاق ایچون لیل و نهار فرق اولغه جبرائیل امر ایدوب قری قنایه اوج کره
 صیغایوب ضیاسی کیدوب نوری قالوب حالا وجه قرده کورن سواد آننددر (فجعو نایه اللیل و خلعتا آیه
 التمار بمصره) آنندن مراد بودر * تفسیر لایله ابن عباسدن مردی ویدر که نور شمس و قریش جز اولوب قدر دن
 الشمس طغوزی شمسه قانلوب قرده همان بر جزه قالدی * کشفافه دخی ابن عباسدن مردی ویدر که شمس و قریک
 یوزلی کوکاردن طرفه اولوب ارقه لی دیا جابنه در * تاریخ بخاریده حضرت رسولدن مردی ویدر که شمس
 قدر دن بری الله تعالی نک عظمه سندن بر نسته کورد کده مچراشدن آیر ایلوب کسوف واقع اولور کتر الانرا دره

دخی مردی ویدر که یور مشر الله حقیقون اگر اول مچراشدن ظاهر اولیدی حرارتندن بر یوزی یازدی
 اگر ظاهر اولیدی حسن و جلالت خلق مفتون اولوب اکا طارل دی حضرت علی و ابن عباسدن دخی
 مردی ویدر که شمس و قری قیامتده بجای نورلرینه قانلور * کشفافه قیامت قویچه شمس و قری نور کیدوب
 سیاه اولد قانلرند بر بر جمع اولوب (انکم و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم) آیتی خواستجه جهنمه
 آنلور دیومذ کوردر (رایعنا) یا لکتر نجوم احوالی بودر که جله می نور عرشدن براد لدیقی مقرر اولوب
 کتاب العظمه ده ابن عباسدن مردی ویدر که نجومدن هر بر نک طولی و عرضی اون ایکی شرف خندر * احیایه
 العلومه اصغر نجوم اوج کره یوزی قدر در کبری یوزی کبری دیا قدر در * ثوب لایا کبرندن مردی ویدر که
 یوقدر * تفسیر مکیده مذکور در که جمیع نجومک هر برینه قنبدیل کبی نوردن بر زنجیر طاقلوب هر زنجیر
 بر نورانی ملک الله در یوزینه ضیا اولون دیو کولک اتنده هواده طوغوب دورلر تیغ صوره ملائکه
 وفات اید کاردند الازرندن یوشاوب جله می زنجیر لایله یوزینه دوشور * تفسیر واحدیده امام کای و عمامدن
 مردی ویدر که هر یلدز آنندن زنجیر لایله قنبدیل ایچنده و زنجیر لایله مکار الله اولوب قیامتده انلر وفات
 اید کده جله می یوزینه دوشور * کتاب العظمه ده حضرت علیدن مردی ویدر که (فلا تسم بالخمس الجوار
 الکمنس) آنندن مراد یلد زردر که کم کشانی آت سکر در کبی سر عتله کچر لسهیل یلدزی ساقایمن شهرنده
 عشر جمع ایدوب بر ظالم کمنسه او اغبین مسخ اولوب یلدز اولدی * ابن عباسدن دخی مردی ویدر که حق تعالی یلدز له
 بعض نسته سهیل دخی بر نسته امر ایدوب سهیل مخالفت اید کده حق تعالی انی دخی مخالف ایدی یعنی
 مسخ ایدی * بعض سلفدن مردی ویدر که سهیل یلدزی مسوخ در زمان اسلامده طوغقه باشلیدی * حضرت
 رسولدن مردی ویدر که ثریا یلدزی طوغد قدغه شهر دن آفت رفع اولور بعض سلفدن دخی الله حقیقون هیچ
 بر کمنسه نک کوکده یلدزی یوقدر * کن کا هنلره یعنی باقیجه لره تابع اولوب نجومی علت طور لردی ویدر
 هاروت و ماروت ایل زهره یلدزی قصه سی ادربس پیغمبر زماننده واقع اولمشدر دیو تواریخده تفصیل اولوب
 لکن مشاهیر تفسیرده روایت یو و در دیو مردی ویدر در (خامسا) شمس و قری و نجومده مشترک لکرا و لنان اخبار
 بودر که * کتاب العظمه ده شمس و قری و نجوم نور عرشدن براد لدیقی بر حدیث مردی ویدر * ابن عباسدن دخی
 مردی ویدر که الله تعالی کوکدن اوج فرسخ اشاعه ده بر دیار اتمشدر که موج مکفوف اولوب هواده قدرت
 حق ایله معاق طوروب یوزینه بر قطر می دو کز اوق کبی سر عتله آقوب شمس و قری و نجوم انک ایچندن سیر
 ایدر (وکل فی فکایسجون) آنندن مراد بودر دیش * معلوم اوله که حکما و علما هیئت و نجوم سبعة
 سیاره نک هر بری بشقه بر وفات کوکده یا لکتر حرکت ایدوب سائر یلدز لک جله می علماء شریعت قری
 دید کاری فلک نامنده میخلو اولوب فلک ایل یلد دورایه دکلر یچون انلر نوبت کرسیه و فلک نوبت و عرش
 عالی نجومدن خالی اولغین اکا فلک اطلس دیو نجومک اولکی کوکده کورند کاری سما و انک کشفاتی
 اولوب اجسام لطیفه نورانیه اولد قری یوندر بلالور * کبی که بر طرفنده اولان نسته بهیتمه او بر طرفده
 کوکد یوز دیو بعض علماء سیارات مذکور فی افلاک تریبی اوزره نظم ایدوب دیشلر که (قطعه) سبع
 سیاره از نجوم سما باوقا نجومین ملل * قراست و عطارد و زهره * شمس و مریخ و مشتری و زحل *
 لکن هیجة النجومده و هیدن مردی ویدر که شمس و قری و نجومدن هیچ بری سمایه متصل اولوب فلک کبری ایل
 سما دنیا اتنده اولان دریاده سیر ایدر لر نورلری حرارتندن یوزینه اولان اشیا یا سون دیو یوزلی کولک
 طرفه ارقه لری بر طرفه دوشور * تفسیر واحدیده و غیره ابن عباسدن مردی ویدر که شمس و قری و نجوم
 قیامتده دریایه آنلوب بعد بریل اسوب حکمت رحان ایل جله می آتش سوزان اولور (والله اعلم بما اظهر
 و ابهم) کم کشان (عریجه امی مچره نور کجه همان او غرسیدر * کتاب العظمه ده مردی ویدر که حضرت رسول
 علیه السلام کوکده اولان مچره عرش اتنده اولان اژدها نک عرقی یعنی دریدر دیو سمایه دن معاذ
 ابن جلی بن شهر نه قاضی کوندر کده یا معاذ بن سنی اهل کتاب اولان قومه کوندر دم کوکده مچره ندر دیو
 صورت قانلرند عرش اتنده کی یلانک لعلانی یعنی اغزی یاریدر دیو جواب ویردی یوزدی * حضرت
 علیدن دخی مردی ویدر که مچره ابواب معاد که الله تعالی انلر دن قوم نوح اوزرینه مابنهم یا غدر مشدر

این عبادت دخی می ویدر که بحره باب معادر و طرفیدر اندن دور بی اسوب صاع و صوله طباغیور
 و الله اعلم (لیل و نهار) کتاب العظمه ده سلمان فارسیدن مریدر که کعبه به مؤکل بر ملک وارد که آدی
 شرا هیلدر اخشام یا فلاشده ده مغرب طرفندن بر صیاه یونجی چقاروب کونش انی کورد کده کوز پوموب
 اجنه سر عتله طو انوب آنی کور میخه طولما مقله مأمورد صبا حه دل اول یونجی معلق طو ووب
 صبا یا قلدر ده هرا هیل آدور ملک مشرق طرفندن بر آق یونجی چقاروب آصوب شرا هیل انی کورد کده
 کعبه یونجی صا قلیوب کونش اول یونجی کورد کده طو غوب انی کور میخه طو غماغه مأمورد
 این عبادت دخی می ویدر که الله تعالی مشرقه ظلمتدن بر حجاب برادوب انی بحر صایع اوزرینه قومندر
 قیامته دل قاج کعبه اوله جی ایسه اکا کفایت ایده جک قدر ظلمات قوبوب کونش طو لدر ده کعبه به مؤکل
 اولان ملک کاوب اول ظلمتدن بر قبضه آلوب بعده مغربه فارشو طو ووب باره قاری آراسندن تدر بجله
 قوبو ویر شفق غایب اولده ده السده اولان ظلمتی دنیا یوزینه دفعه صالی وربر بعده ایکی قنادیه
 جله عالمه یا یوب کعبه قرا کولغنده قنادی نوری آیدن غنی اولوب صبا یا قلدر ده قنادی کورد و به
 دوشروب ظلماتی بربر کنوروب الیه مشرقدن آلوب مغرب طرفنه بحر صایع اوزرینه قور والله تعالی
 کعبه بی کوندوزدن اقل بر اعشدر والله اعلم بالصواب

باب ثالث در ذکر ملائکه کرام علیهم الصلاه والسلام

اشبو طریق عبادت عوا کفک جمیع انواع واقسامی بلکه ایچلرندن افراد عظامی غایت کثرت و نهایت وفرت
 اوزره اولغین جمله سنی ذکر و تفصیل مختص و مستحیلدر لکن اساسی و احوالی معلوم اولان بعض اشراف
 افراد و اصناف ذکر می نوعا آسان و داخل دایره امکان اولغین مناسبت کلیه اقتضای سلسله کثرت
 اجالا ایسانی یا بحجاب نایده کیچوب وینه تقریب نام الیه باب رابعده ذکر اولونه جقلرک ماعداری یونلدر که
 حالایانلر نه علی الوجه المطبوع شروع اولنور و بالله التوفیق (جبرائیل علیه السلام) معلوم اوله که
 جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام بالاتفاق ملائکه ایچنده الله تعالی نیک رسولاریدر
 سائر ملائکه حقنده دخی اگر چه کتب معتبره ده جله سی رسولدر دیونصر یح اولندی لکن (الله بصطفی
 من الملائکه رسلا ومن الناس) آیتی قطع ادالات ایدر که بنی آدم ملک جله می رسول اولد یغنی کبی ملائکه نک
 دخی جله می رسول اولیه لر بر کلمه من تعبیضیه ایدو کی مقرر در حق تفسیر و احدیده بویه کریمه معناسنده
 بکبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل دیونب امام غزالی رحمه الله کتاب کشف العلوم الاخره ده آیت
 مزبور بی ذکر ایدوب رسل ملائکه کروییون و جله عرش و احکام سر ادقات جلالدر ویدر زین
 المجالسده مذکوردر که جبرائیل یک آلتیوز قنادی اولوب بدن حسنده سرتاپا زعفراندن قیلار اولوب
 هر برینک اوستنده بر آری و نیچه بلند زوایکی کوزلی آواسنده بر کونش وارد و اکثر معتبراته مسطوردر که
 حضرت رسول علیه السلام جبرائیلی ملکیتی صورتنده کورد کده در ویا قوت الیه مر صبح آلتیوز قنادی اید
 کور مشدو که هر بری آفاقی سدایده جک قدر ایدی کشفده من ویدر که حضرت رسولدن غیری بر فرد جبرائیلی
 ملکیتی صورتده کور ملک میسر اولیوب انلره دخی ایکی کره واقع اواشد بر بری اول نبوتلر نه ییروزنده بری
 معراجده کول یوزنده در کترالامر اراده و هبدن مر ویدر که (جبرائیل کریم المقرنون علی خطر عظیم) خوا سنجه
 خشیت رب عزتدن و هیبت عظمت الوهیتدن مانند برلن خزان هر زمان هر نفس لرزان اولوب هر رعه سندن
 یوزینک بر روایند همان یکر ملک برادوب انلر دخی خشوع الیه کف بر کف صف اولوب تکلمه اذن آله
 اولد قده (لا اله الا الله) دیرلر جبرائیل خدمت معینه می انبیایه نبایغ امر الیه اولوب رباح و جنوده
 مؤکدر و تفسیر کعبه ده بعض صحابه دن مر ویدر که میزان اعمال قیامته عرش مقابله سنده قور یلوب
 بر کفه سی جهنم اوستنده در کمال وسعتدن ایچنه بر لرو کور صغار جبرائیل علیه السلام میزانک عمودین
 طو نوب لسان میزانه نظر ایدر که کشف علوم الاخره ده میزانک بر کفه سی آق انجودن اولوب عرشک صاع بائنده
 بر کفه سی ظلمتدن اولوب عرشک صول طرفنده در دیونب کترالامر اراده حضرت حدیقه دن مر ویدر که
 قیامته اعمال انسانی جبرائیل وزن ایدوب عمود میزان دست حق برست باطل شناسنده طو نوب طور

رسالة سیوطیه ارواح مؤمنین قبض اولنده قده جبرائیل تسلیم اولنور دیو بر روایت اولوب تفصیلی عزرائیل
 علیه السلام احوالنده کاسه کر کدره تاریخ امام ابن حنبله جبرائیل امین واسطه و جی رب العالمین اولغین
 قیامته جمیع مخلوقاتدن اقل سوال و حساب اکا اولور دیونب کشف علوم اخره ده خصوص صاحبیه
 آدور ترکی منظومه ده بو خصوصک تفصیلی مر قومدر جبرائیل متعلق دخی بعض امور مناسبت کلیه اید
 بحر نور و سدره ویت معمور احوالنده مذکور اولمشدر (اسرافیل) علیه السلام عرشی کورتون درت ملک
 بریدر که اشاعیده حله عرش احوالنده تفصیل اولنور لر یوقار وده ذکر اولنان صوری دخی قیامته ده لا حق
 یودر بنجیدن اغزشه آلوب اجازه منتظر در کترالامر اراده امام اوزاعیدن مر ویدر که اسرافیل علیه السلام
 انسان صورتده اولوب جمیع مخلوقاتده یوندن خوب تفصیل برادوب شروع سماع اید صکده اهل
 سموات بی اختیار عباداتی استماع ایدر لکن اکثر علما بلیغ وحی و واسطه امر و نهی جبرائیل امینه تعیین اولغین
 افضل جمیع ملائکه اودر دیوب بکار علمادن نیچه لر جبرائیله و غیره وحی الیه بی و جمیع آوامر و نواهی بی لوح
 محفوظدن اعلام ایدوب تقسیم احکام ایدن اسرافیل علیه السلام اولوب افضل ملائکه یودر دیو جسم و رسم
 ایدوب کتاب شهب الایمانده دخی لوح محفوظ اسرافیل بائنده طو ووب ایچنده اولان امور عوام علویه
 و سفلیه دن بر نسنه نک صدورینه اراده الهیه اولد قده لوح برندن قانوب اسرافیل آلتیه طو ووب امر مقدر
 جبرائیل و میکائیل و عزرائیل و سائر ملائکه دن قنفسینک خدمت معینه متعلق ایسه اسرافیل اکا اعلام ایدر دیو
 اسرافیل جله ملائکه دن افضلین مشعر بر مفصل حدیث شریف مر ویدر زین المجالسده و غیره ده مذکوردر که
 اسرافیل علیه السلام جسامته اعظم ملائکه اولوب عرشک درت گوشه سندن بریسی یونک یا غزنی
 اوستنده در قنادی ییجده و یایان ویدی سرتاپا بر روی و دهان اولوب هر راسان بدیع البیانی ییک کره ییک
 لغتله تسبیح رب رحمان ایدوب هر رفته سندن کند و به یکزر بر ملک برادوب انلر دخی تسبیحه مشغول اولوب
 یونلره مقربون دیرلر هر کون اسرافیل اویج کره جهنمه نظر ایدوب بی شک و گمان مائده کمان ایکی قات بو کاوب
 کران اولور جمیع بحار و انهار سر شرف افسر نه دو کله غایت بیو کلو کندن بر قطره سی اشاعه اینجودی
 جبرائیل علیه السلام هر برینک اوزون غنی بشیوز ییلق یولدر آلتیوز عدد قنادیه اوچوز ییل متصل اولان
 اسرافیل اغزشه یولری آراسنده اوچوب یورینک اوچنه وصول حه ول یولدی کترالامر اراده ابن الجوزیدن
 مر ویدر که جبرائیل علیه السلام مشرقه مغرب اراستی بر قنادیه طو ووبشکن بن اسرافیل قنادی ایچنده اوچسم
 و کیچوب کنتم اصلا خبر دار اولزیدی دیش کشفده اسرافیل علیه السلام جسامت و ضخامتده حد و نما اید
 ایکن هرگاه کمال هیبت عظمه الله عز علاه و جل عن الاشیاء بیبیه صغیر و حقیر اولوب بر سر چه قوشی قدر اولور
 دیو بر حدیث شریف مسطوردر که کتاب الاوائله حجه ده آلتیوز اسحان ربی الاعلی دین و امر حقه حضرت
 الله ابتدا حجه ایدن اسرافیلر کتفا سیرده و هب قولنجه آدمه ابتدا حجه ایدن جبرائیل بعده
 میکائیل بعده اسرافیل بعده عزرائیل دیونب کشفده ابتدا سحان ربی الاعلی دین میکائیلدر میکائیل
 علیه السلام زین المجالسده اسرافیلدن بشیوز ییل صکره جبرائیلدن بشیوز ییل مقدم برادنده قنادی
 زمر ددن اولوب بدی سرتاپا زعفراندن قیلار له محلا در هر قیل اوزرنده ییک کره ییک یوزهر یوزده ییک کره ییک
 اغزشه آغزده ییک کره ییک دبی اولوب جسم نورانی رهنده ییک کره ییک کوزی وارد و عاصات محمد ایچون
 دایم باکایدوب هر کوزندن بتش ییک قطره دو کاوب هر قطره قدرت خالق قال الیه میکائیل صورتده بر ملک
 اولور یونلره کر ییون دیرلر جله سی میکائیلک اعوان و انصار یدر تعیین حضرت باری الیه بحار و امطار
 و نباتانله جمیع لوازم ازیاق مخلوقاته موکالدر آدمدن انتباه عالمه دل بقان یغمور لک و دیالرده اولان
 صولرک هر قطره لرینه و جمیع نباتات دنیانک هر بروق و دانه سته یونلدر بر ملک موکلدر دیو مذکوردر
 ملائکه نک و هر ییل یا غه جی یغمور لک عددنی و مقداری ییلور اید کاری اشاعیده ابرو باران احوالنده
 بیان اولنور نظر اوانه معراج النبوه ده معراج حدیثنده میکائیل آلتی کور کده بر کرسی عظیم اوزرنده
 مقیم اولوب اوکنده ییجده و یایان طومار اولوب بر یولک ترازد دخی وارد و کفه سی ییلر الیه کوکلر دن یوکلر
 تحت حکمتده یوزینک سردار وارد که هر بری بشیوز ییک ملک صفت بغلیوب میکائیلک امرینه

منتظر در خلق آدمین بکری بش بیک میل مقدم روح نقر عالم صلی الله علیه وسلم ایچون صلواته مشغول
اولوب قیامتہ دلنیاغه حق فاروقه مور و طوطی و قطره لری ایند رکه ویرده بتن انجبار و اوراق و ثمرات و کلاه
و سایر زیورات و حیوانات دانه لری و برافلرینک و هر بری بتور مکه اشبو ملکاردن بر ملاک موکل اولوب ادا
خدمت ایدر دیومند کور درونته درمن قال موافقا الحسن الحال (نظم) ابرو بادومه و خورشید و فلات در کارند
تا توانی بکف آری و بفقت شغوری همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار * شرط انصاف نباشد که تو فرمان
نبری (عزرائیل) علیه السلام زین الجمال سلمه مذکور در که وجوه و السنه واجحه جهنمندن اسرافیل علیه
السلام صورتی در * مقاتل بن سلیمان ایدر آلتی کورده یمش بیک پایه لوروردن بر سر بری نظر اوزرنده در
دور قنای اولوب بدی سر تاباد همان و چشم اولوب ذوی الاواحندن هر بر فرد جهمند کی کوزلردن
برری ایل نظر ایدوب بر ذی روح وفات اید کده اول کوزنسانور برایی جنت برایی جهم اوستند در
انیدان غیر یلر و روحی قبضه کند و بالذات وار من تحت حکمندی بعد و پایان انصار و اعوانی وارد که قبض
ارواح ایلر بعضی کوندر در جهمند اولان کوزلردن غیر نیجه کوزلری دخی وارد که کندوسی وفات
ایده بیک زمانه قریب جل سی قیابوب همان سکر دانه قالدقده جل مخلوقات وفات ایدوکی معلومی اولور
کنز الاسرارده (الله یوفی الانفس حین موتها) ایل (قل یوفاکم ملک الموت الذی وکل بکم) ایل (توفته و سلنا
و هم لا یفرطون) آیتلری توفیق و وجهله تحقیق اولمشدر که ملک الموت توفیسی اعوانی توفیسی ارواحی نزع
و قبض ایدوکی در حضرت حقل توفیسی محتضرن حیاتی ازاله ایدوب موت برانده فیدر قول اصح
اوزره طاقه جنتک و جمیع حیواناتک دخی ارواحی عزرائیل قبض ایدر * معارج النبوه حذیت
معراجده مذکور در که عزرائیل تخی دور دخی کوکده در تحتک دورت یا نسدیدش یوز بیک پایه
اولوب صاعقه خوب صورت و نورانی مولنده مهیب خلقت و ظلماتی ملائکه اولوب تسبیح اید کارنده
صنف نایینک آغزلردن آنشلر حیثوب و اللرنده آتشدن سربلر و عودلر طوبوب عزرائیل کند و اوکده
برایکن و بر جریده عظیمه طور که دفتر اجل مخلوقات و اللرنده دخی بر لوح طوبوب دائما کاباقوب اید
هر جانلواجل یا زاشدر و اوکده بر یولنا غاج وارد که هر بیرا غینک بر طرفنده بر جانلوناک اسی اردنده معید
یا خود شقی ایدوکی یا زاشدر ایچلردن بری صحتدن بری اولوب و زجاج مزاجی شکسته اولد قده بیراخی
صاراروب وفاتی قریبده قوروب لوحده کی اسی اوستند دینر انک اجلی کادیکن عزرائیل اندن یلور
باشنده اولان ملائکه رحمت و عذابدن یمش سردار که هر برینک تحت حکمندی یمش بیک ملک وارد و قبض
روحه بونلر بعضی کوندر روب بونلر دخی خسته نک روحی اعضا سندن بوعازینه کنورد کارنده عزرائیل
علیه السلام تخی اوستند الی لکنه صوقوب روحن بالذات قبض ایدوب سعدان ایه صاع طرفنده
طوران آتیز بیک ملکه و ربوب علیه اشقیان ایه مولنده طوران آتیز بیک ملکه و ربوب محینه
ایلتور علین نه ایدوکی یوقاروده ذکر اولوب محین نه ایدوکی اشاعیده کور (فائده) شیخ جلال الدین
سیوطی رساله بشری الکتاب بلقاء الحبيب ده کیفیت قبض روحده نیجه احادیث شریفه لطیفه یازوب
هر برینک اجمالی بودر که بر مؤمن محتضر اولد قده کوکدن نورانی ملکار جنتدن آق کفنلر و بخورلر ایل کلوب
خسته نک کوزی ایدر کی برده و عزرائیل علیه السلام دخی کلوب باخی اوجنده او توروب (یا ایها النفس
المطمئنة اخرجی الی مغفرة من الله و رضوان) دید کارندن چقوب عزرائیل الی الینه آلوب بعده فی الحال
ملکار آلوب کفن جنته صاروب سکدن لطف و اعلا رایحه ایل کوکاره چکلوب هر طبقه نک ملکارندن
نیجه لطفی ایل کیدریدخی کوک و وارد قلرنده قولک کابن علیونده یازوب بر یوزینه ایدرک دیونده
خدا لکین بدنه اعاده اولور بعده نکیر و منکر کلوب سوال ایدوب جواب صواب و برد کده جانب
سعادن صدق عبدی (فاقرشواله فی الجنة و بالسلام و امن الجنة و افتحواله یا ایها الجنة) دیونده کلوب بعده آثار
رحمت رب کریم و غفور و صدور و ظهور ایدر بر حدیثک دخی اجمالی بودر که مؤمن محتضر اولد قده ملائکه
رحمت آق برکتوروب (اخری راضیه مرضیه عنک الی روح الله و روحان ورب غیر غضبان) دید کلرنده
مسک کی خوب رایحه ایل روحی چقوب ملکار اللرنده قورولوب صلواته وارد قلرنده ارواح مؤمنین

استقبال و دنیا ده اولان اقربا و احبالدن مفصل سوال ایدر لری بر حدیثک دخی اجمالی بودر که مؤمن محتضر
ملکار مسک و ریاحین ایل هر جنت کتوروب یا غدن قیل چکاور کی روحی چکلوب (یا ایها النفس المطمئنة)
اخری راضیه مرضیه عنک الی روح الله و کرامته) دیو خطاب اولوب بعده اوزلر رته مسک و ریاحین
قوروب هر یو صاروب علیونه ایلر لری بر حدیثک دخی اجمالی بودر که الله تعالی عزرائیل عصاة مؤمنیندن
برینک روحی قبضه کوندر کده شومقدار عذاب ناردن صکره دخول جنت ایل بشارت ایل دیو بر مغین
اول مرده دل بر مرده به یو وجهله تیجوب و مرده ایدر رساله مزبورده نیجه احادیث شریفه و اخبار لطیفه
دخی اولوب اکن حذر عن کال التطویل تفصیل اولمادی و تفاسیرده (الذین توفاهم الملائکه طیبین یقولون
السلام علیکم ادخلوا الجنة بما کنتم تعملون) آیتند بعض تابعیندن مریدر که مؤمن محتضر عزرائیل
علیه السلام کاد سکده السلام علیک یا ولی الله الله یقرأ علیک السلام دیوب جنت ایل مرده ایدر
(جهنم الله من المبشرین بجمرة رسول المبشرین) تفسیر و اخذیده حضرت رسول علیه السلام دن مریدر که
امراض و اوجاع موتک ایلیدر بر کشینک اجمالی کلد کده ملک الموت بالذات کلوب ای تکرری قولی سکا
نیجه بر خبر لور رسول کاسون آشته بر خبر و رسولک بند نصکره آری خبر و رسول کلز کلز رضا کلز کرامت
ایلر بیک دعوتنه اجابت ایل دیور روحی قبض ایدوب اقربا و خلاتی قریاد و فغان اید کارنده کیمک اوستند
کریان اولور سر و الله بن انک اجمالی خصوصند و رزق و قدر و منصوبند و لا ظلم ایدم بلکه حضرت رب
العزة دعوت ایتد رانی قولک کند و تفسیر ایچون این و حنین ایلر که ایچلر یکرده بر فرد قالمیجیه دلکیم
سزده مرده اولی کره بعد اخری نیجه تیجه کلام وارد دیو خطاب مشعر العتاب ایدر * کشف علوم الاضرده
مذکور در که اجلی کلان کشی به دورت ملک کلوب روحی بریسی صاع آغندن بری صول آغندن بری صاع
الندن بری صول الندن چکره مواهب لدینه ده مر وی ایکی حدیث همایون مضعوفی بودر که لیله معراجده
قدسه واروب انده کی مصلحتدن فارغ اولد یتمده بر زبان کتوریدلر که ارواح بنی آدم قبض اولد قده کوک
ایدن عروج ایدر بر کسند حالت نرعه کوزی یوقار و دیوب باقدیغی اول سیدندر که آتی کور کده
کمال حشده حیران اولوب باقوب فالور * کتاب سیر ابن هشامده مؤمنک روح روانی اول نردبان عظمت نشانی
کور کده صبر و قناری قالمیوب بی اختیار خروج و اول نردبان آسمانه عروج و ولوج ایدر دیوب بعض
معتبرانده اول نردبانک بر طرفی یا قوت اجر بر طرفی زبرجد اخضر اولوب بیدر کد که دل قدامت بری
التون بری کوشدن اولوب در و یا قوت و زمره دایله صاع و ملح و مسعود دیومند کوردر (فائده) مقر ارواح
حقنده احوال کثیره اولوب کنز الاسرارده ارواح انیس و شمد اچتند در اما ارواح سایره و متین جماع
دنیا ده در بعضلر هر روح کند و قبری اطرافنده اولوب استدیکی بیره صیر ایدر بعضلر جل ارواح صور
اسرافیل ایچنده در دیشلر * بحر الکلام صاحب امام نسفی ذکر ایدر که ارواح دورت قسیدر (بری)
ارواح انیسادر که قبض اولد قده مسک و کافوردن آواکی صورتلرته کیروب جنتده تم ایدوب هر کیجه
عرشده معاق قناییل ایچنه کیورلر (ایچینی) ارواح شم رادر که یشل قوشلر قور صغنده اولوب جنتده ییوب
ایچوب تم ایدوب بونلر دخی قناییل عرشه کیورلر (اوجینی) ارواح مطیعندر که ریاض جنتده اولوب
لکن ییوب ایچو صوب مجر جنته نظر ایل کیچنورلر (دردخی) ارواح عصاة مؤمنیندر که بیر ایل کول ارا سنده
هواده طور در ارواح کفر ایه ارض سابعه آتند و محینه سیاه قوشلر قور صغنده اولوب بدنلرته
انصا لاری اولغین روحلری معذب اولد قده بدنلری دخی متالم اولور اما ارواح مؤمنون علیونده اولوب
نورلری بدنلرته متصلدر کوش کی کد کد و کوکده اولوب نوری بر یوزینه واصلدره رساله بشری الکتاب
ارواح شهدا یشل قوشلر قور صغنده در که جنتده کزوب ییوب ایچوب بعده قناییل عرشه کیورلر ارواح
سائر مؤمنین یشل قوشلر صورتنده در که جنتده کزوب اغا جله و نازلر یا آق قوشلر صورتنده اولوب ظیل
عرشده اولور یا خود دیدخی کوکده اولوب جنتده کی مقاملرته بقارلر یا خود دیدخی کوکده دار الیضا
آدلا واده اولور یا خود بیر ایل کول ارا سنده عدد اولان سبب آد لونه ده اولور یا خود بعد الموت بر ایدل
اوی اطرافنده بر یله دل قبری اطرافنده کزوب بعده ذکر اوانسان سببه رفع اولور یا خود صالی و ربوب

دیدار و کبریا و رفیع و قادر و اولو و با خود که در زمین قیومی ایچند و در لای خود در روح کند و قریب
 اطرافند در دیو احادیث کثیره و اخبار شهره ذکر او انوب * بعده بعض محققین منقولند که حق بود که مقرر
 ارواح حقیقه اولان ائواله تعارض و تمناع تناقض و تدافع اولوب انقیاد و انقیاد ارواح معین مقرر
 دگدر هر طایفه نیک عند الله مرتبه کوره در لکن سلام و خطاب و عتاب و مصلحتات نواب و عقابی
 قیده هر بدن میت حیاتیات ایچون روح هر انسان ایچا کان قبر و جسد اولان جسدنه فی الجمله متصل
 و متعلق اید و کی حقیقه علامه عالی کمر شیخ ابن حجر دخی منقول و معتبر در که ارواح مؤمنین علیینده ارواح
 مشرکین محسینده اولوب هر روح بدنه اتصال منوبسی وارد در که روح ناعلم جسدنه اتصالدن افزون اولور
 بدنه تصرفه بعده مقامه رجوعه مأذون در کتب افصاحدن دخی منقول و در که اهل نهم ارواحی احوال
 مختلفه اوزره در کیمی صورت طیورده اولوب اشجار و جنت اوزره در کیمی یشل قوش و قور و صفتده در کیمی عرشه
 معلق قنادیه کیرر کیمی جسدنه بعض صورتله کیرر کیمی عمارینه کوره برادیلان صورته اولور کیمی
 استدیکه کروب به جسدنه کی مقامه وارر کیمی ارواح موتایی استقبال ایدر کیمی کفالت میکائیلده کیمی کفالت
 حضرت آدمده کیمی کفالت حضرت ابراهیمده در امام قرطبی اشبو قول اخبار مختلفه مابین توفیق ایدر
 دیو قبول و استحسان ایچند * و هب بن منهبدن دخی مریدر که ارواح مؤمنین قبض اولند قده ربانیل آدلو
 ملکه تسلیم اولور که خازن ارواح و مؤمنین اودر * ابن عباسدن دخی مریدر که ارواح مؤمنین جبرائیلده تسلیم
 او انوب یوم قیامتده دلیونک والیسی منسن دیر بعض علماء اهل کابدن دخی مریدر که ضابط ارواح کفار و رومه
 آدلو بر ملا کدر * ینہ رساله بشراده مروی حدیث شریف مفصلده مؤمنک روحی ملائکه کو کاره چیقاروب
 مقام عرضده الله تعالی به ملائکه سجده ایدوب بعده اول روح دخی سجده ایدوب بعده میکائیل چاغروب یوروی
 مؤمنین ارواحی یاتمه و کوم قیامتده سندن صورسم ککر در دیوانه تعالی خطاب ایدر دیو یوراشدر
 * کشف علوم الاخره ده مذکور در که اهل قبور درت حال اوزره در کیمیکدن فی چور یوب طیراق اولنجیه دل
 روحی اموزری اوستنده اوزر یوب بعده کو کدن اشاعیده عالم ملکوتده کز کیمنه دخی حق تعالی او بخوبه
 بکزر بر نسنه حواله ایدوب کند و به نه اولدیفنی بلیوب چاق قیامتده ابتدا صور چالند قده او با نور کیمیکدن دخی
 روحی ایکی اوج آی قبری اوستنده طور یوب بعده بر قوش اوزرینه یوب جسته کیدر حدیث شریفده (نسبه
 المؤمن طائر یعلق فی شجر الجنة) بر حدیثده دخی (ارواح الشهداء فی حواصل طیور خضر تعلق
 فی شجر الجنة) یورلدیفنی بودر * کیمیکدن دخی روحی قبض اولند قده صور اسرافیل یاتمه چیقار یوب صور
 چالنجیه انده طور (دردنچی) قسم انبیاء و اولیاء در که اختیار لری کند و له توفیق ایدر کیمی یوروزنده
 طور معنی اختیار ایدوب قیامتده دلیو یوروزنده کروب اکثر یا بعض کیمنه لاری واقعنده کورر * مذکور
 کشف مؤانی امام غزالی دیر که بن ظن ایدر که حضرت ابوبکر و عمر از لردن اوله ل حضرت رسول علیه
 السلام دیدار و کبریا و رفیع و قادر و اولو و با خود که در زمین قیومی ایچند و در لای خود در روح کند و قریب
 ایدر کارند و کبریه روح شریف لری اوزر ییلده دلیو یوروزنده کروب اوزر ییل تمامنده حضرت حسین شهید
 اولد قده غضب کلوب کول یوزینه کتدیلر انبیانک بعضی کو کاردن بری اختیار ایدوب انبیاء و مرسلیندن
 اختیار لری اللہ زنده اولان همان حضرت رسول علیه السلام و ابراهیم و موسی و عیسی و آدم علیهم الصلا
 و السلام در که جمیع عالمردن هر نه ییزه و اوزر ییل دیر لسه وارر جمیع ارواح اهل قبور لنده رحمت و عذاب و رعایت
 و عذاب اولملری اشبورت طبقه لری حالنه کوره در دیو تحقیق ایچند و الله اعلم (فائده) روح حقیقی
 و ماهیتی حقیقه کتب معتبره ده حکما و علمادان اون بش قول نقل اولوب ایچنده جلال دلائل حسیله اولی
 و اصوب و حجتیه اقرب اولملری همان اوجدر بر بسی (قل الروح من امری) آیتی دلائل اوزره معلوم دگدر
 دیو توقف ایدوب علم رب متعالیه حواله ایچند که ایچنی امام رازی و اکثر علماء اختیار لری اوزره بر جسم لطیف
 نور ایدر که هر عضو انسانی به دخول و حلول ایدر کمل ایچنده آب کور ایچنده آتش بر آتشاب اولدیفنی کیمی
 هر بر عضوده مندرج و مختلط و مندرج و مندرج * اوجنی امام غزالی و نیجه علماء و حکما روح فی ذاته
 جوهر مجرد در که بدن انسانده و آخر ییزه اصلا مکانی اولوب لکن بدنه تعالی تدبیر و تصرف ایله متعلق اولوب

موت دید کبری انقطاع تصرفیدر بدنه ابتدا متعانی روح حیوانی و روح قلبی دید کاریدر که قلب صول
 طر فند اولوب طمازلدن جمیع اعضا به سرایت ایدر غدا نیک بخار لطیفندن حاصل اولور دیو اختیار ایچند و
 آنجین کتند ولی الله اعلم بالصواب (فائده) روح و روان و نفس و عقل تعریف و توصیفده اسلاف و اخلاف
 اختلاف ایدوب کثر الاسرارده اکثر علماء روح لنه نفس شی واحد در دیوب بعض علماء شیعین متغایریندر
 دیش * مواهب لدینه ده قاضی ابوبکر بن العربی حق بودر که روح لنه نفس امرین متغایریندر دیش
 * فوائغ آدلو کابده رساله معراجیه ابن سیناده رواندن مراد نفس ناطقه در چاندن مراد روح حیوانی ایدر
 دیش کتب تلخیص الادله امام صفارده عامه علماء قولنجیه نوم ضدیقه در ضد حیات دگدر راکن
 ابن جبر و عکرمه و بعضی ناعلمدن روح حیات اخراج اولور زیرا حضرت علیدن او بخوبه وارن کسنه نیک
 روحی نه ییزه کیدر دیو صورلد قده صاحبی حرکت ایدنجیه دل هواده معلق طور اجازت اولور سه بدنه
 کیروب انده ساکن اولور اجازت اولور سه وفات ایش اولور دیوب لکن روح روحدن رادر و حاکم ایدر که
 ا کاروان دیر لرو حاکم کند و می دگدر که ا کاروان حیات دیر لرو تا ولیه سبب حضرت علینک کرم الله وجهه
 الی ان یحکمر صاحبیه دید یکیدر برار و حاکم کند و می چیسقه نام نیجه حرکت ایدر ییلوردی ابن جبر ایل
 عکرمه نیک کلامی یوم معنایه حل ایچنک لازم در دیو تفصیل اولمشدر تفاسیرده (الله یتوفی الانفس حسین
 موتها) آیتنده ابن جبریدن مریدر که حالت نومه الله تعالی هر کس نیک نفسی قبض ایدوب اول حالده وفات
 تقدیر ایدر کیمیکدن نفس آلیق یوب حیاتی تقدیر ایدر کیمیکدن نفسی نه بدنه کوندر * ابن عباسدن دخی
 مریدر که افراد انساندن هر بر شخصده بر نفس و بر روح وارد در که ایکسینک اراستنده شعاع نفس کیمی
 بر نسنه ایل اتصال وارد در نفس اودر که تعقل و تمیزانکه در روح اودر که نفس و حرکت انکه در بر کسنه
 اولور دخی زمانده الله تعالی آنک نفسی قبض ایدوب لکن روحی بدنه طور * بحر و طور اولان اشبو عهد
 بر تصور ایدر که فضل ربانی اولان عقل انسانیکه اول مخلوق ایدر دید کاری عقل غیری ایدوکی محقق
 و متفقد برئی نورانی و امر و حاکم در که نفسیات سید شریف جرجانیده مجر دغیر جسمانی اولوب هر کسک
 بن دیو اشارت ایدوکی ماهیت متحققه سیدر که نفس ناطقه دید کاریدر دیو یوب * بعض معتبرانده امام غزالی
 حقیقت انسانیه ده اولان قوت مذکورده معقولانده تعلقی حیثیتندن عقل تسخیمه اولوب بدنه تدبیر و تصرف
 حیثیتندن روح تسخیمه اولوب لذات و شهواته میلی حیثیتندن نفس تسخیمه اولوب حقیقتده او چید دخی
 شی واحد اولوب حیثیات مختلفه در وصف و مدح و ذم و قدح اولند یفی اول حیثیات مختلفه اعتبار ایلدر
 دیش * کتب الانس الجلیله مذهب حنفیه و قول مشهور اوزره عقل محلی دماغدر لکن شافعیه و حنبلیه
 و اطبا قوللرنجه محلی قلب اولوب دماغه اتصالی وارد در دیو یوب * بخاری شری کرمانیده شافعیه و متکلمین
 و فلاسفه مذهب لرنجه محلی قلبدر حنفیه و اطبا و لرنجه محلی دماغدر دیو یوب * کتب اصوله مذکر اولان کلام
 مفصل محلی بودر که عقل دید کاری نفس انسانیه ده اطف غولی ایل بر ملک و قوت و استعداد نور معنویدر که
 آنک سبیل حقایق اشیا یی مدرکه و امور حسنیه و قبیحه یی تمیزه مالک اولوب * کتب مختارات الزواجرده روح
 عقل بدنه محلی اولملری اولوب جمیع اعضا به تعلقلری وارد در دیو یوب * مجمع ابن ملک شرحنده مذکور در که
 العقل نور فی الصدور بصربه عواقب الامور * کلامنک معنایی بودر که محل عقل عالی قدر سینه و صدر
 اولوب سر هر بشر حواس خمس باطنیه به مقر اولد صاغ اولان دماغ عالم معنی و عقلیه اول نورل کو با مشعل
 و تلی اولمغین آنک اشراق و اشتهالی و تفکرات و تصرفاته اشتغالی الحق سرده مبصر اولور یوسیدندر که
 دماغه ضعف و خلل حاصل اولسه عقله دخی ضعف و نقصان و اصل اولور * اشبو تارخ معتبره و لانی اولان
 عباد احقر ایدر که عقل و نفس و روح حقیقه کتب شمرده اقوال کثیر اولوب لکن (قل الروح من امر ربی
 و ما اوتینم من العلم الا قلیلا) آیتی دلائل اوزره روح و نفس و عقل امر اراده الهیه دن اولمغین حقیقتده امور
 خفیه اغیبیه دندر (من عرف نفسه فقد عرف ربه) کلامی یوم معنای رعنا ی حکمت منبایه ایماندر
 (والله تعالی اعلم یجمع ما نظره و ابهم) (حاله عرش) یونلر بر بسی بالاتفاق حضرت اسرافیلدر که
 یوقاروده ذکر اولندی سائر لیک اسامیلری نامعلوم اولوب کشفاده (و یعمل عرش ربک فوقهم و میثد

ثانیة) آیتند عرش کونون ملائکه حال در تدریج آمده سکز اوله (کر کدر تابا عیندن شهر بن حوشب قوی
اوزره حال سکز در که دردی (سبحانک اللهم وبحمدک لک الحمد علی عفوک بعد قدرک) دیو تسبیحه دردی دخی
(سبحانک اللهم وبحمدک لک الحمد علی حلک بعد عیان) دیو تسبیحه مشغول در حسن بصری قیامتده عرش
کونون ملائکه سکز میدرسکز یک میدوانه یلور دیوب سبحانک دخی سکز صف اوله سکز کر کدر که
عددر بنی الله یلور دیوب طائفة روحدن یا آخردن اوق دخی جائز در دیوب * کتب سفند مذکور
بر حدیث معصده یدخی کو کدن یوقر و عقی بشیوز یلاق بر دریا اولوب انک یوقر و سنده طاع یکیمی شکنده
سکز ملک وارد که ایاقری الله در زری کوزینک ارامی بشیوز یلاق یول اولوب عرش انک اوستنده در دیو
یورلند در تاریخ عقیقه کعبدن هر ویدر که حله عرش درت ملکدر که بری انسان صورتده اولوب بنی آدم
رزقه بری اوکر و صورتده اولوب بهام رزقه بری ارسلان صورتده اولوب بیرنجی جانور رزقه بری
کر کس صورتده اولوب و شلور رزقه شفاعت ایدوب جناب خدایه دعا ایدر * کز اسرارده و غیرده
اشیواوصاف واحوال حله * کرسی یماستاد ایشلور در تاریخ عقیقه ابن عباسدن هر ویدر که عرش
برادله قد نوزنار و آب رحمتدن بر ملک برادلوب هر برینه جمیع مخلوقات قوی قدر قوت و بر دیوب عرش
کو نور ملک امر اولدی قادر اولد قلنده جناب حقندن سبحان الله ندای کاوب یولدر دخی سبحان الله
دید کارنده عرش دیزینه دل قاندره یلوب بعده سبحان الله دیکر دیندا کاوب دید کارنده بلارینه دل
قادر لر لاله الا الله دیکر دیندا کاوب دید کارنده اوموز لینه دل قاندر لر الله اکبر دیکر دیندا
کاوب دید کارنده بلارینه جیقاوب حال باشلری اوستنده طور و بالری یدی قات برک اوستنده در * کز
الاسرارده دخی ابن عباسدن هر ویدر که حله عرش برادلوب عرش * کور و قلند دینا و اوب قادر
اولد قلنده هر برینه جمیع مخلوقات عددنجه معینلر برادلوب کو نور ملک امر اولد قلنده
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم دیکر دینا امر حق اولوب دید کارنده کو نور لر لکن ایاقری یدی قات
بیرده نری اوستنده طوره میوب حق تعالی کند واسعا شریفه سندن بر دایمی یولر ایاقری آتنده یازمفین
قوت اسم پرورد کاراله کوه وار برقرار واستوار اولدیلر * سن ابی داودده حضرت رسول علیه السلامدن
هر ویدر که بکاادن اولدیکه حله عرش برندن سزه خبر و برم قولانی اوجی الله اوموزی ارامی بنی یوز یلاق
یولدر * تفسیر ذلیمده ابن عباسدن هر ویدر که حله عرش اوکهری الله کعبلری یعنی طوبی قری ارامی
بشیوز یلاق یولدر * کشفده و غیرده حله عرش ایاقری یدی قات بیرده اولوب باشلری عرش خرق ایشلور
یعنی یکم شدر دیوب * تفسیر ابن عطیه ده حله عرش وساکن اطراف عرش ساکن ملائکه دن افضلدر دیو
سز کوردر کشفده خبرده وارد اولددر که حق تعالی جمیع ملائکه امر ایشلور که الی یوم القیام هر صبح
وشام حله عرشه تعظیم و اکرام الله سلام و برک ایچون واروب زیارت ایشلور که بر دوام اوله * مواهب الدنیه ده
حله عرش نیچه یوزلری ویدر نلنده نیچه کوزلری وارد که بری برینه * کزه من عرشه باقوب صوتاعلا
الله تسبیح مولی ایدوب قنادرین کشادایته لر قویلرینک برقیلی دیشایی احاطه ایدردی * معتبرات
متفرقه مذکوردر که حله عرش و ملائکه اطراف عرش در در قنادرلری وارد که عرش بر نوره باقوب کمال عظمت ونور ایتندن
کر کس بری انسان صورتده در در قنادرلری وارد که عرش بر نوره باقوب کمال عظمت ونور ایتندن
یولدر غشی وضعف عارض اولماق ایچون ایکیش قنادرین یوزلینه اورتر لید نلرینک دخی نور موفو و باهر
الاشراقری کر می ملکارتی احراق ایامک ایچون اوالینه ظلمت ونوردن عرش حجاب چکامشدر که هر برده نک
فالنقی بشیوز یلاق یولدر (خروس عرش) معارج النبوه مذکوردر که رسول علیه السلام لیله معراجده
سدره باتده آق خروس صورتده بر ملک کور دیلر * که ایکی طرفندن بدیشر یوزینک قنادی اولوب هر برنده
در و یاقوت و سم و زرو کافور و زعفران و مسک و عتبدن بدیشر یوزینک بر اولوب باشی عرشه ایاقری یدی قات
قات بیر آتنده در بر قنادی اوزرنده قدرت پرورد کاراله (بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله محمد رسول الله
کل شیء هالک الا الله الواحد القهار) دیو یازلشد در اول خروس باخروش حکمت نقوش اوقات صلواتده
سر سعادت افسرین قاندر و بسم الله العظیم و بجمده دیوب حله قنادرین کشادایدوب بری برینه اورده

ایشلور خبران اولیجی نعمات والحقان یدیا اولوب صیت و صدای و خوب ندای انجبار خنای لزان
ایشلور کده مکان جنان دنیاده وقت عبادت اهل ایمان کادی دیوشادمان اولوب عرش عظیم الرتبه و انک التند
نوردن عود اوستنده یا قوتدن برقیه صاوملوب حضرت رب العزیز جلله اشیا معلومی ایکن محض حکمت الله
ملک هر یوردن صیب حرکت ندر و تصورده امت محمدک تمناز و سازلی و قوی کادی دیو جواب و بر مکن
(وجبت لهم رحی اشد والهم انی قدر تحت علیهم ونظرت الیهم بالمرحمة) دیو خطاب رب الاولیاب ایشلور
رساله فضل دیکده اولان احادیث شریفه نک بری بودر که بر آق خروس وارد که در و یاقوت و زبرجد ایله هر صبح
ایکی قنادی اولوب بری مشرقده بری مغربده در باشی عرش آتنده ایاقری یدی قات برده اولوب هر صبح
قنادرین چار یوب (سبح قدوس ربنا الله لا اله غیره) دیوب صیحه من انس وجنن غیر جمیع اهل سموات
و ارضین ایشلور بر یوزنده اولان خروسلا کامتاعت الله اوتمک باشلر قیامت یا قللشد قد امر حله قنادرین
یو کوب اوزین کسوب زمین و آسمان خلق قیامت یا قللشد یعنی اندن یلور * بر حدیثده دخی هر یور خروس
(سبحان الملك القدوس ربنا الرحمن الملك لا اله غیره) بر حدیثده دخی (سبحانک ما اعظم شأنک) بر حدیثده دخی
(سبح قدوس) دیر دیو یور یلوب * بعض کتبده (سبحان القدوس الملك الدیان لا اله غیره) دیر دیوب *
بعض کتبده دخی ابن عمردن هر ویدر که اول خروس صفا مأموس (سبحو القدوس) دیوب قوشلر ایشلور کده
قنادرین تحریک ایدرلر احیاء العلومده بعض سلفدن هر ویدر که عرش آتنده خروس شکنده بر ملک وارد که
ایاقری آق المجودن سینه سی یشل زبرجددن اولوب کیجه دن ثلث اول یکده قنادرین چار یوب (لیقم
القائمون) یعنی کیجه ای احیاء یحیی القالس و نلدر دیوب نصف اللیل یکده نکر اچار یوب (لیقم المتجدون)
یعنی تجد اید یحیی القالس و نلدر دیوب کیجه نک ثلثانی یکده نکر اچار یوب (لیقم المصلون) یعنی نماز قیلیدر
قالس و نلدر دیوب فجر طلوع ایشلور کده نکر اچار یوب (لیقم الغافلون وعلیم اوزارهم) یعنی غافلر قالس و نلدر
بار اوزارلری اوزرلنده اولد یعنی حالده دیو اداوند ایدر (ملک صیام) معارج النبوه و زین المجالسه حضرت
رسول علیه السلامدن هر ویدر که سدره باتده بر ملک کوردم طول و عرضده انک کی سینه کوردم طول
یک کره یک ییلاق یول اولوب عرش یک باشی هر باشنده عرش یک یوزی هر یوزنده عرش یک آغزی وارد
هر باشنده عرش یک کسوی مشک بوی وارد که هر برنده یک کره یک دانه شاهانه انجو قدرت حق الله معاق
اولوب هر بر انجو ایچنده نوردن بر دریا هر در یاده طولی انکیشر یوز ییلاق یول عظیم و جسیم بالقادر اولوب
هر برینک ارقه سنده قدرت اله عز علاه الله (لا اله الا الله محمد رسول الله) یازلشد در بر ملک برانی باشنده
برانی ارقه سنده قویوب تسبیح ایشلور کده حسن صوت و الحاتندن عرش رحان لزان اولوب جبرائیلدن یوملکی
صوردم آدم برادلر دن ایکی ییل اول برادلوب شیده دل مکافی عین عرشده سوکاک دوت یک کره یوزینک
فرسخ بر صحراده اولوب امر دهله سنک امتک ایچون تسبیحه متصل مشغول ایدی یو کاسلام و بریدیکه تسبیحه
کمال اشتغالندن ایشلور جبرائیل اکا خبر و برید کده (وعلیک السلام ورحمة الله وبرکاته) دیو سلام الله بعده
ایکی یشل قنادرین آجوب معوات و ارضینی طولدر و بی قویوب ایکی کوزم اراحتی او یوب یا محمد سکا بارت
اواسونکه الله تعالی رمضان حرمته امتکی یار ایشلور یدی * ایکی صندوق کوردم هر برینک اوستنده
نوردن یوزینک کایدی و اراضینی صوردیفده امتکدن صائم اولرک جهنم آرادله قری برانی یولرک ایچنده
طور برین اکاشاهم زهی سعادت سکا بامت شرف ایتمک دیدی (نوع دیکر از ملائک شرف محضر) تفسیر
ذلیمده بعض سلفدن هر ویدر که عرش اطرافده حق تعالی ملائکه می وارد که انده مخملین دیر (خوف
حقندن اشک کورترشکاری قیامتده دلایل و نهاماتده انهار طو و میوب آقر حقندن کار که ای بنم ملکرم
سزه خوف و برن ندر یولدر دخی دیر که یاربنا اکر دنیا اهل برمنک عزت و عظمتکدن مطلع اولدیه زو مطلع
اوله لدی اکل و شریدن و راحتدن بالکلیه بر هیز و کر بر ایدوب صحراره حیه ووب واله و حیران کشت دشت
ویا بان ایدوب ناله و افغانله کران اولور لدی (نوع دیکر) (نوع ملائکه والروح الله فی یوم کان مقداره حسین
الف سنة) آیتنده تفسیر قاضیه روح یا جبرائیلد یاملائکه دن اعظم بر مخلوق روحاندر دیوب کشفده دخی
جبرائیلد یارب طائفة درکه ملائکه بی آدمی حظه مؤکلی اولد قری کی انلر دخی ملائکه به حفظه درلر دیوب

تفسیر با حیدر (بوم یوم الروح والملائكة صفا) آیتند مجاهد و فائده قول جبر روح من مراد انسان صورتند
 بر در لوطانقه در که محشر ده جمیع ملائکه بر صف اولوب بوندن دخی بشقه بر صف اولسه لکر کد رابن عباس
 قول جبر همان بر مکه در که مخلوقاتند اندن بولنسنه برادلیوب عرصانده جله ملائکه بر صف روح بشقه بر صف
 طور و ملائکه صفا ایله برابر اولسه کر کد رابن عباس تفسیر قاضیه دخی آیت من بوردده ارواح اوزرینه موکل
 بر مکه در یا خوداروا حلت جنسیدردیوایی قول دخی مذکور اولوب کشفانده (نزل الملائكة والروح) آیتند
 بر طانقه در که لیل قدردن غیری زمانده ملائکه انلری کور من ردیو بر قول دخی ذکر اولنور: کترالاسراره
 ابن مسعود روح بر مکه در که سموات و جبال و ملائکه دن اعظم اولوب در دخی کورده هر کون اون یلک کره
 تبیع ایدوب هر تبیجندن بر ملائکه برادلیوب جله سی محشرده بر صف اولسه کر کد رابن عباس بر روایتده ابن عباس
 انسان صورتند بر طانقه در که کور کدن این هر بر ملائکه بولنل بری دخی یله یلک مقرر در دیوب مجاهد
 دخی روح انسان صورتند بر طانقه در که الاری و ایاقری اولوب بیوب ایچوب ملائکه دن اولوب انلردن
 ضعیف لردر دخی دومذ کوردر: تفسیر کبیرده حضرت علیدن من ویدر که روح بر مکه در که تبش یلک یوزی
 هر یوزنده تبش یلک دلی اولوب هر دلی بر در لوطانقه ایله تسبیح رب العزیز ایدر هر تبیجندن بر ملائکه برادلیوب
 سائر ملائکه ایله اوچار لر عرشه نکره بوندن اعظم بر سنه برادلیوب سموات وارضینک جله سی براقه کبی
 یوطمغه قادر در یوزی انسانه سائر اعضاسی ملائکه به بکز یوب اقرب خلق الی الله یعنی اشرف مقرر بین
 در کاهه جل عن الاشیاء در حاله بجمع سبعین قرینه مکی اولور قیامتده عرشک صاغ یا نه طور و بر مؤمنینه
 شفاعت ایدر ملائکه ایله آرا زنده نوردن بر حجاب اولمیدی جله ملائکه انل نوردن یناردی (ملک رؤیا) کتاب
 فواج مسکبه ده روح اولوب بر ملائکه رؤیا به موکل اولوب بر ملائکه کول آرا سنده طور و بر واقعده کورین انواع
 اجاب امکن صورتلرین و انلردن عالمه حادث اوله جق امورک صورتلرین الی ایچنده طور و بر شیخ محیی
 الدین عربی دیشدر که محل رؤیا نشئه عنصریه حیوانیه در که مکانی فلات قرآلتند در دیوب: کترالاسراره
 کتاب الکبیر کرماندن منقولدر که رؤیا سکر قسدر دردی اخلاط اربعه دن بر رینک غلبه سنده تناسلی اولوب
 اول خطاه منامب الوان و اشکال کورینور بشنی حدیث نقسدر که شخص نام او یا نکی ایکن ملحوظی نه ایسه
 یا خودیه مشغول ایسه کامناسب سنه لک کورر: التبی وسواس شیطاندر که شرعه مخالف اشیا کورینور
 یندنی احتلام واقع اوله جق سنه لک کورینور بوجه نک اصلا تعبیری جائز اولوب: سکرینجی بودر که
 حق تعالی لوح محفوظه بر ملائکه موکل ایچنده در که هر شخص نامک دیسانه یا خرنه متعلق امور خیر و شری
 و احوال نفع و ضرر لوحدن نقل ایدوب اکا کورستر خلق کیمی تذکر ایدوب کیمی اونودر تعبیری جائز اولان
 همان اشوسکر قسدر: مواهب لدیه ده دخی مذکور در که حکیم دیشدر که حق تعالی رؤیا به بر ملائکه موکل
 ایچنده در که لوح محفوظدن احوال انسانه مطلع اولوب لوحدن یازوب هر کسبه به حاله کوره بعض سنه بی
 حکمت اوزر ضرب مثل طریقه کورستر تا که بعضیله بشارت و تلطف و بعضیله نذارت و تحذیر و بعضیله
 معاتبت و تعذیب حاصل واصل اوله شیطان ایسه انسانه مسلط اولوب شدت عدوتدن غم و الم چکسون
 دیو مخالف سنه لک کورستر: من بورد مواهبک مؤانی ایدر جله رؤیا یکی قسدر بری اضغاث احلامدر که
 بر قاج نوعدر بری واقع کورن کسبه بعضو اولسون دیو شیطان کورستر یکی شیلدر: بریدنی محرماتدن
 یا محالاندن بعض سنه بی واقعده ملائکه امر ایدر کورنر یکیدر بریدنی اربانی ایکن خاطر ندنه و اربانه
 یا خود اربانقاده عادی نه مقوله فعل ایسه یا خود من اجنه غالب اولان نه ایسه اکا کوره سنه لک کوردر
 قسم ثانی رؤیا صادقه در که رؤیا انبیا و صلحا بوقسدر ندر غیر صلیا به آرواقع اولور تعبیری خارجده ظهور
 ایدن بوقسدر: نوع دیگر زین الجمالده و هیدن من ویدر که هر کون تبش یلک ملک مدینه ده تر به عرش رتبه
 حضرت رسول صلی الله علیه و سلم زیارت کابو اخشامه دلک صلا و صلواته مشغول اولوب بر کون کلاره
 قیامتده دخی قوت دکر (ملائکه صلوات) زین الجمالده حضرت رسولدن من ویدر که بر ملائکه وارددر که
 مشرقده و مغربده بر رقتادی اولوب باشی عرش التند ایاقری بدنی قات ییرک التند اولوب اوزرنده مخلوقات
 عدد خیه تو یلر وارد بر مؤمن رسول صلوات و بر سه اشوب ملک عرش التند بحر نوره کور و جیه و تو یلری

قطره لردن بر ملائکه برادلیوب اول کسبه ایچون قیامتده دلک استغفار ایدر ملائکه صاحب قام و سک الصلوات و ابشر
 فی الصلوة علی سید البشر آدلوکاب معتبرنده اولان احادیثدن برینک محصلی بودر که جبرائیل بکاشدی دیدیکه
 یا محمد امتکدن بری سکا بر که صلوة و بر سه الله تعالی اون حسننه یازوب اون سنه سنی محو ایدوب اون درجه سن
 زیاده ایدوب اول ملک دخی اکادعا و استغفار ایدر: بر دیدیکه یا جبرائیل اول ملک کیدردیدیکه سن برادیلاندر
 قیامتده دلک الله تعالی سکا بر ملائکه موکل ایچنده در که امتکدن هر کیم سکا صلوات و بر سه اول ملک (وانت صلی الله
 علیک) دیوب جواب و برده کتاب من بوردده بوحیث بوجه لدخی من ویدر که زیاده سی بودر که صلوات و برن
 کسبه نک صلواتی عرشدن غیری بیرده قرآن بولیم یوب یوله اوغرا دینی ملکار بری برینه بصلواتی و برنه سزدخی
 صلوات و برک دیوب الله تعالی اول کسبه به اول وجهله صلوات یعنی رحمت و مغفرت ایدوب قیامتده بکا
 عرض اولنور: کتاب من بوردده من وی اولان احادیثدن بریدنی بودر که الله قوللردن بر قول بودر که بنم حقعی
 تعظیما بکا صلوات و بره الا الله تعالی انک کلام سندن بر ملائکه براددر که مشرقده و مغربده بر رقتادی اولوب بنم
 قول صلوات و بر تنکیم اولدخی بنم پیغمبرمه صلوات و بر سه الله تعالی امر ایدوب ملائکه دخی اول کسبه به
 قیامتده دلک دعا و استغفار ایدر: بریدنی بودر که هر جیس کوفی الله تعالی ملکار کورنر کوشدن صحیفه لالتوندن
 قلمرا یله کابو خیس کوفی وجهه کجه سی پیغمبره جوق صلوات و برنری یازوب: بریدنی بودر که قیامتده
 هر موقفده یعنی هر طوران بیلر زنده بکایشین اولان لری بکا جوق صلوات و برنری بکزد: وجهه کوفی ججه
 کجه سی بکا جوق صلوات و برنک الله تعالی اخروی تبش حاجتن دنیوی او تو ز حاجتن: و بر بعد ملائکه موکل امر
 ایدر که اول صلواتی بنم قهرمه قوبوب سزل بریکزه هد ایا نیجه کاور سه بکا دخی انی هدیه کتوره و صلوات و برنک سنی
 نسی بکا خبر و بر بیدنی یا نه اولان بر آق صحیفه به دیدر کی تفصیلی یازوم: بریدنی بودر که ذکر مجلسک
 او تادی وارددر که غایب اولد قلزنده ملکار انلری یوقلوب مریض اولسه لر عیادت ایدر انلری کوردر کارنده
 من حجاب دیوب تعظیم ایدر لر حاجت دیسه لر معاونت ایدر لرا او توردن لرنده ملکار انلری کو که جیه خیه طبعه
 طبعه احاطه ایدوب لرنده کوشدن کاغذ التوندن قلمر طوبوب پیغمبره صلوات و برنک صلوات یازوب: اذ کروا
 رحکم الله زید و ازادکم الله (دیرلر اول کسبه لکره باشد قده کول فایوری آچلوب دعا لری قبول اولوب
 حور عین انره باقوب غیری: لایمه یا شلابخه یا خود مجلسدن ما غلبه برقرار اولوب بعده ملائکه دخی
 طاعنلوب بر مجلس ذکریدنی ارامغه کیدر: بریدنی بودر که ملکاردن بر سه الله تعالی جله خلقک سمعی قدر
 قوت سامعه و بر بورد بر روایتده جله خلقک اسملر اکا معلوم ایدوب قیامتده دلک قهرم اوزر زنده طور و بر امتکدن
 هر کیم بکا صلوات و بر سه یا احمد فلان اوغلی فلان سکا شود کوا صلوات و بریدی دیو اعلام ایدر بکا بر صلوات
 و برنه الله تعالی اون صلوات و بر زبانه ایدنه زیاده اولور: بری دخی بودر که الله تعالی بکسبه بعض ملک کوری
 وارددر که بیلر زنده سیاح اولوب امتکدن بکا صلوات و سلام ایشدر لر: بینه کتاب من بوردده بر حدیث مفصل
 محصلی بودر که الله تعالی بنم قهرمه مصلواتی آدلو بر ملائکه موکل ایچنده در که خروس شکنده اولوب باشی عرش
 التند ایاقری بدنی قات ییرک التند در اوج قنادی اولوب بری مشرقده بری مغربده در بریدنی قهرم
 اوستنده در بر کسبه (اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و بارک علی محمد و بارک علی آل محمد و آل محمد کما
 صلیت و بارکت و ترحت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حید مجید) دیسه اول ملک بصلواتی آکوب یا محمد
 فلان بن فلان: کوا صلا و سلام ایدنی دیوب اول صلواتی نوردن ورق اوستنده سکا اذ فرایه یازوب اول
 کسبه به بکرمی یلک حسننه یازوب بکرمی یلک کاهی عقوا و انوب انکیچون بکرمی یلک طوبی انجایی دیکور
 یوم قیامتده علی طار یلوب میرانی خیف کلد کده میرانی طوتنه صبرایه بونک بنم یا نه امانتی وارددر برن
 اولدخی یا حبیب الله بکون من مطاع سن دیوب بدنی یا نه طوران صلوات کاغذی ایچوب: میرانه قوبوب
 میرانی آغرا و لعله الله تعالی به دعا ایدرم: نوع دیگر زین الجمالده مذکور بودر که بر کون جبرائیل
 علیه السلام کلوب دیدیکه یا رسول الله بر عجب سنه کوردم سابقا کو کده تفت اوستنده بر ملائکه کوردمندمکه
 اطرافنده تبش یلک ملک صف طور و بر هر نفسندن بر ملائکه برادلور دی حالانی کوه فائده کوردم قنادلری
 قوبلوب: کوره وزاری ایدو بندن شفاعت دیوب صوچنی مورد و غره حضرت محمد معراجده یا نه

کچید کده سر برمدن قیام و اکرام و اعظام ایچون بو عفو نه مهلا اولدم دیوب بندخی حقه نضرع
 و شفاعت ایچون کده اول ماکه دیکه سجده صلوات و برسون دیوندا کلوب بندخی ماکه خبر و یروب اولدخی
 صلوات و برده کده قنادلری یوب مرادی حاصل و اولدی مفاصنه و اصل اولدی * نوع دیکه نه زین الجمالده
 مصلامت کوردی ماکه ایچنده الی ملک واردی برینک نصی یعنی باشند بلنه دل صو نصی یعنی بلندن
 اشاعیسی کر یچور برینک نصی ییل نصی طبراق برینک نصی ضیا نصی ظلمات برینک نصی باقر نصی آتش
 برینک نصی آتش نصی قار برینک نصی اتون نصی کوشور اوج ملک دخی واردی برینک درت یوزی اولوب
 برینک دخی مشرقه مغربه ییغی کورده ییغی برده برینک نصی اولوب برینک دخی ییک کره ییک باشی اولوب
 هر باشده ییک کره ییک یوزی واردی و طوقز ملک امت محمد عامیلر یچون دایما اعلی و زلزل ایچون
 نه اعلی و سرشوموله کاهلر ایشلاری دیوندا ایریشوب یوللر دخی محمد انزل ایچلر نه دکاید دبد کارنده
 کرچک در برینک انله شهر رمضان دخی ویرمه شمدی که اول زمان مورت الامانده معشر بشر اوزره رحمت
 بشر کره دردیوندا کرم ادا پیدا اولور برینک دخی واردی که درت یوزی اولوب هر بری دردی ییک ییلاق یولدر
 بری دایما سجده اولوب (سجنانک ما اعظم حاکم) بری جهنم باقوب (الویل لمن دخله بری عرشه باقوب) (رب
 اغفر وارحم) دیوب بری جنته باقوب (طوبی لمن دحاهم باللهم اغفر لاصافی شهر رمضان وارزقم دخول
 الجنة) دیکه مشق و لدره نوع دیکه معارج النبوه حضرت علیه السلامدن هر ویدر که رعد اولدی آسمانده
 صورت انسانده باشند بلنه دل قارندن اشاعیسی آتشدن برادیش برینک دیکه (سجنانک الذی الف بین الخلق
 و الناس و الف بین قلوب عباده الصالحین) دیونسیج ایدر یوللر مؤکل اوافین انلری جمع ایدر کن سولم کده
 صدایه اولوب غضب ایدر کده برقی ظاهر اولور * مواهب لدینه ده اولدی کورده ملائکه دن بر طاقه واردی که
 حضرت رب العباد انلری آله یاددن ایچاد ایدوب رئیس لری رعد اولور برینک کدر که یغورله یوللر مؤکل
 اولوب (صنان ذی العز و الجبروت) دیونسیج ایدر لدر دیوب قارایله آتشدن برادیلان ملک رعدی غیر
 اولوب اولدخی اولکی قات کور ملائکه سندن اولی اوزره مذ کوردره تفسیر لایله (و یسج الرعد یجوده
 و الملائکه من خیفته) آیتنده اشوملائکه دن هر ادر رعد اعوانی و انصار ایدر که رعد دن خائف و مطیع علدر
 دیور روایت مذ کور اولوب کشفه حسن بصری رعد الله تعالی ملک مخلوقا تدر بر مخلوق اولوب ملک دکادر
 دیش دیومذ کوردر * کتاب العظمه ده بهض سلفدن هر ویدر که برقی برینک دیکه درت یوزی اولوب بری انسان
 بری صغری کر کس قوشی بری ارسلان صورتنده در قور ییغی حرکت ایدر کده برقی ظاهر اولور رعد و برقی
 و صاعقه نه ایدوکی باب خامسده کمال مرتبه تفصیل اولوب اقوال علماء شریعت و حکمایان اوانسه کر کدر
 * نوع دیکه تفسیر کبیره مذ کوردر که حضرت رسول علیه السلام کو کارلر بنده کوردی ملائکه ابراردن
 بر طاقه مهاروار قطار اولوب کیدر لر یوللر نه ییره کیدر لر دیوب جبرائیلدن صور و ب و الله بیام لکن برادلالی یوللری
 یوللر کوردر برندن صورت دیوب رسول علیه السلام انزل برندن سز برادلالی تقدیر زماندر دید کده بلزم لکن
 الله تعالی هر درت یوز ییک ییلده بریدر برادوب برادلالی انک کی درت یوز ییک ییلده بریدر برادوب
 و برمش (فصیحان من قدر نه صالحه لکل شی) * نوع دیکه صحیح بخاریده حضرت رسول علیه السلامدن
 هر ویدر که انسان براد لاجق نطقه والده می رحمت دوشد کده فرق کوندن صکره علقه یعنی اویشش قان
 اولوب فرق کون دخی کچید کده مضغه یعنی بر باره قزلات اولوب اوجنی قره نصکره الله تعالی بر ملک
 کوندوب یونک جسنه نفخ روح ایدوب درت نسنه یازمق امر ایدر که بری جله رزقی بری مدت عمری بری جمع
 عملاری بریدخی معدادن یعنی اهل جنتدن یا خوردا شقیادن یعنی اهل جهنمدن اوله جعفر (السمیه معید
 فی بطن امه و الشقی فی بطن امه حدیثک و دخی) (کل میسر لما خلقه) حدیثک معنای بودردی عیسی *
 مشرقن ابن ملک مشر حنده مذ کوردر که حدیث من یوللر راویسی ابن مسعود دیکه نطقه دوشوب اندن
 اوغلا یق براد لاقی مقدرایه والده ستنک جمع اعضا نه حتی طرقلر نه و یلار نه یا یلوب فرق کوندن صکره
 قان اولوب رحمه جمع اولوب قرار ایدر و دخی مذ کوردر که صحیح مسلمده نطقه رحمه فرق کون طوقز قد نصکره
 مؤکل اولان ملائکه بری باری عیدی اولسون شقی دیوموی اولان حدیث شریف صراحت ایلد دلالت

ایدرکه رزق و سعادت و شقاوت اربعین ثانی ایچنده کاتب اوله و دخی نه صحیح مسلمده مذ کوردر که نطقه به
 فرق کون کچید کده الله تعالی بر ملک کوندوب اولدخی تصویر ایدوب سمع و بصر و جلد و لحم و اعضا سمن امر
 حقه برادوب بعده یارب ارککنی دیشی دیر الله تعالی نیجه دیار سه قضا ایدوب ملک یازر بعده یارب
 مدت عمری تقدیر دیوب الله تعالی دیلدی کی قدر یوروب بعده رزقی تقدیر دیوب اولدخی تقدیر اولدیده ملک
 یازر صحیفه الله حقیقوب بعد زمان امر اولدیده یقندن ذره قدر زیاده و نقصان اولدیده دیوموی اولان حدیثده
 فرق کوندن صکره تصویر اولنور دیک اوزماند نصکره تصویر یی تقدیر و تفر بر اولنور دیکدر ز بر مضغه
 اولدن اول تصویر برینک دکادر خصوصاً صحیفه ده (لن احکم بحکم خلقه فی بطن امه اربعین یوما یکر
 علقه مثل ذلک ثم یکون مضغه مثل ذلک ثم یرسل الله الیه الملائک فینفخ فیها الروح) دیومذ کور اولان حدیث
 قطعاً دلالت ایدر که تصویر اربعین ثالث ایچنده اوله زیرا نفخ روح بعد التصویر اولسی ظاهر دیوب
 مذ کوردر * کثر الاسرارده (منها خلقناکم و فیها نعیدکم) آیتنک معنای عطا خرافاتی دیکدر که هر کس نه
 والده می رحمت نطقه ایکن مؤکل اولان ملک انک قبری اوله جتی بیردن بر مقد و طبراق الوب نطقه نک اوستنه
 صاحب کیدر که انکه قاریشور * تفسیر واحدیده ابن مسعوددن هر ویدر که رحمه قرار ایدر کده ملک
 مؤکل الی اوجی ایچنه آلوب یارب خلقه می غیر خلقه می دیوب غیر خلقه اولسون دینور ایه زمان معینه ده
 اویشش قان کبی دوشر عر یجه اکا سقط دیر خلقه اولسون دینور سه یارب ارککنی دیشی سعیدی
 شقی مدت عمری و مقدار رزق و احوال و اعمالی ندر نه ییره و وفات ایدر دیور بر بر مصلایه سوال ایدر کده
 لوح محفوظه وار آند مقدور و محر اولان تفصیل احوالک صورتن آل دیوب یور یلوب ملک دخی واروب
 یازوب اول کس نه ملک وفاتنه دل هر نه حالی واریسه صورت دفتر مطابق کاور * تفسیر واحدیده
 (فی ای صورۃ ماشاء ربک) آیتی معنای سنده حضرت رسول علیه السلامدن هر ویدر که الله تعالی بر قول
 بر افعی دیلد کده نطقه می صلب بدردن رحم مادره دوشر فی الحال شاقونک جمع عروق و اعضا سه
 یا یلوب بندخی کون بریره جمع اولوب الله تعالی اول ولد آدم یغوردرن بر و جمع عرقی یعنی اجداد و یاسن
 و سایر اقربا سمن جمع و احضار ایدوب ایچلرندن برینک صورتی اوزر نه خلق ایدر * مصابیحک زین العرب
 مشر حنده مجاهددن ملک رحم حدیثده مذ کور اولان کلمات اربعه می بر کاغده یازوب طو غیجی اوغلا یق
 یوننه آصوب لکن حکمت حقه اصلا کس نه کوردر دیوب ابوالعالیه زبجی وفات ایدن عورتک عدتنده
 درت آیه اوبن کون ضم اولنقه حکمت ندر دیوب و ولد قدیده و ولد نفخ روح اولون کون ایچنده
 اولدیفیجی و دیش دیوب تفسیرده (مخلقه) معنای سنده اختلاف اولوب مصوره و مشکله با عیسی
 اعضا می مکله یا نامه غیر ساقطه یا نفخ روحه کامل الخلقه و نام الزابطه دیکدر دیش (نوع دیکر کرام کاتبین)
 و حفظه دیکله معروف و موصوف اولان ملائکه در * تفسیر واحدیده بر حدیث هر ویدر که بر کس
 خبر عمل ایشلد کده صاعیده کی ملک بری اون یازر شر عمل ایشلایوب صوتنده ملک یازمق دیلد کده صاعیده کی
 اکا کما تعیین اولنقی یزی ساعت توقف ایدر دیوب و کس نه استغفار ایدر سه یازمق ایچر سه بر کاغده یازر *
 کثر الاسرارده سدیدن هر ویدر که هر کس نه می حفظ ایدوب اعمال یازمق ایچون هر وقت فخره ایکی ملک کلوب
 وقت عصرده انلر کیدوب بیرلر نه ایکی دخی کلوب بر کون کلان قیامتده دل بردخی کلر (اذ یتلقی المتلقیان
 عن الیمین و عن الشمال فعید) آیتنده متلقیان دن هر اد اشوب و ایکیشر ملکدر * مجاهددن دخی هر ویدر که ملکین
 من یورین هر کسک جمع اقوال و افعال ختی خسته ایکنده ایکنده و کتی دخی یازر * حسن بصری دخی
 هر ویدر که اشوب ایکی ملک مؤکل اولدقلری کس نه دن بر نطقه آبر یلوب خلایه کیدر کیده و جماع ایدر کده باشند
 کیدوب بعده نه کوردر * تفسیرده (بحواله ماشاء و یثبت) آیتنک معنای سنده ذکر اوانسان و جوهلک بری
 بودر که حفظه هر کسینک جمع اقوال و افعال یازوب جناب حقه عرض ایدر کارنده حسنات و سیئاتن
 اولیان سرکات و سکناتی و کلماتی و اب و عقایدن بر سیده حرا اوله جتی نسنه اولیا معین حضرت رب واحد
 بی شک محو و خلک یعنی دفتر دن محو و من ال و ستنک ایدر مواهب لدینه ده مذ کوردر که (ما یلفظ
 من قول الا لدیه رقیب عتید) آیتنک معنای سنده ابن عباس دیکدر که هر کسک خبر و نردن هر سولدی کی

سوزی حتی یدم ایچدم کتدم کتدم قیلدم دیدوکنی یازوب خیمس کونلرنده قول وعلی عرض اولنوب
 خیر وشره متعلق اولان الیه و نوب هیچ برینه علاقه می اولمسانلر راغیلور * تفسیر ابن عطیه ده (فاحیط
 اعمالهم) آیتده مذکوردرکه هر کافرک میشان یازمغه ملک موکل اولدینی مقرر در اکن نوابلری
 یازمغه اختلاف اولنوب به ضرر یازوب همان نم دنیویه الیه مکافات اولنوردر دیوب بعضلدنخی نوابلری
 عوضی دیساده ویرملک ایچون حفظه لری اولان ملک اولنوبلری نخی یازوب بعضلری ایمانه کادکده نصره
 صدورایدن جک نوابلری ضم اولنور دیملردر * تفسیر واحدیده (یوم نظوی السماء کطی السجل للکتب)
 آیتی معناسنده ابن عباس وابن عمر دن مرویدرکه بنی آدم دن بری وفات ایدکده صحیفه (رضبطه مؤکل
 اولان سجل آدم ملک انک عملاری دقتری ویرلوب اولدخی آلوب طی ایدر یعنی دیوب دوشروب صاقلر
 حضرت رسول علیه السلام دن دخی مرویدرکه برکسته وفات ایدکده اعمالی یازان ایکی ملک یارب فلان
 قولوک سن قبض ایدکده شکر و نکر و نیه یور دن نه بره واره لم دیدکدرنده کوکرم یرلم بکعبادت ایدر قولرمله
 طولودر وفات ایدن قولومک قهرینه واروب قیامتده دیکر کاتبیج و تکبیر و تهلیل ایدوب نوابلر انک حسنه
 یازک دیو فرمان رب رحمان نشان ابریشور * کشفده (وید خلم الجنة عرفها لهم) آیتده میچاهد
 دیمدرکه اهل جنتک هر بری جنتده کی مقاملرینه بی دلیل و ره نما توجه ایدوب اسلاملرین یا کلوب
 شاور و من لکویا برادلدنبر و مسکن و وطنلری ایدی * مقال دل دخی دیمدرکه هر کسک عمللرین یازان
 ملک اولکدرینه دوشوب جنتده اکاویر بلان مقام اعلائی و انواع عطای مولای و جمیع اشیای تعریف
 و توصیف ایدرلر دیوب * تفسیر کورائیده دخی مقالدن مرویدرکه هر اهل جنتک دنیا ده علملرینه مؤکل
 اولان ملک اوکنده دوشوب جنته واصل و داخل ایدر * تفسیر تیسیرده حضرت عائشه رضی الله عنها (اذا خرج
 اول الایات طرحت الاقلام و حبست الحفظه و شهدت الاجساد علی الاعمال) دیمش دیوب یعنی اول
 علامت قیامت نظم و ریاده کد نصره انسانک عمللرین یازمغه اصلا ملک کوندران (نوع دیگر) تاریخ عینیده
 (له معقبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من امر الله) آیتی دلالتی اوزره هر شخصی ایکی شمر ملک ضبط
 ایدرکه بری اوکنده بری اردنده طور را یکیشمر ملک دخی اعمالی یازوب بری صاعده بری صولنده طور دیوب
 خلاصه الفتاویده نماز قیلان کسسه سلام و بردکده کرام کاتبینی نیت ایلیه بعضلدن دیدرکه کجه کندیاتده
 اولان ملک لری نیت ایلیه کبش ملکدر * کنزالامرارده هر مؤمنی حفظ ایچون کجه ده بنقه کوندزده
 بنقه ملک لری کلوب * کیدرلر دیوب بر حدیث و هر مؤمنی یوزالتش ملک حفظ ایدرکه ایچلرندن یدی ملک بال
 چنانغندن سکک قوارکی حراست و حمایت ایدرلر شویله که مایشتده طرفه العینده حفظ اولنن شیطانلرانی
 فایق محقق ایدی دیوب بر حدیث شریف مرویدر * کشفده (ان کل نفس لما علیها حافظ) آیتده کنزالامرارده کی
 حدیث ثانی مروی اولوب لکن سکک قوارکی حفظ ایتک یوزالتش ملک کجه سته اسناد اولنوب ایچلرندن
 یدینه تخصیص اولنمیشد * تفسیر لایبانه کوندز ملک لری وقت بخرد کلوب کجه ملک لری کیدر کجه
 ملک لری دخی وقت عصرده کلوب کوندز ملک لری کیدر دیوب بر حدیث مرویدر (نوع دیگر) ملائکه کرام علیم
 الاسلامدن برنوع دخی منکر و نکیر آدلوا یکی ملک شمردرکه قبرده میته کیفیت سواللری و هیبت و قوت
 و جسامت و سایر احواللری مشهور جهان اولغین اطنابدن اجتنابا بیان اولئدی * کتاب مسایره ابن الهامده
 اصح بودرکه انبیایه و اطفال مؤمنینه سوال منکر و نکیر اولن اطفال شمر کینه سؤالده اختلاف اولنمشد و تکبیر
 جنته دخی اولنن دخی اختلاف اولنمشد دیوب * تفسیر ثعلبیده (یت الله الذین امنوا بالقول الثابت
 فی الحیاه الدنیاه فی الآخرة) آیتی معناسنده قتالندن مرویدرکه بر مؤمن وفات ایدکده امر خفته رومان
 آدلورملک انک قبرینه کلوب سکک ایدی ایکی سیاه ملک کلوب ربکی و یغمه ربکی دیکر سؤال ایتسه کرک
 حیانه کده کی حال اوزره جواب ویردیوب جیه دقده منکر و نکیر کاور دیوب قور را اولنمشد (نوع دیگر) زین
 الجالسده مذکور ایکی حدیثک مضمون هابونی بودرکه بعض ملائکه جمعه کونلرنده جامع قاولرنده طور و
 نمازه کلا نلری اجملیه و کادکاری زمانله برر بر یازوب خطیب منبره جیه دقده دقترلرین قیابوب ذکر الاهی
 استماع ایدرلر جمعه نمازینه معتاد ایکن کلیلری ضرور فلان نیجه اولدی نیچون کلدی یارب اکره ریض

اولدیه شفا و رفیق اولدیه غنا و برضالته دوشدیه هدایت الیه وفات ایدیه مغفرت الیه دیو دعا
 ایدرلر (نوع دیگر) برنوع دخی شونلردرکه اقطار و امصارده لیل و نهار کشت و کذا و ایدوب میچاس ذکر و علم
 و عبادته حاضر و ناظر اولورلر * صحیح بخاری و مسلمده بر حدیث شریف معناسنک اجالی بودرکه ملائکه دن
 بر طائفه یولرنده کروب اهل ذکر اربوب بر قوی ذکر ایدر یواسه (حاجتکزه کلکز دیوب برلرین چاغروب
 جمع اولد قارنده چاق کوزکده ذلک اول مجملی قنادر لیه قوشادوب طاعنه قارنده جله می گو که جیه ووب حضرت
 حق غلام القیوب ایکن محض حکمت الیه نه یردن کاور سز دیوب یورننده اولان قوللر کدن کاورلر
 دیدکدرنده قوللر نه یرلر دیوب سنی تسبیح و تکبیر و تحمید و تهلیل و تعظیم و تهجید ایدرلر دیدکدرنده بنی
 کور دیلری دیوب یوق والله کور مدیدر دیدکدرنده پس کورسه لردی جالاری نه اولوردی دیوب ذکر و تسبیح لری
 اشد و طاعت و عبادت لری مؤکد اولوردی دیدکدرنده یندن جالاری ندر دیوب جنت ایدرلر دیدکدرنده
 انی کورمه شلر مدیوق والله کورمه شلر دیدکدرنده کورسه لردی جالاری نه اولوردی دیوب حرص و محبت لری
 زیاده اولوردی دیدکدرنده نندن استعاده ایدرلر دیوب جهنمدن دیدکدرنده انی کورمه شلر مدیوق والله
 کورمه شلر دیدکدرنده کورسه لردی جالاری نه اولوردی دیوب اندن فرار و اجتناب لری و خوف و اضطرار لری
 زیاده اولوردی یارب جناب عزتکدن طلب مغفرت ایدرلر دیدکدرنده حضرت رب رحمان اول ملائکه عالی
 شان سز شاهد اولوک کین انلره رحمت و عفران و مرادلرین احسان و خوف ایدر کارندن نجات و امان
 و بر دم دیوب یوروب اشو ملک لری برسی بر روایتده جیه سی اول مجله فلان کسسه ذکر ایچون حاضر اولوب
 غیری حاجت ایچون کشدی دیدکده کادخی مغفرت ایدم (هم القوم لا یشقی جلیسهم) یورر یعنی مجلس
 ذکر حاضر اولانلر بر طائفه سعادت لرومدر که انلر الیه جلیس و انیس اولانلر محروم قالدوب محروم اولان
 البقی اولغین رحمت و امانده انلره ملحق اولسی مقرر و محققدر * کافال الشاعر الیب (مصرع) وللارض من
 کرام الکرام نصیب * قاضی عیاض مشارق شرحنده دیمشدرکه اشو وحدینه ذکر اولنن ذکر دن
 مراد رضاء الاهی مشمل اولان کلامدر تسبیح و تهلیل و قرات قرآن و دعای مؤمنین و تدریس علوم دینییه کی
 و دخی یونلره مشابه هر نه وارایسه (انواع مختلفه) معتبر ایدم مذکوردرکه ملائکه دن برنوع دخی امر رب
 رحمان الیه قلوب انانه خاطری القای بعض نسنه را اعلام و الهام ایدن ملک لری برنوع دخی شونلردر *
 نمازده قرآن اوقیان بعض مؤمنلر قراتی حالتده آمین دیرلر بعضلدنخی (ربنا و لا اله الا انت) دیرلر بعضلدنخی نمازده
 انتظار اوزره اولان مؤمن ایچون دعا و استغفار ایدرلر * فوایح مسکیه ده حضرت رسول علیه السلامدن
 مرویدرکه بنی آدم دن هر بر شخصک یورکنده ایکی خانه وارد و برنده لالت و برنده شیطان اولوب اول کسسه الله
 تعالی بی ذکر ایتسه شیطان قاجوب ذکر ایتدکده شیطان یورنی انک قلبنه صوقوب و سوسه ایدر دخی
 مرویدرکه الله تعالی انک (یا ارحم الراحمین) دین کسسه لردم مؤکل برملکی وارد بر کسسه اوج کره (یا ارحم
 الراحمین) دیدکده اول ملک ارحم الراحمین سکا اقبال ایدر همان حادثک عرض و سؤال الیه دیو جواب
 عقبال ویرر (کثرت ملائکه) معلوم اوله که باب احوال ملائکه دن بو محله کجه ذکر اولنن ملائکه دن
 غیری انواع خدمته تعیین اولنن اصناف ملائکه ارضین خصوص صاملا و اعلا اولان ملائکه بالا ایچور و لایده
 اولوب * تفسیر ثعلبیده مذکوردرکه بر کون جبرائیل علیه السلام حضرت رسولک یاتده ایکن بر ملک کلوب
 یا جبرائیل یو کیدر دیوب ضرور دقده بر ملک هر ملک کنی بن یازم دیمش * تفسیر واحدیده ابن عباسدن مرویدرکه
 ذیاده یغان یغورلرلر هر بر طاهر سیله برر ملک نازل اولور * مشاهیر تفسیرده حضرت رسول علیه السلامدن
 مرویدرکه کولک یوزی ایکلدی نیجه ایکلده سونکه ساجد و راکع و قائم ملائکه الیه شویله طاولودرکه اولرنده
 آفاق بصاحتی بر یوقدر * تفسیر و تواتر یغده و هیدن مرویدر * کعبه عرش اطرافن بری بری اردندن یتش
 یکن صف ملائکه اشراق تکبیر و تهلیل طواف ایدوب یونلر اردنده یتش یکن صف اللرین اوموزلرینه
 قویوب (سبحانک و بحمدک ما اعظمک و اجلالت انت الله الذی لا اله الا انت الکبیر الا کبر الخلق کلهم راجعون
 رحمتک) دیوب یونلر اردنده یوزیل یا خود یتش یکن صف دخی واردرکه اللرین بغیوب هر بری بر درلر تسبیح
 ایدر ایکی قنادر لری ارامی اوج یوزیلان یولدر * تاریخ عینیده ابن عباسدن مرویدرکه عرش اوج یوزالتش

بود چنانکه هر برنده از حیووز بیک طائفة عبادت عا کفه دارد که هر طائفة بیک عددی همان احد احد
 یلور هر ری بر قتلته تسبیح اید که سائر بیک معلومی دکلدر * نفسیر تعلیمیده امام اوزاعیدن می ویدر که موسی
 علیه السلام یارب کو کارده ملائکه تک عددی تقدرد ویدر کده اولن ایک سبطدر هر سبط مانند ذرات تراب
 بعد و عدد و حساب ایدر و یونداه خدای جل و علا کلش * کترالاسر اوده مذ کورد که موسی علیه السلام یارب
 آدمدن مقدم سکا کیم عبادت ایتلدر ویدر کده ملائکه دیو یور یارب اترنه مقدار درید کده اون ایک
 بیک سبطدر که هر سبط اون ایک بیک کراهن و جن و طیور و حیوان و جن و حیوانات بریه یوحله
 تفسیر کیده و تفسیر ایدر مفاصل مذ کورد که زمرة انسان عشر جن و جن عشر حیوانات بریه یوحله
 عشر طیور و یوحله عشر حیوانات بجز به یوحله عشر ملائکه ارض یوحله عشر ملائکه سماه
 سابعه به دل اسلوب مذ کورد اوزره مضاعف در جمع انس و جن و طیور و حیوانات بر و یوحله ملائکه ارض
 و ملائکه سبعه و ملائکه کرمی عددینه نسبت کمال قات اوزره اولوب ملائکه سموات و ارض و کرمی و سائر
 مخلوقات عرش عظیم ملائکه عبادت اشتغال ایل مال مال اولان التیوز بیک سر اقلندن هر برنده اولان
 ملائکه تک عشریدر * هر بر سر اقل طول و عرض و ارتفاعه نسبت طبقات ارض و سموات بر جسم صغیر
 وئی حقیر در که کراولان سر اقل قاتل یعنی پایه لهر بری عباد عبادله غایت عتلی اولوب بر قارش بیر خالی
 یوقدر یوحله دل تفصیل اولان اجناس مخلوقات رب الکائنات عرش اطرافنده عبادت و طواف ایدن ملائکه
 اشراق کتره نسبت بچردن بر قطر همدن بر ذره اولوب اترل عدد در بی همان الله عز علاه یلور * انردن
 ماعد اعاون حضرت جبرائیل اولان خدام لوح محفوظ اولوب اعوان اسرافیل اولان اجناد ملائکه عبادت
 معتادله مقدار کتره و عمر لی مدته و عبادت نری کیفیتته (و ما یعلم جنود بیک الا هو) دلالتی اوزره مادی
 الله خیر و آگاه دکلدر و یومذ کورد و مسطور در (نظم) سبحان من تحیر فی صنعہ سواه عقل و خرد و زجلالش
 نیر دراه (احوال ملائکه) تفسیرده تحریر اولمشدر که ملکه ملک دینلد و قوت و شدت نری یا جناب
 حقه خلق اراستنده وساطت و رسالت نری چمتندر (شرح) مقاصد مده مفعلا مذ کورد که ظاهر کتاب
 و سنت مدلوله و اکثر امتک قول مقبوله ملائکه اجسام لطیفه نورانیه در که بر ساعده اشکال مختلفه ایل
 تشکله قادر در و افعال شافیه قدرته ماهر لر در * شان نری طاعات مسکن نری سواد رانیایه حق تعالی
 رسل اولوب امناه حضرت خدادار (یسعون اللیل و النهار لا یفترون لا یعضون الله ما هم و یفعلون
 ما یؤمرون) آیت نری خواستجه تسبیح و عبادات خلایق الکائناته علی الدوام قیام تام و مزید اهتمام اوزره در
 بعضی دیکلدر که هر بر ملک عناصر اربعه دن مرکب لکن عنصر هوایی سائر اجزاسنه غالب در و اناک کمال
 لطافت و شفافیتی جهتنندن منافذ و مضایقه حتی جوف اندانه و صلابت اوزره اولان بنیانه دخول و حوال
 ایدر غلبه اعدا و طیران فی الهواء و مشی علی الماء و مسهل اکدن تخلیص و انجا مقوله می اشیاده اکثر انسانه
 معاونت و مظاهر ایدر * عناصر درن مرکب اید کار می مذ هب اوزره اکثر ایداردن احتجاب و استتار اوزره
 اولر بنه و بعض عوارض ایل ترکیب نری منحل اولوب دیل کوری صورتده مصور و مشکل اولر بنه سبب
 بودر که حق تعالی بعض ایدارد و بعض احواله اترلر و بترن بر ادوب بعض ایدارد و بعض احواله
 بر اتمیوب محض قدرت و ارادته و حکمت و مشیتله ترکیب نر صافیوب اشکال مختلفه به تبدیل و تحویل
 ایدر (شرح عقایدده) دخی مذ کورد که بی شبه و شک هر ملک نه دیشی نه ارکان اولوب عباد الله در که بر دم
 عبادتدن منفک و ازرا کل و شرب و نوم و کسلدن ماهر و معاصی و سیئاتدن معصوم و مبرالدر و نجه اسرار
 و احواله فضل حقه عارف * اکن (قل لا یعلم من فی السموات و الارض الغیب الا الله) آیتی مفهوم منجه امور
 غیبیه به بی اعلام ملک علام واقف دکلدر * تفسیر او الله هودده مذ کورد که جمیع ملائکه ایک قسمدر
 بر قسمی معرفت حضرت حق و فیاض مطلقه مستغرق اولوب علی الاتصال عباداته اشتغال اوزره اولوب
 بونه کرویون و مقربون و علویون دیر بر قسمی دخی حکمت ربانیه و تقدیرات سبحانیه اوزره امور کائناتی
 تدبیر ایدوب (فالمدبرات امری) آیتنده مدبر اتندن هر ادرب العباد اشوب ایکتی قسم ذوی الانقیاد در (فائده)
 کتاب الاصول امام زاهد صفارده قیامده ملائکه جنه کربوب (و الملائکه یدخلون علیهم من کل باب سلام

علیکم با صبر تم قلم عقی الدام) دلالتی اوزره مسلمانره سلام کتور لر لکن جمیع ملائکه دن حق تعالی مال
 بیثان کورنک همان جبرائیله میسر اولوب اکادخی انجلی بر که واقع اولسه کر کدر بر اوقیت خصوصی محض
 فضل خدادار (والله یوفی فضله من یشاء) دیو تحریر واد اولمشدر (والله اعلم بما اخفی و اعلمن) (ترتیب ملائکه)
 معتبرانده اصناف ملائکه اراستنده معلوم انسان اولان ترتیب فضیلت و رجحان یوحله بیان اولمشدر که
 ایتلدره اشرف کل رسل اولندر * کشف علوم الاخره رسل ملائکه کرویون و یوحله عرش و اصحاب
 سر اقلات جلالدر و یومذ کورد و یومذ ترتیب ملائکه جنان و ملائکه هفت آسمان بعد هم ملائکه ارضیه
 و خزنه نارد و الحاصل هر قتی طائفه تک که مقامی عرش برینه یقین اولر بر طبقه اشاعه ده و ابراق اولاندن
 افضل و اکل اولوب هیبت الوهیت رب العزت دن کمال دهشت و خشیت نری دخی یو ترتیب اوزره در عرشه قریب
 اولان المیزان علی خطر عظیم) مفهوم منجه مجرد آثار عظمت جل و علا بی مشاهده ایتلدر کمال دهشت نردن
 بی اختیار باد و زان ایل بر لخران کبی رزان اولوب شدت حیرت نردن بری بر لرین یلوب حتی نیجه لری کند و
 وجود لر بنه دخی خیر دکلدر و یو تحریر اولمشدر * تفسیر قاضیده (الذین یحملون العرش و من حوله) آیتنده
 مراد طبقه کرویوندر که ملائکه طبقات اعلای و افضل و اشرف و اولی و براد لقه دخی طبقه اولی لریدر
 دیوب * کتاب الصلوات البشری فی الصلوة علی سید البشره ابن عباس ملائکه دن مقربون جمله عرشدر
 دیوب بعضی دخی اطراف عرشده ساکن اولان کرویوندر که جبرائیل و میکائیل و انزل طبقه سنده اولان کبی
 دیوب بعضی دخی مقربون اجرام سموات تدبیرنده اولاندر و بعضی دخی مقربون یدی قدر که اسرافیل
 و میکائیل و جبرائیل و رضوان و مالک و روح القدس و ملائکه الموتدر دیشدر دیومذ کورد (افضل انسان)
 معشر بشر ایله متکین علی الاراک اولان جمیع اصناف ملائکه میانه اولان ترتیب فضیلت خصوصیه
 بین الاسلاف بهض اختلاف اولوب عامه حکما و فلاسفه و معتزله و علماء اهل سنتدن قاضی جلی و قاضی
 ابوبکر باقلانی ملائکه انساندن افضلدر دیوب امام اعظم حضرت نری هیچ بر طرفی قطع اتمیوب توقف ایتلدر
 شرح مقاصد فضیلت انسانه (ولقد کرّمنا بنی آدم) آیتی ایل استدلال ضعیف در برانکریم تفضیلی
 مستلزم دکلدر خصوصاً و فضلهام علی کثیر من خلقتنا) بیور لایقی انسانک بعض مخلوقاتدن افضل اولد یقینه
 دلیل در اول ایه ملائکه دن غیر طائفه دکل اید و کی مقرر در خصوص ملائکه حقه دخی قرآنده (بل عباد
 مکرّمون) بیور لشد لکن (ان الله اصطفى آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین) آیتی انبیاء بشرک
 جمیع ملائکه دن افضل تر بنه دلیل جلیلدر زیرا عالمینده ملائکه دخی داخلدر در کجه آل ابراهیم
 و آل عمران دن انبیاء اولیا نر بالا جماع تخصیص و اخراج اولمشدر لکن ملائکه کی تخصیصه اصلا دلیل یوقدر
 * تفسیر لایده بر طائفه دیدیلر که نوع انسان جمیع مخلوقاتدن افضلدر لکن ملائکه دن افضلدر و اشوب قول
 ابن عباس قولی و زجاج مختاریدر امام کبی دیدیلر که انسان ملائکه دن جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل
 و یونزل مائدی اولاندر غیر یلرندن افضلدر بر طائفه دخی انسان جمیع ملائکه دن افضلدر زیرا کاه اولو که
 اکثر لغتی جمله معنای سنده استعمال اولور و تکیم قرآنده شیاطین حقه ده (واکثرهم کاذبون) بیور یلوب
 معنای و جمیعهم کاذبون دیکدر حضرت رسول علیه السلام (ما خلق الله عز وجل آدم و ذریته قات
 الملائکه یارب خلقتمهم یا کون و یشربون و یشکون فاجعل لهم الذیاء و انما الاثره فقال الله تعالی لا اجعل من
 خلقته یدی و نفع من روحی کن قلت له کن فکان) دیو یور و شد ر من یو لیا بک وانی اولان ابن عادل اولی
 بودر که عوام ملائکه عوام مؤمنیندن خواص مؤمنین خواص ملائکه دن افضلدر و وزیر اقرآنده (ان الذین
 آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه) دیو یو یلوب (المؤمن اکرم علی الله من الملائکه الذین عنده)
 حدیثی واحدی و بغوی روایت ایتلدر در دیوب * صاحب الهدایه مختارات النوازل اولو کابنده جامع
 الصغیرده مجموع ملائکه مجموع بنی آدمدن افضلدر دیوب بعض اهل سنت امر بر عکس در دیوب مذهب مختار
 بودر که خواص بنی آدم اولان انبیاء جمیع ملائکه دن و عوام بنی آدم اولان انقیاد عوام ملائکه دن و خواص
 ملائکه اولان مقربون عوام بنی آدمدن افضلدر دیوب * مواهب لدینه خواص ملائکه جبرائیل
 و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و حله عرش و مقربون و کرویون و روحانیوندر و یومذ کورد و الله اعلم

(باب رابع در احوال کوه و دماورا)

کتاب العظمه ده کعبه من می وید که حتی قوارت بالجابدن مراد بشل یا قوتدن بر طاعه و که دینایی
 احاطه ایدوب کوه یوزنیک بشل کوزند یکی انک رکنند در اول سبیدن کوه یوزنه خضر ایدوب در دینانک
 دخی بشل کوزند یکی کوه کندن را کادخی بصر خضر دیر معبرانده مذکور در کوه بدخی قات برک
 بالواسطه بالذات التند اولان صخرة عظمت بهره نک شعبه عزت رتبه اولان کوه باشکوه قاف اصلی
 کبی زمرد خضر صاف اولوب سماء رفعت انعام شرف مقربله همسر و برادر جمع دیار دله اولان طاعلردن
 بر طهر را کاسل و متصدل بر روایتده زلزله اولو اولسه قافه مؤکل اولان ملاک امر حقه اول طمری
 تحویل ایدوب زلزله طهر وایدیه تقسیم این ای حاقده کتب قدیمه دن مفصله متولد که دیناده اولان دربار
 بحر بنطس دن برخلیج یعنی دیندر که بنطس یوزنی احاطه ایدوب جله دریا ل بنطس کوه بر یکار کیدر
 بنطس اردنده قیاس انک اردنده اصم انک اردنده مظلم انک اردنده الماسدن بر طاع انک اردنده باکی واردر که
 بوجه بری برلین احاطه ایدوب هر بری محیطه نسبت محاط دریا کوه یکار کیدر من یوزنیاکی طاتلو
 صودر که نصفی حتی تعالی عرش التند قریب انی جمع انک دیندر که اغلیوب استغفار ایدوب انک ایچون باکی
 دیر باکی اردنده عرش کوه جله می انک یاننده لاشی مقوله سیدر (بحار سمیه) بعض توار یخ معتبره ده
 مذکور در کوه ماوراء جبل قافه یددی دریا واردر که بری برینک اردندن قافی احاطه ایچندر در هر برینک ایچنده
 اولان مخلوقات عددی کمال کثرتدن حضرت رب العزتدن غیری بر فر دینانک (عوالم متعده) کنزالاسرار ده
 حضرت رسول علیه السلام دن می ویدر که ماوراء قافه ماوراء قافه دینا در بر آق و بر آق بر بر ایدوب که ایچی دایما
 عبادت خدا ایدوب نرا ایدوب جله می معاصیدن میرا معصوم اولوب آدم و ابلیس کیدر ایدوبی اصلاندر معلوم
 دکادر بعض معتبرانده دخی می ویدر که قاف اردنده مسکدن انک اردنده کافوردن انک اردنده عنبردن انک
 اردنده التوندن انک اردندن کومشدن انک اردنده دموردن یتش عدد بر ایدوب انک اردنده یتش بیک عالم
 بر ایدوب که ملائکه طاعت انیس ایدوب اولوب آدم و ابلیس نه ایدوبی بیلر همان الله بر محمد رسول و حبیبی
 دیوشم عادت ایدوب عبادت ایدوب بر بعض علما اشبو عالم رنه حسیه نه عقلیه اولوب ایکسی مایشتده اولغین
 ارباب کشف و حال بوتله عوالم مثال دیوشمه ایچندر در کتاب خریده الحجا یدیه بعض مفسرین دیشدر که
 ماوراء قافه سیم بجلی کبی برارض میضا واردر که طوی یکر می بیک بیلای پولدر ایچنده اولان جله
 ملائکه عرشه باقوب هیبت قدرت رب العزتده غایت حیرت اوزره اولغین هر بریسی یاننده طوران بولداشی
 و آدم و ابلیس بر ایدوبی بر ایدوبی بلایوب تاروز قیامت بوحالت اوزره طور بر بعض یدیدر که (یوم تبدل الارض
 غیر الارض) آیتی مفهومه قیامتده یوزنی تبدل اولنده قافه انک برینه اشوارض بیضیاد و شتور دنوب
 * زین الحجالده حضرت رسول علیه السلام دن می ویدر که جبل قاف اردنده آق کومشدن دومه و زبر
 واردر که بیک کبی یدیه کوه دینا قدر در ملائکه ایدوب اولوب ایکنه براغله اوزر ل نه دوشهر ملائک التند طوی
 قرق فرسخ بر علم واردر که اوله الله الله محمد رسول الله یاننده هر جمعه کجه می اطراف جبل قافه
 جمع اولوب (یا نبی ارحم امة محمد صلی الله علیه وسلم ولا تمذهبهم بشارک) دیوشم حاجات قاضی الحاجات ایدوب
 صباح اولد قده (اللهم اغفر لمن اغتسل وحضر الجمعة واعطه مؤله) دیواغلا شوب دعا ایدوب کارنده نه دیر
 دیوندا کوب بونلر دخی یارب دیر که امت محمدیه مغفرت ایدوب سن دیکارنده (انی قد غفرت لهم) دیو جواب رب
 الارباب کور * کنزالاسرار ده ویدر که اسکندر ذوالقرنین قافه واروب اطراف قافه کوجک طاعلر
 کوروب بونلر دیو قافدن صوروب اولان دخی طهر مدر که هر بری بر شهر متصدلر حق تعالی بر شهر زلزله
 دیندر که بیک امر ایدوب طمری بیک ایدرم دیوب اسکندر دخی یا قاف قدرت حقدن بکاخبر ویدوب
 اولدخی بر بزلشانی عظیم در بین ارامه طول و عرضی بشیوز بیلای بر صحر اواردر که انک ایچنده صافی فارندن
 عظیم طاعلر واردر که انرا اولسیدی جهنم آتشنک حرارتدن ینار ایدوب دیش (جالبقا و جالبصا)
 کتاب مسالک المعاکره مذکور در کوه ماوراء قافه مشرق و غرب طرفلر ده بر شهر واردر که شریفنک ایچی جالبقا
 غریبنک جالبصا در اوزنلقاری اون ایک شریفنک فرسخ اولوب اوزنیک قیولی اولوب هرقبولر می هر کجه اوزن

بین آدم بیکوب بر کجه نک بیکیلر نه قیامتده دل بردخی فو بک دکز ایچلر نه الی بیک بیل بشارک نه لر
 واردر جله می اکل و شرب و نکاح ایدوب نیجه حاللری دخی واردر آدم و ابلیس بر ایدوبی بلایوب اوزر ل نه
 شمس و قمر طوبیوب کندولر بیک نورلری ضیاسی کفایت ایدوب دایما عبادت حقه چالش و رزم رسول علیه السلام
 پیوره شکر که معراجده جبرائیل بنی اناره او ایدوب دعوت ایدوبیکه ده جله می بکایمان کتوروب مطیع لری
 متعلک مطیع لری عاصیلری عاصیلر ده در * تفسیر کیدر مذکور در کوه مغربده اولان شهر ل ایکه و یکری
 بیک قاپوسی واردر که انده اولانک صدامی مانع اولسیدی ککوشنک غریبی حالنده صوت عظیمی خلق
 ایشدر لر دی * معارج النبوه و تفسیر تیر سیرده یوایکی شهر ل خلق انساندن اولوب بقایای قوم هود و قوم
 صالح علیه السلام در دینوب دینانک ایچنده او ایدوب بعض تفصیل دخی ذکر اولنده که متعده
 کلیه ایدوب اشاعه ده باب صالحه بیان اولنور (هالوع) توار یخ طبریده مذکور در کوه ماوراء قافه هالوع اسمو
 بر حیوان عظیم الجسم واردر که هر کون درت صحر اوزنلایوب یددی دریا صوبین بالتمام ایچوب بر روایتده هر بری
 دینا قدر اوج چایر اولایوب بیک قالمدی عالم نیجه اولور دینو غمناک اولور یوله خرص و سفیه اولغین قرآنده
 (خلق الانسان هالوعا) دیو بی آدم اکاشیه اولنده (قافه) زین الحجالده مذکور در کوه هر کون مشرق
 طرفلر دن بر ملائک بنی آدم بر غلت الله تعالیدن سزه مهلت حضرت رب علام قهار ذوالقادر سطوات
 و تقما تمدن خوف ایدوب کز ترک معاصی و ملاحظه (یوم یؤخذ فیها بالاقدام والنواصی) ایلک اکبر
 ایچکزه ده عباد عباد و اطفال مهمل و بهایم حرامتد اولسه اوستکزه عذاب حق نازل اولوق محقق
 ایدی وارلر سزه مهلت مهلت دیو ایدوب (عدد عوالم مخلوقه) ماوراء کوه قافه مسکدن بعده کافوردن
 بعده عنبردن بعده التوندن بعده کوشدن بعده دموردن یتش عدد بر ایدوب بوجه نک اردنده یتش بین
 عالم واردر که بوجلدن بر ورق بوقار و ده تفصیل اولنده در کافور اوانه * خریده الحجا یدیه ابن عباسدن می ویدر که
 انس و جن بر عالم ملائکه و کیریون دخی بر عالم اولوب یتش بین عالم دخی واردر که جله می ماسوی اللهم معلومی
 دکادر * صحابه دن اوسعه حدیثدن دخی می ویدر که عالم قرق بین عدد اولوب جله دینا ازل بر سیدر
 این بر کعبدن دخی می ویدر که عالم راون سکزی بین ملکدر که دوردین بیک یوزنی دینانک شرق و غرب و جنوب
 و شمالدن بر رکوشه سنده اولوب هر بر ملک اولقدر اعوان و انصاری واردر که عدد برینی همان حضرت
 پروردگار یلور اشوب درت کوشه دن هر برینک اردنده آق کوش کبی بر واردر که عرضی یکری بین
 بیلای بول اولوب طولی همان الله تعالی یلور ملائکه روحانیون ایدوب و ششون اولوب تسبیح رب متعاله علی
 الاتصال اشغال ایدوب لیکر برینک صدامی دینا خلق ایشته لوجه سنک زهر لری چاک و دهشتلرندن
 هلاک اولور لر دی و نلر ماورالری عرش اعلادر * تابعیندن سعید بن المسیددن دخی می ویدر که عالم بین
 عدد در التیوزی در یاده در تیوزی قراده دوه ضحا کدن دخی می ویدر که عالم یوزنیکری سکزه عدد اولوب التشی
 لباس گین اجناس و معاد لری لباسدن عاری اولوب خالق و بار بیلر دخی بیلر * مقاتل بن حبان دن
 می ویدر که عالم سکبان بیک در نصی قراده نصی در یاده * مقاتل بن سلیمان دن می ویدر که اگر عوالم احوالی
 تفسیر و تخریر بر یاسم بیکر و قلوب بیک جلد کتاب اولور دی * کعب الاحبار دن می ویدر که عدد عوالم حضرت
 حقدن غیر لته معلومی دکادر * وهب بن منبه دن دخی می ویدر که عالم اون سکزی بیکد بوجه دینا ایچلر نه بر سیدر
 ارضک معمودی خرابنه نسبت بر صحر ای بی بیانده قورلش چادر کیدر * کنزالاسرار ده اشوب و روایت حدیث
 شریفدر دنوب * ضحا کدن دخی می ویدر که عالم در تیوزنیکری عدددر که اوچیوز التشی دایما جلق و یان
 ایاق ماتد بهایم احق و هایم اولوب خالق لری عالم دکادر در التشی دخی عقلا اولوب لباس کیر * فتوحات
 مکیه ده مذکور در کوه خیر آدم علیه السلام دن قیلان بالجقدن خرما اغای بر ایدوب خرماندن دخی بردانه
 خردل قدر باقی قالوب حق تعالی انی محض قدر بیلر بر دوب سخوات و عرش ارفعدن اکبر و واسع ایدوب
 عجایب و غرایله محلی و اول عالم دخی عوالم شریفه متنوعه ایدوب علی اولوب جله می ترهشکا اولیه اللهم در که
 اکا عالم حقیقت دینوب مشایخک انده وقایع عجیبه و حکایات غریبه لری ذکر و تفصیل و بسط و تطویل
 اولنده در که مطلع و مستمع اولان ارباب تر در خرد دان مهور و حیران قالور فصحان افشار علی خلق جمع

باب خامس در احوال عوالم عقلیه

عالمی است که تحت اثری آراسته منتهی اولان احوال بحد و ابعاد و غایت بیانی محال در بیان اینچنین
 بلخی لازم اولان امور و بزرگوار که باید مذکور اولور (موج مکشوف) کتاب العظمه ده ابن عباسدن
 می ویدر که بر دریا سمندر که سما دنیایک همان اوج فرخ اشاعه منتهی قدرت حق ایله هواده معلق طوزوب
 بر طره می اشاعه طامله من جبل محدود کی مشرق دن غرنه اوزا غش اولوب جمیع ازمانده آتاش اوق کی
 سر عتله جرایانده در شمس و قمر و نجوم انک ایچندن دور ایدوب بهضیاء (وکل فی فلك یسبحون) آیتک معنای
 بودردینلر همان فارسیدن دخی می ویدر که سما دنیا آتنده بر دریا وارد کی بر یوزنده کی دریا حیواناتی کی
 حیواناتی وارد و طوفان نوح ایدن یاغوب الله تعالی انی عذاب ایچون قیوب قیوب قیامتده انی ره ایدوب
 انکه دیل و کنی عذاب ایدر (عناصر اربعه) طائفة حکما و متکلمین دیدکاری علما سما دنیا آتنده عناصر
 اربعه دن کره نار انک آتنده کره هوا وارد کره آب ایله **کرة تراب** بر یوزنده در دیو قال و قبل و نیجه
 تفصیلا را ایتلر در **تفسیر ایلده** (والجان خلقناه من نار السعوم) آیتده ابن عباس نارسوم آتش بی دختلر
 دیوب بعض سلف صاعقه لر من یوز آتشدن اولوب اول آتش سما ایله حجاب آراسته در الله تعالی بر امر احداث
 ایتلر دیل کده اول آتش بجای بر یوب امر اولندی بر ایشوب ایشیدیلان صد اول حجاب بر اندیخی آوازیدر
 دیش دیومند کورد (مدینه الهوا) زین الجبالک بر مخلنده خبرده کلشد که الله تعالی هوا یوزنده بر شهر
 بر آتشدن حصاری دیواری و ورطه قابوخی کی اولوب یتش یل قابوسی و هر برنده یل که یل بنی آدم قدر
 ملائکه اولوب جمعه کونی کاد کده جمعه ایچون غسل ایدلر دعا ایدلر دیوب بر مخلنده دخی بعض کشیده
 می ویدر که حضرت موسایه قومندن بر طائفه نور اتده خاتم الانبیاء محمد المصطفی صلی الله علیه وسلم
 اوصافن کوروب اکا ایمان کتور میچون آخر زمانه دلایشه مغه دعا ایدلر مشر اول وقتده بر قدرت حق ایل
 هواده معلق بر شهر لر اولوب حضرت رسول علیه السلام معراجده انلر اوغرا یوب شرف ملاقات سید
 کائنات ایله مقضی الماراد و سرور الله و اولدیلر دیومند کور و مسطور در (رعد و برق و صاعقه) سنن ترمذی
 و نسائیده حضرت رسول علیه السلام دن می ویدر که رعد دن سوال اولدنده بر ملکدر که بوللر مؤکل
 اولوب آتنده اولان آتشدن قاجیلر ایل بوللری الله تعالی دیلد کی ره سورر رعد لک صوفی ندر دیو صوریوب
 بوللر امر اولانان بر جمعه اول و ندر دیو قاید بغیر دیو بر مشر که کتاب العظمه ده ابن عباسدن می ویدر که
 رعد بر ملکدر که صحابی تسبیح ایتلر تسبیح و تکبیر ایتلر که غضب ایدر بعض تابعیندن دخی می ویدر که بولت
 رعد لک امرینه مخالفت ایتلر چاغروب غشی آرنسه اغزنلر آتشدن صاعقه یعنی یل زم اول آتشدن
 حضرت علیدن می ویدر که برق آتشدن قاجیلر در که بولت ملکدر یلک المرنده اولوب انکه بوللر قایوب
 سورر رسول علیه السلام دن دخی می ویدر که عند الله بولتک ادی عتاند رعد صحابی زجر ایدر بر ملک
 اسمیدر برق و قیل آدلور بر ملک طره سیدر دخی می ویدر که صحابه مؤکل بر ملک وارد که الله قاجی طوتر
 قاجی بی قالد رده برق قاید رده رعد ضرب ایتد کده صاعقه یلدا اولور بعض سلفدن دخی می ویدر که
 برق بر ملکدر که دوت یوزی اولوب بری انسان بری صغری کر کس قوشی بری ارسلان صورته در قوی بر دخی
 تخریک ایتد کده برق ظم و راید بعضندن دخی می ویدر که عرشدن اشاعه ده آتشدن دریا وارد که صاعقه لر
 آندن دوشمر **تفسیر** تعلیمده ابن عباسدن می ویدر که رعد بر ملک کدر که صحابی مأمور اولدی بری سورر
 صودر یاری انک باش بار منقنده در الله تعالی نه تسبیح ایتلر که کورده جمیع ملائکه تسبیح رفیع صوت ایدوب
 اول حالده یغمور و بغاره تفسیر ابن عطیه ده حکا و ابن عباس رعد بولت ایچنده محتبس اولان یل فرجه بولوب
 زور ایله جقیدتی صد انک اسمیدر در عتلدینوب قانون ابن العرقیده مشهور بودر که رعد ییل اسوب
 بوللر جمعه اولدنده بری برلرینه دوقوشد قلدنده یل اولان صد اسمیدر لکن بوقول مذهب طائفة فلاسفه
 اولوب دایلدن دخی خالی اولغین معتبر کلدردیو بر در **کتب کلامده** حکا قولنجه مذکور در که در بالردن

و یاش بر لردن هوا به جیقان بخار لوطیقه زمهر بر به دیدکاری هوا بارده واصل اولدنده منعقد و تجر اولان
 بوللر حاصل اولور کاهی قوت ایله مخلوط جیقوب بخار لر بولت اولدنده ایچنده قوت قابوب بولتی زور ایل
 بر یوب جققی ایستد کده بر صد ایلدا اولوب رعد انک اسمیدر جققی ایستین قوت بوللر ایل بر مقدار
 طوق و شور سه قلیل و خفیف بر شعله یلدا اولور که ابارق دیر لر محکم طوق و شور سه کثیر و کثیف محکم
 علوظم و راید که اکا صاعقه دینوب بر یوزنده ایشوب طوقند بی سنه بی ویران و سوزان ایدر که کشافده
 مذکور در که صاعقه بوللرک جققی طاشی کی دوقوشد قلدنده جقان آتشدن غایت حد تلوا و لغین
 اوغرا دینی هلاک و نابود ایدر لکن لطیف و سر یخ الخود اولغین فی الحمال منطقی و منطقی اولور (باد) تفسیر
 تعلیمده حضرت رسول علیه السلام دن می ویدر که الله تعالی رعدن بر سنه و صودن بر قطره کوندر دخی
 الا اولوب و حساب ایل کوندر دی الا قوم هو دوقوم نوح هلاکاری کونلر نده دکل که ریح ایله مائخر نه دارلر نه
 سر کشلک ایدوب لارندن پوشانوب بحساب جقد یلر بعض سلفدن دخی می ویدر که مساکن ریح حله عرش
 اولان ملائکه کروییونک جناح لر اراسیدر که اندن اسوب سر بر سنه اندن بر یوزنده طاعلر اوغرا یوب اندن
 صحابه دوشر اما باد شمال جنت عدنه اوغرا یوب انک رواج طیبه سندن حصه آلوب بعده شمال و دیور جنوب
 و صبا هر بری معین اسم جک بر لردن اسوب بر لر نه فارش لر دیو زیاده اولوب **تفسیر** کبیرده کعبدن
 می ویدر که الله تعالی قوللر لردن ریحی اوج کون حبس ایدوب اسد بر سه جله دیشا یوزی بر امر قو قاردی
 کتب کلامده سبب ریح خصوصی حکا قولنجه مذکور در که آسمانه صعود ایدن بخار و دوقره زمهر برده
 حرارتی کیدوب بر دایله کثیف و سرد اولوب بر مقتضای طبع جانب سفلی به عود و رجوع ایتد کده میان ارض
 و سجاده اولان هوا ساکن متحرک اولوب ریح یارد حادث اولغنه باعث اولور **کتاب العظمه** ده
 ابن عمر دن می ویدر که ریح سکزد در دردی رحمت دردی عذاب رحمت اولاند ناشرات مبشرات
 می سلات ذاریاتدر عذاب اولاند عقیق و صر صر در که قرده عامف و قاصفدر که دیاده اولور بعض سلفدن
 دخی می ویدر که ریح ایدر که صبا دیور جنوب شمال نکا خروق ریح قائمدر صبا مشرق دن دیور
 مغرب دن جنوب کعبه نک صولندن شمال قبله نک صاعندن نک صبا ایل جنوب آراشدن خروق شمالله
 دیور آراشدن اسوب ریح قائم خلقت دائم اغزلرندن و یوب الدقری تفسیر در حسن بصیردن دخی
 می ویدر که کعبه قابوسنه ارقه و بر سک شمال صولکدن جنوب صاعکدن صبا قوشو کدن دیور آرد کدن
 اسر **تفسیر** سلفدن دخی می ویدر که دیور غرب دن قبول شرق دن شمال جنوب دن میان قبله دن اسن نکا درت
 طرفدن استدر **تفسیر** حضرت رسولدن دخی می ویدر که جنوب ریح جنته ندر لواخذ ندر آتده خلقه منافع
 واردر شمال نارنددر آندن جیقوب جنته اوغرا یوب جنتک نفعه سی اکا طوقنوب برودنی اندن در دخی
 می ویدر که الله تعالی جنتدن ریحدن یدیل صکره بر ریح دخی بر اندی که اندن بر یوب باغلق و وارد اول
 ریح سزه اول باغلقه قیوار سندن اسرا کر قیو آچله ایدی کو کار ایل بر آراشدن اولانی یل صاور دردی الله
 تعالی انک قنده انک آدی ازب سزل قات **تفسیر** کزده جنوبدر **تفسیر** ابن عباسدن می ویدر که اصلا جنوب اسم
 الا یغمور یاغوب سیل اولور کرلر سز کرلر کرلر کورمل **تفسیر** بعض سلفدن دخی می ویدر که شمال ملح ارضدر
 شمال اولسه بر یوزی قو قار ایدی یاده متعلق بعض کلام بوقار و ده باب ترتیب خلق اشیاده روایت رابعه ده
 ذکر اولشدن را کا نظر اولنه (ابروباران) تفسیر کبیرده طوفان نوحده غضب حضرت رب ایله یاران ملائکه
 مؤکین اللرندن جیقوب طغیان ایدوب یحد و یایان باغمله بسیط حاله چال اولدنده روی زمین این و حنین ایل
 شکایت و ب العالمین ایتلرین یغمور و غریبال انقسم کر کدر دیو حی الهی ایشوب اول زمانده بر یوب رحمان
 بوللری یغمور و غریبال و میزان ایتدی دیو یان اولشدن **تفسیر** طائفة حکما و نیجه علما بوللر یغمور و لر دیا لردن
 و یاش بر لردن صعود ایدن بخار لدن حاصل اولور دیوب **تفسیر** قاضیده مشهور بودر که هوا به صعود ایدن
 بخار لر حرارت هوا تحلیل ایتدن هوا یارد طبقه سنه ایشوب اول محله برودنی محکم اولور سه جمیع اولان
 بخار بوات اولور برودنده قوت اولر سه یغمور اولور اگر برودت محکم اولوب اجزاء بخار به نک اجتماعندن مقدم
 واصل اولور سه قار اولور اجزائک اجتماعندن صکره واصل اولور سه طو لور اولور **تفسیر** بعضلر دیشلر در که هوا افراطله

دو یا عرق ایدر دی (که به معظمه شرف الله تعالی) تفسیر شده بواسطه معنی اولدین معنی چار گوشه
اولدین معنی یا خود اسی کعب اولان او کعبه کی برپوشیدن مرتفع اولدین معنی بنیادین کعبه به
بنیت عتیق دیو تسمیه اولدین معنی حسن بصری قولنج انسان ایچون ابتدا اولان بنیت اولدین معنی بنیادین
قولنج آتی بیقه ایستین جبار بدن الله تعالی انی حفظ و آزاد ایدن یکچون * مجاهد قولنج طوفان نوحه
غرقدن آزاد اولدین معنی * بهضیله قولنج معظم و مکرم اولدین معنی بنیادین * تفسیر واحد قناده
قولنج موافق بر حدیث شریف مرید * معارج التوبه ابن عباس دن مرید که عرش برین قبل از خلق
آسمان وزمین (وکان عرشه علی الماء) آیتی خواججه صاد اولدین معنی اولدین معنی (ص والقرآن ذی الذکر)
آینده صاددن مرید در بعد عرش اعلایا به رفع اولدین معنی صاد عوج ایدوب بخارندن کوکرا کوپو کندن
کعبه بری بر اولوب ایکی بیله نصکره ریویزی کعبه برندن چکوب یا یلوب انکچون * مکرم نه نام القری
دیو یورلدی اول زمانه کعبه نک بری قزل طیار اولوب اولوب ملائکه آتی زیارت ایدوب آدم علیه السلام
دخی طواف ایدن کعبه توبه سی قبول و اصناف الطائف خدایه وصول بولدی * بعد آدم علیه السلام زیارت
ایتمک دفع وحشت دنیا ایتمک ایچون اول اولدین معنی کوکدن بنیت المعمر و برنور یا یلوب آدم علیه السلام
وفات ایدن کعبه کوک چکوب اولاد آدم او محله صافی بالقدن کعبه بی یا یلوب طوفانده منعم و منعم
اولمغین بعد زمان حضرت ابراهیم علیه السلام بنای ایدن * کتاب * زبورده کعبه بی ابتدا ملائکه معاوندن آدم
علیه السلام ایل اوغلی شیت بنایا شلردن دیو بر روایت حکایت اولوب * تاریخ میر خاندن ابتدا آدم علیه
السلام یا یلوب وفات ایدن کعبه شیت علیه السلام انی تعمر ایدوب طوفانده ملائکه کعبه نک بناسن موکوب
حجر الاسودله جله طاشلرین طاعنرا ایچنده امانت قود یلردینوب * تفسیر بوالهولده بر محله تاریخ مکده
جمله اون کره بنایا اولمشدر (اولا) ملائکه (ثانیا) آدم و حوا (ثالثا) آدم وفاتده انی عزرا ایچون کوکدن این
خیمه بنه کوک چکاد کعبه اولاد آدم طاشله و یا جله یا یلوب طوفانده نصکره بری خانی قائمشدی (رابعا) ابراهیم
علیه السلام بنایا ایدوب (خامسا) طائفه عمالقه (سادسا) طائفه جرهم (سابعه) اجداد حضرت رسولدن
قصی که رئیس قوم قریش ایدی (ثامنا) حضرت رسول علیه السلام بکرمی بش باشند. ایکن طائفه قریش
بنایا ایدوب حجر الاسودی برینه قوم قحط قحط عرب نزاع ایدن کارنده رسول علیه السلام کند و مبارک اللریله
قود بیلر (تاسعا) صحابه دن ابن الزبیر (عاشر) حجاج ظالم بنایا ایدوب انی هذا الان غیر کسی بنایا شلدر حجاج
بنایا کعبه نک جله سنه او یلوب همان التون اولوق دیوارین بنایا ایدوب حطیم ایچورده ایکن طشرده
قومشدر دینوب بعضنک قولنج جله بش کره یا یلدر که * بنایا شیت * بنایا ابراهیم * بنایا قریش * بنایا ابن
الزبیر * بنایا حجاجشدر دینوب * تفسیر من بولر بر محله دخی جله بش کره بنایا اولمشدر بری بنایا ملائکه در که
یا قوت اچردن اولوب طوفانده کوک چکامشدی یا قیسی بنایا ابراهیم علیه السلام بنایا قریش بنایا ابن الزبیر
و بنایا حجاجشدر دیومذکوردر * تفسیر قاضی و کشفه کعبه بی ابتدا ابراهیم علیه السلام یا یلوب
یقلمده قوم جرهم تکرار یقلمده قوم عمالقه تکرار یقلمده قوم قریش بنایا ایدوب دینوب * بحر عتیق
اولو کتاب مناسک الحجده کعبه پیدی کره بنایا اولمشدر بری بنایا ملائکه یا بنایا آدم علیه السلام (ایکینجی)
بنایا ابراهیم (اوچینجی) بنایا عمالقه (دور دینجی) بنایا جرهم (بشینجی) بنایا قریش (التنجی) بنایا ابن الزبیر (یدنجی) بنایا
حجاجشدر دینوب کعبه نک بعض احوالی آساعیده باب ابراهیم علیه السلام مذکور اولنسه کرکدر یا قی احوالی
تفصیل عظیم اقتضا ایدوب مستقل * که تاریخلرند بیان اولمشدر * کتاب العظمه ده عطا دن
مرید که دنیا یوزنده ابتدا وضع اولنسان طاع مکده جبل ابی قیس دید کاری طاعنر (احوال ارضین)
کذا الاسرارده ابن عباس دن مرید که (الذی خلق سبع سموات ومن الارض مثلین) آیتی دلالت ایدر که
طیقات ارض هر برنده بعض خلق اولوب انده قضایای الهیه دن نیجه امور تعاق و نظم و برابره معتبرات
متفرقه ده مندر * کوزدر که (اولکی برلادی) رمکادر لاشده رج عقیق اولوب دوردن تنش بیک زنجیره
باغلوردر هر برینی تنش بیک لک طوکره اندن برپوشل حلقه سی ایچندن کچن مقدارله عاده قوی هلال اولوب
قیامتده دخی طاعنرا شویجله زبورده که برابر اوله جقدر بر آلتنده بوشم اولو بر طائفه وارددر که

عذاب حقه مظهر اولور (ایکینجی) برلک آدی خاتم قوطه ایلد خلدده یا خود جله جلدده در قومنک آدی طه من
اولوب بری برلرین برلرین برلرین اهل نار ایچون انواع عذاب وارددر (اوچینجینک) آدی عرقه قومنک آدی قیسدر
بوبرده اهل نار ایچون سوله عقر بیلر وارددر که حربه وارا ووزن قوی ووقلری اولوب هر برینک بدنی اوچوز
التش قله اولوب هر قله آغواله لوددر (در دینجینک) آدی جریا خود جبارده قومنک آدی جلمه در بو طائفه
جوق یسایوب کوزلری الاری ایاقلری اولوب ایکیشر قناده اوچر بوبرده عذاب اهل جیم ایچون عظیم
و جیم بجهده وارددر (بشینجینک) آدی ملایا خود قناده قومنک آدی محطاط در بری برلرین بیکه هتاد اولوب
اکثر یازلری اودر بوبرده کفار یوزنده بغلنه جق کبریتدن طاعنرا سوله طاشلر وارددر (التنجینک) آدی جیم
قومنک آدی قسطاطه در که قوش صورتده اولوب حق تعالی به عبادت ایدر در قناده اعمال کفار بوبرده قرار
ایدوب (کلا ان کتاب القیاری سچین) ایتمک معنای بوبرده شلر (یدنجینک) آدی عجب یا خود عجبیه قومنک
آدی چشم اولوب بدنلری سیاهدر یا جوج و ما موی بونلر هلاله ایتسه کرکدر دیو روایت وارددر * کز
الاسرارده حضرت عیسا علیه السلام دن مرید که شیطان اهلین بوبرده مکین اولوب رحمت حندن مأیوس
وقید و بندله محبوس و مغسوس اولمشدر و ارواحی ارباب کفار عمار خد ایدی الرقه ایلد بر تلبیس قشده
طوروب انکله جلیسدر اشبور زمین شامت قرین اور تاسنده مظلمدن بر دیوار چکامشدر که بر طر قنده جهنمه
آچلش بر طر قنده زمزم بر آچلش بر قاپو اولوب عرش ایلدس انده در تفسیر مکیده ایلدس بدنی قات برده
دمور زنجیر و سوندایه محکم بنایا اولمشدر دینوب ایلدس مفری دینا یوزنده بحر محیطده بر جزیره در دیو بر
روایت اولوب ایلدس احوالنده حکایت اولنه جقدر * تفسیر واحدیه معین ارض سابعه در دیو بر حدیث
دخی خلق ایلدس معین جهنمه اغزلری اور تلبش بر قید و اسیردر دیو بر حدیث و کعبدن معین بدی قات برلک التنده
موضع خد ایلدسدر که ایلدس جله ذریبی انده ساکنلردن دیو بر روایت * و مجاهد دندخی معین ارض سابعه
التنده بر صخره در که کفار لدفاتر اعماللری انک التنده قونور دیو بر روایت اولوب * کذا الاسرارده ایکن کعبدن
مرید که معین ارض سابعه التنده بر اناجدر که اوستنده هر بر شیطانک آدی یا زاشد زهر بر کافر لک روحی
قبض اولدنده لکار کوک ایلدوب جناب حقه عرض ایدن کارنده در اوائقین انده بر اغلور * کابی و مجاهد دن
دخی مرید که معین ارض سابعه التنده بر شیطانک آدی یا زاشد زهر بر کافر لک روحی
دفاتر اعمالی انک التنده قونور * و همدن دخی مرید که ایلدس نصر فی او محله منتهی اولور ابن عباس دن دخی
مرید که کافر لک روحی قبض اولدنده کوک ویر قبول ایتوب بدنی قات برده ایلدس کعبه حیددن معنی
نحت خد ایلدس لمیندن برورق چیقوب رقم و ختم اولوب اول مکان منقور لاطفه ده وضع اولنور * مستدرک
حاکمه ارض ثانیه ده رج حبس اولوب ثانیه ده جهنم طاشلری وابعده جهنم کبریتی شامسه ده
جهنم یلانلری سادسه ده جهنم عقر بلری سابعه ده سقر وارددر که ایلدس یوزنده در دمور زنجیر ایلرانی اوکته
برالی اردنه باغلور طوروب الله تعالی دبله وکی تسنه ایچون کاهی انی قویو ووردن بر حدیث شریف مرید
* کتاب العظمه ده بعض سلفدن مزیدر که اولکی بر التنده حجارة جهنم ایکنجیده رج عقیق * اوچینجیده
عقارب جهنم * در دنجیده حیات جهنم * بشینجیده ایلدس وارددر * بهضندن دخی مرید که رابعه ده عقارب
شامسه ده حیات سادسه ده کبریت جهنم وارددر * بعض کتبده ثانیه ده عقارب ثانیه ده انواع عذاب اهل نار
بعضندن دخی سادسه ده حجارة اهل نار وارددینوب بهضندن ثانیه ده کفار ایچون سلاسل و اغلال ثانیه ده
قطر اولو یا سار رابعه ده کفارک یونلر نه باغلانده جق طاعنر در طاشلر شامسه ده یلانر عقر بلر سابعه ده
آشندن دیوار وارددینوب * به کتاب العظمه ده ابن عمر دن مرید که ارض سابعه اوستنده اولدین طائفه
جن وارددر که دنیا به حقیقه کرکوشنک نوری کور غزل اولوردی اول برلک هر گوشه سنده الله تعالی نک مهر لردن
بردم وارددر که هر برلک اوزنده برر لک طوروب هر کون الله تعالی اول ملکاره برر لک کوندر که سنک
بانکده اولانی محکم حفظ ایلدو اصغر لک * و همدن دخی مرید که بدنی قات برده عرشه ملک الی یلک بیللی
بولدر (ثم یخرج الیه فی یوم کان مقداره حسن الف سنه) آیتی بوکاشار ایدر فوایح مسکیده ده اولکی
برسیاه ایکینجی غیر ایکنجی نوزر نکنده اوچینجی قیل در دخی صاری بشینجی آتی التنجی کوک بدنی بیلدر

در جنوب زمین الجباله مذکور بر حدیث شریف مذکور بود که کوکبل و بر لهر طبقه هفده کعبه برابرند
 بریت یعنی کعبه کبی زیارتگاه و اردر که هر برینک بشقه حرمی و زیارت و تعمیر اید بچیلری وارد بریسی دوشه
 التند کینک جاق اوسته دوشردی کعبه اون بشقی بتدر (احوال جهنم) بونک مکاتنه اختلاف اولنوب
 قول اصح اوزریدنجی قات برک بالواسطه التند دوشه تاریخ ابن شحنه ده حضرت ابن عباسدن یدی قات بری
 کونورن ملک التند حضرت انک التند اوکوز انک التند بالقی انک التند دریا انک التند جهنم دردیو
 مر ویدر دوزخ دائم الاحراق یدی طبقه اید وکنده اتفاق وارد لکن ترتیبده اختلاف اولنوب * تفسیر امام
 رازی وفاضلده جهنم لظی حطمه سعیر مقرر جیم هاویه دینوب احیاء الملوعدده جهنم لظی
 حطمه سعیر هاویه جیم دینوب کشفده و غیره ابن عباسدن مر ویدر که جهنم الوهیت دعواسن اید ناره
 لظی آتش پرستاره حطمه بت پرستاره سقر بوده سعیر نصاریه جیم صابیه طاقه سینه هاویه عصاة
 مؤمنینه مخصوصد اشبواسای طبقات اشاعیدن ابتدای طریقه بد کراولوب جهنم اشاعه طبقه نک اسبی
 اید وکنده اتفاق وارد * بنه کشفده طبقه اولی عصاة مؤمنینه ثانیه یهوده ثالثه نصاریه رابعه صابیه به
 خامسه مجوسه سادسه مشرکینه سابعه منافقینه دینوب * تفسیر لیا بیده ثانیه نصاریه ثالثه یهوده دیو
 مذکور در مشاهیر تفسیرده (علمیاتسه عشر) آیتنده خزینه دار در کات نار اولان ملائکه مالک الیه یله اون
 طقوز عدد اولوب توران و انجیلده مصر حد بره ضیاء اون طقوز زفر ریس و قیوب وارد که هر برینک زیاتلردن
 تجمه اعوانی وارد دیوب به ضیاء اون طقوز نصف یا اون طقوز نصف دیمکدر دیشله تفسیر لیا بیده (خنده
 قتلوه نم الجیم صلو) آیتنده اهل ناردن هر شخصه یوزیک زبانی یا یسوب اول کسته اللرنده پاره لوب بنه
 فی الحال حیاة بولور دیومذ کوردی صحیح مسلمده جهنمده هر رکافله هر ردیشی مدینه ده احد طایفی قدر بول
 اولوب کوده سنک درسی قائلنقی اوج کونک بولور دیو احادیث شریفه مذکور ودر واقعاً و نقد برجه زیاتلر
 چوق اولد بونک حکمتی ظاهر اولش اولور والله اعلم * جهنمک و زیاتلرک احوال واهواللری و وحشت مورثه
 الله شملری کما یفتی قابل بیان اولوب خصوصاً اکثری معلوم اکثر خلق جهنم اولنقین اول امور ووحشه
 مدینه العقول ذکرندن عدول اولندی لکن کار علماء سلاطین چرا که دن شیخ عبد الباسط بلقینی خطیلده
 محشی برکاب نگارنده مسطور اولوب بوحقیر بر قصورک منظور اولمشدر که اوزنلخی اوزنیک بیلای اولوب
 قیامتده قوریلای صراط کو بریسی دارالب و ارناره خزینه دار اولان حضرت مالک عبرت آنارک کوزلری
 کونکندن بردانه قیلدر دیو قال و قیل اولمشدر (نمود بعه و الله ورجته و نلوز بفضل و رآفته من خذلانه
 و عقابه و نیرانه و عذابه) (تبدل ارض) تفسیرمه تیره ده (یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات و برزواته
 الواحد القهار) آیتنده حضرت علیدن مر ویدر که قیامتده کوکبل برینه التوندن برکولر بر برینه کومشدن
 بر بردوشوره ابن مسعوددن مر ویدر که برینه کومش کبی آق بردوشور که اوزرنده عصیان اولماشدره ابن
 عباسدن مر ویدر که ارض و سموات تبدیلنک معنایی بریوزی دومد و ز اولوب وده شیخ مدیکی حالندن اضعا ف
 مضاعف زیاده اولوب کوکده دخی یلدر زلر دوشوب قبول آچله ارض و سموات اوصاف سابقه لری تغییر
 اولمیدر * تفسیر ابوالسعودده (فاداهم بالسا هره) آیتنده ابن عباسدن مر ویدر که ساهره کومشدن بر بردر که
 الله تعالی انی حشر زماننده برادر بعضلر دید یلر که ساهره یدنجی قات برک امیدر که الله تعالی انی قیامتده
 کتوروب مخلوقاتنه انک اوستنده حساب ایدر * تفسیر لیا بیده حضرت رسول علیه السلامدن مر ویدر که ارض
 تبدل اولنوب هشتیان کبی چکوب دومد و ز اولور سعادتی تبدل اولور یلدر لری دو کلک الیه و یارلق الیه
 و ششی تکور و قری منصف اولمفل * صحیح مسلمده دخی مر ویدر که قیامتده خلق بر ارض بیضا اوزرنده حشر
 اولور * دخی مر ویدر که تبدل ارض زماننده بنی آدم نه یرده اولور دیو حضرت رسوله سوال اولند قدده
 صراط اوستنده اولور دیو یورمشله لکن کتزالا مرارده تبدل ارض زماننده اختلاف اولنوب ابن مسعود
 قبل الحساب اولور دیوب حدیث صحیح فخراسنجیه خلق صراط اوستنده لیکن اولور دینوب * تفسیر تعلیمده
 مذکور بر حدیثه تبدل ارض ایکی نغمة صوراً راستنده چله ذوی الارواح میترایکن اولور دیو یوریلوب
 بنه صحیح مسلمده قیامتده ارض بردانه اتمک اولوب حضرت جبار انی بد قدریله دوند رها ل جسته

نزل اولمچون دیو بر حدیث شریف مر ویدر عریجه نزل ضم لون و زمانه و طه الیه ضیافت ایچون احضار
 اولان نسته در * تفسیرمه عالم التزیلده تبدل ارضده اولان اقوالک بری بودر که بریوزی قیامتده کیدوب
 برینه قدرت قله بردانه یولک آق اتمک و نوب سوال و حساب قائمه دلک مؤمنلر یا قلمری التندن تو یاروب
 اکل ایدر لمر مشارک امام توربشتی شرحنده (یکون الارض یوم القیامة خزیه واحدة یکزه ازمها الجبار یدیه
 کما یکناه احدکم خزیه فی السفر نزل لاهل الجنة) حدیثی ظاهری اوزر دکلدر زرا اثارده کلشدر که چله دنیا
 یوزی اکر بردر اکر بچر در آتله طولوب جهنم قاتله کرکدر * پس بوحديثك معنایی وجه ارض قیامتده
 بچر در صورتده اتمک کبی اولوب اهل جنتک یدکاری اتمک اول شکاده اولور دیکدر دیومذ کوردی لکن حدیثده
 (نزل لاهل الجنة) عبارتی دلالت ایدر که بریوزیک عینی نزل اولوب اهل جسته مأ کول اوله قلب حقایقه
 قادر اولان رب جمید قدرندن ایسه یدیع وبعید دکلدر * کتاب کشف علوم الاخره ده قیامتده حشر
 مخلوقات ارض ثانیه اوزرنده اولور که اسمی ساهره در دینوب بعض معتبرانده قیامتده اشوارض برینه
 ساهره آدلور بر غیر ارض برادیلور که زیاج یعنی مرجه کیدر دیومذ کوردی (اوقات خلق اشیا) بوقاروده انواع
 مختلفه ملائکه ده * تفسیر کبیردن منقولده که معراجده حضرت رسول علیه السلام ملائکه دن بر طاقه به
 راست کلوب نه زمانده برادله کزدیو برینه صوروب اوله شی الله تعالی هر درت یوزیک ییلده بر یلدر برادرنی
 براده لی انک کبی در تیوزیک یلدر بر اتمشدر دیش تفصیلی بوقاروده نظر اولنه * تفسیر لیا بیده ابن عباسدن
 مر ویدر که قوم بنی اسرائیل حضرت موسی علیه السلام حضرت نلر نه دیش براد لالی نه دکا زمان کچمه شدر
 ربکزدن سوال الیه دیوب اولدخی مناجات ایتد کده یا موسی کومشدن اون درت یلک شهر برادوب ایچنی
 خردل الیه طولدر دم دخی بر قوش برادوب هر کون بردانه خردلی کارزق تعیین ایتدم بواصوله بجه سنی
 بیوب تمام ایتد کده وفات ایدوب دینی اندنصره براندم دیو یورمش * بوقلاهی ابن عباسدن ایشیدن اول
 زمانده عرش نه یرده ایدی دیو صوروب صواوزرنده صودخی ریح اوزرنده ایدی دیو جواب ویرمش * مشاهیر
 تفسیرمه تفسیر راولمشدر که الله تعالی ارضی یوم احد واثیننده جمیع مافی الارضی ثلثا و لوبه ماده سواقی
 واندره کی جمیع مخلوقاتی خیس وجمعه ده برادوب * تفسیر کورانی و بعض معتبرانده مذکوردر که ارض
 احد واثیننده طاعلر ائشاده سکارلر وایر مقلر و اعاجلر اربعه ده کوکبلر خیسده شمس و قمر و نجوم و ملائکه
 جمعه ده اوج ناعتمده برادوب آخر ساعتده آدم علیه السلام برادله یک قیامت اول ساعت آخرنده قویار
 دیشله * کشفده (الذی خلق السموات والارض فی ستة ايام) آیتنده اشبواقی * وندن مرادیا آخرت
 کونلر که دنیا حسابنجه هر بری یلک ییلدر یا خود احتمال اظم اوزره دنیا کونلری مه دایدیو بر این جنبه
 الله تعالی جمیع اشیا بی بر طظه ده بر اتمفه قادرایکن الی کونده برانده یلنده حکمت قولر نه تانی تعلیمی
 ایچوند دیش دیومذ کوردی غالبا (الجملة من الشیطان والتانی من الرحمن) بومعنای رعناى حکمت
 مشایه ایما ایدر * صحیح مسلمده حضرت رسولدن مر ویدر که الله تعالی بریوزی سبت کوشده طاعلری احدده
 اکثر انجمنه ده شجری بعض نضغه ده شجری ائیننده مکر وهی ثلثاده نوری اربعه ده دواب اوضی خیسده
 آدمی جمعه ده بعد العصر جمیع مخلوقاتنک آخرنده براندى * تاریخ ابن شحنه ده دخی مر ویدر که الله
 تعالی ارضی احد واثیننده طاعلر وانلر ده اولان منافق ثلثاده انجبار و نیا تانی اربعه ده کوکبلر خیسده شمس
 و قمر و نجوم و ملائکه کی جمعه * کوشده برادوب بعده کوکبلر یدی طبقه سن بری برندن آیروب بری بری
 اوزرنه ایلدی * تاریخ مز یورده مذکوردر که جمیع مخلوقه تک برادوب جمیع اقلمری جمعه کوشده اولنقین
 اول کونه جمعه دیو آدقوندى * کزالا مرارده حضرت رسولدن مر ویدر که الله تعالی ارضی احد واثیننده
 جبالی ثلثاده مداین و انمارى واقواتی اربعه ده سموات و ملائکه کی خیسده و یوم جمعه تک اوج ساعتده دلک
 برادوب اوچنجی ساعتک اولنده اجل ایکنجیده امی اوچنجیده آدمی براندى کتب بوقاربخنده قیامت
 اشبو جمعه کوتلک آخرنده قویار دیو کراولان کونلر که هر بری دنیا بیللری حسابنجه الیشیر یلک ییلدر دیو
 مذکوردر * کتاب العظمه ده ابن عباسدن مر ویدر که کچمه کوندر دن اول برادوب الله تعالی برکون برادوب
 آدنی احد قودی ایکنجی برادوب اثین اوچنجی برادوب ثلثا در دخی برادوب اربعه بشقی برادوب

✱ خیس قویوب یروزی احد و انباده طاعری نلاده برادوب انک ایچون صلی کوفی نقیل کوند دریر
انمار و انجباری ارباده و جوش و طیور و سباع و هوام و آتی خیده و انسانی جمعه دیرا عشدر (فانده)
فواج مسکیده مذ کورد که قیامت دنیا کونلندن جمعه کوننده و عتی مقرر اولغین حیوانات هر
جمعه کوفی کلد که قیامت شدی قوپری اولادیو قولاقد و قوب طور و روحی مذ کورد که عالم آخرت عالم
دنیا دن طوق و زینیل ییل صکره برادوب مخلوق بقیده اندن مؤخر اولغین آخرت دوتبعیه اولندی (مدت عمر دنیا)
تاریخ نایب شجعه ده کعبدن می ویدر که طاققه جن یروزیده یدییوز بیک ییل ساکن اولوب قتل نفس و انواع
فساده معتاد اولد قلرنده حق تعالی اناری هلاک ایدوب برلرینه ملاک رسا کن اولوب ایکی ییل ییلده نصکره
آدمی براندی فواج مسکیده نک بر محله دن دنیا نک عزندن یدی ییل ییل کچر کده خاک آدم تخمیرینه شروع
اولندی دینوب بر محله دن خلق آدم خلق طاققه جانندن التمش ییل ییلده نصکره ایدی دینوب خریدی
الجبائیده عکره و میچاهد دنیا نک اولندن آخرینه دل الی ییل بلدر قاجی کدی قاجی فالدی کسنه بلز دینوب
خبرده نکله در که مدت عمر دنیا یوز الی ییل بلدر ✱ رئیس علماء مجوسدن منقولدر که کند و ایچلرنده مقبول
رناروخ کنگنه بلز که دنیا نک مدت عمری درت بلو کدر اولکبسی) ایام سنه عدد شجه اوچوز التمش ییل
ییلدر که کچمدر (ایکینی) ایام شهر عدد شجه اوچوز بیک ییلدر که کچمدر (اوچینی) نئس شهر عدد شجه
اون ایکی ییل ییلدر که کچمدر (دردینی) هفته ایامی عدد شجه یدی ییل ییلدر که چله انسان نومدنک ایچنده در
حضرت رسولدن می ویدر که دنیا برادلای نه کچمدر دیو صورلد قده ریم بکا خبر و بر مشدر که دنیا بی براندی
زماندن بی ییغمبر ایتدی کی کونه دلند یدییوز بیک ییل کچمدر دیو بیور و مشدر ✱ بعضاردن می ویدر که آدم علیه
السلام برادل قده زمین دائم التکین ای آدم مبارک دم بن شیب و طراوتم و اسباب حسن و لطافت زوال بولوب
ببر زال کهنه سال اولدیم زمانه راست کلدن دیواد اوندایش دیومذ کورد ✱ بعض معتبرانده مذ کورد که
اهل توازیخ نیجه ایتیداردن روایت ایچمدر که دنیا نک اولندن آخرینه دلنیش ییل ییلدر التمش ایکی ییل
طاقوزوز التمش کچر کده حضرت آدم علیه السلام برادوب دنیا ده بنی آدم نک قراری دخی تمام یدی ییل ییل
اولوب بده قیامت قویوب ایکی نغده صور و ارا سنده دنیا قریق ییل خالی طور و بر بعد و وفات ایدن چله مخلوقات
حیات بولوب حشر و نشر ظم و رایدوب دنیا نک عمری اولان تمش ییل ییل اوزمانده نهایت بولور ✱ شیخ جلال
الدین سیوطینک الکشف فی مجاز و زده هذه الامه عن الالف آدلو کنگنده حضرت رسولدن می ویدر که برکنشه
بر مسنک رضاء الله حاجتی بتورسه الله تعالی اکادینا نک مدت عمری اولان یدی ییل ییل قدر زمانده کوندز
صائم کیجه قائم اولش قدر نواب یاز بر حدیث مفصل دخی می ویدر که ایچنده ییورلشکه عصاة مؤمنینک
جهنمه چورق طور اناری دنیا نک برادلسی ایله قافی اولسی ارا سنده کی زمان قدر طور و کیدی ییل ییلدر ✱
بر حدیث دخی می ویدر که دنیا نک عمری آخرت کونلندن یدی کوند و هر بری ییل ییلدر ✱ ینه کلاب مزبورده
حضرت رسولدن وهب قولنج بئش ییل التیوز ایچنده ییغمبر اولمشدر نیجه احادیث و آثار مدت امت محمدک
ییل ییلدن زاده اولغه دلالت ایدوب لکن ییکدن نصکره بشیوز ییله وارمغه اصلاح جمال اولوب بشیوز تمام
اولزدن اول قیامت قوپری بیکدن نصکره دخی تخمینا درت و زانچی طور و دینوب اگرچه آیات و احادیث
و غیرین بومعنیایه قطعیت اوزره دلالت و شهادت ایدر بر دلیل قوی ذکر اولما مشدر لکن بعض اخبار
و آثار نظیه یاز بولوب چله نک حساسندن ییکدن نصکره درت و زده قریب مدت منضم اولور ✱ نسیم اشاعیره
باب احوال حضرت عیسا ده نزول عیسا در آخر زمان سرچننده معلوم اولور کانظر اولانه ✱ کبرالا سرارد
فلا سغه و بعض طاققه دن عمر دنیا حقه ده ایکی قول نقل اولند قد نصکره ایکیسی دخی دلالت شرعیه
و براین معنیه دن خالی اولغین لای القول نامقبولدر ✱ بو خصوصه آیت و احادیثدن بعض خصوص
نصوص وارد اولما غین علم خدای معتال عمیم التواله حواله اولتی اولی در دین علماء قولی احق و ادق
و قوانین دین مبینه و افتدردن تحقیق حقیق بالتصديق اولمشدر و الله تعالی اعلم بجمع ما ظاهر و باهر

باب سادس در بیان اہم عالم

فيل الزخاق - حضرت آدم كتب معتبره ده روايت كثره متخالفه محرره اولوب بالاير منك صحتي بوجه معين مبین

إلى المصنفين

اولمغین بو خصوصده اولان بر قاج روایات اشبو کتاپ کثیر المنفعه ده حکایت اولندی (روایت اولی) نیجه کتاپ مقبولده وهبدن منقولدر که الله تعالی نارجموم آدلو حرارت و توفیق بر آتش و اول آتشدن مارچ آدلو بر عظیم الحسم ارکت مارجه آدلو بر دیشی بر ادوب بونلردن طوغان اوغلانک آدینی جان قویوب جانک دخی جن آدلو اوغلی اولوب جمیع طوائف جن و مقدمه اسمعی عزازیل اولان ابلیس لعین ذلیل من یوز جنک تسلید و جان ایله جنک خاقونلردن هر بر بطنده بر راکت بر قیز ایکز طوغوب هر ورز مانده فراوان اولوب عدد ذات رمل و حصی بی عدوا حصا اولدیله عزازیل قوم جانندن لهیا آدلو خاقون آوب بعده اولادی دخی نزلک ایچلردن تأهل ایدوب بوجله نلک ذریتری چوغا لوب صحرا و جبال مالامال اولدقده فر مان رحمان ایله ابلیس و اولادی اولی فات کو که رفع اولوب طائفة جان بر ایله کولک آراستنده طوروب بعض عبادتله مأمور اولدیله بعده قوم جان جنب حقه الصابره یوزنده ساکن اولمغه رجایند کاردنه اصلا کاه ایستلامک عهدی اوزره بر ایوب امد مدید و عهد بعید عباداته مد اومت ایدوب بعد زمان قتل نفس و بعض معاصی به مباشرت ایتد کاردنه ایچلردنه عامر بن غیر بن جان جنب حدن نبوتله بونلره اوسال اولوب بونلر کمال ضلال سبیلله آتی شهید ایدوب بعده صاعق بن ناعق بن مارد بن جان بیغمه اولدقده انی قتل ایدوب بعده سکر یوز بیلده دلک هر بیلده بر پیغمبر کاوب هر برینی قتل ایتد کاردنه کو کده اولان عزازیل طائفة جن ایله بر یوزینه ایوب قوم جانک کینی قیروب فرار ایدنلر جمع اولدقلردنه کو کدن آتش ایوب جله سن حوزان ویتشان ایلدی بعده قوم جن بر یوزنده ساکن اولوب غایت عبادت ایدوب رید لری اولان ابلیس جله دن اعبد و ازهد اولمغین ندر بیچ ایله بدخی فات کو که چقار بولوب هر کو کده نیجه ییک ییللر عبادت ایدوب (متکین علی الاراک) اولان ملائکه آراستنده مکریم و محترم اولوب عباد اسمیله مذکور و مشهور اولدی و بعض روایتده بدخی کو که چقد قده بدی یوز بیک ییل کیمش اولوب آند دخی بیش بیک ییل عبادت ایدوب بعده جنبه کیروب مانند حضرت رضوان خازن جهان اولدی (روایت اخری) معارج النبوه ده مفصلا مذکور دز نارجمومک نوردن ملائکه طاعت و دوندن شیاطین علوندن بعضیاز قونجه اسمعی طارنوس ابن عباس قونجه اوسومالوقی جان اولان شخص برادریوب اولادی چوغا لوب بعض اواخر بیته الهیه ایله مکلف اولدقلردنه قبول ایدوب حضور و جورله یکری بیش ییک یا خود اونوزالتی ییک ییل هر روایتد کدنصره معاصی به ارتکاب ایتد کاردنه حق تعالی انلری راهمداد و رشاده دعوت و ارشاد ایتد کدنصره اهل شقا و عناد لری انواع عقوبتله هلاک ایدوب حالخیره ایچلردن «ملانیس نام شخصی و الفایدوب شرع جدید تعین و وردی اولکی قدر زماند نصره بونلردخی آزدقده عاصیلری هلاک اولوب صالحلریه ملقیانام شخص حاکم اولوب دوره نالته هر ورنه نصره بونلردخی آرمغین هلاک اولوب ایچلردن آنر کسنه سبب صلاح ایله نجات و فلاح بولدی اشبو صاحبانک نسلاری چوغا لدقده صاموس نام شخص والی اولوب امر معروف و نهی منکر ایدوب وفات ایتد کده بو طائفة ناخاتمه نامشروع افعاله شروع ایتد کین جنب حدن بونلری اصلاحه نیجه پیغمبر کاوب قول هر رسولی قبول ایتد کاردنه دوره زایه تمامنده امر حقه ملائکه دن بر طائفة کو کدن آتوب بونلرک اکثری قیروب بقیه السیوف اولان اولوف مذلت مألوف جزا بر بحاره و خرابات اقطاره قرار واند قرار ایتد یلر ایچلردن اسیر اولان صبیانن بری دخی اسمعی عزازیل اولان شیطان ایدیکه آسمانه رفیع بعده انده تربیت اولوب تدریجیه استادم ملائکه اولدی * یته معارج ده روایت نایمه بودر که اولاد جان فساد و عصیان اوزره اولمغین عزازیل ایزدن عزالت و مغاره زده تم عبادت ایتد کده قوم جان اوزرنه غزایه کلان ملائکه بو کلمت ایدوب جنب حدن انلرک و جازایله کو که چقار بولوب هفت آسمانده و هشت جمانده زمان دور و دراز انواع طاعت و نیاز خداوی ابتیازه با جان و دل متصل غایت مستغفل اولوب بر مرتبه به واصل اولدیکه عرش انور آتشدن یا قوتدن بر منبر اوستنده وعظه چقوب بعد ملائکه مجتمع اولوب وعظنی مستمع اولورلردی * محصل ایکی روایت اوزره دخی مقدمه مازر و خرابانه سوریلان عصاة قوم جان بعد زمان اطراف عالمه یا بولوب عصیان و طغیان ایدر اولدقده امر و جلیل ایله عزازیل بعض ملائکه الله بر یوزنه اشوب صلحاء قوم جانندن سلطون بلاهی و بر قاج شخصی عاصیله نصیحت ایچون سیاهی

٦

154

کوندروب عزازیل بدن کیدن هر رسول قوم جان الله مقتول اولوب خبر عزازيله وصول بولماغين يوسف
 اين ياشي کوندروب وادقده بر طریقه علمانند نجات بولوب عزازيله اعلام حال ايند کده ملائکه ايله
 واروب اکثر عصای قیوب باقی لری اطرافه طاعنه ارض و سما خلافتی و جنت خزینه دار لغی عزازيله
 تفویض اولوب عالم زیر و بالا ده انواع طاعات خدا جل و علايه مشغول اولوب اول یدنه تهاد کندوبی افضل
 اعتقاد ایچکین خلافت دنیا کندودن التوب غیره ویریلورسه اکارضادن ایبا ایچککه عزم و جزم
 ایلدی (روایت آخری) تفسیر بحر العلومده هر قومدر که حق تعالی جن طاقه سن ارضده ساکن ایدوب
 و آنلرده شهوت قویوب عبادت تکلیف ایند کده هر روز زمانه نسلاری جو غالب انواع معاصی به ارتکاب
 وقتل نفس و سایر محرماتدن عدم اجتناب ایدر اولانلرند جناب حقندن یوسف رسول کلوب اطاعت
 ایند کلرنده ایچلرنده عزت عبادت سبيله اسمی عزازیل اولان عابد و زاهد عذاب حقه طاعت کتولر
 دیوب عاصی ایچلرندن آیریلوب طاعه باشنده مغایره عبادت ایدوب بعد زمان ملائکه کزین
 بونک عبادتن تحسین ایدوب مشاهده و جالیله مشرف اولم دیو کوک که چقار یلوب هر کوکده زمان کثیر عظیم عبادت
 چقار یلوب بعده هر برکول مسکری و جالیله اول کوک که چقار یلوب هر کوکده زمان کثیر عظیم عبادت
 ایدوب هر یو قاروط بقده اشاعیدن زیاده مجاهده ایدوب بعده خازن جنت و عرش اعلا اولوب جله نك
 شتار حارین طوب اطراف عرشده اولان اشرف اشرف ملائکه ایچنده معزز و مکررم اولدی ویدی
 فات کوکده کزوب جمیع اصناف ملائکه بوانعظیم ایدوب در ایدیکه ای خازن جنت و مقدم اهل عبادت
 کثرت طاعته فائز اولان عبادانکه اعتماد و غرور جائز کادر زیر اهر بر و خیر تحشده بر شمر در
 و هر طاعت ختمنده بر شمر مقرر در (روایت آخری) علم سپرده جنس آدولکاب معتبرده ابی بن کعبدن
 هر ویدر که نورانده کوردم که جن بن جان ملائکه دن بر قبيله ایدیکه الله تعالی انلری بر یوزینه ایدروب
 انلرده شهوت قودقده نسلاری جو غالب یتش بیک قبيله هر قبيله یتش بیک کردوس یعنی بولک هر کردوس
 یتش بیک کدنه اولوب جله می صلحا ایدیلر هر روز زمان ایدیلرند شرب خرنظهورا ایچککه زنا و لواطه
 وقتل نفس و سایر محرمات شایع اولوب اوسبيله جله سی ایمانندن نافر کافر اولوب ابتدا اسمی حارث یا عزازیل
 اولان ابلیس بیک نفر صلحا و انقیایا ایچلرندن چقوب انفاقله بریده عبادت ایدوب اشقیانک
 عصیانلری عتد و مشتمل اولدقده بر یوزی حضرت حقه شکایت ایدوب بولرک هلاک کن رجا ایند کده
 بن حلیم بخت و دلیل الزام ایندن تحویل عقوبت ایچم دیوب و یورلوب امر حقه عزازیل یا تنده اولان صلحادن
 سلهوت بن بلاهی انلری دینه دعوت ایچون کوندروب وادقده قتل اولوب بواسطه بیک نفر صلحا
 ییابی کوندروب هر وارنی کافر شهید ایدوب انلرند یوسف بن یاسنی کوندروب نیجه مدت ایمانه
 دعوت ایدوب انلر بولک ایچنلر ایدوب عاقبت آتشدن ایش اسمی یاغ ایچنه آتوب شهید اولدقده بر یوزی
 جناب حقه تکرار شکایت ایچکین ملائکه دن بر کردوس کوندروب هر بر ملک الله بر تلج با خود حربه اولوب
 اغزلندن آتشر صلح اولوب عزازیل انلره سردار ایدوب وادقده طاقه جن غایت قوتلوا اولوب حرب عتد
 و ضرب مشتمل اولوب عاقبت ملائکه انلری صندروب مغربه قاجروب الله تعالی انلره آتش کوندروب جله یا نوب
 کالری بل دریاه ساوردی (روایت آخری) خریدة الحجاییده بعض تابعیندن هر ویدر که الله تعالی
 بر طاقه برادوب بر یوزنده ساکن ایدوب بعد زمان بر یوزینه خلیفه برانسم کر کدومنه ایدلر سر دیو خبر
 کوندرد کده ترا کامطیع اولز زید کار ایچون کوکدن آتش کلوب جله سن یا قوب بعده جن برادیلوب عمارت
 دنیا و عبادت خدا ایلر اولند قلرنده امتثال و بعد زمان عصیان ایدوب یوسف آدولوب قمبر لینی قتل ایند کده
 حق تعالی ملائکه دن بر عسکره عزازیل رئیس ایدوب بر یوزینه کوندروب جنلری جزیره لره سوروب
 انلر یوزنده بولر ساکن اولدیلر الله تعالی دنیا به خلیفه برانسم کر کدوب دیو یوزنده بولر خلافت ارضدن
 عزله الم چکوب (قالوا فجعل فیهم من یفسد فیهم و یفسد فیهم) دیو مناجات خدا ایندیلر تفسیر لبایده الشبو
 روایت حضرت ابو هریره دن بویه هر ویدر که الله تعالی ملائکه دن بر طاقه برادوب بعده طایفدن بشر برانسم
 کر کدو وجود کلوب نفع روح اولدقده اکام صیده ایلاک دیو یوزنده ایچنلر و اظهار عصیان ایند کده

کوکدن آتش کلوب جله سن یا قدی ایلر سدخی اول طاقه خانه دن ایدی (روایت آخری) تفسیر لبایده
 ابن عباسدن هر ویدر که الله تعالی طاقه جنی برادوب دنیا ده ساکن ایند کده فتنه و فساددن عدم برهیز
 واحتمار معاصی و فسق دما ایند کارنده ابلیسی ملائکه دن عسکر ایلر کوندروب مکین کلوب جنلر کینی
 قیوب کینی جزیره و مغاره لره سوروب ملائکه ایلر ابلیس امین روی زمین اولوب حق تعالی بولر عبادتی
 تحقیق ایدوب ابلیسه ملک ارض و سما دنیا و جنت خزینه دار لغی تفویض اولندقده کاه ارضده کاه سماده
 کاه جنتده عبادت ایدوب و بومر به عزنه سرور و غرور و انایت کلوب کندوبی اشرف مخلوقات اکلایوب
 بعد زمان جناب حقندن (انی یا علی فی الارض خلیفه) خطابی اکلایوب اولد ایلر اولند و تفسیر لبایده
 اشبور روایت مفسرین قولدر دینوب ایچکین ابلیس بولر اشاری اولان ملائکه خزینه دار جنت اولغین
 جن دیمکله مسعی ایدیلر دیومند کوردور (روایت آخری) خریدة الحجاییده * ابن عباسدن هر ویدر که
 قوم جانک کفار دینه دعوت ایچون نبوتله بر ملک کلد کده مؤمنین جن معاوتله کفاری صیوب
 قیوب اسمی حارث لقی ابو مره اولان ابلیسکه اوزمانده صبی صبیح الوجه ایدی بی کاه و صغیر اولغین
 قتل ایچوب اسیر ایدوب ملائکه انی کوک ایلتوب سماده نشو و نما بولوب دایما عبادت خدا ایدردی * بعده
 بر یوزنده بر طاقه برادوب عصیان ایند کلرندن عسکر ملائکه ابلیس ایلر یتوب انلری بر ابر و جباله سوروب
 دنیا ده کندور ساکن اولوب بعده آدم علیه السلام برادیلوب بولر معزول و محذول اولدیلر (روایت آخری)
 زمین الجاساده مذکوردر که تحت سماده دنیا ده اولان کره ناردن قوم جان برادیلوب طبعی عتد شهوت قویوب
 بعض آوا هر و نواهی اکمی تعیین اولوب بر یوزنده ساکن اولدیلر قتل نفس و بعض معاصی ایند کلرنده
 کوکدن آتش کلوب وجود حیثات نمودن حضرت آدولر بن نابو دایند کده بعض ملائکه شفاعتله ایچلرندن
 ابلیس قورتلوب بعده انلر کی بر یوزنده ایکی طاقه دخی برادیلوب هر روز زمانه عصیان ایچکین بولر دخی
 هلال اولدقده حق تعالی بیکری درت بیک ملائکه ابلیسی دنیا به خلیفه و اوامر و نواهی ایلر مکلف ایدوب
 طاعات و عباداته بر وجه جازم و ملازم اولدیلر (احوال ابلیس) تفسیر لبایک بر محشده ابر عباس
 و اکثر سلف ابلیس ملائکه دن اولوب آدم ابو البشر اولدیلر کبی بودخی ابوالحسن اولوب اسمی حارث در یوب
 ابن مسعود و بعض علما بر یوزنده اولان جندن اولوب صغیر ایچکین ملائکه بونی اسیر ایدوب کوک که چقارده شلردی
 دیدیلر بر روایت ابن عباس و ابن مسعود و بعض تابعین و علما (فوجدوا ملائکه کلهم اجمعون الا ابلیس) آیتک
 ظاهر یله استدلال ایدوب ملائکه دن ایدی واشبور روایت اوزره اسمی عزازیل اولوب درت قناده
 ملائکه نك اشراقندن ایدی لکن غضب حقه ابلیس اولدی دینوب * ابن جبرین هر ویدر که ملائکه دن
 بر طاقه آتشدن برادیلوب اسمی جن اولوب ابلیس انلر دندور * قناده دن هر ویدر که ملائکه ایچنده جبه
 دیمکله مسعی افضل صنفدن ایدی بر محله دخی بعض اقوال ذکرنه نصکره ابن جبر ابلیس ملائکه دن
 حسانین آدولوب طاقه دن ایدیکه اول عمرلندن دایما جنتده قویجیلر ایدوب اهل جنت ایچون حلی اینلر
 دیوب لکن ملائکه دن اولدیفنه (اقتضونه و ذریه اولیاء) آیتی دلالت ایدور بر ملائکه نك نسل
 و ذریلری اولدیلر مقرر در دیومند کوردور * امام زهلی دخی ابن عباسدن روایت ایچشدر که ملائکه دن
 جن دیمکله مسعی بر طاقه دن ایدیکه ساثر ملائکه نوردن بولر سمومدن برادیلر در ابلیسک اسمی سرانجه
 عزازیل عربجه حارث اولوب جنت خزینه دارلرندن ایدی سما دنیا ملائکه سننک ریشی و روی زمینک
 خلیفه سی اولوب علم و عبادتی موفور اولغین مغرور اولوب فرمان رجانه عصیان ایند کده مسخ اولوب
 شیطان اولدی * تفسیر قاضیده ابن عباسدن هر ویدر که ملائکه دن بر جنس وادر که نوالد و تامل اوزره
 اولوب انلره جن در بر ابلیس انلرندن ایدی * تفسیر واحدینه دخی ابن عباسدن دنیا ملائکه سننک اسمی
 جن اولوب ابلیس انلرندن ایدی دیومر ویدر اشبور تارخ معتبره و لقی اولان عبد الحق و ذره کتر ایدور (الا ابلیس
 کان من الجن ففسق من امریه) آیتنده جمیع مفسرین (فسق) کله منده حرف فاسیه اولوب معصای
 جندن اولغین فسق ایدی یعنی امر الله مخالفت ایدی دیمکدر دیو اتفاق ایچکین ابلیس ملائکه دن جن
 یا جبه یا جنان دیدیکری طاقه لردن اولوب بلکه بر یوزنده اکثر خبت و فساد و فسق و عتد اوزره اولان

طاعان در بریدن دخی نه مارش چیتوب مسکنری هاملرد برندن دخی هوام چیتوب میلان شکننده اولوب
 قنادلری اولابن مسکنری هواده در (فائده) تاریخ عقیقه جیح ام بی آدم عشر طوایف جن بوا یکینی
 عشر شیطین بواچی عشر ملائکه در دینوب * کتب حدیثه هر کشتینک کفار جندن بر روی دانی اولوب
 رسول علیه السلام کند و جندن دو توب مسجد شریف دیر کنه باغلیوب ایمانه کده کده قویوردی بعده دانا
 حضرت رسول خیر ما توب خیر لونه زه قولا غوزلری دیور حدیث مرویدر (فائده) کنز الاسرارده سلیمان
 پیغمبر علیه السلام جن طائفه سنک انواع فسادنه واقف اولد قده انلر هر قبیله لرینه بر ملاک مؤکل اولوب
 بر یوزنده فتنه و فساددن منع ایدنه دیو جناب حقه دعا ایتد کده رجا رسول قبول اولوب اول زماندن قیامت دنا
 جندن هر قبیله به بر ملاک مؤکل و مسلط در دینوب * حضرت سلیمان ابتدایین و شیطین نه طریقه
 مسخر اولد قلدی باب احوال سلیمان علیه السلامده بیان اولنور (فائده) تفسیر امینده (الامن استرق السمع
 فانه به شهاب مین) آیتنده ابن عباسدن مرویدر که شیطین بری بر ملاک اوستنه یینوب اولکی کوکه واروب
 ملائکه نلک سولشد کله نه قولا ق اورده قلدنده اوزر لرینه کوکب آتوب البته طوقونوب کینی قتل ایدوب
 کیمینک بعض اعضا سن یا قوب کینی دخی دیوانه ایتمکین غول اولوب صحرارده یولجیله کور یینوب یوللرین
 آردیروب هلاک لرینه سبب اولور زمان ساقده کوکار لرینه شیطین چیتوب ملائکه دن ایتد کار بی
 کاهنلره خبر و یروب حضرت عیسی طوغد قده کوکار لر اوج طبقه سندن منع اولنوب حضرت رسول علیه
 السلام طوغد قده جمیع کوکار دن منع اولنیلر * امام زهریدن مرویدر که نبوت رسولدن دخی اول شیطین
 کوکار لر جم اولنوب احیانابهض اخبار ایشیدوب کاهنلره خبر و یورلری لکن بعد النبوه و جم خصوصنده
 اهتمام ملائکه زیاده اولوب شیطین استماعدن بالکلیه محروم اولدیلر * قرطیبدن دخی مرویدر که رجوم اولان
 نجوم ابن عباس قولنج شیطین قتل ایتمیوب همان بعض اعضا سن یا قوب مجروح ایدر * حسن بصری
 و بعض علما قتل ایدر دیوب لکن قول اول احمد در بعضیاردن دیدیلر که بلذر لشیطان اولوب بعده دو توب اسکی
 مکانه کاور دیندی * کشفده قول زهری ایچون صحیح بودر دیندی * کنز الامرارده مذکور در که رجوم
 شیطین خصوصنده اولان احادیثک مضمونی بودر که سابقا بری بر ملاک یینوب کوکه چیتوب جله نلک
 اوستنده کی دیناده واقع اولاجق بعض اخباری ملائکه دن ایشیدوب آتنده اولانه خبر و یروب فی الحال
 اوزر لرینه بلذر آیلوب یونی یا قوب آتنده کیلر یینی بر لرینه خبر و یروب چاق آتنده کی صحیح خبره یوزیلان
 قلوب کاهنلره کوکب قیلرینه اعلام ایدر دی * نبوت رسول علیه السلامده سموات مافیه امر حقه غایت
 اهتمامله محروسه اولوب استماع ایدن شیطین الله قورتلوب احرار اولنور ایدی * کتب حدیثه حضرت
 رسولدن مرویدر که ملائکه بولنلر اوستنه ایوب کوکده تقدیر اولنلر امر حق سو باشوب شیطین ای
 ایشیدوب کافر لر خبر و یروب هر خبر یا نتیجه یا نلرندن یوزدانه یلان قنارلردی (فائده) اصول امام زاهد
 صفارده آخرتده کفار جن جهنمه اولوب مؤمنلری امام اعظم قولنج نه جتنده نه جهنمه اولور الله تعالی
 دینلر کی برده اولورلر * ابو یوسف و محمد و لجه جتنده اولور لکن الله تعالی کی کورمنز لکنیم ملائکه دخی
 کورمنز لر دیوب * کتب اشباه و نظائرده بالاتفاق جملر مکلف اولور لر و مؤمنلری جتنه کافر لر جهنمه در لکن
 مؤمنلر شک تواننده اختلاف اولندی * کتب الاجناسده امام اعظم جنک ثوابی یوقدر دیش و تفسیرده
 امام اعظم ثواب جتنده توقف ایتددر دینوب توقفدن مرادی عجب جندخی انسان کی ییوب ایچوب تم
 ایدری دیکدر یوخسه مجر دجسته دخولارنده توقف دکدر * تفسیر معالده مذکور در که جنلر مؤمنلری
 سالتده اختلاف اولنوب ابو حنیفه و نجه علما انلر ثوابلری همان نلرندن اماندر دیوب بعضی بعد النجاة
 بهام کی کوفتارتاب دینوب طبراق اولور دیشلر * امام مالک و نجه علما عتاب اولنلر قلدی کی ثوابلری
 دخی وارد دینیلر * امام ضحاک بولنر تسمیع و ذکر ایتمک الهام اولنوب انسان جتنده تم ایتد کاری کی بولنر
 دخی تسبیله لذت و صفالورلر * خلفادن عمر بن عبدالعزیز جنک مؤمنلری آخرتده جنک طشره سنک
 اطرافنده چارده اولوب جنک ایچنده اولور دیوب حارث محاسبی جتنه کورن جنلر بزیاده انلری
 کورمنوب انلری کورکاری کی جتنده بر انلری کوروب انلری کورمه لکر کدر دیش دیومذ کوردر

(فائده) ینه اشباه هده مذکور در که جم و علما فتنه طائفه جندن هیچ بر زمانده اصلا پیغمبر اولوب
 (یا معشر الجن والانس الیا تکرم رمل منکم) آیتنده رمل جندن مراد رسول انسانک رسول اولان
 جنلر دیوب * بعض علما جن ایچنده دخی کند و لردن پیغمبر لر کلدن دیندی * امام مقاتل حضرت رسولدن
 اول اصلا بر پیغمبر انی و جنک ایکسینه دخی رمل اولما صدی دیشدر (ام سابقه) کتب مستظرفه نقات
 رواندن منقول مقبولدر حضرت آدمدن مقدم اشبو عالمده یکر می سکر جنس طائفه مخالفه برادلوب برینک
 قنادلری اولوب کلاملری بارحق جتدیدی کی بر مد ایدی * بریدخی بدنلری اولسلانه باشلری قوشه بکیزوب
 قورقلری بدنلری قیلای اولوب کلاملری قوان ایچنده بال آر بلری صدای کی ایدی * برینک اوکارنده کی کی
 آردلر دخی بر یوزلری اولوب وافر آققلری وار ایدی * برینک دخی اللری و یا قلدی بر دانه اولوب انسانک
 نصفته بکیزوب کلاملری میاه صوقشلری صدای کی ایدی برینک دخی یوزلری انسانه ارقلدی قایلوبغایه
 بکیزوب باشلرند یوزلری اولوب کلاملری قورد اولوما کی ایدی * برینک دخی آق قیللری اولوب
 صغر کی قورقلری وار ایدی * برینک دخی خنزیر کی آزدیشلری و اوزون قولاقلری وار ایدی * ذکر اولنلر
 ام مختلفه متوالد و متناسل و بری بر لرینه مختلفه متناخل اولقله یوزیکری در لوطا فقه حاصل اولوب انساندن
 اجل و احسن و اکمل و ازین بر امت برادلا مشدر (فالحمد لله الذی کرم نوع الانسان بحسن الصورة والسیره
 والعرفان) حضرت عمر دن مرویدر که الله تعالی بیک یکر فی امت بر اغنندر التیوزی دیاده باقیسی قراده
 ساکن و متکلددر * تم القسم الاول وباللله استعین و علیه توکل

قسم ثانی

(بسم الله الرحمن الرحيم) الحمد لله الذی جعل الانسان بدیع فطرته و افضل خلقته و اوجدهم لانظام
 اسرار قدرته و حکمته * و الصلاة والسلام علی انبیائه الکرام و رسله العظام و علی آلهم و اتباعهم
 الی یوم القیام (امام بعد) قسم ثانی کاب مرآت الکائنات اولان اشبو اوراق صحت سمات او توفیدی باب رفیع
 القیامه توزیع و نجه سی بعض فصول فواید محمول الیه تدریج اولنلر

(باب اول در احوال حضرت آدم و حوا) صلوات الله علیهما

کیفیت خلقت و نظرت آدم مکرم مبارک دم خصوصنده تفاسیر و تواریح عوالی شهابیجده
 الفاظ مختلفه و معانی متفق و مؤلفه الیه مین و مفصل اولان آیاتک مجمل و محصلی بودر که * حضرت رب عالم
 خلق آدم دینلر کده * ابن مسعود قولنج اولاجبرائیلی بعده میکائیلی بعده اسرافیلی بعض قولنج در دانیل
 آدولملکی دینلرک دور کوشه سندن و جله طبراق لر اوانعندن بر قبضه خالقه کوندر کده سابقا بر یوزینه
 سندن بر طائفه برادوب مطهر لرینی جتنه عامه لرینی جهنمه قوسم کر * کدر دیو وحی خدا اولنلر اشبو
 ملکار لر بری وارد قده الله حقیقون بدن طبراق آله دیو بالوارمقین تعظیما لام الله هیچ بری اقدام یا تمیوب
 جناب حقه واروب اعتذار ایتد کلدن حقی تعالی عزرائیلی کوندر و بر روی زمین اکادخی آتد و بر کده
 سکا هر جندن امر الله اطاعت اولی در دیوب دینلرک دور طریقی ترابنک الوان و اوانعندن جله قرق ذراع
 قدر بر قبضه خالک آلوب محل مأموره کوندر کده چونکه این زمیننه ترجم ایتد لاندن برادیلان مخلوقاتک
 قابض ارواحی اول دیو یوریلوب بعده اول خالک مختلف الطم صولایه یوغلدی افراد انسان اشکال
 و صورده اخلاق و سیرده مختلف اولد قلدنلر سری بودر دیشلر (کتاب مصابحه) (ان الله خلق آدم من قبضه
 قبضه عزرائیل من جمیع الارض فجاءه و آدم علی قدر الارض منهم الاحمر و الایض و الاسود و الاصف و بین
 ذلک و الحزن و الخبیث و الطیب) دیو بر حدیث شریف مرویدر * جبرائیل امین ملائکه مقربین الیه باهر خدا
 سلطان الانبیاء زاری اوله جتی بر دن بر قبضه خالک آلوب ماء تسخیله یوغرب ساثرانها جتنه با تروپ انجو کی
 آق و بر اق اولد قده اهل زمین و آسمانه شرف نخر جهان عیان اولق ایچون عوالم ملکوتی سیران ایتد بر دیوب
 خیر آدم ایچنه ضم ایدوب بعده (خیر طینه آدم یندی اربعین صبا) حدیث قدسی مقوم و نجه
 فی وساطت ماسوی محض قدرت خدا جل و علا الیه هر کوی بیک یل حسابجه قرق کون فخره بر ایدوب شکل

زیادتر باشد تصور اولادی * بعد از قالب مصور بر بی آدم فرق بیل با نوب مصلال کالغارا اولدی یعنی آنده
 بشش کرچی محکم قوریدی * اشبو حال غیرتالده کمال رجال خلوت و عرار بعینلندن ص * و اولغه
 اشارت وارد دینلند * نیجه معتبرانده خیر آدمی حضرت حق کمال قدرته دلیل جلیل اولغیچون قوروب
 بشد کد نکوه تصور برایتدی دیوتسظیر اولغشدر (والله علی ما یشاء قدير) بعده جسد آدم مبارک قدم ابن
 عباس قولغه مکله طائف آراسته قوروب فرق بیل دخی آنده طوروب صفوف صنوف ملائکه گذرایدوب
 جمال برکالنه عبرت وحیرت الیه نظر ایدرلردی * بعض معتبرانده آدمک باشی کعبه طبر اغندن کردنی قدس دن
 سینه منی دهندان شکمنی هنددن الیری مشرق دن ایاقاری مغرب دن سائر اعضاسی جمع روی زمیندن
 برادلمشدر دینوب * بعض معتبرانده مذکور بر حدیث شریف مذهب و نیجه الی کعبه طبر اغندن کوکسی وارقه منی
 قدس دن ساقاری * مضر دن ایقاری حجاز دن صاغ الی مشرق دن صول الی مغرب دن برادلوب * بحر الومده
 بر حدیث شریف مذهب و نیجه جمعه کوشده جمیع طبر اقلراوغندن برادوب باشی قدس دن کوکسی عراق دن
 مقعدی بابل دن صاغ الی کعبه دن صول فارس دن ایاقاری و قدیمی هند دن و دیار یا جوج و ما جوج دن
 برادلمشدر انکچون بنی آدمک الوانی مختلف اولدی * ابن عباس قولغه آیه قاری هند دن بودری یندن فریجی
 بابل دن بطنی مکله قورنده طائفة دن ارقه سی شام دن الیری کعبه دن کوکاری طاغردن معده دن اشاغ اولان
 باغری قاری یزیر لردن جکری موصلدن طلائع حجاز دن کایه لری یعنی بوش بوکره متصل اولان ات باره لری
 قدس دن کی ارض صخره دن یوزی جنت دن کوزلی ارض کور دن قلبی عرش نور دن برادلدی دیومده کوردر
 (روایت ثانیه) نیجه معتبرانده خلق آدمده تقاضیل سابقه به مغایر اولردن زیاده یا زیلان روایات یونلدرکه
 حالا اجمالی بیان اولدور * پس مرویدرکه عزرائیل خالک آدمی بر یوزدن کتورده که بر باره نوات کابو عرش
 آننده اولان بحر الاحزان دن او توظطر کون باران بلا یاغریوب فرقنی * کون بحر فر حدن بر لحظه
 یقمه وریاغدی * حجة الانوارده او توظطر و زییل مطر غم برییل مطر فرح یاغدی دینوب * عرایس تعلیمه بدن
 آدم جنتده فرق بیل طوروب متصل او متنه غم یقمه وری یاغوب بعده برییل مطر فرح یاغدی دیومده کوردر
 (نظم) خالک آدم باب غم بحر ساختند * پس درودرد و بلاراجا مقور ساختند (نثر) بحال حیرتالده آلام
 و احزان انسان سرور دن فر او ان اولوب لکن خاتمه عصر و طرح بسر و طرح ایدوکنه اشارت و بشارت وارد
 دیشله بر روایتده امر حضرت رب الیه شمس یلک ملک مقرب جنتده رحیق و سلسیل انهارندن صوکتوروب
 خالک آدمی اصلادوب بعده آب حیاتله یوغروب فرق بیل بحر الاحزان دن یقمه وریاغشدر جسد آدم عناصر
 اربعه دن مرکب اوقایچون امر * قبله اسرافیل بحر قدر دن بر قاج قطره صود و کوب جبرائیل باد حکمت دن
 نفخ ایدوب میکائیل بر باره آتش حکمت دن قانوب خاک دن بدنی و عقلی آیدن قلبی باددن روح حیوانی سی
 آنشدن نفسی برادلدی * بحصل ماده خلقت آدم تراب و خیر و جهار مستون و مصالح لای مرتبه لرنده
 فرق بیل طوروب بعده تصور بر اولند قدس سر عزت انصردن ابتدا اولندی * ابلیس حسود جسد آدم
 مسعوده کیروب تحت حکمتده اولان ملائکه ارضه خبر و بر دیکه اشبو شهر فرید الدهره هر زمان کیرمک
 آسان لکن قلب آدم لور خزنه حصینه سی وارد که آکا کیرمکه قادر اولدم نه واریسه آنده اولقدردیو ترسان
 و هر آسان اولدم بدن افضل اولور سه اطاعت ایچوب افضل اولور سه انی قتل ایدرم دیو جزم و عزیم ایتدی
 * مرویدرکه جبرائیل امر رب جلیل الیه ساق عرشده ملکی اولان نور حجب حتی انهار جسته با نوب
 آدمک آننده بر جوق و روح ایچنه قوروب بعده جمنه روح کلدی * بحر العلومده عزرائیل بدن الدینی
 بر قبضه خاک کی کوکه جتاروب امر * قبله باجی ایدوب طین لازب اولغیچه دل قرق بیل طوروب بعده قوروبوب
 مصلال کالغارا اولد قدس قرق بیل دخی طوروب بر یوزنده مکله شهر شک بولنده دخی قرق بیل طوروب
 دینوب * معالمتزاید (ما بعد من خلقت طینا) آیتده یعنی بن کتوردم طبر اقدن براند و شک نیجه مجده
 ایدیم دیکدره زیرا ابن عباس دن مرویدرکه امر * قبله ابلیس بر یوزنیک طائلو و طوزلوسدن جله بر قبضه خالک
 آلوب کتوردی الله تعالی آدمی اندن برادوب اول طبر اغلک طائلو و طوزلوسدن برادیلان سعید طوزلوسدن برادیلان
 شی اولدی دینوب * اشبو روایت مخالف قول جمهور اولغین غیره معتبر ایدوکی مقوردر غالباً منشا غلط لفظ *

عزرائیل لفظ عزایله نوعاً مشابه اولد یقیدر * زیرا خالک آدمی کتورون ملک الموت اولان عزرائیل ایدوکه
 مورخین اتفاق ایچمشدر (نفخ روح) معتبرانده مذکوردرکه روح بر فتح آدم مکرم اوج کره دخول بدن الیه
 مأمور اولوب هر برنده یارب مدخل کره و قعر بعید و نفس منازعه دیوب جناب حقه التجا و کیرمک
 رجایته کده داخل کره و اخرج کره ایدوندا کلکین ناچار سر آدم عبرت اثره کیروب دماغ حکمت مایورنده
 ایکو و زییل دورایتدی * بعده کوزنه پورنه دینله آغز نه کلد * کده آق سروب الحمد لله رب العالمین
 دیو سوبادی بر جک ربک یا آدم و لایحه خلقتک دیوندا خدا کابو آق سرن کشته لره الحمد لله دیلک منت
 و عادت مورثه السعادت اولوب انشید نلره بر جک الله دیلک بر وجه لازم و لازب شرعاً واجب اولدی * بعض
 معتبرانده تحمید آدم دن بر علم برادیلوب آدمی لوا الحمد قوندی دینوب غالباً قیامتده علم خرق عالم صلی الله
 علیه و آله و اولقدرو الله اعلم * بعده بدن حسن ادمه روح جاری اولد قدس اعضا خنده لم و دم و عظام و عروق
 و اعصاب پیدا اولدی * بعده جله تنه قدرت حقله دزی بر نه ابن عباس قولغه طرقتی جنتدن بر آتی
 و بر آتی ابلیس لطافت احتیاس کیدر یلوب بعد زمان قصه اکل غره صدورنده اول جلد لطیف کیدوب بر نه
 ات جانتدن دزی بتوب مذکر حال ماضیه اولغیچون بار مقاری او جنتده طرقتی اندن علامت باقیه قادی
 برگشته مصر و رابکن طرقتلره نظر ایتدی بی سبب نوعاً متقبض اولد یقینک سری بودردیشله بعده جبرائیل
 علیه السلام عقل و ایمان و حیاسی کتوروب او جنتدن بری آتی امر اولغشدر دیوب آدم دخی عقلی الدقه
 ایمان و حیاسیه یل و وارکز عقل قنده ایسه سزده انده سز دیوب اوجی دخی آدم * خیده جمع اولدی * واهب
 لایحه ده جعفره مادقدن مرویدرکه روح آدم یوزیل بوریله باشنده یوزیل کوکسده یوزیل ایاقاریله قدسده
 طوروب بعده تعلیم اسماء اولدی * بعض معتبرانده مرویدرکه روح آدم ابتدا باشنده بعده کوزلر نه کلد کده
 فتح بصیر و ساق عرشه نظر ایدوب (لا اله الا الله محمد رسول الله) مذهب و رب غفور) یا زلمش کوردی جناب
 حقله * کامنه معلق بعض مکالمه ایتدی * تفهیر لایله آدم علیه السلام بر یوزنده برادلدی یقنده نزاع بودردیوب
 * لکن کتزالا سرارده سدی قولغه اولسکی کوکسده * بعض علما قولغه دینا ک جانب غریب مننده بر باغچه بهجه
 النفوسده جمهور علمایه اسناد اولدینی اوزره جنت عدن ایچنده برادیلوب بعد زمان خروجی دخی اندن
 واقع اولدی * ابتدا اقامت لری بشیوز ذراع اولوب اول خلقتن نفخ روحنه دلهر کو فی یلک نیل حسابیه
 درت هفته بکده شدی دینوب * یوقارورده اوقات خلقی اشیا ده جمعه کو فی بعد العصر برادلدی دیو بر حدیث
 شریف یا زیلوب تاریخ میرخوانده نفخ روح * یحیی بن قولغه ماه محرمده عاشورا کوتیده ایدی دینوب *
 شرح مشکانه ابن عباس رضی الله عنه قالب آدم قبل نفخ روح مکله طائف آراسته طوروب دیوب
 حضرت رسول علیه السلام جسد آدم جنت ایچنده تصور اولندی دیو یومر مشدوره اشبوایی کلامک
 یوقتی شوجمله درکه جائز که قالب آدم تصور بر اولغیچه دخی بر یوزنده طوروب بعده جنته ایلنلوب آنده تصور
 اوامش اولد دیو یقین بر اولغشدر والله اعلم بما اخفی و اعلم (تعلیم اسماء و حجه ملائکه ارض و سما و کیفیت
 دخول بیعت بانواع عز و رفعت) تفسیر ابو السعود ابن عباس رضی الله عنه و نیجه تابعین قولغه الله تعالی
 آدمه جمیع اشیا اسماسن و هر جنسک منافعن * بعض قولغه اسماء ما کان و ما سیکون * به ضلر قولغه
 جمیع اشیا ک ذواتی و اسماء و خواصتی و اصول علی و قوانین صناعاتی و تفاسیل آلاتی و کیفیات
 اسمها لای تعلیم و تکریم الیه تعلیم و تفهیم ایتدی دینوب * کشفده همان قول اول تفسیر قاضیده
 همان ثالث مذکوردر * تفسیر کبیرده مشهور بودرکه اسمائی جمیع مخلوقات انواع السنه و لغات اوزره تعلیم
 ایدوب و قات ایتد کد نصکره اولادی هر فرقه بر لغتی مخصوص ایدوب اطراف عالمه کتد کارنده هر روز زمانه
 سائر لغت لری اوتد بلره تفسیر لایله اشبو کلام قول اهل تأویل یعنی مختار مقصر بن ذوی القدر یا جلیلدر
 دیو یقین بر و تظیر اولغشدر * معارج النبوه ده مذکوردرکه بعد تعلیم اسماء امر خدا الیه جمیع ملائکه
 زیرو بالا یگری یلک صف اولوب یدی یا خود یدی یوزیلک ایاقلو بر منبر معتبر عالی کمز قوند قدس آدم
 صفینک جیپنده نور محمدی تابان و درخشان ایکن باشنده تاج مجوهر ارقه سنده اطراف (لا اله الا الله محمد
 رسول الله) یا زلمش لباس سندس اخضر بار مننده خاتم منور و کردتک ایکی طرفنده جواهر الیه مرصع

و حواریان را با حق جنته کبریا که جمعه کونین عصر و مغرب را سنده بر یوزینه ایندربلوب باغ چنانده
 طواس کبی چولانده ایکن دنیای سر یح القشاء در یح العنا که دامگاه دانه نمای و نفس تسکاید ریشالک
 مورث الم لاکنه کره تاروی قرار اولدی (نظم) کسی و چون ویر آدم غنی تواند زد که * نقش بد و حادث
 و رای چون ویر است (نظم) ابن عباس و نیجه سلف قولنج آدم جنته وقت خصاصه کبر و بین الصلواتینده
 جیغوب جله مدت قرار دینا حسابجه بتیوزیل اولوب حسن بصری قولنج آخرت حسابجه بر ساعت
 اما دنیا حسابجه یوزا و تیوزیل ایدی * و هب قولنجه التي کون بعض قولنجه بش ساعت یا ارج ساعت طبری
 قولنجه فرق اوج ییل درت ای بعض کتیده حسن بصری قولنجه ید بیوزیل ایدی دیومذ کورد (فائده)
 فرمان رحمان اید آدم هنده حوامکه یه ابکی فوناق برده جسد به یا خود هتدون اوتهاق ولایت سنده
 ایندرد که ایکنه سندن دخی دیده بلادیده لری فطرات حسراتی صفعات و جنات اوزره باران نیمان کبی
 یاغدیروب خصوصا آدم بر غم ابن عباس رضی الله عنه قولنجه ایکروز و هب قولنجه اوچیز مجاهد قولنجه
 یوزیل متصل کران و نالان اولوب اشک کور و شکون اقواج مرغان ایچوب مثلث ذوربان اولور لیدی *
 کتب حدیثه (لوان بکاه داود و بکاه جیج اهل الارض بعدل بکاه آدم ناعذه) دیو بر حدیث شریف مریدر
 (فائده) نیجه معتبرانده حاله هنده شانه بیتن عود و صندل و قنقل و زنجبیل و دارچین و قنقل و نیجه ادویه
 مافه بعض قولنجه در یاده انجودخی اول ماه شرف اعتماد ید اوشو و غما بولدی دینوب * مجاهد قولنجه
 عود و زنجبیل و سایر خوب رایحه لونه ردموع آدمدن قنقل و سایر اقاقوی فادویه دموع حواریان
 برادند در بحر اله لومده و هیدن مریدر که آدم جنته عربان فالده انجیر بیراغله ستر عورت ایدوب اول
 حاله جنته قده یل ایل کوفشدن بیراق قوروب یل ای هنده ستانده اطرافه طاعیدوب جنت برکاتندن رواج
 طیبیه هنده ستانده ظهروایتی * بر روایتی اندن کیکر و صغیر لیبوب اولکیدن مسک ایکنیدن غیر
 ید اولدی حوا اورتدیکی بیراقدن قورده قزلو آو یلریبوب اولکیدن ابریشم ایکنیدن بال ید اولدی
 * ابن عباس سدن مریدر که آدم جنتدن جیغده قورده کونین کولکه اولمغه باشنه زنجبیل تاج قوروب انجیر
 بیراغله ستر عورت ایدوب دیناده ککونیندن ایکیمی دخی قوروب هنده ستانده طیراغه قارشد قده انواع
 طیب ظهروایتی و دخی مریدر که آدم ک او ستانده اولان رایحه جنت اطرافه یلایوب انواع طیب اول رایحه
 فایحه دن حاصل اولدی (حج آدم) مریدر که آدم علیه السلام کعبه نک برنده اولان بیت المعمور بر نوره
 امر حقه له هنده ستانده تنه او یان حج ایدر کده جبل عرفات فایض البرکاتده حوایه ملاقات ایدوب ایکیمی
 دخی جناب باری به تضرع و زاری ایند کلرنده قوبه لری مقبول و اصناف الطاف بیه الهیه به موصول اولدی
 * نقاشیده مریدر که الهی با آدم سکیچون عرش طواف اولدی بکی طواف اولته جق رفته ایندردم
 دیوچی ایکنین هزدن مکبه وارد قده اکثر فارشوکاب (برجیک) یعنی جق قبول اولدی یا خود قبول
 اوسون سندن ایکی ییل اول بزوکاج ایدر کاشرد در یوب آدم هندن مکبه فرق کره بیان حج ایتمشدر
 دینوب زین الهی سالده آدم علیه السلام قبول قوبه ایچون اوچیز ککره بیان حج و یک کره عمره ایتمشدر
 دیومذ کورد (نک کعبه) تاریخ مکده ابن عباس سدن مریدر که الهی با آدم بر یوزده عرش مقابله سنده
 بنم بر حرم واردانده بنم ایچون بر او یاب کورده ملکار عرش نیجه طواف ایدر لسه سندن ای او یاب
 طواف ایل اول مکانه سندن زاولاد کدن بنم طاعتم اوزره اولان کدره عار یکزی قبول ایدرم دیوچی ایدوب
 آدم دخی یارب بن ای نیجه بوله یک یاغمه قادر اوله ید ککده امر حقه بر ملک دلیل اولوب مکبه وارد قده
 کعبه نلک امامتی مکده جبل حرا دن چار دیوار برین مصرده طور سیتاقده سه طور زیست و ولایت شامده لبنان
 موصاره جودی نام طاعتردن و هب قولنجه لبنان و جودی برسته مکده شیراله مدینه و مدینه حرا دن ثناء ایدوب
 غام اولد قده اول ملک آدمی عرفاته ایلتوب مناسک حجی بالتام اعلام ایددی تاریخ میرخوانده مذ کورد که
 آدم بعد قبول الذریه کعبه بنامیه مأمورا و اوقین هنده جبل سندن یدن مکبه کاب بولده هر ره که قدم
 پاسردی بعد زمان او محله بر نه رشا دلندی * پس آدم علیه السلام ملائکه معاونه لری کعبه بی بابوب
 چتر دینی حجر الاسود مبارکی جنتدن بیل کعبه نک گوشه سنده قودی بده ارشاد جبرائیل الهی حج ایدوب بده

حوای ارا یوب اول دخی جده دن کاب آدمی ارا یوب عرفاتده یولوشوب اتفاقله هنده کیدوب معدن
 چقاروب زراعته چالشوب کله هنده کاه عربستانده اولوب بعده اولاد لری ظهروایتی (اخذ میثاق)
 معتبرانده اقوال مختلفه اوزر مذ کورد که آدم بر یوزینه ایند کد نصره هر ییل حج ایدوب اتفاق بر حج زمانده
 عرفات قرینه یا جبل حرا ده یا هنده ارض ده تاده یا مکه ایل طائف او سنده یا جنتدن جیغده اسمانده یا قبل
 الدخول جنت قیوسنده عرخی او تیوزیک ییلق بر صحراده حالت نومده یا بقظه ده قیامتده دله طواف جق
 اذرا بشر امر حقه ظاهر آدم دن ذره لر قدر جیغدی صاعنده انبیاء و مؤمنین نورانی صولده کفره و مشرکین
 ظلماتی کوروب جبرائیلدن یونلری صور قده (هولاه فی الجنة و لا ابالی و هولاه فی النار و لا ابالی) دیومذ
 جناب متعال کابو معشر شیره (الست بریکم) دیو خطاب رب الارباب کله کده جله می (بی) دیو جواب
 و یروب یونلره جیغده تکلیف اولدین اصحاب بن سر بر زمین ایدوب حکمت حق ایل اصحاب شمال باشلین
 انکه قدرت و مجال محال اولوب نه جله می صلب آدمه ارجاع و ادخال اولندیلر * بوباده نیجه معتبر کابده
 تفصیل عظیم اولوب اهل خیرت اولنلره مورث حیرت و عبرت اوله جق امور مذ کورد * تفصیر
 ابوالعودده (واذ اخذ ربکم من بنی آدم من ظهروهم ذریتم و اشد هم علی انفسهم الست بریکم قالوا بلی)
 آیتنه ظاهر آدم دن همان کند و صلی اولادی جیغوب سایر فاض قیامتده دله تناسل اید کوری ترتیب اوزره
 هر ولد کند و دری صلبندن جقه مشدر (ان الله خلق آدم ثم مسح ظهره بيمينه فاستخرج منه ذرية فقال خلقت
 هولاه اهل الجنة و بهمل اهل الجنة بهملون ثم مسح ظهره فاستخرج منه ذرية فقال خلقت هولاه اهل النار
 و بهمل اهل النار بهملون) حدیثنده اخراج جیج ناس ظاهر آدمه اسناد اولتی و سابط ذکر نه غرض مفید
 منتهای اولوب بلکه همان مراد رسول علیه السلام مجرد اهل نعيم و جیم حاله ای اجمالا اعلام ایدی دینوب
 * تاریخ میرخوانده اخذ میثاق شهادت های اید نصره یا زلشدر (ظهرو اولاد و انساب صد و اربعه
 و احقاب) معتبرانده مریدر که آدم و حوا نلک جله یکری دفعه ایکز اولادی اولمشدر که هر یلنده بری اولک
 بری قیز اولوب قول مشهور اوزره همان شیت یغمبریا لکنر طوغمشدر بطن اولد مالان دختر بطن نایده
 اولان برادره نکاح اولتی امر حق اولدین یوجمله علی التواصل تناسل اولوب نوح یغمبر شیره سنده
 بو خصوص حرام اولدی * ابن عباس قولنج آدمک حیاتده اولادی و انلر نعلی قرقی یلک عده یلکیدی
 دینوب * تاریخ طبریده جله در تیوزیک عده یلکیدی دیو روایت وارد * کاب مهمات اقرانده
 مذ کورد که آدمک صلی او غوللرندن اسمی معلوم اولان یونلر در قایل * هایل * اباده شوبه * هند
 * مرایس * خور * سند * بارق * شیت علیه السلام * عبدالمقیت * عبدالحارث * هایل * رود * سواع *
 یغوث * یعوق * نسر * شندن غیر یلر نلک نسلری طوفان فوجده منقرض اولشدر کاب الاواطده
 آدمک * عبد الرحمن * صالح * عربان * آدوا و اوج اوغلی یحرا اله لومده حارث اسوت حنان کرس هون
 انجود سندن اولدی اوغلی خاموس الاقنه قاین آدو بر اوغلی دخی مذ کورد بعض معتبرانده ابن عباس سدن
 مریدر که آدم دنیایه جیغده کمال غم و المدن یوزیله دلبجاع ایددی * معالم التنزیله آدمک اول
 اولادی قایل ایل مشیره می اقلیمیا آخر اولادی عبدالمقیت ایل مشیره می امة المقیت ایدی * آدم دنیایه
 جیغده قدن یوز ییل صکره قایل طوغوب اون ایکی ییل صکره هایل طوغمشدر بعض قایل ایل اقلیمیا آدم
 جیغده بغدادی یزدن اول طوغمشدر در یوب * جعفر الصادق قولنج آدمک دنیایه ابتدا عشاق اولد قیزی
 طوغمشدر که نصف صحیفه اشافیده احوالی سیان اولد و صکره قایل صکره هایل طوغمشدر *
 بحر العلوم آدمک ابتدا اولادی حارثدر که یلکیز طوغوب بعده قایل ایل اقلیمیا بعده هایل ایل لودا
 بعده اسوت ایل اخی تامعلوم بر قیز بعده شیت علیه السلام یلکیز طوغوب بعده حرو اولد قیز دخی یلکیز
 طوغوب ایل شیت نکاح ایدوب صکره یا ایل بعده کرس ایل بعده هرت ایل بعده انجود ایل بعده سندن
 ایل بعده بارق ایل بر قیز دخی طوغوب * ابن اسحق قولنج قریب بطن ایکز اولادی اولوب بری ارکان بری
 قیز ایل * و هب قولنج یوزیک کوری اولادی اولوب بعض قولنجه بشیوز بطنده ایکشدرن یلک نفر
 ارکان و قیز اولوب کید و ولادی و انلر نسل و ذریه لری عربی سریانی فارسی ترکی روی هندی

معدی خوارزمی و سائر اساتید در بیان در لغت الیه و بلور در دیوید کور اولوب * معال التزیلده
حق تعالی آدمه جیع دیلاری بیلدیرب اولادندن هر بری بر لغت سو بیلشوب اطراف عالمه طالع قدرنده
هر قره بر لغتی کند و له مخصوص ایدینوب هر ورزمانه سابر لغت را و نودلدی دیومسطور در نتیجه معتبرانده
حضرت آدمک تیرلندن عننی یا عنانی غایت جسته اولوب بارمقلرینک طوی او بر عرضی ایکیشر ذراع اولوب
و هر بار مقلک اوجنده اوراق کبی اگری و کسکین ایکیشر جشال عظیم طرناقری اولوب دیشاده ابتدا
زنالندن صادر اولغین امر حقه عظیم جانور را و شوب عننی هلالک ایدیلر دیوب من بوره عنقه سابق عوج
آدلو براوغلی طوغشدر که یودکده قامتی مشهور اوزره اوج بیک اوچیوزا ووز اوج ابن عمر قولنجه ایک بیک
اوچیوزا ووز اوج ذراع اولوب بائی بولاندن یوقار وایدی اوج بیک بیل باشوب کیفیت هلاکی اشاغیده
باب موسی علیه السلامه بیان اولنور (قصه قایل و هایل) بوخصوصک کمال اجمالی بودر که جوادن
ابتدا قایل واقلیما ثانیاً هایل ولبودا آدلو بر بر سرود خترو جوده کلوب اقلیمیایی هایل لبودانی قایل
سکاح امر حق اولدنده قایل ذلیل اقلیمیاً حسنا و لغین امر خدایه رضا و بر میوب صدق فرمان رحمان
قریان الیه امتحان نیورلد قده هایل چوبان و کریم اولغین براعلاقوچ کتور ووب قایل اهل زراعت و لثیم
اولغین بردسته بچلمش بغدادی کتور ووب اوزمانده کی عادت اوزره کوکدن آتش کلوب قوچی قابوب بغدادی
برنده طور ووب هایل قریانی مقبول اولوب ککندونک کی مردود اولد بغه قایلک حسدی آرتوب
آدم علیه السلام جده ایکن برکون هایل قایل طور ووب صورت حیوانده تعلیم شیطان باشنی ایک طاش
اواسنه قو ووب هایل سلیم نفس تسلیم ایتکین باشن ازوب برروایده بوجالی هایل اوورکن ایدوب
دیشاده ایتدایت بوالغین دفن ایتک نه اید وکنی بیلدوب اولی رحم و هوش هایل قو قو کون یابریل
منصل بردوش و آغوش ککزد ووب عاقبت تعلیم غراب الیه مدفون تراب ایتدی * عرایس تعلیمده
هایل ابن عباس قولنجه هندوستانده ولایت سرنندیده مبط آدم اولان جبل بوزده * جعفر صادق قولنجه
بصره شهرنده مسجد اعظم برنده بعضر قولنجه عقبه حرا ده واقع اولمشدر دیوب * جمله معتبرانده هایل
مظلوم شهید اولدنده همان بکری باشنده ایدی دیومر قومدر (نظم) ازان سرد آمدن کاخ دلایر *
که چون جا کرم کردی کویدت خیزه هر ویدر که آدم علیه السلام جده کلوب هایل اراوب خبر و اثرن
بویوب بلوب بریلدنا غلابوب بعده و اقمده خبردار اولدنده قایل بدعایه ایتکین جسد بر حسد قایل
ذلیل غضب الیه ناگاه سیاه اولوب مردود و طرود اولدنده همشیره سی اقلیمی الیه ولایت یمه فرار و آند
ارض عدنده قرار ایدوب تعلیم ابایس الیه آتش پرست اولدی واقلیما الیه زندان اولادی چوغالذی * تاریخ
میرخواننده هایل قانی ایچون قایلی قصاص اقله حکم الیه کاد کده قایل راضی اولوب یمه کندی
دیشدر * بعض معتبرانده آدمک بدعاسیله بره بکچور کن جانب حقه نضرع الیه ورتلوب لکن برملک
کلوب الارینی وایاقرینی قیروب بونی زنجیره صاروب برنوزنده سور ووب دیشایی بیدی کره طولاشد ووب
بوحال الیه قیشده فاردن یازده آتشدن طاعلرده عذاب اولنوب بعده ککندونک اولادندن بری بونی طاشله هلال
ایتدی * حضرت عابدن هر ویدر که قتل هایل ایتک ارایتد کده ککندونک جمله اعضائی شهادت ایدوب
بعده برملک بونی یارده کوننه قیشده زمهره قارشو ووب سکسان بیل بوعدانی چکوب بعده براغوب
بره بکدی دیشدی * تفسیر تیسیرده الیه تعالی قایل خوف مسلط ایدوب هر کوویدی ککسندون قو ووب
قاجوب هر کوورن ککشی ائی طاشلیوب عاقبت ککند اولادندن براعی ککسند قایلی بیلوب قصه الیه طاش
آوب هلالک ایتدی * برروایتده امر حقه بل قایل دنیا ک غایت ایدی برنه آوب باز کونلرند آند طور ووب
قیس ککد کده غایت صوق برله آوب قیامته دلهر صیف وشنا بولاده دردیومد کوردر (قصه ساد دنیا)
معتبرانده هر ویدر که هایل سعید شهید اولدنده دیشازله اولوب آغا جلد دیکلنوب بعض صورطوزی
اولوب میوه لاکتوب عالم قراکواق اولوب ذکر اولان امور دیشاده ابتدا اول زمانده ظم و رایتدی حضرت
آدم سرانجه مرثیه دیوب ملوک عتدن بر بن خطان عربجه ترجمه و نظم ایدوب دیشک (نظم) تغیرت
البلاد و من علیها * فوجه الارض مغبر قیج * تغیر کل ذی ظم ولون * وقل بشانه الوجه الصبیح * فوالسفا

علی هایل ابی * فتیلا قد نفعه الضریح * وقایل اذاق الموت هایل * فوالسفا * ووالسفا * ووالسفا *
عد و لیس یقنی * لعین لا یوت فنتسرح (نثر) تفاسیرده حضرت آدم مکرم بوقصه غم حصه ورثه القصه دن
غایت پریشان اولوب یوز بیل یاقرق بیل بر دم خندان اولدی دیویشان اولمشدر (رسالت آدم و نزول صحف
و تعیین شریع انور معظم و بعض احوال آن حساب مکرم) معتبرانده هر ویدر که آدم علیه السلام دنیا به کلوب
اولادی اولدنده جناب رب العزتندن نبوت و رسالت ویریلوب اون صحیفه شریفه نازل اولدی مدت نبوتلرند
کو کدن جبرائیل علیه السلام وحی الیه اون کره نزول ایتدی دیشدر * مارج النبوه و هیدن هر ویدر که آدم
علیه السلام بشیر زبانشده ایکن اولاد و ائسانه جناب حقدن نی * مرسل اولوب کجه میلهر کونده الی
وقت نماز و زمان معینده صوم و جنبایتدن غسل برروایتده زکوة فرض اولوب میتهم و دم و خنزیر و بعض
مستکرها کمال حرام اولمشدی صحف شریفه سی اسرار حکمت طبعیه و معرفت منافع و مضار ادویه
و کیفیت تسخیر انس و جن و شیاطین و علم هندسه و حساب و بعض علوم بیاتده مایدی * فوالسفا * ووالسفا *
برمحلنده آدمه اوستنده حروف معجم و بیک در لغت یازلمش بکری برورق نازل اولوب بیک در لوصنت تعلیم
اولمشیدی دیو بر جده بیک شریف ذکر اولنوب بر محلنده دخی آدمه جنت مرسیندن ورتوشندن اوزرند
اسرار و دقایق و حکم و حقایق الیه حروف معجم و بیک در لغت و علم اسرار حروف یازلمش بکری برورق نازل
اولوب بیک صنعت تعلیم اولمشدی حسن بصری قولنجه بیک در لو علم یلوردی دیوب * بر محلنده دخی
مفسیرین الله تعالی آدمه علومدن یتش بیک باب و بیک در لوصنت اوکر مشدی دیشدر دیوب * بر محلنده
دخی انواع لغات اوزره حروف تہجی وقت کاتده اشکال و قوالب نورانیته ده مشککه و متثله اولغین اول
صورت اوزره یازوب بوجزه و کرامت اکامخصوص برحالت ایدی دیومد کوردر * کتاب الاواباده آدمه
ابتدا امجد هوز حروفی نزول ایدوب وفاتندن اوچیوزیل اقل باش کریم اوسته مریانی و عبرانی و عبری
و جمیع السنه ده انواع اقلامه کابل یازوب آتشدن بشر و بر مرورایمه ضایع اولوب بردوام اولسنی مرام
ایتدی دیوب * کتاب فقه اللغة ده اشبو قصه دن صکره طوقان فوحده ذکر اولنان کابل صوابیجده قابوب
طوقان ککد کده هر بری بر در لوطا تفه بولوب عربی اولان کابل مرور زمانه حضرت اسماعیل و اصل اولدی
* تفسیر لبابده جمیع لغاتی ابتدا تکلم ایدن و هر اسان اوزره کابل وضع ایدن آدمدر دیو تضریح و تفسیر
اولمشدر (دعوت و معجزات) تاویج میر خواننده مذکور در آدم علیه السلام قصه مشاقدن ککره
وطنلرینه کیدر * کن امر حقه یمن ولایتنه واروب قایلی و اولادی دینه دعوت و آتش پرست و زانی
و شارب الخمر اولدقرا ایچون نصیحت ایدوب معجزدر کوردر کده بعضر ایمانه کلوب اکثری کافر قالدیلر
هر ویدر که قایل سا بقایمنه وارد قده تعلیم شیطان الیه آتش خانه لریابوب آتشدن طایوب انواع ضلالت
و فساد ایتکمه مداومت ایدیلر آدم انلره وارد قده کفره معجزه دیکلین طاشدن صوابیجده و براغابی
چاغر دقده بری یاروب کادی و دخی مبارک اللرنده چاقل طاشنی سوبیلوب نبوتلرینه شهادت ایددی
کفاری دعوتدن اول ظم و رایدن معجزه لرندن بری یوایدیکه جانورلرینی آدمه نجه ضرر لرایدوب
اذالری ممتد جفاری مشند اولدنده آدم علیه السلام جانورلر ایچنه واروب انلره نصیحت ایتد کده
مؤذیلکدن فراغت ایدیلر * بری دخی یوایدیکه برکون اولادی ضیافت ایدوب اودن یتشد کده مبارک
الارینی آتشدن صوقوب اودن کلنجه آتش شعله لایوب اللرنه اصلا ضرر ایشدی * دریا و نقتده ایاق الیه بوریل
وطی مکان و بره تخم صاحب فی الحال بیک و نوزلک امثالی نجه معجزه لری دخی صدور ایتشدی
علم هندسه و علم طب و علم موسیقی و بزجاج صنعت آدم * کرم زمانده ظم و رایتشد (حلیه آدم)
معتبرانده مذکوردر که آدم علیه السلام مقدما جتند ساکن ایکن امر دادلوب دیناده دخی اصلا مقانی
بایوب حسن و جمال بدیع المثالی متجاوز حد کمال ایدی اولاد لرندن ابتدا مقانی بنیث علیه السلامدر
دیشدر * بحر العلومده (مید الصور موره آدم) دیو بر فصل حدیث و کتاب منقیده (اهل الجنة
جزمدر علی صوره آدم) دیو بر حدیث ذکر اولنوب * تفسیر لبابده رسول علیه السلام (مرثیه یوسف
واذا هو قد اعطی شطرا الحسن) ییوردیغنک معنای حسن یوسف حسن آدمک نصفیدر دیکدور دیوب

میر خوارنده می وید که آدم علیه السلام سیاه صاجلو کندم صكون واحسن الناس اولوب
 حوادخی صورتده اکا بکزدی * عرایس تعلیمده ابن عباسدن می وید که آدم علیه السلام سرنیب
 طغانه ایترلد کده باشی بولتره دکر اولغین باشنده صاج بقیوب ملائکه نیک تسبیح ایشدیکه فالان
 وکران اولغین ملائکه زجاسیله الله تعالی ائی کونه قدایدوب قامتی همان التمش ذراع قالدی * تفسیر یابده
 قامت آدم بلند اولوب باشی بولتره طوقه ووردی دیمش لکن صحیح بخاریده حضرت رسول علیه السلام
 الله تعالی آدمی براتیده قامتی التمش ذراع ایدی بیور مشردیومد کوردی (وفات آدم و حوا) صلوات الله
 علیه (نظم) جان در بدن ودیعت پروردگار ماست * میخو اهد از یوز بازو دیت چه ماجراست (نثر) بحکمة
 الله و تقدیر عامه موجوداته ضار و اجماعه کافه مخلوقاته بقا معتمده اندر * پس هر زنده میرنده هر
 نوکمه پذیرنده اوائی مقتضی و حضرت آدم کدخی عمری منقضی اولغین اون برکون خسته اولوب بعده روح
 بر قوس حشری دعوت حضرت رب العزت اجابت ایدوب یوم جمعه ده یوخمان فائیدن عالم جاوداتی به عز
 و اجلال ایل انتقال وارتحال ایلدی * جنازه رحمت انداز لر و هب قولنجبه مکده جبل ائی قیسمده *
 ابن اسحق قولنجبه دیناده ایدان اولان مشارق الفردوس قبره سنده * کشفده تصحیح اولان ابن عباس قولنجبه
 هندستانده سابقا کوکدن آکانازل اولدنی مرتدیب ولایتده یوز اولوطاغده * ابن عمر قولنجبه قدسده صخره
 شریفه ایل مسجد خلیل الله ارا سنده دفن اولندی وغازین قیلغه اوغلی شیت علیه السلام امام و ملائکه ایل
 بنی آدم جاعت اولدیلر * طوفانده نصره نوع علیه السلام تاوتن جی قارب کئی به یله قوبوب نه قبره میرنده
 و ابن عباس قولنجبه قدسده و صحابه دن عروه بن الزبیر قولنجبه مکده عرقانده مسجد خنده دفن ایددی *
 کشفده می وید که آدم علیه السلام حضرت اولادده اطرافین ملائکه قوشادوب حوا حلقه به کیرمک ایچون
 طولاشد قدسده آدم یا حواریک ملکارین ایچقوب ارامزه کیرمه که هر نه اوغرا دمه سندن اوغرا دم دیوب
 بعد الوفات غسل و تکفین و دفن ملائکه خدا ایدوب اولاد ایچاسده عادتده لایسته شمدنکر و ایچکرده
 وفات ایدنلر سنت و عادت بولدا ایچکدر دیو تعلیم و تفهیم ایدیلر * عرایسده ابن عباسدن می وید که وفات
 آدیده دنیایوزنده یدی کون یدی کیجه متصل کسوف اولدی * معتبرانده مذکوردر که آدمدن بر ییل
 یادی ییل یادی آی یاخود همان قرق یا همان اوج کون صکره حوادخی دار العقبایه کیدوب آدم مزاری
 جوارنده یاخود مکده قریشده جده دفن اولندی (نظم) هر که آمد بیجهان اهل قنسا خواهد بود * آنکه یابده
 و باقیست خدا خواهد بود * مدت عمر آدم علیه السلام ابن عباسده و هب قولنجبه ییل اهل قنسا قولنجبه
 طقوز یوز قرق ییلدر * مدت عمر حواریقا نقدرا ید و کی نامه لو مدرز را چشده آدمک صول ایکو سندن
 برادیلوب لکن مدت عمر آدم قرق ییل یکد کد نصره اید و کی معلوم کلدی (فائده) کتاب او ایلده (اول من
 نسی و جده آدم علیه السلام لا و هب داود من عمره اربعین سنه قن ثم امر بالکتاب و الشهود) دیو بر حدیث
 شریف ذکر اولوب * تفسیر تعلیمده سدیدن می وید که روز میاشده آدم علیه السلام انبیای بر کوروب
 تفصیل حالین جبرائیلدن صوروب حضرت داود عزیزی همان التمش ییل اوله جفن ایشدوب امر کیوب
 کد و نل عمرین جبرائیلدن صوروب ییل ییلدر ید کده داود عمری یوز اولی ایچون کد و عمرندن اکافرق
 ییل باغشلیوب بعده عمرندن طقوز یوز التمش ییل کیوب قبض روحه حضرت عزرائیل علیه السلام کد کده
 آدم علیه السلام بن عمر تمام یکدردیو محماده و مباحده ایدوب مقدمه داوده باغشلیدی عریین اوئوب
 انکار ایتد کده فائده می اولوب روحی قبض اولندی دینوب * لکن بعض معتبرانده ظهور انکارده
 حضرت رب جلیل محض لطفندن ایکدن کدخی عری تکمیل ایددی دیو بر حدیث شریف طویل می ویدر
 حضرت آدمک بوخصه و اصل کل ثمره شجره منیه خصوصه حکمت رحمانه واقع اولان نسیانلرینه
 اشارت و نماد ایدن (مصرع) اول الناس اقل النامی * کلا میکه ابن عباسدن می ویدر بین العلماء الکمل
 ضرب التلی اباشدر (فائده) کتاب او ایلده حسن بصیردن (اول من مات آدم) دیو می ویدر صحیح ابیه غالبه
 معنای زمره انساندن اجل طبعیسیله وفات ایدنلر اولی آدمدر دیمکدر یوخسه هابیل قتل طریقیله
 آدمدن اول وفات ایددی کی محقق و مستفیدر

(باب ثانی در احوال شیت بن آدم صلی الله علیه و آله)

اسحری سر یاقی اولوب معنای هبة الله دیمکدر هابیل شهادتندن بش ییل یا اوز ییل صکره آدم
 علیه السلام یوز اوئوز یا ایک یوز اوئوز یا یوز کیری یا یوز اوئوزش باشنده ایکن وجوده کلدر هابیل جنت محل
 نم ایدل اولوب نور سلطان انیسایونک جین شرف قرینه منتقل و برضیا اولغین آدم علیه السلام جمیع
 نسل و ذریقی اوزرینه بوی صاحب ریاست و مرض موتنده دخی خلافت جمیع دنیای نوکاو صیت ایدوب
 اسرار الهی و علوم نامتناهی تعام و تفهیم ایچشدر * جمله اولادندن احسن و اجل و اکمل و افضل اولوب
 صورت و سیرتده کندی به تمام مشابیهت اوزره اولغین سائر اولادندن زیاده محبت ایچشدی * معتبرانده
 مذکوردر که شیت علیه السلام نبی منسل اولوب شریعتی آدم شریعتنه موافق ایددی نوکاو کد کد لالی
 صحیفه شریقه نازل اولوب علوم حکمیه و ریاضیه بی مشتهله اولوب کیمیا و سیمیا و بعض اشیا و صنایع مشککه دخی
 مذکور ایدی * می وید که ولایت یتنده اولاد قایل ضلالت اسلوب هدایت مسلوب چون غالب کفار اثرار
 و عید قنار اولاد قننده شیت علیه السلام اکثر اولاد شامده ساکن اولوب اول طائفه ناخاطفه به جانب جنت
 غزاه جنت جزا ایلد مأمور اولغین دنیاده ابتدای ایل جنت ایدوب کیمی اسیر و کیمی طعمه شیر شمشیر ایدن
 یوزدر یا یابی آدم علیه السلام ایل یاخود اندنصره کد و برادر لرله کعبه معظمه بی طاش و یا بلخه بنا ایچشدر
 * فواجح مسکیمده شیت علیه السلام بیگ عدد شهر یا یوب علم امرار جوفده برکاب نالیف ایچشدر صایبه
 طائفه منی ایچنده شیت اسمی اغا نادیمون یونان قوی ایچنده اسمی اورانی ایدی دینوب * نیجه معتبرانده
 مذکوردر که طوفان نوحده اولاد قایل و غیر ی جمله غرق اولوب همان شیت علیه السلام نسلندن اولنلر
 نور تافین اندنصره کلان جمیع بنی آدم شیت نسلندن اید و کی مقرردر * خاتونی شریعت آدم علیه السلام
 اوزره همیره می بخوانیلر یضا ایدیکه والده می حوا کیمی غایت حسنا اولوب آدم علیه السلام
 بالذات نکاح ایدوب یوب خطبه نکاحی * جبرائیل علیه السلام اوقیوب ملائکه شاهد اولشدر یهبوط
 آدمدن بیگ یوز قرق ایک ییل یکد کده سمادته دار آخرته رحلت ایدوب آدم مزاری یابنده دفن اولمشدر
 (نظم) زین دنیا جو آخر کو ج باید * نهادن دل درین منزل شاید (نثر) مدت عمر شریقری قول مشهور اوزره
 طقوز یوز اون ایک نیجه لر قول اوزره طقوز یوز لالی یا تمام طقوز یوز ییل اولوب مدت نبوت و خلافتی ایک یوز
 مسکنان ایک یا ایکوزاون ایک یا همان قرق ایک ییل ایدی والله اعلم (فصل در احوال اوش بن شیت)
 معتبرانده مذکوردر که قامت موزون حسنی حددن افزون ایدی بدینک یارختاری و مظهر علوم و اسرار
 اولغین انک برینه خلیفه روی زمین و مقتدای جمیع مؤمنین اولوب داغما اولاد قایل غز ایدردی * اوشک
 معنای سر باشجه صادق دیمکدر * تاریخ میر خوانده مورخ اوشک والده می انسان یاخود جن اید و کده
 اختلاف ایدوب * کتاب عرایسده اهل بیت رسول علیه السلامدن می وید که یونک والده می بر حوری قیزی
 ایدی که الله تعالی ائی شیت علیه السلام ایچون راغشدی * بعض معتبرانده اوشک خاتونی شریعت آدم
 اوزره همیره می نعمت بنت شیت ایدی دینوب * تاریخ کاملده اوش بن شیت علیه السلام التیوزش
 باشنده ایچکن غریب قنرا ترجه سنده یوزش باشنده ایکن وجوده کلشدر دینوب اوشک ذکر و توانندن
 اولادی و از ایدی مدت عمر اوش طقوز یوزاون ایک ییل طقوز یوز لالی یا طقوز یوز التمش ییل ایدی مدت
 خلافتی بعض قولنجبه اوئوزیدی * نظام التواریخ قولنجبه التیوز ییل ایدی (فصل در احوال صابی بن شیت
 علیه السلام) بعض معتبرانده مذکوردر که مصرده اهرام طاعلری دیدکاری عظیم بنالره اوچخیبنده
 مد فوندر صایبه دیمکده مسی اولان طائفه یونک نسلندن اولغین اول اسمله مشهور و مذکور ایدیلر بعض
 معتبرانده دخی مذکوردر که ادریش بیغمیرله اوغلی متوشک صابی آدلو بر اوغلی و ارایدیکه طائفه صایبه
 اکامشوب ایدیلر (فائده) نورانده حضرت شیت کد کور و ناندن اولادی و ارایدی دینوب * تاریخ
 میر خوانده مذکوردر که اکثر اولاد شیت جنت اوصافن اوقیوب ایشکین شیت حیاته خلدن عزت
 و مغاره رده و حجرالزده اقامت ایدوب ترک لذات دنیای فنا نهاد و انواع عبادانه می واجهت ایدر لر دی
 (فصل در احوال قینان بن اوش) وصیت ایل خلافت دنیایو کامقرو اولدی یا یابی طقسان باشنده ایکن

وجوده کلوب بونک دخی جوق اولادی اولوب اسمک معنای سرانجه مستولی دیکدر دیمشلمدت عری
 طقوز یوز اون ایکی باطقوز یوز یکریم باطقوز یوز آلتش ایکی باطقوز یوزیش یاسکز یوز قریل اولوب مدت
 خلافتی طقسان بش ییل ایدی (فصل در احوال مهلائیل بن قینان) اسمک معنای مدوح دیکدر بدردی
 یتش یاشنده ایکن طوغشدر بونک دخی ارکک و دیشی اولادی وارایدی بعضی طاقه عجم هوشک شاه
 دیکدکاری اشوم مهلائیل در دیوب هوشک احوالی جلد نایده ملوک عجمه بیان اولنور نیجه معتبرانده بونک
 زمانده بنی آدم غایت چوغالغین اطراف عالمه یا یلوب دیشاده اصل شهر و بنا اولماغین طاعلرده و مغاره لده
 ساکن اولور لردی کابیه مهلائیل اولادشیت علیه السلام ایلد ایلد ایلد و سوس شهر لرین بنایدوب زمانی
 اهله مسجدر یاق بیوردی دینوب **اسکن** * فوایح مسکیده حضرت شیت بیگ عدد شهر یاعشدر
 دیومد کوردی تاریخ کاملده معدنری دخی مهلائیل چقاردی دینوب **اسکن** * کاب الا وایله آلتون
 اجه ضرب ایتمک حضرت آدم ایجادیدردینوب بونقدیرجه ابتداعادن چقاردن آدم اولش اولور مدت
 عرم مهلائیل سکیز یوز طقسان بش یاسکز یوز طقسان طقوز باطقوز یوز یکریم الی باطقوز یوزون یاسکز یوز
 قریل اولوب مدت خلافتی هسان قریل ایدی (فصل در احوال بردین مهلائیل) بعضی حرف باه
 موحد ایلد بردینوب اسمک معنای ضابط دیکدر دیمشلمد بونک بدردی واجدادی حضرت آدمک
 حیاتنده طوغوب اما مهلائیل انک وفاتنده نکره بدردی یتش یا آلتش یتش یاشنده ایکن طوغشدر
 بونک دخی اولاد کوردی واثانی وارایدی اکل علم سئل و طوبورایتد بوندن صد واریتدی بونک زمانده خلق
 آریب اکثر نام بی خوف وهرام کفر ایلد استیناس ایدوب (نظم) صغردوزب بت پرست اولدیلر * شراب
 ضلالتله مست اولدیلر (نظم وراصنام) سبب یوایدیکه حضرت آدمک وود سواع بغوث یعوق نسر آدلو
 اوغلاری غایتله عابد و صالح وزاهد اولوب وفات ایلد کزنده بیله عبادت ایدن یار و مفیدلری حریز و نمکین
 اولاد قزنده شیطان لعین متوفاتک صورتلرین عبادخانه لری ایچنده آمدی تا که بواسطه کمال و صورت ایلد
 دفع اشکال غربت و کربت ایلد اول اول عابد لردخی وفات ایدوب اوغلاری فالد قده انسان صورتده شیطان
 کلوب بدردیلر **کز** اشو صورتله تعظیم واجلال ایدوب سجده ایدر لردی دیواضلال ایدوب هر طاقه بی
 بر صورتله طایدردی و یومکرا یله نقد ایمانی قایدردی و تفاسیرده سورة نوحده بوقصه نک اجمالی مذکورده
 مدت عمر بدطقوز یوز آلتش ایکی ییل ایدی بدیشی یوز یکریم یاشنده ایکن اوغلی ادریس پیغمبر علیه السلام
 آسمانه رفیع اولندی

(باب ثالث در احوال ادریس نبی علیه السلام)

ابن بردین مهلائیل بن شیت علیه السلام وفاتنده یکریم یاشنده ایدی اصلنده اسمی حنوح یونانجه ارمش
 یا ادمیس عربجه اخنوخ وهرمتی وادریس ایدوکی مقرر لکن جوق درس دیمکین ادریس دیدکاری قول
 مردود و غیر معتبر ایدوکی تفاسیرده محروردر هر مسک معنای عطار دد دیکدر دیمشلمد معتبرانده مذکوردرکه
 وفات آدمدن ایکوز یا **اسکیز** یوز آلتش یاشنده نبی مرسل اولوب فضل رب العزة الیه نبوت و حکمت
 و خلافت جمع ایتمکین بونکره مثلث بالنعمه دیرلر * خلقی اوج قسم ایدوب بری ملوک و امرای بری کمان و علما
 بری عوام و رعایا اولتی اوزره ترتیب ایدوب آیین سلطنت و ریاست یاشنده ابتدا ایدیر ایدن حضرت ادریس
 خیردره تاریخ الحکامده خلقی یتش ایکی اغت ایلد دعوت ایدوب یوز شهرنا ایتشدرکه غایت کوچکی دیار یکر
 قزنده رهاتمیریدر * هر اقلیم اهله اول ولایت حالته مناسب عادت و وضع ایدوب جله اهل دنیا کندویه
 مطیع اولغین دوت کسینه به دینانک ربع مسکون حکومتن ویرشدیکه بری ایلاوس بری اوغلی لاوس بری
 اسقلینوس بری امون ایدی * معتبرانده مذکوردرکه حضرت ادریس علیه السلامه او نور صغینه نازل
 اولوب شریعتلری آدم شریعتنه موافق ایدی * قبله لری خط نصف النهار و استندن جهت جنوب اولوب
 استلری عدل و تقوی و غز او معین نمازل و زکوة و هر آید بر فاجکون سوم و جنتاب و حیض و مس موی
 سیریلر غسل و اوقات معینه ده بر فاج بیرام ایدوب کوش هر بر بدن بر رجه حلول ایلد کده و هر یکی ای
 کورد کده و سبعة سیاره نک هر بری بر برج شرفه وارد قده قربان یوز غزلق ایلد ما مور اولوب علم خنبر

واشیر و حارر کلب و انواع مسکرات و مضرات دماغ و مخدرات بدن اکمل و شرشدن و بعض امور دذیل
 نامطبوعدن ممنوع اولمشدی * مجزولری علم رمل اولوب هیئت و نجوم و حساب و طب و سایر نباتات و نیجه
 علوم عجیبه و صنایع غریبه خصوصاً کایات و خیاطت وکیل و میزان جله بونلردن ظاهر و نمایان اولمشدر صحت
 شریقه لری اسرار معنویه و تفسیر روحانیات و علوم عجیبه و طبایع موجودات و انواع غریابی جامع ایدی
 علم خواص سروده بر کاب تألیف ایدوب حکیم ارسططالیس و نیجه علما اکثر حایر از مشلردی دخی نیجه
 کابیر تألیف ایدوب بجهش کردی وارایدی زمانده یوز سکسان شهرنا اولمشدر که اصغری و هاشمیریدر *
 سابقا جله خلق در یلر کیر لرایدی بعض نشانه لردن لباس دیکوب کیمک بونکره ایجادیدر مولد و مسکنلری
 ولایت مصرده منف شهری ایدی دین مسکونی کزوب کوروب یتش مصره کششدر * بعض معتبرانده
 مذکوردرکه متبع و استاد علوم حکمیبه و نظریه اولوب بونکره او نور صغینه و علم نجوم نازل اولمشدی عدد
 سنین و حسابی خلقه تفهیم و جمیع لسانلری تعالیم ایدوب زمانده یتش ایکی دیل سویلوردی * بونکره دخی
 استادی اهل مصر و یونانه نبی مرسل اولوب یتش مصرده اولان غازیون یا خود غونادیون یا خود
 در اغضادیون پیغمبر اولوب همناسی نیک بخت دیکدر * بعضی غونادیون شیت پیغمبر دزدیمشلمد حضرت
 ادریس پیغمبر زمانی خلقه جله کله جک پیغمبر لردن و ظهور طوفانندن خبر و یروب خاتم الانبیاء محمد مصطفی
 صلی الله علیه و سلم حضرت نکرینک اوصاف شریقه سن بیان ایتشدی * مریدرکه ادریس علیه السلام کندم
 کون تمام قامت خوب صورت خوش سیرت متناسب الاعضاء قیاسه قالا و یاصی یا غرنو ایری کو کلو آزانلو
 قدرندن سورمه لو کوزلو **ککیر** الکوت دائم الفکر اولوب سوز سوزیلدیکه تدبیر جله سویلوب و اکثر یا
 شهادت یار معنی تخمیریک ایدردی ابتدا هیکار یا یوب ایچنده عبادت خدا ایدن و تصاید و اشعار تألیف
 و پیدا ایدن بونکره خلقی نظم و طوفانله قورقدوب مصرده اهرام طاعلرین یا یوب ایچنده جمیع علوم و صنایع
 و آلاتی تصور یایتدیکه طوفانده اسم و رسملری ضایع اولیده دیوب * کاب الا وایله مذکوردرکه مصرده اهرام
 نام انبیاء غریابت انسا که کمال متانت و عظمتده اعجوبه جمیع عالمدر بونکره یا یوب ایچنده صفات عجایب علوم
 و آلات غریاب رسوم و نیجه صنایع بدایع اشکالین مصور و مرقوم ایدوب آخر زمانه دلکله جک خلقی
 کوروب تعلیم و استفاده ایتلرین اراده ایتشدی * معتبرانده مذکوردرکه اولاد قایل هدایت مملوب
 ضلالت اسلوب ترل طاعت خدا بلکه بت پرست و اهل زنا اولوب انواع قباچه بی اجتناب از تکاب ایدر اولغین
 انلری امر حقه دیشه دعوت و قبول ایتمیان اهالی ضلال ایلد دائما قشاه مبارزت ایدوب کیمکی اسیر کیمکی
 طعمه شیر شمشیر ایدردی آلات حرب دوزب چنک ایتک بونکره ایجادیدر لکن قلی ایلد ایتک ایلدن شیت
 پیغمبر ایدوکی یوز فاروده یکم شدر * فوایح مسکیده (طبق ادریس وجه الارض بالذرة) دیوب لکن مجموع
 اهل دنیایی امر حقه دیشه دعوت ایتک حضرت محمد المصطفی به مخصوص ایدوکی مقرر اولغین * مکرکه
 سیاحتده اوغرا دینی ولایت خلقی مجر دکنده دوت ایتدی دیک مراد اوله یتش فوایحه جبرائیل علیه
 السلام برکون بونکره انسان صورتده کلوب کندوی بلدر میوب خالاجبرائیل کوکده میدر برده میدر
 دید کده برده در دیدی قنقی طرفده در دیوب جنوب طرفده در دیدی قنقی شهرده در دید کده بزم
 شهر مزده در دیوب قنقی اوده در دیوب یواوده در بونده ایسه سنگه بدن غیری کسینه یوقدرامدی جبرائیل
 سفین دید **ککده** نم بانی الله جبرائیل بنم دیوب حضرت ادریسک و وفاتندن بر قیضه کابیر کلوب دریاه
 یراقدی دیومد کوردی اکر بور وایت صحیح ایسه دریاه آتدیفنک سبی غالب ایچنده اولان نیجه اسرار خفیه نک
 خلقی آواسته ظهور و شیوعنه رضاه الله تعلق ایتدیکچون اوله والا وانی عالم ربانی خصوصاً نبی جناب
 رحمانی اولغین ایچنده شرعه مخالف نشانه اولدیقی هراهل خیرت و اتقاء قاتنده حیای شک و اشتباه دکلدر
 * مریدرکه حضرت ادریس طاعت انیس هر کون ایکی یل کره حضرت رب العززه تسبیح و تقدیس ایتدیک
 کندویه ورد نفیس ایدوب ملکرله بر یوزنده مؤانست و معیت اله عبادت ایدر لردی اکثر زمانده
 آسمانه جیقوب عجایب عالم ملکوتی و غریب احوال جبروتی اولدینی صبی صاحب مجاهده مشاهده ایدردی
 * فوایح مسکیده فلک زحل جیقوب او نور ییل بیله سیر ایدوب جمیع احوال افلاک مطلع اولد قند نکره

بروز به اندکده علم تجوی خلقه تعلیم آید دیومند کوردر مذکور بیانی تفصیل عظیمه محتاج اولوب
اجالی معلوم جهنم اولان هاروت وماروت اولواکی ملک الیه زهره شاقونک حکایتی تواریخده ادریس
علیه السلام زمانده اولدی دینوب لکن اکثر تفاسیرده روایت یهود دردیومند در (رفع یا سمان) تفسیر
مداورک وایباده کعبدن میویدر که برکون ادریس علیه السلام حرارت شمدن انجنوب الهی حامل شمدن
الم حراری دفع الیه دیور حصاد ایدوب مذکور ملک خفت بولوب جناب حقه سین موروب بلد کده یاذن الله
تعالی ادریسله آخرت قرین انبی اولوب احسانا کلوب بولشور ردی برکون ادریس اکسنت عزرائیل
ایله کمال محبتک اولمغین دیار مکمل اجلی تاخیرا نمکه اکسنت اید سن تا که جمیع عمری عبادت کرده کورم دیوب
ملک تاخیرا جل مقدور ماسوی الله عزوجل دکاد بکنی باز میسن دیوب یلورم لکن هله سن بومرادی عزرائیل
عرض الیه دیکین ملک حقه مناجات اید کده ادریس عزرائیل یانه ایلت کند و می بالذات اعلام مرام یسون
دیوب و لغین دردیخی کوکه ایلنوب کونش یانده قویوب ککند و می واروب ای برادر بی آدمدن ادریس
ادلور و می واردر سندن رجالد مکمل اجلی تاخیرا یه سن دیوب اولدخی قادر دکام دیوب اجل دفتر نه
یادی سیمان الله اوکشی کیدر که کونش یانده وفاتی مقدرد دیوب احوال و اوصافن استکشاف ایدوب
بالتمام اعلام اولنبد قده واردوست کی یوقله غالب وفات ایتمش بولور سن زیر آمدت حیاتی غایت
آزما لشدردیمکین ملک عجله الیه واروب وفات ایتمش بولوب جمیع ملائکه سموات نمازین قیلوب دردیخی کوکه
بیت المامورده دفن ایدیلر مارج النبوه اشهر روایت حکایت اولنوب وهندخی تفصیل عظیمه
هر وی اولانک کمال اجالی بودر که ادریس عزرائیل الیه عقد اخوت ایدوب برکون اجازت رب العززه الیه
روحی اکافض ایدروب منه فی اسال جسمه اصال اولنبد قده عزرائیل الیه کوکه حقوب طبقات آسمانی
بعده درکات نیرانی صکره درجات جنانی بالتمام سیر ایدوب اوجقدن حقه قده عزرائیل الیه مفعلا بحث و نزاع
ایدوب آخر کار هر پروردگار حکمت کار الیه جنتده قرار ایددی احسانا جنتدن دردیخی یا التبی کوکه کلوب
ملا تکه کرام الیه عبادنه اهتمام ایدرلر دیوب فوایح مسکبه ده انبیادن درت کسنه حالایانده درلر
ایکبسی بر یوزنده خضر و الیاسد رایکبسی کوکده ادریس وهیسی دردیوب حضرت علیدن روایت اولنسان کلام
و هب قولنی من حج بلکه مصعب اولو تفاسیرده ایت شرف غایت (واذ کرفی الکتاب ادریس انه کان صدیقاً نبیا
ورفعناه مکانا علیا) آیتنده علماء اسلاف اختلاف ایدوب بعضی مکرمان عالیدن هر ادرب الهیاد جنتده دیوب
نیجه علماء احادیث معراج مقتضای نیجه دردیخی ویا التبی ویا یدینی سعادردیملر دیومند کوردر * کشفده
ادریس علیه السلام معایه رفع اولنجه بیک بیل باشه یوب بیک کسنه امانه کلوب اتی اولدیلر بلندی *
تاریخ المککاده سکسان ایکی به ضلرا و چیوز بکری بش به ضلرا و چیوز سکسان به ضلرد تیوز بش یاشنده
ایدی دیدیلر دیوب لکن عرفی به ترجمه اولنش تورانده اوچیوزالتش بش یاشنده ایدی و دخی پدیری پرداول
زمانده بشیوز بکری بیدی یاشنده اولوب بعده پرد تیوز او تیوز بش بیل دخی باشه دی دیومند کوردر و الله اعلم
(فصل در احوال متوشلخ بن ادریس علیه السلام) پدیری التمش بش یاشنده ایکن طوغشدر هر ویدر که
متوشلخ صلی اولادی جوغالوب یوز سکسان بیدی یا ایکی و بکری بیدی یاخود طغوز یوز یاشنه کیدر کده
اوغلی ملک طوغشدر که حضرت نوحک پدیردر فوایح مسکبه ده ابتدا و به بیک بوندن صادرا ولدی دیوب
* تاریخ کاملده ابتدا قبله بین بودر پدیری کی غزایه مشغول ایدی دیوب * مدت عمری طغوز یوز
التمش طغوز یا طغوز یوز التمش طغوز یا طغوز یوز یا بیک یوز طغسان یا طغوز یوز * کرمی بیدی بیل اولوب یونک
وفاتده اوغلونک اوغلی نوح علیه السلام التمش یاشنده ایدی دیمشدره عرفی تورانده حضرت ادریسک
متوشلخن غیری اولادی وار ایدی دیومند کوردر (فصل در احوال ملک بن متوشلخ) به ضلرا می لامک
به ضلرا لاخ دیمشدر هر ویدر که قوتلو و شجاعتلو اولوب اشقر یعنی صاروشن کسنه ایدی یوز سکسان
ایکی یا یوز سکسان بیدی یاشنده ایدی شمعنا بنت انوشی نکاحلنوب اندن نوح نبی علیه السلام وجوده
کلدی * معتبرانده مذکوردر که ملک صالح و مفلح کسنه اولوب چوق کافر امانه کنور مشدی دیناده ابتدا
قه را یوب ایچنده ساکن اولان بودر نوحدن غیری ارکک و دخی نیجه اولادی دخی واریدی مدت عمری

بدینور تشیدی یا طغوز یوزالتش بیل ایدی

باب رابع در احوال نوح نبی علیه السلام

ابن ملک بن متوشلخ شیخ الانبیا * قدوة الاصفیاء * ملاح سفینه هدايت * ونجات سباح بحار قوه میدفات
وصفات * سبب صلاح عالم * واسطه بقا نسل آدم * رابع انبیاء و مرسلین * واول اولوالعزم * کزین *
کوفه ده یا ولایت شامده بعلیک قرینده عین الود نام برده یادیار بکرده باهندستانده ساکن اولوب والده لری
شمعنا بنت انوش ایدی * هر ویدر که هیوط حضرت آدمدن بیک التیوز قرق ایکی بیل و دفع حضرت
ادریسدن یوزالتش بیل مکره طوغوب * ابن عباس قولنجه همان قرق نیجه لوقله لری نیجه در تیوز سکسان
یاد تیوزالتش بش بیل یا همان الی یا ایکی و زالی یا یوزالی یا اچیوزالی یاشنده نبی مرسل اولوب کند و لره
کوکدن کتاب مستقل نازل اولیوب صحف سابقه الیه عامل ایدیلر * حضرت شیت و ادریس شریعت آدم
اوزده اولوب لکن حضرت نوحه جناب * قدن شریعت آدم احکامک بعضی منی تاخیرا جمیع و احکام
کلوب شرع سابق نسخ ایدن انبیانک اولی بونلدر * حضرت جبریل امین وحی رب العالمین ایچون بونلره الی کره
نازل اولشدر * بشیوز یاشنده ایدکن سام آدلو مکره سام و یا فث آدلوا و اوج اوغلی طوغوب بشیوز
طغسان بش یا التیوز یاشنده یاخود وجوده کلدکدن همان قرق کون صکره پدیری ملک وفات ایدی
دینوب * هر ویدر که عربجه لقبی نبی الله و دخی شیخ الانبیاء سر باشجه بشکر یا عبد الغفار یا عبد الجبار اولوب
نوح نسیمه اولنبد قده درت وجه مفصل ذکر او انوب بری بودر که اوغلی کنعان طوغانده عرق اولور کن
نوح علیه السلام (ان ابنی من اهلی) دیومناجات لیدوب (انه لیس من اهلی) انه عمل غیر صالح فلا تسألن
مالیس لک به علمانی اعظمت ان تکون من الجاهلین) دیوجواب الهی کلده کده دعا ایدر بکنه نادام
اولوب اوچیوز بیل متصل اغلا یوب نوحه ایدر بکچوندر دیمشدر (دعوت و محنت) تاریخ کاملده آدم
و نوح علیه السلام اراننده اون قرن یعنی اون دور کیچوب جمله نک اهلی مؤمنین اولوب کترو ضلالت قوم
نوحده ظاهر اولدی دینوب * سائر کتیده مذکوردر که رفع ادریس ده صکره اولاد قایل معصومه ارشی
قایلایوب جمله دنیاده شعائر شرابع متعدم و اساس دین بالکلیه منهدم اولمغین امر حقه نوح کفار
اشرار بی فتوحی طغوز یوزالی بیل یا اکسنت یا یوز بکری بیل یا دخی آرتق متصل دین خدایه و راه هدایه سعی
و دقت الیه دعوت ایدوب کفار بخار یا دشا هاری اولان درمیل بن محویل بن لامک بن ضیح بن قایل بدتهاد
ایله عشا ایدوب بت پرستلک اوزده مصر و حضرت نوحک تیوتنه غیره قرا اولوب (لحرره) ناقص اولان کاملی
ناقص صانور * طبعی معوج عین قالی کچ اولور * مفهم و نیجه اول رسول صادق رهمنونه شاسته بنت جثون
ایدوب هر کون جسم نورانی رحلم بن کفره بی فتوح ضرب شدید الیه بی روح ایتمکه قریب مجروح ایدوب
هر کیجه جبرائیل علیه السلام قتاده صغایوب تمام شفا بولمغین ابرقی بنه دعوت و وعظ و نصیحت ایدردی
* تفاسیرده مذکوردر که کفار خا کسار عشا و استکار و حضرت نوحه جفا و اشراره اصرار اید کار ملک
او اشرنده قرق یا تمش بیل بمغور یا غیوب و کفره نک خانو نلری دخی اصلا حامل اولز اولوب بعده طوفان بیان
و عیان اولدی (احوال طوفان) هر ویدر که حضرت نوح طاعت مأنوس ایمان کفار منحوسدن مأنوس
اولد قده (رب لاتذر علی الارض من الکافرین دیارا) دیوترک مدارا و بددعا آشکارا اید کده
اثر اجابت دعا ظهور ایدوب بنیام سفینه الیه مأمور اولمغین * هندستانده بیتن ساحر اغا جندن همان ایکی
یا قرق یا او توز یا یوز یا ایکیوز یا سکسان یا در تیوز بیلده طولی بیک ایکیوز یا همان اوچیوز
یا التیوز آلتش یا بیک یا اوچیوزالتش یا همان * کسان ذراع * عرضی دخی التیوز یا همان الی
یا اوچیوز او توز یا بشیوز یا در تیوز ذراع * ارتفاعی دخی او توز یا التیوز یا اوچیوز او توز اوچ
ذراع بر سفینه حکمت دقتیه بی تعلیم جبرائیل الیه یا یوب ایچنده حضرت آدمک بدن لطیفی الیه تابوت شریعتن
و جمیع حیوانات پروردن بر رار کت و دینی قویوب من یورکی اوج طبقه ایدیکه اشاغیسه و حوش و سباع
و هوام اوزانسنده و اب و انعام اوستنه بی آدم کرام الیه مور حقیقه ضعیف اندام قویوب یاخود اشاغیده
و حوش و سباع قویوب طیور الیه انساندن بری اور تایه بری یوقارویه قویوب تابوت شریف آدم رجال الیه

اراسنه فاصله قوت شدی * تفاسیرده مؤمنین داخلین سفینه حضرت نوح و اوج اوغلی و اجاندن اونوزالی نقرار
 بر خاقونلرله جله سکسان کسینه ایدیلر * یا خود جله سکرن یا اون یا یکری یا تمش سکر شخص ایدیلر که هر صورتده
 نصی ارونصنی عورت ایدی دینوب * درت روایت دخی حکایت اولمشدر می ویدر که عاشر ماه رجیده فرمان
 رحمان ایله باران قیامت نشان عیان اولوب همان او کون مسلمانلر کی به کیروب فرق کون علی التوالی چشمه
 منالی بقمه ووریاغوب کی صوبوزینه قالدوب مانی وجهه الارض بالطول والعرض ازبانه فرق صوبه غرق
 اولوب اول آب دائم الاضطراب دنیا ده ارفع جمیع مواضع دن فرق یا اون بش ذراع مرتفع اولدی تواریخده
 روی زمینده اولان جمیع کافرین غرق اولوب ایچلرنده همان عوج بن عتی که نیجه ییلک ذراع قامتی اولوب طوفان
 طپوغنه چقمه شدی * کی یا عده حضرت نوحه معین اولغین غرقدن خلاص اولدی دینوب * لکن قرآنده
 (رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا) آیتک ظاهره نوحه مخالف کورینورده مر ویدر که اول سکینه
 روح اولان سفینه نوح بهر عمان طوفان اوستنده الی آی جله امصار و اقطاری کشت و کذا رایدوب عاشر ماه
 محرم الحرامده شهر موصله یادیا ربکرده یا شامده جودی نام بریشته اوستنده قرار و آرام یمکن اول
 روز بیروز ظفر انما عاشورا دیککه مسما اولوب حضرت نوح و سایر مسلمانلر حتی یله اولان حیوانلر شکر الله
 اول کونده صایم اولوب صوم یوم عاشورا اول نبی صاحب السعادت دن سنت و عادت قالدی * قتاده قولنج
 بش آی صوده * کزوب برآی جودی اوزرنده طوروب عاشوراده دریادن قره به جسد یلر ظهور طوفان
 وفات آدم دن بر روایتده هبوط آدم دن ایکی ییلک ایکی یوز قرق ایکی ییل صکره اولوب تورا عریده اوزمانده
 نوح علیه السلام التیوریا شده ایدی دینوب * ابن عباس قولنج طقوز یوز طهسان یا شده اولوب (ولقد
 ارسلنا نوحالی قومه فلبث فیه الف سنه الا خمین عاما فاخذهم الطوفان وهم ظالمون) آیتی ابن عباس
 قولنج دلیل قاطعده * مر ویدر که سفینه نوح جله دنیای کزوب هر اوغرا دینی شهر اوزرنده یو محل فلان شهرک
 بریدر بعد زمان بوراده فلان اولو شهر اولسه کرکدر یوقدرت حقله سولوب مکیه وارد قده کوکه چکیکلان
 کعبه نک برنی صواوزرنده بدی کره یا تمش کره طولاشوب طواف ایدی * کیفیت بنامه سفینه ده و سایر
 احوال نوح علیه السلامده توارخ مطوله ده غایت تفصیل اولوب حذراعن کمال الاطناب یو کاید جله سن
 ذکر ایسکدن اجتناب اولندی (بنافریه) مر ویدر که سفینه ده مکینه اولان سکسان نفر اصحاب سکینه طشره
 جقد قلزنده ابتدا برقریه یا ایدوب امینی مدینه الثمانین دیو تعیین ایدیلر * ابن عباسدن مر ویدر که اشبو
 سکسان کسینه نک هر بری کند و ایچون بر روایا غین اول قریه نک آدی سوق الثمانین دیووب بعده چو غالد قده
 ارض بابه واروب آنده شهر یا یوب مر ویزمانله یوز ییلک نفر اولوب جله سی مسلمان ایدیلر بعد زمان غمرو دن
 کوش بن کنعان بن حام ابن نوح نبی علیه السلام یونلر پادشاه اولد قده یونلری عبادت اصنامده دعوت
 ایدوب جله می اکامطیع و کافر اولدیلر * کتاب الوفا ده ابن عباسدن اولان روایت سفینه دن چقان سکسان
 کسینه طولی اون کونلک اولوب اون ایکی فرسخ اولان ارض بابله ساکن اولدیلر اول مکانه سوق الثمانین
 دیو آده ویدیلر * بعده یونلر چو غالوب مر ویزمانله غمرو دن کنعان بن حام پادشاه اولوب جله سی کافر اولد قلزنده
 دیلری مختلف و تمش ایکی لغت ییدا اولوب حق تعالی عری لسانی یونلرک ایچلرندن نودین سام اوغلری
 علین الیه طسمه عوض ابن ارم بن سام اوغلری عاد الیه عیله جائق بن ارم بن سام اوغلری ثمود الیه جلدیه
 عامر بن شالخ بن ارغشد ابن سام اوغلی قنطوره تفهیم ایدی دیو حکایت اولنوب * اختلاف السنه ظموری
 یو کایک جلد نایدی آخرنده تفصیل اولنور (امور متفرقه که حضرت نوحه متعلقه در) مر ویدر که کندی
 کون وغایه جسیم وعر یض ویری کوزلر یلند قامت اوزون صفالو وولری وبالدری ایجه شدید الفضب
 مع ذلک کرم و صبور و حول و شکور و عابد و زاهد و مجاهد و مجذوب اولوب کیجه و کوند زیدیه یوزر کعتدن
 زیاده غماز قیلدی * کشفاده (ذریه من حملنا مع نوح انه کان عبدا شکورا) آیتنده مر ویدر که نوح علیه
 السلام طمامدیکه (الحمد لله الذی اطعمنی ولولشاء اجاتنی) دیکه صوا یچد کده (الحمد لله الذی سقانی ولولشاء
 اطمانی) دیکه قناتن کیده کده (الحمد لله الذی کسانی ولولشاء اعرانی) دیکه بشماق کیده کده (الحمد لله الذی
 حذانی ولولشاء احفانی) دیکه قضاء حاجت اید کده (الحمد لله الذی اخرجنی اذاه ولولشاء احببه) دیکه معناد

اولوب * بهضار دینلر که افطارا ییلک دینلده کده طعمانی مؤمنلر عرض ایدوب محتاج ایسه لار انلر ویزوب
 کندومی چوعه صبر ایدردی * بعض معتبرانده ییلک در یوز ییل عری قاره چولدن چادر ایچنده کوروب
 یارمول الله نیبون کرچیدن او یا یوز سن دید کار نیجه بن یابون وفات ایدوب ایکی ییلک ایدوب جکم دیو جواب ویزدی
 اکثر معتبرانده مذکوردر که کیده اولان نوحه اولادندن غیر یلری طاعوندن وفات ایدوب نسلاری دخی
 منقرض اولوب بعده قیامتده دلج جمیع طوائف وام عالم (وجعلنا ذریه هم الباقین) آیتی مسم و منجه سام و حام
 ویاقت نسلندن ایدوکی متفق و مسلم اولغین حضرت نوحه آدم نانی دیرلر * مر ویدر که نوح علیه السلام
 خواص حروفده برکات تالیف ایدوب کونی اون ایکی ساعت تقسیم انک ایچا دیزو بر ایدوب هوانک ظلمتدن
 کونی کیجه دن فرق اولغامه بن غار و قتلرین بلک ایچون ایچشدر * معارج النبوه ده دعاه نوحه کی به شمس
 رقر برینه جنتدن ایکی جوهر کلوب بر ییلک نوری آرقنه باشلامق صباح علامتی اوبرنلک نوری آرقنه
 باشلامق کیجه علامتی اولوب اوقات صلواتی آنکه ییلورلری دینوب * روضه الاحبابده ابن عباسدن
 مر ویدر که کینک ایکی گوشه سنده حق تعالی ایکی یو یو یو بر ایشندیکه بر ییلک نوری شمس بری قریکی اولوب
 لیل و نهار و اوقات صلوات انلرک کاتدن ییلنوردی * بعض معتبرانده مذکوردر که حضرت نوحه ایدوب
 ایمان کتورن عوره خانوقی نکا حلتوب اندن سام و حام و یام اولو اوغلاری اولوب حصوره نصوره محبوره نام
 قیزلی دخی اولوب بعده رجال و نسا دن اهل یتلری اولان شمس کسینه بعدهم والعه خاتون ایچانه کلوب
 والعه بی دخی نکا حلتوب اندن یافت و کتیه ان اولو اوغلاری اولوب بعدهم والعه منافقه و مر تده اولوب کفار ایدوب
 غرق اولدی (مجهزات) مر ویدر که سفینه عام اولد قده کافر لانی آتشله یا قفه چالشوب عاجز اولد قلزنده
 (لا اله الا الله الا اولین والاخرین) بن شول سفینه یم کیم بکا کیرن قورنلوب کیرین هلال اولوب بکا کیرن
 الا اهل اخلاص کیرد دیو قدرت و حکمت حقله ندا ایدوب * نوح علیه السلام کفارنه دیر سز شدی بکا
 ایمان کتورن و میسر دیند کده کفار اشرار کی بی یا قفه اطراف قده عظیم آتشلر یا قوب املا تا ثیر اید کده
 حیران اولوب نیجه هذیان سولیدیلر * بعده نوح علیه السلام ججه کیدوب سفینه امر حقله هواده معانی
 طوروب جحدن کلد * کده بر یوز ییلک نوب طوفان غایان اولدی * مر ویدر که سفینه دن جقد قلزنده
 مسلمانلر آج اولوب ییلک دخی قالد قده نوح علیه السلام بر دن بر مقدار قوم اولوب دعا ایدوب خلقه ووردی
 قدرت حقله بشمش بقدا ای اولغین ییدیلر * دخی سابقا کی به قود قاری بعض میوه اغاچلرینی بره دیکوب
 فی الحمال بیرا قلوب میوه لری ظمورا ایدی ذکر اولنا نلر دن غیری دخی نیجه میوه لری ظمور ایدوب کفیت
 دعوت کفار و سفینه عجیبه الاثاره وکی به انسان و حیوانی قویارکن وکی ایچنده ایکن ظمور ایدن اطوار
 واحواله متعلق اولان حکایات و روایات حددن بیرون تفصیله موقوف اولغین عنان قلم و جزرقم است
 اختصاره مصروف و معطوف قیلندی (مصراع) مثلد عارفه نکفی الاشارة (وفات نوح علیه السلام)
 ظمور طوفان دن ابن عباس قولنج همان الشمس اقوال مختلفه اوزره اوچ یوزالی یا ایکی یوزالی یا همان
 الی یا اوچ یوز یا التیوز ییل یکد کده یا خود همان طوفان دن ییچا نلری ییلنده (نظم) دار عقبه باغلیوب
 محل * جنت عدن ایلدی منزل (نثر) من ارشتر یلری قوسده یا شام ترنده کرلک نوح قصه سنده در دینوب *
 لکن فوا یح مسکیده قبر نوح و هو دوصالح و شعیب مکده زمزم الیه مقام ارا سنده در دیو بر حدیث شریف
 مذکوردر * مدت عمر شتر یلری دخی ابن عباس قولنج ییلک الی اقوال مختلفه اوزره طقوز یوزالی یا ییلک
 اوچ یوز یا ییلک در تیوزالی یا ییلک در تیوز یا ییلک ییوز بکری یا ییلک در تیوز قرق یا ییلک ییوز
 یا ییلک بشیوز یا ییلک التیوزالی یا تمام ییلک ایدی (نثر) اگر هر انسان بود صد هزاره شود عاقبت
 زیر خاکش قرار (فصل در احوال سام بن نوح علیه السلام) بعض یلریندی بشیوزا شده ایکن
 طوغدی دیوب بعضلر ظمور طوفان دن طقسان سکرن باقر سکرن ییل مقدم طوغدی دیشلر * مر ویدر که
 عقل و فضل و صلاحده برادرلر دن زیاده اولوب بدرنک جمیع اسرار و منبع انواری اولغین انک برینه خلیفه
 اهل اسلام اولوب خیر دعاسن دخی آلمغین جمیع انبیاء و اشراف اصناف انام و قبائل روم و عجم و عرب هب یونک
 نسلندن کشاردر * حضرت نوح اکبر و ابرار اولدی اولوب بعض یلر ایدوب نکره طوغوب لکن اندن

اعقل واکل اولعین خلافت بو کتیمین اولندی دینار مریدر که نوح علیه السلام کیدن جیده قد نصکره
ربع مسکونی اولادنه تقسیم ایدوب عمالک صفایه وشرق وچین و ترکستان بافته بلاد زنج و حبش و مغرب
وسند و هندستانی سامه ویزوب دنیاسک اورنای اولغین افضل واعدل عمالک اولان بن و حجاز و شام
و دیار بکر و عراق و فارس و خراسانی سامه ویردی بعض معتبرانده سام کجاریانیه من سلیندن ایدی دینوب
تقسیم ایدوب که بلاحیار سام قدرندن سخلو طوغان اون اوج نفر ایدادن ایدی دیش دینوب و اشوب و مغیر
کجاریانیه کی اشاغیده جمیع انبیایه متعلق اولان احوال مشترک باینده بیان اولنور * تاریخ قدسده منام سامی
مکان برپادشاه بنام و شه نشاء دوی الاحترام ایدیکه ارض قدس قدیدن خالیه ایکن شهر ساسیه معموره ایدوب
غایت صالح اولغین اطرافنده اون انکی پادشاه مشهوره فرمان فرما اولوب صادق و محقق اولغین عبرانیجه
ملکی صادق دیکه مسیحی ایدی دیومذ کوردور (اولاد سام) نیجه معتبرانده مذکوردر که طقوز اولادی
وارایدی ۱ ارغندید و انیسایوطا قهریکه طوقانند التیش ییل مکره طوغشدر بعضی طاقه عجم
هوشنگ شاه دیدکاری بودردیشلر ۲ کیومرث پدر ملوک ۳ ارم پدر قوم عاد و نود ۴ اسود ۵
نورج باخود ایرج باخود بورخ ۶ لادیدر طاقه عمالقه ۷ عیلم باخود عالم باخود عویل ۸ بود ۹
سوس که عجمده تشرینک صارین یا یوب بعد الطوقان دیناده اول بنا بودردیشلر * قاموسده سامک
لاودین لادقوج آدلو اوغلاری اولوب و طاقه بنی کنعان دیدکاری کنعان بن سام بن نوح علیه السلام نسلیدر
دینوب براوغلی دخی مذکوردر * تاریخ ابن شحنه ده فارس وعلیق برادر لری اولوب از دین سام نسلندن
ایدیلردیومذ کوردور بر طاقه دخی طاقه عجم فارس بن ارم بن سام نسلندن طاقه علقه علق بن لاودین سام
نسلندند * تقاسیمده عمالقه علق بن سام نسلندند دینوب * بعض کتیده قوم عاد دیدکاری عاد بن ارم بن
شالخ بن ارغندین سام نسلندند دیومذ کوردور * تاریخ میرخوانده سام طقوز اولادک هر برینی بر طاقه
کوندردی بعض توایمده اون طقوزدر اولغت نظم ورایدوب بری برلرینک دیلرینی آکلاما مغین هر بری
بر طاقه کیدوب بنا و زراعته چالشدیلر و جله سام اولادنه کیومرث پادشاه اولوب آیین و قوانین وضع ایدی
یابل وین و حضرموت و عمان و عراق عرب و عراق عجم و فارس و لایقنده سامک اولادی چو غالدقه کیمی
شرق کیمی غربه طاغلوب یافت و حام اولاد لیه فارسوب کویر شهر را دیدیلر دیومذ کوردور (فانده)
تاریخ مختصر جامعده کمال تفصیلله مذکوردر که نوح علیه السلام وفاتندن نیجه زمان مکره موصل و بابل
ولایتلرند * حضرت نوح اولادک نسلی چو غالوب جله سنک دیلری سرانی ایکن حکمت حقه بر کیمه قلیلرینه
و دیلرینه اختلاف دوشوب ایرتسی بری برلرینک سوزلرین آکلامیوب هر طاقه بشقه برافت سویلکین
بربرده طوره میوب بایادن چیقوب اطراف عالمه طاغلوب کویر شهر را یوب کندی و اسیریه مشهور اولدی *
ایتد یافت ابن نوح اولادی مشرقه بعد هم حام اولادی مغربه کیدوب سام بن نوح کندی اولادیه یا بلده
قالوب مال و جمال اصحابی اولادی واریدیکه سن و عقل و کماله افضل لری عالم بن سام ایدی * براوغلی دخی
نضر ایدیکه علقه جله دن زیاده مجد ایدی * براوغلی دخی اسود ایدیکه جله دن عزرائلین ایدی بوجله نک
وافر اولادی واریدیکه جله دن عراق بن عالم کرمان بن ایرج بن سام خراسان بن عالم فارس بن اسود و روم
بن اسود ارم بن یورج بن سام هبط بن عالم ایدی که اشوب نسل سام دخی حالنسلاری اولدینی برله طاغلوب
یا بلده همان ارغندین سام نسل باقی قالدی * اما ارم بن سام اولادی اختلاف السنه ظهورنده حساب
حقندن قوت و جناعت و لسان عربی الیه مشرف اولغین سائر نامی احتقار ایدوب یدی تقر برادر ایدیلر
۱. عاد ایدیکه جله دن عظیم و قوتلوایدی ۲ نود ۳ حصار ۴ طسم ۵ جدیس ۶ حاسم
۷ اوبار ایدی اشوب نر کندولره شدید بن علق بن عاد و انک برادر لری شدادی پادشاه ایتدیله اختلاف
السنه ظم ورنده بایادن ایتدا کوچوب کیدن عاد بن ارمدر که کندونک مال و منال و اولاد و نسل و اهل
و عیال لیه مشرق طاقه توجیه ایتد کده (با عاخذ عینة) یعنی صاغ طرفه کیت دیوها تفنندن ایتد کده
عینه و اوب اولادیه انکی ایچون بن دیدیلر * بعده اولادی اودیارده پراکنده ایدوب انده ساکن اولدیلر *
عاد نصکره نود دخی اموال و اولاد و عیال لیه کوچوب شام و حجاز اراسته قرار ایدوب اول برلر صوفی

و انجا جاری واریدیکه طسم دخی اووچم له کوچوب بصره ایدند اراسته عمان و بحرین منته
واروب اولنور و لو واسع ملک اولغین قرار ایدوب اولادی انده پراکنده ایدی * بعده جدیس دخی اووچم له
کوچوب بن قریبده تمامه ولایتنه واروب خاک خوب صوفی بن واسع مملکت اولغین قرار ایدوب بعض
اولادی هجر و لایقنده کوندروب انده ساکن اولدی * بعده حصار دخی اووچم له کوچوب عاد کتیدی
یوله کیدوب مکه شری اطرافنده تمامه و حجاز ولایتنه واروب ساکن اولدی اولادی طاقه الیه جبال طی
اراسته پراکنده ایدی * بعده جله برادر لرن خوب صورت اولان حاسم دخی اووچم له جیده قوب
حصار کتیدی که بره کیدوب تمامه و حجازده یله ساکن اولوب حصارک اولادی حرم دن سفوان حدنه دل پراکنده
اولدیلر * بعده جله برادر لرن یاشده کوچک اولان اوبار دخی اووچم له کوچوب رل عالمه اراسته
بحر قزم کازنه واروب قرار ایدی * اشوب کراولان قباقل عربک جله سی حضرت رسول علیه السلام
زمانندن مقدم منقرض اولاندر (فصل در احوال یافت بن نوح نبی علیه السلام) معتبرانده مذکوردر که
ترک و خزر و صفایه و باجوج و باجوج و یونان طاقه لری بعضیله طاقه بربر و اهل ولایت چین و اهل
ولایت ماوراء النهر دخی هب یونک نسلندند بر یونک جله سی که اراشرار اولوب بعضی صفه بعضی شمس
بعضی قره بعضی بنجومه بعضی شجره طابا لر دی * بعض توایمده طاقه عجم برروایتده یافت نسلندن ایدی
دینوب * بعض معتبرانده مذکوردر که یاشک ترک و خزر و قلاب روس منک چین کیمال یارج
آدلو سکنر نوراوغلی برروایتده خلج سده سان غز آدلو اوج نوراوغلی دخی واریدیکه کندی و وفات ایتد کده
یونک اوغلی ترک قائم مقام اولوب حقدن و سازدن آولریا یوب بعده فارسجه اسمی خوجکاه و ترکیجه دریم
ای اولان کیمه دن اولر و چادرلر احداث ایدی حیوانات دریم نندن جامه و کلاه دخی ترکان ایجاد ایدوب
ملوک ترک و ترکانک ایتداسی بودر بافتک مدت عمری بشیووالی ییل اولوب عاقبت دریا به غرق اولدی *
تاریخ مختصر جامعده اولاد نوح علیه السلام عالمه طاغلقده بایادن ایتدا کوچوب کیدن ترک نیز صفایه
تاریس منک کاری چین آدلویدی تقر یافت اوغلاری ایدیلر که شرق طرفه کیدوب بلاد شماله دیک یا یوب
هر فرقه شدی اولاد لری ایچنده مشهور اولان دیلی سویلر لری دینوب * تاریخ میرخوانده غات تفصیل
ایله مذکوردر که بعضیله دیکه یافت انیسایوطا سلیندن ایدی وری نوح علیه السلام انی جانب شماله
کوندرد کده بافتک رجاسیه اسماء اللهم بن برنی بافته تعلیم ایدوب اول اسمی طاش اوزرینه قازوب و بر دیکه
بغم ورم ادا ایتد کده اول اسمی باد اید اول طاشه * بر یا نیجه حصار ایدیلر دی * به دزمان یافت اولادی
دیار شامده چو غالدقه کندی و وفات ایدوب چین و قلاب منسج کاری ترک خلج خزر روس سده سان غز یارج
آدلو و ان برنقراوغلی قالوب یافت یونلر کندی و افر بارندن بر خاقون آلی و روم نعمیر بلاد ایکنه وصیت
ایلدی یونلر جله سندن عقل و اشد و انج و اشد اولان ترک که اکیافت اوغلان دخی دیر لری او و ایدیه
سیر ایدرکن بر مختصر دیر و اقر صو روم غز ایدوب بکنوب اتساع ایدیه آغا جندن و سازدن اولریا یوب
قرار ایدوب بعده ترکاه دیدکاری قیلدن کوچک چادر و دوزوب حیوانات دریم نندن فغان و طاقه دیکوب
حسن تدبیر و عدالت اوزره پادشاهلق سوروب عاقل و کامل اوغلاری وجوده کادی برلرینک ایدی فودک
ایدیکه شکاره مایل اولوب برکون برلقه کباب لندن دوشوب اول بر طوزلواوغین فودک اول لقمه دن
حظ ایدوب طعامه طوز قوه فی ایجاد ایدی اصلده ترک یونک درینده دیرلر مریدر که خزر دخی بعد الیه یا حه
طرف شماله دیبای اتل کازنه کاوب اوستی بکنوب برشم ریایوب اولادی تاسکی شکارا تاسکی ایجاد
ایدوب خزر تعلیمی الیه تلکی دریم نندن لباس ید ایدیلر خزر آخر عمر نده وفات ایتد کده وصیت دفن ایکن
احوالن بلد کارندن محیر اولوب پدری یافت صوبه غرق اولغین آتش صولک ضدی دیو آتش باقوب قومنی
جمع ایدوب ساز و طنب و رچالوب میتی آکته آتدیلر و عادت قبیحه بلاد شماله الی الا باقی و چاریدر خزرک
اولادی بال آروزلر بن مقارنه زده و افر بال آتش کوروب بالی آتدی دنیاده ایتدا احوالی یونلر ایدیلر *
مریدر که روس دخی خزرک بلادی اطرافنه کاوب ایچنی کوندروب ایدیه ساکن اولدیه طاقه و خزر اجازت
و روم آب و هوای خوب بر جزیره تعیین ایکن روس توایمده ایدیه ساکن اولدی * هر ویدر که غز دخی

سرحد ولایت بلغار وادی بنالیابوب ساکن اولدی یا نث غرق اولدقد سابعه ان کراواتان حجر المطر غزل
 الله کیروب برادر لری ایستد کارنده کاکیز بر طاش بولوب اسم شریفی قازوب حجر المطر بودردیدی برادر لری
 حیلله فی طویمبوب جری آلفه قرعه آتدی لرتک آدینه چقمقین آلوب بعدد امتحان آید کده اثری ظهور
 ایتمبوب حیلله اولدی غنی بولوب غزایله غزایه عظیم عسکر چکوب غز دخی اوغلی بیغوری ساترا اولادندن کیر
 ود لیر اولقین عسکر کثیر الیه کوندروب بیغور چکنده قتل اولانوب ترک وطنه کندی ترک ایله غز اولادی
 اراستنده الی الا آن عداوت باقیه دور دیشلر هر ویدر که مقلاب اولاد واتیای چوغالدقد برادر لری
 روس ولایتنه واروب قوطنه بر ایستدی اولدی بزم بریز تنگد در دخی وفای یزدید کده مقلاب
 برادر لری کازی ایله خزر واروب انلردن دخی مسکن ایستدی ویرمگرنده اراستنده جنگ اولوب مقلاب
 منوب اقلیم سابع آردنده قیشی محکم بریره دوشوب زبر زمینه اولریابوب ساکن اولدی بلر هر ویدر که
 کازی مر دیماس ومانل شکار اولوب ولایت بلغار حد وندده خوب واروب جای صفایوبوب انده قوطن
 ایستدی بلغار بر طانوس آدلوا یکی اوغلی اولوب بعد زمان هرری بریر بکنوب شلندوب تلکی وچور
 وفاق و سحاب در یلندن قفانلر بکوب کوب حال اولدیار خلق انلر شلنددر هر ویدر که یا فک بول
 اوغلی چین عاقل و کامل اولقین بونکچون بدری دیار چینده بر شهر یابوب آدی چین قویوب عاقل و ذکی
 اولقین قاشاق صنعتی ورنکار نک جامه لوطویوب کیمکی دیار چینده مشهور اولان صنایعک اکثری
 بواجیاد اولادینه تعلیم ایستدی * چینک ماجین آدلور اوغلی اولوب بعد زمان ماجینک اولادی غایت
 چوغالوب دیار چینده بر شهر یابوب آدی ماجین قودی اولادیه آندده ساکن اولوب نسلی غایت چوغالدی
 بعده قیون بونکی بولوب طوقیوب قفان ایستدی اولادینه دخی تعلیم ایستدی آهوی مسکی شکارده طوقوب
 نافه منده خوب رایحه کورمکین راست کادیکه طوقوب نافه سن آلوب مسکن نه ایدوکی ابتدا وزمانده یلندی
 (فانده) هر ویدر که من وزمانه اولادیاث بن نوح علیه السلام حد دن بیرون وعددن افزون اولوب بری
 برلرینه مختلط و مختج و مر تبط اولغله لغت لری دخی قارشوب ایچلرنده اونوز اوج درلودیل سوریلنوب بر فرقه نک
 دیلی بیری دخی باز اولدی ایچلرندن هر طاقه دیانک جانب شمالی سنده یابوب بعضی شهر لریابوب بعضی
 صحرانین کیمی قونار کوسر اولوب حال دیساده موجود اولان مغول و تاتار و قبیاق و ساترا اصناف انراک
 و جمیع اهل دیار ترکستان و چین ماجین یافت شلنددر هر حوم میرخواند طغرنامه آدلو کابده اولادیاث
 احوالی بونفصلانه مخالف اولوب اکن اوکاب منظوم اولماقین اندن نشسته نقل ایدده مدم دیش والله اعلم
 (فصل در احوال حام بن نوح بنی علیه السلام) نیچه معتبر انده مذکور در که اولاق بکزلو کوزل بوزلو کسنه
 ایکن حضرت نوحه کی ایچنده اوپور کن کشف عورت واقع اولد قجه حام ارغیوب شحک ایدوب نوح علیه
 السلام اوپاندقد یا خود کی ایچنده هیچ براو کاندیشی سیله جماع ایتمسون دینوی اولمشکن حام جماع ایدوب
 نوح علیه السلام بددعا آید کده یوزی قاره اولدی هندی سند حبش نوبه زنج کنعان بریر قبط فرنگ
 طائفه لری حام شلنددر هر هر ویدر که طغر ز اولادی واریادی اسماری بودر ۱ هند ۲ سند ۳ زنج ۴
 نوبه ۵ کنعان ۶ کوش ۷ قبط ۸ بربر ۹ حبش ۱۰ لایبوس لایله سی اولان دیار زده بونلرک
 نسل لری قرار ایتمکین مواضع من نوبه بونلرک اسماریه مشهور اولدی و زنج نوبه و حبش دن غیر لری غالباً حام
 یوزی آتی ایکن طوغت لردر تاریخ مختصر جامعده مذکور در که دیار یلندن اولاد یافت کوچد کدر نهمکره
 اولاد حام دخی کوچوب یدی کسنه اید بلریش نفرینک اسماریه کسنه هند حبش قبط زنج ایدی مشرق دن
 مغربه صاغ طرف لریه کیدوب حال اسماری اولدی و لایتره واروب ساکن اولدی لری سدی ایچلرنده سولتن
 دیلر الیه سولتور لری * تاریخ ابن کعبه ده طاقه بنی کنعان کنعان بن ماریع بن حام شلنددر طاقه
 فرنگ و قبط قوطن بن حام شلنددر دینوب * بعضی کتیده نمرودا کبر آدلور اوغلی دخی ذکرا انوب بعضی
 نمرودا کبر حاکم کوش آدلور اوغلی اوغلی در دیشلر * تاریخ میرخوانده بعضی تواریخده انبیا و مرسلیندن
 ایدی دینوب بعضی علما نک نوح علیه السلام کی ایچنده جماع دن نوبی ایدوب حام مخالفت آید کده جله جسمی
 سیاه اولدی دیدوکنی خصوصاً حضرت نوحه کشف عورت واقع اولدقد حام اورتیوب شحک ایستد کیچون

قاره اولدی دیدوکنی بعضی مورخین قول ضعیفه در دیشلر علی کل حال حام منزل نوح علیه السلام دن
 ایدوب جنوب طرفه بحر محیط کارنده مقیم اولوب اولادی اراستنده اون سکن در لولفت چناب اولدی شلند
 هر طاقه بونی سولیبوب هر وزمانه بری برلر نک دیلر بن کلا ممقین طاعلوب هر قرعه بریر شهر یابوب
 مستغیلا ساکن اولدی * حامک مدت عمری بشیونیش بیل ایدی دیومذ کوردر * تقاسیرده حام بن نوحی
 عیسی پیغمبر علیه السلام سفینه نوحی سور میچون بنی اسرائیل رجایله احیا ایدوب تمام خبر ویرد کده
 دوشوب طبراق اولدی دینوب * بعضی معتبر انده احیا ایدوکی حام بن نوح در دیومذ کوردر و الله اعلم
 بالصواب (فصل در احوال کنعان بن نوح بنی علیه السلام) بدنهاده و فاسد الاعتقاد اولقین طوفانده کچی به
 چاکه عناد ایدوب فریق ضلالت رفیق کفاری توفیق ایله غریق اولانددر (ونادی نوح اینه وکان فی منزل بانی
 ارکب معنوا لکن من الکافرین قال ساری الی جبل یعمی من الماء قال لا عاصم الیوم من امر الله الامن
 رحم و حال ینما الموح فکان من المغرقین) آیتده دخی (ونادی نوح ربه فقال رب ان ابنی من اهلی وان وعدک
 الحق وانت ارحم الراحمین قال یا نوح انه لیس من اهلیک انه عمل غیر صالح) آیتده مفسرین بولیتدین ایدوب *
 بعضی مورخین غرق اولانک اسمی بام بهضربیطون بهضربایغ در دیشلر * علی کل حال والده سی واعله یا واعله
 مر تده و مناسقه اولقین کفار ایله یله غرق اولوب انبیا خاوند بونکله لوط پیغمبر خاوندن غیر کافر یوق
 ایدی دیوانفاق اولانددر * بعضی معتبر انده عکرمه قولنج کنعان بوجدن برقه یایدوب ایچنه وافر به چن
 وایچه جلق قویوب عداوتی ردایچون قاپوسن محکم سدا ایدوب عالمی طوفان بودر کده حق تعالی کنعانی
 بول دانه مبتلا ایتمکین قبه سی طولوب کندی بولی ایچنده غرق اولدی دینوب * لکن (و حال ینما الموح
 فکان من المغرقین) آیتده مخالف ایدوکی معلوم هر ذکی و عارف در

(باب خامس در احوال هود بنی علیه السلام)

نظام التواریخده هود بن خالد بن عیص بن علق بن عاد کشفده هود ابن شالخ بن ارغش بن سام * تقسیر
 قاضیده واکتر معتبر انده هود بن عبدالله بن ویا ح بن خلود بن عاد بن عوض بن ارم بن سام دینوب نیچه
 مورخین اصلده اسمی عابر بن شالخ بن ارغش بن سام در دینوب لکن اکثر محققین عابر غیر کسنه در دیومذ صریح
 و تصحیح ایتملدر * تقاسیر و تواریخده مصلام مذکور در که ولایت یمنده عمان ایله حضرت موت اراستنده دریاه
 مشرف احقاف دیکله انصاف بولان قومصال ولایتده ساکن اولوب طاقه عریدن عاد بن عوض
 ابن ارم بن سام بن نوح علیه السلام شلنددر قوم عاد جهنم مه ادا و چیوز یلندن بیکریله دل یا شیوب غایت
 شجع و اهل قوت و کوفه قدر لیک الشمس یا اوزن ایکیشریا شش یا سکسار یا یوزربا لادر لیک یوزربا در یوز
 ذراع قامت لری اولوب بعضی نک یا شلری قبه کچی بول و بعضی نک کوز لری و یوز لری ایچنه جانور لری کیروب
 یا ور یله مق واقع اولور دی * جمله سی صد اصد و اهیلا آدلوا وچ صنفه طیار کفار اشرار اولوب وطن و نسبه
 ایچلرندن اولان حضرت هود و دوق فرق باشند بنی حمیر سل اولوب یوم عید و زیننده و کال جمعیتده کفاری
 دینیه دعوت ایدوب (لا اله الا الله) دیونره اوردقد یچد جانور لری (لیک لیک یا هود یاغ ولا تخف) دینرک
 صحران کوهن کرده کوه اول قوم مکروه اوزر لریه کابوب بومچیزه عظیمه نظم ورنده همان قرق نقر کسنه
 ایمانه کاذی * کافر لری سائر لری الی بیل متصل دینه دعوت آید کارنده اکثری انقیاد ایدوب کفر
 و عناد اوزره قالمقین اول لیلرک اوج بیل یایدی بیل متصل خاوند لری جلدن قلوب عقیم اولدی مدت
 من بوره ده اصلا یغمور یا غیوب خط و غلا پیدا اولدقد اسنقه ایچون کما ردن شش ایکی نفر مکه به
 واروب اهل مکه اولان ابن عمالقه نک قوم عادله قرابت نسبری اولقین بر آیددک بولری ضعیف ایدوب
 عیش و نوشدن اسنقه قایه کادکاری فراموش ایستدیر بعدد رتسار لیک خاطر نه کابوب حرم شرعده واروب
 عریجه دعایته کده ناکاه آق و قزل و سیاه بولت لرها اولوب فریق اختیار ایله دیوها تقدن ندا کابوب یغور و لرو
 اولقین سیاهی قبول ایتمدید کده * قومکاک هلاک کنی آلدیو بر صد ابستدی پس امر الیه اول ابریه
 بلاد عاد ابرشد کده اول قوم مقهور آتی کوزوب یغمور بولوات کادی دیومسر و رایکن فی الحال غضب
 رب مفعال ظهور ایدوب سکر کون بیدی کیجه متصل و یغ عقیقه بنان باد صر اسوب اشجار و ابحار و دار

و در این روز که در بادوران ایله همجو برلن خان هوا به قلوب بعد از روز و خاکه برابر اولدی کفره
 نابالغ و بی بالغ مدت مزبوره انواع مختلفه ایله جمله می هلاک اولوب زیر زمین و مغاره به گیرندگی چاره
 بولدیله * بوعلامت قیامت نشان نمایان اولدقه حضرت هود دردت یکن نفرا خود همان بخش عدد مؤمنه
 مکه به یا ولایت بنده حضرت موت شهره واروب و فاته دله ساکن و متحکن اولدیله مدت عمر شهر بغری
 در تیموز الشمس درت یادرتیوزالی یا اوچیوز قرق اوج یا اوچیوز قرق ییل ایدی * بعضی معتبرانده حضرت
 علی قبر هود علیه السلام ولایت بنده حضرت موت شهره قزل قوه لی بر دبه جگه اوستنده در دیش دینوب
 * لکن قواچ مکه به ده قنوح و هود و صالح و شعیب عالم السلام مکه به زمزم ایله مقام آراسته در
 دیو بر حدیث شریف می ویدر (فوائد متفرقه) تفسیر بایده قوم عاد اون اوج قبیله اولوب قوم صالح
 برده ایدیلر ولا تیرنده باغ و باغچه لروم و مور قریه ل و اعلام و رعه ل اولوب آبادانی و نعم ایله مشهور عالم
 اینکن عبادت اوثان ایند کار بچون غضب رحسان ایله باغ وستان صحرا و سیاهانه مبدل و محول اولوب هود
 علیه السلام قوی هلاک کنده مؤمنان ایله مکه به واروب جمله می انده مجاور اینکن وفات ایندیلر دینوب *
 سایر تفسیرده می ویدر که کفاری ریح عقیق هلاک ایدر کن هود علیه السلام بر یکار ایندنده دایره چیزوب مؤمنان
 ایله ایچنه گیروب کفره کلیمات ایچون امر حقه ییلاندر و عقرب لکوب طوروب باد صرصر مسلمانانرا اضلا
 ضرر ایچوب غایت ملایمت ایله طوق نور دی باد صبا کی راحت بخش اولمق کسب صفایدر (دی
 کفار اشراک خاکسار طر فلزنده ایسه انسان و حیواندن مشرعه ده و لانا نری بادوزان بردن قلوب بر آنده
 هوا به بران ایند یکنی کورد کارنده خشیت و دهشت نردن نیجه لر خول و اردار کفر مدار لینه قرار و قرار
 ایدوب عذاب ردا ایچون قبولین سدا ید کارنده باد شدت معتاد قبولین و باورین و باورین و کندی و لرین زیر و زیر
 ایدوب هلاک ایندی نیجه لری دخی حقور و قازوب دیر زینه دله ایچنه گیروب و بری برلنک الارینه یا شوب
 کف بر کف صدف و ریب و اینداده باد صرصر کینک باشین قوراروب کینتی حقور و رن زوایله چقا ریب بره
 چالوب پونی و اوزوب کینی دخی کینلندیکی مغاره دن و اودن زوایله مشرعه قلوب طاشله چالوب بعضلین
 برا و گردن ایکبشر او برودخی ارتق بردن فالدر و بری برینه خرد خرد ایندی بعده جمله کفره اوستنه
 باد صرصر قوم صاوروب جمله من با صر و ریب یدی کیجه سکر کون قوم ایچنده دین اولان قوم ملاعین طایق
 آکنده ناله و این ایدوب بعده باد صرصر یا خود دیولک سیاه قوشلر قوی اوزر لردن صاوروب کفره نلک جیفه
 کتیفه لرین فالدر و ریب آندی و یازار فاده هیجه صادی * کشفانه (خبر هاعلم سب لیل و عایه ایام
 حسوما) آیتنده اشوب سکر کونک ایچنه به صلا ایام مجوز دیر لریزرا کفره هلاک اولور کن ایچلردن بر مجوز
 یعنی یا شلو و رت زیر زمینده کینلنوب سکر نی کون ریح عقیق افی طشره چقا ریب هلاک ایندی * بعضیلر
 دخی قیش آخری اومقین ایام مجوز دیر لری قع عین و ضم جیم ایله زیر اهر نشنه نلک آخریه مجوز دیر لر مقیننک
 بر دجو زید کاری و ملائکه ایام حسوم دید کاری اشوب سکر کون ندر * تاریخ میرخوانده بوقصده اولان
 زیاده بودر که قوم عاد کند و بویبری قدر طاشدن دیر کار کسب اوستنده یا ریب ایچنده ساکن اولور لردی
 غضب ایند کاری کسته بی اندن اشاعه آتوب هلاک ایدور لری و فسق و فساد لری حد معتاددن مستزاد اولدقه
 هود علیه السلام مرسل اولدی کفره هلاک کنده مقدمه هود علیه السلام درت یکن مسلمانانرا ایله مدینه منوره به
 ایکی منزله قریب عین بنیع طرفه کیدوب مسلمانانرا اطرافه دایره چیزوب باد صرصر انده حریر کی
 طوق نور دی می ویدر که هود علیه السلام خوب و وی بنیام روی اولوب حضرت آدمه بکزدی غایت عابد
 و زاهد و متقی و کریم و خفی و متقی اولوب کسب حلال ایچون احبانا تجارت ایتمکی عادت ایندیدی * جمله
 مجز اتدن بری بودر که شهر لری قر شده صافی طاشدن بر طایغ اولوب عاد قوی آنی طوار لینه مرعی ایتمکه
 دعا رجا ایدوب آنلر دخی دعا ید کده امر حق ایله اول مسکستان صافی طاشدن طایغ اوستنده چنزار
 اولوب ایچنده آخر صول پیدا اولدی بو مجزه بی کافر لک کوروب کفره مقیم دل بر غلاری دخی بدتر مقیم
 اولدی (و الله یدعی من یشاء الی صراط مستقیم) بری بودر که بعضی نفرا ایله زیر مغر ایدوب بولده
 بر حمراده محکم قاریقه و یا غوب کتکه و طور و مغه مجال اولدقه هود علیه السلام دعا ایدوب امر و بر

العباد ایله باد و افر کر بچلر کتور و بونلر دخی کر بچلری بر برینه چاتوب ایچنه گیروب هوا آچلدقه چیتوب
 کندیلر (قصه شداد) خریده البایندره ریح عقیقه هلاک اولان طاقفه دن مقدم هود علیه السلام عاد اولی
 دیکله مسیحی بر قوم کفر آتیه دخی مرسل اولدندیکه انلرک یاد شاهری اولان شداد ضلالت معتاد جلد دنیاه
 حکم ایدوب محض حمل و صفات ایله حاشاد عوای الوهیت ایدوب جسته نظیره اولسون دیو دیار عنده ارض
 عنده بر فضای خوب هواده مشهور عالم اولان ارم شهرتی سیم و زر و مسک و غیره انواع جوهر ایله مرصع
 و ملج مکلف و مصنع بایدروب هزار اقدام و اهتمام ایله اوچیوز ییلده تمام ایدوب نیجه یوز ییلک عسکرایله مغرور
 و مسرور متوجه اولوب واصل اولغه بر منزل فالدقه امر حقه کون کون صیحه غضب کلوب هپ هلاک
 و آغشته خاله اولدیله دینوب تفسیرده (و انه اهلاک عاد الاولی) آیتنده عاد ایکی طاقفه ایدیلر بری عاد اولی در که
 هود علیه السلام انلره مرسل اولوب ریح عقیقه هلاک اولدیله نری عاد نانه در که عاد ارم دیکله مشهور
 ایدیلر دینوب (الم تر کیف فعل ربک بعد ادم ذات العماد) آیتنده دخی قوم عاد لقیلرینه عاد اولی دینوب
 ارم دخی دینور صکره کلنره عاد آخره دینور دینوب * نظام التواریخنده مذکور در که هود علیه السلام
 شداد و انک قومنه مرسل اولوب ایمانه کاند کارنده ریح عقیق ایله هلاک اولوب مرشدین شداد پادشاه اولوب
 حضرت هود انده ایمانه کلوب انرا ایله حضرت موت شهره ساکن اولدیله تفسیر ابو السعودده (فاخذتم
 الصیحه بالحق) آیتنده مذکور در که قوم عاد ریح عقیق هلاک ایندیکی اشداده تغلیظ عذاب ایچون حضرت
 جبریل دخی صیحه بشندی یا خود قوم عاددن صیحه ایله هلاک اولان شداد ایله قومیدر دینوب شدید و شداد
 و مرثله احوالی اشوب کتایک جلد تائیسند ملوک بخطان یا بنده مفصلایان اولور * حضرت هود لک
 کیفیت ولادت و احوال نبوی و قومی دعوی و کفار کتیفه هلاک و نکبتی تواریخده غایت تفصیل اولنوب
 اشوب مختصر معتبره طریق اختصار اختیار اولنوب ذکر اهم مهماته اقتصار اولمشدر

باب سادس در احوال صالح نبی علیه السلام

* تفسیر قاضی و کشفه صالح بن عبید بن اسف بن ماشع بن عبید بن حاذر بن عمرو بن عابر بن ارم بن سام بن نوح
 به بعض معتبرانده کعب الاحبار قولنجه صالح بن کافون عبید دینوب * مشاهیر تفسیرده تفسیر راولمشدر که
 مزبور عودک نسلدن اولان قوم نمود خیانت نمود که عرب عربا و قوم عاد و اقربا اولوب انلری غضب زب
 العبادله باد هلاک ایند کدنصکره بونلر انلرک دار و دیوار ندره قرارا تیشلردی عمر فراوان و نعم بی پایان ایله حضور
 و حوبرده اولوب نعمت حضرت رب العزت کفران ایدوب عبادت اوثان ایدور لردی قوم عاد کی اوچیوز
 ییلدن بیکر ییله دله معمور اولدقلرینه بناه سکنی ایچون بنا ایند کاری هر خانه قلوب و بران اولور دی آخر کار
 مدینه منوره ایله دمشق شام آراسته کسر حالیه حجر نام بروادی عظیم الاحجار اختیار ایدوب فرهاد
 وار کوهکنک ایدوب به کباره یالن قیالردن یکن بشیر یا یکن دیموز عدد دیولک اولر قازوب هر برسی
 متعلقه ایلر بر یکن ایچنده ساکن و متحکن اولور دی حالشامدن مکه به کیدن حجاج هدایت مناج اول دیار
 عبرت آثاره اوغرا یوب آراسته و قلوب اول طاش اولری کوروب قبولین دیر لردن دیر صوار لری (امور دعوت)
 می ویدر که عود ضلالت قری دخی دعوت دین مبین ایچون نسب و وطنده ایچلردن اولان حضرت صالح مقلع قرق
 یا شنده مرسل اولوب اول قوم بی ادراک و تمیز تصدیق ایچوب فلان یالن قیانت ایچندن شو صفترا ایله متصف
 بر ناقة چقسون دیوب زعمر نیجه قصد تبحر یا تیدیلر صالح علیه السلام یوم موعود و مکان معهودده کفره
 قار شونده دعا ید کده امر خدایله اول خلقه بر عظیم الخلقه ناقة چیقوب جسم و رعمده کند و به مانند بر ناقة
 بلند طوغور دقه امیر چنو دعود اولان جندع بن عمرو یوز نفر انساله ایمانه کلوب باقی قلان شقیل طوار لری
 اندن اور کدیکیچون بعد زمان ناقة بی بوغاز یوب کوچکی فریاد ایدر لک اول قیامه گیروب نایدید اولدی صالح
 علیه السلام قومنه لوم ایدوب یابرن قدرت باری ایله جمله کزک یوزی صاری اولوب ایکنی کون قزل اوچنی کون
 سیاه اولدقه غضب اله جل و علاه واصل اولور دینوب همان در تیموز یا اون یا یوز کسان یا همان بخش نفر مؤمن
 ایله قدس شریف قر شده شهر فلسطینه کیدوب انده میکن اولدیله بعد زمان مکه به واروب انده مجاور اینکن
 وفات ایندیلر تفسیرده ابن عباسدن می ویدر که صالح علیه السلام قومی انذار و نزول عذاب ایچون کده

تو منک کارند طقوز فراوان او کجه علی الفقه صالح علیه السلام معاد تخانه سنده قتل ایتمک یالن
 قاجار له کارنده امر حقه خانه صالحی حفظه کلان ملائکه بونله کور و غدن او ایچنده بونلری طاشلیوب
 جله نی هلاک اولدیله قنده دن دخی می ویدر که حضرت صالح جوار لرنده بر طاعنه مغاره ایچنده عبادته
 معتاد اولغین اشبو طقوز طکوز قده ما اکا کربوب صالح نماز کده قتل ایده لم دیر ایکن طاشلن
 بوقار و سندن بر عظیم طاش دوشوب مغاره قبوسن قیابوب ایچنده قالمغین هلاک اولدیله (هلاک کفار) تقاسیرده
 مذکور در که ابتدا آثار غضب پروردگار صغیر و بکاره آشکاره اولد قده قوم غود خباثت نمود حضرت صالحی
 قتل ایتمک جست و جوتک و بوایدوب بولم قارنده هر مردوزن کفن بریدن ایدوب مویه حاضر و خوف عظیمه
 عذاب الیه منتظر اولوب سبت کوفی وقت ضحوة کبراده بدن زلزله ایل جانب افلاکدن بر صیحه هوانا
 کاد کده زهره لری چال و جله سی هلاک اولدیله تقاسیر قاضینک بر محله دخی اشبو صیحه جانب زمیندن کادی
 دیو تعیین اولمشدر (احوال مؤمنین) کشفانک بر محله صالح علیه السلام بعد هلاک الکفار اسکی دیار لرنه
 مسلمانا نلر ایل و واروب قورایتیلر دینوب بر محله دخی قبل العذاب درت یکن نفر مسلمانلر کافر لرا ایچندن
 چیقوب ولایت یمنده بریره واروب انده وفات ایسد کار بیچون اوشمزل آدی حضرت موت قودیلر دینوب
 * نفس بر جایی حیانه ولایت شامده عکاشم رنده وفات ایسد دینوب فواج مسکیده دق بر نوح و هود
 و صالح و شعیب مکده زمزم ایل مقام ارا سنده در دیو بر حدیث شریف مذکور در (فوائد مفرقه) اولای بعض
 معتبر انده حضرت صالح طو غمزدن اول بابایی اشراف قوم غوددن اولوب حافظ بیت الاصلام ایکن
 بر علامت نظم و یرله صغیر سرنگون اولد قده کفره اتی نامبار کدر دیو قتل ایتمک دیلکین بر ملک اتی قاپوب
 بر وادی کثیر الاشجار ده تنها قاپوب انلر دخی آنده بر مغاره ده او یخویه واروب یوز بیل یا قوب بعده سا بقاد فن
 ها ییل دلالت ایدن غراب شکل لطیف و عجیب ایل حضرت صالح و والده سنه کلوب سولیبوب زوجنه
 ایلنوب نده غراب ایل حیانه کلوب خاقونله محامهت ایسد کده فی الحال وفات ایدوب خاقون یا انکرجه منزلته
 کلوب وضع محل زماننده انبیا اولادنده ظهور ایدن ارهاصات و کرامات قسمندن بعض علامات صدور
 ایدوب صالح علیه السلام اون یاشنه کید کده ولایت غودی ییلده بر کره غارت ایتمک معتاد اولان عدو کلوب
 حضرت صالح نعره سینه عدو عسکری صنوب نیجه سنک زهره می چال و هلاک اولوب ملک غود صالحه
 حسد ایدوب خفیه قتل ایتمک آدملر کوندر و بکلنلر لری قور یوب بعده شفاعت ملک غود ایل حضرت صالح
 دعا ایدوب تحت بولم قارنده صالحه جله قومی محبت و تعظیم و رعایت ایدوب قرق یاشنه وارد قده کفاری دینه
 دعوته جناب حقدن مرسل اولدی دینوب * ذکر اولشان اولم رنده خصوصاً کیفیت دعوتده و بعده
 سبب قتل ناقه ده و کفارا ایل اولان ماجر انده عظیم تفصیل اولمشدر * نایان نار یخ میز خوانده قصه صالح
 علیه السلام ده اولان زیاده لر بونلر که مفصلاً یاشنه شروع اولندی * به ضل ناقه نک بر بولوسنک بر طرفندن
 بر طرفنه دلن یوزیکری ذراع ایدی دینوب امام کسان ناقه نک طولی و عرضی یوز و یا قیلر نک یوکسکلکی
 یوزاللی ذراع ایدی دیوب * هر ویدر که ناقه ایل کو چکی قوم غود ارا سنده اون یوز بیل طوز مشدی صالح
 علیه السلام قومه ناقه بی بوغزلیه جق بواولسون دیو قتل ایدوب اون یخینک مدت عمر نده ابتدا اولادی
 اولغین قتل قیامیوب آدی قدار قور یوب * بعده اول طقوز نفر یدر مرقه اولاد من قتلنه سبب اولدی دیو
 حضرت صالحه عداوت ایدوب سهره سانه سوله نهر دن چقوب کجه دیوب صالحی قتل قصدیه بر مغاره یه
 کیروب کیرلند کارنده مغاره یقوب هلاک اولد قلی کفره طوبوب ناقه بی بوغزلیه عزم ایدوب ایچلرندن
 ایکی مالد اوخا تونک سوریه قیونلری اولوب ناقه مدن اور کوب مرعی رده مرادجه کز من اولغین
 انلر شحر یکله قدار بن سالف و مصدع بن مهرج ویدی نفر دخی اتفاقه ناقه بی بوغزلیوب سابر کفره ناقه نک
 اتی اولاشوب بیشتر و بیوب صالح علیه السلام طوبوب قاقیوب کافر انکار ایدوب دفع بلایه
 دعا رجا ایل کارنده دوه نک کو چکی طوبوب آلیقه یه یلور سکر قور تلور مزدیمکن سکر دیشوب کوچک
 قاجادی سابقا والده سی چقدیقی طاعنک اوستنه چقدی قدرت حقه طاع هوایه اوزانوب یوکسک اولوب

کوچک

کوچک صالحی کور کده اوج کره چاغروب غائب اولدی * صالح علیه السلام قومه یاربین یوز یکز صاری
 افر کون قزل اوچخی کون سیاه اولوب اوستکره عذاب کاور ذیو اول طقوز کافر نافر قتل صالح ایچون
 صالحک اوند کیرلنوب ملائکه انلرک باشلرین ازوب کافر لرا ایدوب بروجه عموم قتل صالحه هجرم ایدوب
 صالحک دخی افر باو عشرتی صلاحنوب علامت عذاب اینز سه قتل ایده سزد یوفتنه بی باصوب کان کانلری
 باصوب بایرتسی علامتک بری بلور کده کفره تکرار هجوم ایدوب سینه کفره دن بر مشهور کسینه صالحی اله
 ویر میوب کفار ناجار طاعنوب اوچخی کجه صالح علیه السلام قومی ایچنه کیرلور واروب مؤمنلری جمع
 ایدوب فلسطین شهرنه کیدوب بایرتسی جله کفره صیحه اسمانی ایل هلاک اولدیله ایچلرندن همان ایکی کسینه
 قور تلدی بری کوترم بر عورت ایدی که قدرت حقه فی الحال یور یوب وادی القریه واروب خبر و یروب صو
 ایچد کده وفات اییدی بری دخی ابورغال ایدی که مکده بولنوب طشره جقد قده هلاک اولوب یاشنه صافی
 التوتندن بر حقی اولوب انکله ییل دفن اولندی * خاتم الانبیا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم ماسی ساع
 بین المزیه و الصفا حضرت لری بر کون اورادن کیچرکن ابورغال قبری یوردیمکن اصحاب کرام قبری آچوب
 التون شایحه صابوب ایلر مر ویدر که صالح علیه السلام بعد هلاک الکفار و طغیانی کورمکه واروب تأسف
 و تلمف ایلد و یوب بعد زمان مکده واروب انده مجاور ایکن وفات ایسد یاربین عباسدن مر ویدر که صالح
 علیه السلام قوم غودلایانه کلرندن مایوس اولد قده اذن حقه بر مقدار سیاحت ایدوب بولده و بر مشهوره
 عجمیه واقف اولوب و طغیانی کده ذبح ناقه و هلاک قوم نظم و رایتی مر ویدر که صالح علیه السلام آتی
 بکر لوقر منی ی بکافلو خوب صورت بلند قامت یصی کو کسلو اوزون صفالو ییول کوده لوفصیح الانسان
 صاحب البیان ایدی مدت عمر نده مسکن بنا حنه مقید اولوب و دائماً بالین ایاق یور یوب وافر نصیحتلری واردر که
 کتاب نوادر الاخبار ده یازیشدر قول مشهور اوزر کج یاشنه نبی مرسل اولمشدر شریعتی نوح علیه السلام
 شریعتنه بالتعام موافق ایدی صنعتی تجارت اولوب بعد از اداء عبادت مهمات دنیویه لرنه مشغول اولوردی
 مدت عمری ایک یوز سکسان یا ایک یوز الی سکر یا همان ابکی و سکر یا ایک یوز بیل اولوب مدت دعوتی ایک یوز
 الشمس ییل اولوب ایک یوز قرق ایکسی هلاک قومندن اول اون سکر ی انلر د نصکره ایدی مر اشرافی مکده
 دارالسنده ده یارکن ایل مقام ارا سنده در بوجله تاریخ میز خواندن نعل اولنوب عرابس زلمیده مدت
 عمری همان الی سکر یادی دیو مذکور در (فائده) نسخه سی هجرتک بشیور الی یدیه سنده یازاش
 بر تاریخ عرب قدیم مفصل مجهول الاسم و المولفده صالح علیه السلام قومی غودی یوز یخین ییلدن زیاده
 دینه دعوت ایدوب همان درت ییکدن زیاده جه کسینه لر ایمانه کلوب یا قیلری عناد اوزر مصر اولد قارنده
 صالح علیه السلام طار یوب بر تنه یاره کیدوب بر طاعنه بر یزانت و بر عجایب بر مغاره یه کیروب اصحاب کف
 کبی اوبه و به واروب قرق بیل یا قوب بعده او یا قوب امر حقه قوم غودی تکرار دعوته وارد قده کافر لرن
 ییلد و کز صالح دکلن و پیغمبر دخی دکلن دیو بر یان قیادن ایستد کاری وصف اوزر بر ناقه ظم و یرین مجزه
 طلب ایسد کارنده ناقه بی مجزه کتوروب بعد زمان کافر لرا ناقه بی بوغزلیوب هلاک اولد یاربین * بیش اون
 ورق مقداری عظیم تفصیل اولمشدر لکن صالح علیه السلام قومه ایکی کره مرسل اولدی دینک یوقدر
 خصوصاً بر زمان او یخوده قالدی دینک عامه تواریخ و تقاسیر مشهوره مخالف اولغین نقل اولنوب اکن کال
 غرابی متضمن اوغین رمز و اشارتله اکتفا اولندی والله اعلم باظهم و ابهم (جایاق و جایاسا) معارج النبوه ده
 حضرت رسول علیه السلام دن مر ویدر که مر اجدن کایور کن جبرائیل بی یا جوج و ما جوج طائفه لرنه
 او غراندی دینه دعوت ایتمک بول ایتمدیله سی حشو جه قنده بعده ایکی شهره او غراندی که بری شرفده
 اولوب آدی سرانجه بر قیسا عبرانجه جابلقا و خلقی بقیه قوم عاد نسلیدر بری دخی مغربده اولوب آدی
 سرانجه بر جسا و عبرانجه جابلسا و خانی بقیه قوم صالح نسلیدر یوا یکی شهر لهر بر نک اون ایکیشر یکن
 قیومی واردر که هر ایکی قاقومی ارامی بر فرستدر و هر قیومی هر کون بونلر دن اوزر یکن سلاح لوکسینه
 بکلیموب بر کونک بکچلرینه قیامته دل دخی نوبت ذکر * اشبو طائفه لری ایمانه دعوت ایسد کده قبول ایدوب
 انلر زم قرندا شمر در و مطیع لری مطیع لرنه عاصیلری عاصیلر مز ایل حشر اولور بونلر د نصکره هلسک

تاویل تائیس ادلواوج طائفه به دخی اوغره دسکه عدد لری همان الله تعالی بیلورانی دخی ایمانه دعوت
 ایدم قبول ایتمکین کفار ایله حشر اولورلر * تفسیر تیسیرده مقاتلن مریور که هود و صالح کند و قوتلرندن
 ایمان کنورنلریش کمنه اولوب پیغمبر لری وفاتند نصره قوم هود مشرقده جابلشهر بنه قوم صالح مغربده
 جابلشهر بنه وارمشلردریا جوج و ما جوج که جله بنی آدم طائفه لری شک طقوزی قدر در یوایی طائفه غایت
 جوج غلوب طقوزیا جوج و ما جوج قدر اولساردریوایی شهر لره برنده بیکر قیو واردر که هرا یکسی اراسی
 بر فرسخ اولوب هر کچه هر یی تشریک کمنه بکایوب بر کچه بکایله قیامتده دلدخی نوبت دکر یونلردن
 ونه تائیس مفسک ادلوایکی طائفه واردر که یافت بن نوح نسلندن اولوب جابلقا و جابلشهر خلقک طقوزی
 قدر در جابلقا و جابلشهر خلقک طقوزی و ما جوج و تائیس و مفسک کافر لردریا کرمو منلر اولسه
 الله تعالی اول کافر لری جله هلاله ایدر ایدی اشبوایی شهر دینانک آردنده اولوب و خلقلری ظن غایب اوزره
 انساندن اولد قاری یوقار و ده احوال ماوراء جبل فائده مذکور اولوب بقیه قوم صالحه متعلق بعض
 امور آخر انبیاده ذکر اولنه حق حفظه نبی علیه السلام امتندن اولماری مناسبتیه انک پائنده مذکور اولسه
 کر که رایکی محله دخی نظر اولنه

باب سابع در احوال ابراهیم نبی علیه السلام

معارج النبوه ابراهیم بن تارخ بن ناحور بن ارغون اسر و بن قانع بن شالخ بن عابر که هود پیغمبر و دینوب
 * تفسیر تیسیرده و نیجه معتبرانده ابراهیم بن تارخ بن ناحور بن شاروع بن ارغون بن قانع بن عابر بن شالخ
 بن ارغش بن سام بن نوح علیه السلام دینوب * عر اریس تعلیمده شالخ حقهده شالخ ابن قیمان بن ارغش
 دینوب حضرت ابراهیم پدر لری تارخ لقی آریا دیوکی مقرر و تفسیر و غیره محرودر (زمان ولادت)
 تاریخ میر خزانده نوح علیه السلام ایله ابراهیم ارسنده جمهور مورخین قولنجه بیگ ابکیوزیل کیجوب
 ارا زنده هود ایله صالحدن غیر پیغمبر کلام مشهور دینوب * تاریخ ابن کثیر و لسان یونانه ترجمه اولنان نسخه
 توریه صحیحده هارغو ولادتده تبیل السنه ظم و ریادوب اولاد نوح اطراف عالمه طاعلوب لغات مختلفه
 ید اولدی ابراهیم علیه السلام طوفان نوحین یلک سکسان بریل صکره وجوده کادی دیومذکور و در
 (امور ولادت) جمیع احوال حضرت خلیل جلیل حقیقهده امر طویل اولغین توار یخده غایت تفصیل
 اولمشدر * پس کیفیت ولادت و وقایع مابعد ولادتک کمال اجالی یومشوال اوزره در که اسمی بابل اولان
 ارض عراقده بصره قریبه کوفی نام نمرده اولوب دایع مسکونه حاکم اولان غرود ظالم که ابن کنعان بن حام بن
 نوح باین کنعان بن سام بن نوح باین کنعان بن عابر بن عابر بن نوح باین کنعان بن سام بن نوح باین کنعان بن عابر بن
 این کوش بن عابد بن عوص بن ارم بن سام باین کنعان بن کوش بن ارم بن سام باین کنعان بن عابر بن نوح باین کنعان بن سام بن
 کوش بن سامدر اول کبر کبر مزاج جفن اننده ابتدای کیوب کمال غرور و نخوت و غرط جمل و سقاها ایله
 حاشا دعوی الوهیت ایدر که دیناده اولان جمیع انام عبده کوا کب و اصنام اولغین انقیاده و اعتقاد ایتلردی
 و پیغمبر تیسیرده تخریر اولمشدر که غرود ضلالت میل و خیانت نیل بریل مورث الولیده واقعه فاجعه کوروب
 شهرنده ساکن اولان کاهنلره بلدیروب دین جدید و بآس شدیدله بنیان سلطنتک ویران و نابید ایدر چک و لید
 رشید طوغردیو تغییر و تحویر و تحذیر ایدر کارنده تیعظ و هراس و تحفظ و احتیاس اوزره اولوب جله رجال
 خاقونلر یله اجتماع و اجتماعدن بالکلیه امتناع ایکن ایچون هر اون نفر انسانه بر رنکم بیان قیوب بر خرای
 عبرت احتوای (لا یغنی حذر من قدر) حکمت خالق قضا و قدر ایله غرور و لجاق باشی اوچنده صلب بوردن
 واصل رحم مادر اولد فیه غرور جاره کاهنلر اجالا اخبارا تکیکن او بیله طوغان یوزیک یا تیش ییک
 یا همان یدی ییک اوغلانی قتل ایدر یدی او والده و او حاده پیغمبر الله المتعال حضرت ابراهیم حلیم وجوده
 کلکین والد لری خارج شهرده بر مغارده یا خانه سنده زیر زمینده مقیم و مکیکن و اول جای حصینی اکا کین
 ایدی * مریور که رنگ روبری سرخ و سفید اولوب پائنده قامت اشمل العینین عظیم الصدر خیم السره ایدی
 ریاشنه کبر که اوج پائنده در جیم اولوب یدی یا اون بش یا اون اوج یا اون یدی یا اون الی باشنه دل یا همان
 اون بش آیه دل دنیا یوزین کور و یوب مغارده او نوروب بعده طشره حقیقوب (و کذلک تری ابراهیم ماکوت

السماوات والارض) آیتنده مجاهد و ضحاله و ابن جبیر قولار نیجه امر خدا ایله طبقات ارض و سموات یاربوب
 تحت الثری ایله عرش اعلا آرا سنده اولان جمیع علویات و سفلیاته نظر عبرت اثر ایدوب بعده پدر و مادر و سایر
 که اوزدی المکابر ایله مرار اوکر اراسر او جمل انواع مباحثه و مناظره ایدوب بعد زمان یوم عید کفار
 بی توفیقده تفصیل و تطویل محتساج بر طریقی دقیق ظرافت رفیق ایله کلیسا ایچنده بت پرستلرک پیش عدد
 صغیرین شکست ایتدی (قصه آتش) یو خصوصک کمال اجالی بودر که غرورده حضرت ابراهیم
 مسعودی کسر اصنام خصوصن استفسار ایچون حاضر ایتدیروب * خلیل اکرم نیجه وجهه وجهه ایله غرودی
 شرمنده و یلزم ایتمکین شرف ایمان حقن نافر وافر کافره ظاهر اولد قده غرور و احق قاقیوب قاقیوب قاقیوب اولوب
 ابراهیمی آتشه آتقی دیکین حبس ایدوب بر طاع انکند عرضی * کرمی ارتقاعی اونوزی آتش باطولی
 آتش عریضی قرق ارتقاعی یکرمی ذراع باطولی و عرضی در در فرسخ باطولی اون فرسخ بر خطیره کبیره
 یایدرب و بی ایچنی اودون ایله طول و در مغه صغیر و کبیر غنی و فقیر قرق کون یا اونوز کون یا بریل یا بریل ییل
 مائندون ابی امپ حالت الخطب اولوب یدی کون متصل آتش یا قندیلر (ع) آتش سوزان جهنم نشان بصره
 قریبه کوفی شهرنده ایکن دود شرر اولدی شام خلقنه عیان و نمایان اولوردی تعلیم شیطان رجیم ایله
 حضرت ابراهیم حلیم و سلیم منجیقه قوند قده اهل سموات و ارضین ناله و انین ایله در کلاه خلافتیه
 رب العالمینه تضرعلا ایتمکین اولشدن غیریدن طلب سلب خیر و رجاء جلب خیرا تتر هله واروب امتحان ایتمش
 اولد دیو فرمان حضرت رحمان ایریشوب ملائکه کزیدن مؤکلان باد و آب زمین تخلیه صنه علی التعاقب
 کلوب عرض خدمات ایتد کلر نده * لا حاجه لی الیکم حسبی الله ونعم الوکیل دیوب * یا خود * خلوا بی وین
 خلیلی حتی یفعل بی ما یشاء دیوب * هیچ برینه التفات ایتدی منجیقه قندن آتلوب آتشه دوشد که یقین اولغین
 جبریل امین کلوب مرادک واری دید کده (اما الیک فلا) یعنی سندن مرادم یوقدر دیوب امداد کاه خدادن
 اوائی ایما ایتمکین پس نیچون جناب عزته عرض حاجت ایتمسک دید کده خالق جزو کل رحمت بی نهایت غایت
 توکل اوزره اولغین (علمه بحالی حسبی عن سوائی) دیوب جواب صواب انتساب و بر مکیکن اول آن رحمت اقتراذه
 نیران سوزانه (یا ناکر کوفی برد او سلاما علی ابراهیم) دیوب امر رب رحیم ایرشکین دوشد یکی بر لدرت طرفک
 هر برنده قرق ریاسکسانر یا بیکرمیشدر ذراع بوستان بر شکوفه و بریحان اولدی * قرق یا الی اوج یا یدی کون
 به خراف ملائکه مراقتیه او جای فرختر اوزر زاده مقیم و ساکن و اصناف الطاف بهیه الهیه به مقارن
 اولوب * اول زمانده اون الی یا اونوز یا بیکرمی یدی یا سنده ایدی * مریور که او سنده اولان قید و بندی کفار
 با غلامین آتش یا قوب اککن جسم نورانی رحمته نار بر شر و شر را صلا حرارت و ضرر و بریدی * یونلرک
 ناردن سلامتن و نیجه فضیلت و کرامتن مشاهده ایدن نیجه کفار ذوی المعانده صفاء جنان و رجاء جنان ایله ایمان
 کتور دیر * بریسی غرور و رخصه آدلوه یزیدر که غرور و ایتد کده دینکدن دون دوقیز نه ابرام ایدوب تأثیر
 ایتد کده دمووردن اکسر لره بدخی میخلدوب حضرت ابراهیم هجرت ایتد کده امر حقه جبرائیل علیه السلام
 آتی قاقوب ابراهیم کتوردی اودخی مدین ادلوا و غلنه نیک کاسح ایدوب بیکرمی نقر پیغمبر والده می اولدی *
 تقاضیه بر روایتده حضرت ابراهیمی آتشه آتقی و منجیق دوزمکی اگر ایدم دن هیون ادلورده اون تعلیم
 ایتمکین غضب حضرت رب ایله خدف اولوب قیامتده دل بره کجه کاه اوزره در غرور و ظالم حضرت ابراهیمی
 آتشده صاع و سالم کورد کده طشره به چاغروب واردر قده یا نکهده کی کیم ایدی دیوب مؤانست و مصاحبت ایچون
 رب رب العزة کوتوردیکی ملکدر دید کده ربک نه حب قادر عظیم و لطیف و کریم امیش آنک رضا ایچون قریان
 ایدر یم دیوب ابراهیم علیه السلام سن ایمانه کامیخه قریانک قبول اولوزید کده سلطنتی تر لایده مزم اککن
 بهر حال قریان ایدرم دیودرت ییک صغر بوغازلر دیوب حضرت ابراهیم جفادن فراغت ایتدی (هلاله غرور)
 تاریخ میرخوانده حضرت ابراهیم علیه السلام آتشدن چقد قده غرور و یونری جنکه اوقیوب زمان تعیین
 اولد قده بودخی یارب غرودی احقر حیوان الله هلاله ایدر دیود عا ایدوب یوم موعوده غرورده شفا نمود
 بیجد جنود ایله بر جهراده صغر باغلیوب ابراهیم علیه السلام تک و تنه سامر دانه میدانه کوروب غرور ایله
 سوبلشوب اول حینده موری شکک آلی هوایی قایلیوب کفره نک اولسلا حینر بده اعضا لری یوب هلال

ایندیلر * تاریخ طبریه حضرت ابراهیم انشدن خلاصتی نمود کورد که کوکه چقه ایچون نیجه پیلارده
 بر میل یایدروب اوزرینه چقه قدده کول یوزی برده کوردیکی کی کورنکین خلاقدن اوتاقوب ای تیوب ایتسی
 میل ییقلوب آنک صداسی هیئتندن خلق مدهوش ویموش اولوب عقلری کادکده یتش ایکی دیل یید اولدی
 تکرار کوکه چقه ق دیلوب درت کر کس قوشی یاوریلرین ایکی ییله دلالت وشراب ایله بسلدوب غایت قوتلو
 اولدقلرند ایکی کوزلور صندوقه ایکی کسه ایله کیروب قوشلری صندوقه باغلیوب ان کوستروب قوشلر قناد
 انچوب ایکی کون ایکی کیجه هوایه اوچوب یره باقدقدده دنیا کورنمز اولدی کوکه باقدقدده انجیق ظلمات کورنکین
 خوقندن قوشلری آشاغی دوندروب قنادلری صدامندن عالمه ولوله و طاعلره زلزله دوشوب (وان کان مکرهم
 لتزل منه الجبال) آیتنک معناسی بودردیشلر * اشاغه ایندکده ایتدیکي ایشه غایت محزون وشرمسار
 اولدی ابتدا اظمتندن درتوز ییل یکد کده انسان صورتنده برملک کاوب اسلامه دعوت و نیجه نصیحت
 ایدوب مقید اولدقدده * کول تکر یسنگ عسکری چوغسه کوندز سون جنگ ایدلم دیوب تعیین ایتدیکي
 کونده عسکرین درتوز حضرت ابراهیم تنها قارشو طوروب غرودله شوبلشورکن سیوری سکن عسکری
 هوایی یور یور کونش کورونمز اولوب کفارای بیجه باشلامقین جله قاجوب غرود حیرتله سرایشه کیدی
 سابقا کان ملک ینه کاوب نصیحت ایدوب قبول ایتد کده بر سکن کاوب آلت دوداغنی اصروب محکم شیشوب
 ایتسی کاوب اوست دوداغنی اصروب شیشوب بعده یورته کیدی دماغنی بیجه باشلامقین چوماقدرله
 دوس کاوب یوزدایله قرق ییلد نصکره هلال اولدی دیوتفصیل اولمشدر * بحر العلومده مر قومدر که
 غرود کوکه چقه مغه بر صرح یایدروب اوستنه چتوب کول اهلایله جنگ ایچون اوق آتقدده امر حقه
 جبرائیل علیه السلام کاوب ابراهیم غرودله جنگنه مقوله عسکر ایسترسنگ تعیین ایدیم دیوب ابراهیم علیه
 السلام سیوری سکن غایت حقیر دردیو اتی ایستد کده اکرانی استه سکن غرودی برسته ایله هلال ایدیم که
 یتش دانه سی بر سیوری سکن قنادی قدر اولمایه ایدی دیو وحی الهی کاوب بعده غرود عسکر جمع ایدوب
 طول و عرضی در در فرسخ اولدقدده امر حقه سیوری سکن عسکری بکریله کاوب هوایی یور یور کافرلک
 چیه وجیه لرین وات واندین وسکیرو کورکن بر ییوب غرود قاجوب سرایشه کیروب بردانه یارم سیوری
 سکن ییله کیروبیدی کون غرودلک یوزی اوستنده اوچوب غرودانی طوغغه چالشدقدده دوداغنی اصروب
 شیشوب بعده یورته کیروب بیجه جساد نصکره هلال اولدی دینوب * بعض معتبر اید دماغنی بین پشه دن
 غایت انجیوب بر کون اضطرار ایدن سر کبراقمر بر دیواره چالوب باشی خرد وکندی مرد اولدقدده جبرائیل
 علیه السلام سر اینی جله اهلایله بره کیروب قیامت دلالت اوزره دردیوب * تفسیر یسایک بر محله غرود
 طولی بشیک عرضی اوچبیک ذراع یاخود طولی ایکی فرسخ بر میل یایدروب کوکه چیه قوب جنگلایتنک
 دیلد کده بریل اسوب میلک باشن دریایه آتوب باقیسی کافرلر اوستنه دوشوب هلال ایدوب خلقه خوف کای
 مستولی اولمقین دیلاری دولاشوب یتش اوج درلواقت یید اولدی دینوب * بر محله دخی بعضی کورکه
 چقه درت ایاقلو بر صندوقه بر کسه ایله ییله کیروب صندوقل ایاقلرینه بر کر کس قوشین وبراغاجه ات
 بهلیوب قوشلرانه یتش کیچون قناد صالقدده صندوق هوایه چیه قوب بو حاله اوج کون کیدوب دنیا کورنمز
 اولدقدده انجا جبری اشاغه دوندروب ینه قوشلر صندوقله ایوب بو وجهله یره ایندی دینوب * لکن قاضی
 رحمه الله بقصه غایت بعید و * زیرا بوند خطر عظیم اولمقین عاقل اولان بو کاقدام اید من خصوصاً خبر
 وائزده کلیوب چقه دایل دخی یوقدر دیوب * بعض سلف ابن عباسدن روایت ایتشدر که غرود سواد کوفده
 قریه رسده طولی بشیک ویکری ایش ذراع بر میل یایدروب انک اوستندن کر کس قوشلریه هوایه چتوب
 آسمانه وصولدن یاسله یره ایندکده خوقندن برقلعه یایدروب انده تحصن ایچون مال وعیالیله کیروب بعده
 امر حقه اول قدده اساسندن یقلوب جله می هلال اولد یلد یومذ کورد * تفسیر واحد مدخی ابن عباسدن
 مر ویدر که حق تعالی غرودله عسکرینه سیوری سکن کوندروب اتلر بر ییوب فائزین ایچوب بر ییسی
 غرودلک یورته کیروب هلال ایتدی * تاریخ قدسده مذکوردر که غرود احق منظره حضرت ابراهیم
 کوکه چقه ق دیلوب ارتفاعده بشیک ذراع بر میل عرض و طول یایدروب بر صندوقه درت کر کس قوشی

باغلیوب آسمانه بران اولوب بعد زمان شدت هوب ورج صعوده مانع اولمقین اول سفیه طامع کوکه اوق آتوب
 استدر ایا قانه بولشش کاوب یره ایندکده کول اهلای قتل ایتدم دیو کال حاقندن مغرور و مسرور اولدقدده
 بریل اسوب اول میلی یقوب شهرلک اکثری بری یاصدی * و دخی مذکوردر که حضرت خالق ذلک وذلک مالک
 ملک و ملک غرودلک جنودنه سیوری سکن کوندروب جمع عسکرینک اتلرین ییوب صافی کول قوبوب بر پشه
 حیر غرود باغینک یورندن دماغنه * کیروب درتوز ییل بر صندوقه شقاما نوسن دیوس ایله اوردوب
 بو عذاب هلال اولدقدده غمیردخی زلزله ایله خراب اولدی ابن الجوزی مؤلفاتک برنده وهد بدن مر ویدر که
 یتش لک کده هر آتو کافرلک کندویه و آتیه نیجه یسک سیوری سکن اوشوب نیجه یوزیک مر داول محنت
 ودر دایله هلال اولوب فرار ایدن کفار اولر ینه کیروب ایقه نایز ایدوب در داری و رختهای چدارای مدایتمکله
 پشه چخاپش یی رتو صدا ایدم یوب جله سی کعصف ما کول مقتول اولدیلر غرود خلاص امل (ومن فجا
 برأسه فقد ربح) مضمو یله عامل اولمقین تنها قاجوب سرای لاوا ما واسنه کیروب مهساسکن تیقظ
 و تحفظ ده ایکن با امر حق برقی یورته کیروب دماغن ییوب قرق کون کیچد کده سر یوب غایت یومکین
 غرودلک کله سن شق ایدوب (کذلک یسلط الله رسله علی من یشاء) دیوند ایدرلک بران اولوب غرودی ایمان
 بر آتده چان ویردی * مر ویدر که غرود مر دود قاره باغزشاشی کوزلور یورنی افطس یعنی پیاچ ویسی ایدی
 (قصه هجرت) معتبر ایدم مذکوردر که حضرت ابراهیم علیه السلام غروددن مایوس اولدقدده نبوتلرین ابتدا
 تصدیق ایدن برادرزاده لری حضرت لوطایله و غرودلک وزیر اولان عیلیلک یا برادرلک قیزی ساره ایله که
 غایت حسن اولوب حتی حسن یوسف علیه السلام انک حسنلک ثلثی ایدی دیسملر ولایت یابدن هجرت
 ورحلت ایدوب دیار بکرده شمر حرا نه واروب بر قاج کون طوروب سازه یی ایدم نکاحلنوب بر روایتده ساره
 حرا ن پادشاهنک قیزی اولوب حرا نه نکاحلنلر در نیجه کاید به باباری آزدخی ییل هجرت ایدوب شهر حرا نه
 کدر سابق اوزره وفات ایتدی دینوب بعده مصره یاخود دیار بکرده رهسار ینه ایدن بهلک شهر نه ایدن شامه
 واروب اندن مصره کیدرکن بر روایتده مقدمایوله حضرت لوط حص شهری فرشته مؤتفکات شهر لری خلقته
 پیغمبر اولمقین قلوب ابراهیم علیه السلام خاتوله مصره واروب پادشاهی اولان کافر ظالمدن تفصیله محتاج
 برخصو صده متالم اولوب دینوب قدسله رمله اراستده وادی السبع دید کای یره قونوب او حاله تازه و بی مال
 ایسکن مر ورز مانله بیر مواتی و حواشیسی غایت کثیر اولدقدده اودیار اهل اولان طائفه بنی کنتاندن
 متأذی اولمقین اندن کوچوب مغاره ادلور یره ایدن لجنه واروب بعد زمان امر حقه قدس شریفه بر توانی
 برده عری نام مکانه واروب انده متوطن اولدی مر قدمشور و مشمدم معطر لری آتده در * کتاشنده هجرت
 ایتد کارنده یتش یش یاشنده اید یلدینوب رساله سیوطیده * اوتوزیدی یاشنده یابدن حرا نه بعده اردن
 ولایتنه بعده مصره واروب هر برنده بر رمد اوطوروب بعده قدس ایله فاطمین اراستده ارض سبعه ده
 طور دی بعده انک خلقندن انجوب زمله اید قدس اراستده وطن ایتد یلدیلدی * تاریخ یرخواننده
 آتشدن خلاص اولدقلرند نیجه کسته لایمانه کلکین غرودر جاسیله یاخود خفیه امر حقه یاخود غرود
 هلا کند نصکره ساره ولوط و بعض کسه لایله حرا نه واروب انده ساره یی نکاحلنوب حرا دن همان
 ساره ایله مصره لوط ایسه نبوله مؤتفکات ولایتنه کیدوب ابراهیم علیه السلام مصر دن فلسطینه کاوب
 بر خالی رده قیو قازدی صوبی بر یوزینه چیه قوب آتقین اطرافنه طائفه عرب قونوب بعده انزلک چقا سندن
 کوچوب اکابین بریزه قوندی وفاتلر ینه دلالتده طور دیلر * کتاب معارف قیسیده توابعلریه یابدن
 هجرت ایتد کده قدس فرشته اردن ولایتنه او غره یوب پادشاهی کافر اولمقین مصره کیدوب انده دخی حظ
 ایدمکین ینه اردنه کاوب بر طریقه اردن پادشاهی معزول اولدقدده ابراهیم علیه السلام اودیاره حاکم اولوب
 مالی چو غالدی نصفی برادرزاده می حضرت لوطه باغلیوب او محله لوط مؤتفکات خلقته پیغمبر
 اولمقین انده کیدوب ابراهیم علیه السلام مکانلرند قالدیلر یومذ کورد * زمان قونلرند و اتع اولان
 احوال شریفه لری کال تفصیله محتاج اولوب اجمالی بودر که هر بری پشه بشقه سر سخن ایله ذکر اولور
 (احیاء طیور) اگرچه میرخوانده بوقصه وفاتلری سنه سنده واقع اولدی دیشاردر * لکن تفسیر یسایده

مشاهده احیاء موی رجالت و کنگ سینه ابن عباس و غیرین هر ویدر که طرف حقن معشر بشردن
 برینی خلیل ایتسم که کردی و حی اولده قد بودی یارب علامتی ندر دیوب انک دعاسیله الله تعالی میتی احیا
 ایدردی و یوردی بهر زمان فضل حق اعتقاد کند و به نصیب اولی احتمال و یروب حضرت حقن مشاهده
 احیاء موی طاب ایتدی * حسن بصیردن دخی هر ویدر که لب دریاده بر حیوان جیفه سن کور ووب دریا
 هجوم ایتدی که حیوانات بحر او شوب چکند که حیوانات بر ایله طیور او شوب بحالده ابراهیم علیه السلام
 قیامتده بطون حیواناتدن اجزاء ما کوله نیجه مجتمعه و موصوله اوله جفنی کورمه کلدیدی و ابن اسحقدن
 دخی هر ویدر که غر و دله مناظره ده بنیم احویا و اما نه ایدردی ووب غر و دایکی محبوس کتوردی برینی قتل و برینی
 آزاد ایددی اشته بن دخی احیا و اما نه ایدم دیدی ابراهیم علیه السلام بویه اولز بنیم بر جسم بی جان روح
 روان و بر حکه احیاء ایدردید که سن کوز که کوردی دیوب بودی عیانا کورما مکی کذب فاجوب
 کوردم دیک دخی مناسب اولمغین سم آخره سلوک ایدوب بنیم کوشی مشرقدن طوغدر سن
 مغیردن طوغدر دیوب غر و دله منبوت و حیران و مسکوت اولمشدی * اتفاقا فابر کون کیفیت احیاء موی
 مشاهده سن خدادن رجالت ایتدی که بر دفعه دخی بعض انسان صور رسه کوردم دیوب جواب ویر ملک آسان
 اوله * بعض تقاسیده دخی هر ویدر که حق تعالی بونری خلیل ایتدی کده عزرائیل علیه السلام جناب
 حقن اجازه صورت انسانده بشارت کاب ابراهیم علیه السلام طشره دن کلدی او فایوسین قیابوب
 کنشکن حرم محتلم نده خلاف معتاد بریاد کسسه کورمکی فایوب کینک اذنیله کیدرک دیوب
 اولصاحبی اذنیله دید کده فراست نبوتله ملک ایدو کتی بیابوب کچک دیدن سن کین دیوب
 عزرائیل اجازه سکات مژده سیله کادم که الله تعالی سنی خلیل ایدندی دیوب حضرت ابراهیم دخی
 کال سر وایله کرم و فور ایدوب اکا علامت ندر دید کده الله تعالی دعا کی قبول اید و دخی دعا کال ایل
 احیاء موی اید دیکن یارب احیاء موی ایتدی یکیکی بکا کورنا که شرف خلته واصل اولدیده مظهر
 علامتله عین یقین حاصل اوله دیوب عیالیدی * مشاهده تقاسیده مذکور در که ابراهیم علیه السلام دعا
 ایتدی کده تصدیق ایتش دیکسن دیوب یوب تصدیق ایتش دیکسن کیفیت مشاهده ایل قلبه
 ایشان و اطمینان کاون دیرم دیکین اکثره سیرین قولنج مفصلا امر حقه برطاووس برخوس
 برکوکر جن رفارغه آلب ابن عباس قولنج کورک جن برنه کرکس قوشی آلب بهضیر قولنج بریشل
 فازر سیاه فارغه بر آق کورک جن بر قیزل شروس آلب علی کل حال باشلرین کسوب بویلرین یوب جله سنک
 بدنر یعنی دو کوب ازدی بر بره محکم فارش ووب مجموعی درت ایدی بولوب هر بولوبی اطرافنده اولان درت
 یایدی طاعنک بری اوزرینه قودی باذن الله کاکر دیوب ایتدی کده هر بر قوشک قطره قطره قانری و ذره ذره
 اجزاء و اعضا لری آیریلوب هوا به او چوب بری برینه بشوب جله سنک بدنری تمام برلرینه کاد کده هر بری
 باشلر او چوب یا خود بر یوزنده یوروب ابراهیم علیه السلام ایتدی طوران باشلرینه بشوب کاب باشلری
 بر برط ووب هر کلان قوش طوتلان باش کدنونک کاسه کیویه چکوب کدنونک ایه و اوب بشوب
 بوجمله جله می تمام حیا بولدی (قصه خات) تفسیر لایده (واخذ الله ابراهیم خلیلا) آیتده ابن عباسدن
 هر ویدر که ابراهیم علیه السلام غایبه جفنی و مهمان دوست اولمغین دارشرف مداری هر روز شتا و صیفه
 مجمع ضیف اولوب انفاق بریل خط اوافین مصرده برد و ستلرندن ذخیره طلبیه خدمتکارلر کوندر ووب
 وارد قنرند بزد دخی خط وارد مجر دکنند ایچون او ایدی دیرغ ایتزدم لکن مسافر لره کفایت مقداری
 ذخیره قادر د کام دیوب زردی یوب پای سده کانلری صفر اید کوندر کده خدمتکاران برهوش شهر لری
 خلقندن اوتا نوب ظاهر اوش کلام ایچون کونورد ککری چواللری قوم ایل طولدر ووب اون کتوردن
 دیوب کاب حضرت ابراهیم تنهاد حکایت و دوست مصریدن شکایت ایتد کاردند مهمانلر ایچون غم
 واضطر ایدن خوابه و اوب خاتونلری ساره خناره و اقه بی بیابوب اتمک بشورمک ایچون چواللری آچوب
 طوطی و طوطی آق اون کوردی ایچون آلب اتمک بشوردی ابراهیم علیه السلام او یابوب اتمی اتمک
 رایجه سن آلب بونه بردن کادی دیوب صوردی ساره دخی مصرده کی دوستکدن کلدی دید کده حضرت

ابراهیم اشبوا مرعظیم محض لطف و ب کریم ایدو کتی نور فرستله علیم اولدنده مصرده کی دوستکدن کلدی دوست
 الله حضرت تنجی دیکن حق تعالی بوی خلیل یعنی دوست ایدندی * تفسیر زبورده ابن عباسدن بوجهله
 دخی هر ویدر که حضرت ابراهیم بیکلده اوغلی اوله جفنه بشارت ایدوب قوم لوطک هلاک کده کتلم ایچون
 شکل انسان و صور حسان و هیئت جوانانده جبرائیل و بعض ملائکه کاب ابراهیم علیه السلام انلری بویلد
 صانوب بر حوز یوزاغی بریان ایدوب سفره برکت بهره ایل کتور ووب شول شرطله اکل ایلانده کده الله
 آتزنده الحمد لله دیه سز دید کده * جبرائیل علیه السلام کتوردی بدی ووب الله تعالی تک خلیلین دیدی
 نه ایچون کلد کازین دخی بلد ووب خلیل اسمی اوزمانده تعیین اولندی * تابعیندن دخی هر ویدر که برکون
 بعض شکل انسانده بر ملک کاب نام کزین حضرت رب العالمینی بر صوت خوب و حزن ایل ایدانده کده قلب
 خلیل بیله عمان عشق رحمان جوشان اولوب بر دخی یاد ایل دیوب ملک دخی مفت ایتزدم دید کده جله مالم
 سنک اولسون دیدی اولکیدن زیاده محرق صوت ایل ایدای تمکین خلیل مختار لذت محبت الله یقین ایلوب *
 بر دخی یاد ایل جله اولادم سنک اولسون دید کده اول ملک یا ابراهیم مشیت و اق سکان ملائکه دم مال و اولاد که
 احتیاجم یوقدر مرادم همان الله محبتکی امتحان ایدی دیوب جله مال و اولاد دن نام حضرت خدایه
 فدا ایتکین حق تعالی فی خلیل ایدوب تعظیم و تحبیل ایتدی صلی الله علیه وسلم و شرف و کرم (بنا کعبه)
 اگر چه حضرت اسماعیلک ولادتی و بهر ذبحی فرمان اولندی بی بنا کعبه دن مقدمه در لکن اول ایکی قصه
 باب احوال اسماعیل علیه السلام ده ذکر اولتی انسب و اصوب اولمغین تأخیر اولمشدر * پس بنا کعبه
 خصوصنده تقامیر و توار بخنده اولان تفاسیلک اجالی بودر که طوفان نوحده کو که چکیلان بیت المعمورک
 یا خود آدم یا شیت بناسی اولوب طوفانده منهدم و منهدم اولان بیت شریفک بری خالی طور ووب ابراهیم علیه
 السلام یوزباشنده ایکن بنا کعبه ایلده امو و اولدنده وطنندن مکینه واروب نه یرده بیاجفنی بل یوب مخیر
 و متکبر طور ووب حضرت علی قولنج محکم بل آسوب بشاه قدیم اطرافن سو ووب اساسی ظاهر ایدی
 و ابن عباس قولنج بر بولت کاب واده طور ووب ایچون بر باش چیه ووب یا ابراهیم بنم کولکم دوشد یکی
 یرده باب دیوسو یلدی * هر ویدر که مکده حبیب خدا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم عبادتگاه اولان
 حرا طاعندن و مصلده مقرر سینه نوح اولان جودی طاعندن و دیاره مصرده موسی علیه السلام مناجات
 ایتدی کی جبل طور مینادن و قدسده عیسی علیه السلام کو که چکاد و کی جبل طور زیادتان و دیار شامده
 معبد زهاد اولان جبل لیساندن اسماعیل علیه السلام یا خود ملک کار ایل طاش کسوب کتور ووب ابراهیم علیه
 السلام اساس شرف مساس کعبه عرش رتبه بی حجار سرادن و چاردیوارلرین ذکر اولسان درت طاعندن
 یا یوب اوغلی اسماعیل او یوزیا بکری یا بکری الی یا شننده ایکن طاشله بالحق و یروب بونریابوب یا خود کندو
 و یسری هر بری بر طرفدن مستقلا ییاردی * کاب الا کتفاده همان ایکیمی ییاردی دیوب * کاب
 الهامده ملائکه دن یدی نقره لک یاردم ایدردی دیوب * فواج مسکیده ابراهیم علیه السلام او فاقدر
 آراسته مشهور اولان وفق مرع صد اندر صدی یازوب کعبه نک علی آلتنه قودی دیومذ کوردره معتبرانده
 هر ویدر که حجر الاسود مبارک جبرائیل علیه السلام کو کدن کتور ووب یا خود بیت المعمور رف اولند قده
 مکده جبل ابی قیس ایچنده صاقلیوب بوجمله کتوردی ابراهیم علیه السلام انی کعبه نک برکوشه سنه
 یادی کتب حدیثده بر قاج حدیث شریفک مضمونی بودر که حجر الاسود جنت یا قوتلرندن آق یا قوت اولوب
 مک کافر لری یا شیع ایل قرا مشدر انلر یا شیع اولمیدی هر یا شان خسته شفا یولوردی دینار جنت
 یا کازلرندن زانندن غیری نسته یوقدر یوم قیامتده احد طغانی قدر اولوب دینارده کندی حق و صدق ایل اوبلر
 حقیقه شهادت ایدر * امام باقر رضی الله عندهن هر ویدر که روز (الست برکم) ده جله مخلوقات بی دیوار اوار
 ایتد کازنده الله تعالی بال ایل قیقندن الذ برایماق آقیدوب قله امر اید و بیاندن مرکب آلب خلق اقرارلرین
 وقیامتده دله ظهر وایده چک جمیع اوردین یازوب حجر الاسود یوطر ووب خلق انی اوبدکاری قیامتده
 هر کشتیک اقرارنه شهادت اید جک اولد یغیوندره هر یوز حضرت باقر حجر الاسود اوبدکجه (الهم امانی
 ادیتها و میناتی و قیت به ایتهدی عندک بالوفاء) دیر ایدی هر ویدر که حضرت رسول علیه السلام حجر الاسودله

قام ابراهيم جنت ياقوت نردين ابني ياقوت ندر كه الله تعالى انزل نور بن سبيلوب محو ايدى اكر ايله ايله
ايكسنگ نور ندين مشرقه مغرب اراسى برضا اولوزدى ديويورب بحر العلومده بحر الاسود جنتده آق
وياض ياقوت اولوب سابقا يوزينه بيت المعه ورايله ييله ايوب حضرت آدمه كسي اولدى آنك اوستده
او نور ايدى دينوب معتبرانده مذكور در كه بنى زيباى كه عه عليا تمام اولدقه امر خد ايله ابراهيم
عليه السلام مكه ده جبل ابني قبيسه جيقوب (يا ايها الناس كتب عليكم الحج الى البيت العتيق فاجيبوا ربكم)
ديوندا ايند كده قيامته دن من كل فج كايوب ايله جك رجال ونساء ايلك اللهم ليك ديوجواب خايلى ادا
ايدى يركم حج رايك مقدرا ولان عورت وار ايله جك كرى حج عدد نجه جواب ووردى حضرت ابراهيم
واسماعيل با تعليم جبرائيل جميع مناسك حج ادا ايدوب ابراهيم عليه السلام وطننه كيدوب كه عه نك خدمت
ومكه شهر نك حكومت ايسم ايله ايدوب ابراهيم عليه السلام وطننه كيدوب كه عه نك خدمت
آنك چون سار طاقه دن حجى انلزياده ايد رايه بعض معتبرانده مذكور در كه ابراهيم عليه السلام بريده نصكره
خاتونلرى ساره وايكني اوغللرى حضرت اسحاق ايله حج ايدوب جله سنى اسماعيل عليه السلام غايت
رعايت ايدوب بعده او حجى دخی وطنلر شه كند يركم اسماعيل عليه السلام مكه ده قلوب بعده اسحاق عليه
السلام هر ييل حج و ارب برادرى ايله بولشوب بعده وطننه كايوب مقوله دين اولان خدمت والدين ماجدين
ايله مقيد اولوردى كتاب اكتفاده ابراهيم عليه السلام وطننه كد كد نصكره هر ييل حج و ارب انلر نصكره
كلان جله انبيادى حج و ارب ايدوب مذكور در كه كعبه نك جله قاج كه بنى اولندي يوقا ورده باب احوال
امور سقيه ده تفصيل اولمشدرانده نظر اوانه (فانده) تفسير ابو السعودده مذكور در كه ابراهيم عليه السلام
(رب اجعل هذا البلد آمنا وارزق اهله من الثمرات) ديومكه نك معمور ائنه دعا ايد كده ارض فلسطيندن
برقر يي حتى تعالى مكه به ايكي منزل يره نقل و وضع ايدى تا كه اهل مكه آنك نعمت ايله تتم ايدى ر كى تفسير
لبيده دخی مذكور در كه دعاه من بورصد ورنده جبرائيل عليه السلام ارض طائف ولايت شامدن قويا روب
كعبه بي يدي كه طولا شد روب طواف ايدى مكن اسنى طائف قيوب مكه شمرى و اطرافى صيه و نعددن
خالى و م و اخلق دخی فقرا اولغين انلر سبب نعمت و رقايت اولغينون مكه قرينده شديكي مكاتنه وضع
ايدى م و اهل دينه ده ارض طائف ولايت شامدن كيموب قرآنده مذكور و اولان اصحاب عزم صريم
باغچه سيد كه جبرائيل عليه السلام ارض عتدن قويا روب كو نور مشدر ديومذ كورد و الله اعلم (فانده)
تاريخ مكه ده بحر الاسودله مقام ابراهيم و جاه زمزم آراسته طقسان طقوزيغيمبر قبرى واردر كه هر يري حج
كلكارنده وفات ايدوب انده دفن اولمشدر دينوب فوايح مسكبه ده قبر نوح و هود و صالح و شعيب مكه ده
زمزم له مقام آراسته در و دخی كعبه نك اطرافنده اوچيوزيغيمبر مدفوندر كه بنى بحر الاسودله ركن
يماني آراسته در هر يغيمبر كه قوى اى تكذيب ايشدر در ايجلرندن جيقوب مكه به واروب عبادت حقه
چالشوب انده وفات ايدردى ديوب حديث شريف مريد ر كى حضرت اسماعيل والده سى هاجر دخی موم
كعبه ده مدفون اولمشدر ر كى بعض معتبرانده مذكور در كه حضرت رسول عليه السلام الله تعالى بويته
يعنى كعبه به وعده ايدى ككه هر ييل اكاالتيوزيك كسبه حج ايدى كسك اولورسه ملائكه دن تكميل
ايدى تحقيق بيت شريف زينت ايله عروس يعنى كين كاوركي محشره كايوب هر كيم اكاج ايتش ايسه اورنونه
يا شمش كاور جنته ييله كيرلر ديوبور شدره اخر زمانده دجال قتلى ايجون حضرت عيسى كر كدن ايوب
فرقييل يريوزنده طوروب وفاتنه قريب اوچيوزيك عدد حبش كافرلى حكمت خدا ايله كايوب كعبه بي
يغيا جقلى و انلر قدمدن سبب عد اوئلرى ويوم قيامته امر حقه جانب عرشدن يديوزيك ملائك كايوب
كعبه بي تربين ايدوب التون زنجير طاقوب محشره دعوت ايدى كاردن كيموب جقندن اميد اعزاز ايله اظم اناز
ايدوب عاقبت لطف الهى و فضل نامتناهى ظهورنده جله حججى ايله ايلك اللهم ايلك ديوندا ايدى ر كى ائنه
يعنى جنته كيدى جكاري مطول كابلر ده مفصل يازمشدر (ع) مثلد ر عارفه تكي الاشاره (نزول صحف) حق
نعالى حضرت ابراهيم قول مشهور او زره اون صفيه بحر العلومده وغيره يازلدينى اوزره بكمى صفيه انزال
ايدوب جله سى نصايح و شروب امثال ايدى بعضيلى ر كى قدامه علماء عربى به ترجمه ايتكين ايجلرندن بر قاجى يينا

ذ كراوند يكه برى بودر (مهم الامه لا يابن آدم فان الرزق مقسوم والمحبص محروم والخيل مذكوم والحدود
مغموم والدينا لا تدوم والرازق هو الحى القيوم) برى دخی بودر (يا ابن آدم الرحيل الرحيل ترو فان الله
بعيد وخفف فان العقبه كود واخلص العمل فان الديان بصير) و برى دخی بودر كه (يا ايها الملأ المبلى المغرور
ان لم ابعثك لتبج الدنيا بضمها الى بعض ولكن بعثتك لترد عني دعوة المظلوم فاني لا اردها وان كانت من كانى) برى
دخی بودر كه (وعلى العاقل ما لم يكن مغلوبا على عقله ان يكون له ساعات ساعة يتاجى فيها ربه ويتفكر في صنع الله
وماعة يحاسب نفسه فيما قدم واخر وماعة يخالف فيها حاجته من الحلال والحرام من المطعم والمشرب وغيرهما
برى دخی بودر (وعلى العاقل ان يكون بصيرا زمانه مقبلا على شأنه حافظا لسانه ومن علم ان كلامه من عمله قل
كلامه فيما لا يعنيه) (قصه ضيافت) تاريخ قدسده ابن عباسدن مرويد ر كى حق تعالى حضرت ابراهيم
كالم غنا وروب مسافرن وغريابه اشيائه اولغينون ايكي قابولور مسافر خانه يا عيبدى كه ايجنه قيشده
قيش ليا سمرين يازده ياز ليا سمرين قيوب و دائما طعام له طولور سرفه طوروب برقه بودن كيرن غريب فارن
طوب روب استديكي لباسى آلب كيوب او برقا بودن جيقوب كيدوب مسافر خانه ده لباس و طعام اكلمد كيه
ابراهيم عليه السلام اكسك اولانى فى الحال اكالم و اتمام ايدردى نجه معتبرانده مذكور در كه حضرت
خليل ممتامه مان دوست و غريب نواز اولوب آينده ورنده به سرفه ر كى ميه مى صبح وشامده آماده
وكتاده ايدى اول جواد خضاتهاد شتا و صيفده بي ضيف طعام بيمامكه معتقاد اولغين هر يام وشامده يعنى
صباح و اخشامده بالذات كند و لرى پاى فلكقر سايلرله جوائب اربعه دن بر قاج ميل صحر او دشتى كشت
ايدوب مسافر آرايوب بولديغنى كتوروب عزيز و حقير غنى و فقير صغير و كبير هر كيم ايسه جله سنه كندوسى
بالذات انواع خدمات ايدوب عادت نجه آرايوب كسبه بولدقه اول صنى ذوقى قانع نجه كون صايم و جايغ
طورردى كشافده (شاكر لانه) آينده هر ويدر كه بركون مسافر آراكن ملائكه دن برفوج انسان
صورتده كايوب ابراهيم عليه السلام نولرى بليوب طعامه دعوت ايدوب ملائكه ابرار بجر دامتخان
ايجون كند و رين جذام ايدى كسبه دلالت ايدى بعض علامت اشعار ايدى كاردن پس حكمت بارى ايله سز
مريض و بن سالم و رى و لغين شكرا لله سز كه طعام يك بكافايت واجب ولازم ولازب اولمشدر ديمشدر
تفاسيرده قشاده قوا نجه جميع مالى صغير ايدى كه سور بيلرله كزردى دينوب تاريخ ميرخواننده سور بيلرله
قيونلرى اولوب شوبله چو غالمشدي ككه چو بانلر شلدرت يك عدد كبلرى و ارايدى دينوب معارج
النبو ده مذكور در كه اون ايكي بلك سوري قيونلرى اولوب اشوب و صايم و انعامى محض انعام و اطعام خاص
و عام ايجون بولدوب هر سور بيله بر كايوب و ارايدى كه هر بريك بويته يكر متقال اتوندن خلخال و ارايدى
بعض كسبه كاب ايله زركنه مناسبتى واردر ديوانه سار ايدى كده دنباى غذا و جيفه م و داو در جيفه كيشه
ايله كلاب او استده كلى مناسبت واردر ديوجواب صواب حكمت نصاب يور مشلر ضيافت خصوصه
مجزرات عظيمه لرندن برى بودر كه زمان شرف عذوانلرندن الى هذا الان نجه بلك بيلدر كه من ابراهيم الانوارلى
فى الايام والالامالى اصلا مسافر و مجاوردن خالى اولوب روح برقتو حليجون وجوه شتاليه تعين اولنان
مخصوصات قرادن هر كون نجه يوزنان ايله طعام فراوان بوشوب جله آينده ورنده به نعمت بى منت خليل
جليل كشيده ورسيده اولور ر كى اهل قدس آراسته مشهور و مذكور در كه بركيه توزيع طعامد نصكره
بر مسافر عمارنه حاضر اولوب غلبه جوع مانع صبر و هيجوع اولغين يا خليل الله آجم محتاجم ضيافتكندن يكا
دخی بر حصه ديوعرض حاجت و غصه ايدى كده قدرت و لطف حق ايله من ارشيفلر ديوارى شق اولوب
ايجندن برانده اسى تازه ائك جقوب اول سائل ارسال سائل اولوب مراده فائل اولدى ر كى انجاسده
مذكور در كه ابراهيم عليه السلام امت محمد عاليشاني ويوم قيامته دل جميع طوايف انسانى ضيافت ايجون
جذاب حقه عرض حاجت ايدى كده جبرائيل لامع النور جنتدن برقهضه كافر و كدوروب انك ته ايله ابراهيم
عليه السلام مكه ده جبل ابني قبيسه جيقوب او فورد كده قدرت حقه اطراف عالمه يايوب هر دوشديكي
ولايتده برلمه يدا اولدى پس طعام خراص و عوامدن بى شك متلك اوليان نك كه محتاج اليه جميع
انامد ر ضيافت خليل عليه السلامدر (اوليات) زمرة انسانده ابتدا اختان اولنان بونلر دخت شرف

مفهومه سکه سان باشند اینک امر او انفعین کند و الله را کند و برین سفت ایدوب صکره بونردن عادت قالدی
 * هر ویدر که عالمه طائفه سته غزا امر او انفعین چکنده ایکی طرفدن وافر کسته قیریلوب ابراهیم علیه السلام
 شمیدری دفن ایچون کافر لدن فرق ایده مد کده مسلمانله علامت اولمغیچون جناب حقندن سفت امر اولندی
 و معتبرات متفرقه ده مذ کورد که ابتدا طرفی کسک مسلمانله طوق متفرقه حقیقوب خطبه اوقومق قفرا
 و مسافرینه ضیافت ایتمک و الله مضمضه واستنجایتمک قولتی قیللرین یوق قاصق و باش تراش ایتمک
 اباغه باقی وغیری نسته کیلک و طون کیلک و اوق و یای دوزمک علاج ایچون حقنه ایجاد ایتمک کوزه سورمه
 چکنمک معانیه یعنی آشنایله قوجوشق و صاخفه یعنی مر حبالشتمک طعامده فریدایتمک غزمالنی تقسیم
 ایتمک تعبیر روایایتمک و راه حقده هجرت یعنی ترک وطن واختیار غربت ایتمک بر روایتده خلیله غزایتمک
 جله اول ذات شریقت ایجاد لطیفیدر * تفسیر اباید ابن عباسدن مر ویدر که مضمضه واستنشق ایتمک
 و باش تراش ایتمک یقی قرقق مسوالک طوقتی صفت اوق قاصق تراش ایتمک قولتی قیللرین یوق طرفتی
 کسک مسوالله استنجایتمک اشبولن نسته شریعت حضرت ابرهیمه مسلمانله فرض ایدی * کاب الا و اتلده
 مذ کور در که چکنده عسکری هجته و میسر و قلب طریقه ترتیب ایدن و ابتدای سبیل الله غزالیدن
 و چکنه سنجاق و کوردوب واران ابراهیم علیه السلام و کبراد زاده سی لوط پیغمبری روم کافرلی
 غارت و اسیر ایدن کلری ایشند کده کند و قوللری و توابعلری و واروب کافرله چکنایدوب حضرت
 لوطی قور تار مشلدر * جمیع انسانده صاحب وصال آغرمق دخی ابتدا و ندره واقع اولدی اوغللری
 حضرت اسحاق ایله کند و برین بلین کسته فرق ایده من اولغین فرق ایچون بر علامت ظهورینه دعایتمکده
 بر صاحب او یخودن او یانوب صقاللری شک بر مقدارق آغارمش و کوردوب نه علامتدرد و قورقوب
 نوروز یتدرد و یوحی اولد کده حظ ایدوب (رب زدنی نورا) دیدی بعده مبارک صقاللری جله آغردی احیانا
 حنایله دخی بو یارلردی * تاریخ میرخوانده صقاللری آغارمق بوزاللی باشند ایکن واقع اولدی دیو
 مذ کورد خلیل جلیل علیه الصلوٰه والسلام کل غداة واصیل حضرت نریسک منساق رفیعه
 المراتب لری و خصال واحواللری کاب مستقل اولغه متخلد * اشبو کابده ذکر اولسان شمس تاباندن بر ذره
 بحر عماندن بر طره مقوله سیدر (فضائل خلیل) معتبرانده مذ کورد که نانی اولی العزم کزین خلیل الله
 اولغین حبیب الله مدح کده افضل جمیع انبیایومر * سیدر کند و لردن صکره کلان جمیع انبیایا اتفاق بونرک
 نسلدن اولغین ابوالانبیاء دیکلمه مسیحی ایدیلر قره آن عظیمده بونرک حلیم ورشید و آراه و منیب و فانت و حنیف
 و شاکر و صدیق و صالح دینوب اجتناب و اصطفا ایله و ذمت همتیه التزام ایتدیکی اداء عبادتی و تحمل بلیاتی
 یا تمام ایضا الله مدح و ثناء یوریلوب انبیاء ذوی القوتو حدن هیچ بریسی قرآنده باق بومر تبه مدوح اولما مشدر
 تفسیرده (و اذ ابلی ابراهیم به بکلمات فاعمن قال انی جاعلک للناس اماما) آیتنده امامت ابراهیم عامه
 و موقیده در بر صکره کلان انبیانک جله سی بونک نسلند در اصول شرایع منیه و جمیع کالات انسانیه ده
 بو کافتدا و اثر مامون الاصرلر نه افتخار ایله امور ایدیلر دیو مسطوردر (تم اوحینا الیک ان اتبع مله ابراهیم
 حنیفا) آیتی بومعنایه دلیل جلیلدر * تفسیر اباید حق تعالی ابراهیمی امام الانام ایتمکین تار و زقیام جمیع
 اهالی ادیان مختلفه و طوائف متفرقه غیره و توفقه نک بعضاری دین و مذهبه بعضاری محسب و نسیده
 بو کامنسوب کیچوب جمیع ام عالم بو کاناغیت محبت و تعظیم و رعایت ایتمک اوزره درلر (واجمل لی لسان صدق
 فی الاخرین) دیو دعایتمک کری قبول اولغین قیامتده دل بین الناس محبوب القلوب و معززومر غوب اولمشدر
 امام انام اولغین امت محمد نجیبات دعاسنده (کاملیت و رجعت و بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم) درلرینه
 تفسیرده (ان ابراهیم کان امة فاشالله حنیفا) آیتنده مذ کورد که بو کامت یورلدی ام کثیره جمع
 ایده مد کری فضائل علیه و کالات بشریه بی جمع ایدیلر کیچوندر یا خود زماننده جله خلق کافر اولوب دنیاده
 بوندن غیر مؤمن اولدیلر کیچوندر حضرت رسول علیه السلام دن مر ویدر که آنشه عربان آنلده کیچوندر
 قیامتده جله خلق قیللردن قالقبو ملائکه جنتدن کتورد کری جله لدن ابتدا ابراهیمه کیدر درلر * فواج
 مسکیده ده مذ کورد که علم اسرار حروفده بر کاب تالیف ایدوب اشبو عالمه انبیاء تالیف ایتدیکی کتب باریک

بشچاییدر * بعض مشایخ علم حروف بونک معجزاتند نذر دیوب علم و فقهه ابتدائیکام ایدن بود علم عر دده
 ابتدائیکام ایدن حضرت موسی دردیشلر (قصه معراج) تفسیر تفسیرده ابن عباسدن مر ویدر که ابراهیم
 علیه السلام بر زمانده امر حقه سماء ذات البروجه عروج و ولوج ایدوب ایکی کسته نک مثالان علی التعاقب بر
 معصیت اوزره کوردوب انلر بددعا ایتمکین هلاله اولد قلدن یابراهیم قوللر مه بددعا ایتمه ایچ سیدن اوزری
 زیرا یا اندن صالح ذریب کتورم یا توبه ایده مغفرت ایدم یا خود عاقبتی جهنم اوله بیلز میسنکه حکیم بن
 اسماعیل در دیونده اخذ ابرشوب * معراج النبوه و مده اشبو معراجده درت کسینه بی بزرگوار ایشلر کن کوردوب
 اوچنه بددعا ایتمکین هلاله اولوب دردینجه بددعا ایتمک دیکلده نده من یورلرشدی دیوب بو محله ده
 جبرائیل خلیلی پرویز نه اندر و ولری هلاله ایتمدن اول دیوندا اولغین حضرت ابراهیم منزل شریفنه
 نازل و مقیم اولدی (احوال اولاد) تفسیرده مذ کورد که جله درت نقر اوغللری و ارایدیکه اسماعیل اسماعیل
 اسحاق مدین مدان ایدی من یورمدین شعیب پیغمبرک جلددر بعضار سکر بعضارون درت ایدی دیشلر
 یول اوغلی اسماعیل علیه السلام طوغد کده سکسان الی باطقان طقوز یا التمش درت باطقان باشند
 و ایکچی اوغلی اسحاق علیه السلام طوغد کده یوزاونیدی یا یوزاون ایکی یا یوزیکری یا یوز طقسان یا یوز
 یتمش باشند ایدی * معالم التنزیله ابراهیم علیه السلام جاریه لری هاجر ایله خاتونلری ساره و فاطمه نصکره
 اسماعیل اولان قوم کسماندن قنطورا بت یقطن آدلو خاتون الوب اندن زمران یقشان مدان مدین یسوق
 شوح آدلو الی نقر اوغللری اولوب صکره طائفه عربدن حوربت اهیپ آدلو خاتون الوب اندن دخی کیشان
 سروح امیم لوط یاسن آدلو ش نقر اوغللری اولوب اسماعیل مکده ده و حجازده اسحاق ولایت شامده مساکن
 ایدوب سائر اولاد لری چو عالمغین عمالک عالمه متفرق ایدی دیوب * بعض کتیده مذ کورد که اسماعیل
 و اسحاق نصکره قنطورا آدلو خاتونلردن مادی زمران شرح سبقت آدلو درت اوغللری حوری آدلو خاتونلردن
 ناهس مدین کیشان سروح امیم لوط یقشان آدلویدی اوغللری اولدی * قاموسده مذ کورد که طائفه ترک
 حضرت ابراهیم قنطورادن اولان اوغللردن بر سبک نسلی اولغین طائفه عرب رومیلر بنو قنطورا دیرلر
 * تاریخ میرخوانده مذ کورد که اولاد ابراهیمدن نبوت همان اسماعیل و اسحاق علیه السلامه نصیب
 اولمشدره بعض توار یخنده مذ کورد که حضرت ابراهیم حیاتده برادر زاده سی لوط علیه السلام مؤمنکات
 اهله اسماعیل علیه السلام مکده ده و یندم اولان جرهم و عالمه طائفه لرینه و سائر قبائل یمنه اسحاق علیه
 السلام ولایت شام خلقنه بر قول ضعیفه ده یعقوب بن اسحاق علیه السلام دخی طائفه یمنی کنعانه مرسل
 اولدیلر یعقوبله عبص که ایکز طوغشلردر جدا یجدلری ابراهیم علیه السلام حیاتده وجوده کلد کری
 مقرردر (امور متفرقه که حضرت ابراهیم متعلقه در) مر ویدر که سوبلدیکی لغت عبرانی اولوب عربی به بکزدی
 جله دن بری ابراهیم اقلطی عبرانی اولوب معنای اب و حیم دیکدر بود دخی ابوالانبیاء اولوب عامه خلقه مرحمت
 اوزره اولغین اول اسماعیل مسیحی اولدی * عرایس تعلیمده مذ کورد که کعبه بی اوغلی اسماعیل ایله بیارکن
 عیرانیجه هب لی کبیاعر بیجه هبات لی حیرا یعنی بکا طاش ویردیکدر اسماعیل علیه السلام دخی قالدروب
 و یروب عربجه هالغذه یعنی آشته آل دیر ایدی * معتبرانده مذ کورد که حضرت ابراهیم علیه السلام انواع
 طاعت و عبادتدن و خلایق دینه دعوتدن ماعداد معنای زراعت اولوب ضیافت مسافرن ایچون نیجه یوز
 چفتلری یور ایدی سوریلر ایله قیونلری و صفر لری یجد اولوب تفصیلی ضیافتلری احوالده مذ کور اولمشدر
 قصبات و قری تعمیر یشه سی کثیر ایدوب زماننده اولاد ایجاد لری نیجه شهر لر بنیاد ایتلشدر * کیفیت
 وفاتلرند اولان اقوالک بری بودر که عزرائیل علیه السلام قبض روح ایچون کابو سی دوستلله الله تعالی
 ایسترو دعوت ایدر دیوب بونلردن خلیفه طریقه دوست دوستی قبض ایدر دیوب عزرائیل
 دخی مقامنه واروب یارب خلیفک بویه دیردیکده سندخی اکادیکه دوست دوسته بولشمقندن قاجری
 دیو یورلدی اودخی کابو دید کده امدی روحی بجه ایله قبض ایت دیوب بر روایتده مقفی حال اوزره
 روحی قبض ایدیم دیوب ابراهیم علیه السلام یجد ایدر کن دیکین اول حال اوزره قبض ایتدی * انبیادن
 اویچ کسینه خفاة وفات ایتدیلر که بری ابراهیم بری داود بری سلیمان علیهم السلام در دیوب لکن کاب جامع

اعظمده یکریمی بیش کون خسته یانوب ماه محرم مک طقوزنی کونی روح روانلری عزم چنان ایندی دیویان اولغشدر * مدت عمرش یغاری اهل کلب قبولحه یوز بیش بش اکثر علما و اولجه ایکوز بهضار قبولحه یوز یکریمی اوج یانوب یکریمی طقوز * تاریخ میرخوانده اصحر روایات اوزره یوز طاقسان بندر و یوقدیرجه مدت دعوتلری یوز سکسان ییلدر دینوب * مدت عمرسان خلون یوز یکزی میندی یانور اونیندی یانور اوتوز یانور اوتوزیدی یانور بیش ایکزی ییل اییدی بعض معتبرانده اولاهاجر ص ~~س~~ ساره و ناللی ییلدنصکره ابراهیم علیه السلام وفات ایندی * مریدرکه حضرت ابراهیم چادر ایله ساکن اولوب اول محمد به اولیوب وفات ایند کده تابوت شریفی مدهما خاقوتلری ساره نلک جنازه سی قوندیغی مقاره شمالی زیرزمینه قونوب بدهده اسحاق و به قونوب و یوسف علم السلام و انزلک خاقوتلری دخی وفات ایند کارخجه انده قونوب بعد زمان مرزاشر یغاری اوستنه سلیمان پیغمبر علیه السلام چندره قاپوسوز و دلکسیر بر محکم ~~ص~~ صصار بایدورب بعد زمان روم طاققه سی دیوار ~~ص~~ صصار اختواری اشله سرکه ایله دلوب قانوزا چوب بدهده بیخ اسرا ایلدن اولوب حضرت عیسی به تشوب ایمان کدوزن یوسف نام کسنه اول قبور باهزر النور انیمائی کرام ایله تیرلک مرام اییدینوب ~~ص~~ صصار اینده اولر بایدی بعده مر و دزمانلر بر شهر آبادان اولدی دئومذ کورد

باب ثامن در احوال لوط نبی علیه السلام ابن هارن ابن آزر

مر وید که ابراهیم پیغمبر که برادر زاده می ایلوب انرا آشنیدن چقد قد و بن و نرین بونرا شد انصد بق ایدوب
ولایت غر و ددن ابراهیم پیغمبر له شهر حرانه بعده مصره یله کیدوب رجوع اکرندنه آنلر ولایت فلسطینده
قالوب لوط علیه السلام حص شهری جو اکرندنه ارض اکرندنه سدوم صوامم دادوما عامور از غر آدلوبش
پاره شهر خلقینی که هر رنده بوز رینک یا خود او تر کره یوز رینک کسینه وارایدی جمله سی بت پرست اولمقین دینه
عوث ایچون جناب حقدن مرسل اولوب سئومده ماکن اولدی * مذکور شهر لر قری و مز اربع و میوه
و حبوبات و سایر منافع ایله معه و اولوب اطراف و انگافده مشهور و معروف دحم جم و اولمقین اول قوم مستحق
اللوم مسافرین و متعدیری دفع ایچون چقا لازم کلوب بعض و جمله اذایه عازم اولدقن رنده تعالیم ایلیم رجیم
ایله اول فعل معلوم مذموم واجب الاجتناب دشیاده ابتدا بونلر ارتکاب ایدوب ولایتلر نه کدرایدن غر با
و مسافری نه آتی ایدر اولدیلر * بر روایتده شیطان رجیم بر کسینه به کند و بی وطی ایتدیر ملک طریقه تعلیم
ایتمشدر * مر وید که اول قوم بی شرم و هراس علی ملائک الناس ضراط و لواط و حل از اورو رجیم مسافرین دیار
و کبوتر بازاق و سنک اندازاق و فرقه اصابع و تصفیق بالیدوری بنادق و مضغ علف و مهارش کلاب و متافره
دبوله و مناطعه کاش و قطع طریق و نیجه کار ناصواب بین اهل الدنیا اشبواشیقیه مخصوص اولوب اهل بیت
غر و ددن مسدوم بن هاراق اولدوب پادشاهلری وارایدی * جامع الصغیر سیوطیه حضرت رسولدن مر وید که
عشر خصال عملها قوم لوطیم اهلک و اوتزیده هامتی شمله واحده اتیان الرجال بهضم بعضا و تزعم بالخالق
و الخذف و لعیم بالجمام و ضرب الدفوف و شرب الخور و قرض اللحمیه و طول الشارب و الصغیر و التصفیق و اناس
الحر و رتید امتی شمله اتیان النساء بعضهن بعضا * معتبر اندم مذکور در که لوط علیه السلام کفاری دینه
دعوت و ترک افعال شنیعه ایچون نصیحت اندوب زغر شهر رینک خلقی ایمانه کلوب درت پاره شهر خلقی عناد
و استکبار و نهی اولنسان معاصی پر آزاره بکرمی ییل یا او توزیدی ییل اصرار ایتمکین لوط علیه السلام (رب
انصرنی علی القوم المفسدین) دیو مناجات رب العالمین ایتدکده جبرائیل و میکائیل و امیرافیل یا خود جمله
طوقوزیاون بریا سکرملک بافرمان خالق فلا و فلا شکل انسان و صورت جو اکرندنه کلوب حضرت لوط علیه
السلامه ممان اولدیلر کفار اشرار خبردار اولدقن رنده اول دارشرف مداره هجوم ایدوب لوط علیه السلام
ملائکه ایدکار بنی بلیوب مسافر لومه تعرض ایتمال دیو کافر لره کاه منت کاه لوم و افر ایدوب ملائکه حضرت
لوطدن کمال غم و الم و بجاهده مشاهده ایتدکرنده عذاب کلش ملائکه ایدکار بن بلدر مکین لوط علیه السلام
بی خوف و اجتناب فتح باب ایدوب بعض کفار کلاب وار کیدکده جبرائیل علیه السلام قنادیل بوزلر نه
چالوب اعمی و روسیاه اولدقن رنده یا لوط بارین و فتنه حاضر اولدوب خاسر و خائب مسکله رنه ذاهب اولدیلر
(نص عذاب) اول کعبه لوط علیه السلام امر حقه مال و منال و بجه عیالین شهر دن جقارب اون

ایکی باهسان ایکی قبری واون نفر اتباع و اشیا علیه قول اصح اوزره ابراهیم علیه السلام بانه بعضی و لجه
زغر شهرینه بامصره کیدوب بعده ابراهیم علیه السلام اشبو کریمه لک هرین مسابقا آتشدن چقد قد
کندویه ایمان کتورناردن بروکسنه یه تزویج ایتدی * حضرت لوط علیه السلام خاتونی واهله که مدوم اهلندن اولوب
منافقه ایدی لوط علیه چیقوب یولده اوسته کو کدن طاش اینوب هلاک اولدی یا خود شمرده قالوب
کفر ایلد یله هلاک اولدی یا خود مسیح اولوب طاش اولد قد یکر می ییل طوروب بعده یره کندی *
مر ویدر که لوط علیه السلام چقد یغنی کیجه نک صبا حنده کون طوغد قد جهز اتیل علیه السلام اولد دوت
بان شهر مصحق القهری مفسرین قولنج بهش شهری قنادیه فالدیروب خروملری آوازین ملائکه ایشده یکن
قدر کوکه یقلا شد قد کافر ل اویورل کن باش اشاعه دوندروب اوزر لینه کو کدن طاش یا کبر تله آتش
یاغوب جله سی هلاک اولدی بر بعده اول مکان ویران غضب نشاندن بد رایجه لونساه موجی قوب کول اولوب
(وتر کافیا آیه للذین یخافون العذاب الالیم) آیتندن مراد بودر یستلر من بور شهر لری باش اشاعه دوندروب لکن
قرآند مؤتسکات دیو تسعیه اولمشدره تفاسیر ده کافر ل اولار چه بعده خصف اولند بلرد یو * و دخی قوم لوط
مکه ومدینه یاشام ومدینه اراسته دوت ییل نفر کسنه ایدیلر اوزر لینه کبر تله آتش یاغمشدر دیو روایت
اولوب لکن ایکی سی دخی (وجعلنا علیها سائر ما طرنا علیها حجارة) آیتلک مفهم ومنه منافق ایدوکی
اهل فهم صافی یه خانی دکلدر * تفاسیر ده بر روایتده شهر لده اولنلر خصف اولوب مفرد و شهر لردن
طشره بولسانلره طاش یاغوب بر کافر مکه ده تجارتده بولنجین کو کدن بر طاش اینوب قرق کون هواده
طوروب حرف ضلالت البف حرم شریفن چقد قد اول طاش باشین دلوب هلاک ایتدی * بعض کتبه
مذکور در که جمیع قوم لوط ایچنده اول فعل مذموم معلوی ایشان همان قرق نفر مقداری کسنه اولوب
سائر ل کفر و شقاده برابر اولنجین جله سی غضب حقه مظهر اولدی (امور متفرقه) مر ویدر که حضرت لوط
علیه شریفه لری میانه قد سیاه چشم ضمیم البدن طویل الساقین طویل الساعدین اولوب صنعتلری
زراعت و حرث ایدی سختی و فعل و مهمان دوست اولوب شریفته و سائر احوالده عجبی حضرت ابراهیم
اقتد ایدردی * جهز اتلندن بهضی بونلر ایدیکه برد فقه هواده اصلا بوات بوغی کن امر حقه یغفور
یاغوردی برد فقه دخی بر طاش اوستنده او بود قد مبارک باشی طاشه تأثیر ایدوب بری چقر قالوب بوحالی
کونلرک بعضیلری ایمانه کلدیلر * روم کافر لری ولایت غارتیه کلد کارنده بونلری طوبو ایدوب
ابراهیم علیه السلام ایستد کده عسکر چکوب واروب تور نار دینی یقوار وده اولیات حضرت ابراهیم
ذکر اولمشدر مدت دعوتلری یکر ییا او توزیدی ییل اولوب هلاک کفار ندی ییل مکره سکسان یاشنده
حضرت ابراهیم حیاتده وفات ایدوب حضرت ابراهیم من اوی اوله حق مقارده دفن اولندی دینوب بعض
کتبه ده مکه ده خطیده مدفوندر دیو بر حدیث شریف مر ویدر والله اعلم

باب تاسع در احوال اسماعیل بن ابراهیم الخلیل علیهما الصلاة والسلام فی کل غداة واصیل

والدة ماجده لری بدولت مصر پادشاهی باغتالادینی هاجر نام جاریه شرف ساریه در بدولری سکسان
القی باطهسان طقوزی بالشمس درت یا طهسان باشنده ایکن طوغوب منکوحه لری حضرت ساره دن اصلا
اولاد کما مکن بر مقضای بشریت و مبتغای غیرت زوجیت غبطه و حیت چکد کده امر حقله ابراهیم
علیه السلام هاجر و اسماعیلی براق شرف نطق الیه مکده یا لتوب بر ابر خرم او برقریه مالیه انده براغوب
(ربنا انی اسکنت من ذریعتی نواد غیر ذی زرع عن دیتین الحرم و نبالیقعو الصلاة فاجعل اخذه من الناس
هو الیم وارزقهم من الثمرات لعلمهم بشکرون) دیودعالیوب فی الحال و طنه رجوع ایتدی * اول زمانده
اسماعیل علیه السلام ایکی باشنده اولوب یا خودمه امر دی بعده هر آیده یا یلده بر کره ارافه مکده به صاح
کیدوب وقت شخصی ده واروب بر اقدن انجیوب حاللین صورتی به فی الحال دورتری بر روایتده بودعانی
کعبه بناسند نصکره اسماعیل علیه السلام شکارده ایکن کلوب او غلری حاقوندن اتکالیه خرما
سنیوب اول دخی بودید کاریکزی بر تلز زید کده ابراهیم علیه السلام کمال منحت و رقت الیه بکایتدی
مخلده ادا ایتشدر * هر ویدر که هاجر و اسماعیل ابتدا مکده قالد قده اول مملکت بالکابه ارض خلیه اولوب

جنس انصاف بر فردانده مکین اولماقین حضرت هاجر وحشت و حیرت و غربت و کسرت و بیله
 صفایه مر و مارا رسیده ادم اولوب چست و جو و تنک و پوایدوب عاقبت جبرائیل علیه السلام کلوب قوی
 آشوب عطفدن دفع آشوب ایچون آب زمزم کوثر سیایدا اولدی بهد زمان دیار عتدن طاقه عربدن قبیله
 برهم کلوب زمزم اطرافنده و قونوب تدریج ارض مکه آبادان اولدی اشب و قبیله احوالی جلد ثانی اواخرنده
 باب ملوک جرهمه بیان اولور * کتاب الاکنفاده مذکوردر مکه شهر تنک بری اسی اولوب صونی دخی
 غایتله آزار لغین میشه زار اولوب انده اصلادار و دیار اولوب عربدن طاقه عمالقہ عرفات قرینده اولوب
 اسماعیل ایچون آب زمزم نظم و رایت کده عمالقہ دن ایک کشتی دوه لرین باوی قیلوب آره به وق عرفاتدن
 مکه به کلوب بر اعیت پیکار آشکار اولد بغنی کوروب قبیله سنه خبرورد کده جله سی اول ماه لطافت انما
 ایچون کوروب مکه ده توطن ایتدیلر (قصه ذیح) مر ویدر که اسماعیل علیه السلام اون اوج یایدی بادر
 یاشنده ایکن بر کجه بدرری ارض فلسطین ده خانه جنت نشانه لرنده اوپورکن جناب رب صدق ذیح
 ولدا امر اولغین براق برق رفتارله مکه به وارد قده اسماعیل هاجر یاتدن آلوب ایچ و بچاق کوروب عرفات
 یاتدن منا طاعن لرندن برینه وارد قده (یابنی انی اری فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا یری) دیو عرض ماجر
 ایتد کده اسماعیل توکل آیین (یا ابت افعل ما توامر) تجدی ان شاء الله من الصابرن) دیو امر خدایه کال تسلیم
 و رضا کورستوب نیجه وصیت وقیل وقال ووداع و بعض احوال صدورند نصکره طرفیندن امر رب العباده
 کال انقیاد اوزره ابراهیم علیه السلام اسماعیل یانن باقوروب بوغازنه بچاق جالد قده (نظم) اگر تیغ عالم
 بچیند زجای * نبرد کی تا نخواهد خدای * غواستجه بچاق کسب و فب فی الحال جناب رب متعالدن (یا ابراهیم
 قد صدقت الرؤیا) دیوندا کلوب جبرائیل علیه السلام نظم را قوال اوزره سابقا هایل بن حضرت آدمک
 قربانی اولوب جنته طورن قوجی فدا کوروب مطیع مان امر ملک اکبر اولان بدر و پسر غایت شادمان اولوب
 انی قربان ایتدیلر اول و چکن بو سوزلری کعبه نک میرانه آملوب نیجه یکن ییلد نصکره حجاج طالم مکه ده
 ابن الزبیری محاصره ایدوب حرم شریفه مخفیله آتش آتد قده کعبه نک اور توینی یا نوب بو سوزدخی یله یاندی
 * معتبرات مطوله ده قصه ذیحده روایات عجیبه و حکایات غریبه یازلشد که نظر ایدنره مورث حیرت و باعث
 عبرت اولور (امور متفرقه که احوال حضرت اسماعیل علیه متعلقه در) لسان عبرانده اسی اشمول اولوب عربلر
 اسماعیل دیدیلر معنای مطیع الله دیکل ایش * مر ویدر که بابالری یونلری اون اوج یاشنده سنت ایدوب اون
 بش یاشنده بالغ ایکن والده لری هاجر آخرته سفر ایدوب کعبه نک دیواری دینده حطیده دفن اولندی
 اندنصکره قوم جرهم یونلری اولند یروب یدی دانه قیون باغشلا یوب برکت خدایله اوره یوب آرزمانده
 چوغالادی بروراینده اسماعیل اولند یرن قوم عمالقہ اولوب بعده قوم جرهم یاتدن کلوب مکه ده ساکن اولدیلر
 اسماعیل علیه السلام اوزر یایکری یایکری الی یاشنده بابا سی حضرت ابراهیم الیه کعبه بی بنا ایدوب بعده
 اسماعیل مکه ده قوت و قدرت و مال و منالی کثرت یولوب مواشی و حواشی اولکیدن زیاده اولدی
 عمالقہ دن برقرت کا جازوب جمع اولدی بعد زمان اشارت حضرت ابراهیم الیه نوشایوب قوم جرهم
 پادشاهنک قیزی نکاحلندی حضرت اسماعیل عالم صباهه کیفیت نشو و نما سی بعده کیفیت تاهلی
 و بعض احوالی و نسلارنک کثرتی اشاعیده ملوک جرهم یاشنده تفصیل اولور * ابراهیم علیه السلام حیاته
 یالنک وفاتد نصکره حق تعالی اسماعیل مکه ده وینده عمالقہ و جرهم بعض طاقه لرهنی مرسل ایدوب
 ینده مأرب و حضرموت شهر لرینه واروب الی ییل ایمانه دعوت ایتدیه ده آز کسینه ایمانه کلدی بشقه
 شریعت نکلی اولوب شریعت حضرت ابراهیم الیه عمل ایدر لردی * بعضیلر ایتداعریجه سویلار و عربی آنه
 بنن یونلردی دیوب بعضیلر ایتداعریجه سویلن یعرب بن خطاند که اسماعیلدن اول کلدی دیوب * تفسیر
 لبیده عربی و سارغانی ایتداسو یلیوب کلب ایدن ادم علیه السلام ایدوکی اصغر دیوب مذکوردر *
 مر ویدر که اوق یونقده و اوق آتقده غایت ماهر اولوب قبل النبوه هر کون مکه شهرنک اطرافنده شکار
 ایکنکه معتاد ایدیلر صورت و سیرتده بدرلر ینه بکزیوب کریم و حول و صبور و اهل سعد و امان و شفیق
 و صادق القول و الوعد ایدی * قرآن عظیمده صادق الوعد اولوب اهلته صلوة و زکوة امر ایدردی

دیو یولوب ینه قرآنده (وکان عند ربه مر ضیا) دیو مدح و ثنا اولمشد و کشفده برکسینه ایل بربرده و نشسته
 قولاشوب زمان موعود و مکان معهودده بعضیلر قولنجه اوج کون ابن عباس قولنجه تمام بریل طوروب
 خاف و عدا و اسون دیو توقفت ایتد بکچون قرآنده صدق و عدله مدح اولندی دیو مذکوردر * مر ویدر که
 وافر معجزه لری اولوب برسی یواید که نیجه ییلد نبرو سودی کسایش برقیون کتور یلوب مبارک لاریله
 عمه سین صفا دقده فی الحال سودلوا ولدی و دخی برکون منزل شریفه ینه بر جماعت کلوب ضیافتلرینه
 حاضر ییه چکن بولنماقین برقاب ایل آب زمزم کتوروب اوستنی اورتوب دعا ایدوب آچد قده بقدره الله
 ذی الانعام نیجه در لوطه ام ظهور ایتدی * مر ویدر که جله اون ایک نفر اوغلاری اولدیکه توایمخده اسماری
 بودر نابت قیدر اذیل منشی مسمع مانی دما اذر طیمایطویش قیده ما بعضی نابت برینه سرف
 ناه مثله ایل نابت دیوب بعضیلر نابتله قیدر برکسینه نک اسمیدر دیوب بعضیلر نابت برینه نایدیوب بعضیلر
 اسماعیل اوغلاری تمام اون نفر ایدی دیمش لر عربی به ترجمه اولنن تورا شریفه ده نبیوت قیدار از نبوتی
 مبسم مشع ذوما مشاخذاد ثیما بطور نقاش قدام دیو مذکوردر * مر ویدر که حضرت اسماعیل
 پیر اولد قده قیداری وصی و ولی عهد اید یوب آرزماند نصکره وفاتلری قریب اولغین برادر لری حضرت
 احصاقی چاغردوب کند و نک تسبیح آد لوقین آنک اوغلی عیصه نکاح ایتدی و بعض امور وصیت ایدوب
 یوز او تزییدی یا یوز او تزی اوج یاشنده ایکن وفات ایدوب والده لری هاجر یاتنده حطیده یارکن ایل
 مقام اراسنده دفن اولندی پدری وفاتده مکسان طقوز یاشنده اولوب بعده فرق یدی یا تمام الی ییل
 یسادی دیمش * مر ویدر که وفاتد نصکره اوغلی قیدر بره و جب وصیت بدر کند و برادر لری تنک یشواسی
 و جمیع قبائل عربک رئیس و مقتداسی اولوب حضرت حبیب خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم ایدا
 سرمد از یور قیدر نسلندن اولوب ینده دخی بنی قحطان قبیله لرندن غیری جمیع قبائل عرب اسماعیل
 علیه السلام نسلندن ایدکاری محقق و متفقدر * مر ویدر که نابت ایل قیدر مکده ده مقیم اولوب باقی
 اون نفر برادر لری اطراف واکفاده اولان قبائل عرب طاعلوب کسللری چوغالده اعدا لرینه علیه اوزره
 بکنور لردی * تاریخ میرخوانده نسل اسماعیل چوغالوب مکه شهرینه صغنیوب اطرافه طاعلده قازنده
 هر کیدن طاقه تبرکازم شریفدن بر طاش کوروروب کعبه اوزر سنه آنی طواف ایدوب بهد زمان
 هر بکندکاری طاشه طواف ایدوب عاقبت صحف حضرت ابراهیم اوقومنی و ضعیفله عمل ایتدی ترک
 ایدوب اغرای شیطانله عبده اونان اولوب اماج ایتدی و تعظیم کعبه بی و بعض احکام شریعتی ترک ایتدیلر
 دینوب * بعض معتبرانده (واجب بنی و بنی ان تعبد الاصلام) ایتی دلالتی بودر که جمیع نسل حضرت
 ابراهیم عبادت صحن معصوم اوامش اولد یروب حضرت اسماعیل و ذر تنک نیجه احوالی مشابیت
 کایه اقتضایله اشاعیده ملوک قوم جرهم یاشنده بیان اولنه جقدر آنده نظر اولنه

(باب عاشدر احوال احق نبی علیه السلام)
 ابن حضرت ابراهیم علیه السلام من الملک الرحیم * بدر لری یوزاون یدی یا یوزاون ایک یا یوز بکری یا یوز
 طقسان یا یوز تاش یاشنده ایکن طوعوب والده لری حضرت ساره طقسان یا طقسان طقوز یا تاش سکز یاشنده
 ایکن قوم لوط هلال اولد لری کجه ده حامل اولوب ملک یشارت ایتدکاری یونلردی قرآنده (و بشرناه بسلام
 حلیم) و دخی (و بشرناه باحق نبیامن الصالحین) دیو یور یلوب کجراتنیا و مرسلیندن برادر لری اسماعیل
 علیه السلام دن او تزیاون درت یا همان بش ییل صکره طوعوب پدری یوق همان یدی کونی سنت ایدوب
 حتی اوسیدن بدنی کونی سنت طاقه بنی اسرائیل عادت اولاشدی * مر ویدر که ییود کده بدر و مادریله
 ججه واروب وطنه کلد کزنده هر ییل ججه واروب ییول برادر لری اسماعیل کوروب ینه وطنه کلوب خدمت
 والدین ماجدین ایل مقید اولوردی بعده عم زاده سی حضرت لوطک بر قیزی نکاحلنوب پدری حیاته
 ولایت شام اهلانه نبی مرسل اولوب ارض فلسطینده مقیم و مکین اولدیلر * مر ویدر که صورت و هیئتده
 و اخلاق و سیرتده بدر عالی کهر ینه غایت بکزرودی حتی صفاتی کلد کده ده کسینه ایکسین فرق ایتامکین
 قدرت حقه بر کجه بدرلر ینک صفاتی آغردی کجاصحابه و نابیندن نیجه لر حضرت ابراهیم الیه حقه

تبع ایتک دیادی اوغلو بودر مباشرت ذبح و نزول فدا قدس شهره ایکی میل یرده ایدی دیوب سنی دار
 قطعیده (الذبح الحق) دیوب رحمت شریف ذکر اولوب لکن اکثر سلف و خلف قنده ذبح اسمعیل اولوب
 تقییر قاضیده بش دلیل جلیل الیه اثبات و تفصیل اولمده نجه واریخته اسحق و شعیب علیهما السلام
 یرلکده اعی اولدیله دیوب لکن مواهب لدیه ده اصلایر بیغمبر اعی اولمده زرا اعمالی تقیصه
 اولمده انبیا او مقوله دن میرا در دیومذ کوردی * هر ویدر که التمش باشند عیص و یعقوب آدولایکیز
 اوغلاری طوغوب بیود کارنده عیصی زیاده جه سومکین بکایر بریان کتور سکایه فمیرلان ایچون دعا ایدیم
 دیوب عیص شکاره کیدوب خاتونلری یه قوی زیاده سوکین آتی خیر دارا دخی عیص دن اول بریان احضار
 ایدوب اسحق علیه السلام بیوب خط ایدوب یرلکدن اولان ضعف بصیرت سیدیه کتور عیص صانوب الهی
 براوغلومه رسالت و برمه و عیور مش ایدل اشبو بریان کتورنه اونبوت و رسالتی اعطایله دیودعا ایدکده
 فی الحال عیص نبوت حر یص دخی بریان کتور و واقع حال معلوم اولدقه بالکلیه محروم اولماقی ایچون
 وفرت رزق و کثرت اولاد ایچون دعا ایتدیله جیسع دعا رسول مقبول اولوب بعد زمان یه قوب علیه السلام
 طائفه بنی کنعانه هر سل اولوب عیص دخی عمیسی اسماعیل علیه السلام قیردن روم آدولوا و غلو
 اولوب دیناده طوائف روم و یونان آنک نه لی اولوب عیص دخی ارمن آدولور براوغلو اولوب طائفه ارمن آنک
 نسلیدر * بعض معتبرانده عیصک ولایت رومده اصر آدولور براوغلو اولوب طائفه روم آنک نسلی اولمغین
 جهل شنه بنی الاصفدر لر دیومذ کوردی * هر ویدر که اسحق علیه السلام یوزسکسان یاوزاتمش یاوز بکری
 باشند وفات ایدوب پدر و مادر لر دخی اولندی یغی مغاره ده دفن اولندی اوسمه ده یوسف علیه السلام
 مصر ده عزیرا و انندی دیوب بر روایت حکایت اولنوب لکن صحیح ایدوکی غیر مسلمدر والله اعلم

(باب هادی عشر در احوال یعقوب نبی علیه السلام)

ابن اسحق بن ابراهیم علیهم السلام لقبی اسمرائیل اولوب معنای صفة الله یا خود عبدالله دیکل ایش *
 هر ویدر که جدا ایچدی حیاته پدیری التمش باشند ایکن عیص الیه ایکی طوغوب پدیری حیاته یا خود
 وفاتند صکره بر قول ضعیفه چاق دده می حیاته قدس سل شام اراسته اولان طائفه بنی کنعانه نبی هر سل
 اولوب آنده توطن ایتدیله حلیه شریفه لر کندی کون طویل القامه نحیف البدن اولوب پدیری کبی حلیم
 وسلم و حول و صدوق و کریم ایدی پدیری وفاتند صکره یا خود آنک حیاته طایرینک یادیر لری نیک
 راحیل آدولوغایت سنن قیزی بدی ییل چو یانلق شرطیه امتیوب وعده قمامنده لیا آدولوب یول قیزی و یروب
 بعده راحیل ایچون بدی ییل دخی چو یانلق ایتدیروب بعده شریعت حضرت ابراهیمه نکاحده جمع اختین
 حلال اولمغین راحیل دخی و یروب یا خود لیا وفات ایتدکده و یروب اولایادن رویل شمعون لاوی یهوذا
 ایسا حار یالون آدولواغلاری دینه آدولوب قیزی صکره ایکی جاریه دن دان نقال جاد اشیر آدولواغلاری بعده
 کندیسی تمش اوج باشند ایکن راحیلدن یوسف ایکی ییلدند صکره بنیامین آدولواغلاری اولوب بعض علما
 اسامی اخوه یوسفی نظم ایدوب دیشدر که (نظم) ایوسف اخوه اصحاب محمد * اسامیم اذا صحبت فاز بر *
 یهوذا ثم رویل ولاوی ریاون وشمعون ویشجر ودان ثم نشالی و جاد وبنیامین عاشرهم و اشیر (نثر)
 هر ویدر که اولاد یعقوب حضرت ابراهیم و احبائک اوغلی اوغلاری اولمغین عریجه یونلرکده حله اسباط دیرلر
 باشد جلد نیک یوکی قول بعض اوزره یهوذا قول اکثر اوزره رویل اولوب لکن حضرت یوسف دن غیر یسئل
 اعلم و اعقل واکلی و افضل یهوذا اولوب بعضیلر قولنجه سردار لری شمعون ایدی یونلرکده توتلرند اختلاف
 اولنوب تفصیلی اشاغیده باب انبیاء مشبهه الاحواله بیان اولنور * تاریخ میر خوانده حضرت یعقوب
 نسلدن تمش ییل یغیر کلشدر دیوب نجه معتبرانده اسباطند صکره کلان جیسع انبیاء و مرسلین اسباط
 نسلند و الا یوب و شعیب و یونس و حضرت محمد علیهم الصلو و السلام دیومذ کوردی (احوال قصه)
 براق) تفصیلی الیه مشهور آفاق و شتاج کشیر اوراق اولوب استماعی قلی اوراق یتکله محال یطاق اولمغین
 اولی باید کمال ایجاز و اختصار و ذکر اهم مهمات و نوادر روایته اختصار ایتدیر * پس حضرت
 یه قوب سخت رفیق فراق یوسف صدیق الیه بیت الاخرانده نجه ییللر کر بران و نالان اولوب بعده بنیامینی

حضرت یوسف مصر ده برجهان الیه یقود قدیه تضاعف اسباب فرقت و هجران و ترادف انواع کربت و احزان
 سبیلده دایما کثرت نکادن التي ییل مبارک بصیر لر بی نور و فر اولمندی شدت حضرت حسرت الیه اول نبی
 صبی آگاه (انما الشکو بنی و حزنی الی الله) دیوب منتظر لطف الیه عز علاه اولمندی جیسع مدت فراق اکثر علما
 قولنجه خصوصا عربی یه ترجمه اولمش نورا شریفه دن مستفاد اولان اوزره فرق نیجه لر قولنجه اوتوز
 التي یا اوتوز یا سکسان یا اوتوز درت یا بکری ایکی یا بکری درت یا تمش یا تمش بدی یا بکری بریاون
 سکز ییل اولوب بعده خبر بشارت اثر الیه مصر دن پیرهن پسر عالی که رکده کده یوزلر شنه سوروب کوزلری
 بر نور و قاب مکسوری مسرور اولدی پیرهن کلزدن اول سکز باوج کونلک یولدن رایحه فایحه سن اول
 نبی همای استقام ایدوب یوسف کتور کتور کلام ایتدی مز یور پیرهنی ابراهیم علیه السلام
 آتشه عربان ایتدقه جبرائیل علیه السلام جنتدن کتور و یوب ایلردن احصا قه اندن یعقوبه قلوب یوسف دن
 آیریلور کن برهیکل ایچنه قلوب سائر اوغلر ندن کیزلور یوسفک بازو شنه باغلامشدی بعد وصول
 الخبر کتور و انانیدن تمش نقر اولادیه و نسلار یه مصره سقا ایدوب اعظم مرادات اولان ملاقات فرح آیات
 علی احسن الحلات حاصل و انواع اسباب سرور و صفایه واصل اولدیله * بعده یه قوب علیه السلام مصر ده
 اون بدی یا اون التي یا بکری درت یا بکری بدی یا بکری اوج ییل یثا یوب مدت عمر شری بنی یوز قرق بدی
 یا یوز قرق بش ییل اولدقه مصر ده وفات ایدوب یوسف علیه السلام جنازه رحمت اندازه پدر فر دوس مقبری
 بر موجب وصیت قدسه یقین مز ارباهر الانوار جدد بزرگواره ایلنوب بعده یوسف علیه السلام مصره عودت
 ایدوب مشغول امر حکومت اولدی (متفرقات) هر ویدر که تابوت یه قوب علیه السلام قدسه کادکده
 برادر ی عیص که ایکی طوغوشلردی بحکمه الله اول کون وفات ایش اولمغین ایکیسی دخی قبر واحدده
 دفن اولندیله * کشفده حضرت رسول علیه السلام یعقوب علیه السلام فراق یوسفده اضطرابی
 نه مر تبه ده ایدی دیو جبرائیله سوروب تمش مانزده خاتون اضطرابی قدر ایدی دیوب پس آنک مقابله سنده
 تقدار ثواب و برلای دیدکده یوز شهید ثوابی قدر ثواب و برلای جیسع مدت فراقه الله تعالی به حسن ظنی
 یوزلدی دیو جواب و برش دیومذ کوردی حضرت یه قوبک یوسف دن غیری اوغلر یلک احوالی اشاغیده
 باب انبیاء مشبهه الاحواله ذکر اولنوب انلرکده لاری اولان نبی اسمرائیل احوالی جلد ثانی آخر نده باب
 احوال اعمده مفصلا بیان اولنور حضرت یه قوبه علاقه می اولمغین انده نظر اولنه

(باب ثانی عشر در احوال یوسف نبی علیه السلام)

حضرت حبیب خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم ماسی ساح بین المروة و الصفا یونلری مدح و تعظیم
 ایدوب الکرم بن الکرم بن الکرم بن الکرم یوسف بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم دینسلر در احسن
 اقص و عبرت حصص اولان سرگذشت مورث الفصص لر محتاج تطویل کلام و معلوم اکثر انام اولمغین
 اشو تاریخ مفید و مختصر ده که اهم مهمات و بعض نوادر ذکرینه منصرف در یانی لازم اولان مرتبه کمال
 اجمال حسب حال لر یوم نوال اوزره در که ایکی باشند پدیری الیه دیار کنعانه سقا ایدر کن قدسه بر قوناق
 یرده والده لر راحیل بنیامین آدولواغلای طوغر رکن اصح قولین اوزره وفات ایدوب ایکی دخی دخی عمری
 یعنی خاله لر یه لمیوب اون بدی یا اون ایکی یا همان بدی باشند واقعه سنده تمش و قرالیه اون را ختر کندوبه
 حجه ایدر کورمکین خصوصاً پدرینک احب اولادی اولمغین اون نفر برادر بر آرزوی یو کا حصه و باب شفق
 سدا ایدوب اون بدی یا اون ایکی یا اون سکز یا همان التي یایدی باشند بالغ یا نابالغ ایکن سیمه نه سیله پدیری
 ایاز تیل صحرایه ایلنوب اوج فرخ کتد کارنده آبی شور و سیاه برجه و حشینه ایچنه آتوب جبرائیل
 علیه السلام قتاده طوب انواع بشارتله تسلیت ایتدی بعده سبب فرج و فرح و دفع غم و روح اولان
 دعاه مأثور مشهوری تعلیم و تفهیم ایدوب بازو بندند اولان پیرهن جنتی الباس و دفع و حشت ایچون انکله
 ایتداس ایدوب اول حالده لطف رب العزة الیه نبوت دخی و یریلوب یا خود نبوت و یریلر جکنه بشارت
 او انندی او چنی پادردنی کون شمردنندن فانه الیه راه مصره تجارت ایچون سالک و صابی اولان مالک بن
 دعر الخزاعی چاچدن یقارب برادر لر یو قلغه کاد کارنده بکری باقری ایچنه انلردن صانوب کوب قدیدن

تختگاه ملوک مصر اولان منف شهرینه ایلنوب بولده واند غریب امور صد و ایدوب عزیز مصر یعنی وزیر اعظم اولان قطعی بن عباس قولنج بکری التونه و برجفت شجاعه وایکی قفانه صاقون الوب و هب قولنجه سیم و زور سر برلر برندن یوسف آغرنجه ویردیکی درتیه و زبطنان ایدی تفاسیرده ذکر اولنان (یوسف اعطی شطر الحسن) حدیثی مفهومی و منجه روی بنیشت خوی یوسف عنبر بویده نور نبوت و حسن و آن مانند خورشید درخشان لعان ایدوب حتی طاق و رواق و جدران اوزره منعکس و تابان و جمال با کماله ناظر اولان جمیع انسان و اله و خیران اولغین اسمی و اعیل لقبی زلیخا اولوب اون بش یاشنده تازه و حسنا اولان خانوق بی اختیار عاشق زار و مملو به الصبر و القرار اولوب و صلتیه دعوت ایتد کده صدیق صاحب صداقت مشتمل صداقت اولان مرادنه محافت ایتمکین زلیخا کاسکاستاد تممت ایدوب زلیخا کاسک اقربا سندن یدی آیتی بر او غلامی قدرت رب اله زه ایه برات و صداقت یوسف با عصمت شهادت ایدوب بعد زمان مکر زمان ایه شهر دن بر قاج منزل دور اولان محبس منفورده ظلم بش ییل حبس اولوب بعده پادشاهک خواصندن اولوب بر خصوص ایچون سابقدن محبوس اولان ایکی کسسه نیک بر واقعه لر بر نه نجات و عزت و بر نه صلب و سیاست ایه تعبیر ایدوب امور آتیه به متعلق بی شک و ریب نیجه احوال غیب دن خبر ویردی * تفسیر ابیابده زندانده ایکن محبوسله دعوی نبوت و دین ابراهیمه دعوت ایدوب تعبیر و علم غیب اولان معجزه لرین اظهار و نیجه اسرار آشکار ایدردی دیومذکور در بعده زندانده یدی ییل دخی ارام ایدوب اون ایکی ییل تمام اولد قده مصر کفر عوفی یعنی پادشاهی اولان ریان بن ولید علی قی قرآنده بیان اولندیغی اوزره بر واقعه غریبه کور و یوسف دن غیری کسسه تعبیر ایدمه مامکین انواع تعظیم و توقیر ایه چقار و یوب کمال زینت و شوکت ایه کتور و یوب پیش ایکی در لولفت ایه سو یاشوب * کشفده مذکور در حدیث شریف مفهومی و منجه ریان یاشنده بر ییل طوری بعده قطعی و زارندن عزل اولنوب یا خود وفات ایتمکین آنک بر نه عزیز یعنی وزیر اعظم حتی صاحب تخت و تاج و خاتم ایدوب جمیع امور بر یوسف مغفوض و مسلم ایتدی * بعده شاه و بعض اهل شهر و پناه ایمانه کلوب بعده زمان ریان وفات ایدوب بر نه فرعون اولان قابوس بن مصعب ایمانه کلوب لکن حضرت یوسف غایت تعظیم و رعایت ایدردی * تفسیر ابیابده اون یدی یاشنده قیوبه آنلوب اکثر محققین قولنج (وا حینا الیه) آیتی دلالتی اوزره احوالده یوسف برلک ویر یلوب ابن عباس قولنجه مصرده اون یدی یاشنده صاقون اون اوج ییل دخی عز برلک یاشنده اولوب بهضیلا امر بر عکس دیوب اونوز یاشنده وزیر اولوب اونوز اوجنده جناب حقدن علم و حکمت و بر یلوب (ولما بلغ أشبه آتیه حکما و علما) آیتنده ضم شمله اشددن مراد ابن عباس قولنجه اونوز اوج سدی قولنجه اونوز ضحاکه قولنجه بکری کلبی قولنجه اون سکر مایینی مالک قولنجه وقت بلوغ در حکمندن مراد نبوت علادن مراد تقه فی الدین در بعض حکمندن مراد اصابت فی القول علادن مراد تعبیر رؤیا در دیدار بعض عالم اشیایی بیلا ندر حکیم مقتضای علمه عمل ایدندر دیشل دیومذکور در * مریدر که حضرت جبرائیل علیه السلام بونله کوکدن درت کره نازل اولمشدر وحی الهی ایه علم بعض معیباتدن و تعبیر رؤیا دن غیری وافر معجزه لر اولوب جله دن بری بودر که فرعون اولان ریان زمان خطده بعد طعام بیوب طو بیوب آجلقندن شکایت ایدوب یوسف علیه السلام مبارک الیه کوکسی صفاد قده آجلق المی دفع اولوب بوسیدن ریان ایمانه کلدی بری دخی ریان بر نه فرعون اولان قابوس کافر اولغین ایمانه دعوت ایدوب معجزه دلد کده یوسف علیه السلام دعا ایدوب قابوسک تختی یاشنده بتمش بشل بیراقلو بر اجاج قدرت حقه صافی ابرشیم اولوب لکن قابوس ایمانه کلدی بری دخی بر اعی او غلامی کتور یلوب یوسف علیه السلام مبارک بوزندن تقابن قالد یوب با قده قده فی الحال اعی نیک کوزی آجلدی بری دخی قطعی و وفاتده نصکره زلیخا قرق یاشنده واروب بخت و دردم و الم و شدت عشقندن غم مدغم ایه مانند پیر زال که نه سال اولد قده خیردعالیه فی الحال اون سکر یاشنده تازه و زبرد خیر نیک اخترا و لدی بعده امر حقه زلیخا فی نکاح حلقوب افراتیم و میشا آدلوا ایکی او غولاری اولمشدر که یوسف یوسف افراتیمک او غولو ایدر بر روایتده رجه آدلو بر قیزی دخی اولوب ایوب یوسف برلک خانوقی اولمشدر کشفده (واقعه جاکم یوسف من قبل البینات) آیتده بر روایتده ماشو یوسفندن مراد حضرت یوسفک او غولو

افراتیمک او غولو یوسف که مصرده قبط طائفه سته بکری ییل یوسف اولدی دینوب نسل اولاد حضرت یوسف یوسف اولوب عددی مقداری اشاعیده باب اثیبا مشتمله الاخوانه اخوه یوسف فصلنده بیان اولنور (ظهور قبط و قصه ملاقات) مریدر که یوسف علیه السلام اول وزارتده عدل و بذل و تدبیرله قلوب اهل مصری جذب و جلب و تسخیر و محالک و مسالکی تمهید و تسویر ایدوب بر مقتضای رؤیای ریان یدی ییل غایت اوجوزلق عیان اولد قده مصرده عظیم انبار لر بنیاد ایتمکین ایجاد ایدوب بی نه سایه ذخیره و زاد ایل طولد یوب بعده جمیع اقالم دنیاده یدی ییل دخی قبط عظیم اولوب اشترا ازاد ایچون اهالی قری و بلاد کلوب جمیع اهل ولایت مصر حضرت یوسف دن ذخیره المی ایچون بش ییل دخی تدریجیه جله مال و منال لرین آلتیه ایدوب اولاد و عیال لرین و یوب یدی نیجه نایار نفس لرین ذخیره به صاقوب یوسف کرم معتاد شرط اسلامه جله سنی آزاد و باز ایدوب مال و عیال لرین دخی باغش لامعین نیجه لری ایمانه کلوب شهرده مساجد و معابد بنا اولندی * مریدر که زمان قحطک ایتمکین یا اوچنی بیانده حضرت یوسفک برادر لری دخی دیار کتاندن بعض متاعله رجا و اتفاعله آج و محتاج مصره اوج کره واروب کلوب یوسف علیه السلام ایه مایه نلرند قرآنده مذکور اولدیغی اوزره نیجه امور صد و ایدوب آخر کار کندوی انله بلدر مکله جله سن شرمسار ایدوب اعتذار و استغفار در نصکره یوسف علیه السلام حسن بصری قولنجه پدر و مادری اکثر مفسرین قولنجه مادری مقدمه ملاقات ایتمکین پدر یله دیرنه سی اولوب پدر یلک خانوقی اولان لیالی و جله اقربا و احبابی بر قول اوزره ضعیف والد سنی ملاقات ایچون حق تهالی احیا ایتمکین پدر و مادری مصره دعوت ایدوب اعظم مرادات اولان ملاقات فی این الاوقات علی احسن الحالات حصوله موصول اولدی سبب حسد برادران اولان رؤیاسندن اشوب ملاقات زمانده دل توره عربیدن منقهم اولان اوزره اکثر علما قولنجه قرق ییل نیجه لر قولنجه اونوزالتی یا اونوز یا مکسان یا اونوز درت یا بکری ایکی یا بکری درت یا تیش یا تیش یدی یا بکری بریا اون سکر ییل یکمشد * مریدر که بعد ملاقات اون یدی یا اون الی یا بکری درت یا بکری یدی یا بکری اوج ییل نصکره حضرت یعقوب مصرده وفات ایدوب یوسف علیه السلام جنازه رجت اندازده پدر فردوس مقری قدسه ایلنوب دفن ایدوب ینه مصره کلدی (فانده) مریدر که دنیاده ابتدا کاغذ یا قی حضرت یوسفک ایجاد ییدر بونلر دن اول جله خلق عالم دری و کول و بعض نشانه لر اوزرته یاز لر دی * تفاسیرده بعد ملاقات پدر لر ینه خزینه لرین کس و ستر و یوب یعقوب علیه السلام کاغذله طول و پرا طه کور و یوب ای پسر با جان برابر بودر کاغذ لرل واریکن سکر قوناق بره بر بارمق کاغذ ایه بی یاد و قلب حزنی شاد ایتسک اولزمیدی دید کده جبریل مبلغ الوحی بی اول امر دن نبی ایدردی دیوب ایکی سید دخی اتفاقه جبرائیل سبب معنی صوروب یوسفی قوریدر دیو قورقوب الله اصم لر دیقکر ایچون حضرت رب خلاق مزی مبتلای فراق ایتدی دیش دینوب * لکن تفسیر ابیابده امام غنیمدن مریدر که حضرت یعقوب مصر پادشاهی اولان او غلی یوسف ایدیکنی یلوب لکن اول سر نهان عیان اولد قده اذن رحمان اولامعین روح روان کبی پنهان ایدوب اولاد ایجاد فی مصره کوندر کده جله کر بر قیودن کیر مکزدی و اصم لر دیقندن مرادی او غولو بنیامین یوسفه تنه اولمشسون دیک ایدی و الله اعلم (قصه وفات) مریدر که یوسف علیه السلام پدری وفاتندن یوسف اوج یا بکری یا التمش ییل نصکره قول مشهور اوزره یوزیکری بهضیلا قولنجه یوزیدی لکن ترجمه نوره قولنجه یوز اون یاشنده ایکن عز و سعادتله دار آخرته رحلت ایدوب اهل ولایت مصر دن هر طائفه تبرک کاند و سترنده دفن ایتمکین ایچون مجادله ایدوب مقاتله به عزم ایتد کارنده مریدن تا یوبه قونوب بن و برکت لری نمریل سلیمان عدیل جاری به مؤثر و ساری اولوب جله اهل دیار مصر اول ماه صفا انعام متبرکده هر وجهله مشترک اولغیچون تا یوقی ییل ابرما غنک ایچنه قودیلدر درت یوزیلد نصکره حضرت موسی بنی اسر ایل ایه مصر دن کتد کارنده یوسف واروب یله کورور که امر الهی اولد قده تا یونک محلی کسه ییل یوب عاقبت بر قوجه قاری دخول جنت وعده سیله خبر یورد کده چشما یلوب قدسده مغفاره حضرت ابراهیمه آبا و اقرباری یاشنده دفن ایتدیلر (فانده) عربیس تعلیمده یوسفک وفاتی قلاشد قده برادر ی غودایی جمیع بنی اسر ایلله حاکم و خلیفه دیکوب و دخی جله اقربا لرینی کتور و یوب سکسان نفر آدم اولوب

یا نبی الله سند فصره حامله اوله بقدر خبر ویرید کارنده دیشک زده بردوام اولدجه احوال کز انتظامده
اولوزنا اول زمانه ده که اوستکزه قوم قبطدن دعای الوهیت ایله بر جبار کسنه مسلط و سزى بلاره و روط
ایدوب اوغلری یکزى یوز غزلیوب قیزلیک زى اشجتمیوب سزه انواع عذاب ایدوب مدتی اورا نوب بعده
برادر م لاوی نسلدن سیاه صاحب قناره یاغ موسی بن عمران اولویغمه بر ظمور ایدوب الله تعالی آنک سبیلله
قبط الندن سزى خلاص ایدردیو یوردیلر بعده بنی امرا تیل اورجا ایله اوغلری آدین عمران قور اولدیلر
ودخی حضرت یوسفک بر شروسی اولوب ینه اقرباسنه سزنا احوال کز انتظام اوزره طور مدامکه بو شروس
ایچک زده و نه اول جبار کسنه طوع غده بو شروس اوغکدن قالوب آنک مدت حکومتنده اصلا اوغیوب
اویغمه بر طوع غده اوغک باشلسه کرکدر دیوب واقعا چله دیدک لری امور م ورد و ره ظهوره کاوب شروس
من و رجه بشیورنا شنده وفات ایندی دیومذ کوردر

(باب ثالث عشر در احوال ایوب نبی علیہ السلام)

ابن اموص بن رباح بن عیص بن اسحق یاخود ابن اموص بن رباح بن عیص بن اسحق علیه السلام
یاخود ابن اموص بن رعویل بن عیص بن اسحق علیه السلام * والده لری حضرت لوط علیه قیزی اولوب
خاتونلری رجه بنت افرائیم بن یوسف یاخود رجه بنت میثا بن یوسف یاخود ماخیر بنت میثا بن یوسف
یاخود رجه بنت یوسف یاخود لیلانت یعقوب علیه السلام ایدی * بعض معتبرانده موصل شهرنده بعد زمان
یونس پیغمبر ک قومی اولان طاقمه یه یوسف پیغمبر وفاتندنصکره یاخود چاق ده قوب پیغمبر حیاته نبی
حضرت سل اولوب آنده ماکن ایدیلر دینوب * نیجه معتبرانده مذکره وردر که شامده حوران ولایتده بنشینه
آدلوشهر معموره ساکن اولوب محبت لری چون یردن چقان ایکی چشمه الان طوروب اطرافدن نیجه
مریضلر کارب آنده محبت یولورلر حضرت ابوبه همان اوج کمنه ایمان کتوروب یولر مرضه مبتلا
اولدقلرنده آنلردن خیزتدا اولدیلر * بعض معتبرانده حضرت ابوب زماننده نیجه پیغمبر لردن خیزتدا واریدی
دینوب بعض کسده حضرت یوسف نصکره او یبدن غیری پیغمبر کلکلمشدردی یوه بله کعبدن * مریویدر
معتبرانده مذکوردر که ابوب علیه السلام کثرت خدم و حواشی و وفرت غنم و سایر مواشی ایله فریددهر
و وحید عصر ایدی یدی او غلویدی قیزی یا اوج او غلویدی قیزی و سوریلر ایله یجده طوارلری و وافر مزرع لری
ویشیوز نفر متأهل قوللری اولوب برروایتده اوج ییلکدوه یدی ییلک قیون اوچیوز صفر درتوزات
ییلک قول ییلک جاریلری اولوب برروایتده متعدد قتلکرنده فرق ییلک نفر آدم لری واریدی مریویدر که
کندم کون بلند قامت سیاه چشم سیاه موی * کونا کون برزنلر سر غلیظ السابق و الساعدین ایدی
مداخر بن و حیاور بن ضیافت و فقر اوضاعه رعایت و مرحمت اوزره اولوب ایام وایسایده عبادتدن برآن
خالی اوازیدی وافر مجزاتی اولوب چله دن بری ظهورده و تلرنده جمیع کفره نک شراب لری صوا ولسون دیمکین
چله سی صوا ولدی (قصه مرض) سبب مرضلرنده اولان روایاتک بری بودر که برکون بشریت مقتضاسخه
قلبلرنده اقبال لایق شاه دنیا یه نوعا سرور پیدا اولدقده (اشد البلاه علی الانبیاء) خواسخه انواع بلا یه مبعلا
اولدیلر اولاجله مال و منالی نیجه بلای ناکهانی ایله بر قاج کونده هلاک اولوب هر بری اشتد کده (الحمد لله
الذی رزقنی ثم اخذله الحمد علی ذلک) دیومعت شکره مالک الملقین توکل عظیم لیه ابلیس و حیم حسد
ایدوب مبارک بورنلرندن یا آیاقلرندن اونلر کده فی الحال باشلرندن آتش چیه قوب چله بدنی بری قیاریوب
دیناده ابتدا چکل مرضی یونلرنده ظهورایتدی اوج کونده یاره لری پردود اولوب تدریجده بدشدن سکیر ایله
کوکدن غیری برنسنه موجود قالمادی قوم مستحق الله لری مرایت مرض خوفیله یونلری شمردن
چقاردوب خاتونلری بر خالی یرده قویوب اولنن منی صاحب روزه ایمون اهل شهر و قرا دن نان یاره
دریوز مایردی * تاریخ میر خوانده نبی اسر آتیل مز یل لردن برینلک اوزرنده یدی ییل باتوب ساللرینه
برکسته رحم ایتوب عاقبت کندی خانوقی شهر خاتونلرینه امر تل ایتلک اکیروب اول انجه ایله سازدن
برایا قوب ایچنه قویوب هر کون احرندن نه تحصیل ایدوسه نصفی حصول محبت یتیله صدقه ایدوب نصفیله
یه جلک الو بکتوروردی دینوب * کتب معتبرده مذکوردر که ابوب علیه السلام اون اوج ییل بایدی ییل

ویدی ای ویدی ساعت یا همان اوج میل لکن حدیث شریف مدلوله تمام اوست سکن میل بومرض عظمی
وعرض البی جکوب کمال صبردن بر خطه و آن نالان اولیوب علی الاتصال فکر و ذکر و شکر رب متعال
ایدردی حتی بدین قور دچقر زدند کده دست حق برستیده بدن فالدریوب زرقری میل ددوب دوشد یکی
یاره نک اوسته قورایدی * تقاضیده مذ کورد که بر کون خاتونی جناب حقدن نبعون شغرابا تجزمن
دید کده صحت و نعمت و کمال رفاهیتز مدتی مقدار ایدی دیوب سکسان میل ایدی دید کده پس زمان شدت
و بلا و آن صحت و صفا قدر اولدین جناب مولایه عرض بلوی ویت شکوی اشکه استعجاب ایدرم دیوبیور مرض
جانبه بویه جبر و طوق بشردن خارج توکل و صبر ای تمکین قرآن عظیمه حضرت رب ثواب (انا وجدناه
ما برافم العبد انه اواب) دیومذح و ثنا و قدری رفع و اعلا یوردی * کتب حدیثه دخی کان ایوب احلم
الناس و اصبر الناس و اکظمهم للفیظ دیوب حدیث شریف میویدر (قصه صحت) معتبر انده مذ کورد که
بدن شریفند ه اون ایکی میل قور د جمع اولوب درون و بیرونده اولان جمله اتنی بیوب همان سکیرایه کوکری
فالوب بده قوردر بری برلرین بیوب همان بر دانه ییو ک قور د فالوب مبارک قلبه بالسانیه قلبه هجوم
ایند کده ذکر و فکر حقدن محروم فالماق ایچون (رب انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین) دیوب مناجات
رب العالمین ایند کده جبر آئیل کابو یاغری بره اوردیوب اوردقه بر صوغی چکار آتسکار اولوب آندن شرب
و اغتسال ایتمکه فی الحال صحت بر کمال و شباب و حسن و جمال باصره خدایدا اولوب * بر و روانده جبر آئیل
علیه السلام جنتدن بر حله کنوروب کیدردی * کشفده بعد زوال المرض سابقا و فوات ایدن اولادی
حیاته کابو آنلر قدر اولادی و اولادینک دخی اولادری اولدی دیوب * تفسیر کورایده بعضر همان
وفات ایدن اولادی قدر اولادی اولدی دیشلر دیوب * تفسیر واحدیده ابن مسعوددن میویدر که
هلاک اولان اولادی حیاته کابو بر آنلر قدر اولادی دخی اولدی دیشلر ابن عباسدن دخی میویدر که حضرت
رسوله (و وهبنا له اهل و مثاهم معهم) آیتک معناسن مورد دیدیکه یا ابن عباس الله تعالی ایوبه خاتونی رد
ایدوب و خاتونک تازه آنکی زیاده ایدوب بده یگری اوکل اولاد طوغردی الله تعالی ایوبه بر ملک کوندروب
یا ایوب بلایه صبرایتدیکک ایچون الله تعالی مکالمایدور بغدادی خرمینه حقیق دیوب اودخی کندی خرمینه
واردقه الله تعالی بر قزل بوات کوندروب صافی التوندن چکر که لر یاغوب به ضیسی اطرافه طباغندقه
ایوب آنلری سوروب کنوروب اوملک یا ایوب خرمین ایچنده اولنلر اکنتفا ایتمیزمین دیو طایفه ایته کده
بوحالت ریحل بر کاتدن بررکتدر که کا قناعت ایتمزم دیش دیومذ کورد ربیعنی اشبو حال عبرتال خاصه
بکاعنایت اولنلش بر کاستدر که کا طوبی و اواز و قناعت کلز زرا دینا مالندن دکلدور که آنک محبتی ایشیا به
لابق اولیه بلکه عالم ملکوت مالندن اولمقین مقوله نعمت جنتدر که کا محبت و طلب کثرت موافق رضای رب
المرتدر * تاریخ میوخواننده ایکندیدن اخشامه دل بونلره التوندن چکر که لر یاغدی آخر عمر زنده جومل
آدلو اوغلار بی که ارشد اولادری ایدی وصی و ولی عهد ایدوب تجیه و تفسیله خصوصی کا اصغر ملری
دیومذ کورد مدت عمر شریفلری ایکیوزیکری یا ایکیوزیا یوز قرق یا همان طبقان طوق ویا طبقان اوج
یا طبقان میل ایدی بشر آدلو اوغلار یک ذرا کف دلچکه ملقب ایدی نوره اختلاف اولمقین اشاعیده
باب انبیاء مشبهه الاحوال یاشنده ذکر اوانور

(باب رابع عشر در احوال شعیب نبی علیه السلام)

تاریخ میخوانده حضرت ابراهیم یا حضرت صالح نسلندن اید و کنده اختلاف وارد بدینوب بخاری
شرح کرده شعیب بن میکائیل بن لای بن یعقوب علیه السلام دینوب * ثقیف یا الوعوده ابن میکائیل
ابن شعیب بن مدین بن ابراهیم علیه السلام یا خود بن یوب بن مدین یا خود بن یقرون بن مدین دینوب * بعض
معتبرانده ابن معیون بن عتقا بن یاث بن مدین * بعض کتبده ابن یروپ بن یوب بن مدین دینوب *
معتبرانده مذکور در کت و الله ری حضرت لوطک میکا آدوقری اولوب شعیب ایوب دیره اوغلاری ایدیلر
خوب صورت کندی کون وسط القاصه قلیل الیم ثقیف البدن اولوب میرا و الله قد کمال ضعفه بصر عارض
اولمندی عالم و حلم و اهل حکمت و صاحب فصاحت و بلاغت اولوب لسان شیر یقاری کمال طلاق اوزره

ایدی میباشد و مناظره ده بی نظیر اولوب د آتما دعوت و عبادته اشتغال و سعی کثیر ایدردی عربجه ای
 شعیب میرانجه یثروب ایدی دیشلری می ویدر که کار انبیاء می سلیندن اولوب قومنی نیجه مفصل و لطیف
 موعظه و نصیحت ایله دین حق و شریعت حضرت ابراهیم علیه السلامه دعوت ایتمکین حبیب خدا محمد
 مصطفی صلی الله علیه و سلم د آتما اولره خطیب الاتیاد یومدح و تالایتمشرد و تقاضا یرده مذکور در که مدین بن
 ابراهیم علیه السلام برنهر تالایتمکین مدین احبیله معنی اولوب مصر شهرینه سکر خوانق برده شهرده ساکن
 اولان طائفه عربیکه یت مدین نسلندن عبده اوئان و عنده واصحاب طغیان و هر متاعی صانوق الدقاری
 کیل و میزاندن بنحس و نقصان ایله بیع ایدر تجارتخار و اهل احتکار و مرقه و قطع طریق و نهب و غارت و قس
 دراهم و معاملات و غیریدن اخذ مکس و عشور و انواع مظالم ایتمک معنادیدیم ادر اولوب خصوصاً اولرده
 طوروب ایمانه کلک استیغری منع ایچون حاشا شعیب کذابدن اجتناب ایلمک دیو خطاب بلکه تحریف و عذاب
 ایتد کلر ایچون حضرت شعیب قومنه هر برقه ایچون شوعبیدر مؤمن صاف اولوب عدل و انصاف ایله
 انصاف ایلمک دیو دینه دعوت و هر کون کونا کون نصیحت ایدوب اول بد اختر ره اصلا کار کر اولد قده تابع
 اولان مسلمانلر بر طر قه کیدوب باقی قلاتن شقیله بردن زلزله ایله کوکدن صیحه هولناک کاوب جله سن
 هلاله ایدی تقاضا یرده (و عادات و عادات الراس) آیتده اولان روایتلر بری بودر که رس برقیوا عیدر که
 آنک خلق عبده اصنام واصحاب موافق و اغنام اولوب ولا بتلر نه طنلور و نیجه قبول دخی و ایدری یونلری
 دینه دعوت حضرت شعیب مرسل اولد قده کافر لعناد و عدم انقیاد لرندن ماعدا اذی و تعدی به تصدی
 ایتد کلر نه رس کارنده بیع اولمشلر کن بره چو کوک جله کفار دار و دیار لیه مخفف و شمس و جودلری بالکلیه
 منکسف و غیر منکشف اولدی هر ویدر که حضرت شعیب قومنی دینه دعوت ایتدیکنی ولایت شام خاق
 ایتدوب بعضیلری کاوب مسلمان اولوب توجه ناسی کفار اهل مدین بلد کده یولرده طوروب متابعت
 بیتله کلنلری انواع اضلال ایله منع و دفع ایدر لر دی حضرت شعیب عشیرتی درت یلک یاخود درت یلک کره
 یلک کینه اوافین کافر لیه بیجه جفا و شره قادر اولوب (ولولاه طکر لجنالک) دیر ایدی (اجتناب ایله)
 مشاهیر تفاسیر قولنج قوم مدین مغرورین هالکین و مقهورین اولد قلدنه یت مدین شهری جوارنده
 فتح الف و سکون یا مشات ایله ایله نام بردیار کثیر الانجاد و بر طائفه کفار و طن و قرار ایدوب تفسیر کورانی
 قولنج مقدم اهل مدین چو غلوب شهر لرینه صغیر اولد قلدنه ایچلرندن وافر کافر شهره قریب ایله
 نام مکانی شند یروب مقام ایدمشلردی علی کلا التقدرین یولردخی اوصاف فرقه سابقه هالک به مالک اولمغین
 شعیب علیه السلام یولره دخی مرسل اولوب اتمو طائفه ناخائقه بر حیل کالقوم الاول عناد و استکبارده
 برقرار اولوب کمال انکار لرندن یا شعیب کرچکن رسول رب الافلاک ایسک کولک یوزینک بر طاعه سن اوستزه
 ایدر یروب بزی هلاله ایدوب اول نایا کار بی بال اولد قلدنه ناگاه باهره ایدی کونیدی کیجه هواده محکم
 حرارت اولوب هر آب روان جام صوفی کبی غلبان ایتمکین اهل کفر و طغیان حیران و سرگردان اولوب طلب
 درمان ایچون بیابانلره یققد قلدنه برپاره بولت کاوب طور و مغین احباب بقی و دعوت مشاهده برودت
 ایدوب دفع الم و اضطراب و دفع تف و تاپ ایچون سایه حصایه جمع اولد قلدنه آتش یاغوب جله اهل عصیان
 سوزان و بریان اولد یلر قرآن عظیمه عذاب طله دن مراد بودر (روایت اخری) تفسیر لیا بده و معالم التنزیله
 اوزر لرینه آتش یغان اهل مدیندر که اول خالده زلزله عظیمه دخی اولدی دیو ابن عباسدن مفصلا مروی
 اولوب لکن شعیب علیه السلام احباب ایله و اهل مدینه مرسل اولوب طائفه اولی عذاب طله ایله طائفه ثانیه
 صیحه جبر آتیل ایله هلاله اولمشلردر دیوقنداده دن دخی مروی اولوب بعض سلفدن دخی مرویدر که عذاب
 طله دن مراد بودر که بیدی کون کفره هو انک عظیم حرارتنه مبتلا اولوب فارشورنده بر طاع هوایه قالد یلوب
 التند ایرمقلر و یکار لظه و رقی ایچلرندن بری کوروب سائر لرینه خبر ویردکده جله بی آند جمع اولمغین
 امر حقه هواده طوران طاع اوزر لرینه دوشوب جله سنی باصوب هلاله ایدی تار یخ میرخوانده دخی
 ابن عباسدن مرویدر که حق تعالی کفریه جهنمدن بادهوم اسدروب حرارت عظیمه ظاهر ایدوب صوری
 فینا یوب شهر دن طشره یققد قلدنه حرارت ارضدن ایاق لرینک انلری دوکاوب کوده لری یشوب ناگاه

بروات کلد کده تحصیل برودت ایچون التنه جمع اولد قلدنه آتش یاغوب جله بی یا یوب شهرده قلاتن ضعفه
 کفره صیحه جبر آتیل ایله هلاله اولد یلر (روایت اخری) بعض تواریخده کعب الاحباردن مروی اولان
 تفصیلک اجالی بودر که مدین بن حضرت ابراهیم جوق یشا یوب نسل و ذریقی دخی غایت چو عالد قده یولره
 نیجه بمور قپولوب عظیم شهر باید یروب کندی آدی آدق یوب مدین و فائده طائفه عمالقه اولاد مدین ایله
 قار شوب شهر تولدی بعده عمالقه آیر یلوب ایله دیدکاری برده شهر یایدی اهل مدین مسلمانلر اهل ایله
 کافرلر اولوب یو ایکی طائفه به عمالقه دن ابوجاد و ربن صعب پادشاه اولوب هوز برادری حطی کلن سهفص
 قریشات عم زاده لری اولوب یولره اوز عدد صغری و ارایدی اکا طایوب اهل مدین ما کولات قسن آلوب
 زیر زمینلر طولدی یروب مضایقه زمانده ناقص کیل و میزانه به مال و صا تر لر دی ایچلر نه شعیب طوغوب
 یود کده یولره نصیحت ایدوب جمیع امورده قار شوب بدرندن میراث قلاتن قیو یققد ایله یکنوردی
 بعده اهل مدین و اهل ایله به جناب حقندن مرسل اولد قده دینه دعوت و متصل نصیحت ایدوب برجهیت
 کوننده مجزه طلب اولد قده کفره نک صغری نه ربکز کیدر بن کیم سولک دیدکده الله ربنا و خالقنا و هو
 رب کل شی و انت یا شعیب نبی الله و رسوله دیوب بعده صغیر کرسیلردن برده دوشوب پاره پاره اولد یلر و عیدن
 مرویدر که او خالده امر حقه غایت محکم یل اسکین کافرلر قاجوب اولرینه کیروب یومجزه لری کورنلردن
 وافر ارعورت ایمانه کلدی بعد زمان کافرلر مسلمانلر حفا سنی زیاده اولد قده حضرت شعیب
 (وینا افق بیتنا وین قومنا بالحق و انت خیر القاصین) دیو دعا ایتمکین نیجه ییلر پادشاهوم اسوب کافرلر عاجز
 قلوب بعده شهر لرینه کول سکک اوشوب کافرلری صوقوب اینجیدی بعض اوغلا یققدن هلاله ایدوب
 حرارت هوا غمت و میشت اولد قده ایله شهری یاغوب یاغچه لوا فار صولوا و انغین کافرلر کا کوچوب حرارت
 هوا حددن آشد قده آفار صولوقو یوکولک لوصحرا لیه حیقوب لکن چاره یوایوب بادهومدن یوزلری
 قراروب هلاک یققدلر شوب لکن کفر و عناده مصر اولد قلدنه امر حقه شعیب علیه السلام مسلمانلرله آیر یلوب
 ایرته بی چهار شنبه کونی جبر آتیل علیه السلام مدینه ایله اوزرینه بر بولت کتوروب هواده طوغوب کفره
 اوستزه قلعلملر صاچوب (یا اهل مدین و یا احباب الایله ذوقوا الیم عذاب ربکم کا کذبتم رسوله و قولوا
 لاصنامکم ان کانت اهلکم حق تعجبکم) دیوندا کاوب کافرلرک یا شلر نه طوغفه همان ایکی کوندر یوبی
 مقداری قالد قده رعد و برق و صاعقه لر ییدا اولوب حضرت جبر آتیل دخی صیحه ایدوب جله کافرلر بریان
 ویر یوزنده طاش و اغاج سوزان اولوب مدین و ایله شهر لرینک القی دخی یا یوب کول اولوب حرارتی چاق
 یدنجی قات بره واصل اولدی حضرت شعیب مسلمانلر کافرلر ایراقدن یا قوب اصلا حرارت طو یوزلری
 بعده کاوب هلاله اولد لری سیر ایدوب اغلا شوب هلاله اولان کلنک ایمانه کلان همشیره بی یومر نه بی
 دیدیکه (نظم) حل بالقوم عذاب اهلک السادات جله لکن هدم رکنی ملک وسط المحله سید القوم اناه
 الخف ناراً وسط ظله وظله جاءت برعد و برق مشعل و خطه لم یبق منهم غیر دار مضعله و یغیا منم
 شعیب فی حصارات و قل (نثر) بعده شعیب علیه السلام کفره نک مال لرین یا تده اولان مسلمانلر تقسیم ایدوب
 مسلمانلردن برینک قیزی نکاحا یوب مدین شهرنده مقیم اولوب بعد زمان حضرت موسی کاوب شعیب
 اکا قیزن ویردی شکیم اشاعیده بیان اولنور (متفرقات) نیجه کتیده شعیب علیه السلام عذابدن
 اول مسلمانلر مکیه کیدوب آنده وفات ایتد یلر دینوب بر وایتده قدسه قریب صفد شهرنده وفات ایتدی
 دینوب لکن فواج مسکینه ده قبر نوح و هو و صا و شعیب مکیه ده زمزم له مقام اراسته در دیو بر حدیث
 شریف مرویدر که جزات شریقه لری وافر اولوب جله دن بری یوایدیکه زمان دعوتلر نه اطرا نلر نه اولان
 بر طاش دعا لر صافی باقر اولدی حضرت شعیبک اولاد قسنندن همان ایکی قیزی اولوب برینی حضرت
 موسایه ویردی و برلکدن اعی شکل اولوب موسی ایله دعا ایتد کلر نه آچلوب حتی ذهاب ایدن قوت
 و شبای دخی رجوع و ایاب ایتدی عن قریب بیان اولنور مدت عمر شریفه لری ایکوز بکری یا یوز قرق
 ییل مدت دعوتی الی کز ییل ایدی دینوب زین الجالسده شعیب آواه خوفا من الله و طلبا
 لرضاء او حیوز ییل اغلامشدر دینوب صحیح ایسه عمر لری دخی زیاده اولمش اولنور تاریخ مروی ایدده

هلاک کفار و نصیره سابقه ایمانه کلان بخش گشته ایلدینه مدینه ساکن اولوب بعده موسی علیه السلام
 مصر دن کلوب بولوب بولنلر قهرن نکاحلنوب اون بیل بیل طوروب موتی علیه السلام خاتونه مصره
 کشد کدن بیل بیل و درت آی صکره شعبیه علیه السلام وفات ایدوب بهضرقولجه موسی کند کده
 بولنلر دخی مکه به کیدوب آنده متوطن ایکن وفات ایدوب دینوب لکن نه تاریخ میرخوانده قصه موساده
 هلاک فرعون نصیره موسی علیه السلام بولنلر دیومر ویدر عریجه ترجمه تورانده بحر ای
 تیده شعبیه کلوب موسایه بولنلر دخی اون عدد ورق مقداری اشاعیده به سینه نامر سخنده تفسیر و انور
 نظر اوانه

(باب خامس عشر در احوال موسی نبی علیه السلام)

تفسیر لبرر سخنده موسی بن عمران بن قاهت بن لای بن یعقوب علیه السلام برر سخنده دخی ابن عمران
 ابن یصهر بن قاهت دیوب تاریخ کاملده ابن عمران بن یصهر بن لای دیومد کوردر (فضائل) مر ویدر که
 کدیم کون بلند قامت سیاه موی اولوب مبارک یوزنده برخال مشکین حال واریدی ثالث اولی العزم کزین
 اولوب حضرت حبیب الله و حضرت خلیل الله نصیره فضل جمیع انبیاء و مرسلین در تبلیغ و جبر رب العالمین
 ایچون جبریل امین بولنلر در تپوز کره نازل برروایده کتاب تورانندن مقدم جناب حق دن اون لوح
 شریف دخی واصل اولنلر حضرت عیسی علیه السلام کلان نیجه بیک انبیا امتلر بولنلر شریعتده دعوت ایدوب
 تفسیر ایمانده حضرت موسی کنیدی حیاته اولان انبیایه دخی مرسل اولوب جله می بولنلر شریعتی اوزره
 ایدیلر دیوب فوایح مسکیده موسی علیه السلام علم و فقهه اعلم انبیای ایدی تابوت یوسنی نرینلر وفق
 مدس ایلد چقاردی دیومد کوردر تفصیل احوال کلیم رب کریم امر عظیم اولوب نیجه مجلده متقل اولغه
 مقبل اولغین اول یابده نیجه مطول کلبده اولان حکایات و روایاتدن الی عدد قصه عبرت خصه انتخاب
 اولنلر که هر بری بین التفصیل و الاجال مقال بااعتدال ایلد حالایان و عیان اولنلر (قصه ولادت) مر ویدر که
 یوسف علیه السلام زمانده فرعون مصر اولان ربان بن الولیده مؤمنان وفات اید کده بنی اعمامندن قابوس بن
 مصعب برینه کلوب عادات فراغتیه سابقه بی اخیان نیجه مظالم دخی پیدا ایدوب بنی اسر آئیلی استخدام و بعض
 وجهله اذا وایلام ایدردی کفر اوزره وفات اید کده برینه برادری واید بن مصعب کلوب غلله سابقیندن
 اشد و مؤمنینه خصم الد اولوب جلوسندن الی یله دل خلق صله طایر یروب بعده حاشاد عوای الوهیتله
 کند ویه و کندونک صورنلرینه طایر یروب بنی اسر آئیلی پالوب اضلال اید ممکن خارج عن الطاقه اعمال
 شاقه ایلد اوچیز بیلدن زیاده مبتلا ویرا ایتشدی عاقبت فرعون بی عون سدی قولجه تختکاهی اولان
 متف شهرنده مجاهد قولجه اسکندریه شهرنده بر کعبه برواقه قاجعه کوروب کاهنلرینه تعبر اید یروب
 بنی اسر آئیلده براوغلاخجی طوغوب سبب هلاک اوله جقدر دیوبخوب و فخر برایتد کارنده تخت یدنده
 مستخدم و ذلیل اولان طائفه بنی اسر آئیلک طوغان ارکک اوغلاخجیلرین بش بیل متصل قتل اید یروب
 بعده بنی اسر آئیلدن بید کشته طاعوندن وفات ایتدین خدمته لازملر درمنقرض اولنلر دیوب بریل
 طوغانلری قتل بریل طوغانلری عوایتدی جله طقسان بیک یا اون بیک یا طغوز یوز بیک اوغلان هلاک
 اید یروب منه عقوده هارون علیه السلام اوچنی بیلده سنه قتلده موسی علیه السلام وجوده کلیدلر
 (قصه تور) والدیه سی ناجیه یا خود یو خابد بر کون بریزه کیدوب فرعون خوفندن موسای قوند ایلد اولنلر
 بوش تور ایچنه قوبوب قبا یوب خاتونک همشیره سی خبردار اولمغین اتمک بشورمک ایچون ایتاد نار ایدوب
 او سالد فرعونک وزیر هارمان اوغلان یوقلغه علی الفقه بودار شرف مداره کیروب اهتمام غلام ایلد اربوب
 تنورده نارینار کورمکین خاسر و خائب ذاهب اولد قده ناجیه کلوب آتشی کوروب او غلوم بریان ایلدی دیو
 کر بان اولد قده ای والدیه قورقه الله بنی صافلامندر دیومر ویدر صد اشد کده ولد ارجندن سرو و ابتهاج
 ایلد آتشدن سلامتله اخراج ایددی (قصه تابوت و قصه رضاع) مر ویدر که موسی علیه السلام فرق کونلات
 یا اوج آتلیق ایکن بدری عمران وفات ایدوب والدیه سی ناجیه روایا ایلد یا بر ملا واسطه سیله یا الواسطه بازمانده
 بر یغمبر اخباریله تابوت کی کوچک صندوق باید یروب موسای ایچنه قوبوب اطرافن ز قتل دیوب کیجه ایلد

نیل ایرماغنه صالوب ایرنه می ویا اوج کون و یاقرق کوند نصیره فرعونک قصر نه وارمغین فرعون جفا اردوب
 آچوب خوروی و مشک بوی بر طفل سعادت کفل کورمکین بی اختیار محبت ایددی به نغاسیده (واقیت
 علیک محبة منی) آیتک معنایی بودردینوب (وقالت امرأة فرعون قره عین لی وک لا تقتله) آیتده دخی
 مذکوردر که فرعونک برص مرضنه مبتلا بر قیزی واریدیکه علاجنده اطبا عاجز قالوب در یاده انسان کی
 برنسنه بولنلر که کدر بولنلر علاجی آنک اغزی یاریدردی عشاردی صند و قله موسی کلوب اغزی یاری قیزه
 سورد کارنده شفا بولمغین خصوصاً موسایک یوزی بر نور اولوب بارمغنی اموب سودجیه بولوب کورکرامات
 و علاجات کورلکن فرعون ایلد نوابی موسایه محبت ایدوب بعده قورقیدیکر اوغلان بودردی بعض اشقا
 اغواسیله قتل ایتک ایستوب خاتونی آسیه اوغل ایدینه لم دیومغ ایددی بهض معتبرانده فرعونک
 انواع مرضه مبتلا طغوز یا خود یدی قیزی اولوب صندوق اچوب موسایه یاشد قلدن جله می صغولوب
 فرعون کوردر که موسای قتل ایتک دیلیوب بعده قیزلری خاطر یچون فراغت ایدوب سابقه غایت حسنا
 اولمغین جبرله تزوج ایدیک آسیه خاتونکه حضرت موسایک عیسی قیزی اولوب بنقدیرانله فرعون آنک
 نصرفندن معقود اولوب غیری خاتوندن دخی ارکک اوغلی اولمغین آسیه رجاسیله اوغل ایددی به
 تفسیرده مر ویدر که بحکمة الله موسی علیه السلام سکر کون مرضعه له سنی امیوب همشیره سی مریم
 یا کلثوم بطریق التجاهل والدیه سنی قولاغز لیوب کثورله کده همه سن اصروب والدیه سنی یوزنه باقوب
 کولدی بریل فرعونک سرانده امر یروب بعده اجازتله اوینه ایددی (قصه غیبه) معتبرانده مذکوردر که
 اوج یاشنه یاریاشنه کید کده فرعون کتوردوب دیرنده اوخشارکن موسی دست حق پرست باطل
 شکستی ایلد فرعونک جواهرله مرصع و ملمع اولان اوزون صقالین یولوب یا خود بر ایلد صقالین طوبوب بر ایلد
 یوزنه سله چالوب یا بر عصا ایلد یاشنه اورد قده زواله سبب اولسندن قورقیدیم و اوغلاخجی در دیوب غضب
 اید کده خاتونی آسیه خفیه دین حضرت ابراهیم اوزره اولمغین موسی ایچون اوغلاخجی در بلزدیو
 فرعونک تسلیم ایدوب موسای امتحان ایچون برتسی ایچنه آتله یا قوت یا نجو یا التون قوبوب صوند قده
 موسی علیه السلام جوهری یا التونی المنه الین اوزانمشکن جبر آئیل علیه السلام آتش طرفنه دوند و کندین
 آتی آلوب اغزیننه قوبوب مبارک دیلر بیک اوجی یا نوب محکم آغلیوب بر اقد قده فرعون صاحب حاقبت
 ظاهر حاله اینانوب فراغت ایددی یوقصده مبارک دیلنه لکنت کلوب یود کده حرف سیندن غیری جمیع
 حروفی بخارجندن اوقیوب حرف سینده اولان لکنتی یغمبر اولجیه دل طورردی (واحدل عقد من لسانی)
 یو کاشاندر مرسل اولد قده بهضرقولجه لکنتک برمقداری اکثره سر بر قولجه جله سی کیدوب کال
 فصاحتله تکلم ایدر اولشردی اکثر تفسیرده مذکوردر که مبارک اللری آتسه یاشد قده یا نوب یاره اولوب
 فرعون چالشوب علاج بولنجیوب رسول اولوب دعوت کده فرعون لعین بنی نه اصل تکریمک عبادتیه
 دعوت ایدرسن دید کده سسک عجز و قصور لظه و رند نصیره الیک یاره سنه قدر نیله چارمایدن پرورد کاره
 عبادت ایتک دعوت ایدرم دیملر (قتل قبطی) تفسیر کورانیده موسی علیه السلام یروب علم و حکمت
 و ذکا و فطنتده مهارت بولد قده شهر دن غیبت و مواضع خالیده عبادتیه مداومت ایدوب اقتضا ضرورت ایلد
 احیاناً شهره خفیه کیروبینه کیدردی بر کون دخی علی الفقه منف شهرینه کیروب قصه قتل قبطی
 صدور ایددی دیوب اکثر معتبرانده مذکوردر که فرعونک اوکی اوغلی در دیو عز و ناز و اکرام و اعزاز ایلد
 بسلوب بفضل الله المتعال بعد از حصول علم و کمال بعض امورده فرعون نصیحت و امرده بده عداوت اوزره
 اولوب او یوز یا اون سکرزا اون ایکی یاقرق یاشنه کید کده فرعونک انجلی یاشیه سی قایون یا قایون بنی
 اسر آئیلدن سامری بی مطیع فرعونه اودن طاشیق ایچون کوجله طوبوب چکند و زکرم موسی سامری بی
 قور تاروق ایچون قبطی بی ایتو یروب بلا قصد کور کسنه راست کلکین چان یروب ایرنه سی سامری بی
 بر قبطی دخی رنجیده ایدوب آنک دخی لندن قور تارمغه قصد اید کده قبطی موسادن قورقوب فرعونه
 خبر اولد قده قاقیوب موسای قتل ایتک دیو اصرلدی به تاریخ میرخوانده موسای اوکی آتلی و موسی
 قیزی آسیه اجازت فرعونله اون یاشنه دل موسایک والدیه سنی اولنلر بسلوب بعده کتوردوب موسایک

خدمت نه خاخر لباماره در تيزوز قول تعين اينديروب بوقدر خدم وحشم ايله سوار اولد قلنده جمله خاق
فرعونك صلي اوغلي صانوب انواع اعظام واکرام ايدرلردی اوتوزباشنه کيرد کده آسيه اعيان قوم
قبطن برينك قیزی نکاح اينديروب عظيم دوکون اولوب اوتوزبندن ايکي اوغلي وجوده کلدی موسی
عليه السلام بني اسرائيل قوم قبط اراسته کال ذلترین کوروب داتما ترحم و بوسيدن عظيم تاملده ایدی
برکون تنهاجه مير شمر ايدرکن قصه قتل قبطی ظهور ايندي دینوب تفصيل اولمشد رواقه اعلم (سفر بدین)
حضرت موسی کندونک قتل فرمان اولد بقتدن خبردار اولد قده ناچار ترک دیار ایدوب خوف و عطش
وجوع و ترل راحت و هجوم ايله طاغرده اوت اولتیه به رقی برهفته کیدوب ناکاه مدین شهرینه واروب
تفصیله محتاج طریق ايله حضرت شعیبه بولشوب صفرا یا خود صفورا نام قیزی قیونلرینه سکرز بیل چو بانلق
ایتک شریطه نکاح ایدوب انبیاء صالردن عیسی عیسی ایچندن موسی بونجه طولی اون یا اوتوز یاقرق ذراع
اولوب باشی ایکی چنجال وایانی اوچنده دمورنیزه سی اولوب جنت مرستندن آدم علیه السلام چقاردینی
عصای شریفه نیجه سوری قیون باغشایوب موسی علیه السلام قاین اتاسنه تمام اون بیل چو بانلق
ایتد کده زیارت مادر و برادر ایچون مصره کتکه اجازت دیلوب شعیب علیه السلام پیرا کدن وقومنک
هلاکنه کثرت بکادن نیجه زماندن بر و مصر شریطی مؤوف بلمکه بالسکایه مکفوف اولوب موسی علیه
السلام من بور عصای بوقدر عصا ایچندن الدقه ظمور ایدن تفصیله محتاج علامات عظیمه دن شعیب
عليه السلام بونک کلیم الله اوله جتی موسی ایدو کین تمام بلکین کندوبه ردبصر و قوت ایچون کند و دعا
موسی آمین دید کده جبرائیل علیه السلام شراب جنت کتوروب شعیب علیه السلام ایچد کده قدرت
رب ذی المنن ايله بصیر و قوی البدن اولدی بعده وداغشوب موسی علیه السلام یالکز خاتونله وقیونلرله
یا خود بر و ایتده مابا قهر پوره خاتوندن طوغان ایکی اوغلار یله دخی یا همان خاتونله و بر خد متکار یله متوکلا
علی الله عزم راه ایتدی * کشفاده وهب قولنجه مدینه یکر می سکرز بیل اوتوزدی دینوب بعض معتبرانده
وهب قولنجه مصر دن ایل ایکی یا شنده چیمه مشدی دینوب جمیع مفسرین قولنجه مدینه همان اون بیل
اوتوز مشدی (قصه رسالت) التنبی کیجه جمعه کیجه سی طور طاغنه قریب وادی طوی به کاد کترنده فار
و بغمور یا غمغین بول یا کلوب قیونلری طاغلوب خاتونلری دخی وضع محل صد دنده اولوب موسی علیه السلام
موم یا فقه آتش ارامقده ایکن قارشو طاغده آتش کورینوب وار دقده بر تازه بشل عذاب اغاچی سر تا یا آتی
وراق مهیب و نورانی بر عجب آتش قبلایوب اکا یقلاشد قده آتش اوزایوب موسی خوفندن چکاد کده
آتش اکا یقلاشوب موسی آنک تسبیح دخی اشدوب بواحوال پراهوال سعادت مآله (یا موسی انی
انا الله رب العالمین) دیوودخی (یا موسی انی انار یلک فاخلع ثعلبک انک بالواد المقدس طوی وانا اخترتک
فاستع لمایوخی) دیوچانپن شجردن تداه حکمت ادا کلکین حضرت موسی میت آماسدهوش و مهیوت
وملازم سکوت اولوب تقویت و امداد رب العبادله قوت و مکالمه به قدرت کاد کده سورة طه و سورة قصصده
ذکر اولندیقی اوزره جناب حقه مفصلا سولشوب جمیع اعضا یله کلام رب الانامی بی حرف و صوت
و بی جهت و کیفیت اشدوب واصل مرتبه نبوت و رسالت ویریلوب بونلره و زبر و معین
ایمانه دعوت امر او انوب بونک رجاسیله یول برادری دارونه دخی نبوت و رسالت ویریلوب بونلره و زبر و معین
اولاق تعین یورلدی * نیجه مؤرخین قولنجه موسی علیه السلام محل مناجاتدن اهل و عیاله واریوبوب
یا لکز به همان طوردن مصره کیدوب بوجایده خاتونی مسلمان جن خاتونلری خدمتیه براوغلا فحق
طوغروب بر چویان دلاتیه دونوب حضرت شعیب یا نه واردی چاق هلاک فرعونند نصره صحرای تیده
حضرت شعیب وقیزی و حضرت موسی علیه السلام بولشد یله مفسرین قولنجه مصره اهل و عیاله یله کندی
(خصائص عصا) مشاهیر تفاسیرده عصای موساده حضرت رب العزت نیجه مجزه و خاصیت قومندیکه
ازدرها اولاق و فرعون ماحرلرینک ازدرها کوسترد کاری یولک اغاچلرله و اورغانلرک جمله سن یوطوب
محو ایتک و حجر قلندن بنی اسرائیل کچمک ایچون دریاه اورد قده دریا شاق اولاق و صحرای تیده بر طاشه
اورد قده طاشدن اون ایکی چشه اقی و موسایی اوپورکن حفظ ایدوب بعض اعدا قصد ایتد کده و موسی

اولاق ایکن مدوسیه جنک ایتک دیلد کده ازدرها اولوب اوزرلرینه هجوم ایتک و قرا کوکیجه لردن
نوضیا اولاق و حین حاجتده یره صابله دقده فی الحال باش اغاچ اولوب بیراقلنوب تازمه میوه بتورمک و قیولردن
ضوچه قارمق دیلد کده هم ایپ هم قوغا اولاق و دخی نیجه درلو کرامت و خاصیتی واریدی دینوب * بعض
کتبه تنهاز مانلرده حضرت موسی ايله سولشوب جلیس انیس منزله منده ایدی دینوب * تاریخ میرخواندک
برمحلنده خواص عصادن بری دخی بولایدیکه موسی علیه السلام آج اولد قده عصا ايله بره اوروب قدرت
حقله پراچندن برکونک نفقه لری چقاردی بری دخی یولده یوررکن جمله اسبابن اکا یوکلدوب عصا دخی چارپا
حیوانلرک کبی کوروروب یا نلر نیجه یله یورردی * برمحلنده دخی موسی علیه السلام یولده یوریکدن
یورلد قده عصایه بنوب التنده آت کبی سر عتله یورردی و رایحه طیبه مراد ایتد کده عصا نک ایچندن
روایح طیبه چقار ایدی دیومد کوردر (دخول بصرد دعوت فرعون کثیر الاصر) تفاسیرده مذکوردر که
طوره امور و حی قام اولد قده موسی علیه السلام خاتونلرینه کلوب معیتله مصره کیدوب اوچایده برادرلری
هارونک فرعونک و زراسندن اولوب لکن دین اسلام اوزره اولغین مقدمه حضرت جبرائیل اکادخی
نبوت و رسالت و دعوت فرعونده شرکت خبرین کتوروب برادر ی موسایه وزیر تعین اولنوب و موساتک
مصره توجهن بلدرمکین قارشو ایوب موسی ايله بولشوب کیجه شهره کیروب والده لری و همشیره لریله
بولشوب بولایکی بی صنی ملاقات فرعون شقی به بریل یا برهفته یا ایکی ییل چالشوب اول اعیان بی دین بد آیین
ضلات قرینک کال تکبر و تجبرندن قاپوچیلر کیرمکه قوم یوب بعده اذن ايله کیروب بولشوب قرآنده حکایت
اولندیقی اوزره مفصلا دعوت ایتدیله عرایس تعلیمده مذکوردر که فرعون شهرینک کردا کردیتش قات
خصاری اولوب هرا یکسینک اراسته قری و مزارع و انهار و بئشیر بیک نفر می دند سوار واریدی قصر
فرعون اطرافنده صولر و عظیم آغاچلر اولوب میشه زار ایدیکه ایچنده وافر اسلار بولشوب یله خلق
کیروب چقمغه همان بر یول قوغشدیکه اولولدن تجا و زایدی جانورلر هلاک ایدرلردی * القصة موسی و هارون
قوت عصای عبرتخون ايله قصره واروب برهفته یا بریل ملازمته فرعون بولشد یله (مجزه عصا وید یضا)
تفاسیرده مذکوردر که بعد المناظره فرعون مجزه طلب ایتد کین حضرت موسی عصا سن بره بر اقد قده باش
قالد یروب مناره آما بر عظیم ازدرها اولوب اغزندن پورتدن کوزلردن آتشلر صاچلوب امر غرادی طاش
و اغاچی یقوب یا قوب سکسان ذراع آغزن آچوب قصری یوقغه هجوم ایتد کده فرعون محروم تختندن
دوشوب در تیوزیلدن بر و اصلا بر مرض و بلا و غم و غنا کورما مشکین مداعه و تحکم اسهاله مبتلا اولوب
جمع اولان شهر خلقی قاجوب ازدحام انام ايله یکر می بئش یک کفار لئام هلاک اولوب تضرع فرعونله ازدرها
یته عصا اولدی * مریدر که موسی علیه السلام مبارک لالتی ازدرلر اغز یته صوقوب دینی طور بوقد قده
عصا اولوردی * فرعون بی عون بر مجزه دخی دلیکین موسی علیه السلام مبارک صاغ الینی قوی یته صوقوب
چقارد قده نوزندن کوزلر شایوب مانند خورشید رخشان شمشعه و لغسانی طاق و رواقه بلمکه آفاقه
تابان اولوب تکرار قوی یته صوقد قده اولکی حالته رجوع ایتدی بومجرات باهراتی فرعون عظیم القل
کال عنساد و جهل ايله حاشا حیره جل ایدوب قوی ايله مشاوره ایتد کده موسی ايله مناظره ایچون وافر صره
مه ره جمع ایدد جنک اولدیله * حسن بصیردن مریدر که بواله موسی علیه السلام فرعون ایمانه کاورسک
فضل خدا ايله سکادرت نسنه عطا ایددیم که شایب بی هم صحت بی سقم آخر عمر که دل سلطنت و ملک مسلم بعد
الوفات جنت دارالنعمد و دید کده فرعون خاتونی آسیه به طاشوب آسیه هدایت نصیب محل تردد دکادر
دیوایانه عظیم ترغیب ایدوب وزیر ی هاما ن شیطان دخی طاشد قده دعوی الوهیت ایدوکن اقراره و بدخی
ایدرسن دیوب فرعون دخی عودت شایبه اظهار میل کای ایتد کده بن سنی تازه ایددیم دیو سلی ایدوب
قاره بویا ایله صقال بویامی ایجاد ایدوب فرعون احق طامع مجر دوا حال ایله قانع اولوب ایمانه کککه هاما ن
لعین مانع اولدی بعض علما (فقوله قولنا اینا) آیتده قول بندن مراد ذکر را و انسان درت نسنه به
وعده ایتد کدر دیمش (قصه حیره) تفاسیرده اولانک اجمالی بودر که فرعون لعین ولایت مصر دن غش بیک
یا اون بئش بیک یا یکر می بئش یک یا سکسان بیک یا اوتوز طوقوز بیک یا اون ایکی بیک یا عجم و روم و اسکندریه دن

او بر یوز قول اصح اوزره همان قوم قبطین ایکی بنی اسرا قیلدن تیش نفر ساخر ماهر جمع ایندی یروب منفده
یا اسکندریه ده عاشوراده یا نوروزده یا یوم عید قوم قبطه یا یوم کسر نیلده بر حمراده جمعیت اولوب ساحر لر
عظیم اورغانلر زبوه سوروب و نجوف بیولنا عاجلر زبوه طولد یروب کونش قیزدنده سرکنه کلوب خلقت
کوزلی صحرله باغلاولغین صحرانی اوزرهارله مملو ساند قده موسی علیه السلام عصا سن براغوب طول
وعرض وارنقاعده نیچه یوز ذراع بر اوزر کوه یکر عجیب و مریب اولوب کورین اوزر لر جمعیت بالتمام بلع ایدوب
خلقه هجوم اید کده تیش ییک یا یکر یی تیش ییک یا التیوز ییک مر دنیا بال مرده وهلاک اولوب فرعون ذمیم
الصفات کوبله نجات بولدی ساحر لر یوم مجزة عظیمه یی کوروب ایمانه کلوب جناب حقه مجده ایند کارنده
جنتده و بر یله جک مقاملرین کوردیلر فرعون قاقیوب جله سنک اللرین ایاقلرین کسوب بدنلر یی نهر نیل
کنارنده خرما اغاچلرینه آصدی دنساده ابتدا آدم صلب ایدن فرعون دیندر دینلر علمدان نیچه لر (انسان و من
انبه کما القالبون) آیتک ظاهر یله استدلال ایدوب فرعون صحره یی قطع وصلبله قورقودوب لکن ظهوره
کتورمدی دیشلر والله اعلم (ایمان کفره) تفاسیرده (وما آتاهن اوسى الا ذریه من قومه على خوف من
فرعون و ملائک) آیتده مذکوردر که حضرت موسایه قوم فرعوندن همان آسیه خاتون و آنک ماشطه یی
و فرعونک خزینه دارى و آنک خاتونى و فرعونک عیسی اوغلی سر قیل یا سمعان یا حبیب و تابوت یوسفی
کوسن بریزال که نه مال ایمان کتورمشور و دخی مذکوردر که صحره ایمانه کاه کارنده بنی اسرا قیلدن
التیوز ییک کسنه ایمانه کلکین فرعون ازی داهل ایماندن هر اسان اولوب اول یی رح و اجوف بنی اسرا قیلله
تکلیف خدمت و انواع جفای مضاعف اید کده حضرت موسی آنده هلاک اعدا ایا بشارت و تکلیف
صبر و تسلیم ایدی * تاریخ میرخوانده صحره مغلوب اولد کارنده حضرت موسی جله خانی شریعت
حضرت ابراهیم دعوت ایدوب قبائل قوم قبطدن تیش قبیله ایمانه کادیلر دیومذ کورددر (قتل اولاد)
تفاسیرده (قالوا اقتلوا ابناء الذين آمنوا معه واستحبوا نساءهم) آیتده دعوت موسی نصکره فرعون غضب
واضطرابدن موسی طوغد قده ایدیک کی بنی اسرا قیلک هر طوغان ارکان اوغلاقیلرین قتل ایدر اولدی
تا که خوفلرندن موسایه تابع اولمهلر دیومذ کورددر سبحان الله فرعون شر اهل شر لایقنی حذر من قدر
مفهومندن نه عجب یی خبر ایمانه کله جیک هولامع یخت و طالی مغرب زوالده بهر حال غارب
و آئل اوله جفتدن غافل اولش نه و ذبعه الرحمة من مکر الشیطان ومن الضلالة والخذلان (عجز فرعون
و ظهروا قبط) تفاسیرده مذکوردر که موسی علیه السلام محل جهنمدن منصور و مسرور اوزرهاره سیله دونوب
مستقل اردو و آلاى ایه متصل طورن قومه کیدوب فرعون هامانی کوندروب جنگ ایچون عسکر
جهنمه قرق کون وعده آلوب مدت مزبوره چالشوب بحکمة الله موانع صدور یله وعده هر و ایدوب
کفره نک عجزی ظهور اید کده نیچه مدت یل طاشیموب قبط اولدی * تاریخ میرخوانده اوج ییل
قبط اولدی دینوب تفسیر تفسیرده مذکوردر که فرعون بی عون غرق اولخیه دل او تو یاز قرق ییل دل هر قرق
کونه وعده آلوب تمام اولد قده عذرو بهانه بولوب بر قرق کونه دخی مهلت آلوب کمال حیرت و عناد و طغیاندن
باشوب جان کزدیرردی (قتل ماشطه) قیزیک ماشطه سی کیزلوسلمان اولوب فرعون طوید قده بر روایتده
اوشانوک اولادنی قیزش فرنه برر بر آقوب همه اهر بر اوغلاقیق قدرت حقه سولوب انا جقم صبرایله سن
حق اوزره سن دیوب والده سیله فرنه آتدیلر بر روایتده خاتونى ارقه سی اوزره یا نوردوب درت طرفه دمور
قازق قاقلوب اللرین ایاقلرین قازوغه باغلیوب اوج اوغلی برر بر کوسى اویتده بوغازلر دلب اوچنی همه
اهر اوغلاقیق ایکن انا جقم دین موبادان صاکن دوعه زیرافر غونک عذابى تیز کجر اما عذاب الله ایدیدر دیو
سویلدی فرعون لعین دمور دن بر یول او کوز ایدوب غضب ایدیک کسنه یی آتی آتنده قیزدوب
ایچنه آتاردی بوخاتونى دخی بوغازلش اولادیه آنک ایچنه آقوب یا نوب کل اولدیلر بر روایتده خاتونک اللرین
ایاقلرین دمور میخله میخلدوب یا شنه لکن ایه آتش قودر و اوشانوک اوج ایلک اوغلاقیق قیزش
فرنه آقوب اوغلاقیق انا جقم صبرایله همان طوغر و جتنه کیدرسن دیومذ کده یوم مجزه یی مشاهده ایدن
اهل کفر و معانددن نیچه لری ایمانه کاردی (قتل آسیه و ظهور ظلمات) هر ویدر که قتل ماشطه یی فرعونک

خاتونى و مقبوله سی اکن قلبنده ایمانی مانند جبال راسیه اولان حضرت آسیه کوروب یی اختیار فرعون
سوکوب فرعون یونک ایمانه قاقیوب هامان مشاوره سیله بره درت قازق قاقلوب آسیه نک اللرین
و ایاقلرین باغلدوب بر روایتده کوسنه ایکی دمور قازق قاقلوب اوجی ارقه سنه جیهوب او سالد جبرائیل
علیه السلام جنتدن شربت کتوروب اشکنجه المن طویدین روحی قبض اولندی مصر شهر یی اوج کون
اوج کیجه ظلمات قاقیوب کوندزایله کیجه فرق اولندی بر روایتده آسیه به اشکنجه اولورکن حضرت موسی
اورادن یکوب کوروب آسیه خاتون یله ایشا رت ایدوب الم عذابى طویدسون دیوموسی علیه السلام
دعا اید کده جنتده کی مقامنه باقوب تبسم ایدرکن لذت و صفایله جان و یردی * تفاسیرده آسیه خاتون غلبه
موسی علیه السلامده ایمانه کلوب فرعون طوید قده کوشه فارش و یاتردوب ابوهریره رواقه اللری
آیاقلر یی میخلدوب کوسى اویتده یول کدرکن طائى قونوب بکچیلر بر مصلحه کتده مذکر کولکه
ایدوب (رب ان لی عندک یتس فی البینه و یخفی من فرعون و عله و یخفی من القوم الظالمین) دیومشاجات رب
العالملین اید کده جنتده و بر یله جک مقاملری کوسنراکین هرور فرعون ایل جان و یردی بر روایتده طاش و غزندن
اول روحی قبض اولنوب بر روایتده یاتردیلوب بره بغلدوب اوزرینه ییلانلر صالیو برلوب بو عذاب و وفات
ایدی * کشفده حسن بصری قواچه اثناء عذابده الله تعالی اکی جسم و روحله کوه چکوب حال جنتده در
دیومذ کورددر مزبوره خاتون حق یوانده بو قدر بلالره تحمل ایتمکین قضایى حقده (خیر نساء العالمین اربع
مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و آسیه امراة فرعون) دیو بر حدیث شریف اولوب
جنتده حضرت محمد صفا علیه الصلوة و السلامک خاتونلرندن اولسه کده در دیونیه خبر و اثر و در
فرعون لعین جانب حقدن آسیه به بغلاولوب بکرایکن شهید اولدیقنی دخی مقرر در رضی الله عنها (قصه صرح)
کشفده (یا هامان ابن لی صرحا) آیتده ایمان صحره دنصکره فرعون ارغادلر دن ماعد الی ییک معمار و نجار
جمع ایدوب کوه جقمق امید یل شمش کر یچدن غایت یوکسک بر قصر ایدر یروب تمام اولد قده غروب و قنده
جبرائیل علیه السلام قنادیلر اوروب یقلد قده اوج قطعه اولوب بری دریا به بری مغرب طرفه بری عسکر
اوزرینه دوشکین اون کره یوز ییک کافر هلاک ایدی * بر روایتده نمرود کی هوا به صود ایدوب اوق آقوب
اید کده یقلدی دینوب معالم التزیلده آتی بنا ایدنلر و مباشرت ایدنلر بنا التند جله هلاک اولدیلر دیومذ کورددر
عز آتس ده لیلده مزبور صرح یدی یلده بنا اولمشدی دینوب * تاریخ میرخوانده بیانک یوقار و سنه
بر یچق ییلده جیقلوردی دیو بر عجب روایت و حکایت اولمشدر (قصه طوغان) تفاسیرده مذکوردر که بعد
زمان سکر کون آی و کوش کورنیموب عالمی ظلمت یور یروب منصل باغور یاغوب جله کفره اولنده
اوتوره میوب ایاغ اوزره طوروب برهفته سرکاتندن و اکثر نصر فاندن فالغین حضرت موسایه وعده ایمان
و نضرع فراوان اید کارنده یغمور منقطع وظلمت منقطع اولوب بهد القبط غایت برکت و رخا ید اولدی
طوفاندن مراد چک مر ضی ایدیک جله کافر مبتلا اولوب دنساده ابتدا اوزمانده ظهور ایددی دیو
تفاسیرده مر ویدر (قصه جراد) کفار ذوی الجفا وعده یه وفا اید کارنده ظهور طوفاندن بر آى صکره جله
ولایت چکرکه اوشوب هوایی قاقلیوب اوراق و غرائق و مزار عده حبوباتی بهده شهرده کفار اولرینک سقف
و بان و ایچنده اولان اسباب ییوب برهفته دنصکره یه دعاء موسی علیه السلام ایه متدفع و مر دفع اولد قده
ساحر من دیو ایمانه کلدیلر (نظم) قد تکر العین ضوء الشمس من رمد * و تکر الفم طم الماه من مقام
(قصه قل) بر آید نصکره بغدادی کله سی اوشوب کیمی بقیه جراد اولان زاد و زوادلری ییوب کیمی کفره نک
ما کولات و مشرب و باتلرینه کیروب کیمی دخی بره نلرینه کیروب فانلرین ایچوب کوزلی قباقلرین ییوب
بدن نایا کلرین چالچالک ایدوب دفع بلای و رجایله موسایه محکم التجالیله برهفته دنصکره دفع اولوب نه
کافر ایمانه کلدیلر (قصه ضفادع) یه بر آید نصکره نهر نیلدن ییحد قور بغلر چیقوب سواقلرده
برر ذراع ییقلوب طوروب کفره نک محاسن و مناملری و جیسع اوائی طعاملری طولوب حق آتنده قیفیان
فرغانلر نه وسو باشد کیری و قنده دهانلرینه صکر یروب برهفته حیران و سرگردان اولوب نه موسایه
بیحد تضرع دعا اید کارنده صاغ اولان قور بغلر نه کیدوب قور بغلر یی بریل اسوب قور یروب شهر یی

بالا آمد کده نه کافر را ایمانه گناید (قصه دم) نه بر آید نصکره نیل ابرمانی وجهه قول و لای صافی قول
 فان اولوب باش آغا جلری صوب اندن دخی فان چقبوب برهفته بحال ایلد فرعون ایلد قومی صوب لادن هلاکه
 یقلا شوب وعده اعدام ونضرح والتیمام ایستد کارنده حضرت موسی علیه السلام دعا ایلدوب ولادن
 رها بولوب جله سول اولکی حالته وارد قده کفر قی سمد خاف وعدا یتدیلر بعض سلفدن هر ویدر که
 دمدن مراد رها فدر که جیسع کفره نک بورونلری قنا بوب هلاک اوله یازم شاردی تقاسیرده مذکوردر که
 ذکر اولسان جیسع علامده بنی اسرائیل حضورله سالم طوروب کفرله اولری مشتبه آیکن حکمه الله
 طوفاندن بر طمره صوب بردانه چکرکه و قوربغه و کله کیرمیوب نیل ابرمانی فان آیکن مسلمانلار دقه صافی
 صوابوب بعض کفره بولردن برله بر چنادهن صوابوب کده مؤمن طرفی صوابوب طرفی فان اولوب کاسه بی
 دوندرد کده صودخی دویوب حتی بر مؤمن اغزندن بر کافر صوابوب دقه فی الحال فان اولوب باعث عبرت
 مورث حیرت اوله جی اشباح و احوال پرا هوای کفار ذوی الضلال کوروب کفره اصرارده برقرار اولدیلر
 علامات مزبور یکریمی یله دل تدبیرجه ظهورا بنمشدردی تقاسیر و توارینده بر روایت وارد (قصه طاعون)
 تاریخ میرخوانده قصه دمد نصکره بدخی دفعه ده موسی علیه السلام کفریه بدعا ایلد کده صحران
 بناورلر هجوم ایلدوب کافر لری برهفته انجیدوب بعده طوار لیه طاعون کوروب ده اوج کون اوج کجه
 هوا قراروب مخالف یلر اسوب کفریه غایت خوف دوشدی دینوب تقسیم تیسیرده و هیدن هر ویدر که
 اهل ین طاعونه طوفان دیکین طوفاندن مراد طاعون عظیمدر که کفره ایچنه دوشوب بر کجه ده
 سائر زندن ما عدا سکنان یلک بکر خانون هلاک اولدی * ابن جبرین دخی هر ویدر که طاعون طوفانک
 غیری اولوب التینی عذاب ایدیکه بر کجه ده یتش یلک کافر هلاک اولوب کثرت موتادن نیجه لری مقبور
 اولوب طعمه مار و مور اولدیلر * کتاب الاوائله دنیاده طاعون ابتدایوزمانده ظهورا یتدی دینوب
 تفسیر لیا بیده (واقدا آیتنا موسی تسع آیات ینات) آیتده آیات نه لک یتدیی عه اوید بیضا و طوفان و جراد
 و قل وضفادع و دم ایدیکه متفق علم درابیکسند مفسرین اختلاف ایلدوب یازد قلی احوالک دلیل ظنیسی
 دخی یوقدر دیو مذکوردر (قصه طمس) یه بنی مسیح بعض تقاسیرده مذکوردر که حضرت موسی
 (ربنا طمس علی اموالهم و اشدد علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم) دیو بدعا ایلدوب برادر
 هارون علیه السلام آمین دیکین کفره نک مال و منالاری مسخ اولوب طاش اولدی آخر آیات طمس در دیو
 ابن عباسدن هر ویدر * معالم التنزیله سدیدن هر ویدر که قوم قبطک ماللری و اغا جلری و حیوه و حیوانات
 و ما کولاتلری طاش اولوب آیات تسه لک بری بودر * تفسیر لیا بیده التولری و ایجه لری دخی طاش اولدی
 دینوب و بعض توارینده قصه دمدن صکره حضرت موسی کفره بدعا ایتمکین رجال و نسا را طافالان وافر
 طاش اولدی دینوب * تاریخ میرخوانده هر ویدر که فرعون اغوای هاما ناله قتل موسایه قصد ایلد کده
 موسی علیه السلام بدعا ایتمکین کفره نک ماللری و ما کولاتلری طاش اولوب کفار ناساز موسایه نیاز
 ایلد کده دعا ایلدوب مسخ اولان جیسع اشیا اولکی صورتلر نه کیردی فرعون بی عون هر علامت کوردیکه
 ایمانه کلک ایتیب لکن هاما ن انواع اضلال ایلد مانع اولوردی دینوب تقاسیر مشهوره نک بر محله دخی
 علیه السلام یو بدعا دند نصکره مصرده کفرایچنده کندی قومیه فرق ییل طوردی * بر محله دخی
 بعد النبوه مصرده جله اوتوز ییل طور مشدر دینوب * تاریخ میرخوانده ایمان مصرده نصکره کفره ایچنده
 یکریمی ییل طوروب آیات تسع مدت مزبوره ده تدبیرجه اولدی اهل کتاب قولنجه ظهور آیات جله اون بر آید
 اولوب اوزمانده موسی علیه السلام سکنان یاشنده اولوب قول اسمرا و زره ظهور آیات اوج ییل و اون برای
 ایچنده ایدی دیو مذکوردر و الله اعلم (قصه غرق) هر ویدر که هلاک فرعون یقلا شده موسی علیه
 السلام تابوت یوسنی چفاروب بنی اسرائیل ایلد شام ولایتلر نه کجکه وحی الهی کلد کده تابوتک محلی بلوب
 عاقبت نیجه یوز ییل یشامش بر خانون ایمانه کلوب وعده جنت ایلد خبر ویرد کده چسار بلوب بر کجه جیسع بنی
 اسرائیل ایلد که یکریمی ایلد التیش یاش ارا سنده چنکه برار لری التیوز یتش یلک یا التیوز یکریمی یلک یا التیوز یلک
 یا التیوز یتش طه و زبایشوز یلک و اوج یلک بشیوز و ترجمه تورا قولنجه تمام التیوز یلک کسند اولوب مفسرین

قولنجه بوجه نک اون ایکی کره یوز یلک ذر یلری دخی و ارایدی بوجه بوله روانه اولوب اوکیجه حکمه الله
 کفره اولر یلک هر برنده بر بریکر قزوفات ایلدوب صباح انلر دقه چالشوب ابرته می علی الصحر فرعون بد کهر
 اون ییدی کره یوز یلک یا یتش کره یوز یلک عسکری ظفر ایلد این الم فردیو آرد لرنجه کیدوب مسلمانلر ساحل بحر
 قلمزده سوبسه یاد یار مصر اوردنده بحر اسافه یا نه یلک طیسایوب صبا حدن التینی ساعتده فرعونیلر کوروب
 یا فلا شفن زمره مؤمنان خیران و سرگردان آیکن وحی خدا ایلد حضرت موسی علیه السلام دریاه عصا اوروب
 اسباط عدد نیجه اون ایکی یول آچلوب امر حقه فی الحال قوروب دریانک هر قطعه سی طاع کبی طوروب
 مسلمانلر یزی بر لرن کورومک ایچون مشبک اولوب دریانک عرضی درت فرسخ اولغین درت ساعتده کزاره
 چقد قارنده فرعون دخی یتشوب کیرد کده متر دایه کن آیتده کی آفرات جبرآیل نیل علیه السلام یتدیکه
 قصصای کوروب هجوم ایلد کده فرعون ضبط ایلد میوب بالضرر و دریا به صالوب عسکری دخی کوروب
 اوکیجه اولنر حقه و باقلا شوب صورت انسانده میکائیل علیه السلام آرد سور یجیلک ایتمکین کیرده کسند
 قائمده دریانک شکافلری قیسایوب اول فریق ضلالت رفیق (اغرقوا فادخلوا ناراً) بغوا سجه جله سی اول
 بحر عظیمه غریق و در عقب نار جیمده حریق اولدیلر اشوب قصه عظمی یوم عاشوراده اولغین اول یومک
 صومی بنی اسرائیل قومنه شکرا الله واجب اولدی * هر ویدر که مصر دن چقد قارنده بنی اسرائیلک
 چاق اولکر نیجه هارون علیه السلام چاق ایلد لرنجه موسی علیه السلام یوروب دریاه کیرد کازنده امر بر عکس
 اولدی زرا خوف کلی نه طرفده ایسه مسلمانلر قوت قلب ایچون موسی علیه السلام اول طرفده اولی لازم ایدی
 (ضبط مصر) عرایسده و تفسیر تیسیرده مذکوردر که موسی علیه السلام یوشعله کالب بن یوقسانی
 اون ایکشیر یلک عسکرایه مصری ضبطه کوندروب و از دقلزنده غرق اولنرک جله خزینه زین و مال
 و منالرن اولوب بر روایتده عقار لرن دخی صایوب ولایت مصرده کافر لرن همان یورلر خسته ل عورتلر
 اوغلا نیجه قائمشلردی آنلرک اوز زینه یتنه آنلردن بر کسند بی حاکم دیکوب کورومکه امکان اولان قدر مال
 و منال ایلد حضرت موسی علیه السلامه کلدیلر بده لب دریان کوجلوب بوله روانه اولدیلر (امر بغزا)
 تاریخ میرخوانده مذکوردر که کوندز مسلمانلر اوستنه بر بوات سایبان اولوب کجه مشله بر نه اوکر نیجه
 نوردن بر عود ظاهر اولوب یله یوروب کفره دن بر طاقه به اوغرا دقلزنده بنی اسرائیل سه هابی یا موسی بزه ده
 یولر کبی صورتلره طاقه اجازت ویرد یو عرض رجالتد کازنده موسی علیه السلام حکم قاقیوب یوزلر دخی
 استغفار و اعتذار ایلدوب چونکه حق تعالی یو کاهمزی عفو ایدی بر نسته امرایسون کاکا جان و دل ایلد
 سی ایلد لم دید کازنده قتال جبار به و فتح بلاد شام امر اولغین بوله روانه اولدیلر (قصه تجلی) تاریخ
 میرخوانده بنی اسرائیل موسادن هر اوا شرع جدید استه کن امر حقه اشراف بنی اسرائیلدن
 یتش کسند ایلد طوره کیدوب سائر خلق امر شریفله طور دینا بریه سته کیدوب آنده توقف ایلدوب هارون
 علیه السلام قائم شام اولوب موسی علیه السلام بولدا شلر یله طوره فرق کون صام و معتکف اولوب
 فرق برنجی کون که مصر دن خروج بنی اسرائیلک بشنی آیتک اولی ایدی محل مناجاته تمناجه واروب
 جناب حقه سولشوب بعده شرع جدیدی مشبک اون لوح شریف نازل اولدی دینوب * لکن تقاسیرده
 مذکوردر که غرق فرعونده موسی علیه السلام قومیه مصره کلوب برادر یی قائم مقام ایلدوب اوتوز
 کوند نصکره سزه کاب و شرع جدید کتوریم کر کدر دیوب جبرآیل ایلد کیدوب طوره وارد قده فرق کون
 صام اولوب اطرافنده یزی فرسخ بردن جن و شیاطین و جیسع حیوانات طرد اولشوب عللری کاتبی اولان
 ملکر دخی کیدوب کوکارا چلوب ملائکه عوایق و عرش عالی درجانی کوروب حضرت حق سوزن
 جبرآیل علیه السلام ایستد کسزین جناب رب العززه وجه خاص اوزره سولشوب * ابن عباس قولنجه
 یتش فقر تقیبا الله کلش اولوب آنلر طاع آنکند طوروب موسی طاع اویتند تنها اولوب حضرت حقه بی
 واطفه سولشیمکین مشاهد جمال یتشمال حضرت رب متعاله غلبه شوق ایلد صبر و قناری خارج طوق
 اولوب (رب اونی انظر الیک) دیورجا و لطف حقه التجبا ایلد کده (ان ترانی و لکن انظر الی الجبل فان امتقر
 مکانه فنوف ترانی) دیو یور یلوب یاشنده اولان بر جبل کیرد که اسمی زیر ایدی اوزر نه نور جیدن یا نور

عز شدن بر ذره تابان و درخشان اولاده یا خود طاعنه حیات و ادراک کلوب دیدار پروردکاری حقیقه
 کورد کده باره انوب یا خود از یلوب بر ایله برابر اولوب یا الی پاره اولوب اوجی چاق مکبه دوشوب نور نبیر
 حرا اوجی دخی مدینه دوشوب احد و رفان رضوی دیومسی اولدیله یا خود اوج بلوکات بری بره کجوب بری
 اوجوب دریاه بری مکده عرفات یا نه دوشدی یا خود جله طاع ذره ذره اولوب حالا کونشده کور بن ذرات
 آنک نشاندیره و الحاصل بو حال حیرت مآله موسی علیه السلام کال دهشت و هولدن بی طاق و حول
 اونی غشی اولوب یا وفات ایدوب ابر نه می جعه و عید اخفی کوننده افاق یا حیات بولدقه کاب تورا نازل
 اولدی و معال التزیلده کوکله یار یلوب هر برینک ملائکه می صاعقه مانند صوت مهیب و بلند آواز ایه
 تسبیح ایدرک نزول ایدوب لمعان انواردن و اشکال و اصوات عجیبه ملائکه ابراردن حضرت موسایه عظیم
 وحشت و دهشت کلوب سوال رؤیته ندامت چکوب هر طبقه نک ملائکه سی یا عمر ان اوغلی نه قورقارسن
 صبر اید دخی نلر کوره سن رؤیت حضرت و جن آسماندر دیو عتاب و خطاب ایدوب بدنی کول ملکری
 دخی وحی اید کده امر حقه ملکک عرش عظیمی کور و روبر نوری طاعه طوقوب جله ملکک سجده
 اید کارنده طاع صار صلوب مندل یعنی از یلوب اجزاسی بری برندن منفک اولدقه موسی علیه السلام
 مصموق بی روح اولوب عرش نورندن یا نمسون دیو امر حقه روح نام ملک موسی انک ایاتی التنده اولان طانی
 اوزرینه قیایوب بعد زمان فالقدقه دنیاده طلب رؤیت ایدیکنه استغفار و اعتذار ایدی دیو تفصیل
 اولدی و تفسیر تفسیرده یورایت حجت اوزره مروی دکدر خصوص انبیاء عظام شائیه لایق اولماغین
 قبولی جائز دکدر دیو تضعیف و تزییف اولنده و تاریخ میر خواننده طلب رؤیت و نزول تورا طوره
 مرارا واروب شرف مکالمه و نزول الواح حصواند نصکره اولوب بعد التنبوه طوره اوج ککره و اردی ابتدا
 شرع جدید کتورمک ایچون بتش کمنه ایه واروب اولن لوح نازل اولدی بو کار بهین مینقات دیرلر زیرا فرق
 کون بریده متصل او نوروب اصلا برندن آریایوب صوم و عبادت ایتمندی ایکنجیده اعتذار جرم
 بی امر آئیل ایچون وارهش ایدیکه بو کار بهین شفاعت دیرلر زیرا فرق کون متصل سجده ده طوره شدی
 اوجنجه الواح عشره دن منکسر اولان ایکی لوح بدانی رجا ایچون واروب بو کار بهین نصیر دیرلر زیرا فرق
 کون متصل ایاق اوزره طوروب لذت مکالمه حضرت حقدن طلب رؤیت ایدوب بعد فرق جلد لور تورا نزول
 ایدی دیومد کورد و فوایح مسکیده ده الله تعالی موسایه یوز بکری ییک اوجیوز اولن اوج کله سوبلیدی
 دیو بر حدیث شریف مروی اولوب علماء اهل سنت قنده کلام حضرت حق ذات قدیمی ایه قائم معنای
 واحد قدیم اولمغه اصوات و حروفدن منزله اولوب متجزی و متبعض اولدیغی محقق و منفق اولمغین کتب
 کلامیه ده اولان تحقیق جلیل اوزره حدیث مذکورک تاویلی بودر که حق تعالی موسایی کلیم ایدمه کله
 تکریم دیلد کده اصوات و حروف برادوب کلام نفسی قدیمی که معانی قیلندندر انکله اسماع و نه هم ایدی
 پس تعدد کلمات واسطه استماع و فهم اولان حروف و اصواته اولوب کلام حضرت باری آنردن منزله
 و بریدر و نیجه معتبراته موسی علیه السلام بعد التجلی کجه قرا کولغنده اون فرخ برده قرنجه یورودیکنی
 کوردی دیو بر حدیث شریف مروی اولوب بعضنده دخی مذکوردر که بعد التجلی مبارک یوزلری شمس
 رخشان کبی تابان اولمغین برکسنه باقعه قادر اولیوب و بعض روایتده هر نظر ایدن تحمل ایدمه یوب وفات
 ایتمکین آخر عمر لسته دل روی عنبر بوی عبادت خویلی نقاب ایه استتار و احتجاب اوزره ایدی
 (نداء امت محمد) مواهب لدینه ده ابن عباسدن مرویدر که موسی علیه السلام مناجاته یارب بنم استمد
 افضل امت و امیدر که من وسلوی انزال و دخی نیجه وجهله اکرام و افضال ایدلک دیکده یا موسی
 بیازمسن که امت محمدی سائر امتلر اوسته فضیلتی جمیع مخلوقات و مقننه بنم فضیلت کبیر دیو یور یلوب یارب
 بکا آنری کومر دیوب کوره من سن لکن صدالین اشدیره یور یلوب جناب حقندن ندا اولدقده امت
 محمدن قیامتده کله وجوده کله جمل جمیع مردان و زنان صوت واحد ایه لبیک اللهم لبیک دیو نمره زنان
 اولدقنده (صلواتی علیکم ورحمتی سبقت علی غضبی و عقوبی سبق عذابی استجبت لکم قبل ان تسألونی فن
 لقینی منکم بشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله غفر له ذنوبه) دیو خطاب مستطاب رب الارباب

کادی موسی علیه السلام اشبوات عالی همت بسیار نیاز آوازلین اشد کده ای رب عزیز بودانه عجب
 لذتد بر دخی اشتسم دیو رجا واسطه عالیش (وما کنت یحائب الطور ان نادینا) آیتی بوقصه به ایما ایدر
 دیو بر حدیث شریف مرویدر (نزول تورا) تفسیر تفسیرده حسن بصری قوالجه امر حقه جبرائیل علیه
 السلام جنت عدننده بر آغا جدن طقوز عدد لوح کسوب کتوروب هر برینک طولی و عرضی موسی
 ذراع ایه اوز ذراع اولوب بعده جبرائیل اول لوح اوسته توراتی یازوب موسی علیه السلام قلم آوازی
 اشد یوب مجاهد قولجه الواح زمردن ابن جبریه قولجه یا قوتدن ابوالعالیه قولجه زبر جددن اولوب
 وهب قولجه موسی طور دینی طاعدن کسوب حق تعالی آتی یومشادوب دوز ایدوب اون عدد ایدیکه
 هر بریسی موسی علیه السلام قامتی قدر ایدی و تفسیر ابو السعده الواح توراتی جبرائیل کوکدن
 اید یروب زمردن یاز بر جددن یا قزل یا قوتدن اون یدی یا اون ایکی لوح اولوب یا خود موسایه امر حقه
 طاش یومشامغین کسوب بار مقلایه تنقیق ایدی و حسن بصری قولجه جنت آغا جدن اون ذراع
 بر لوح ایدی دینوب مشاهیر تفسیرده موسی علیه السلام مناجاتدن کلوب بنی امر آئیل اکثری سامرینک
 یوز اغوشنه طایر کورد کده کال اضطرابندن التنده اولان یدی لوح توراتی بره یوز اقدقه پاره لوب ایچنده
 امور غیبیه و اسرار خفیه اولان الی بلوکی کوکه چکوب مواظ و احکام شرعیه اولان بر بلوکی قالدی
 دینوب و تفسیر ابابک بر محمده ابن عباس قولجه الواح تورا اید کده موسی علیه السلام فرق کون
 صاتم اولوب بعده الله تعالی اولو حمر عدد نیجه لوح کوندر و آئیلک اوستنده نه یازلش ایسه بالتمام یونلرک
 اوستنده یازلش ایدی دینوب بر محمده دخی قرآنده (والی الا الواح) یوزلدیغی آنکساره و قوی اوله جتی
 وجهله القیامه دلالت یوقدر متبادر اولان مجرور یوزینه قومسیدر خصوصاً که بر افعاله کلام الهی
 تحقیقه جرات عظیبه وارد که انبیایه لایق دکدر مع هذا (ولاسکت عن موسی الغضب اخذ الاواح) آیتی
 صریحا دلالت ایدر که مقدما بره قودینی الواحی بعد الغضب یعنی ایه الله الوب ایچندن هیچ بریسی
 پاره لیش اولیه دیومد کورد و تاریخ میر خواننده بعضر الواح توراتدن عبارتدر دیوب قول اسمع اوزره
 تورا الواح غیرد الواح اون عدد ایدیکه اوزرنده کلمات عشره یازلشدی بعضیلر قولجه موسی علیه السلام
 قصه سامریه قاقیوب حدیث ایکنسن دخی بره چالوب پاره لوب دعاء موسی ایه او کلمات شریفه مضعونی
 مستهل ایکی لوح دخی نازل اولدی الواح ایچون بعضر زمردن دیوب بعضر زبر جددن اولوب هر بر لوحک
 طولی اون ایکی ذراع ایدی دیوب بعضر دخی اکسک دیوب بعضر الواح طاشدن ایدیکه الله تعالی یومشادوب
 جبرائیل علیه السلام لوح کسوب مهره لوکی دوز ایدوب فرقان یازدیغی قلم ایه بحر نوردن مرکب الوب
 کلمات عشره بی یازوب موسی قلم آوازلین اشدی طاقنه یوز دیرلر که الواح طقوز لوح اولوب هر بری
 اوز ذراع ایدی و ربع بر افس دیمد که تورا فرق دقترا لقی اوزره یونوب بتش دوه یوکی ایدی بر حق بریلده
 اوقنوردی ایچنده ییک سوره اولوب هر سوره ییک آیت ایدی انبیادن موسی و هارون و یوشع و عزیر و عیسی
 علیهم السلامدن غیرهی هیچ بر فردتون توراتی حفظ ایتماشدی بعضر دانیال و ارمیا علیهم السلام دخی
 از بر اشدی امت محمدن حضرت علی ایه جعفر صادق دخی حفظ ایتملر در دیملر دیومد کورد (قصه
 سامری) معتبراته مرویدر که حضرت موسایی مناجاته ایدیکه یا خود مقدما غرق فرعونده جبرائیل
 علیه السلام کلوب آتک ایاتی با صدیقی برده فی الحال سیزه بتدیکنی اتمنده و دیارنده اختلاف اولسان
 سامری منافق کوروب اول خالی یا کدن بر قیضه آلوب صقلا یوب موسی علیه السلام مناجاته اوتوز کون
 وعده دن اون کون زیاده اکنکین اوتوز برنی کون سامری امین بنی امر آئیله مضرده قوم فرعوندن
 دو کون بهانه سیله الذقری امتعه کتیره بی برروایتده قوم فرعون غرق اولدقده اب دریاه چقان اموال
 غنچه لردن الذقری سم و زروسا لر ایچون یومالار مزره حرام اولمغین موسی مزره کومر دیمکین انلردخی
 عظیم آتش باقوب جله سنی ایچنه آتوب التورلر اید کده مقدما یوزاغویه طبا نلردن اولوب اسماء قریبی
 اولمغین اربین التورلردن اوج کونده بر یوزاغود و زوب صقلا دینی طبا نلر اغزینه صا جقدقه ایچندن
 یوزاغوا آوازی کبی داتاصد ایچمه غین ابن عباس و نیجه قولجه قدر الله انلو فالو جانلور اوز اولدقه

امور خفيه سرى بن سكا اعلام ايشه بجه موال واستفهام ايجت ديو عهد انوب موسى عليه السلام يوشى
 بنى اسرائيل كوندردى موسى ايله خضراب دريايه كاديد آدله اسبابه طولش بركى به بنوب كيدر كن
 صوبه قريه بريايكي باوج تخته قوباروب برنهره وارد قلنده كناره بجه قوب اوون اويسار اوغلا بجه قلند
 ايجندن برخوب صورتى دوتوب باشن قوباردى ياوغوب يا باشنى ديواره اوردى باطاشله ازوب يا بجاغله
 بوغازلدى * بعده اشتر اقال اوزره ولايت شامده انطاكيه شهرنه واروب خلق بونله ييه جلك ويرميو ب
 اوجالده خضر عليه السلام مفسر بن قولجه ارتشاعى يوزد باع مؤرخين قولجه ارتشاعى ايكى يوز طولى يوز
 الى عرضى الى ذراع اولوب يقلمغه مشوجه برديوارى حديث شريف موهوم بجه ايله طوغر لوب ابن
 عباس قولجه ييه قوب يابدى بهضاره قولجه ديرك طبياى * بوقصه رله هر رنده موسى عليه السلام نيجون بويله
 ايدرمين ديو غصبله * وروب خضر دى بن سكا دى مى سن بنم ايشاريمه صبر ايدم من سين ديد بجه موسى عليه
 السلام * هويتدم ارتق صورم ديو عذر انوب او بجه خنده خضر عليه السلام يا موسى * كه افتر از زمانيد
 صبر ايدم * ديكك امورك حكمتى بودرك * بنديكم زكى * حاجى اون نفر يتيم قرتداش اولوب بشى مريض بشى
 دى كم بجه بلك ايدردى واره جعفر ولايتك پادشاهى هر صاغ كى بجه رله مغلغه معناد اولغين بوى عيلوا ايدم
 ناكه بكنميو ب آيه * قتل ايتديكم اوغلان ايسه يوسه كافر اوله جفى مقرر اولوب بدر و مادرى مسلمان اولغين
 اوغلان بناسه آنرى اضلال ايدم جلك ايدى الله تعالى آنره مقتولك عوضى برولدا صلح و برمه كر كدره
 طوغر لوب ديو ايسه اوشه رده ايكي بجه كدره كيدى آنارى صلحان اولوب نسلنه قاتل ايجون آنك الله
 دفته قوم شدى اوغلا بجه قورمدين * قلوب ضايع اولسون ديو طوغر لوب * بوجله بن الهام رب الانام
 ايتدم دروب آريلوب موسى عليه السلام بنى اسرائيل يانه كدى * تفاسيرده مذ كوردركه صي مقتولك
 والدينه حق تعالى برتير و برديك بر بجه خاتون اولوب بر بجه خاتون اولوب * حق تعالى آنك سبيله
 بر قومى هدايت ايدى بر روايتده مقتول عوضى بر صلح اوغلارى اولدى * تاريخ ميرخواننده روايت
 نانيه جعفر صادق قولايدر ديو مذ كوردركه تفسير واحدده مذ كور بر حديث اوزره دفته مذ كوره التون
 واقعه ايدى * بنه آنده مذ كور بر حديث اوزره كه قول اكثر مفسرين و مؤرخيندر بر التون لوح اولوب
 اوزرنده بوكلام مرغوب نصيحت اولوب مكنوب ايدى كه * عجب لمن يؤمن بالله و كيف يحزن و عجب
 لمن يؤمن بالزق كيف يتعب و عجب لمن يؤمن بالموت كيف يفرح و عجب لمن يؤمن بالحساب كيف يغفل
 و عجب لمن يعرف الدنيا و قلبها باهاها كيف يطمئن اليها الا الله محمد رسول الله * تفسير لسان اول ايكي
 بجه آدى امرم ايله صريم ايدى بهضاره ديدى كه * جلاله ريتك اسمى كاخ اولوب بجه مبر ايدى * تفسير
 فاضله مزبور كاخ * بياح ايدى ديو مذ كوردركه * تاريخ ميرخواننده * حضرت عيسى من ويدر كه حين
 وداعده موسى عليه السلام خضر بن نصيحت ايتيوب اودى ديمكه * استودك الله يا ابن عمران كن نفاعا
 ولا تكن ضارا و ارجع عن العجاة و لا تش في غير حاجة و لا تضحك من غير عيب و لا تهر الخاطئين بخطاياهم
 و انت على خطيئتك و لا تؤخر العمل اليوم الى الغد * ديو بمر ويدر كه خضره موسى عليه السلام جله اون
 * كز كون بولداش اولد بارسخ * بنى الدين عربى كتاب فتوحاتنده ايد بر صخره خضره بولندم انشاعى
 * صاحبنده قصه موسى ذكر اولندقه ديدى كه عمران اوغلنه ييك مسئله حاضرله مشدم آنك ايجندن اوج
 مسئله به تحمل ايدم مامكين باقيسن كشف ايتدم * تفسير كورانيده حضرت رسولدن مريدركه قولايدى
 * موسى عليه السلام صبر ايتش اولايدى ناكه دى واقع اوله جنى امور غريبه بنى الله تعالى بن خبر و يردى * تفسير
 ابوالسودده وقت وداعده موسى عليه السلام نصيحت استه كده * لا تطلب العلم لحدث به و اطلبه لتعمل به *
 ديشر * احداث قبة الزمان * تاريخ ميرخواننده موسى عليه السلام سكران برياشنده اولوب بنى اسرائيل ايله
 برينه طور ميناده ايكن امر حقه مصلحا فى التوندن بر صندوق و يدي رنكو اطلسدن طولى اوج عرضى
 و ارتشاعى اوز ذراع قبه لو بر چادر قبه نك اطرافنه طولى يوز عرضى الى ارتشاعى بش ذراع سراسر ايدم
 يابديروب بوجله نك آلات و اوانى و فرش و سائر لوازمى جواهر و زواهر له مرصع و ملح ايتديروب صندوق
 بجه كوكدن ابن الواح شريفه بنى قوبوب صندوقه ثابت الشهاده قبه به هيكل مبر ايدم به قبة الزمان

وقية الامد و ديت المقدس ديو آد قوبوب قبه نك ايجنده بخور يقاچق و اطرافنده قربان ايدم جلك بر رتيمين
 او انوب بر موجب وحى تمام اولدقه كوكدن قوبوب قبه بنى يوزدى اطرافنى طومان شكندم تمام
 ديد كارى خفيه بولت قابليوب قوبوب نك لمعانندن موسى و هارون عليه السلام بنى قبه به
 كيرميو ب نجه كونه دل قريان اولوب بعده موسى عليه السلام خلافت فاما تلمين وقية ده بخور و قناديل
 يا قنى و قوربان اوزر بيه طور بيه واهل مناصب و غيره لباسلر كيدر مكي حضرت هارونله آنك اولادنه و نك
 و ذريته تعيين ايلدى بنى اسرائيل آنك آنره مخالفت لربن حق تعالى حرام و مخالفت ايدنك قتل حلال ايدوب
 بو خصوصلك بجه علامت اولق ايجون قربان اولندقه دور آدم نبر و عادت ايله اولدنى اوزره كوكدن
 آنش كلوب قربانى كوكه كوتوب علامت قبول حصول بولغين خصوصاً زيارت قبه شريفه خلق جمع
 اولغين اول يوم سعيدى عيدايدن بيل * اتفاق حضرت هارونك ناذاب ايهو آدوايكي اوغلو قبه ده بخور يا قنى
 ديدوب قبه ده كى خدائى آنشى قوبوب آخر زدن آنش آلوب يا قنى بخوردن آجى تتون جيقوب
 ايكه سلك دى يور كور بن يا قوب وفات ايدن بيل بعدالدفن جله خلق ملول اولوب ايرتيمى هارون عليه السلام
 كنديك يه بازار ايشامار آدوايكي اوغلانى ولى عهد ايدوب بكونده سبب قصه بقره اولان عامل نام كشته
 مقتول بولدى * ترجمه توراتده موسى عليه السلام امر حقه صندوق وقية و مذبح و مناره و سفره طعام
 و غایت و افر عيب و غريب نسنه لى سيم و زرو انواع جواهر ايله يابديروب مصر دن جقه قور بلك ايكنى
 نيل ايتدا سنده تمام اولدى هر كون ايشامه دل قبه بنى كوكدن بولت يور يوب كجه تتون خدائى آنش
 قابليوب بنى اسرائيل قيل اردوسى برضيا اولوردى من يور بولت قبه دن كيدر سه بنى اسرائيل كوپوب
 قوند قلنده بنه بولت يورردى كاه اولوردى كه بولت بر نجه كون كاه بر آي كاه بريل قبه اوزر بيه طور بيه
 امر آيل دى يا ضروره او تورا ق اولوردى ديتوب بايلان نسنه رله عددنده و كيفيت اوصافنده اولقدرد
 تفصيل لطيف مذ كوردركه عقل انسان حيران اولور * قصه بقره * تفاسيرده مذ كوردركه بنى اسرائيل
 بر يا خودايكي * كه سنده اقر بايشتن برى ميراث ايجون يا خاتونى يا قزى نك حاكمك ايجون قتل ايدوب ميتى
 بر قريه به براغوب اهل اليسندن ديت ايتد كده بر صخره بوغازلديوب ايتدن ميت اوزر بيه او رتيمه امر الهى
 كاه كده خلق تعجب ايدوب يا موسى ريكه صولر نه اصل صخره بوغازليه لم ديو اول دى صور قنده اوزر بيه باشلو
 ميور يلوب لوى غفوله اولون و نوزديد كارنده ضرور بولطيف و فرح بخش التون كى باني ماري ميور يلوب
 اومقوله جوق بولور و تكرر صور ديه كارنده استقام اولوب جمع عيويدن ميراث خودايسيد بديكي برده
 اوتلام و نوزد بولسا لوى برلش و جله اعضاى جنى بونوزلى و طارنا لوى ديو بى رنكده اولد بونوزلده
 بولانوب كشافنده مذ كور بر روايتده فرقيل اراون عاقبت قصه جنى عظيم تفصيله بجه محتاج اولوب يردى
 وفات ايتش و والده سنده طبع بر صلح و نفع تازه يكتنده بولنوب انسان صورنده به لال تعليمه صامقده
 طيانوب اقدام و ابرام ايله درسى طلوسى التونه مائنده بوغازلديوب ديلنى ياد بلى ايله يور كى ياساغ بودونى
 يا قولاغنى يا قوروى صوفومنى يا قولاق نوزنده كى كوكى يا ايكي كور كى ارامى من يور بيه اوردقه لرنده قانى
 آقارق قالتوب بنى اسرائيل فلان اولدردى ديو بوشد كده موسى عليه السلام قاتلى طوند يروب
 قصاص ايتدردى اوز زمانه نرو وارث قاتل ميراث مقتولدن نزع عايم روم اولدى بقره نك هاسنى موسى عليه
 السلام جمع بنى اسرائيله صالوب هر نفر حصه دوشدى ديو تفصيله ايدم مريدركه * تفاسير فاضى و غيره
 اول امرده بنى اسرائيل نه اصل صخره بوغازله مراد حاصل اولوردى لکن كنديله كوج * و سروب
 اوصافن استكناف ايتد كين حضرت رب حيدر جبراهيم آنره تشديد ايدى ديو بر حديث شريف مريدركه *
 تاريخ ميرخواننده مذ كوردركه مائنه يود بر لركه من يور صغرى ايتشه يا قوب كولى موسى عليه السلام
 اتمه و خلفا اولان اولاد حضرت هارون تسليم ايدوب بعده هر قاتلى نامعلوم مقتول بولنده بجه ميت اوزر بيه
 اول كولدن بره مقدار صالوب باذن الله جانلوب قاتلى ديو بيه ديو بيه ايدم مريدركه * تفاسير فاضى و غيره
 غريب بنى اسرائيل ايجنده بجه كمة البارى باقى و جارى ايدى * قصه بقره * تاريخ ميرخواننده
 مذ كوردركه حضرت موسى عليه السلام غايت وفور و غيور واهل حيا اولغين بدن كشته كور مامكين

تم ساد غنل ایدوب بنی اسرائیل بی ادب کارند که بری بر زبانه فارش و غسل و کشف عورت ایستاده معشاد
 اوانین موسانک جسته بر منض اولسیددی بزم یاغزده غنلدن قاجزدی دیوکت و کوایت کارنده
 برکون تنهاده غسل ایدوب قفساندرین برطاش اوستنه قویشکن حکمه الله ایل طاش یوزیوب کیدوب
 موسی علیه السلام بی طاش اسبابی کتوردیوار دخیج کیدوب اوحالده بنی اسرائیل نجه لری موسایی
 یران کوروب بدن حسی میوبدن مبراییدیکی طاهر و هویدا اولدقه طاش طوروب قفساندرین اوب
 کیدوب بنی اسرائیل حضرت موسایه سوطن ایندکارینه توبه و استغفار اظهاریتدیلر (یا ایها الذین آمنوا
 لا تکونوا کالذین آذوا موسی فیرأ الله عما قالوا وکان عند الله وحبها) آبی احد اقوال اوزره بوقصه به
 اشارت ایدر دیشلر بعد موسی علیه السلام امر حقه او طاشی صقلابوب درت گوشه لواواغین بعد زمان
 صحرای تیده بنی اسرائیل صوبه محتاج اولدقه موسی علیه السلام عصا ایل اوروب هر کوشه سندن
 اوجر چشمه افزدی (تفسیر قاجیده) و انما فی موسی لقومه قتلنا بنی بنی نعلنا الحزن آیتده مسطوردرکه
 من یورجی طور طراغندن قویارلش درت گوشه لوییدی یله کتوروب عصا ایل اوردقه هر کوشه سندن
 اوجر عده کوچک ایدر قلابوب هر رتدن اسباط بنی اسرائیلدن بر وسط صرا کوزردی بنی اسرائیل
 اردوشنک طولی اوان ایکی نیل ایدی یاخود مذکور چرخ سندن چقوب عصا ایل یله شعیب یغبر و برمشدی
 یاخود حضرت موسی غسل ایدر کن قفسانله بجان طاش ایدیکه جبر آیل اشارت یله کتورمشدی
 یاخود بر غیر معین طاش ایدیکه هر رتدن اولوب طول و عرضی برزدراع ایدی (بریه سینا و فاران) ترجمه
 توراتده موسی علیه السلام غرق فرودند نصکره لب دریدان کوب بعض قریه لره و صحراره و قوب کوچوب
 صحران حقه قلندن بریچی ای یکده بریه سینیه قوندر دیشوب تاریخ میر خوانده مصر دن حقیقه لی
 ایکنی ایلک اولنده ما یه نسانده بریه سینیه اده عید قربان فصیح قریش اولوب ماه ایارده بنی اسرائیل جنکه
 برار لری دقترا و اقی امر اولدقه یانی بکرمی ایل الهی ارانده اوانلر التیوریک و اوج یک بشیورالی کشته
 بولونیا پسده مه بر دن ایضا لندیر و بنی اسرائیل سینا سان اولان بولت که خلق آنک حرکت و مکتوبه
 تابع ایدیلر یوزیوب بریه فاران اوزرند طور مقین یله خلق آنده قوندر مصر دن حقیقه لی ایکنی ایلک
 آبی ایدی اول آئنده شهر میدندن حضرت موسانک قاین اناسی شعیب علیه السلام کوب کلی رعایه
 مقهر و دوشوب حضرت موسانک بجه خلق دعاوی و سایر احوال لرینه بالذات تعید ایل کلی رجحاندرین
 شعیب علیه السلام کورد کده هر سبطه ایچلرندن بر رعاقل و کاملی تعیب یعنی رئیس وضابط نصب ایدوب
 رجحانکی تحقیق ایلد کده موسی علیه السلام آتی مناسب کوروب نصب و تعیین ایدی دیو تفصیل اولنوب
 به بریه قوزانده شعیب علیه السلام کندی شک قیزی موسانک خاتونی صفای و موسانک ایکی اوغلنی یله
 کتوروب ایزاد نام مصاحبه لیل و تم اربالذات تعیدی کورد کده اون ایکی سبطک هر بریه بر رقیب
 و بولردن ما ادها هر یک نفره و یوز نفره والی نفره یا ون نفره بر بولول باشلری وضابط رجحانیه سلطانه قاضیلر
 طلب ایدر یوز بعد شعیب علیه السلام وطنه کندی دیومد کورد (عیاب مصاب) تاریخ میر خوانده
 مذکوردرکه اولد کده موسی علیه السلام قنده برادر لری هارون علیه السلام ایل همشیره لری مریم
 خاتون بهض خصوصده بری بر زبانه تنهاده قوغاشکا شد کاردنه ابره بنی عسکره سایان اولان نوات
 ایچندن بابی اسرائیل اگرچه بنیم عنایتم و معفرتم ایل مخصوص سنر لیکن سر قانده موسی قانده کانجه
 اویکونه بیوز سنر که اکامیسر اولان شرف مکالمه خدا انبیا دن بریه میسر اولدی نیچون حدیکری بیلر
 دیو خطاب باعتبار کوب بعد بنی اسرائیل اوزر لردن یوزیوب کیدوب کونش آچلقله حرارت هوا
 مشاهده اولدقه حضرت هارون علیه السلام توبه ایدوب مریم خاتونده برص مرضی ظهور ایدوب
 دعاموسی ایل بر هفتقه نصکره مرضی کیدوب بوجال ظهور و نصکره حضرت موسانک بین الناس عزت
 و حرمتی و کمال علو رتبی ظاهر و باهر اولوب بر کشته قیل و قال ایستکه قادر اولدی (قصه هارون) تفسیرده
 و توار بجه هر ویدر که حضرت موسی علیه السلام کعبه سنک یادیر سنک یارادیر سنک یا همشیره سنک اوغلو
 بابالذات عیسی ایدی حضرت موسی و حضرت هارون نصکره اعلم و اجل بنی اسرائیل اولوب موسانک علوم

کثیره او کوردی قبل الایمان فرعون طرفندن بنی اسرائیل ضابطی ایکن ظالم اولوب موسی زمانده منصب
 اولامغین موسی و هارونه دایم بغض و حسد و جفا ایدوب آنلریسه کمال اظفارندن قراسته بناه تحمل ایدر لردی
 حق تعالی صنعت کیمی بنی بنامه الزمان ایچون موسایه بلدر کده موسی قارونه او کوردوب قارون دخی
 کیمیا ایله یاخودنده مهارتله یا یوسف علیه السلام زمانندن دقینه لری بولقله حد و صفدن خارج مالدار اولوب
 یالک زخیره لری مفتاحدر بن قرق یا التیش عدد قار طاش ایدی هر مفتاح دریدن اولوب بر بارمق قدر ایدی
 سیر یخقدقه التون اگر لودرت بیک خدم و حشم ایله مسرور و مغرور و جقوب اشقیایی ضیافت ایدردی
 ترک غروره نصیحت اولدقه اول غنی غنی طامع شامع اولزدی بریه فارانده هر غنی کسه ربع مالی
 زکاة و بریمق قرض اولدقه قارون و بریموب موسی علیه السلام باری بیک التوندن برالتون و بریدوب
 قارون عناد ایدی بعده اشقیای اتفاقیله بر فاحشه خاتونه موسایه بین الناس بی شرم و هراس زنا افترا سن
 ایدر سنک سکا بیک التون و بریموب بریموب عیده یا هفتده بر اولان یوم وعظ و ذکر و عید و عیده اول بنی
 صنی سعید انشاء کلامده زانی متاهله رجم فرودید کده قارون قاقوب زانی سن اولسک رجم اولوردی
 دیوب بی اولوردید کده پس قومک سنی فلان خاتونله زنا ایدی یاور لردوب احضار اولدقه واقع حالی دیکه
 موسی علیه السلام خاتونه بین و یروب حضرت کلیم الله افترایستکه اجترایده میوب سزیم شان ایچون
 قارون بکاشو اده مال و یروب شو قرد دخی وعده ایدی دید کده یاخود افترایستکه ایدر کن حق تعالی دینی
 دوندیروب قارونله اخفا و امر ارایتد کیری اسراری اظهاریدوب قارون بدراوی رسوای اولدقه موسی
 علیه السلام طبراق اوزرند سجد ایدوب بکالیه تضرع خدا اید کده امر حقه بر مسخر اولوب موسی علیه
 السلام خبر و برید کده قارونک یا ننده اوانلر قاجوب ایکی مخصوص کشته سیله بره کوب اوحالده موسایه
 قارون ملعون بنش کره تضرع شدید ایدوب کمال غضب لردن مفید اولوب خدش و نابید اولدی و بهض
 اشقیای موسی قارونک مالنه طمع ایچون خدش ایدردی دید کاردنه اوج کوند نصکره مسکن و داری و مال
 و طواری و جله واری دخی یا تمام بر یکدی تفسیرده مذکوردرکه جناب حقدن و خی ایشدیکه یا موسی
 نه عجب بی رحم ایست که خدش اوانلرک بوقدر تضرع و انانی شدتک تلبین و حدتک نسکن ایدی عزیم
 حقیقون بکا بر کره ندا و انصا ایده لردی فجبات نصیب ایدوب بنی عیس و قریب و مجیب بولردی ترجمه
 توراتده اولانک اجالی بودر که موسانک عیسی اوغلی قوزح ایله دائن و ایروم آدولایکی نفر کشته و ایکوز
 الی نفر اشقیای که بنی اسرائیل انرا فسدن ایدیلر یا موسی برادرک هارونله ایکیز بریه نه تکبر ایدر سز
 سز دخی بزم کبی بنی اسرائیلدن دیکلر دید کاردنه موسی علیه السلام سجد به و واروب بعد بنی اسرائیل
 قوزح و دائن و ایرومک چادر لری یا نندن کیدک دیوب خلق طاعلده اوجی دخی چادر لریه و توب ایلر و مال
 و طواریلر بره کوب بعد کوردن آتش کوب اول ایکوز الی نفر اشقیایی یا قوب هلاک ایدی بعده
 بنی اسرائیل بهض لری موسی و هارونه بوقدر کسنه لری حظ نفسک ز ایچون هلاک ایدیکر دید کاردنه غضب
 حق اولوب اشقیایه طاعون کبی فجاة موت مسلط اولوب بعد دعاه موسی و هارونله رفع اولوب اون درت
 بیکدی یوز کشته هلاک اواش بولندی (نظم) بین قارون چه برداز کتج دنیا * نیرزد کتج دنیا و رنج دنیا
 (قصه نیه و طم و مرجزات کثیره) ترجمه توراتده بریه فارانده واقع اولمشدیر دیوب تاریخ میر خوانده
 موسی علیه السلام بریه فارانده ییش طقوز کون او توروب بعد امر حقه اراضی مقدمه بی جبارین
 دید کیری عاقله کفار لندن فحه عزیمتله کوچوب بریه فاریشه کوب نجس احوال چباره ایچون
 نقباء بنی اسرائیل اولان ایکی کسنه بی صالحه کوندروب و اخی ولایت اودنه یا قدسه یا فلسطینه کلد کاردنه
 عاقله دن عوج بن عقی بولری طوب بیک ایچنه قوب پادشاه لرینه ایلند کده قوت و صلاح غزی
 بنی اسرائیل خبر و بریدوب دیو آزاد ایدوب کلد کاردنه یوشه کاب سر کدشتلرین صقلابوب باقی تبا خلق
 توبه صایته کاردنه بنی اسرائیل قورقور لردن کسه که عناد ایدوب موسی علیه السلام مناجات اید کده وایه
 بر بولت کوب بنی اسرائیل نجه خطاب و عناب ایدوب بعد توبه یسایدن اون تفرک کورد لری و کبی
 اریوب آقوب دفعه هلاک اولدیلر بعده موسی و هارون و یوش و کاب علیم السلام قتال عاقله به کیدوب

بنی اسرائیل یاه که که صناد ایتمکین مصره متوجه اولد قلند صبح یور یوب اخشام و قوب قالدقلری
 یه قوغش کور یوب یو حاله فلسطین وایله واردن و مصر ارایسینده اون ایکی فرسخ اولان صخرای تیهده واله
 و حیران تابه و سرگردان کزوب طشره به جقمغه قادر اولدیلر لکن موسی و هارون یوشع و کالب یوللری
 باغلاوا امین استدلری یه واروب کلوب یوسالده موسی علیه السلام یولداشلیله عاقله دیارینه واروب
 عوج فارشوکوب موسی علیه السلام صحرایوب عصایله ایتمکینه چالوب هلاک اولد قده بنی اسرائیل کلوب
 هلاک کفاری سز مفتح ایتم دیم کلور کیهلم دیوب بنی اسرائیل یوللری باغلا دیغن ییلد کده
 مالول اولدی (فلاناس علی القوم الفاسقین) دیوب جناب حقدن تسلیم اولندی یبعده بنی اسرائیل بدنه یاد
 عناد اعیاد شکایت نفاذ ادا ایتمکین موسی علیه السلام دعاایدوب لطف حقه هر کون اعلک برینه
 عریجه من دیدکاری ترجین باغوب سلوی دیدکاری ادرین قوشلری کلوب هر کس هوس ایتمکی قدر
 الوب کباب ایدوب صولری دخی دوکند کده موسی علیه السلام یله کنور دیک طاشی قبه الزمانه قوبوب
 عصایله ادروب اون ایکی چشمه اقوب کوب کجه صو کسایوب قوند قجه آفاردی یه ضرر حرص وطمع لرندن
 من و سلوادن برکونلکدن زیاده جمع ایتم کده کلور اولوب دعا موسی علیه السلام ایله یه کلد کده برکسته یی
 خلقه ناظر دیکوب انک مرقبله هر کس برکونلک الوب زیاده ادرین دی دین موسی علیه السلام سبت کونی دنیا
 مصالحه نقیم حرام اولقین جمعه کونی عادتدن زیاده کلوب هر کس ایتمک کونی برردن اولوردی
 یواسلوه هر کون یکوب رایکی فرسخ برور یوب قوند قلند قالدقلری یه قوغش کور لرلدی یواننده
 بنی اسرائیل لبا سلمی اسکوب حضرت موسایه شکایت ایتم کارنده دعاایدوب طاشدن افان چشمه ره
 باورسونلری اوله و کیرلند کده آتسه براتسونلر که کیری آتش یا قوب لبا سلمه ضرر کیه دیووی کلوب یبعده
 هر طوغان اوغلا یق قوت حقدن قفتایله یله طوغوب یو دیکه قفتای دخی یله یوردی یبعده
 بنی اسرائیل ترجیه برمن و سلوی اله قناعت ایده لم سینه وات و حیوایات ایستردید کندن نه مت حقه قانع
 اولد قده موسی علیه السلام قاقوب وارل مصره کیدیل دیوب حق تعالی دخی غضب ایدوب برینه
 فارشه کیرد کارنده یاشی یکریم اله الی ارا سنده اولملر یوشع و کالبدن غیرلری فرق ییل ایچنده جله تدریجله
 وفات ایدوب برل یه اوغلری یشوب فرق ییل تمام اولد قده تازه یشنه هلاک اولنلر عد دیکه اولوب یوللری
 آچلوب یوشع علیه السلام اله ارجحاشم رفی فتح ایتم یلردی تفصیل اولوب ترجمه تورانه نزول من و حصول
 بعض علامات و کرامات جاق برینه سیفینده اولوب بعدن جقمغه اراسی کسلدی نزول سلوی ایله ابتدا برینه
 فارانه واقع اولدی دینلدی یبعده تفاسیرده صخرای تیهک طولی طاقه این فرسخ ایدی لکن بنی اسرائیل
 آنک ایچنده الی یا طقوز فرسخ یرده قوبوب کوجوب طشره به جقمغه قادر کالردی دینلدی کشفاده تیهک
 طولی اون ایکی عرضی سکر فرسخ اولوب حلب باتده قفسن من اله قدم ارا سنده ایدی دینلدی تفاسیرده
 مذ کورد که صخرای تیهده بنی اسرائیل لبا سلمی کیرلیموب واسکیموب طرقلری دخی اوزانیموب
 اوغلا یق قوت قدرندن طریق ککی لبا سلمه طوغوب یو دیکه لبا سلمی دخی یله یوردی
 (قصه عوج) نیجه معتبرانده مذ کورد که حق تعالی بنی اسرائیل ارجحاشم رفی فتح ایدوب آنی وطن
 ایدمکه اسرائیل تیهک سیک عدد قریه سی و هر قریه یه سکر نفر کسه ویکر عدد یاغجه اولوب اوزملر سیک
 برصا لقه کوجک آدم لر دن بش کنی کور یوب بردانه انار قابو غنک ایچنده اون آدم کیردی اشبو ولایتک
 خلقه عاقله دینوب بقایای قوم عاد اولان کنعانیین جیارین اولوب سکسان یاوز یاوز یاوز سکر یوز ذراع
 قامتلی اولوب بت پرست کافر لاید یلر خفیه یونلرک احوال یوقلنه کوندریلان اون ایکی نفر تیهک ارجحاشه
 وارد قلند آدم یغمه لک فاجر اولوب بد دعا سییل جانورل اوشوب هلاک ایدکاری عنق آدوقیز سیک
 اوغلور ک که اوج ییل یار ج ییلک اتیوز ییلک یل یسایوب وار ج ییلک اوچ یوز و اوج و حضرت ابن عر
 قولنج یکریم اوج ییلک اوچ یوز و اوج ذراع قامتی اولوب طوفان فوج طوغنه جیقوب صوصاد قده
 اموزندن بابلدن کن یوللر برینی صوب یورینی ایوب قاری ایچ قده در یادن عظیم بالقار جقاروب
 کرنه فارشوکوب برمه دار شد کده یوب بر و ایدمه هر کون اون ایکی ییلک اتمک یوب قاری طوغیزدی

نقیای کورد کده او یه ایلمکچون یاشنده اولان اودون باغینلک ایچنه قوبوب کورورد کده ایایله ازمک
 ایستوب خاقوقی قوم یوب قوملر یه نرم احوالری خبر ورسونلر دیو آزاد ایدوب حضرت موسایه
 کلد کارنده عرض حال ایدوب بنی اسرائیل کشفایتمکز دیو یورمن ایکن ایکی سکر اونی افشا
 اید کده بنی اسرائیل قور قوب مصره و غنک دیلوب بر یوبه عظیم الجثه کسه لایله جنکه کز دیو عناد اوزره
 ایکن عوج کلوب بنی اسرائیل اردوسن کوروب اومقدارده طول و عرضی بر فرسخ بر طاع قوباروب
 یاشنده کور یوب اوزر لیه اتق دیلد کده امر حظه بر هده قوشی طاشی دلوب عوجک یوغازنه کوب موسی
 علیه السلام خبر الد قده واروب صحرایوب عصایله طوغنه واروب یقلد قده خلق اوشوب یاشی کوجله
 کسدیلر باغنده ایچولک کوی بر یولک ابرماغه کوری اولوب بر ییل طور دی دیشلر والله اعلم (قصه بلعام)
 تواریخ و بعض تفاسیرده ابتلاء قصه تیه طاقه جیارین ایچنده بلعم بن باعور انام کسنه اسم اعظم یلوب
 ولایتلر یه عسکر موسی کلامک ایچون قومنک ابرامیل دعا ایتمکین واقع اولوب دوعاسییل بلعامک کفر اوزره
 وفاتی و آنک کیفیت دعائی و بعض خالاقی تفصیل اولوب تفسیر ابوالسعودده قصه تیه بنی اسرائیل جنکه
 کتمکه عناد اید کارنده (رب الی لامالک الانفسی و الی فافرق بیننا و بین القوم الفاسقین قال فانما نجرمته علمم
 اربعین سنه یتیمون فی الارض) آیتی دلالتی اوزره موسی علیه السلام بدعا سیله اولد یق مقرر اولغین روایت
 من یوره صححه دکلر دیورده اولغشدر لکن بعض تواریخده مذ کورد که بلعام موسی و بنی اسرائیل دعا
 ایتمک یازد کادرالاهندن قور قورم دیوب لکن کندی ولایتک یادشاهی اولان بالاق حددن بیرون ابرام ایتمکین
 بنی اسرائیل سزه کلد کده شهر دن بعض حسنا عورتلری اردولر یه کوندریکزاکر بریسی زنا ایدر سه جله سی
 هلاک اولورلر قورنلور سز دیوب سوزنی طوند قلند بنی اسرائیل دن بریسی بر کافره لایله زنا اید کده شامت
 مخصیت سرایت ایتمکین بنی اسرائیل طاعون کیروب قخاص بن عیاز بن هارون دانانوا اولغین چادره
 واروب زانی ایله زانیه دوشکده ایکن حربه به صاپلا یوب اموزنده کور یوب الله تعالی امر نه مخالفت ایدنک حالی
 بودر دیوب بنی اسرائیل ایچنده کدر د کده طاعون رفع اولوب یلر یوقلاند قده برصاعت ایچنده یکریم درت
 ییلک یا تمش ییلک کسنه وفات ایتمش بولندی بعده امر موسی ایله بنی اسرائیل کافر ره هجوم و غلبه ایدوب بالاق
 و جله عسکری و بلعام دخی قتل اولندی (فتح ارجحاش) تفسیر قاضیده صخرای تیهده اوله هارون علیه السلام
 بر ییلد نصکره موسی دخی قول اکثر بن اوزره صخرای تیهده وفات ایددی دینوب ترجمه تورانه دخی موسی
 علیه السلام وفات ایدوب ارجحاشی یوشع فتح ایددی دینوب لکن تفسیر لبا سلمه و تفسیر ابوالسعودده ونیجه
 معتبرانده تصحیح و ترجیح اولندی روایت اوزره صخرای تیهده فرق ییل تمام اولد قده موسی علیه السلام
 بنی اسرائیل تازه لیه ارجحاشه توجه ایدوب یوشع مقدمه عسکر اوزر یه اوغین مقدم واروب کفار له جنک
 ایدوب موسی علیه السلام صکره واروب اولو یق فتح و ضبط ایدیلر بعض تواریخده موسی علیه السلام ارجحاشه
 شهر یه غلبه اید کده ایچنده اولان کفره جبار ره آخر ولا یلره قاجوب طاعنیلر موسی علیه السلام
 وفات نصکره کلوب ضبط ایدیلر بعده یوشع واروب تکرار فتح ایددی دیومذ کورد و الله اعلم (قصه حطه)
 روایت ثانیه اوزره موسی علیه السلام ارجحاشه واروب بنی اسرائیل اوشهرک قوسندن حطه دیو توبه
 واستغفار و وجهه کلوب شکر الله حیده ایدرک کیرمکه فرمان رحمان اولد قده زمزمه اششیا کلام رسولی
 استهزا ایدوب حطه نک لفظی یا معنای برینه بعض تزیینات سو یلورک قیچین قیچین کیرمکین یکریمش
 ییلک کسنه طاعون دن دفعه هلاک اولوب تفسیر تفسیرده صکره تدریجله وفات اید نرایله جله تمش ییلک اولدی
 دینوب تفسیر کور اید بنی اسرائیل حطه دیو کیرمکه امر ایتمک وفات موسی دنصکره یوشع لسانله اولوب
 حیده اله کیر ییلک قدسده مسجد اقصی قوسیدر دینوب یوشع مسکیده یوشع علیه السلام قومه
 غضب حق ایله ظلم و طاعون مسلط اولوب برصاعنده تمش ییلک کسنه هلاک اولدی دینوب لکن صحیح
 بحار به (قبل لینی اسرائیل علی لسان موسی ادخلوا الباب سجدا و قولوا حطه نغفر لکم فیدلوا فدخلوا
 الباب برحمنهم و قالوا حطه نغفر) حدیثی دلالت ایدر که ارجحاشی فتح ایدن و نهره کیدر کن
 حطه دیو کیرل دیو امر ایدن یوشع اولوب موسی اوله و الله اعلم (تایوت سکیسه) تواریخ سر و ایدده حضرت

موسی علیه السلام وفاقی یافتند و ده مناجات ایدوب کندید نصکره بنی اسرائیل سبب نصرت اوله حق
 برشته رجالتد کده امر حقه سیم وزر و توج و دموردن و غیریدن بر صندوق باید یروب التوندن حلقه
 ایدوب ضرب عصا الیه منبع ماء اولان خضره صافی و رضاضه الواح منکسره می و انکسار الواح نصکره نازل
 اولان ایکی لوح و قلوب انبیا یون النون لکنی و کندی خط شریفه اولان اسفار توراتی اوسندوقه قلوب
 وفاتد نصکره کندید انبیا سارین و با شغلین و حضرت هارونک لباسلین دخی قلوب اغزینی محکم بنیاسمه
 وصیت ایدوب دینوب اشاعده باب شویل نبیده تابوت سکنینه به متعلق عظیم تفصیل کرد کراواتور
 اکانظر اولنه که آنک کلای زیاده می وارد ریخود هر بری بشقه صندوق ایدی والله اعلم (وفات موسی نبی
 علیه السلام) فتح ارمیاجان مقدم صحرای تبه یا خود فتنه نیجه زمان صکره واقع اولشد و تاریخ
 میرخواندده بو خصوصک اقوالی جو قدر انبیا حالته مناسب اولانی بودر که وفاتلری یافتند و بنی اسرائیل
 یوقلوب مصر دن یله جفانلرده یوشع و کالبدن غیر حیاته کسسه یوقلوب متوقالنه اولاد لرین جمع ایلدی
 واحکام شریعه فی بیان ایدوب تورات شریفه نسخه لرین نکه بر ایچون کتابلر تعیین ایلدی قرائته و مضبوطیه
 عله وصیت ایدوب کندی خط شریفه بر تورات یازدی جبرائیل علیه السلام ایلدیه مقابله ایلدی اولاد
 هارون اولان ائمه واحبار قبه الزمانه و یروب درت بش ورق مقدم ذکر اولسان صندوق الشهاده ایچنه
 قود یروب کتابلر یازدی نسخه لر تمام اولدقه بعد المقابله هر ضبطه بر نسخه و یردی بر دقه دخی خلقی
 جمع ایدوب یوشعی کندی برینه خلیفه دیکوب خلقه عظیم نصیحتلر ایلدی یوشعه و ائمه هارونی به رعایت
 و متابعت ایچکی خلقه محکم اصمردی * بعده یوشعک الله یایشوب اردودن طشره کتد کده بر ملایم
 بل اسوب موسی یوشعه له قوجشوب و داعلشوب بیرهن مبارکی ایچندن غایب اولوب بیرهن یوشعک
 قوجاغنده قالدی حزن و غم و حیرت و الم ایلد کده موسی سن قتل ایدوب بنی اسرائیل یوشعه تهمت
 و حبس ایدوب بکچی اولنلر یوشع موسی قتل ایتامشدر دیو واقعه کورمکین ابرته سی انواع اعتذار له
 قویو یردیلر * بعده موسی ایچون بنی اسرائیل بر آری یاریل یاس طوتدیلر دینوب * صحیح مسلمده مذکور
 رحمت شریفک محصلی بودر که موسایه قبض روح ایچون ملائک الموت کده کده موسی آنک یوزینه بر سه
 اوروب کورندیک صویرت انسانی ده اولان کوزلر یلک بری جقد قدمه مقامه کیدوب جناب حقه عرض
 حال ایتد کده کوزی برینه کاوب وار قولومه دیکه اگر حیات ایتسه بر او کوز اوزرته الینی قوسون یورودیک
 قیلار عدد نیجه عمر و یریم دیو یورافین کاوب خبر و یرد کده آنک دخی عاقبتی ندر دیوب موتدر دید کده
 (یت) اولومدن کسه قورنار جهانده * بودردی چکمز اولز انس و جانده * مفهومی معلومی اولدقه پس
 امدی همان شمدی اولون دیو قضایه رضا و یروب یارب بنی ارض مقدسه به بر طاش آتی قدر یافتدرد یروب
 قدسه بر نزل برده خالی و تنهار بر صحراده روح بر فتوح لری عزم دار عقبا ایدوب کیفیت وفاتلر نه نیجه معتبر اید
 بر قاج روایات اولوب لکن جمله سی حدیث صحیحه مختلفه در * توار یخ قدسه مد فتلری مکان معروف
 و آبادان اوقای دله مد کرای خلق یونله کال تعظیم و محبتلرندن ضلالت دوشوب اغوای شیطانله حجه و عبادت
 ایتمک ایچون ایدی قبر شریفلری قنده نیجه مجرات و خوارق عادات ظهور ایدوب کاوب جمله نک اعجبی
 و اغری بودر که تربه جنت رتبه لری اودننه هجرتک التیوز التیش مکزنده مصر پادشاهی سلطان یبرس
 یابدی قبه نک ایچ یوزنده سقنده بر منال ظل خیال صورت انسانده ییاق و آنلوقللو جد الو محصل هیئت
 و کیفیت تفاوت و اختلاف اوزره یچده اشباح و اشکال کاوب کتد کده و داتما سکت ایتد کده اولوب
 زیارتنه وارنلده نبال اولین رجال و نسا و صبیان دن جم غفیر و جمع کثیر کوروب خاموش و مد هوش اولور
 دیومذ کور و مسطور در غالباً من ارش بر فتلری خالی صحراده المغین ملائکه و یا آخر طایفه امر حق ایل
 دمام زیارت کاوب فضیلت کلیم رب رحمانی ان ایچون زمرة انسانه کور یورلر والله اعلم (عمر موسی
 علیه السلام) تسامیر مشرقه ده مذکور در که مصر دن مدینه کتد کارنده او یوز باون سکه کز باون ایکی
 یا قرق یاشنده اولوب مدینه حضرت شعیب یاشنده اقامتلری مفسرین اتفاق اوزره اون بعضلر قواحه یکر می
 سکزیل اولوب مصرده دعوت فرعون ایچون اقامتلری او یوز یا قرق ییل اولوب فرعون غرقند نصکره الی

ییل یاشوب اکثر یوز یخنده مدت ۴۰۰ لری جمله یوز یکر می بعض کتیده یوز التیش ییل ایدی دیومذ کوردر
 (فائده) ترجمه توراتده غرق فرعوندن وفات موسایه دک واقع اولان معظمت امورک بعضلری یوز یخنده
 یازلیوب بعضلری دخی یوز یخنده اولانه موافق اولامغین حالا اجمالا آنک نزل اولنور * پس فرعون
 غرق اولدی ییچر سو یس کارندن حضرت موسی علیه السلام بنی اسرائیل مصر دن جقد قلیزک قرق ییچنی
 کوفی کوچوب التخی منزله بریه سیننه کلدیلر انده اقل برینه غذا اولاق ایچون من یا غمه یا شلیوب بعده
 رفیدینه واروب آنده کفار عاقله کلدیلر چنک اولدقه کفره صنوب قلدن کاوب قیلدی بعده یفرین ییچنی
 شعیب علیه السلام حضرت موسایک خاتوبله وایکی اوغلو حرشون و یسار ایل کاوب موسی شعیبه
 رعایتلر ایدوب شعیب موسایه زحمتی تخفیف ایچون بنی اسرائیل اسباطه تقاضا حکام و بلولک باشلری تعیین
 ایدوب یروب بعده شعیب کندی ولایت کیدوب موسی و بنی اسرائیل مصر دن جقد قلیزک اوچنی آیدنه
 بریه سینایه واروب آنده ایکن طور طاعنه بر کوز صیاح قرا کولغنده موسی مناجاته جیقه یروب بعضی
 طاع انک کتده طور یروب قدر تندن مشه له رو یوری و طورنا آواز لرین و طاعنی غم ایچنی خفیفه طومان
 یوریدیکنی و بعض علاماتی کوروب ایشندیلر موسی الله حق تعالی سو یاشوب نیجه احکام شرع امر ایلدی
 کتابت عشره می و یروب عسکره کده بر دقه دخی برادری هارون و تیش ایکی کسسه ایلد واروب الی کون
 موسی بولت یوریدی ییچنی کون حق تعالی سو ییلوب طاع یاشنده اودنن بر توتونن قدر تندن آتش یایوب
 قرق کون موسی طور یروب مناجات ایلدی حق تعالی قبه الزمان یایق و بنی اسرائیل نر کاه آتلی و دخی نیجه
 نهسته امر ایدوب لوح الشهاده دید کرای طاشدن ایکی لوح شریفی و یروب اوزر نه قلم قدرت ایل احکام
 شریعت یازاشدی حضرت موسی علیه السلام کازدن اول سامری قصه سی ظهور ایدوب موسی علیه السلام
 قوه تک گاهلری غزرا ایچون تکرار مناجاته واروب کاوب یس تکرار واروب سامری به غضبندن بره یایوب
 قیرلان ایکی لوح بدلی ایکی لوح دخی و یروب کده یوز یلک یوزینه باغه کوزلر قاشغین یوزینه نه باب
 اصوب بعده مفصلاً امر اولد یی اوزر قبه الزمان یایشوب آنک ایچنده حضرت موسایه نیجه احکام شریعت
 وحی اولوب بعده هارونک ایکی اوغلو قبه نک خدای آتشی طور درکن ساندن آتش الوب قدسه بخور یافتدقه
 کورکدن آتش کاوب ایکسی دخی هلال اولدیلر مصر دن جقد قلیزک ایچنی ییلک ایچنی آیدنه بریه سینان
 کویلوب بنی اسرائیل بر متصل من یمکدن اوصانده قات و حبوبات ایشتر دید کارنده حضرت موسی
 علیه السلام قاقیوب بعده امر حقه دیو طار فتنه ملوی کاوب بر کونلک یولی یور یروب بنی اسرائیل طور یروب
 بشوروب یدیلر ایچا فتنه دک هر کون کاوردی اوچنی منزله بریه فارانه کلدیلر بعده تحسین احوال
 جبار بن ایچون تقیانی کوندر یروب قرق کوندر نصکره کاوب اکثری بنی اسرائیل خوف و یروب آنلر دخی
 بر چنکه کتزد مصره دوتزدید کارنده قرق ییل سرگردانلق ظهور ایدوب ییواناده بعض کفار عاقله کاوب
 بنی اسرائیل بره قدرین قیروب و قاجروب حضرت موسی علیه السلام اکثری بنی اسرائیله بشقه طور لر دی
 بعده قصه هلاک فارون ظهور ایدوب بعده نیجه اشقیاق فارونی مر هلاک ایدیکز دیومذ وایه عتاب ایتد کارنده
 اون یدی یلک یدیوز کسسه فجأة هلاک اولدیلر بعده رفیم آدلو قریه به کوچوب آنده موسایک همه شیره سی
 مریم وفات ایدوب بعده ایچ چنک صویرت یوخلق شکایت ایتد کده امر حقه موسی عصا یله حصره به
 اوروب چشمه آقدی بعده هور دید کرای طاع یاشنه قونلوب مصر دن جقد قلیزک قرق ییچنی ییلک ییچنی آیدنه
 هارون علیه السلام وفات ایدوب بعده ملوک کتد ساندن بر یسی کاوب چنک ایدوب بنی اسرائیل
 به ضیلرین اسیر ایدوب بعده هوریدن کوچلوب بنی اسرائیل یاموسی بره قرق ییلد که مر گردانلق چکدر برین
 دیو عتاب ایتد کارنده امر حقه ییلانلر کاوب یونلردن وافر کسسه یی هلاک ایدوب بعده یی سکر منزله قونلوب
 کوچوب اموراتیون پادشاهی سیچون عسکر یله چنکده جمله سی قیروب بنی اسرائیل یونلرک و لابنلرین
 ضبط ایدوب قریه زنده ساکن اولدیلر بعده ییینه دید کرای حوران ولایت واریلوب پادشاهی عوج عسکر یله
 کاوب شام یاشنده جمله سی قتل اولندی بعده مواب طاعنه منه واریلوب پادشاهی بالاق بلعام آدلو عاله
 بنی اسرائیل بد دعا ایچمه ابرام ایدوب اولدخی ایچوب عاقبت بنی اسرائیلک بعضیلری شهر دن بعض عورتلر له

زنايدوب بعضی لری دخی به طایفه غصب حقه بنی اسر آیلدن فجاءه یکرشی بش یلک کسسه هلاک اولوب
 فخاص بن یسار برزانی وزانیه قتل ایتدکده موت فجاءه دفع اولدی بعده موسی علیه السلام اون یلک
 عسکر کوندر ووب ولایت مدینه بش پادشاهه عسکر بی و باعای قتل ایدوب التیوز یلک و بختش بش یلک
 قیون بختش ایکی یلک صغرا التیش بر یلک جارا ووزایکی یلک بکریز کتوردیلر یوزده برینی حضرت موسی علیه
 السلام قبه الزمانه خدمت ایدن احباره عشر دیو وروب باقی سن عسکره اولشدردی مصر دن جقد قلی یلک
 قرقنی یلینک اون برینی آیلک اولانده حضرت موسی علیه السلام بنی اسر آیلده مصلوا و عظ و نصیحت و بیان
 احکام شریعت ایدوب وفاتی اقلشوب اربحایی پوشع فتح ایدیه جکن و بنی اسر آیلک دآلما عصیان دن خالی
 اولیه جکلرین و نیجه اموری خبر وروب توراتی و نیجه اصحاب معمانی کندی الیه یازوب تاوت الشهاده به
 قودروب پوشعه وصیت ایدوب اربحایه ناظر بر طاعه جقوب آنده وفات ایلدی محل وفاتی کسسه بلدی
 یوچله ترجمه توراتک بعض برلندن انتخاب اولشدر (فانده) عرابس تعلیمده و هیدن مریدر که
 طائفه بنی اسر آیل قبل وفاتی و جلی و جلدالی ورجا سوائی چوالتد قلزنده حضرت موسی علیه السلام
 رنجیده اولغین حضرت موسایه معاوت ایچون حق تعالی یلک نفر کسسه به نبوت ویردی بعده بنی اسر آیل
 اشو یغمه برله توجه واقیال ایتدکارنده حضرت موسی علیه السلام غیرت جکه مکی حضرت موسایک
 خاطری ایچون حق تعالی مذکور یلک کسسه نک روحلرینی برکونده قبض ایتدی دینوب لکن بوروایت
 سائر کتیده مظهر و مذکور کادر والله اعلم بالصواب

(باب سادس عشر در احوال هارون نبی علیه السلام)

حضرت موسایک اخ شفیق شفیق و ده النبوة وزیر و مشیر و رفیق ایدی حضرت موسادن اوج باش بیولک
 اولوب ینه حضرت موسادن اون برآی یا اوج یل مقدم وفات ایتددر قامنده حضرت موسادن بلند ورنک
 روی غایتده مفید اولوب خفیم البدن عظیم الجثه حلیم و سلیم و خول ایدی * معتبرانده مریدر که باقا
 فرعونک وزیر استدن اولوب لکن دین حضرت ابراهیم علیه السلام اوزره ایدی باب موساده تفصیل اولانده بنی
 اوزره حضرت موسادیارمیدن کلورکن طور طاعنده فرعون دینه دعوت ایچون رسول اولد قده
 حضرت موسی علیه السلام رجاسیله هارون دخی رسول و حضرت موسایه معین وزیر تعیین اولوب
 هارون مصرده اولغین حضرت جبرائیل علیه السلام واروب خبر وروب بعده حضرت موسی مصرده
 وارد قده و اشوب اتفاق اوزره فرعون دینه دعوت ایدوب او تو زیار قرقیل حضرت موسی الیه یلک اولوب بعده
 اتفاقه بنی اسر آیلله مصر دن جقوب وفات اید شجیه دلک حضرت موسی علیه السلام دن ابرلادی حضرت
 موسی متاجانه و بعض برله کندیجه بنی اسر آیل اوزرته کندی بریسه هارونی خلیفه نصب ایدوب حضرت
 موسی علیه السلام بنی اسر آیل ایچنده اولدجه وزیر و مشیری و رفیق و طهریری اولوب خلافت و امامت
 و ریاست احبار و فتح توراته شریفه و انواع خدمات قبه الزمانه مثلاً و معظم امور بن هارونه و آنک اولادینه
 مقوض و مسلم ایتدی حتی موسی علیه السلام وفات ایتدکده بو خدمت اولاد و نسل هارونه بوجه تأیید
 مخصوص اولون دیو وصیت ایتدکین نیجه یلک یل بنی اسر آیل آنک موجب جلیه عمل ایتد لدر (قصه وفات
 * معتبرانده کعبدن مریدر که صحرای تمده هارون علیه السلام برکون حضرت موسی علیه السلام الیه
 و کندی اولادی الیه کشت و کذا ایدر لکن بر جیل سبز زار کثیرا لافاره واروب نوری لامع بر غار واسع ایچنه
 کروب مزین و مرتب بر تخت مذهب کروب اشو سر بری نظیری کم و کاست قامتده راست کلان کسسه نکدر
 دیو طرافنده مکتوب اولغین حضرت موسی علیه السلام اوزرته جیقوب یاند قده ایاقلری طشره
 قانغین ایروب هارون دخی جیقوب اوزاند قده برابر کلمکین بنم آنجق دیوب ایتک دیندکده تازه جوان
 صورتده حضرت عزرائیل کلوب قبض روح هارون ایچون کلام دیکده هارون دخی موسی الیه و کندی
 اولادیه اغلاشوب اولادی خوش طوته سن دیو حضرت موسایه اصغر ایوب و والده لری حیسانده اولغین اکا
 و بنی اسر آیلله سلام کوندر ووب آنلر طشره جقد قلزنده روح شریفی عزم دارا السلام ایتدی حضرت موسی
 علیه السلام اولاد هارونله مغاره به کروب جنازه نمازین قلوب ملک کر قوی بی سدا ایتدیلر بنی اسر آیل خبردار

اولد قلزنده حضرت موسی علیه السلام ابنا غرضه حضرت رب ایچون باب غضبده مانند صیف صام و مسلول
 هارون ایسه صاحب شرع اولماغین کمال رفق و حلم اوزره مجبول اولغله اکثر بنی اسر آیلک محبتی هارونه
 زیاده اولغین یا موسی برادرکی حسد اسن قتل ایتدک دیوبی شک و مرا کذب و هرا و همتان و افترا ایتدک کزنده
 دعا موسی الیه ملک کارمر بر هارونی کتوروب هواده طو قوب یابی امر آیل موسایه همت ایتدک
 هارون کندی اجلیه وفات ایتدشدر دیوندا ایدوب برروایتده هارون حیانه کلوب دفع سوطن ایچون
 کندی بی بالذات سو یلیوب کیفیت وفاتلر زنده بر قاج روایت دخی واردر * مریدر که یونلرک فراقده
 جله ناس او تو زکون ماتم و یاس ماتدیلر * تاریخ میخواننده وفات هارون قصه نیمک او تو زنجی یلنده
 اولدی دینوب بعض تواریخنده قرقنی یلنده اولدی دینوب اهل کاب قولنج قبر شریفی بریه صیده جبل
 شوبکده در دیشلر * ترجمه توراتده مصر دن جقد قلی یلک قرقنی یلینک بشی آیتده وفات ایتدی
 دینوب * اکتفا آلدو کایده صحابه دن اولان جابر بن عبد الله دن مریدر که هارون علیه السلام
 مکینه واروب حج ایدوب دو قوب شامه کورکن مدینه به او غرابوب آنده خسته اولوب طائفه جودلر یونلر
 غایت محبتلری اولغین قبر شریفین آچ و نلر دیوا حد طاعنک ایتدکده دفن اولقه وصیت ایتدکین آنده دفن
 اولندیلر مدت عمر لری یوزیکری ایکی یایوزیکری اوج یایوزاون سکز یایوزاون یدی یایوزاون طقوزایدی
 دیشلر اولادلر زندن اسعی معلوم اولان ناذاب ایهو عزیز ایشمارد که بعض احوال لری باب موساده قبه
 الزمانده ذکر اولشدر مریدر که عزار علم و صلاح و اخلاق حیده الیه خلق مقبول و پسندیده موسی اولوب
 یغمه برلکدن غیری سائر امورده قائم مقام ایدر اولوب نلشندن بعض انبیا کلشدر

(باب سابع عشر در احوال حضرت نبی علیه السلام)

حضرت موسادن اول کلوب اکن زمان نبوی معین اولماغله حضرت موسادن مقدم یازیلان انبیا یلک
 بلا و برندن تقدیمه مرجع اولماغین حضرت موسی الیه ملاقاتی مناسبیله آنک و برادر یلک عقبنده
 ذکر اولتی صوابه اقرب و اوفق کورندی * پس معلوم اولد که خضر لک اسمنده و نبی ایتدک کور و وایت اولوب
 جله می ضعیف اولغین حکایت اولغوب تفسیر ایتدکده حضرت رسول صلی الله علیه وسلم حضرت موسایک
 بولشدر بنی خضر اولوب ایی بلیا بن ملک دن در دیو وروب بعضیلر بنی اسر آیل نلشندن ایدی دیوب بعضیلر
 پادشاه زاده اولوب ترک دنیا ایتدی دیدیلر * صحیح مسلم امام نوری شرحنده خضر علیه السلام
 ابراهیم یغمه بر زمانده یا آرمه کیره یا جوق مکره کلوب ایی بلیا بن ملک بن قانع بن عابر بن شالح بن ارغند
 ابن سام بن نوح علیه السلام در بوکا خضر دیکری او تو زنجی قوری طبراقده فی الحال سبز بتدیکچو ندر
 دیو صحیح بخاریده بر حدیث شریف مریدر که علما یلک بعضندن غیری جمیع علما و صلحا اتفاق ایتددر که
 حالا حیاتده اولوب اکثر ناسه کور غیب آخر زمانده وفات ایدر مشایخ کرام الیه بلکه بعض صلحا غوام الیه
 یقظه و شامده ملاقاتلری و انواع حالات و معاملاتلری و اما کن شریفه و موطن منیفه ده کور و شعی
 خصوصاً در یاده شجاعت ایچون فریاده ابر شعی بین الجهم و رمتقی و مشهور در دیو مذکور در مشاهیر نه اسیرده
 خضر علیه السلام عجم پادشاهلرندن فریدون زمانده اولوب ذوالقرنین اکبر لک مرعسکری ایدی دینوب بعض
 شروح بخاریده بعضیلر ابراهیم یغمه بر دن اول طو غوب اکن یوسف یغمه بر الیه برادر لند نکره یغمه بر اولدی
 دیوب امام طبری عجم پادشاهلرندن فریدون زمانده اولوب ذوالقرنین اکبر لک مرعسکری ایدی که نیجه ل
 قولنج ذوالقرنین دیک کری مزبور فریدون ایدی اهل کاب قولنج خضر ذوالقرنینک ذریه سی اوغلو
 و وزیر اولوب آب حیات ایچم شدی * مریدر که خضر علیه السلام قیامتده قرب قرآن عظیم دنیادن رفع
 اولند قده وفات ایدر دجال لعین خروج ایتدکده برکسسه بی قتل ایدوب مکره احیا ایدوب بر دخی قتل ایتک
 ایتدکده قادر اولیه جنی کسسه خضر در دیشلر ابن اسحاق قولنج الیاس علیه السلام بنی اسر آیلدن
 خضر علیه السلام عجم طائفه سندن ایدی دینوب * جامع الصغیر سیوطیده خضر در یاده الیاس قره ده در
 سد یا جوج قتمده هر کجه بوا یکسی بولشوب و هر یل سج و عمره ایدوب زمزم دن ایچوب کله چلک
 یل دلک اصلا یلک و ایچمک واقع اولد دیو بر حدیث * و دخی الخضر و الیاس دیو بر حدیث دخی مریدر

سبع الابرارده خضره الیاس هر كجه سداباً جوده بواسوب حفظ و سراسر است ایدوب بوايكی سبک بدکاری
 کرس الی مندر دینوب بهض معتبرانده خضره علیه السلام بجمع البحرینده نوردن بر مشراستنده اولوب
 امر حنی الی جمع حیوانات اکامسخر در هر صباح و اختتام اکالرواح دخی عرض او نوردن بکعبدن من ویدر
 (قصه فرار) عرابس نهاییده مذکور در که حضرت رسول علیه السلام معراج کیدر کن یولده بر طیف
 رایحه قوفوب سببی ندر دیوچرا آئیله صورده ده دیدیکه خضره بکعبدن عظیم الشان بر کافرا داهی اولوب
 غیری اولادی اولوب خضره خواجه به ورد کده واروب کادیکه یولده بر کیزلورده بر صالح و عابد کسینه نک
 صومعه سنه او غرابوب یله عبادت ایدوب پدري خواجه ده او قورصانوب خضره یود کده بابایی آتی
 اولند یروب بهد زمان خضره اولاد استدی کنی پدري طوبوب قایمین قاجوب غائب اولده ده پدري نادم
 اولوب اطراف ایدوب دریا ده بریز برده بولندوب بهضیلری پدري خبر یروب ایدتی آدم ککوند رقیه
 بریز دخی کیدوب کاتلر بولوب پوش رازد قلزنده قتل ایدوب بغده بزم او غولومک قاجسته سبب اولدک
 دیو خضره لایکنی خاتون دخی قتل ایدوب اولکی خاتون ایدوب خضره کورن بر مسلمان دخی قاجوب بر کافر
 کوبینه کاب آتده اولاد لری اولوب بهمه او آدم وفات ایدوب عورتی خضره پدري اشدوب دیکدن دون
 دیوب نوق دید کده قرغان ایدوب صوفیادوب خاتون لایکی او غلنی صوبه براغوب وفات ایدوب کارنده النده اولوب
 همه امر کوجک او غلنی دخی آغ دیلده ده او غلنیق سولوب اناجم صبر اید جمله من جسته یوز دیوب
 خاتونله ایدوب وفات ایدوب کارنده خاتونک وصیتله کورکارین کویده اولان سازدن بابا بش صومعه لرینه
 کوموب صومعه بی اندر لرینه یروب پورایحه طیبه انزل من ارلندن کلورده ده کفرده دن کی به یوب تجارته
 کیدنرک کیلری پاره لنوب غرقدن قورتلان ایکی کسته بریز برده خضره آق قفتان کیدوب غار قیلار
 کوروب خضره بونله کندوبی نه برده ایدیکنی دیو ویزمکه آندوب یروب هوادن بکرکن بر بلوده کل بوایکی
 کسینه بی کورتوب شهر منزه اولرینک طامی او سننده قودوب بولت بونلری ایلند کده بریمی ظنیوب
 بریمی پادشاه واروب او غلن خضره کوردم دیو ته صیل ایدوب اودخی یله آدم قوشوب وارد قلزنده
 خضره یولوب کاد کلزنده نماز ناسازی آصوب بهد زمان او پادشاهک و شهر خلقنک کفر و عصیانلری مشدد
 و عتد اولده ده امر حق ایدوب او شهر دیار قوم لوط کی کولنوزینه فالدروب باش آشفه بر اقدم دیدی (قصه
 بیع) زین الجبالده و همدن من ویدر که بر کون اب دریا ده او نورکن بر دخی کابوب الله حق یون بکار سنه
 و برید کده خضره علیه السلام نام رب الانامی غایت تعظیا غشی اولوب عقلی کده کده نفسیدن غیری نسبه به
 مالک دکم سن ایسک بکا آندوب و رنک امدی نفسم سکا بکل ایدم بنی صانوب بهام له منتفع اول دید کده اول
 سائل فائل مائل خضره علیه السلام ایدیکنی بلوب بازاره ایلنوب ساجم بن ارقم آدلو کسینه صانوب آوب
 اوینه ایلنوب اوینک بر طرفنده بر کوجک باغچه سی اولوب باغچه نک بر طرفنده بر یولک طاع او لغین خضره
 الینه بر کولنک و یروب بو طاعدن طاش کدوب باغچه بهدولک دیوب بر مصلحتنه کند کده خضره کسمکه
 باشلاوب ساجم بر مقدار زمانند نصکره کابوب او غلنک قاری آجدردیو طه ماله واروب خضره نماز قیلر
 کوروب طاعنی جله کسایش کوریکن عقلی شاشوب حیران اولوب سن کیمن دیوب خضره دخی الله قولارندن
 و آدم اولادندن اولوب سنک قولنک دید کده الله حق یون سن کیمن دیو و برید کده خضره علیه السلام
 نام بالرب الافلاکی ایشدد کده غشی اولوب عقلی کده کده احوالی خبر ویر کین ساجم کال ندن و المندن
 غشی اولوب عقلی کده کده خضره اعتناق و اعتذار و جناب حقه توبه و استغفار ایدوب خضره دخی شکر الله
 صدیه و یروب الهی سنک حق یون قول سنک حق یون آزاد اولدم پس بن قولک منت و عنایت
 ایدوب نارجم داتم الاحراقدن اعتناق ایدوب دیو مناجات و عرض حاجات ایدوب (ملافات باشادون) بعده
 ساجم دن اجازت الوب لب دریا ده کی مقامه وارده ده بر کسینه کوریدیکه صوبوزنده باغ اوزره طوروب
 یارب خضره مغفرت ایدوب قوللندن آزاد و توبه سن قبول ایدوب دودعا ایدوب سن کیمن دیو صوروب بن شادونم
 دیوب بودخی بن خضره دیوب شادون علیه السلام یا خضره بن یافه کله ای کتمکار آخرت نه تملرین اولدیکه

غزاهه میل ایدوب حق تعالی سنی آنک ایچون قوللغه کرتسار ایدوب دید کده خضره علیه السلام بولکلام ملام
 انجای سامع اولده ده فی الحال جناب حقه ساجد و خاشع اولوب اثناء این و جندیده (یا خضره طلبت الدنیا
 و اخذتها کماله نسلک حيث غرست یا خضره ائت الدنیا علی الاخره و اشغلت قلبک بجمع اولو کان لی فی سبها
 رضی لخصصت بها اولیائی و لکن ازوها عنهم اهل و انهار علی کرامتهم عتدی) دیو سرنه ند آخدا کلمه کین خضره
 شادونه بزم ایچون دعا ایدوب دعا اید کده توبه سی قبوله موصول اولدی هر ویدر که جناب حقه خضره
 بویه خطاب مشعر العتابه سبب یوایدیکه اب دریا ده بر صومعه سی اولوب کاهانده کاه حجر الرده عبادت ایدوب
 صحراده کولشدن سایه او ایچون بر اعاج دیکوب یود کده آنک کولمکه منده عبادت ایدوب کولشدن
 قاجوب نوجا خضره اختیار ایدوب ایدی (فانده) بهض کسندم ابن عباسدن هر ویدر که خضره الیاس هر میل
 جج زمانده عرفانده جمع اولوب بری برلینک باشلرین تراش ایدوب ایریلشه جج زمانده یودعای او قورلر که
 (بسم الله ماشاء الله لا یسوق انظر الا الله ماشاء الله لا یصرف السوء الا الله ماشاء الله ما کان من نعمه
 من الله ماشاء الله لا حول ولا قوة الا بالله) ابن عباس ایدوب هر حکیم یودعای صاحبده و اخشامده اوج
 کره او قورسه غرقدن سرقدن حرقدن سلطانندن شیطانندن عقرب و سیلانندن محفوظ اوله

(باب ثامن عشر در احوال یوشع نبی علیه السلام)

ابن نون بن افرایم بن یوسف بن یعقوب علیه السلام اصلده اسمی یوشع اولوب عربی یوشع دیدیلر
 معتبرانده مذکور در که حضرت و ساطک هشیره زاده سی و تالیف خاصی و خادم و رفیق با اخلاصی اولوب کبار
 انبیادن و مرسلین اصفیادن ایدی بنی اسر آتیلدی یوسف علیه السلام نسلی اولان سبطه رئیس و نقیب و جمع
 عبا کر نصر تأثرلکه مقدمه سه سردار و زواری صیب اولوب خضره ملاقاتده و اککثر اوقات و حالانده
 حضرت و ساطک رفیق و یار شفیق ایدی تیه دن اریحاهه تحسین اخبار و اطوار کفارا ایچون اون بر تقیله یله
 کیدوب کلد کلزنده کفارلک حسامت و مهیا بنی بنی اسر آتیله دیوبوب بعده بنی اسر آتیل خبردار اولوب
 قور قدرلنده کاب ایدوب بونلرک ایکیسی تسلیمت و انواع نصیحت ایشدد در قرآنده (وقال رجلان من الذین
 یخافون انهم الله علیهما ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلوه فاتکم غالبون) آیتده رجلا ندن مراد یوشعه
 کابدر دیشلر (اجمال فتوحات) بنی اسر آتیل سبطه داخل صحرای تیه اولد قلزنده باشی بکر میدن
 زیاده بولنانلرده یوشله کالبدن غیر یارینک جمع سی تدریجله سته تیهده وفات ایدوب بر لرینه او غلری
 و بکر می باشند و دخی کسک اولنلر تشوب بعده هارون علیه السلام دخی وفات ایدوب ستمه بر قاضیده
 قول اکثر در دیندیکنی روایت اوزره حضرت موسی علیه السلام دخی تیهده وفات ایدوب آنک عقیده
 یوشع یغمیر اولوب وفات و سادن اوج آید صکره بنی اسر آتیلک تیه دن بوللری آچلوب یوشع علیه السلام ایدوب
 از یحیاه واروب برور ایدوب بنی اسر آتیل ایدوب اریحایی سابقه موسی علیه السلام فتح ایدوب بعده کافر لالده
 حضرت موسی علیه السلام وفاتند نصکره تکرار یوشع واروب علی کلا التقدیرین یوشع اریحیا حصارین
 الی ای محاصره ایدوب یدنجیده بر جمعه ککونی یوروش ایدوب کلزنده قدرت حقه حصار دیواری یقولوب
 کیرلده کده هجوم و اقدام اهل اسلام له فقام کفار اقام غام انهم زام بولدر اثناء محاربه دم اخشام یا فلا شوب کون
 طویلنورکن دین موساده یوم سببی تعظیا مقاتله حرام اولغین یوشع علیه السلام دعا سبیله کونش بر ساعت
 طوروب کفارلک جله سی مقتول اولده ده کونش طولندی هر ویدر که اطرافده بش کافر پادشاهی اریحیا
 فتن اشدوب بنی اسر آتیلله جنکه انصافله کلد کلزنده محاربه مؤمنین ابرار ایدوب کفار اشرار نار و مار اولوب
 فرار ایدوب بریز جمع اولد قلزنده طولو باغوب اول نایا کاری هلاک و آغشته خون و خالایه دیو پادشاهلری
 بر مغاربه کیرد کده بشی دخی طولوب قتل و صلب و دارد نیادن سلب اولدی بعده یوشع علیه السلام
 تدریجله اطراف و کافده مالان ملوک قباثلدن اوزر بر کسینه قتل ایدوب جمیع جمالت و لایب شام مضبوط
 و محکوم اهل اسلام اولدی (روایت اخری) نار یغمیر خوانده ده مصلانده کوردر که وفات حضرت موسایه
 بنی اسر آتیل بریزل یاس طولوب مدت منوره ایچنده امر حقه یوشع علیه السلام صحرای تیه دن بنی
 اسر آتیل یروب نمراردن یاربیلوب ایچندن کیدوب بعده نمر اولکی ککی اولوب یوشع علیه السلام

اثر باقی اوجون اون ایکی عظیم طاشی بری بری او قنده قود یروب مناره کبی بوکسک اولدی بده اریحایی
محاصره ایدوب قاده سی غایت حصین ورضین اولقله مسلمانلر غمکین اولد قده بدی کونده یوشع علیه السلام
انصراف بنی اسرآ قیلله صندوق الشهاده فی قلعه مستحق اولان قلعه اطرافنه بدی کره طولا شد یروب برده
اوقوبوب اولد کده فی الحلال بفضل الملك المتعال قلعه نک یاروسی بلا سبب یقوب ایچنه کیر یلوب کفره نک
کیفی مقبول کینی اسیر و مغلول ایدوب خاتم الانبیا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم دا نما زمانه دله
مال غنیمت خلقه حرام اولغین جمع اولان مال عظیمه بی آتش یاقوب ایچنه برافده لرند یانیم یوب کیرلش
مال غنیمت قالدیغی معلوم اولقله بدنه الحکم دید کیری نسبه به مرا جعت اولد قده خاتنک اجمعی ظاهر اولغین
کیرلدیکی کتور د یلوب جله مال ایل اول خاین دخی یله یانیم بعد جله مسلمانلر شهر قیوسندن کیرلر ایکن حظه
دیو جناب حقه خضوع و خشوع رکوع ایدرل کیرمکه امر الهی اولوب ایچلرندن یتش بیک کسسه
منحصره ای طریقه قصد غلط و یلیه رک کیرد کازنده کورکن یلدرم ایشوب دفعه هلال اولد یلر بده یوشع
علیه السلام بنی اسرآ قیلله قدم شریقه کیدوب آنده اولان کفره عمالقه نک اکثر فی قتل ایدوب غایت
جسار اولغین برینک باشی اوتوز مسلمان اوشوب کوجله کسر لردی بعده بلقا شهرینه واروب بالی آدلو
پادشاهی خوفندن قلعه به کیروب امم اعظم یلوب مؤمن و صالح اولان بلم بن باعوردن بنی اسرآ قیلله بدعا
رجا ایدوب اودخی طیانوب عاقبت برطر یقله راضی اولوب بدعا ایتد کده بنی اسرآ قیلل صینوب یوشع علیه
السلام دعا ایدوب سبب اتم زام معلوم اولد قده یارب اسم اعظم کی بمعامه اوتدر زیر اخلنه صرف ایتدی
دید کده به سامک خاطر ندن کیدوب مسلمانلر قلعه محاصره سنده مبالغه ایتد کازنده بالی تمکرات ابرام
ایچمکین به سام دعا ایدوب لکن مقبول اولماقین شمدید نصکره حیل دن غیری چاره قالدی بنی اسرآ قیلل
ایچنه زانیه عورتلر کوندرل ایچندن بریمی زنا ایدر سه جله سی فتح و نصرتدن محروم اولور لردوب واقعا
کوندر د کازنده نقیب سبط شعون اولان زمیری نام ملعون بر عورته یانیم یوشع و اروب بونکله زنا بکا
سرامید یروب سرامد دید کده بن سکت سوزیکی طوغرم دیوب عورتی کندی چادر نه ایلنوب زنا ایچمکین
فی الحلال بنی اسرآ قیلله طاعون کیروب کاز احبار دن فخاص بن عیزار بن هارون علیه السلام ایکی سنی
بر حر به به صایم یوب زنا اید نک حالی بودردوب کزد یروب سائر فاحشه لری مسلمانلر قوب طاعون دخی
رفع اولوب سبب فساد اولغین حق تعالی به عامک ایمان آلوب ابرته سی جمعه کوفی مسلمانلر طبل ونای
چالار یوروش ایدوب اختشامه قریب حصارلر بمقداری زلزله ایل یقوب عظیم جنک اولوب ببت کوفی
محاصره جا تراولماقین وقوف شمس ایچون یوشع علیه السلام دعا ایچمکین ککونش بر ساعت طوروب
مسلمانلر جمیع کفاری قتل ایتد کده طولندی اول اتاده بالی ایل به عام دخی قتل اولدی به شهر و درک کونش
طولی نورکن طور مق دنیاده اوج کسسه ایچون میسر اولدی بری یوشع بری سلیمان پیغمبر بری حضرت
علی ایدی به ابرسی اموال غنیمتی آتیه یاقوب بعده اراضی مقدسه اطرافنده خانی کفره اولان عالی نام شهره
واروب پادشاهی ایل اون ایکی بیک کسسه قتل اولنوب یته آتک قر بنده اعما و جمیعون آدلو ایکی طاعن بحر الزنده
وافر کافر متوطن اولوب یوشع علیه السلام آتیری دعوت ایتد کده جله می امانت ایمانه کلوب بده اول طاعنلر
قر بنده سلم نام بر طاعنه محکم قلعه و ایچنده وافر کافر و اطرافنده وافر قریه لرا اولوب بارق اولد پادشاهلری
اولوب یوشع علیه السلام آنده دخی وارد قده جله می ایمانه کلوب ایشوق قنوجات عظیمه د نصکره یوشع علیه
السلام اقصابی مغربده بش پاره شهر اولان ارمانیان ولایته کیدوب بشینک دخی بش پادشاهی جمع اولوب
مسلمانلر جنک ایدوب کافر صینوب پادشاهلری بر عظیم مغاره به کیروب یوشع علیه السلام مغاره قیوسنه
بکیچیلر و یوب کندی مسلمانلر فرار ایدن کفاری قوب نیچه سن قیروب اکثر فی طولوب اغوب هلال ایتدی
بعده مغاره دکی بش پادشاه طولوب قتل اولد یلر بعده یوشع علیه السلام دیار شامه کلوب آنده اوتوز
بر پادشاهی ملک کفر فتح و ضبط ایدوب هر برینک پادشاهی کافر ایلغین قتل ایدوب ملک کلر بن بنی اسرآ قیلله
تقدیم ایدی ایشوق غزوات و فتوحاتک جله می بدی ییلده واقع اولدی بده تدبیر احوال بنی اسرآ قیلله و تعلیم
نوراه و بیان شرع جلیله مقید اولوب به د زمان وفاتلری قر بنده خسته اولد قده سلم پادشاهی بارق جله

ولایتی خلیفه من تد اولد قلمی ایشیدلکین کندولر جنک بالذات کیده میوب لکن مر تدله بدعا ایدوب
کالب بن یوقسانی کندی برلرینه خلیفه دیکوب روح برقت و حلی آشیان چنانه طیران ایتدی به مر ویدر که
قره یاغز معتدل قامت لوی کوز لوی بی کوز کسلو غازی و مجاهد و بهادر و امور حرب تدبیرنده ماهر ایدی
مجهز انلری جوق اولوب ایچلرندن بری انشقاق نمر اردن بری دخی وقوف شمس ایدی که مقدما ذکر اولد دی
اهل کتاب قولنج مدت دعوتی و حکومتی یکری بریل مدت عمری یوزاون ییل ایدی عرایسده دعوتی یکری
بدی عمری یوز یکری الی دینوب به تاریخ منتظمده حضرت موسابه مقارن اولد قده فرق ایکی یاشنده
موسی و فاطمه یوز یاشنده اولوب بعده یکری بدی ییل خلافت سوردی دینوب یوتقدیر جله عمری یوز یکری
بدی ییل اولورده بر شریفی جدی افرائیم بن یوسف علیه السلام قرینه قریبده بض کسیده مدت خلافتی یکری
سکز عمری یوز یکری ییل ایدی قر آنده مذکور اولان ذوال الکفله نبی بر قول اوزره بودردیشلر به بض کسیده
قدسه قریب نابلس شهری قراسندن بر قریبه ده یاخود حلب قریبده معره شهرنده وفا ایتدی
دیومذ کوردی به مر ویدر که یوشع وفاتک عقبنده کالب مسلمانلر له سابقا مر تد اولان بارق اوزرینه یور یوب
سلم ناحیه لرین فتح و ضبط ایدوب اون بیک قدراری کافری کوه سته آنده قیروب بارق و اعیان کفاری طوروب
بقیه السیف مذات ما لوف طاعنلر قاجوب سابقا یوشع علیه السلام بدعا ایتد ککین بقیه عمر لری
ذیلله یکدی به مر ویدر که بارق منافق سابقا یتش پادشاه حبس ایتدیکه هر برینک باره قلمین کسوب
طعام وقتنده تحقیر ایچون اوکار یتنه اتمک باره لری آتوب یاشنه قادر اولماقین یوزلری اوزره دینوب
کالب کبی قاپشوب برلردی کالب یوحالی ایتد کده بارق دخی اللرین کسوب ایللره ایتدیک کندی یاشنه
کادی ایشوق و حاتم نصکره کالب مصره کیدوب جمیع عمالک مصر و شام بنی اسرآ قیلل ضبطنده اولوب نیچه
ییللر امن و امان ایل کامر انقلرا ایتد یلر به د زمان ککالب وفات ایتد کده اوغلی یوسف خلیفه اولدی

(باب ناسع عشر در احوال حرقیل بنی عایه السلام)

ابن یوز یاخود بودی لاری بن یقوب علیه السلام نساندن ایدی به بض کسیده یوشع علیه السلام وفاتنده
کالب بن یوقسا خلیفه اولوب کالب وفاتنده اوغلی یوسف خلیفه اولدیکه خوب جمال و یوسف مال
ایدی دینوب به بعض معتبر ایتد یوشع وفاتنده فخاص بن عیزار بن هارون علیه السلام خلیفه اولدی دینوب
تقدیر لایب کالب برینه حرقیل علیه السلام خلیفه اولدی دینوب به تاریخ میرخوانده مذکوردر که
حرقیل علیه السلام حضرت و ماد نصکره اوچینی خلیفه و اوچینی پیغمبر در پدینک ایکی خاوق اولوب
برندن اون نفر اوغلی اولوب بونک والده سندن اولادی اولوب سینه ایکن جناب رحمانه دعا فراوان ایل
نازه جوان اولوب بعد زمان حرقیل وجوده کککین خلقه بحب کلوب ابن الجوزی بولقب قود یلر به عرایس
ده لمبیده یوشع برینه کالب آنک برینه اوغلی خلیفه اولوب او وفات ایتد کده حرقیل بنی اسرآ قیلله پیغمبر اولدی
دیومذ کوردی (احیاء موتی) تفاسیرده (المرئی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت
فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم) آیتنده مذکوردر که دیار عراقده واسط شهری قر بنده داوردان نام شهرده
طاعون اولغین اون بیک یا اوتوز بیک یا یتش بیک کسسه شهر دن قاجد قازنده بی مرض و سبب محض غضب
رب ایل جله سی دفعه وفات ایدوب کواکاری آتله دزدیدن عمری و بری اولدی بعد از زمان طویل حضرت حرقیل
مزور ایدوب یوحال حیرت آل منظوری اولوب کمال تعجبندن متغیر و متغیر اولد قده (قوموا باذن الله)
دیوندا ایچمکه وحی اولنوب امری ادا ایتد کده جله می دیر یلوب (صباحکم اللهم و بسمه لا اله الا انت)
دیو تسبیح رب الانام ایل قیام تام ایتد یلر به تفاسیرده بر روایتده عدد مزور اوزره اولوب دفعه وفات ایدن
طایفه ناخافه بنی اسرآ قیللن اولوب پادشاهلری غزایه کیده لم دید کده عناد و ابا ایدوب فرار اختیار
ایتد کازنده وفات ایدوب به کز کوندر نصکره به حیات بولدیله دینوب تقدیر به لایلینه طاعون دن قاجوب
وفات ایدنلر سکز کون یادخی زیاده یاقوب بعده حیات بولوب نیچه زمان یانیم لکن اوزرلر نه اثر موت
مشاهده اولنوب هر کیدکاری لباس کفته بکز یوب بونک اولاد و نسلارنده یوحال مستقر و مستر اولدی
دینوب به بعض معتبر ایتد مذکوردر که طاعون دن شهر خلقنک به ضلری قاجوب وفات ایدوب بعضلری

فاجوب فاجنری بوقلا فزنده کوروب دهنه بحال اولماقین حیوانات سون دیو بر دیوار جکوب بدنری
 چوروبوب بعده حزقیل علیه السلام اوغراوبوب باقوب دعا ایستد کده حیانه کلکین شهرگر ینه کلوب نیجه
 زمان پشایوب بهضلر ینک اولادی دخی اولدی به فواج مسکیده طاعوندن فرارایدوب وفات ایدنره عطاء
 خراسانی قولنجه اوج ینک بن عباس ایل و هب قولنجه دوت ینک مقبائل و کلبی قولنجه سکن ینک اوورق
 قولنجه اون ینک ابوما لک قولنجه اووز ینک سدی قولنجه اووزیدی ینک عطیه بن ابی رباح قولنجه ینک
 ایدر دیوبوب کتاب جهات افرانده قرق ینک ایدر دیوبوب عباسدن بر روایت دخی مذکور در به سیرت سیرده
 حسن بصریدن مریدر که ذوالکفل نبی حزقیل علیه السلام در که ینک ینک ینک ینک ینک ینک ینک ینک ینک ینک ینک
 یهود اهل بحوددن عون و صون خالق الکلون ایله ملجا و مناص اولوب جله سن قتلدن خلاص ایتمکین
 ذوالکفل دیکه ملقب و مسی و مشهور دنیا اولدی (روایت مفصله) تاریخ میرخوانده حزقیل
 یغمبر اولد قدیمی اسرانی فی الصبح والمساء متابعت شرع موسی به ترغیب و مخالفتدن انذار و ترهیب ایدردی
 بعد زمان جناب سعدن ایلما شهر ینه نیجه ر قولنجه داوردان شهر ینه منزل اولوب شهر خلقی کفاره
 غزایه تخصیض و تحریض ایدوب آنرا اجمال ایدر کزنده طاعون مسلط اولوب خلق فاجوب شهر دن
 بر میل قدر کزنده بر صدای عجیب وند ای مهمب ایشیدوب جلد می وفات ایدر عدلر زنده اختلاف
 او انبوب ابن عباس قولنجه دوت ینک حسن بصری قولنجه سکن ینک و هب قولنجه سکسان ینک کسبه ایدر
 ابن عباس قولنجه بدی کون بکد کده جیمه کثیفه لری شیشوب و قوقوب حزقیل علیه السلام اعتسکافدن
 جیمه ووب اوغرا فده کوروب اسر کیوب حیاتلر ینده دعا ایستد کده جله می قالدوب لکن آنرک و صکر مدن متولد
 اولان اولاد وند لری ینک بدنرندن راجحه کریمه اصلا کمدی و هب قولنجه زمان وفاتلری او زانوب اقلری
 چوروبوب دو کلوب کوکری دخی بوسیده اولاندی به و الحاصل مرده زنده اولد قری حاله (سجائک اللهم
 و بحمدک لا اله الا انت) دیو و یلیه رک قالدوب شهر ینه کوروب بقیه عمر لری شرع موسی ایله عله صرف
 ایدر حزقیل علیه السلام بوانرک اولادی آراسته تیخ زمان طوروب اول قوم مستحق الاوم کاه متابعت
 کاه بخالفت او زره اولغین حزقیل علیه السلام انجنوب دیار بابله کیدوب آنده وفات ایدر بقرش بقری
 حله ایله کوفه شهر لری آراسته اولوب طائفه یوده زیارتگاه اولاندی در جلدیه شریقه لری ینه و مدت عمر
 و مقدار دعوتلر ینه اطلاع میسر اولماقین تعرضه بحال اولادی دیومند کوردر

(باب غیرون در احوال الیاس نبی علیه السلام)

اب یاسین بن حصاص بن عیرار بن هارون نبی علیه السلام ایدیه کزیندن و کار می سلیندن اولوب خلقی شریعت
 حضرت موسی به دعوت ایدردی عیراس امام تعلیمده مفضلده مذکور در که حزقیل علیه السلام وفاتندن صکره
 ارانی مصر و شامده متفرق اولان ملوک و امیاط نبی اسرانی ایل احکام تورات شریقه ایله علمده احوال و کل
 ایدوب ایچلر ینده عبادت اصنام و نیجه قیام و آنام ظهور ایدوب شامده بعلبک شهر ینک احب اولوب پادشاهی
 دمل اولوغایت حینار عورت صورتده ینه یمل اولوب بر صحنه طیار دیکه صافی التوندن بکری ذراع دوت
 گوشه اولوب هر گوشه ده بر یوزی اولوب طور بدی کسبه کفرانیده ده دیو زنه خدمت بکاری
 و آنرا ینک اول صحنه ایچنه شیطان کوروب حق دین بودر یو کفر و ضلالت او زره دین و این تعیین ایدوب
 بونره مو یلکین کفار حماقت نهاد و ضلالت اعتیاد حاشا صنی اله اعتقاد ایتلر دیو زنه
 اصحاب ضلالتی دینه دعوت ایچون جناب حقندن الیاس مرمل اولوب دعوتیه اقدام و اهتمام ایدد کده
 پادشاهک وزیرندن غیری بر کسبه ایمانه کلدی بهضلر دیکر پادشاه اولایمانه کلوب امر الیامه عمل ایدوب
 لکن از بیل اولو خانیکه جوق پشایوب ملوک نبی اسرانیلندن بدی کسبه تلک خاتونی اولوب هر بر یی برطر بقله
 هلاک ایدوب ینک نفر اوغلی اولاندی ایلایه عداوت او زره اولغین احی اضلال و فساد و خلقی دخی عبادت
 دمه معتقاد ایتدی حضرت الیاسه ایصال ضرر قصد ایدد کده الیاس عبادت امیناس خوف شرار الناسدن
 طاغیده بر مفارده بدی یمل عبادت ایدوب متصل کافر لری اراوب قدرت حقه بولوب بعده احبک
 اولد احی خسته اولوب اطبا عاجز اولد فده بعلان خدام لشی الیاسی بولدروب قتل ایدر ککه بعل سکا

انجنوده الیاس علیه السلام حیانه ایکن بعل سکاسو ملز دید کارنده بلاد شامده اولان امنامه تضرع ایچون
 در یوز کسبه کوندروب بولده الیاس علیه السلام مفارده می یاندن بکوب الیاس علیه السلام امر حقه
 بونره بولشوب دیدیکه پادشاهه دیکوز که حق تعالی یورر که ای احب سن یلور منکه شدن غیری بکری
 یوقدر جله عالمی بن براندم رزق لری و ورب اولدورن دیر کورن ینک لکن کمال حماقت و ضلالت کدن ینم غیرمه
 طابوب اوغلو کاک شفا سی خیر و شرفه نفع و ضره قادر اولسان صنادن طلب ایدرس عز و جلال حقیقون
 سکا اوغلو سیدله خشم ایدوب بقینده اوغلو کی هلاک ایدرم دید کده کمره بو خطاب بر عتبی ایشیدوب کال
 خوفله واروب احبه خیر و یرد کارنده فاقوب الیاسی کتور که الی نفرت کسبه کوندروب وارد قلنده دعاه
 الیاسله کوکدن آتش ایشوب جله سن یاقوب بعده بر بولک دخی کوندروب انلر دخی وارد قلنده آتشله یاقوب
 او چخیده ساقا مسلمان اولان وزیر یی ایل وافر آدم کوندروب امر حقه الیاس علیه السلام بونره یله
 شهره کلوب اتفاق اول کون احبک اوغلو وفات ایدوب احبه باشی قایسی اولغین الیاس علیه السلام ینه
 طاغعه کیدوب نیجه زمان طاغده طوروب بعده عزلندن او مانوب شهره کاد کده یونس یغمبرک و والده می
 اوینه کیروب الی ای انده طوروب یونس به امر اوغلا بقی اولوب والده می الیاسه کالی خده تملر ایدوب بعده
 الیاس ینه طاغره کیدوب یونس وفات ایتمکین والده می الیاسه واروب شهره کلکه یلوار مغین بدی کون
 شهره کلوب خاتونک تضرع یله دعا ایستد کده جله اون دوت کون بکشد کون یونس حیانه کلوب الیاس
 تکرار طاغعه کیدوب کفره نک اصرار و عنادی مقامی اولد فده الیاس علیه السلام بدی یمل قحط اوغله
 دعا ایدوب یوقدر نفوس کیره هلاک اولسونر دیو اوج ییل یتر دیو وحی الهی اولوب بعده اوج یله دلک اصلا
 یغمور یا غیوب الیاس علیه السلام شهرده بعض فقر اوینه واروب نعمت و برکت ظهور ایدوب
 یومعجزاتی کورن کفار مستحق الرجوم الیاسه هجوم ایدر کزنده بر او دخی کیدوب اتفاق بر کجه الیاس
 والده سنک اوینه واروب الیاس تاز یکت اولوب خسته بولوب الیاس دعاسیله صفالوب الیاسه ایمان
 کزوردی مفر و حضرده آغا خدمت بکاری اولدی بعده ایکدی خلق آراسته واروب الیاس علیه السلام
 ایمانه کور کز قحط کیدر دیوب کفریه تأثیر ایتد کده صخر بکزی صحرایه چقاروب آنلردن یغمور
 ایستک مراد حاصل اولور سه بن سزی دعوتدن فراغت ایدیم حاصل اولور سه ایمانه کلکیز تا که جناب حقندن
 نه احد انلر کوره مر دیوب کافر صخر ینه یلواروب مأوس اولد قلنده الیاس علیه السلام دعاسیله عظیم
 یغمور یا غوب اکن کال قحطدن زراعت اید جک تخم قالدی دید کارنده الیاس علیه السلام تخم پرینه
 طوزا ککز دیوب اید کارنده قدرت حقه تخم و دیوب کفره یومعجزاتی کوروب عناده صر و الیاسه غیر مفر
 اولد قلنده الیاس علیه السلام کفار دل آزاردن یزار اولوب اول منفور دن دور اولغله دعا موفور ایتمکین
 فلان کون فلان یره واروب نه کورر سنک اوستنه ینوب قورقه دیو وحی کلوب یوم موعودده مکان معهوده
 الیاس ایل یله واروب جبر آتیل علیه السلام جله جسمی و رخی صافی اشدن برآت کوروب الیاس
 صخر اوبوب یوب هوا به حقوب الیاس دیو چاغرد فده ایمان اشاغه آتوب الیاس پرینه یغمبر و خلیفه
 اولغله اشارت اولدی الیاسدن شروات نفه انیه و اغراض انسانیه کسکین قنادنوب انسی ملکی ارضی
 و سماوی اولوب خلق کوزندن محجوب اولدی بعده حق تعالی بعلبک پادشاهی اولان احبه و قومنه برعدو
 مسلط ایتمکین کلوب جله سن قتل ایدوب بعده الیاس علیه السلام نبی اسرانیلله نبی مرسل اولدی
 (روایت آخری) انسی و ولئی مجهول عربی بر قدیم تاریخ کابنده مفضلده کوردر که الیاس علیه السلام
 بدی یاشنده ایکن خوابده دن او قومدن جله نورانی از بر یوب بر کون نبی اسرانیله سزه تاشا کوسته یوبوب
 توله دید کزنده بر نره وارد فده جله خلق دوشوب وفات اید یازد قلنده پادشاهی ایشیدوب الیاسی ساحر در
 دیو قتل ایتل ایشیدوب بودخی فاجوب بر طاغعه وارد فده طاغ یار یلوب الیاس بن سنک مسکین
 و ما وال اولورم دیوب بعده طاغده بر تیجی جانور لره کزوب قورق یاشنده اولد فده خلق عالم غایت آرز
 او لغین دینه دعوت ایچون جبر آتیل علیه السلام بولکاتوت و رسالت خبر ین کوروب حق تعالی طاغری
 وارسلانلری و آنشی سکا مسخر ایدوب ینک یغمبر نفون دیردی وار کفار دینه دعوت ایدوب

بنی اسرائیلی سکا و بر سواد دیوب پیش قریه خلقی که هرری بر شهر قدر اولوب هر برینک بشقه حاکی
اولوب جله سی بل آدو صنه طه اولدی ایچلرندن ابتدا احاب آدوب که واروب ایمانه دعوت ایدوب معجزه
دیدلده باغش آتشی کل دیو چاغروب آتش الیاس یانه واروب الله بر در سن حتی یغمبر سن دیوسو یلکین
احابله خانوقی ایمانه کلوب بده الیاس جله کفره نک جمعیتلری کوتنده واروب ایمانه دعوت ایدلده کافر
الیاسی طاشلیوب جله بکارلانیانی ارلان عامیل بر قزغان ایچنده یاغ قینادوب الیاس دعوتدن فراغت
ایتمک سنی ایچنه آنارم دیوب الیاس علیه السلام دخی بره آتش سوون دیوب قدرت حقه سو یوند کده
خلق حیران قالوب الیاسی قو یو ویردیلر ایتسی یمه واروب کفره ایله وافر بحث ایدوب بکار دخی علمامنی
اسر آتلی چاغروب نه دیر سن دیوب آتشدخی حتی یغمبر در نورانده یونک صفتلرینه اشارت واردر دیوب
علمانده عن منافقلسا حر در کذا ایدرد یکن کافر لیبی اسر آتلی زنجیره طاقوب الیاس ایشیدوب غم چکوب
کیجه اولدقده یاخجه آتشلرله بکار براینه واروب طشره دن وافر نصیحتلر ایدوب ایتسی عامیلله تکرار
سو یلشوب عامیل مهلت ایتیبوب بعنه الیاس احابه واروب خبر وورد کده احاب ایماندن مر تد اولوب
خانوقی الیاسه تابع اولوب کیجه کوندز یله عبادت ایدوب کیجه اولدقده جانورلر کلوب الیاسه یله
اغلا شوب الیاسک ایزدن اوده سی اوستنده یردن کوکه دل نوودن دیرلر طوروب عامیلک خانوقی بو حالری
کوروب ایمانه کلوب الیاسه واروب یله عبادت ایدردی بده الیاس عامیلله واروب خسته اولان اوغلولا
شمعی وفات ایدردیوب واقعا وفات ایدلده عامیلک عقی شاشوب یا عامیل صفکر یعل دیدیککر کی ایه
دعا الیه اوغلولا کی در کورمون دیوب اودخی دعا ایدوب ما یوس اولدقده الیاسه سن دعا الیه دیومت ایدوب
الیاس دخی جله ولایت خلقتی جمع الیه تاکه ویمک عظمت قدرتی کورسونلر دیوب جمع اولدقده الیاس نماز
قیلوب دعا ایتمکین میت جانلوب یاغ اوزره قالقوب (لا اله الا الله وحده لا شریک له یا الیاس ان اللهک هو الحق
وانک علی الحق) دیوسو یلشوب عامیل مر ورتدن ایمانه کلوب بکلکینی براغوب عبا کیوب الیاسه تابع اولوب
سائر کافر الیاس ساحر در دیو عناد اوزره قالدیلر بده الیاسک جله یولد اشلری وفات ایدوب الیاسک کز قالوب
کفره دن ما یوس اولوب قحط اولغیچون دعا ایدوب ایچلرندن کتد کده یغور کس یلوب بیکارلر وانا چلر قوروبوب
کافر لردیجه انسان و حیوان مبتلرین ییوب جانلرینه کار ایدلده یا الیاس الیاس دیو چاغروب امر حقه
الیاس کفره ایچیه واروب بر خانوق الیسم آدو اوغلی قدیدن مسلمان اولغین آجلقندن وفات ایدوب الیاس
دعا الیه جانلوب خانوق فرجندن ایمانه کلوب الیاس دعا الیه اوی نعلله طلوب خانوق کافرله واروب الیاسک
شو قدر معجزات کوردم ایمانه کاکزدید کده کافرلر اوشوب خانوقی بوغوب آچلقلرندن میتی یک ایدلکرنده
الیاس واروب نهره واروب کافرلر طاعلوب بده الیاسه یدی یلدنر و قحط بزلی هلال ایتدی دیو تضرع
ایندلکرنده دعا ایتمکین یغورلر یاغوب عظیم او جوزلی اولوب هلال اولان انسانلر و حیوانلر دخی حیانه کلوب
بو حالردن مکره یمه کافرلر ایمانه کلد کارنده الیاس علیه السلام بزار اولوب دعا ایدلده امر حقه الیسی
کندی یرینه بنی اسر آتلیه خلیفه دیکوب ولا یلرندن چقد قده مانی آتشدن نیچه قنادلر برآت کلوب اوزرینه
بنوب چیر آتیل علیه السلام کلوب الیاسک ملائکه الیه اوچ زیر احق تعالی سکا قنادلر وروب لذت اکل
و شرفی مندن کسوب صنی آدمی ملکی ارضی و سماوی ایلدی دیوب حاله ملائکه الیه جمیع دنیا ده و کول یوزنده
هر ایتدیکی برده اوچوب کز (نزول عذاب) مقدمه کور اولان تاریخ نامعلومده و هیدن مر ویدر که
امر حقه چیر آتیل علیه السلام جهنمه واروب مالک خبر وروب بر قلعلم الوب یلک زبانی آتی سوروب کافر
اوستنه کتوروب بنی اسر آتیل بو حال کوروب کافرله ایمانه کاول عذابدن قور تولد دیوب کافرلر عناد ایدلده
مسلمانلر الیسم علیه السلام یانه جمع اولوب کفار دن آیریلوب یارب بزلی کافرلر کاهی سبیلله هلال ایتیه
دیو اغلا شوب بده یولندن طاش یاغوب جله سی یا قوب هلال ایدوب مسلمانلر خلاص اولدیلر (متفرقات)
بعض معتبرانده بعینک خانی ایمانه کلوب تکرار کافر اولدقلرنده اوچ ییل یغور یاغوب قحط و غلا ییدل اولغین
تکرار ایمانه کلوب دعا و مول الیه رخایه و مول یولدقلرنده یمه کافر اولغین حضرت الیاس بزار اولوب کشت
هر اودشت ایتمکی اختیار ایتدی دیوب بعض نوارینده وفات ایدوب بده حیانه کلوب فلک کورده ملکله

طهران و جولان ایدردیوب لکن قول صحیح اوزره قیامت قویغه قریب کرفش مغربدن طوغنجه خضرله
ایکسی حیانه نبانده اولوب بده وفات ایدر * جامع الصغیر سیوطیه خضر در باده الیاس قراده در مذ
یاخوجده هر کیجه بولشوب و هر ییل یچ و عرو ایدوب لب زمزم مدن ایچون کله جک سله دل آله کفایت
ایدردیوب بر حدیث شریف مذ کوردر (حکایت) عرابیده مذ کوردر که عقیلان یعنی غزه شهر ندن برکشته
دیشدر که ارض اوردنده وقت ظهرده بر صحراده تنها یورکن برکشته کوروب یا عبد الله من کیمسن دیدم
اودخی بن الیاسم دیکین جله اندامه لرزه دوشوب دعا الیه الله تعالی بدن بو حال کیدرسن تاکه مشکله
سو یلشوب کلامکی فهم ایدم دیدم یارب یا رحیم یا حنان یا منان یا حی یا قیوم دیوب سرانجه ایکی کله دخی
سو یلشوب معنائی کلامم پس اضطرارم کیدوب بده الیاسی ارقه مه قویوب الیاسک برودت و لطافتی چار
سینه مده طویدم بده حالاسکا وحی الهی اولوری دیدم الله تعالی محمدی رسول الیه لی بکاحی اولز اولدی
دیوب حاله حیانه قاج یغمبر واردر دیدم در تدر عیسی الیه ادریس کوکده الیاسله خضر برده دیوب ابدال
قاجدر دیدم التمش کشته در که الیسی مصر مصر جدی اولان عربشدن نمر فرانه وارنجه بو آرتلقده درلر ایکی
دخی صبه شهرنده بری دخی عقیلانده یدیبی سائر بلادده در الله تعالی یونلر بریستی کیدر کده یعنی
وفات ایدلده یرینه بری دخی کوروب خلقدن ملا یونلر دفع اولوب یغور یونلر یغاردیدی خضر
نه برده اولور دیدم دریا جزیره لنده دیوب سن آتی بولورم یسن دیدم بولورم دیوب نه برده بولورم دیدم موسمه
یعنی یچ زماننده عرفانده دیوب یانه ایشلر سیز دیدم بری بریزلک بشی صاحبن قورقار دیوب مر و انک خروچی و شام
خاقیله جنکی زمانی اولغین مر و ان حقتده نه دیر سن دیدم الله تعالی یه عانی یعنی عاصی برکشته یی نیر سن
قاتل ومقتول شاهد و مشهود ناردده در دیوب بندخی جنکده حاضر ایدم لکن بیک ایدم استغفر الله بر دخی
اومقوله برله حاضر اولیم دیدم ایوا یتمش سن شمدن کمره دخی بویه اول دیوب بن انکله سولشورکن قاردن
آق ایکی دانه اتمک الیاسک اوکته قووب ایکییز بر یچ اتمک ییوب باقیسی چکوب کیدوب نه قویابی ونه
کتورانی کوردم بده صحراده اوت اوتلر بر ناقه سی اولوب الیاس باشن قالدیروب باقدقده دخی چاغرمیدن
ناقه کلوب اوکته چوکوب الیاس اوستنه ید کده بن سنکله یولداش اولتی ایترم دیدم سن قادر دکل سن دیوب
اهل و عیالم یوقدر دیدم تزویج الیه اما عورتلردن درت جندن حذر الیه نائز و محتلمه و مداهنه و مبارده در
یونلردن غیری هر نه اصل عورت اولور شه نکاح دلان دیوب بن سنک ملاقاتکی سورم دیلم دیدم (اذا رأی فی
فقد رأی فی) یعنی شمدی کوردرله زمان کورمش کیمسن دیوب بده بن قدمده رمضان آیتده اعتکاف
ایک ایترم دیوب ایکییزلر اراسته براغاج حائل و کورمیدن غائب وزائل اولوب نیجه کندیکی مه اوم اولدی
(فانده) تاریخ میرخوانده مذ کوردر که حضرت الیاسک حلیه شریفه سی یخیمف البدن طویل القامه
سیمه موی اولوب کثرت عبادتدن مبارک کوده لر یلک در بی قواشش کبی قائم اولمشدی حالاحل
قامتلی اکثر یا صحرالرو یا با ندر عادت و خدمتی یول آزه شلری طوغری بوله قول اولزلام قدر هر ییل حاجیلر
بیرامده حضرت خضرله مدینه منوره ده مسجد قیاده بولشورلر بری برل یلک باشی صاحبن قورقار
مدت دعوی و زمان غیبه ده مدت عمری معلوم اولماقین تعرضه بحال اولدی (فانده) واسعیل
وادر یس وذا الکفل کل من الصابرن) آیتده تفاسیرده مذ کوردر که ذوالکفل من مراد الیاس یا یوشع
یا زکریا در که انکله تسبیح اولند یقی کفل لفظنک معنائی کفالت و ضعف نصیب اولوب بودخی امتنه کفیل
یا علی و ثوابی زماننده اولان انبیانک علی و ثوابی معنی قدر یا خود اصناف الطاف خدایه صیب اولدی یغیچوند
ذوالکفل حقتده تفاسیرده و غیرده نیجه تفصیل دخی واردر که منابیده آخر باب انبیلده یوقی مشکوکه اولدر
باشنده بیان اولنور * تفاسیر فی ابوالسعودده (در زکریا و یحیی و الیاس کل من الصالحین) آیتده بر قولده
الیاسدن مراد جده نوح اولان ادریس علیه السلام مذ بر قولده دخی هارون علیه السلام نسلندن اولاندر
دینوب (وان الیاس من المرسلین) آیتده الیاسدن مراد صبط هارون اولان الیاس بن یامین دیو آیتده
(وان ادریس من المرسلین) قرأت اولغین بهضلمر مراد ادریس علیه السلام در یسیر دیوب مشا و قل
ابن ملک شمر شنده اهل نوار یلک ادریس علیه السلام نوح علیه السلام دن مقدم و دید کلمی

ثابت د کرد زیرا ادریس الیاس در که بنی اسر آتیل زمانه کلمه در دیوب تفسیر لایا به قاضی عیاضه قاضی ابوجکر بن العربی در نه قولا رکه ادریس نوحن مقدم ایذی دینار توهم اختلدر زیر مقدم اولوب آنک جدی اولایدی لایله معراجده حضرت رسول الیه کوکده بولند قده آدم ونوح و ابراهیم دید کاری کبی اودخی مرحبا بالابن الصالح دیوب هود و یوسف و موسی و عیسی کبی مرحبا بالاخ الصالح دیمزدی * اشبو تار یخ مهتره وانی اولان عبداحقرایدر که حدیث شریفه خضر دریاده الیاس قراده یورلدی بی وعامة مفسرینک (ورفعناه مکانا علیا) آیتده ادریس علیه السلام یاخسته یا کوکه رفع اولندی دید کاری والیاس علیه السلام ابراهیم علیه السلامدن مؤخر ایذی مقرر ایکن انزل الله تعالی مائة واربعه کتب علی آدم عشر صحایف و علی شیث خمسين و علی ادریس ثلاثین و علی ابراهیم عشر والتوراة والانجیل والزبور والفرقان حدیثده ادریس ابراهیمدن مقدم ذکر اولندی بی خصوص حدیث من یورده و من یورده ادریسه صحف نزول ایدوب اما الیاسه کتب و صحفدن بر سنه نزول آیتدیکنه جمع کتیده اصلار وایت اولندی الیاس ادریسک غیر ایذیکنه ادله قاطعه و بر این ساطعه اولوب حدیث معراجده حضرت رسوله ادریس علیه السلام مرحبا بالاخ الصالح دیدی بی بعض وجه وجه الیه تاویل توجیه اولنقه قابل و مقبلدر ادریس الیاس شخص واحد ایذی بی فرضان سلیم او انسه ذوالکفلدن مراد الیاس اولق روایتی که تفسیر قاضی و کشف بر محلیده سائر روایتدن مقدم ذکر اولوب باقیلری مؤخر و صیغه غریب الیه ذکر اولنقه آنک رجحانی اشمار اولنشد بر بالکلیه باطل و عاقل اولمش اولور زیرا عطف غایت اقتضا ایتمکین اسماعیل و ادریس و ذوالکفل آیتده ذوالکفل ادریسک غیر ایذی ظاهر و باهر اولور و الله اعلم

(باب حادی و عشرون در احوال الیسع نبی علیه السلام)

تفاهیرده اسمی اصلده یسع اولوب عربجه الف لام داخل اولوب الیسع دیدیلدر بنک اسمی اخطو بدو الیاس علیه السلام الیه سی بنی اسر آتیل کند و بر بنه خلیفه دیکوب بعده بیغمبر اولدی * فواج مسکبه ده الیسع ابن عدی بن شولنج بن افراتیم بن یوسف علیه السلام در دیوب بیغمبر معتبرانده مذکور رکه حضرت الیاسک شاکردی اولوب آنک دعاسیله بیغمبر اولوب اندنصکره بنی اسر آتیل شریعت موسایه دعوت ایچون جناب حقندن مرمل اولوب نیجه مدت اد احکام نبوت و رسالت آیتدی مدت عری عیش بش یلدر قرآنده مذکور اولان ذوالکفل بیغمبر بونک عیسی اوغایدر دیوتفا سیرده بر روایت واردلرکن صحیحی ظاهر اولماغین باب انبیاء مشبهة الاحوالده بیان اولور * تفصیل حال تاریخ میرخوانده مفصلا مذکور در که الیسع علیه السلام خلیفه و وصی الیاس علیه السلام اولوب نبی عظیم القدر ایذی بنی اسر آتیل ایچنده معزز و مکرم و مهتاب و مجتشم اولوب امر نه رام و انقیاد تمام ایدرلر دی * و مریدر که آیتده اچققی اولوب حضرت الیاسه خلافتکی الیسعه تقویض الیه دیو و حی اولد قده الیسع زراعت ایدرکن الیاس علیه السلام اکا و غرابوب رد آشریفن اوزر نه آیتد قده علی القور و بر برب حال کلکین الیاسک اوزر نه کاب اجازت و بر رسک والدینله و داعشوب سرکه مر اوقت ایدیم دیوب الیاس علیه السلام بن سکا نه ایلد مک یو یله دیر سن دیدکده الیسع قاینده عمان عشق و حبان چونان اولوب آلان زرع و سرقی قیروب او کوزلری قریان و اتلری بی تصدیق ایدوب دآ ثمال الیاس علیه السلامه رفیق و صدیق شفیق اولدی بعد زمان الیاس علیه السلام نظر خلقدن غائب اولد قده الیسع علیه السلام بنی اسر آتیل ایچنده شریعت حضرت موسای احیا و احیاءه پالشوب ایچلرنده قراوت تورا ایدوب کوندر زمانم کجه ل قائم اولوب وافر مجزات و خوارق عادات اظهار ایتدی (مجازات) جمله دن بری بوایدیکه اریحاشمیرینک خلق صولر بنک شوره لکندن شکایت آیتد کارنده الیسع علیه السلام صونک ایچنه بر باره طوز براغوب طنلو اول دیدکده باذن الله لذیذ اولدی بری دخی مدیونه بر طول خاتون فقردن شکایت آیتد کده او یکده نه لئو ادر دیوب همان بر آویج طولوی یاغیغرم وارد دیدکده کتور دیوب بر قاب ایچنه قود دیوب قود قده امر شری بنی اوزره اول آریاغدن قدرت حله بی حد قابل طول دیوب اول برکت عظیمه الیه خاتون بورچن اود دیوب کال غنادخی تحصیل ایتدی بری * دخی خیر دعا لیه بر کسمته نک طوغرمز قصر خاتوندن براوغلو اولوب نیجه زماندنصکره اوغلان وفات ایدوب والدینی تضرعیه دعا آیتد کده

جانلنوب نیجه زمان حیسانده اولدی بری دخی برکون شاکردی طعام بن وروب ایچلرندن برسی خطایله ایچنه حنظل دید کاری غایت آج سنه قیوب فی الحال طعام ایچندن هر کیم بونی برسه هلاله اولور دوصدا اینسید بلوب الیسع علیه السلام خبردار اولد قده ایچنه بر قاب الیه صوقوب دعا آیتد کده ضرری دفع اولدی بری دخی مالول بنی اسر آتیلده آقا قصد اعدای اخبار و تدبیر امور بحار بی تعلیم ایدوب اعدادن بریاد شاه کند و نک اسرار بنی بنی اسر آتیله خبر و برین بواید و کفی طوبوب بغضندن عظیم عسکرله ککوب علی الغفله الیسعی طوبوب بودخی دعا آیتد کده اعدای بدرایک کوزلری کورواغین کفره نک اللارندن خلاص اولدی بری دخی سعادتخانه سنه یوز و نمره مسافر کاب اوکری نه یکر می اتمک قود یروب جمله می یوب طوبوب اصلاط عام کسیدی * بری دخی دمشق شام ولایتک یادشاهی برص مرضنه مبتلا اوغین برطیب حاذق استیوب خبر کوندر کده مرضی زائل اولغیچون آقر صوبه کیزسون دیوب کلان کسمه ملول و مجزون واروب خبر و بر کده کلام شریفن تجربه لازمدر دیو عقلانصحت ایتمکین بادشاه صوبه کبر کده مرضی بالکلیه کتمکین کمال سرورندن البسه فاخره و سکه ها و افزه ککوندر دیوب الیسع علیه السلام قبول ایچوب کوفورن کسمه دیوب کیدرکن بونلر خدمتکاری طمه و دوشوب ایکی کیسه التوی آلوب بونلر واقب اولد قده خدمتکاره بد دعا ایتمکین بادشاهک مرضنه مبتلا اولدی * بری دخی بر زمانده بنی اسر آتیله اعدا هجوم ایدوب محاصره آیتد کارنده محکم قیط اولوب الیسع علیه السلام یاربین عظیم اوچوزلکی اولور دیوب بادشاهک بواقی تصدیقدن آبی اولوب کوکارتی موسی آچالوب ریوز نه ذخیره یاغسه اوچوزلکی احتمالی یوقدر دیدکده دیدیکم اوچوزلکی سن کوزرسن اما آندن عیلم سکا میسر اولور دیوب ایرنه می عدوی کسمه جویر یاناب غیب بی بریدن عسکر عظیم صداسنی ایشیدوب ظاهر اسب بوغینکن مجرد خوفلندن قاجوب اودولرین براغوب جمع اولغش عظیم ذخیره لرین بنی اسر آتیل بولوب اولوب بواقی قتل آیتد یله بری دخی زمان وفاتلری قریب اولد قده زمانه لر ی بادشاهنه سن مصر عسکرینه اوچ کره غالب اولسک کدر دیوب بشارت و ربوب بعد زمان جمله سی واقع اولدی * بعض تواریخنده بونلردن غیری مجزات کثیره لر دخی وارددر دیوب لکن جمله بی تفصیل مورت طویر یل اولور (وفات) مریدر که بنی اسر آتیل بونلر کاه مشاییت کاه مخالفت ایتمکین خاطر عاقلری آتلردن بیزار اولوب آخرته رحلت ایچون دعا ایدوب قبولی معلوم اولد قده حضرت ذوالکفل طالب ایدوب خلافتلرین اکا تقویض ایدوب بعده مرغ روح روانلری آشیان جنانه طیران ایتدی ذوالکفلک نبوتنده و کیم ایدیکم اختلاف اوغین اشاعیده باب انبیاء مشبهة الاحوالده ذکر اولنقه تاخیر اولندی

(باب ثانی و عشرون در احوال انبویل نبی علیه السلام)

ابن بال بن علقمه بن حام بن مهر صرف بن علقمه بن ماحب بن عوصا بن عزریا یاخود بن اشویل بن هلقانا یاخود اشویل بن ملقاها ورن بیغمبر نسلندن ایدی * معتبرانده مریدر که الیسع علیه السلام بیغمبر وفاتندنصکره هج بیغمبر قالمیوب قبائل متخالفه دن نیجه طایفه بنی اسر آتیل کینی اسیر و کینی طعمه شیر شمشیر ایدوب غنیمت و غارت و انواع خبارت ایدرلر دیو یل علیه السلام نبوتنه دلدر تیوز التیش یل زمره بنی اسر آتیل دلیل انواع آلامدن آرام بولم یوب ایام و شم و ولری کرب و حرب الیه مر و ایدر دی تاریخ ابن نبینه ده یوشع علیه السلام بیغمبردن اشویل نبوتنه دلکچن در تیوز سکا نه یل ایچنده بنی اسر آتیل اوزر نه ایچلرندن بادشاه اولوب امور جمهوری قاضی لری کبی بعض حکام کوروردی دیوب * تاریخ قدسده وفات موبادن نبوت اشویل یله دلک در تیوز سکا نه ایکی یل مر و ایتدی دیو مسطور در (ظه و جالوت) تفسیر لایا به و نیجه معتبرانده مذکور در که الیسع علیه السلام وفاتندنصکره بنی اسر آتیل ایچنده نیجه امر تا مشروع شیوعوب نیجه زمان فرمان رجسانه عصیان اوزره اولد قنده بر مقتضای عادت رب متعال کوشیال اهل ضلال ایچون کفار اشرار دن مهرله قدس اراسته ساحل بحر رومده ساکن اولان طایفه لسانا که براعلری دخی علقه ایدی بادشاغری جالوت ایذیکه اسمی کایاز ایدی بنی اسر آتیله عسکر چکوب کاب جتکده غلبه ایدوب حتی دآ ثمال نبصرت بنی اسر آتیل اولان تابوت

مکینه في الوب اکثره لکن من ضبط و تسخير و قتل و انساندن غیری بمش یک کسبه فی که در تیز و قرق نوری
 اینام ملوک کندن ایدی اسیر ایدوب بنی اسرائیل سائر بن خراج کسوب ایچلرند اولان تورا شریفه
 نسخه ازین جمع ایدوب یا قوب و قدسده مسجد اصابی یقادی (خمره) اهل اسلامه سل سبب ایدی نیجه
 یل ظلم و نیجه حیف ایدی (ولادت اشوئیل) علیه السلام من ویدر که اول زمان عید الامان عید العید و انده
 بر خاوندن غیری جمیع نسل انیسامقرض او اشیکن من پوره خاتون زوجندن حامل اولوب اشوئیل وجوده
 کلوب قرق باشند بیغمبر اولوب اون بر ییل تدبیر امور چه و رایتی * عرایس تعلیمده غلبه جالوت نبوت
 اشوئیلدن حقوق صکره اولدی دیو تفصیل اولتوب * حتی و هیدن دخی من ویدر که نبوت اشوئیل صکره
 قرق یله دل بنی اسرائیل حسن حال اوزره اولوب بعده قصه جالوت ظهور ایدی و الله اعلم (نصب طالوت)
 من ویدر که حکومت اشوئیلدن اون بر ییل یکد کده بنی اسرائیل محاربه کنایه ایچون کند یله بر پادشاه نصب
 اولتی استدل کلرند ایچلرندن طالوت بن قیس عاقل و دانا و بلند قامت و توانا اولغین جناب حقندن سلطنت
 اکا تعیین اولدند و رای یا دباغ یا سقا یا مکاری اولوب خصوصاً نبوت و سلطنته مخصوص اولان ایکی
 سبطدن اولامغین بنی اسرائیل نجیب ایدوب فرمان رحمان ایل اولد یغنه حضرت اشوئیلدن دلیل و برهان
 استدل کلرند جالوتک جزدن نمپ و غارت ایدوبکی تاوتک کلمی علامت اولسون دیدی (قصه تابوت)
 تفسیر لیا بنده و غیره (وقال لهم ان آية ملكه ان ياتيكم التابوت فيه سبينة من ربكم وبقية مما ترك
 آل موسى وآل هارون تحمله الملائكة) آیتده ابن عباس قولنج تاوتدن من ادشول صند و قدر که حضرت
 موسی علیه السلام آنک ایچنه تورا شریفه قورایدی و فالتند صکره بنی اسرائیل عصیان اوزره اولغین حتی
 تعالی آنره غضبا کو که حکمشدی بعد زمان اشوئیل علیه السلام دعا سبله چله خلق باقرایک کونکدن
 پرور زنه اشوئیل تاوتک او کنه قوندی و دخی مقصلا مذکور در که اصحاب اخبار اعلام و اخبار را بنشردر که
 حضرت آدمه شهادت انا جندن طولی اوج عرضی ایکی ذراع التوندن تحتله قیلا غش بر صند و قی که
 ایچنده جمیع انبیانک صور تری و اراید که کونکدن نازل اولوب آدمدن شیشه آندن اولادنه یه دم نسلا
 بعد تل حضرت ابراهیم آندن اجماعله آندن او غلو قیلا ره منتقل اولوب اجماعیل و اسحاق علیه السلام
 اولادی تاوت من پورده نزاع ایتمکین قیلا واقعه سننده گوید یکی امر الهی اوزره مکدن دیار که خانه
 واروب عیسی او غلو حضرت یعقوبه تسلیم ایدوب بعده بنی اسرائیل ایچنده طاروب پورده زمان حضرت
 موسایه و اصل اولدند ایچنه تورا شریفی و بعضی اسبابلر من قوب صکره کاند که آتی عکرا و کججه
 پوریدوب خاقه قوت قیلا اولوردی و فالتند صکره بنی اسرائیل آنک ایچنه ایکی لوح تورا و سابقه یلان
 الواح تورا باره لرین و حضرت موسایک عصا سن و کیدیک لسان و بشماق لرین و حضرت هارونک دلیدن
 و عصا سن و صحرای تمده کونکدن یغان مندن بر قیلا طولوسنی قوب بعضی دعوی و نزاع خصوصند تاوت
 من افعه اولدند قدرت رب العزله صو نایوب ما بنلرند حکومت و فصل خصوصت ایدردی بجه که
 کیند کر فیه ملائکه کرام هواده عسکر اسلام اوزره آتی طروب ایچندن کدی آوازی کی صدا ایدلرک
 علامت نصرت ایدی (قیه سبینه من ربکم) آیتده سبینه دن فراد ابن عباس و مجاهد قولنج تاوتک
 ایچنده زبرجد یا خود یا قوتدن باشی و قوروی مانند شورایکی قیلا در صورت بحیب الطور اید که صدا
 اید کده تاوت حرکت ایدوب خلق اردنجیه پور پور تاوت طوزد قیلا ظاهر میسر اولوردی و بعضی قولنج
 او صورتک ایکی کوزی اولوب کوزلر یلک شعای و ارایدی و تفسیر لیا بنده ابن عباسدن بر روایت اوزره
 مکینه دن من اد تاوتک ایچنده طوران التون لکن ایدیکه چندین حقوب یه میرله مبارک پورکاری آنک
 ایچنده یوغندی * حضرت علیدن من ویدر که مکینه دن من اد غایت شدت و حدت ایل اسر بر ییل ایدیکه
 ایکی باشی اولوب انصانه بکر پوزی و ارایدی و الحاصل بنی اسرائیل علیه علقه مسلط اولدند تاوتی کید و
 ولایتلرینه ایلتوب من یله به براغوب نیجه ییل طروب آنک باشند بول ایدن هر کافر بواخیر فرضه مبتلا
 اولوب دخی و لا تیزند بش پاره من خرابه یوز طروب بلایه غلت تاوت به اهانت ایدوکی مغاومتری اولغین ایکی
 او کوزره و کدوب ضالی و رب من حقه ذرت ملک و رب طالوت و اصل ایدلر (قصه منبر) تفسیرده

مذکور در که

مذکور در که بنی اسرائیل بوعلامتی پر کرامتی کوروب طالوته تابع و طایع اولوب ایچلرندن یکسان یلک یا غش
 یلک چکه بر اوسوار ایل عزم رزم ایدوب هواده حرارت شدت اوزره اولغین بنی اسرائیل تضرع یله یولده
 بر ابرماغ آقوب هر کس یلک کند و به و طوار به قدرت حقه بر اوج صو کفایت ایدند که کدر آندن ابرو ق
 آسوندوب وحی الهی اولدند و اوچینوز اون اوج نوردن غیر یلری اهل شک و نفاق اولغین امره مخالفت
 اید کلرند دوداقلری فراروب ایچد که عطشلی آرتوب بحال لری فاسامغین دوروب بر لینه کیدیلر
 (قتل جالوت) تفسیر و غیره مذکور در که اشوئیل علیه السلام ایل طالوت همان اوچینوز اون اوج
 نغز ایل سفر ایدوب یوز یلک عدد اولان عدوی کفر خوی کینه جو به فار شو طور دقلرند علقه نیک پادشاه لرین
 جالوت محقوت میدانه جی قوب چنکه آدم استیوب کولکه سی بر ییل یره دوشوب باشند که تو غلغه اوچینوز
 با همان دموردن اولغین فار شو سنه کسبه خچقمندی حضرت داود کیدر یلک جله اون اوج یا خود همان
 الی او غلو اولوب داود دن غیر یسبله چنکه و حاضر اولوب داود جله برادر لردن کویک اولوب صکندی
 قیونلر یلک راعیسی اولغین یله اولوب اشوئیل علیه السلام بر موجب وحی آتی کتور دوب یولده کارکن
 اوج طاش پاد اودری آل سنک الکن قتل جالوت بزم ایل تقدیر اولمشدردی و یولده کده آلوب عسکره کاب کده
 صپان ایل جالوته آتوب هلاک ایدند کده طالوت غایت شاد و بر من اد اولوب داود ی داماد ایدندی ابن عباس
 قولنج حضرت داود رای اولوب برادر لری چنکه اولغین پوری سائر او غلار بن یو قلیغه داودی کوندر کده
 واروب طالوتی متغیر و متغیر کوروب جالوتی قتل ایدنه نه و بر رسین دنیوب داماد لید نیوب نصف سلطنت و بر زم
 دید کده داود علیه السلام شصاعنده نه سبینه اولوب کرل و شیر و سائر شیعی ترکیه صپان دید کاری قلاع ایل
 قتل ایتمکده عتاد اولغین جالوته فار شو واروب یولده سو یلک اوج طاشی صپانه قوبوب آتدند جالوتک
 کونکدن دلوب اوقه شدن دقوب هلاک ایدی فاسا نلر یو خالی کوروب داود غایت محبت ایدلر عرایس
 تعابیده اول اوج طاش صپان ایچنده بر اولوب جالوتک باشند طو قوب تو غلغه سن دلوب قضا سندن چقوب
 او نور کاردخی قتل ایدی بعضی قولنج جالوتک قضا سندن چقند قده بره دوشوب پاره اوب قدرت حتی ایل
 هر بر پاره می بر کافری اجماعله بجه می منرم اولدیلر (وقات اشوئیل) من ویدر که قرق باشند بیغمبر
 اولوب بنی اسرائیل ایل اون بر ییل حکومت ایدوب بعده طالوتی پادشاه نصب ایدوب بر ییلده صکره الهی
 ایکی باشند و فالتند یلک احوالی جلد نایند احوال ملوک بنی اسرائیلده بیان اولدور

(باب ثالث و عشر و در احوال داود بنی علیه السلام)

ابن ایشاب عوید بن سمان بن باقر بن یحیی بن عیاد بن ریم بن حنظل بن قارص بن یهودا بن یعقوب علیه
 السلام کول کوزلر قمری بکر لوقا کوده لواورون و قورمال صفالو و حیف البدن کونه قد ذات شریف ایدی
 (کیفیت سلطنت) اولور باشند ایکن جالوتی قتل ایدوب بنی اسرائیل یولره غایت محبت ایدند کده طالوت
 حسد ایدوب جالوت قتل ایچون داماد ایدند که نصف سلطنت و بر مکده و عده ایتمکین مفسرین قولنج خلف
 و عدا ایدوب ملککندن دخی اخراج ایدوب مؤرخین قولنج مع الکراهه مجرد داماد ایدوب شوب لکن جله ایل
 نیجه کره قتل ایلک استیوب عظیم تفصیل محتاج اولور وجهه نیجه ما جراری یکوب حضرت داود علیه السلام
 شهر دن کید کده طالوت کند و به نصیحت ایدن علمای داغ اقل ایدوب انلردن کسبه قالدند نادم و نائب
 و عیوب و ذنوبندن راجع و آیت و داودی بولوب خلالتنه و سلطنت و بر مک طالوب اولوب انشاء طلبده
 قبول یوبه ایچون ایل نغز او غلوا یله غزایه واروب شید اولدند قلدند قتل جالوتک بدی یلنده اسباب طینی
 اسر آیلک اون بر رفقه سه طالوتک ایلر یوش آدوا و غلو پادشاه اولوب یهودا بن یعقوب علیه السلام سبطی
 حضرت داودی کند یله پادشاه دیکوب اوج یلند صکره سائر اسباب دخی داود تابع اولوب بلذخیل الله
 اولان حیرون قصیه سندن قالوب قدس شریف شهر فی تحت ایل شوب بلاد شامیه و غیره نیجه شهر رفیع
 و ضبط و عتاک منیه اسلامیه به ضم و ربط ایدلر طالوت قیزدن اون یا اون سکر یا اون ایکی فرار و غیری
 اولوب جله می کند یلر صکره قالوب یا لکر سبجان علیه السلام بر کاغدا شاعیده خوبه و توبه مذکور اولدنی
 اوریا نام کسبه نلک مطلقه سندن یا نامی دندن وجوده کاشد (خصایص و فضائل) معتبر اند منفر قده مذکور

اولان تفاسیل اجاتی بود که داود علیه السلام کرم الاخلاق طالب رضای رب خلاق کثیر العلوم زاهد
و مجاهد عبادت بود ایدی حق تعالی اکانت و رسالت و سلطنت و ربوبی بنی اسرائیل را بنیاده نبوت و سلطنت
اندن اول برکنه ده جمع اولیوب نبوت لای بن یعقوب علیه السلام نسله سلطنت بیو ذابن یعقوب علیه
السلام نسله مخصوص ایدی بونله لسان عبرانی اوزره کاب زبور نازل اولشدر که یوزاللی سوره اولوب
الایسنده بنی اسرائیل بخت نصر دن و اهل بابل دن ایریشه جک عذاب الایسنده طائفة روم دن ایریشه جک
آلام بی حساب الایسنده دخی مورث عبرت و باعث حیرت اوله جق انواع موعظه و نصیحت مسطور اولوب
حلال و حرام دن و شریعت متعلق سائر احکام دن برنسنه مذکور کادی کشفانک برحمتنده مجاهد دن
(اوحی الله الزبورالی داود فی صدره) دیوم روی اولغین سائر کتب الهیه کجی کوکدن ملک و امطه سیله نزل
ایتمیوب بلکه همان قلبیه وحی و الهام الهی اولقی اشعار اولوب لکن برحمتنده دخی زبور شهر ره ضایک
اون سکنجی کجه سنده نازل اولدی دیو بر حدیث شریف مروی اولوب انسان کامل ادلو کاید
داوده زبور آیه آیه نزل ایدوب جله سی تمام اولغجه بنی اسرائیل جق قاروب اظهار ایتدی لرد یوم مذکور در
مرویدر که افراد انسانده داود کجی خوب نفس و خوش الحان برادایوب مبارک یوزالندن بخش ایکی درلو
صوت بی مثال استعمال ایدردی زبور شریفی صحراده و طاعنه او قودقه جله قوشلر و طباغر بونله
مواقت ایدوب تسبیح خدا ایلند او صدا ایدردی او حالده اقرار صور اسر یلار ساکن اولوب انس و جن
و طیور و وحوش کلوب دیکلوب خاموش و مدهوش اولورلردی طاعنه جین صیحه و نداده ظاهر اولان
صدا اوزمانده نروید ایلدی دیمش مجلس وعظده او قودقه آواز زنده اولان سوز و کداز دن زمره
ساعین آه و این ایدوب کمال تاثیر و احراق و فرط تسبیح اشواق دن نام خدای یاده ناله و فزایدله نیجه یوز کاه نیجه
بیک انسان جان و برردی انس و جن بونلک الحان اجتماع ایتد کلمه ایلین حسد ایدوب انواع ساز و آلات
اهو پیدا ایدوب خلقی انلرله اغوا و اهل فسق و هوا ایتدی بعد صدور الحوبه و قبول التوبه حق تعالی داوده
(یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض) دیو یورمغین خلیفة الله دیکله مشهور جم ان و مقبول قلوب زمره
انسان اولدی و تفسیرده حق تعالی داوده منطق طیور و دوابی و نیجه امور خفیه بی تعلیم ایتدی دینوب
کشفانده مذکور در که داود علیه السلام قیامتده اعمال و وزن اولنه جی میزان عالیشان دیناده کورمک ایچون
دعا ایدوب کورمکله کده میزانک هیبت و هیبتندن غشی اولوب عقلی کلد که یارب بونک کفه سنی حسنه ایل
طولک و مغه کیم قادر اوله یلور دیکده یاد اودین بر قوتلن رضای اولد قده بردانه خورما ایل طول و نرم
دیو وحی الهی کلمش * مرویدر که کسیر البکاء کسیر العبادة و ایستام و قهر ایه غایت شفقت اوزره ایدی اکثر
او قاتده تبدیل صورت ایل شمرده کزوب داودک حکومتندن خلق را ضایع میدرد کلر میدرنه در لردیو خفیه
صوروب اتفاق برکون بر ملک مسافر انسان صورتده کورنوب داود کندوبی صورتده داود حالای پرو زنده
اولنلک افضل و اکلی ایدی اگر بر خصای اولسه دیوب بودخی صورتده جهت معاشنه بیت المال دن خرج
ایتدیکدر دیمکین داود علیه السلام جناب حق دن برکسب حلال تعلیم سؤل ایتد که حدیث شریفی
شمع کجی لین و هین ایتمکین بی استعمال آتش و آلت کمال سموات ایل باره قاری اراننده بومسایوب احیاء
برکونده دمور دن بر جوشن دوزوب درو ربیک یا التیسیر بیک الحقه به صاقوب ثلثی کندوبه و عیالنه نفقه
باقین فقر ایه صدقه ایدردی دیناده جبه جوشن دمور دن تحت تخت اولوب مشبک دلدی قفسی جبه ابتدا
بونلک ایجاد ایل و لعین در داودی زره داودی دیر (کان داود عبد البشر) حدیثی مفه و خج عبادت
و طاعنه حدیثیه اولوب جمیع ایاملرین برکون افسار برکون صیام ایل و جله کجه لک نصف منام
نصفن قیام ایل کوروب بعد صد و رال جمیع ایام و لیالین صیام و قیام متوالیدن خالی ایتدردی ابن عباس
قواخیه برکون عبادنه برکون قضا و حکومته برکون کندوبه و عیالنه لازم اولان نیجه مصلحت برکون دخی
خلقه و عظ و نصیحت و هب قولنج برکون حکومت و قضایه برکون احوال عیال و نسایه برکون عبادت
و سیاحت برکون بکاو نیاحت مشغول اولورلردی (نصه سلسله) تفسیر ایلانده ابن عباس دن مرویدر که
صومعه داوده کوکدن بر زنجیر بی نظیر آملش ایدیکه دمور قوتنده و آتش رنگنده اولوب مرصع و مجوهر

و حلقه لری مدقرا ایدی هواده برنسنه حادث اولو او ایلحه حرکت کلوب قبل الوقوع داود علیه السلام خبردار
اولوردی و من یورسلله به اصحاب مرض و الم یایشه صحت و شفا و ارباب حزن و غم یایشه فزع و صفا اولوردی
داود علیه السلام نصکره ایکی دعوا جی حین مازعه ده اکامرافه اولدنده صادق و محق اولان یایشوب
کاذب و منافق اولان چالشوب ایریشه بیک محال ایدی * مرویدر زمانده نصکره برکنه برکنه به بر جوه
امانت و ربوب بعده استدکده انکار ایدوب سلسله خوف دن چوهری بر جوف عصا ایچنه قویوب سلسله به
وارد قلنده صاحب حق یایشوب بعده صاحب باطل عصای طوت بندنی یایشه بم دیوب عصای الله
ویرد کده یارب اگر امانت صاحبنه واصل اولدی ایسه زنجیره بقی ایرشدر دیکده زنجیر ایشوب یایشوب
سلسله عدالت محق و مطلق منک ایتدی دیو و ام انام نجیب و شاک ایتد کده اصحاب شفا و حیله شامتی ایل
او کجه سلسله غائب و آسمانه ذاهب اولدی * تار یخ میرخوانده سلسله نلک یوزالویتی و کولک یوزنده
کجه کشفانده متصل اولوب اشاعی صومعه داود ال ایریشه جک قدریقین ایدی دینوب بعض معتبرانده قصه
حیله چوهر داود علیه السلام زمانده اولوب سلسله کوکد کجکده یاد اودشدر نصکره خلق اراننده شاهد
و عین ایل حکم ایل دیو وحی کادی دینوب * نه میرخوانده مذکور در که (و آیتناه الحکمة و فصل الخطاب)
ایتنده فصل خطابدن مراد حضرت علی قولنجه شاهد و معیندر به ضلر قصه توبه نصکره ظهور ایدوب
داود علیه السلام سلسله بی قدم شریف طاعنه لردن برنده برکیدوب انکله حکم ایدوب کوکد کجکده
شاهد و معینه اله وحی الهی کادی دیمش (نشدید ملان) معتبرانده مرویدر که (و شدنا ملکه) آیتندن
مراد بودر که حشمت داود علیه السلام بر مرتبه به وارمشدیکه هر کجه صومعه من او قوزا و ج بیک یا او قوز
بیک یا قرق بیک یا همان درت بیک کسنه بکلیوب هیبت کللی جلیلی خلقه شویله مستولی ایلشدیکه
تنه لنده بری بر لیل شرح و عقله تحالف نسنه سو باشک خوف کللی ایدردی بر روایتده بی یوایدیکه
بر فقیرا کاردن برینی مجلس شرعه کتوروب بوکسنه بنم صغری غصبا الیدی دیوب اردخی انکار ایدوب
مدعی شاهد دن عاجز اولغین داود علیه السلام مز و اروب کیدل بن یوقصده تامل ایدم دیوب او کجه
مدعی علیه قتل ایل دیو اوج کره واقعه کورمکین ایرتسی کتوروب قتل امر ایتد کده مدعی علیه جزع
و فزع ایدوب داود علیه السلام واقعه سنده مأمور اولد یغن بلدر دیکده یانی الله بن آنک صغری غصبا ایتد
لکن سابقا بدرقی قتل ایتشدم اشبه قصاصه حکمت حق او انجیق دیوب قتل اولد قده تلوب نامه حضرت
داود دن هیبت و دهشت و خشیت دوشوب ظاهرا و باطنا برکنه مخالفت ایتد اولدی * عرابس ثعلبیده
مرویدر که داود علیه السلام مجلس قضایه او قودقه صاغ طرفده انبیادن بیک نورصول طرفده علما
و احبار دن بیک نفر او قورلردی (حوبه و توبه) تفسیرده مذکور در که مشاهیر غزاة بنی اسرائیل دن
اورانام کسنه نلک بر حسنات خاتونی اولوب حضرت داودک طقسان طقوز خاتونی و اوچپوز اوده اق جاره سی
و ارایکین انی دخی نکاح خلق ایچون یوشاقی دیکد که اوریا داود خاطر ایچون حسن رضایله یوشایوب بونلر
نکاح لند قده یا خود اوریا نلک نامزدی اولان قزی بونلر نکاح لند قده برکون یوم عبادتده صومعه ایچنده
جبر آیل و میکایل انسان صورتنده کوزنوب قبوقباشکن کلکین داود قورقوب قورقه بزده و اچیلرز
یاد اود بوقرنداشنک طقسان طقوز دیشی قیوی اولوب بنم بردانه جک ایکن آتی دخی بکاور دیو ایتدوب
خطاب و جوابده یا خود خطابه و نکاحده بکاغده ایتدی دیوب داود علیه السلام دخی یولداشک سکا
ظلم ایتش دیوب مدعی علیه سو یلتمدن اظهار مر حتمه تفصیل ایتد کده * لکار بری بر لینه باقوب کولوب
بوکشی کند و علمیه حکم ایتدی دیوب غائب اولد قلنده اول نبی صقی عارف کندوبه تر ایش ایدوکنه جازم
و واقع اولد قده (حسانت الابرار سیئات المقرین) مفه و نیجه ترک اولی ایتدیم دیو خوف و لایله کال رفت
و وجهه کلوب بعده به واروب قرق کون قرق کجه تمایزه تجدد و ضو و دن غیر نسبتیه اسلام باشن
قالد رمیوب فریاد و فغانه نالان و کریان اولوب اشک کور ترشکارند ن سیزه لرتوب بده توبه سی قبول اولوب
(یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق) دیو وحی الهی وصول بولدی بوقصه غرابت
حضه و هب قولنج بخش یا شده به ضلر ولنده الی سکنزنده واقع اولوب علی کل حال آخر عمر ینه دلک ایام

ولیا اید صیام و قیام کرد و از این خالی اولیوب (من تواضع لله رفعة الله) خواست که هرگاه فقرا
و مساکین را جلاوس ایدوب انزله مأنوس اولوردی جامع الصغیر سیوطیه (کان امته یعودون داود یظنون
الناس ان به من ضاوما به الاشدۃ الخوف من الله تعالی) دیوب رحمت شریف مرید (تنبیه) معلوم اوله که
تفاسیر مذکور در کلام داود علیه السلام اوریا نیک خاوندی کوروب عاشق اولمغین اوریا نیک شهید اولسون بده
خاتون آلهیم دیوبیانی چنگه کوروب و اقامه شهادت اولدقه خاتون الدی دید کاری بی شک و اتمرا کذب و افتراء
حضرت علی هر کیم قصه داودی قصه خواند قولی که نقل ایدر سه حدیث یقینله یوزالتش عصا اورم دیشدر
(عیمان پسر) بعضی معتبرانده مریدر که داود علیه السلام قرق کون اغلا یوب سجده طوردقه تدبیر
امور جهوره خلیل کلدی دیوان طغوزیا و اینکی یا اون اوج نفر او غولار بیک سوکی شلوم که طاووت قیزدن
طوغ غندی اغوا سه او اشقیایله خروج ایدوب بخته کجوب داود علیه السلام صومعه دن طشره چیقوب
ایستد کده عسکرله شهر دن طشره چیقوب او غلیله جنگی مناسب کور ممکن نصیحت ایچون
وزیر لرینی کوروب و وارد قده نصیحت ایدوب داود علیه السلام دخی مقر سعادتنه کوب شلوم بدری
خوفدن قاجوب داود علیه السلام ثواب آدلو برادر زاده لرینی شامی استمالته کنورمکه کوروب
صغین او غلومه ضرر کورمه یوخسه سکافصا ص ایدرم دیوب اودخی در عقب یتشوب داودک وصیتی
او بودوب غفلتله شلومی قتل ایدوب کاد کده داود علیه السلام یحضور اولوب لکن مزبور ثواب عسکر اسلامه
مردار شجاعت شعار اولفله ندم امور سلطنته لازم اولمغین قتلنی تا اخیر ایدوب بعد زمان مرض مونلرند
انک قصاصنی حضرت سلیمان وصیت ایتمکین بدر لرینی دفن ایتد کده وصیتی اجرا حکم الهی امضا ایدی
عزیز علیه داود علیه السلام اغلامغه مشغول اولوب امور سلطنته اولکی کبی مقید اولمغین عسکر
بنی اسرائیل یولک او غلو ایشانی باشالونی بخته کجوروب داود علیه السلام برادر زاده سی ثواب ایل طاعلره
کیروب شالون بدری قتل ایتمک ایتوب داود علیه السلام نصیحت ایچون ثوابی کوردر کده قتلدن فراغت
ایدوب ایکی ییله دلشالون پادشاهانی سوروب داوده وحی کلمز اولوب بعده یوبه سی قبول اولدی وحی کاور
اولدقه عسکر داوده توجه ایتمکین شالونله جنگ ایدوب شالون صینوب قاجوب اردنجه آدم کوردر یلوب
شالونک اوزون ماحی اولوب براغا جملشوب اصلش طوردقه کلان کسینه یتشوب قتل ایدی دینوب
بعضی تواریخنده قصه شالون غیری وجهله حکایت اولمشدر و الله اعلم (قصه نیاحت) مریدر کده داود
علیه السلام یوم نیاحتده عابدوزاهد درت بیک نفر راهب مجاهد جمع اولوب ابتغاه رضای رب العالمین ایل
بکاو این ایدوب کاه غشی کاه غشیه یقین اولور لردی کاهی نیاحت ایچون سیاحت ایتد کده کذرا یتد کاری
نبات و شجر و تراب و مدرو و حجر و دراب و بحر و برکاو ناله ده قالا و حال داوده موافقت ایدر لردی نیچه معتبرانده
مریدر که کاهی کاه اغلامق و خاقه دخی و عظم نصیحت ایلک دلد کده برهفته اکل و شرب و جاعا یتشوب
فلان کون داود فرجه به چتاردی و شهرده و قریه ده ندا ایتد یروب بعده حیراده کرسی قوروب اوستنه چقدی
او غلو سلیمان قضا شده ایاغ اوزره طوروب انس و جن و وحوش و طیور جمع اولوب حجر او دریا طولدی داود
علیه السلام بعد از جد و ثنای پروردگار و ذکر احوال قیامت و جنت و نار کندی نفسی چون بکاو نغان بجد
و پایان ایتد کده شدت تأثیر نفس مقدمی سبیلله انس و جن و حیوانده نیچه بیک ذی روح جان و یروب
بوخالده سلیمان علیه السلام باباچم بنی اسرائیل قیرلدی یتدیوب اودخی دعا به باشلیوب کندردخی
دوشوب غشی اولوب سر بری ایل کوروب شهره لایعقل کتور لردی بعده مجلس داوده هر کیم آدمیسی
واریسه یوقلاسون دیوندا اولوب هر کشتی واروب مجلسده نیچه یوز کاه نیچه بیک میت یولور لردی ایتسی
داودک عقلی باشنه کوب عابد لر نیچه اولدیلر و سلیمان صوروب اودخی فلان و فلان وفات ایتدیلر دیکده داود
علیه السلام صومعه سنه کیروب قیومن قیایوب فریاده اغلا یوب ای داود لرینی سن داوده غضب او میسن که
شک خوف کدن یا سکاشوقدن سائر لر کی جان ویرمدی دیومنا جانلر ایدوب بعده سلیمان علیه السلام
اجازتله صومعه به کیروب باباچم اغلامغه و عبادته قوت اولمغینون اکل ایل دیوار به اغمکنی کتوروب
بر مقدار یوب بعده مصالح مسالمتی کورمکه طشره چقاردی به خضر دیدیلر که برچالنده فرق بیک کسینه

جمع اولمشکن اوتوز بیک وفات ایدوب اون بیک شهره کلدیلر مریدر که داود علیه السلام به سن زمانده
شدت خوف و بکادن غشی اولدقه اعضایی بری برندن آریسون دیوب برکسینه ایاقلری اوستنه برکسینه
کوکسی اوستنه اوتورردی (قصه طاعون) تاریخ قدسده مذکوردر که انقیاء بنی اسرائیل عصبانی
مشتد طغیانی ایتد اولدقه ایکی ییل قحطی یا ایکی عدو تسلطی یا اوج کونه دل طاعونی اختیار ایتد و
دیوبی کوب داود علیه السلام خبر و یروب جله خلقینه داوده طاعون طاعون اهورن شرور و زنا چار آتی
اختیار ایلک دید کده مر دوزن کفن برندن ایدوب وقت بحرده قرب خضره عالی کهرده تضرع رب معبود ایل
صعوده واروب حین زوالده داود علیه السلام حرمته یوبه لر قبول اولوب باشلرین سجده دن فالدر دقلرند
یوز یتش بیک کسینه طاعوندن وفات ایتمش یوا یروب بعضی اهل اسلام الاری حربه لوملا کده کرام کوردر
(اذا کثر الطاعون کثر الطاعون بن الجهور مثل مجرب و شهم و درر) (اصحاب سبت) تواریخ و تفاسیرده
مذکوردر که مصرله مدینه متوره اراسته ساحل بحر قزنده عقبه ایل شهر بیک یامرین باطریه شهر بیک
خلق که یتش بیک کسینه اولوب بنی اسرائیلدن ایدیلر یوم سبتده بحکمه الخالق دریا یوزی بالقی ایل طولوب
سائر کوردرده اصلا کلیوب سبتده ایل شهر عمو سی اوزره عبادتدن غیری عمل حرام اولمغین صید کسینه
جرات یتشوب عاقبت بر قاج انقیاء بعض حیلله ایل صیده مباشرت ایدوب حقدن عذاب کلد کده شهر خلقی ایکی
فرقه اولوب بر فسی حرمت سبت دفع اولدی دیو قید صیده اولوب قسم آخر یوزله نصیحت و نهی منکر ایدوب
اصلا کار کرا اولدقه شهر اورتنه سنه ایکی قبولور دیوار چکوب بر طر فنده انقیاء و مهتدین بر طر فنده اشقیاء
و معتدین اولوب بری بر لرینه فار شیموب یاد لر ی بار شیموب یوفرت و شقای و عزات و افتراق اوزره ایکی ییل
کجوب قشام لثام مه صیته مصر و مستحل و مجاهر او غله کافر اولمغین داود علیه السلام یوزله لغت
ایتدی بر کجه غضب رب عزتله جله اعضا و صور ندری میون هینتنه یا خود تازه لری میون بری خیزر
سورتنه مبدل و محول اولوب فرقه مؤمنین یوزله قبولرین اجلاس کوروب عدم حرکت لرینه سبب نه اولدی
دیور دباله دیواره چقوب نسخ اولمشدر کوردر کارنده قبولی آچوب مقهور و مغبور و نامبارک و نامیونلر
اولان میونلر مؤمنیندن اقربا و اخبارین کوروب یلوب اغلا شوب ایکاشوب مؤمنلر کلام و خطا لرینه
باشلرله جواب و یروب اوج کوردر نکره جله سی وفات ایدوب مؤمنلر سلامت و نجات یولدر بر مسلمانلردن
کفر به نصیحتله کمال تقید ایدیلر اون ایکی بیک کسینه ایدی دیشدر عرابس تعلیمده کافر اولوب مسخ اولدیلر
اون ایکی بیک کسینه اولوب شهر دن چقوب حیراده حیران و سرگردان کزوب اوج کوردر نکره جله سی
وفات ایدوب حق تعالی یل ایل یغور کوردر یوب جیفه لرین دریاه بر اقدی دینوب * معالمتنر دلد
مریدر که صید یتشوب لکن صیاد لری دخی نمی و منع یتشوب سکوت ایدیلر دخی ییل مسخ اولدیلر *
تفاسیرده مجاهد صیاد لرلر ایدیلر مسخ اولوب اشقی قلب لری مسخ اولدی دیش دینوب یوزله ضمه اصلا
اشارت اولمشدر (لکن فلما عتوا عن مانع و اعنه قل الله هم کونوا فرده خاشعین) آیتده قرده کلمه سنی معنای
حقه قیدنه حل قابل ایکن بی ضرورت حل علی الجوار نکلف ایدوکی ظاهر و نه سبب ایدوکی باهر در (نور و عینا
تاریخ قدسده مذکوردر که سابقا طاعون واقع اولوب رفیع اولدقه شکر الله داود علیه السلام بنی اسرائیلله
خضره مبارکه میدانده خیمه حضرت موسی مکانده مسجد اقصی دیکله صغی بر مسجد اعلا یاسنه شروع
مطبوع ایدوب بالذات داود علیه السلام و جله علما و اخبار با شوق و اختصار ارقه لرله نقل اخبار ایدوب
اللیله تا ایتمکمه مداومت و اعتنا ایدر لردی یوزلرین آدم یوزی قدر قالدقه یومر املا انامی او غلو سلیمان
مقدر و میسر اولمشدر دیوبی الهی اولمغین بنه ایچون احضار ایتدی یوز بیک بدره التونله اون کره یوز بیک
بدره الحقی و مسجورک ایچنی نطیبه و تحلیه ایچون تعبیه ایتدی ایکی اوچ یوز بیک سبکی حضرت سلیمان تسلیم
ایدوب تکمیل بنا خصوصن وصیت ایتدی (قصه وفات) کزلا سرارده حضرت رسولدن مروی بر حدیث
مضمونی بودر که داود غیور کسینه اولوب بر پره کتدیکه اولری قیومن کلدیلوب کیدردی اتفاق بر کون
عادتجه کیدوب کوب اوقیوسن آچوب کیروب حرم محترمنده بر اجنبی کسینه کوروب سن کیم
دیو صوروب سلاطین روی زمیندن خائف اولم و کیم ملک استبدکی یردن برزته آتی مانع و صارف اولم

کسب نمیدید که داود علیه السلام و الله سنه لان الموت سن الخوق دیوب او حالده روح بر فتوحی مقبوض و درگاه
 قرب الی جل عن الاشباه هر فوع و معروض اولدی * فواج مسکبه ده جنازه رجت اندازد لینی قرق
 یلک نفر راهب طاعت راغب کو توردی دیوب * تاریخ میر خوانده تشییع جنازه زنده رجالدن غیری
 قرق یلک عورت یله ایدی * و همدن هر ویدر که وفاتلری کوفی هواده حرارت شدت اوزره اولغین حضرت
 سلیمان مسلمانلر شکایت ایتد کارنده امر شریقلری الیه جله قوشلر قنادلرین کشاد ایدوب سایان اولوب
 اسکن کمال کثرت و کثافتدن یل اسکه مانع اولد قده تکرار شکایت اولغین قوشلر کولیکه طرفن آجوق
 قویوب هبوب ریح الیه خلق مستر یح اولدیلر دیوب مذکور در مدت عمر حضرت داود علیه السلام یوز ییل
 یاوز یکر می ییل با همان یتش ییل اولوب مدت سلطنتی یتش یا خود قرق ییل ایدی

(باب رابع و عشرون در احوال سلیمان نبی علیه السلام)

ابن داود نبی علیه السلام والده لری یوقار و ده ذکر اوانسان اوریانک سابقا خاتونی یا خود نامزدی ایدی
 ولادت یاسه ادنلری قدس شریفه قریب غزه شهر نده واقع او اشدی نبوت و سلطنتدن مقدم و مؤخر واقع
 اولان احوال لری و انس و جن و طیور و وحوشه معاملات و حکایتلری و اطراف دنیایی و بره کولک اراسی
 کزوب کوردکاری عجایب و غرایبی کایدنی شرح و تفصیل امر مستحیل اولوب مجموع تواریخده اولانک کمال
 اجمال یودر که ترتیب مطبوع اوزره حال ذکر نه شروع اولندی (فضل الله) تاریخ میر خوانده
 مذکور در که صورتی خوب سیرتی مرغوب اولوب سفید تن جسم بدن خوب بروی بسیار موی ایدی دخی طفل
 ایکن غایتده عاقل و کامل اولغین پدر لری امور معظمه یی یونلرله مشاوره ایدردی ذک و فطنتده فهم
 و فراستده اجتهاده اصابتده حد غایتده اولغین زمان طفولیتده امور غریبه لری صدور ایتدیکه اول
 بچردن بر خطره و شمسدن بر ذره یودر که ایکی خاتونک بر او غلاجه لری اولوب صحراده بر یستی قورد قاپوب
 فلان او غلاجه یی هر بر یستی یو یودر دیوب حضرت داود علیه السلامه مرافعه اولوب شاهد لری اولماغین
 ذوالیدر دیوب او غلاجه یی النده طووب کتورن خاتونه حکم ایدوب کتد کارنده سلیمان علیه السلام انلری
 کوروب بچاق کتوروب بن یواو غلاقی اوزره سندن بچوب هر بر یکزه نصفی ویرم دیوب النده او غلان
 طوتان خاتون رضا و بر یستی فریاد ایدوب بن حصه یی یو کاباغش لدم او غلاجه یی ضرر کتون دیکین
 سلیمان علیه السلام مرحت ایدن خاتونه حکم ایدوب او غلا و اوسه قانی قینا یوب شفقت ایتدی دیوب داود
 علیه السلام یو حصه یی ایتدیوب او غلنک فرست و ذکاه موفورنه متعجب و سرور اولدی بری دخی
 تفاهتده (وداود و سلیمان اذ یحکمان فی الحرت اذ نهشت فی غم القوم و کما حکمه هم شاهدین فقه مناه سلیمان
 و کلا آتینا حکما و علما) آیتده مذکور اولان یودر که بر کجه بر کسکه نک قیونلری بر تار لایه کیروب اکین تلف
 ایتدیکین ایکی خصم حضرت داود مرافعه اولوب قیونلری تار لایه صاحبنه حکم ایدوب سلیمان علیه السلام
 اون بر یاشنده اولوب یو حکمی ایتدیکه یودر که یودر که حکم دخی واردر که ایکی خصمک هر بر یسته ایتدیکه اودر
 دیوب داود علیه السلام ایتدیکه صوروب حضرت سلیمان دیکه اونانوب بعد ابرام بنم رأی واجتهدم
 یودر که قیونلری اکین صاحبنه ویرنه منننا که قوزیلریندن و مودلریندن و پیایغیلریندن متفق اولوب تار لای
 دخی قیون صاحبنه ویرنه منننا که اکین اکوب اولکی حالده وارد قده هر بری کند و ده اولانی اولکی صاحبنه
 تسلیم ایده دید که داود علیه السلام یو کلام سکه ت انسانی با تمام بکنوب یو وجهله حکم ایدی * معتبرانده
 مذکور در که حضرت سلیمان علیه السلام سلطان عالیشان ایکن زهد و تقوی و عبادت اوزره اولوب کسب
 حلال الیه معیشت ایچون سازدن زینیل اوروب صانوب یه امیله قناعت ایدردی آق عیال کیوب کبکی
 انعامش آربه انکین ییوب مسجدده واکل طعامده فقر الیه جلوس ایدوب مسکن مع المساکین دیوب کمال
 تواضع مانوس او اشدی قضا و حکمتده و حکومتده پیر زدن زیاده اولوب کثرت عبادتده پیری یوندن
 زیاده ایدی * تاریخ میر خوانده هر کون طلوع شمسن وقت زواله دل مجلس حکومتده او توروب بعده
 اوانه کاوب بعض وقتلرین زینیل اورمکه صرف ایدوب امر معاش تدارکند صکره اوقات مخصوصده
 عبادت مفروضه یی ادا ایدوب کجه نک اکثر فی تلاوت و تبحرله بکوردی غدا سن یا لکزیوب البته

فقرادن بر کسکه ایل یله او توروب آربه انکین بر لردی (قصه افسان) تفسیر واحدیده ابوهریردن مریدر که
 حضرت داود جتساب جقدن اون سوال تعلیم اولنوب جواب لری بر نامه هر قوم و مختوم الیه نازل اولوب
 او غلک سلیمان سوال الیه بروجه صواب جواب ویرسه بریکه خلیفه اولیجی اودر دیوب و حی اولند قده علما
 کبار و فضلاء احبب اردن یوز قرق نفر جمع ایدوب انلر حضورنده سلیمان صورد قده یی توقف و تکلف دیدیکه
 ۱ اقرب اشیا آخرتدر ۲ بعد اشیا امور دنیان کشتی به ایشیوب قوت اولان سنه در ۳ احسن اشیا جسد
 بار و حدر ۴ اوحش اشیا جسدی روحدر ۵ اقبح اشیا کفر بعد الایماندر ۶ قائمان ارض و سمادر ۷ مختلفان
 لیل الیه نهاردر ۸ متباغضان موت و حیانتدر که بری برلرین سومنلر ۹ شول شیکه کنی اکارنکاب ایتدیکه
 آخری مدوح و محمود اوله غضبدر که آخرنده حلم اوله ۱۰ شول شیکه اکارنکاب ایتدیکه آخری مذموم
 و مردود اوله حدتدر دیوب جوابی ختم ایتدیکه نامه دن رفع ختم اولنوب یازیلان جوابلر کلام سلیمان
 مطابق جقد قده احبار بی انصاف بزده بر سوال ایده لم یلورسه خلافتنه اعتراف ایدرز دیوب شول شیکه
 آنک صلاحی مائر اجز اسنک صلاحنه فسادی دخی فسادنه سبب اوله دید کارنده سلیمان علیه السلام
 اول شیکه قلبدر که صلاحی مائر اعضاءک صلاحنه فسادی دخی مائرینک فسادنه سببدر دیکه جله یی
 تصدیق و امر خلافتی تحقیق انکین داود علیه السلام عصای ملوک تسلیم ایدوب ایرتنی وفات ایتدیلر
 * عربس تعلیمده مذکور در که احبار رضا ویرد کارنده بنی اسر آیل سلیمان او غلاجه یی زده آندن احق
 کسکه لواردر دید کارنده داود علیه السلام رؤسای اسباطی کتوروب هر کیمک عصای ییراقلند و ربه
 خلافت انکدر دیوب جله یی برر عصا کتوروب هر کشتی کندی اسمی اوستنه یازوب عصای سلیمان جله من
 بر او طه به قیوب کلید لیوب قیوبه وافر بکیمار قیوب ایرتنی اتصافه قیوبی آجده لرنده عصای سلیمان
 ییراقلنوب تازه میوه یی دخی یتش یولنوب سائر عصار اولکی کبی طور مین جله بنی اسر آیل حقه
 راضی اولدیلر (عظمت سلطنت) اون سکر یا اون بر اوون ایکی برادر لری اولوب جله سندن کوچک ایکن اون
 اوچ یا اون ایکی یاشنده یا یکر می الیه او توار سنده ایکن بدولرینه علم و سلطنت و نبوت و رسالتده فضل حق الیه
 خلیفه و قائم مقام مطلق اولدی * کتب معتبره ده مذکور در که حق تعالی سلیمان انش و جن و وحش و طبری
 و باد صریح السیری و یونلرین غیری تسخیر و ضبط و ربطک تسخیر و تسلیم جمیع مخلوقات نفهم و تقدیر ایدوب
 بر مهر مهر لمان احسان ایتدیکه قزل یا قوتدن کونش کبی تابان و درخشان اولغین روی بداشت
 خورتنه بر فردناظر اولغه قادر اولوب هیبت خاتم الیه عامه مخلوقات مطیع فرمان اولوب مخالفان ترسان
 و هراسان ایدیلر خاتم من دورک نقش فرح بخشی بر روایتده (لا اله الا الله وحده لا شریک له محمد عبده و رسوله)
 ایدی * بر روایتده دوت گوشه سنده بررقاشی اولوب هر برینک خطی بشقه سوزلر ایدی * عربس تعلیمک
 بر محامده من یور خاتمی جبر آیل علیه السلام جتدن کتوردی دیوب تفصیل اولنوب بر محامده دخی خلافت
 تعیین اولند قده کسب لال ایچون دریا کارینه واروب بر بالقی به مین اولوب و دخی اجرت ایچون ایکی
 باقی ویروب برینک قارتدن خاتم مبارک چیقوب فی الحال یل و قوتلر مسخر اولوب پیری دخی اکتمیوب
 وفات ایتدیکه سلطنته یکدی دیوب مذکور در * فقه سیرده تخریر اولند که دیوانخانه عظمت آشیانه لرنک
 طول و عرضی یوزر فرسخ اولوب رهنده انسان رهنده طو آف بن و شبستان رهنده طایور بران رهنده
 انواع حیوانات طوروب بر فرم رهنده صافی اتون و حریرله جنلر طوقوش چارکوشه و یکپاره بر عالی قالی
 دوشه نوب اور تاسنده ناظر اولنلر تخریر اوله بق انواع صنایع بدایع و جواهر زواهرله بنا اولنوب نوبانه
 چقلور بر تخت شرف بخت قیوب اوزرنده سلیمان علیه السلام عز و احتشام الیه جالس و ذکر حق و تلاوت
 زوره و زبورله موانس اولوب اطرافنده زرو سیدن تیوریلر کربن اولوب التوندن اولنلر انبیاء عظام
 کوه شدن اولنلر علماء کرام او توروب آنلر اطرافنده سائر نام شرع و هراس الیه خاموش و مدحوش
 دائم قائم اولوب آنلر اردنده زمره یی و دیوان ایاغ اوزره طوروب یو جله نک اوستنه طوایف مرغان
 مانند سایان قنادلرین کشاد ایدوب طور لردی حق تعالی سلیمان جماع خصوصنده یوزادم و قوت ویرمکین
 اول ساحه فلک مساحه نک بر طرفنده تخته اوستنده جنلر و دیور مننن و بالایسک صرحه میرا یوب ایچنده

او چو روز منکوحه لری ویدیوزاده لقی جاریه لری و ارایدی ذکر اولان ترتیب عجیب و غریبه دیوانخانه بی
 امر خانی العباد الیه باد اکثر زمانده وقت حصرده شهر دمشقدن عجمده اصطخر شهرینه کو نوروب صباح
 طعمان یکن ایچون آنده قرار ایدوب بده هندستانده کابل شهرینه واروب اخشام آنده آرام ایدر لردی
 هر ایک شهر لک آرامی بر آفاق پول ایدی * هر ویدر که دیوانخانه بی غایت قوتلر اولان و بی عاصف بردن
 قالدیروب آمدن ملایم اولان و بی رخا کو نوروردی * بعض کتبه سکر در لویل قات قات اولوب کو نوروردی
 دینلر * هر ویدر که حق تعالی سلیمان کلمات جمیع حیواناتی اذعان و افهام ایتدیروب اوج میل قدر بردن
 انواع مخلوقات کلامی باد حرکت معتمد بالتام اسماع و اعلام ایدردی * تاریخ میر خوانده مطبخلرنده
 هر کون بدی و زعره یوکی اون ایله انک بشوب سائر طعام اکا کوره ایدی دینوب * وایح مسکیده هر کون
 یورر یکن قیون او نورر یکن صفر بوغازلنوب بشوب اون ایکیشر یکن طبایح و خبازلری و التیوز یکن
 باسان و نکه بانلری و ارایدی دینوب * تفاسیرده مذکور در که مطبخلر یچون هر کون بکرمی یکن قیون بش
 یکن صغریش یکن دوه بوغازلنوب یکپاره حفرة عظیمة لردن دیولر اویش یولق قرغزلر اولوب آلدن غیری
 ایچدن یکن نقر آدم یکن یه جل نیچه قطعه قصعه و ارایدی بن پادشاهی باقیس خانقنک الجیلری کلدکده
 سلیمان علیه السلام دیوانخانه لرنک طولایدی اطاقوز فرسخ برته جنله سیم وزدن کر بحاری بایدیروب
 نوبله برینه دوشدوب و اطراف میدان دیوانه سیم وزدن کر بحله بر دیوار چکدروب ایچنی خوب صورت
 حیوانات عجیبه و اولاد جندن الوف اطاعت مألوف الیه برصفوف ایتندی (تسخیر جن)
 بعض معتبرانده مذکور در که حق تعالی سلیمان تسخیر جن و شیاطین ایتنک دلدکده جبریل امین
 (ایته الجن و الشیاطین اچیبوانی الله سلیمان باذن الله تعالی) دیوندا ایتکین جرار و سفار اتدن و او دیه
 و جبال و قلاتدن و اطراف کائناتدن باهیت و شکوه لیلک لیلک دیولر کوه کوه کلوب ملائکه کرام مانند
 رعاة اغنام سعی و شوق الیه ری و سوق ایدوب طوایف جن و دیوان واصل دیوان اولد قرنده صور حیواناتده
 اشکال مختلفه و طبایع غیر مؤتلفه اوزره جلوه می بکرمی درت یادرتیوز * کرمی فرقه و طائفه اولمقین
 سلیمان علیه السلام نولرنک مزاج و مشربلین و مأکل و مشربلین استفسار و استخبار ایدوب بعده کینی
 قطع اجبار و انجبار کینی غوص بحاره کینی اخراج جواهر و معدنه کینی بناء قلاع و معدنه زمین و خدمنلین
 نبین ایتدی * هر ویدر که سلیمان علیه السلام اثقیای عفاریتک کینی تأدیب ایچون کینی خلقه ضرر
 ایتاسکیچون قیود و سلاسله بند و بری برلینه ییوندا ایدردی * تاریخ قدسده مهرشیر لری دموره تاثیر
 ایتکین مسافه بمیده دن دعوت ایند کاری جنله باقره و غیر بنله دموره باصلمش نشان کوندر دکده
 شهنشعه و امسانده اولان کمال هیتدن محالته قادر اولمقوب فی الحال وصول بولوب خدمته منول
 ایدردی * کشفاده امر حمله برملان جنه مؤکل اولوب سلیمان مخالف ایدنی کورمدیکی بردن اتندن فاحجیه
 ادروب احراق ایدردی دینوب * کز الامر ارده سلیمان علیه السلام جن و شیاطینک انواع شر و فسادن
 کوردکده حق تعالی دن تضرع ایتدی که آنلر هر قبیله سنه برملان مؤکل ایدوب بر یوزنده فساددن منع
 ایچون محکم ضبط ایدله لرد دعا رسول مقبول اولوب الی یوم القیامة طائفه جنک هر قبیله سنه برملان مملکت
 اراشدردی و مذکور در (صیانت مخلوقات) تاریخ میر خوانده و غیرده مذکور در که سلیمان
 علیه السلام شکر الله جمیع محله قاتی ضیافت ایتکه حقدن اجار نه لب دریا ده بریا بان بی با آنده دیولره
 ایک یکن بدیوز عظیم قرغن بایدردیکه هر برینک اغزنلک عرشی یکن ذراع ایدی اون کره یوزینک یوکدن
 ریاده حبوبات جمع ایدیروب بی حد طعام بشر دوب اول حصاره اجناس مخلوقاتدن بی حد قوس جمع
 اولوب طعاملر حاضر اولدقده دریادن بر عظیم بالی جیتوب سلیمان بنم بو کونکی رزقم سنک مطبخکدن
 زمین اولدی امر الیه ویردیروب اودخی مطبخه وارفات قدر ویرسونلر دیوب واردقده جله احضار
 اولمان طعامی ییوب کوب سلیمان فارم طوعدی دخی طعام ویردیوب سلیمان حیران اولدقده سلیمان
 بو کونکی رزق ثنائی شدن واصل اولدی ثنائی دخی استرم دیدکده سلیمان علیه السلام سنک بر لحظه ده
 بر رزق ثنائی سینه رمانده نرو انواع رحله ضیافت مخلوقات جمع ایتندم دیوب بالی دخی سلیمان سنک

رجال مسبیله امر رحمان ایلده کامه جان اولدم بنی آج کوند رمل روا و محتاج و دندرمه کم مزاد کادر چونده
بر جانور طو نورمغه قادر دکن نیچون بس ضیافت جمیع مخلوقاتی هوس ایندک دیوب کند کده یارب
ایوند اعظم برنده براندکی دیوب ایلمه آن دریا ده نیجه یلک بالقی وارد که هر برسی کونده خش یلک یونک
کبی بالقی یکمه معنادرد دیو و حی الوی کلکین حضرت سلیمان رجا ضیافته پشیمان اولوب جناب حقه تضرع
و طلب غفران ابتد (بنا قدس و غیره) تار شیخ قدسده و غیره مذکور در که ساطع تلمیذین درد نیچو یلده
سابقه و لری باشد یعنی بنا قدس تکمیلنه وحی کلد کده بنی امر آیلک اور ایکی سطلی ساکن اولغه صافی
مر مردن اون ایکی ناحیه لویا اون ایکی حصار لور برشم فرید الله و باید یروب بعد اتمام طرر لطیف و سطوع ایل
ناه مسجد شریفه شروع ایدوب جن و غفاریندک کبی کاندن کبی عاندن علی التوالتی ثنی غالی و عالی
انواع جواهر و آلاتی مثل لایطاش یوب کبی دخی معادن رخامدن رنگارنگی حد و عود و اجار عظام کسوب
مسجد ده صف اولوب کف بر کف ارسال و ایصال ایدوب کبی بنایه بالذات مباشرت کبی دخی بناره
مهارت ایدر لری سلیمان علیه السلام مسجدک عرش و فرش و درو دیواری و ایچنده کی واری سیم و در
و انواع جواهر ایلد مرصع و مضع ایدوب رملک باغ ارم و صحر عقیل ام عالم ایدنی اثنا بناده قرب
مسجد ده امر حقه ایکی نجر یلده اولوب هر برنده ایکی شمر یوز رطل سیم و زر قدرت رب اکبر ایلد یروب
مسجدک درون و بیرون رکب ازون برکب کومش ایلد و شدوب قبله اولار حجره عزت بهره کریمه از نغای
اون ایکی ذراع ایکن اوزرینه اون سکر میل برقه عالیه عظیمه ایدوب قید او سنه التوندن بر مثال غزال
وضع اولوب ایکی کوزی ارانه بر دریم یارب اوقات اجر عظیم قوندیکه لایله طماده ایکی فوناق برده شهر
باقاده بعضی آنک ضیافته ایلمک اکیروب طلوع و غروب شمدن قبه تک ظلی بر و متل بره واصل
اولور دی اشوا بنیه عظام جلهدی یلده تمام اولدی بر روایتده همان قرق کونده تمام اولوب شکر راته
در تیز یلک قیون یکریمی بش یلک صفرا یکی یلک دوه قربان ایدنی بعده اون اوج یلده دلد قدسده کند و لره
دارالسلطنه و قدسده قریب حضرت ابراهیم مر ازنده بر شهر عظیمه ایدر دی ایله قدسک ذکر اولان زینت لری
بخت نصر قدسده کافه طوروب اول اعرابی دین کلد کده جلده سن و کوب کند و ولایته کونوردی
تفا برده (بعملون له مباشرت من محارب و غنای و جفان کابل و اب و قدور و اسیات) آیتده جنر سلیمان
ایله رفیع و تصور منیع و نیجه جوامع و صوامع یا یوب ایلمزنده باقر و نوح و صرجه و مر مردن ملائکه
و انبیا و صلوات و نرن حقه عبادت لری هیئت اوزرده و زوب نظر ایدن لری عبادت نش و بق ایچون جابجانه
و تعلیق ایدوب اوشر یعتده صورت باقی منوع دکل ایدنی دیار یعتده دخی صروح مرواح ملتون ییون
هنده خنده ملتوم همدا اولد فلاح بهر ارفاع بنایه مثل در دیوب تاریخ میر خوانده سلیمان ایچون
جنر دیار یعتده و بهض شاعده نیجه قلاع یا یوب اوزر لنده سیم و زر و نوح و صرجه دن ملائکه و انبیا و صلوات
و شهر و حاکم و خوشلر و جانور و نرن با طش لری دیومد کورد (صفتنه) تفاسیرده (و لقد فتا
سلیمان و اتبعنا علی کریمه جسد انم ناب) آیتده حضرت رسول علیه السلام دن مرویدر که بر کون سلیمان
بو کعبه بخش خفته جاج ایدیم هر برندن بر و لده کاونکه فارس مجاهدی سبیل الله اوله دیوب انشاء الله
دیما کین بو قدر خانوندن همان برسی حامل اولوب اندن دخی بحکمة الله بدتک نصنی بوق بر او غلان
طوعی الله ختیچون اگر انشاء الله دیدی او غلاری اولوب غازیلر اولور دی یلده تفاسیرده مذکور در که
بر روایتده سبب قته بودر که سلیمانک جلوسندن یکریمی یل سکره بر او علوط و عوب پدیری برینه خاینه
اولوب بره مسلط اولسون دیو عفریند اخی قتل ایلمک دلد کده حضرت سلیمان خلیفه درمان و لایوب
عاقبت بوتلمر او سنده بسلدوب ماکه بحکمة الله ثنی ارحمته و اولعجفی میت بولدنده انبیا طامعه لبق
اولان نو کده مقصر او شیم دیو تائب و مستغفر اولدی اسکندر تاسیرده و نوار یخرد اگر چه ابن عباس دن
مرویدر سلیمان علیه السلام جزیره صیدونه سفر ایدوب پادشاهی قتل ایوب قزی حسنا از افین روح
ایتد کده ازل دختر کمال محبت پدر مسبیله آنک شکر سلیمان امر یل جنرله تصور ایدر یوب خلوتده آن
مسجد و عبادت ایدوب قرق کوند نصره سلیمان خبردار اولد قد غفلت حال اهل دار ایچون جناب حقه

اعتذار و توبه و استغفار ایدوب بر کون غسل ایچون خاتون چقاروب خدمت ایدن چاره شرف ساریه به
 و برد کده خجرتی با حکمت رب غنی شکل سلیانده متشکل و متمثل کلوب خاتمی آلوب تخته کجوب سلیان
 علیه السلام مقصدن چقد قدده چاره یونلری بلیوب سلیان دکسن دیورد و طرد ایدوب حکما و عقلا خجرت
 هر حکمتی شرعه مخالف کوروب لکن واقع حاله اصلا و اقب اولیوب عاقبت خجرت حقیقت خاتمه تحمل
 ایدوب مبوب قرق کون نصکره دویایه اقب قاجوب حضرت سلیان حیران و سرگردان اولوب معاشیون
 صید هک ایدرکن فضل رب فلک و فلک ایلا خاتمی بر بالی قرند و بولوب نه تخته کجوب خجری طوبوب زنجیر
 سار دیروب هر مردن تابوت محکم شد و سدا ایدوب دریایه اندردی حاله دریایه و حال ایله حیایه در لکن
 ایشور وایت متمثل و جوه ضعف و رکاکت اولوب تسکیر کبر و کشف عظم زرد و قبولدن منع و صد
 ارفند در (قصه بقیه) تفاهت و مصلامت کور و در که سلیان علیه السلام اتمام بناه قدس نصکره
 دیواختنه سله مکبه واروب چ ایدوب ایدن پنه کیدوب ولایت صنعاده بزضا خوش هواده قرار اختیار
 ایدوب اکثر اسفاره قنقی رنلن الله صرو و ایدوب کئی قوت باصره سنده اولان خاصیتله مرغ هدهد کوروب
 خبر ویرد کده دیور قازوب چقاروب غین بود قدده دخی وضو ایچون صولازم اولوب دهده دی اراده قرند
 بولوبوب بعد زمان کده بمن پادشاهی اولوب نسب و شوکتی و عرش عبرت تشنگ زینت و کیفیتی
 و حضرت سلیان کون و دیوبی هده سگ صفتی جلد نایده باب مولک قحطانده مصلایان اولنه حق
 بقیه خاتونک احوال اعلام اید کده سلیان علیه السلام اتی ایمانه دعوت ایچون نامه یازدیر که صورتی
 بود در (من عبدالله سلیان بن داود اتی بقیه ملک سبأ بسم الله الرحمن الرحیم السلام علی من اتبع الهدی
 اما بعد فلا تملوا علی و اتونی مسلمین) نامه کافوری جامه بنج برینه مسکن ایله مهر لوب هدهد ایدوب کون دروب
 مکتوب رسول وصول بولده قدده صحت نبوت سلیانی امتحان ایچون بهض طریقله عظیم ارمغان کوندر کده
 هدهد فی الحال کلوب خبر ویر سکن دیوان عظمت آشیانی مقدمه ذکر اولدنی اوزره انواع زینتله آراسته
 و پیراسته ایتمکین ایلملر کلوب کور و کارنده حیران اولوب ارمغانلرین براغوب همان نامه لرین ویروب حضرت
 سلیان علیه السلام اعلام جبر آیلله هدایایی کور و دیوب حقه ده اولان در پیتی اغاج قورنده دل دروب
 اگری دلیکو اولان بوغیوئی میوه قورنده ایلملر کور و دیوب غلبانی جواریدن یوزلری صوالیه یومه لرین
 کیفیتی ایله تمیز ایدوب بهده جمیع هدایایی رد ایدوب ایمانه کلز کلز عسکر کتیر ایله واروب سزی حقیر
 و اسیر ایدرم دیوب ایلملر واروب بقیه خبر ویر کارنده نبوت حضرت سلیان شمس تاباندن عیان و ایمین
 بقیه شوکت انیس نیجه یوزیلک عسکر ایلمدن چیهوب قدسه ابن عباس قواجه کوفه ایله حیره شهر لرین
 ارام سنده بر فرسخ برقه لد قدده سلیان علیه السلام عبرت ایچون عرش بقیه سینی عیندن بکا کیم کور و دیوب
 بر عفریت وقت ظهوره دل کتوره یم دیوب دخی تیز استرم دید کده قول اسح اوزره صدیقیندن اولان
 وزیر لر آصف بن برخیا اسم اعظم که (یا حی یا قیوم) یا خود (یا اهلنا و اهل کل شی الاله و احدا لا اله الا انت)
 یا خود (یا ذا الجلال و الاکرام) یا خود (یا الله یا رحمن) در اوقود قدده طرفه العینده ایکی آیت یولدن برالتندن
 ملک کور و دیوب یردن طشره چقد قدده حضرت سلیان معجزه ظهوره جعفر اوان ایتدی بقیه ملک و والده سی
 چندن اقلعین ساقلری بر روی ایدوب کئی جنلر خبر ویرد کده سلیان علیه السلام کور میکچون چنلر صرجه
 یاوب میدانه دوشوب الله صوالوب باقلر دیور یلوب بقیه بولشقه کلورکن صرجه بی صوم اوب
 کشف ساق ایدوب سلیان کور و دیوب جنلر ازله شهر ایچون رجا سلیانله نوره ایله جام یدایله دیلر بقیه سلیان
 بولشوب ایمانه کلوب حسنا و املین ابن عباس قولشقه نکاح حلوب عسکر ایلمنه کوندر و دیوب بولشوب ایچون عینده
 جنلره سحین عیدان آدلو ایکی شهر سائر قولشقه بیتون سلجین عیدان آدلو اوج شهر یایدوب هر ایدوب برکه
 قدسندن نه واروب بقیه یاشده اوج کون او نوروب نه قدسه کور و دیوب بقیه سندن داود آدلو براغلو اولوب
 سلیان علیه السلام حیایه وفات ایتدی کشفه قول ثانی اوزره بقیه سینی کدو و نکاح حلوب بلیکه
 عینده همدان پادشاهی ذوق به نکاح ایدوب عینه اتی پادشاه ایدوب عین جنلرینک پادشاهی زوجه بی آنک
 خدمت نه تعین ایتمکین جنلره بش پاره شهر یایدوب سلیان وفاتنه دل عینده سلطنت سوردی * تاریخ

قدسه نکاح بقیه سلیانک تخته جلوسنل یگری یشتی یا اون دودنی یلمنده واقع اولدی بقیه سلیان
 یاشده بی یل ویدی آی طوروب بعده وفات اید کده سلیان آتی ولایت شامده تدمر شهرینک حصاری
 دیدنه دخی ایدوب طولی الشمس عرضی قرق ذراع زعفران کبی اطفاف صاری هر مر تابوت قوندی
 دیومد کوردر (قصه بقیه) عرابس اعلیمده کعبدن مر ویدر که سلیان علیه السلام دیواختنه سلیان
 بر کون هواده کرکن نسر دید کبری کر کس قوشی کلوب یانی الله ملک و سلطان سندن زیاده برکته کوردم
 دیوب سلیان دخی بی آدم تمیدر دید کده بی یرایله کولک اراسنده اولان دیواختنه سندن سندن اخضر دن
 یاش قیولور بر چادر ایچنده جناب حقه مجده ایدر برکته کوردم که چادری یل کور و دیوب اطرافنی ماسکر
 قوشا شمر سلیان علیه السلام بونی ایشیدوب حیران اولوب کوردم که دعایه کده حق تعالی اول دریا
 موکل ملکه امر ایتدیکه آنده اولان عجایب مخلوقات سلیان علیه عرض ایله نابلسونکه اکا مسخر اوانلر
 مخلوقات غایت آیدر بعد امر حقه یاد دیواختنه بی هوا به قالدروب ملائکه هوای سلیان علیه السلام
 رب علامدن دهشت و خوف تمام ایله رکوع و سجود و قیامده کور و دیوب مجده ده (سجده) سجده سلیانک من قدوس
 ما اعظم شانک و اعز سلطانک) دیر لایدی سلیان بونلره سلام ویروب بونلر دخی سلامن آلوب یاد اود اوغلو
 دنیا سلطنتله قناعت ایتمکدی دیوب بود دخی بی ایدم لکن دریا کارنده اولان عبد صالحی کوردم دلیلم
 دیوب ملاک دخی یا سلیان هیات اوصالح منی بن حنوناد که آتی الله تعالی کندی ذکر یه دنیا ده مشغول
 ایتدیر دیوب سلیان علیه السلام ملائکه هوانک تسبیح لری و دیواختنه قناعت قناعتی صدارتک هیئتندن
 قور و دیوب یوقارویه کتک امیدندن و از کچدم عجایب قدر تک باقته طاقتم قالمدی دید کده بر ملک یاد اود
 اوغلو صبر ایله دخی نلر کوره سن دیوب بعده هواده الوان غریبه ایله و اوزون کوندر لکی طر قناعتله او بر
 عظیم ارسلانلر کور و دیوب رعد آوازی کبی صدالزندن حضرت سلیان علیه السلام و دیواختنه سنده یله
 اوانلر غشی اولوب بر ملک کلوب کوکبی صفا یوب یانی الله حق تعالی سکا مخلوقات ارضی مسخر ایتمکین
 بوقدر سندن لردن نه قور قارسن صبر ایله ما مور اولد یغمی سکا عرض ایدیم دیوب عقلی جمع ایتد کده یله
 اوللری لایه قور کوردم کین بونلری دیواختنه ایله یله بر یوزینه ایدر دیواختنه امر ایدوب کندیسی یا کز
 تختله قلوب بعده جل اول دریا نک عجایب مخلوقات سیر ایدوب نیجه لرینک بعض اعضا لری جواهر دن
 اولوب صوت اعلا ایله تسبیح مولایدر لر دی آنلر سو یلشوب بهده هو اوقوشلرین اشکال بقیه ایله کور و دیوب
 یورطه سن کبی یورتنده طوبوب کبی بر قنادی اوزره قور و دیوب بر قنادی باصوب سلیان علیه السلام
 بونلر دخی سو یلشوب و الحاصل انواع مخلوقات سیر ندر نصکره لب دریایه ماسکر کس دیدیکی چادره
 وارد قدده کور و دیوب نور و ضیاسندن کوزلر قاشوب اطراف قدده یا قوت و زمر ددن اغا جلا اولوب بود اقلری قبه به
 صارقوب چادرل ایچنده بر نور زاهر بر قندیل باهر یاوب چادر ایچنده منی بن حنونانام بر مرد فرد عالی
 مقام خوف حقدن قلبنده خفتان ایله مجده ده اولوب (جل جلاله و عظم عقول فاستلک اللهم ان تجمع بینی
 و بین سلیان کاجعت بینی و بین آیاته من قبل بحق احد المصطفی نبیک صلی الله علیه و سلم) دیود دعایدر سلیان
 علیه السلام بونی ایشیدوب مسرور اولوب سلام ویروب کندوبی یلدر و دیوب منی ایله قوشوب طرفیندن
 عرض شو قد نصکره منی یانی الله انت طاعیه یغمیری اولان برادرلک جرجیسی کوردم ایسترن سندن دیوب
 بود دخی ایدم دید کده * امدی بنم قبه ملک صاغ طرفنده بر قبه ده در دیوب سلیان علیه السلام نه چاره ایدوب که
 بن یل اوستنده یم دیوب بعده امر حق ایله امر ایدوب ایتد کده بر آق قبه ایچنده نمازده آباغ اوزره طور
 کوردی هر یوز جرجیس حضرت به قوب علیه السلام نلندن اولوب یوسف علیه السلام نصکره صر
 خلقته بی هر سل اولوب آنلر ایمان تکلیف و عذاب حقدن تخوف ایدوب آنلر عبادلری از یاد بول قدده
 بد دعا ایتمکین زلزله ایله سی هلاک اولوب حق تعالی جرجیسی عل صالح سیمیه هوا به رفع ایدوب سلیان
 علیه السلامی کور و میخجه وفات ایتماکه دعا ایتمدی حالا کور کده بنی نکذب ایدن قومه اوغرا دکی
 دیوب اوغرا دم عذاب ایچنده کوردم یارب بزی دنیا به کوندر جرجیه ایمان کتوره لم دیو تضرع
 ایدر دید کده ملک الموت کلوب یا جرجیس اشته دعا کی الله تعالی قبول ایتدی دیوب روحی قهر ایتدی

حضرت سلیمان علیه السلام متی میتی غل و تکه بن وایده دقن ایدوب بعده سلیمان علیه السلام بر یوزینه ایدوبی (وفات سلیمان علیه السلام) تفاسیر ده مذکور در که سلیمان علیه السلام مسجد قدسده اکثر زمانه بر کون بر کجه و دخی زیاده عبادتده ایاغ اوزره طور ردی اتفاق با امر حق عزوجل اجل با عمل پروجل یقلاشد قدسده هر صحر محراب شریفه بنده بعض نیاتات بیتوب بن فلان مر ضه دوام دیوسو یلردی بر کون عربجه اسمی شروب اولان یکی یوزی عیشنه انجاسی بیتوب اشجو مسجدك خراب اولسچون بتدم دید کده سلیمان علیه السلام عزرا یله اجلی حالن صوروب عرکدن همان بر ساعت قالدی دید کده یارب بنم وفاتم زمانن چنلره بلدرمه تا که انرا احوال غیبی بلدکاری بنی آدمک معلوملری اولسون دیودعا ایدوب فی الحال چنلره کندینک او متنه صرجه دن قابوسرزدلکسر بر او طه بایدروب ایچنده عصارینه طیانوب وفات ایدوب صاغیکن یانندن کن چن و دیوشار ایدوبی حال دخی انکچون یانندن کچه زردی بر یلدنصکره بر طریقه برجن و غرا یوب آواز اشتیوب بحکمة الله عصارا یله میتلری برده دوشد کده قیه بی مسلمانلر یوزوب ایچنه کیروب عصای اغاج قوردی او یوب عکسبیلده دوشد کلری مقرر اولغین قورده عصای بر کون یدروب او حسابجه وفاتلرندن تخمینا بر ییل کجدیکی معلوم اولد قدسده طوایف جن و دیو کندیلره بولر رنگ وریو اولد یقنه متغیر و متغیر اولوب طاغادیلر (نظم) جهان ای پسر ملک جاوید نیست * زدنیا وفاداری امید نیست * نه بر باد رفتی - صحرگاه وشام سر بر سلیمان علیه السلام * با خرنشیدی که بر باد رفت * خنک آنکه بادانش و داد رفت * بعض کتیده مذکور در که بوقصه نک شکرانه سیچون چنلر اغاج قوردنه دأ ثما صوطا شورلر * تفسیر قاضیده وفاتلری بر مقدار زمان جنه معلوم اولماقی دیلدکاری بناء قدس اوزمانده ناقام اولوب آنک تکمیلی ایچون ایدوبی دیوب لکن نه تفسیر قاضیده قصه بلقیسده سلیمان علیه السلام بناء قدس تمامد نصکره هجه اندن یقنه کندی دیومذ کور اولان قول متفق علیه مخالف او اش اولور مکره شهر قدسده بناء سابقه نصکره بر غیری بنابه دخی شروع اولمشدی اوله والله اعلم (نظم) پیش صاحب نظران ملک سلیمان بادست * بانکه آست سلیمان که زمک آزاد است (امور متفرقه که حضرت سلیمان متعلقه در) مر ویدر که قول مشهور اوزره قدس شریفده بر روایتده قدسده قریب بحیره طریقه نگارنده مدفون اولمشدر دمذت عمر شریفی بجه الی اوج یا آتش مدت سلطنتی قرقیل ایدی * تفسیر واحدیده مدت ملک سلیمان ایدی یوزیل والی آی ایدی دیو بر روایت غریبه واردر حضرت سلیمانک برینه رجیم بارجم آدلوا غلری خلیفه اولوب آنک احوالی جلد نایده ملوک بنی اسرآئیل بایده بیان اولور * معتبرات متفرقه ده مذکور در که صابونی و در کمنی سلیمان علیه السلام زمانده جنلرحام و نوره بی بلقیس ایچون آنرا ابداع و اختراع ایتشلردر ابتدا (بسم الله الرحمن الرحیم) یازان و مساکینه تشبه ایچون عبا کین و انبیادن ابتدا اکابانات سوباین سلیمان علیه السلام در * تمامه سیر متفرقه ده مذکور در که امر حقه سلیمان ولایت یتنده قوج معدنی اوج کون یا خود هر آید او چر کون آب روان کبی بر یوزینه جریان ایدوب الی هذا الان خلقک ایتلدکاری قوجلر سلیمان اعطا اولاندند برینه سلیمان یتنده باقر معدنی دخی اوج کون یا هر آید او چر کون ایرمن کبی آتشدی تفسیر یابیده (و اتبعوا ما تلو الشیاطین علی ملک سلیمان وما کفر سلیمان ولكن الشیاطین کفروا و یعلمون الناس السحر) آیتنده یازیلان اقوالک بری بودر که سلیمان علیه السلام حق تعالی کندوبه بلدریکی علوم کثیره یی یازوب تختی آتشد کومدروب وفات نصکره اول علملر عالمدن کیمون دیوه صدایتشدی مر و زمانه بعض منافق اول کابلر اراسنه آنره نوعا مناسب کورینن سحر دن بعض نمنه لروح ایدوب سلیمان علیه السلام اشجو سحر را یله انس و جنی تحضیر ایتشدی دیوحاشا افترا و سفهاء نامی اضلال و اغوا ایدر لدی دیومذ کوردر

(باب خامس و عشرين در احوال یونس نبی علیه السلام)

ابن متی تشدید حرف تا یله در بعضی متی والده می اسحیدر انبیادن والده می اسحیده مذکور در مشهور همان یونس ایه عیسی ابن مرید دیوب بعضه لرونسی داود دن مقدم یازوب بنی اسرآئیلدن اولوب سربانی ایدی دیچملر لکن نیجه معتبرانده متی باباسی اسحیدر بنی اسرآئیلدن بنیامین بن یعقوب علیه السلام نسلندن

اولوب ابتداء نبوی وفات سلیمان بن ایکیوز اوزر ییل مقداری صکره ایدی دیومذ کوردر عه امر اوغلا فحجیکن وفات ایدوب دعا حضرت الیاس ایه حیاته کادیکی باب الیاس علیه السلامه کجمشدر نظر اولنه صحیح ایسه داود دن مقدم او اش اولور (قصه ولادت) کعبله و هیدن مر ویدر که متی اهل بیت نبوتدن بر صالح و مفلح کسینه ایدی وفات ایتد کده خاتونی درت آیلق حامل اولوب مال و منال دن همان بر چنانغی و ارایدیکه آل هاروندن منتقل اولوب طعام و شرابی فضل رب ایلر روز و شب آنک ایچندن حاصل و واصل اولوردی یونس علیه السلام طوغد قدس والده ماجده می انبیاولاد تنده واقع اولان ارهامات و کرامات جفشدن علامات کوروب بیدی باشنه وارده ده والده می اجازت یله عبالر کیروب عباد حق زمره سته ملحق اولوب بکری بش باشنده بر مقتضای الهام در عالم منام قدسده قریب رله شهر نه واروب اولیادن زکریا بن عبدان نام تاجرک قیزی نکاح حنوب ایکی اوغلو اولد قدس اول ولی علی القدر وفات ایتد کین مال و منال و اهل و عیال ایه قدسده کلدیلر (قصه رحلت) تفاسیر و غیره مذکور در که قرقیل باشنه وارده ده موصل شهری ایه ماینلرین نمر دجله فصل ایدن نبوی شهر یلک خلیقی که یوزا و یوزیک یوز قرقیل یوز ییش یلک حدیث شریف اوزره یوز یلک کسینه ایدیلر عبده او نان اوغین آنره تکلیف ایمان ایچون جناب حق دن نبوتله مرسل اولوب عیال الله ارتحال ایدوب وارده ده بر روایتده براوغنی قورده قابوب بری دجله یه غرق اولوب خاتونی دخی باوی قیلوب شهره یالکز واروب شاه و مپاهی راه الهه دعوت ایتد کده اول امت ضلالت همت مقرر اولوب کفره مصر اولوب نیجه جفا و تندی به تصدی ایتدیلر یونس علیه السلام اوج کونه دل بر روایتده قرق کونه دلک ایمانه کلز سکر سکر عذاب حق کلک محققه در دیو اخبار و اذار ایدوب بی اذن خدا شهر دن جدا اولدی * تار یخ میرخ خوانده و غیره مؤرخیندن مر ویدر که حضرت سلیمان علیه السلام وفاتلر نصکره ماطت آنرک اولادنه مقرر اولوب بعد زمان ایچلرند مزاج و اختلاف ظهور ایتد کده ملوک اطراف مملکت سلیمان طمع ایدوب جلد دن موصل جوارنده شهر نبوی پادشاهی کلوب بنی اسرآئیل جتکده غلبه و کثرتی اسیر ایدوب ولایتنه کتومشدی بعد زمان شیعیان غمیره علیه السلام یا غیر بسنه وحی اولدیکه بنی اسرآئیل پادشاهنه سوبله ککه اهل جرات و صلابت بر یغمیری نبوی پادشاهنی دینه دعوت واسیرلری اطلاقه نصیحت ایچون کوندرسون اودخی مشاوره ایدوب زمانده اولان بش یادخی زیاده انبیاء بنی اسرآئیلدن یونس اختیار ایتد کارنده یونس علیه السلام الله تعالی بنی اسمعه تعیین ایتدی دیوب یوق دید کارنده بندن دخی جری وقوی انبیاء واردر آنرک بر بنی کوندلر دیوب حکم ابرام اولد قدسده مع الکراهه کیدوب نینوایه وارده ده شهر خلقتنه دعوتی تأثیرا یتوب جفا لره شهر دن چقاریلوب بعده یونس علیه السلام شهره کیروب تکرار دعوتنه مشغول اولوب کفار ضلالت اهل علی ایتد کارنده ایمانه کلز سکر اوج کونه دل بر روایتده قرق کونه دل مزه عذاب کور دیوب کندی اهل و عیال یله شهر دن چقوب یقین برده بر طاغده قرار ایدی (قصه عذاب) تفاسیر متفرقه ده مذکور در که ایرتسی یا اوزر بشنی کون پاره پاره قاره قاره بولتلر هوایی قابلیوب با امر اله ایچلرندن سیاه تتونلر چقوب آبشاعه اینوب شهری قابلیوب اول حال حیرتعالده بجه خلق یونس ارا یوب بولما مقین ده تارنده اولان دیون و حقوقی همما امکن حقا شوب یا حلالا شوب حتی بعضلری دیواری یتقوب طاشنی صاحبنه و یروب سیاه و امیر صغیر و کبیر و غنی و فقیر چوللر کیروب جمیع انسان و حیوان شهر دن طشره ده جمیع اولوب اوغلا فحج لری و طوار لرک یا ویرلرین والده لرندن آیروب بر فرقه ایدوب مردان و زنان جان و دلدن توبه و ایمانه نمره زنان جناب رجانه تضرع فر اوانله زار و زاریان اولوب بر یکاده اطفال و صبیان و اولاد زمره حیوان والده لرین ارا یوب فریاد و فغان ایدر لدی توبه و استغفار لری مع الاخلاص اولغین اول علامات و امارات بالکلیه رفع و دفع اولوب نزول عذاب و حلول عقابدن خلاص اولدیلر * بر روایتده شهر دن منفصل بقیه علمادن بر شیخ کامل حضور نه واروب استرشاد و استمداد ایتد کارنده آنک تعلیم یله (یا حی حق لا حی و یا حی محیی الموتی و یا حی لا اله الا انت) دعاسنه فضیل بن عیاض قولنج (اللهم ان ذنوبنا عظمت و جلت وانت اعظم منها و اجل اهل بناما انت اهل ولا تفعل بشامنا نحن اهل) دعاسنه مشغول اولدیلر ایچون خلاص اولدیلر ظهور علامات

و حصول نجات) عاشر ماه محرمه کشته ایدی دیل قرآن عظیمه یورلدر که قهرم یونسدن غیری
 بر قومه ایمانلری مقبول اولوب عذابدن خلاص میسر اولماشدر. تاریخ میرخوانده مذکور در که قبل نزول
 العذاب امر حقه چیرا آیل علیه السلام جهنمدن بر آریه قدر هجوم الوب کتوروب اول هجوم بر هجوم شهرک
 اطرافن یور یوب ظلمات با صدقه جله خلق غم وندم ایل یونس ارا یوب بولد قلزنده شهر دن طنز بر پشته ده
 اولوب اطفال انسان و بهایچی والده لرندن آبروب (مصرع) غریبونه و فریاد و افغان بهای طولدروب
 بو حاله فرق کون نالان و کریان اولد قلزنده شفاعت ملائکه سوات ایل عذابدن نجات بولدیلر (فقه حوت)
 معتبرات متفرقه ده مذکور در که یونس علیه السلام عذابله و عود اولان یوم مذکور خفته عن الامم خفته
 تجسس احوال قوم ایدوب واقع حالی سوال ایتدین مجر دهلک اولد قلزنده یلان چقدیم دیو غمناک اولوب *
 بر روایتده اوزمانده یلان سویله فی قتل عادت اوافین خوف و حساب و وهم واضطراره فی امر خدا
 شهر دن جدا اولوب بر روایتده عذاب کادی دیو یوقلغه واروب بولده بر کس نه دن خبر آوب لکن شهره
 واروسم جائز که خلق بنی تکذیب ایدله دیو غضبه دیوب * ابن عباس قولنجه بحر روم کارنده
 بر یوکاوکی به بند کده چالقا یوب یوریم یوب کمجیلر ایچمزده قاجقین قول وار ایچ دیوب اوچ کره قرعه
 آوب هر برنده یونس علیه السلام اچنه حقه غن عبد آق بنم دیوب کندین دریا به آوب انده حاضر و امر
 حقه یوقغه آغزن اچوب منتظر بر یول بالی یونس یوب دیوب به ابن عباس قولنجه اوبالقی بر بالی دخی
 یوب دیوب مفسرین قولنجه یونس یودان بالی کی یانجه یله کیدوب حضرت یونس علیه السلام تنفس
 ایتکیچون دریا دن طشره آغزی اچوب کی خلق قریه چقد قلزنده بالی دخی یونس قارتندن چقاردی
 * نیجه معتبرانده حضرت ابن مسعوددن هر ویدر که بالی یوندقه ییخی قات یرک نه ایته واروب یونس
 علیه السلام فی عذاب اولان حصارک تسبیح ایشیدوب اندله یله تسبیح و تقدیس ایتس اولوب ظلمات
 منرا کاتده (لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین) دیو تسبیح و تضرع رب العالمین ایدردی بودعا
 شریفه به ضل امم اعظم در یوب تفاسیرده (ما من مکروب یذعوا بهذا الدعاء الا استجیب له) دیو بر حدیث
 شریف مذکور در بالی قارتنده جله اون اوچ یاقرق کون یا همان درت ساعت یا وقت نجاتن اخنامه دل
 یادی کون یا کیری کون طوره شدر * ابن عباسدن هر ویدر که یونس الله تعالی به انجنوب دندی دین
 نبی اللهه اقرا ایدر زیرا آنک منشأ غضبی تصور تکذیب قوم ایدی (فلقن ان ان نقدر علیه) آیتک
 معنای یزدن اکا عقوبت و بلا اولیه صاندی دیکدر (روایت اخری) تاریخ میرخوانده اولانک
 اجمالی بودر که یونس علیه السلام کال اضطرارندن اهل اولادیه اب دریا به کوب بر طولوکی کوروب
 متعلقانلرندن بر قاجنی کجیلر ابراهله کی ایچنه قویوب کندومی ایکی اوغلیله برکی به دخی منتظر طوروب
 بر خطه دنصکره فارشوده بر کیدر کی کوروب اکا واردقه براوغلینک ایانی سورچوب دریا به غرق اولدی
 بعده بر قوردر کوب اوبراوغلی قایوب کیدوب یونس علیه السلام بالی کز قالدی بر طولی کی به یوب
 کی یوریم یوب ایچنده اولنلر حیران اولدیلر یونس علیه السلام ایچکوزده قاجقین قول واردانی دریا به آیتکیجه
 کی یوریم یوب کیدر دیکلر نه ایشته بنم دیوب سزیمبره مزحاشا که سزری انا یوزدید کلزنده یونس علیه
 السلام ابراسیله اوچ کره قرعه آتوب هر برنده امم شریفلری چقوب خلق نه امتناع ایدوب بو حالده امر
 الهی ایل بر عظیم ماهی کی فی احاطه ایدوب اغزین اچوب کینک هر قنفی طرفته که خلق قاجوب وارسلر
 اغزنی او طرفه دوندن مکن ناچار اولوب یونس دریا به آیدیلر بر روایتده کندی کندوسی آندی بالی قارتنده
 بصیرت لرندن حق تعالی حجابلری رفع ایتکین عجایب و غرایب دریایی مشاهده ایدوب تسبیح حقه
 متصل مشغول اولغین ملائکه کرام بولنلر تسبیح صداسن ایشیدوب و حضرت رب العزت نه ضراعتله
 شفاعت ایدله کارنده جله فرق کوندنصکره امر حقه اول بالی مقدم کی به بند کیری بر واروب قارتندن
 ککاره چقاردی (فقه نجات) معتبرانده هر ویدر که موصل قریه لر شک بر نه یقین دریا کارینه
 چیقارلنده شدت حرارت بطن حوتدن طفل مولود کی بدنی بحر ا حتی لویه و سارشر ایتدن معرا اولوب
 ضعیف و نحافتدن سرکته قدرتی اولما غن اوسته سیکل اوشسون دیو لطف حق ایل تازه قیاق یوب

کعب قولنجه درت ییل بودانی اولوب هر برینه بر قوشچیز قوتوب تسبیح ایدر لردی بعضلر قولنجه اوچ
 بودانی اولوب بری شرفه بری غریبه اوز آوب بری دخی یونسک اوسته سیایان اولوب مسک و غیر
 و کافور تار ایدردی * هر ویدر که خبر آیل علیه السلام کوب بدین صیفا قدده کشف بصیرت و نبات لویه و غیر
 میسر اولوب فرمان رب لایزال ایل بر غزال کوب قومنک ایمانه کله کارین بلد یوب لیل و نهار امر یوب
 فرق کوندنصکره وقت صیاحده او یخودن اویاندقه قیاق اغاجن قوریش کورمکین آجیوب براغاجن
 قورومنه آجیرین یانچون یوز بیکدن زیاده کس نه نک هلا کارین مراد ایدوب آجیاد لک دیو و ایل یوب
 بعده بر ملک ایکی حله کتوروب اقل کی قومنه تکرار وارقه امر اولد یقین خبر ویردی * تسبیح کوراینده
 یونس امرنر غزاله حق تعالی خدمتی عوثنی شکو بکنده مسک ییتوروب دینا ده ایتد مسک اوزمانده
 ظهور ایتدی دیو مر ویدر (واقعات بعد النجات) اکثر معتبرانده اولان تفصیلک اجمالی بودر که یونس
 علیه السلام قومنه کیدر کن سابقا غایب اولان خاتون و تلف اولان ایکی اوغلن تفصیلک محتاج طریقه
 بر رور بولده یوب بعده بر غلام رای به متاشوب یونس بولدم دیو قومکه خبر ویردی و اودخی نمت کذب
 احتمالیله قتلدن قورقارم صدقه علامت دینم دیوب یونس علیه السلام اشیو بیه و شجر و اغنام سکا شهادت
 ایتس و دیوب کندسی عبادت ایچون بر وادیه کیدوب رای کرامت رای صداقت رای بشارت رای
 شهره واروب پادشاه خبر ویروب مر عایه آدمک کتوروب جبر و شجر و غنم بولک صدقه قدرتی خاق ایل ناطق
 اولد قلزنده پادشاه ایشیدوب سلطنت رای به ویروب بعده غلام سعادت انجام فرق ییل تمام ملطمتده قیام
 ایتدی * القصه تجسس یونس ایچون جله شهر خلق چیتوب غنم رای یونس علیه السلام قلان برده غماز
 قیلاردی و یولده کده واروب یونس یوب تضرع فراوانه کوشندن عرب به بند یوب بعده ایوب سیانجه
 شهره کیروب اهل و عیالیه آنده فرق کون او توروب خلقه تلم و تبیین احکام دین مبین ایدوب بر روایتده
 اهل اولادی شهرده وفات ایدوب علی کل حال سیاحت جنتاب «قدین استیذان ایدوب اجازت اولدقه
 عزل و عزلت اختیار ایدن پادشاه مرافقت و موافقت اوزره سیاحت ایدوب عبادت رب العزت ایدرلر
 وفات ایتدیلر * تاریخ قدسده یونس علیه السلام بعد النجات شهره کیدوب اهل و عیالیه ملاقات
 اولدی ناگاه شهر خاق آگاه اولوب شاه و پناه اعزاز و اجلاله استقبال ایدوب شهره کتوردرلر حضور
 شریفده تجدد ایمان و تائید عهد و پیمان و ایمان ایتدیلر یونس علیه السلام نیجه مدت ایچلر نه طوروب
 امر معروف و نهی منکر ایدوب اولان اوزمانک پادشاهی بعده یونسک خاتون اولادی وفات ایتد کارنده یونس
 علیه السلام قدسه کوب جلهون آدلور قریه ده حضرت موسی وفاتنک سکر و زاون بشی یلنده بولدر دخی
 وفات ایتدیلر دیوب * تسبیح کوراینده قری یونس علیه السلام موصل قارشوشنده نینوی شهرنده در
 دیومذ کوردر بعض معتبرانده اوخر عمر نه خلقدن عزت ایتد کده عابدله ایتس و راهب لره جلیس اولوب
 حالت ترنده شاگردی اولان شیعیانیمبری بی اسر آیل کوندردی دیوب لکن اکثر معتبرانده یونس
 نینوی شهرنک خلقی دینه دعوته شیعیانیه السلام پیغمبر کوندردی دیوب مکر که شیعیانیمبره ایکی
 پیغمبر اوله والله اعلم (روایت اخری) تفسیر نیشابوریه ابن عباسدن هر ویدر که یونس علیه السلام شیعیان
 پیغمبر بی اسر آیل نجه لر بی کوب اسیر ایدن نینوی پادشاهی دینه دعوته و اسیر لری تجلیه غیر پیغمبر
 و ایاکن کندوبی ابراهله کوندردیکنه انجنوب بحر رومه کوب کی به یوب قصه حوت و نجات ظاهر
 ایدوب دعوت کفار امر حقه بعده واروب اوچ کون دینه دعوت ایدوب بعده ایمانه کلز مکر عذاب
 کاوزده سن دیو و حی اولغین خبر ویرد کده کفره عناد ایدوب یونس علیه السلام شهر دن چیتوب اوکیجه
 شهر خلقی آتی اریه یوب بولد قلزنده عذاب کلن مقرر اولمه ایچیمزدن چقمزدی دیوب شهری قیایوب
 حیواناتی طشره ده قویوب اوغلا تحقیری و حیوانات یاوریلرین والده لرندن آبروب صیاح اولدقه کوکدن
 اثر عذاب ایوب خاق کورد کده فریاد و فغانله توبه و ایمان کتورمکین عذاب کیدوب بعده یونس اریه یوب
 یوب جله سی ایمان کتوروب جمیع بی اسر آیل اسیرلرین ونه ویروب بولده جله سی ولایتیه کدیلر
 (روایت اخری) عرایس ده لیبیده حضرت علیدن یونس علیه السلام قومنه اوتوز ایشیدوب مرسل اولوب

مسکات الوجیل انری دینہ دعوت ایدوب همان ایکی کسنه ایمانه کادی دیومر ویدر اشبور وایت صحیحہ اسیه
ظاهر مراد اولان قبل نزول العذاب یوقد و مدت دعوت ایدوب الحق ایکی کسنه ایمانه کادی دیکدر یوخسه بعد
نزول العذاب قومسک جله سی ایمانه کادکاری قرآن عظیمه نابت اولشدر یا خود بدور وایت یونس علیه السلام
ایکی درلوقومه مرسل اولدینی روایت کوره اوله تسکیم عن قریب ذکرا اولنور و الله اعلم (مختصرات)
کشفده (وارسلناه الی مائتة الف او یزیدون) آیتنده مذکوردر که اشبور ارسلدن مراد ارسل سایقیدر بهضار
دیدیلر که بعد النجاة تکذکر قومسک یا خود غیری طائفه به مرسل اولدی بهضار دیدیلر که قوم مایق ایمانه کاوب
یونسی شهر مدعوت ایتد کارنده بیسبع انبیاس قومارندن هجرت ورحلت ایتد کارندنه صکره من بعد انزل ایچینده
اقامت ایتدرد یواعتذار وحق تعالی منزله بر پیغمبر کوندرسه کرکدر دیو اخبار ایتدیلر که کتاب هم مات
القرآنده یونس علیه السلام بالقی قارتدن نمر و دیله کارنده بر روایتده دیارینده چقاراشدردیونب اشبور وایت
کشفده بعد النجاة غیری طائفه به مرسل اولدی دینن روایتده وواقفدر بهنجیه معتبرانده یونس علیه السلام
داود علیه السلام کبی خوش الحان اولغین نفس خوب مقدسکین زمره و خوش عیباج اجتماع
ایدردی دینوب کشفده حضرت رسول علیه السلام (لانهضوا فی علی یونس بن متی فانه کان یرفع له کل
یوم مثل عمل اهل الارض) یوروب علمایومرشددر که عمل مذکوردن مراد (لاعبادة مثل التفکر) حدیثی
منه و منجه عمل قلبدر که تفکر فی امر الله و زیار بر کسنه جله دنیا خلقی علی قدر علاری اعضامیله
برکون ایچنده ایتمک قادر اولدیزد یومذ کور اولوب لکن حضرت یونسک عباداتی کمال خضوع و خشوعله
اولوب کثرت ثواب جهنمدن اوزمان خلقتهک اعمالی معادلی اولق ممکن اولغین عمل مذکوردن مراد مجرد
عمل قاب اولوب عمل جوارح دینی یله اولق ظاهر وراچدر تسکیم ارباب السبابة ادنی تأمله و اخذدر
بهض معتبرانده مذکوردر که بعد زمان ولایت پابل یکی بخت نفسر ملعون خروج ایتد کده ابتدا موصله
کاوب قوم یونسک جله من قتل وولایتلرین ضبط ایدوب بهده قدس شریفه بنی اسرائیل اوزرینه کندی
(باب سادس و عشرون در احوال شعبانی علیه السلام)

ابن امیه صایا خود ابن اقصیا با خود ابن راموسا بنی اسرائیل بن اولوب خلقه کند و نصیره که جنگ یغمه مردن
خبر و یروب دآشما و عطا و نصیحت ایدردی (قصه سنجاریب) تاریخ میرخوانده و تفسیر معالم التزییده
ابن اسحاق بن مرویدر که بنی اسرائیل بن هریر پادشاهی شرع حضرت موسی اوزره ارشاد و امداد ایچون
جناب حقدن برر یغمه بر معوث اولوب نسل حضرت سلیمان علیه السلام مدن صدیقه آدلور صالح و عادل
کسینه پادشاه اولدقه انی تأید ایچون شعیا بن راموسا معوث اولوب بنی اسرائیل آنک فسق و عصیان خارج
دآشما یان اولدقه حکمت حقه بابل پادشاهی سنجاریب التیوزیک مردن دایره روانده التیوزیک
بیراق ایله قدحه کلوب صدیقه نک طموغنده بریاره اولغین شعیا علیه السلام حق تعالی سکا اجلان کلدی بریکه
بر خلقه دیکوب اکا وصیت ایله دیوامر ایدی دیوب اودخی امر الاله عمل ایتدوب بعده نصرت و نجات بنی
اسرائیل فصرع عظیمه دعا ایتدکه شعیا علیه السلام حق تعالی ینه سکا یوردیکه دعا کی قبول
ودن غنایر یکن جله سن برکیجه دفعه و نجاته مقتول ایدوب عرکی دخی اون بشیل زیاده ایدوب یاره که دخی
فلان نسنه ایله شفا منسر ایتدمدید که صدیقه فقاوولوب صباح اولدقه سنجاریب ایله یله همان التی ندرن
غیری جمیع عسکر کفار بلا سبب وفات ایتملر بولنوب ینه ابن امیها قل بعضلردن روایتی اوزره صدیقه
سنجاریب جگن ایدوب بش نقر آدمیه بیل بریده طوب اسیر ایدوب برسی بخت نصر مله ون ایدی علی
کل حال صدیقه اشبوالی کسینه بی قید بند ایدوب کونده ایکشردانه ارپه اتمکین و یروب یحرد تحقیق اتمش
کونه دل بوالمه شمری طولشد یروب سنجاریب بکا و جفادن قتل اولی و دیورجا اتمکین صدیقه قتل ایتمک
دید که شعیا علیه السلام حق تعالی بیورر که سنجاریب اولدر میوب رعایتله ولایت کونده رسون تاکه
واروب غضبی مافرره خبر و رسون دید که صدیقه قول رسول قبول ایدوب سنجاریب بش آدمیه
شمر ینه واروب بدی یلند نصیره غم و الم ایله خسته لکدن وفات ایدوب اوغلینک اوغلو بخت نصری برینه
بکورمه وصیت ایدوب اون بدی یا اون بش یلند نصیره صدیقه دخی وفات ایدوب ملطفت بنی اسرائیل

جله در تیر و زالی اویج یله دلند داود پیغمبر اولادی الزده طور و مش ایدی صدیق و فاطمه بنی اسر آیل
ایچنده ملطمت نزاع یله سفک دما و انواع هرج و مرج پیدا ایلغین شیعا علیه السلام دآما نصیحت ایدوب
زمره اشقیاق بولدن ایا ایدورلدی برکون امر حقه جلّه خلقی جمع ایدوب منبر چاقوب کال تفصیله خطبه
و نصیحت ایدوب آخر زمان پیغمبر نه دلّه کله جلد انبیاد خبر و ربوب بنی اسر آیل قتل انبیاء و مخالفت احکام
شریعت موسی ایتد بککزیچون حوقه ایلنک سزه غضبی اولوب سزه شویله ورور که دیو جناب حقدن بنی
اسر آیل کال تفصیله خطبای و عتاب خبر بنی قتل ایتد که اول جماعت ذوی الضلالة شیعیانی قتل
هجوم ایتد کرند فاجوب یوله براغاج یار یلوب شیعیانی کند و یه چاغرمقین واروب ایچنده ککریب آغاج
قیانوب شیطان لعین قضا فی انکین چکوب طشره قوبوب یوقانه کلان کافرله کور و رب نعلیم شیطانله
د سزه ایله اغاجی یوقارودن اشاعه ایکی بیچوب بعض معتبرانده بیچاغله اوروب شهید ایتد یلردیومذ کوردر
(روایت آخری) تاریخ میر خوانده مذکور در که نیجه مؤرخلردیملردی که صدیق ناک ایغنده یاره سندن
ضعفی سبب یله ملوک اطراف سلطنت بنی اسر آیل طمع ایدوب جلّه دن مقدم دیار بکر پادشاهی لکن زهره
یلد زینه طیار کافر اولوب قدمه مستولی اولور هم زهره یوانته اوغلوی قریان ایدیم دیونذر ایدوب بر روایتده
بخت نصر یونک کاتبی ایدی عسکر عظیمه قدسه کلد که امر حقه غایت محکم یل اوب کفره نایاب جلّه هلاک
اولوب لکن بخت نصر له قورتلوب فاجوب سهر نه وارد قدّه مقدم اقلتی نذر ایتد یکی اوغلویو کاکین ییمش
اولوب حال افرستی غنیمت کوروب یونی قتل ایدوب یقینه کدی بعده بخت نصر دخی بر حیلله اوغلانی قتل
ایدوب مستقل پادشاه اولدی بعده موصل ایله اذربایجان پادشاهلری بری برلینک خبری یوغمکن ایکسی
خنی قدسی فتح و ضبطه عسکر بیچوب قدس اطرافنده یولشوب صواشوب عاقبت ایکی عسکر اهل سر
جلّه تلف و بری برلینک شیر شمشیرلرینه علف اولغین بنی اسر آیل اعدادن ناجی و سالم داموال عظیمه
کفار له غانم اولدیله بعده بنی اسر آیل عصیان و طغیان به باشلاوب نیجه انبیاء قتل ایتد کارنده بابل ولایتک
پادشاهی سنجاریب عسکر عظیمه کلوب قدم شهر بن جبر و قهر له الوب انواع غارت و خسارت ایدوب
ولایتنه کند که بنی اسر آیل نه انواع مه صیتدن فراغت ایتمه کین جناب حقدن ارمیا یونلری ارشاد
واسعاده هر سل اولوب اول طائفه ناخاقه اتی شتم و ضرب ایله ایراث سرن و کرب ایدوب قید بندله حبس
ایتد کارنده ولایت بابلدن بخت نصر قدسه کلوب شهری یقوب یا قوب مستحق عذاب و تدمیر اولان زمره
بنی اسر آیلن اکثرین امیر ایدوب ولایتله ایلندی و الله اعلم

(باب سابع وعشرون در احوال ارمیانی علیه السلام)

ابن حلقیاهارون بیغمبر نسلدن ایدی شیعا علیه السلام زمانده اولوب بر واپتده اند نصکره پیغمبر اولمشدر
و هب الیه ابن احصاق ارمیا الیه خضر بر کشته اولوب ارمیا اخی خضر لقبیدر هارون بیغمبر نسلدن ایدی
ایوب لکن موسی علیه السلام الیه خضر قصه سی ارمیا نلهورندن نیجه یوزیل مقدم اولغین خضوصا
هارون نسلدن اولغین فی شد و شطوط بوکلام غایت فاسد و محض غلطدر (قصه نبوت) تاریخ میر خواننده
مذکوردر که شیعا علیه السلام شهید اولدقد نصکره بی امیر آئیله ایچ لرنندن ناسیه بن اموص پادشاه اولوب اتی
ارشاد فاسد ادا یچون ارمیا پیغمبر رسال اولندی بنی اسرائیل فتنه و عصیان میشتد بیغی و طغیان میشتد
اولوب ارمیا علیه السلام نصیحت ایتدی که عناد لری ازیادی اولدقه عقل و ایمان لری ضعیف و خفیف اولان
قوم مستحق العاری جذاب حقدن تسلیم بخت نصر الیه تخویف ایدردی (ظاهر بخت نصر) تاریخ قدسده
مذکوردر که ارمیا علیه السلام بنی اسرائیل پادشاهی صدقیا زمانده ایدی او عصر لاهلی تعصوبیه
و احداث معاصی ایدوب ارمیا آنلری زجر و ارشاد ایتدی که اشتیاقک عناد لری اشتداد و امتداد اولوب حتی
عض نفوس خیانت مأنوس ارمیا بنی و پیچیده و محبوس ایدوب بودخی نیجه زماندنیر فائزه مسلط اولان
بخت نصر بیلد سزه تکرار کسه کر کدر دیو تخویف و تهدید ایدردی هر مرید که ارمیا علیه السلام سابقا
بخت نصر آد لور کل باشلوق قیرواغلاقی قضاء حاجته او تور کن طعاهم یوب که قیو اکروروب یونه عجب حالدر
یور وور دقه نه اولسه کر که اند خالی نایم و اخر اچ خضر و قتل عد و ایده یورم دید که ده کاسنه تعجب ایدوب تور

نبوت و فراست صاحب ظهور و اوله جعفر اکلا یوب بروری او متنه اهل قدسه امان نامه سن الوب بحکمة الله
 زمانی بعده زمان عسکر عظیمه قدسه کاد کده ارمیا آنک نامه سن کوسر یوب اودخی ییلوب لکن مأمور
 دیو عذر لوب ارمیا دخی بنی اسرا یله خبر و یوب کندومی عزت و انزوا و انقیادن اختفای چون برره
 کندی * بعض معتبرانده صحراره کیدوب و حوشله اختلاط ابتدی دیتوب بعضنده دخی مصره کیدوب
 بعد زمان ینه قدسه کندی دیتوب * فواج مسکيه ده مذکور در که باب اشعریل علیه السلامه ذکر
 اولنن تا یوت توراتی ارمیا علیه السلام امر حمله بحیره طبریه ده دفن ایدوب قیامت قریب مهدی جقد قد
 حق تعالی او تا یوتی وزیر و دودی طبریه دن حصار و یوب مهدی به ایصال ایته کدر (روایت اخری
 در کیفیت ظهور بخت نصر) تاریخ میرخوانده مذکور در که بنی اسرا یبلده دانیال اکبر آدلو
 بر کشته و ارایدیکه تا یید زبانی ایله مؤید اولوب بر کون تورا او قودکن فلان زمانه قدسی بر کشته خراب
 ایته کدر دیو بر آیت اوفو یوب یارب او کشتی کیندر که بواشی ایدوبه مناجات ایدوب غم و اضطرابه
 خوابه وارد قدسه ولایت یابلده بخت نصر نام بریتیم غلام در دیو واقعه شده اعلام اولغین مالارین جمع ایدوب
 یابلده واروب نیجه زمان ییلور یوب بر کون بر من یبلده یا نور بر علیل و ذلیل او غلان کور و یوب احوالن
 صورت قدسه بخت نصر آدلو بریتیم سقیم صاعکین و الله مله کندی مهشم ایچون ارقام ایله اودون طاشیوب
 بکنور دیکین دانیال یوتی منزله ایدوب یوب آیدوب والده سن کور و یوب هر برینه رعایت ایلدی
 بخت نصر صفالده قدسه دانیال اکاسن پادشاه اولوب بنی اسرا یله غزا ایستک کر کدر کارم بکار امان نامه
 یاز سکا شمدی یگری ییلک ایچو ویریم دیوب بخت نصر شاشوب والده سی امر یبله یازوب و یردی دانیال قدسه
 کلوب بخت نصر او مالله مقدما اود و تحیل شده یولداشی اولوب لطیفه ایله پادشاهلری بکندیکی او غلا بخله
 آنرا لوب یوب مایه ابر خاندان قدیم نسلدن اولغین یولداش لری هر کون سخا و ییلک دیوانه ملازمت ایدوب
 اودخی یونده آ ناردولت مشاهده ایتمکین نظر ایدوب تدبیر یبله بکاک و یررب هر نه یره کوندر سه یوزا غار دیوب
 عاقبت کندیبی قدسه فرایدوب اسیر اولده قدسه بخت نصر یبله اولوب بعد اخلاص ملک کنلر ینه کلوب بعد زمان
 سخا و یوب وفات ایتمکده بخت نصر آنک یرینه پادشاه اولدی * ابن اسحاق قولنج بخت نصر سخا و ییلک
 او غلینک او غل ایدیکه باب شعیا علیه السلامه مرویاتش در و الله اعلم (خروج بخت نصر) تاریخ
 میرخوانده مذکور در که بخت نصر یچوسی ایکن بنی اسرا ییلک انواع فساد اودره ایدکارین ایشیدوب اندره
 یفر تدارکنده ایکن ارمیا علیه السلام قدسه خضره مبارکه او متنه خیقوب یقاسن چاک و باشنه ترخال
 ایدوب ای بنی اسرا ییل حق تعالی سزه یور که بکا عصیاندن فراغت ایدوب یوخسه سزه آتش پرستلردن
 بر طاقه مسلط ایدوب که اندره خوف عذاب و امید یوب یوقدر سزدن انتقام الوب قدسی و یران ایدردیو
 فریاد و فغان ایتمکده بنی اسرا ییل ارمیا یی تصدیق ایتمیوب قید بند ایله حبس ایتدیلر او انشاده بخت نصر
 التیوز ییلک سخا و یوب یعنی یراق ایله کلوب قدسی محاصره ایدوب زمان کثیر می وریله خلق عاجز قلوب بالا اضطراب
 شهرک قاپوری مقتنا حلقین بخت نصر و یوب امر نه راضی اوله قلنده اودخی شهره کیروب جنگ اهلی قیروب
 خسته لره و خانو نره امان و یوب بنه سلیمان اولان مسجد قدسی یقوب سیم و زو جواهری آلوب جله
 شهری و تورا شریفه نخه لینی آتشه یاقوب جمیع بلاد شامیه ده قتل و غارت و انواع ظلم و خسارت
 ایدوب بیاتنجیه محاصره عاجز و هاشم اوله حق قدر اموال غنائم جمع ایدوب اولاد علما و احباردن یتیم ییلک
 کشته اسیر ایدوب بعده ارمیا ییلک احوالن ایشیدوب بنم یونده که جگمی ندن ییلک که قوم که خبر و یردک
 دیوب و یرم اعلام ایتدی دید که یوقوم نه عجب رازم قوم اولور که یغمه بر یی حبس ایده لری بخله کیدرسک
 رعایت ایده یرم اگر یونده قانورمک امانه قال دیوب ارمیا علیه السلام بن همیشه ریمک امانده یرم قوم بکا
 نام اولش اوله لردی آنردخی امانده اولور دی دید که بخت نصر ارمیا یله قانعه اجازت و یوب کندیبی
 قدسندن کندی بعض معتبرانده مذکور در که بخت نصر قدسندن و اطرافندن بنی اسرا ییلی جمع ایدوب
 ایچلرندن یتیم ییلک او غلان اسیر ایدوب کندی و بکار ینه اولش دیوب بعده جله بنی اسرا ییلی اوج قسم ایدوب
 برینی قدس و شامده باقی یوب برینی قتل برینی اسیر ایدوب ولایتنه کورتوری * عمده آدلو کابده جله ایکیوز

ییلک و یتیم ییلک کشته قتل ایدوب بر اول قدر دخی اسیر ایتدی دیومذکور در و الله اعلم (نصه مصر)
 تاریخ میرخوانده مذکور در که بخت نصر قدسندن کندی که ارمیا علیه السلام شهر ده نک و تنها و خراب
 دار و دیار نه و بکالیه کروب بنی اسرا ییلدن اطرافه چنانلر خبر الوب ارمیا یبله جمع اولوب طوره جق بر لری
 قانما مقین اتفاقه مصره کیدوب مصر پادشاهنه التجا ایتدیلر بخت نصر دخی شامده او انین ولایتنه که چان
 قولاری کوندر یوخسه قدسه ایتدی که مصره دخی ایدرم دیو مصر پادشاهی فرعون اعرجه نامه
 کوندر یوب اودخی یونلر قول دکل حرادر التجا ایدنی عدولر ینه تسلیم ایتکده منافق و یروت اهل طبع سلیمدر
 دیو جواب کوندر یوب بواننده ارمیا علیه السلام بقیه بنی اسرا ییله معاصی و اوزاردن توبه و استغفار ایلک
 یوخسه بخت نصر یونده دخی کلوب بلایه او غرار سزدیوب انلر دخی مصر پادشاهنه کیم مقابل اوله ییلور دیو
 غرور اولوب عناد و استکبار لرنده برقرار اولد قلنده ارمیا علیه السلام نبل کارنه واروب یریده یردی
 برینه یقین درت طاش کوموب بخت نصر یوشهره کلوب بختی یونک او متنه قوفسه کر کدر دیوب واقعا بخت نصر
 مصر پادشاهنه انجیوب عسکرا یله کلوب چنکده غالب اولوب جله چان بنی اسرا ییلی دخی اسیر ایلدی
 حضرت ارمیا یبله بن سکا امان و یرمشیکن نیچون دشمنلر ینه تابع اولد دیوب بودخی بن یونلر نصیحت ایدوب
 بخت نصر یونده کاسه کر کدر دیدم صدقشاه اولم یچون طاش کوش ایدم دیوب بخت نصره خبر جراتر
 ایدوب بخت نک بختی قازدر قدسه هر یابه سی التنده وصف اولشان بر طاش ظاهر و فاش اولده قدسه علامت
 و کرامت حرمتنه ارمیا یبله استدیکی یره کتکه اجازت و یردی (فانده) اکثر واریچده و نیجه تفاسیرده وهب
 قولنج (او کالذی موعی قریه وهی خاویه علی عرونها قال انی یحیی هذه الله بعد وتها فاما الله مائة عام
 ثم یبعثه) ایتمده اشارت یوریلان نصه صاحبی ارمیا در که بخت نصر قتر تنده ییابانه کیدوب بعده کلوب
 قدس شهری خراب کوروب شمدنکیر و نیجه معمور اولور اوله دیو تبعیده آنک او یوب یوب و یرت ایدوب
 یوزیلد نصکره حیانه کلوب شهری معمور بعده قیامت ده معمور اولوب صحرارده کورین یوز دیو نصیج
 اولندی لکن شاهیر تفاسیرده ککتر مفسرین و مؤرخین قوایجه صاحب قصه عز یر علیه السلام در
 دیو نصیج او انغین اول قصه غرات حصه عز یر احوالنده ذکر او انغی صوابه اوفی کورلدی خصوصاً
 صحرارده کورین الیاس علیه السلام ایدوکنه بر حدیث شریف وارد که باب الیاسده ذکر اولشدر

(باب نامن و عشرون در احوال عز یر علیه السلام)

ابن شریک یلیا خود ابن شریک فخصاص یر عزرا ابن هارون علیه السلام نسلدن اولوب بخت نصر اهل شهر
 بنی اسرا ییلدن اسیر ایتدیکی یوز ییلک نفر تازه یکنلر ایچنده عز یر دخی یبله ایدی (نصه وفات) تفاسیر و غیره
 هر ویدر که قریب الی یاشنده اسیر لکدن فور تلوب قول انهر اوزره قدسه کلوب (ع) جله بنی منهدم حسن
 و یرم منهدم * اولغین (نظم) پرده بازی می کند در قصر عنکیوت * یوم یوت میر تدره لعه
 افراسیاب (نثر) مضمون مشاهده ایدوب (نظم) کردی شهر ایچره کوردی اول مختار * لیس فی الدار
 غیره دیار (نثر) لایرم حب وطن مقتضای حزن رالم کلوب عیال و حال نصکره حق تعالی یونم یر نیجه تعهیر
 و احیا ایدر اوله دیو قدرت مولاده تحیر و تفکر ایله ایدوب یوب حالت نومده کندیبی وفات ایدوب و یاتنده اولان
 جاری دخی هلال اولده حق تعالی جله مخلوقاتدن یونلری اخفا ایتدی * هر ویدر که شهره سیوه زمانده
 کلنکین تازه انجیره اوزم قو یارب یوب بر مقدار شیر صیقوب ایچوب هر برندن ارتان یاتنده طوروردی
 (نعمه یر قدس) بعض معتبرانده وفات عز یردن یتیم ییلک کیده عمده یوشک نام پادشاهه جناب حقدن
 بر ملک یونک تعمیر قدسه له ما ورا اولدیغی ییلدر کده ییلک قهرمانه و آنلرک هر یر دخی او یر یوز ییلک
 نفر ایله قدسه واروب نه یره چالشوب بوانشاده بخت نصر لک یورتنه سیوری سیکک کیروب وفات ایتمکین
 بنی اسرا ییلی اسیر لری قورتلوب قدسه کلوب او یوز ییلدله شهر و نواحی او انکی کبی معمور اولدی دیتلدی
 نفیر او السعدول بر مجلنده یور وایت ذکر او انوب بر مجلنده دخی عجم شاه و یرمن بن امشدیا بخت کیده
 بنی اسرا ییلی یرلرین امر کیوب حضرت دانیال اوزرلر ینه حاکم دیکوب ییلاسق شام و قدسه کوندردی
 دینوب یور وایت نظام التوار یچده غری وجهه یاز یوب جلد ثانیده باب اولک عمده یرمن احوالنده بیان

اول و نورا نده نظر اوانه (قصه حیات) تفاسیر مذکور در که وفاتدن یوزیل بد کده عزیر علیه السلام بولوب یازیر او یخوده عقدا و ایت و قرار ایلد دیو هاتندن ندا او انوب بر کون یادخی اکسک دید کده تمام یوزیل یکمشد و حار که و طعام و شراب که نظر ایلد دیوب با قد قد مابقا یا نده اولان تازه انجیر و اوزم و شیریه اصلا تفر کلامش بولوب * حاره با قد قد چوریش و کوکری طاعش کوروب او حاله حارک اعضا سی طاعلوب کندی کی کوه و صحرادن بر بر رکوب هر بری برینه بشوب چانلانغین آ کروب یاغروب عزیر او احوال حیرانی کورد کده ذکر و تسبیح خدای تکثیر ایدوب (اعلم ان الله علی کل شی قدیر) دیدی * بعده حارنه نبوب شهره کروب موجود اولان خلق و شهرک سیوت و محلات ییش چقه سیوب لسان سالله (نظم) وما الناس بالناس الذین عهد تم * ولا الذر بالذر الاتی کنت اعلم (نثر) بیتک مضمون ادا و ندا ایتدی دقت و تحمینه کندی محله سنده بر او او کده طوروب قیوده کورو کو تورم برخاقون کوروب عزیرک اوی بومیدر دیوب بودرین آنک جابه می یم لکن اول یوزیلد نبر و غایب اولغین آندن ما یوسر دیوب بی اختیار زار زار اغلده ایشه بن عزیرم دیوب قصه وفاتی ییلد یروب خاقون دخی عزیر مستجاب الدعوه ایدیکن ییلوردی پس بکار دهر و شفای دعا ایلد یوب بودخی دعا ایدوب کوزنی صفاد قد آجلدی الله یا پسند قد قالد یروب خاقون عزیرک یوزاون سکر یا نده صلی او غلنه اولاد اولادنه خبر یروب کلد کارنده پدرم ارقه سنده ماتده لال بر سیاه خال و ار ایدی دیوب آچوب کورد یلر تمام ییشوب بعده منم خالق مرور و موفوره کلوب کورشدیلر (عجب کفر بهض) تفاسیر مذکور در که بخت نصر قد سده علمادن و تورا و قویانلردن فرق ییش کسینه قتل ایدوب تورا نسخه لرین یا قله بالکلیه ضایع اولغین بودفه خلقن تورا کلی احتیاج لری و اریکن فضل حق عزیر علیه السلام از بردن بالتمام اویوب بنی اسر آیل اسیر لری اولادندن بری پدرم جدمدن روز فترنده فلان باغه بر تورا نسخه سن دفن ایتدیکن نقل ایدودی دیوب یوقلنوب ظهور ایدادی عزیر علیه السلام از بر اویوب حرف بحرف موافق و مطابق یولند قد اکثر ناس ضال و گمراه اولوب عزیر ابر الله دبد بر تعالی الله عا بقول الدالمون علوا کبرا * تفاسیر مذکور تورا بخش دوه بوکی اولغین بتون ارفو منی همان موسی و یوشع و عزیر و عیسی علیهم السلامه یسر اولند در دیوب * نیجه تفاسیر کلبی و سدی قولنج مذکور در که بخت نصر قصه سنده قد سده تورا نسخه می قالمیوب عزیر اغلیوب تحمیر و تحمیرد ایکن بر ملک بر کامه موکتوروب عزیر ایچد کده جله تورا خاطر سنه نقش اولوب بنی اسر آیلد یغیر ملک ویرلکین کلد کده خلق ایشاغیوب توراتی مزه تعلیم ایچون مرسل اولدم دیوب بالتمام اوقود قد دنیادن بالکلیه کشش ایکن بر کسینه نک قلبه حق تعالی الهام ایجنر الامکر که او غل اولد دیوب و ضلالتی سالک اولدیلر تعالی الله عن ذلک * تفسیر ابو السعود ده ابن عباس دن مریدر که یهود مر دو د احکام تورا نه علی ایجنر اولد قلند حق تعالی قلنلردن تورا نک حفظی کیدروب تابوت توراتی کو که چکوب عزیر حیوة بولوب شهره کروب تورا ایچون حقه مناجات ایتد کده قلبه حفظی القا اولوب بودخی قومنه اعلام و اخبار و موصی لری ایچون نصحت و انداز ایدوب بعده تابوت نزول ایدوب ایچده مالان توراتی عزیرک حفظند مالان موافق یولد قلند یهود گمراه حاشا عزیر ابر الله دیدیلر * اکثر تفاسیر یوزیل وفات ایدن عزیر او ایوب ارمیا علیه السلام دزدیلر قوا نجه مذکور در که یودیلر قتل انبیا و انواع عصیان ایدر اولد قلند حق تعالی تورا نک نسخه لرینی و حافظ قلبدن حفظی کیدروب عزیر تازه یکت اولوب سیاحت کیدر کن جبر آیلر علیه السلام کلوب نه بره کیدر سن دیوب تحصیل علم ایچک دیلر مذکور تورا اکاز برل دیوب دونوب قومنه کلوب بالتمام اوقود قد کال تعجب لردن عزیر ابر الله دیدیلر * باب التأویل مذکور در که عزیر علیه السلام بنی اسر آیل اسیر لیه یا لادن شامه کلد کارنده تورا نسخه لری مقدما یوب ضایع اولغین خلقدن آیریلوب اغلیوب کز و کن شکل انسانده بر ملک نه اغلار سن دیوب بودخی موجب صلاح دین و دنیا من اولان کتاب الله ایچمزد قالمدی دیوب ملک دخی آفی استرک و اولد ساسک بالذ ایدوب صائم اول یارین بویا به کل دیوب بودخی طهارت و صیامه ایتمی کلد کده اولمک بر کامه صوریوب عزیر ایچد کده جله تورا نک حفظی قلبه منتقش اولدی بعده یودیلر کلوب آند توراتی تعلیم ایتد کده عزیر غایت محبت ایتدیلر

(متفرقات) تاریخ قدسده مذکور در که عزیر علیه السلام وفات اید نخبه دل قرقیل بنی اسرائیل
ایچنده تدبیر اور به و ریائی بنی اسرائیل بایان قدسده جمیع اولاد قلند نصکره ایچلمنده کندیلردن حاکم
اولوب لکن او ایکی حالاری کبی استقلالاری کیدوب اسکندر روی ظهورندله ملاطین عیلمخت حکمند
ایدیلر عزیر وفاتند نصکره بنی اسرائیل به هارون پیغمبر نسلندن شمعون مدین حاکم اولدی * هر ویدر که
عزیر وفاتند نصکره بنی اسرائیل عصبانی مقزاید اولوب دآنما جناب حقندن انلری نصیحه پیغمبر
کوندیلوب کیتی تکذیب کیتی قتل ایدیلدی مکرز کرایویمی وعیسی علیه السلام مرسل اولوب
هر برینک قصه لری ظهور ایدیلدی * هر ویدر که عزیر علیه السلام آله برادر عزیر ایکنز اولوب عزیر علیه
السلام الی باشند وفات ایدیلدی یوزیلند نصکره حیانه کاوب الی ییل دخی پشایوب بعده عزیر آله برکونده
وفات ایدوب ایکی برادر ولادت و وفات تاریخنده برابر ایکن بحکمه الله عزیر لری یوز عزیرک ایکه وزایدی
بوندن دخی اغرب بودر که سابقا حیات اولوب شهر کاد کده الی باشند اولوب بونک صلی اوغلو یوزاون کیز
باشنده پیر ایدی * ان ربی لما یشاء قدیر (فائده) تاریخ میر خواننده مذکور در که قضا و قدردن
ابتدا بحث ایدن عزیر علیه السلام در که جناب حقه اول بایده نیجه سوال وجواب ایدوب او تفصیل کمال اجمالی
بودر که یارب مؤمنین و انبیاء زاده قولاری یکی بلاره موط و اندر کفر بی مسلط ایتمکده حکمت ندر دیوب
یا عزیر ایچلمنده نیجه لیکا عصیان ایدیلکیچوندر دیو بیور یارب سن خود عادل سن عصاة اراشده
یکه اهره نیچون غضب ایدیلک دید کده یا عزیر فلان بره وارچوایک اله سن دیو بیور لغین واروب ایسی کون
اولغین فراغاج کواکه سنده یا قوب او یوب قرنجه لایق اولغین برقرنجه عزیری محکم امر قدسده جان
آجیلده او یارب کمال غضبندن قرنجه لایق اینه آتش یا قوب جله سی هلاک اولدقه یا عزیر سی اصران برقرنجه
ایکن نیچون جله منه غضب ایدیلک دیو بیور قدسده عزیر علیه السلام سوالنه توبه واستغفار ایدوب بعده
یا عزیر صوچه مرلری عاصیلده یله بلایه مبتلا ایدمسده حقیقه فایده کدکدر زرا اندره بلا مقابل سنده اول قدر
نعمت و رحمت و یرسم کر کدر که تمام عوضی اولمش اولوردیوندا کاوب بومرتبه دنا صکره عزیر قلبنده قضا
وقدر خصوصنده دخی نیجه شبهه لقاوب لیکن سابقا یا عزیر بقضا و قدر بنیم جله اسرار ملک بریدر وای
اول کسسته به کیم بنم ممدن سوال ایده اگر بردخی سوال ایده جک اولورسل ایکی انیساد قدرندن حاکم ایدرم
دیو بیور لشم اولغین سوالدن فراغت ایدیلدی

(باب تاسع وعشرون در احوال دانیال نبی علیہ السلام)

ابن حزقیل انبیاء بنی اسرائیل بدن وعظما و حکما ذوی القدر الحامیدن ابدی ذات شهوده صفاتی افضل رب عزت
ایله بقوت و رسالت و حکمتی جامع اولوب علم رمل بونردن شایع اوامشدر (قصه حبس) تاریخ مصر خواننده
هر ویدر که باب احوال ارمیا علیه السلامه تفصیل اولندیغی اوزره دانیال اکبر سابقا بخت نصر دن امان
نامه الوب بخت نصر قدسه کلا کده آتی بوقلدوب وفات انش اولغین علم حکمتده انک خلف بر شرفی اولان
دانیال بن حزقیل که به در زمان نبی جلیل اولمشدر دانیال اکبر کلام متعلقا ایله امان نامه فی بخت نصره ایلته رب
اول دخی کورد کده عهد نه وفات بونلره امان و ربوب ولایت شام و مصر ده دیلد یکنی ایدوب ولا یتمه دوند کده
بونلر جله سن بیلله ایلته رب غایت رعایت ایتکیکن ولایت خانی بونلره حسد ایدوب مخالفت دیدن ماعدا
طعامن دخی یز دید کاردنه بخت نصر طعامنه کتوردوب عید کده انجنوب نیجه مدت حبس ابدی
(قصه واقعه) او ائناده بخت نصر برواقعه قاجعه کوروب او ائند قدده خوفدن انونودوب کندی کاهنلر نه
البته واقعه می هم یللوب هم تعبیر ایدل یوخسه سزی قتل ایدرم دیوب انلر دخی حیران اولدولرنده دانیال
ایشیدوب بن یللوب تعبیر ایدیه دیوزنده انجیلله خبر کوندومکین کتورد کده دانیال دیدیکه واقعه ده بر صم
کوردلر که یروزنده طوروب باشی التوندن بونی کومشدن میانی باقردن ساقلری دمورودن ایاقلری
صحرچه دن اولوب سن اکابر کن کوکدن بر طاش کاوب صفی قیروب ازوب هر باره صفی ذره مثالی ایدوب
بده بریل اسوب ذرائی اطرافه طاغدوب صفی قیران طاش میروب دنیایی طوقب پرایله کولک ایلله او طاشدن
غیری بر نسته کوروغز اولدی * بخت نصر واقعا کوردیکم واقعه بعینه بودر تعبیر بنی ایلله دید کده کوردکل

عالمه اسلام ايله بنی امیه آئیلی قدسه اول کوندره شدردیونقصیل اولوب اشاعیده بهمن احوالنده بیان
 اولور یوقاروده باب عزیر علیه السلامده بنی اسرائیل آزاد اولوب قدسه کاذکده عزیر علیه السلام
 حاکماری اولوب قرقیل حکومت سوردی دیوچکه شدروالده علم (مدفن دانیال) تاریخ میرخوانده بعض
 کتیدن منقوله درکه صحابه دن ابوموسی الاشعری حضرت عمر خلافتنده ولایت مغریده سوس شهر فی فتح
 ایتدکده خزان ملوکده برکایدلواوطه کوروب شهر خانی آچلسون دیوب ابوموسی آجوب ایچنده غایت
 طویل وعریض بریت کوروب پورنی برقارش مقداری ایدی شهر خاقندن اقی صوروب دانیال پیغمبردر
 برزمانده بو شهرده عظیم خط اولغین بزم پادشاهمز یابل پادشاهندن دانیالی بوجانبه کوندرملک استدکده
 کوندروب دعاه شریقلیده اوجوزانی اولدقده پادشاهمزانی یقویوب وفات ایتدکده یونده دفن اولندی
 اول زماندنبرو هر بقان بر بلا کلسه بوخانه یه کوب دعایتدی کزده قبول اولوب بر مراد اولورزدیدیلر
 ابوموسی بوخیری حضرت عمر کوندروب دانیالی اندن حقاوب کفنه صاروب شرع مجدی اوزره نمازین
 قیلوب طبراعه دفن ایده سن دیو جواب کلکین مضعونیله عمل ایتدی (قائده) هدایه شرحی نه ایده
 مذکوردرکه ابوموسی دانیالی دفن ایتدکده یارمغندن یوزکتنی حقاوب حضرت عمر کوندردی ایچنده
 برارکات بردیشی ارسلان اوزره زنده برکویک اوغلاخچق اولوب ایکسی دخی اوغلاخچق دیلار یله یلاوب
 اوخشارلر حضرت عراقی کوردکده کوزلی یا شله طولدی سچی بوایدیکه بخت نصر عالمه مساط اولدقده
 سنک زمانکده براوغلایق طوغوب سنک هلاک سبب اولورددی کارنده طوغان اوغلاخچقاری قتل
 ایتدیروب دانیال طوغدقده والده سی قورقوسندن اوغلانی اولانلر میشه سنده کیرلدکده امر حقه
 برارکات بردیشی ارسلان کوب دیشیسی امرروب ارککی بکچی اولوب ایکسی دخی محبتلندن بدنی
 یلاوب اوخشارلردی دانیال یودکده حق تعالیکنک لطف واحسان دائما تذکراتک ایچون بوحالی
 مهرینه نقش ایدوب دائما نظر وشکروذ کررب بر وقادر اکی ایدردی ابوموسی دانیالی سوس شهرنده دفن
 ایتدکده شهرک ایرماغنی تینا وتبرکا قبرش یقنک اوزرینه اقتدی مدت عمر دانیال علیه السلام عقدار
 ایدیکنه ظفر مبرس اولدی والله اعلم بما طهر واهم

(باب تلاون در احوال زکریای علیه السلام)

ابن آزن یا خود ابن برخیا سلمان علیه السلام نسلندن اولوب قدسه هارون علیه السلام پیغمبر نسلندن
 اولان عظماء احباره یعنی علماء کباره رئیس مجبل اولوب تأییدین موسی ایچون نبوتله بنی اسرائیل
 مرسل ایدی قرآن عظیمده مذکور اولان ذوالکفل احد احوال اوزره بولردی عشر (ولادت پسر)
 تفصیلی عیسی علیه السلام باندک کله جک وجهله زکریا علیه السلام کنددی خاتونک همشیره سی قیزی
 حضرت مریمی بسلمکه آوب دخی اوغلاخچق ایکن مریمک نیجه کراماتن کوروب زکریانک اولادی اولماغین
 مریمک نجابت وکرامتنه امرنوب حضرت رب صمدن بر صالح ولد رجا ایدوب یحیی علیه السلام آدلور اوغلک
 اولوب پیغمبر اوله چقدر دیوچبرائیل علیه السلام تبشیر ایتدکده کندبسی و خاتونی پیر اولغین قدرت حقه
 تعجیدن وقت علوق ولده علامت دیلیوب کلام دنیویدن اوج کون نطقک طوتلیسی علامت اولسون دیوچی
 اوانوب بهد زمان حمل واقع اولدقده اوج کون اوج کیجه متصل عباداته مشغول اولوب او ائناده مسجد
 شریفدن طشره چقدقه بشره منوره لی نوعا متغیر اولغین حاضر اوللر بیین صورتلرندک تکلم ایده ممکن
 همان تسبیح و عبادت ایدک دیورمز و اشوات یا خود راوزرینه نقش وکتاب ایتدی * تفسیر ابوالسعودده
 دشارتله ولادت ارامی زمان مدید اولق اختیار اولوب آتده تفسیر لیبایدک مذکوردرکه زمان بشارتده زکریا
 علیه السلام ابن عباس قولنج یوزیکری وساراقوالده طقسان طقوزیا طقسان ایکی یا سکسان بش یا سکسان
 یا بختیش یا بختیش یا التیش یا التیش یا التیش اولوب خاتونی دخی طقسان سکز یا سکز ایدی (قصه شهادت)
 معتبراندک مذکوردرکه تربیت وکفالتلرندک اولان حضرت مریمدن اون اوج بااونا باشندک بکرایکن محض
 قدوت رب واحدا علیه عیسی علیه السلام متولد اولدقده طاقه یهود اهل جود یا با من اوغلان طوغنی
 ذکار واستیعاد ویم تان واقرا ایل حضرت زکریا به حاشا زنا اسناد ایدوب آتی قتل ایتکد کارنده

(الفرار مما لا یطاق من سنن المرسلین) خواستجه ملاعین بی دین بد آیدندن فاجوب یولده براغاج یایی الله
 بکا کل دیوسو دیلوب یاربیلوب ایچنه کیردکده قیابوب ایلین برتلیس کفرانین کوشه دامان زکریایی
 حکوب طشره قریوب کافر کوردکلرندک شیه شیطان رجیم صورت انسانده کوب دستره یاقن تعلیم ایدوب
 اشبه الدایا علی الانبیاء * خواستجه یا حکمت حیرت غایت حضرت حق اغاجله یله بیجوب سربایا
 ایکی شق اولدیلر * مریدرکه زخم آره سرشرف مقره ایشدکده اول رسول الله و قبول درگاه آه ایتک
 دیلدکده چناب حقدن بی واسطه یا با واسطه یازکریا ساکت وصامت اول بوخنه استکی دقترا نیادن حلق
 ایدرم دیوندا ایرشکین توکل وصبر و جاتنه جبرایتدی (نظم) سبحان من تحریفی امره سواه * عقل
 خرد بصر قضایش نبرد راه (نثر) بعض کتیده یوقصه مورثه القصه و دیلر حاکی هر دوس منحوس شفا
 مانوس حضرت یحیی ایدوب بهر خصوصده نصیحت ایتدیکچون قتل ایتک استدکده بعض اشقیای یحییایی
 قتل ایدرسک بابایی زکریانک بدد عاصیله هلاک اولورسن اول پدیری بعدو پسری قتل ایلدیاوغا و اول کاب
 کفر خلب مستحق الصلی اغرا ایتدکارنده صدور ایتشدر دیومذ کورا اولوب * تاریخ میرخوانده وهب
 ابن منبه اوله ایدویم اولان تی کریم شعیبا علیه السلام اولوب زکریا علیه السلام بی واسطه انام اجل طبیعی
 ایله فراشنده وفات ایتشدر * تفسیر معالم التنزیلده دخی ومات زکریا وقیل قتل دینوب لکن روایت
 عدم شهادت خلاف مشهور ایدیک کمال ظهورده در * بعض مشیرانده حین وفاتده یوز یا شنده ایدی
 دینوب لکن زمان بشارت ولادت یحیاده اولان اقوالا اکثر و اشهره مخالفدر * تفسیر ابوالسعودده یحیی
 علیه السلام قول مشهور اوزره زکریا علیه السلام حیانتند بر روایتده آنلردن کزده قتل اولمشدر
 دیومذ کوردر والله اعلم

(باب سادی و تلاون در احوال یحیی علیه السلام)

ابن حضرت زکریا پدرو مادر زری پیرایکن وجوده کوب عیسی علیه السلام پیغمبر ایلدیر و اوغلاری اولوب
 کیمیق باب عیسیاده بیان اولور یحیی عیسیادن ابن عباس قولنجه الی آی ضرر قولنجه اوج ییل یول اولوب
 عیسیایی نبوت و رسالتده ابتدات صدق ایدن یحیادری بنی اسرائیل ایچنده شهر شریف دیکله مشهور اولان
 ارض اردنک شهر مبارکنه حضرت عیسیایی ابتدا نبوتلرندک یوزلر غم و غل ایدوب شهادتلمی دخی عیسانک
 کوه چکلدیکندن آرزوکره یا خود بر یحیی ییل مکره ایدی * تفسیر ابوالسعودده شهادت یحیی علیه السلام
 قول مشهور اوزره پدیری حیانتند اولوب بر قولده پدیری وفاتندک مکره اولمشدر دیومذ کوردر (فضائل
 و نجائل) عربیسه کعبدن مریدرکه یحیی علیه السلام خوب صورت قلیل الشعره قصه باره قلو اوزون
 بورناو جاتی فاشلوا یحجه آواز لایدی (لم یفعل له من قبل منجیا) آینی دلالتی اوزره یحیی اسمیله دنیا ده ایتد او نلر
 نسجه اولمشدر قرآن عظیمده بر ایتده (ومیدا و حصورا و بیمن الصالحین) دیور ایتده دخی (و آیتناه الحکم
 صیبا و خانا من لدنا و زکاة و کان تمیما و برا ابوالدیه ولم یکن جبارا عیسیا و سلام علیه یوم ولد یوم نبوت
 یوم بیعت حبیا) دیومذ و ثنا اولمشدر (نظم) زهی عزت زهی رفعت زهی جاه * زهی فضل
 و کرامت بارک الله (نثر) تفسیر دیواریچده مذکوردرکه ابن عباس قولنجه اوج یا شنده بعض قولنجه ییدی
 یا شنده علم و نبوت و برلشدر * مریدرکه کمال ورع و زهد و پرهیزدنیای سریع القنای ذریع العنادن
 اجتناب و کریمانه عالم صیاده عیبار کیوب مسجد قدس براننده تیجه راهب عبادت راغب ایلد رضای حق
 دائما طالب ایدیلر نباتات صحرائی اکثر یازاد و احسانا اکل براد ایدوب خلق راه هدایه و امثال
 او امر خدایه دعوت و ارشاد و نیجه لری اصلاح و اسعاد انجکه معتاد اولدیلر کثرت عبادت و وفرت ریاضتدن
 ایدن حسن شریفاری غایت نجیب اولوب صحرا ده سیرات یکدن شکم بر حکم لری بشل کبی کورینوردی
 رخسار لامع الانوار لری فی الايام والالیام بکاه عظیم متوالی سیدیله جراحندن خالی اولماغین مجاری
 اشک کوروشکارینه والده ماجده ساجده لری یاره اوکامه یچون کیجه یاره لرن طولدر برردی * تفسیر لیبایدک
 مذکوردرکه یونلر صلاحی ساثرانیا ذوی العباده دن زیاده ایدی زرا حضرت خرقه عالم صلی الله علیه و سلم
 بیورمشدر در (ما من فی الاوقد عصی الله اهرم به صیبه غیر یحیی بن زکریا فانه لم یعص ولم جم به صیبه)

نوار پخته مذکور در که یحیی علیه السلام بی جرم و گناه مجرد هیبت حضرت ابراهیم عز و جل علیه غایت خوف و خشیت اوزره اولمقین بابای زکریا علیه السلام بودند اولدینی مجلسه عذاب و عقاب متعلق کلام سولیموب انده باق بر کون اتمام و عطفه یحییایی کورم کین چندان بهض احوال و احوال بیان ایند کده مجلسه بر دیرک اوردن یحیی فریاد و فغان ایله عزم یابان ایتمکین زکریا علیه السلام تدم و الم و حزن و غم ایله اوج کون کشت کوه و دشت ایدوب عاقبت بر چوبان اوج کوند تیر و فلان طاعن دلد و زصد ارجکر سوزندا را یسیدرم دیکین فریسته یلوب یلوب اصناف ابرام و آلاقی اقدام ایله شهره کتوروب بعد الا برام جزئی طعام بدروب کیجه دوشکه یا یوب بدن با جراحتی نوعا راحت اولقله معتاد لری اولان عبادات و اوراد فوت اولد کده والده حکم بن ابیاس بلا یحیی کتور که سزک فراش نرم و کر مکر من بهمد بکایرامز دیوب پدری دخی ای خانون یحییایی کندی حالته قوه استرسه ایتمون او مار که آخرتده مراد فزادنه فائز و نوازه ایدیدی * مر ویدر که یحییانک بکای * حددن بیرون اولد کده بر کون پدری ای بنم جکر * کوشه بن الاهدن بر ولد ارشد دیدلکم دیدمه نور سینه سرور اولق ایچون ایدی سن خود کیه و فغانله قلبی سوزان و پراحزان ایده یوروش دید کده ای پدر من یکادیش ایدیکز که جنتله جهنم ارا سنده بر وادی پر آتش و اودر که کوزیا شدن غیر یسنه ایله سونیز پس ایچون بنی آغلا قدن منع ایدر سز دیکین زکریا علیه السلام اغلا یوب (ایک خلق للالبکاه) یعنی آغلا که لایق اولان حزن و ندم و اغلا به حق دمدر دیدی * مر ویدر که بر کون حضرت عیسی علیه السلام ایله یحیی بولوب یا یحیی سنی دآ نما کر یان کوردم یوخسه رخت خقدن مأیوس مین دیوب یو دخی یا عیسی بنده سنی دآ نما خندان کوردم یوخسه غضب خقدن امین مین دیوب یا یحیی فاضل و حی الهی نازل اولم یخه آیر بلشیمه ایدید کارنده جبرائیل کلوب الله تعالی بیوردیکه بکافتی سوکلو اولان کز بکا حسن خلقی زیاده اولانیکز در دیدی بر روایتده کشاده روی و خندان اولاند دیدی (قصه شهادت) معتبرانده مذکور در که بنی اسرئیل ساکی هر دوس که ظهور اسکندر روی یونانیده صکره اولونان طرفندن انزله والی و مسلط و امیر و ضابط اولان شی و غیبتک لقی ایدی حضرت یحییاه غایت محبت و رعایت اوزره اولوب * کندی برادری قیزی یا خانوونک زوج اولدن اولان قیزی موسی علیه السلام سز یغنیجه نکاح خلقی دیکد یحیی علیه السلام یو خصوص الخلیل عیسی ده حرام اولد در دیکین قیزک والده موسی اولان لعینه ضلالت قرینه هر دوس مخصوص مستحق الصلیک قلبی جذب و جالب ایچون قیزی ترهین و مجاسده مافق ایاچکه ارسال و تعیین ایدوب هر دوس شقاما مأیوس طلب وصال ایند کده دختر بد اختر یحیی قتل اولم یخه محالدر دیکین اول لعین بی دین هوا پرست شوق خرو و خروش و قله منت اولمقین بنده التردد آدم کوندروب بوغازلدوب بر طبق ایله مجلس اشرا ره احضار اولند کده مر سعادت افسر سعادت انزلی یوقیزی نکاح خلقی سکا حلال دکلدر دیومر اراسولوب محل ذبحده جریان ایدن فائزلی غلیان ایدوب طبراق ایدر تکه اوزر بنه مر نفع و صاعده و جوش و خروشی متزاید اولوردی * مر ویدر که تدر بجهل شوقه و طبراق اوردیدر که شمرک حصار یادر سله برابر اولوب مبارک فائز اولد و زرنه چیهوب قیناردی (قصه انتقام) تاریخ میخوانده بر روایتده قاتل اولان شاه کراه و اول دختر ضلالت پناه غضب حضرت اله ایله بر کایر * مر ویدر که اشمو قصه مورثه افصه و فو عتد نص * کرمولک عیسی بن شاه خردوس انتقام دم زکریا و یحیی علیه السلام ایچون بنی اسرئیل جهنم مزایه غزایه عسکر چکوب بمالک سامیه شامیه بی خراب و بیاب ایدوب بعده شهر قدسه قریب قونوب امر اسندن اولان فیروزی شهره کوندروب یو دوی الجوددن اوند رکسنه قتل ایله که فائزلی اردویه روان اولد دیوب اودخی واروب دم یحییایی قینار کوروب خبردار اولد کده یو دمردود دن یش یلک کسنه قیر غله فاندیکد کده فیروز خردوه سکون حرکت خونی بهروب اودخی امر مانی اجرا ایله دیو خیر غضب اثر کوندرد کده فیروزیم روز بقیه السیف اولان الوف مذلت مألوفه ترجایه و طوار بوغازلدوب فائزلی حیل روان کی اردویه دوان اولدی دینوب لکن تفسیر معام انتز یلده مذکور در که ولایت بابل پادشاهی خردوس ولایت شامه کلوب * کندی امر اسندن یوزردان نام کسنه یی کوندروب اول قدر آدم قیر که فائزلی اردویه افندوب اولدخی کلوب دم

یحییایی قینار * کوروب سبیلین صورتده یو دیلر صبح خبر ویرم کارنده اولانامد اوزدن یش یوزیش نفر بعده تازه بکتلردن یش یوز نفر بعده اسیرلردن و عورتلردن یش یلک نفر کسنه بوغازلدوب دم یحیی دیکم کده طوغروسی دیز سکر جله کری قیرام دیکین یو دیلر ناچار اخبار را خبر اید کزنده یوزردان مجده شکر ایدوب خردوسک نوابعی یاتندن چقاروب تنها قالوب یا یحیی بن زکریا حنکچون قومک نه بلایه اوغرا دقلری ربکک معلومیدر جله قومک قیرازدن اول ساکن اولدیده * کده بحکمه الله ساکن اولوب یوزردان ایمانه کلوب یو دیلردن قتل عامی رفع ایچون یبعد و لایقه طوارر بوغازلدوب اوزرلر بنه یو دیلر موتاسن براغوب روان اولان خون چیمون عائل اردویه واصل اولوب یوزردان ایلله اولان خردوس نوابعی خندقلری قیر بلان یهود قاتله معلوم ایدوب خردوس غضب مأیوس خند کیر و قتل و از کل دیو خیر * کوندروب دیار بابل کتدیله * یخه معتبرانده امام طبری انتقام دم یحیی ایچون غزایدن بخت نصر در که ططیوس دخی کامواقت و مراقت ایتمدی دیدیکی محضام و و خطا در زرا بخت نصرک غزای ولادت یحییان در تیوز التمش بریل اول ایدیکی مقبول و معول و مقطوع غیر مأولردی و تصریح و تعجیل اولوب لکن تاریخ میخوانده حضرت رسولدن مروی بر حدیث مفصل محصلی بودر که بنی اسرئیل عاصی اولوب قتل انبیای ایدر اولد قزنده آنره الله تعالی بخت نصری مسلط ایدوب دخی فتح و زکریا علیه السلام یغمبرک فانی ایچون یش یلک کسنه قتل ایدوب انواع زینت بیت المقدس دن یش یلک بر روایتده یوز یلک یوکدوب الوب بنی اسرئیل اسیرلری یوز یلک آنک الله طوروب بعده کوروش آدلو پادشاه اسیرلری جله ماللر ایله آزاد ایدوب قدسه کوندروب قدس معور اولد کده یوز یلک دخی بنی اسرئیل اوامر خدای اجرا ایدوب تکرار عصاة و اشرا را اولد قزنده اوزرلر بنه روم پادشاهی مسلط اولوب بیت المقدسک زین و زیورین الوب رومه ایتمدی * معالم التنزیلده دخی حضرت رسولدن مر ویدر که بنی اسرئیل عصیان و قتل انبیای ایدر اولد قزنده آنرک اوزر بنه الله تعالی عیم پادشاهی بخت نصری کوندردیکه یوز یلک یل پادشاه اولمادی کلوب قدسی محاصره ایله فتح ایدوب یحیی بن زکریا فانی ایچون یش یلک کسنه قتل ایدوب اهل قدسی اسیر ایدی (متفرقات) مر ویدر که یحیی علیه السلام شهادتده کونش اغلا یوب فرق کون طلوع و غروبده قزل قانه یو یاغش کی طوغوب طولندی * مر ویدر که حضرت یحیی علیه السلام قیامتده سید الشهدا اولوب شهیدلرک چینه فائزلی اولور * فتوحات مکیه ده حضرت رسولدن مر ویدر که قیامتده موت قوج صورتده کتوریلوب جله خلق آتی یلوب یحیی علیه السلام جنتله جهنم ارا سنده آتی بوغازلدوب خلق اکانظر ایدرلر * فوا یحیی مسکبه ده یحیی علیه السلام دمشق شام شهرنده شهید اولوب انزلی قتل ایدیرن عورتک ایچی از یلدر که یش نفر یغمبر قتل ایدوب آخری یحیی دودینوب قاموشده احدیه و زرنجه سبسطیه تدمه نابلش شهر یش قضا اینددر که زکریا و یحیی علیهما السلام آنده مد قنلردی و یوز کوردر مدت عمر حضرت یحیی علیه السلام اووزایکی یا اووزدرت یحیی یا اووز یل ایدی (فائده) معالم التنزیلده (وقضینا الی بنی اسرئیل فی الکتاب لتفقدن فی الارض مرین) ایتمده مذکور در که وقعه اولی بخت نصر قصه سید روقه ثانیه خردوس قصه سیدر که اعظم وقعه یش ایدی بعده بنی اسرئیل غایت قلیل و ذلیل اولوب جمیع ولایت شامدن ملک و سلطنت روم و یونان دیارنه منتقل اولوب بعده بشایای بنی اسرئیل چوغالوب قدسده و اطراف قدسده سلطنتسز مجرد ریاست و نعمت اوزره اولدیده بعده بنه منکرات نفرت ایراث احداث ایدر اولد قزنده حق تعالی یوزره رفع عیدادن قرقیل صکره فرنک پادشاهی ططیوس بن اسپانوس روی بی مسلط ایدوب کلوب عسکترین خراب ایدوب یونلری و لایزلردن سوروب چقاروب بنی اسرئیل عقوبتسزا غضب خدا ایله سلطنت و ریاستدن بالکیه محروم و جدا اولوب جله می خراج کسلوب جانب حقندن اوزرلر بنه ذات و قتل و حقارت قونوب عجز و آنکه اوردن و خراج گزارا کدن علی التوالی خالی اولوب قدس شهری دخی حضرت عمر فتحه دله خراب طوروب بعده تعجیل ایدیلر * شاهزاده تفسیرده مذکور در که یو دیلر احکام تورانه مخالفت ایند کزنده اوزرلر بنه بخت نصر * تکرار فساد ایند کزنده فطرس روی یا فطوس روی * تکرار فساد ایند کزنده مجوسیلر تکرار فساد ایند کزنده

هناويه به (واوی) وبل لاهل النار دیکه (زاسی) زفر چمنه حلی نك (حاسی) حطت الخطایا من المستغفرین
 دیکه (کلن) کلام الله مخلوقه کادر دیکه (معصص) صاع بصاع والجزاه بالجزا آدیکه (قرشت) قرشتم حین
 بنحسرم بهی قیامتده الله تعالی خلقی جمع ایدردیکه اشارتدردید کیده مسکین معلم جاورها تم اولوب خانون
 اوغاسکی آل کیت استاده احتیاجی یوق الحق کند واستاد الحق دیدی * عرایس تعلیمده حضرت رسول
 علیه السلام دن هر ویدر که عیسانی والده سی مکته تعلیم ایچون کوندرد کیده معلم بسم الله دی دیوب عیسی
 بسم الله معنای ندر دیو وروب معلم بلم دید کیده (با) به الله (مین) سناء الله (میم) علكه الله دوردیدی ایکسی
 دخی بنه عرایسده عیسی علیه السلام مکیده اوغلا بنحسره هر برینک اولرنده اهللری نه ایدر لر سه خبر وروب
 ای فلان او یکد وار که اهل بیتک فلان طعمای یوب سکا حصه الیه قودیلر دیوب اوغلا بنحسره اولر نه کلوب بزه
 عیسی خبر وروب شد رفانی حصه من دیوب اولردی * پس چود هر دود اوغلا بنحسره ماشوسا خرایه اوینا مالک
 دیو اصغر ایوب بده اوغلا بنحسره بر او ده به قیایوب عیسی انلری یوقلد قده بونده یوقلد دیوب پس یواوده ده
 نه وارد دیوب خنزیرلر وارد دید کلر نده عیسی علیه السلام الیه اولسونلر دیکین یهودیلر قاپوی آچوب
 اوغلا بنحسره خنزیر صورتنه مسح اوامش کوردیلر یهودی نحساشی ایچلر نده بوخبر منتشر وفاتی اولد قده
 مریم عیسیه ضرر ایشکدن قورقوب بر حماره بنوب عیسی الیه مصره کندیلر لکن تفسیر لبایده
 عیسی خلقک یوب ابرته به صقلا قدرندن خبر وروب یددعالیه خنزیر صورتنه مسخ اولد قده قصه مانده ده
 ظهورا تشدد دیوب مذ کوردی * امام قرطبی عیسی پیغمبر اولوب احیاء موتی ایتد کیده خلق بر مهزه دخی
 استیوب اولر یزده نه بیر نه صقلار زخیر ویردید کارنده یا فلان سن فلان در لوطامام یوب فلان در لوط فلان
 قدر نسه صقلاد کد دیو هر برینه خبر ویردی دیش دیوب مکرکه بو مهزه لم مکرر واقع اولمش اوله بری دخی
 نه لبایده مذ کوردی عیسانی والده سی نیجه صخره وروب آخرنده یواچیلغه وروب یواچی بریره
 کیدر کن شومقوله رنگره یوانه حق شود کاوا مباب وارد که هر برینه علاءت و مشدد برن کلغه جله سنی
 یوبه که حاضر بولم دیوب عیسی همان بر در لوط یواچینا دیوب جله امبابلری آتک ایچنه قویوب الله امر الیه
 بن استدیکم کبی اول دیوب یواچی کلوب مور وروب ییلوب قاید قده عیسی مبارک الیه بر در رر چقاروب
 جله سی بر نکل ایچنده ایکن یواچی استدیکی رنگرله حقیقه قده او یواچی واطرافنده سبار یواچیلر حیران و
 عیسیه خدمتکار اولدیلر بر روایتده حواریون دید کاری بونلردی * بری دخی بودر که عیسی علیه السلام
 مصزده اوغلا بنحسره اوینار کن بریسی برینک اوزر نه دوشوب هلاک ایتد کیده قاجوب خلق عیسانی
 طوقوب قاضی به ایلنوب سخی قتل ایتد دیوب یوق اما قاتلی یاورم دیوب جفا قصد ایتد کارنده مقتولی
 کتورک صورته دیوب خلق نجب ایتد کیده مقتولک اوزر نه واروب دعا ایتمکین جاننوب سنی کیم قتل
 ایتدی دیو عیسی صور وروب فلان اوغلان دیوب فی الحسال نه میت اولد قده بی امر آتیل تعجب لیدوب سن
 کیمسن دید یلر عیسی ابن مریم دیکین یاته وافر خلق او شوب بحال الیه مسکینه کد کیده والده سی بی اوغل
 بن سنی کرامات اظهاریندن منع ایتد می دید کیده ای والده نسه یوقدر الله تعالی بزم حافظه زرد دیدی * بری
 دخی بودر که عیسی و مریم دخی شامده بر دوتلونک جوارنده آرام ایدوب اول مر دخی بونلرک رعایتنه مجد
 ومعنی اولوب اهل خیر و محنی اولغین فقر او مر ضای دخی ظل حایتنه رعایت ایدردی اتفاق اول مر دقاع
 اوندن بر قیتمو متاع اوغلنوب سارق کیم ایدیکی متحقق اولوب عیسی علیه السلام فلان کور الیه
 فلا کوترم اوغلر یلیدیلر دیوب اول ایکن کشی کوزیمز وایانمز بوغیکن نیجه ایده ییلور زوایشی دیوب عیسی
 علیه السلام اعی مقعدی کور وروب بنجره یانه ایلنوب مقعد کور وروب الیه چکوب الی دیکین اشکجه
 اولوب عیسی علیه السلام اخبار ایتدیکی اوزره اقرار اولد قده بیتی کور وروب اظهار ایتدی (نبوت و رسالت)
 تاریخ می خوانده مذ کوردی عیسی علیه السلام هر سل اولد قده قدسه کلوب چود هر دود اهل جودی
 (واذ قال عیسی ابن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مهد فالما بینیدی من التوراة وهدی ابرسول
 یانی من بعدی اجماع) آتی دلالتی اوزره راه الله دعوت ایتد کیده اول قوم مستحق التعذیب رسول
 مقبول حقیقی بالتصدیق تکذیب ایدوب بعد انواع الشتم عناده امراری وقصد اضاراری جسم وحمم ودل

برعالمون به رکفرله ختم ایتدی (خلق طیور) تفسیر ابایده مذ کوردی دعوی نبوت واطهر سار مجتاز
 ایتد کیده یهودیلر ترکیه براسه عربجه خفاش دید کاری قوش یراتی تکلیف ایتد کارنده بالقدن تصویر
 ایدوب اولد کیده جاننوب هوایه اوچوب کیدوب تنهارده دوشوب میت اولردی تا که الله تعالی بالذات
 براندیقوله مخلوق واطمه سیله یادیلانک فرق ظاهر اوله * هر ویدر که براسه تکلیفه سبب اثر مخلوقاتدن
 اغرب اولد یقیند زرا صافی الله فان ایکن قناد سزاچوب انسان کی دیشلری ویمه لری اولوب ایچندن سود
 چیقوب و هقهقه الیه کلوب و عورت کی حیض کور وروب بعده بالذات اولوب قوش ایکن مور طلیوب حیوانات
 کی طوغروب غریبن طلوغه دل برماعتدن غیری زمانده کوزلری اصلا کور وروب بعضی عیسی علیه
 السلام طیور دن همان براسه براندی دیوب به ضرر دخی نیجه درلو قوشلر براتشد در دیشلر (شعاع مرضی)
 یته لبایده (وابری الا که والا برص و احی الموتی باذن الله) ایتد مذ کوردی که والده سندن طوغد قده
 کوزی اولوب بری دومد زاولانه یاخوده همان اعی طوغانه عربجه اکمه دیرلر کوده سی الاجه اولانه
 عربجه ابرص ترکیه ابرش دیرلر اشجوا یکی مرضی تخصیصه سبب حضرت عیسی زمانده علم طب غایت
 مقبول و مشهور و یحدا طب و حکم طیده کال حذاقله مذ کور اولوب ایکن یواچی مرض که بری ذاتی بری
 عرضدر علاجنده عاجز اولغین حق تعالی انلرک عجزی اظهار وصدق نبوت عیسانی آشکار ایتد ایچون
 ایدی مجزات عیسی طب جنسندن اولد قده حکمت هر پیغمبرک مجزاتی کندی زمانده مقبول
 و مشهور اولان امور جنسندن اولوب خاقک عزیزی و او پیغمبرک صدقنی انکله اظهار عادت حضرت
 پرورد کاریدی * و همدن هر ویدر که عیسی یانه احیاء نایجه ییک مرض کلوب و کلکه قادر اولمیه عیسی
 بالذات واروب ایمانه کلک شرط ایمانه به الله عاجله سی شفا بولدی یلر * هر ویدر که برکون بر کایسایه اوغلر یوب
 نفر مرضی جمع اولوب شرط ایمانه به الله عاجله سی شفا بولدی یلر * هر ویدر که برکون بر کایسایه اوغلر یوب
 ایچنده و انراعی (کور وروب بونلری صورتی بر طاقه در که قاضی تکلیف اولد قده قصه ایل کندی کوزلرین
 جفا ره شلردردید کارنده عیسی علیه السلام ایچون یوب ایتد یکزدیوب تضانک عاقبتندن قورقوب ایتد
 دید کارنده حکما و اخبار علما و اخبار مزاییش * هر ویدر که عیسی بسم الله دیوب الیه بیکر کوزلر بیکر دیوب
 سیدل کارنده جله نکل کوزلری آچلدی (احیاء عازر) تفسیر ابایده (ولعی الموتی باذن الله) ایتد عیسی
 علیه السلام موتانی یواچی یاقوم دیکه احیاء ایدردی عازر آدلر بر دوسق وفات ایدوب برعاج کوند نصکره
 دعا الیه احیاء ایدوب بعده نیجه زمان یاشایوب اوغلا بنحسره دخی طوغدی * عرایس تعلیمده مذ کوردی عیسی
 دوسق عازر بنحسره اولوب آتک همشیره سی یواچیه کاو کزدیوب عیسیه خبر کوندرد کیده اوج قوناق بر دن وار نیجه
 وفات ایدوب طاشدن تا بوتله دفن اولوب عیسی علیه السلام واروب (اللهم رب السموات والارضین
 السمیع انک ازمکنی الی بنی اسرائیل ادموهم الی دینک وانهم هم الی اسی الموتی باذنک فاحی العازر)
 دیو دعا ایتمکین عازر قالدوب نیجه زمان یاشایوب اوغلا بنحسره دخی طوغدی * نه عرایسده مذ کوردی که
 عیسی علیه السلام ابراه مرضی و احیاء موتی ایچون ایتد وکی دعا بولدی که (اللهم انت اله من فی السماء واله من
 فی الارض لا اله فیما غیرک وانت جبار من فی السموات وجبار من فی الارض لا جبار فیما غیرک وانت ملک
 من فی السموات و ملک من فی الارض لا ملک فیما غیرک وانت حکم من فی السموات وحکم من فی الارض
 لا حکم فیما غیرک قدرتک فی الارض کقدرتک فی السماء و سلطانتک فی الارض کسلطانتک فی السماء اسألك
 یا ملک الکرم انک علی کل شیء قدير (احیاء ابن المیوت) یته لبایده عیسی علیه السلام بر خاننک وفات
 ایتد اوغلنه تا بوتله کوزر یلور کن اوغلر یوب دعا ایتمکین جاننوب قضا نلرین کیوب تا بوتی آموز نه اور وروب
 اوینه کادی * عرایس تعلیمده مذ کوردی که حواریونله سیاحته بر شهره اوغلر یوب بونده برکنز
 وارد کیدر که واروب آتی بزم ایچون چیقاره دیوب حواریون دخی یاروح الله بونلر خلقی هر وار ان
 غریبی قتل ایدر دیوب عیسی دخی سزطورک بن واروب یته کاو روم دیوب شهره کیدی بر قیوده طور وروب
 سلام وروب ای او صا حیلری غریب اطعام ایللاک دید کیده بر قاری یوبه کلوب سنی طوقوب مو باشی به
 ایتدیکم مزتری دخی نسه می استرمن دیوب نوحاله اوغلو کلوب اودخی یوبه دیوب عیسی علیه السلام

بنی قوتلغه الله کز پادشاه قیزی سکا نکا حلتدر مردم دید کده او نکت سن یادوانه یا عیسی سن دیوب
 قوتی ایدوب صباح عیسی علیه السلام ای بکت پادشاه واروب قیزی کز دومه دیلکه کلدی دیوب
 واروب اویل دید کده دوکوب قوولوب محزون کلد کده یارین تکرار واراسته دیوب وارد کده یته دوکوب
 سوکوب کلد کده یته یارین وارایل سکا قیزی شوشر طله ویرمه بر سرای طولومی سیله زرو انواع جوهر
 ویره سن دیوب کرکدرستدخی نوله آدم کوند و تسلیم ایدیم دی دیدی واروب دید کده عیسیله پادشاه بویه دیوب
 بکت دخی اویل دید کده یانجه آدمرا یله کلد کارنده قدرت حقه جله سن حاضر بولوب پادشاه کوند و کده
 قیزی ویردی کویکو حیران اولوب یاروح الله سن بومر تبه لره فادرکن نه خوش فقرا و زره سن دید کده
 بن محبت الهی قلیده برک و اشوقانی بی باقی ایچون ترک ایتمه در دیکین او بکت والده سن و خاتون
 براغوب عیسیایه قوشیلوب حواریونه کلد کلرند عیسی علیه السلام سزه کزدیدیکم بوا دی دیوب یته زمان
 او بکت وفات ایدوب تابوته کلد کده حضرت عیسی علیه السلام کوروب دعا ایتمکین حیانه کلوب قفتانلرن
 کیوب تابوتنی کورورور ایدوب واروب ایچیزمان یزایوب اوغلا بختی دخی طوغدی (احیاء بنی) لبایده
 مذ کوردرکه رعایان عشر جمع ایدیم برکته نک قیزی وفات ایدوب برکجه دفعه کده عیسی علیه السلام
 دعاه ایتمکین حیانه کلوب یسایوب ایدوب واروب اوغلا بختی دخی طوغدی (احیاء صام بن نوح بنی
 علیه السلام) یته لبایده مذ کوردرکه عیسی علیه السلام بر فاج موتی احیاء ایدیم بکتی خلق کوروب یقینه
 وفات ایدنلری احیاء ایدورسن جائز که سکتهمی ضمه اوغرامش اوله لرقدماء موتان صام بن نوحی احیاء اید
 دیکین اتفاقه قبرنه واروب دعا ایتمکین قبردن جیقوب باشی اغارمش کورلد کده ای صام باشک نیجه اغار دیکه
 سزک زمان کزده صاج صقال اغارمتی بوغیدی دیوب اودخی سز بنی چاغرد کده روح الله جواب
 ویردی ویرند ایستدم قیامت قویدی صانوب قورقن باشم اغاردی دیوب عیسی سامه حالت نرعدن
 مورد کده وفاتندن اول زمانه دل درت یلک یلک کشیکن یاروح الله جان آجیبی المی حالو اغازمده
 باقیدر دیوب انده حاشا ایلرله ای قوم عیسیای تصدیق ایلک که صحیح یغمبر در دید کده خلق کیم ایمانه کلوب
 کیمی دخی تکذیب ایدوب بو کوردریک کجهر دردیو کافر و طریق حقدن نافر اولد یلر * تفسیر ابو السعد و دده
 اشبو کلاب بو کوردریک کجهر در بزه بر معجزه کوردر دیو خطاب اید کارنده یافلان سن بو کون او بکده
 شومقوله طعام یلک شومقوله نسته صقلادک دیو خبر ویردی یته لبایده قرطیدین مر ویدر که عیسی احیاء
 موتی اید کده خلق بر معجزه دخی استیوب اولریمزده نه یوب نه الیقورز انلردن خبر ویردیمکین هر بر یته
 عیسیله خبر ویردی (احیاء عزیر) تفسیر ابو السعد و دل بر محمله عیسی علیه السلام عازری و ابن العجوزی
 و بنت العاشری و صام بن نوحی بر محمله دخی سامی وایکی ارایله بر خاتونی و بر قیزی احیاء ایتمه در دیوب
 لبایده ابن العجوزله بنت العاشرا راستنده عزیر دخی ذکر اولوب * عرایس تعلیده مذ کوردر که عیسیایه
 یهودیلر بزه عزیری احیاء ایلر بوخه سنی آتیه بقارز دیوب زن ابی اهب کیم حلاله الخطب اولد کارنده وارک
 مبتنی کتورک دیوب طاشدن تابوتی قباغنی فاله رمقدن بجزله کلوب عیسی علیه السلام بر کاسه صو ویروب
 بونی تابوته صاحبک دیدی ایلد کارنده قباغ آچلوب انبیانک جسملری چور یامکین کتوریلوب عیسی
 کفتلری چقاروب چنانه کیم صودن مینه صاحب احی یاعزیر باذن الله دید کده فی الحال جانلنوب
 قالدی او توروب خلق کوردر کارنده یاعزیر بو کشدیک حقدنه نه دیرسن دیوب اودخی اشهدانه عبد الله
 و رسوله دید کده یته خلق یا عیسی دعا ایلد که عزیرم ایچیزده حیاتنده طورسون دیوب عیسی علیه السلام
 یوق بونی همان قبرنه ایلنک دید کده فی الحال وفات ایدوب قبرنه ایلنک یلر بو معجزه بی کوردرک نیجه می عیسیایه
 ایمان کتور دیلر (احیاء صام بن نوح بنی علیه السلام) کشفاده مذ کوردر که برکون حواریون نوایدی
 بزه سفینه نوحده حاشا اولنلردن برینی احیاء ایدیم بکتی سفینه احوالی بزه خبر ویردی دید کارنده عیسی علیه
 السلام بونلر یله کیدوب براویولک یانه واروب ایچندن برقبه طبراق الوب ایسته بو کعب صام بن نوحدر
 یه فی آنک طبعیدر دیوب عصایله او بکو چالوب قم باذن الله دید کده فی الحال جانلنوب باشندن طبراق
 صحبه رق بردن جیقوب بیر صورتنده کورندی وفات اید کده بویه میدک دیوب یوق بکت ایدم لکن

نهدی قیامت قویدی صانوب خوفدن قوجالدم دیوب عیسی علیه السلام سفینه نوحدن بزه خبر ویردیوب
 صام دخی سفینه نک طولی یلک ابکیوز عرضی التیوز ذراع اولوب او ج طبقه ایدیکه برنده وحوش و دواب
 برنده انسان برنده طیور و طوور ایدی دید کده عیسی علیه السلام عبد باذن الله کما کنت دیکین فی الحال بناء
 جسمی خراب واولکی کیم تراب اولدی * عرایس تعلیده سوال سفینه ایچون احیاء ایدیمک صام بن نوحدر
 دیوبن عیسیایه مصلام ویدر و الله اعلم (احیاء مردوزن) یته عرایسده مذ کوردر که عیسی علیه السلام
 بر مقبره یانندن کچد کده اوزرنده برکسته کوروب صورتده خاوغدر که حسنا و موافقه اولوب انده بر امانتم
 واردر حیاتنه سزدن دیو چالیدرم دیکین عیسی علیه السلام آیدست آلوب ایکی رکعت نماز قیلوب دعا
 اید کده قبردن یانمش اغاج کونوکی کیم برسیاه آدم جیقوب سن کیمسن دیوب یار رسول الله در تیریلدن
 برو عیسیایه حق تعالی بنی دنیایه رد ایدوب عرویره امر نه مخالفت ایتمه که عهد ایدیم بنمچون دعا ایلد
 دید کده عیسی بونی اسر کیوب دعا ایدوب وارامدی دیوب شاد و بر مراد کتد کده قبرنشین اولان مرد حیرن
 یار رسول الله خاتون قبرنی یا کلشم دیوب بر قبر دخی کورسروب عیسی آید دعا اید کده حسنا و مستشفا بر تازده
 خاتون جیقوب زوجی و جاسیله دنیاده طوره سنه تکرار دعا ایدوب بعده زوجی الینه یا شوب کیدوب
 براغاج کولکه سنه واروب باشی خاتونک دیرنه قووب او یوبوب بوحالده شهمزاده اورادن کجوب عورته یا قوب
 بری بر یته تشق و تعلق و تعلق ایدوب کل دیو اشارت اید کده زوجنک باشی براغاج اوستنه قووب شهمزاده یه
 او یوب کیدوب حریف او یانوب خاتون ارایوب صورتده بولوب طلب اید کده شهمزاده بویم چار یه مدد و دیوب
 عیسی علیه السلام آنره اوغرا یوب اول حریف غم الیق شکایت و احوال حکایت اید کده عیسی علیه
 السلام عورته سن نه دیرسن دیوب بن بو کسنه بی بازم شهمزاده نک چار یه سیم دید کده عیسی علیه السلام
 پس سکا ویردیکمزی یته ویردیوب نوله ویردم دید کده دوشوب جان ویردی عیسی علیه السلام هیچ برار آدم
 کوردریکمیکه کفرله وفات ایتمکین حیانه کلوب ایمان نصیب اوله بر عورت کوردریکمیکه ایمانه وفات
 ایتمکین حیانه کلوب کفرله وفات اید دیدی نه و ذباله من الخذلان و مکر الشیطان و زوال الايمان
 (قصه حواریون) تفسیرده اون ایکی کسنه ایدیلر که عیسیایه ابتدا بونلر ایمان کتوروب خواص و اصحابی
 ولدیلر دیوب لبایده اولان تفصیلات اجمالی بودر که برکشتنک خواصنه عریجه حواری دیو حواریون
 آنک جمعی در عیسانک اصحابنه حواریون دینلر دیکینک سفینه اختلاف اولوب بعضا خلوص نیتلر و ندر
 دیوب بعضا اوزرلرنده آثار انوار عبادت اولد یغیر و ندر دیوب بعضا بونلر صیادلر اولوب آق قفتانلر
 کیم کار یچوندر زیر ایاض صحبه عریجه حوردر بر عیسیایه سیاحتنده بونلر اوغرا یوب باقی اولر
 کوروب سز نهدی بالقییلر سز بکا تابع اولور سز خلقی حیات ابدیه و سعادت سرمدیه ایلد صید و قید ایدرمز
 دیوب سن کیمسن دید کارنده بن عیسی این مریم که الله قوی ورسولی یم دیوب معجزه استد کارنده ریاری
 نعمون شکسته کیمکی کیجه در یایه صالمش اولوب بوش جیقوب عیسی علیه السلام تکرار صال دیوب
 صالده ایکی صندل خلقی اوشوب کولجله خقاروب صندلری باله طوله رد قلرند جله سی ایمان کتور دیلر
 دینوب بعضا بونلر کیم یلر ایدیلر که عیسیایه تابع اولوب یاروح الله آجفدق موصادق دید کارنده مبارک
 اللریله بره واروب قدرندن هر بر یچون ابکیشر اتمک جیقوب وایچه جک صو چقاردی بزدن افضل کیمدر که
 سکا ایمان کتوروب استد کیمه شراب و طعام انعام ایدرسن دید کارنده سزدن افضل اولان کدیمین
 و عرق جبین ایلد کیمینا ندر دیکین بونلر دخی اجر نه چروچیمای ایدر اولوب بزر اغارند قریچون حواریون نسجه
 اولنلر دیوب بعضا بونلر آق لباسلر کیم بکار ایدیلر بر پادشاه خلقی ضیافت ایدوب عیسی علیه السلام یله
 اولوب یلکاری طعام اکلمد کده پادشاه خبر ویرلکین چاغردوب سن کیمسن دیوب عیسی این مریم دید کده
 سلطنتی براقوب اقر باسیله عیسیایه اصحاب اولدیلر دیوب مشاهیر علمادن قتال ایدر که جائزدر که اشبو اون ایکی
 کسنه نک بهضی بالقییلر بعضی یو یاجیلر اولوب جله سی اصحاب عیسی اولان حواریون دیکیمه مسیحی اوله لر *
 لبایده بر روایت دخی اولوب یوقار وده ارهام انده یازلشد * تاریخ پر خواننده نیجه موخر حواریون
 چروچیلر ایدیلر که عیسی علیه السلام آنره اوغرا یوب تفسیر کیزی کاهلردن یوبوب اغارنه کمره دخی انتم

ایدی دید که تابع اولش در دیوبند نیچر لدخی دیندر که یو یا جیلر اید بر عیسی علیه السلام انزه او غریوب
دینه دعوت ایدوب مجزه استدکارنده جله اسپاری بر در لورنک طوران کوب ایچنه آتوب هر بری
بر در لورنک بو یاغش جقدقه ایمانه کلدیلر دومیذ کوردور و الواصل بولنک - قنده هر وجهه اختلاف
اولوب ایلاننده لدخی درت بش در لور وایت ذکر اولوب لکن ریسر لک اسمی شمعون الصفا لید و کرمشق
علیدر (منشی علی الماء) عریس تعلیمده عیسی علیه السلام سیاحت ایدور کن اصحابندن اکثریایمنفک
اولین قصیر نام کسته ایله لب دریا به کلوب بسم الله بجهت و یقین دیوب صوزنده یور بوب قصیر کثیر التقصیر
لدخی بسم الله بجهت و یقین دیوب یور ید کده بن عیسی ایله برابر اولدم دیوقایمه غرور کلد کده صوبه یا بوب فریاد
ایتد کده عیسی آنک الله یا شوب چقاروب ای قصیرنه ایلدک کبولیلا اولدک دید کده عرض مافی الضمیر
ایتمکین عیسی علیه السلام نفسکی الله قودینی بردن غیری به قومشن انکیچون سکا غضب ایتدی خطا که
توبه ایله دیوب ایتد کده اولکی حالنه واردی می ویدر که حضرت رسول علیه السلام بعض اصحاب کرام
یا رسول الله ایتدک که عیسی علیه السلام صواوزنده یور ایش دید کلرند نم اگر خوفی لدخی زیاده اولیدی
هوا اوزرنده لدخی یور ردی دیوب یا رسول الله برا کلا مزی ایدک که رسولار مقصراوله لردید کلرند (ان الله
تعالی ابلاغ شانامن ان یبلغ احدا هم) یور مشایری عیسی علیه السلام آنک جناب عزت و کبریای اویله عظیمدر که
هیچ بر فرد کاینبغی آنک عبودیتی عهد مستند کله من (مجزه بجمیه) تاریخ نمیر خوانده مذ کوردور که
برکون عیسی علیه السلام اصحاب ایله سیاحت ایدور کن حصادی یقلا شش برتر لایه او غریوب یا روح الله
غایتده آجهدق ایشوا کیندن قویاروب بیکه اجازت و برر میسر دید کلرند اجازتدر دیوبخی او ایغن اصحاب
قویاروب اکی صاحب طویوب بوتارالا باغن جدمیر الله ملاک صریحدر کیمک اذنیله تصرف ایدر سر دیوب
عیسی علیه السلام دور آدم نیر و ملاک اولنرک حیاتنه دعا ایتمکین هر بغدادی صابی دیندن کیمی ارکیمی
عورت بر آدم جیوب هر بری صوت اعلا ایله بنم نارلامه کیمک اذنیله تصرف ایتدیکر دیوندا ایتد کلرند
صاحب مزععه حیران اولوب بومجزه عظیمه صاحبی کیمدر دیوب عیسی ابن مریدردید کلرند یا روح الله
مزی بلدم معذور طوتک حاله اکیخی اصحابکزه حلال ایتدم دیوب عیسی علیه السلام پی کئی
حقینه نه مز رعنه مز روع شکد کور زیر اسندن اول جم غفیر و جمع کثیر بومز رعنه و رجاء منفعت ایله
مالکانه تصرف ایتد بر عاقبت کورنه ایتدیلر حصر ته قویوب کندیلر سکا لدخی اویله اوله جقدردیوب یور دی
مجزات اخری) تفسیر لسانیده مذ کوردور که عیسی علیه السلام بنی امرا ایله مرسل اولوب دینه
دعوت ایدوب بعد زمان یودوزی الخود قصد اضرا ره اصرار ایتد کلرند رسول مصفی آنزدن اختفا
ایدوب یا خود اول مستحقین لعن ایدونلری بنی بلدا ایتمکین والده لایه سیاحت ایتد کده برقر به ده بر مرد
خفی به قونوب رعایت اولوب برکون صاحب خانه مخزون کلوب صورلدقده بوناحیه لک پادشاهی
وایله هر کون رعایادن برینه قونوب خیرین و سایر امراین اوکسته تدارک ایدر بوکون نوبت بزه کلوب
در غزایه یوقدر دیوب مریم عیسیا به اوغل بوکا دعایله دیوب عیسی لدخی ایدر سم شر اولور دیوب مریم
رام ایتد کده صاحب خانه به دیکه پادشاهک کله چکنه یقین جله قایلین صوابه طولدر یوب بکا خبر
برون دیوب خبر ویرلد کده عیسی علیه السلام دعا ایتمکین نجره زده اولان صوطه ملر اولوب سایر
یا لوده اولان موخری نظیر اولوب پادشاه کلوب یوب ایچد کده اشبو شراب نه لطیفدر رفتی و لایتمکدر
یوب صاحب خانه خلط کلام ایتد کده بویله که جبر ایتمکین اویمده بره تحباب الدعوه یکت دعایله
باشدر دید کده پادشاهک وفات ایتمر بر سوکاو اوغل اولوب آنک حیا قتم دعا ایچون عیسایی کنور دیوب
عایلد کده بوفه کردن وار کل زیرا اوغلوک صفا و برمه شرواقع اولور دیوب پادشاه منت و ابرام ایتد کده
عیسی علیه السلام اگر بن آبی احیا ایدر رم والده ایله بنی استبدیکه مز به کشمه قور میسر دیوب وله
ید کده دعا ایدوب اوغلان صفا و بر ملک خلقی بوی کورد کده پادشاه پیر اولدی یقینه ظلمدن قورتلور
برکن شمعی اوغلور برینه بکوب بابایی کیمی بزه مصلطهی اوله جقدردیوب جله سی صلاح دیوب جنگ
ولوب پادشاه ایله اوغلو قتل ایلدیلر قبل الفتنه عیسی علیه السلام والده سیله کیدوب بوله بالقبیلر

کوروب ضرور باقی اولار و دید کړنده انسان صیدا تمکه کتر منشر د یوب سن کیمین دید کړنده
 بن عیسی ابن مریم دیکین پله می ایمانه کلوب پولداش اولوب حواریون دیکله مسیحی اولدیلر بعد حضرت
 عیسانک احوالی پله خلق ایچنده شهرت بولوب یهودیلر عداوته و قصدا صاعنه بشلادیلر (مجزات غریبه)
 عرایس ثعلبیده مذ کورد که عیسی و مریم افریه دن حقیقوب سیاحتیه کتد کړنده بریودی عیسیایه
 پولداش اولوب عیسی اکا طه آمده منکله مشترک اوله لم دیوب یهودی و له دیوب یهودی یاننده ایکی اعلا واریدی
 عیسانک یاننده بردانه ایدیکنی یلایوب یهودی عهدنه نادم اولدی عیسی غازیلار کن یهودی کندی اتمکتر سنک
 برینی یوب غماز نکره عیسی سنک اتمکتر ایکی ایدی دیوب یهودی بریدی دیوب عیسی طنبیوب
 کیدوب کیچه براغاج دیننده یانیدی ایتسی بر اعایه صا شوب کوزل آچلفه دعا ایدرسم الله شکر ایدر مین
 دیوب ایدرم دید کده کوزینه ان سوروب دعا ایتد کده آچلوب شول الله حقیقونکه سکا بوعی بی بصیر
 کوستردی اتمکتر قاج ایدی دیوب بردن اوق دکادی دیوب یهودی عین ایدوب کتد کړنده بر کوزوم کوروب سکا
 علاج ایدوب صفالور سنک الله شکر ایدر مین دیوب ایدرم دید کده دعا ایدوب کوزوم قالده قد یهودی
 تعجب ایدوب عیسی علیه السلام شول الله حقیقونکه سکا اعای بیصره قعدی قائم کوستردی اتمکتر برینی
 کمیدی دیوب یهودی تکر او عین ایتد کده عیسی طنبیوب بر عظیم ابره قه کد کړنده انکومه یاشوب ایاغم
 با صدیغی بره باص دیوب بوالله واورسته یورید کړنده عیسی علیه السلام شول الله حقیقونکه سکا عی
 و مده قدقه لرن کوستروب واورنده یوریدی اتمکتر برینی کیمیدی دیوب یهودی عین ایتد کده عیسی
 طنبیوب کیدوب وافر جبران کوروب عیسی برینی چاغروب کد کده بوعازلیوب بر مقدار برینی پیشوروب
 ایکسی یوب باقیسته عصایله اوروب تم باذن الله دیکه جبرانک کده سی یوتون اولوب جانلوب
 سکر دیوب کندی یهودی شوب عیسی علیه السلام شول الله حقیقونکه سکا بوعلامی کوستردی اتمکتر
 برینی کیمیدی دیوب یهودی عین ایتد کده عیسی علیه السلام طنبیوب کیدوب بر صغریه صا شوب
 بزه بر بوزاغوب ویردیوب وبرد کده بوعازلیوب بشوروب کو کار برینی قیرماک دیوب انلر برینی ید کړنده نکره
 کوکرتی در بنی ایچنه قویوب عصایله اوروب تم باذن الله دید کده جانلوب چاغردی عیسی
 علیه السلام ای صغریه صا بی بوزاغوبک آل دیوب اودخی هی کشی من کیمین دیوب تعجب ایدوب عیسی علیه
 السلام دخی بن عیسی ابن مریم دیوب بعده یهودی شول الله حقیقونکه بوزاغوبی احیایلدی قاج اتمکتر
 وایدی دیوب همان بردانه ایدی دید کده عیسی علیه السلام طنبیوب کیدوب بر شهره واوروب عیسی
 اشاغینده طوروب یهودی بوقار وسته کندی عیسانک عیسانک الوب خسته لر صفالوب مینلر
 احیایدرم دیوسو یلیوب شهرک پادشاهی چوقدن مر بوض الملقین یهودی سرایه واوروب حکیم کرکی دیوب
 فایوب جیلر پادشاهن وحی اعابای عاجز قومشدر علاج ایدلر نده نقن کورمیدیکنی صاب ایدر دید کړنده
 بنانی میت ایه ده در کوروم دیوب کیروب پادشاهه عصایله اوردقه وفات ایدوب تم باذن الله دیو اوردقه
 فائده اولوب خلق یهودی طوب آصغه ایلنور کن عیسی علیه السلام طویوب وادی پادشاه کزی
 دیرلرسم پولداشی آزاد ایدر مین دیوب ایدر دید کړنده دعا ایدوب پادشاه جانلوب یهودی دارند
 ایدرلر کده یا عیسی بکانه عجب انسان ایتدک والله اولنجیم دل یانکدن ابرایهیم دیوب عیسی علیه السلام
 دخی شول الله حقیقونکه سکا بونجه علامت کوستروب سی آملقدن قورناردی اتمکتر قاج ایدی دیوب
 بردانه ایدی دیوب عین ایتد کده عیسی علیه السلام ایتد یوقدر دیوب کیدوب بر شراب قریه یواغروب
 اوج دانه صافی اتون کر پی کوردیلر که سابقا دفن اولوب بعده حیوانات اشوب بر بوزینه چیقار سنلر
 عیسی علیه السلام اشوب کر بجلر بری بنم بری سنک بری دخی ضایع اولان اتمکتر کیمیدیسه آنکدر
 دید کده مرتکب انواع منکر اولان یهودی منکر والله بنانی من غازیلار کن یدم دیو مشر اولدقه عیسی
 علیه السلام اوجی دخی سنک اولسون دیوب کیدر کن یهودی چا شوب کر بجلری کوزره میوب عیسی
 علیه السلام واز کج بونلرک اوخته هلاک اوله جق آده لر واردر دید کده ناچلر براغوب عیسی ایلله
 کیدوب فی الحال اوج کسه کلوب کر بجلری کوروب ایکینی برینی شهر دن طعام الله کوندروب

او کند کده بولداشز کاد کده آتی قتل ایدوب بومالی ایکیز برابر اولمه لم دیوب شهر کیدن دخی طعما
 زهره تانم آنره لاله اولده قده جله مالی بن آلهیم دیوب زهره قاقوب کلدیکی ساعت قتل اولوب قاتلردخی
 طعما یی دکارتده هلال اولدیلر عیسی علیه السلام اورا به تکرار اوغرا یوب (هکذا تصنع الذین باهلهای) دیوب
 اوچنی دخی دعا ایله دیرلدوب قالدق قزنده دنیا به بر مکر و خدعتدن عبرت المقتین مالدن ذره قدر ایدوب
 کتد کزنده عودی خردنیا پرست آرزوی زهره چون حجر ایله مست اولغین عیسی علیه السلام
 بونلری سن آل کد دنیا و آخرتدن سکا نصیب و نوال همان بومالاردید کده واروب آلوب کونورمک دیلد کده
 ماله بیله بر مکر و بخت و شمس وجودی زیر زمینده منکشف اولوب عیسی علیه السلام بر پره دخی
 کتدی و بوجالره تعجب ایددی (زول مائده) معالم التزییاده سلمان فارسیدن مریدر که حضرت
 عیسی علیه السلام مدن حواریون نزول مائده به دعا رجا ایتد کزنده چول کیوب ایاغ اوزره ال باغلا یوب
 باشن اشاغه صالوب کثرت بکا و لطف حقه اتسکایله (اللهم ربنا انزل علینا مائده من السماء تنکون لنا
 عیدا لا نسا و آخرنا و آیه منک و اوزقتا و انت خیر الرازقین) دیوب دعا و تضرع رب العالمین ایتد کده خلق
 بقار را یکن طومان کی خفیه ایکی بولت اورتا شده بر قیل سفره ایوب عیسی اغلا یوب (اللهم اجعلنی
 من الشاکرین اللهم اجعلها راحة ولا تجعلها عاقبة) دیوب طائفه یی و داهل جود ناظر و تضرع اولوب
 سفره برکت پره ملک رایحه فایحه سی مشام حضار انامی مسک و عود و عنبر کی معطر و مجر ایتدی بعده عیسی
 علیه السلام ایدست آلوب خدای بنده نوازی ایتازه دور دراز بر غافری زیل یوب کریمه و سوز کد از نصکره
 مائده نک اوستنده قدرتدن اور تلبس اولان مندی بی عدیلی آچوب بسم الله خیر الرازقین دیکده کوردیلر که
 سفره نک اوزرنده غایت معجز بر بشمس بالی طورر که اوستنده بولاری و ایچنده قیل قیلری اولیوب باشی
 اوچنده طوزایانی اوچنده سرکه اطرافنده کرات دید کاری پراسه دن غیر جیب سبوات موجود اولوب
 بش دانه اقل دخی وار که برینک اوستنده زیتون برینک بال برینک باغ برینک پتیر برینک باصدمه طورر
 بونلر دنیا طعما ملندن یا آخرت طعما ملندن دیردوشمون صور دقه هیچ برندن دکل بلکه حضرت
 رب العباد محض قدر تلبس عیسی ایجاد ایتد راکل ایدوب شکر ایدوب حواریون یاروح الله بومچزه دن
 بر معجزه دخی کومر دید کزنده ای سمک اذن رب الفلک ایله حی اول دیکده اول بالی باهر الخالق جانانوب
 اوزرنده بولر بیتوب حرکت ایتد کده حواریون قورقوب عیسی علیه السلام استبدیک کزنده به وصوله
 نیچون اباء و عدم قبول کوسرتر من سزه عذاب اوله دیوب عجب قورقوب دیوب بهده یا حکم باذن الله اسکی حال که
 رجوع ایله دیکده یتیم بهمنشکی حالته واردی یاروح الله ایتد اسرا کل ایلت دیک کزنده معاذ الله طلب
 ایدنلر بیسوندیکین حواریون قورقوب عیسی علیه السلام فقیر و مرص و ابرص و جذام و کونورم اولنلری
 چاغردوب (کا و امن رزق الله و لکم اله نساء و لکم البلاء) دیکده فقر او مر ضادن ییک اوچیز نفر عورت
 وار ییوب جله سی طوبوب بالی یتیمه حالی اوزره طورر که بهده خلق بقارلر کن مائده بر عانده کثیر الفانده
 کوکه چکوب اکل ایدن مر بضره شفا و فقیر لغنا یوب آخر عمر لینه دل مرص و فقر کورم دیلر مائده عیسانلر
 بوحالی کوروب نادم و متالم اولدیلر بعده قرق کونه دل کون آشری قوشاق زمانده اینوب فقر او اغنیا
 رجال و نسا صغار و بکار عبید و احرا را و شوب یوب وقت زواله کوکه چکوب خلق باقوب پره دوشن
 کولکه می کور شوروی بهده مائده می ورزقی فقر او مر ضایه مخصوص ایدوب اصحابا و اغنیا بیسوندی و وحی
 خدا کاد کده نیچه غنیلر و ثند و سترالم چکوب بری بر لینه مائده می صحیح کوکدن اینر حق نشه می صانور منر
 دید کزنده جا حدین ملاعین مسلوب الیدین اوچیز و زاونوز اوچ کسکه بر کجه خنر پره و رتنه
 مسخ اولوب صباح هر بری من بله لوده مهملات یوب خلق بونلری کوروب قورقوب عیسیا به التجا ایدوب
 محسوس دخی عیسانی کورد کزنده اغلا شوب اطرافنه چکوب درمان دیلوب عیسی بونلری اسملر یله
 چاغروب بونلر دخی باشلر یله اشارت ایدوب اغلا یوب سولیکه قادر اولوب اوچ کوند نصکره جله سی
 هلال اولدیلر * تفسیر یتیمه قول سلمان اسلوب آخر ایله بیان اولوب مقدمه کرا و لسانه مخالف برلری
 بودر که مائده ده کی بالنسک باشی اوچنده سرکه ایانی اوچنده طوزا اولوب بش دانه اقل و ایدیکه هر برینک

اوزرنده زیتون و بشردانه آنار و بر قاق خرمالو ایددی اولکی کون فقر او مر ضا یوب آثار عظیمه و منافع
 جسمیه مشاهده اولنده بعده شواص و عوام از دحام ایتمکین عیسی علیه السلام دفعه نازعه و مغالبه
 ایچون خلق اراسنده مناوبه ایتد برردی و بعد الانکار مسخ اولنلر اوچیز اوچ یا اوچیز اوچ کسکه ایددی
 عیسی علیه السلام آنلری کوروب وفات ایتلر یتیمه دعا ایتمکین اوچ کوند نصکره وفات ایدوب هیچ برکسکه
 آنلرک جیمه لری بر یوزنده کورمندی یتیمه تصیرده مذ کوردر که مائده طعما منکد و مائده و مائده اختلاف
 اولوب حدیث شریفده بالقرایله اتمکین و ایددی دینوب ابن عباس قواجه اتمکله بالی و هب قولجه اربه
 اتمکین یله بالقرایله کیعب قواجه جنت میوه لری و ایددی عطیه قولجه بر بالی ایدیکه اوزرنده هر تنه تنک
 لذتی و ایددی بعضی قولجه مائده ده ایدن غیر یتیمه و ایددی اکل ایدنلر برروایتده ییک برروایتده
 بش ییک اولوب برروایتده برکون برروایتده اوچ کون برروایتده یی کون نازل اولدی * تفسیر ابوالسعود
 ابتدا احد کونی نازل و انین نصاری او کونی پیرام ایدوب بعده او کونی تظیفه مه تاد اولد قنرینک سی
 بودر * ابن عباسدن مریدر که عیسی علیه السلام حواریون اونه اونه کون صائم اولوب بعده الهامدن نه دیلر سکنز
 دیکل که سزه عطا ایدر دیوب صومی تمام ایتد کزنده نزول مائده دیکل کزنده ملکر کونوروب کوب اوزرنده
 یی اتمکین ویدی بالی اولوب خاقک آخری اولی کی ییوب یعنی جله سی تمام طوبی دیلر کعب دیکد کده مائده
 باش اشاغه اینوب ملائکه آتی برایله کولتا اراسنده اوچوروب آنده اندن غیر جیب طعما ملر و ایددی قناده
 دیکدر که جنت میوه لندن بر میوه ایدی مشاهیر تفسیرده مذ کوردر که بعض اصحاب مائده کافر
 اولد قزنده حضرت عیسی علیه السلام (اللهم عذب من کفر بعد ما کل من المائده عذابا لم تعذبه احدا
 من العالمین و انعم کما تعنت اصحاب السبت) دیوب دعا ایتمکین جله سی بر صباخ خنر بر صورتیه مسخ اولمش
 بوانوب بش ییک نفر یسول ار آدم ایدیلر که ایلر زنده بردانه عورت و اوغلا یق یوغیدی دینوب * تفسیر
 جلالینده حضرت رسول علیه السلام دن مریدر که مائده کوکدن اینوب ایچنده اله اتمک اولوب
 خیانت اولوب ایتیه نسته الیه و تمامه امر اولنده قده عل ایتمانلر قرده و خناز بر صورتیه مسخ
 اولدیلر * تاریخ میرخوانده مائده نک سفره سی صافی التوندن طوی و عرضی قرق ذراع اولوب درت
 پایه سی و ایددی دیومذ کوردر و الله اعلم (معجزات متنوعه) تاریخ میرخوانده سلمان فارسیدن
 مریدر که عیسی علیه السلام نصیین شهرنده متکبر و جبار پشاه ستمکار دعوتنه مأور اولد قده
 واروب حواریون بهزدن کیدر که پشهر واروب الله تعالی نک قوی و رسولی و کلمه سی عیسی علیه السلام
 سزمتوجه اولدی دیوندا ایددیکده ایچلرندن یعقوب بن کیده یم دیوب حضرت عیسی علیه السلام
 نوله کیت لکن یتدن تبرا کوسترن ایتد اس اوله حق سن دیوب بهده یتیمه ایچلرندن تومان اجازتله یله
 کیدوب حضرت عیسی علیه السلام یا تومان تقدیرده بویه در که عن قریب من بر بلایه اوغره به من دیوب
 شمعون دخی یاروح الله اجازت و بر سرک بنده کیده یم شوشر طله که وقت اضطرارده سزی چاغردیفه
 نظر کر در یخ ایچمه سز دیوب بعد الاذن اوچی دخی شهره واروب شمعون طشره ده طورر بولداشلر یتیمه سز
 کیروب ندا ایلک ضرر ابریشور سه بن سزی تخایصه چاره ایدم دیوب بهقبوله تومان شهره کیروب یعقوب
 ندا ایتد کده خلق او شوب مئادی قنقکزد در دیوب یعقوب انکار تومان اقرار ایتد کده تکذیب اولوب
 اول قوم مقدمه عیسی علیه السلام ایله هر میی خلاف واقع اوصافله ایشیدوب سو ظن ایتمکین حاشا طعن
 ولعن ایدوب تومان محنت توأمانه مسلوب الامانی پادشاهلر یتیمه ایتدوب شاه کراه بونک المارین ایاقلرین
 کیدروب کوزلر یتیمه قزمش میل چکدروب من یله به براغوب شمعون هدایت نمون ایشیدوب شهره کیروب
 اخشاء حال و حسن تدبیر و آل ایله پادشاه ملازمت و واصل درجه منادمت و مصاحبت اولد قده برکون
 ایتدیکه لطف کزندن و جانیدر مکاششو کسکه دن بر قاق نشه صورتیه اجازت و پره سز دیوب پادشاه نوله دیکده
 واروب ای کئی سنک موزلک ندر دیوب عیسی علیه السلام الهام لک قوی و سولیدر دیرم دیوب صدق کلامکه
 دلیل ندر دیوب جیب مر ضایه علاج ایتد دیکده طیبیلر ده بوکا قادر لر در غیر علامت واری دیوب خلق
 اولرنده نه ییوب نه صقلار لسه خبر و بر مکن دیکده کاه نلر ده بوکا قادر لر در دخی علامت واری دیوب

بالجهدن قوشلر صورتن دوزوب اوغورد کده جانلقوب اوچق ديدکده ساسرلر دوزوب کافادرد دخی علامت
 واری دیوب سینلر احیا ایدردید کده شعون پادشاهه باقوب بومسکین عظیم دعوالیده یور میت احیایی الله
 تعالی نه وهجه طریقه ایسیایه مخصوصه دوزوب ساسرلر کذا ایلر ایسیایه صادق ایسه عیسایی یاغردوب
 موره لک انکار ایدر سه بوکشی به انواع عذاب ایدر لم واقعا میت احیای ایدر سه اوغورد اهر بعید دراکا ایمان
 کتوره لم دیوب بوسوز پادشاهه خوش کلوب عیسایی کتوردوب شعون مفصله موروپ حضرت عیسی
 علیه السلام اقرار ایدر کده امادی صادق ایست شفای مرضی ایستد او کوندر دیکل آدمکده
 تجر به ایدر لم دیکین عیسی علیه السلام تو مانک کسان اللرین ایا لیرین برینه قوب اوزر بته ایله سور کده
 قشوب کوزلرین دخی ایله میل کده روشن اوغین شعون پادشاهه باقوب بوعلامت نبوته دلیلدر دیوب
 بعدد یا عیسی مجسمه زده اولنر بوکجه اولنر نه بدیلر نه صفلا دیلر خبر ویردیوب جله سندن خبر ویر کده
 بالجهدن یرسه تکلیف ایدوب ظهوره کتورد کده شفاه مرضی تکلیف ایدوب جمیع خسته لر صحت بولده
 احیاء میت دخی تکلیف ایدوب سام بن نوحی همین ایدر کده یوقاروده تفصیل اولنر دخی اوزره احیا
 ایدوب حقیقت رسالت عیسایه شهادت ایدوب فی الحلال وفات ایدر کده شاه وسپاه بومعجزاتی کوروب
 عیسایک مرسل من عند الله ایدیکنه صدق وایقانه ایمان کتوردیلر (قصه حبیب نجار) تفاسیرده
 (واضر بام ملا احباب القرية اذا جاءها المرسلون اذارسلنا اليهم انذين فکذبوه ما فعزنا بالشا) آیتده
 مذکوردر که ولایت شامده انطاکیه شهرینک خانی عبده اصنام اولغین انلری ایمانه دعوته حضرت عیسی
 علیه السلام حواریوندن یحیی ایله یونس ایله یسایه یهودی یاغری احوالیکی کسینه یی کوندروب شهره
 یقلاشد قنرند حبیب نجار اولوپیری کندونک قیو یقلاش کور کوروب حبیب بوتلری صوروب خبر
 الوده صدق کتوره علامت کتور واری دیوب شفاه مرضی وبرا اکه وایر ص دید کتورنده حبیبک ایکی سید نبو
 بر مرضه مبتلا اوغولوی رسوللر مسیح ایدوب صفالده قده حبیب لیب ایمانه کلوب خانی ایشیدوب رسوللر
 الندن نیچه خسته لر صفالوب کیدر ول پادشاه ایشیدوب بزم صفر یزدن غیری سکر یلر کزی واردوب رسوللر
 بی وارد دخی وصف یکی برادن الله منزله عن الاشباه درید کتورنده شاه کراه منزل حال کتورده تفکر و تدبر
 ایدیم دیوب بوتلر کتور کتورنده آردلر نه خانی اوشوب بوتلری دوزوب یاخود حبس ایدوب بعدد عیسی
 علیه السلام شعونی کوندروب تبدیل صورته کلوب پادشاهک توبه ایله اوشوب بعدد پادشاهه مصاحب
 اولوب برکون شعون پادشاهه ایشتمه ایکی کسینه حبس ایشتمدن دید کار بیی اکلادکی دیوب یوق
 غضب مانع اولدی دید کده شعون انلری کتوردوب سزیم کوندردی دیوب شول الله که شریکی اولیوب
 جمیع اشیا نیک خالقیدر دید کتورنده مختصر جه وصف ایلات دیوب (یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید) دید کتورنده
 مرسل اید و کتوره علامت ندر دیوب پادشاه نه استرید کتورنده والده سندن کور طومش براوغلان
 کتور یلوب دعایه کتورنده کوزلری پری یارب یلوب بعدد فندق قدر ایکی سنه آلوب کوزلری برینه
 قورده قنرند عاقبه کوز اولوب شعون پادشاهه دوزوب سن دخی مبودلر کدن بولده علامت لظه ویرن رجا ایله
 تا که انلر وسکا کلی شرف حاصل اوله دیوب مقدما شعون پادشاهک قلبی تسخیر ایدوب در بجه ایمانه
 کتورمکیچون حسن تدبیرله کلبه یله گربوب انلر انواع کفریات ایدر کتور شعون نماز قیلوب قلبندن
 قضرع خالق کائنات ایدوب کافر لاتی صفه عبادت ایدر صاندق بینه بنه حالا پادشاهه شعونه بنم سندن
 کیزلر مرم یوقدر بزم مبودلر یز کورمن ایشتمز نفع وضره متعلق ایش ایشیدید کده شعون رسوللر
 دوزوب منزل و بکرمیت احیاءه قادر ایسه اکا ایمان کتوره لم دیوبیدی کوندرنبر وفات ایش براوغلان
 کتوردوب رسوللر دعایه کتورنده جانلقوب قالفوب شاه وسپاهه بنی جهنمدن بدی دره یه قودیلرین
 وایست کزیدن سزیم تحذیر ایدرم لطف حقه ایمانه کلک ایچون ایمانه کاکوز دیوب بعدد کولر قومی
 آخوب خوب روی وفرخنده خوی برتازه بکت کوردمکه بواج کسینه شفاعت ایدر دیوب اول کسینلر
 کیدر دیوب پادشاه صوروب شعونه اشبور رسوللر درید کده پادشاه تعجب ایدوب اوغلانک سوزی تأثیر
 ایدیکنی شعون کالوبوب پادشاهه نصیحتلر ایدوب پادشاهه نیچه کسینه ایمانه کلدیلر نیچه معتبرانده

وهله کعب قولنج پادشاه ایمانه کلوب قوی اتفاقیله رسوللر اوچنی دخی قنله عازم اولد قنرند حبیب
 نجار کلوب کفاره نصیحت ایشتمکین حبیبی شمد ایدیلر دوزوب علی کل حال کفار لک کتور یا جله می کفره مصر
 و ایمانه غیره قنر اولغین صیحه جبرآ میل ایله جله سی هلاک اولدیلر * تفاسیر او السعوده که اردن اکر پادشاه اگر
 غیری بر فرد ایمانه کلدیکنی احتمال اظهردر زرا ایمانه کله لردی قنر نده نوعا اشارت اولنوردی مکر که پادشاه
 ایمانه کلوب قوی خو قنندن اظهار ایمان اوله * تاریخ میرخوانده رسوللر احیای ایدیکنی میت
 حبیب نجار لک اوغول ایدی دینوب تفاسیرده (وجاه من اقصی المدينه رجل یسعی) آیتده رجالدن مراد حبیب
 ابن اسرایلدر که اغاچدن صخری یا غنین حبیب نجار دیکله ایشتمار بولمشر آخر زمان یغره بری ایله
 اولنرند التیوزیل وارایکن اکادخی ایمان کتورمشر و بعضلر دیدلر که بر مغاره ده عبادت ایدر کتور عیسایک
 رسوللر یی ایشیدوب کلوب دین حق اظهار ایدر کده کفار اشرا سن بزم دینزه مخالفتی ایدر سن دیوب
 حبیبی ایا قنرله چکنیوب باغرسه قنری مقعدندن چیقوب یاخود طاشلیوب یاخود یوقوب علی کل حال
 شهید ایدیلر به ضرر قولنج کافر لک حبیبه هجوم ایدر کتورنده حق تعالی اکی کوکه چکوب چینه قودی *
 مر ویدر که کافر لک بونی هلاک ایدر یور کتورنده عایده جک برده یارب قومه هدایت ایله دیو خیر دعا ایدردی
 مقبره سی انطاکیه بازارنده در قتل اولنرند قده حق تعالی کفاره غضب ایدوب صیحه جبرآ میل ایله جله سی هلاک
 اولدیلر حضرت رسول علیه السلام یورمشر که جمیع امتلرک ایمانده سابق اولوب بر لحظه کافر اوایمانلری
 اوج کسینه در که علی بن ابی طالب وصاحب بن مؤمن آل فرعوندر صاحب یاسین دن مراد حبیب نجاردر
 دیوب مذکوردر نیچه معتبرانده مقدما ارسال اولشان ایکی کسینه نک اسلمی یحیی ایله یونس یاغریس بعضلر
 قولنج تاروص ایله ماروص یا باروص ایله ماروص بعضلر قولنج تومان ایله مالوس در * مهم مات القرا نده
 شعونه بوختادر ثالث دن مراد بواس در که بایله وهب قولنجه رسول ثلاثه صادق وصدق وشلوم در *
 ابن عباس قولنج اوچنی شعوندر (وجاه من اقصی المدينه رجل یسعی) دن مراد حبیب نجاردر بعضلر قولنج
 اسکیمی یاغری یی بر کسینه در دیوب مذکوردر (روایت اخری) تفاسیرده و توار یخده یازیلندن قصه حبیب نجار
 عیسی علیه السلام کوکه چکامزدن اول اواق قنم اولنور اکن تاریخ میرخوانده وهبدن مروی اولان
 کلام مفصل محصلی بودر که عیسی کوکه چکله چکنی ییلوب شعوق خلیفه دیکوب حواریوندن هر برینی خلقی
 ایمانه دعوت برر ولایت کوندر مکه وصیت ایشتمکین بعد از رفع عیسی علیه السلام حواریون عودیلرین
 انواع عذاب مبتلا اولوب خلاص اولد قنرند یحیی ایله تومانی انطاکیه شهرته کوندروب وارد قنرند پادشاهی
 شکارده بولوب ایمانه دعوت ایشد کتورنده یوزد کتور اور دیوب حبس اولنر قنرند وحی الهی ایله شعون
 طوبوب واروب پادشاهک خواسته مصاحب اولوب خفیه زندانه واروب کیرمکه چاره بولده قده امر حقه
 بر ملک قاپولری آخوب زندانچیلر اوینوخواله اولوب شعون محبوسلر ایل بولشوب چیقوب پادشاهه تربیت
 اولنر قده مصاحب ایدینوب بعدد محبوسلری کتوردوب یوقاروده ذکر اولنر دخی احوال مفصلا لظه ویر
 ایدی دینوب بعدد مذکوردر کده پادشاهه بر قاج کسینه ایمانه کلدیکن حبیب شهادت نصکره شعونه
 مسلمانلری شهردن حقار که کفاری هلاک ایشتم کدر دیوب وحی الهی کلدیکن مسلمانلر ایله کیچه شهردن
 چیقوب کیدوب صباح اولد قده جبرآ میل علیه السلام شهرک دروازه سنه کلوب ویا حصار قبوسنک
 قنادرینه یا شوب بر نعره اورده کده کفار نایاک زهرملری چال و جله هلاک اولدیلر (رفع عیسی علیه السلام)
 بوقصه نک سبینه خصوصا کیفیتده تفاسیر و توار یخده اقوال کثیره اولوب * ابن عباسدن مر ویدر که
 یهودیلرین رجاعت عیسایه و والده سنه سو کد کتورنده عیسی علیه السلام انلر بددعا ایشتمکین جله خنر بر
 صورته مسخ اولد قنرند یهودیلر حاکمی یهودا بوالد قنر قورقوب جله یهودیلر قتل عیسایه عزم ایدوب
 بر کون اتناقله واروب بعض کسینه لصوروب اشاء کلامه کافر لک غضبه کلوب قتل ایشتمکه هجوم
 ایدر کتورنده امر حقه جبرآ میل علیه السلام حضرت عیسایی برارده یا ایلنوب قوب اوده نک یاچه سندن
 کوکه چکوب یهودا ملعون قلیت یوس آدلوا دمیسنه عیسایی قتل کیدر دیوب یاچه دن کیر کده ایچروده
 اراوب بولده میوب بعد زمان طشره چیقده بولدم دیوب اکن قدرت حقه عیسی صورته دوز کین

عیش و موی و عیسایان در طوبی و فریاد نه عمل اولیوب قتل و صلب او اندی * خصا کندن مرید و در که
یهودیل قتل عیسایه عزم ایند * کزنده حواریون بر چار طاقده جمع اولوب عیسی علیه السلام بفرمودن
ایچرو کیروب شیطان لهین یهودی دینه خبر ویرمکین درت نقر یهودی خبر بد اختر قویه کلوب عیسی علیه
السلام حواریونه کیدر که حقیقوب قتل اولوب چنده بکار فنی اوله دید که بریسی اشته بن یانی الله
دیمکین قفتان و دلبند و عصا سن اکاویروب قدرت حقه عیسی صورته دونه کین طشره جیقد قده طو تلوپ
قتل و صلب اولندی بو طرفه عیسی حکمت خدا ایله قناد لوب نور مطلقه * متفرق و کندن اکل و شرب
لذتی کیدوب ملائکه ایله کوکه او پدی بر روایتده اول کسینه عیسایه ندا اوائی قبول ایند کده عیسی کوکه
چکاب کافر لایچرو کیروب اول کسینه بی عیسی صورته کوزمکین عیسی علیه السلام صانوب طشره
سقاویروب قتل و صلب ایندیلر بهضلم قولنج عیسی بر کون حواریونی جمع ایدوب نصایح و وصایا کزنده صکره
بو کجه خروس او نوزدن اول بریکز بکامشکر اولوب بنی بر قاج ایچیه صانسه کر کدر دیوب حواریون
طاعنه قده یهودیلر عیسایی کجه آرکن حواریونک ایمان دن بری اولاندن بری سزه قولاغوزلر سم بکا
نه ویر بر دیوب همان او نوز ایچیه ویرد کارنده آلوب قولاغوزلر قده عیسی کوکه چکاب دلیل ذلیل علیه
لعنه الجلیل انتقام خدا ایله شکل عیسایه دوندلر کین طو تلوپ بن قولاغوزلر کرم دید که دکنیوب صلب
اولوب بعد یونان یوزی عیسایه کوده بی قولاغوزلر بکزر عیسی علیه السلام ایله قانی قولاغوزلر
ایسه قانی عیسی دیو خلق نزاعه دوشوب بینلرند جدال الیم و قتال عظیم اولدی * بعضلم قولنج یهودیلر
عیسایه ظفر بولد قزنده بر مغاره قویوب قدرت حقه بر بوات کاوب مغاره نل حقیقی یارب عیسایی کوکه
چکوب بعد یوقلمه کیرن یهودی شکل عیسایه دوندلر کین طو تلوپ صلب اولندی * نیچه نوار ایچده
عیسایی یهودیلر حواریوندن بوذا یا خود یهودا او نوز ایچیه قیابله سنده قولاغوزلر قده یهودیلر عیسایی
کوندز او ایچنده حواریونله یا کجه قریه بیت اللحمه بر مغاره ده حواریونله طو تلوپ چقاروب حواریون
انکارله قور تلوپ عیسایی یهودیلر ایلله باغلیوب سن احیاء موتی و ابراهیم قانی ایدر ایدل کزنده نیچون
قور تلوپ من سن دیوب او نوزینه کدلر آتوب یا خود مشت ایله او کندن واردندن اوروب قوشاق و قنده صلب
ایتکه دارا ایچنه کتورد کارنده ناکاه باهره عالم قرا کوان اولوب کوز کوزی کورم یوب * لک کراوب
عیسانک باغلرین جوزوب کوکه چکوب قولاغوز عیسی علیه السلام صورته دونه کین قرا کولاقده عیسی
صانوب بن قولاغوزم دیو چاغردیقه دکنیوب قتل و صلب ایندیلر * کن تاریخ قدسده یهودیلر عیسایه
شمر قصد ایند کارنده ذنیایوزی کجه کبی قرا کوان اولوب یلدزلر کور یوب طاشلر یارب اولوب عیسی
کوکه چکوب قولاغوز عیسی علیه السلام صورته دوندلر کین طو تلوپ ایپ طاقلوب چکوب اکر احیاء
موتابه قادر ایلک نیچون کندیکی قور تلوپ من دیوبوزینه تو کربلوب اوستنه دکنلر و چالیر آتوب بن
قولاغوزم دید که عمل اولیوب اصلدی الی ساعتد صکره حضرت هر یک عیسی او غلویوسف نجار
یهودیلر پادشاهندن جید مصلوپی عیسی اولق ظنیه ایستوب اولوب کندی نفسیچون باید ریقی مقبره
دفن ایندی (متفرقات) تفسیر بابده نیچه علما قولنج عیسی علیه السلام کوکه چکاورکن وفات ایدوب
و هب قولنج اوج ساعتدن ابن اسحاق قولنجیدی ساعتد صکره حیاته کاوب بعد کوکه چکاب ربیع
قولنج وفات ایتمیوب بلکه او یورسکن چکاب لکن ابن عباسدن روایت صحیحه اوزره وفات ایتمیوب
و او یوما یوب او یانی ایکن چکاب شدردینوب معارف قتیبه صبا حدن اوج ساعت کجده چکامشدر
دینوب تفسیر جلایله مذکور در که قصه رفع ماه رمضان لیله قدرده قدس شریفه واقع اولوب عیسی
علیه السلام او نوز اوج باشد ایدی * مریدر که بروت کاوب کوکه چکاورکن والده بی مریم کوزم نوری
قنده کیدرسن دیو اغلیه رق صاره شد قده ای والده قیامده یواشور دیوب چکادی (فضائل و خصایص)
نیچه معتبر اینده مراجع کندیکم کجه اولکی کوکه عیسایی اورتی یول و جامدن هنوز جیقمش * کبی
قرمزی بکزلو کوردم دیو حضرت رسولدن مروی اولوب مؤرخین دیملر در که عیسی علیه السلام اعظم
ایازم یسین و اولوالعزم کزندن اولوب اکثر علما نصریه و نهجیه ایچلر در که انرف اشرف انبیاء کرام

حضرت محمد و ابراهیم و موسی و عیسی و نوح علیهم الصلوٰه و السلام در حق فوایح * کیده حضرت
ابوهریره سید الانبیاء خسته نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد در دینوب * مریدر که عیسی علیه
السلام قدسده قریه بیت اللحمه اسکندر رومی کد داویه علیه سندن التمشیش ییل صکره وجوده کاوب
حسن بصری قولنج اون اوج بهضلم قولنج اونیدی یا کیرییدی یا شنده پیغمبر اولوب او نوز اوج باشد
ماه رمضان قدر کجه بی کوکه چکادی * معارف قتیبه اون ایکی باشد بلذلیل قریه ناصره شهرنده
کو کدن کاب انجیل نازل اولوب یوسیدن امتنه نه اری دیرلر کوکه چکاد کده قرق ایکی باشد ایدی دینوب
تفسیر انوار السعدیه ابن عباس قولنج اونوز باشد پیغمبر اولوب زمان نبوتی جله او نوز ای اولوب بعد کوکه
چکادی دینوب * کاب ملل و فخله مدت دعوتی اوج ییل اوج ای کون ایدی دیومذ کوردر کشف
کشف انجیل او نوز بش سوره اولوب ایچندن بریسی سوره الامثال ایدی * شرح مقاصده انجیل
اسان یونان اوزره ایدی دینوب شیخ الکمال و صایای امام اعظم شریف * مریدی ایدی دینوب شهر حضرت
اون اوچنی کجه بی نازل اولدی دیو کتب * دینده بر حدیث شریف وارد تفسیرده * مذکور در که
حضرت عیسای مقرب محض امر رب ایله بلا طوع و غیب کلمه الله دینوب بر لقی دخی مسیح در عیانجه
شیخادینوب معنای مبارک دیکدر عیسی علیه السلام ایسه ایشوع لفظندن معریدر بر لقی دخی روح الله
اولدنی احیای موتی یا احیاء قلوب ایندیکچوندر بعضلم روحدن مراده لک واسطه سیله ظهور عیسی ایل
بشارت اولان وحی در دیوب بعضلم در که برنسته مدح اولند قده روح در دینک عادت اولوب عیسی
علیه السلام خنی نطفه من مجرود نفخ جبرائیل برادغین روح دیدیلر * تاریخ قدسده عیسی علیه السلام
شعبه عبا کیوب برده بین بانانی یوب احیاء ناولده بی ایشلر ایکی ایملک بهاسن یرایدی دینوب کشفده
مذکور در که حق تعالی (یا عیسی ابن مریم اذ کرمتی علیه و علی والدتک اذ ایدتک روح القدس)
دیوب و در قد صکره عیسی علیه السلام شکر نم خدا ایچون دأتم عبا کیوب اغاج یراقلندن غذا
ایدینوب برنسته بی اصلا ایرتیه صقلامیوب کل یوم مع رزقه دیوب توکل رب فتاح ایله اراضی قدسده
اکثر یا صیاح اولوب مال و منالی و اهل و عیالی و منزل و داری و امباب و طواری و ایوب کمال ترزد و تجرد
اوزره ایدی (ع) درویش هر یکا که شب آمد مرای اوست * مضبوطه طباغ و طاشده قوریده باشد
سفر و حضرتده هر نه یرده اخشام اواسه آنده آرام ایدوب بلالو بره قشامده اولزدی بعض معتبرانده
مذکور در که بر کون حجازده کرکن عظیم بغمور طو تلوپ التجا ایدیه جک برنجور و بناو ایوب عاقبت بر مغاره
کور یوب واروب کیرمک دید کده ایچندن برارسلان اییلان جله ایدوب * کیرمکه قومده یارب جله
مخلوقا ککن مسکن و مأوا سی و مأمن و ملتجایی اولوب آواره بی مکان بیچاره محنت نشان عیسی قولنج کیدر
همان دیومناجات رب العزه ایند * کده وحی الهی ایله انواع تسلیت اولندی * تفسیر کبیره (اذ ایدتک
روح القدس) اینک معنای بودر که جبرائیل علیه السلام عسانک باشند اکثر احوالده دورا و امغه
مامور اولندی دینوب * تاریخ میرخوانده مذکور در که یو کدن طاقیه و قفتان کیوب انده عصا ایل
داغما بیاده جه سیاحت ایدوب هر نه یرده کجه اولسه قوری برده و آچق یرده طاش یا صدانوب قلب
شریفنک کمال غناء سندن و محبت الله امتلا سندن جمیع دنیا و مافیها نل وجود و عیسی علیه السلام و الی الابدی
اتک ید کده طهارق اوستنه قویوب یردن اولوب یوب طعام و لباسدن اقل ذلیل ایله کتفا ایدوب (نظم)
دارنده چون بیا قدر * اوله جک جانیه بودنی چوقدر * دیوب یورزدی بر * کون حواریون بیاده لک
المن جک یوب بر مرکب آسه کزید کارنده بهاسنه قادر دکنیچون حواریون بر مرکب آیدو یوب اوزرینه
دینوب کجه اولد قده قاپ بر یفته انکی و صوفی فکری کک کین یه حواریونه و یوب بن شول نشسته لردن
بیزارمکه قلبی کندیوه قید ایدیه دیدی یه بر کون حواریون اجازت ویرکده سزه سکنی ایچون برخنه بنا ایدیه لم
دید کارنده بن شول سرای بی وفای نیلر مکه عزم دراز اولورسه شراب و هالاکت عزم آزار اولورسه ایلا کمال
اوله دیوب حواریون محبت غم و اوباده ابرای * حدن بیرون ایند کارنده عیسی علیه السلام لب دریا به واروب
اشبوم و ج زاخر اوزره بر خانه فاخر بنا ایلان دیوب موج اوستنده بنا ایلان باز با که وجوده دخی کزید کارنده

دنيا اليه آخرت حالي بويله در ديويوردي * مر ويدركه بركون برطاش ياصداغش ايكن شيطان كاوب
 باعيسى سن صانورسكه دنيا دن بر نسنه به علاقه لاناو با به بوطاش دخی دنيا دندردید كده عیسی علیه السلام
 قاقوب اول طاشی بی تردد و تحاشی شیطان كفر قاشی به آتوب هذالك ولعمري ان الدنيا لك واهلها
 خدمك دیدی یعنی اشبو سنك بی قیمت ورنك سنك ایچون اولسون تحقیق دنيا سنك متاعك در اهل دنيا ایسه
 خدام و اتاعك در (نظم) غلام همت آنم که زیر جرخ کبود * زهر چه رنك تعلق پذیرد آزادست (نثر)
 مر ويدركه بركون حواریون یا روح الله سن صواوزنده یوررسن بران دن عاجز سب ندر دید کارنده لیقینی
 بالله دیوب بزخی اهل یقین دید کارنده بولده بر جرحه بر کهر بولسه که قنغسن المغه مائل اولورایدیکزدیوب
 کهره مائل اولور دق دید کارنده امدی سز اهل یقین دکاسز دیویوردي. (ارسال رسل) تاریخ قدسه
 عیسی علیه السلام بعد از رفع اینوب والده سنی اغلاز کوردکده ای والده بنمچون اغله كده الله تعالی
 بی کوکه چکوب بکاخیردن غیری نسنه اصابت ایتدی ممدی دیوب والده سنه حواریونی چاغردوب کلد کارنده
 کندی طرفندن رسالتله جمیع اوامی الهیه بی خلقه تبلیغ امر ایدوب بنه کوکه کتدکده حواریون بر موجب
 امر هدایت غون اطراف عالمه برا کتده اولدیله بعدد ایچلرندن دوت کتده که برینک ایچی متی در بره کاوب
 هر بری بر انجیل جمع ایدوب متی انجیلنک آخرنده یازلدی كده عیسی دیدیکه الله تعالی بی سزه ارسال
 ایتدی کی بی دخی سزی ام عالمه ارسال ایدم بنم ناعله واروب خانی راه الهه دعوت ایلک دینوب * عرایس
 تعلیمده مذکوردرکه مریم ایلینه مریم آدلور خاوند که سابقا دیوانه ایکن دعاء عیسی ایل شفا بولشدی
 مصلوبی عیسی اولقی طنبله دار اغاجنه کاوب اغلاشد قلزنده عیسی اینوب نیچون اغلاز سز الله تعالی بی
 کوکه چکوب بکاخیردن غیری نسنه اصابت ایتما شد بر یو کوردیکز بنم صورقه تبدیل اولمش بر کتده در
 دیوب دیدی کوند نصکره الله تعالی یوردریکه یا عیسی عدوزلک یودیلر سنی حواریونه مراد اوزره وصیت ایتکه
 قوم دیلر کوکدن اینوب انلره واروب بعض امور اصراره فلان طاعده اولان مریم مجد لایمه نام خاوند باشه
 وارکد سکا اندن زیاده اغلامش کتده یوقدر اکاخیر وبرک وفات ایدوب سکا ایتدا ملاقات اید جلا اودر انکله
 حواریونی چاغردوب خلقی دین اسلامه دعوت نیچون اطرافه کوندی * مریم یوره خاوندک قصه سی بودر که انطاکیه
 شهرنده قریم مجد لاندن بر صالحه خاوند اولوب اشراف بنی اسرائیل بونی کاکا خلقی دبدل کلدن مستحاضه
 اولمقین چاچاندن کتده به دیوب چانه لوبولور دی عیدانک هجراتن ایشیدوب واروب چاچاندن کتده به
 دیوب عیسی انک ارقه سنه الین موروب قلیندن حقه نظیر عاید کده شفا بولشدی عیسی علیه السلام رفع
 اولند قدن دیدی کوند نصکره امر حقه کوکدن بوخاوندک طور دینی طاعه ایتدکده قدرت حقه طاع نوره
 مستغرق اولوب اوخاوند حواریونی چاغردوب عیسی برینی رومیه شهرنه برینی آدم بیجیلر لایمه برینی مشرقه
 برینی مغربه برینی طرموسه برینی قدسه برینی حجازولا بنه برینی بررولا بنه خلقی دینه دعوت ایچون که که
 تمین ایدوب بعده کوکه چکوب قنادلنوب بر نور اولوب لذت اکل وشر بی کیدوب ملائکه ایل عرش طراف
 ایدوب انسی و ملکی ارضی و سماوی اولدی (احوال مریم و حواریون) عرایس تعلیمده و بعدن مریدرکه
 سابقا عیسی علیه السلام کوکه چکله جکلی یلد كده حواریونی بری برل یته آخرت قرنداش و ایچلرندن
 شمعونه یحییای والده سی مریمه بولداش ایدوب والده مک یاتندن اصلادور اولمکزدیو اصولغین بعد از رفع
 عیسی مریم و شمعون و یحیا روم پادشاهی مارونه واروب مقدم مارونه الله تعالی بودوس آدلور بیغمبر
 کوند رمش اولوب بولدر دخی وارد کده مارون ضلالت غون بودوسله شعونی قتل و باش اشاعه صلب ایدوب
 مریمه یحیی قاجوب اردلرندن کافر یتشوب و نلره خوف کلی مستولی اولدکده قدرت حقه برشق اولوب
 مریمه یحیی غائب و نایدا اولدی مارون عسکر یله کاوب اویری محکم قازدیروب اثر نظاره اولدکده طبرانی
 اورنوب الله امر ایل اولدی یعنی یلایوب عیدانک احوال صوروب خبر وید کارنده ایمانه کادی * تفاسیرده مریم رفع
 عیسان التی یل صکره وفات ایتدی دینوب * تاریخ قدسه مریم قدسه جبل طور زیناده دفن اولمشدر
 دینوب * تفاسیر ایدمه مذکوردرکه رفع عیسان نصکره حواریونه مریدلر بعض وجهله عذاب و عقاب ایدوب
 کارخانه کارداشخوانه ایرشد کده اول ظلم عظیم و جور الیم و طور سقیمی روم پادشاهی طیارش منسحت

اندیش ایشیدوب سنك تحت امر کده بر کتده یودیلره بن مزه الهلک رسوایم دیود دعوت ایدوب اشبو مقوله
 معجزات کوند کده باصوب اصوب حالا بولداش لایمه دخی انواع جفا ایدمه یورلردید کارنده بن عیسانک
 احوال ایشتش اولایم یودیلره برایش ایش اولایمه که تاریخ اولوب عیسایه نمرایر کورمه که قومازدن
 دیوب نیچه زماندنبروی و دیلر پادشاهی روم پادشاهلر سنك تحت كده کتده اولمقین طیارش حواریونی
 کتور دوب عیسانک احوال صوروب بلد کده دین عیسی اوزره حواریوندن بیعت آلوب ایمانه کلدیکنی
 روم خلقتدن صقلایوب عیسی اولقی اعتقاد یله صلب اولنانی داردن ایدوب دار اغاجنی تعظیما صقلایوب
 بنی اسرائیل عقوبت سزا وجهتم جزایه غزا ایدوب ایچلرندن وافر کافر قوب نصاری دینی دیار رومده ایتدا
 یوزمانده ظاهر و معلوم اولدی نصرا نیت دینک اصلی دخی دیار رومده اولدیغش سی بودر * رفع عیسان
 فرق ییل كده روم پادشاهی طاطیوس بن اسپانیوس تختسکاهی اولان ولایت فرنگدن کاوب
 بنی اسرائیل کینی مقتول کینی اسیر و مغلول و غیر و مخدول ایدوب قدس شهر بن غایت ویران و طاش
 اوستنده طاشدن نشان قومدی بعض معتبرانده یودیلر حواریونه عذابلری غایت اسی کونش قوبوب
 بدنلری سوزان و بریان اولد جق مرتبه المرسیده اولوب غایت رشیده اولمقین ایدی دینوب * تاریخ
 مریم خواننده ابن عباسدن مریدرکه عیسی کوکه چکله جکلی بلد کده حواریونی جمع ایدوب نیچه مواظ
 و نصایح و وصایا یلله نشر یف و آخر زمان پیغمبری کله جکدر دیوم فصوله تعریف و توصیف ایدوب بعده
 امر حقه شعونی سزه خلیفه ایتدم دیوب انلر دخی قبول ایتد کارنده بند نصکره ملائکه کرام نوره طولو
 بعض قابلر کتوره جکدر در او نوره بکزه کیدکده هر بریکز بر درلو قومک لغتی یلله که کدر که انلری دینه
 دعوت ایدمه جکدر دیوب وصایا تمام اولدکده حواریوندن بری یودیلره نفاق ایدوب قصه رفع ظهور ایتدی *
 مریدرکه حواریون یودیلر چاچاندن خلاص اولد قلزنده رشیدلری شمعون الصفا بر موجب وصیت عیسی
 هر برینی بر درلو قومی دینه دعوت کوند روم برینی رومیه مغربه برینی ولایت حجازه بعضلر بی دخی
 بعض عمالک کوند روم عیسی خبر ویدرکی اوزره ملائکه نوره طولو نظر نلر کتوروب حواریونه ویدر کارنده
 هر بری دعوتنه مأمور اولدینی ولایت خلقتن ایتدی یلایوب ستمو ستمه کندیلر (ضلالت نصاری) تاریخ
 مریم خواننده ابن عباس قوی اوزره عیسی کوکه چکله کده امقی اولان نصاری شرع قوم و طریق مستقیم
 اوزره مسکان ییل ثابت و مقیم اولوب بعده یولس آدلور بریودی انلری کراه و ضلالتله حاللرین تباه ایتدی
 شو و جهله كده بر راهب عبادت راغب صورنده نصاریه کاوب دوت آیه دلالت کاف ایدوب کتده به
 کور و نوموب کثرت عبادتله نصاریه اعتقاد ویدر کده کار علما کردن اوج کتده بی برر بکا کوندلر تاکه
 اسرار الهیه دن هر برینه بعض نسنه تعلیم ایدیم دیوب نسطور اوامار به عقوب و ملکایی کوندرد کارنده
 بونلر برینه تن ساده بی عیسی امتنه کوند رمشدر یلور سنک عیسی غفوله نسنه ره قادر ایدی دیوب
 اودخی بی دیدکده بویه ایشله الهلک غیری کتده قادر میدر دیوب یوق دیدکده * امدی بلش اولک عیسی
 نکریدرکه کوکدن بره اینوب عالی اصلاح ایدوب بنه کوکه کندی * ایکیجیسنه دخی بویه دیوب لکن
 باش اولک الله تعالی حرکتدن منزله دراما که عیسی الهلک اوغایدر که آتی بر یوزنه کوند روم بنه کوکه
 جکدی * اوچنجیسنه دخی بویه دیوب لکن عیسی بر یوزنک نکریدر که عیسی که خلق آتی قتل ایتک دبلد کارنده
 کیرلنوب یقینده قومی ایچنه کاسه کر کدر بی سزه بوخبر لری اعلام ایچون کوندردی دیوب بومقوله
 هرزه وات و کفریات سوبلیوب بعده صومعه قاپوشی قبا یوب ایچورده کندی بوی بوغاز یوب ایتسی طائفه
 نصاری اول اوج کتده به یولس سزه نه دیدی دیو صوروب دیوورد کارنده برینک سوزی برینه اویمامقین
 خلق اینا غیوب بولسدن بالذات ایشیدیم دیو واروب صومعه بی آجوب بوغازلش کورد کارنده جله
 نصاری اوج فرقه اولوب هر بری یولس لعین تلقین ایتدی کی اوج مذهب باطل كده شعاوردن برینی
 اختیار ایتدیلر (فاختلاف الاسراب من بینهم) آیتندن مراد بودر * بعض معتبرانده صدیقین مریدرکه
 بعد از رفع عیسی نصاری مسکان بر ییل دین اسلام اوزره طوروب قبله به فارشوخه از قلوب رمضان ایتده
 اوج طرئوب یودیلر له ماینلرنده جنک اولمجه بویه طوروب بعده یودیلر دن یولس آدلور بریم سادر

کافر نصارا به حيله و مکر و کرايتم کين بندگی آتی سکیر لوب داشته طبراق صاحب کور و صانسونل
 دیو بر کوزی قیایوب نصاریه کلوب بنی یاویر میسر دیوب بی بردن شوق در کینه قتل ایند سنسن دید کارنده
 رکبک ایتمدم لکن دونه عیسی کوکدن اینوب بنم قوعدن نه ایسترسن دیو بکا بر طبا بجه اوروب
 بر کوزی بقداری بکاتوبه و یروب مسلمان ایتمکین دونه بکاتعلیم ایتمدیکی امور دینی مزه دیک ایچون
 کلام دید کده نصاری اینانوب کیساده نوکابر اوده بایدروب بولس کفر مونس صومعه ده بر ییل صورتا
 عبادت ایدوب احیاناً نصارا به بخره دن بعض نسنه سولیدوب قلوب ناسی کندوب به جذب ایدوب مدت
 مزبورده انجیلی اوکروب بر کون مزه اسرار دن بر دیه حکم وارد دیو خلقتی جمع ایدوب حق تعالی جمع
 اشیا بی براتدیفی انسان اتفاعیچون دیکمیدروب بی دید کارنده پس لیچون شرب خروا کل لحم خنزیری
 کند و کزه حرام ایدر سزدید کده خلقه خوش کلوب سوز یله عمل ایلدیلر بر زمانده دخی جمع ایدوب و نسن
 و قور و فحوم نه طرفدن طوغار لیدروب مشرق دن دید کارنده او طرفدن آنلری کوندون کیدر دیوب الله تعالی در
 دید کارنده امدی الله مشرقه در غازی مشرقه فارشوتیلک دیوب قبله لرین دوندروب بر زمانده دخی جمع
 ایدوب الله تعالی سنک توبه کی قبول ایتمدی دیو بکارنداکادی دید کده خلق اینانوب بوکامحبت اید کارنده
 بواسل عین قدسه کیدوب نسطور آدلو کسنه بی نصاری صورتا تعلیم و ارشاد حقیقه اضلال و افساد
 ایتمک خلقه دیو کوب شاشا عیسی و مریم الله اوج تکر یلدر دیو یلدر یروب بعده ولایت رومه
 کیدوب الله دخی شاشا عیسی اللهک اوغلیدر دیو روم یلدرن یعقوب آدلو کسنه به تعلیم ایدوب بعده ملکا
 آدلو کسنه به شاشا عیسی اللهک کندوسیدر دیو تاقین ایدوب جمع نصارا به کندوب به حسن اعتقاد
 و بر کده نیجه زماندن و قصدله قیادی بی بر کوزی آچوب نسطور و یعقوب و ملکا بی بر بر رتم اچا غروب
 بوکجه عیسی دونه کوردم سندن راضی اولدم دیوب کوزی سیلوب کوزم آجادی پس یارین
 بن کندوبی آنک یولنه قربان ایدرم امدی بن سکا نعام ایتمدیکم دین و آییننه خانی دعوت ایدم بن دیو
 اصیر لوب ابرسی کندوبی بوغاز لوب اوج کوند نصکره نسطور و یعقوب و ملکا نک هر بری خلقتی
 کندوبی مذهب باطلنه دعوت اید کده هر برینه بر طاقه اووب اولارنده جنگ و جدال و حرب و قتال اولوب
 هر طرفدن وافر کافر قیر یلوب قیامتده بوعداوت ایچارنده باقیدر پس نصاری اوج فرقه اولوب بری
 نسطور به درکه عیسی ابن الله دیرلری یعقوب به درکه عیسی هوانه دیرلری ملکا به درکه الله اله عیسی
 و مریم اوج تکر یلدر دیو اوج طاقه دخی کافر اولدیلر مشاهیر تفاسیرده (فاخلف الاحزاب
 من بینهم) آیتنده مذکور درکه نسطور به عیسی ابن الله در دیوب یعقوب به عیسی هوانه در دیوب اشبوا یکی
 فرقه کافر اولدیلر لکن ملکا به عیسی اللهک قوی و رسولی و جاریه سی مریمک اوغلیدر دیکین مسلمان
 اولوب اول ایکی کافر فرقه لری بو مسلمان فرقه سنه غلبه ایتمکله حضرت رسول علیه السلام ظاهر و نه دلک
 عالمده بنام دین اسلام انهدام و انهدام اوزره ایدی دیوب (ان الذین فرقه ایدیم و کانونا شیعا) آیتنده حضرت
 رسولدن هر ویدرکه طاقه بیود یتش بر فرقه اولوب جله سی ناردی یعنی جهنده در الا بر فرقه دکل نصاری
 یتش ایکی فرقه اولوب جله سی ناردی در الا بر فرقه دکل بنم اتم یتش اوج فرقه اولسه لکر کدرکه جله سی
 ناردی در الا بر فرقه دکل دیوب اول بر فرقه کیدر دیو و ولده بن و دخی اصحاب نه نک اوزرنده ایسک آنک
 اوزرنده اولندر دیو و ورمشدر (نصه اصحاب کف) تاریخ میر خوانده مذکور درکه بونلر ولایت
 بونانده سالطرسوس دید کاری افسوس شهرندن ایدیلر بعضی لارنده ساکن اولان جالینوس حکیم حضرت
 عیسا نک ابراه مرضی و احیاء موقی ایدر ایدیکنی ایشیدوب صحیح ایسه پیغمبر اولغین تصدیق و اجیدر
 دیوب نیجه شاکر دل یله عیسیا بولشمغیچون در یادن کیدوب کی ایچنده زحیر مر سندن وفات ایدوب
 شاکر دلری آنک وصیتی اوزره عیسیا و اروب مسلمان اولوب وطنلرینه کلوب خبر ویرد کارنده اهل افسوس
 کفرله بکن زمانزه افسوس دیوب جله سی ایمانه کلدیلر اککن تاریخ الحکاده جالینوس نبوت
 عیسا دن ایکوز ییل اول وفات ایتمد و بیلان کلامه مخالفدر به خلدیمشدر درکه اصحاب کفله افسوس
 شهر بیک سائر خلقتی ایمانه کلامه کفری شمعون الصفا حواری بوندن برینی دعوت دین ایچون اول شهره

کوندرد کده واقع اولمشدر حواریون اطراف عالمده خانی دینه دعوت ایدر کن کفار دن دقیانوس
 شقام ائوس دیار و مدن یا بابلدن ظاهر ایدوب هر اوغرا دینی شهر خلقتی عبادت اصنام به جبر و ترغیب
 و یا بابلدری قتل و تعذیب ایدوب افسوس شهر نه کلامه کده خلقت بعضی انقیاد ایدوب عناد ایدر کیکی ترک
 وطن کیکی اختتام ایدوب کیزل آنلر بعضی بولدروب سیاست ایدردی بیرام کوتنده شهر دن طشره ده صغره
 قریانلر ایدوب شهر ده کسنه قالمسون دیوندا ایدر یروب اولاد ایمان شهر دن یدی کسنه اولرنده قیایوب
 عبادت حقه مشغوللر کن ایشیدوب کتوردوب ریاسلری مکساینا ایلدیلر و قال و بحث و جدال نصکره
 قتل امر ایتمکده مهلت ایستیب حبس ایتمکده کچه قاجوب بره غاره به وارد یلر بعضی دخی دیشدر که
 افسوس شهر ندمه دقیانوس پادشاه اولد کده شاشا دعوی الوهیت و خلقتی کندوب طاقه دعوت ایدوب
 به دزدان عظیم عدو و ظاهر ایدوب آنلری دفع تدبیرنده بعضی و اولد کده اولاد ایمان دن و مقر بین ملطاندن
 ایکی کسنه تنهاده جمع اولوب دقیانوسده مخلوق اولسیدی عدودن قور خردی پس شدت کیر و حضرت
 خداوند بی شریک و مانده طپالم دیوب دقیانوس لمیندن امین اولی ایچون بر مغاره به کیمکه جزم و عزم
 اید کارنده خفیه یا باری اولرندن کونوره که قابل بض نسنه بکار آلوب تنه یوله کیدوب بر چوبانه
 صتا شوب اودخی ایمانه کلوب قیونلری صاحبیلرینه ایلتوب بعده بونلر یله کیدوب چوبانک کای قطه بر یله
 کلوب بونلر طاش اندازلرنده بن اللهی سزدن اول بلیتمکین بحدر که بی قوار سز تولی بن مزه پاسبان اوله
 دیکین بونلر تعجب ایدوب طعیوب کیدوب چوبانک دلالت یله بر مغاره به کیروب بعده جله دن تازه و چابک
 اولان یلچانی شهر دن خبر المغه کوندرد کارنده واروب دقیانوس دخی عدو سیاه جنگند نصکره کلوب بونلر
 یلدر لینه اوغلار یکرزی کتورک دیو جبر ایدوب نه بره کندیلر بلززدیوب بعده قذنی مغاره به کند کلرین یلوب
 شهر خلقتی بقله کال و نلر دیو چاغر دیوب یلچا بو خبری بولدا شاریته ایلتمکده (حسبنا الله ونعم الوکیل) دیوب
 بکاید کارنده یا قوب او یروب دقیانوس مغاره به کلوب خزینه داری مارنوسه غارده کسنه واری کوردید کده
 کیروب بونلری او یور کوروب چاغر یروب او یانمده قلزنده سابقا مسلمان اولوب خوفدن ایمان صاقلامه فین
 جیقوب اچلقدن وفات ایتمشدر دیکین دقیانوس سونوب مغاره قوسن بایدروب کیدوب مارنوس بوحالده
 سرورب متعال وارد در دیوب صکره کلنره باعث عبرت و مورث خبرت اولی ایچون باقر دن بر لوح او ستنه
 بونلر احوالار بن قازدروب بنالچینه قوب دقیانوس وفات ایدوب هر ور زمان و کور و اوان ایلد ملطنت
 بر مومن و عادله منتقل اولد کده بر چوبان قیونلر نه اغیل ایتمک ایچون مغاره نک قوسن ییقوب لکن
 دهشتندن کیره میوب کندی مزبور اصحاب کف جله اوچیز طقوز ییل متحل او یروب طبراقده
 چور یسولند و امر حقله جبرائیل علیه السلام یلده ایکی کره بونلری بر یانلرینه دوندروب کوزلری دخی
 چور یسولند ایچون قدرت حقله اچق طوروب بعده او یانوب عجب بر کوئی یادخی اسکیمی او یودق دیوب
 نماز یلوب یلچانی خفیه طهمام کتورمک ایچون شهره کوندروب دقیانوس طوع و سون دیو تنبیه ایدیلر
 یلچا غاره قوسن یا یلوب ییقلش کورد کده تعجیله شهره کیدوب انطا کیه شهری اطرافنده بر بختانه
 برنده دین عیسی اوزره کایسا کورد کده تعجی اروب افسوسه کیدر کده ماخص ناسی و آیین و لیامی اسلوب
 سابقه مغایر کورد کده (نظم) و ما الناس بالناس الذین عهدتم * ولا الدار بالدار انی کنت اعرف
 (نثر) دیو هانم و حابر اولوب اتمک الماق ایچون راجه ویرد کده دقیانوس سکه سی اولغین اتمکچی بوکاسن
 دقینه سی بولک دیوب یلچا شاشوب خلقتی اوشوب قاضی به ایلتوب اودخی بعد السوال پادشاهه
 کوندروب یلچانی دقیانوسه ایلتمک دیو یلواروب خلقتی حیران اولوب دیوان سلطانده وارد قلزنده بن
 کیمن دیو و وروب بودخی فلان محله ده فلانک اوغلوم دید کده هی کشتی سن یاد یوانه سن یا حیلده باز سن
 البته طوغر و وید دیوب اودخی مر کدش بن بالتام اعلام اید کده ایشید نلر حیران اولوب شاه و سیاه یلچا ایلد
 مغاره به کیدوب بر اوغردن خوف ایتمسولر دیو یلچا اجازتله مقدمه واروب بولدا شاریته مفصلا خبر
 ویرد کده جله سی حضرت حقه محجده شکر ایدوب پادشاه کلامه کده سابقا مارنوسه قودینی باقر لوج بولوب
 اوقوبوب تعجب ایدوب اصحاب کف فی اسم یله چاغر دقه با شلر بن محجده دن قالدروب پادشاه بونلرک المرن

ایا قلمین او یوب طعما لمر احضار ایدر یوب نوا بهیله ییوب ایچوب بعدده اصحاب کهف پادشاه دعا ایدوب
 بزنی کندی حالیزه قود یوب اجازت اولدقده یاقوب وفات ایدیلر پادشاه یونلری اطلسمدن کفتمله صادر یوب
 صافی التوندن برزنا یونه قود قلمینده بزنی کفتملر کندن و تاوتلر کندن چقار که بزجت کفتملری ایچنده یوزدیو
 واقعه منده شو یلد کلمینده چقار دوب اولکی لاسلریله قودی مغاره قیوسنده بر مسجد ایدر یوب نواشدینی
 کونی بیرام ایدر یوب هر ییل اول کونده شهر خلقیله مغاره قیوسنه جمع اولورلردی * یننه میر خواننده
 مذکور در که شمه دلد کرا ولتان قصه احوال اصحاب کهف بهد از رفع عیسی علیه السلام واقع اولمدر
 دیلر قیلدر برزوا منده یونلر قبل از نبوت عیسی علیه السلام دقیانوس خوندن مغاره به کیر یوب اوچیز
 طقوز ییل او یود قده نصره او یانوب یلیخا شهره کیدوب مسلمان پادشاهه ایلنلوب سوبلد کده علمانی
 کتور دوب مورده اصحاب کهف انجیلده بیان اولنوب عیسی علیه السلام بن کو که چکاد کد نصره
 آنرا یانوب نبوتی تصدیق ایتلر کر کدر دیندر دیکلمینده شاه و سپاه مغاره به کیدوب یلیخا مقدمه
 واروب پادشاه کایوردید کده دقیانوسی صانوب قور قده قلمینده برزقور زمان او یومشوزدر که نواشاده عیسی
 آدلو ییقه بر کاب اولنک دینی شایع اولش دیوب ماجرای حکایت ایتد کده جله می عیسایه ایمان کتور یوب
 اولکی حالیزه وارمغه دعا ایتد کلمینده یننه یاقوب او یوب پادشاه کلد کده یونلری او یور کور مکین
 چیتوب مغاره قیوسن یایدوب بر مسجد بنا ایتدردی و دخی مذکور در که یور وایت ابن عباس قولی اولوب
 ابن احصا قندن دخی می ویدر که دقیانوس وفاتند نصره زمان یکوب بر مسلم و عادل و صالح و صافی دل
 پادشاه اولد قده یونلر زماننده افسوس شهری خلقنک بعضی حشر اجساد و ارواحی و بعضی همان حشر
 اجسادی انکار ایدوب مسلمانلار و احیله اجساد معاصرا و لور دوب بر کون شاه آگاه لاسلر کیوب
 کول دوشوب او یوب قولر یکدین حق اظهار و حقیقت قیامت بر علامت آشکار ایل دیوب جناب
 باری به تضرع و زاری ایتد کین تیر دعا سی هدف اجابت اصابت ایدوب یوقار و ده ذ کرا ولتان وجهه مغاره
 قیوسی آچلوب اصحاب کهف او یانوب یلیخا طعما ایچون شهره کلد کده رئیس شهره بعد قاضی به ایلنلوب
 سوبلد کده رئیس رفائی و جماعت مغاره به واروب قیوسی یاننده قیامت بر کور یوب تپوسن قندرنده
 یونلر مفصلا قصه ری نقش اولش باقردن ایک لوح یانوب او قیونوب مغاره ده اولنلر سوبلد کلمینده
 صحت حشر و نشر بر علامت عظیمه ظهر وایتدی استعجاله کاب کوره سزدیو پادشاهه خبر بشارت
 اثر کوندلر مکین کاب سرورندن اغلاوب حده شکر ایدوب اصحاب کهف الهام رب الانام ایل یننه یاقوب
 نیام اولوب روایت مشهوره اوزره وفات ایدوب پادشاه یونلری اطلسمدن کفتمله و التوندن تاوتلر قیوب
 واقعه منده برزالتوندن برادلیوب طیر اذن برادشوزدر بزنی طیراغه دفن ایلد کلمینده تاوتلر چقار یوب
 طیراغه دفن ایتد یوب بعدده حضرت علام الغیوب اول غارله اصحابی عیون خلقدن یحیی و یحیوب ایتدی
 (روایت آخری) تفاسیر مرقمه ده اولانک محصلی بودر که وقع عیسایه علیه السلام نصره اهل انجیل آ زوب
 عبده اوان و عنده ذوی الطغیان اولد قلمینده دقیانوس جله دن اشد و مسلمانلر خصم الد اولوب الطرافدن
 کتور دوب یاخود کندی اطراف کزوب مسلمانلری کفره جبر ایدوب هر تد او یانلری پاره لیوب حصار قیوسنه
 و دیوارلر نه اصادی طر سوس شهر ینک اعیانی یاخود دقیانوسک و زرای یاخود شهرده صراف اولان
 الی نفر کمنه تنهاد عبادت ایدر اید کارین ایشیدوب کتور دوب ایمانندن دوقد کلمینده یونلری صوبوب
 قیوب موصل فارشونده نینوی شهر یننه کیدرم کلد کده امر مه تابع اولر سکز قتل ایدرم دیوب کلد کده
 یونلر هر بری پدری اولندن بر مقدار سنه آ لوب بعضی صدقه ایدوب بعضی آ زق ایدینوب یاخود الی
 کمنه بی اتفاق برز بر شهر دن چیتوب طشره ده یونلر یوب ایچلندن یوکاری بن قلمینه برزنه یولور مک
 ریز یونلر و ککرلر ریدر دیوب انلر دخی بزده یوبله مشاهده ایدر زامدی چونکه مسلمان اولدق
 مغاره به قه لوب علی کل حال یولده کیدر کن برچو بان یونلر او یوب کابی نیجه کره قیوب کلد کده بندن
 قور کمن بن الله تعالی بی یونلری سورم من یاقوب او یونلر بن سزی بکلم دیوب بعدد مغاره به کیدر لیل
 و نهار عبادت ایدوب ایچلندن یلیخا هر صباح لاسلرین چقاروب قرا لاسلر کیوب شهر واروب

مهمانلرین آیدو بر یوب شهر دن تجسس اخبار له کاب دقیانوس سقر دن کلد کده یونلر پدزلندن او غلارین
 استیوب اسبابی آلب قاجدیلر بلززدیوب یلیخا بوخیری کتور د کده یولداشلری اغلاشوب دعا و تضرع
 خدا ایتد کلمینده واروب کوزلری آحق طور ردی دقیانوس مغاره به کاب حکمت حقه ایچر یوب
 کبر مک کمنه قادر اولد قده آجقندن وفات ایتسولردیو قیوسنه دیوار یایدوب کندی دقیانوس وفات
 ایدوب بعد زمان تندوسیس آدلو بره و من و عادل و صالح و صافی دل کمنه پادشاه اولوب زماننده کی ولایت
 خاقلنک کینی حشر اجسادی کبی حشر اجساد مع الارواحی سکر او اقیین سلطنتندن اتش سکر یا همان
 سکز ییل یکد کده بر کون چول کیوب کول دوشوب حقیقت قیامت علامت ایچون دعا ایتد کده
 برچو بان قیونلر یننه اغیل ایتلر ایچون مغاره بی ایچوب بعدده اصحاب کهف او یانوب یلیخا شهره طعما
 المغه کلد کده دقیانوس مکسبله دینه یوللد دیو پادشاهه کتور یوب سوبلد کده بن کمنه لریم یا یلر یز
 بر قاج یکتلم ایلد دقیانوس شوقندن قاجدیلردی دیو خیر و بر مشلردر یونلر آنرا یوقدر دیوب پادشاه و مسلمانلر
 و کافرلر یلیخا یله مغاره به واروب اصحاب کهف پادشاهه سوبلشوب بعدده ای پادشاه سنی الله اصغر لدق
 انس و جن شرنندن سنی صقلا سون دیوب یاقوب وفات ایتدیلر پادشاه آنره قمتانلرین اور یوب هر برینی
 التوندن تاوتلر قیوب واقعه منده بزنی استیزد کلمینده حاج اغا جندن تاوتلر قیوب مغاره قیوسنده
 مسجد بنا ایتدردی به ضلر دیکلمینده یلیخا یله شهر خاقلی مغاره به کلد کلمینده سز یونلر طور یکر بن مقدما
 واروب خبر ویریم دقیانوس کدی صانوب قور قیونلر دیوب وارد قده خبر ویروب مغاره قیوسن حق
 تعالی کمنه به کوسریم یوب وارنلر ارا یوب یولوب اولمدر بر مسجد یایدوب به ضلر قیونلر مسجد یایوب
 پادشاه انده شملک ایدوب هر ییل ولایت خاقلی انده واروب بیرام ایتلر امر ایلدی (روایت آخری)
 عرایس تعلیمده حضرت عایدن مریدر که افسوس دیدکاری طر سوس شهر ینک مسلم و صالح پادشاهی
 وفات ایدوب ولایت احواله خال کلد یکینی عجم پادشاهلرین دقیانوس آدلو کافر جبار ایتد یوب عسکر به
 کاب افسوسی تخت ایدینوب هر مردن طول و عرضی بر رفیع عظیم مرای یایدوب ایچنده التوندن
 درت ییل دیرک دیکدوب کومش زنجیر ایل ییلک التون قندیل ایدر یوب هر کچه قندیلارده لطیف یاغلر
 یانوب دیوانخانه ده شرقی و غربی ایکیشریوز باجه اولوب ایچندن ککوش ضیائی کاب و دخی طولی
 سکسان عرضی فرق ذراع التوندن و جواهرله مرصع بر تخت و تختک ایک یاننه سکسان التون کربی
 یایدوب کندی تختده او تورد قده اکبر و اعیان کرسبلر یکوب کندی و منه درت گوشه لور مرصع تاج
 یایدوب هر گوشه شمشیر بر دریم قیوب والی نقر تاز یکتلمه فاخر لاسلر و التون تاجلر و کوبه لوبلاز کار
 و خنلر لکد یوب و طاقوب اللری نه التوندن و دیر یوب کندی و قفا سنده طور دیر یوب علما اولادندن یلیخا
 و مکملینا و مشحینا صاغ و زر لری مطروش و کتطونش و شادینونشی مول و زر لری ایدینوب
 جله امورین یونلر مشاوره ایدر لردی هر کون تخته چیتوب دیوانه خلق جمع اولد قده اوج اوغلان کاب
 بر ینک انده مسلمان ایل طول التوندن جام بر ینک انده کلا یله طول کومشیدن جام بر ینک انده بر قوش اولوب
 هر بری الی چاغرد قده اول کلا به بعدده سکه یاقوب دقیانوسک تاجنه قیونوب اوزر یننه کلا یله مسلمان صاحب
 یو حال ایل او یوز ییل یکدی باشی دیشی و سایر اعضا سی اغری یوب یورشدن محول و اغزندن نوکرل دخی
 کلیوب کمال صحت و حضور ایل غرور کلکین حاشا دعوی الوهیت و خلقی کندی و طعما ده دعوت ایدوب
 اطاعت ایدنلر خلعت و رعایت ایتلمه قتل و عقوبت ایدردی بیراملری کوشده تختده او تورد کمن عجم
 طر قندن عسکر کایوردیو فرادی کلد کده کمال الم و خوفندن تاجی دوشوب تخت اوزر یننه یلقوب و زراسی
 یو حال کور یوب هر کون بر ینک اوند کز کصحتی ایتلر عادت لری اولمقین یلیخا ده جمع اولد قلمینده آنلر یوب
 ایچوب یلیخا تفکر و تحمیده اولمقین یولداشلری واروب دقیانوس تنکری اولیدی عدودن قورقردی
 و ینک یوب تبول ایدوب او یومزدی * و اتفاق و انسه نظر عبرت اثر ایدوب صانع مدبر و صاحب فضل
 و بر بر و زوار ایدیکنه بکاعالم کامل حاصل اولدی دید کده یولداشلری یلیخا نلک ایمان او یوب بز دخی
 یومعه ساری مکر ایشیز در د یوب دقیانوس قاجعه عزم ایدیلر یلیخا کندی با نجه سندن ارج ایقه اتی بوه

طوفان عیسی علیه السلام در تکرار دعا ایند کارنده غایت بیول قوتل کلوب جیهه لری قایوب کیدروب
بعده غایت عظیم بغمور یاغوب یوزی بال اولوب عالمده عظیم برکت ظهور ایدر حتی بردانه اناری
برجاء یوب قایوغنی کول که لک اید نور خلق یوحالده ایکن امر حقه براطیف یل اسوب مسلمانلک
قوتل لری صاحبوب چله سی وفات ایدر دیناده همان کافر قایوب قیامت انلک اوزر رینه [قویار]
ینه صحیح مسامه حضرت رسولدن مرویدر که آخر زمانده قسطنطنیه بی مسلمانل کافر الندن فتح
ایند کارنده ولایت کرده دجال حقیقی دیوشیطان چاغروب لکن یلان سویلیوب مسلمانلر عجله ایله شامه
وارد نلرند که دجال ظهور ایدوب اراده جنکه حاضر لوب صفرد زلوب بده نماز اقامت اولند فده
عیسی کوکدن اینوب امامه او یوب نماز قیلر دجال عیسی کورد کده صوده طوز کبی ارا یکک باشلیوب
عیسی ای حالته قوسه اویوب صوا لوردی لکن حربه ایله اوروب قتل ایدر قاتی حربه اوچنده خلقه
کوستر و دخی مرویدر که دجال جیهه قوب دیناده کزد که الله تعالی عیسی ابن مرعی کوندروب دجالی هلاک
ایدر بده دی یله دلایکی کسنه اراننده عداوت اولماق اوزر خلقی طوروب بعده شام طرفندن الله تعالی
بر صوغ یل اسدروب جمیع مؤمنلرک روحی قبض ایدر [کتاب الوقاده دخی حضرت رسولدن مرویدر که
عیسی ابن مریم یوزینه اینوب تزوج ایدوب ولدی طوغوب فرق بش ییل طوروب بعده بتم قبرمده دفن
اولوب قیامتده فالقه بده زده بنوعیسی ابن مریم قایوب بکر و عرله بر بدن تلقار یوز [خبرده الهایده دخی
حضرت رسولدن مرویدر که عیسی مزه اینوب اوستکزه بن خلیفه م اواسه کزد هر کیم اکایت و ربه بدن
سلام اینسون زیر اوختزیری قتل وصلی کسر ایدوب قش ییک کسنه ایله حج ایتسه کزد که احصاب کف
انلک ایچنده یله در عر بدن ازد طائفه سندن برخاوت نکاحانوب عالمدن بغض وحسد و عداوت کیدوب
آدم یقبر زمانده کی برکت ظاهر اواسه کزد و دخی مذکور در که دیشر در عیسی علیه السلام
دجالی قتل ایند کده انلک نوابه ننه [مسلمانلر قویوب طاشلر و اغاچلر اشنه بتم اردمده بریمزدی کیزاندی کل
قتل ایله دیوب مسلمانلر سویلیوب الاشجر الیود دید کاری غرقدا غاچی سویلیه عیسی یوزنده بهض قوتلجه
قرق بهض قوتلجه او تو زواج ییل طوروب مهد بشک اردنده نماز قیلر بده با جوج و مأجوج خروج ایدر
تاریخ ابن کثیره ده دخی مذکور در که اشراط ساعت حقنده مؤرخین اقوال کثیره مختلفه ذکر ایدوب
باله نلک ایچنده صحته اقرب اولانی امام کسانیک مکتوبات آدلو کابنده یازدیغیدر که مهدی دجاله عظیم
جنتک ایدوب عسکرندن اونوز ییک کسنه قیر بده بریل اسوب ینه عسکر دجالدن قرق ییک کسنه
دلالک ایدوب بده مهدی دجال نوابعدن یوز ییک نفر کسنه یه پی خیللر یولانی کورملر و نلک کذبلفنده
دخی شبهه می ایدر مز دیوب انلر دخی کذبلفنده شبهه مز یوقدر لکن دولته دیوب ایچوب صفا سوره یوز
دید کارنده یوز ییک دخی دفعه چون وختزیر صورتنه مسخ اولور بعده مهدی قدسده دجال طرفندن
محاسره او انوب عظیم اضطرابده ایکن بامه شر المسلمین قدجاهم القوت دیوب برنده ابشارت ادا ایند یلوب
عیسی علیه السلام اوچنی [کزدن قش ییک ملک ایله اینوب باشنده یشل دلبند اینده قیلر الله حربه
و ات اوزر ینه بغش اولوب مهدی مسلمانلر صباح نماز ینه امامته باشانی اوزر ایکن عیسی علیه السلام
مسجد کیروب مهدی امامتی عیسایه تکلیف ایدر عیسی علیه السلام مهدی به امامته سن اولی سن
دیوب مهدی امام اولوب عیسی اکا او یوب نماز نصرکه دجاله مسلمانلر اراننده کی پیوی آچدروب دجالک
یائنده قش ییک یودی اولور شره بحال اولان دجال عیسی کورد کده آتشد و روشن اورد کی اریوب
عسکری طاغلوب عالمی امن وامان و املام و ایمان یوزیوب دوه ایله ارسلان صغیرا قیلان ییلان الله انسان
نورد ایله قیون بعض حیوانات او بنا یوب براننده کی جله دینه لر چیشار عیسی علیه السلام شرع محمدی
اوزر مسلمانلر حاکم اولور عریده غسان طائفه سندن برخاوت نکاحانوب دیناده قرق ییل طور
بوانساده یا جوج و مأجوج خروج ایدوب قتل عباد و تخرب بلاد و انواع فساد دنصرکه جله می هلاک
اولور بده عالم ینه امن وامان و برکت فراوانله طوروب بعده کعبه مکرمه بی یقماغه حبش کافر لری کلوب
عیسی علیه السلام آنلری دفعه مکیه ایکی دفعه عسکر کوندور هر بری صنوب ایکن عسکر دونوب

قدسه یقلا شد قدسه عیسانک علیه السلام وفاتی ایند یلوب بعضلر قوتلجه قدسده دفن اولنور بعضلر قوتلجه
مدینه ده حجره حضرت رسولده دفن اولنور حبشیلر کعبه بی یقوب طاشلرین دریا به اتوب بده کوش
مقریدن طوغر (فائده مهمه) اشراط ساعت یعنی علامت قرب قیامت حقنده اقوال کثیره نادر و نیمه اولوب
بوخصو صلی تفصیل اوزر یازن کتبک اکثرین یوب عبد حقیر تتبع کثیر و تطبیق اقوال مختلفه ده تأمل
کال بی نقص ایدوب طن غالب بوکا ماجر اولدی که [العلم عند الله الملك الا کبر اولو لایت شام وغیره نیجه
فتن و مسلمنه اصابت بلا و محن و احن ظهور ایتد کده الایات بعد المائین حدیثنه و افاق امام جعفر صادق
قوتلجه اینکیوز سنه [نده یعنی هجرتک ییک اینکیوزنده ولایت خراسانندن حضرت مهدی زمان ظهور
ایدوب ایچ [یوزدرب ینه سنده مسلمانلر آنک یائنه جمیع اولوب وفات ایدنجیه دل دیناده جله ملطنی
بر حدیث شریفه [فهو متجه یدی یاسکز یا طقوز ییل بعضلر قوتلجه یکر می یاقرق یا قش ییل اولوب مدت
حر یوزده بچد خار جیلر و کافر لری لک ایدوب قسطنطنیه و رومیه کبرای یعنی قزل المانی و مالک دنیا بی
فتح ایدوب عالمی عدله مهور و بر نور ایدوب مهدی ظهور نندن قول اصبح اوزر [یی یله دجال خروج
ایدوب مهدی انکله مر اراچنک ایدر عاقبت حضرت عیسی کوکدن اینوب دجالی قتل ایند کده قول
اظهر اوزر مهدی وفات ایدوب صامت محمد حضرت عیسی علیه السلام حاکم اولوب نزلندن الله اعلم تخمینا
اون اوج ییل مقداری صکره یا جوج و مأجوج خروج ایدوب ییله دل دنیای خراب ایدوب عاقبت هلاک
اولد قارنده یکر می یله دل مسلمانلر یچ ایدوب صفا و نعمته حضور و راحته اولوب بعده اوچیز ییک عدد
حبش کافر لری کلوب کعبه بی یقوب عیسی علیه السلام وفات ایدوب دیناده جله طور می تمام قرق
یا قرق بش یا لوز اوج ییل اولور بعده مسلمانلر جمیع اولوب حبشیلرک کینی قیروب کینی اسیر ایدر
یوحالده کوش مقر بدن طوغوب بعده اخبار صحیحه موجب صحت قیامت یوز یکر می ییل قایوب لکن هر ییل
برای قدر ای حقنه قدر حقنه کون قدر کون بر ساعت قدر او اوشب و مدتک یکر می ییلی مسلمانلر اوزر ینه
یکوب بومدت ایچنده دانه الارض جیهه قوب یوزندن قرآن رفع اولوب حضرت خضر علیه السلام وفات
ایدر یکر می ییل تمام اولد قد براطیف یل اسوب مسلمانلرک روحلرین قبض ایدر جمیع دیناده لاله الا الله
دیر بر کسنه قالمیوب دنیا خلقی همان کفار طائفه لری اولوب یوز ییل دخی دنیا کافر لری ایدوب یوز تمام
اولد قد ماه رمضانده بر جمعه کوفی اخشام زمانده مغرب طرفندن یشل ایله سیاه رنگنده ولتر قوب
خلق آفی یغور وری بوات صانور لرا اوزر ینه یاقلا شد قدسه دنیای ظلمات قایلایوب باد صر صر اسوب زلزله
جمیع دنیا چالنه نور طاشلر بری بر ینه طوقشوب اون [کبی از یلوب کوکار دخی یار یلوب از یلوب
یاد لر دو کور صور اسرافیل چالور جمیع مخلوقات وفات ایدوب قیامت قویار و الهی عند الله لا یعلم الغیب
احد سوا

(باب ثالث وثلاثون در احوال ذکر انبیاء مستبیه الاحوال)

بعضلر قوتلجه انبیادن معدود اولوب بعضلر قوتلجه یا خودا کترین قوتلجه اولمیلرک و اسمی یا ذاتی یا بتوی
یا احوال و صفاتی فی الجمله معلوم اولوب اسکن بر وجه مقطوع و محسوم معلوم اولمیلرک یا اسمی یا ذاتی یا احوالی
فی الحقیقه مستبیه و مشکوک اولنلرک و اسم و نبوت و احوالی بعض کتبده اجمالاً بیان اولنوب لکن جمیع
نوار یخده انتفاقله مذکور اولمیلرک و الحاصل بای وجه کان بعض حالی نوعاً شیهه دن خالی اولمیلرک هر بری
بر بابیه مستقلده یازلقدن جله می باب واحدده فصول متفرقه ایله یازلن و ابواب سابقه هر تبه دن تأخیر
لر لقی نیجه وجهه انسب و احق و صوابه اقرب و اوفق ایدو کی مقرر و مختق اولغین بر حسب طن غالب و تخمین
ترتیب زمانلری اوزر تبیین اولتی ایچون حالاً حالاری بیانه علی الوجه المطبوع شروع اولندی [بعد ما معلوم
اوله که اشبو کسنه لک نیجه می کتب نوار یخده اصلاً ذکر اولنوب نیجه می دخی منامبله بعض حکایات
و احوال انبیاء حقینده ذکر اولنور تفصیل و ترتیب و جمعیت و استقلاله بیان اشبو کتاب صحت عنوان لطافت
نشان خصایصندن ایدو کی احباب تتبع و عرفانه عیاند (فصل در احوال امام بن نوح علیه السلام) بعض
سعتبرانده امام مر [بن عثمانندن ایدی دیوب تفصیل احوالی بابایی حضرت نوح علیه السلام بانده

مستقل فاصله بیان اولیوب تکرار و اعاده بین اهل الافاده معجز و مذموم اید و کی مشهور و معلوم اولغین
 یوحنا اشارت الیه قناعت اولندی (فصل در احوال یافت بن نوح علیه السلام) تاریخ میر خوانده
 بعضی بوی دخی می رسد ایدی دیشلر دینوب احوالی باب نوح علیه السلامه مفصلاً بکجه شد (فصل
 در احوال ذوالقرنین الاکبر) قرآنده مذکور قصه می مشهور اولان ذوالقرنینک استنده رسیده حسینه
 نسبه زمانه مکانه عمرته و نجه امرنده عظماء علماء اسلاف و اخلاف کلی اختلاف ایدوب مشاهیر
 فضلا کل بلکه چاهیر علماء ملل یوحنا اولان اشکالاتی بالتمام حل ایده میوب هریری ارباب روایات
 واحباب حکایاتین بعضی ادله مشتمل العله اید بر قول اختیار و ظاهر ایدوب لیکن مدعای بی مثبت و مصحح
 وفی الحقیقه مؤید و مرجع بر دلیل بی انتقاض و سالم عن الاعتراض بیان و عیان ایده بمشرد لا جرم اشوب
 امرام و مسمیده احد افایله عدم اعتماد و تعویل اولی و انسب احرا و اصوب اولغین مشاهیر یواریخته
 و تشاهیرده یافیلان روایات اشوب کتب صحت معانده بالتمام نقل و اعلام بروجه جازم مهم و لازم اولغین
 خصوص منصوصه اولان اصول و فروع ذکر نه حال شروع اولندی (اقوال در اسم او) اخبار الزمان
 مسموده اسمی هر مسم اولوب شرفه غربی کریمین ذوالقرنین دیکله ملقب اولدی دینوب * تفسیر امام
 رازی و فاضی و کشفه و نصیحت الملوك امام غزالی و نجه کتب صحت اضافه ذوالقرنین قائل دارا اولان
 اسکندر رومیدر دینوب * تفسیر معالم التنزیله بر روایتده هر زبان بن مرزبه یونانیدر که یونان بن یافت
 ابن نوح علیه السلام اولادندندر دینوب کتب عده ده اسمی اسکندر در که یونان بن تاریخ بن یافت بن نوح
 علیه السلام اولادندندر دینوب * تاریخ مختصر جامعده اسکندر را یکیدر قرآنده مذکور اولان اسکندر
 اکبر سام بن نوح علیه السلام نسلدن اولوب حضرت ابراهیم علیه السلام زمانه ایدی دینوب * تفسیر
 بوالسعوده قرآنده مذکور اولان ذوالقرنین الاکبر در که اسمی اسکندر بن فیلسوف یونانیدر * ابن اسحق
 قولنجه اسمی هر زبان بن مرزبه در که عبدالله بن قیسان بن منصور بن عبدالله بن اوزد بن عون بن زید بن کهلان
 ابن سبا بن عرب بن قحطان اولادندندر * بی قولنجه هر زبان بن مدر که در که ملوک یمنده تبع لقبیله ملقب
 اولنلر اولی بودر بعضی قولنجه ذوالقرنین ملوک یمنده قضاکی قتل ایدن فریدندر * کتب الانار الباقیه
 فی القرون الخالیه صاحب ذوالقرنین ابوکرب شمس بن غیر بن افریقہ الحیریدر که شرق و غرب حاکم اولوب
 یونک اولادند اولان تبع معنی یونکله اختصار ایدوب دیشدر که (نظم) قد کان ذوالقرنین جدی مسالما *
 ملکاعلا فی الارض غیر مسم * بلغ المشارق والمغارب یتغنی * اسباب امر من حکیم مرشد * پس بوقول
 صحت اقریدر زرا اذ اولایت یمندن ایدیلر و المشارق و نواس ذوالنون ذواعین دورین ذوجدن کبی دیشدر *
 لکن صحیح بودر که سدی بانی اسکندر یونانیدر که صلحا و اهل اسلامدن و نسل یافت بن نوح علیه السلامدن
 اولوب حضرت خضر انک سر عسکر ظفر رهبری ایدی اسکندر ثانی قائل دارا اولاندر که اسکندر بن فیلس
 ابن مصریم بن هرمس بن میطون بن روی بن لیطون بن یونان بن یافت بن نونه بن شریخوب بن رومیه بن نوینر
 ابن نوکیل بن روی بن اصغر بن غز بن عیص بن اسحاق بن ابراهیم الخلیل علیه السلامدر که اسکندر به شهر بن
 بن ایدوب حضرت عیسا دن اوچموزیل مقدم و ذوالقرنین الاکبر دن ایکی ییل مؤخر کلوب ارسططالیس
 حکیمک شاکردی اولوب کفار دن ایدی یونان دیکلری روم ایلنده سروز قصه سنه قریب ماقونه شهری
 مولد و مسکنی ایدی دینوب * تفسیر لیساده اولان زیاده لر بودر که ذوالقرنینک اسمی ابن عباس قولنجه
 عبدالله بن اصفهال ایدی بعضی هر زبان بن مرزبه در که یافت بن نوح علیه السلام نسلدن اولوب سیاه کسنه
 ایدی * بهضار قولنجه مصعب بن عبدالله بن قیسان بن منصور بن عبدالله بن اوزد بن عون بن زید بن مالک
 ابن زید بن کهلان بن سبا بن خطاندز * مزیدر که ذوالقرنین یمنده حیرطانه سندن و والده می رومدن
 ایدی غایبه عاقل اولغین ابن الفیلسوف در اردی قدما و فصحاء عربدن قس بن ساعده الا بادی خطبه لر بنک
 برنده یا معشر اید بن الصعب ذوالقرنین ملات الثقلین دیوب بعضی بلفاء شعراء عرب (نظم) والصعب
 ذوالقرنین اصبح نابوا * بالغیر فی جدث اصم یقیم * دیشدر لکن صحیح بودر که ذوالقرنین اسکندر
 ابن فیلسوس یونانیدر اگرچه اسکندر ثانی دخی یونانیدر لکن ذوالقرنین یغمبر یاخود ولی الله اولوب

اسکندر ثانی کافر اولوب ذوالقرنین دن ایکی ییل مقداری صکره کلشدر دیومذ کوردر * تفسیر
 واحدیه (انه کان غلاما من الروم اعطی ملکاً) دیوب حدیث اولوب لکن تاریخ شیخ برزیده حضرت رسولدن
 یهودیلر ذوالقرنینی ضرور قدرنده هوشاب من الروم بنی الاسکندر دیوب یهودیلر دیکلری حدیث منکورد
 یعنی صحیح دکلر دینوب * تاریخ ابن شعبه ده بهضار ذوالقرنین ملوک یمندن مصعب بن الزبیر الحیریدر
 دیوب * ابن عباس دن صورلد قدده هومن حیر دیدیکی و دخی ذوالقرنین لقبنک اوانده ذوالنظی بوقولی
 ترجیح ایدر دیومذ کوردر * اشوب کتب صحت السکاتاتک مؤانی اولان عبد احقر و ذره کتر ایدر که واقعا
 ذوالقرنینک ولایت یمندن اولدی بر حسب ظن اغلب اولی و اصوب و صحت ایدوب و نجه دلیل جلیل
 واردر که بعضی یو فاروده ذکر اولوب بعضی محتساج تفصیلدر جمله دن بر دلیل قوی بودر که سلاطین
 جمیع امده ملوک یمندن اقوی واعظم بر طلقه کلام شدوز برانی ارم ذات العباد اولان شداد بن عاد
 و برادری شدید و لقمان الاکبر ملوک یمندن اولوب قوت و قدرتلی و عسکر لر بنک و قوت و کثرتلی حد
 نه ایدر اولوب مزبور لقمان یاخود بلقیس خاتون ولایت یمنه سیل کلام کیچون طاشله باقر دن طول و عرضی
 بر رفیع بر سده شید و مسند دیایدوب مزبور بلقیسک تحت حکمنده اون ایکی ییل قاید و ایدر که هریری
 یوزر ییل یاخود یکینفر عسکرک ضابطی ایدی بره ولده اوچبوزاون اوج بکی و ایدر که هریری اوزر ییل
 عسکرک ضابطی ایدی دینوب اشوب اوج قولک اقلی اوزره و اوزر برکه یوزر ییل اوزر ییل نقر عسکر اولور
 یمنه ملوک یمندن ذوالنارک خصوص صانع اصغرک محالک دنیا نک اکثری کروب جهانبانقلر و کامرانقلر
 ایدر کوری یواریخته مذکور و جلد نایدده ملوک یمنده مسطوردر یو حقیر بر تقصیرک کلام مدیدی تأید
 ایدر بعضی فضلا دیار رومک بر قصیده مفیده ده می قوم ایدر که ایات لطافت سمات که بودر (نظم) دکلر
 سدی باجی بیان اسکندر روی * یاخود یونانی بولاف و کزاف قصه خواناندر * ولی اول بر عظیم الشان ملکدر
 عالم و عادل * ملوک قوم حیردن اولانر جدی خطاندز * یواریخ ایچره و نسا به لقاتنده ذوالقرنین * ایدی
 مصعب و اناسی دومر اند می زباناندر * دیدی و الصعب ذوالقرنین اعشی کندو شمرنده * دیشدر که اشعار
 عرب موقوف دیواندر * ائی یاد ایدر قس ابادی خطبه ده ایدوب * ایکی ییل ایدی * ری چو یکدی صائک
 بر آندو * یون دنیا به حکم ایدن ایکی مؤمن که دیشدر * بریسی بودر اول بری رسول حق سلیماندر * یونک
 دورندن اسکندر زمانه دکن مدت * ایکی ییل دیدی شونلر که اولار حساب ازماندر * یوکا کیلر نی کیلر
 ولی دیر ولی اغلب * ولایتدر بل اسکندر بزرک کبر کیساندر * مقرردر عرب لفظیدرانی روی پس بلز * دین
 اسکندر روی به ذوالقرنین غلطاندر * بوی یووجهله ایدم آنکیچون شرح کیم کوردم * یونک تحریری
 پاینده نیچه تحریر حیراندر (اقوال در لقبان) تفاسیر متفرقه ده رسول علیه السلام یوکا ذوالقرنین
 دیکلری دنیا نک ایکی قارنی طواف ایدر کیچوندر دینوب یعنی دنیا نک ایکی طرفی اولان شرق و غربی کردیکی
 ایچوندر احوال مختلفه اوزره باشنده یو یوزره بکرز ایکی نسنه بندیکچوندر که دلیند کیدیکه کورغزدی
 یاخود باشنده ک تاجک ایکی چتالی اولدیفیچوندر یاخود ایکی یاشنده باشندن اولمش ایکی صاحب اولدیفی
 ایچوندر یاخود نورله ظلمت یوکا سحر اولوب هر نه یر کسه اوکجه نورارد نیچه ظلمت یورودیکی ایچوندر یاخود
 واقعه سنده کندوی کوک چقبوب کونشک ایکی جانبیه یانش کور دیکچوندر یاخود یونک زمانده
 خلقدن ایکی قرن منقرض اولدفلری ایچوندر یاخود مجرد شجاعی ایچوندر یاخود روم و ترک یا رومله
 فارس ولایت یمنه مالک اولدیفیچوندر دینوب * تاریخ میر خوانده حضرت علی قولنجه برقمه مرسل
 اولدقدہ تکذیب ایدوب یاشنک صاغ طرفنه اورد قدرنده وفات ایدوب دیرک کده صول طرفنه اوروب
 یمنه وفات ایدوب بعد حیات اولدیفیچوندر نیچه قولنجه برقرن و زمان خلقنه یغمبر اولوب تکذیب
 ایدر کارنده حق تعالی آنلری هلاک ایدوب بوی برغیری قومده دخی یغمبر کوندر دیکچوندر یاخود یاشنک
 ایکی طرفی توخندن یا باقردن یا موردن یا التوندن اولدیفیچوندر یاخود یاشنک ایکی طرفنده التوندن
 کیمک کبی ایکی یو بنوزی اولدیفیچوندر یاخود ایکی قوافلری اوزون اولدیفیچوندر دینوب کتب الاوانده
 و هیدن می ویدر که دنیا سده ابتدا باشنده دلیند کین ذوالقرنین در زیرا باشنده حرکت ایدر ایکی چتال برنسنه

بتوب آتی اور کچون کیشدر بده کاتب السری ایله حمامه کیروب سندن غیری بتم سمری اصلا بر فرد
 باز اگر غیر بردن ایشدر هم سنی قتل ایدرم دید که کاتب اختار اغب جامدن چیققدقه کندوبه ناکاه
 با حکمت اله موت کبی بر عجب حال کلکین ناچار بحرا به چیتوب اغزی به طوبوب باش اولکر که پادشاه
 ایکو بونیوزی وارد دید که او محله قدرت حق ایله ایکو دانه قامش بتوب بر جویان ائی کسوب دودل
 ایدوب او فرد که قامشک ایچندن (الان لاملک قرین) دیو برندا و صدا چیتوب شمردده شایع اولدقه
 ذوالقرنین سامع اولوب بوسری رب العباد مشهور ایچکی مراد ایچتی الحق دیوانه قناد ایدی
 (اقوال در احوال او) تاریخ میر خوانده ابن عز و مجاهد ذوالقرنین اکبر نبی مرسل ایدی زیر اقر آنده
 (قنایا ذالقرنین) یورلشدر دیشلر مستقصی الامسالده دیار عجمده می و شهرن قرنداشم ذوالقرنین
 بنایا تشدر دیو بر حدیث اولوب تفسیر ایلک بر محله بعض علما یقینمدر دیوب اکبر علما داکادر
 همان بر صالح کسینه ایدی دیشلر دینوب بر محله دخی یقینمدر ایدی دیشلر (و آینه من کل شیء سبیا) آیتک
 عومیلده استدلال ایدوب دکلدی دیشلر (من کل شیء محتاج الی ملکه) دیکدر دیوب لکن تخصیص خلاف ظاهر
 اولوب دلیل یو غیکن تخصیص او اغز دینوب تفسیر کورانیده (قنایا ذالقرنین) یورلشدر بلا واسطه ایه
 تنکیم ظاهر اولان اوردنی اولوب یا الهام یا واسطه ایله ایه تی اولش اولد دینوب تفسیر او السعوده
 ابن کثیر ایدر صحیح بودر که نبی اولوب بر صالح و عادل و مفلح و پادشاه ظاهر بنایا ایدیکه جهان ایلده
 و صاحب قرآنلده حسن تدبیر ایله ملوک و ام عالمی قهر و تبحر ایدوب داعی الی الله و خلقه ملاذ و بنایا ایدی
 سلطان مؤید و موریعی عز و شانی مشید و موفور بر شاه عالیه عظمت دستگاه اولوب خضر
 علیه السلام وزیر و مشیری و سر عسکر طغر تائیری ایدی تاریخ مکه مؤلفی ایدر ذوالقرنین حضرت ابراهیم
 علیه السلام آله ایمانه کلوب که بهی ابراهیم و اهل عیله طواف ایدیلر می ویدر که بیان حج ایدوب ابراهیم
 علیه السلام یونک گادیکن ایشدر که قارشو چیتوب یو کاخدر دعا و بعض فصاح و وصایا ایشدر که مکه به
 کلد که بنمکچون آت کنور بلوب خلیل الله اولدنی شهرده بن آت نه بغزم دیوب حضرت ابراهیمی قصد
 تعظیم ایچکی حق تعالی یو کاتخیز حساب و تیسر اسباب ایشدر که ابراهیم علیه السلام یو کاتخیز و اعلام
 ایدوب بعده داغ اعزم رزم ایدیکه یونلر یو عسکر بی حسابله و جله سنک آت و آلات و اسبابله کونور یوب
 ایشو شوکت ایله غزیه عزیت ایدردی حضرت علی به ذوالقرنین یقینمدر میدی ملک میدی دیو صورلده
 (لیکن نبیا و لاملکا لکن کان عبدا احب الله فاحبه و ناصح الله فناصحه) مخرله السحاب و مدله الاسباب
 دیشدر دینوب تفسیر ایلده (مخرله السحاب فله علم و مدله فی الاسباب و بسطه النور فکان اللیل
 و النهار علیه سوا و هذا معنی نمکینه فی الارض و هو انه سهل علیه المسیر فیهما و ذلله طرقاتها و حرزها و احقی
 تمکن منها این شاه) دیشدر دینوب تفسیر بنایا عده مذکوردر که راق بر سیاه علمی و ایدیکه حق تعالی یونک
 مجهز سنی انلده قومش قرا کواقی کیجه بی روشن ایتک دیلده که آق علی آچوب کوندز کی عالم منور
 و غم اولوب کوندز چنک ایشدر که عدو عسکر نه ظلمت دوشورمک دیلده که سیاه علمی آچوب عدو طرفده
 هوا قراروب کیجه کبی اولغین عدو لر مغلوب و مکرور و گندی عسکری طرفی کما کان روشن و بر نور طور
 اولغین غالب و منصور اولوردی یو حال ایله هر سفرده او کجه نور موفور برضیادلیل و رهت اولوب عسکر یونک
 اردنی ظلمت بر شدت احاطه و حیات ایدردی فواج مسکیمده حضرت علی دیشدر که ذوالقرنین بر صالح
 کسینه اولوب خضرانک و زیری و دیره حی اوغلی ایدی و فتن صد اندر صد یونک لوا طغر التواء مطبوعه
 موضوع اولغین فتح محالک و ضبط ممالکی آنک برکت و خاصیتی ایله ایشدر دینوب بعض معتبرانده
 یونک زمانده اختلاف اولوب قوم نمود زمانده کلوب بیک النبوزیل پشامشدر دینوب مجاهد قولنجه
 نمودنده مکرر کیشدر دیو مذکوردر (سیر بلاد دنیا) کتاب تاریخ جامعده ذوالقرنین علیه السلام
 صالح یقینمدر نصره مرسل اولوب محل اقامتی فرنک ولایتی ایدی مملطتی عظیم و رفیع ملکیتی عجم و وسیع
 اولوب داغ کفار غزا ایدوب دنیای فتنایادی سیر ایتک مرادی اولدقه ایشدر که به واروب انده اصناف
 کفاری دینه دعوت ایدوب قبول ایتد کارنده بر یله دلچنک ایدوب اکثری قیروب یله اولان مسلمانلردن

بر طاقه انده قالوب کندوسی دو نوب قدسه کلوب نیجه زماند نصره قدس دن اقصای دیار شرقه کیدوب
 یا جوج و مأجوج به یقلا شدقه ذاتی طاقه کثیره بر شهر عظیم و شهره واروب پادشاهلری اولان خوب
 صورت مرغوب میرت کسینه تعظیم و اجلاله استقبال و طرف تحف و هدایا عرض و ایصال ایدوب دین
 اسلامی قبول ایچکی بجه قومیلده نظرات نفقات ذوالقرنین مشمول اولدیلر طوائف یا جوج و مأجوج
 قدیدن یونلر دیار نه خروج و ولوج ایدوب وقت فرصتده قتل و غارت انلر عادت اید و کندن شکایت ایدوب
 مایلرینه بنیاء ست ایچون رجا به بعد ایتد کارنده جمع مهمانه و ترتیب مقدمانه بشلدی معالم التزیلده
 مذکوردر که مالک دنیای طولانیغه فرمان رحانه یور یوب مغربده منتهای معوره ارضه وارد قدنه ناسک
 آدلو بر طاقه کوردیکه غایت کثرتلردن عددلر بی همان الله ییلور انلری ظلمله جمع ایدوب ایمانه دعوت
 ایتد که کبی ایمانه کلوب عناد ایدلر ظلمت حواله ایدوب اولری حتی اغزلی ایچینه دخی کیرمکین بالضروره
 مطیع اولدقلرنده اهل مغربدن عسکر عظیم جمع ایدوب ظلمت یونلری اردلردن سوروب یو حاله یور یوب
 دنیایک طرف جنوبیسمه واروب آنده هاویل طاقه سنه دخی اولوب ایدوب بعده مشرق طرفده منتهای
 معوره به واروب انده منسلک طاقه سنه دخی اولوب ایدوب یونلردن دخی عسکر جمع ایدوب نایجه ایدوب
 بعده جانب شمالک دخی منتهای معوره واروب انده تاویل طاقه سنه دخی اولوب ایدوب بعده دنیایک
 اورنارلده اولان ام کثیره مختلفه به واروب بعده مشرق طرفده ترک طاقه لرینک ولا یتری نهایتنه
 وارد قدنه اولان بر صالح طاقه اشبو طاع اراشده یا جوج و مأجوج آدلو حیات کبی طوائف کثیره
 وارد که آزدیشلری قوشلر کی طرناقلری اولوب عقارب و حیات و بی آدم و حیوانات یوب متصل غایت
 چو عالمده اولدقلر یچون عن قریب بجه دنیای ضبط و انواع فساد و خبط ایدو جگری مقرر در دید کارنده
 ذوالقرنین یا جوج ولایتک اورنارلسمه واروب انلری کوروب کلوب اول ایکو عظیم طباغک اراشی
 صوبه وارنجه قازدیروب برکچ طاش برکچ ارض باقواله ایدوب اول سده مستدرالتندن حقهش
 یکبار طاع کبی اولدی بعض معتبرانده ذوالقرنین کلزدن ایکو آی مقدم یا جوج و مأجوج
 اول ولایت خاقنه غارت ایدوب بعض مسلمانلری قتل ایدوب ماکولات و غیریدن یولدقلر بی یغمه ایدوب
 کیشلردی تفسیرده مذکوردر که ذوالقرنین اقصای مغربده بحر محیط کمارنه واروب بر طاقه کوردیکه
 لباسلری حیوانات در بسندن طعاملری دریا اندینی نسته لاولوب بجه سی کفار اولغین بالذات و حی ایل
 یا الهام و واسطه نبی ایله یو طاقه بی دیارلر قتل دیارلر ایمانه دعوت ایلدیو یورلده قدده دعوت ایدوب
 قبول ایدلر قفتانلر کیدروب انلر ایدوب قبول ایچکی ایلدی قتل ایلدی قتل ایلدی قتل ایلدی قتل ایلدی قتل ایلدی
 آتشده بشورردی بعده اون ایکو ییلده بعضلر و انجه یوللر ایلده سقرا ایتک از زره آرزمانده منتهای مشرقده
 بحر محیط کمارنه واروب آنده زنج دیدکاری سیاه عربلر کوردیکه بجه سی مانند حیوان عربان کزوب برلری
 اوستنده بناسطور و مافین زیر زمینلری اولوب کوش طوغدقه طباغدن و بشادن اصلا حائل اولما فین
 یالته یادریابه کیروب وقت زواله قریب طشره چیتوب زراعت و سرانته و سایر مصلحه برور ایدده
 حیوانات کبی اوت و تلامغه طباغیلور لرامت محمدن بر کسینه دیشکه سیاحتیه چیتوب ولایت چیتی کچوب
 اشبو طاقه بی مورد یغمده بر کون بر کجه دن نصره انلر واروسن دید کارنده واروب کوردیمکه بر قوللر بن
 دوشنوب بر بی اورنورلردلر بن ییلور بر یولداشم انلر سوبلشورکن چال آوازی کبی بر صوت عجیب
 و صدای مهیب ایشندیکمزدن غشی اولوب عظم کلد که او کسینه لرک بر پی بکا باغ سورور کوردم یو حالده
 کوش طوغوب دریا یوزی زیت باغی دو کیش کبی کورینوب بی زیر زمینه ایلنوب کون تمام قالدقه
 بجه می طشره چیتوب لب دریاده باقی اولایوب بر یوزینه قوبوب کوش حرارتسندن یشد که ایلوب یدیلر
 مجاهد ایدر کوش طوغدیتی یرده اولان سیاه عربلردن قفتان کینلر بجه دیشاده اولان انساندن
 زیاده درلر بعض تابعیدن می ویدر که ذوالقرنین اقصای مغربده بر شهر کوردیکه اون ایکو بیک قومینی
 اولوب آنک خلقنک صداسی مانع اولسه کوش طوینورکن اولان صدای عظیمی دنیای خاق
 ایشدر برلردی (بنیاء سده) تفسیر او السعوده مذکوردر که ذوالقرنین مغربله مشرقه وارد قد نصره

جنوبی د شمال کیدوب شمالک مشرقه قریب طرفنده ولایت ترک منتهیاسنده ترکدن برطانیه به واروب باجوج و ما جوج بزم ولا تجزه کلوب قتل و غارت مزاج ایدر سکا و فرمال ویرم برمل انزلک ما منته برسد یاب دیور جائید کارنده و بی اوقادرمال و مال و خدم و عزوجاه و نم ایله مخصوص و مکرر ایتمده که مالکزه احتیاجم یوقدر بکاهمان بنا ایچون استدال وارغادر و بنایه لازم امور احضار ایلمک دیواخبار ایتمکین اسباب و آلات بنا جوم و هی اولدی * تفسیر بنایعه بنایه مباشرت ایدن ترقق یلمک نفرک منته ایدر دیوب * کشفده مذکورده که منتهای ولایت ترکده ایکی عظیم طاغ اور تاشی صوبه وارنجه قازدیروب اساسی برک یچ طاشله برک یچ اریمن باقر ایله یایدروب بنایر یوزینه چقد قده طاشلرک دینه سیله برابر اولنجه دیک برک یچ دمور برادون دوشدوب بعده آتش اور یلوب کورکله اوفورد کورنده اودن یانوب دمورل آتش کی قیازد قده صافی باقر ایدروب اودن طور دینی ارالقره آقیدوب دمور کر یچل اراسی طولوب حرارتی کندکده الاجه قاش کی بر یول سیاه دمور بر یول قزل باقر اولوب یکپاره دمور دن طاغ کی اولدی سدلک ایکی اوچنک اراسی یوز فرخند دیشلر * تفسیر لباده عرضی الی ارتقاعی ایکوز ذراع اولوب طولی بر فرخ ایدی دیشلر دیوب تفسیر اواله دوده بر روایتده سدلک قلی و دیواری صافی طاش کر یچله یایلوب هرا یکی کر یچ دمور دن کندایله کندلنوب اواسنه اریمن باقر دو کیلوب آجق دیک قالماسلر لکن قرآنده (آونی زبر الحدید) آیتی مذکور دموور کر یچله یایدینه دلیل اولمغین روایت مزبور غلط و خطا ایدی عیسیا کلدلر * تفسیر سده سده تمام اولد قده ذوالقرنین شکر ایدوب الله تعالی نیکو بر عظیم احسانیدر لکن قیامت یقلاشد قده زیور برو خاکه برابر اید جکدر دیوب خبر ویردی دیوب باجوج و ما جوج هر کون سدی یقمتق قیامت یقلاشد قده یازد قده متعلق بر حدیث اولوب انشا عیده یا جوج و ما جوج احوالنده بیان اولور * تفسیر لباده مذکورده که کیفیت بناسد مجزه عظیمه در زرا یوقدر دمور کر یچلر آتشله قزد قده یاشه جانلوقصی یقلاشق محال اولور آتشه بعض نسنه ایله اوفلک اینه یقلاشق اقتضا ایدر پس ظن اولنور که الله تعالی او آتش عظیم حرارتی سده بناسنه آتش اولنلردن دفع و رفع ایتدی * اولان تفسیر ابوالسعودده امام حدیدن مریدر که طاقه ترک یا جوج و ما جوج یچدن بر یولک عسکر ایدر که ذوالقرنین انده وارد قده ولایت غارتیه چمتش یواند قلد یچون سده بناسد اولد قده یونلر طشره ده قلوب جیع اصناف اترک یونلرک * لیدر * قشاده دن دخی مریدر که یا جوج و ما جوج یکری ایکی قبیل اولوب ذوالقرنین انزلک بر قبیل سدن سدن طشره قومغین ترک دیوب یعنی ترک اولنلر دیکدر مورخارده سدر که ترک و خزر و صقالیه و یا جوج و ما جوج طاقه ترک جله می یان بن فوج علیه السلام لیدر دیوب مذکوردر (قصه عجیبه) تاریخ میر خواتنده مذکوردر که سده تمام اولد قده ذوالقرنین اقصای بلاد شماله کیدوب انده بر شهره اوغرا دیک جله حصاری صافی و جله باقر دن اولوب شویله شفاف و براندر که کوش طوقند قده باقعه کوزلر خاشور قوموی و دلوک و اولما فله کیرلما کین بر صنعتله یوقاروسنه آدم جیقار دوب اوکسنه شهرک ایچینه باقوب بعده عسکر دن طرفه باقوب قهقهه ایله کولوب کندوبی حصارک ایچروسنه آتوب خبر و اثری بلغده کده نیجه کسنه دخی جتار دوب جله سی اووجهله هلاک اولد قلدننده تعجب و فراغت ایدی دیوب لکن یوقصه قاتل دارا اولان اسکندره واقع اولق ظن اولنور زرا ذوالقرنین اکبره بولنلر مسخر اولمغین اکا واقع اولن اولیدی بولت ایله هوادن آدم کوندر دوب بلکه کندی واروب کورردی والله اعلم (بناسد اسکندریه) تاریخ میر خواتنده ذوالقرنین ربع مسکونی تمام کرد کده اراضی اسکندریه ده ماقدونیشا هر بر بنایدوب یوزالی ییلده تمام ایتدیروب لوکدن یا خود یا قش آلییدن یا قوملو کر بدن بر حصار یایدروب شویله شفاف و براق ایتدردیکه انده ساکن اولانلر نیجه زمانه دیک باقعه کوزلری خاشمغین یوزلرینه نقاب اورتردی شهر مزبورک بر کوشه سنده ارتفاعی اوچینوز ذراع بر مشاره یایدروب ایچنده دریا به باقعه جاییا بنجره لوقوب چاق ایستنده طاسلور بر آت حکمت آیات وضع ایتدردیکه اطراف عالمن اصناف اعدمن هر چند که بر چند مرکز ند اول شهر فرید الدهره غارت ایچون عزیمت ایدر لاهل شهره اول آینه عالم غلام و انبالدوب انلردن خیت و تحفظ اوزره اولوب اوعده و نیک

بناسد و حالته کوره دفعنه مباشرت و مبادرت ایدر لیدی * مریدر که شهر مزبور یولک بشیوز ییل معمر طوروب بعده ییل ویرانه و یوم آشیانه اولوب حالا ایکی ییل مقداری یکمشد که اسکندر ثانی روی دخی اوچلده کندی نامنه بر شهر یا یوب الان انک آتاری باقیه در دیوب لکن مرآت جهان نمایی وضع ایدن ذوالقرنین اولوب اسکندر ثانی روی اولد قلدن زرا بعض معتبرانده مذکوردر که اسکندر لجه آتازدن اسکندریه شهر ییدر که عجایب بلدانند رانده درت دیرک اوستنده طولی اوچینوز ذراع بر مشاره یایدروب ارسططالینس حکیمک شاکردی بلیناس حکیم بر یولک آینه دوزوب آنک اوستنه قومشدیکه قسطنطنیه وروم و قزلک ولایتیه اندن نظر اولنور دی اول مشاره ده بر دیرک وارایدیکه لیل و نیم اوطور میوب داماد وار ایدی (بناسد بلدان) فواج مسکینه ده اسکندر ذوالقرنین مغربده اسکندریه و خراسان علیاده جوقند و خراسان سفلی ده مروایله هرا شهر لری یایوب جله دنیای کر و ب مدایتدن غیر بر جای قرا و اختیارا تمامکین آنده بر عظیم شهر یایچسدر دیوب تفسیر لباده ذوالقرنین نیجه شهر لری یایلدوب جله دن دیوبیه حدان برج الحجاره شهر لری ییدر هند ستانه وارد قده مریدر یب شهر قلی دخی بناسد شهر دیوب * بعض معتبرانده اسکندر لجه آتازدن مغرب ایله مصر اراستنده اسکندریه شامه دمشق هرا نده خراسان ماوراءالنهر ده جوقند ادر یا یچانده بر دغ شهر لری بر کاب مختصر چاهده اون ایکی شهر یا یوب هر بر یینه اسکندریه دیو آد قوبوب ناحیه سوادده شهر زور اولد قلدن و فوات ایتدی معنی التون نابوتله اسکندریه شهر نده والده سنه کنور دیر دیوب لکن شهر زورده و فوات ایدن اسکندر ثانی اولمغین ایشو شهر لری دخی بناسیدن یواولوب ذوالقرنین اسکندر اوبالماق لازم کور غالباً بناسد غلط عالمه ذوالقرنین لقبوا یکی سلطان عظیم الشان و صاحب قران و مسیاح جمیع عمالان جهان کلدیکیدر یا خود حقیقتده ایکسنت دخی انشی اسکندر اولد قله التیاس ایکی جهندن اولد یغیدر والله تعالی اعلم (طایب آیت حیات) تفسیر مدار کده حضرت رسولدن مریدر که ذوالقرنینک ابتدای امری یواندیکه کابلده کورمش ایدیکه اولاد سامدن بری آب حیات ییکارندن ایچوب قیسمته دیک معمر اوله * پس اول هوس ایله آتی ارامغه کیدوب خضر انک وزیر ی و دیرنه سی اوغلی اولوب مقدمه عسکرده اولمغین یولوب ایچوب ذوالقرنین کاراست کلدی * تفسیر بنایعه مذکوردر که ذوالقرنینه بر پیر بن شیت بن آدم وصیت نامه سنده اوقومشدر که مغرب طرفنده بر قرا کوان برده آب حیات ییکاری وارد دیر کده ذوالقرنین اول آرزوایله مغرب طرفه عزیمت ایددی بعض معتبرانده مذکوردر که ذوالقرنین ظلماتک قطب شمالیهی طرفه قریب اولان یانندن کیروب عین الحیات ارا یوب ظلماتده جله اون سکر کون کزوب بعده طشره جیقوب ولایت عراقه کلدی * تفسیر لباده مذکوردر که حضرت خضر علیه السلام ممر اولسنه سبب بودر که ذوالقرنین آب حیاته ایشیک ایچون ظلماته کیروب خضر علیه السلام سر عسکری اولمغین راست کلوب آتدن ایشوب اول صودن شرب و غسل و وضو ایدوب خدای بی اندازه نماز قیلوب یو طرفه ذوالقرنین حکمت خالق الکوین ایله یول آزوب اول مطلب اعلا یه و مقصد اقصایه وصول حصول بولما مقین خاسر و خائب راجع و آتوب اولدی (نظم) دور ایدلر نبرو یو سرخ فلک * کیدینه امک کینه یلمک (قصه وفات) تفسیر ابوالسعودده مریدر که ذوالقرنینه مابینا منجم لرسنک وفاتک دمور دن بر اوستنده اغا جدن کولک اننده اوله جقدردیوب خیر نجب اثر و یروب هر قح ایتدیکی شهرک مالیینه آنده دفن ایدوب محلی و اوصافی یازوب دفن ایدردی یابل شهر یینه کلد کده یورق قنایوب مزاجنه غایت ضعف کلوب آتدن دوشمکین التیه دمور دن جبهه ل دوشنوب بر مقدار ایشو یه واروب کوش الحجه کده کواکه لک اوان ایچون اوزر یینه قلقلان طوقند قلدن باقوب کوروب اشته دمور دن یرایله اغا جدن کولک بودردیوب وصیتلر ایدوب وفات ایتدی او حالده ییلک التیوز یاشنده ایدی بعض ارا وج ییلک یاشنده ایدی دیوب لکن حافظ ابن کثیر قول ثانی غزیدر و آتدن اغرب او قوزالتی یا او قوزا یکی یاشنده وفات ایدوب سلیمان یغیر دیکر کلامیدر زرا بودید کاری ذوالقرنین اول دکدر بلکه ذوالقرنین ثانی در دیوب * ایشو تاریخ مرآت الکائنات مؤلفی اولان عبد احقر و ذره کتر ایدر ذوالقرنینه اسناد و اثبات اولنان کیفیت وفات دخی غریب روایتند زرا ذکر اولنان

تفصیل اوزره بونی قنایوب وقت ایدن اسکندر نانی ایدی کی تواریخده مقرر و محرر در پس کیفیت وفات
 ذوالقرنین اکبر الله اعلم تاریخ میرخوانده مسطر اولاندر که قاید خالق کونین ایل ذوالقرنین ضبط
 و تحفه عمالت دنیا صاحب کام صاحب قرانلق ابرو امضا ایدوب اشغال امور سلطنت و دین اسلام علی
 وجه السکال و التمام انتظام بولده قده سیاه طغری بناه من بعد قرار و حضور ایچون دستور و یروب کندوسی
 دیار عربده مدینه ایل شام اراستنده دمشق شام شهر یتیمیش کونلک یرده دومیة الجندل نام محله واروب
 خاقدن عزلت و فراغت و طاعت و عبادت حق مدامت ایدوب زمان بیدر و او ان قصیر یکده کده کاربان
 روح روانی جانب چنانچه روان اولوب (محرره) واه عقیایه یا غلیوب محمل * جنت عدن ایلدی منزل
 (نثر) یتیمیش تاریخ میرخوانده به ضلوق لجه مکة مکرمه اطرافنده تمامه ولایتک طباغزنده بهض
 قوا لجه مکة شهر یتیمیش کند و سنده مدینه و ندر دیومذ کورد و الله اعلم (امور متفرقه) تاریخ میرخوانده
 مذکور در که حضرت ذوالقرنین آق و قرمز یکنوز لاورته بویلو بولنه باشلو ابری کوز لولوب ایکی کلسوی
 خوش بوی و ار ایدی خلوق و صدوق حق خاشع خلقه متواضع اصناف الطاف جیه الهیه به نازل و غزا
 وجهاد و عدل عباد و تعهد بر لاده مائل ایدی مالی مال دنیا ی سر بیع الفساذ رب العنادن احتساب و کرب
 ایدوب اهل زهد و تقوی و برهیز اولغین کذین و عرق جبین ایل کچمک مراد اید کچمک دست حق پرست
 باطل شکستی ایل فی الغداة والاصیل زبیل اوروب نفسنه و عیالنه بهاسندن خرج ایدوب معاشندن
 ارتناجه سن اصحاب فقر و اسحقاقه تصدق و اتفاق ایدردی * کتاب الاولانده دنیاده ابتدای مصالحه ایچکی
 پیدا ایدن ذوالقرنین در دینوب کشانده جمیع عمالت دنیا یی کند و به مضراحتک بی آدمدن همان درت
 کسینه به میسر اولمشدر بری اسکندر بری سلیمان پیغمبر ایلکسی دخی غرورده ایلک بخت نصر در دینوب
 تنسیر لایده بخت نصر بر یتیمیشک ذکر اولوب کشانده بخت نصر ذکر اولمشدر یی سهر در زیر بخت نصر
 مستقل پادشاه اولوب عجم پادشاهی کشت آسب طرفندن بابل چکی ایدی دینوب بهض معتبرانده
 ابن اسحاق بتون دنیا به همان اوج کسینه مالک اولمشدر که غرور و ذوالقرنین و سلیمان پیغمبر دینوب تنسیر
 مدار کده شتادین عاد دخی جلد دنیا به مالک و حاکم اولمشدر دیومذ کورد و الله اعلم (فصل در احوال
 شادون علیه السلام) یوقار و ده باب خضر علیه السلام ده تفصیل اولمشدر یی اوزره خضر بر سیدله کند و یی
 قول ایدوب صانع صانع راضی اولوب بهده آزاد اولده قده سابقا مقامی اولان لب دریا به وارد قده شادون پیغمبری
 صوا و سنده ابلاغ اوزره طور و یروب خضرک آزاد اولسته دعا ایدر کور و یروب اولمشدر قنده ارالنده نیجه کلمات
 اولوب خضره نصیحتلر ایتددر تفصیلی یوقار و ده نظر اولنه (فصل در احوال اخوة یوسف علیه السلام)
 که احب بن ابراهیم علیه السلام اوغلو به یقوب علیه السلام اولادی اولغین بولنه اسباط دیرلر زیر اوغل
 اوغلنه قیزار غلنه عریجه سبط دیرلر قاسم و ده و یارب یخده مذکور در که یعقوب علیه السلام دیرنه سینک
 یا خود طایفه نیک قیزی لیانی نکاح حنوب اوشر بختده نکاح ده جمیع اخین جانز اولغین لیانک همشیره یی
 راحیل دخی نکاح حنوب یا خود راحیل لیان و اوقات نصرکه الوب علی کل حال لیان رو ییل شمعون لاوی
 به و ذابا خا زابلون آدلو اوغلاری دینه آدلو بر قیزی اولوب راحیلدن اولاد کده کند و رضاسیله ایکی
 جاریه و یروب اولندن دان نقشی جاد اشیر آدلو اوغلاری اولوب یعقوب علیه السلام یتیمیش اوج یاشنه وارد قده
 راحیلدن یوسف و ایکی ییل نصرکه بنیامین آدلو اوغلاری اولوب بوجله نک یوکری بهض قونلجه به و ذابا
 ابن عیاس و اکثر علمای و لجه رو ییل اولوب یوسفدن غیر بنک اعقل و اکلی به و ذابا حقه قونلجه سردار لری
 شمعون ایدی تنسیر لبابک بر محله علمان بر طایفه اولاد یعقوب علیه السلامده حضرت یوسفدن غیر یتری
 پیغمبر اولمشدر دینوب اولمشدر دینوب (قولوا آمنا بالله و ما انزل الینا و ما انزل الی ابراهیم و اسماعیل و احب
 و یعقوب و الاسباط) آیتله استدلال ایدوب لکن بواستدلال ضعیف در زیر اولاسباطدن مراد قبائل
 بنی اسرائیلدر که ایچلنده پیغمبرلر و ار ایدی نانی اسباطدن نبوتله مخصوص اولان یوسفدر برادر لری
 نبوتنه نص یوقدر دینوب بر محله دخی صحیح بودر که اخوة یوسف انبیا دکلردی انبیا اولدی لسه یوسفه
 ایتدکاری جفال نبوتلندن مقدم اولمش اولور دینوب کشاف و غیره نبوت اسباطده اختلاف واردر

میر ویدر که (بابا نالسته قورلنا ذوقنا انا کا حاطین) دید کلر نده یقوب علیه السلام قبله به قار شوا باغ اوزره
 دعا ایدوب یوسف علیه السلام پدر لری اردنده آمین دیوب بولنک اردنده جله برادر لری خضوع و خشوعه
 طور و یروب بهده یگری ییلدک هر ججه کیجه می اوغلار یتیمیشک عفو و سباحتلر یچون دعا و نصراعات ایدوب
 اثر اجابت ظاهر اولمشدر ما یجز دیکر کون اولدی دیو غایت محزون اولد قارنده جبرائیل علیه السلام کلوب
 الله تعالی اوغلارک حقه کده کی دعا کی قبول ایدوب سندن نصرکه ججه سنی پیغمبر ایچکی مقدر و مقدر ایددی
 دیو جله سنی مبشر ایددی دیو محرر در یومذدن غیر یتیمیشک مستقلا حال لری نامضبوط اولوب یوقار یخده
 مشروح و مبسوط اولمشدر بعض کتیده بولنک جله شی مضرده وفات ایددی دیوب * نیجه معتبرانده
 مذکور در که اسباط نصرکه کلان جمیع انبیا و مرسلین بولنک نسلندن در الا یوب و شعیب و یونس و محمد
 علیهم الصلاة والسلام * میر ویدر که حق تعالی ذریت یعقوبه غایت کثرت و برکت و یروب یعقوبه مصره
 کیرد کارنده کور و اناث جله یتیمیش ایکی کسینه ایکن بولنک نسل اولان بنی اسرائیل طایفه یی در تیور
 ییلد نصرکه حضرت موسی ایل مصر دن چقد قارنده شیوخ و مرخی و نسادن ماعدا ایچلنده الی * کره
 یوز ییلک بشیور یتیمیش بدی نفر جنکه برار و اون ایکی کره یوز ییلک ذر یتری و ار ایدی دینوب * تاریخ
 میرخوانده اخوة یوسف علیه السلام جله می خوروی سیاه موی زیبا صورت سر و قامت مهیب خلقت
 اهل شجاعت ایدیلر یوسف علیه السلام وفات ایدر کن برادر لری به و ذابی بنی اسرائیل ضابط و حاکم دیکوب
 قصه موسی و فرعون تفصیله خبر و یروب مصر دن چقد قارنده ولایت شامه بنی نابو غله ییلد ایلستون
 دیو وصیت ایلدی اکثر مؤرخین اولاد یعقوب علیه السلام مرسلیندن اولوب هر بری کند یی اولاد
 و احفادین هدایت و ارشاده مأمور اولمشدر دیوب بهده بحکمة الله بنی اسرائیلده نبوت نسل لاوی به
 سلطنت نسل به و ذابا مخصوص اولدی مؤرخیندن هیچ بر کسینه اسباطک احوال بنیان ایتدوب همان
 یومقداردیشدر که رو ییلک اسباطک در در نذر دایک ایکی زابلونک اوج یادرت اشیرک درت جادک الی
 حضرت یوسفک ایکی بنیامینک اوج به و ذابک بش نفر صلی اوغلاری اولوب موسی علیه السلام بولنک
 اولادندن یلشده یگری ایل الی ماییننده اولنلری جنکه برار دیو مصر دن چقد قارنده دقتره الدقه
 رو ییلک اولادی قرق الی ییلک اسباطک قرق بر ییلک بشیور دایک یتیمیش ایکی ییلک مکر یوز زابلونک الی بش
 ییلک در تیور یا خود الی اوج ییلک در تیور اشیرک قرق بر ییلک اوچیز الی شمعونک الی طقوز ییلک اوچیز
 حضرت یوسفک یتیمیش ییلک بشیور بنیامینک اوغوز بش ییلک در تیور به و ذابک یتیمیش درت ییلک در تیور
 لاوی نک بر یلقدن یوقار و یی یگری ایکی ییلک نفر موجود بولندیکه بوجله بشیور ییلک والی ییلک یوز الی
 عدد اولور دینوب لکن عربی به ترجمه اولمشدر یورانده اولان تفصیلک اجمالی بودر که مصر دن بنی اسرائیل
 موسی علیه السلام چیقوب فرعون غرق اولده قده بریه سینشده امر حقه یوقله ایتدکده یگری یاشندن
 یوقار و ده اولنلرک جنکه برادر لری التیور ییلک و اوج ییلک بشیور الی کسینه بولنوب قرق الی ییلک
 بشیور یی رو ییلک الی طقوز ییلک اوچیز ییلک شمعونک قرق بش ییلک التیور ییلک جادک یتیمیش درت ییلک
 التیور یی به و ذابک الی درت ییلک در تیور ییلک اسباطک الی یی ییلک در تیور یی زابلونک قرق ییلک
 بشیور یی افرا تیم بن یوسفک اوغوز ایکی ییلک ایکیوزی میشا بن یوسفک اوغوز بش ییلک در تیور یی بنیامینک
 التیمش ایکی ییلک بدیوزی دایک قرق بر ییلک بشیور یی اشیرک الی اوج ییلک در تیور یی قتالینک اولادی ایدی
 لاوی بن یعقوب علیه السلام سبطی که حضرت موسی علیه السلام آنردن ایدی مهبط وحی الهی و محط
 انوار و اسرار ناسناهی اولان قبه الزمان جلیل یعنی مسجد شریف بنی اسرائیلک خدمت و حقه نیکه تعیین
 اولدوب عدد لری یگری ایکی ییلک کسینه ایدیلر که بولنلر سائر عسکرایه عقد و ضبط اولمشده امر الهی اولوب
 بهده عدد اولمشده امر اولمشدر بر یلقدن یوقار و یی جله یگری ایکی ییلک کسینه بولنوب بولنلر خدمت کرام
 مسجد عالیقام اولغین سائر عساکردن عساکر یی سرفراز ایدیلر نسل اسباط اولان بنی اسرائیلک اکثر احوالی
 یوقار و ده انبیا احوالنده بیان اولنوب احوال کلیه لری جلد نانی و اخرنده باب ام عالمده مستقلا
 بیان اولنور (فصل در احوال یوسف نانی) کشاف و غیره (و لکن جاکم یوسف من قبل بالیسات

فمازلتم في تلك المأجاء كم به حتى اذا هلك قاتم ان يبعث الله من بعده رسولا آتية يوسف بعد كوردين مراد
 يوسف بن يعقوب عليه السلام بعد بصره ديدار كه يوسف بن ابراهيم بن يوسف بن يعقوب عليه السلام مراد
 اهل مصره بغيره اولوب بگري ميل ايجلر نده بغيره لث اليه طوروب بعده وفات ايندي ديومند كوردور
 (فصل در احوال موسي بن مينا بن يوسف عليه السلام) عرايس تعليمده مذ كوردور كه مؤرخلر ديدار كه
 يوسف بن يعقوب عليه السلام وفاتند نكره معمرده نسل اولاد يعقوب عليه السلام چو غولوب ايجلر نده
 بكار غولوب اولوب اكثر خلق فسق وفساد و ظلم عباد و محروم و كهاتمه ميله معتاد اولاد قلدنده حضرت يوسف
 ابن يعقوبك اولوب ميناك اوغل موسي بن اسرائيل بن يوسف عليه السلام و راه هدايه دعوت ايجون جناب حقدين
 نبي مرسل اولوب فرعونيه مرسل اولان حضرت موسي عليه السلام ابن عمران ولد تندن ايكوز ميل
 مقدم ايدى بس بو كاهن قوم اطاعت بهض قوم مخالفت اينديلر و هبدن مر ويدر كه موسي بن ميناياه
 وحى اولندي كه فوسكه ديكه بجر و كهانت و نظير ايندن و اينديرندن بن برى يم بكاهن اوله ايمان كوردون
 بكار و كل ايلسون كه بن اكاهنيم بندين غيره توكل ايندي اوغره محتاج ايدرم غيره محتاج اينديكم بلالره
 حاضر اولون بكايقين اولانه بن دخی يقين اولورم بندين ايراغ اولانندن بندي ايراغ اولورم قوللر يمديكه
 بنی ذكر ايمكندن غافل اولسونلر شهرت و آرزو زماننده موسي ذكر و فوسكه ايتسونلر كه موتك ذكرى
 هر شهرت و لذتي طباغيدر بهض نوار يخذ عاصيله شويده صالحو معتقيله شويده بكاره پادشاهلره
 شويده دي وافر نصيحتلر بيور يلوب موسي بن مينا عليه السلام حق تعالينك چله بيورد قلدن بن تفصيل
 اوزره بن اسرائيل خبر و يرد كده چله بنی نصايح الهيه بن قبول ايدوب بو حال اليه موسي عليه السلام ايجلر نده
 نجه ييلار بغيره لث سوروب بعده وفات ايندي ديون ياده اولمشدر بغيره كور ايدنده عيده حاضر اولمشدر
 خلقنه موسي بن مينا بغيره مرسل اولوب اول قوم آق قتل ايمكين حق تعالي آنره بخت نصري حواله
 ايندي دي و تفصيل اولوب لکن بخت نصر زمانى غايتنده مؤخر اولغين اشوشميد اولان بغيره حفظله اوراق
 اصح اولغين اول قصه عن قريب فصل حفظله ده بيان اولنور والله اعلم (فصل در احوال جرجيس اول
 عليه السلام) عرايس تعليمده مذ كوردور كه يعقوب عليه السلام نسلان اولوب حضرت يوسف بعد بصره مصر
 خلقنه نبي مرسل اولوب آنره ايمان تكليف و عذاب حقدين تقوي ايدوب عناد لري ازدياد بولده ده جرجيس
 جفائيس آنره بددعا ايتد كده زلزله ايله چله بنی هلاك اولوب حق تعالي جرجيسي هوايه دفع ايدوب براه كوله
 اراستنده دريا كارنده قدرندن قوروش بروراني آق چادر ايجنده عبادته مشغول اولوب سليمان بغيره بى
 كور ميخجه وفات ايتا كده دعا ايمكين چوق بشاروب بعده سليمان ايله هواده بولنده ده وفات ايدوب بوقصه نك
 تفصيل سليمان بغيره احوالنده بكمشدر كا نظر اولانه (فصل در احوال بشر بن ايوب عليه السلام)
 بعض نوار يخذنده مذ كوردور كه باباي ايوب بغيره وفاتند نكره حق تعالي بوني ديار شامده بن اسرائيل
 نبي مرسل ايدوب برورايه سده يوز بغيره بى چو ديلر قتل ايتك ديلك كلدن ده بنی قاچوب انلري حفظ
 ايندي بكيچون ذوالكفل ديكاهن ملاقب اولان بشر عليه السلام در قدسده نابلس قصبه سنك قريه لزند
 كه رحارس اولوقريه ده وفات ايتد رمدت عمرى عيش ييل ايدى قرآننده مذ كور اولان ذوالكفل برورايه
 بشر اولوب قول اصح اوزره غيرى كسنه ايدى بكي عن قريب ذوالكفل فصلنده بيان اولنور ايمكين نوار يخذن
 متفهم اولان بودور كه بشره دخی بعض سبيله ذوالكفل ديرلر ايدى ذيراعرايس تعليمده مذ كوردور كه ايوب
 عليه السلام وفات ايند كده نكره اوغلوشى بشرى الله تعالى روم طاقه سنه بنی مرسل ايند كده انلر بو ايمان
 كوردور بعده كاره عرافرمان اولده ده بغيره ضعف بيان ايدوب بابي الله بزر طاقه بر كه عات سر سرب
 حسانده ثبات استرزالله و رسولنه عصيانندن دخی خائف و هر اساتر بزم ايجون دعا ايله كه الله تعالى
 عمر ليزى ايزون و قدر معتاددن افزون ايلوب چاق بزموت استمخچه روحى قبض ايتيه تا كدر ضايعيچون
 غزال ايدوب ادا عبادات نوافل و فريض ايدنده بولنده بكارنده بشر عليه السلام بكاره عظيم و ثقل تكليف
 و فقه ييل ايندي بكنر ديوب جناب خدای بن ايتازه نماز و نماز ايتكين يا بشير قومك سوزلر بن ايشيدب مراد لرن
 و يروب عمر لرن اورون ايندم چاق كنديلر موت استمخچه وفات ايتسونلر سن بنه چون انله كفيلا اول

ديوب وحى الهى كد كده قومنه خبر و يروب امر الهى اوزره كفيلا اولغين ذوالكفل دي و آدقونوب بعده موسي
 اولان طاقه روم عمر لري اوزانوب اولاد لري چو غولوب ولايتلر نه صغما اولوب كمال كندلرندن امر معاش
 و غير يده مضايقه بكار اولد قلدنده حضرت بشره بزم ايجون نكرار دعا ايله كه اولكي كبي عمر ليزن قصه اولوب
 طول عمر المزدن قورنلام دي و ابرام ايتد كارنده يا بشير قوم كه ديكه بنم انله خير صانديم انلرك كند و لره خير
 صاند قلدن بكنر ديوب وحى كايوب بعده اولكي كبي عمر لري قصه اولدى بوسيدند و كدر روم طاقه بنی غايت
 چو غولوب حتى زمره انسان التي بولوك اولوب بشي روم درو عشار و هبدن مر ويدر كه بشره عليه السلام مدت
 عمرنده ولايت شامده مقيم ايدى (روايه اخرى) بعض نوار يخذنده كعبدن مر ويدر كه ايوب عليه السلام وفات
 ايند كده الشمس يلك دوه و صغرى و قور كره يوز يلك قيون و كيسي و بش يلك قولي و جاريه بنی و بعد جنكلى كرى
 اولوب حومل مقبل رشيد رشيد بشير اولوب بش نقر اوغلر ينه بن ققرايه مالم نجه بزل و اتفاق ايدر ايدرم سه
 سزدن خايله ايدم سزد دي و وصيت ايدوب بعده ولايت شام پادشاهلرندن لام بن دعام بلاد شامه و اولاد بويه قلب
 ايدوب مال لك شامى طوار لركنله طوند بكنر البته بكار چله مال كركن نصفنى و يروب هـ مشيره كره لانه بنی بكار كنج
 ايدم سزد يوخسه اوم توكزه عسكرك چكوب چله مال كركن اوزم دي و خبر كوندروب ايوبك يولك اوغلي حومل
 برادر لره طمانتوب بشير لام چيار عنيده در دفع شر ايجون بره مقدار مال كوندره لم ديد كده حومل عنيده
 ايدوب عسكرك جمع ايدوب جنك اولد قده لام حوملي قاچوب بشرى و جهم غفيري اسير ايدوب مال لرن غصب
 و غارت و تنب ايدوب بشرى حبس ايند كده حومل برادر بن خنايص ايجون لامه وافر مال ايتك اوزره ايمكين
 ايلتمه و برادر لرك ايجون قورقه كه لام ايمانه كايوب برادر كى آزاد ايتسه كدر دي و واقعه كوردوب لام حومله
 البته بكار مال كوندروب يوخسه بشرى آتسه يشارم دي و خبر كوندروب حومل دخی بن دوشنده بنی اولاندم
 دي و جواب كوندرد كده لام بشيره قاچوب من مال كلسنه كفيلا اولن ايدلرك و كوندر من رايه سنى
 آتسه يشارم دي و بشرى دخی حومله خبر كوندروب اودن و واقعه بنی خبرنى كوندرد كده بشير سو يروب
 بعده لام بنی آرامه شدت غضبندن صغراى صبر و درنك حلقه ميم كبي تنك اولغين برخندق قازدروب آتش
 يا قذروب بشرى ايجنه آتد قده يا قايوب لام حيران اولوب اى اولاد احمق مزا صحر محره آفاقتد ديد كده
 بشير حكمت صحر بزر صحره دكار لکن بزم جده اعلام خليل الهى غمرو آتسه آتد قده الله تعالى كا آتشي
 برد و سلام ايدوب آنك اولاد نه دخی بويه احسان و انعام ايدرد بولكلام ايتد كده لام قبول ايمان و اسلام ايمكين
 دختر حضرت ايوبى نمره نكا - منوب اولاد ايوبله بارشوب فارشوب سابقا ماله كفيلا اولد بيجون بشره
 ذوالكفل دينوب ولايت شام اعلمه حق تعالي انى رسول ايدوب بعده عسكرك اسلامه لام آتسا كفاره
 غزا ايدوب بعده حومل ايدوب بشرى عليه السلام بعده لام دخی وفات ايدوب بعده اعل شام اوزر نه كفار اولان
 عمالقه غلبه ايدوب بهر زمان حضرت شعيب عليه السلام بغيره اولدى (فصل در احوال كاشغ)
 تفسير بابايه قصه حضرت موسي عليه السلام ده (واما الجدار فكان لغلامين يتيمين في المدينة وكان تحته
 كبره ما و ان اودعاهما الحيا) ايند بويكي ينعك امي اسرم ايدم سزم ايدى بعضلر و انجه كبرى دفن ايدن
 دده لر ينك انجى كاشغ اولوب بغيره ايدى دينوب كاشغده حضرت جعفر صادق كبرى دفن ايدن رجل صالح
 ايله او يتيملر مابيننده يدى انا و ارايدى ديمشدر دينوب بغيره تفسير قاضيده مزيور كاشغ سياح ايدى دينوب
 آيت مزبوره ده اشارت اولنان قصه كبرى جدار بوقار و ده باب موسي عليه السلام ده قصه حضرت تفصيل
 اولمشدر (فصل در احوال كالب بن قنبا) يهوذا بن يعقوب عليه السلام نسلان ايدى بعض معتبرانده
 كايوب دي و يازلشدر بواج مسكينه ده بونكچون بعضلر بنی بعضلر دينوب بغيره نادر بچ
 ميرخوانده مفضلانده كوردور كه اكثر علما يوشعل خليفه بنی اولان كالب بن قنبا بنی مرسل ايدى ديوب
 صحت نبوتنه نص قوتانده دلائل كثره وارد حضرت موسي عليه السلام حياتنده بنی اسرائيلك اون ايكى
 فرقه سندن نسل يهوذا سبطنه كايوب نقيب و ضابط اولوب حضرت موسانك ككنديدن يولك اولان
 همشيره بنی مرسل زوي اولغين موسانك انسته بنی و هارون و يوشعه نكره موسانك و چله بنی اسرائيلك
 مقبول ايدى صغراى يده موسي عليه السلام بچس احوال قوم جبار بن ايجون يوشع و كايوبى و اودن نقر

ماثر تقیایی کوندروب وارد قلعه جباری غایت مهیب و بلند قامت کورمه کین موسایه کاوب
 خبر و در کارنده بنی اسرائیل طریقه و توبه و توبه یوشع له کاوبدن غیر یلری خانی غویق ایدوب
 بویکی بنی قورقه کز جسامتاری واریسه ضعف قلبی دخی وارد فرصت و نصرت بر مدردیو تسلیت
 وروب (قال رجلان من الذين يخافون انهم الله عليهم ما ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلوه فانهما غالبون)
 آیتند و جلاندن مراد یوشع له کاوبد یوقار و ده تفصیل اولدی بنی اوزره موسی و فاندند نصیره یوشع خلیفه
 و یغمبر اولوب بنی اسرائیلله اریحایی بعده نیجه ولایتلری فتح ایدوب بعد زمان یوشع وفات ایده یورکن
 کاوبی خلیفه دیکوب اودخی یوشع نصیره کفار اطرافه بعض محارب لایدوب بعده مصره کیدوب
 عمالات مصر و شام بنی اسرائیل ضبطند و اولوب کاوب سلطنت و نبوت اوزره نیجه زمان طور و وفات ایدرکن
 شاقوس آدولوی اوغانی برینه خلیفه دیکدی یواریخده کاوب یک خلیفه و اوصاف و مدت عمری و دعوتی و محل
 وفات و دفنی مذکور اولما مشدر (فصل در احوال اغا نادیمون حکیم) علماء آل عثمان و عظماء ذوی
 العرفان و خطیب قاسم زاده مر حومک روض الاخبار آدولو کاتبه اسقلینوس حکیم بلاد روم و عمده
 علم طبعه تکلم ایدر لک ابتداء میسر حضرت موسی نصیره اولوب اغا نادیمون مصر بنک شاکر در زندن اولوب
 ایدر لک بنوس وفات ایدر کده اون ابکی یک تا کردی و ارایدی اغا نادیمون ایچون دبشدر در که مصر خلقه اهل
 یوناندن یغمبر اولوب بر یسیدر اغا نادیمونک فتنای سعید الجده دیکدر بنوب بعض معتبرانده ادریس
 علیه السلام یغمبر لک امتادی اهل مصر دن بنه مصر خلقه بنی مرسل اولان غازیون یا خود اغا نادیمون
 یاغ و نادیمون اولوب معنای سعید الجده دیکدر بعض غازیون بنیث یغمبر در دبشدر دینوب * فواج
 مسکیده شیت یغمبر لک ای صابنه طاقه سی ایچنده اغا نادیمون ایدی دیو مذکور و در والله اعلم
 (فصل در احوال ذوالکفل علیه السلام) تفسیر قاضیده (واذ کرم علی والیسع ذوالکفل) آیتند و ذوالکفل
 الیسع یغمبر لک عیسی اوغلدی یا خود بشر بن ایوب علیه السلام در نبوتند و لقبند اختلاف اولوب
 یوزنر یغمبر قتلدن قاجوب بو کاصفوب جله سنی حفظ ایچکن * به ضلر قواخه هر کون یوزنر کت غماز
 قیل بر صالح کس نه نک عملی کندی دخی ایچکه تکفل یعنی تعهد ایچکن ذوالکفل دیو ملقب اولدی *
 تفسیر کورانبک بر مخلد ذوالکفل ایله الیسع یغمبر عی اوغلار بدر بنوب بر مخلد دخی ذوالکفل الیاس
 یا یوشع در کلف الیهیدن حصه دار یا خود زمانی یغمبر لک بنک غلاری یعنی قدر غلاری و ارایدی انجیون
 یواسم اشرف و اسمی ایله مسی اولدی * بعضر دیدر لک ذوالکفل زکریادر حضرت عیسی علیه السلام
 والده سی مریم تربینه متکفل اولدی یغیون یا خود پیرایکن اوغلو یحیی وجوده کادیکیچون ذوالکفل
 دیدر لک تفسیر تبسیرده حسن بصری قولجه ذوالکفل حزقیل علیه السلام در که یغش یغمبر قتلدن
 قورناروب حفظ ایدر کیچون دیدر لک بنوب * تفسیر واحدیده عطادن مریدر که انبیای بنی اسرائیلدن
 برینه الله تعالی وحی ایدر که روحی قبض ایچک دیلم سلطنت و ریاستکی بنی اسرائیلله عرض ایله ایچرندن
 هر کیم که جمیع ایمان صیامله و ایبالسن صلو و قیامله بکوروب بر متضای شرع و ادب بنی قور و غضب
 خلق اراستند حکومت و رضا ایچکه تعهد و تکفل و رضا کوستر رسه ملکی اول مرد سلیمه تسلیم ایله دیون
 وحی الهی اولدقده بودخی امر زب الامای خاتمه عرض و اعلام ایدر کده بر نازه یکت قاقوب دیدر کت
 جله سنی تعهد ایدر دیو واقع طایب خاطر و صفایله جلد و عدلرینه و فایده کده عند الله مشکور و مأجور
 اولوب شرف نبوته واصل و ذوالکفل لقبیه لقب حاصل اولدی دیومذ کوردر و ذوالکفلدن مراد زکریا و لقی
 احسانیکه تمامه زده احداقوالدر دیشدر آتده عدم صحت ظاهر ایچکن عیدر که مفسرین عدم تعرضه
 غفلت ایچشدر بر اسوره انبیاده (واسع اعیل و ادریس و ذوالکفل) دیو یوریلوب بر آت اشاغیده (وزکریا
 اذنادی ربه) دیو یوریلوب عطف ایدر معایرت اقتضای ایچکن زکریا ذوالکفل غیری ایدر کی یا مقربا احتمال
 اطره در ما یبند فاصله کیمیر یوغیکن شخص واحد هم لقبیه هم اسمیه ذکر اولتی نوعا بعید ایدر کی معلوم
 اهل طبع سیدر در فواج مسکیده ده حجاب دن ابوموسی الاشعری ذوالکفل بنی دکل ایدی بر صالح کس نه ایدی
 دیش دیوب لکن قرآنده انبیای اراستند ذکر اولوب انلک اوصافیه توصیف اولمش ایچکن یغمبر کادر دینک

خلاف ظاهر ایدر کی باهر در (اصح اقوال) تار یغ میرخوانده کال تفصیله مذکور در ذوالکفل یغمبر
 کیم ایدر کده اختلاف اولوب بعضر حزقیل علیه السلام در بعضر بشر علیه السلام در دیوب اصح اقوال
 بودر که الیسع یغمبر لک و صیمی یعنی خلیفه بنی اولوب حزقیل ایله بشر دخی ذوالکفل ایله ملقب اولوب انل
 یوندن مقدم ایدر لک بعضر اشواقبله ملقب اولسی الیسع علیه السلام امور دینه متعلق و صایا و نصایح
 بنی اسرائیلله تبلیغ و ایقایه و انلری راه هدایه و رضا خدایه رخسار و مرشد اولدقده متکفل و متعهد اولدی یغیوندر
 دیوب بعضر دیدر لک قبل النبوه ملوک شامدن بر شک مقرب و مقبولی ایدی که بنی اسرائیلله عدو اولوب
 دأ غابجکه عسکر کوندر ردی بردقده دخی کوندروب علما و صلحادن یوزنر کس نه اسیر کتورلد کده
 پادشاه انلر سیاست ایچک دیدر دیوب ذوالکفل اخشام قریدر یونلری بوکیجه بکامانت ویر صیاح کتوردر که
 تکفل ایدر دیوب عدولری کثیر و قلبلری کسیر اولان اسیرلری کندی خانه شرف آشیانه نه ایدر دیوب
 زنجیر لرن چقاروب اطعام و انعامند نصیره جله سن بازاد و ازاد ایدوب بعده شاه کبراهک غضب و عقابدن
 و عذقه خطابندن نیتند خلاص الیه احسن وجهه خلاص یولغین بنی اسرائیل ایچنده ذوالکفل لقبیه
 اشترار حاصل ایدوب بعد زمان نبوت و رسالت سعادتته واصل اولدی * بعضر دیدر لک عمالقهدن کنعان
 آدولو پادشاه جناب حقندن مرسل اولدقده مر یوزنر کنعان بندن عظیم کاهلر و درایچسکن ایچامک
 قبولند سنندن بر علامت صحیحه امریمکه وفات ایدر کیمده قبرمه ییله دفن اولوب اهل جنتدن اولیم بوخه
 ایچامک قیوان اندن ییله یم دیدر کده بودخی یوله دیوب کفالتنامه یا زوب کنعان سعادتشان نامه بشارت
 عنوائی رجا جنان ایله مرزبان و فوت جنان ایدر دیوب سلطنتدن فراغت و اختیار کوشه قناعت ایدوب
 خلقدن عزت و حقه عبادت اوزره وفات ایدر کده کفالتنامه * مایون ییله مدفون و انجین الله تعالی
 انی اهل جنت ایدوب حقیقت حال و حقیقت مقاله علامت و انجیون ابرتسی ملائکه دن بر یسی اول
 تذکره مورثه النبویه کتوروب خلق آتی کوردر کارنده ذوالکفل تصدیق ایدوب ایمانه کدیلر ذوالکفل
 علیه السلام بوجه نک دخی اهل جنت اولمر یشه کفیل اولوب مرورشور و ورده و له ذوالکفل لقبیه مذکور
 و مشهور اولدی بلاد سامیه شامیه نک برنده وفات ایدر لک و در (فصل در احوال مخدای عابد)
 زین الجمال سده و هیدن مریدر که بنی اسرائیلله مخدای نام برکس نه و ارایدی اوزمانده اوچوز ییل عبادت
 ایدر جناب حقندن وحی کاوردی خلقی قادی بنیاحته جیقوب بر طاعده مغایره به کیروب قدیدن اوخلد
 اولان خرما غاچندن هر کون خرما ایچکن انکله یچنوردی اوچوز ییل عبادت ایدوب بو کاوچی اولدقده
 بنی اسرائیل یغمبر لرنندن برینه واروب دفع ملال ایچون عرض حال ایدر کده دنیادن برنسته به قانی متعلق
 و مطمئن اولانه وحی ایچزم دیه سن دیو یوریلوب اول بنی دخی خبر و ورد کده مخدای عابد ای رب واحد دنیانک
 نسینه قلم مطمئن اولدی اوله دیو مناجات و عرض حاجات ایدوب مغایره یا شد کی خرما غاچنه مطمئن ایدی که
 یونک میوه سی یغیون بیتدر یایدلک پس قلبک بالکلیه بکامنه وجه دکادی دیو یورلدقده مخدای طاب
 الاناراعب البقا خرمای کسوب یارب و فاقه دل کارزق و برمه تاکه سندن غیری قلم مطمئن اولیه
 دیوب اوچ کون کیجه سیه متصل باجان و دل عبادانه مشغول و نارحیت الهیه قلبنده مشغول اولدقده
 هر کون طاع انکندن قدرندن بردانه انار کاوب انی غدا ایدر دیوب در دخی کون نبوت ایله واصل مراد
 و منشرح القواد اولوب ای عابد اوچوز ییلاق عبادت کاه اشو اوچ کونلک عبادتکی وزن ایدر لک یونلردن
 انقل و انقل کلکین سکاوچی ایدم دیو وحی الهی و اثر فضل نامتناهی کادی (فصل در احوال طالوت)
 مریدر که طاقه بنی اسرائیل یغمبر لری حضرت اشمو یلدن کفار له محاربه نه اوستزه پادشاه نصب ایله
 دیدر کارنده امر حقله طالوتی نصب ایدوب (قال ان الله اصطفاه علیکم وزاده بسطة فی العلم والجسم) آیتند
 تفایده مذکور در که طالوت و یریلان علم یل علم امور سلطنت یا خود انکله ییله علم دانت و شریعت بعضر
 قولجه نبوتدر جسدن مراد طول قامتدر که زمانده اولان خلقت جله سندن دراز اولوب خلقن باشلری
 یونک اموز بنه کلوب برکس نه الینی یوقار و قالد رسه یونک ناشنه ککو جله ابریشور دی بعضر جسدن
 مراد قوتدر بعضر حسن و جمال صورتدر بعضر طالوتنک اکثر احوالی یوقار و ده باب اشمو ییل علیه السلام

ذکر او و یوب بعض احوالی دخی اشاعیده جلد نایده ملول بی امر ایله ذکرا و نور (فصل در احوال لقمان حکیم) تفسیر فاضله (واقعه آیه لقمان الحكمة ان اشكر الله) آیتند لقمان حکمان اولوب انبیان اولدی بقی مذهب بهر ورور علوم نظریه اقیاسیه و علی قدر الطاقه افعال فاضله اوزرینه ملکه نامه اکتسایله استحکال نفس انسانیه به حکمت دیرلر تفکر و رانیده حکمت علم مع العملدرکه استحکال النفس بحسب القوة النظرية والعملية دید کلر شیک معنای و محصلیدر دینوب * تاریخ عدده لقمان بن باعور ابن ناحور بن آزر درکه مزبور آزر پدر ابراهیم علیه السلام در دینوب عرایس تعلیمده ابن اسحق قولنجه لقمان ابن باعور ابن آزر در دینوب کشفاده مفصلامذکور درکه حکمت ویریلان لقمان باعورادرکه یوب پیغمبرک همشیره منک پادیزه سنک اوغلوایدی بهضرا آرنده لندن ایدی دیشلریک ییل یسا یوب داود علیه السلام نبوتدن مقدم مفتی اولوب داود پیغمبر اولدقه لقمان فتوی ویرمکی ترک ایدوب سبی صورلدقه بکاجت قائمده فراغت ایتمی دینوب داوددن علم اوکونور اولدی بعضلر قولنجه بنی اسرائیل ایچنده قاضی ایدی ناهمندن عکرمه و سبی لقمان بنی ایدی دینوب اکثر احوال بودر که بی اولوب حکمان ایدی ابن عباس قولنجه بنی اولوب برسیاه عرب قول اولوب جو بان ایدیکه الله تعالی اکا آزادک میسر ایتد کده کلات و نصایحندن راضی اولغین قرآنده حکایت ایلدی تا کایشدن لرا نکه عمل ایدله رسید بن المصیب قولنجه مصرده برسیاه عرب ایدیکه خیاط یعنی درزی ایدی مجاهد قولنجه طوداقری قالن ایاقری یارب برسیاه عرب ایدی بعضلر جو بان بعضلر نجار بعضلر اقدیسنه هر کون ارقه سیله بر یولک اودن طاشور خدمتکار ایدی دیشلر تاریخ الحکماء مذکور درکه داخل ولایت حبش اولان توبه ولایتندن اولوب دیار شامده مقیم اولان عرب طاقه لندن برینک قولی ایدی بعده لقمان ولایت شامده تعلیم علوم و تهذیب اخلاقه مشغول اولوب قدسه قریب رمله شمرنده وفات ایدی پروایتده دخی بنی اسرائیلدن برسی لقمانی اوتوز مقال التوریه سابقون آلوب اقدیسنه اودن طاشوردی * هر ویدر که ککروبی آزاد ایدن اقدیسنک انعام واحساندن مالی فراوان اولوب انکله تجارت ایدوب خلقه بی رهن وی کفیل قرض حسن و یروب اوغلرندن بر بن ذم نامه اولان ماللر بنی جمعه تعیین ایتدی * تفسیر کورائیده لقمان حکیم عبد حبشی ایدی بهضرا نوبی یعنی زنی عرب ایدی دیشلر سابقا چوبان اولوب حق تعالی اکا حکمت وبرد کده حضرت داود علیه السلام زمانته دل بنی اسرائیل ایچنده قاضی ایدی بعضلر قول اولوب آزر اولادندن ایدی دینوب عکرمه و مجاهدون غیری صحابه و تابعین جمع مفسرین لقمان بنی اولد بغه اتفاق ایتدیلر قتاده ایدر توبه حکمتدن برین اختیار ایتدیکه جناب حقه دن تخیر اولدقه حکمتی اختیار ایدوب سبندن استفسار اولدقه نبوت بر امر عظیمدر حقن ادا ایدله میم دیو قور قدم دیش بعض کیده بر باز کانک قولی اولوب بر حبشی کیشی ایدی بعض ککسده دخی حضرت داودک اوتوز سیل شاگردی اولدی * فوایح سکیده لقمان علم و حکمتی ییل پیغمبردن المشر یعنی ییل پیغمبره و اشوب هر برندن مستفید اولدی * کتاب عدده ییل پیغمبره شاگرد اولوب ییل پیغمبر دخی لقمانه شاگرد اولدردی دینوب ظاهری لقمانه شاگرد اولدقاری نبوتندن مقدم ایدی دیکدره مستدرک حاکمه خیر السودان ثلاثة لقمان و بلال و جمیع دیو بر حدیث هر وی اولوب عرایس تعلیمده دخی هر وی بر حدیث محصلی بودر که لقمان پیغمبر کادی بلکه بحمیلغنده دیلی چال بر قول ایدی کنیر افکر حسن الیقین اولوب الهی سومکین الله دخی اف سوب اکا حکمت و پردی بر کون نصف تمهاده او یورکن او یوب خلق اراشده حقه حکم ایتمک الله تعالی سنی بر یوزینه خلیفه ایتدوغی نه دیر سن دیو هاتندن برندا ایشیدوب اگریم بنی مخیر ایدر سه عاقبت ایتدیوب بلا ی قبول ایتمز اگر البته قبول ایتک تکلیف ایدر سه امر نه ایتساب قبول ایدرم زیرا یورمکه اکا کوره بکایاردم ایدوب بنی خطا ایتکدن صفلا در یوب لقمان ملکاری کور میوب لکن آزارلرین ایشیدوب بالقمان نبیون خلافتی قبول ایتمز سن دید کلر نده خلافت و حکومت بر راه بر صعوبت و آفت و محاق اولوب حاکم ظاهر الشرف و برحقن واحنه هدفدر زیر اظام اولور سه مذنب و آثم عادل اولور سه خلقدن رنجیده و متالم اولدی مقلوع و مستمند ریمکین یوجواب صواب اتسابی ملائکه کزین تعجب و تحسین ایدوب بعده لقمان

یا یوب او یوب فائنه علم حکمت فیض اولغین او یاند قدسه حکمت مویا کد با نادی لقمانه ندا اولد بقی کی داوده ندا اولد قدسه بی شرط و تردد قبول ایدوب بعده داود یالقمان سعادت سکاکه حکمته مظهر اولدک خلافت بلا سندن قورنار یوب داوده خلافت ویر یوب بلا وقتنه به میتلا فاشدی دیدی (کلمات حکمت) تاریخ میر خوانده هر ویدر که لقمان اودن طاشور بر خدمتکار اولوب بر کون اقدیسی بر کسینه ایدر د او یوب هر کیم مغلوب اولور سه ابرما غلک جلد صوی ایچوب یا خود جلد مالک نصفی غالب اولانه ویرمکه بحث ایتد کده او یوب یکه مکین مهلت ایتدیوب غم و الم و بجه ندم ایلد او یوب کوب لقمان خبر اولوب اقدیسنه تسلی و یروب ارتسی اقدیسنه و انک خصمه ابرماقی ککارنه واروب اقدیه اگر یو ابرماقدن دون نرد او یورکن آقان صوی ایچمک تکلیف ایدر سنک انی حاشر ایلد کتور ایچسون اگر نمدی آقان صوی تکلیف ایدر سنک انی طوط تا که اقوب کسسون اگر ابرما غلک یو بختندن یو فاروسنده کی صوی ایچسون دیر سنک انی دخی طوط که اشاعیده فاروسون یو خود مقدر در که بنم اقدیم دنیا نکل اولندن آخر نه دل یو ابرماقدن آقان جلد صولری ایچمکه شرط ایتدی دید کده حریف ملزم اولوب مالدن فراغت ایددی لقمانی اقدیسی حفظندن آزاد ایدوب حکمتندن ابتدا ظهور ایدن یوقه در دیشلر بعضلر ایدر بر کون اقدیسی وارنار لانه موسام تخمن الک دیوب بودخی آرپه اکوب یشد کده اقدیسی واروب کوروب نیچون موسام برینه آرپه اکدک دیوب بودخی آرپه دن موسام ستر صاندم دیدی اودخی بوطن فاسده سبب ندر دید کده سنی کوردم مز رعه آخرت اولان دیناده داغما ککاهلر تخمن اکوب رحت و جنت رجایدر سن اگر اعمال مینه مراتب حشینه بی فقر و محصل و جنت دار النعمته موصول اولور سه آرپه تخمی دخی موسام یشور دیو فکر ایتدم دید کده یو کفتار عبرت آثار خواجه بی خواب غفلتدن بیدار ایتکین لقمان سعادت نماد حکمت اعتیادی آزاد ایتدی * هر ویدر که لقمان چوبان ایکن یولداش اولان کسینه بعد زمان لقمانک یاتنه خاق او شوب نصایحی استماع ایدر لر کوروب سن یو حاله ته سیله واصل اولدک دید کده صدق کلام و اداء امانت واجتناب گفتن سخن بی منفعت ایلد دیدی * کشفاده مذکور در که بر کون بر کسینه لقمانک یوزینه باقدقه حقارتله نظر ایدر یکنی مقرر ییلکین یوزومه نه باقر سن دوداغم کشف ایسه ایچندن چیشان و زلر لطیفدر رنگ و ریم سیاه ایسه قلم اقدیر محمد الله دیو جواب صواب و پردی یشد بر کون داود پیغمبر دومور تلدن جیه او ررکن لقمان واروب باید یقنر کند دیو صورتی ایتدیوب لکن بی فائده خط ایدن اجتناب ایچون ساکت و صامت طو روب داود علیه السلام جیه بی توروب کیوب عجب لطیف جنک ابیاسی سن دید کده اقدمان حکمت اتساب صبرله جواب المغین کلی حظ ایدوب سکوت حکمتدر امد که کشی ایشی دکدر دید کده حضرت داود علیه السلام فرامته ییلوب حکیم دیو سسی اولد یفلک اکا استحقاقک اولدیغیچوندر دیو یوردی تناسیده لقمانه اقدیسی یا خود داود علیه السلام برقیون یو غار ایدوب جلد اعضا سنک اطیب واحشی اولان ایکی یاره ات کتور دیوب دیبله یورک کتوروب بر دفعه دخی اخیت اعضا سنی کتور دید کده یشد دیبله یورک کتوروب سینی صور دقه دیبله یورک ایلو ایلجی جلد ایلرک ایلجی اولورک ایلجی جلد کلرک کی اولور دیوب انسانک ایلکی و کلکی همان لسان و قلبنه تابع ایدیکه رمن ایتدی دینوب * تاریخ میر خوانده آزاد لکنه سبب خصوصیه او ج روایت یاز یوب بری بودر دینوب تفسیر فاضله مذکور در که بر کون داود علیه السلام یالقمان کیف اصیبت دیو خطاب ایدوب اودخی اصیبت فی بدغیری دیو خطاب حکمت نصاب ویرد کده غیردن مقصود بر وود و مالک معبود اولغین حضرت داود علیه السلام یوقالندن حال الماعله غشی اولوب بر زمان یخود اولدی تفسیر جلالینده لقمانه اعطا اولغین حکمتن بعضی علم دیانت و کلامده اصابت ایدی حکمتنه متعلق نصایح و کلمات لطیفه می موفور و نا محصور اولوب اکثری مافور و مشهور و بر کون اکا خلقک اذلی وار دلی کیدر دیو صورلدقه خلق اراشده فضا حندن اسک اجنابات کلیرب ازل حالات اوزره کور و کدن مبالات ایتماندردیدی تناسیده (واقعه لقمان لاینه وهو یفظه یا بنی لاشرک بالله ان الشرک لظلم عظیم) آیتند خاقو ایلد انتم بالشکم یامانان آدلوا و غلوا یامانان نافر کافر ایکن نصیحت و وعظ و افرا ایلد یکد دخی ایمانه ظاهرا ایتدی لقمانک کتب معتبرده ذکر اولسان مواظ

و کلمات و تفصیل مناقب و سالاتی خصوصاً کندی او غلنه ابتدایی نصیحت کردن قرآنند حکایت اولسان
 کلمات بر حکمت التون حل ایلد لوح باقوت و بلور و استنه مسطور اولوب خلق عالمه معلوم و محفوظ و زمرة
 عقلانله متصح و محفوظ اولغه لایق و مستحقدره می ویدر که او غلارندن برین ذمده اولان قرص الحقه لرب
 جمع ایتمک بر شهره کوندرد کده یولده و انده شومقوله امور و طره و رایتسه کر کدر احتراز اوزره اوله سن دیوب
 احوال غریبه غیبیه دن اوج درت نسنه دن خبر و یروب اشبو قصه عجیبه تاریخ میر خوانده کمال تفصیله
 مذکوردر (متفرقات) نیجه معتبرانده لقمان حکیم قدسه قریب رمله شهرتک ایچنده مدفوندر
 او محله یش یغمه مزاری وارد که کفر بنی اسرائیل انلری قدس دن رمله شهرتک برینه ظالم سورکون
 ایتمکین جمله می آج خلقدن بر کونده وفات ایتمشدر دینوب تاریخ میر خوانده بعضلرد عیشلرد که لقمان
 او اخر عمر نه خلقدن عزلت ایدوب رمله ایلد قدس اراسنده ساکن اولوب آنده وفات ایددی دیوب
 معتبرانده مدت عمر لقمان یکن با یکی یکن اوچیوزیا اوج یکن بشیوزیل ایدی دیومذکوردر و الله اعلم
 (نظام) بودنیاهالی بودر ابرور کچ * کسسه بونده باقی قالدی هیچ * جهاتده کسه قالسیدی مخلد *
 قالوردی عالمک نفی محمد (فصل در احوال اسان ابن اتان بن رجیم بن سلیمان علیه السلام) عروایس
 تعلیمده سلیمان علیه السلام پیغمبر وفات اید کده او غلور رجیمک او غلواندا دده می برینه اوج ییل خلیفه
 اولوب بعده اینانک او غلواندا خلیفه اولدی حزورایش عرق النسا هر ضنه مبتلا اولغین اعرج اولغله
 سلطنتنه ضعف کلوب ملوک اطراف باش قالدروب بنی اسرائیل تفرقه دوشوب بوانتاده هند بادشاهلردن
 روح آدلو کسسه عسکر عظیمه کیمله کلدکارنده ملائکه نوری صیوب قاجروب کلدکاری کیمله بند کزنده
 امر حقه عظیم فورتنه اولوب کیملری برلرینه طوعه شوب باره لوب جمله هندیلر عرق اولوب جمیع ماللربن
 دریا کنارینه آتوب با بنی اسرائیل آشته مزه غنیمت آتوب ربکره شکر ایدل دیوها نغدن ندا کادی دیوب بعض
 نوارینده کعبه الاحباردن مریدر که سلیمان علیه السلام برینه او غلور رجیم رجیمه سن برینه
 او غلوانا انانک برینه او غلوانا خلیفه اولوب بعده اما جناب حقدن بنی و رسول اولوب بنی اسرائیل عبادت
 اصنام ایدر اولغین انلری دینه دعوت اید کده اکثری تصدیق و متابعت و والده سبله بعضلری ترد و مخالفت
 ایدوب اوج کوندنصره اندر دخی مطیع اولوب بوانتاده یوزیک آتو عسکر ایلد و اون عدد قیل ایلد هند
 بادشاهلردن دزخ بن نقطش کیملر ایلدند ولایت شام تصدیه کلوب بنی اسرائیل حیرت وایه دفع بلوایه رفع
 با سایه سایه اما یه التیبا نصرت ایچون دعا رجا ایدیلر اما دعا ایدوب یا اساع و کزی هلاک ایدوب ماللربن
 مزه غنیمت ایتمک کر کدر دیوبی اولوب اساخلقه بشارت ایلدی * بعده عسکر هند کیملردن چیقوب
 آتو قدسه بقلا شوب دزخ اسایه سن قومکی براله قوی عبادتیه دعوت ایدوب عسکر عظیمی وارد
 دیوایتمسن بن مزه یقلا شدم دخی دیکل عسکرندن نشان بلورمدی یا قومکله بکام مطیع اولکر یا خور بکک
 عسکر بله بنم جنکمه حاضر اولکر دیو خبر کفر اثر کوندروب بنی اسرائیل قورقوب اغلا شوب مطیع اولان
 دیکل کزنده اما انلره غلبت و وعد نصرت ایدوب هلاک کفار دعا اید کده مؤمنیلر چیقوب کافره قارشو
 وار بکوز کورل که بن آنلره نه ایدرم دیو چی کلکین اسایله درت بیک نفر مسلمان عسکر هندستانه
 قارشو واروب مقابل اولد فلزنده هندیلر بونلره اوق آتوب امر حقه هر آتلان اوق دیوب صاحبنه طوقنوب
 وافر کافر قیلدنده دزخ کوکه باقوب وافر ملائکه کی آتلان اوقلری کافر طرقلرینه دوندردلر کورمکین بره
 اوق خصوصنده صحر ایدیلر بالن قلملرله جنک ایلک دیو عسکرینه ندا ایتمکین براوغردن قلملرله
 جمله اید کارنده ملکلر دخی کافرله جمله ایتمکین صیوب کافر قاجوب صومر زدن هر بری یقلاوب
 سان و یروب دزخ ملعون برمه دار عسکر بله قاجوب دریا کنارنه کلوب کیملرینه ییوب امر حقه فورتنه
 اولغین کیملری باره لوب جمله می عرق اولغین جمیع ماللری کاره چیقوب بنی اسرائیل غنیمت اولدی بعده اس
 وفات اید غنیمه دل بنی اسرائیل ایچنده امر معروف و نهی منکر ایدردی وفات اید کده حضرت شعیا
 پیغمبر اولدی بعض نوارینده اسانک مدت سلطنتی فرق بریل ایدی دیومذکوردر (فصل در احوال جقوق
 علیه السلام) فوایح مسکیده ده اشوبیل و خرفال و شمسون و جقوق انبیاء بنی اسرائیلدن ایدیلر دیوب تفسیر

ابوالسعودده (ولونهم اقاموا التوراة والا تحیل وما انزل الیهم من ریمهم لا یکلوا من فوقهم ومن تحت
 ارجلهم) آیتنده مذکوردر که وما انزل الیهم دن مراد قرآن عظیمدر بعضلر دیدیلر که اندن مراد کتاب انبیاء
 بنی اسرائیلدر شعیا کی و کاب جقوق و کاب دانیال کی که بونلر جمله سی باطان انبیاء محمد المصطفی صلی الله
 علیه و سلم حضرت یسک بنی توفی ظهورنه اشارت و بشارتله ملو یعنی طوبطلوردر دیوب کتاب شواهد النبوه
 حضرت رسول علیه السلام حقدنه اولان بشارت کتب سابقه دن بری حیقون علیه السلام دید و کیدر که
 (جاء الله بالیمان عن جبل فاران و امتلات السموات من تسبیح احد و امته یحمل خذله فی البحر کایحمل
 فی البریا یتنا بکتاب جدید تعرف بعد خراب بیت المقدس) دیومذکور اولوب حیقون علیه السلام دیندیک
 بر غیری پیغمبر اولان احتمال اولوب ایکن ظاهر بودر که حقیقتده عبارت صحیح جقوق اولوب تصدیق
 کتاب ایلد حیقون یازیش اوله و الله اعلم (فصل در احوال خرفال علیه السلام) فوایح مسکیده ده خرفال
 انبیاء بنی اسرائیلدر بخت نصر قدسی خراب و بنی اسرائیلدن یش یکن کسسه قتل و یش یکن تازه بکت
 اسیر ایدوب عددلری کثیر و قتللری کثیر اولان اسیر لرزمه منده دانیال علیه السلام ایلد خرفال علیه السلام
 و حضرت داود نسلدن دخی بدی کسسه یله ایدی دیومذکوردر (فصل در احوال زرداشت حکیم)
 علامه کامل الافاده مولانا کمال پاشا زاده رساله عقل آخرنده کاب ملل و محله مذکوردر که حکیم زرداشت
 اذربایجانی ملوک جمعدن کشتاسب زمانده ظهور ایدوب شاه و سپاهی کندی دینه دعوت ایدوب دینی ایه
 عبادت رحمان و مخالفت شیطان و امر معروف و نهی منکر و ترک انواع شر اولوب نوره ظلمت اهلین
 متضادین در بر دانه اهرمن دخی اوله اولوب یوایکیسی مبدأ موجودات عالم اولوب ترا کیم اشیا بونلر
 امتزاجندن پیدا و صورتلر ترا کیم مختلفه دن هویدا اولوب حضرت باری نوره ظلمتک خالق و مبدی
 و موجود و صانعدر که واحدی شریک و ضد صمدی معارض و ندر دیو و ندا ایدردی شانه حسن ظن
 او انلردن بری زرداشت دن برتنه نقل اید کده قال زرداشت اذربایجانی صاحب کاب الزند النبی
 الکامل و الحکیم الفاضل دیشدر * اگر حضرت رسولک علیه السلام بخوسیلر حقدنه (سنوایم سنه اهل
 الکتاب غیرنا کنی نسائم واکلی ذیایمهم) قولنده و قرآنده (ان تقولوا انما انزل الیهم کتاب علی طائفتین
 من قبلنا) آیتنده زرداشتک عدم بوننه و دینک بطلاته دلالت یوقیدر تفسیر تیسیره اشبوایت بخوسیلر
 اهل کابدن اولد قرینه دلیلدر زیرا انلردن اوله لردی اهل کاب اوج طاقه اولمش اولوردی بوایه آیه
 بخالفه لردی بختدر دیورمه * دیور که دلالت مذکور کوره نلک سنایی زرداشتک دینی دین بخوس کوره
 یا خودا کا کوکدن کاب ایتمشدر دیو دعا اولغله کوره در اولکیسی باطلدر فرامسل و خلد زرداشت دینله
 بخوس دینی فرق اولغندر ایککیسی ایه ثابت دکلدر ملل و عقل صاحبی زرداشتک زندوینا آدلو برکابی
 وار ایدیکه انی کدی تألیف ایدوب بعضلر زرداشت کورکدن ایغشدی دیشدر و الله اعلم بحقیقه الحال
 دیو تفصیل مقال اولوب لکن قدماء علماء آل عثماندن و عظماء فضلاء ذوی العرفان دن عالم وفاق و مشهور
 آفاق اولان شیخ عبدالرحمن بسطامی قدس الله سره السامی قنون عجیبه فی جامع فوایح مسکیده آدلو کاب
 نافعه زرداشت فارسی ایچون بهضلر بنی ایدی دیوب بعضلر ولی اولوب آتیه عبادت ایدیلر اولی بودر زیرا
 ناری عین نور صانوب میب و ایدیکه آتش ایچندن یو کالبلس برتلیس شو یلیوب اول کلمات ضلالت سمائی
 وحی الهی و کندی پیغمبر اولدی صانوب خانی آتیه عبادتیه دعوت ایدی دیشدر دیوب نه کاب من بورده
 حکمدن بری زرداشت فارسیدر که علم حروفی حضرت موسی علیه السلام اصحابندن اخذ ایدوب انک سبیلله
 آتیه کیروب یاغدی یا ماسپ حکیم بونک شاگردلرتک اولوزندن ایدی دینوب نظام التواریخ قاضی
 یضاییده کشتاسب زمانده زرداشت علیه اللعنه ظهور ایدوب خلق دین مجوسه دعوت ایدوب ادریس
 پیغمبر دینی اولان دین صابینه دن چیقاروب کندویه ایدوب کشتاسب دخی کا او یوب بعده اصطرشمرنه
 واروب او طاعده ساکن اولوب زند آدلو کابی ارقوه غه مشغول اولوب او محله آتشد لردی کبری عظیم آتش
 خانه لر ایدوب آتده آتما آتشلر اقدردی دیوب روضه مولانا بن خطیب فاعده کشتاسب زمانده مخترع
 دین مجوس اولان زرداشت ظهور ایدوب اندن اول عم خلقی صابینه دینی اوزره ایدیلر من بور زرداشت عزیر

بغیر ملک شاکر در زندان اولوب کا مخالفیت ایند کده حضرت عزیر بدعا ایتمکین بدی ابرش اولوب طاقانه
نی اسرائیل انی قدسندن شوروب چقاوردنلرند دیا ربهم واروب علوم فلاسه ده مهارت وامور خفیه
معرفته اهل قدرت اولمغین بجمده دعوی نبوت و خلقی عبادت ناره دعوت ایندی بعضی قولنجه ملوک
عبدن منوچهر نسلندن ایدی دینوب بعض معتبرانده مذکور در که زرداشت ولایت شامده فلسطین
شمرندن اولوب ارمیا پیغمبر ملک شاکر در زندان برینه خدمت ایدوب اکافترا و خیانت ایند کده بدعا ایتمکین
ابرش اولوب اذربایجان ولایت کیدوب انده دین مجوس احداث ایدوب دعوی نبوت ایتمکین خلقی کندوبه
ویدر یوب بر روایتده اصلده عجم طاقانه سندن اولوب برگاب تأیید ایدوب سوزرینک معنائی فهم اولمغنده
کوکدن اینش بر افتد که کندوبه خطاب اولمشدر دود دعوی ایدوب کابل اسنی است قویوب بعده
اذربایجان اندن فارسه اندن هند اندن چین اندن ترکستانه واروب ملوک وام عالمی کروب کاب ضلالت
اتسایتک ایچنده اولای کمنه فهم وقبول ایتمیوب هر ولایت خلقی زرداشتی شمرندن موروب چقاوروب
بعده فرغانه پادشاهی اتی قتل ایدوب دیکده قاجوب عجم پادشاهی کشتاسبه کد کده اودخی بونی نیجه مدت
حسین ایدوب زرداشت کندی کابنه شمر حیا زوب آدی زند قویوب ایچنده طب و نجوم و ریاضیات و اخبار ام
ماضیه و کتب انبیا و علوم مختلفه یازوب کابنده بونی دخی یازدیکه بن مرز جانب حقدن نه کتورد مسه از کله عمل
ایلا شاق سزه یلک میل باشنده صاحب الجلی الاحر کابنه دیوب صاحب جلدن مرادی آخر زمان پیغمبری
حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلمدور میویدر که بوسیدن طاقانه عرب الیه مجوس یلار ارا سنده بغض
وعداوت واقع اولدی دینوب بدی ییلد نصکره کشتاسب زرداشتی بر خصوص ایچون حبسندن چقاوروب
بلج شمر نه کتوردوب دینه کیروب عظیم رعایت ایدوب خلقی اول دین باطله جبر ایدوب عناد اید نلر دن یعد آدم
قتل ایدوب عاقبت زرداشتی دخی خلق قتل ایتدیلر زرداشتک ظهوری کشتاسب سلطنتک اولورنجی ییلنده
ایدی نارنج میروانده دخی زرداشت ارمیا پیغمبر شاکر در زندان برینک شاکردی اولوب علوم غیبیه او کروب
اتاه ریاضته ناکاه بر شعله آتش کورنوب ایچندن شیطان سوبلیوب زرداشت احق انی حاشا حضرت حق
صانوب شیطانک کلمات قبیحه سن یازوب اول کاب کفر اتسایتک آدی زند قویوب کندوبی پیغمبر اولدی
صانوب اذربایجان کندی دینوب بعده تفصیل اولمشدر * اشو کاب مرآت الکائنات مؤلفی اولان بنده
حقیر و افکنده بر تنصیر دیر که زرداشتک منقذ غلطی غالب بودر که موسی علیه السلام طوطا غننده ابراقدن
آتش کوروب موم یاقا غیچون طاقه واروب براغی قدرندن توتسز و سراسر آتش قبلامش کوروب
یائنه وارد قده آتش قاجوب موسی علیه السلام چکلده آتش برینیه کایوب موسی حیران اولد قده آتش
ایچندن (لئی انالاه وب العالمین) دیوندله خدا جل و علا کایوب فرعونی دعوت نبوت و رسالت و برلدی زرداشت
دخی غالبان ایتشدو که هر آتشدن کلان ندا رحمانی و آتی ایشیدن نی ربانی اوله او مناسبتله محل خطاب
اولان عین ناری حاشا حضرت باری صانوب محض جهالت و فرط ضلالتدن کندی ک و سائر ناسک
اعتقادلر بن مفسد و غفل اولوب مکر ابلیس الیه ضال و مضل اولدی (نعوذ بالله من الخذلان و شرور النفس
و مکاید الشیطان) (فصل دیاحوال تبع اوسط) که اسمعی سعید یا سعید یا کسرماء و سکون مچله حیر اولوب
بدی اسمعی کرب یا کیکرب یا ککی کرب یاوردع ایدی دیار بنده ملوک قحطانندن بر سلطان عظیم الشان
اولوب اکبر عالمان عالمی کشت و کذار و نیجه پادشاه عالی جاهی کندوبه خراجکزار ایتشدی حضرت رسول
علیه السلامدن بدیوز ییل اول کایوب اوصاف شریفه لری نایسته کده بر محبتنامه یازوب مدینه اهلنه
احانت و بر مسندیکه زمان بتولر نده تسلیم ایدله بونک تفصیل احوالی جلد نایده ملوک قحطان بنده بیان
اولنور * حالا ایلا معلوم اوله که اگر چه کشفانده ابن عباس قولنجه تبع نی ایدی دینوب لکن ینته کشفانده
و غیریده (لانتب و انتعافانه کان قداسم) دیوودخی (مادری اکان تبیع نیبا و غیرنی) دیووتبیر کورانیده
(لانتب و نیما فانه کان مسلما و لادری اکان نیبام لا) دیوواج حدیث شریف مریدر خصوص اولکی
جدیدشده (کان قداسم) عبارتی ظاهر ادالات ایدر که منور تبع سابقا کافر اولوب بعده اسلامه کیش اوله
بوتقدیرجه پیغمبر اولامسی نص حدیثه ثابت اولمش اولور زمران نامده عدم سق کفر شرائط نبوتدن ایدکنه

علماء آفاق اطباق و انفاق را بشمارد و الله اعلم (فصل در احوال پادشاه علیه السلام) عرایس تعلیمه
مرید در که حضرت عیسی کو که چنگد کده حواریونند شعون و یحیی الیه حضرت عیسی نیک و ولد بی مریم
ولایت روم پادشاهی مارونه کیدوب ایمانه دعوت آیند کارنده مقده ما مارونه حق تعالی بودی ادلوب بر پیغمبر
کوندرمش اولمغین مارون ملعون بودی الیه شعونی طوقی با شری اشاعه آموب وفات آیند کارنده مرید
یحیی قاجوب بوقصه نیک اشاعی باب عیسی علیه السلام آخرنده یازشدر کانظر اولنه (فصل در احوال
رسول عیسی علیه السلام) فوایح مسکیده حضرت عیسی الیه حضرت رسول علیه السلام هجرتی اراستنده
التیوزا تو زیل یکوب اشوبه نیک اولنده اوج مرید کلندر تکیم قرآنند (ادارسلنا الیهم اثنتین
و کذبوه ما نغزنا ثانیات فقالوا اننا الیکم مرسلون) یورلندر کتب فوایحه عیسی علیه السلام ایکی کسینه بی
انطاکیه شهر نیک خلقی دینه دعوت کوندروب حبیب نجار ثانیات رسول ایدی به ضر ثانیات شعون ایدی
دیشدر دینوب لکن تفاسیرده مذکور در که اثنتین مرید حواریونند ایکی کسینه در که حضرت عیسی
کوندرمشدر لکن رسول رسولی بالذات رسول کبی اولمغین قرآنند (ادارسلنا) یورلندر رسول عیسی علیه السلام
وقصه ری تفصیلیله باب عیسی علیه السلام نظر اولنه (فصل در احوال فولوس حکیم) فوایح مسکیده
علاء و قدها حکیم ایدنده فولوس حکیم مشهور عالم اولان جالینوس حکمت مانوس هاشیه زاده سی اولوب
جالینوس فی حضرت عیسی کوروب احوالی خبرین کتورمکه کوندره شدی طائفة نصاری رئیس
حواریون اولان شعون مفاد نصکره مزبور فولوس پیغمبر اولندی دیودعوی ایدر لر دیود کوردر و الله اعلم
(فصل در احوال جرجیس علیه السلام) عرایس تعلیمه و همدن کمال تفصیله مرید در که حواریون
شاکر لرندن اولوب قدسه قریب رله دیدکاری شهر فاطمینده مقیم و مکی ایدی نصاری دن نیجه اهل صفا
اکانایع اولوب اونواحی به کفار امتیلاسیله ایمانلرین اخفا ایدر لر دی (هجرت و نصیحت) اوزمانده
دیارشامه دخ مالک اولان مرید شهر نیک دادویه آدلوب پادشاهی بر کافر جبار و نافرستکار اولوب افلون
ادلوب رغه طابوب خانی اکا عبادته دعوت ایدوب مخالفت ایدنله انواع عقوبت ایدر دی او ائناده جرجیس
ائله نایه جانتند راحت اواق ایچون هدیه لرله موصله واصل و مجلس شاهه داخل اولدقه انده عظیم آتش
کوزدیکه افلونه طایب انری اکا آتوب هلاک ایدر لر پس جرجیس صائب سکونی غیر مناسب کورمکن صوت
اعلا الیه شاهه ندا ایدوب قبل و قال و بحث وجد الله نصره شاه ناپاک حکم غضبناک اولدی (بلایا و کرامات)
پس داراغی دیکدروب دور طارنده یخلا دوب جرجیسی اکا اوروب بدنی طرادوب اوزریشه سرکه
و طوزلوصود کدروب اخشا و اجزای متفرق اولدی لکن قدرت قله وفات ایچوب اصلا و جمع و الم کلدکده
شاه کراه علیه لعنة الله تعجب ایدوب جرجیس عنت اندیست باشتی یا خود باشتی و کوزلر بی وقوله لرین قیزمش
مسعاره یخلا دوب دعا غنه بشمکین بینسی آتوب لکن وفات ایچوب و جمع دخ طوبیامغین بر حوض
ایچنه باقر طولدروب آتله ایدوب جرجیسی ایچنه آتوب اوستی اوروب بعد زمان یوقلا دنده صاغ بولوب
یوعذا بلردن سکالم کلدی دیوروردقه جله اشیا به قادر اولان ریم سی الزام ایچون بی بلاردن قورنار
دیچکن غضبه کادی (نبوت و هزات) پس جرجیسی زندانده یوزی اوستنه یا نورب اللرین ایاقلرین
قازقلره باغلادوب ارقه سته بر مریدلر کوندروب اوکیجه جرجیسه بر ملک کاوب بندلرین چوزوب
الله تعالی سکانوت و یروپیدی یله دلده دست کفشارده بلار کفشار اولوب انلر آتی درت کره قتل ایدوب
هر برنده بن دیرلر لوب بشخیده بر غروح روانی آشیان جنانه طیران اید جکدر همان جانه جبر بلار
صبرایتون یوردی دیوایرتقی جرجیس پادشاه و لروپ سی زندانن کیم چیشاردی دیدکده جله عالم
لهی و دستگیر و پناهی و پادشاهلر پادشاهی دیچکن شاه لعین بی دین جرجیس اهل حق دستره الیه ایکی شق
ایدروب هر پاره سن نه اره الیه نیجه کر پیچدروب خلقه اشکنجه ایچون بر قوی ایچنده بسلندردیکی بدی عدد
یا و ازسلانله بر اقدروب شیران دلیران اجزاء شریقه و اعضا منیفه لرین اللهم رب الانام الیه پیره دوشوره یوب
ارقالنه الوب یا خودا کا یوزلرین یوروب تعظیما قارشو طوروب اوکیجه حق تعالی جرجیسی احیا ایدوب
برقرشته کوندروب بعضی کسینه سوبلر یوب ابرسی پادشاه صاحب مهر و سوزندن بیرام ایدروب و انبعل

عشرت واهو ایدرکن اولون ضلالت مقرون نجاست متعوی مدح ایدوب آندن عظیم وقوی برمود
 موجود کدر جرجیس فایده در که بزی معبوده بخوف وانی داغامدح و تعریف ایدردی دید که فی الحال
 جرجیس علیه السلام مجلس اورنه سنده کورنگین حاضر و ناظر اولنر هاشم و حار اولوب بوکشی جرجیه
 نجیب بکزر دیوب بودخی بن جرجیس که و بیخی احیا ایدی عقلکزا اولیدی و مقوله اش یاه قادر اولان
 خدای بی همتایه ایمان کنور دیکر دید که مشرکین ملاعین جرجیس ساحر ماهر در کشته آتی قتل
 ایدین کندینی هم مرده هم زنده کورتر دیوب ولایتلرنده اولان جله ساحر لری کنور دیوب ریاسلری
 تجربه ایلد کارنده ایکی یلان کنور دیوب خلقه او کوز کوزوب یا خود بر صغر کنور دیوب قولاغنه توکرده
 ایکی شق اولوب اوبر قولاغنه دخی توکرده ایکی او کوز اولوب او کوزله یا سیلان بر سور دیوب بقدا ای کوب
 فی الحال نازه بقدا ییتوب صرار مغین بچوب دو کوب صاوروب دکر منه چکوب اون ایدوب خیر یوغروب
 اتمکار ییورد که زمی ملاعین تحسین ایدوب شاه شقی بی عدا کا کلی احسان و عدا ایدوب جرجیسی کاب
 صورتنه دوندردی و متلاطم کنین بر کاه صوبه افسون او قویوب ویرد که جرجیس الوب ایچوب کندوکی
 نیجه کوررسن دید که نسیم یوق صومرا یدم غایت حظ ایتدم دید که ساحر حیران اولوب پادشاه اکر سن
 بر خنلوق ایلد معارضه ایدیلد کک اغلبه ایدردم اما من خدای ارض و سما ایلد معارضه ایلد دیلرسن
 بر کا قادر دکان دیوب مجاهده حاضر بر کشته دخی سز جرجیسی ساحر صامتا کر که دفع موته ساحر قادر کادر
 بن شام ولایتند ما یکن آنده بر خنلوق بر صغری وفات ایدوب خاتون بونده کوب صغری شک حیاته
 دعار جایتد که جرجیس اکا صاسن و پروب وارد قده میته بوند که اور جیانه کور دیوب خاتون بن آنده
 وار نیجه اعضا می طایفه لور دید که بردانه استخوانی طور رسه یتر دیوب خاتون واروب عصا ایلد اور دقده
 صغری حیاته کادی بس احیا موقی به ساحر قادر لریدر دید که رئیس صغری یوق والله دیوب ایمانه کادی
 (شهادت مساین) پادشاه قاقوب رئیس ایمان ایلد دیلن کور دیوب هلاک ایتد که بو خبر عبرت اثر شهرده
 شایع اولد قده درت ییک نفر کشته جرجیه ایمان کتور دیوب تابع اولغین پادشاه ایدوب جله سنی
 طو تر دیوب اشکجه ایلد شهید ایتد دیوب با جرجیس و ابامکی بن امدن قورنار می نیچون و بکدن ایتد
 دید که حضرت رب رحیم مؤمنین قولاری دنیای غدارلک بلا سندن و شک کی سکارلک جفا سندن
 قورناروب جنت نعیمه مقیم ایلد دلدی دیوب جواب با صواب ویردی (معجزات و بلا) بر کون مقربان
 سلطان کفر نشاندن بری ای جرجیس ریم هرنه دیلر که ایتد که قادر در دیرسن یوا وور دیغمز کر سیلری
 اولکی کبی اختصار میوه دار ایدر سه اکایان کنوره لم دیوب بودخی ریم آتی دیلر سه قادر در دیلر سه کک نه نک
 اکا حکمی کچم منزله عن التعناء فعل لما یثاب در دید که فی الحال بر فرشته سعادت سرشته کوب
 الله تعالی شک سکا اول قدر لطف و عنایتی وارد که هرنه مراد ایشک حاصل و آشکار اولور دیوب اخبار ایتد که
 جرجیس دعا ایتد کن کر سیلر قوسی حرکت کوب پیرا قلوب میوه دار اولد قلدنه کک فاراشر ارعاده
 اصرا ایدوب شاه کراه باقر دن بر صغری ایدوب ایچنه نفط و باروت و کبریت و باقر ایلد جرجیسی قویوب الله
 آتش با قدر دیوب صغری قلدنه جرجیس وفات ایدوب امر حقه عظیم بل اسوب فارو یغمور یاغدی (نظم)
 طو لدی بر دم ایچنه الی جهات * رعد و برق و صواعق و ظلمات (نثر) نیجه کونه دل شدت ظلمدن
 ککمار مستحق الحرق کوندزی کیجه دن فرق اید میوب او انساد بهر لاک کوب باقر دن صغری حدت
 و شدت ایلد یه چالوب آنک صدامی هیچندن خلق یوزلری اوستنه یقوب صغری ایتوب ایچندن جرجیس
 صحت و سلامتله ظهور ایدوب عالم بر نور اولد قده جرجیس یه پادشاه واروب احصاب کفر و طغیان بو حاله
 حیران اولدیلر (احیاء موقی) پس مقربان شاه بر خطا مره سندن طور قلیطای جرجیس اشبو نو ایدیه
 بر مغاره وارد که ایچنه حوض واردر و هر بنده ملوک ماضیه دن بر وصیت طور را ککری و تکده صادق
 ایشک دعا ایلد انلری احیا ایلد تا که بزم ایلد سو یلته لریدر که مؤمنین و مشرکین مغاریه واروب جرجیس
 علیه السلام نماز قیوب حوضلردن موقی اعضا لرین چیقاروب هر مینک کوکار بن بشقه بشقه قور دیوب
 دعا ایتد ککده جله سنی که طقوز ایش عورت اوج اوغلا شقی ایدلر حیاته کوب ایچلرندن بری پیر اولوب

ایمان و مذ هیکل ندر دید که توفیل در بت پرستلک اوزره وفات ایدلی در نیوز ییلد که هر ایش حالت نزاع حالا
 بوغازمدن ککمار شد بر بعد الموت بی بر حاکم عادل حضور نه ایلدوب مذهیم صوروب بی و پولدا انلری کفاردن
 بولد قلیچون ایسمازه قوزدرلر اوزا حزه خوف و غم و دردلر مسلط ایدوب تلافی مافات ایچون دنیا یه
 رجوعه اضریعات ایتد بکمرده قبوله موصول اولوب بوانه دلک عذاب ایچنده برای دجل صالح وینده
 مغلغ سن کچسن که عین نفس مقدسک ایلد حضرت خدای احیا ایلدی دیو ادا ایتد ککده * بن جرجیس
 بیغمیرم دیکین توفیل پیرا کادامنکیر اولوب ای اهل شرف و سعادت لطف کدن بزم ایچون شفاعت ایلد که
 رب کریم وقدر ایشو بر قبضه خالک حقیر توبه لرین قبول و بر بیچاره و آواره و پیرا لری رحمت بی غایتنه
 موصول ایدد دیو تصرف و توقع ایتد که طور قلیطای ذلیل ای توفیل دین اجداد و آبا دن رجوع و ایلدوب
 جرجیس اهل ضلالت متعابعت ایتد که استحقاق تجزیه سن دید که توفیل او کافر دن یوزین چوروب و تده کوره
 (ع) برین یلورم چکد بیکم و دخی الله دید که جرجیس یاغیله یره دیوب بریکار آشکار اولوب حیاته ککتر
 اخر شریقیله غسل و وضو ایدوب ایمانه کاد کارنده یه ایا لرین یره واروب حیاته ککتر اسلام و ایمان و ایمان
 رجانه وفات ایتدیلر (معجزات عظیمه) یوحا لاری مشاهده ایدن کفار دیو المعانده ای جرجیس عمر مرده
 سنک کی ساحر ماهر کورمک که نیجه یلاق مرده بی بزه زنده کور ستر دلدوب بعد جرجیسی مذهب
 و مشریندن رجوع ایتد در مکه تعذیب بالجو عدن غیری چاره یوق در دیو مشاوره اولغین بر فقیره خاتون او بنه
 قویوب حکم باغلا دیلر که حرکت بحال بحال اوله خاتون جرایتمک کیدوب جرجیس علیه السلام آج اولد قده
 اوده اغا جندن بزدرک کوروب دعا ایتد که پیرا قلوب میوه تورمکین ییوب بعده اغاچ اوزا نوب بوکدن
 اولوب خاتون کلد که نهچندن ایمانه کوب کور و کورم و ماغر و دلیر بر مریمض اوغلو اولوب آنک شفاسن
 رجایتد که مبارک اغزی یارین اوغلانک کوزینه قولاغنه سورمکین جمع و بصیر میسر اولوب زن پارهای
 اوغلو ایچون زبان ویای محنته دخی پای ایستد که جرجیس علیه السلام آنک زمانی وارد صبر ایلد دیوب
 بر کون شاه کراه بو خاتون او ی باتدن کچوب انواع میوه ایلد مزین بر شجر حسن کورد که نجیب ایدوب صوروب
 بلد که اوی یقادروب اغاچی ککدن دیلد که فی الحال قور دیوب دیرک اولوب یا خود قور میوب کوکندن
 چقار یلوب بعده علی کل حال دعا جرجیه له بتوب اولسکی کبی میوه دار اولدی (معجزات و بلا) بعده شاه کراه
 جرجیسی یاز دیوب اللربین ایا لرین یغلا دیوب برعرب به مرمر دیرک قویوب عرب به الله ککدن دمورلر
 میخلادوب فرق او کوز قوشوب جرجیسک اوستنه یور تدر کارنده جسم شریقی اوج باره اولوب آتسه یا قوب
 اول چو ادمه عادتله سادک و مادی دویا یه یا خود اوج یولوب برینی دویا به برینی طایفه صاچا غه
 کوندروب وارنر کولی صاور دقلرنده ای یچور و یوچیل قوم جرجیسک اجزاسن صاقلایوب بربره جمع ایلد دیو
 برند آ حکمت ادا ایشید یلوب بوانشاده اوج طرفدن بل اسوب یوز قویوب با قدرت حیرت غایت پروردگار
 غبار مثار ارا سندن جرجیس مختار آشکار اولوب خدمت کیدن لرله پادشاه ییلد کادی (معجزات متعدده)
 شاه ضلالت پناه یونی کورد که متغیر و متغیر اولوب اگر خلق بی سکامه لوب اولدی دیو تعیب ایچنه ایمانه
 کوردم لکن سندن بر مرادم وارد رانی ادا ایدر سک سنی داغما محصل المرام ایدوب صبح و شام امر کرام
 اولام دیوب ندر دید که اولونه برکه مجده ایدد سن دیوب اودخی کلیسایه یله واروب کوره دیکین پادشاه
 سو یوب بو کون بو کیجه بته ییلد اول دیوب غایت رعایت ایدوب کیجه جرجیس پادشاه مر ایدد غار قیوب
 خوب آواز اولغین صدای پرسوز و کدازله یوز یوزی تلاوت و قرأت ایتد کیه شاهل خاتون ایشیدوب ایمانه
 کوب جرجیس اکایمان اخفا صغریوب ایتسی شاه و سپاه کلیسایه واروب سایشاد کراولان قهره خاتون
 جرجیسک کلیسایه وارد یونی ایشیدوب مریمض اولان اوغلی کور دیوب واروب ای جرجیس سنی بیغمیر
 ایدن ربکی قویوب غیر یلر می طیار سن دید که اوغلیک یه قوکه بو باید و غم حکمتی وارد کورمسن دیوب
 قود قده ای اوغلا شقی وار و التون کر سیرا و سینه طور انش عدد صغری سزی جرجیس ایتد دیو سول
 دیوب دلیر و کورم ایکن یور یوب واروب ذید ککده جله صغری کلدی جرجیس ایاغن یره دید که صغری
 بر کچوب اولونک ایچندن شیطان لعین خیقوب جرجیس علیه السلام ای ملعون خلقی آوز دیوب جهته

کوند و مکن مرادند و در یوب بر آدم آرد و می بر کواکس طائفه ن بکا عز و الذور زیر ازمه انسان بنم
 عد و در مدریس انری اضلال بنم خور مدر یوب شاه کرام ای جرجیس بنی الدادوب معبود لری ملائکه ایتند
 د یوب بودنی پس کند و رذن ضرر دفته قادر اولیان جادائی نیچون معبود اید یورسن مکرکه عقلت
 موجود دکه دریدی (قتل زن) تواناده پادشاهک خانوی به کافرله قاقیوب نصیحت ایتد کده
 پادشاه المنجوب اول رشیده به عیده بی شهیده ایتدردی (شهادت جرجیس و هلاک قوم ضلالت انیس)
 مریدرکه خانون قتل او اند قدده جرجیس علیه السلام الهی بنی یدی پیل متصل انواع شداید و محنه مبتلا
 ایتند حالا زمان و عود تمام اولدی الطیاف عیمه و اعطاف عنایمکه التجایله تضرع و رجایلد رکه
 شمدنکیر و بی جوار و رجتکه و دیار جنتکه ارمال و ایصال اید سن لکن قبل الوفاة کفار عصات عذاب
 کورمکی میسر ایلد دیود عامکر ایتد کده فی الحال غضب و قهر رب الهی بر حساب مشتمل العذاب کاوب
 آتش یاغدر و یوب مشرکین لاعین و احوال پراهورالی کور و یوب کال یا سله و شدت و بآسله سل سیوف اید و یوب
 حضرت جرجیس علیه السلام محنت مانوی پاره پاره اید و یوب به سله کفار و در و دیار و وزان و محترق
 و زمره مؤمنین بونرک ایچلرندن معتزل و معتز اولوب عذاب مولدن ناجی و سالم اولدیلر (عدد مؤمنین)
 حضرت جرجیس ایمان کنور لمرجه اولوز اوج یلک نفر ایدیلر د یوب لکن عرائش تلمیبه کورکدن یغان
 آتش ایلد و کفار یا یوب به سله شمر باش اشاعه دوند یوب نیجه زمانه دله شهر التندن غایت بدراجمه لوت و نلر
 جیه یوب هر کیمک بورشه کیرسه عظیم مر ضله مبتلا اولوردی جرجیس به سله ایمان کنور و یوب قتل اولنلر اولوز
 درت یلک نفر کشته ایلد پادشاهک خانوی ایدی د یوب جرجیس شهادتند نکره مؤمنلر نجائی یازما مشدر
 و الله اعلم (روایت آخری) کشف الک طیبی حاشیه سنده جرجیس علیه السلام نیجه بلاردن قورتلد قدده
 معجزه طریقه احیاء و قی اید و یوب کافر ایمانه کلد کارنده ایچلرندن جیه یوب کید و یوب حق تعالی اول شهر
 خلقیله یله باش اشاعه دوند یوب زور و زورخا که بر ایتدی د یوب و رایح مسکیده جرجیس علیه السلام
 مرسلندن اولوب بخش کره قتل ارنوب هر رند فی الحال حیات بو اندرد یومذ کوردر (فائده) یوفار و ده
 باب عیسی علیه السلام ده ذکر اولنان (اما اولی الناس بهیسی ابن مریم فی الدنیا و الاخره لیس بیی وینه
 بی) حدیثی جرجیس یا عیسان مقدم اربانی یا خود پیغمبر اولوب اهل کرامات اولان اربانان امانی اقتضا
 ایدر بعضی زوار یکنده کعب الاحبار جرجیس پیغمبر دکلدی صلوات ایدی د یوب حکایتی ذکر اولنان
 تفصیله یازلد بی احتمال ثانی مؤید در و الله اعلم (فصل در احوال شمسون عابد) فواج مسکیده
 اشو و یل و خرقال و شمسون و جبهه و قی انبیاء بنی اسرائیلدن ایدیلر د یوب زین المجاله مذ کوردر که بعض
 مفسرین دینلدر که حضرت رسول صلی الله علیه و سلم زمان سابقه شمسون آدلو پیغمبر و ایدیلر که رضای
 حق ایچون یلک آی متصل غزا اید و یوب ارفا مندن سلاحنی چقارمیدی دیو پیور و یوب صحابه کرام بوکادی
 ایشید و یوب تولایدی بزمن دخی ۴۰۰ یوز و زو اولایدی تا که راه دینده جهاد و سبی و اجتهاد ایدیلر دید کارنده
 سورة (اما انشاه) نزول اید و یوب مزه ویریلان قدر کجه سی توانی حددن بیرون و یلک آی غزا توانبدن
 افزوندر دیو یولدی * تفسیر قاضیده (ثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیاة الدنیا و فی الاخره)
 آیتند مذ کوردر که مفسنون اولد قنرند یعنی کفار اللارندن فتنه و بلالره کرتار اولد قنرند دینلرندن زائل
 اولزلر زکر باو یجی و جرجیس و شمسون و احباب اخذ و دله آتشه آتد قنری کسبه لکی د یوب کشفاده دخی
 رکر یا دینی و شونر کبی که دستره ایلد یچلوب بد ناری دمور طرافله طرانلشدر نتیکم جرجیس و شمسون
 و غیر یلر نابت اولشدر د یوب * تاریخ میرخوانده مفصلا مذ کوردر که بین عیسی و محمد علیه الصلاة
 و السلام بعض بلاد عریده شمسون آدلو بر عابد و زاهد و غازی و مجاهد و ایدیلر که غایتده بیاد و هر نه بد ایلد
 انی باغله زورله قیرماغه قادر ایدیلر دایما غزا جنت جزاء ایتمکین کفار خا کسار عاجز و یوب قرا اولوب اول
 شهرک حاکمی شمسونک خانوته اگر زوجی قتل ایتد بزه معاونت ایدرسک بن سنی نکاح حلوب مقرر
 و محقق مال فراوانه مستغرق ایدیم دیو یوب مکرر کنور و یوب اول مدونه مغبونه دخی (ع) سک و قادر
 تدار وزن و ناه و خواسته نرک حقوق متقامه اید و یوب قتل شوهر عالی کوهره جازمه و عازمه اولد قدده

شاه کافاره امریکر ندر دیو یوب کنور و یوب اودخی شمسون او یورکن دفع شرو کردن ایچون و سن ایلد حکم بند
 اید و یوب بزه خبر کنور و یوب د یوب زن قصیرة العسل طویل الامل موجب امر ایلد ۴۰۰ ایتد کده شمسون
 مغبون او یا یوب زور ایلد بندی قیوب خانوته نیچون یوب ایلدک دید کده سیک قوتک تجربه ایلد د یوب
 حسب حالی پادشاهه یلدردی اودخی دمور زنجیر کنور و یوب به شمسون او یا یوب کشف و یوب هر یوب
 و مضبوط کوردر کده زور ایلد قیوب نیچون یوب ایلدک د یوب خانون دخی شمسون هر نه بد ایلد بغلا نوره
 قیر اید کارنی تجربه د یلم دید کده اول غافل صاف دل اوسوز کر چکدر اما بی کند و صاحب قیلر یله بغلا سله
 قیرماغه قادر اولمازدم د یوب به سله او یور قدده اول مکاره غداره شمسون بیچاره نک مساندن بر قاج قیل
 قو یا یوب اللربیک باش بر مقارین انکله بریره بغلا یوب کفاری خبر دار ایتد کده کلوب شمسون طو یوب
 پادشاهه ایتوب شهر خلتی جمع ایتد یوب شاه ضلالت بنه درت دیرک اوستند یا پاش بر قهر فرید اله صر
 ایچنده او یور و یوب قارشو سنده دارا غایج دیکد یوب شمسون قوی القلبی صلب امر ایتد کده جناب حق
 مناجات و عرض حاجات اید و یوب الهی اگر دنیا ده معمر او مانی کفار غزا ایچون رجایله یکم فی غر و غل
 و جان و دلان ایسه یور و یوب بر آفتادن بکا نجیات ویرید کده بر فرشته لطافت مرشته کلوب شمسونک
 بندر بی چوز و یوب پادشاهک قصری ایتد کده کی دیرکری چکوب کوشکی زور و زورخا که برابر ایلد دیو اصرار قدده
 شمسون نجیات امل امر له عامل اولقین قصر ییقلوب شیا له سارنایا کار هلاک و آغشته خون و خالک اولوب
 خاق میتلر اخرجنه مشغول ایکن شمسون مقبول مومنه شرف منیه کید و یوب زن بر نفاقه طلاق ویردی
 هر ویدر که شمسون کرامتسون خانه شرف آشیانه سنده یلک آی کجه لقیام کنور و یوب صیام اوزده اولوب
 بعضی مفسرین (ایله القدر خیر من الف شهر) آیتند کیه یلک آیدن مراد شمسونک عبادت ایتدیکی یلک آیدر
 دیشدر دیو مذکوردر (فصل در احوال خالد بن سنان العیسی) که نسب عالی حسی خاتم انبیاء
 محمد صلی الله علیه و سلم اید و مرمد حضرت تریک یکر بی ایتادن جده ایچدری اولان عدنان
 عایشانه واصل و متصل اولور * معتبرات متفرقه ده مر ویدر که خالدک دختر عادت آخری حضرت
 رسالت علیه افضل الصلاة و التحية زمانه بتشوب جناب شرف انتسابله یه یوز و یوب سورة اخلاصی
 دهان نور افشانلرندن اجتماع اید و یوب پدرم دخی یوسوره عزت ایتی قرا ایدردی دید کده رسول علیه السلام
 هذه ابنة نبي ضيعه قومه پیور مشر یه بی برینه مبرک قیزیدر که قوی اتی ضایع ایتلدر (نصه نبوت)
 تفصیل قه عبرت صهری بودر که حضرت عیسان او چوز ییل صکره کلوب عجم پادشاهی نوشروان
 عادل زمانده ولایت عجزانده ظاهر و مرفراز اولوب مکه ایلد مدینه ارا سنده قبائل عرب ذوی الاریدن
 کند و قبیله نیده سی اولان عیس طائفه سته پیغمبر اولوب خلقی دین حضرت عیسیاه دعوت اید و یوب جهنمک
 خزینه داری مالک بکا کلوب دار نعیمک احوال ناریحیمک احوال خبر ویردیر ایدی * مر ویدر که یغمور
 یاغماغه امتسقا ایتد کیه باشی خرقه سته چکد کده یغمور یاغوب دیکم یوب باشن خرقه دن چقار قدده
 یغمور دیکردی (ظه و زنار) ذکر اولان ولایت عیسده بر قی و یا خود بر مقاره ایچندن یا بر طاع ارا سندن
 حکمت حقه بر عظیم آتش چیه یوب کجه لده طاشلو برلردن آشکار اولوب علوی یوزنده بر میل قدر
 پرور یوب او غرا دینی یا قوب به برینه دوزدی سکر کونک یولده مر عارده و صحرارده طو اولرک کوزری
 قماشوب فرا و عدم قراطه ایدر زدی کوندر زده غائب اولوب همان دکان نمایان اولوردی اشو حالت
 نیجه مدت طو و یوب طائفه عرب بو آتش نار الحد نان دیو آد قودیلر (ظه و مجزات) پس عر بلردن نیجه
 ولد و والدای خالد دعوی نبوتده صادق و محق ایسک ناری سو یوند خلقی سو یوند کزنده عصابله
 آتشی قوا یوب چیقدر بی مقاره یا خود قی و ایچنه کیرد کده یا نیجه حاضر و ناظر اولنره صافک بنم اعمی
 ذکر الملک یوسه هلاک اولورم د یوب آتشک آرد نیجه کیروب بر مقدارا کاند کده طشره ده طور انر حزن
 و غمکین اولوب حیف خالده دید کارنده فی الحال جیه یوب یلان سو یلر زمانین فلان زمانده وفات ایدرم
 اوج کوند نکره مزارم اوستنه براعی خسار کلوب چاغرمه کر کدر طو یوب بو غازیوب اتی قهرمه
 اورسز که بادن الله بن قاقوب قیامته دله طه و رابده جنک احوال و اناری مزه اخبار و اظه ایدرم د یوب

بر روایتده مفارقه دین باشن الله الوب چیقوب بی هلاک ایدیلر بی کوفور و ب دفن ایلاک اویچ کوندنصرکه
قبرمه بر اعی حمار کاوب آتی قبرم اوستنه یوغارلیوب بعده قبری آچه سزکه قاقوب سزه قیاسمه دیک واقع
اوله جتن امور دن خبر ورم دیدی (قصه وفات) سیورد قری امور بالتام ظهر وایتد کده اول قوم
ذی القدر تذبذب و تردد ایدوب جا نرکه مفید اولیوب ام عالم دن حجاب چکمت لازم کله دیوترک ایتمک
یازم اولدیله یوغار وده ذکر اولسان حدیثده قوی آتی ضایع ایتدیله سیورد لینی غالباً بوحاله اشارتدر *
ناریغ میرخوانده قصه من پوره اولوب مذکورله مسطورله اولوب بعض زیاده لری بودر که خالد
کر اولسان وصیتله علمه مانع اولدر عریده بی مخزوم طایفه سندن کنده نیک افراسی ایدیلر که تحذاف
احتمالیه ملوق عار دن خوف و فرار ایتدیله خالد ماجدله پیره زال که نه سال اولان کریم سی حضرت
رسوله کد کده تعظیماً مبارک و دارین انک آتته دوشدیله و مقدما ظهر وایدن آتی اویچ کونلک بولدن
کورینوب کیچه ایله عری بر آنک ضیا سنده دهر لری اولاد لر دی و مرار شریف لری کلا ن حمار اعی
اویچ کره چاغردی و حضرت خالده کلان خازن نارادیکه اندره جنت وجهن و حشر و نشر و سراط و میزان
و سایر احوال قیاساتی اعلام و بیان ایدردی (قصه عتقا) روضه ابن خطیب قاسمه حضرت ابن عباس
حق تعالی موسی علیه السلام زمانته عتقا آدولار قومی ملوک و منقوش بر دیشی قوش بر اعتقدیکه درت
طرفه دن بر رقتلای اولوب یوزی انسان صورته بکزر و اعضا سنده هر خوب نسنه دن حصه و غنونه
اولوب اکابر کزر بر اوکل دخی بر ادوب اموسی بن ایکی عجب قوش بر ادوب و زقنی بیت المقدس اطرافنده کی
و حوشدن ایتدم سنی اندره مانوس ایدوب بی اسر آتیله و ردیکم کرامت مخصوصه نیک بری دخی بودر
دیو و حی اولوب اولاب سکنی طیر مرغ السیر متواله و مقتاسل و نیچه اولاد لری حاصل اولوب موسی
علیه السلام وفاتند نصرکه دیار عریده بنجد و حجازه کیدوب آنده نبیوان وصیمان قایمغه معتاد اولوب
بن عینی و محمد علیه مالک لایم خالد بن سنان العبدی پیغمبر اولد قده عری بر شکایت ایدوب خالد دعا ایتد کده
حق تعالی اول قوشلرک انسان قطع ایدوب مفقود و بالکیه نابود اولدیلر دیشدر دینوب اسکن تفاسیرده
یوقصه حنظله بی زمانته اولدیلر دینوب عن قریب بیان ازانور (فائده) اگر چه کیم نیچه معتبر انده
خالد بن سنان عیسی ایله محمد علیه مالک لایم اراسنده کله در دینوب اسکن باب عیسی اولنده ذکر اولسان
(اما اولی الناس بعیسی ابن مریم فی الدینا و الاخره لیس عینی وینه نی) حدیثی عیسی ایله محمد اراسنده اضلا
یقیم بر کلدیکنه دلالت ایتمکین من یو خالد یا پیغمبر اولیوب اولیلدن اولوب یا خود عیسان مقدم کله
اولد در و الله اعلم (فصل در احوال حنظله بن صفوان علیه السلام) یونک زمانته و بعض حالتده و امتی
کیلر ایدیکنده اختلاف و شیم مالوب تناسل برده و تواریخده یونکر متعلق اولان وایتلر یونکر در که حالادر
اولنور (روایت اولی) تفاسیرده (و بقره عطله و قصر مشید) آیتده قوم غود قهر و دایله نابود اولد قلدنده
صالح پیغمبر درتیک نراهل ایماله ولایت یتدده حضرت موت شهر شک برنده بر طایغ انکده بر قویاتنه
واروب قونوب آنده اخرته رحلت ایدر کلر نده امت عالی همتری اولمخله حاضر اولور شهر یایوب
ایچنلر دن جهاس بن حلاسی پادشاه ایدوب نیچه زمان امان و ایمان اوزر مالوب بعد ما عواشیطا نله عبده
اونان اولد قلدنده حنظله علیه السلام جناب حق دن رساله یونری دینه دعوت و وعظ و نصیحت ایتد کده
کفار اشرار بی عقل اتی قتل ایتمکین حق تعالی جهل من هلاک ایدوب بقره عطله دن مراد اول قیو قصر
مشید دن مراد آنک اوزرینه ناظر اولان قصر عالی در دینوب (و عباد او غود و اصحاب الرس) ایتدده دخی
مذکوردر که من یو اصحاب و من بر وایتده قوم حنظله علیه السلام در که مشهور دنیا اولان مرغ عتقا که
یونک غایت دراز و بالا اولغین انکله معسی اولوب ارسنی نقش ارز نیک کبی رفکار نیک اولدله غریب اشیمان
ایدی آنکر شهر لر نده بر عظیم طاعنه پیدا اولوب بعض اوغلا نچقاری قایوب شکار ایتدیکی اشکار اولد قده
حنظله دن روح بلار جا اولوب اودخی دعا ایتد کده عتقایه یلدرم ایوب هلاک ایتدی بعد زمان اول قوم
عنید حنظله سعیدی شهر دیا تمکین جهل می غضب رب الممالک ایله هلاک اولوب شهر لری دخی و روز زمانه
و بران اولدی (روایت ثانیه) بعض تواریخده مذکوردر که حنظله علیه السلام طایفه عرب دن شهر

این سلطان نسلدن صفوان اوغلی در بقیه قوم نمودن دیار مغربده رس قومنه مرسل ایدی رس کندوی
بر سلطان واهل ایلان ایکن کفر له تابع شیطان اولوب تحت حکمنده اولان اصحاب ضلالت لواطه و حیواناته
مجامعت و عورتلری دخی ذریدن آلت ایل بری بر لر نه بعض حالت ایدوب بویه ایدن زن حیا بری به سعتری
دیرلردی حنظله علیه السلام بونلری دینه دعوت و ترک افعال قبیحه ایچون نصیحت ایندکده ذره قدر کارکر
اولدقده حضرت خالق آب و آتش بونلری مبتلای عطش ایدوب نیجه اهل طغیان صومر جان و یروب
بهضاری حنظله ایل جنک ایدوب هر بر نیک آندیفی تبریح حکمه الملک القدر کندوی هلاک و اغتتة خون
و خاک ایدوب حنظله عالی درجات نجات بولدی (روایت ثانی) تاریخ میرخوانده بعد از وضع عیسی
علیه السلام حنظله صادق بنده حاضر و اشهر نیک خلقی دعوتیه مرسل اولوب بهضاری ایمان بهضاری
تکذیب و عصیان عیان ایدوب عاقبت حنظله بی قتل ایدوب و منکر کافر له جنک ایدوب مؤمنین بی عیوب
با حکمت علام الغیوب مغلوب اولدیله بعد ده حق تعالی دیار بابل پادشاه اردن بری حنظله نیک انقادی ایچون
کفره مسلط ایتمکین عسکر عظیمه حاضر و احواسنه کادکده کفار پر ضلال احضار اسباب حرب
و قتال ایدوب عاقبت منورم اولدقنر ده عوم مخوم و یمن ایل جلای وطن ایچون آتیر ره کتک اوزره ایکن
اشوقه صا دستر اولان نفر مسلوب الظفر له این المیز دیوملا نیکه کرام یالن قیلر له کاوب نه بره کمدرسر
(ارجمعوا الی ما ترفتم فیہ و مساکنکم لعلکم تسألون) دید کارنده کفار ضلالتن (یا ولینا انا کافرانین)
دیوب ندیم و الم اظه ساریله حریر و پیران اولوب اول احوال براهوال خلائنده جمله سی ها ایکن و راه عدمه
سالتین اولوب قرآن عظیمه بونلرک حقیقده (فازالت ثلاث دعواهم حتی جعلناهم حصیدا خامدین) یورلمشدر
دینوب * تاریخ مختصر جامعده حنظله علیه السلام عیسی علیه السلام اولادندن اولان قبائل عربیدن
خالد علیه السلامدن یوزیل صکره پیغمبر اولمشدر اسماعیل علیه السلام اولادندن اولان قبائل عربیدن
قدمان رعوبل آدلو ایکی قبیله به نبی مرسل اولوب اشواکی طاقمه اکاعادی اولوب آتی قتل ایند کارنده
آنلر دخی هلاک اولدیلر (فلما احسوا لیسوا اذاهم بنهار کضون لایر کضوا وارجعوا الی ما ترفتم فیہ
و مساکنکم) آیتی آخر نه وارنجیه بونلرک هلاک نه اشارت ایدردینوب اگر چه تفاسیر ده بویاتلر معتسبند
ابن عباس قولنجیه بونلردن مراد بنده حاضر و اشهر نیک خلقیدر که حق تعالی آنلر ره پیغمبر کوندردکده
قتل ایند کار ایچون انلر هضبا بخت نصری مسلط ایدوب عسکر له اوزلر نه کادکده جمله سن قیوب کوکارین
کسدی و باد فسا بونلرک فسالر نه اسدی * مریدر که بونلر قلیج کیدر کده یاک سارات الانبیاء دیوبیه ایها نیت
و قتل انبیاء نلر جهز او درد یو کوکدن نذا ایردکده کفار و اشرا کفر و عصیان و قتل و طغیان نه غایت پشیمان
اولوب جریمه عظیمه به اقرار ایتد کار نه اعتراف ایدوب (یا ولینا انا کافرانین) دیوانه و این ایدوب نجات
و حیانتدن یاس حالنده اولان ایمان یاس مقبول و لامغیر برسی قور تلیموب جمله سی مقتول اولدیلر دینوب *
تفسیر کورائیده اشبوتم مید اولان پیغمبر ای موسی بن میشادر دینوب لکن مشارالیه موسی حضرت یوسف
او غلومیشات او غلوب مصر خلقنه مرسل ایدوکی یوفاروده بیان اولدوب بخت نصر ایسه غایت چوق
زمان صکره عزیر و دانیال علیه السلام زمانده کلکین کورانی کلامنک حقیقده نظر وارد سائر تفاسیر
کلامنده دخی حاضر و اخلقنه مرسل اولان حنظله علیه السلام ایسه بر قوی اشکال وارد که تواریخده
حنظله علیه السلام عیسی علیه السلامدن دوتیوزیل صکره کادی دینوب بخت نصر ایسه عیسادن
بشویوزیل مقداری مقدم کلدور مکرکه حقیقده حنظله دخی عیسادن چوق اول کلکین اولوب یا خود
طبری قولنجیه انتقام دم یچی ایچون خروج ایدن بخت نصر اولوب بر حدیث مفهومضه بدی یوزیل پادشاه
و اغین عیسادن نیجه یوزیل صکره دخی حیائنده اولاش اوله والله اعلم (روایت رابعه) تاریخ میرخوانده
مذکور در که (و بر معطله) حقیقده نیجه مفسرین دیشلردر که دیارین فرشتد ولایت یمامه در طاقمه به حنظله
یا خود یاسین آدلو بر پیغمبر مرسل اولوب اول قوم آتی تکذیب ایدوب طووب بر قیوبه اوب اوزلر نه بر عظیم
طاش قیابوب اول پیغمبر ایمان کتورن بر سیاه عرب طاعندن اودن طاشیوب صاوب هم اسبله ییجن
اکوب کاوب قیونک اغزند طاشی ابر غلابوب اراقدن طاشی اشاغیه صالی و بروب ایکی کجه به دل پیغمبری

بوحال اید بسایوب بعد از حقه کافر لجه هلاک اولوب بمرک کلوب طاشی قالدروب پیغمبری چیقاروب
اول سیاه عرب چنجه سنک رفیق اولامه کز کدر دیو سیاهی کادی (روایت خامسه) تفاسیر و توارینجه
اصحاب رس حقه اولان اقوال بونلدر که بعضی قواچیه حنظله علیه السلام قومیدر قتاده قولنجیه رس
عنده فلج عیامه ابرمانی فائنده بر عظیم شهر در که وافر قیولی اولوب خلقی بقیه قوم غودر رسولاری
قتل اید کارنده هلاک اولدیلر بعضی قواچیه رس بر قومدر که پیغمبرلرین تکذیب ایدوب بر قیویه
بر اغوب اوزرینی باصد ر مشلردی بعضی قواچیه رس وایده بر قومدر که رسولاری قتل ایدوب کوکارتی
بر قیویه کوکارتی ایدوب دیت قول مایندیه توفیق و تطبیق ممکن اولوب جله می حنظله علیه السلام اید
قوی احوالی اولقی جائز دینکن وهب قواچیه اصحاب رس قوم شیدر که ایمانه غیر مکر و کفر و عصیانیه مصر
اولد قلدن رس آدلوقیولی نگارنده اوزرلر کن دارود یارلیله جله می بر یکدیله بعضی قواچیه اصحاب
اخذوددر که قضا لری جلد نایده ملوکین بایندیه ذرفاس فصلنده بیان اولان ورا بن عباس و کعب و سدی
قوللر نجیه رس لفظا کیه ده بر قیودر که کفرلر حبیب بخاری قتل ایدوب اکابر اقلدر بعضی قواچیه رس
ولایت عجمده اذربایجانده بر قیو نلایمیدر دینوب بونک قصه می ایکی ورق اشاعیده عرابس تعلیدن نقل
اولان روایت ثانیه وروایت ثالثه حکایتلرندن بریدر نظر اولان و الله اعلم (روایت سادسه) مظنه صحت
اولان بر تارینجی عربی غیر معلوم الا حقه کعبدن هریدر که بر معطله ولایت عجمده ارض عدنه ایدی ایل
اصحابی مؤمنین و صلحا ایدیلر یغمور صوفیه محتاج اولغین یغمور یا غنچه اوزاق برلردن زحمتله
صوکنورلردی حق تعالی بولره ایمان و صلاح و عبادتده ثبات عهده صوفی لطیف بر قیو عیان و امتنان
ایتمیدی خلق اندن حظ ایدوب اجاز ملونه ایلانی با یوب اطرافنده قیللری عدد نجیه صوالا حق برلر با یوب
هر قیللر نلک بشقه ایی و غوغه می واری ایدی بوجله نلک عاص بن جهل اولد بادشاهلری اولوب وفات اید کده
خلق آنلک فراقده ماتم و غایت حزن و غم چکه کین شیطان لعین آنلک صورتن دوزوب لباسلرین کیدروب
غخته بکوروب بادشاهلر وفات ایددی در تویزل بادشاهلری ایلدم قوم برکون بکا حقه ایدیلر
دیومره کوسوب کز لشمیدی حالا کادی نلک نصرکه انی معبود ایدیلر بکاتلر مازدروب بونلردی واروب
کورد کارنده تمام بکزدروب صورتلر ایچدن شیطان بولره آدم کی مویلد کده خلق اینانوب طابوب یلکیز
صوالا مازدروب اوزر کورد کارنده اکثری کافر اولوب بعضی طایفه یوب حیران اولملردی صلحادن
حنظله نام کسه ضلالت اشراری کوروب ترل دیار و مکده محاورت اختیار ایدوب نجیه زمانه نصرکه
مکدن امر حقه بونلری دینه دعوتیه مسلمان اولد قده کلوب مفصلاد دعوت و انواع نصیحت اید کده انلر قبول
ایتمیوب رسول سعادت محصلی مقبول ایتمکین حق تعالی قیولر نلک صوفی کسوب قوردروب صغری
سویلر اولوب بوانتاده ککودکن بر صیحه هولنال کلوب جله نایا کار هلاک اولدی (روایت سابعه)
تاریخ من بوردیه کعبدن هریدر که اصحاب رس عجمده حضر موتده جم غفیر و جمع کثیر ایدیلر انده بر عظیم
شهر ایدیلر که طول و عرضی قرقریمل اولوب برانلندن وافر صوبلاری با یوب ایچنه صولر آیدوب انکله
مسرو اولوب بادشاهلر نلک اسبی رس اولغین صوبلر نلک آدی دخی رس قویوب ایمان و امان و عبادت
حقه می فراوان اوزره وافر زمان کوب بعد کفر و عبادت اصنام و فسق و فساد نام ایدوب خیانتی افراطیه
ایاتوب رجاء و نه ایه لواط ایدر اولدیلر بعد بری بر لینه مبادله طریقه عودلرین کوندروب زبانه اجازت
ویرز اولد قلدن زم زم قسایه بومعنی الم ویرمکین تعلیم ایلیس و جم ایلد زم زم منسوانده صحت حق عیان اولوب
اولرینه و غمباری بر لینه عاشقه ویری بر لیه داغماز نایه متوانقه اولد قلدن حنظله بن صفوان بولره مرسل
اولوب نجیه مدت دینه دعوت و انواع نصیحت ایدوب عناد لری ازیداد بولوب آشکاره زبانه انکله اشغال
واعضا ایدر اولد قلدن غضب حقه خط اولوب صولری دخی طولر اولوب حنظله نصیحت اید کده
ناتیرا یوب عاقبت انی قتل ایدوب آتیه یافد قلدن امر رب ایلد صیحه غضب کلمکین جمیع کافر لرمسخ اولوب
سیاه طاشدن بونلش انسان صورتده اولدیلر هریدر که ذوالقرنین عالمی کز کز بونلر و غر اید قده
کوردیکه جله شهر زنده باغش کی سیاه اولوب عظیم سر ایلر التون قیولر مرصع تختلر جواهر و مال ایلر طولو

خرینه لختلر اوستنده بکار قارلورنده التون بوزدغانلر و قلیجلر خدمتکارلر و کاندلر خلق کچی
اسباب متار کچی ایچمه صیار بقالار صرافلر لارنده میزان طو تار انکچی اتمک یوغورر آنجی آش بشور و ایدیه
ویندای صائن کیله حبوبات اولجر اهل فسق مجاس هوا ده نجیه زبال و نسیاری بر لیه زنده و الحاصل
علی الغله دفعه مسخ اولد قلدن نه حالد بولندیلر سه اویله کوردروب شهرک اوزر ایدنده بر عظیم طاش اوستنده
کوردیلر بونی قازمشلر که بر اصحاب رس اولوب قوم غود بقیه میوز و خاوندت و حضور و رفاهیت اید
ملوک صافسلوک ایدلر کفر و عصیان و بیعه بریز حنظله بن صفوانی قتل و احواله طغیان ایدیکم زده غضب
حق طاش اولوب بونی طاش ایددی ذوالقرنین اوقویوب اغلا یوب ای شهر فرید الدهر سنی کیم نال ایددی دیوندا
ایند کدم بر صدا ایشندیکه ای عید صالح بونی اید اوضع ایدن حوار بن فارغ بن شدید بن جاددر بونلر نه نجیه
بادشاهلر حکم ایدوب هریری بوزر لادن زیاده پشایوب جله می کفار ایدی (لمرره) عاقبت هب هلاک
اولدیلر جله می زیر خالک اولدیلر (نثر) ذوالقرنین کوردیکی واقع ایدیه حنظله علیه السلام عیسان
مؤخر اولوب بلکه یاق صالح ایلد ابراهیم علیه السلام اراستنده کلش اولوب یا خود کورن ذوالقرنین
اکبر اولوب عیسان نصرکه اولان اسکندر روی اولد قلدن بر ایدایی کزدیکچون بکا دخی ذوالقرنین دیرلردی
والله اعلم (مصل) توارینجده بر معطله و قصر مشید و صاحب لیه اصحاب رس قوم حنظله اولقی اوزره یازیلان
روایتلر بونلدر که انی سیاه متعلق احوال اولغین سیاهه شروع اولندی بکاتلر بر معطله دن مراد بر وایده
باین اولوب پیغمبری قوی ایچنه آتیه لری قیو اولدیلر بونلر یوق و فاروده روایت رابعه ده بکشدن نظر اولان
(قصر مشید) بعض توارینجده کعبدن هریدر که صالح پیغمبر ارض فلسطینده وفات اید کده قوم غوددن
بایند اولان مسلمانلر ولایت عجمه کیدوب ایکی فرقه اولوب بری حضر موت کتدیله بونلر اصحاب قصر
مشید اولوب بری ارض عدنه کتدیله که اصحاب بر معطله اولوب قوم حنظله اولدیلر قصر مشید
بر معطله دن مقدم واقع اولوب کیفیتی بودر که قوم عاد بادشاهت معتادله هلاله اولد قلدن نسل عادن
بر بادشاه که غایت قوتلر اولوب بوللر اغا جلی چکوب بونلر کویله چیقارلردی بیدوز عورتی و غریبندن
اولادی اولوب باد صر صر خوفندن بر حکم سرای ایدیلر بروب عسکر لیه ایچنه کوچوب کندومی سرایلر
یوقار و سنده نوباعیه اوزر بروب اشاعیدن هر کیم بکرسه کال غرورندن قتل ایچنه معتاد اولوب کافر اولغین
بونی دینه دعوتیه و نصیحتیه جناب خدن بر پیغمبر کده اشوب کافرانی قتل ایدوب به زمان صیحه خبر ایل
ایله جله کفار هلاک اولوب قصر دخی شراب اولوب ایچنده بر عظیم یلان اولوب کسته کیره میوب اهل قصر
قیامتده دلا انده معذبلر اولغین قصر ایچندن داغماخته لر آوازی کی ناله وائین ایشیدیلر و دینلر (اصحاب
رس) اولانلر حقیقه تفاسیرده و نجیه توارینجده اولان اقوالا اکثری مشابهتله برورق و فاروده روایت
خامسه ده یازلشد نظر اولان و ثانیه عرابس تعلیدیه مذکوردر که بعض علمادیلر که بونلر ایکی جنس طائفه
ایدیلر بریسی دریا به یقین بریده چادر لایه ساکن اولوب قیونلری و سائر طواری واری ایدی کاردن اولوب
هر آیدیه بر کره دریادن یالق صورتده اوزون بویلو باشنده تاج کی برنسته لور شیطان دوت یالق اوزر نه
بیغش چیقوب بونلر اکا طابوب قریانلر بوغاز ایدوب بیرام ایدیلردی حق تعالی بولره برزول کوندروب بونلر
انی قتل اید کارنده برزول دخی کوندروب بروی بی اکامعین قوشوب اشوب و مولی دخی قتل اید کارنده
بولدانی اولان ولی کفار لیه یح و جدال ایدوب طایفه بکفر معبود کزد و یادن حقه قده بکا طبع اولارسه
ایمانه کاور میسر دیوب کلور دیک کارنده وقتنده دریا به واروب شیطان حقه قده ولی اکامه الله کریم
حرمتچون طوعا یا کرها بکا کل دیک کده شیطان بند و کبایه لردن اینوب یوق یا قلدن یله کل دیکچون اینوب
صغریه کلوب کافر لر کورد کارنده ولی بی تکذیب ایدوب عهد لردن دوند کارنده حق تعالی انلر بر عظیم بل
اسدروب جله مال و منال و طواریله کوروب دریا به غرق ایدوب مزبور ولی دویا کارنده کلوب کفار لیه
التون و کوش او انیمن و سائر ماللرین چیقاروب مؤمنین اولان بولداشلر نه برابرجه تقسیم ایدوب غرق
اولنلر نلار لری منقطع اولدی (روایت ثانیه) ایکنی رس اصحابی اذربایجانده ارمینیه ولایتلرینک شورونده
اولوب اطرافلرنده اولان اهل ارمینیه صغره طابوب اذربایجان خلق آتیه طابوب بونلر کچ یا شوب بکوردیلر

طوب تمام او تو را بشانه کرد کده او بزی قتل ایدوب بر تاز به کر قیزه دخی طبار لری بونلک بیول کول
 شکنده رس آدو بر عظیم امر قلی و ارایدیکه عرضی اوج فرسخ اولوب هر کون طاشوب اطرافنده کی
 طاشولن نصفه چیقوب اشوب ارماعل ایاتی بونلک ولایتی سنورندن چقدنده طولاشوب کابوب او بر
 اوجنه دو کابوب بیانه کزدی حق تعالی بونلری دینه دعونه بر آیه دلک او تو یغمه بر کوندردی هر کون بر بی
 قتل ایند کارنده آی آخرنده بر یغمه دخی کوندروب بروی فی اکامه عین قوشوب دینه دعوت ایدوب
 کافر تکذیب وانکاره و عساد واستکباره اصرار ایند کارنده امر حقه ملک ارمقارین و بیکارلین
 قوریدوب محکم بل دخی اسوب بعض مالارین طاغله او بروب جله طوارلری دفعه وفات ایدوب شهرده قلان
 مالاری بره بکوب ایرنسی صوو بیچک بولیاوب هدایت حقه یکریمی رار آدم درت عورت ایکی اوغلاقیق
 بر مغاره به کیدوب باقی قلان التیوز یک نفر رجال ونسا و صبیان آج و صوسر جان و بروب شهرلری دخی
 باش اشاعه دزدرلدی مغاره ده اولندر کابوب احوالی گوروب یارب بزه اکین و طوار و بروب آکن جوق
 و برمه تا که بزه دخی غرور و طغیان کلیه دیو صدق نیتله دعا ایدوب بزه و طرافره یغمه کوندرب یلورسه
 متابعت و معاونت ایده لم دیو عهد ایدوب کارنده حق تعالی بونلره ارمقارین اولسکی کبی ایدوب ایستد کارندن
 زیاده مال و حسن حال و بروب بونلر دخی عبادات حقه اشتغال ایدوب وفات ایند کارنده بونلر نسلندن بر طائفه
 ظهور ایدوب صورتنا صلاح و سداد باطنه صابحت و فساد و اولیا الله مخالفت و عساد ایدر اولد قزنده
 حق تعالی بونلره عدولین مسلط ایتمکین اکثری قیوب باقی قلانلک جله می هلاک اولوب شهرلری و ایرنقلری
 ایکیوزیله دلک بالکلیه خالی قالوب بعده حق تعالی بر صالح طائفه کوندروب کابوب بونلرک ولایتلرین معمور
 ایدوب نیجه ییلار دنگره بونلر دخی فسق و فساد و انواع خباثت معناد اولوب حتی خاطر ایچون باخود حاشا
 بواب اعتقادله کبی قیزی کبی خاتونی کبی همشیره سنی زنا و انصافیون بردوستنه کوندروب بو طائفه بی
 عار و جبارلک نسلاری دخی تعلیم شیطان ایل بری بر لیه عمل بحق ایل زنا ایدر اولد قزنده بر کچه کوکدن
 صاعقه ایروب کچه آخرنده خست اولوب کونش طوغارکن صیحه عذاب کابوب جله کفار و ملوب الظفر
 دیار عدمه صغایتلر (روایت ناله) ینه غرایس تعلیمده مذکور دو که اشراف بی تمیدن بر کسته حضرت
 علی به اصحاب رس نه زمانده نه مکانده ایدیلر پادشاهلری کیم ایدی ایلره یغمه کوندربلنجه دی نه سبیل هلاک
 اولدیلر قزنده مذکور اولوب لکن قصه لرین ایستدم دیو صدورده پیوردیکه برنسنه صورده که بکاتی
 شمه به دلک کسته صورمدی و نه دنگره دخی کسته صورمزلش اولسکه اندر سلیمان یغمه بونلر اول بر قوم
 ایدیلر بر صنوبرا غاچنه طیارلر دیکه آدی شاه درخت اولوب آتی نوح یغمه بونلر اوغلو یافت روشن آدو
 بر بیکار کارنده دیکمندی بونلره انکچون اصحاب رس دیرلر که یغمه بونلرین صاغ ایکن بزه کونش لردی دخی
 ولایت شرفده رس آدو ابرماق کارنده اون ایکی شهرلری و ارایدی که اوزمانده نیا ده اندر دن زیاده معمور
 و خلقی جوق شهرلری و غیدی شهرلری دخی الذواء عظم انهار ایدی بیولک شهرلرینک آدی استقدیار اولوب ایچنده
 او توران پادشاهلرینک احمی بر کون بن عابور بن یاش بن شار بن عمرو بن کنعان که غرود ابراهیم علیه السلام
 ایدی شاه درخت ایل بیکار بوشمده اولوب سائر شهرلرینده اندن تخم دیکوب بیولک اغاچلر اولوب اول اغاچلر
 کارنده اولان صولری کندیلر و طوارلرینه اغاچلری عظیم اهرام ایدوب اندر دن ایچن کسمه بی قتل ایدوب
 کندیلر رس ابرماغندن ایدر لری بیله اون ایکی ایل هر بر آیتده اول اون ایکی شهرلر بونلر اول اغاچ بیانه
 لطیف چادرلر و بروب بپرام جمعیت ایدوب صنوبر بوانه قر بان دیو وافر طوارلر بوغالیوب عظیم آتش
 یا قوب قریانلری کا آتوب هوایی تتون فایلابوب کولک یوزی کورغز اولد قده جله کافرلر صنوبر به جعبده
 ایدوب اغلاشوب نضر علر ایدوب اول انشاده اغاچه شیطان کیروب بوداقلرین قوربت ایدوب اغاچلک
 کوکی ایچندن اوغلاقیق آوازی کبی چاغروب و وللم سزدن راضی اولدم خاطر بکز خوش طونک کوز بکز
 آیدین افسون دیوسولده کده کافرلر باشلرین قالد بروب بر کون بر کچه متصل شرب خمر و ساز و سوز و بعض
 امره مشتغل اولورلری بوب شاه درخته کاد کده غایت بیولک بیراملری اولغین اون ایکی یاره شهر خلق
 جمع اولوب زینلر ایدوب اون ایکی قابولی مصور و بر صنایع بر عظیم و واسع اطلس اوتاق قوریلوب بچد قزنده

اولوب شاه درخته جله خلق بچده ایند کارنده ایلدین لعین بوکا کندوسی کیروب او بر اغاچلر دخی
 شیطانلر دن زیاده مو یلیوب کافر لغات سرورله قالدوب اون ایکی کون کچه لریله فسق و وهابیه و متابعت
 ایلدین اهل اغوا به اشتغال ایدوب سالک راه ضلال اولورلری اشوب و ایدیه کفر و عصیانلری متادی اولد قده
 حق تعالی بونلره بی اسرا یلندن و ذابن یعقوب علیه السلام نسلندن بر رسول کوندربمکین کابوب خیلی زمان
 تکلیف ایمان و نصیحت فراوان ایدوب ذره قدر کار کرا اولد قده بر جمعیت عظمی کوننده جناب حقه نضر ع
 ایدوب یارب اشوب اغاچلر ده قدر نک کوسر دیو دعا ایتمکین طابو قلی اغاچلرک جله سی قور یغمین کافرلر
 صنوبر بزه ایچندی دیو یغمه بری دو بروب صنوبرلک بیکار بیانه حقه بوشالوب ایچنده غایت طار و درینک
 بر قوی قازوب یغمه بری ایچنه آتوب استنه بر عظیم طاش قیابوب قویو ایچنده یغمه میرا بکلیوب کافرلری
 دیکلیوب بعده رسول جفا حصول رب متعال شدت کرب و صوه عالم اسر کیوب فضل شاملک تکمیل و لطیف
 کامله کاه قبض روح تمجیل ایل دیو مناجات قاضی الحاجات ایند کده وفات ایدوب فی الحال امر حقه
 جبرائیل علیه السلام کابوب جله کافرلر دخی بپرام جمعیتده ایکن قوتلو و حرارتلر قزل یل اسوب کافرلر
 شاشوب بری بر لیه صامشوب بعده التلرینده بر کیریت طاشی اولوب طووشوب کوکدن بر سیاه بوات
 کابوب اوزلرینه قیه کبی بر یولک طاش بوراغوب کافرلر طووشوب آتنده بافرار بر کبی بدن خیانت
 معدنلری ایدی و وجود ضلالت غودلری مفعود اولغله اول ولایت برلک شرکدن آیدی نمود بالله من
 خطه و خذلانه و بجمیه و نیرانه (فصل در احوال یاسین علیه السلام) تاریخ میر خوانده مفسریندن
 بر زمزمه دیدیلر که دیارین قزنده ولایت تمامه ده بر طائفه به حنظله یا خودیاسین آدو بر یغمه بر سیل اولوب
 اول قوم ایکی تکذیب ایدوب لاجل التهذیب بر قویو به براغوب اوزلرینه بر عظیم طاش قیابوب اول یغمه
 ایمان کتورن بر سیاه عرب طاعدن اودن کسوب شهرده صاقوب به ساسیل بیچک آتوب کتورن طاشی
 ارغلاوب طعمای اشاعه صالوب ایکی کچه به دلک یغمه بری بوحاله بایوب بعده امر حقه جله کافرلر هلاک
 اولوب بر ملک کابوب طاشی قالدوب یغمه بری جیقاوب بوسیه عرب جتمده سنک رفیقک اواسه کر کدر
 دیو وحی الهی کادی (فصل در احوال ذوالحکیم) فوایح مسکیمده عظماء قدما حکما پانده ذوانای
 بی روحانیت شعی ابتدا نضر ایدن اودر مذکور ذوانا عالم قظیمنده صور غریبه و اشکال عجیبه کورد مکه
 عالم مرکزده اکامثال یوقدر دیش دیومذ کورد بونلر زمانی نامعلوم اولغین بوشله تاخیر اولندی (فصل
 در احوال بی اود) کشفده (وله دار ملنا و سلما من قلیک منهم من قصصنا علیک و منهم من لم نقصص علیک)
 آیتده دیشلر در که حق تعالی بکزیلک یغمه کوندربلر که درت بیکی بی اسرا یلندن درت بیکی سائر
 طائفه لردن ایدی حضرت علی دیشدو که حق تعالی بر بی اسود بهت ایدوب حضرت رسوله قصه اولغینان
 انبیانک بری دخی اودر دیومذ کورد و بالله اعلم بکل ما اشی و اعلم

(باب رابع و ثلثون در احوال مشترکه جمیع انبیا)
 اشوباب شرف آسایده ذکر اولنه جوق فوائد کثیره العوائد انبیا کرامه مرسلین عظام جله سنه و ایچلرندن
 بلازمین بعض افراد سعادت نهاده و مع التبعین بعض نفوس شرفانوسه متعلقه اولان امور مشرقه در که
 انلری بیان اشوب کاب عالیسان صحت نشانک خصائص جلالندن و جله نضائلندن اولوب جمیع کتب
 تواریخک هیچ برنده اشوب فوائد و جمیع و کلیت اوزره مذکور اولد بی تسع تواریخ ایدلر خفی و مستور
 دکدر (شرائط نبوت) کتب کلامده اولان کلام فصلی بودر که شرائط نبوتلر بر بی قول مختار
 اوزره ذکرورت اولوب دنیا به اصلا عورت یغمه کلما مشر بر اوثبت صفت نقصاندر بعض عورت مرسل
 اولما مشر امانی اولمشر دیوب بعض فرق بیان ایچلر در بر بی دخی اکلیت و انضالندر که بر کسته
 یغمه اولد قده زماننده اولان سائر ناسک جله سندن حسن صورت و میرنده و کمال عقل و ذکاوت فطنده
 و قوت رأی و تدبیرده افضل و اکمل اولمیدر حتی مریدو که انبیانک هر بری قبل النبوه دخیانک و فی و زکی
 و متقی و امین و مشهور و النیب صادق و محق و کامل الادب ایدی و جمیع انبیا فحما و باغلا اولوب یازدنلری
 مکتوبلر دخی ایجاز و اختصار اوزره اولوب همان بر قراج کلمه مفیده ایدی بر بی دخی غلظت و غلظت

و قسوت دیدن و جنون و پارس و جدم بی عیوب منوره دن و یول اوزرنده عکس کن لی واک بکر رسنه
 کی قلت مر و تندن یعنی دناست و رذالتدن و حیامت و سائر صنایع رذیله دن و دناست آبا و امهاتدن سلامت
 و زناست اولوب محصل تبلیغ رسالت و ادا شمریمه و بیان طریقه و قبول امته فی الجمله خلل و زلل و برن
 جمع انبیادن معزا و دیر اولقدر بریمی دخی کفر و معاصیدن عصمتی که مسایره ابن هماده مذهب
 مختار بود که انبیاء قبل النبوة و بعد هیا کفر و بدعت النبوة جمیع کافردن و مثلاً بردانه بغدادی سرقه
 ایکن کی صفات موجب التفریدن و صفات غیر منقره دن انجیمه و ورنه قصد انظر ایکن کی صغیره لردن
 بالکلیه معصوم لردن اما صفا غیر منقره نک بعضی لری - مهوله یا تالیله خطایله صدور ایکن کی معصوم
 دکالدر لکن - مهو یا خطا بر صغیره صدور ایکن یا معصوم لری مقرر در و اما قولایه الا لا شریعتیه یا تعلیم امتیه
 یا خطایه یا تسبیح الهی ایله البتة واقف و عارف اولری مقرر در و اما قولایه الا لا شریعتیه یا تعلیم امتیه
 متعلق اولان اموره - مهو و غلط و خطادان البتة معصوم لری اولوب اموردن و شریعتیه که فی اولیان احوالده
 جواز - مهو و غلط و انبیاده سائر ناس کیلدر دینوب شرح عقائدده انبیاء معصوم لری عدا کزیدن
 بالانفاق مخصوصا امر شرایع و تبلیغه متعلق اولان اموره و مهو کزیدن دخی اکثرین فائده و قبل
 الوحی و بعد کفر دن و بعد الوحی عدا کزیدن دخی بالانفاق معصوم لری اما سمر و کافر صدور ایکن اکثر علماء
 تجویز اجتماع صغائر لدخی عدا صدور و معتزله دن غیری جه و ر علماء تجویز انبیا و صغائر
 ایسه بالانفاق جائز در لا شول صغائر که رذالت و دناست لالت ایله مرفقه لقمه و نطفه حب که ایکن
 مهو اولدرده تنبیه اولری و انلر دخی متنبیه اولری شریط در قبل الوحی یعنی قبل النبوة صدور کبیره
 امتناعنه دلیل بودر طایفه معتزله معتزله در دین شرحت بودر که قبل الوحی دخی نفرت انبیاء این امور
 محتشمه و هتاهات کی یعنی حادث اولدره زانیه اولی کی و تجویز کی یعنی کندی فاحق و فاجر اولی کی
 و دخی رذالت و دناست دلالت این صغائر کی - امدی معلوم اوله که انبیادن مشغول اولان اموردن کذب
 و مضیتی مشعر اولدره اگر خبر واحد ایسه مردود در اگر متواتر ایسه ممکن اولدره فقه ظاهر دن مصر و قدر
 یعنی تاویل و ازدر اگر صرفه بحال یوغیسه زک اولی اولدره یا قبل النبوة اولدره و ولد در دینوب لکن بعد
 النبوة مهو کافر و عدا صغائر صدوری جائز در دیکر مهو و خطا در زیرایشه شرح مقاصدده مذهب
 بودر که قبل النبوة و بعد هیا کفر دن و بعد النبوة مطلقا کافردن عدا صغائر دن معصوم لری دینوب جمیع
 کتب کلامده دخی بولید یقیندر (فائده) تلویحه مذکور در که راننده عین فعله قصد بودر بلکه اهل فعله
 قصد و ازدر برابالجه اباق سورچد کده طایفه عرب زل الرجل فی الطین در برحق دوشک و دوشک در نکره
 ثابت اولدره قصد بودر و لکن اوزمانده بولید بودر که قصد بودر در پس انبیان زکته عذاب اولدره قرنی
 انکیچر در نوع تقصیر دن خالی دکالدر زیر اسکت اولانه عند التبت یعنی عند التیقظ و الحفظ ایندن احتراز
 ممکندر اما معصیت حقیقه بر فاعلدر که حرام ایکی معلوم ایکن نفسنه و ذاتنه قصد اولدر (خصائص انبیاء)
 بو خصوص تفصیل عطیه محتاج اولوب و جله سنی اساطره ممکن اولوب بعض مشهور و مختصر لری بودر که
 کتب تفصیل و حدیث و سیر و کلام و تواریخدن برابیکشیر جمیع ایدوب حالات کرا و انور و ایکی هر پیغمبره
 والده فی حامل اولدره و بعد و حین وضع جلدده و پیغمبر اولدره دل انجیا نایجه کرامات و علامات
 ظهور ایدر ایدیکه نبوتدن مقدم اولغین اکا - ارهاص دیر لر تکریم و تکریم اولدره مذهب دیر لر ۲ بعض کتبده
 الله تعالی بر رسول کوندرمدی الا خوب صورت خوب اسم خوب آواز ایدی دیر حدیث شریف بر ویدر ۳
 معتبرانده مذکور در که جمیع انبیاد دخی قبل النبوة بلا کتب و لا تحصیل محض لطف رب جلیل ایله اخلاق
 حمیده و آداب شریفة غیر عیدده اوزرینه محبوب و خلق اراسته محبوب القلوب و مقبول لایله مستدرک
 حاکمه و همدن مر ویدر که الله تعالی بر پیغمبر کوندرمدی الا انک صاغ الذمه شامه نبوت یعنی اتندن بک
 شکندده هر نبوت اولدره الاحضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلمه انک شامه نبوتی اوقه سنده
 ایکی یاغری ازده منده ایدی ۵ کتب سیرده مذکور در که جمیع انبیان عرقلری یعنی بدن خستلردن چقن در
 مانند سلا و غیر غایده لطیف رایحه فایحه لولیدی ۶ تفاهیرده بر پیغمبر فی الامامدره لاکه قرق یاشن

اولدره اولدره دینوب لکن بحی علیه السلام اوج ایدی یا شنده عیسی علیه السلام بشکده همه امر کن
 یا او تو یا اون ایکی یا اون اوج یا اون بیدی یا بکرمی بیدی یا شنده پیغمبر اولدره دینوب لکن اکثر انبیاء قریه
 پیغمبر اولدره یکدر ۷ کتافده ضحاکدن مر ویدر که الله تعالی بر پیغمبر کوندرمدی الا انک یا نجه نجه
 ماسکار اولوب فی حفظ ایدر دیکه شیطان ملائکه صورتده کورینوب اول پیغمبر حیلله ایله الدامیه ۸
 (نامه امر الانبیاء تمام اعینا و لا تمام قلوبنا) حدیثی اوزره جمیع انبیاء او بود قزنده کوزری او یوب قلبری
 او یاقی اولوردی علما دینلدر که واقعه ده اولان وحی الهی فی بالتمام حفظ و ضبط ایچون قلبری او یاقی
 طورردی ۹ انبیادن هیچ بریمی شعر و سواد یوب جله سی شردن نهی اولغش لرایدی ۱۰ هیچ بریمی مدت
 عمرنده احتلام اولی واقع اولماست در زیرادوش آردیران شیطاندر اندره ایسه شیطان او غرا خرایدی ۱۱ هیچ
 بریمی مدت عمرنده تنایب ایکن یعنی اسکت واقع اولماست در زیر اسکت کثرت اکلدن یا کثرت شربدن ناشیدر
 انبیاء ایسه عباداته مانع در یوب طعماده و صوابیچمکده غایت آرایله فضاغت ایدر لردی ۱۲ هر پیغمبرک
 معجزه سی کندی قوی ایچنده مشهور و مقبول اولان نسنه جفشدن اولوردی تا که اول قوم آنده ماهر لر
 ایکن اکامه عارضیه قادر اولماغله انلرک عجزی و پیغمبرک صدق ظاهر اوله مثلاً موسی علیه السلام
 زمانده علم مصر مشهور اولغین آنک مجرمنی ازدها اولان عصا وید صفا اولوب عیسی علیه السلام زمانده
 علم طب مشهور اولغین آنک مجرمنی ابرامرضی و احیاء موی اولوب سلطان انبیاء زمانده عربده مشهور
 اولان فصاحت و بلاغت اولغین اعظم معجزاتی قرآن عظیم الشان اولدی اما انبیانک معجزاتی دخی اکثریا
 بوکا کورمایدی ۱۳ جمیع انبیاء قبول وقضاء حاجت ایدر کارنده البتة برابری لوب نه واقع اولدره خلق کوریمک
 ایچون بر یوب طوبی قیابوب اولمخلدن سیک کی لطیف رایحه ایدر اولوردی حتی حضرت رسول علیه السلام
 سید کوری حلال ایدی دینوب صحابه دن ایکی کسینه ایچمشد ۱۴ نجه سقندن مر ویدر که اصلا بر چنک
 ایچنده بر پیغمبر قتل اولغی واقع اولماست در ۱۵ انبیاء اوزرینه طوقان برنسنه فی آتش یا قیوب اعضا لردن
 برینه طوقانی قیامنده جهنم دخی و نماز بیدر ۱۶ بر پیغمبر غازی قیلان بر کسینه فی چاغره او کسینه نمازین
 بوزوب و ازوب جواب و بر مک واجب اولغین شریعا نمازی بوزایوب اعاده لازم اولوب تکمیل ایدردی
 ۱۷ هر پیغمبر جله مالتی فی سبیل الله بذل ایچکه اعدادا تمکین انلر مال لردن زکوة و بر مک واجب دکدی
 خصوصاً زکوة نظیر ایچوندر انلر کندی و مالری و مالری طیب و طاهر ایدر کوری ظاهر در دینلر ۱۸ انکیچون
 انلر غیر لردن کونن الم حرام ایدی انبیادن بری حرام ایدن مرند اولغین قتل و اتوب حقیقه و شافیه دن
 غیری مذمه لدره تجدید ایمانه قتلدن خلاص اولوب البتة حقاقتل اولدر ۱۹ انبیادن نوح ایله لوطک
 خانوئلری کافره اولوب لکن جمیع علماء امت محدود سائر ام اتفاقا شلدر که دیاده هیچ بر پیغمبرک شکوه سی
 ووالده سی و ده مشیره سی و قیزی و سائر اقربای زنا ایکن واقع اولماست در و جمیع انبیانک کل صحیح ایله وجوده
 کلددر ۲۰ امام بحی السیه قضا و قدر دخی ایکن اسرار لردن بر سر در که ملائکه و انبیادن بر فردا کام طلع
 اولماست در دینوب جبر و قدر رساله لریک برنده پیغمبر اولانه سرفدر مستور اولغی لطف حقه نبوت
 لوازمه ندر که تبایفی امر اولنان اموری ابلاغندن همته فتور کلبه زیر بعض مأمور بک عدم وقوع
 یلیبیدی سبی طائل و بی حاصل اولوردی پس سرفدری بیلمامک مر قیبه نبوتی نقص و اغلال ایچر دینوب
 شرح مشارقه سرفضا و قدر جانب حقدن انبیاء کشف اولغینوب بعض اولدره کشف اولغی جائز در دو
 مذکور در ۲۱ مسایره ابن هماده مذکور در که قاضی باقلائی انبیادن هر بری کندی مقدم کلان پیغمبر لک
 شریعتی و کندی امتلری علمای تقریر ایدر کاری مسائلک عدم علی و معرفت توحیده خلل و بر میخلری
 و کندی فومندن غیر دعوتنه مبعوث اولدنی طایفه لردن لری و جمیع منافع و مضار امور دنیایی و جمیع
 حرف و صنایع بیلمامک جائز اولوب علوشانلر نه ضرر و نقصان و بر مز دینوب لکن بعض مسائل بیلمامکری
 خاطر لرینه خطورا یا بیکجه تدریکدر زیر خطور ایدر بیک البتة انک حکامنی بیلمامکری و انده اجتهاد
 ایدر رسا اصلری مقرر در زیر خصوصده اولان نزول و حیه مستظر اولوب مدت انتظارده وحی کلر سه اجتهاد
 ایچکه مأمور لر واجتهاد لردن یا ابتداء و انتها و یا همان انتهای اصلری مقرر اولوب اجتهاده خطا ایدر سه

نفسیه او انوب اندر دخی متنبه اولوب صوابه رجوع لری مقرر در ۲۲ (ما بقض الله تعالى نبيا الانى موضع
الذى يجب ان يدفن فيه) حدیثی مفهومی و متجه هر پیغمبر هر نه برده دفن اولغنی ایسترسه آند و فوات ایدردی
۲۳ هر پیغمبر نه برده یا نوب و فوات ایدرسه همان اوخلده دفن اولوب غیری برده دفن اولغز لردی ۲۴ کتب
میرده مقرر در که انبیا و فوات ایدر کاری ساعت فی الحال به روح شریف لری بدنلر نه اعاده اولوب بعده
دنیاده بقایله رجوع الی العقی اراسته تغییر اولور لاند دخی عاقبت هر ککار اولان رجوع الی الاهی
اختیار ایدر لر ۲۵ ضغطة قبردن یعنی مقبره نك صم استدن همان انبیا قورتلوب سائر مؤمنینک حاللرینه
گوره شدتله یا خفته لبر که یا خود مر ارا صمقی مقرر در ۲۶ انبیایه و اطفال مؤمنینه سوال قبر اولاده
اختلاف اولوب قول اصح اوزره و از دیشلم * بحرا کلام امام نسفیده انبیایه سوال قبر عذاب قبر و قیامتده
حساب دخی اولز اطفال مؤمنینه دخی عذاب قبر و حساب اولز عشره مبشره به دخی حساب منقشه اولز
یعنی بیچون بویه ایلدک دیو عتاب اولز اما حساب عرض که بویه ایلدک اما عفو ایتدم دیک انبیایه دخی اولور
دویمه کوردر ۲۷ جمیع انبیا حالا قبر لنده بدن شریف لیه حیاتده اولوب انواع عبادات مولی جل و علا
ایدر لر (الانبیا احیاء فی قبورهم یصلون) دیو دخی (الانبیا لا یترون فی قبورهم بعد اربعین ایله و لکن
یصلون بین یدی الله عزوجل حتی ینفخ فی الصور) دیو ایکی حدیث شریف مر ویدر انکی چوندر که مالاری
وارثلرینه میراث دکوب بیت المال قوروردی ۲۸ فواج مسکیمده حضرت رسولدن مر ویدر که نوح
و هو و صالح و شعیب قبر لری مکده زمزم ایله مقام ابراهیم اراسته در کعبه نك حرم شده اوچیز پیغمبر قبری
ورکن بیایله جز لا و دارا ندیده یتش پیغمبر قبری واردر انبیادن هر بر پیغمبر قومی تکذیب ایدر کزنده
ایچلرندن چیقوب مکیمه واروب و فوات ایدر نیمه دیک عبادت اوزره اولوب مکده و فوات ایدردی دینوب
تفسیر لیباید بعض سلفدن مر ویدر که حرم کعبه ده رکن ایله مقام اراسته زمزمه وار نیمه طقسان طغوز
پیغمبر قبری واردر که حجه کنگر لردی دینوب نیمه معتبر ایدر جمع انبیاده کمال صحتله معلوم اولان همان
قدسه قبر حضرت ابراهیم مدینه ده قبر رسول علیه السلام در دویمه کوردر (عدد انبیا) کشفده
دیشلدر که حق تعالی سکر ایکن پیغمبر کوندر مشدر که دوت ییکی بی امرا ایلدن دوت ییکی سائر فاسدن
ایدیلر * دینوب تفسیر تعلیمده سلمان فارسی حضرت رسولدن روایت ایتدیر که الله تعالی دوت ییک پیغمبر
کوندر مشدر مشاهیر تفسیر لک بر مشلنده کعب الاحبار انبیا بن بلدیکم اوزره یوز یکریمی دوت ییکدر که
وچیز اون اوچی مسلدر قرآند اسمیله مذکور اولغز لری همان یکریمی سکر کسنه در دیش دینوب بر
مخاند دخی ابوذر غفاری حضرت رسوله انبیا عددین صور قدیه یوز یکریمی دوت ییک ایدیلر دیو یور مشلدر
دینوب فواج مسکیمده ابوذر غفاری حضرت رسول علیه السلام انبیا یوز یکریمی یکن ایدیلر دیوب
بروایده ایکی یوز یکریمی دوت ییک ایدیلر دیو یور مشلر کعب الاحبار انبیا یکریمی ایکی کره یوز یکن ایدیلر
دیوب مقاتل اون دوت کره یوز یکن و یکریمی دوت یکن ایدیلر دیوب ان بن مالکدن مر ویدر که حضرت رسول
علیه السلام بن سکر یکن پیغمبر آخرنده مبعوث اولمشدر که دوت ییکی بی امرا ایلدن ایدیلر یور مشلدر
دینوب * تفسیر نیایمده کعب الاحبار انبیا یکریمی ایکی کره یوز یکن و یکریمی بش یکن اولوب مسلری
اوچیز اون اوچدر دیشلدر دینوب تفسیر کورآندیه ابوذر غفاری حضرت رسوله انبیا فاقد دیو صور قدیه
یوز یکریمی یکن ایدیلر اوچیز اون اوچی اولغز لری مسل ایدیلر یور دیلر لکن بو حدیثک صحتده کلام
واردر دینوب * شرح مقاصدده بعض علما دیشلدر که اولی و انساب احری باصوب بودر که انبیانک عدد لری
تصروحه مر اولغز یوب علی وجه الیقین عدد معلوم تعیین اولغیمه زیر باباید اولان حدیث خبر واحددر که
انجی طن افاده ایدوب علیمده معتبر ایه اعتقاد یاند معتبر دکادر خصوصاً (منهم من قد صناعنا علیک
ومنهم من لم نقص علیک) آیتنک طاهر نه بلکه واقع حاله دخی مخالف در زیر احتمالدر که انبیادن اولمیانلر
انبیا عددنه احوال انبیادن اولنر عدددن اخراج اولغش اوله دویمه کوردر * تفسیر سیده موسی ایله عیسی
اراستده یکن پیغمبر کادی عیسی ایله حضرت محمد علیه السلام اراسته دوت پیغمبر کاری اوچی بی
امرا ایلدن بری عربدن ایدیکه خالد بن سنان ایدی دینوب نیمه قورایمخده خالد نصکره عربدن حنظله دخی

[illegible]

بعض انبياء توفیق ملات کلیوب همان الهام له اولاد بقنده اتفاق اولغین خصوصانی اولانه کنیدی نفسنه
 معین برخصوص شریعت کر کدر دیک خلاف ظاهر اولغین ایکسی دخی علیل وکلام بی دلیل اید یکی
 معلوم اهل فہم جلیلدر صاحب قاموس الصلوة والبشر فی الصلوة علی سید البشر آدور سالہ سندہ تحقیق
 بود کہ فی اولدر کہ جبریل علیہ السلام اکا قاء وحی ایتد کده کنیدی نفسنه محصور ومقصود حکم معین
 ومنصوص ایلہ مخصوص اولہ بومقوله کسنہ لہ کنید یلردن غیر بلہ متابعت ایتمک وغیر یلردن بونک حکم
 مخصوص ایلہ عمل ایتمک حرام ایدی وحی اولسان امورک بعضی خلقه تبلیغہ مأمورا ولوب بعضی کنیدی
 مخصوص فالورسہ فی رسول اولوب جملہ وحی اولنا نلری تبلیغہ مأمورا ولوب کنیدی مخصوص حکم فالورسہ
 اکا رسول دینوب فی دینیزس هر رسول فی دیکلر وهر فی رسول دیکلر دینوب قول من بولک اصلی فتوحاتہ
 اولانک عینی ایکن زاد فی الظہور نفعة اخرى مثلی خواستجہ فی اولدق رسول واردر دیو بلا دلیل قسم
 ثالث زیادہ ایتد یکی مخالف عقل ونقل اولغین باطل وقاسد و صوابدن غایت متباعددہ فرائض مولانا
 کمال پاشا زادہ رسول شول فی دیکلر انکله یلہ کنیدی مایا آخرہ نازل اولاش کتاب الہی اولاد بقندن ماعداموسی
 وعیسی کی شریعت جدیدہ یاخود آخرک شریعتنہ داود کی مستقلہ یاہارون کی تبعیہ صاحب
 دعوت اولہ دیک اشعار اولوب اکن بن موسی وعیسی کلان یلک بادرت یلک یا تمش یلک انبیاء فی اسرائیلک
 هر برسی کنیدی و یلک کتاب توراہ اولوب شریعت موسایہ دخی دعوت ایتد لایکن جملہ سی من سلین ایدکاری
 خلاف ظاهر وخلاف مشہور اید یکی مقرر اولغین تعریف من بولک محتی محل نظر در مسابرة ابن ہمام
 شرحندہ فی ایلہ رسول فرقندہ قول مشہور بعض محدثین دید کلر دیک فی رسول شول کسنہ در کہ کنیدی
 وحی اولسان امورک تبلیغہ وقوم مخصوصی دعوتلہ مأمورا ولہ فی غیر رسول تبلیغ ودعوتلہ مأمور
 اولساندر دیوب اشہومذہبہ مطابقت اوزرہ بعض کتبہ فاضی عیاض دخی رسولہ فی غیبة اطلاعدن
 وشواص بولہ اعلامدن عبارت اولان نبوتہ مشترک اولوب رسولک زیادہ سی من عند اللہ عزوجل اخبار
 وانذارلہ مأمور و رسول اولی ایلدر دیش دینوب مذہب محدثین اولان قول اخیر محتمل ذر بر حسب ظن
 غالب و ہم سالب حکم جالب اصوب واربع اقوال اصح و اوضح جمیع احتمالات واللہ اعلم بحقیقة الحال
 (اولوا العزم) (فاصلہ کاصبر اولوا العزم من الرسل) آیتندہ تفسیر مدار کده اولوا العزم من مراد (واذا اخذنا
 من النبیین ميثاقہم ومنک ومن نوح و ابراهیم وموسی وعیسی ابن مریم) آیتندہ ذکر اولسان بش نقرہ ولاردر
 دینوب بعض کتبہ اولوا العزم عددی خصوصندہ امام شافعی بہ منسوب بر رباعی مذکور در کہ
 بودر (نظم) اولوا العزم خمس کلوا محمد علیہ السلام و علیہ السلام فوج بن ملک والخلیل ابن آذر
 وموسی بن عمران وعیسی ابن مریم (نثر) بعض معتبراندہ اولوا العزم سورة انعامذہ محل واحده
 ذکر اولسان نوح و ابراهیم ولوط واسمعیل واسحاق و یعقوب و یوسف و ایوب وموسی و ہارون والیاس
 والیسع و داود و سلیمان و یونس و زکریا و یحیی وعیسا در کہ حضرت محمد علیہ الصلوٰۃ والسلام ایلہ ختم
 اولمشدر دینوب تفسیر کورائیدہ (فاصلہ کاصبر اولوا العزم من الرسل) آیتندہ اولوا العزم من مراد اصحاب
 جدوسی وثباتدر من الرسل دہ اولان من بیانیہ اولوب جمیع رسلہ شاملدر یاخود آدم و یونس و سلیمان
 ایدکاری مقرر ایکن قرآنندہ آدم حقندہ (فمنسی ولم یجدلہ عزمًا) دیو یونس حقندہ (ولانکن کصاحب الخوت)
 دیو یونس من تبعیضہ اولوب بوقدر بر جہ اولوا العزم اصحاب شریعتدر کہ تقریر شریعتہ جدوسی ایدوب
 مؤذیلر جفا تہ صبرا تشاردی مشہور لری نوح و ابراهیم وموسی وعیسی و محمد علیہ السلامدر بعضلر
 دیدلر کہ بلا یہ صبرا نلرد کہ بری نوحدر کہ داتا غشی اولنجہ ضرب اولنوب بری ابراهیمدر کہ آتشہ آلوب
 نذیح ولدیہ امر اولنوب بری اہمیلدر کہ ذبح اولنقہ بری یعقوبدر کہ فراق ولدہ بری یوسفدر کہ بلای چاہ
 وزندانہ بری ایوبدر کہ مرض عظیمہ بری موسادر کہ طغیان فرعونہ وجفای قوم فی عونہ صبرا یتلر دینوب
 کشفندہ اسمعیل برینہ احق ذکر اولنوب موسادر کہ بری داوددر کہ صدور ایدن زلزلہ قرق سیل اغلدی
 بری عیسا در کہ دنیای بد معاشرہ طاشی طاش او متنہ قوم یوب (الدنیا فظنرہ فاعبر و ہاولانہ مروہا) دیشدر
 دینوب تفسیر یا حدیدہ اولوا العزم من مراد ابن عباس قولنجہ نوح و ابراهیم وموسی وعیسا در متاتل

قولنجہ نوحدر کہ جفای قومہ ابراهیمدر کہ آتشہ احق در کہ ذبحہ یعقوبدر کہ فراق ولدہ یوسفدر کہ بلای چاہ وزندانہ
 ایوبدر کہ مرضہ صبرا تشاردی و سدی قولنجہ من سلیندن قتال وجہاد لہ مأمورا ولنلرد کہ آلام و محن
 مشاہدہ و امر دیندہ کمال سی و مجاہدہ ایتلدر اہل تحقیق جمیع من سلین اولوا العزم اولوب حق تعالی
 بر رسول کوندر مامند کہ صاحب عزم و جزم اولوب ذورای و کمال عقل و جرات و جزم اولدیہ بس
 من الرسلہ کی من بیانیہ اولوب تبعیضہ دیکلر دیشدر دیومذکور و مسطور در و اللہ اعلم (سادات انبیاء)
 متن عقائد سیوطیہ افضل انبیاء محمد حبیب الالہدر بعدہ ابراهیم خلیل الالہدر بعدہ موسی وعیسی و نوح
 اولوب یواچینک علی وجہ الیقین ترتیلری نا معلومدر دینوب شرح مقاصدہ حضرت رسول علیہ
 السلامدر نہکرہ افضل انبیاء حقندہ بعضلر آدمدر ابو البشر اولاد یغیون بعضلر نوحدر طول عبادت
 و مجاہدہ سیچون بعضلر ابراهیمدر کمال توکل و اطمینان یغیون بعضلر موسا در کلیم اللہ و نبی اللہ اولاد یغیون
 بعضلر عیسا در روح اللہ اولاد یغیون دیشدر دینوب فواج مسکبہ حضرت ابوہریرہ سید الانبیاء خستہ
 نوح و ابراهیم وموسی وعیسی و محمد علیہم السلام دیشدر دینوب نیچہ محققین و مدققین آثار کثیرہ و اخبار
 شہیرہ مقتضاستجہ دیشدر کہ افضل انبیاء ہذا از حبیب خدا ابراهیم بعدہ موسی بعدہ عیسی بعدہ نوح علیہم
 السلامدر دینوب سائر انبیاء و رسل ترتیبہ تعرض ایتامشدر در و اللہ اعلم (احوال کتب منزله) تفسیردہ
 حضرت رسول علیہ السلام اللہ تعالی کو کدن فواج کتاب انزال ایتلدر دیو سوال اولندہ قدہ یوزدرت کتاب
 انزال ایتلدر کہ ایچلرندن اون صحیفہ سی آدمہ الی صحیفہ سی شیشہ اونوز صحیفہ سی ادربہ اون صحیفہ سی
 ابراهیم نازل اولوب دردی دخی توراہ وزبور و انجیل و فرقاندر دیو یوسر مشہور فواج مسکبہ مذکور
 بر حدیثہ یوزاون درتدر دینوب لیکن صحف آدم برینہ موسایہ قبل التوراة اون صحیفہ نازل اولمشدر
 دینوب کزلا مرار دہ اشہو کلام قول محدثین و مؤرخیندر دینوب حدیث اید یکی تصریح اولنوب بعض
 کتبہ کتب منزله یوزاون درتدر دینوب صحف آدم و صحف موسی دخی ذکر اولنوب بعض کتبہ صحف
 موسی ذکر اولوب لیکن صحف ابراهیم بکری ایدی دیومذکور در تفسیردہ (شہر رمضان الذی
 انزل فیہ القرآن) آیتندہ حضرت رسولہ قرآن عظیم ابتدا شہر رمضاندر قدر کیچہ سندہ نزول ایتد کہ
 باشلیوب یاخود جملہ قرآن قدر کیچہ سندہ لوح محفوظدن اولکی فات کوکہ ایتنوب بعدہ تدریجہ نازل اولدی
 رسول علیہ السلام صحف ابراهیم رمضانک اول کیچہ سندہ توراہ رمضانک الی کیچہ سی یکد کہ انجیل اون
 اوج کیچہ سی یکد کہ قرآن بکری درت کیچہ سی یکد کہ نازل اولدی دیشدر دینوب تفسیر ابن کثیردہ
 زبور دخی و مضانک اون ایکی کیچہ سی یکد کہ دیو جامع الصغیر سیوطیہ اون سکر کیچہ سی یکد کہ نازل
 اولدی دیو بر حدیث شریف مذکور در کشفندہ (انا انزلناہ فی لیلہ القدر) آیتندہ من ویدر کہ قرآنک جملہ سی
 قدر کیچہ سندہ لوح محفوظدن دنیا کوکنہ ایدر یلوب جبرائیل علیہ السلام فتح سین و قالہ سفرد دیدکاری
 یاز یحیی ملکرامہ ایلدیوب بعدہ حضرت رسولہ بکری اوج یلہ دلک آیت سورہ سورہ نازل اولوب
 اشہو آیتک معانی انزال قرآن لیلہ القدر دہ ابتدا اولدی دیکدر تفسیر کورائیدہ اتفاق اولمشدر کہ قرآنی
 جبرائیل علیہ السلام معاند نیادن بیت العزم لیلہ القدر دہ ایدر یلوب سفردہ ان یازوب بعدہ بکری اوج
 یلہ دلک تدریجہ نازل اولدی دینوب تفسیر واحدیہ ابن عباس لیلہ قدر دہ قرآن جملہ براو غوردن حای دنیا بہ
 ایدر لدی دیوب مقابل جبرائیل علیہ السلام حضرت رسولہ بریلہ دلک تقدیر آیت و سورہ ایدر رسدہ اولکی
 کوکہ اولان سفردہ دخی لوح محفوظدن او قدر ایدر دی دیشدر دیومذکور در شرح مقاصدہ توراہ عبرانی
 زبور و میرانی انجیل یونانی قرآن عربی در دینوب شیخ اکاک و صابای امام اعظم شرحندہ انجیل میرانی ایدی
 دیوب صحیح بخاریدہ حدیث بدو حدیثہ سورہ بن فوفندن انجیل عبرانی اولن کلا یوب بعض کتبہ
 زبور دخی عبرانی در دینوب بعض کتبہ صحف آدم و شیت و ادربس میرانی صحف ابراهیم عبرانی ایدی
 دیومذکور در نیچہ معتبراندہ صحف آدم اون عدد اولوب اسرار حکمت طبعیہ و معرفت منافع و مضارادویہ
 و کیفیت تسخیر انس و جن و شیاطین و علم ہندسہ و حساب و بعض علوم نایاب بیانیہ ایدی صحف شیت
 علیہ السلام الی عدد اولوب علوم حکمیہ و ریاضیہ فی جامعہ اولوب کیمیا و سیمیا و صنایع مشککہ و بعض

استاد حی مذکور ایدی حضرت ادریس علیه السلام او نیز عدد اولوب اسرار مجاویه و تسخیر روحانیات و علوم
 عجیه و طایع موجودات و انواع غرائبی جامع ایدی حضرت ابراهیم علیه السلام اون یابکر می عدد اولوب
 جله می صاحب لطیفه و مواظ شریفه ایدی کتاب تورات زمردین لوح اوزره یازمش اینوب یکن سوره ایدی که
 هر سوره یک مرتبه ایدی تورات تفصیلی احوالی باب موساده ذکر اولمش در زبور داود علیه السلام یوزالمی
 سوره اولوب الله سنده بنی اسرائیل بخت نصر دن ابرینه جن عذاب و عقاب الله سنده دخی طائفه رومدن
 ابرینه جن آلام بحساب الله سنده دخی باعث عبرت و مورث حیرت اوله حق انواع نصیحت و مواظ و حکم
 و تحمید و تعجید رب عالم مسطور اولوب حلال و حرامدن و شریعتی متعانی احکامدن بر نهنه مذکور دکدی
 کشف کشفه انجیل او نیز بن سوره ایدی که ایچدن بری سوره الامثال ایدی دینوب * فوایح مسکبه ده
 کتاب انجیل نسخه لری درت درلودر که انجیل متی انجیل مرقس انجیل یوحنا انجیل یوحنا در دینوب
 قرآن عظیم اوصاف و احوالی معجزات رسول علیه الصلوة والسلام باینده ذکر اولتور (قبائل انبیا)
 فوایح مسکبه ده ابن عباسدن مرویدر که انبیا دن بنی کسنه عبرانی ایدیلر که آدم و نیت و ادریس و نوح
 و ابراهیم بن نفر دخی عربی ایدیلر که هود و صالح و اسماعیل و شعیب و محمد مصطفی علیه السلام در تفاسیر ده
 موسی و عیسی ارا سنده یکن نفر پیغمبر کاب جله بنی اسرائیل دن ایدی و حضرت ابراهیم و نضره کلان
 جمیع انبیا نسل ابراهیمدن اولوب جله می اکامت ایدیه مأمور ایدیلر دینوب کشفه مثلاً سعد الدین
 حاشیه سنده (وقفینا من بعده بالرسول) آینه موساده نضره مرسل یعنی پیغمبر اولنر به ضلر قولنجه درت
 یکن بعضی قولنجه بنش یکن ایدی لکن جله می شرع موسی اوزره ایدیلر بعده عیسی رسول اولوب شرع
 موسی منسوخ اولدی دینوب یعنی بعضی احکامی منسوخ اولدی دیکدر زیرا اکثری منسوخ اولوب
 باقی طور دی * معتبرات متفرقه ده مذکوردر که جمیع انبیا ابراهیم علیه السلام نسلدن ایدیلر الا آدم و نیت
 و ادریس و نوح و هود و صالح و لوط بعضی قولنجه یونس دخی سریانی اولوب نسل ابراهیمدن دکدی
 و جله انبیا بنی اسرائیل دن یعنی یعقوب بن اسحق بن ابراهیم نسلدن ایدیلر الا آدم و نیت و ادریس و نوح
 هود و صالح ابراهیم لوط اسماعیل اسحق یعقوب شعیب یونس خالد حنظل محمد علیه السلام و جله انبیا دن
 اسانلری اوج درلوفت ایدی سریانی عربی سریانی اولنر آدم نیت و ادریس نوح ابراهیم لوط و هود و صالح
 قولنجه یونس دخی سریانی عربی سریانی اولنر جمیع انبیا بنی اسرائیل در عربی اولنر هود و صالح اسماعیل شعیب
 خالد حنظل محمد علیه الصلوة والسلام در (صنایع انبیا) معتبرات متفرقه ده مذکوردر که آدم
 علیه السلام صنعت زراعتی یعنی چغیریلکی تعلیم جبرائیل ایدیه دنیاده ابتدا ایدی * زین الجمله ده ابتدا
 جلاهلک ایدن و در زبک و صاباق و چغیریلک و ده ورجیلک ایدن آدم علیه السلام در دینوب نیت
 علیه السلام خلیفه و حاکم مسلمان اولوب اکثری اغزایه مشغول ایدی ادریس علیه السلام اکثری اسباح اولوب
 چوق درس دیوب یاز چغیریلکی و در زبک صنعت ابتدا ایجاد ایدی کی تواریخده مذکور اولوب (اقل من خط
 و خط ادریس) کلای بن الجهم و رستم و در نوح علیه السلام شکار اولوب ملاحتی به نی کیمچیلک صنعتی
 و حی خدا ایدیه ابتدا ایدوب طوفانده کی یابوب بن آیدریا یوزنده کز منلدر هود علیه السلام
 تاجر اولوب بعضی کنبه صنعت تجارتی ابتدا هود ایجاد ایدی دینوب * زین الجمله ده هود و اتمان حکیم درزی ایدیلر دیو
 السلام قبل النبوة چوبانلق و تجارت ایدردی دینوب * زین الجمله ده هود و اتمان حکیم درزی ایدیلر دیو
 مذکوردر صالح علیه السلام دخی تجارت ایدوب و متن شرعه ده صالح علیه السلام بعضی لبا و طرور دیو
 دیومذ کورد ابراهیم علیه السلام اکثری ایدیه یوب اطعمام انا و ضیافت خواص و عوام ایچون نیچه
 یوز چغیریلکی یوز یوب و دخی نیچه یکن قیونلرین چوبانلق کوردی متن شرعه ده ابراهیم علیه السلام کندیسی
 اوخه متکارلری زراعت و حرث ایدوب کندیسی بالذات بزاز ایدی یعنی اسباب و قشای الوب صاگردی
 دیومذ کورد لوط علیه السلام دخی اکثری ایدیه ایدردی اسماعیل علیه السلام قناص یعنی صیاد اولوب
 اکثری شکار مشغول ایدی اسحاق علیه السلام بر زمان چوبانلق ایدوب بعده او خد متی اولادی ایدردی
 یعقوب علیه السلام دخی سابقا چوبانلق ایدوب بعده اولادی ایدردی یوسف علیه السلام عزیز مصر یعنی

وزیر اعظم و نبوت و رسالت و حکومه تله مدبر امور و جهر و رهام ایدی اوب علیه السلام قبل المرض و بعده غایت
 مالد ایدیکه تفصیلی یوز فاروده حکمت در شعیب علیه السلام دخی کندی قیونلر بنه چوبانلق ایدوب یوز
 اولاده انکی قیزی چوبانلق ایدردی موسی علیه السلام او نیز یازنده دك فرعون باینده اوغل کی عزوناز
 واکرام و اعزازه بسلنوب اون ییل دخی مدین شهرنده قاین اناسی شعبه داماد و چوبانلق اولوب بعده فرعون
 دعوت کاب بنی اسرائیله جا کم اولدی هارون علیه السلام مقدمه تاجر بعده فرعون و وزیر بعده فرعون
 موسی ایدیه مرسل و برادری موسایه وزیر اولدی الیاس علیه السلام نسا جلک یعنی جلاهلک ایچندر داود
 علیه السلام نبوت و رسالت بنی اسرائیله خلیفه الله اولوب کسب حلال ایچون موم کی دمور مسخر اولغین
 جبه جوشن دوزردی سلیمان علیه السلام انس و جن و اکثر مخلوقات ارضه جا کم اولوب کسب حلال ایچون
 مبارک الیه زبیل اورب کچکوردی زکریا علیه السلام نجار لک ایدوب بنی اسرائیل ایچنده تی و رسول
 و رئیس الاحبار یعنی سردار علماء کبار ایدی یعنی علیه السلام تارک دنیا اولوب تفصیل حالی سابقه مذکور
 اولمشدر عیسی علیه السلام دخی تارک دنیا و سیاح اولوب تفصیل حالی سابقه مذکور اولمشدر خاتم انبیا
 حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم ایداسر مددا اوغلانچق ایکن قیون کدوب پیود کده عیسی
 ابوطالب یوزلری بسلنوب بعده خاتونلری خدیجه جله مالارین یولار بنه بدل ایدوب بعد النبوة لیل و نه سارده
 سر و چه سارده ارشاد قوم ضلالتناه ایدوب مدینه به هجرتدن نضره داتا مجاهد فی سبیل الله ایدیلر اوقات
 یار کاتلرین عزای عزت مزای جنت جزایه و تقویت دین هدایه و تمثیت اوامر خدا به صرف ایدردی
 صحیح بخاریده کندیلر دن مرویدر که الله تعالی بر پیغمبر کوندرا لاکه چوبانلق ایدوب قیون
 کوندمشدر بندخی اهل مکیه ابرت اید قیون ککود مشدر دیو یوز مشدر در علمادیملدر که انبیا قیون
 کوند کربنه حکمت تحصیل تواضع و مسکنت و ضعه الیه الفت و مؤانست و کندی قیون خاتون ایدیه تصقیه
 و حایه عزاله تعلیمه در حق بعضی عارفین یومری تبیین ایدوب دیمشدر که (نظم) انبیا و اعیان امتدر *
 بن چوبانلق یولاره صنعتدر (ازمنة انبیا) تفاسیرله مواضع متفرقه سنده آدمه شیت شیلدر ادریس
 ادریسه نوح ارا زنده اصلا پیغمبر کلیموب نوحه ابراهیم ارا سنده هود و صالح کیشدر و دخی اول انبیا
 بنی اسرائیل یومص آخری عیسا در * به ضلر قولنجه اولی موسی در دخی موسی ایدیه عیسی ارا سنده یکن
 پیغمبر کیشدر که جله می بنی اسرائیل دن ایدیلر دخی عیسی ایدیه حضرت رسول ارا سنده هود و نیت و هود
 کاب اوچی بنی اسرائیل دن بری عربی ندر که خالد بن سنان العبد سیدر دینوب * لکن باب موسی علیه السلام
 آخرنده یازدیغی اوزره بعضی معتبرانده حضرت موسایه مع اونت ایچون حق تعالی یکن نفر کسمه پی پیغمبر
 ایدوب بنی اسرائیل انره توجه اید کارنده موسایه بغیرت کلکین انک خاطر ایچون حق تعالی او پیغمبر لک
 جله سنک روحلرین قبض ایدی دینوب و دخی باب داودده یازدیغی اوزره بعضی معتبرانده داود علیه السلام
 بهض مجلس قضا و حکومه او تورده ایکی باینده یکن نفر پیغمبر او توردی دینوب اشبوا یکی روایتی مؤید
 کشف مثلاً سعد الدین حاشیه سنده مذکوردر که موسی ایدیه عیسی ارا سنده بعضی قولنجه درت یکن بهض
 قولنجه یکن یکن پیغمبر کاب جله می دین موسی اوزره اولوب انک شر یعنی خلقه علی ایدر مکاه مأمور
 ایدیلر * تفسیر ابوالسعودده (یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا بین لکم علی فترة من الرسل) آینه بعضی
 عیسی و محمد درت پیغمبر کادی دیوب بعضی ایدیه ارا سنده اصلا پیغمبر کادی دیوب قول ثانی آیت کریمه ده
 فترة کله سنده کی توینده اولان تفخیمه که امتداد زمان فترته ارسال رسول کمال احتیاج اولاده اهل کتابه
 جناب حقدن اولان امتنان مقامه لایق اودر غایت مناسبدر دینوب فی الحقیقه صحیحینده (ابا اولی الناس
 بعیسی ابن مریم فی الدنیا و الاخرة لیس بنی وینه بنی) حدیثی ایدیه قول ثانی رجحانی اطهر من الشمس و این
 من الامس در والله اعلم (مدت مابین انبیا) کتاب متنی ده مذکوردر که آدم زمانه غفر عالم ولادت
 مابینک مقدارنده اختلاف اولوب و اقدی قولنجه درت یکن انبوز یکن نیچه قولنجه الی یکن یوزاون ییل
 ابن عباسدن بروایتده بن یکن بشموز یکن بعضی قولنجه الی یکن فرق ییل ایدی معارف ابن قتیبه ده
 مذکوردر که مدت عمر حضرت آدم سنه ۱۰۰۰ وفات آدمدن طوفان نوحه دك سنه ۲۴۴ طوفانندن

وفات نوحه دك سنه ۲۵۰ نوحه ابراهيمه دك سنه ۲۰۴۰ ابراهيمه دك سنه ۹۰۰ موباد
داوده دك سنه ۵۰۰ داودن عيسايه دك سنه ۱۲۰۰ عيساد - حضرت رسوله دك سنه ۶۲۰ بوجه
سكزيك - كنز يوزالي ايكي ييل اولور شواهد النبوه مذكور دركه ولادت حضرت رسولن زمان
عيسايه دك ۷۲۰ عيساد داوده دك ۱۲۰۰ داودن موبايه دك ۵۰۰ موباد ابراهيمه دك ۷۷۰
ابراهيمه دك نوحه دك ۱۴۲۰ طوقانن آدمه دك ۱۲۴۰ بوجه التي ييك بد يوزالتش بش ييل اولور
صحيح بخاريدنه سلمان فارسيدن مريدركه عيسى ايله محمد عليهما السلام اراسته كي قنرت يهني زمان انقطاع
نبوت ۶۰۰ موباد موبايه دك ۲۰۰۰ موباد ابراهيمه دك ۱۰۰۰ ابراهيمه دك نوحه دك ۲۶۴۰
نوحه دك آدمه دك ۱۰۰۰ بهضيله قواخه ۲۰۰۰ ييلدر بش بوجه يدي ييك انكيوز قرق ياكنز ييك
ايكيوز قرق ييل اولور بعض معتبرانده ابن عباس ايله ابن جعفر مريدركه نبوت عيساد ولادت حضرت
رسوله دك ۶۰۰ اسكندر روي وفاتندن زمان ولادته دك ۸۸۲ داودن زمان ولادته دك ۱۶۰
موبادن زمان ولادته دك ۲۳۰۰ ابراهيمه دك زمان ولادته دك ۳۰۷۰ نوحه دك زمان ولادته دك ۴۴۹۰
آدمدن زمان ولادته دك ۶۷۵۰ بوجه التي ييك بد يوزالي ييل اولور * قواخه مكيه ده ابن عباسدن
مريدركه آدمدن نوحه دك ۲۲۰۰ نوحه ابراهيمه دك ۱۱۴۳ ابراهيمه دك موبايه دك ۵۷۵ موباد
داوده دك ۵۶۵ داودن عيسايه دك ۱۰۵۳ عيساد هجرت حضرت رسوله دك ۶۰۰ بوجه التي ييك
بوز او تو زالي ييل اولور ينه كتاب مذ كورده مسطور دركه كاراجار بن اسراييلدن عيش ايكي فاضل كامل
انفاقيه عبايدن يوناني به ترجمه اولنان قراة شريفه مذ كوردركه نزول آدمدن طوقانه دك ۲۲۴۲
طوقانن ولادت ابراهيمه دك ۱۰۸۱ ولادت ابراهيمه دك وفات موبايه دك ۵۴۵ اندنصكره يي قرانده
ارايوب لکن كتاب مجسطيده بوجه يله مذ كوردركه وفات موبادن بخت نصر سلطنتنك ابتداء سنه دك
۹۷۸ شهر ۸ يوم ۸ بخت نصر سلطنتنك ابتداء سنه دك ۱۳۶۹ شهر ۴ * پس
بوحشايجه نزول آدمدن هجرت دك سنه ۶۲۱۶ تاريخ ابن خننه ده نزول آدمدن هجرت دك قول اصح
اوزره التي ييك انكيوز اون التي ييل بكمدر دينوب اوتقد برجه ترجمه قراة مجسطيدن نقل اولنان
روايت ساثر و ايتادن اصح و ارج اولور لکن يوقار و ده مدت عمر دنيا ده تفصيل اولندي بني اوزره مدت
عمر دنيا يدي ييك ييلدر ديو بر حديث شريف اولوب وهب بن منبه قولخه رسول عليه السلام ييغمه
اوله قنري تخمينه اش ييك التيز ايجنده اوله يي بر حقيقه يوقار و ده زمان آدمدن ولادت حضرت رسوله دك
بش ييك بشيوز ييل بكدی ديو ابن عباسدن بر روايت اصح جميع روايات اوراق كورنور والله اعلم
(قائده) غنبي ايله حضرت رسول عليهما الصلوة والسلام اراسته بكن زمانه بين الاسلاف كاي
اختلاف اولوب تفسير تيسيره ابن عباس وقتاده رفع عيسى ايله نبوت رسول عليه السلام ارامي بشيوز
اتش خصاله و مقاتل التيزو كاي و مجاهد بشيوز قرق يه منبور * كاي بين مولد عيسى و مولد محمد
عليه السلام بشيوز التيز طقوز ييل ايدى ديمشردنوب تفسير قابضه التيزو يا بشيوز التيز طقوز
نبوت رسول دك مفر و كاي قولخه بشيوز قرق التي ييلدر دينوب تفسير قابضه التيزو يا بشيوز التيز طقوز
كشافده بشيوز التيز يا بشيوز التيز ايله تيش اراسيدردنوب تلقح ابن الجوزيده ابن عباس
وابن اسحاق قولخه رفع عيساد ولادت حضرت رسوله دك التيزو ييل بروايتده بشيوز تيش سكزييل
بكمدر دينوب مواهب لانيه ده رفع عيساد نبوت حضرت رسوله دك سلمان فارسي وقتاده قولخه
التيزو قتاده دن بروايتده بشيوز التيز خصاله قولخه در تيزو او تو زله قرق مايي شعي قولخه طقوزو
او تو ز او ج ييل بكمدر حافظ ابن كثير مشهور بودركه تمام التيزو ييلدر ديش ديوم مذ كوردر (قائده)
تفسير لبابده جبرائيل عليه السلام انبياي وحي ايجون نازل اولد يئنك عدلندن معلوم اولان مرتبه بودركه
آدمه اون ايكي ادرسه درت نوحه التي ابراهيمه قرق ايكي يوسفه درت موبايه در تيزو عيسايه اون حبيب
اللهه يكرى درت ييك كره نازل اولدى دينوب تفسير كبريه (اذ ايدتلك بروح القدس) آيتنده جبرائيل
عليه السلام عيسانك ياتندن اكر زمانده دورا و الما مغه ما ورايدى ديوم مذ كوردر كشافده جبرائيل ملكيتي

صورتنده حضرت رسولن غيري انبيادن هيج بريسى كورمك يسر اولدى حضرت رسوله دك ايكي كره
واقع اولد ييك برى ايتدا نبوتنده يريوزنده برى معراجده كوكده دينوب واقعا حضرت رسوله ساثر زمانده
خصوصا جله انبياي انسان صورتنده كلوب حضرت رسوله كاد ييكه صحابه ايجنده غايت خوب روي اولان
دحيه كاي ديدكاري كسنه نك صورتنده كلوب كاه جله صحابه يه كاه بعضه * كور دينوب كاه كسنه يه
كور غيوب هم ان حضرت رسول ايله سويلشوب كاه آوازنى كاه بعض علائق صحابه نك بعضري ايشدر لردى
(قواند متفرقه) كه بعض وجهه بعض انبياي و نبوتنه متعلقه معتبرانده مذ كوردركه ومله شهر نك محله ده
عش بيغمه بر من اري واردركه كفاي اسراييل انلري ظالم اقدس شهرندن سوركون اديوب جله يي
بركون ايجنده اجلندن وفات ايشلردى زين المحالسه مريدركه رسول عليه السلام بر كسنه بر مومنه
برايجم صور سه ييش بيغمه صور بر مش * كاي اولور دينوب ايشدن سيب صور دقلمنده زيرا انبيا
بي اسراييلدن عيش بيغمه بر قرقه صوابه نيا بانه چيقوب انده جله يي او يود قلمنده بر قاره كلوب قرق يي
دلوب جله صواب كيدوب او ياند قلمنده جله يي صور و وفات ايتد يلد يورديورديور تفسير لبابده حضرت
رسولن مريدركه بن اسراييل اولنهارده يعني صباحه يا وقتلى زماننده بر ساعت ايجنده قرق او ج نفر
بيغمه يي قتل ايدوب عباد و زهاد بن اسراييلدن يوزاون ايكي نفر كسنه قلقوب اوقا ناله امر معروف و نهي
منكر ايتد كارنده آخر نهارده يعني اخشام زماننده بوند دك قتل اولنديلر * تفسير ابو السعودده سلفدن نيجه
علماد ييشلدر كه انبيادن بر كسنه جنك ايجنده قتل اولنق اصلا واقع اولما مشدر زين المحالسه بن اسراييل
ايجنده بر زمانده او ج ييل عبادت ايدن بيغمه اولوردي دينوب نولت تفصيلي نبوتى مشكوك اولنر ياننده
تخليقه عليه السلام فصلنده مذ كوردر * يه باب من بورده ذوالكفل عليه السلام انبيادن يوز نفر كسنه يي
مجلس واحده قتلدن خلاص ايتد ييك دك مذ كوردر * معالم التنزيلده مجاهد حق تعالى طائفة يودن
وطائفة جنندن وطائفة نسادن اصلا بيغمه كوند رما مشدر دينوب يودن يعني صحر اوقري خلقندن بيغمه
كوندر ايتد ييك حكمتي غافلنلري و جفالى يي ظلم و تعدي و شدت و ناسا زلكاريدردن ييشلردنوب تقاسيد
(وما ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحي اليهم) آيتنده اشيو آيت دلالت ايدركه حق تعالى دعوت عامه ايجون نسا
وصبيان و ملائكه دن اصلا بر ييغمه كوند رما مش اوله حضرت عيسانك بشيك ايجنده نبوتى و كمانق
دكلدر زير نبوت رسالندن اعدردنوب * بعض معتبرانده ابن عباس طائفة محمدن اصلا بر ييغمه كلبا مشدر
دعش دينوب علم عقائد دي قول العبد ديكه مشهور اولان قصيده بر فوانده مذ كوردركه (نظم)
وما كانت نبيا فطانتى * ولا عبد و شخص ذواقه مال * يعني عورتلردن و قول جفندن و حاشا شخص
مفعولن اصلا بر كسنه ييغمه بر او اامشدر كشافده (يا معشر الجن والانس الم يأتكم رسل منكم) آيتنده طائفة
جنه يه كيد و ايجلردن بيغمه كوند رلديكده اختلاف اولنوب بعض اشراب و آيتك ظاهر يله استدلال ايدوب
انس و جن طائفه لى مكلفلده برابر اولغين هر بر يه كندى جفسلردن بيغمه لر كوند رلدى ديديلر
جفسلردن اولغه سبب و ايجلردن اولغه الفت و مناسبت زياده در دينوب بهضلردن نبوت انسانه مخصوصدر
جنندن اصلا بيغمه كلبا مشدر قرآنده (رسل منكم) ييولدي يي انله جن خطابه جمع اولق سبيله در نكيم
انجو و مزاجن آجى در باره مخصوص اولوب طائفة يارده اولمز كن قرآنده (يخرج منهم الاولو والمرجان)
يولمشر دينوب بهضلردن قرآنده رسل جنندن مراد طائفة جنه ايتد يي سطر فندن مرسل اولان جنلدركه
* كندى طائفة لر دعوته مأمور اولمشردي نكيم حضرت رسوله بولوشان جنلر حقتده قرآنده
(ولو الى قومهم منذرين) ييولمشر دينوب مذكوردر * قواخه مكيه ده مذ كوردركه حق تعالى
هر ييك ييله بر نصرت دين قوم و تقويت سراط مستقيم ايجون معجزات باهرات و دلالات ظاهرات ايله بر يي
شريف الخصال لطيف الافعال ارسال ايتدركه اولكي ييكده آدم عليه السلام مرسل اولوب او ييك كوكبي
زحل ايدى ايكني ييكده ادرس عليه السلام مرسل اولوب او ييك كوكبي مشترى ايدى او جني ييكده نوح
عليه السلام مرسل اولوب او ييك كوكبي مر ييغ ايدى در دج ييكده ابراهيم عليه السلام مرسل اولوب
او ييك كوكبي شمس ايدى ييغني ييكده موسى عليه السلام مرسل اولوب او ييك كوكبي زهر ايدى النبي

یکده عیسی علیه السلام مرسل اولوب اوینک کوکی عطار دایدی بدینی یکده سلطان انبیا محمد مصطفی
صلی الله علیه وسلم مرسل اولوب اوینک کوکی فرد حق جل وعلا نبوت ورسالتی حیثیتده ختم ایدوب
دنیا تک بیکری لاری دخی نهایت بولدی دیومذ کوردور * حالاه لوم اوله که احوال انبیاء کزین متقدمین
یومقامده اختتام بولوب شه نکیر و عتقان یکران قلم بدایع رقم سید المرسلین و خاتم النبیین حضرت تارینک احوال
معاده لاری بیاتنه منعطف و جل وعت وسی و دقت اکا منصرف قیلندی و المسمول من الله الملائه القدير
العزیز الوهون والتبیراته حبنا ونم النصیر

(بسم الله الرحمن الرحيم)

الحمد لله الذي جعل محمدا افضل مخلوقاته وحرمة آة اسرار ذاته وشكاه انوار صفاته وبعثه رجلا للعالمين
اطهارا انبيات عطياته على جميع ربانيه صلى الله عليه وسلم وعلى آله واصحابه هداة الدين وحياة المتقين
من الله حق تعالىه (امامده) قسم ثالث كتاب صحت نصاب اولان اشيو اوراق فواتد انتساب مهتر و هم تر عالم
سيد و مديني آدم صلى الله عليه وسلم حضرت تارینک و آل واصحاب کزین رضوان الله تعالى عليهم اجمعين
زمره لارینک احوال مرسی بیاتنه اولوب بکری دوت بابه توزیع و بعض بابری نیجه فصل شریف الاصل ایل
تقریر اولغندور اول معلوم اوله که حبیب خدا طیب اهل هدا محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم ایدا سرمد
حضرت تارینک احوال سعادت لاری واصحاب والاری بیاتنه علماء عرب و عجم و روم السنة ثلاثه ده
منثور و منظوم مکمل و معتمد مطول و مختصر اولغندور کتب جلیله تألیف و ترکیب و تصنیف و ترتیب
ایتملدور که جله سنک مستل اولدینی تفصیلا جمع و بیان خارج دآثره امکان اولغین محروم طور اولان
بتده افکنده بر تصور مرآت الکائنات دیکله معنی اولان اشبو کاب صحت بیاتنه که بهون الله الملك الاکبر
زیده جله کتب قوارخ و میرا لوق مقرر در خصوص منصوصه مطولات و مختصراتده ذکر اولان روایات
و حکایاتک جمیع مهتر من مهتره اکن ذکر و اعلام ایتمک تعهد و التزام ایدوب محبة رسول المسکی المذنی و ابتغاء
رضاء الرب الغنی بجمع کتب سیردن معنی اولوق ایچون کینی تفصیلا و نصیر یحاکمی ایجاز اولغندور جله درج
و ترکیب و ترتیبده معنی بلیغ و جده بدی در رخ خراج ایدیکه اشبو اعدا اولان معنای رعنا ی جامعیت و اغنا
صاحب ذهن صاف انصاف انصافه بعد التبع التکلی واضح و جلی اولور و موفیقی الالبالله (مصرع)
هو حمی ولاله سواه (مدح و ثنا حضرت سلطان انبیا) اللهم صل على طیب قلوبنا و منیع جمیع ذنوبنا
محمد عبدک الاکرم و حبیبک الانعم و علی آله الابرار و اصحابه الاخيار کما ذکرک الذاکرون و غفل عن ذکرک
الغافلون و لم تسلما دغا کثیرا و زده کرامه و شرفا و تعظیما و توقیرا (نظم) آن شهنشاہ کشور معنی *
ناج فرق بچیران یعنی * احمد مرسل افتخار بشر * شافع المذنبین فی المحشر * قائد الناس
بالهدی والعون * شاه لولاله ما خلقت الکون * تخیر رب سلاله بطحا * اخی لوح خوان ما و اخی
(محرره) جله خلق را ملا ذوقناه * نور چشم جهان حبیب الله (نثر) نفعات غیر نسیم صلوات
و نجات هم رحیم تسلیماتکه مهتر ریاض قدس و مصب حیاض برانسدن مشام دل و جانی معطر و دماغ
روح روانی مجر اید اول خاتم الانبیاء والمرسلین سید الاولین والآخرین محمد نام اجد پیام محمود مقام عالی
حسب عربی اسب فلک مر بر ملت و زبر حقانی خصال سبحانی وصال ماه مک و در ب شاه مشرق و مغرب
هم تر خورشید منظر مرور و جسد جا کر عنوان دیوان نبوت سلطان اوزان قنوت طیب لبیب جانهای خسته
ربیع منیع دلهای شکسته سید معشر بشر و سائر مخلوقات شمع جمیع عصاة در عرصه عرصات (نظم)
سپاس لاریزد بکان درگاه * چراغ زمکاه فی مع الله * شه نه منظر و انجم مواکب * غبار مر کبش
بکل الکواکب * حضرت تارینک روح بر قنوت و نبینه رحمت دقینه مشروح حریفه مانند اده فرض
رجاء جنان و صفا ای جنان اید عرض اولور * فضل خدا و کرم رسولدن متضرع و مسئولدر که اشبو عبد احقر
منکر الضمیردن موصول (مصرع) بعده لطف حقه اوله قبول (نظم) بمحمد و نعت لسا الانوار *
فتنوره لیل الزمان نهار النور و نه مفرق اجزاه * فیہ الشجوس قضی والا قار * هو صوره نوریه بشریه *

الله فی تصویرها اسرار * شمس نجات لا اقول لتورها * بدیندا لا یعتر به سرار * الله ارسله البنا و حه
و حیلته قلنایه امتبشار (محرره) صلی علیه بقضله رب الوری مادامت الادوار والاطوار (نثر)
وصده زار در غرر غیثیات صافیات وجواهر تسلیمات و اقیات شزار و اوح آل ابرار و اصحاب اختیار
قیلنور که هر بری عهد و قواعد دینه مر شد عقاید یقینه ناصر دین اسلام ناشر شرع سید الانام رافع اعلام
ایمان دافع فتنام ذوی الطغیان ایدیلر (محرره) اولدیلر چون دعا و راهدا رضی الله عنهم ایدنا (نثر)
اللهم اجعلنا متسکین یسئتم متسکین بطریقهم و یوفنا علی محبتهم و احشرنا فی زمزمهم انک سامع النداء
و مجیب الدعاء فی السموات والارضاء (نظم) لیس لی تحفة تطیق الیه * یا مقیض الوجود صل علیه *
(دیگر) ما ان مدحت محمد عقالی * اکن مدحت مقاتلی بعمد

(باب اول در احوال نسب رسول صلی الله علیه وسلم)

بواب شرف انتسابه فواتد سبع مقبولة الطبع و ارد که جمیع کتب سیردن منتخب و مختصر و اهم مهماتدن
اولغین محرز اولوق مقرر اولوب اشبو فواتد کثیره العوائد بوجعیت و ترتیب ذکرا لوق نوکاب مطایب
خصائص و فضائلدن و بفضل الله تعالی اجمع و انفع کتب قوارخ و سیرا و مسکن جلال و دلائل کثندور
ومن الله عده الکون اسأل العون والصون (فائده در اسمی آباء و اجداد رسول علیه السلام) هو محمد
ابن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمنشاف بن قصی بن کلاب بن مرة بن کعب
ابن لوی بن غالب بن فهر بن مالک بن النضر بن کنانه بن خزیمه بن خدرکه بن الیاس بن مضر
ابن نزار بن معد بن عدنان * کتب سیرده عدناندن یوقار و ده اختلاف اولوب بعضده عدنان بن یسع
ابن همیسع بن ثبث بن قیدار بن اسماعیل علیه السلام ابن ابراهیم الخلیل علیه السلام * دیوب معارج
النسب و ده عدنان بن ادد بن همیسع بن ثبث بن جل بن قیدر بن اسماعیل علیه السلام دیوب
بعض کتیده شهر آفاق محمد بن اسحاق قولیجه عدنان بن ادد بن مقوم بن ناحور بن یبرخ بن یعرب
ابن یثجب بن ثابت بن اسماعیل علیه السلام دیوب کاب الصفود و عدنان بن ادد بن همیسع بن جل
ابن ثبث بن قیدر بن اسماعیل علیه السلام دیوب * کاب الانس الجلیله بعضر عدنانله اسماعیل ارانده
فرق بعضرهمان بدی نفر کشته عدا ایدوب لکن مختار بودر که عدنان بن ادد بن الیسع بن همیسع
ابن سلامان بن ثبث بن جل بن قیدار بن اسماعیل علیه السلام دیوب دایمل دلائل النبوه ده حضرت
رسول علیه السلام عدنان بن ادد بن زید بن یری بن اعراق الثری دیوب زید منور همیسع در یری ثبث در
اعراق الثری اسماعیل در دیشدر دیوب و ده کوردور (فائده) مواهب لدینه ده کار علمایدن ابن دجیه علما
اتفاق ایتملدور که رسول علیه السلام نسب شریفه لری بیان ایدیکه عدنانله ذکر ایدوب یوقار و سه قوار
ایتملدور دیوب ابن عباسدن هر ویدر که رسول علیه السلام نسب لری ذکر ایدیکه معذ بن عدنانی کیم یوب
انده طور یوب ایکی کره یا اوچ کره کذب التبا یون دیر ایدی لکن سهیلی یو کلام حدیث اولیوب
ابن مسعود کلامیدر دیوب غیر یلدر که ابن مسعود (الربا تکم تبا الذین من قبلکم قوم نوح و عاد و ثمود
والذین من بعدهم لا یعلم الا الله) آیدنی او قودیجه کذب التبا یون دیر ایدی یعنی نسا یلر خلقت نسی احوالی
یملک دعوی ایدر حق تعالی ایسه علم انسانی عبادندن تی ایدی هر ویدر که حضرت عمر نسبت نسی الخلق
عدنانله ذکرا اولور انک یوقار و سنی بلز زدیوب ابن عباس دخی عدنانله اسماعیل ارانده او نور انا و اردر که کیم
ایدوکی بلشم دکادر * دیوب مسالما الحنفی والذی المصطفی آدلو کاید کار تابعیندن عطا حضرت رسولله
آدم علیه السلام ارانده طقسلسن طقوز انا و اردر دیش دیومذ کوردور والله اعلم (فائده) رسول
علیه السلام اجدانک اکثری عادت طائفه عرب اوزر بر لقیب ایله مذکور و مشهور اولوب اسم بینه مغلب
قلندری کتب سیرده عبدالمطلب قول اصح اوزر اسمی شیهة الحمد هاشمک اسمی * و و عید منافک اسمی مغیره
قصی اسمی زید کلاب اسمی حکیم یا خود عروه الیاس اسمی حبیب ایدی دیوب اسمی ذکر اوانا نلک و مجرور
لقبیلله مذکور اولر لک سبب لقبی و سائر حالاری مطولاتده تفصیل اولوب خوفان الا کثار اشبو قوارخ
مختصره ترکی اختیار و ذکرا هم مهمات و نوادره اقتصار اولندی بعض معتبرانده قول اکثر اوزر و هر

این مالک افی قریش اولوب انک نسلندن اولنره قریشی دیرلر دینوب اندن یوقارونک نسلندن اولنره
 کافی دیرلر دینوب لکن اکثر کتب سیرده و جمیع تفاسیرده قول جهوز اوزره قریش نضرین کانه نک لقی اولوب
 انک نسلندن اولنره قریش انک نسلندن اولوب کانه بن خزیمه نسلندن اولنره کافی دیرلر ابن عباس یونلره
 قریش دینلر دریاده قریش اولور چاقوره تشبیهلرکه غایت باور اولوب جمیع حیوانات بحراندن خوف
 اوزره دردمشله دینوب و چه تشبیه ده بر قاج در لومب دخی مذکوردر (فائده) کتب معتبره ده عدنانک
 والده سی بله ایلر بر بن بن خطاند در نیاده جمیع قبائل عرب ایکی قسمدر که بری خطان نسلندن اولمغین اولنره
 بنی خطان دیرلر بر بنی دخی نسل حضرت اسماعیلدن اولان عدنان ذریتندن اولمغین اولنره بنی اسماعیل دینوب
 بنی عدنان دخی دیرلر دیومذ کوردراشویکی قره نک هر بری بحد و لایه قبیله را اولمشلردر انک و کابک خلد
 نایسک چاقی آخرنده باب قبائل عرب ده اجمالیان اولنور (فائده) نیجه معتبرانده مذکوردر که
 از دور آدم اجداد خرق عالم صلی الله علیه و سلم الطاف خالق النفوس الیه مأوس و اطفا نور خدا ایتمک ایستین
 اعداء بدر اشرارندن محروس ایدیلر چله دن بری هر ویدر که عدنانک اسمی عدنان اولد یغنی بنی آخر زمان یونک
 نسلندن اوله جقدر دیوانس و جان یونی اهل لاکه قاصد و مقصد اولد لری یوندر بر کون عدنان آتیه بند کده
 سیکان کسینه اتی قتله قصده آتایوب ایکی طایفه اراشدنیشوب آتی زخمد کارنده آتدن اینوب طایفه
 یورویوب عدولر بد خورسیه رولر انک عقبجه کشد کارنده قدرت حقله طایفک یوقاروسندن برال اولنوب
 کابوب عدنانی طایفک ده سینه قالدیروب بعده برصد اید اولوب (ع) چله نایا کاره لاک اولدی بری دخی
 مسالک الحنفیاده مذکوردر که انبیاء بنی اسرائیلدن حضرت ارمیا به یارمیا بخت نصره واروب اعلام الیه که
 بنانی عرب طایفه سینه مسلط ایلدیم و دخی یارمیا معبدین عدنانی براق اوستیه سنکه بندرناکه کاشور
 ابرشجه زرا بن آنک نسلندن بری کریم یعنی رسول صاحب قدر عظیم جیقارسم کر کدر دیو و حی اولمغین
 ارمیا دخی امر حقله عمل ایدوب معدی بر اقه بندروب ولایت شامه کتوروب انده بنی اسرائیل ایچنده
 نشو و نما اولوب بخت نصر قتنه می دفع اولد قده معص صاحب سعیده عربستانه کندی (فائده) جمیع
 معتبرانده مذکوردر که حضرت رسولک آدم بیغمه ده اولان آیه کرام واجداد خفای (مصرع) چله
 اصحاب عقل و حسن و جمال و ارباب شجاعت و خضوت و انواع کمال و اهالی عالی حسن خصال وین فعال
 اولوب (مصرع) نور و نور خرم و جهان و جبین مینارنده مانند مهر پرلمان تابان و درخشان ایدی
 هر برینک خاتونی حامل اولد قده نور محمدی انک آتیه منتقل اولوب جبین شوهر دن نور عالی کوهر که کله
 رنگ ریزی یوعامق اولوب ولود و سعود و وجوده کلد کده نور انک آتیه ظهور ایدردی بعده هر بری مظهر نور
 اولان پسر عالی کوهر اشیوا مانت حیده الهیه بی عفت و امانت الیه رعایت و حمایت ده بد بلیغ و جعدی دریغ
 ایدن دیو محکم سبارش و اولاد ایچداد دخی شی و کوشش ایدوب مهما ممکن سداد و صلاح و رشاد و فلاح
 اوزره اولورلردی حضرت اسماعیل نصکره اکثر قبائل عرب ایچنده فهم و کاست الیه حکومت و ریاست یونلره
 مخصوص و بنیان شوکت و سلطانی مشید و مرصوص اولوب دین تویم حضرت ابراهیمی افشا و آثار وجود
 و خاند نیجه اموراتش ایدرلردی و هارج النبوه ده مذکوردر که منبرک اسمی مضر اولد یغنی اتی هر کورن
 جمال با کانه عاشق اولد یغنی وندراهل اسلامدن اولمغین راه خداده و ملت حضرت ابراهیمی ابراده سخی
 و دقت و ارفا الیه اسمع لطیف نصیحتلر ایشدر * نیجه معتبرانده مذکوردر که الیاس بن مضر صلاحده
 پروید و اولوب قبائل بنی اسماعیل امر معروف و نهی منکر ایدوب علم حکمتده اقامه ان و اطراف عربده
 اشتها رو کمال رغبت و اعتبار بولدی * هر ویدر که چ زمانلنده حضرت رسولک نور فرید الدهری الیاس کندی
 نهرنده حجاج مانند صوت و اندالیه تبلیه ابتدکی یعنی رضاه حق جوان اولوب لیلک اللهم لیلک کلان
 کویان اولد یغنی قولایله ایشدردی * تفاسیرده مذکوردر که کعب بن لوی قدیمدن جمعه کوتلک اسمی
 عربجه عرب ایکن او کونده یانه خلق جمع اولمغین اسمی جمعه قوروب اوجیه تارده داغما و غط و نصیحت ایدوب
 کندی نسلندن آخر زمان بیغمه بری کله جکی خبر ووروب اکایمان کتوروب تابع اوله سزدیو اصمیر لوب اول
 باید دیدیک شعرلردن بریت بودر که (نظم) یالیننی شاهد یغی و آه دعوته * اذ قریش تنسی الخفی

خدا لا (نثر) یعنی تولیدی بن محمدک خاق دینه دعوت ایدوب طایفه قریش دخی عصیان و طغیان اشته
 راضی اولوبه جغری زمانه تشوب محمد نصرت و معاونت ایدیم دیکدر * مسالک الحنفیاده من یورکب
 زمانله حضرت رسولک شوقی اراشدنیشوب ییل کجه شدردیروب جلد ثانیده باب ملوک بره ده
 ذکر اولنه حق تفصیلک کمال اجمالی بودر که طایفه عرب ایچنده عبادت اسماعیل ظهور ایدوب مک
 شهرینک حکومتی اجداد رسول علیه السلام اندن عقب اولد قده سیمایان اطرافه طایفک اوجیور
 ییلد نصکره ته اجداد رسولن قصی ساقاطاغلان قبائل قریشله مکه شهرینک حکومتی یغنی قبائل غیر یون
 کفار اشرار اولان خزاعه طایفه سنک اندن الوب بر مقتضای خوی کاتدین تدان مانند دان اولان زمرة
 بدان ذوی الطغیان مغموم و محزون مکدن بیرون اولدیلر بعده من یور قصی ساقاطاغلان کعبه مفضمه نک
 سقی اولامغله ایچینه سبل کیرمکدن یغلیقن قریشله یایوب مسقف و اولو جهله کندی قدر بن فشرق
 ایشدر * تفاسیر و احیدیه (لا یلاف قریش ایلانهم رحله الشتاء والصفی) آیتده ابن عباسدن هر ویدر که
 مکه شهری وادی فی زرع اولمغین اهل مکک دائمی معاشده مضایقه لری اوله شتاده یغنه صیفده شامه
 تجارت ایچون سفرا تنکی هاشم بن عبد مناف قریشه اوکوردوب بواسطه تجارتدن حاصل اولان ریختی
 فقر او اغنیایه برابر تقسیم ایتمکده قریشده املا فقیر قالمیوب جمیع قبائل عربده قریش کبی غنی طایفه
 اولمغین بعض شعرا یونلری مدح ایدوب دیمشکه (نظم) تل للذی طلب السماحة والندی * هلا مروت باک
 عبد مناف * المنفقین وایس بوجد منفق * والفاثلین هلم للاصیاف * والخالطین فقرهم بغنم * حتی یكون
 فقرهم کالکافی * والمخزین بکل وعد صادق * والراجلین برحله الایلاف (نثر) معتبرانده عبد المطلب بن
 هاشمک ریاسته و خاوتنه سرگذشته خصوصاً زماننده ظهور ایدن قصه اصحاب قیله متعلق عظیم تفصیلر
 اولوب قصه قیل جلد ثانیده ملوک بن یاسنده تفصیل اولنوب عبد المطلبک باقی احوالندن ذکر میسم اولان
 بودر که هاشمک یوندن غیر نسلی قالمغین آل هاشمک شرقی یونک نسلانه منحصر اولمشدر * هر ویدر که عبد
 المطلب غایت عاقل و ادیب ذکی و لیبب خفی و شجیع و مهیب مدبر ذورای مصیب اولوب * ابن اثیر ایدر
 مکده جبل حراده ابتدای تحت ایدن یغنی برمه اوزمان عزله عبادت ایدن یودر این قتیبه ایدر عبد المطلبک
 سفره برکت بهره مندن طایع باشلرنده و خوش و طینوره مائده بر فائده قونوب لاجل کمال البخا فیاض اوله
 و دخی مطم طیر السماء اسمیله لقب و معنی اولوب مستجاب الدعای ایدی کاب مال و قلمده مذکوردر که نور
 محمدی برکتیله عبد المطلب کندی اولادنه ترکبنی و ظلم و شقاق و تحویل مکارم اخلاق امر ایدوب مر دظالم
 جزاین کورسجه و قاتل یزدیو متکلم اولوب اتفاق بر ظالم کسینه دنیاده بلا صابه الیلا متوفی اولد قده
 عبد المطلب خوش خصاله انکله موال اولد یغنی بر زمان متحیر و متفکر اولوب بعده و الله و راه هله الدار دار
 یغزی فیها الحسن با حسانه و با مقب المسی باسماته دیو جواب با صواب و بردی یعنی والله اشهد دار فنامدار
 دنیای غدار عاقبتده بر جای قرار واردر که انده اهل حسنات و عیثات غلامرینه سکوره مجازات اولنور
 (فائده) حضرت رسولک پدرو مادر لری ایمانده اختلاف اولنوب کاب مسالک الحنفی و الی المصطفی ده
 و نیجه کاب معنی ده بر قاج روایت حکایت اولنوب بری بودر که انزل قبل بعثة الرسول زمان جاهلیته و قات
 ایشدر در جمیع شافیه و اکثر حنفیه قولنجه هر بر بیغمه امتنه دعوت دین ایشدر بن نه کفر حرامدز
 نه ایمان و ایچد زرا قول اصح اوزره ایمان عقلا واجب اولوب شرعا و جمعا واجبدر جاهلیته ایسه ادیان
 انبیاء هر و زمانله و غلبه کفار ذوی الطغیانله هر شمرده خفیه بر ایشدر کسینه دن غیر برلده بالکلیه
 معدوم و نامعلوم اولشدی ایکنجی بودر که انلر زمان قترنده سائر وفات ایدنلر یوم قیامتده امتحان اولنوب
 مطهرلر چشته مخالفلر جهنمه قورورلر بر نیجه احادیث صحیحه نک مضبوطی بودر که صاغر و دلسر و اهل قنرت
 و معتوه و بیرقانی و کوچک ایکن وفات ایدنلر قیامتده هر بری حاله موافق اعتذار ایتد کده سزه رسول
 کوندر بر هم مطیع اولور میسر و الله تعالی انلردن عهد آلوب بعده امدی جهنمه کیر یکر دیو رسول
 کوندر بر بعض حدیثلرده بلا واسطه الله تعالی بالذات خطاب ایدر دینوب ازله سعید یا بلان اطاعت
 ایدوب کوروب جهنم اکبر و سلام اولوب چنه قوروب جهنمه نیجه کیرلم دیو در دایله نلر با امر اله خواه و ناخواه

چهارم سور باب ایمنه نور* علامه عالی کهر شیخ ابن حجر دیرکه حضرت رسول الله اجداد و آباء و سائر اقربا سندن قبل النبوة وفات اید نله طغز بود که حبیب الله حرمته زمان امتحانده حضرت رب رحمان اول فرمان بی درمان واجب الادعائه عصیان اید در میه او چنجی بود که کفر او زره وفات اید یلرا کن حق تعالی رسولی حرمته ایکی سی دخی رسول الله احیایدوب اندر دخی ایمان کتوروب یشه فی الحال وفات اید یلر مسالان الحظا مولی شیخ سیوطی بویاده بر حدیث ضعیف ذکر ایدوب بعده حدیث ضعیف کثرت طرق روایتله قوت بولایقندن ماعدانجه علمایونک ضعیفه باقدیلر زرافضائل اعمال و مناقب حقنه حدیث ضعیفه عمل اولانور بومستله ایسه مناقبندرد دیشلر* عتور سطور اولان عیدرت صور ایدرکه واقعا اشبوکلام خوب نظام حقیقه قولنه موافق اولغین حق صریح و محض صحیح ایدیکي متحققدر زرافعیر ابن الهمامده (الحدیث الضعیف للفقی لا یرتیق بتمدد الطریق الی الحجیة و لغيره مع العدالة یرتیق) دیومذ کوردرد در دنجی بود که امام رازی و نیجه علمای حق تعالی مشرکینه نجسدر دیوب رسول علیه السلام ایسه (لم ازل انقل من اصلا ب الطاهرین الی ارحام الطاهرات) دیشلر و دخی (دعوت من خیر قرون بنی آدم قرناقرنا حق بعثت من القرن الذی کنت فیه) دیوب کفار ایسه خیر دیک ثلک جائز کلدرد خصوصاً قرآنده حضرت رسول (الذی یراک حین تقوم و تقبلک فی الساجدین) یور یلوب احدی و اینده ساجدین مراد آباء و امهاتند دیوب آدمه دلک جمیع آباء و امهات رسول علیه السلام مؤمنین ایدیلر اگر چه حضرت ابراهیم یدری نامنه اولان آزر کفر او زره وفات ایدیکي قرآنده خبر یرلندر لکن ابن عباس و مجاهد آزر ابراهیم عیسی ایدی (الم صنوا لاب) مثلی مفهومه ده دخی اب دیک ثلک فاعده عیدر یدری دیشلر شیخ سیوطی مسالک بر محمله ایدر بومده هی تقویت ایدر شول حدیثکه اهل نازل غایت خفیف عذاب لوسی ابوطالبدر دیوب یرلندر وجه تقویت بودرکه ابوطالبک حالی بویله اولجیق رسولک والذی نازده اوله لردی عذاب الخف اولان انرا اولور لردی پس بوحديثك ایمان ابو یشه دلالتنه علم اصولده دلالت اشارت دیرلر دیوب بر محمله دخی دیشلر که (واذ قد سمع فی ابی طالب انه اهو ن اهل النار عذابا بقرابة رسول الله صلی الله علیه و سلم فعاد الله ان یظن بوالذی فی الجحیم وان یشد علیه ما له ذاب الایم هذا بما یفهقه من له ادنی فهم سلیم) یعنی بودرکه علمادن نیجه لوبیاده بوجه یازم مهم و لازم اولان خوف من الله صفت سکوت و توقدر دیوب سوال اولدر قدده الله اعلم بالصواب دیوب جواب یرلردی* علامه روم کمال باشازاده مرحوم دخی رساله ابون آخرنده بوقولک و بجنائش اشعار ایدوب دیشلر که کبار سلف و خلفدن نیجه ل (لا تؤذوا الاحیاء بسبب الاموات) حدیثله (ان الذین یؤذون الله ورسوله لهنم الله فی الدنیا و الاخرة) آیتی و وجبجه آباء رسول نازده در دین کسنه ملعوندر زرا حضرت رسولک جناب شریفنه بوندن اوزر که اذای اولور دیوختو او یرمشلردر (عصمنا الله تعالی من الزیغ و الزل فی القول و العمل و العمل)

(باب ثانی در ذکر احوال رسول علیه السلام)

خبر عالم صلی الله علیه و سلم فی آخر زمان و قدوم رجعت و ملایه اهل زمین و آسمان شادمان اولر یشه متعلق بشارات و آفاق و انفسده دلالات و اشارات خصوصاً باق نور و موفور باهر السروری برادلبقی زماندن نبوت و رسالت و علو شأنه نشان و دلیل و برهان اولان کرامات و علامات ایدر که کائنات مالا مال اولغین جله سی ذکر و بیان متعذر و محال بهضری دخی تفصیل عظیمه محتاج اولغین متعسر و پراشکالدر زرا سر خطاب (لولاک لما خلقت الافلاک) اصحاب فطنت و ادراک قننده صدق مقاله شاهد حاکمدر لکن مدت ولادتله قریبه اولدر قدده ظم و رایدن بشارات غریبه دن (القطرة تدل علی الذییر) مثل شهری اوزره اشبو مختصر معتبر مولی اولان عبد احقر و ذره کتر عارف اولانه بر اشارت کفایت ایدر دیوب الفاضلی غایت بلاغت و نهایت حلاوت اوزره اولان بردانه بشارت حیرت غایتی بعبارة القائل بومحمله نازل اولدی* پس خیس آدلوکتاب سیرده الهیب ابن مالک الله یدیدن مریدر که مجلس حضرت رسول حاضر اولوب دیدمکه یارسول الله انام تمام سکا فدا اولسونلر کولک پوزی حراست اولغنه باشیلوب جن و شیاطین قذف بالنجوم اولدر قرین ابتدا بظهور بدی آتی کوردیکم زده عز و بر و عزیز و مقتدا واجب التوقیر من اولوب او جیوز باشنده

اولان خطر بن مالک آدلو کاهن حضورنه واروب ای خطر برهنه بر حال حیرت مالدن بزه خیر و برید کزده اغدواعلی فی السحر اخیرکم اما بخیر اوضردیدی پس ایرتمی وقت هزده یاتنه واروب کورذ کیکه ایاق اوزره طوروب کولک یوز یشه بقا و باخطر دیوندا ایتلر سکوت ایدلر بزه اشارت ایدوب او حالده کورکدن بر عظیم یلدر و شوب خطرانی کوروب دیدیکه (اصابه صابه خامرہ عقیابه عاجله عذابه اسرقه شهابه زایل جوا به یا و یله ماحاله یلله یلله عاوده شباله تقطعت شباله تغیرت احواله) بعده نیجه زمان ماکت وصامت طوروب بعده (یا هف یا هف بنی قحطان اخیرکم بالحق و البیان افسحت بالکعبة و الارکان و البیلا الامین و السکان قدم مع السبع عتاة البیان بشاقب فی کف ذی سلطان من اجل مبعوث عظیم الشان بیعت بالتزویل و الفرقان و بالهدی و فاضل القرآن تلقی به عبادة الاوثان) بولکلا یدندن ایشلدر کده ای خطر بزه نه عجب امر عظیمدن خبر یرلدر سن و بزوسا تر قوملک نه ایتلر کک و رأی و تدبیرک ندریدلر ایتدیکه (اری لهم ما قدری لنفسی ان یتبعوا خیر قبیل الانس برهانه مثل شعاع الشمس بیعت من مکة دار الخس بحکم التزویل غیر لیس) بزایتلر اول ذیدیکل کسسته کیدر اجمی ندرنه زمانده ظهور ایدر ایتدیکه (والموت و الحیاة ثم العیش ان محمد الممن قریش حقا و ما فی حمله من طیش کلا و لا فی خلقه من هیش یکون فی جیش وای جیش من ال سلطان و اهل البیت) بزایتلر قننی بطندن یعنی کیک نسلندن در من ولد ابراهیم دیدی بزایتلر قننی قریشندر ایتدیکه و البیت ذی الدعایم و المکن و الخطایم انه نسل هاشم من معشر اکرم بیعت بالملاحم و قتل کل ظالم الله اکبر الله اکبر الله الحق و ظهور و انقطاع عن الحق الخبر هذا هو البیان اخیرنی به رأس الجان) بوسوزی تمام ایتدکده ساکت اولوب بعده غشی اولوب اوج کوندن کمره عقلی کلدکده ابتدا (لا اله الا الله محمد رسول الله) دیوسو یلدی بو خبر عجیب و مقبول مسجوع حضرت رسول اولدر قدده بر روایتده (سبحان الله لقد نطق بمنزل النبوة و انه لیحشر یوم القيامة وحده) بر روایتده (سبحان الله قد نطق عن منزل النبوة فانه یبعث یوم القيامة وحده) یور مشلر یعنی سبحان الله اول آدم مقام نبوت و حکم شدن دم او رمش تحقیق یوم قیامتده کندی باشیلر بالکزر جه حشر اولوب یعنی مجر دقبردن عرصه عرصانه کفجه دلک یا خود عرصانه طور مقده دخی اول مر دکامل منفرد و مستقل اولوب ایمانده جله دن اسبقی اولغین برقرقه به ملحق اولیه

(باب ثالث در احوال رسول علیه السلام تا بوقت نبوت)

زمان ولادتدن او ان نبوته دلک فرق یلده واقع اولان احوال شریفه و اطوار منقعه لری خصوصاً والده ماجده لیسک حلی ظهورنده و ولادت باسعادت صدورنده مشارق و مغاربده بد که بر پادشاه ظاهر و باهر اولان عظیم علایم کثیر و موفور بلکه نامحدود و ناخصور اولوب اکثری بین الجمهور مشهور و اوائین اشو کتاب باهر الانوارده مهما ممکن ایجاز و اختصار و امهات مهجات بیاتنه اختصار اختیار اولندی (فصل در وقایع مدت حل) معتبرانده مذکوردر که رسول علیه السلام صلب یدردن و اصل رحم مادر اولدر قدده جمیع عوام علویه و سفلیه و حیوانات بریه و بحریه نور و مرور ایلر مالا مال اولوب یالسان قال و حال بری برلر شه مزد رسان و مودی جد و شکر فر او ان اولدر مریدر که مریدر بلدی مخوس و سایر مولک کفر مأیوس و امنام اهل شرک و ناقوس جله منکوس و معکوس اولوب اول سنه حسنه ده تعظیما رسول الله جمیع دنیا ده حامل اولان خاتونلرک او غلا شعلری ذکر اولغنه امر الهی صدور ایتدی حضرت رسول علیه السلام مکده قول اصح اوزره بطن مادرده ایکی بانسکرز ایاق ایکن یدر لری عبدالله مدینه منوره ده یکری بش باشند وفات ایتدی (فصل در وقایع زمان ولادت) مکده مکرمه ده قول اصح اوزره هلاک اصحاب قبل ماء بحر مدده اولوب ولادت رسول علیه السلام لوسنه ربیع الاولک اون ایکنی کوفی یوم الانیته ایدی ابن عباسدن مریدر که حضرت رسولک ولادتله نبوتی و مکدن هجرتی و مدینه به دخولی و مکه بی فتحی عیسی و آخرته انتقالی جله اثبتن کک و نلرنده واقع اولدر و وقایع لیل و ولادت بی عد و حد و قیامتدر لکن ایچلرندن غایت عجب اولوب تفصیلده دخی محتاج اولیلر یونلدر که ایل لیل مبارکه ده شیاطین ملاعن کورکه چقمقدن رجوم نجوم ایلر بالکلیه ممنوع و محروم قلوب بجم سلطان اولان نوسر و انک عظیم البنیانی

هر كجيك نك نصفی مقدار فی عبادتله احیاء حضرت رسوله وامتیه فرس اولوب بریلند صکره اوسوره نك اخری
 نزولیه فرضی دفع اولوب تطوع مرتبه سنده قالدی سعید بن جبیر وقلجه انك فرضی چاق اون یلند صکره
 دفع اولوبی به ضلوف انجهد امتدن دفع اولوب اسكن كذبله قریش اوزره قالدی (قائده) حضرت
 رسوله ابتدا ایمان كنون كیم ایدو كنده اقوال كنیره نك اصحی اوزره ابتدا خدیجه خاتون بعد هاتر بیلزنده
 اختلاف اوزره خدیجه نك عیسی اوغلو ورقه بن نوفل كه دین عیسی اوزره عابد و زاهد بر بیر قانی ایديكه بعد
 الذبوه ایكنی یا اوچنی یادر دینی یلنده وفات ایددی و دخی ابو بكر صدیق و دخی علی بن ابی طالب كه قول اكثر
 اوزره اون باشنده اوغلا چنی ایدی و دخی حضرت رسولك عبده متقی و اوغلانی زید بن حارثه ایدی مواهب
 لدیه ده مذکور در كه ابن الصلاح دیمند كه اورع بولده دیکدر صكه رجال احرار دن اول ایمانه كلان
 ابو بكر صیانت یا احداثدن علی بن ابی طالب در نسادن خدیجه در موالیدن زید در عیددن بلال در طبری
 دیمند كه اولی اولان روایاتی توفیق و تطبیق ایدوب دیمكدر كه حضرت رسوله مطلقا اول ایمانه كلان
 خدیجه خاتون در واركل قسمدن اول ایمانه كلان حضرت علیدر كه صبی تا بالغ اولغین ایمان اخفا تمشدی
 و اول رجل عربی بالغ كه ایمانه كلوب اسلامن اظهار ایتشدی ابو بكر ایدی و والی یعنی آزاد لو قول جنسندن
 اول ایمانه كلان زید در و محرم و سطور اولان عید پر قصور ایدر جمیع روایانه نظر و تاملد صکره طبع فانی لایح
 اولان بودر كه الله اعلم اول ایمانه كلان خدیجه بعد هاتر ورقه بن نوفل بعده علی بعده زید بعده ابو بكر اولوقدر
 و علی كل حال كتب سیره محرم در كه ابو بكر ایمانه كلد كده انك دلالتله بالانعیین الترتیب عشره مبشره دن
 عثمان و طلحه و زید و سعد بن ابی وقاص و ابی عبیدة و عبد الرحمن بن عوف و سعید بن زید و آنك خاتونی فاطمه
 بنت خطاب و سائر ناسدن ابوسلمه عبدالله بن عبد الله و ارقم بن ابی الارقم و عثمان بن مظعون و قدامة بن
 منیعون و عبد الله و عیبة بن الحارث بن عبد المطلب بن عبد مناف ایمانه كلوب بعدهم احیاء رجال و نسادن
 نیچه بر برایكیشیر ایمانه كلور دردی كتاب صفره ده ابتدا اظهار ایمان ایدن لیدی كسند در رسول الله صلی الله
 علیه و سلم و ابو بكر و بلال و خباب و صهیب و عمار و جمیع یشوب مواهب لدیه ده رسول علیه السلام و ابو بكر
 و عمار و عمارك و فاده سی عیبه خاتون و صهیب و بلال و مقداد دیومذ كوردر

(باب خامس در رسالت و نبوت رسول علیه السلام)

اكثر كتب سیره نیچه سلفدن مریدر كه (محرره) مقتدای جمیع اهل هدا * خاتم انبیاء حبیب خدا *
 صلی الله علیه و سلم ابتدا سرمدای بیغمبر اولد قند صکره و حی متوالی به قاپ رسول عالی برافور دن متحل اولر
 دیو اوج یله دلو و حی كلز اولوقدر رسول علیه السلام غایت غمناك اولوب نیچه دفعه كند و فی طاعتن اشاعه
 اتغله صد هلاله ایديكه جبرائیل كور یشوب یا محمد سن رسول الله سن دیوب كیدوب رسول علیه السلام
 نسلی و آرام بولور دی * امام شعبیدن می ویدر كه فرق یاشنده نبی اولوب اوج یله دلو و فی طاعتن اشاعه
 علیه السلام مقارن قلوب انك اسانندن قرآن نازل اولوب لیكن بعض كلمات و بعض اشیا علم ایدوب اوج
 یل تمام اولد قده نبوتنه جبرائیل علیه السلام مقارن قلوب انك اسانندن قرآن نزول ایدر اولدی * مواهب
 لدیه ده پس سورة (اقرأ) اولی نزولده نبوت سورة (مدر) اولی نزولده جمیع خلقی دعوته رسالت و ربوب
 نبوتلری رسالتنندن مقدم ایدی دیمشدر یشوب دخی نیچه معتبر ائده مذکور در كه رسول علیه السلام دینه
 دعوتی اوج یله دلو اخفا اوزره ایدوب بعده بركون جبل حرا ده یا آخر یرمه ایكن ناكاه كوكدن (یا محمد انك
 رسول الله) دیوندا ایشیدوب صباغه صوله باقوب كور میوب یوقارو باقید قده حضرت جبرائیل مجوهر
 و نورالتیور قناد اچوب هوای قایلایوب بر سخت اوزرنده او نور كوردر كده كمال ده تله سعادتخانه لرینه
 كلوب دره مكنی بوی یشوب باقید قده جبرائیل علیه السلام صورت انسانده كلوب (یا ایها المدثر قم فانذر وربك
 فكبر و نیساك فطهر و ابجز فاهجر) ایتن كنوروب بعده (فاصدع سماعتهم و اعرض عن المشرکین) آیتی
 و دخی (فانذر عشیرتک الاقرین و اخفض جناحک ان اتبعن من المؤمنین) آیتی و دخی (قل یا ایها الناس انی
 رسول الله الیکم جمیع الذی له ملك السموات و الارض لا اله الا هو یحیی و مییت فامنوا بالله و رسوله النبی
 الامی الذی یؤمن بالله و كلماته و اتبعوه لعلکم تهتدون) آیتی اوقات متفرقه در نزول ایتكین كمال تفصیل

محتاج طریقه رسول علیه السلام مجالس کثیره ده كفار متصفه بالفضیحه فی الفاظ بلیغه و فصحه و انواع
 موعظه و نصیحه صحیحه الیه دین مبینده دعوت ایدوب كفرة جبره دن انواع طعن و اهانت چكه مشهور در جیش
 قریش بد کیش نیچه مجنات باهرات كور مشرکین اصرار و عناد لری دمادم از دیاد بولور دی مجنات رسولك
 نیچه لری بعض وقایع ارا سنده مناسبتله یاز یلوب سائر لری اشاعیده باب مستقلده تفصیل اولور (فائده)
 در کیفیت نزول و حی) كتب سیره ده مذکور در كه حضرت رسوله نزول و حی اون در لولایدی ۱ رؤیای صادقه
 ایديكه فرق یاشنه كیدر كده الی آیه دل واقع لرنده هر نه كورسه لر عالم ظاهر ده ماننده هر تابان عیان
 و نمایان اولور دی الی آیه تمام اولد قده آشكاره و حی كلور اولدی ۲ جبرائیل و حی ایچون كلكده صورت
 ملكیتی اوزره كوردر كازیدر مطلقا شكل ملائک غایت عجیب و مهیب اولغین خلاف معتاد نفسه به نظر الیه
 دهشت و وحشت چكه سون دیو بالاتفاق همان ایکی كره واقع اولوب بریسی ذكر اولند و حی اوزره ابتدا
 نبوتنه یار سالنده یرده ایكنی لیله معراجده كوكد ایدی سائر انبیادن هیچ بریسی جبرائیل شكل ملكیتده
 كورسدر دیو اتفاق واردر ۳ حضرت رسوله نبوتنه صکره اوج یله دلو اسرافیل علیه السلام نازل
 اولوب جناب حقندن بعض نسنه و حی ایدوب لیكن قرآن كنور میوب سائر انبیادن هیچ بریسه اسرافیل نازل
 اولوب بو خصوص فضائل رسول علیه السلام ایدی دیمشدر ۴ جبرائیل علیه السلام انسان صورتنده
 خصوصاً اصحابدن دحیه كلی كه حضرت یوسف علیه السلام مثال صاحب حسن و جمال اولغین اكثر یا آنك
 صورتنده كاهی غیري كنه صورتده كلوب و حی الهی نه ایه ایصال ایدور دی بویه كلكده اكثر یا بجماعده
 بولسانلر انی كوروب جبرائیل علیه السلام ایدو كنی بیلیوب كنه كند صکره رسول علیه السلام دیو و برسه
 یلور لر دی كاهی دخی حضرت رسوله كور یشوب مجملده اولنلر كورمز لر دی كاهی سوزنی ایشیدر لر دی
 كاهی جبرائیل علیه السلام حضرت رسوله دخی كور یشوب لیكن قلب شریف لرینه بهمن نسنه و حی
 و القا و الهام ایدور دی تكمیل رسول علیه السلام (ان روح القدس نفث فی روعی لن عوت نفس حتی
 تكمیل رزقه فاقنوا الله و اجابوا للطلب) دیوب قرآنده دخی (نزل به الروح الامین علی قلبك لتكون
 من المنذرین) یورلشدر ۶ اشتقاق و حی اولاندر كه احیاء جبرائیل علیه السلام چال آوازی كبی صدای
 عجیب و مهیبه نزول ایدور دی بوحال غایت صوغق كورلرده دخی ظهور ایتد كده رسول علیه السلام هیبت
 وحیدن در لر كی در لر و كوب طوار اوزره بولند قزنده طوارك بی قیرلغه بقلاشوب ناچار در لر ایوستنه
 چو كر دی * مشاهیر سلفدن بری ایدر مطلقا و حی الهی وعدو یشارنه متعلق اولد قده ملك صورت انسانده
 كلوب رسولله زحمت سوزیلشور دی اما وعید و انذاره متعلق اولد قده چال آوازی كبی مهیب صدا الیه
 نزول ایدور دی * كتب حدیثده حضرت ۴ مردن مریدر كه حضرت رسول علیه السلام و حی كادكجه بوزلری
 قائنده آری آوازی كبی نسنه ایشیدر یلور دی * حضرت ابوهریره دن دخی مریدر كه حضرت رسوله و حی
 نازل اولد قده صداع عارض اولغین مبارك یشارینه خنایقار لر دی ۷ حق تعالی رسولنه احیاء واسطه سز
 بالذات و حی ایدوب سوزیلشدر و كیدر كه حضرت موسابه جبل طورده حضرت رسوله سموات و عرش اعلا
 پر نورده واقع اولشدر ۸ نیچه صحابه و علماقولجه حق تعالی حبیبنه ذات بیچون كضا حایه بی باش كوز یله
 كوستروب بی واسطه و حجاب خطاب مستطاب ییور دیمشدر بو خصوص ملائكه و انبیادن بر فرده مبسر
 اولیوب حضرت رسول مقبولك اعظم خصایص و فضائل و اشرف احوال جلالی ایدی (زاده الله كرامه
 لدیه و ضاعف فی كل آن عجائب فضله علیه) بعض علماقولجه رسول علیه السلام عالم رؤیاده حق تبارك
 و تعالی بی كوروب بالذات بعض نسنه و حی ایتد و كیدر ۱۰ جناب حقندن فیض اولسان علمد كه بره سته
 دوشوب آنده حكم الهی معین اولماغین اجتهاد لازم كلكده حضرت رسولك قلبنه الله تعالی حق و صوابی
 القوالساندن اجرا ایتد كیدر مواهب لدیه ده مذکور در كه حلبی تفصیل ایتد كی اوزره حضرت رسوله
 و حی فرق الی طریقه كلور دی لیكن چله سنك مال و محصلی بزم ذكر ایتد كیمزیدی سكر قنده
 دیومذ كوردر (فائده) تفسیر لبایده مذکور در كه حضرت جبرائیل علیه السلام آمده اون ایکی كره
 ادرسه درت كره حضرت نوحه الی كره ابراهیمه فرق كره موسابه در تیوز كره عیسیاه اون كره اسكن

حضرت رسول علیه وعلیه السلام بکری درت بیک کره نازل اولمش در بعض تواریخ ده یوسفه
دخی درت کره دیومذ کورد

(باب سادس در بعض امور تا بوقت معراج)

ایستاد نبوتن معراج ده دله امور خاصه و رطبه و رایدوب تفصیل محتاج اولمش معظمانی بود که بعض
فصول ده فقه محمول الیه بیان اولور (فصل در بعض وقایع سنه رابعه از نبوت) کتب سیده بحرورد که
دعوت رسول علیه السلام کفار قریشه کوچ کاوب لکن اوج یله دله ظاهر اسکوت ایتدیلر در نجی یلده
حضرت رسول مختار امر حقه دعوت عامه سن اظهار دخی (واندر عشرتک الاقرین) آیتی مهم و خجسته
اقر یاسن دخی اندازایند کده جله کفاردن اول ایکی خبیث بی ادب و مستحق لعن و غضب حضرت وب
ابو جهل الیه ابولهب عاتد حیه و عقر اسات و عداوته با شلیوب و دوخت قلب جنتلرینه شاخ ضلالت
اشلا یوب (انکم وما تعبدون من دون الله حصب جهنم انتم اهلها و اردون) آیتی نزل ایتد کده سائر کفار
اشرار محمدل تنکر بی صغیر یزه بزی ذم ایتدی دیو عارچکوب حضرت رسول مصنی به انواع طعن و اذا
و مسلمانلر بی کس اولنلر نه شکجه و جفا ایدر لر دی و اشتهاد علیه ابوطالب و بی هاشم و بی عبدالمطلب
کفاردن ایکن بجر دحبت و غیرت قرابت الیه رسول حراست و حمایت ایکن کفار سقره قر ضرر رابرشدره که
ظفر بولیزر دی و تقاضدن هر ویدر که نیجه دفعه بعض ملکار کاوب الله تعالی بزی حکام طبع اولنجه کوندردی
جله کفاری نیجه دیارسل بیور هلالک ایدله لید کاردن رسول علیه السلام الله تعالی بی رحمة للعالمین
کوندروب عذاب ایچون کوندنر مامشدر چارکره اشو کافر لر صلبلرندن و من ذرینر کله دیو بیوردی
اشبوسه ده حضرت رسولک خاتونلری عائشه صدیقه بنت ابی بکر الصدیق دنیایه کلدی (فصل در بعض
وقایع سنه خامسه) بریسی هجرت الی الحبشه در که بعض اصحاب کرام جفای کفار اتمامه تحمل ایدله میوب
(القرار بما لا یطاق من سن المرسلین) موه و مخجه شدت اداء مشرکین بر کیندن اذن رسول کرین الیه حضرت
عثمان و انک خاتونی رقیه بنت حضرت رسول علیه السلام وزیر بن العوام و عبدالرحمن بن عوف و دخی سکر
یا طه و زار و اوج یازرت یابر عورت نبوتن بشی بیک رجبنده مکدن کفاردن خفیه کوچوب دین
حضرت عیسی اوزره اولان ولایت حبش بادشاهی نجاشی یانه واروب انواع رعایته مظم را اولدیلر ماه شوالده
رسول علیه السلام کفار الیه مصالحه ایتدیلر دیو بر خیر شایع اولغین شه مکده کاوب خلاف واقع جقدننه
کادکار یانه نادام و کالی متالم اولدیلر بعد کفاردوی العتادله جفای ایتد ادبولد قده عم زاده رسول مختار
اولان جهنم طیار الیه سکسان اوج یاسکسان ایکی ار اون سکر یابکری بر عورت اذن رسولیه شه حبشه
کیدوب وارد قلدننه تفصیل محتاج وجهله نجاشی و نیجه شخص حبشی حضرت رسول ایمان کتوروب حتی
ایچلرندن یکریم نر مشهور راهلری مکده کاوب حضرت رسولن قرآن عظیم اوکروب شه حبشه کندیلر
بعد زمان حضرت رسول مدینه به هجرت ایدوب حبشه اولان صحابه ایتد کده ایچلرندن اونوز اوج
کده سنه یوله چیتوب ایکی می مکده قالدوب یدبی کفار قریش حبس ایدوب یکریم دردی مدینه به کاوب
بد رغزاسنه راست کاوب عورتلر دن سکر خاتون مدینه به کلدیلر حبشه قلدن صحابه دن التیسی مؤمنه
بریسی هر تد اوقات ایدوب جله حبش مهاجر لر یسک انده یدی اوغلری بش قیزلری طوغوب بعد جعفر
طیارله جله اون اوج ار الی عورت یدی نفر اولاد لرله حبشدن کوچوب کاوب حضرت رسوله خیر غزای
اوستنده ملاقات ایدوب مدینه به یله کلدیلر ساقیه اند کور اولان نجاشی هجرتک طقوزنجی یلنده وفات
ایتد کده رسول علیه السلام صحابه الیه غارین قیلوب دعا ایتدیلر بروایتده چاق مدینه دن انک مدتی رسول
علیه السلام باقوب کوردیلر (فصل در بعض وقایع سنه سادسه) یوسه دم مناهیر صحابه دن اسامه
ابن زید بن حارثه و انس بن مالک و مغیره بن شعبه و ابو موسی الاشعری دنیایه کلدیلر نه یوسه ابو جهل لعین
بی دین بد آیین شکر کن صحابه دن عمار بن یاسرک غایت پیر اولان والده سی حمیه خاتونی مسله در دیودوه
کروب عرب الیه حاشا قرجنه صانجه صانجه قتل ایدوب دین محمدیه ایتد اشتهاد اولان یوایدی هر ویدر که
مشرکین ملاعین و رسول کرین الیه زمره مؤمنینه قول و فعل انواع جفا ایدر اولد قلدننه رسول علیه السلام

مکده موجود اولان اونوز سکر نقر احصایه ارقم بن ابی الارقم اوسنه کیروب حاللری کفره دن اخفا ورده
برآی آنده ساکن اولوب بعض کفاری خفیه ایمانه دعوت ایدر لر دی (جزه و عمر) حضرت رسول عیسی
ورضیاعدن برادر ی جزه اوج کوندنصره عرب بن الخطاب عظیم تفصیلر محتاج وجهله ایمانه کلدیلر
ولایت حبشه هجرت ایدوب آنده ساکن اولنلر دن غیر ی مکده شمرنده موجود اولان اصحاب رسول عرب الیه
مواهب لدنییه قواخه قرق الیه الی مایینده ار آدم و اون عورت اولوب تفسیر قاضی قولنجه عمر الیه اونوز
درت اروالی عورت اولوب لکن قول ششم و اونوزره تمام فرق نفر آدم اولدیلر هر ویدر که اسلام عردنصره
دین محمدی روز بروز کمال قوتله ظهور و بروز ایدوب بعد جله اهل اسلام چاق اولسکی قدر محن و آلام چکمز
اولدیلر بو خصوص تفصیل عظیمه به محتاج اولغین رمز و اشارت الیه قناعت اولنندی (فصل در بعض وقایع
سنه سابعه) بریسی تعاهد قریشدر که قول اصح اوزره سنه سابعه ده کفار انحرار (نظم) دین مختار
اتشارندن بقر و قوتوب اضرا ره ایتدیلر اصرار (نثر) پس ابوطالب الیه اولاد هاشم و اولاد عبدالمطلب جمع
اولوب جله سی کفاردن ایکن بجر دحبت قرابت سیدله حضرت رسولیه اصحابی حفظ ایتد کلدننه طائفه
قریش حکم کوسوب حتی انلرله بیع و شرا و نکاح خصوصلر نه معامله لر بی کسوب و اسلوب الیه ماه محرمده
عهد نامه یازوب یکار کفاردن فرق نفر کسته مهر ابوب کعبه نک قبوسنه آصوب محجزه للرسول کاتک
الری قور یوب بعد اعوان و انصار رسول مختار اهل و عیال لرله سائر قریشدن آریلوب بر مخصوص یرده
ساکن اولوب اعداء بد معاشره و نلری محاصره ایدوب ایام حج و عمره دن غیر ی زمانلر ده امر معاش ایچون
منور دن مشرعه بقانلری رنجیده ایدوب سنه عاشره به دله عظیم تضییق ایتدیلر (فصل در وقایع سنه
عاشره) بریسی قسح عهد در که کتب سیده اولان تفصیل عظیمک احوالی بودر که سنه عاشره ده کفاردن بش
کسینه انصافه کاوب ابطال عهد نامه پر ضلال ایچون ساعی و مقدمات و تماتی مری الی اولوب اول اشتهاد
اخبار جبرائیل الیه رسول علیه السلام عهد نامه ده اسم الله دن غیر ی هر نه واریسه کوه دیدلری یو جاک
امر حقه جله سن عیشدر کورسونلر دیو خیر کوندروب اعیان قریش ایچنده مهری آچلوب یا جمک اللهم
لقظندن غیر ی جله یازلش خطی کوه یوب محوایش کورد کلدننه کفره نک نوعا اهل انصافلری اوکاغدی
پاره لوب انقیای اعدائی محاصره و جفادن فراغت ایتدیلر اشو محجزه عظیمه بی کورن و ایتدین کفار
بی شرم دین اسلامه قلب منکیشلری نرم اولیوب (ومن لم یجعل الله له فورا فانه من نور) خواسخه دیدن بضرلری
کوز قالدی (نظم) هزار محجزه کریش منکری آید * چو جاهلست بسهرش همی کند مشوب *
بیزدی بصران خوب می غماید زشت * نه یش معتقدان زشت می غماید خوب (نثر) احد قولین اوزره
محجزه شق قر سنه عاشره ده اولوب اشاعیده باب هجرتده بیان اولنور ۲ شه سنه عاشره ده ابوطالب وفات
ایدوب تفصیل محتاج قیل و قال و وصایا و بعض احوال اوزره وفات ایدوب حکمت حقه ایمانه کلک میسر
اولدی ۳ وفات ابوطالب دن اوج کوزن بایش کون صکره ماه رمضانده خدیجه صدیقه کبری رضی الله عنها وفات
ایکن زو بی حضرت رسول امین غایت حزین و غمگین اولوب یوسه به عام الحزن یعنی غم و غصه سنه سی
دیو آد قودیلر ۴ وفات خدیجه دن بر قاج کون صکره رسول علیه السلام حضرت ابوبکرک قیزی عائشه
صدیقه بی الی یایدی یا طه و زیا اون باشنده ایکن امر حقه نکاحلنوب لکن کوچک اولغین جمع اولیوب
جری اونده طوزر ۵ موده بنت زمعه آدلو خاتونی دخی نکاحلنوب یونکاه جمع اولدیلر ۶ رسول علیه
السلام وفات ابوطالب سیدله قریشدن غایت رنجیده اولد نلر نه مکده ایکی منزل یرده طائفت دیدلری یرده
بی ثقیف قبیله سی ایمانه دعوت و انلر دن امتعاسنه زید بن عارضه الیه ماه شوالده کیدوب برآی یا همام اون
کون انلری دینه دعوت ایتد کده قلدلری کنیف و عقللری حبیب اولان قوم ثقیف رسول شریفی شتم
ونکذیب وری بالا حجارله تعذیب ایکن دو یوب کلدیلر هجرتک طقوزنجی یلنده جله سی ایمانه کلوب
حضرت رسول خبر کوندرد کاری اشاعیده فصل غزواتده بیان اولنور (محجزه) کتب سیده بحرورد که
رسول علیه السلام طائفتدن مکده کلور کن یاشی اوستنه ربوات کلوب ایچندن جبرائیل علیه السلام
کورینوب الله تعالی قومک سوزلرین و سنی و دیندارین ایتدیلر یوب طاعلره موکل اولان ملکی سا

کوندردی تا که امر نه ایسه اکامرا اید من دیوب بعده اول ملک سلام و یوب یا محمد و بنی سکا
 کوندردی تا که امر نه ایسه بکا امرا اید من پس دیوب سکا یکی طائی بری بر لبه قاشدیریم تا که ارا سنده
 کافر قلوب هلاک اوله لر دیکده رسول علیه السلام دیدیکه یوق ریجا اید و مکة الله تعالی انزلک صلیب لندن
 بالکزالله عبادت ایدوب شریک قوت زاولاد کله (آمدن جن) کتب سیده کی اقوالی تلقی و توفیقند
 حاصل اولان تحقیق بودر که طائفة جن رسول مقبول شرف معدن حضورینه اوج کره کلتش اوله ۱ بودر که
 ابتدا بو تارنده جن و شیاطین کو که جقمقدن بالکلیه ممنوع اولدقلرنده سبی ندر دیوب معرفت ایلدله
 جله سی جمیع دنیایی کزوب ارارکن ولایت نصیبین جنلندن بدی با طقوز نفرجن که بر بی جتار یکی زوبعه
 ایدی مکة اطرافنده وادی نخله ده حضرت رسولی احیایله صباح نمازنده کوروب قرآن عظیمی دکایوب
 کو که جقمقدن منع اولدقنمزه سبب یوسفی بمرک ظهوری الحق دیوب ولایتینه وارده قلرنده سائر جنلری
 مفصل نصیحتله ایمانه دعوت ایدیلر حق تعالی یوحالی رسولنه قل اوحی سوره سنک اولنده بالتمام حکایت
 یوردی ۲ بودر که رسول علیه السلام اوننی سنده طائقدن مکة کاورکن نه وادی نخله ده تجمد
 نمازین قیلوب قل اوحی سوره سن جهرله اوفورکن نه بدی نفرجن واغرابوب قرآنی دکایوب ولایتینه
 واروب سائر جنلری متابعت رسوله دعوت ایدوب الله تعالی رسولنه سوره احقافده بر قاج آید حکایت
 یوردیکه ابتدای (واذصرنا لیک نفرامن الجن یستمعون القره آن فلما حضروه قالوا انصتوا فاقضی ولوا
 الی قومهم من ذورن) آید در ۳ بودر که بوقصه دن اوج آی صکره رسول علیه السلام طائفة جنی دینه دعوت
 و قرآن اوکرنگ امرا اولندقه بر کون جبرائیل علیه السلام یا خود حرم مکده حکمت حقه براغاج کایوب
 مزه بولشمه یحیون طائفة جن مکة مکبره لکی یاتنه قوندیلر دیوب خبرورد که حضرت رسول علیه السلام
 بن یوکیجه جنلری ایمانه دعوت و قرآن تعلیمنه مأمورم بانه کیم کیدر دیوب صحابه طیبوب ابن مسعود
 بن کیدرم دیوب وارد قلرنده مبارک بار مغیله دآ فر چیزوب ابن مسعوده سن بونک ایچنه کیروب زهناطشره
 جقمه یوخسه بنی کورمن سن دیوب کندیلری بر پشته اوستنده نمازه باشلیوب سوره طه اوقیوب طائفة
 جن که اون ایکی یل یا خود انبیوزیک یا خود فرق سخا ق که هر بریتک ائتنده بیحد کسینه ایدی حضرت
 رسولی قوشادوب قرآنی دکایوب نمازدنصره بولری دینه دعوت اید کده جله سی قبول ایدیلر بر وایده
 معجزه ایتدکارنده یانلرینه یقین براغاجه یاذن الله کل دیوب اودخی کوکارین برده سوریه رک کایوب ای
 شجرینه شهادت ایدرسن دیوب انهدانک رسول الله دید کده نه اجازه برینه کندی حضرت رسول
 علیه السلام اعیان جندن اون ایکی کسینه احکام شریعت اوکر دوب سزدخی سا یولدا اشریکزه اوکرده سز
 دیوب بعده جنلری برینه کندیلر ابن مسعود ایدر حضرت رسول علیه السلام یاتنده کرس قوشلری
 شکندنه نیجه اشباح و مهیب صداز و عظیم ازدحام کوروب ایتدیکمه حضرت رسوله ضرور ایتدیکدن
 فورقده بعد زمان بولت باره لری کبی بولک بولک اچلوب کتدیله صباح اولدقه رسول علیه السلام یاتنه
 کایوب نه کوردک دیوب آق قفتانله بوروش سیاه کسینه لر کوردم دید کده انلر نصیبین شهرینک جنلر یدر که
 کندولر و طوارلر نه آرق تعین اولن ایتدیلر بدخی اتن یوب یانه آتدیغمز کوکار مزه و طوارلر یزلک
 ترمق طوارلر یکره غدا اولسون دیدم دیوب بدخی یار رسول الله کولک انلر نیجه غدا اولوردیکمه یانه آتلان
 کوکار اوستنده الله تعالی قدرته اولکی قدرات یوروب طوارلر یزلک ترسی دخی چاق اصلنده عقدا رده دن
 برادلین ایسه اوترس ایچنده اوده رده تهور کوکارله و تر کرایله استجایا یتکثر زیرا انلر جندن
 قوند اشریکزه آروغیدریدی یاسول الله عظیم صدال ایتددم سبی نه ایدی دیدم جنلر ایچنده برکسینه
 قتل اولانلر انکچون نزاع ایدوب بکا من افعه اولدیلر ماینلرنده حق اوزره قضا ایتدم دیوب یوردی اشبو
 قصه مطوله بویه کاب مجله منامب اولیوب لکن حضرت رسولک عوم رسالتنه وجوم جلالتنه دلالت
 ایتدکن حجة للنبی المختار ذکرونه صلی اختیار اولندی (فصل در ابتدا اسلام انصار) من ویدر که رسول
 علیه السلام هر ییل موم حجه حجاج عربی (من یؤتی من یتعرف حتی ابلیغ رساله ربی فله الجنة) دیوب
 قبیله قبیله کزوب ایمانه دعوت ایدوب (انک لانه دی من احببت ولكن الله یؤدی من یشاء) آیتی خواستجه

بحکمہ الله کسینه ایمانه کلبوب سوتلر سنک اون برنجی یلنده زمان حجه حرم کعبه ده اهل مدینه دن قبیله
 خزرجدن اسعد بن زراره عوف بن الحارث رافع بن مالک قطیبه بن عامر بن حذیفه عقبه بن عامر بن بانی جابر بن
 عبد الله بن رباب یا خود جابر بر بنه عباده بن الصامت نام الی کسینه مقدم اهل مدینه آخر زمان یغمبری
 ظمور ایدو جکینی و ویدیلر دن ایتدکن دعوت رسول الله ایله ایمانه کایوب یار رسول الله شجری قوم یزلک ایچنده
 بر جنک خصوصتده نزاع فارد برزه کوروسلر سنک یانکه جوق کسینه جمع اولمز اجازه کله کیده لم بولایکه
 الله تعالی ماینیزی اصلاح ایدیدی بدخی انلری سنک دینه دعوت ایدو لم تابع اولورسه هیچ بره سندن
 اعز کسینه اولمز اولور سنک بولشمه وعده من کله جک ییل بوزمان اولسون دیوب کتدیله بونلر سباق انصار
 دیر لاهل بیعت عقبه اولی بدخی دیرلر بونلر مدینه یه وارده قلرنده اوشهرده براوقلمدیکه انده حضرت رسول
 علیه السلام مذکور اولد

(باب ۵۰ در بیان معراج رسول دره التاج صلی الله علیه و سلم)

اولا معلوم اوله که معراج رسول اعظم مراتب قبول اولغین اولقدر عجایب و غرایبه مشهود و کعبه عقیق
 خول اولوب یسانه قابل اولان نکات و حکایاتی بایندو نیجه کاب مستقل تالیفه مقول اولوب علم سیده محرو
 مطولاتک جله سینه نظر اولتمیجه کاینی اطلاع میسر اولمز لکن مالا یدرک کله لا یترک کله مقوم و منجه
 اشبو مختصر عالی فوائد معراجیه دن خالی اولما میچون کمال اختصار و اهم مهمات ذکر نه اقتضار اولندی پس
 معلوم ارباب فہوم اوله که امرا و معراجک تعددند و وحدتده و جسمانیت و روحانیتده و حالت یظه ده
 یا منامده اولق کیفیتده اختلافات کثیره اولوب تشاوی امام نوید و شرح مشکو طیبیده و تفسیر
 ابوالسعودده حق بودر که امرا ایکی کره اولوب بری قبل النبوه منامده بری بعد النبوه یقظه ده ایدی دینوب
 مواهب لدینده بعض علمامعراج حدیثلر سنک بری بر لبه مخالفی اولغین درت دفعه واقع اولمشدر که
 جله سی جسمانی ایدی دیوب بعض عارفلر اسرار الوتوز اوج کره اولمشدر که بری جسمانی قلاتی روحانی ایدی دیوب
 اما جهر و محدثین وقفه ها و متکلمین مذهبی اولوب حق بودر که جمیع روایاتده ذکر اولسان همان براسرار دره
 عالم یقظه ده جسمانی ایدی دینوب علم سیده کاب الحسد معراج بر کره در دینلر دخی زمانده کلی اختلاف
 ایدوب لکن قول اشهر و ظاهر اوزره بعد النبوه اون ایکنی یلک ربیع الاقینک یکر ی بدخی کیجه سی انین
 کیجه سی ایدی دیوب مذکور در (کیفیت ذهاب وایاب رسول عالی جناب) محتاج کال تفصیل و اطناب و کثری
 معلوم ذوی الالبابدر بو مختصره میانی لازم اولان مرتبه بودر که اول لیل مبارکده امر حق تعالی و تبارک
 ایلد جبرائیل علیه السلام کایوب صدر رسول عالی قدری علی ماسبق شوق ایدوب بعده براقلمدیکه دن بر آندو
 قدسه واروب مع ذلک قدرت حقه یولدم نیجه عجایب و غرائب کوروب جمیع انبیانلر ارا حجه یا اجسادله
 ارواحنه امامت ایدوب بعده براقلمد یا جنتدن کلتش هر صغ ترد بانله یا جبرائیل قشادله کوکله چیقوب
 هر طبقه ملککاری انواع اکرام واجلاله استقبال ایدوب بدی قات کوکده سکتز نفر مشهور یغمبر ایل
 بولوب بعده مدبریه بعده بیت المعموره بعده مستوی یه یعنی لوح محرقون احکام الهیه بی لوح محو
 وائیهان یازان مفره دیدکاری ملککار مقامنه بعده رفرفله عرش اعلا یه بعده بی مسافت و بی کیفیت قرب
 مولایه یعنی تجلیات جلیات حضرت خدا جل و علا یه ایزد شوب شیخ عطار حکمتش آنا رافاده ایتدیکي اسرار
 آشکار اولدیکه (نظم) چو بکشدش از جهت ره کشت یاریک * با خورشید برپ العزه نزدیک * دران
 حضرت چه کوم او که چون بود * که آن دم آرزو خود برون بود * ز حسن بکشدش و از جان هم گذر کرد
 چو بخود شد حق در حق نظر کرد * همی چند آنکه چشمش کا میگرد * داش در چشم او دیدار میگرد *
 دران هیبت محمد ماند از کار * محمد از حجه کشت بزار (نظم) وقال العارف الجانی قدس الله سره السامی (نظم)
 کلی بردند ازین دھلیزه پست * بدان درگاه والادست بردست * مکانی یافت خالی از مکان نیز * که تن محرم
 نبود آنجا و جان نیز * قدم زنک حدوث از جان اوشت * وجود آلاش اسکان اوشت * یکی ماند آن هم
 از نعت یکی باله * ز بسبب باری برون وزاند کی باله * بدید آنچه از حد دیدن برون بود * هر یس اما ز کیفیت
 که چون بود * نه چندی کجند آنجا و نه چونی * فرو بند از بیک لب و ز زونی * شفیق آنکه کلامی

نه یا و از معانی در معانی راز در راز ز کتب برتر است و از شایسته زبان زین گفت و گو باید بدین * منه جای
 زحد خود برون پای * وزین دریای بی پایان برون آی * وزین وادی ز کویایی مزن دم * سخن را ختم کن
 والله اعلم (نثر) حاصل کلام رسول علیه السلام مطولانده غایت تفصیل اولدنی اوزره عوالم ملکوتده
 قلبا و قلوبا بعد آ تا غریبه لایه امد امر اربعه معاهده ایدوب حضرت خلاق کائنات ایلدی حرف و صوت
 نیجه مکالمات نصره کندوبه و امتنه ایکشمر رکعت اولی اوزره کونده الی وقت نماز فرض اولدوب اول
 هدیه بهیه و مغفرت امت خیریه و کثیر الامنیه ایلد مشاجات واحدی شک مقامندن منفک اولدوده طبقات
 جناتی و درکات انیرانی زهلم جلب خیر و سلب ضرایحون مفصل اسیر ایدوب ایدوبه بره ایلد اوزره ایکن
 اشاعیدن النبی قات ککوکده حضرت موسایه بولوب انک تلقینله رجاء تخفیف ایچون مقام
 مشاجات بش کره واروب کلوب دردنده اوزر وقت بشجیده بش وقت یاغشلاوب همان بش وقت قالوب
 موسی علیه السلام تکرار تخفیف ایسته که امت ضعیف در دلوب رسول علیه السلام کثرت سؤال ایلد جناب
 پرورد کردن غایت شرمسار اولدم حکم قضایه تمام رضای پر دم دید کده (امضیت فریضتی و خفقت
 عن عبادی هی خمس و هی خمسون ما یبدل القول لدی) دیونده خدا کلدی بده عالم بالادن ینه منجید
 اقصایه نزول ایدوب مورخ شمیر حاتم ابن کثیر جمیع انبیایه امامت ایلدی رکعت نمازی بودقه به قیلدی
 ایکی کره واقع اولغه دخی مانع اولوب اعدده دلالت ایدوب حدیث شریف دخی هریدر دیمشدر بده براه
 ینوب جبرائیل ایلد مکینه کاور کن بولده بعض عرب فاذله سنه اوغراوب بده مکینه کلدیلر (فائده)
 مواهب لدنی بده (نم دخی فتدی فکان قاب قوسین اوادی) آیتنده کی دوندن یعنی قر بدن مراد ایدوب و بده
 پرونده جبرائیل حضرت رسوله قریدر اما صحیح بخاریده مذکور بر حدیثده رسول علیه السلام
 (عرج بی جبرائیل الی سدره المنتهی و ذوالجبار رب العزة جل جلاله حتی کان منه قاب قوسین اوادی فاوحی
 الی عبده ما اوحی) دیوب اشوب حدیثدن مراد اولان دونو قرب رسول علیه السلام عرش اوستنده ایکن
 حضرت رب العزة بی مسافت و بی جسم و بی کیفیت حیثیه قریب اولدیفیدر که انک معنای رسول
 علیه السلام اصناف الطاف بهیه و تجلیات جلالت الهیه مظهر و نور فضل خدا ایلد منور اولدی دیمکدر
 رسول علیه السلام سدره بی یاخود نیجه جبرائیل یکد کده جبرائیل قالوب بده بالکزجه بده و فرقه نیجه
 جبرائیل دخی کجوب عرشه وارد دده مبارک دیلری اوستنده عرشدن برقطره غایت لذیذ صوطا ملیوب علوم اولین
 و اخرینی حق تعالی فیض و کشف ایدوب رسول علیه السلام پیور مشردر که او حالده عرش نور کوزی
 بوریکین هیچ نسه کورمن اولوب اکن قلبه وایکی یاغرم اورتاسیلد کورر اولدم دیوب کتاب خیسده
 مذکور در که سدره بی یکد کد نصره جناب حقن رسوله (یا محمدادن منی) یعنی بکا یقین کل دیوبین کره
 ندا کلدی (فائده) صحابه و تابعیندن و علمائکر بدن نیجه کاملین رسول علیه السلام معراجده الله تهالی بی
 همان قاب کوزیلد کوردی دیوب مزبورلک نیجه لری دخی باش کوزیلد کوردی دیوب امام اشعری و نووی
 و اکثر اهل سیر قول ثانی بی اختیار ایدوب امام توربشتی معتقد اولو کابده اثبات رؤیت لیله معراجده نقل
 معتد علیه یوقدر حتی بعض ائمه بومشله ده توقف اولدر زیرا اعتقاد ایدوده دلیل ظنی ایلد کتفا جازد کادر
 دیمشرا ما ینم میلم اثباته در زیر بعض صحابه دن ننی بعضندن اثبات صادر اولددر اثبات ایسه نفیدن
 اولی در دیوب مواهب لدنی بده و غیر بده بعد التفصیل فی الاقایل قلب کوزیلد کوردی دیمشدر دخی مراد لری
 مجرد الهی بلان معنای دکلدر زیر رسول آگاه هرگاه عالم و عارف بالله ایدی بلکه مراد لری الله تعالی
 رسولنک قلبنده چاق عینله رؤیت بصیرت بر رؤیت بر ادوب اول قوت مخصوصه ایلد مشاهده دیدار
 پرورد کار ایدی روتیه ایسه عقلا فائنده هیچ بر نسنه شرط دکلدر هر نسنه ایلد اولفی عقل تجرید را کرجه
 کیم عادت الله رؤیت کوزده برادمان اوزره در دیوب فضلاء عجمندن بعض عارفین بومعنائی تبیین ایتشددر که
 (نظم) محمد در مکان بی مکانی * بدید آنجانشان بی نشان * کلام سرمدی بی نقل بشنید *
 خداوند بهار بی بهت دید * بهر عضوی تنش رقصی در آورد * زهر موی دلش چشبی بر آورد *
 دران دیدن که حیرت حادش بود * دلش در چشم چشم اندر دلش بود (نثر) بحر مظهر اولان عبد

برنصور ایدر اشوب تحقیق حقیق بالتصدیق اوزره ذکر اولسان ایکی فرقه دخی رسول علیه السلام حق تعالی بی
 جمیع مخلوقاتدن بر فرقه میسر اولدنی طریق مخصوص اوزره کوردیکنده انشاق ایتمی اولمده حقیقنده
 نزاع لری نفس رؤیتده اولوب آت رؤیتده اولمغین نزاع لفظی کی اولور رؤیت بصیرت رؤیت بصیرت کی اولی
 ممکن ایدوکنه دلالت ایدر که رسول علیه السلام محشره کلان جمله بی آدم اوج قسم اولوب بری سوار بری
 پیاده و بری یوزلری اوستنده یورویه رک کله لر دیوب ایشیدن لری رسول الله یوزای ستمه نیجه یورنور دید کارنده
 ابلاغ اوزره یورتمکه قادر اولان الله اکادخی قادر در دیمشدر خصوص جامع الصغیر سیوطیده (ان الله اعطی
 موسی الکلام واعطانی الرؤیه) حدیثی رؤیه بالبصر اولدیفتمه دلالت ایدر زیر الرؤیه کلمه سی مطلق
 ذکر اولمغین کماله انصراف قاعده سنجه متبادر اولان رؤیت بالبصر در زیر رؤیتک معنای حقیقی بصیرله
 اولاند بصیرتله اولان مجاز در حقیقت ایسه مجازدن اولی ایدوکی معلوم علمادر (فائده) (فاوچی الی عبده
 ما اوحی) آیتنده اکثر علما و حای ایدندن مراد جبرائیل در دیوب لکن صحیح مسلمده بر مفصل حدیث معراجده
 (فاوچی الله الی ما اوحی و فرض علی تخمین صلوة فی کل یوم وایله) پیور یلوب کتب سیزده بالذات و حای اولسان
 نه ایدوکنده اختلاف اولوب به ضیاع و خصوص اسرار خفیه دندوب امام جعفر صادق دخی (ما قرب
 الحبيب من الحبيب غاية القرب نالسه غاية الهیة فلا طغیه الحق بغایة اللطف وذلک قوله عز وجل فاوحی
 الی عبده ما اوحی ای کان ما کان و جری ماجری و قال الحبيب ما یقول الحبيب و لطف به الطواف الحبيب
 للحبيب فغنی السرو لم یطاع علیه احد و لم یعلم احد ما اوحی الا الذی اوحی) دیوب حتی بعض علما بومعنادن
 انبیا ایتشددر (نظم) بین المحبین سر لیس یقینیه * قول و لا قلم فی الکون یحکمه * سریمار جه انیس
 یقابله * نور تجرید بی بحر من التیه (نثر) لکن نیجه علما بوباید و ارد اولان احادیث و اخبارله
 تفسیر ایدوب ایدوب ایدوب بر قاضی بودر که ذکر اولور ۱ بوحیدنده پیور مشردر که (یا محمد انا وانت و ما سوی ذلک
 خلقتم لاجلک) دیوب کاند کلد کده بن دخی (انا وانت و ما سوی ذلک ترکتم لاجلک) دیدم ۲ حضرت فاطمه
 رضی الله عنهما ایدر الله تعالی رسولنه دیدیکه (ظلمت فی ذنوب امتک فلم ازلوجه الا العقر) ۳ نه فاطمه ایدر
 رسول علیه السلام ایدی الله تعالی بدن جمله امتی بی بکا باغشلا مقربا یدم پیور دیکه ناشی و کجیه باغشلا دم
 ناشی دخی قیامتده باغشلا سم کر کدر ۴ نه فاطمه ایدر ما اوحی الله نه ایدی دیو صور دیمشدر رسول
 علیه السلام دیدیکه امتدن طقوز نسنه دن شکایت ایدیکه الله تعالی دیدیکه یا محمد بن ککقبل ارزاقم
 امتنک ایسه بنم کفاته اعتماد ایتدر و جملری سنک ایچون و دوستلر کجون براندم امتنک ایسه اکار غایت
 ایتدر و جهنی دشمنلر کجون براندم امتنک ایسه اکل کیمکه سی ایدر لر دخی بمله خصوصت ایدوب قوللرمله
 مصالحه ایدر لر یعنی تماده کاه ایتمکه بدن او تا غزل خلق ایچنده ایتکه او تا نورلر و بن آ نردن یارنکی کونک
 علانی بوکون ایستم انلر بدن کله جک زمانلرک رزقن ایتدر و بن آنلرک رزقن غیرله و برم آنلر ایسه بکا
 اوله حق طاعتی بنم غیره و بر لر یعنی عبادتده ریا ایدر لر و بر نسنه بی عز بریا تمک و ذلیل ایتک بکا خصوص ایکن
 آنلر رجاء عزتی و خوف ذاتی بنم غیرمدن ایدر لر و آنلر نعت و برن ایکن آنلر شکر فی آنلر بنم غیره ایدر لر
 و هر زمان مسلکرم آنلرک کاهلر بن بکا عرض ایدوب بن اصلا بونلره آنلردن شکایت ایتخرم آنلر ایسه جزئی
 بلا یتشد کده دائما قوللر و مه بدن شکایت ایدر لر ۵ نه حضرت فاطمه ناله جاریه سی فضا ایدر حضرت
 رسوله بن دخی صوردم ایتدیکه الله تعالی دیدیکه (اطلب العلة کی اغفر الزلة) یعنی عاصیلرک کاهلر بن عفو ایتکه
 بهانه آزارم یعنی جزئی بهانه ایلد مغفرت ایدرم شکیم بومعنائی به ضیاع نظام ایدوب دیمشدر که (نظم) و حش را
 بهانمی جوید * بلکه اورا بهانه میجوید * حضرت ابو بکر دخی ایدر یار رسول الله لیله معراجده سکا
 و حای اوللردن بری بکا دیو و پر دیکه مده ایدی الله تعالی دیدیکه اگر سنک امتکله سویشمکی سویدم قلیل
 و کیمرانلر صوری و حساب ایتزد ۷ ابن عباس ایدر الله تعالی یا محمد دله بدن دیوب بودخی یارب بنم مرادم
 نه ایدوکنی بیلور سن دیمکه نه حاجت دیوب او دخی امتنک تقصیراتی سن مجوزن ایدر می دیوب بل ایدر دید کده
 (انت شفیعهم فیما یقصرون فی فرائضی و انا کون شفیعهم فیما یقصرون فی سننک) پیور دیکه یعنی سن آنلرک
 بنم امر لمد ایتدکاری تقصیر لر نه شفیع سن بن دخی آنلرک سنک سنک کده ایتدکاری تقصیر لر نه آنلر ایچون

سكان فاعت ایدرم ۸ مردی که رسول علیه السلام ایدر قیامت است که ای بن ایدرم دیور بایند کده الله تعالی بکا یا محمد غرضک نذر دیوب یا رب اسم رسول الله و مسوای اولسوندر دیکدر دیدیکده یا محمد بن اناری بروجه له حساب اینسم کرد که کاهلر نه سندخی مطلع اوابه سن قنده قاله بیکه غیر یلردیو یوردی و بعضی ایدر الله تعالی حیینه یوردیکه (کن آیه امن الخاق بایم بایدیم شی واجول صحبتک می فان مرجعک الی ولا یجول فلیک معلما بالذیالیا و ما خلقتک لهما) یعنی خلقتن ما یوس اوله که انزل الله لدر نه هیچ بر نسته یوقدر صحبتک بکاه ایه یه فی فلیک دا قبا بکا متوجه و مشغول اولسون زیا عاقبت بکا کورسن و دخی قلبکی دنیا به متعلق و ما ایل الله بن شی انکچون بر اقدم ۱۰ ینه مردی که الله تعالی یوردیکه یا محمد نماز قیلده تصکره بود عاقی اوقیه سن که (اللهم انی استلک الطیبات و ترک الذکرات و حب المساکین و ان تغفر لی خطیئتی و ترجی و تنوب علی و اذا اردت فتنة فی قوم فوفی غیر مفتون) ۱۱ معارج النبوه مد کوردر که رسول علیه السلام تجلی خدایه مظهر اولد قده الله تعالی یا محمد طائفة مشبهه بکا صورت اسناد ایدوب یوردیکه بعضی بد الله مغلوله دیوب نصاری ثالث ثلاثة دیوب محیة بکا جسم اسناد استلدر در جمال فی مشاله او کاتجه نظر ایل تا که انزل کلامی نه مرتبه باطل اندیکتی یلده سن دید کده (فرأ محمد من غیر ادراک ولا احاطة ولا حد ولا من شی ولا فی شی ولا علی شی) یعنی محمد دخی الله تعالی فی جسم و صورت و کیفیت و حد و غایت و زمان و مکان و یوزره بکرت نشاندن بالکلیه مرتبه بر ذات پاک و مقدس عن کنه الادراک کوردری دیشلر ۱۲ مواهب لدینه ده مد کوردر که بعضی اخبار ده کلددر که رسول تعالی مناجات مقام قاب قوسینده یارب ام سابقه نک بعضه طاش یا غدر مغله بعضی بر کور مکه عذاب ایدلک ین اسم نه ایدرسن دید کده الله تعالی (انزل علیهم الرحمة و ایدل سینانهم حسنیات و من دعای سنم لیتنه و من سألنی اعطیتنه و من توکل علی کفینته و فی الدنیا استر علی العصاة و فی الآخرة افعل فیهم و لولان الحبيب یحب معاشیه حییه لما حببت امتک) دیوب حضرت رسول علیه السلام مقام مناجاتن کتک اوزره ایکن یارب هر سه دردن کلان کسسته نک کند و تو منته بر در لور مغانی اولور اتمه بنم ارمغان ندر دید کده حق تعالی یوردیکه (ان الله ما عاشوا و ان الله ما اذا ما و ان الله ما فی القبور و ان الله فی النشور) (فنده) معارج النبوه رسول علیه السلام معراجدن کوردر کن جبرائیل علیه السلام انری طائفة یا جوج و ما جوج و لا یلتر نه بعده مشرقه جابلقا مغربده جابلقاسم لر نه بعده متسلک و تاویل و تاویس آدلو اوج در لوطائفه به او غر ادوب هر طائفه فی ایمانه دعوت ایدوب اول ایکی شهر خانی ایمانه کلوب سار لری عباد ایدلر یوقه چاق یوقار و در باب احوال کوه قافله تفصیل اولمشدر بعده امت حضرت مومادن تارک دنیا و اهل صلاح و تقوی بر طائفة عارفه به دخی او غر اتمدر که مناسبتله جلد نایده باب ام عاده امت بنی اسرائیلده بیان اولنور (فنده) حضرت رسول علیه السلام مکده مکه درم کعبه دن یا منزل شر یفلندن کعبه ایچنده معراج کدوب کعبه مقدار زمان یکدیکده اختلاف اولوب تابیندن و هب این منته قوائحه جلد درت سیاحت صحابه دن عمار بن یاسر قولنجه اوج ساعت بکوب احادیث معراجدن برنده کوکدن اینر کن تکرار قدسه او غر ادوب ایکی رکعت تحمیه المسجد قیلوب بعده بکا جبرائیل بر اقیه بن دیوب ندیکده کوزم یومزدن اول کندی مکه ده بولوب دوشکوی قویوب کندیکم کی اسحاق بولدم دیو یور مشلدر یومعانی یانده معارج النبوه مد کوردر که (نظم) زکری که چون برق پیورده * نشد کرمی خویش از جایگاه * چنان رفقه و آمده باز پس * که ناید بر اندیشه هیچ کس (معجزات) حقیقته معراج نیجه یلک معجزه فی اشمال استلدر که جلد سن بیان ایلک بحال راکن بعد التزلزل ظم و رایدن معجزه (لک بعضی لری بودر که حضرت رسول علیه السلام لیل المعراج ایلر تبی کفار قریشه خبر و بر کارنده ابتدا اوجهل لری بعده سار لری اینا دیوب سابقا ایمانه کلنلر دخی بر قاضی مرتد اولوب ابو بکر ایشد کده کلوب ابتدا انصديق ایچکن جبرائیل علیه السلام کله صدیق دیوب لقب قوردری هر ویدر که قومی کورن کافر یا محمد مد جد قدسک اوصافی نیجه در دیوب رسول علیه السلام کیجه کور مکه جوقن نشانامقین تفصیله خبر و بر مکه مضطرب اولد قده جبرائیل علیه السلام امر حقه مسجد اقصای یرندن قویوب بر آنده کتوروب مکده دار عقیل بن ابی طالب باینده قویوب کافر کور دیوب امار رسول

علیه السلام با تمام کوروب مفصلا خبر و بر کده والله اوصافی یلنلر بولده کی قافله لر یزدن دخی خبر و بر دید کلر نه اوج قافله به راست کلدیم بری رو حا آدلو برده که یاوی قیلنلش بر دوی ارامغه طاعنه لردی بن انزلر قد حلدنن صوا یچدم بری دخی دی سر آدلو برده که ایکسی بر دوه به بخش اولوب بانلر دن یکدیکده دوه لری اور کوب بریسی برده دوشوب قوی قیلدی اوچنی منز قافله کر که تبعیم آدلو برده کوردم دیوب اوصافی صورت کلر نه غایجه نشانلش اولما مقین بودخی قدرت حقه حضرت رسول کوستلر کده اوصافی شودر بودز ایچلر نه فلان و فلان کسه لر او در حق قافله لر نک او کعبه بر قره یا غز دوه وارد کده یوکی شو صفتلر ایکی چوالدر کونش طوغر کن مکه شهرینه کبرسه (کر کدر دید کده) (نظم) کفار کلاب شارب البول * تکذیب رسول صادق القول * رجاسه علی السحر شردن طشره چیقوب قافله لری کوزند کلر نه ایماندن بری اولان ایچلر دن بری ایشه والله کونش طوغدی دیوب بری دخی ایشه والله قافله دخی کورندی دیوب اول ایکی قافله نک هر بری نه حضرت رسول خبر و بر کلدیم بن صورت کلر نه اولکی قافله واقعا فلان برده دوه مزای یاوی قیلوب انی ارامغه طاعنه لردی کلدیکده صوابه طو لوقو یوب کندیکمز قدحی کیش بولدر دیوب ایچنی قافله دخی محمد کر چک سیو بر لوقا بر صحراده یا غز دن یکدیکده بر یزد دوه دن دوشوب قوی قیلر یوب حتی بر منز دخی یایی بره دوشد کده محمدانی بردن قالدیوب البز و بروب کجوب کندی دیدیلر اشوب معجزات باهراتی ایشیدن کفار ملاعین خود ین (ما هذا الا سحر مبین) دیوب عناد سابقا کلر نه مکین اولدیلر (نظم) قد تکر العین ضوء الشمس من رمد * و تکر القم طم الماء من جقم * و تکر الانف و یخ المسک من زکم * و تکر الاذن صوت العدم من صم

(باب نامن در وقایع مابعد معراج)

معراجله هجرت ار اسنده حضرت رسول متعلق اولان امور طولات کتب سیرده مفصلا مسطور اولوب بو مختصرده بیانی لازم اولنری بودر که ذکر اولنور (فصل در بیعت انصار) بو کایست عقبه نایه دخی دیرلر کتب سیرده شردر که اهل مدینه دن سادات امانه کلان التي نفر کسسته مدینه به وارد کلر نه آنده اولان خلقت نیجه لر بن ایمانه کتوروب عقیب معراجده کی موسم حجه که بعد النبوه اون ایچنی یلدر اول الی کسسته نک بشی ایلدی کسسته دخی مکه به کلوب حضرت رسول بیعت ایدوب کیدوب مدینه به وارد کلر نه سائر اهل مدینه کند و ره قرآن عظیمه احکام اسلام تعلیم ایلک ایچون بر کسسته کوندلر ملک رجایه بکن حضرت رسول علیه السلام صحابه دن مصعب بن عمیر کوندروب وارد قده اهل مدینه دن نیجه کسسته لر ایمانه کلوب حضرت رسول دن استیذان نصکره مدینه ده کی جلد قرق نفر مسلمانر جماعته جمعه نمازین قیاور اولوب بعده مصعب الله اهل مدینه دن جم غفیر ایمانه کلدیلر (فصل در بیعت کبری که) بیعت عقبه نایه دیرلر نبوتک اون اوچنی شنه سنده اهل مدینه نک مؤمنین و کفار ندن بشیور یا اوچور کسسته جمه کلوب ایچلر دن بر قاضی حضرت رسول کلوب بولدا شلرله کیجه کلکه قوللشوب مکه ایل عرفات ار اسنده مدینه ایکن بر کیجه خفیه تمش یا تمش اوج ارایه ایکی عورت کلوب بولشوب رسول علیه السلام بوناره قرآن اوقویوب راه حقه دعوت ایدوب بونلر دخی یار رسول الله سکانه نک اوزر نه بیعت ایدلم دید کلر نه (یا یه و فی علی السمع والطاعة فی النشاط والکسل والنفقة فی السر والیسر و علی الامر بالمعروف والنهی عن المنکر و ان تقولوا فی الله ولا تغوا فی الله لومة لائم و علی ان تنصرونی اذا قدمت علیکم یرب فتحمونی عما تمعون منه انفسکم و ازواجکم و ابناکم و کلکم الجنة) دیو یوروب اشوب و شر طلر اوزر نه بیعت ایدوب بعده یار رسول الله بر عهد و فایدوب سنی الله تعالی تمام اظهار اید کده مدینه دن مکه به قوم مکه کیدوب بری برا غور میسن دید کلر نه (الحی یا حی یا قیوم و المات بماتکم انتم منی و انما انکم احارب من حاربتم و اسلم من سالمتم) دیو یوروب حضرت رسول نصرتنه عهد ایدلر کار یچون بونلر و جلد اهل مدینه نک مسلمانلر نه انصار دیرلر سکیم اهل مکه دن ایمانه کلوب مدینه به وارناره مهاجر دیرلر بعده ایچلر دن اون ایکی کسسته فی بونلر نقیب دیکوب حواریون امت عیسایک کفلاهی اولد قاری کی میزدخی قوم مکرک کفلاهی منز بر جلد امتک کفلهیم دیو یوریلر بعده بیعت ایدلر ساقا لر نه کیدوب بر تسی ند اشیه طائفه قریش طویوب قایوب لکن

قلیل به حق تعالی خوف برافقین مطبوب اهل مدینه بر لرزیده کتیدل (فصل در هجرت صحابه مدینه)
 مروید که اشجوبیعتن مقدیحه صحابه نك بر قاجی اذن و سوله مدینه به کو چندی بوقصه دتصکره
 جفای قوم قریش ناقص و اجوف اولکیدن مضاعف اولد قده مکده موجود اولان جمله صحابه اذن رسول الیه
 تدربجه مدینه به کو چوب همان ابو بکرله حضرت علی قلوب رسول علیه السلام کند و لدخی ابو بکرله
 هجرت اذن حق رجاری اولفین ابو بکر بونیتله ایکی دوه بسله درایدی (فصل در مکر قریش) مروید که
 ایمان انصار و هجرت اصحاب ابرار و عزیمت رسول مختار سیدله کفار خا کسار قورقوب اجداد رسولدن
 قوی لدمزلی اولوب قدیمدن مشورتخانه اولان دارالندوده کفار قریش بدکش جمع اولوب هر بری بررای
 و تدبیر ایدوب ابو جهل مخذول اناری ردایدوب رأی معقول هر قبیله دن بررکشنه معیتله قتل رسول ایتمکدر
 دید که بربریب یاز تدبیر صورتده انده یله اولان ابلیس مستحق التدمیر بوفکر مکر قریشی تحسین ایتمکله
 اهل کفر و شقاق بوکا اتفاق ایه کلرنده جبریل امین مختار (واذیکر بک الذین کفروا لیقتولن او یقتولن)
 او یخر جولو و یکرون و یکر الله و الله خیر الماکرین) آیتله مکر قریشی اخبار ایدوب (وقل رب ادخلنی مدخل
 صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا) آیتله هجرت ایتمک امر اولندیکر نوکیجه یتاق
 دکنروب فراتکندره حضرت علی بی یا نوروب ابرسی ابو بکر الیه همان ایکیکرم مدینه به توجه ایلمکزدیدی

(باب ناسع در هجرت رسول علیه السلام)

بو خصوص تفصیل عظیمه محتاج اولفین اجالی بود که ظهور بیعت کبرادن اوج ای مقدار صکره نبوت
 رسولک اون دردنی یلنک ابتدا سنده غرقه ماه ربیع الاولده جمعه کیجه می امر حقه رسول علیه السلام
 کند و دو شکر نده حضرت علی بی یا نوروب کند و لدخی قبل النبوه محمد امین دیکله موصوف و کمال صدق
 و دیانت و امانتله معروف اولفله قریش دن سفره کیدندله ماللری بونلره امانت و بر مکه معتاد اولفین
 حضرت رسول علی به امانتله صاحب لریه تسلیم ایتمک اصغر لدیلر (مجزه) بعد الله اشاکند و لدخی خانه رحمت
 آشیانه لزدن طشره جیتوب قابوده کند و لدخی قتل ایچون بکین کفار بخاری کوروب (فاغشیانهم فم
 لا یصرون) دل سورس اولی و لدخی (واذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا
 مستورا) آیتله قیوب کافر لک سر کفر افسر لرینه بر قیضه طیارق صاحب قده حق تعالی کوزلری معنی
 اوروب رسول علیه السلام انلرک یانلرندن آشکاره کجوب کیدوب کفارک کوزلری آتی ایکن حکمت حق الیه
 هیچ برسی کورمسوب هر کیجه باش نه طیارق طوقد برسه بعد زمان بدر غزاسنده مسلمانلر انده مقتول
 اولدی مروید که کافر لک بر قاجی اشجوبیکجاری کوروب نه کارمز دیوب محمد جقدیق کی قتل ایتمکله
 بکلر دیوب یازق مزه کورم دیکر که باشکزه طیارق صاحب یانکزدن کجوب کندی کورم دیکر دید کارنده
 بکجیلر اللریه باشلرین بوقلا یوب طیارق بولد قلدن غصه و حدت و الم و غیرت کجوب سحر اولمشز دیدیلر
 (فصل در قصه غار و صدر مجزات عبرت آثار) مروید که حضرت رسول علیه السلام ابو بکرله جیتوب
 بر مقدار یوبوب مبارک ایاقلری قیارد قده ابو بکر کوروب مکه به اوج میل یده اولوب یوقاروسلندن
 دریا کورینت جبل نوره بر مغاره به واروب ابو بکر مقدیحه کوروب طاش یارقلرندن بعض جانورلر سوله
 شمر را تمسون دیوقرا کولفده الیه یوقلا یوب بار سقلری ویرا یاغی ویرا ویکه سنی دلکاره صوقوب رسول علیه
 السلام کیدر که انک دیرینه یا یوب او بود قده ابو بکرله او یکه سنی ییلان صوقوب شیشوب کوزندن
 باش طه لایوب حضرت رسول علیه السلام ای یوب نیچون بکا خبر ایتمک دیوب سزی او یاندر مغه قیامدم
 دید که (اللهم اجعل ابابکره فی درجتی فی الجنة) دیو خبر دعا ایتمکین محل جراحت مبارک اغزی یاری
 خودده فی الحال شفا بولدی (مجزه) مروید که علی القور مغاره قیوسنده بر میفلان اغاجی یوبوب
 اورمچک لدخی قات قات اغلر قوروب ایکی بیان کورکجی لدخی کلوب یوایوب بر طره میرد یوب صباح اولد قده
 کفار زاناک ذهاب رسولدن غنائک اولوب اطراف مکه بی یوقلا یوب عریجه قیافه دید کاری ایز علی نیلور
 بر قات عارف الیه کزلر کن ایز کوروب مغاره به دل کلوب و الله محمد یوب مغاره بی کجما شدر دیکین نیجه لری
 کیرمک دیکدنه شاری اشو اورمچک اغلری محمد دنیا به کلر دن اول قورلش انجی مغاره به کیریدی بوند

بوزیلودی دیوامید کسوب کتیدلر تکیم قصیده برده صاحبی دیشدر که (نظم) ظنوا الحام وظنوا
 العنکبوت علی * خیر البریه لم تنج ولم تحم * وقایه الله اغت عن مضاعفه * من الدروع وعن
 عال من الاطم (نثر) مروید که کافر لک کیرمک دیکل کارنده ابو بکر مضطرب اولوب رسول علیه السلام
 (لا تحزن ان الله معنا) دیوب او لدخی یار رسول الله کافر لک ایاقلری الله یاقسه لری کورلر بن کندم ایچون
 خوف ایتم زباین قتل اولد و رسم دینادن برکشی کیش اولور اما سز قتل اولد و سکر جمله امت هلاک اولدی
 لازم کار و دید کده (یا ابابکر ما ظنک باشین الله ثالثهما) دیدیلر یعنی نه صانورسک شوایکی کسنه حقد که
 عون و صون حق انلرک و فیقلری ایدو کی محقق اوله (لحرره) خدا صقلا دیقنه ایرمه شر * جهان خلقی
 عد و اولسه سر اسر (نثر) مروید که حال حرم کبه ده سوری الیه کزوب قونوب کسنه انلری و نجیده ایتمک
 کورکجنلر اوایکی کورکجن نساننددر (مجزه) تفسیر کوراید رسول علیه السلام ابو بکرله اضطراب
 کورد کده مغاره نك کوشه سته یاق دیوب یاقده بر دیو یاک کوردیکه کارنده برکی کافر مغاره به هجوم
 ایدر لسه حضرت رسول الیه ابو بکر الیه قورنار مغیچون حاضر و منتظر طور دیوب اشو قصه عجمیه
 معارج انیوده تفصیل اولدوب ایچنده خلاف ظاهر بعض نسنه اولوب راویسی لدخی نامعلوم اولفین
 اجماله کتفا اولندی (مجزه) کاب الحنیده ابن عباسدن مروید که ابو بکر غایت صومایوب حضرت رسول
 دید کده صدر غاره یعنی مغاره اغزیه واروب ایچ دیوب وارد قده عملدن لذت سوددن آق مسکدن طلیب
 صومایوب کلد کده یا ابابکر سکامزده ایلیم می دیوب الیه یار رسول الله دید کده تحقیق الله تبارک و تعالی انهار
 جنته موکل اولان ملکه جنت فردوسدن صدر غاره برای رماق یاروب اقیبت تا که ابابکر اندن صومایچه دیوام
 ایتدی دیوب بودخی یار رسول الله بنم الله قنده چاق بویه مرتبه وارمیدر دید کده (نم و افضل والذی بعثی بالحق
 نبیا لا یدخل مبغض الجنة ولو کان له علی سبعین نبیا) یوردیلر یعنی بی بوندن لدخی زیاده مرتبه واردر و شول
 الله حق چون کبی حق پیغمبر کوندردی سنی سومین جنته کیرم زاکر شش پیغمبر علی قدر علی لدخی وارایسه
 (فصل در توجه رسول صاحب سبکینه بجانب مدینه) رسول علیه السلام مغاره ده بر روایتده اون کون
 قول اصح اوزره اوج کون طوروب هر کیجه حضرت ابو بکرله او غلو عبدالله بعض ماکولانله کفره دن
 خبر کتوروب انشین کیجه می مقدم قول اید کلری قول اغز و انهار لدقاری ایکی دوه بی کتوروب برینه
 اول ایکی یار غارو برینه لدخی قول اغز الیه ابو بکرله خدمتکاری سوار اولوب شیخ ابن حجر اختیار نمجه
 مکدن جیتوب مغاره به کیرد کلری ربیع الاولک اولکی کوی خیس کوتیکل احرنده جمعه کیجه می
 اولوب مغاره دن جیتد قلری انشین کیجه می ایدی محصل قول اغزله تنه یولدن مدینه به کیدوب بولده بعض
 واقعات و معجزات ظهور ایتدیکه غایت اختصار الیه حالا اخبار او انور (مجزات) کتب سیزه محرودر که
 رسول علیه السلام اولکی منزله بر چوبانک ایکنی منزله ام معبد آدلو خانوک سودلری کسلش برده الیه
 بر قیونلرینک عمر لری مبارک الله صفا قده فی الحال عظیم سود کلوب وافر قایلری طول دیوب چوبان
 ایمانه کلوب خانوله زوجی بعد زمان ایمانه کلوب خانوک قیوی چاق حضرت عمر خلافتله دل طوروب لیل
 و نهار وافر سودی صاعیلوردی مروید که قصه ام معبد ظهورنده مکه ده هانفدن بوند ایشیدلر که (نظم)
 جزی الله رب الناس خیر جزائه * رفیقین خلاصتی ام معبد * هما زلا یالبر وار تحلابه *
 نقد فازه ن امسی رفیق محمد * سلوا اختکم عن شأنها و انانها * فانکم ان تالوا الشاة تشهد *
 (نثر) بعده بولده کیدر کن سراه آدلو بر اتلوعرب کلوب سابقا قریش رسول علیه السلام نه بره کند و کن
 ییلوب محمدی قتل ایدنه یا طوبوب کتورنه یوزدوه ویره لم دیو او جهل لعین ندا ایتدر مکن سراه اورج الیه
 کلوب ییشوب حضرت رسول الیه اراننده بر ایکی کوندو بوی قالد قده (اللهم اکفنا عما شئت) دیو دعایتد کارنده
 ایلر برک طیارغی غایت بک ایکن قدرت حقه سراه نك آتی قارته دل بره کجوب سزی کوردیکه می کسنه به
 دیمیم دیویمین ایتمکین رسول علیه السلام (اللهم ان کان صادقا فاطلق فرجه) دید کارنده قورنابوب کیدوب
 چاق غزوه حنینده ایمانه کادی مروید که قبیله بنی سمدن بریده بن الحصب کندی و ابعدن شش کسنه الیه
 آتلوب قصد ضرر رسول ایچون کلد کده رسول علیه السلام اکا (من انت) دیوب (بریده بن الحصب)

دید که (برادرنا و صلح) دیوبنده (عن انت) دیوب (من قبیله اسم) دید که (ما) دیوب بعده (عن انت)
 دیوب (من بنی حم) دید که (خرج مهمک بالابکر) دیوب حلاوت و فضاوت و سوله بریده تعجب ایدوب
 ایمن کین دید که (انا محمد بن عبدالله رسول الله دید که بریده جله توابعه ایمانه کلوب رسول
 علیه السلام) الحمد لله اسم بنو اسم طائعتین غیره کهرین) دیوب یوردی هر ویدر که بولده عشره مبشره دن
 زیبراطله مسلمانان دن بر قاج کسینه ایلد ولایت شامدن تجارتدن دووب مکده کیدر قافله ایچنده بیل اولغین
 حضرت رسول و ابو بکره بر آق قفتان هدیه ایدوب کجوب کیدوب بعده مکدن مدینه به کادیلر (فصل
 در نزول بقا) هر ویدر که بریده ایمانه کادیکنک ایتسی یار رسول الله مدینه به سخاقتن کیریمه لم دیوب کندی
 دلبندی جدای اوجنه بغلیوب کونوروب توابعه حضرت رسولت اوکته دوشوب اهل مدینه تک
 مسلمانان دن که انصار دیکله اشهار بولدی بربشوز نفر اخیمار رسول رب متعاله استقباله چقبوب اقوال
 کثیره دن امام نووی مختار بنجه ربیع الاولت اون ایکنی اتین کوفی فخره کبری مدینه شهر نیک صاغ
 طرفه شهر کورینور برده قیسا اولور ما بنجه لری را سنده عرب عوف قبیله سی ایچنه قونیلر

(باب عاشم در احوال بدایع و فایع بعد الهجره)

مدینه دارالسدینه به حضرت رسول و سوله نکره کیدیلر و احباب بر شمه متعلق اولان واقعات امور موفور
 و نا محصور اولوب جله سنی بو مختصر معتبره ادراج غایت تفصیل و نهایت تطویل محتاج اولغین ایچلرندن
 اعظم و اهم اولان بولدر که فصول منفعت محصول ایلد علی وجه المطبوع بنابر نه شروع اولندی (فصل
 در آمدن حضرت علی از مکه) هر ویدر که رسول عزت قیسا کن منزل قبا ایکن غزال عباعلی من رضا و محبتی
 اون ایکنی کوفی مکدن کلوب مقدمه امر رسوله اما تیزی صاحبزاده و برون حضرت رسولدن اوج
 کون صکره چقبوب لکن خوف کفاردن کیجه یور یوب کوند زمره لاغین کیج کلدی (مجزه) هر ویدر که
 حضرت علی ولی الله بولده بیان یور یوبدن اقلرب مجروح اولغین رسول علیه السلام صفایوب دعا ایتد که
 فی الحال شفایوب اولوب او کوند نصبر ماصلا ایا لری نه بروجع و ام عارض اولدی (فصل در بنه مسجد قبا)
 هر ویدر که رسول علیه السلام احبابه قباده بر مسجد شریف یا یوب قباده سنی قدسه ایدوب دین محمدیده
 ابتدای اولان مسجد و حضرت رسول احبابه جماعته ایدو آشکاره نماز قلد لری مسجد یوایدی مقرر در
 بر قاج ییاد نصبره بر مناسبتله قرآنده بو مسجد و بونک احبابی مدح اولتوب (مسجد اساس علی التقوی
 من اول یوم احق ان تقوم فیه فیه رجال یحبون ان یتلوه و الله یحب المتطهرین) دیوب یور یوبدن
 (فصل در دخول مدینه) رسول علیه السلام قباده قول اصح اوزره اون اوج کون طوروب اون در دخی جمعه
 کوفی ناهلرینه بنوب مدینه شهر نه کیرر کن بولده بنی مال قبیله سندن بر حرا ده یوز یا خود قرق نفر کسینه ایلد
 جمعه نمازی ایچون اینوب بر خطبه بلیغه و فصیح و بلیغ نصایح جلیله جمیع اوقیوب جماعته جمعه نمازین
 قیوب بده جم غیری و جمع کبرایله شهره کیر یوب جله اهل ایمان شادان و خندان و زمره نسوان و صبیان دقلر
 چالوب بو شعر فرح مشعری کویان اولدی که (نظم) طلع البدر علینا من نیت الوداع * وجب الشکر علینا
 مدعی الله داع * ایها المبعوث نیا جئت بالامر المطاع (نثر) رسول علیه السلام سعادتله شهره کیرر کن
 انصار دن نهجه کسینه لری رسول رب رحمان بزم بنده خانه مزه مهمان اول دیوب زمام ناهه با احترام لری نه
 یا بشوب رسول علیه السلام هر برینه تبسمه باقوب دعا ایدوب (خلوا سبیلها فانها مأمورة) یعنی دونه ک
 بولوی آچوقد قولد که اجازت حقندن امر و اشارت ایلد واره جی مکانی یلورد دیوب ناهه عظیمه الطاقه ایکی یاتنه
 بقارق یور یوب بده مسجد شریفه بنا اولان ارض خالیه به کلد که چو کوب فالقوب احبابدن ابوابوب
 انصاری اوی اوکته چو کوب فالقوب اولکی مقامنه چو کلد که رسول علیه السلام (انشاء الله تعالی
 هو المنزل) دیوب یا بولر بنی خانه ائی اویه کوند روب مسجد شریف و سکن متین بنا منه دل بندی آیی یا
 برای آنده اولدی بولر ویدر که ناهه چو کلد که نهجه قیلر طشره چقبوب دقلر چالوب شوقله ترنم و یوبنی تکام
 ایلدر لری که (نظم) سخن جوار من بنی الحجاز * یا حذا محمد من جلی (نثر) رسول علیه السلام انله
 بنی سوره یزدیوب انلر دخی نم یار رسول الله دید که نکرده (والله یعلم ان قلبی یحبکم) یور دیوب پس حاکم و ناظر

اولان صبیان و خدام اهل مدینه (جاء محمد جاء رسول الله) دیوب و قرض کتان مرده و سان چار سوله طاعلدر
 (فصل در بنه مسجد و خانه رسول علیه السلام) مسجد بر بنی اون التونه آلوت دیوب لری کربچدن سنی
 و عود لری خرما انا جندن طول و عرضی یوز ذراع یا عرضی دخی اسکلت یا طولی شش عرضی الشش بر مسجد
 شریف یا یوب قبله سنی قدسه قاشوایدوب صحابه ایلد کند و لریله خال شوب طاش طاشور لکن (هذا الجمال
 لا یخال خیر * هذا ابررنا و اطهر * لاهم ان الاجر اجر الاخره * فارحم الانصار و المهاجره *
 دیوب یوردی مسجد تمام اولد قده اطرافنده کر بجه خرما انا جندن ایکی خاوندلر یحون بری برینه قریب ایکی
 او یا یوب داوایی اویدن اکا کو چوب بعد زمان خاوندلری زیاده اولد قده جوار زنده بر اوز زیاده ایدوب
 بعد زمان جله طقوز خاوندلر نیک مسکن لری بری برینه متصل طقوز حجره اولدی (فصل در زیاده رکعات
 بعض صلوات) کتب سیده محرر در که لیله معراجده بش وقت نماز فرض اولد قده الحشام نمازی اوج رکعت
 اولوب ماعدای ایکی شراولتی امر اولشدی مدینه به کلد کدن بر آری بر وایتده بریل صکره بنجاب حقدن
 مقبله فرض صلاطه ظهر و عصر و عشاء در اولتی و مقبله صلاطه صبح و مغرب و عشاء فرله بش وقتک جله سنی
 اولکی حال لری اوزره قالمق فرض یور لری صحیح بخاریده حضرت عائشه دن هر ویدر که (فرض الصلاطه
 رکعتین رکعتین ثم هاجر النبی علیه السلام الى المدینه ففرضت اربعه و ترک صلاطه السعیه علی الفریضه الاولی)
 دیمدر ابن عباس قولنج لیله معراجده دخی مقبله در در مسافر لره ایکی شتر فرض اولشدی (فصل
 در عده مواضات میان صحابه رسول علیه السلام) هجرتدن بش یا سکرای صکره کار مهاجرین و انصار دن
 طقسان یا یوز نفر کسینه جله امور دنیویه شرعیده مساوات و مواسات اوزره اولوب و دخی بری بر لری نه
 ذوی الارحام لردن مقدم وارث اوق اوزره بر مهاجر ایلد بر انصاری بی آخرت قوندانی ایدوب
 بواسطه اوزره عهد نامه یا یوب شروط مز یور نهجه مدت ابر او رعایت اولتوب بدر غزا سندن رجوعده
 (واولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله) آیتله نسخ و نسخ اولندی * مه تیراده هر ویدر که عقد و امانه
 صحابه ابتدا واقع اولد قده زمره انصار مهاجر بی کمال محبت لردن قرعه ایلد آلوب جمیع مال لردنه شریک یعنی
 نصفی غنیمت ایدوب حتی ایکی خاوندی اولان بر بنی بوشایوب قوند اسلغنه نکاح ایدوب هجرتک در دخی
 یا اوجخی یلنده ماه ربیع الاولده غزوه بنی النضیرده رسول علیه السلام جمیع اموال غنیمتی صافی مهاجر نه
 تقسیم ایتد کده مهاجر نه غذا کلوب انصاره اختیار جاری منقطع اولوب امور مقاشده مسئل اولدی
 (فصل در موادع یا یوب) کتاب خبسه مذکور در که رسول علیه السلام مدینه به کلد کدن بش آی
 صکره مدینه ده جماعت کثیره اولان یهودیلر دین و مال لری اوزره ابقا و عدم تعرضه موادع یعنی عقد عهد
 ایتدی شوشر طله که اهل اسلام اوزرینه بر عدویه معاونت ایتد لر و عدو و یحوم ایدر سه مسلمان لره معاونت
 ایتدی (فصل در آمدن اهل بیت) هر ویدر که رسول علیه السلام مکده قودقاری کر به لری قاطمه ایلد
 لم کثوم و خاوندلری سوده بی وسایه ادادیلر ایلوب بعده زید بن خارنه تک خاوندی اولان ام ایمنی وزیدک او غلو
 اسامه بی کثور مکمز یور زید ایلد اوراق اولور خدمتکار لری ایکی ذره و بشیر زانجه شر جلق ایلد کوند زوب
 ابو بکر دخی مکده قود بی خاوندی ام رومانی و اوغللری عبدالله و عبدالرحمن و قید لری اسمانی و عائشه
 صدیق بی کثور مک آدم کوند روب مکدن انصافله چقبوب مدینه به کلدیلر (فصل در فرضیت غزا)
 تقاضیده (اذن لاذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم اقدیر) آیتده صحابه کرام مکده کفار قریشندن
 انواع آلام چکوب حضرت رسول کیضروب کیضروب کیضروب کلوب نظر ایتد کده صبر ایلتک دخی غزا ایلد
 مأمور اولدم دیوب یور یوب عسکر اسلام آرا و لغین قرآن عظیمه تشدن زیاده آیت کریمه ایلد کفار له مقاتلدن
 نبی اولتولردی مدینه به خیرت ایتد کارند نصکره عسکر اسلام چو غلغه بشلغمین بوایت نزول ایدوب
 فرضیت غزا حقه اولان آیتک اجدا نازل اولانی یوز و دیندی * کتب سیده محرر در که حضرت رسولت
 بالذات و بالواسطه اولان غزوات و سرایا و یغوث لری نیک ابتدائی ستر یه جزه در که ده الهجره یعنی ایدمه ماه
 و مضانده یا ایکنی بیلک ابتدای اولان ماه ربیع الاولده غارت قافله قریش ایچون عیلمی حضرت جزیبی
 او یوز نفر کسینه ایلد کوند روب وارد قلدنه بر طر قله مضانده ایکنی جلد اولدی دهه عین و شهور

مستقره ده کاه کند یاری کاه بعض صحابه دن متفرق سردار لری کاه بخار به به کاه غارت کفاره جی قیوب کند یار
 بالذات کفار ایله جنگ ایستد کاری طقوز عدد غزای لری عن قریب تفصیل اوانور (فصل در تعیین اذان)
 هر ویدر که غزای وقت لری اولاد قدده اذان و علامت اولیوب همان مسلمانان بلاد عوت جمع اولوب قیوب مدینه ده
 بلال حبشی نماز و تکرارنده (الصلاة جامعة) دیوندا ایدوب ایستیدن کلوب ایستینلر تخمینله قیامله کلوب
 هجرتک ایکنی ییلنده رسول علیه السلام خلقی نمازه جمع ایتمک بر مناسبت سنه تدارکی چون اصحابه
 طائشوب کیمی ناقوس دید کوری چالک چالاق کیمی بوری چالاق کیمی آتش باقی رای ایدوب لکن اواکی عادت
 نصاری ایکنی عادت یود اوچنی عادت مجوسدردیو مناسب کورلیوب صحابه دن بری یار قاجی واقعه ده
 انسان صورتده بر مکدن کیفیت اذان و اقامتی ایستیدوب اوکروب حضرت رسوله خبر ویدر کزنده بو وجهله
 دخی وحی کلکین خوب آواز اولان بلال حبشی بی مؤذن تعیین ایستد یار بعده بر کون بلال سعادت عال صباح
 اذان او قیوب حجره حضرت رسوله خبر ویرمکه کلوب رسول علیه السلام او یوردید کزنده (الصلاة خیر من
 الزوم) دیوایی کره ندا ایستد کده رسول علیه السلام ایا نوب طشره جی قیوب اول کلام نصیحتا نجما مدن حظ
 ایدوب (اجله فی اذانتک) دید یار یعنی اشبوسوزی صباح اذانی ایچنه درج ایله (فصل در تحویل قبله)
 هر ویدر که رسول علیه السلام هجرتند نصره قول اصح اوزره اون التخی آیده نصف شب بانه یوم نذاده
 مدینه دن طشره ده بر مسجدده قدس شریف قبله سنه فارشوجا عتله اولدیا یکنده غزای فرضتک اوچنی
 رکعتک رکوعنده ایکن جبرائیل علیه السلام (قد نری قلبک وجهک فی السماء فاننوبک قبله ترضاها قول
 وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فلولوا وجوهکم شطره) آیتن کتوروب شمدن کزنده کعبه اوق
 امر اولدی دید کده رسول علیه السلام رکوع ایچنده کعبه طرفته دونوب حله اصحاب دخی نماز ایچنده یله
 دوند یار قاسیده حضرت رسول مکده کی قبله سنده اختلاف اولوب بعض کعبه ایدی مدینه به کاد کارنده
 امر حله قدسه بعده بنه کعبه به اولدی دینوب ابن عباس مکده دخی قدس ایدی امار رسول علیه السلام
 کعبه به محبتدن بلالو بر طرفه قلیوب حقیقتده ایکی سنه دخی استقبال آتش اولمچون کعبه بی اوکنه
 دوشورددی دیش دینوب شرح بخاریده شیخ ابن حجر ابن عباسدن ایکی درلور وایت ایدوب دیشدرکه اگرچه
 ظاهر اشو وایکی روایت اراننده مخالفت کورینور لکن بویه توفیق اولیق نمکندرکه مدینه به کاد کارنده
 اواکی کبی قبله بنه قدسه اوق ایله مأمور اولوب بعد زمان کعبه به اوق ایله مأمور اولد یار نایه یندن
 ابن جریج رسول علیه السلام مکده ابتدا کعبه به قلیوب بعده اوج ییل امر حله قدسه قلیوب بعده مدینه به
 ککله کده دخی اون الی آینه قدسه قلیوب بعده کعبه به قلیق فرض اولدی دیشدر و الله اعلم (فائده)
 تفاسیرده حضرت ابراهیم واسماعیل قبله لری کعبه ایدی دینوب کاب الجیسده امام زهریدن هر ویدرکه
 دور آمدن غر عالمه دل جمع انبیانک قبله لری قدسده بخبر مبارکه ایدی حق یزم پیغمبر نزد دخی اون الی آینه
 اگاه استقبال ابتد (فصل در فرضیت صوم) کتب سیرده محردرکه تحویل قبله دنصکره جه بنه ماه شعبان
 مزبورده صوم شهر رمضان جانب حقن فرض اولدی * تفسیر بابایده بعض کار سلف رمضان فرضندن اول
 ماه محرمده یوم عاشورا ایله هر آیده اوچر کون صوم فرض ایدی رمضان امر یله انزلک فرضیتلری نسخ اولدی
 دیوب بعضر دخی فرض دکادی نافله ایدی دیوب جمع تفاسیرده صوم رمضان فرضی یود و نه ارایه دخی
 فرض اوخندی دینوب کتب سیرده ابن عباسدن هر ویدرکه رسول علیه السلام مدینه به کلوب یود یاری
 عاشورا کوننده صائم کوروب (ما هذا اليوم الذي تصومونه) دیو صوروب یوم نجات بنی اسرائیل و غرق
 فرعون اولغین موسی پیغمبر شکر الله بو کونده اورج طوتمندی دید کارنده (فمن احق واولی باحیاء سنه
 اخی موسی منکم) دیوب کند یار دخی طو قوب مسلمانده دخی امر ایندی حضرت عائشه دن دخی هر ویدرکه
 صوم عاشورا زمان جاهلیتدنبر طائفة قریشک دخی عادت لری اولوب رسول علیه السلام مکده طو تار لری
 مدینه به کلوب رمضان فرض اولد قدده عاشورای دینان طو قوب دینان طو تار اولدی جمع تحقیقه بعض
 شافعیه رمضان فرض اولزدن اول صوم عاشورا جمع مسلمینه فرض ایدی دیوب اکثر شافعیه سنت ایدی
 دیشدر (فصل در فرضیت زکوة) کتب سیرده محردرکه هجرتک ایکنی ییلنک رمضاننده بیر آمدن ایکی

کون مقدم زکاة فطر واجب اولوب رسول علیه السلام خطبه او قیوب خلقه یلادیروب قول اصح اوزره
 نه اشبوسنده ما تراقوالده هجرتک اوچنی یادر دینی با طقوز یی ییلنده بعضر قوا نجه هجرتدن مقدم مکده
 کتب فقهده تفصیل اوخندی اوزره انواع اموالک زکاتی فرض اولغه (خدمن اموالهم صدقة تطهرهم
 و تزکیهم) آیتله امر الهی نازل اولدی (فصل در فرضیت تیمم) هجرتک بشنی یا التخی ییلنک شعباننده
 غزوه مدینه واقع اوخندرکه عن قریب تفصیل اوانور (فصل در تحریم خمر) بعضر قولنجه هجرتک
 اوچنی قول مشهور اوزره دخی قول راجح اوزره التخی ییلنده واقع اوخند و هر ویدرکه مدینه ده (ویستونک
 عن الخمر والمیسر قول فیه ما اثم کبیر و منافع للناس و اثمها اکبر من نفعها) آیتن نزول ایستد کده قرآنده فیه ما اثم
 کبیر یورافین و دخی رسول علیه السلام (ان الله یقدم فی تحریم الخمر) دیکین صحابه تک اکثری ایچمز اولوب
 بعضر (و منافع للناس) یورلد یغنه بنام سکر و بریمه جک قدر ایچوب برکسنه اخشام نمازنده بعض صحابه به
 امامت ایدوب نیم مست اولغین سورة (قل یا ایها الکافرون) غلط اوقود قدده (یا ایها الذین آمنوا لاتقربوا
 الصلوة و انتم سکاری) آیتن نزول ایدوب بعض کسنه نماز زمانلر نه یقین اولمیان زمانلر ده ایچر اولوب
 اتفاق بر مجلسده برکسنه برینک باشی یارد قدده حضرت عمر ایستیدوب بعضر اولوب (اللهم بیننا فی الخمر
 یا نا شافیا) دیو دعا ایستد کده فی الحال (یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الا زلام رجس من عمل
 الشیطان فاجتنبوه و لکم تفلحون) انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر
 و بضعکم عن ذکر الله و عن الصلوة فهل انتم منتهون) آیتن نزول ایدوب رسول علیه السلام (الا ان الخمر
 قد حرمت) یعنی آگاه اولولک که تحقیق خمر حرام اولدی دیو مدینه ده ندا ایستردی

(باب حادی عشر در غزوات رسول علیه السلام)

علماء فن حدیث و سیرا صلا حاری یونک اوزرینه مقرر درکه حضرت رسول شریف الصفات علیه افضل
 الصلوة و التحیات کند ولری بالذات کفار جهنم مزایه غزای جنت جزا ایستد یکنه غزوه دخی غزای تیوب
 مهم اجرین و انصاردن برین عسکر طفر شعاره سردار دیکوب ککوندر کزنده سر به دخی بهشت دینوب
 اکثر اهل سیر بعضی سر به دن اقل اولانه اطلاق ایدوب لکن قاموسده سر به دش نوردن اوچیزه و در تیره
 وار نجه اولانه دیر بر مواهب لدینه ده یوزدن بش یوزنه وار نجه اولانه دینور دیو مذکور در پس رسول
 خدا گاه عسکر قلیل و گاه کثیر ایله بالذات یکریمی یکریمی بش یا یکریمی دیرت یا یکریمی بر یا یکریمی الی یا اون
 طه و غزای ایدوب عن قریب تفصیل اولنه جق طقوز غزاده کفار له جنگ ایدوب باقیسنده عسکر له سیر ایدوب
 کیزده بعض شروط اوزره کفار قبائل عرب ایله صلح اولوب کینده کفاری قاجروب مالارین آوب کینده
 جنگ ایچون یا آخر مر ایچون مدینه دن جی قیوب فارشوطور برکسنه بولنما مقین دونوب کلوب کینده دخی
 جنگه امر الهی اولما مقین مجرد دخیو یف کفار له اکتفا ایدوب محصل طقوز ندن غزیده قول صحیح اوزره اصلا
 جنگ اولنما مشدر هر ویدرکه قبائل مختلفه طوائف عرب ایله کاه بخار به به کاه غارته کاه بعض سنه لری حایت
 و حراسته کاه غیری مصلحتده صحابه دن برین سردار ایدوب کوندر دکاری سر به و بعض عدنده اختلاف اوخوب
 مواهب لدینه تک بر محله قرقیدی بر محلهده آتش مقداری ایدی دینوب نیجه کتب سیرده الی بش یا اونوز
 سکزی اوونوز بش ایدی دینلدی * هر ویدرکه بالذات وبالوا طه اولان جمیع غزوات و سیرایا و بعضر قبائل ابدامی
 سر به جزه درکه هجرتک ییغنی آینده ماه رمضانده یا ایکنی ییلنک ربیع الاولنده غارت قافله قریش ایچون
 عیلمی حضرت حمزه بی اونوز نفره سردار ایدوب وارد قدده بر طریقه مصلحه ایچکین جنگ ایچوب
 کلشدری و بالذات وبالوا طه اولان جمیع غزوات و سیرایا و بعضر قبائل کفار قبائل عرب اوزرینه اولوب همان
 هجرتک طه و زنده ماه رجبهده آخر غزوات و سیرایا لری اولان غزوه تولا دیار روم طرفته ایدیکه قیصر روم
 اولان هر قل بی عقل مدینه به عسکر کوندر مک ایستردیو ایستیدلکده غایتله اسی زمان و مال و طوار
 و ذخیره ده دخی کلی مضایقه اولوب لکن ناچار قبائل عرب مسلمانلرین دعوت ایدوب اونوز ییک یا تیش ییک
 یافرق ییک عسکر ایله مدینه ایله شام اراسنه وار یلوب بر قاج دفته طو رلوب کفار ضلالت نشانن نشان
 ارا مسغین اطرافنده بعض قبائل عربدن بر کافر یکنی غارت ایدوب سالم و غانم مدینه به کاد یلر هیچ بر غزایه یوقدر

عسکر الله کتبت لاری و من کند بربالذات غزا اعداکار بنی و غزا ایدوب لکن کفار له جنک ایتدین دونوب
 کدکار بنی ذکر ایستک محتاج کال تطویل و فائده می دخی من وجه غایت قلیل اولین آناری نزل ایدوب همان
 بالذات غزا ایدوب کفار له جنک ایدوب کفاری غزوات کثیره المتواتری بود که حالا بر فصل مستقله
 بیان اولور (فصل در ذکر غزوات و کفاری) بالاتفاق حضرت رسول کفار له ایدوب ایدوب کفاری
 غزای او ایدوب کثرت ثواب جهنم دن افضل غزای اولی بونابیا غزوه خدیجه در که آنده بیعت رضوان
 واقع اولد و در عین حال غزای جزا احوالی غایت تفصیل محتاج اولغین کمال ایدوب بود که او یوز یا قری
 نفر مختار کفاری بن شامدن دونوب حکمه کیدر لکن رسول علیه السلام آنرا مالورین غنیمت چون
 هجرتک ایکنی یلنده ماه رمضان اون ایکنی کونی سبتده یا سکر نجی کونی آتیده او یوز یوزش کسینه اید
 سینه دن یحیوب نجار ایدوب کده مکبه فریادی کوندرمکین سر عتله طقوز یوزالی یا خود یل
 کافر کوب قشوب نجار آخر یولدن مکبه کیدوب مسلینه کفار مدینه اید مکه ایدوب بدر صحرا سینه
 بر قوی یلنده رمضان آنک اون یذبحی جمعه کونی غایت تفصیل محتاج عظیم جنک ایدوب مسلیتمدن
 اون درت کسینه شهادت اولوب لکن کفر دن بتش نفر قتل اولدیکه کفری رؤساء قوم قریش اولوب
 بر یسی اوچول این ایدی بخش کافر دخی اسیر اولدی که بر یسی حضرت رسول عیسی عیسا ایدی که
 بعد کندیبه متغای بر معجزه کورد کده ایمانه کوب یا خود مقدما ایمانه ککش اولوب لکن کفار قریش
 خوفدن ایمان اخفا ایدوب او معجزه ظهورنده ایمان اظه ایدوب اسیر لکری دخی حضرت عیسی
 برادری عقیل ایدی که اود دخی ایمانه گادی مریدر که عسکر اسلام دعاه رسول سبیل بوغزاده طوبوم اولوب
 بعد ایکنی اسیر قتل اولوب یا قیلری مکده اولان اقریاری مال کوندروب آزاد اید برفاسیده مذکوردر که
 عسکر رسول علیه السلام مجروح غارت و غنیمت حیه مغین ایچلر نده همان بر یاییک آنست که یوزالی قیل الی
 یا طقوز جبه اولوب یا قیسی او قلو یا یلو یلاده اولوب یوزلجه بنک و مهمه ایلرین کونوره که بتش دوه اولوب
 اوچ کشی بر دوه بنوب حتی رسول علیه السلام دخی علی وزید بن حارثه اید بر دوه به بزرادی اما کافر
 جنک کلمکین ایچلر نده یوزات بد سوز دوه وافر جبه خوشن و آلات حرب و ارایدی کتب شیرده عسکر رسول
 علیه السلام مر ساین غدت قجه اوچوز اون اوچ ایدی دیومشور اولدینی رسول علیه السلام مدینه دن
 حصار کن صحابه دن مسک کسینه به بعض مهم مصلحترا اصیر لیوب انلر غزاده یله دکل ایکن خدمت
 رسولده اولغین حاضر اولان اوچوزش کسینه ایدوب غزاده و مال غنیمتده مشرک اولد قریچوندر دیونوب
 اشبوزاده معجزات کثیره ظهور ایدیک یاز یلوب ایچلر ندن عظیملری و تفصیل محتاج اولد لاری یونلدر
 (معجزه) مریدر که کافر قیویانده بر مناسب ره قوش اولغین مسلمانلر قوم سال و صومر زده قونوب
 بحکمه الله اکثر بتک کجه دوشاری آرزوب دخی تیم ایتک امر اولغش اولماغین خصوصاً قیلرینه شیطان
 بعض و موسه ایکنی یوزلر ایکن حکم یغور یا غنیمت هر وجهه مستور کفار ایداردوزی یری بالحق
 اولغین یحضور اولدیلر (اذینشیکم النعاس امنه منه و یزبل علیکم من السماء ماء ابطم بکم به و یذهب عنکم
 و جز الشیطان و لیر بط علی قلوبکم و ینبئ به الاقدام) آیتی بوقصه به اشارتدر (معجزه) مریدر که
 ایتسی جنک اوله حتی کجه رسول علیه السلام احسانه مبارک الاریه بر قاج برده ایشته یوچمل فلان اوغلو
 فلانک قتل اولد حتی بریدر یوکوستروب بحکمه الله دیدکاری کافر له یمنه او معین مکانه قتل اولدیلر
 جلد دن بری اعدا دین اوچمل این ایدی (معجزه) مریدر که حق تعالی رسوائه کفار قریشی واقعه سینه
 آرز کوستروب اود دخی اصحابه خبر و یروب ایکنی عسکر جمع اولد قده دخی مسلمانلر قورقماغیچون آنلر کفاری
 آرز کوستروب حتی ابن مسعود یانده طوران آدمه فارشومر د کافر بتش نفر واری اوله دیوب اود دخی
 یوز نفر وار اوله دیوب کفار قیماقی ایچون مسلمانلری دخی آنلر آرز کوستروب حتی اوچمل محمد اید اصحابی
 بره بر لقمه درد یوز و اولوب لکن محاربه اولد قده مسلمانلری کافر له کندیلرک یا مسلمانلرک ایکنی مثلاًری
 قدر کوسه مکله خوف ایدردی تنکیم (واذ یریکه وهم اذ انقسم فی اعینکم قلیلاً و یقللکم فی اعینهم لیقنی الله
 امر اکان مفعولاً) آیتله قد کان لکم آیه فی فتنین التفاضله تقائل فی سبیل الله و آخری کافره یرونهم منلهم

رای العین) آیتی بوقصه به اشارتدر (معجزه) نجه معتبرانده عکاشه نام کسینه وافر جنک ایدوب حتی قلی
 قیلر قده رسول علیه السلام اکبر اودن بر ماسی و یروب (فائل یذا عکاشه) دید کده عکاشه فی الوب الیه
 ساند کده قدرت قله اوزون و حکم آق دمور لوب و اعلا کسین قیل اولغین آنکله جنک ایدوب او قیللر اسی
 عون قونوب رسول علیه السلام وفاتد نصکره نبوت دعوی ایدن طلحه الاسدی غزاسینه عکاشه شمد
 اولغیه دل او قیل طورردی دیونوب بعینه یول بر معجزه دخی احد غزاسینه واقع اولد و در معارج النبوه ده
 غزایدرده کی معجزه سیت عکاشه نامنه ذکر او ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب سله بن اسم آدو ایکنی کسینه نک حقتده
 واقع اولدی دیومر کورد (معجزه) مریدر که معاذ بن عمرو ابوجهلک ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب
 ابوجهلک اوغلو عسکر مه دخی معاذک بر قونی اموزی باشندن کسوب در یسی آملش کد کده رسول
 علیه السلام آنک اوستنه مبارک اغزی یاری سور کده قدرت حق عزوجل اید فی الحلال یثوب کالاول
 اولدی (معجزه) مریدر که جنک باشد قده رسول علیه السلام کدور ایچون خرمایچون عتدن یا بلان
 عربش دیدکاری کولک ایچنده کال نضره له دعا و فتح و نصرت استده ایدوب او یخو غلبه اید کده فی الحلال
 تبسله کوزلرین آچوب رفیق شفیق صدیق ابوبکر الصدیقه نصرت ایچون جبرائیلک کلمتی بشارت
 ایدوب بعده سابقا مکده نزل ایدوب بوقصه به اشارت ایدن (سیرم الجمع و یولون الدبر) آیتی او قویه رق
 طشره یحیوب بر دن طبر ایدوب مخلوط بر قبضه خرده طاش آکوب (شاهت الوجوه) دیوب کفار طر قده آتوب
 به ده (شذوا) دیوب یعنی براوغوردن هجوم ایلد دیکین بلامه له مسلمانلر جله ایدوب رسول علیه السلام
 اندی قی یوزدن بقدره الله هر کافر کوزینه و یوزنه اغز به بر مقدار کیرمکین هر بری کوزلرین اوغش یروب
 یا لاری قایسی اولد یغورن مسلمانلر اید انسان صورتده کلان ملائکه کافر لک کینی قیروب کینی باغلیوب
 نازد ایلر جکر لری داغلیوب کینی دخی ناپاخر لک و ارفرار ایدی قرآن عظیمه (و ما رمیت اذ رمیت و لکن
 الله رمی) یوم غنایه اشارت و اید ایدر به دزمان او کافر لردن ایمانه کلنر رسول علیه السلام اوستزه طاش
 اندی اید دمور لک ایچینه یوک کد بر دن طاشلر اید دینک صدای کبی کول یوزدن غایت هیبت لوصدالر
 ایشته ایدک جله قورقور یزک اعظم واشدی او ایدی دیو حکایت ایتلر در بر معجزه نک نظیری غزوه
 حنینده دخی واقع اولد در تنکیم بر جزه مقداری اشاعیده کور نصرت مؤمنین ایچون کلان ملائکه کز بن
 عدلر نده اختلاف اولوب قول اصح اوزره اولایک بعده ایچیشیر یلک کوب تمامش یلک اولدیلر اشبو
 ملائکه ایچون به ضلر کفار له مقاتله ایدوب همان مجرد تقویت قلوب مؤمنین ایچون کلدیلر دیوب لکن
 ابن عباسله اکثر علما ملائکه بود دفعه مقاتله ایدوب اما غزوه ایدوده حنینده مقاتله ایدوب همان
 مجر دتکثیر عدد مؤمنین ایچون کلملردی دیوب مریدر که مسلمانلر ملائکه فی ابن عباسدن ایکنی روایت اوزره
 آن یاسنیه دلبد صحابه دن زیر قوا نجه صاری دلبد ضار لش آتو انسان صورتلر نده آشکاره کوروب حتی
 ملائکه انلر سویلیوب لکن کافر ملائکه کبی کور میوب همان آنلری آوازی ایشیدر لری * به ضلر ایدر
 ملائکه مسلمانلر به ضی یادکاری کسینه (صورتلر نده کور یوب بن کافر لردن ایشته مک و الله اگر برم اوستزه
 جله ایدر لسه قاجوب طاغور زردر دیوب دخی مسلمانلر صغری اراسته کزوب (ایشرواقان الله
 ناصرکم لانکم تعبدونه و هو لا یعبدونه) دیرلردی * مریدر که ابلیس لعین مشاهیر کفار دن سراقه صورتده
 کیر فب زمره شیاطینله کفار عسکر به کوب مرغالسز قورقکز بن دخی مره معین دیوب ملائکه کبی
 کورد کده اوچهلک الینه یا شوب مویشور کن الی جکوب قاجوب یا سراقه بزم معاونت
 دعواسن ایدر دتک شمدی قائده کیدرسن دید کده منک کورمیدیک کز نسته لری کورم الله دن قورقارم
 دیوب غائب اولدی تنکیم قرآنده (واذ ین لهم الشیطان اعمالهم و قال لا غالب لکم الیوم من الناس
 وانی یاراکم فلما تر آت الفتنان نکص علی عقبیه و قال انی برئ منکم انی اری ما لاترون انی انشأ الله و الله
 شدید العقاب) آیتی بوقصه به اشارت ایدر * ابن عباسدن متولد که شیطان او محاربه هلاکدن
 قورقماشدی زیر اوعده حمله قیامتده دتک صاغ اوله دخی یلوردی لکن جبرائیل کندوبی اسیر ایدوب
 کسینه کا طبع اولماغیچون خلقه کوسره دیو قورقشدی * مواهب لدینه ده محل غزا اولان بدر عالی قدر لک

علامات باقیه شدند که الی الان او محمداً بن محمد بن علی بن ابی طالب ازین ایشیدوب نصرت حضرت رسول
ایچون ظمورا عند راعتقاد اولو و دیوتنصل اولو شد (قائده) هریدر که اکبر اعدا رسول عالی نسب
اولو بی ادب قورقولو برواقعه سیدله اشبو و چنکده مکده قلوب پرینه بدل کونلور و بولد اشیر ینک هلاله
وانم زمان ایشیدوب شدت غدن طائفه عربک جذام کی منفور لری اولوب عربجه اهنه عدسه دبدکاری
مرضه مبتلا اولوب بدی کوندنصره هلاله اولدقده بدن کثیف کنیف البقی رایحه سنذن یانه مکسه
واره میوب آخر کار اوج کوندنصره حلاله طشره چقار یلوب اوزر بی ابراقدن سنکسار ایشیدوب برور ایشیدوب
یاندیغی اوده بی اوزرینه یقه مدن غیری چاره بوله مدیلر (ع) همیشه بوله اوله دشمن رسول خدا (فعل در غزوه
احمد) اشبو غزا جنت جزا کتب سیده غایت تفصیل الیه محررا و لغین کمال اجمالی بودر که غزای بدوده کفار
ذوی القدر مغلوب و منکوب اولدقده بنه محزون و مکروب اولوب بقیه السیف اولان اشقیاء ضلالتا لوف
غیرنه کلوب فضه و ذهبن جمع الوفا ایشیدوب اوج ینک نفر عسکر شفا ائواله که ایچلرنده بدیوزی جبهه لویکی
یوزی آتلیوزی پیاده و تیرانداز اولوب اوج ینک دوه لری وارلیدی هجرتک اوچینجی ییلنده ماه شوالک اون
ایکینجی کونی چهارشنبه کونی کلوب مدینه به بر فرسخ برده احد طایغی یانه قونوب رسول علیه السلام دخی
جمعه کونی بن یوکیجه ایکی مصیبه دلالت ایدر شومقوله برواقعه کوردیم دیوانه کتر احبابله شهر ایچندن
جنگ ایچکی مناسب کورد کارنده بدر غزا سنده حاضر اولیان صحابه ابراهیم ینک نفر کسنه ایله سبت کونی
قبل الصبح چیقوب لکن اوچیز لری اهل مدینه دن منافقین طائفه سی اولغین دونوب شهره کیدوب رسول
علیه السلام بدیوزنفر احبابله که کندورالیه همان اوبرده نک برآ تلی اولوب باقیلری جله پیاده اولوب
انلر دخی یوزنفری جبهه لویا قیلری جبهه سزه ض آت حربله ایدیلر علی السحر واروب احد طایغنه ارقه و یروب
مدینه به قارشو طور ووب الی نفر تیراندازی بر سردار لیه عسکرک قناده ارقنه قونوب چاق بن سزه
خبر کوندنر میخجه علی کل حال اصلا بر یکزدن ایرلیه سز که ثابت قدم اولور سکر جله عسکر مظفر اولن
مقرر در دیو یوروب بعده عظیم جنگ اولوب کفار لیدی یلاون بر نفر عسکر امداد لریله بر قاج کسنه لری
دخی مقتول واکتری مجروح اولوب بواننده بحکمة الله حضرت جزه بی ادی وحشی بر بعد حبشی کیزلور دن
حربه ایله اوروب نهید ایدوب بعده کفار خلک سارا آتلیوز ینک آنلری مسلمانلر سکیایوب علری دخی
سرتکون اولغین صوب قاجغه باشلیوب عسکر اسلام غنیمت ایچون آردلرینه دوشد کارنده مسلمانلر
قتلدار اولان کاندارلر کتری غنیمته فرصت دوشکین فرصت غنیمت در دوما کفار ی سائر مسلمانه
بقیایه طاعلوب کافرک آتلیوزی میدانی مردان اهل ایمان دن خالی کورمکین عسکر اسلامک اردندن
جمله ایدوب مسلمانلری طایغی ووب سردار لیه برلرنده طورن بر قاج کانداری قتل ایدوب صحابه دن اووز
قدر کسنه نفس بولیکه ندا و سکا بعد سلام خدا اولسون دیوب رسول علیه السلام اوکنده جنگ ایدرک
بر درو نهید اولوب انفاقه درت بش کافر حضرت رسوله طایغی اوتوب مبارک دودا قری و آنلری و یکا قلی
و بار مقاری و در لری مجروح اولوب حتی آت چکه جنگ صاغ طرفندمکی ازودیشی قیریلوب باشلرنده اولان
نوغلفه تک ایکی حلقه سی یکا قلی نه محکم بانوب هر بر جراح لرندن قان روان اولدقده اول اکرم آدمیان
وانغم عالمیان اگر فایره دوشرسه کفاره کوکدن عذاب کاور دیوقانی سیلوب بد دعا ایدیه چک برده (اللهم
اغفر لقوی فانهم لا یعلمون) دیو جناب پروردگار کفار طرفندن اعتنار و انرا ایچون استغفار ایدر لری
(نظم) زهی غفور و زهی لطف و زهی جود ایچون حق ایدندی آنی مودود (نثر) هریدر که رسول علیه
السلام مجروح اولوب اوکارنده طورن عسکر لری مصعب بن عمیر شهید اولدقده بعض کفار اشرار زعم باطلاری
اوزده محمد قتل اولدی دیوندا ایدوب ایکی طرفدن اکثر عسکر اینانوب مسلمینک بعضلری ششوب دیلاری
و ایا قلی طولاشوب مدینه سمنه کیدوب کیمی دخی بعضی برلره کیزلنوب لکن اکثری محمد شهید اولدیه
محمد و بزم عزیزی لایمورد دیو محضاً طلب رضاء خدا الیه حکم جنگ ایدوب نیجه لری شهید اولوب اون درت
کسنه حضرت رسولک یاتدن اصلا آریلوب رسول علیه السلام بر قاج احبابله برتنبار برده طور ووب احبابک
برسی کور ووب یلوب رسول الله صاعده مسلمانلر کلک دیوندا ایدکده چهار بار دخی نیجه لر محمد

علیه السلام یاتده جمع اولدقده ابی بن خلف حضرت رسوله هجوم ایدوب رسول علیه السلام اکا حربه آتوب
مأمونک بوغازنی مجروح ایدوب اندن یقلوب رایکوسی قیریلوب یولدا شلرینه واروب بعده مکیه کیدرکن
هلاله اولدی بعده بعض کفار حضرت رسولک طور دینی مقارنه شکلویره هجوم ایشیدوب کارنده حاضر اولان
صحابه مجروح لریکن کفاری طایغی طوقوب طاعنوب بعده تفاسیرده مذکور اولدیی اوزره قلوب کفاره
حق تعالی ظاهر ابلا سبب خوف بر اغوب قوت و کثر لری و ارایکن رب ساری اولان اوسه یان کافه چک ییل
بدو صحرانده بردخی جنگ ایدیه لم دیوندا ایدوب چکلوب کندیلر (سنلی فی قلوب الذین کفروا الرعب
بما لشرکوا بالله) آیتندن بر قوله مراد بودر ایا کینی قول کافر مکیه کیدرکن محمد عسکری مجروح لریکن
ایشلری تمام ایدیه لم دیودونوب مدینه به کلمکه مشاوره ایدوب حضرت رسول علیه السلام ایشیدوب
مجر و حمله عنایت حقه اعتمادله بی بالک شهر دن حقیقوب عسکر بریره جمع اولدین کافرک قایینه حق تعالی
خوف بر اقد بغیر که مدینه به دوشمکدن فراغت ایدوب مکیه کیدوب حضرت رسول علیه السلام معاذله
مدینه به کلوب اشبو سقره غزوه حرام الاسد برلر بر ییلدنصره منور کافر لر وعد سابق اوزره مکده دن حضرت
رسول علیه السلام دخی مدینه دن چیقوب لکن کافر لر قورقوب لقط زمانیدر جنگ ایدیه مزین
دیو تعالی ایدوب مسلمانلر خوف لر بن طور یوروب ایکی عسکر جمع اولدین هر بری وطنلرینه دونوب بوسقره
غزوه ذات السویق دبرلر (مجزه) غزوه احدده معجزات کثیره صدور ایشیدوب که معلوم اولنر ینک تفصیل
محتاج اولیانلری بودر که اولاتقاده بن النعمانک چنکده بر کوزی چیقوب یکا غنه اصلش کلدکده رسول
علیه السلام مبارک الیه برینه قویوب (اللهم اکسها جالا) دیدکده بقدره الله تعالی اوکیدن اعلی و اوقر
واجلی اولوب حضرت عمر خلافتده وفات ایدغیبه ک اشبو کوزی اوبر کوزندن قوت صحتده و کمال
نورایتده علی العاده زیاده ایدی (مجزه) هریدر که کاثوم بن الحصینک بوغازینه اوق طوقوب مجروح
اولغین حضرت رسول علیه السلام مبارک اغزی یارین سوردکده (ع) با قدرت رب عزت او حلاله بولدی
صحت (مجزه) هریدر که طلحه بن عبدالله حضرت رسولی چنکده غایت قور ووب یانلرندن اصلا
آریلوب یاتشیش یرده مجروح اولدقده حضرت رسول علیه السلام مبارک الیه آنک بدخی صفایوب
(اللهم اشفه وقوه) دیدکلرنده فی الحال صحت بر کمال ایدیه قائم و وجع و المدن سالم اولغین بنه کفاره عظیم جنگه
باشلادی و بعضلر ینک شجره وجودنه جراحندن نهال ارغوان اشلادی (مجزه) هریدر که عبدالله
ابن جحشک یوچنکده قلبی قیرلغین حضرت رسول علیه السلام اکابر اعاج باره سی ورد کده قدرت حقله
براعلامه و رفیع اولوب انکله جنگ ایدوب اول قلیک ادی عرجون قونوب شهید اولدقده ورنه سمنه دکوب
مرور زمانه خلفای عباسیه دن معتصم بالله ک امر اسندن بری آنی ایکیوز التونه صانون الی (مجزه)
هریدر که ابوطلحه ماهر و ممتاز تیرانداز اولوب الی ذانه اوق اولوب جله سی آندقده رسول علیه السلام
اکابر بر راعاج باره لری و یروب ارم بابا طلحه دیوب اودخی (مصرع) امر رسولی کوزلیوب یاتشیش آنی کزلیوب
بی کان اندر کان اولان بارهای چوب بر تیراطیف و خوب اولوب اتلوردی و آنک خوفندن نیجه کفار بری
برلرینه قاتلوردی و به ضلری بازار موده هیجه صانلوردی (مجزه) هریدر که چنکده مسلمانلرک
مجر و حارینه صوابیچور بر رخاونه بر کافر اوق اوتوب عورته کشف عورت واقع اولغین او کافر قهقهه ایدیه
کولدکده رسول علیه السلام صحابی خاص سعد بن ابی وقاصه براوق و یروب شوکات دیدکده اوتوب کفرک
بوغازنه صابله رفته جان آجید سیله ارقه سی اوستنه یقلوب سر (کاندین تدان) عیان اولوب آنک دخی
عورتنی نمایان اولدقده رسول علیه السلام شادان و خندان اولوب (اللهم سدد رسته واجب دعوته) دیو خیر
دعا ایدکده سعد منور مستجاب الدعوه اولوب دائماً آنک دعا سیله جله خلق تیرک ایدر اولوب آندیغی
اوق دخی تکلف نشاندن تحلف ایتز اولدی (مجزه) تفسیر بنای بعده مذکور در که رسول علیه السلام
مجر و حار اولدقده اقان قانلرینه مبارک الیه برن طوقوب بعده قانی کولوز بنه اوتوب بحکمة الله بر قطره سی
برده و شمزدی یوروب لری که کوردره قدری برده دوشمه بر یوزنده اصلاوت بجز اولوردی (مجزه)
منویدر که رسول علیه السلام ملائکه کی کورد مک حنظله بن ابی عامری بر الیه کولک ارا سنده کومشدن

ظفر ایچنده ماه عزت ایله یعنی ولته اولان بغمور صوی ایلر یوردیوب بعض کسینه (مخبره) منظره ای شهید اراسته
 یولوب باشندن صوطا یولوب واقعا غسل ایندی رلیدیکی مشاهده اولتوب بده شهرده خاتونه سوال
 اولنده مکرکه تاهل ایتدیکی کجه نك ایتسی عله ایلر احد غزاسته کیدوب جنایتله کش ایش بده
 اشو حظه نك اوغلی طوغوب ابن غسیل الملائکه دیومشور ورمز کور اولدی (مخبره) اکثر کتب
 سیرده یوزاده دخی ملائکه حاضر اولوب اما جنک ایتدی یوردیوب اکن صحیح مسئله معدن ایل وقاصدن
 مریدرکه غزوه اعدده حضرت رسول ایلکی باتنده بر آق ققتانلو کسینه لکوردیم کفارله عظیم جنک ایدوب
 انری اندن مقدم و موخر اصلا کوردم * امام مسلم یعنی انرجبر ایل و میکا یلدردیوب شرح مسئله امام
 نوی حضرت رسول غزالنده ملائکه مقاتله ایتک غزوه بدره مخصوص صدر دین کسینه لری یوحیدیت
 رد ایدردیوب * تفسیر ایلده سهددن مریدرکه غزوه اعدده کافره بن اوق آتدجه خوب صورتلواق
 یوزلویلدی * کیم بر کسینه هر آتدیم اوق کتوروب بکاورردی ایل ملائکه اولی اکلارم دیش دینوب شواهد
 النبوه دخی صحابه دن بری عبدالرحمن بن عوفی یدی مقتول کافر اراسته کوروب سعادت سکا یوقدر
 کسینه بی هب سخی قتل ایتدک دیدکده اشو ایکی کسیتی بن قتل ایتدم غیر لری کورمیدیکم کسینه قتل
 ایتدی دیدی دینوب * معارج النبوه دخی مریدرکه حضرت علی غزوه اعدده بکا اون درت جراحت
 ایریشوب دردنده بره دوشوب هر دوشد بجه بر خوب روی و خوشبوی کسینه قولجه یا بشوب قالدیوب
 وار کفارله جنک ایلکه سن الالهک و رسولک طاعتنده سن وانرسندن راضیلردیوب جنکده نصکره حضرت
 رسول دیدیکنده یا علی کوزک آیدین اولسونک اول کسینه جبر ایل ایدی دیدی * نیجه کتب سیرده علدار
 رسول اولان مصعب شهید اولدقده علی ایلک برادری ابوالروم آلوب شهره کیر نیجه انده اولوب بر روایتده
 مصعبک صورتده بر ملک آلوب یله کتوروب شهره دونلدکده رسول علیه السلام (تقدم یا مصعب) دیدکده
 بن مصعب دکلم دیکین رسول علیه السلام ایلک ایلده * کتی یولوب علی آلوب مصعبک برادری
 ابوالروم و یوب مدینه به توجه ایتدی (مخبره) کتب سیرده ابن خیه آدلوب کافر حضرت رسول
 یقلا شوب طاش آتوب (خدا وانا بن القیمه) دیوب رسول علیه السلام مبارک یوزلنک قاتن سولوب
 (قال الله) یعنی الله سنی ذلیل و حقیر ایتسون دید کارنده دعا رسول هدف اجابته وصول یولوب کفار مکه به
 وارد قلدن نصکره مزبور ابن خیه بر کون بر طاعده تنها یورون قدرت حقه بر طاع کجسی کاوب یولمعو
 یونوزی ایل دور یوب پاره پاره ایتدی دینوب * معارج النبوه قارتدن یوزلنک شق ایتکین
 اول ملعون بی دین واذله دیو فریاد واه چانکاه ایدرک هلاک و آغشته خون و خالک اولدی دیومز کوردر
 (قال الله الذی انتقم لرسوله و قضی کل حاجت سوله زاده الله کرامه لیده ووالی ایداصلا و سلامه علیه
 (مخبره) ینه کتب سیرده محرودرکه حضرت رسول طاش آتوب مبارک دینلرین قیران عتبه بن ابی وقاص
 نام کافر جنکده قتل اولتوب لکن با حکمت حضرت خدا (وجزاه سینه حیثه مثلها) سری هویدا اولوب
 انک نسلدن طوغان هر اوغلان یود * کده اصلا اولد دینلری ییوب وداغما صوسزلدن خالی اولوزدی
 (مخبره) کسافده غزاعمام اولدقده بعض منافقین شهیدلر ایچون کرزه او یوب شهرده قالمش اوله لردی
 قتل اولنلردی دید کارنده بحکمه الله از کون ایچنده شهید غزوه اعدده در نیجه یتش مشافق وفات ایتدی
 (الذین قالوا لاخوانهم و قعدوا لوطاعونا ما قتلوا قل قادر ونا من انفسکم الموت ان کنتم صادقین) آیتی
 یوقصه به اشارتدیومز کوردر (فانده) غزوه اعدده قتل اولنلر کافر لری اوج یا یکر درت ایدیکی
 مقز اولوب لکن شهید اولان مسلمانلر ععدنده اکثر کتیده یتش بعضنده یتش یتش بعضنده یتش یتش
 قرایدی دینوب علی کل حال دردی یا التیسی یا بشی مهاجر یتدن یا قیسی انصار دن ایدیلر دینوب * تفسیر
 انیا عده کافر لری ایدامغلوب اولنلر کن جع اولوب هجوم ایتد کارنده یتش کسینه بی شهید و یتش کسینه بی
 مجروح ایتدی کد او یوب * کور و عمر و عثمان و علی و طلحه و دخی نیجه اشراق صحابه مجروحیندن ایدیلر
 دیومز کوردر (فانده مهمه) کتب معتبرده مذکوردرکه بر کسینه حضرت رسولی مجروح اولدی
 دیو با خود کد و با عکری مغلوب اولدی دیو یا منرم اولدی دیو یعنی صندی دیو تمییب ایتسه یا خود رسول

علیه السلام بعض غزالنده صندی دینه و الحاصل بای طریق کان اول جناب عالیشانه فی الجمله لایق اولان
 بر جزئی نسته اسناد ایتسه کرک تحقیر قصد ایتسون کرک قصد ایتسون مجرور تکلم ایتسیله کافر اولسی بین الائمة
 محقق و متفق اولوب اکا تجدید توبه یعنی ایمان تکلیف اولنور ایدرسه امام اعظم و امام ابو یوسف و امام شافعی
 قنده توبه سی مقبول اولوب قتلدن قورتلور توبه ایتسه کفری جهنمدن البته قتل اولنور امام محمد
 و امام مالک و امام احمد بن حنبل قاتنده تجدید ایمان و توبه ایدرسه ایمانی مقبول اولوب لکن توبه سی زندیک
 بهدالا خذ اولان توبه سی کی مقبول اولوب اقی قتل ایتک البته حق رسول اولفین مسلمان ایتسه ده مجرور
 حقا قتل اولنور یومسائل مهمه تک تفصیلی (الصارم المسلول علی شاتم الرسول) ادلور ساله لطیفه فواید
 محصوله مذکور و مسطور در (فانده) غزوه اعدده عسکر اسلامه ایریشن محنت و آلامه سبب
 نه ایدو کنده اختلاف اولتوب تفا سیرده (اولما اصابتکم مصیبه قد اصبتکم مثلها قلتم انی هذا قتل هومن عند
 انفسکم) آیتنک معنای کاندار رسول علیه السلام تعیین ایتدیکی بردن ایره لوب غنیمته طاعلدر قریب و ندر
 برتولده رسول علیه السلام مدینه شهر یتک ایچندن جنک ایتکی مناسب کوردکده بدر غزاسته حاضر
 اولیا نلر ابرام کلی ایدوب طشرده جنک ایتد کار ییچوندر دینوب * تفسیر ابوالسعودده نصرت عسکر و عده
 اولتی قول ثانی بی رد ایدر اظاهر و اقوی اولان اولکی قولدر دینوب بخار یتک ابن حجر شرحنده کتب حدیثده
 حضرت علمدن محمله مریدرکه غزوه بدره جبر ایل علیه السلام حضرت رسول کاوب * جنک قورمک
 اسیرلرند فدا الدقربی الله تعالی کره کوردی یعنی راضی اولدی امر ایتدی انلر خبر ورزه سنکه اسیرلرین
 جو کروب یونلرین ایرمانی یا انلردن فدا آلوب لکن کند و لردن امیرلر عذر نیجه کسینه قتل اولتی اختیار
 ایتد و نلر دیوب رسول عامیه السلام خبر ویردکده احباب رسول یواسیرلرین اقربا و عشیره قزدر عدول غزه
 مقاتله به خر ایچون یونلرک ماللارن آلوب آزاد ایدوب ایچمزدن یونلرک عذر نیجه آدم شهید اولتی اختیار
 ایدرز دید کارنده یوهده اوزره غزای اعدده یتش کسینه شهید اولدی اخذ مال و اطلاق زمره اسیران ترک
 اولی اولغین غزای بدرده او محله (ما کان لنی ان یسکون له اسیری حتی یضن فی الارض تریدون عرض
 الدینا و الله یرید الاخرة و الله عز رحیم لولا کتاب من الله سبق لم سکم فیما اخذتم فی عذاب عظیم) آیتی کلکله
 مؤمنینه عتاب الهی اولشدی دیومز کوردر (فانده) غزوه اعدده عسکر اسلامه ایریشن مصیبتله
 صافی تسلیم و ذمه طاعلغله هجوم کفار سبب اولنلر صافی عتاب و ینه انلر و حضرت رسولی شهید اولدی
 صاعقله شاشوب مدینه سمنه توجه ایدنلر عفر و رجته مقارن عتاب و شهید ایلک فضیله لری و سارا صحابه
 بشارت خصوصلرند (ولا تمزوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین ان یسککم قرح فقد من اقوم
 قرح مثله و تلك الايام نداولها بین الناس و لعل الله الذین آمنوا و یخذلکم شهداء و الله لا یحب الظالمین
 و یمحص الله الذین آمنوا و یمحق الکافرین * آیتلری و دخی (ام حسبکم ان تدخلوا الجنة و لما یعلم الله الذین
 جاهدوا منکم و یعلم الصابرون و لقد کنتم فتنون الموت من قبل ان تلقوه و قد را تجوه و انتم تطرون * و ما محمد
 الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من یقلب علی عقبه فلن یضر الله
 شیئا و یمحق الله الشاکرین) آیتلری و دخی (ولقد صدقکم الله و عده اذ تحبونهم و انهم باذنه حتی اذا قتلتم
 و تم ازعمت فی الامر و عصیت من بعد ما اریکم ما تحبون منکم من یرید الدینا و منکم من یرید الاخرة ثم صرفکم
 عنهم لیبتلکم و لقد عفا عنکم و الله ذو فضل علی المؤمنین اذ تصعدون و لا تلون علی احد و الرسول یدعوکم
 فی اخر اکم فانابکم غیابکم لکیلا تحزنوا علی ما فاتکم و لا ما امابکم و الله خیر عاذة ملون * ثم انزل علیکم من بعد
 التماسه نعا یا غشی طائفه منکم) آیتلری و دخی (ان الذین یولوا منکم یوم التقی الجمعان انما امثالهم الشیطان
 یبعث ما کسبوا و لقد عفا الله عنهم ان الله غفور رحیم) آیتی و دخی (اولما اصابتکم مصیبه قد اصبتکم مثلها قلتم
 انی هذا قل هومن عند انفسکم ان الله علی کل شی قدیر و ما امابکم یوم التقی الجمعان فباذن الله و لعل الله انؤمنین
 و لعل الذین نافقوا) آیتلری و دخی (ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون
 فرحین بما آتاهم الله من فضله و یتنبشرون بالذین لم یلقوا بهم من خلفهم الا خوف و عذاب و لا هم یجزون *
 یسقیسرون بهمة من الله و فضل و ان الله لا یضیع اجر المحسنین) آیتلری نزول ایتدی (فصل در غزوه سیر) (مخبره)

که غزوه بنی المصطلق دخی در لرزه می ویدر که قبائل عربیدن اولوب مریمج آدلو قوی بیاننده ما کن اولان
 بنی المصطلق قبیله منک محاربه مسلیمه عزیمتاری اینست که رسول علیه السلام هجرتک بشتی یاالتنجی
 یانک شعبانده مدینه دن وانر عسکرله جیقوب مهاجر ینک اونوز انصارک یکر می عدد آنلری اولوب
 بوندن اول غزوات رسول حاضر اولن منافقیندن وافر کسینه وچاه غنیمتله یلدا اولوب طرف اعدادن طوتلان
 جاسوس قتل اولوب اطرافدن بنی المصطلقه معاوتنه جمع اولان کفار انصار ایستد کارنده فرارایدوب
 بنی المصطلقه رسول علیه السلام علی الغله واروب صفار باغلیوب طرفیندن برسات قدر اوق آشوب
 بعده امر رسوله عسکر اسلام حله اید کارنده مسلمانلردن همان برکسینه شهید اولوب کفارندن اون کسینه
 قتل اولوب باقی قتلان ایکه وزار جماعتنده جمع رجال ونسا وصبیان اسیر اولوب ایکه یلک دوه لری بش ینک
 تیولری غنیمت آدوب مسلماننه تقسیم اولندی * مر ویدر که دوشنده بر قوتانده صوبه مضایقه چکابوب
 نماز زمانی فوت اوزره اولغین آیت تیم نازل اولدی حضرت رسول علیه السلام ماه رمضان غره منده سالم
 وغانم مدینه به کیروب یوسف طفره اترله مدنی چله یکر می سکر کون ایدی بعده بعضی اسیرلک اقرباری کابوب
 بعضلری صانوان الوب بیل کوروبوب اسیرلردن جو بریه خاتون ایمانه کلوب حضرت رسول علیه السلام
 آتی کندیله نکاحلند قد مسلمانلر چله اسیرلری بیغیر عیز خاتونک قبیلله سی اسیر اولور واد کلدن
 دیو آزاد ایدیلر (مجزه) مر ویدر که اشوب غزادن دوشنده بر کجه قوتانده عظیم یل اسوب مسلمانلر
 قورقوب حضرت رسول علیه السلام قورقیز مدینه ده کی کفارک بر عظیمک موتیچون ایدی دیوب
 کیدر دید کارنده رفاعة بن زید بن ثابت در دیو یوروب مدینه به وارد اترنده واقعا او کجه یهودیلرک
 و منافقلرک نامدارلندن رفاعة بن زید بن ثابت یلر (مجزه) مر ویدر که مزبور یل امدوکی کجه حضرت
 رسولک بندیکی ناهه یاوی قیلنوب زید بن الصیت آدلو منافق محمد دره سی نه برده ایدوکی ییلر کن غایبک
 موتی نیجه یلوردید کده جبرائیل علیه السلام کابوب زیدک سوز بنی وناقه نک محلی دیو ویرمکن رسول علیه
 السلام بن غیب یلک دعواسن اعزم لکن الله تعالی بکا اول منافق سوز بنی وناقه منک مکانی خبر ویردی
 ایشته فلان برده در که یولاری اغاچه اصلشدر دیوب ایشدر نرسکر دشوب واقعا ناهه بنی وواقعه او حالده یولوب
 کنورد کارنده مزبور زید ایمانه کادی کتاب متقی ده اشوب ایکه مجزه هجرتک طقوزنجی ییلنده تبوک غزاسنده
 واقع اولشدر دیوب کوردر (مجزه) مر ویدر که اسیرلردن جو بریه خاتونک پدیری حارث بن ابی ضرار قیزی
 تخایصه نیجه دیو کوردر کن ایکه سی قیامیوب شهره قریب برده صفایوب حضرت رسول بولشدر قد
 یولری الوب قیزی بکا ویردیوب رسول علیه السلام قی فلان برده صفادینک ایکه دوه دید کده حارث حیران
 اولوب یار رسول الله بن ابی صفادینعی الله بن غیر بر فردیلدی دیوب کندوسی وایکی ارغلو وومندن نیجه
 کسینه ایمانه کابوب اول ایکه دوه بنی دخی کتوردوب ووروب قیزی الوب قیزی ایمانه کابوب حسنا اولغین
 رسول علیه السلام ابی نکاحلندیلر (فصل در غزوه خندق) نیجه ل قولنج هجرتک در دخی ییلنده اکثر
 علما قولنجه بشتی ییلنده شهر شوالده واقع اولشدر مر ویدر که احد غزاسنده نصره مدینه قریبده یهودیلردن
 نقض عهد ایدن بنی النضیر طائفه منده رسول علیه السلام عسکرله واروب نیجه کون محاصره دنصکره یودیلر
 عاجز قالوب امر رسوله مطیع اولد قلنده ماللرین الوب کندولری نئی یلدا یتیمکن یودیلر طاعلوب رئیس لری
 قبائل عربی اغوا و مقاتله رسول تحریک واغوا اید کارنده جیش قریب بد کیشدن اوچیموزات وینک دوه ایل
 درت ینک کسینه بعض قبائل عربیدن الی ینک یاسکر ینک کسینه دخی جمع اولوب حضرت رسوله رزم ایچون
 مدینه به عزم ایدوب رسول علیه السلام بونی ایستد کده اوج ینک عسکرله شهرک طشره منده جیقوب
 بنی قریظه یهودیلردن فازمه کورک وسائر آلات استعاره ایدوب سلمان فارسی تلقینله شهرک بر طرفه خندق
 فازمه باشلوب عسکرله هر برینه در دریا همان بر دراع بر تعیین اولوب رسول علیه السلام کندولردخی
 یله چالوب خط زماننده اولغین اوج کون اوج کجه هیچ بر کسینه ینک پیوب هر بری قارنلرینه
 طاش باغلیوب اون بش یا یکر می درت یا او توری یا یکر می به قریب باه جان الی کون قازلوب تمام اولد قد
 جیوش دریا خروش کداریوش کابوب قونوب طائفه عربک یل کار نیسه اولما غین خندقدن تعجب ایدوب

اون بش یا یکر می درت یا یکر می یدی یا یکر می طقوز کون مسلمانلری محاصره ایدوب هر کون
 انشامه دیک کجه رده دخی نصف اللیله دیک ایکه عسکر بری برلرینه اوقلر وطاشلر آتوب احیانا خندق
 بر یوقه برندن کیرمه برات ایدن کفارله جنگ اولوب طرفیندن نیجه کسینه لیمجروح اولوب مدت مزبوره نک
 اوج کوشنده صیاحدن انشام قرا کولغنه دیک عظیم جنگ اولوب یوغزانک اواندن آخر نه دیک مسلمانلردن
 الی کسینه شهید اولدی کفارندن اوج کسینه مقتول اولوب بریسی عربون عیدود ایدیکه شجاعتده نظیری
 اولیوب ینک نفر آتوبه برابر عد اولور دی حضرت علی افی قتل ایدوب کفار لاهین انکیچون غایتده خربن
 اولدیلمر ویدر که زمان خط وغلا وایان شدت شتا اولغله قلوب مسلماننده حزن وغم مدغم اولغین رسول علیه
 السلام اوج کونه دیک (اللهم منزل الکتاب سریع الحساب اهزم الاحزاب اللهم اهزمهم وزلهم) دیودعا یندی
 (مجزه) دعائک اوچنجی کونیکه یوم اربعه ایدی بین الصلواتینده رسول علیه السلام (اللهم یا صریح المکروبین
 ویا مجیب المضطربین یا قاضی الحاجات اکشف همی وغمی وکری فائک تری مانزل بی ویا صیحابی) دیو مناجات
 قاضی الحاجات اید کده جبرائیل علیه السلام کابوب حق تعالی کفار ره یج وچنود کوند رسه کر کدر دیو
 تبشیر اید کده رسول علیه السلام مبارک اللزین آچوب قلدروب (شکر اشکرا) دیوب اصحابنه مشتلاوب
 بعده امر خالق فردایله بر باد مر داسوب کفارلر چادرلرین قویاروب این کسوب مر ناپا کارینه سنک وخاله
 صاحبوب طوارلری اور کوب قاجوب بری برینه قارشوب غم واشوب اولاشوب قلبلرینه رسن سخن طولاشوب
 اردولر ینک دخی جمع اطرافدن ملائکه تکبیر ایدوب و یونلر تکبیر ونداسن وآلات حرب صداسن ایشد کارنده
 فیلرینه خوف کلی مستولی اولغین کفره بقره (کاهم حرمه تنفره قوت من قسوره) اکثر احوال وانهالی
 براغوب کجه ایچنده چله می فرار اختیار ایدیلر یوغزانک حقدنه نیجه آیت نزول ایشدر که بری بودر (یا ایها
 الذین آمنوا اذکرو انعمه الله علیکم اذ جاءکم جنود فارسلنا علیهم ریحاً و جنوداً لم تروها وکان الله یانعم لول
 بصیرا اذ جاءکم من فوقکم ومن اسفل منکم واذ راغت الابصار وبلغت القلوب الحناجر وتظنون بالله الظنونا
 هنالك ابتلی المؤمنون وزلزلوا زلازلاً شديداً واذ يقول المنافقون والذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله
 الا غروراً) بری دخی بودر که (ولما رأى المؤمنون الاحزاب قالا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله
 وما زادهم الا ایماناً وتسليماً) بری دخی بودر که (ورد الله الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيراً وکفی الله المؤمنين
 القتال وکان الله قویاعزیزاً) اشوبوغزانک ایداسندن انما مننه دیک مجزات عظیمه کثیره ظهور ایشدر کتب
 سیرده مذکور اولان مشهورلری یونلر در که حال ذکر اولور (مجزه) مر ویدر که خندق قازیلور کن بربرده
 بر عظیم قاتی طاش ظاهر اولوب اصلاده وور آتی تأثیراً تمامکن صحابه عاجز اولد قلنده رسول علیه السلام
 مبارک اللزینه فازمه بی الوب بسم الله دیوب اوج کره طاشه چالوب هر برنده طاشک نامنی قویاروب اولکیده
 (الله اکبر اعطیت مقاتب الشام والله ابی لا بصیر قصر المداين الا بیض الا ن) دیوب اوچنجیسده بسم الله دیوب طاشی تمام
 قویار دقد (الله اکبر اعطیت مقاتب الجن والله ابی لا بصیر ابواب صنعاء من مکانی الساعة) دیو یوردیلر
 بعض معبرانده مروی بر حدیثک محصلی بودر که هر برضریده طاشک بر رپاره می قوید بجه طاشدن بر نور
 عظیم برق اوروب مدینه شهر ینک ایکه طرفی برضیا اولوب هر برنده حضرت رسوله صحابه تکبیر ایدوب
 حضرت رسوله اولکی برقد حیره ویداین حصارلری ایکنجیده روم ولایتک حصارلری اوچنجیده صنعاء
 شهر ینک حصارلری آزدوبلری کبی سوری سوری بدنلر کورینوب اوج دفعه نک هر برنده جبرائیل علیه
 السلام سنک امتک یولری فتح وضبط ایتسه لکر کدر دیو بشارت ایدوب انلر دخی صحابه به خبر ویردی
 (مجزه) کتب حدیثده مروی بر حدیث صحیحک محصلی بودر که غزای خندقده کمال خط اتاننده جابر
 ابن عبد الله بر سوزاوغلاقی یوغزالیوب بر اولک طولوسی اربه بنی خاتونی الدکره نیله اون ایدوب بعده
 حضرت رسوله کلوب سزی ضیافته صبرانه شویلمه ندارک ایدم بر قاج کسینه ایله شمر یف یورک دید کده
 رسول علیه السلام یا اهل خندق جابرک ضیافتی واراینجی چله کر حاضری اولوک دیوندا ایدوب بعده جابر
 بن واریفجه تجربه بی آشدن ایدر مرکز وخیری اتک کسکر دیوب بعده غایت جوق کسینه ایل رسول

عليه السلام آتی قصاص اقل اينديروب جله مالي اموال غنيته قاتديلر (مجزه) بازار روايتك صراف
 ناقدی امام وادی ایدرخبر قلعه لرندن برینك اسبی نزار ایدیکه انك خلقی زمان محاصره مسلمانه غایت
 کثرت و شدتله اوقلا ناولردی پس حضرت رسول علیه السلام انزل اولمته مبارک الیه برقبضه طاش آغین
 قلعه زلزله کلوب یزه یکدی (مجزه) مریدرکه ولایت خیر هوا جهتندن و خاست و شدت حر اوزره
 اولوب عسکر نظر آیت جوع و حرارتندن حضرت رسوله شکایت ایتد کلرنده (اللهم افتح للمسلمین اعظم
 الحصون و اکثرها طما) دیودعا ایتمکین عسکر سعادتمال ذخیره و مال الیه مالا مال برقلعه بی فی الحال
 اطفر رب تعالی ایل فتح ایندیلر (مجزه) صحیح بخاریده مریدرکه سلم بن الاکوعنک ایغنده اثر ضرب
 کوریلوب سبی صورلدقده خیر غزاسنده ایامه بریاره بریشوب حضرت رسوله کلدیکمده اوستنه اوج کره
 توکر مکن فی الحال تحت کلوب الی هذا الان و جعتی کوردم دیدی حضرت رسولدن بومقوله معجزه
 بی حد و لا یعد واقع اولوب کتب سیرده برلورنده مذکور و مسطوردر (مجزه) مریدرکه حضرت رسول
 علیه السلام غزو خیرده مسلمانه لرندن برسیچون (هذان اهل النار) دیوب چنکه باشلند قده اوکشی
 محکم چنک ایدوب باره لر یو غالد قده تیرکشدن براوق چیقاروب کندی یو غازلوب حضرت رسوله
 خبر و برکاردنه برکسنه یه یا فلان عسکر ایچنه واروب (لا یدخل الجنة الا المؤمن وان الله یؤید هذا الدین
 بالرجل الفاجر) دیوندا ایلدیلر برروایتده (ان الرجل لیعمل بعمل اهل الجنة فیما یدول للناس و هو من اهل
 النار و ان الرجل لیعمل بعمل اهل النار فیما یدول للناس و هو من اهل الجنة) دیویدیلر (مجزات)
 مریدرکه قلاع خیردن بری غایت محکم اولمقین بکری کون مقداری محاصره اولوب اول ایامده حضرت
 رسول علیه السلام صداع اوزره اولمقین هر کون اصحابدن بری عسکره سردار ایدوب علم شریفی انک الله
 و یروب قلعه چنکه کوندروب انفاق علم مکر می برکون ابو بکره ابرتنسی عمره یا اول عمره ابرتنسی ابو بکره
 ابرتنسی بنه عمره و یروب هر کونده عظیم جنک اولوب فتح میبر اولد قده اول کیجه حضرت رسول علیه
 السلام (اما والله لا عین ارایه غدار جلا کرار اغیر فرایح بحب الله و رسوله و بحبه الله و رسوله و یفتح الله
 علی یده) دیوب برروایتده محمد بن مسلمه یه مرده سکا که برادر لسانی یار بن قتل اولور دیوب صحابه دن نیجه لر
 علم شریف و بریل چنک بن اولایم دیو آرزو یدینوب حضرت علی ایتد کده (اللهم لا تعطی لما سئلت
 و لا مانع لما اعطیت) دیو جناب حقه توکل و التجا ایدوب علی الصخر خیمه رسول جله اصحاب جمع و امر عالی
 طهورنه موجه دیده و جمع اولد قلعه سعادته طشره چیقوب قتی علی دیوب محکم کوزلری اغریدید کلرنده
 کتور دیوب کوزلرته بارل اغزلری یارین سوروب دعا ایتد کلرنده ایکی کوزی دخی فی الحال شفا و صاف اولوب
 آخر عمر نه دل کوز اغزیسن کورسیوب برروایتده (اللهم اذهب عنه الحزن و القتر) دیودخی دعا ایتد کلرنده
 یازوقش افشومیوب و درلیوب یازده نیش لباسن قشده یاز لباسن کیر اولدی * پس علی ولی اول ذوی
 القدر الجلی امر رسوله فتح قلعه به یور یوب رئیس یو داولان مر حب نام بهادرلک برادر ی طمره چیقوب
 ایکی مسلمان شهید ایدوب حضرت علی دخی الی قتل ایتد کده مر حب بی ادب شدت غضبه چیقوب (شعر)
 قد علمت خیرانی مر حب * شاکی السلاح بطل مجرب * اذا الحرب اقبلت تلهب * ان حای للعمی
 لا تقرب * دیو کندوبی مدح ایدوب علی صقی صقی دخی (شعر) انا الذی صقی حیدره * ضرغام اجام ولت
 قصوره * عبیل الذراعین غلیظ اقصره * اکیلکم بالکیلر کیل السندره * دیوب مردانه میدان کیروب
 مر حب فتح حواله ایتد ایتد کده علی اندن اولد بر یوب حضرت رسول مختار و یردیک ذوالفقار خصم
 شکار ایلد چالوب قلعه مان و مغیرن و سر کفر انسرین محقق ایکی شق و دیار عدمه ملحق ایتدی بعده مسلمانلر
 کشاره حله ایدوب وافر کافر قیوب حضرت علی کدومی سکن قتل ایدوب بقیه کفار قامه یه فرار ایدوب
 بر کافر علی نک الله اورد قده النذن قلعانی دوشوب بری دخی قانوب ایچر و قاجوب علی دریا خروش دیک غضبی
 چو شایع کین قلعه نک دمور قانوسن زورله قویاروب قلعه ان ایدینوب چنک آخرنده مسکبان فارس مقداری
 اردنه انوب بعده یی یا شمس کسنه زورله تحریک ایدیلر بشرح مواضع حضرت علی (ما قلت باب خیر
 بقوه جسمانیه و اکثر بقوه الهیه) دیش دیوب مواهب لدیه موافی ایدر شیخه ز دیندرکه قلع باب خیر

باینده وارد اولان هر خبر قول ضعیف ایدیکه مقرردر انکچون بعض علما الی انکار ایتد و الله اعلم
 (مجزه) مریدرکه حضرت رسول علیه السلام قلاع خیر ی فتح ایدوب برینه کیرد کده مر حب
 همشیره می زینب بی ادب معرفت یو دمر دودله برقیون برایتلک هر برایتنه وافر زهر قاتل قانوب کتوروب
 رسول علیه السلام کورل اوستندن بر اقمه سنی مبارک اغزیده قود قده فی الحال نو کروب اشبوکولک زهرلو
 اید و کنی بکاجرا میل خبر و یردی الی ریکه چنکه ز دیوب صحابه چکلوب بعده زینبی کتوروب نیچون بویه ایتد
 دیوب اودخی اگر محمد پادشاه ایه زهر یدیروب قورله لم اگر یغمه بر ایه مهلوی اولور دیو ایتدم دید کده
 برروایتده رسول علیه السلام الی قتل ایتدیروب برروایتده ایمانه کلدیکین عفو ایدوب امام بیقی قولنجه ابتدا
 عذوبه بشر آدلو صحابی تأثیر زهرله فی الحال وفات ایتد کده قصاص اقل ایتدیردی بشردن غیری بعض صحابه
 دخی بکین وفات ایتدیلر مریدرکه رسول علیه السلام مبارک ارقه لرندن حجات ایتدیرمکله دفع ایدوب
 لکن کاهی انکالم واضطرابی حرکت ایدوب اوج یلدنصکره مرض موتارنده مرتبه شهادت دخی حاصل
 اولمقینون بحکم الله تمام حرکت ایدوب و حالده (ما زالت آکله خیر تعادونی فی کل عام حتی کان هذا
 اوان قطعت ایهری) دیو یو ر مشلر اهر دن مراد سب حیات اولان یورله طمر یدر یا خود شاه طمر یدر عیشر
 (مجزه) مریدرکه رسول علیه السلام خیر غنیترین قانوب بهار بن جمع ایتدکی قروه بن عمرو اصغر لیوب
 نیز صا لمقینون (اللهم انی علیها التفات) دیو دعا ایتد کده بی حد و لا یعد متاعا علرا و لغین زمان طویلده صانفاق
 تخمین اولتورکن باتا نیر دعا رسول بین الناس مر غوب و مقبول دوشوب جله سی ایکی کونده صاناقوب
 صاولدی (مجزه) صحابه دن ابوالسیر ایدر غزای خیرده برکیجه بر سوری قیون صحرادن کلوب قلعه یه
 کیررکن حضرت رسول علیه السلام (هل من رجل یطعمنا من هذا الغنم) دیوب بندخی (ایا یارسول الله)
 دیوب (افعل) دیو یو ر مغین سکر دیوب کتدیکمده بنمچون (اللهم متعنا به) دیو دعا ایدوب بن قیونله یتشبعه
 سورینک اقلی قلعه یه کیروب اخرندن ایکی قیون دویوب قوائیمه الوب غایت خفت و سرعتله دویوب
 کلدیکمده رسول علیه السلام بوغازلوب اصحابله یدیلر مر یو ابوالسیر یو حدیثی دایما روایت ایتدیکه
 اغلا یوب (أشعونی حتی کنت آخرهم) دیر ایدی یعنی بنم طول عمره دعا ایتد کلر یچون بویه چوق
 بشادم دیوب رسول عالی جنابدن و سائر اصحاب و احبابدن کیر و قالد یغه اظم ارغم و حزن و الم ایدردی
 (مجزه) مریدرکه فتح قلاع خیر دینصکره حضرت رسول علیه السلام بوسنه جمادی الاخره سنده
 طوغر و همان وادی القری فتحه کیدوب انده اولان یو دیلر ایتد کلرنده محاربه یه حاضر انوب حضرت
 رسول علیه السلام ایمانه دعوت ایتد کد نصکره صقر باغلیوب درت کون یادخی زیاده محاصره ایلد فتح ایدوب
 یا خود اول کون جنک اولوب اون یو دی قتل اولانوب حضرت رسول قوی مدغمه اوق طوقوب شهید
 اولوب ابرتنسی فتح اولوب انواع اموالدن غنیمت کیره حاصل اولوب رسول علیه السلام یو دیلری قتلدن
 عفو ایدوب مز اربع و بتانلین عادیقه کدولر ایشلیوب مقابله ده همان الخیج ابرتنلین المقی تعین یوروب
 یتام و دیلری بو خبر لری ایتد کلرنده خوف لرندن مصالحه ایدوب خراج کز اولدیلر (نصل در غزوه مکة
 مکرمه) اشبو فتح علی درجات حضرت رسوله اوردنیوب ده اعظم مرادات و نتیجه مقدمات جمیع غزوات
 اولد قده می غایت طویل اولمقین کتب سیرده اولان تفصیل کمال اجالی یو متوال اوزره درکه هجرتک التبی
 یلنده رسول علیه السلام مدینه ده برکیجه واقعه سنده اصحابله مکبه واروب طواف و عمره ایدر کورمکین
 جنک انیوب همان عمره ایتدیکچون آشکاره وارمغده بوسنه نک ذی القعدة می غره سنده یلک در یوز کسنه
 ایلد غزم ایدوب مکبه بر قوناق برده حدینه نام مکانه وارد قده کفار قریش مقدمات ایتد کلرنده عسکر جمع
 ایدوب حضرت رسول مکبه وارمغنه عدم رضای بنه ابلیحی کوندروب رسول علیه السلام دخی حضرت
 عباسی آنره ابلیحی کوندروب وارد قده بر قاج کون آلیه و یوب یو جاننده خبر قتل شایع اولد قده رسول علیه
 السلام (لقد ردی الله عن المؤمنین اذ یبایعونک تحت الشجرة) ایتد یو ر لدی اوزره بر اغاج دیننده قول اصح
 اوزره یلک در تیوز الیه یلک بشو زما ییننده اولان اصحابدن محاربه قریش بیعت اولوب بعده خبر تحت حضرت
 عثمان طلب صلحه قریشدن ابلیحی کلوب بوسنه مسلمانلر مکبه کیر میوب کاه چنک سنه کلوب جله قریش

شهری خالی قویوب مسلمانان همان اوج کون او توروب بعده چیه قویوب کتسه دوسنه دن اوج یله دله مسلمانله
 کفار هج روجه له جنگ وجدال اجتماعه و قبيله خراعه نك مسلم و کافر لری مسلمانلر عقد و عهد ندنه و جهله سی
 کفار اولان قبيله یی بکر قریش عقد و عهد ندنه اربله قرار اولوب حضرت علی خطبه صلح نامه یازیلوب
 حدیثیه ده چله یکرری کون طور یلوب بعده مدینه به دوندکاری کیجه یوله سورده انا فتحنا نازل اولوب فتح
 خیبر ایله فتح مکه به اشارت و بشارت اولوب مدینه به ذی الحجه ده کیروب ماه محرم ده فتح خیبر ظهور یارب و یارب
 اشوبد چي سنه نك ذی القعدة سنده رسول علیه السلام ایکی یك کسسه ایله عهد سابق اوزره عمره ایتمک
 مکه به واروب بعد الا دمه به به کلد کار ندنه سکن یی سنه نك شعبان سنده ایمان دن بری اولان قبيله یی بکر دن
 بری مکده حضرت رسول حاشا سب ایدوب قبيله خراعه دن بری آتی قتل ایتمک یی بکر دن بعضی قریش دن
 مهازنت دیلیوب آنلر دخی خفیه بعضی سلا حاروب و یارب حتی بر قاج مشهور لری دخی تبدیل صورتله معاونه
 کیدوب خراعه به شیخون ایدوب یکرری کسسه لری قتل ایدوب ایکی فرقه جنگ ایدرک چاق حرم کعبه به
 کیروب مشاهیر خراعه دن بعضی مدینه به فریادی واروب رسول علیه السلام انلری تسلیم ایدوب قریش
 بد آیش نقض عهد ایستد کله یی بریشان و پشیمان اولوب ریسلری ابوسفیان خیانتلری طویلادی ظنیه
 تجدید عهد صلح و تطویل مدت ایچون مدینه به کلوب بولشوب محرم و صفر و کتده رسول علیه السلام
 مکه به عزم ایدوب چله کفار خبردار اولمغه دعا ایدوب سنه ثامنه رمضان نك اون یی کوفی مدینه دن چیه قویوب
 یوله مهاجر بن و انصار و سائر طوایف دن چله اون یی یل یا اون ایکی یك عسکر جمع اولوب مکه به درت فرسخ
 یقین یرده قوند قلمی کیجه عسکر عدده کیجه عظیم آنلری ایدوب اوطرف ده بعض کفار قریش تجسس اخبار
 ایچون دائم کشت و کذا رده ایکن مقدمایمانه کلن اولان حضرت عباس ابوسفیانله کرکن حضرت
 رسول اردوسن کوروب فراسله یلوب واروب بولشوب ابوسفیان ایمانه کلوب چله قریشه امان
 دیلد کار ندنه رسول علیه السلام (من دخل المسجد فهو آمن ومن دخل دار ابی سفيان فهو آمن ومن أغلق بابا
 فهو آمن) دیوندا ایدوب ابوسفیان ایمان و خبر امانله مقدمه وارد قده قریشک عقلاقی کبی اولرینه کبی
 حرم شریفه طاغلوب و طرف ده رسول علیه السلام مهاجر بن و انصاره قاتلرینه زبیر بن العوامی سائر قبائل
 عرب دن اولان مؤمنین مقاتلرینه خالد بن الولید یو چله دن سلاحی ایدوب پیاده اولنله ابو عبیده بن الجراح
 سردار ایدوب کفارک مؤذیندن اسم و رسم لریله اون برار والی عورت ایچون هر نه یرده بولورسکزی علی کل حال
 البته قتل ایدوب انلر غریزندن سز کله مقاتله ایتمکله مقاتله ایتمک دیوب هر فرقه به بر رقوناق تعیین ایدوب
 حضرت زبیر مکک یو قار و طرف دن واروب علم رسولی امر شریف اوزره مقبره ییانه دیکوب قویوب یوله
 و آند اصل جنگ ایتموب خالد بن الولید دخی امر رسول اوزره مکک اشاخی طرف دن واروب شهر کار ندنه
 قونق اوزره ایکن قریش و سائر کفارک اشقیامی محاربه ایچون انده طور مغین ناچار جنگ اولوب حرم
 شریف قوسنه دله کفره دن یکرری سکر ابن عباس قولنجه یتم کسسه قتل اولوب باقیلر نك کبی شهرک
 اولری ایچنه کبی طاعنه کبی اطرافه واکانه قاجوب مسلمانلر دن همان ایکی کسسه شهید اولدی رسول
 علیه السلام کلوب جادر لره قوند قده خالد کلوب جنگ ایچون عذر ایدوب رسول علیه السلام (قضاء الله خير)
 دیو یوردیلر معارج النبوه ده هر ویدر که رسول علیه السلام خالد بن سکا (ارفع عنهم السيف) دیو آدم
 کوندر مدعی دیو قاقوب اودخی کلان آدم (ضع فیم السيف) یوردیلر دیدی دیوب اوزر سنه یی
 چاغرد قلند بن سکا نه امر ایدم دیوب اودخی (ارفع عنهم السيف) دیو دیمش بکر لکن دیک ایستد بکمه
 بائی کور که ایغی رده بر عظیم شخص فارشوبده کور شوب انده کی حرب سنی کوسمه طویوب خالد (ضع
 فیم السيف) دیو امر ایدیلر دی یوخسه سنی هلاک ایدرم دیکین مجبور اولم دیدر که رسول علیه السلام
 (صدق الله ورسوله) عم حزه شهادتده قریشه ظفر یولایغمده یتیم کسسه لری قتل ایدم دیمشیدم اول
 زمانه الله تعالی بی نبی ایتمشیدی شدی دیلر که یغمیر نك اسانه جاری اولان کلام واقع اوله آنکچون بوقصه
 ظهور ایدی دیدیلر مقدما قتل اید بکر دیدکاری اون برارک دودی والی عورتک دخی دودی فتح مکه کوننده
 حرم شریفه قتل اولوب باقیلری بر طرفه قورلوب بعده اهل ایمان و امان اولدیلر هر ویدر که رسول علیه

السلام روضانک یکر یی کوفی یوم جمعه ده وقت فضا ده ناهیه یوب سیاه دلبند صار یوب سورة اما فضا یی
 تمام اوتوبه رقصه کیروب چله احباب له بکیر ایدرک کعبه یی طواف ایدوب کعبه نك طشره سنده کی صغری
 کیدر ووب بعده ایکی رکعت طواف نمازین قیلوب بعده تقدیم و تأخیر ندنه روایات مختلفه اوزره مفتاح باب
 کعبه یی قدیدن یوایان کعبه نسلدن اولان عثمان بن طلحه دن ایستوب بالکابه و بریم امانه و بریم دیوب
 و یروب باب شریف آچلد قده رسول علیه السلام ایچر وده اولان صغری و صورتلری قیروب کیدر ووب
 نماز قیلوب بعده کعبه قوسنده طور ووب (لا اله الا الله صدق وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده) دیوب
 اهل مکه به خطابه (ماذا تقولون وماذا تظنون) دیوب انلر دخی (تقول خبرا و تظنون خيرا) یم و ابن
 اخ کریم و قد قدرت دید کار ندنه (فانی اقول ما قال اخي يوسف لا تتريب عليكم اليوم يغفر الله لكم وهو ارحم
 الراحمين) اذهبوا فانتم الطلقاء) دیوب یعنی وارک جله کن آزاد اولوک دیوب بعده عادات جاهلیت دن مقایه
 وسدانه دن غیر یلری شد نکیر و باطل اولدی چله خلق خا کدن برادلفین مرتبه ده برابر اولوب حبیب رحمان
 انجی تقوادر دیوب (ان اکرکم عند الله انذاکم) ایی اوتو دیلر مر ویدر که مقام حضرت ابراهیم اولان حجر کریم
 کعبه به ملاصق قونمغین رسول علیه السلام ای قالدیروب چاه زمزم قریه بکتور دیلر مفتاح کعبه یی حضرت
 عباس حضرت علی هر بری ایستوب لکن حضرت رسول علیه السلام ای امانه الممش اولوب (ان الله باصرکم
 ان تؤذوا الامانات الى اهلها) آیی نازل اولمغین بنه عثمانک الله و یروب (خذوها خالدة تالدة لا یرعهما تنکم
 الا ظالم باعمان ان الله استأمنکم علی بیته فکوا ما یصل الیکم من هذا البیت بالمعروف) دیو یوردیلر *
 هر ویدر که رسول علیه السلام صفا اوزر ندنه اوتوروب مسلمانلر دن هر کس قادر اولد چله سبع و طاعنه رجال دن
 بعده نسادن یعت الوب بعد الفتح مکه ده اون بش یا اون طقوز یا اون بدی یا اون سکر یا اون الی کون اوتوروب
 مسافر اولمغین قصر صلوة ایدوب بعده حنین غزاسنه کتدیلر اشوب غزوه فتح مکک اوائل و اواسطه مخرجات
 کثیره ظهور و رایت شد که کتب سیر ده اولان مشهور لری یودر که ذکر اولنور (معجزه) هر ویدر که رسول علیه السلام
 قبل الفتح مدینه به بر کیجه آیدست الوب اوج کره لیمک امینک اوج کره نصرت نصرت دیوب خاتونلر دن مجونه
 بنت الحارث سوال ایدر که (هذا راجز بنی کعب بتصرختی ویرغم ان قریشا اعانت علیهم بنی کعب) دیوب
 اوج کوندر نصکره واقعا قیلله خراعه دن اولان بنی کعب طرف ندن بروق مقدم بکدی اوزره قریادی کلدی
 (معجزه) هر ویدر که قدیدن عداوتلری اولوب دائما جنگ اید کدکاری خراعه اید ایله یی بکر مکده مقاتله
 ایدکاری کیجه نك صبا حنده رسول علیه السلام اغانشه اقد حدث فی خراعه امر دیوب اودخی قریش سرکله
 صلح لری یوزدیلمی دیر سز دیدر که یوزدیلمی شول نسبه ایچون که الله تعالی انلره ای ایتمک دیادی دیوب اوسته
 خیر میدویدر که انشاء الله خیر اوله بقدر دیدیلر (معجزه) هر ویدر که اول فریادی حضرت رسول بچاندنه
 حسب حالرینه متعلق بر قصیده اوقیوب بعده کو کدن بروات بکد که رسول علیه السلام (ان هذه السحابة
 انتم ل لهم بنی کعب) دیو یوردیلر یعنی اشبو واث بنی کعب طائفه سنک عدولرینه غالب و منصور اولمغین
 خبر ورو (معجزه) هر ویدر که رسول علیه السلام (کانکم بائی سفیان قد جاء لشیید العقد ویزید فی المدة)
 دیو اصحابه خطاب ایدوب بر قاج کوندر نصکره واقعه ابوسفیان تشدید عقد و زیادت مدت ایچون مکد دن
 حقیقه کلدی (معجزه) هر ویدر که رسول علیه السلام مکه فتحه کتیمک اوزره ایکن (اللهم خذ العيون
 والاخبار عن قریش حتی نسبقهم فی بلادها) یوب بر روایتده (اللهم غم علیهم خبرنا حتی نأخذهم بقتة)
 دیو دعا ایتمکین چاق سعادت مکه تر به وارم چجه کفار خیر دار اولدیلر (معجزه) هر ویدر که صحابه دن
 حاطب بن ابی بلتعه قلینده نفاق یو عینک اهل مکه ایچنده اقر باو عشرتی اولمغین مجرمه دار ایچون عزمت
 رسولی انلره اعلامه نامه کوندر ووب اخبار جبرائیله رسول علیه السلام یلوب بدی کسسه کوندر ووب فلان
 رده حاطب بن ابی بلتعه نك جاریه سنده کی نامه یی بولوب الوب کندوی قویوب ویرک ویرمسه قتل ایدلر دیوب
 وارد قلند بولمغوب تحویف اید کار ندنه باشنک صاحب دن حقیقار ووب ویدی رسول علیه السلام حاطبی
 چاغروب نیچون یول ایدلر دیوب اودخی عذر ایدر که کربک سوبلر دیدیلر (معجزه) هر ویدر که مکک نك
 طشره سنده دمور و باقر ایله بر کد یلوب ایام سنه عدده چیه اوجیوزا تشهر هم اولوب رسول علیه السلام طواف

السلام دعایه با شویب هو آجملی ایکن دعا تمام اولدین فی الحال بولنر کلوب عظیم یقه وریاغوب جمیع
 عسکر قریه لرن طولدریلر (معجزه) هر ویدر که یوله بعض کسینه لر بر ایکی شرفالوب اولدو دخی دومی
 یوریز اولدقده براغوب اسبابی امورینه الوب یا کزجه کلوب یشد کده (رحم الله ابادر عتی وحده
 وبعث وحده وبعث وحده) دیو یوردیلر واقع اچاق حضرت عثمان خلافتنده تفصیل محتاج وجهله برتنها
 حصراه وفات ایند کده یا تده خاوندله بر خد متکارندن غیری بر کسینه اولوب وصیتی اوزره غسل وکفن
 ایدوب یول اوزرنده قودقارنده صحابه دن ابن مسعودله بر جماعت بر بردن کاورکن راست کلوب نمازین
 قیلوب دفن ایدیلر (معجزه) هر ویدر که یوله حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله یاقه یای قیلوب صحابه آتی ارامغه
 کند کزنده زید بن الاصم اولو بر منافق محمد غیبین خبر ویرکن دومی نه یرده ایدو کنی نیچون بلزدید کده
 رسول علیه السلام اعلام حقه آنک یوسوزنی یلوب بر کسینه بنمیعون یوله یلدی الله حقیمون بن الحقیق
 الله بلدر دیکنی یلورم تحقیق بکا الله تعالی ناهه ملک یرینی شمدی بلدردی ایشته فلان وادیده در یولاری
 براغاجه ایلوب طور در یوب واقعا اووجهله بولدرلر معالمتیز یله اشوب معجزه چاق غزوه بنی المصطلقه
 واقع اولدی دیومند کوردور (معجزه) هر ویدر که رسول علیه السلام یار بن ان شاء الله قوشلق زمانده تولد
 ییکارینه وارر سربن وارمینجه بر کسینه اندن صوملسون دیوب اتفاق ایکی کسینه مقدم واروب صولوب
 رسول علیه السلام واروب خبر الدقده ییکارلر صوبی غایت از اولغین کوجله بر مقدارجه صوجع ایدوب
 مبارک یوزلرینی والری یوب اول صوبی ییکاره وکدر کده ییکار قینا یوب طاشوب چله عسکره مع زیاده
 وفات ایدی (معجزه) هر ویدر که رسول علیه السلام خالد بن الولید بنی توبکدن در تیوز یکرری بر آنلو
 عسکر ایه هر قل طرفندن شامه بش منزل برده دومه الجندل ولایتک یکی اولوب عرب طائفه سندن اکیدر
 ابن عبد الملك اوزرینه کوندروب خالد دخی یار رسول الله بنی کاب قبیله سی ولایت سندن یوقدر آزعسکر ایه
 نیجه کیجه یلورم دیوب رسول علیه السلام دخی سن اکیدری کیجه بیان صغری و بیان جاری شکارینه
 حقمش بولور سن دیوب خالد کیدوب اکیدرک حصار یانه وارد قده غایت لطیف آید نایغنده اکیدری
 همان بر فاج آنلو اید شکاره حقمش یلوب اکیدری طوب برادری حسان جنکده قتل اولوب
 بولدا شاری قلعه یه قاجوب بعده خالد اکیدرله قلعه یه واروب اکیدرک مصاد آدلو بر برادری دخی قلعه ده
 اولغین امانله قلمه یی آچد یوب اکیدر خالد ایکی یکت دوه سکر یوزات در تیوزجه در تیوز کوندور
 و یوب صلح اولوب بعده خالد اکیدرله مصادی حضرت رسوله کتوروب خراج گزارانی قبول ایدوب
 امان نامه الوب اجازتله ولایتینه کتدی (معجزه) هر ویدر که یوله بر کیه بر عظیم یل اوب رسول علیه
 السلام (هذا الموت منافق عظیم التفات) دیوب واقعه سامدینه یه کاد کارنده یه نیجه ده بر نامدار منافق
 وفات ایدوب (معجزه) هر ویدر که یوله بروادیده بر بردن ایکی اوج کسینه به الحقیق وفاتیده چک
 قدر غایت آرزو چاقوب رسول علیه السلام بن وارمن دن اول کسینه آن دن صوملسون دیوب منافق کد
 بعضی واروب ولا نیجه صوبی الدقارنده رسول علیه السلام قاقیوب بعده اشاعه ایشوب مبارک الیه بر مده دار
 صوجع ایدوب الیری یوب ایچینه دو کده صدای رعد کی عظیم آوازله صوقینا یوب طاشوب چله عسکر
 مستوفی صولاندیلر (معجزه) صحیح مسلمده هر ویدر که غزوه تودکده ذخیره نک غایت مضایقه سندن عسکر
 بی حساب عظیم اضطرابده اولغین رسول علیه السلام مسلمانلرک اولانجه آزلری بقیه لرینی کتوروب بر سفره
 اوستنه غایت از سنه جمع اولدقده برکت و برکته دعا ایدوب (خذوا فی اوعیتکم) دیو یوردقده مسلمانلر
 قایلر بن کتوروب هر بریسی مراد نیجه تمام طولدروب عسکر ایچینه قایی طولماش بر کسینه فالمدی حضرت
 رسول علیه السلام یومجزه یی کوروب (اشهد ان لا اله الا الله وانی رسول الله لایق الله به) عابد غیشاک فیججز
 عن الجنة) دیو یوردی (فصل درج رسول علیه السلام) یو حجه رسول علیه السلام وفاتلری قریب
 اولدینی مقدمه بلکین عرفاتده خطبه او قورکن خلقله وداعلشد بیچون اکا حجه الوداع درلر چک ابتدا
 فرضیت زمانده عظماء علماء اصناف و اخلاف کلی اختلاف ایدوب هجرتک التبی بایشنی با طقوزنی یاسکزنجی
 بایدنی بیانده واقع اولدور رسول علیه السلام قبل النبوه مکده نافله طریقله قاج صحیح ایدوکی معلوم

اولوب اما بعد النبوه وقبل الهجرة مکده ایکن نافله طریقله صحیح ایدیکنده وایتدیکنی تقدیرجه برکه با ایکی
 کده ایدیکنده دخی اختلاف اولوب لکن بعد الهجرة مکده مکرمه کفار قریش ضبطنده اولغین وجهله اوقات
 شریفه لری غزایه و دعوت دین خدایه مصروف و جل همتلری آنره معطوف اولغین وفاتلرینه دل همان
 برکه میسر اولدینی کتب سیرده محقق و مقرر در آنک کیه یقینده اولان تفصیل کمال اجمالی بودر که هجرتک
 اونچی سنه سی ذی القعدة سنده حجه کیده جکرینی خلقه اعلام اید کزنده تبرکاتله کمال ایچون قبائل
 عربدن وافر کسینه کلوب چله طقسان یکت یا یوزاون درت یکت یا دخی زیاده یا چله فرق یکت کسینه ایه
 وکندور یکت طقه و خاوندلر یله مکده عزم ایدوب کندور بندیک ناهه اوستنده مجر دواضه الله الحقیق درت
 ایجه دکر رخت اولوب خضوع و خشوع وصفاء قلب و خاطر دن فکر ماسوی الهی سلب ایه مکده واروب
 جمعه کونی اولان عرفه کونده حجاج هدایت مناج رحت محتاج ایه عرفاتده طوروب کندور جبل رحته
 حیقوب ادعیه شریفه و نصایح اطیفه ایه خطبه عظیمة الریه اوقیوب مهمات دین اسلامی بالتام اعلام ایدوب
 دعا لربک بری بودر که تمناذ کرا واندی (اللهم انک تسبح کلامی وترى مکانی وتعلم سرى وغلائیق ولا یخفی علیک
 شی من امرى انا البائس الفقیر المستغیث المستجیر الوجل المشفق المقتدر المعترف بذنوبه اسألك مسئلة المسکین
 وایتم الیک ایتمال المذنب الذلیل وادعول دعا المنان الضمیر بمن خضعت لک رقبته وقاضت لک عیناه وذل
 جسدی ورغم انک لک اللهم لا یجھانی بدعا نکر رب شفیعا وکن ی روفار حسیا یا خیر المسؤلین یا خیر المعطین)
 اشاء خطبه ده (الیوم اکلت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا) آیت کریمه سی نزول
 ایدوب هیبت وحی رب العزت دن حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله یقین ناهه غرق اولوب یی قیلغنه یقلا شوب عاقبت
 در بر جود کدی هر ویدر که رسول علیه السلام عرفه کیجه سی جمیع امتلر یه رحت و مغفرت اولغنه دعا ایدوب
 حقوق ناسدن غیری کاهلری باغلام دیو وحی کلوب یارب دیلر ملک مظلومه جنتده عوض ایدوب ظالمی
 یار افراسن دیو دعا ایدوب لکن اول کیجه وحی کلیم ایتنی مر دلفه ده تکرار دعا اید کده علی ما هو المأمول
 قبول اولد یغنه وحی الهی وصول بولدقده مرادی حصوله حضرت رسول شادان و خندان اولوب سببی
 صورلدقده اسم حقنده دعاء کقوانی ابلیس یلوب غم واضطر ایدن به کاول و هلاک دیو باشنه خالد
 صاحب یغنه خندان اولدم دیو بیان یوردیلر مناسک حج تمام اولدقده یه ماه ذی الحجه ایچنده مدینه یه کلدیلر
 (معجزه) اشوب حج شریف سفرنده نیجه معجزات ظهور ایدوب اعظم واغری بودر که حضرت رسوله قیلد
 عامه دن طوغدینی کون براوغلا نیچ کتور یلوب دعا رجا اولدقده اکابن کیم دیوب انت رسول الله دیو
 سو یلد کده رسول علیه السلام (صدقت بارک الله فیک) دیوب بعده اول اوغلا نیچ عادیجه سو یلیه چک ایشه
 وار نیجه ارتق بر سوز سو یلیوب حقنده بارک الله فیک دیو بیور لقیق مبارک الیامه دیو مشهور و رسیده ناسده
 مذکور اولدی (فصل در ظهور متنبیان) کتب حدیثده رسول علیه السلام (لأنقوم الساعة حتی یخرج
 نلأون دجالا کاهم بدی النبوة) دیمشدر دینوب واقعه اشوب کذا بلر نظم ورنک ایتامی حیات رسوله واقع
 اولوب کتب سیرده مقرر در رسول علیه السلام حجة الوداع دن مدینه یه کاد کده خسته اولوب بعده صحت
 یلوب بعده مرض موت ظهور ایددی بس دیار عربده مابقا اوج کسینه برولا یتده دعوی نبوته باشا یوب
 خلق اضلاله سی ایدرکن حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله خسته ایلری ایشیدل کده ولایتلری خلقی کدولره تابع
 ایدیلر بریسی ولایت یغنه قبائل عربدن بنی عنس طائفه سندن اسمی عیله اقبی اجدو عنمی ایدیکه یوزینه
 نقاب اورتدیکچون ذوالخمار یا خود طور دیکدی زمانده طور بر جاری اولغین ذوالخمار دیکله اشتهار
 بولشدی خلق ایچنده واقع اولان اموری خبر و یوب انواع حکم و حیله تعلیم ایدر شهیق و شریق آدلو ایکی
 جن بوکا مقارن و معان اولغین بکا شوموله ایکی ملک کوردو یوحاشا دعوی نبوت ایدوب بعض عرب
 قبیله لری مرید اولوب بوکا تابع اولغین حضرت رسول طرفندن ولایت بن حاکمی اولان باذان قاری وفات
 اید کده امود کذاب حاکم خالی اولان یغنه مسلط و والی اولوب جبر و قهرله باذانک خاوندن یا خود شهر بن
 باذان قتل ایدوب آنک خاوندن الوب رسول علیه السلام ایشته کده بعض صحابه و مامر مسلمینه اسودله چک
 ایدمه سز دیو مفصل خبر کوندروب چله مدت ظهورندن درت آید کده خاوندی معرفتله فیروز دینی ایه

بر کشته دخی آنک خنجر خانه می دیوارنی اردندن دلوب کیروب اسود لعین سر خوش و بیعوش یا نورکن
 آوازی بکچیلر اشتیامک ایچون سر کفرانسرین الار یله محکم بوروب یوزنی آکسه سته چوروب بده کسروب
 طنره چیقاروب تابع ارلان کفارطاعلوب مدینه ده رسول علیه السلام بو کجه اسودی فیروز دیلی قتل
 ایتدی دیوب ایتدی رسول علیه السلام وفات ایدوب بده اسودک عینله او کجه قتل اولندی خبری کلوب
 مجزه رسول ظهور ایتدی * ایکنی مسیله کذاب ایدیکه مقدمه قبیلله سیله کلوب حضرت رسول بولشوب یمنه
 واردقده حضرت رسول علیه السلام حیاته ایکن دعوی نبوت ایدوب قرآن عظیم سورلرندن انا اعطینایه
 الم تریه و اننا زعانه حاشا نظیره لشکندده بعض کلمات سولیب سها یا شایوب لکن بین البغیا رسوای
 اولدی (لحرره) مقلد بکیز من اصلا سیله * اولورسه دخی یلک تلبیس وحیده * بکا بوسوزلی جبرائیل
 کتوروب محمدله ایکی زنی نبوته نمر بک ایتدی دیوهرزه سولیب طوق عرطه سن نشادرایله سرکه ایچنده
 یومنادوب بده اغزی طار بریشیه به قویوب اوزرینه صوغوق صودوکوب عرطه قاتیلشوب بنمونه مجزه
 بودوب کتدوقبیلله می اولان بی حقیقه احتلرین ایتدوب بعد زمان خلقه خوش کامکیچون نمازک
 فرضی قالدی و زنا و شرب خمر حلال اولدی دیوب بعد اهل هوایی اغوا ایدوب کتدوبه طایع و کال محبت
 و اعتقادله تابع ایتدی * اوچنجیمی بی نیم قبیلله سده سباج آدلو عورت ایدیکه مسیله ایله جنکه عسکر
 چکوب واردقده مسیله آتی نکاح حلوب مهر مقابله سده تسو غمازیه صباح نمازندن توابعی معاف ایدوب
 حضرت رسول علیه السلام وفات ایدوب ابو بکر خلیفه اولاقده مسیله ایله جنکه خالد بن الولیدی سردار
 ایدوب کتدوب تفصیل محتساج وجهله نیجه دفعه عظیم جنگلر اولوب عاقبت مسیله قتل اولوب سباج
 طونلوب توبه صحیحیه ایله ایمانه کلوب معاویه خلافتنه دلک حیاته ایدی * در دنجیمی بی اسد قبیلله سندن
 طلحه نام کشته ایدیکه یلک کشته ایله یالکز جنک ایتکه قادریایت بادر اولوب مقدما حضرت رسول
 بولشوب ایمانه کلوب برینه واردقده دعوی نبوت ایدوب محمد جبرائیل کادیکی ککی بکادخی ذوالنون
 آدلو برملک کاور دیوب کتدوقبیلله سنی و بی فزاره قبیلله سنی تابع ایدوب حضرت ابو بکرک سرداری خالد
 ابن الولیدی مسیله ایله جنکدن مقدم طلحه ایله محکم جنگ ایدوب عاقبت توابعی طونلوب آتیه یا قوب طلحه
 شامه فاجوب حضرت عمر خلافتنده جان و دلدن ایمانه کلوب حج ایدوب مسلمانله عجم نفرینه کیدوب آتده
 عظیم جنگلر ایدوب عاقبت نه ساوند جنکندده نه مید اولدی (فصل در ختم نزول قرآن) کتب معتبره ده
 مذکوردرکه رسول کریم قرآن عظیم اقتضاء حکمت رب اله عزت اله سوره سوره آیه آیه یکریمی اوج یله دلک
 نازل واصل اولدی ابتدای نزول ایدن به ضلر قولنج سوره فاتحه به ضلر قولنج سوره یا ایها المدثر اولوب لکن
 قول اصح اوزره اقرأ اولی اولوب آخر نزول ایدن بتون سوره اذا جاء نصر الله سوره بیدرکه حجة الوداعده سنی ده
 نزول ایدوب (فصح بحدیث مدبرک و استغفره) آیتله حضرت رسولک وفاتی یا قلدیغه اشارت اولمشد و اما جمیع
 قرآنندن آخر نازل اولان آیت انشاق علما اوزره (واقو او ما ترجعون فیه الی الله ثم نوفی کل نفس ما کسبت
 وهم لا یظلمون) آیتی ایدیکه جبرائیل علیه السلام آتی کتوردکده سوره بقره ده اکیوز سکسانجی آیت باشده
 قویکزدیوب بوند نصکره رسول علیه السلام یکریمی برکون یا سکسان برکون یا همان بدی کون یا همان اوج
 ساعت حیاته اولدی * ابن عباس یومعتانی حکایت ایدوب (ختم الوحی بالوعید) یعنی وحی رب مجید تخویف
 و تمهید ایله ختم اولدی دیوب بکا شدیدا ایتدی

(باب ثالث عشر در وفات رسول علیه السلام)

بوقصه و رثه القصه او ش مصائب عظمی ادهش ثواب کبری اولوب نیران بیانی اله خامه و نامه و زبان
 سوزان اولتی جای کان دسکدر (نظم) دل و جان طوادی فان بواقعه دن * تیره اولدی جهان
 بواقعه دن * ایلدی دوزخ و جنان افغان * هم طقوز آسمان بواقعه دن * کادی فریاده برده و ککوده *
 ملک و انس و جان بواقعه دن (نثر) کتب سیرده اولان تفصیل کال اجائی بودرکه هجرتک اون برنجی سیلی
 صفر ینک یکریمی طقوزنجی یا یکریمی سکرنجی کونی یا ربیع الاولک اول کونی حضرت رسوله حرارت عظیمه
 و صداع ایله عارض اولوب حتی شدت و جعدن احیاناً غشی اولوب شهادت ثوابی دخی حاصل اولمشون

سابقا خیر غزا شده بریان ایچنده کیری زهر دخی حکمت حقه حرکت ایدوب جمله اون اوج باون ایکی باون
 درت یا اون سکر کون خسته اولوب حضرت عائشه حجره سنده یا قوب مدت مزبورده بر قاج کره مسجد
 شریفلرینه بیقوب احبابله حلالا شوب وافر نصیحتلر ایدوب مسجد شریفده و حجره منیه ده تفصیل محتساج
 قول و فعلا نیجه امور ظهور ایدوب جمله دن حضرت ابو بکر امامته تعیین و کتدورک تجهیز و تکفین
 و دفنلری احوالی تعلیم و تبیین ایتدیلر و دخی (الصلاة و مملکت ایمانکم) دیودا تماسویلیوب حتی
 بر روینده آخر کلاملری دخی بو اولدی یعنی نمازه مداومت ایدوب قوللری یکریمی و جاریه لری یکریمی خوش
 طونک دیکدر و دخی اوج کونهدک هر کون جبرائیل علیه السلام کلوب الله تعالی سکاسلام ایدوب حالک
 صورددیوب اوچنی کون انسان صورتده ملک الموت کلوب اجازه لایحه ایچر و کیروب سولیشورکن جبرائیل
 علیه السلام کلوب حضرت رسول علیه السلام انکله وافر سولیشوب امتی احوالی صورروب تمام
 مراد نیجه جواب الدقندده شمدنکرو و وحی قبض ایله دیو عزرا بیله اجازت و بر دکده حضرت عائشه نک
 کوکسته طباشش ایکن صحیحینه مذکور اولدی اوزره آخر کلاملری (رب اغفر لی و الحقنی بالرفیق الاعلی)
 کلامی اولوب قول صحیح اوزره ماه ربیع الاولک اون ایکنی کونی یوم ائینده وقت زوالده (لحرره)
 مرغ روح رسول رب جهان * عالم قدسه ایلدی طیران (نثر) صلی الله تعالی علیه و علی روحه و جسده
 صلوة یصل بها علی احد من سواه و آناه الوسیله و الفضیله و المقام المحمود الذی وعده ایاه (مرثیه) ای زهیر انت
 زمین و آسمان بکریسته * جسم و جان خون کشته و روح روان بکریسته * کن فکان چون
 فالبتدو و توجو جانی لاجرم * در عزای تو مکان و لامکان بکریسته * فی همین ماخا کان بهر تو ماتم
 داشتیم * بلکه رضوان نیز در باغ جنان بکریسته * فی همین مدیق و فاروقست و عثمان و علی * کز برای صدر
 و بدر کن فکان بکریسته * بلکه ذرات جهان از عرش و فرش و بر و بحر * اندرین ماتم باشک خونی نشان
 بکریسته * خونکری ای دیده بهر سرودی کز ماتم * جبرائیل اندر فالت با قدسیان بکریسته * آدم و نوح
 و خلیل و موسی و عیسی هم * از برای سید آخر زمان بکریسته * اهل بیت آندم که گریان کشته از بهر رسول *
 سنک خار ابر دل پر در دشان بکریسته * جای آن دار دکم بشکایم ز دیده جوی خون * اندرین ماتم که ذرات
 جهان بکریسته (نثر) مدت عمر شریفلری قول اصح اوزره التمس اوج یا شدرکه فرقدده یغمه بر اولوب اون
 اوج ییل مکده اون ییل دخی مدینه ده طور دیر صلی الله علیه و سلم و علی اله و آناه من اجل و الهام بخطر بیاله
 (صل در دفن رسول علیه السلام) مریدرکه وفات سید کانیانه ساکان زمین و آسمان نالان و گریان اولدیلر
 حتی اکثر عصابه صحابه ذوی الامایه مدوش و بیعوش اولوب بر قاج کونه دلک کیمی دلمز کیمی کوترم کیمی
 مراسم اولوب دخی بعض امور صدقند نصکره رسول علیه السلام کتدورلرینه خلیفه اولتی بلور کشته به
 صریحا تعیین ایتمکین مهاجرین و انصار ارا سنده تفصیل محتساج قیل و قال اولد قد نصکره به نک رأی
 و اتعاقبله حضرت ابو بکر بیعت اولنوب بده حضرت رسول علیه السلامی هایتقدن نه تعلیمله غسل
 و تکفین ایدوب بده جنازه رحمت اندازلرینه ابتدا ملائکه نماز قیلتی ایچون حجره حضرت عائشه ده و صیقلری
 اوزره بره ساعت تم اقبوب بده اقر باری بده سارح حلیله جماعتسز بلول بلول منفر داتماز قیلوب صلی
 کونی بعد الظهیر یا کجه سی یا چهار شنبه کونی یا کجه سی یا پنجشنبه کونی علی کل طلع عادت انبیا اوزره
 وفات ایتد کیری برده دفن اولتدیلر واقعات وفات رسولک بر قاجی منامبت کلله ایله باب خصایصده بیان
 اولنورده مریدرکه وفات رسولیه اوزمانده وافر مرثیه عربی دیتددرکه جمله دن بری عه لری حضرت صفیه
 بنت عبدالمطلب دیدیکدرکه (نظم) الایار رسول الله کنت رجاءنا * و کنت بنا بر اولم تلت جافیا * و کنت رحیمنا
 هادیامعنا * امیک علیک الیوم من کان باک * کویت علی قلبی لفقده محمد * و ما خفت من بعد النبی المکوا *
 افاطم صلی الله رب محمد * علی بدت امسی یثرب ناویا * فدا رسول الله ای و خالی * و عی و خالی ثم نفسی
 و مالیا * صدقت و بلغت الرسالة صادقنا * و مت رطیب العود الی ما فیها * فلان رب الناس ابقی نسیانا *
 سعدنا لکن امره کان ما ضیا * علیک من الله السلام تحیه * و ادخات جنات من العدن راضیا (نثر) کریمه
 عظیمه لری فاطمه معاد خاتمه یا خود حضرت علی دیشدر (نظم) صفت علی مصائب لوانها * صفت علی

الایام من لبالیای * ماداعلی من شم تریه اجد * ان لایشم مدی الزمان غوالیا * یت حضرت فاطمه
 دیمشکه (نظم) نفی علی زفرات محبوبه * بالیه تخرجت مع الزفات * لاخیر بعدک فی الحیاة وانما *
 ابکی مخافة ان تطول حیاة (نثر) ودخی دیمشکه (نظم) اذا اشتد شوقی زرت قبرک باکا * اوح
 واشکی ما ازل مجاوبی * اباساکن الغبراء علنی البکاء * وذلک انسانی جمیع المصائب * فان کنت
 عنی فی التراب مغبیا * فما کنت عن قلبی الحزین بغائب (نثر) حضرت رسولک شاعری حسان
 ابن ثابت یاعلی یا فاطمه دیمشکه (نظم) کنت السواد لنا طری * فعمی علیک الشاظر * من شاء بعدک
 فلیت * فلیک کنت احذر (مجزه) کتب سیرده ابو ذوب الهزلیدن مریدرکه حضرت رسول علیه
 السلام خدمه لکنی قبیله مزده ابیدوب جله من عظیم غمه ایکن بر کجه کوزیمه اوینجو کرمیوب وقت
 حمرده او یوبوب اواید قد هانندن بوندای ابندمکه (نظم) خطب اجل اناخ بالاسلام * بین الخیل
 ومعه الاطام * قبض النبی محمد فعیوتا * تبدی الدموع علیه بالتسجیم * ولله در من قال من اهل
 الکمال (نظم) کان لم یتم حی سوائه ولم یقم * علی احد الاعلیک التواجم * ان حسنت فیک المراتی بوصفها *
 لقد حفت من قبل فیک المداجم

(باب رابع عشر در معجزات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم)

اگرچه دلائل نبوت رسول رحمتون حقیقته حددن بیرون وعددن افزوندر ذرا (ولایک لما خلقت الاولاد)
 فهو منجبه جمیع ماسوی الله اول حبیب اله ومقرب درگاه ایچون برادلفین اون سکرینک عالمده هرنه وارایسه
 لسان قال وحاله حضرت اله عز علاه وجل عن الاشیاء وحدایتنه کواه اولد قری کبی نبوت وفضیلت رسول
 اللهم دخی قالا وحالا نهاد تری بی اشباه اولد بختدن ماعد اجمیع کسانده ظهور ایدن خوارق عادات و انواع
 حالات معینده اراصات حضرت سید السادات واول نتیجه جلدیه ظهورنه مقدمات اولوب امتزندن ظهور
 ایده جک جمیع کرامات کند و لک معجزاتدن اولد بی کبی سائر انبیاء و مرسلین جناب خدادن رجا الله محمد
 مصطفی صلی الله علیه وسلم امتندن اولد قریچون بلکه حقیقته جله می نور محمدیدن برادلفین معینده
 جله سنک معجزاتی دخی معجزات حبیب رب معبودن معدوددر تسکیم صاحب قصیده برده بورد کشف
 پرده ابندمکه (نظم) وکل ای انی الرسل اکرام بها * فاما اتصلت من نوره بهم * فانه شمس فضل هم
 کواکبها * بظهور انوارها للناس فی الظلم (نثر) لکن معلوم اوله که جمیع دلائل نبوت رسول علیه السلام
 شریف الانسم واطیف الجسم جله اوج قسدر بریسی چاق روح بر قوت و حلی برادلد بختدن نبوتل یتنه دل
 * ایکخیسی نبوتلندن وفاتل یتنه دل * اوچخیمتی وفاتلندن بوم قیامتده دل ظهور ایده جک انواع امور
 غیر محصور در که اولکی به اراصات یعنی مقدمات ایکخی به اوچخی به معجزات در که هر برینک بعض حسی
 بعض عقلی اولوب اشبواقسام و انواع افرادی تعدادی متنوع و محال و علم الله به محال لکن مدت نبوتلندن
 ظهور ایدن جمیع معجزات باهره حسیه ظاهره لری بعضا قولنجبه یکن بعضیله قولنجبه اوج یکن عدد اولوب
 بعضیله قولنجبه اوج یکن اولان جمیع معجزات وخصایه لری اولوب بولندن ماعد اشرف معجزاتلری اولان
 قرآن عظیمده تخمینا شمس یکن معجزات عقلیه و اورد دیمشکه پس بوجه بی بیان خارج دایره امکان اولغین
 جمیع کتب سیرده محرراولندن انتخاب و انوب مناسب کلیه ایلد ابتداء و لا بد تلندن بومعه کلنجبه اولان
 ابواب و فصول فوائد محصورده خصوص ابواب غزواته و افر اهاصلت و معجزات یازیلوب باقیلر سنک مشهورری
 بولندر که کیمی صراحت کیمی اشاره ذکر اولغنه علی الترتیب المطبوع شروع اولندی (مجزه) معتبرات
 متفرقه ده اولانک اجالی بودر که اعظم معجزات و برهان قرآن کریم عظیم الشاندر که فصحاء ذوی البیان
 نظم و معناسنده حیران قالوب بلغاء عرب و فصحاء ذوی الاریدن هرنار و ناظم و ارجانک برایتنه نظیره
 دیمکدن بی مانع و حاجز بالکلیه عاجز اولندر ۱ وجوه اعجازنده علماء اقوال کثیره ذکر ایدوب محصلی
 بودر که بریسی ایجاز و لا غتیدر که برکله منی حذف اولانسه یا خارجدن برکله زیاده اولانسه بالفظایا معنا
 صحتنه یا حسننه خلل کاوب ودخی برکله منی برکسنه تبدیل ایتک دیسه جمیع لغات عربده آنک یرینه
 هرو جله بدل الله حق برکله بوانغه قادر اوله من ۴ اسلوب نظمک غرایبندر که کلمات عربک نظم و نثرند

بوطر ز خاصر مدوم ایدو کی معلوم اولشدر ۳ نیجه مغیبات ماضیه و مستقبیه فی محبت اوزره اخبار
 ایدو کیدر که غیبیه اطلاع مقدور بشر اولانغین کلام الله ایدو کی مقرر در ۴ ابشیدنلر و اوقیاسلر دمام
 لذت بولوب بولسنلر دخی حد ذاتده اوصافلر ۵ قرات و استماع دافع غموم ایدو کی مجرب و معلوم اولشدر
 ۶ اوقوتده ابشیدنلر قلنس هیت و دهشت عارض اولد بیدر که حتی نیجه لراول زمانده وفات ایدوب نیجه
 سرکش کافر لدخی ایمانه کیشلدر ۷ (لایاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه) آیتی مفهومیجه اعدا
 دیندن معطله و ملاحده و قراطه قرآنک تغیر و تبدیلنه و نقض و تحویلنه و معارضه و مناقضه سته سنی بلخ
 وجهدی دریغ ابشیدر کن بالکلیه محروم و مغموم اولوب لکن سائر کتب الهیه دن تورات و انجیل شریف
 اکثر مواضعده تغیر و تحریف اولشدر ۸ (ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین) آیتی مفهومیجه جمیع
 علوم و اسرار شنیه و اخلاق حیده و کالات انسانیه و مصالح دینییه و دنیویه و احوال مبداء و معاد و منافع
 و مضار عبادی علی الوجه الشافع مشتمل و جامع اولد بیدر تسکیم دیمشدر (نظم) جمیع العلم فی القرآن
 لکن * تفاسر عنه افهام الرجال (نثر) حسن بصیردن مریدر که انبیایه نازل اولان صحفک علوم و اسرار
 تورات و زبور و انجیلده آنک علوم و اسرار مع الزیاده قرآنده درج اولشدر دیمشدر که هیچ براسنه بوقدر که
 فیض الهی به کوره قرآندن آنک استخراجی قابل اولیه و دیمشدر که قرآنده جمیع علوم اقلین و آخرین جمیع اولوب
 لکن جلد سنی بیلک جناب حقه مخصوص اولوب اکثر فی حیثیه سیدره شد و دیمشدر که لوح محفوظده
 قرآن عظیمک هر حرفی قافطانی قدر ییول و حروف مقطعه اوزره یازمش اولوب هر حرفک التنده اولقدر
 معنای وارد در که جله سنی همان حضرت پروردگار ییلور * فواجح مسکیده ده حضرت امام حسنیندن
 مریدر که (فی القرآن علم کل شیء و علم القرآن فی الاحرف التي فی اوائل السور و علم الحروف فی لام القف)
 و حضرت علیدن مریدر که (لوشئت ان اقر من تفسیر الفاتحه سبعین بعیرا لعلت) یتنه اندن مریدر که
 (القرآن ظاهره ائین و باطنه عمیق لایقنی عجمانیه و لا یتقضى غرابیه) و ابن عباسدن مریدر که (لوضاع
 لاحدکم عقاب یعیر لوجه فی القرآن قال الله تعالی ما فرطنا فی الکتاب من شیء) کتب قانون الناولیده علوم
 قرآن کلمات قرآن عدد نیجه یتشیدی یکن در تیموز الی در لولعندر که هر کله نک ظهور و بطن و حد و مقطعی
 اولغین علوم قرآن دخی درت کره یتشیدی یکن در تیموز الی عدد اولوب بود کراولان مر یتنه مقدرات کلماته
 کوره در ترا کیننده و ارباطلرنده اولان علومه نظر اولانسه حد و حصره بحال محال در اصل علوم قرآن اوج
 قسمدر که نو حیدرند کبر و احکامدر مخلوقات معرفتی و احوال و صفات و افعالیله خالقک معرفتی اولکیده داخل
 ولوب وعد و وعید و جنت و نار و تصفیه ظاهر و باطن ایکجیدن اولوب جمیع تکالیف و بیان منافع و مضار
 و اوامر و نواهی و مندیبات اوچجیدندر سورة فاتحه و ده اوج قسم موجود اولغین اجمی ام القرآن اولدی
 دیومذ کوردر (فائده) کتب الاتقان فی علوم القرآن ده بعض سلفدن قرات قرآن بر نعمت و کرامتدر که
 حق تعالی آتی بنی آدمه مخصوص ابشدر زیرا مریدر که زمرة ملائکه دن صدور ایحبوب جنس انس
 پرانندن استماعنه هر بار در دیوب مریدر که کاتب السطور اولان عبد بر قصور ایدر قرآنک جامع اولد بی
 علوم ظاهره و باطنه نک بر مقدار تفاسیر و فضائل قرآن و خواص علم حروف کابلر یتنه ناظر اولنره نوعا
 ظاهر اولور که هزار سیمله بحر بیابانندن انجیق بر قطره شمس تابانندن بر ذره بیان ایده بیلشدر در بوم قیامتده
 حضرت رسول علیه السلام منبره جیفوب قرآنی اوقوتده آنده اولان جمیع علوم و اسرار اول زمانده آشکار
 اوله کر کدر (مجزه) قرآنک نصکره اعظم مهزله لری شق قدرد که انبیادن یتنه میسر اولوب عالم علویه
 تصرف اولغین جله سنک معجزاتدن ایجب و افضل ایدو کی مقرر دیمشدر * کمال اجالی بودر که نبوت رسولک
 سکرینجی باوینجی یلنده مکده حضرت رسول علیه الهامه بعض کبار قریش اگر صحیح یغیر ایتک بره آتی
 ایکباره ایلد دید کارنده رسول علیه السلام دعا ایتمکین حیکمت حق و قدرت فاعل مطلق ایلد ای
 ایک شق اولوب هر نفسی بر طایع او سقنده کور نبوب بومعجزه عظیمه بی کفار ذوی العنادی عقل حاشا حجرة
 حل ایتیلر (نظم) مه نوری نشانده سنک بانک می زند * مه راجه جرم خاصیت سنک چنین بود (دیگر)
 و من یکن ذاق من مر یض * یجد من آیه الماء الزلاله آیت (ومن لم یعمل الله نورا خاله من نور (معجزات)

حضرت رسولك معجزاتك برنوی دخی مابین اصابع شرف اتنازدن خروج و انبجار ما در که مابین الماء
واللحم مناسبت ماء اولی ماء له اخرق خوارق عادات واعظم جیس معجزات انبیاء ذوی السعادات در پیش
بوقوله معجزه حضرت رسولك انك یامقر لده نیجه دفعه صادر اولوب هر برنده مبارک الله بن بعض
صوفایری ایچنه صوفی قدغه یارمه لری اراشدن قول صحیح اوزره اتله دری اراشدن محض قدرت پروردگار له
یکاردن چیقار کی صوفی قیوب قینا یوب طاشوب حاضر اولنلر کوروب اینییدوب شاشوب کاه سکان کاه
اوچ یوز کاه بیک بشیوز غزوه نبوکده او توی بیک یا قرق بیک یا تیش بیک کسسه کندیلره وطوار لینه
وقایده چک قدر صولر کوب نیجه یوز بیک کسسه اواسه یشک مقرر ایکن مسلمانلر حاجت لری تمام اولدقه
مبارک الله بن صودن طشره چیقاروب صوکسوردی (معجزات) برنوی دخی کلام جاد اندر که حضرت
رسول علیه السلام نیجه دفعه خصوصاً ابتدا یغمه اولد قلنده نیجه طاشا انا جازا السلام علیک یا رسول الله
دیو سلام ویزر لری و معارج النبوه ده عقیل بن ابی طالب دن مرویدر که بر سر قدغه صوصا یوب حضرت رسول
علیه السلام شکایت ایندی کمد اشوب و طاشا و واروب رسول الله سکا در که بکاسو ویرسون دیو یوروب
ویندخی واروب دیدیکمه اول جبل قدرت حق عز وجل الیه سو یلیوب رسول الله به شدن عذرا یلیوب
دیه سنکه الله تعالی (واتقوا النار الی وقودها الناس والجاره) دیو یورولنده نیرود انا غلام قدن قوریدم
قالدم ایچمه بر قطره صوفالمدی دیدی و مواهب لدینه ده مرویدر که بر کون رسول علیه السلام عیاری
عباسک اوینه واروب اتی و انک اولادنی مبارک احرار الیه یوروب (بارب هذا عی وصنوا و هو لاه اهل
ینی فاسترهم من النار کسری ایا هم علا فی هذه) دیو دعا ایند کده قیواسکی و دیوار لری اوج کره آمین دیو
سو یلدیلر مرویدر که سابقا حضرت رسول علیه السلام دفع مکر قریش ایچون ابوبکر له مکده دن چیقوب
شیر طاشا غنه جقد قلنده (ابط یارسول الله فانی اخاف ان یقتلوا علی ظهری فیدخی الله) دیو سو یلیکن
اندن اینوب سابقا خیر نبوت کلدیکی حراطانی (الی یارسول الله) دیو چا غروب بعد فور اولد طاشا غنه بر مغاره یه
کیدر یلدیلر مرویدر که نیجه دفعه نیجه کسسه لرمه ز طلب ایند کارنده رسول علیه السلام فارشولنده براغاجی
چا غروب آنلر دخی و کاردخی سروریه رنلر کوب کی سلام ویروب کیب اشهدان لا اله الا الله وان محمدا
رسول الله دیو بعد یرو یورینه کتملر درو کلام جاد دخی معجزه غایت چوق واقع اولوب جله دن بری
زهر لوقیون بریانتک سو یلدیکدر که غزوه خیر ده ذکر اولد شرو و سن ابی داوده مرویدر که بر کون رسول
علیه السلام برقیون اتدن برلقه یدکده (ان هذه تحرق فی انهار اخذت بغیراذن اهلها) دیکین یوقلانده
واقعاً صاحبک انی یو عیکن النش ایش و معارج النبوه ده مذکور در که رسول علیه السلام حضرت علی بی
ناقلر ینه بندروب ولایت ینه کوند دکده یا علی ینه واروب عقبه به ابریشوب سنی فارشولقه کلان خلقی
کور دکده طاشا کر نیجه یا حجر و یا مدر و یا حجره (رسول الله یقر تکم السلام) دیه سن دیو اصمیریوب حضرت
علی دخی واروب امر رسول الله الیه عمل ایند کده بر یوزندن چوش و ولوله و غش و غلله الیه (علی رسول الله
السلام) کلامی ایندی یوب حاضر اولان جماعتلر حیران اولوب جله سی ایمانه کلدیلر و دخی مرویدر که
حصین آدلو کسسه یه رسول علیه السلام الکده اولان صتم بکاسو یلر سه ایمانه کلوزمسن دیوب اودخی بن
اکا الی یلدر عبادت ایدرم بکا اصلا سو یلک دوشمدی مکانیجه سو یلر دیوب رسول علیه السلام تکرار
سو یلیوب حصین توله دیدکده رسول علیه السلام (ایها الصمن من انا) دیدکده (انت رسول الله حقاً) دیو
سو یلیکن حصین عهد نه طوروب ایمانه کادی و یونوعدن کتب حدیث و سیرده محرو اولان معجزه حنین
جذهر کمد ینه رسول علیه السلام خطبه اوقود بجه مبارک مسجد شریف قلنده خرما انا جندن بر مخصوص
دیر که طایف اوقوردی منبر یا یلیوب اکا جقد قدغه اول مبارک دیرلر کوچ کندن آیراشی نافه فی طاقه
صدای کی فرمایدوب بعد یار یوب ایکی یاره اولوب مسجد ده اولنلر جله اینشیدوب رسول علیه السلام
منبر دن اینوب اول خیرک قوجد قلنده صدای سکان اولوب بر روایتده اگرانی قوجیایدم بنم فر اقدن
قیامت دلیله فرمایدوب دیو یوردر بعد امر شریفی الیه دفن اولنوب بر روایتده رسول علیه السلام
(ان شئت اردت الی الحائط الذی کنت وتبت لک عروقک و بکمل خلقک و یجد ذلك خوص و غرة وان شئت

اغرسن فی الجنة قنأ کل اولیاء الله من قمرل) دیوب دیرلر دخی (بل تفرس فی الجنة قنأ کل منی اولیاء الله
واکون فی مکان ایل قیه) دیو جواب ویروب جله اصحاب اینشیدوب حضرت رسول علیه السلام دخی
قدغه ملت دیو یوردر (معجزه) برنوی دخی تسبیح جاد اندر که حضرت رسول علیه السلام مبارک
الارنده و مجاس نیر یقلنده چاقل طاشا لری و بعض طاشا لری بر قاج کره تسبیح ایندوب اری اوار کی حد لری
صحابه اینشیدوب کیم کتب سیرده مفصلا مخررد (معجزات) برنوی دخی اطاعت جاد اندر مرویدر که
رسول علیه السلام بر عرب کافره معجزه و ستر میچون بر خرما انا جندک آملش خرما خالق منی کل
دیو چا غرقده اشا غه اینوب کیت دیدکده یو فارویه کسکین عرب ذوالارب ایمانه کادی و دخی صحابه دن
بر ینه خرما انا جله ینه واروب (امر کن رسول الله صلی الله علیه وسلم ان یجتمعن) دیو سو یلک امر ایوب
اودخی واروب دیدکده فی الحال انا جله بر بره کازب بتشوب رسول الله علیه السلام واروب آنلر اردنده
قضاء حاجت ایدوب بعد انا جله بر لوب ینه کندیلر اشوبه قوله اشجار و بعض جادات اطاعتی دخی نیجه دفعه
واقع اولد یغی کتب سیرده جابجا مخررد (معجزات) برنوی دخی کلام حیوان اندر کتب سیرده مرویدر که مکده
بر صحرا ده بر قاج قورد بر سو یلر برقیون قاپوب چو بانلر هجوم ایدوب قورنار دقلنده قوردرلر بریسی
(الاتقی الله تنزع منی رزقا ساقه الله الی) دیو سو یلیوب چوبان تعجب ایند کده خرما یور قورد (الا خبرک
بأعجب من ذلك محمد یثرب یخبر الناس بانبا ما قد سبق) دیو تکرار سو یلدی و مدینه ده بر سو یلر دخی بر غیری
قوردر برقیون قاپوب چوبانی آنی قورنار دقلنده اول قورد (عدت الی رزق رزقیه الله اخذته ثم اترعته منی)
دیو سو یلیوب چوبان تعجب ایند کده (اعجب من هذا رجل فی الفخلات بین الحرتین یخبرکم بما ضی و ما هو
کائن بعدکم) دیو تکرار سو یلیکن چوبان حضرت رسوله کاب خبر ویروب مسلمان اولدی بر روایتده (انت
اعجب منی واقفا علی غنمک و ترک نسیا لم یبعث الله قط اعظم منه عنده قدرا وقد فحمت له ابواب الجنة و اشرف
اهام علی اصحابه بنظرون قتالهم و ما یشک وینه الا هذا الشعب فتصیری جنود الله) دیو سو یلیوب چوبان
دخی (من لی یغنی) دیوب قورد (انا اوعاها حتی ترجع) دیوب چوبان دخی قیونلرین قورده امانت ویروب
حضرت رسول جند اوزرنده بولوب ایمان کتوروب قومه سن دیدکده و ارقیونلر که کیت نیجه قوردا اینه
اوله بولورسن دیوب وار دقلنده قیونلرین تمام بولمقن استقامتله خدمت ایندی دیو قورده برقیون یوغازلوب
وردری مرویدر که مکده بر قورد برکیک قوالیوب حیران حرمه کیدر کده قورد کیرمیوب دیو یوب کتد کده
رئیس قوم قریش اولان ابوسفیان کوروب تعجب ایند کده اول قورد (اعجب من ذلك محمد بن عبد الله
بالمدينة یعدوکم الی الجنة و تدعوهم الی النار) دیو سو یلدی و معارج النبوه ده مذکور در که وحدایت رب
عظمی مقتضای عقل سلیم الیه یلیوب دائما کولن یوزندن (لا اله الا الله محمد رسول الله) نداسن اینشکله نبوت
رسوله دخی ایمان کتورن بر راعی خیر ساعی کند و ملک بچلرندن بری حضرت رسول ضیافت ایچون یوغازلان
دیدکده بنم قارغه و یور یجتم واردر دیو سو یلیکن بر ینه دخی یا یشوب اودخی بنم همه امر یا ویر یجتم واردر دیو
سو یلیکن اوچنی به یا یشد قدغه بکاسو سعادت یتر که بنم ام رسول الامم مبارک ندته قاریشه امدی بنی قربان الیه
دیدکده انی یوغازلوب کاب ایلدی کاب حیوة الحیوانده صحابه دن اوج کسسه یه قوردر سو یلشد و کبری
رافع بن عیر بری سلمه بن الاکوع بری هسان بن اوسه رد یوم مذکور دره و دخی دلائل النبوه ده رسول علیه
السلام بر صحرا ده ایکن اوج کره یارسول الله نداسن اینشیدوب باقد قدغه کوردر که چا غرن بر دیشی کیکدر که
باغلوطوروب یانده بر اعرابی یور یوب او یور رسول علیه السلام حاجتک ندر دیوب کیک دخی (صادق فی هذا
الاعرابی ولی خشفان فی ذلک الجبل فاطلقتی حتی اذهب فارضهما و ارجع) دیو سو یلیوب رسول علیه السلام
دخی کرچک بویه ایدرمسن دیوب کیک دخی (عذی الله عذاب العشار ان لم اعد) دیوب رسول علیه السلام
قیو ویروب فی الحال واروب ایکی یاروب بنی امر ویروب عجله الله کلد کده باغلوب اعرابی او یانوب یارسول الله
مرا دلک وارمیدر دیوب یونلر دخی اشوب کیچکی آزاد الیه دیکین آزاد ایند کده مسکین کیچک سرور موقور
ایله سکر دوب ایا قنلرین بره اوروب (اشهدان لا اله الا الله و انک رسول الله) دیو رنلر کتدی (معجزات) برنوی
دخی احیاء موتادراما بقی دلائل النبوه ده ایدر مرویدر که بر کسسه فی رسول علیه السلام ایمانه دعوت

ایند که وفات ایشان قریب ایما ایستخبره ایمانه کلمه دیکر رسول علیه السلام مقبره به سله واروب یا فلانه دیو امیله چاغروب میت دخی قریب ایچندن لیسک وسعدیک دیوب رسول علیه السلام دنیا به کتک ایستریسن دیوب (لا والله یا رسول الله انی وجدت الله خیر الی من ابوی ووجدت الاخرة خیرا لی من الدنیا) دیوندا ایتدی وینه دلائل النبوه ده مریدر که انصاردن بر تازه بکت وفات ایدوب یاتده اولنراوستنی اوروب اعمی و فرقت اولن والده می خبردار اولدقده (اللهم ان کنت تعلم انی هاجرت الیک والی نبیک رجاء ان تعینی علی کل شدة فلا تخملن علی هذا المصیبة) دیودعا ایتدکده چوق زمان کجیموب قدرت حقه میت حیات بولوب یوزنی آچوب حاضر اولان جماعته طعمای دیو و معارج النبوه مذ کوردکده اوج کشته کلوب بریسی عیسی میت احیا ایدردی سندن صادر اولدنی معلوم دکدر دیدکده رسول علیه السلام اوزاق یردن حضرت علی بی چاغروب جبرائیل علیه السلام آواز لرین ارشدیروب فی الحال کلوب قدما احبار و ددن یوسف ابن کعب بن زارینه یوزله یله واروب ندا ایلد که امر حقه سکا جواب ویرد دیو یوروب واروب اوج کره چاغروب هر برنده قبر برمه قدر یارب یارب اوچخیمده قم باذن الله دیدکده قبردن بری چیه قیوب باشند یوزندن یوزین سلکوب بن یوسف بن کعب که بمن پادشاهی اولان تبع بونده کدکده وافر نصیحت ایدوب وفساد و قتل ناسدن منع ایشدم وفات ایدوب لی اوچیموز ییلدن زیاده در حالا قاقوب آخر زمان پیغمبری محمدی تصدیق ایلد که بر جماعت کلوب آتی تکذیب ایدوب آندن معجزه طلب ایدر دیو برندا ایشتم دیدکده حاضر اولنرا یوسفی ینه قبرنه کوندردیوب حضرت علی دخی بعض نسنه اوقومغین یوسف قبرنه کیروب مرزاقا یوب اول جماعت حضرت رسوله کلوب لکن ایمانه کاد کیری معلوم اولدی و کتب سیرده مریدر که جابر بن عبدالله برقیون یوروب کتوردکده رسول علیه السلام احیایله ییوب کلکیرین قیرمکروب بده کسکاری دیو یوروب مبارک الماری انک اوستنه قیوب دعا ایتدکده قدرت حقه قیون ایشوب جانلقوب قولاقرنی سلکمه باشندی و مریدر که جابر بن عبدالله حضرت رسولی ضیافت ایچون قیون بوغازلیوب یوجک اوغلو کوجک اوغله بابام قیونی نیجه بوغازلیدی سکا کوستره یوروب اودخی مطیع اولدقده الن ایغن باغلیوب بوغازلیوب باشی والده شنه کتوروب خاقون ماتم ایتدکده اوغلاقی خوفندن طامه قاجوب خاقون اردنجه چیمقدقده اوغلاقی کدوبی طامدن آتوب هلال اولدقده خاقون چانه جبرله صبر ایدوب ایکی میتی دخی او طه به قیوب اوزلری اوروب طعام بشورمکه چالشوب رسول علیه السلام کلوب طعام اورنایه کاندکده جبرائیل علیه السلام کلوب یا محمد الله تعالی سکا امر ایدر که بو طمای جابرک اولدیله ینه سن دیوب چاره اعلام ایتدکارنده خاقونه اوغللرین صوروب بونده حاضر دکالدر دیوب جابر دخی رسوله دیوب رسول علیه السلام تکرار امر ایدوب دخی خاقونه اقدام ایتدکده خاقون ناچار کشف امر ایدوب جابر کوروب شاشوب خاقونله اغلاشوب رسول علیه السلام خبردار اولدقده جبرائیل کلوب (یا محمد ان الله یا امر لئان تدعوا لهما وبقول منک الدعاء ومانا الاجابة والاحیاء) دیوب رسول علیه السلام دعا ایتدکده اوغلاقی قتل ایکیسی دخی اطف حقه حیانه کادیلر مواهب لدنیه صاحبی ایدر بو قصه شواهدده مذ کور اولوب لکن حد ذاتده مشهور دکدر و کتب سیرده روایات متعددده حضرت رسول علیه السلام کندویدر و مادر لی اطف حقه احیا ایدوب ایکیسی دخی ایمانه کتوروب ینه وفات ایتدیلر دیشوب لکن اوروا تیر ضعفدن خالی دکادر دیو مذ کور درو الله اعلم بحقیقه الحال (معجزات) برنوع دخی کلام موقی در مواهب لدنیه ده مریدر که مشاهیر انصاردن زید بن خارجه مدینه ده برکون کرکن بین الصلواتینده نجاة دوشوب وفات ایدوب خانه سینه کتوریلوب اورتیلوب اتباعی اغلاشورکن بین الصلواتینده (انصتوا) دیو برصد ایشیدیلوب حاضر اولنرا میت یوزنی آچدقارنده اغزندن محمد رسول الله النبی الامی خاتم النبیین لای بعده کان ذلک فی الکتاب الاول) دیوبدا چیه قیوب بعده صدق صدق دیو بعده (هذا رسول الله السلام علیک یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته) دیدی و مریدر که انصاردن بریسی وفات ایتدکده بعد التکفین حاضر اولنرا جنازه سن کتورمکه یاپیشدقارنده محمد رسول الله دیوسو یلدی (معجزات) برنوع دخی کلام اطفال و صبیاندر بو خصوص نیجه دفعه طهر رایتددر ا فتح مکده واقع اولمشدر که یوقاروده کچمشدر ۲ حضرت رسوله ییوب لکن

اصلا سولیز براوغلان کتوردکارنده رسول علیه السلام بن کیم دیو صوروب رسول الله سن دیو جواب ویروب بعده دبی آجلدی ۳ معارج النبوه مذ کور اولاندکده کمال تفصیله محتاج اولمغین اشارتله قناعت اولندی (معجزات) برنوع دخی شفاء مرضا و ابراه ذوی الایمنه لدر که یبعد ولا بعد واقع اولوب جله دن مبارک اغزلی یارب عون باریله شفا حاصل اولان معجزات یبعد و غایات اولوب بر قاجی چاق فصل غارده و معجزات غزواتده یازاشدر و نظر اولنه و کتب سیرده مریدر که قدیک آدلو کسنه ییلان عرطه سته باصفین کوزلرینک ایکی سینه دخی آق دوشوب اصلا کورمز اولدقده رسول علیه السلام کورلرینه نو کورمکین غم کور اولوب سکسان باشند ایکن ایکنه دلو کنه ابریشم کورردی و سن نسائیده محمد بن حاطب دن مریدر که ایدرین اوغلاقی ایکن اوستیه آتشد قینارنجیرد و کلوب کورم یا تمغین بدرمی حضرت رسوله ایتدکده اوزریمه نو کوروب مبارک اللریله مسح ایدوب (اذهب البأس رب الناس) دیدکده فی الحال شفا بولدم و مواهب لدنیه ده مریدر که برخاقون کونده ایکی کره صرع زحشته مبتلا اولان اوغلی کتوروب رسول علیه السلام کوکسینی صیغادقده اوغلان قوسوب اغزندن بر سیاه کاب یاوریسی کبی حرکت ایدر برنسنه چیه قیوب یوروب کدکده اوغلان تمام شفا بولدی و مریدر که برابرش خاقون حضرت رسوله مرزندن شکایت ایتدکده بر عصا ایلد اوستنی مسح ایتدکین مرض برصدن بالکلیه خلاص اولدی و بری دخی قتاده نک کوزی چیه قیوب رسول علیه السلام برینه قود یغیدر که معجزات غزوه احدثه کچمشدر و ایکیسی دخی سلمه ایلد حضرت علی قصه لیدر که معجزات خیمبرده کچمشدر اوچنده دخی نظر اولنه و بری دخی برخاقون برکل باشلوا و غلاقی کتوروب رسول علیه السلام مبارک اللریله باشند مسح ایتدکده فی الحال شفا بولوب قیلری بتدی و ایکیسی دخی حارث ابن ابوسله عبدالله بن عتیک آدلو ایکی کسنه نک ایا قیری تفصیله محتاج بررسیله مجروح اولوب رسول علیه السلام مسح ایتدکده فی الحال شفا و صفا بولدی و برصم یعنی صاغر کسنه نک قولاغنی رسول علیه السلام ایشیدر ایتدیکدیر که کتب سیرده بویه اجمال اوزره یازلشد و سن نرمذی و نسائیده مریدر که بر رجل ضریر یعنی کوزی کورمز کسنه حضرت رسوله کلوب (ادع الله ان یمافینی) دیدکده اسباغله یعنی شرائط و ادایله ایدست آلوب (اللهم انی اسألك و اوجه الیک نبیک محمد نبی الرحمة یا محمد انی اوجه بک الی ربی فی حاجتی ان تنضی الیهم شفعه فی) دیودعا ایتدکده امر ایدوب اودخی دعا ایتدکده فی الحال کوزی کور اولدی و روضه الواعظینده مذ کوردکده برخاقون اکه یعنی کوزمز ما و غمش قزینی حضرت رسوله ایتدکده مبارک اللریله کوزی برینه مسح ایتدکده فی الحال کوزی آچلوب کوزلی اولدی (معجزات) برنوع دخی انواع و جوهله تغییر و تکثیر ماه در که هر دفعه ده بوجهله واقع اولوب اولار رسول علیه السلام عیسی ابوطالبه بر صخره ایکن ابوطالب موصایوب کمال اضطرابیدن برادر م اوغلو قی موصادم دیوب رسول علیه السلام بدیکی طواردن اشاعه انوب موصاد کی دیوب نم دید کده مبارک ایافلرینک اوکجه سن یروز ینه اوردقده صوحیه و شب یاعم دیو یوردی و بوکامشابه ایکی قصه دخی غزوه کجودکده طه و رایدوب یوقاروده ذکر کچمشدر و مریدر که غزوه حدیبیه ده صوبی غایت آرزو قیوبه قونوب عسکر شکایت ایتدکده رسول علیه السلام بر فوغه موکتوروب ایچنه آیدست آلوب و نو کوروب قیوبه دو کد یوروب بده تیر کشلرندن براوق یوروب قیوبه اوقی آتدقارنده قیو صوابله طولوب چاق اغزله برابر اولدی و مریدر که بر سفرده عسکر صومرا قندن شکایت ایتدکین رسول علیه السلام صو آرامغه ایکی کسنه کوندروب ایکی قر به طولوی صوابله دو اوستنده بر عرب عورتین بولوب کتوردکارنده حضرت رسول اکرم قر به لری آچدروب برقاب ایچنه برمه قدر و کدروب کلک صو آکولند و تدا ایتدکده جله عسکر قایلرین وقر به لرین طولدروب بده قر به لرو لویا یکن عورته یوروب برمه دار دن و خرما دخی وروب اشته سنک صوبیکدن اکسکن ایتدکده صوبی الله ویردی دیو یوردیلر و بوقصه نواع مشاهیر کورمکه رسول علیه السلام مدینه ده منبرده ایکن برکسنه یار رسول الله فطدن هلال اولدقده وریاغمه دعا ایلد دیکین دعا ایتدکارنده کوکده اصلا بولت بو عیکن مبارک اللرین یوزلرینه ورمدین فی الحال عظیم شتابله قات قات حساب جمع اولوب برهفته به دلایل و نمهار متصل یاغوب بعده ینه منبرده ایکن اول کسنه یار رسول الله یغوردن هلال

اولدی دیکمه دعا ایله دیکین رسول علیه السلام جسم ایدوب (اللهم حوالینا ولا علینا) دیو بر منفصل دعا به
باشل دیوب مبارک اللریله هوا به اشارت ایدکاری بدن بولنلر اچلوب همان الحقی مدینه شهرینک اوستنه کوش
طوغوب اطرافنده یغمور یغار ایدی (معجزات) برنوع دخی تکثیر طعام قیلدر که سرا و جهارا مرارا و کرارا
واقع اولمشدر چله دن بری قصه ضیافت چاردر که فصل غزوه خندقده یکمشدر نظر اولنه و بری دخی
بر قصه خرمایی چوغا تقدیر که اولدنی غزوه خندقده یکمشدر نظر اولنه زیرا ایکسی دخی عظیم معجزه لر در
وینه من یور جاردن مر ویدر که غایت جوق یور جم اولوب خرما محصول انک عشر عشرنه بلکه یوزده
برنه و قایم ایدوکنی حضرت محمد مصطفایه خبر ویدر یکمده باعجه مه کاوب خرما یغندر یکن برینی اوج کره
طولا شوب بعده اوستنه حیه قوب او نوروب جابرک دانیلری کاسو نلر دیوب کلد کلرنده هر برینه تمام دخی
قدر اولوب و یوروب خرما یغنی اولکی حالتدن اصلا کسلدی * و بری دخی صحیح مسلمده اولندر که فصل
غزوه تبوکده یکمشدر نظر اولنه اولدنی معجزه عظیمه در * معارج النبوه ده مر ویدر که حضرت رسوله
بر خاوند بر قاب ایچنده بال ارمه قبان کوندر دیوب کلد کدمه علی النوب قایوش کوندر بلوب لکن قدرت حقه
اولکی کبی بنه عله طولو وار دنده خاقون کاوب یارمول الله یحیون بنم هدیه می قبول ایدیکر یغیا صوچم
ندر دیو غمناک اولدنده بنسک هدیه کی قبول ایدل لکن کوردیکان عمل الله جانندن سکا هدیه کان برکتیدر
دیوب خاقون شاد و پر مر ایدیکدوب چله اهل یتیله نیجه زمان اول عدلن وافر یوب اصلا کسلوب برکون
خطا ایل اول عمل مبارکی غیر قایه پوشا قین آکسلوب قالمیوب حضرت رسوله خبر ویدر که اولکی
طرفده موریدی کما راعل یتسکه دنیا عری قدر زمانه دلره ایدوب اکسلدی دیو یور مر ویدر که کتاب
خمسده اوهر بره دن مر ویدر که حضرت رسوله بر قاج دانه خرما کتوروب یارمول الله یکا بولنر ایچون
برکته دعا ایله دیکمده دعا ایدوب بهده (خذن واجعل فی من ودل وکل ما اردت منه شیئا وادخل یدک فی
نخله ولا تضره نرا) دیو یوروب امر شر یغله عمل ایتکین اوچا تاعی لیل و تنهار یانندن ابریم یوب حضرت
رسول علیه السلام و ابو بکر و عمر زمانلرند داما آنک ایچندن بن یوب و بهض کسنه ره یدروب نیجه نیجه
صاع طولوری تصدق ایدوب حضرت عثمان شهید اولدنی قترنده چا تسم و شوب ضایع اولدی و مر ویدر که
اول قصه ظهورنده غایت غمناک و پراخزان اولوب یوقی نظم ایدوب ورد زبان ایدنشدیکه (نظم) الناس
هم ولی فی الیوم همان فقد الجراب و قتل الشیخ عثمان (معجزات) برنوع دخی رسول علیه السلام سلیمان
علیه السلام یغیر کبی لسان جمیع حیواناتی بالتسم یوب کتب سیرده تفصیل اولدنی اوزره نیجه دفعه
بعض حیوانات کاوب حضرت رسوله سجده ایدوب حیوانات دیلجه کیمی صاحبندن کبی غیریدن شکایت
ایدوب رسول علیه السلام اصحاب کرامه خبر ویدر دیو * بنه یونوع معجزه دن حیواناته تفهیم کلام دخی
ایدر دیکه نیجه دفعه واقع اولوب چله دن بری غزوه حنینده بدکاری دلل اولواق قاهره (الصق بالارض)
نایال اوستنه صاحبیلر (معجزات) برنوع دخی اخبار عن المعجزات در که اوج قسمدر بری کندی زمان
شر یقارندن مقدم اولان امور ماضیه به متعلقدر که عظیم تفصیلاره محتاج اولوب خصوصا مائه معجزاته
نسبت متضمن کمال غرابت اولما قین ذکر اولندی وایتکینی کتند و زمانلرند اواش و اوله جق و اوچینی
کند و لدنصکره قیامتده دل دنیاده و چاقی آخرتده اوله جق امورنا محصوره متعلقدر که چه کیم اشبوا یکی قسمک
افزادی مواهب لدینه ده مذکور اولدنی اوزره رسول علیه السلام (ان الله رفع لی الدنیا فانا انظر الیها
والی ما هو کائن فیما الی یوم القیامة کاتما انظر الی کفی هذه) دیو یورمغین و صحابه دن حدیقه بن الیمان
(قام فینا رسول الله مقاما فارتکب شیئا من مقامه ذلک الی قیام الساعة الا حدث به حفظه من حفظه و ندیه من
نسیه) دیکین حددن بیرون وعددن آفر وندر (لکن ما لایدلر که لا یتلک که) مفهومیجه ایچلرندن تفصیل
محتاج اولیا نلری تکثیرا لسان المعجزات بلا ترتیب و لا تفصیل اجمال اشارتله قناعت اولندی پس چله دن
بری معاهده قریبده یاز یلان کاغذک یاز یسن کوه یددی دیو خبر ویدر که قبل الهجره احوال لرنده
بازامشدر نظر اولنه و مدینه ده ایکن حبش پادشاهی نجاشی وفاتی صحابه به خبر ویدر که یدر که هجرت صحابه

الی الحبشه ده یازامشدر و عجم پادشاهی کسری دید کوری خسرو دن مدینه به ایچی کلد کده برکون آنره رسول
علیه السلام یو کجه پادشاهی کسری کندی اوغلو قتل ایددی دیوب بعینه اوبلجه خبر کادی و دخی (یا ایها النبی
لم تحرم ما احل الله لک) آیتلک سبب نزولنده اولان روایتلر برنده مذکوردر که رسول علیه السلام خاقونلری
حفصه به (ابشر لک ان ابابکر و عمر یملکان بعدی امر امتی) دیوب حضرت ابو بکر له من یوره حفصه نک پدیری
اولان حضرت عمر له خلیفه اوله جق لریه اشارت و بشارت ایدیلر و بول غزاسنده ایکن مدینه ده بر مناصک
وفات ایدیکینی خبر ویدر که یوقار وده یکمشدر و صحیح بخاریده اولانک اجمالی بودر که رسول علیه السلام
ابوهر بره می بر کره مدینه ده صدقه خرما منه امین ایدوب بر کجه برکشنه خرما دن اوغرو لکن کوروب طو یوب
دخی حضرت پیغمبره ایلنورم دید کده خرمنه فقیرم اهل عیالم دیو یورمغین قیو و یوروب ابرمتی رسول علیه
السلام یا باهر بره دون کجه اسیر لته ایشلدی دیوب او دخی حکایت اید کده رسول علیه السلام تحقیق دلان
سویلدی بردخی کاسه کر کدر دیوب ابوهر بره کوزتد کده و انعامه کاوب طو نلر تکر اربا لواروب قور نلر
محصل اوچینی دفعه کاوب طو نلر دنده قور نلر چاره بولامغین بنی قیو و یورسکا بر قاج سوز تعلیم ایدیم که سکا
نافع اوله دیوب ندر دید کده کجه دوشکاید قده آیه الکرمی فی او قو که الله تعالی سنی حفظ ایدوب یا نکه شیطان
کمز دیوب ابرمتی رسول علیه السلام حضرت ابوهر بره تکر اوسوروب دیو ویدر کده تحقیقا سکا کر چلک
سویلس اما حاله که غایت یلانچی کذا ایدر یا باهر بره اوج کجه دندر کجه خطاب ایدرسن یلورمیسن دیوب
یوق دید کده اوکشنه شیطان علیه الاله ایدی دیو یورمغین کفار و رم ایل جک ایچون سریه مؤته دید کوری
غزایه عسکر کوندر در کارنده صحابه دن درت نفر سردار سیای شهید اولدنی کندولر مدینه ده منبر اوزرنده
ایکن قدرت حقه کوروب مفصلا خبر ویدر یلر و معلا بن جلی بنه حاکم اید کارنده شهر دن یله حقیقاروب
حین و داعده وافر نصیحتلر ایدوب سکا قیامتده دل ارتق ملاقات اولمز دیوب واقعا اوینده ایکن حضرت
رسول علیه السلام وفات ایدیلر و حین وفاتلرنده کریمه لری حضرت فاطمه به (آنک اول اهل لحوقابی)
دیوب واقعا الی آیدنصکره حضرت فاطمه دخی وفات ایدوب جمیع متعلقانلرند آندن اول کسنه وفات
ایندی و قیس بن شماس آدلو کسنه به تعیش جید او قتل شهید ایدوب یوروب واقعا مسیله الکذاب جیکنده
شهید اولدی و حضرت عمر و عثمان و علی بنک شهید اوله جق لرندن دخی خبر ویدر و عجم پادشاهی کسری آنک
وروم پادشاهی قیصرک و لایلرین مسلمانلر فتح ایدوب خرمنه لری فی سبیل الله انفاق اوله جقنه بشارت
ایتمشدر و امتلرندن بر طائفه در یادن غزایه کیدوب صحابه دن اولان ام حزام آدلو خاقون او مفرده یله اواسه
کر کدر دیوب واقعا حضرت عثمان خلافتنده جزیره قبری مسلمانلر کیلر ایل و اوروب فتح ایدوب او خاقون
یله ایدی و برکون رسول علیه السلام مدینه ده طام اوستنه حیه قوب (هل ترون ما لری الی لاری مواقع
افتن خلال بیوتکم کوا قع القطار) دیوب واقعا فتنه شهادت حضرت عثمانده و بعده یرید بن معاویه زمانده
مدینه ده بر رتشته عظیمه ظهور ایدوب سواقا قده ظالمی حد قانلر دو کدی و برکون رسول علیه السلام
کندی خاقونلرندن بری خرمنه اید جکینی خبر ویدر یوب حضرت عائشه تبسم اید کده (النظری یا حیران لا تکنون
انت) دیوب بعده حضرت علی به باقوب (ان رأیت من امرها شیئا فارقی بها) دیدیلر واقعا او نور ییل
مقداری صکره عائشه و حضرت علی جک ایدیلر که تفصیلی باب احوال حضرت علیده کاور و معاویه به (اما
آنک ستی امر امتی بعدی فاذا کان فاقبل من محسنهم و یجاوز عن مسیئهم) دیوب واقعا حضرت عثمان زمانده
شامده یکر می ییل خلافت یوقی و کاله بعده یکر می ییل اصالة خلیفه اولدی و دخی (ان یقلب معاویه ایدا)
دیو یورمشلر ایدی واقعا هیچ بر چکنده معاویه مغلوب اولوب حتی حضرت علی محاربه مقیمده یوحدی
ایشیدوب اگر مقدم ایشیدیدم جک ایتمزدیم دیش و عمار بن یاسر رسول علیه السلام (یقتل الفتنه الباغیه)
دیدیلر واقعا حضرت علی ایل معاویه محاربه جنده معاویه طرفندن برکشنه شهید اولدی و کریمه لری اوغلو
حضرت حسن ایچون (ان ابی هذا سید و سیطخ الله به بین فتنین عظیمین من المسلمین) دیوب واقعا معاویه ایل
جک مقرر اولدنده فتنه ساکن اولن ایچون کند و اختیار یله خلافتی معاویه به فراغت ایددی و حضرت
امام حسین کر بلاده شهید اوله جق لری خبر ویدر که مقل کابلنده و غیره تفصیل اوامشدر و صحابه دن

ابن الزبير حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم (وويل لك من الناس وويل للناس منك ولا تسلك النار) ديو
 سورد يرو واقعا مکه ده خليفه اولاده شاهي عبد الملك بن مروان طرفندن حجاج ظالم عسکر عظيمه
 واروب چنگه ابن الزبير طوقوب صلب ايتدی * وابن عباسك والده سنه سن براوغلانه حاملسن طوغدده
 بکا کتور ديو طوغدده ايتدوب قولاغنه اذان واقاست او قيو ببارك اغزلي ياريني اغز يته قوبوب
 ادبني عبدالله قوبوب والده سي البنه وروب (اذهب يا بني الخلفاء) دعي خليفه لربا باسيله اويکوار کيت ديو ب
 بعده يابامي عباس خاوندن ايتدوب کلوب کرچک ميدرد يوصوردقه رسول عليه السلام (هو ما اخبرتك
 هذا بالانطلاء حتى يكون منهم السراح حتى يكون منهم المهدي حتى يكون منهم من يصلي بعيسى ابن مريم) ديو
 سورد يرو واقعا خلفا عباسيه ديدکري وافر يادشاهلرا بن عباس نسلندن ايد يرو امام يعقوب روايت ايتدور که
 رسول عليه السلام (في امتي قوم يسعون الرافضة يرفضون الاسلام) ديو سوروب رواض طائفه سنک
 ظهورندن خبر ويرد يار کاتب السطور اولان عبد پر صور ايدر رسول عليه السلام امتي ايجنده ظهور
 ايد جک انواع معاصي وخطايا وقتن ومن ولا يادن خصوصاً اعلام قياست اولان اشراط ساعتن واحوال
 واهوال شمر وشمس وچنت وناوردن بعد ولا بعد اخبار اخبار ايتدور که جله سني بيان خارج دائرة امکان
 اولوب نيجي مي کتب حديث وسيره بحر را اولوب اشبو مختصر معتبره ذکر اولان ايله کنفا اولند يک انقليل
 يدل على الكثير والقطرة تدل على الغدير ايکي مثل معروف وشهر بدر (مجهزات) برنوع دخی خيره ديدکري که لطف
 حقه قبوله موصول اولندي بوناردخی اگرچه بعد ولا بعد اولوب تفصيله يازلسه کتاب مستقلة اولغه
 متحملدر لکن تينابر قاجي ذکر اولوب اشارتله قناعت اولندي پس مر ويدر که حضرت علي رسول عليه السلام
 بني عتبه قاضي ايدوب کوندر دگر ننده يار رسول الله (لا علم لي بالقضاء) ديدم مبارک اللري کوسمه قوبوب
 (اللهم اهد قلبه وثبت اسانه) ديو دعا ايتد يار (والله ما شككت في قضاء بين اثنين) يعني بوقصه دنصکره اصلا
 بر حکم شرعيه شمه ايتزا اولدم ديدی وعشره مبشره دن سعد بن ابی وقاصه احد غزاسنده (اللهم سدد رميته
 واجب دعوته) ديو خير دعا ايتکين من بعد من يور سعد مستجاب الدعوه اولوب هرايتديکي دعاه مقبول
 خصوصاً هرايتديکي تبرجسد بر حسد اعدايه موصول اولوب اصلا تخلف وعذول ايتزا اولدي وعيلري اوغلو
 ابن عباسك آتته مبارک اللري قوبوب (اللهم فقهه في الدين اللهم اعط ابن عباس الحكمة وعلمه التأويل)
 ديو روايتده (اللهم علم الكتاب) ديو دعا ايتد يرو واقعا جايج علومده خصوصاً تفسير وحديث وفقهه فريد
 ووحيد اولوب اکثر صحابه و تابعين اندن مستفيد اولغن برلقي ترجان القرآن برلقي حبر الامة برلقي بحر العلم
 برلقي رئيس المفسرين اولدي وعالم اسلاميه شاگرد ليله طولي ومريدکري رسول عليه السلام مخصوص
 شده تکارلري انس بن مالک (اللهم اکثر ماله وولده واطل عمره واغفر له) ديو دعا ايتد کوندره تدريجه اموال
 واملاکي غایت چوغالوب باخچه لري اشجاري ييلده ايکيشر که ميوه وروب يوزدن زياده اولادي اولوب
 يوزدي يايوزاون ييل باشاوب آخر عمر نده يارب حبيبک بنم حقه ده اولان دعال ينک اوچني قبول ايتدک
 درنجيسي اولان موفرت حالي نيجي اولوز اوله ديومناجات ايتدکده درنجي بي دخی قبول ايتددر خاطرک
 خوش طوت ديو هاتندن بر مفصل ندا ايتددي بوقصه بر معجزه دخی اولوز ومالک بن ربيعه يه اولادنده
 برکت اولغه دعا ايتد کوندره سکه ان عدد دارک اولادي اولدي ونايفه آدوشاعر مشهور کندو شعر لري ينک
 بعض او قیدده (لا يقض الله تعالى قال) يعني الله تعالى ديشلرک دیکسون ديو عادت عرب اوزره
 خبر دعا ايتکين من يور نابقه يوز ياشنه واردده ديشلري فارکبي آق وراق انجوکبي ديرنلش طوروب
 بري کيدوسه برينه بري دخی ستردي وبرکسته يه (اللهم جله) يعني يارب بوي صاحب جمال ايله ديدکده اول
 کسه نک صفالي آق ايکي سياه اولدي * وعروه بن جعد ايدر حضرت رسول عليه السلام بکا (اللهم بارکله
 في صفته) ديو دعا ايد يه لي هيچ برنسته صانقون الوب فائده ايتامک واقع اولدي وکندو که لري حضرت
 فاطمه برکون يانلر نه کلوب آجلندن يکزي صارومش کورمکين اللري آتک کوكه قوبوب
 (اللهم نسع الخاف لا نخع فاطمة بنت محمد) ديو کارنده فاطمه نک في الحال بکري قراروب من بعد اجلي
 مشاهد يار اولدي * وعشره مبشره دن عبد الرحمن بن عوفه برکت ايله دعا ايتکين حددن برون

مالدار اولدي تکيم اشاعده باب صحابه ده ذکر اولوز (بشاره) صحيح مسلمه حضرت رسول عليه السلام
 (الكل في دعوة مستجابة فتعجل كل في دعوته والى اختيأت دعوى شفاعة لامتي يوم القيامة فهي نائلة
 ان شاء الله تعالى من مات لا يشر له بالله شيئا) ديو سوروب يعني هر يغمبر لک صلاحيه ميزالنه قبول اوله جق
 بر مخصوص دعاهي وارد که هر بري اودعاهي ديشري بر حاجته صرف ايدوب لکن بن اودعاهي آخر تده
 امته شفاعات ايجون مقلده شمر که اوشفاعات ان شاء الله تعالى ايمانله وفات ايدنله واصل اولوز *
 مواهب لدينه ده مذکور دکر بخاري شارحي عيني ايدر اگرچه کرمانی هر يغمبرک البته قبول اوله جق
 برود لري اولوب سائرد لري مستيتمه الالهه دردمش لکن بوسوزي بکا خوش کما زير باشاعه وشاعتي وارد
 حضرت رسولک جيع دعالري مقبول ايد وکنده بن شک وشبهه ايتزم (الكل في دعوة مستجابة) سورد قلري
 نوکامناق دکادر زير اخصورد کادر دخی بررد عالندن غير بسى مقبول ايدوکی معلوم دکادر ديو اشارت بوندر
 (مجهزات) برنوع دخی بدعالي دکر قبوله موصول اولمشد بوندي مستحق اولاندر حقه ضرورت بشريه
 اقتضا سيله وافر واقع اولمشد يک بعضري بوندر * پس مر ويدر که قبل الهجرة مکه ده حضرت رسول عليه
 السلام قبائل عربي دعوت ايدوب ايمانه کلد کليچون (اللهم اشد وطأتک على مضر واجعلها عليهم
 حنين کسني يوسف) ديو بدعالي دکر مکه اطرافنده نيجي زمان خط يوسف کسي عظيم قبط اولوب نيجي
 کسنه رجيعه لري يوب اکثر ناسک آجلندن کوزلر نه روی جهان طومان کورينوب وابن مسعود قولنجه
 (فارتقب يوم تأت السماء بدخان مبين) آيتندن مراد بودر وعتيه بن ابی لهب حضرت رسولک سابقا دامادی
 ايکن يغمبر اولد قوندره عتيه يابامي کبي کافر نافر اولوب کر يه رسول بوشاوب جفا اوزره اولغن حضرت
 رسول عليه السلام (اللهم سلط عليه کلبا من کلابک) ديو بدعالي ايتکين شام بولنده من يور عتيه برکجه
 جيع بولجيار اسنده محکم خوله وندارک ايله يا نورکن برارسلان کلوب خاق برر بر قوخلوب براغوب
 نوکار اسنده عتيه بي بولوب قاپوب ياره لای ومکدن هجرت ايتد کارنده بولده اردلر نجه کلان سراقه قصه سي
 باب هجرتده بکمشد روجه لواقع اولدي نظر اولونه * وجنک ايجنده مبارک يوزلري بحر ايدن ابن قيس يه
 يدعالي ديو بوجهله هلال اولديني فصل غزوه احدهه بکمشد نظر اولونه * وحضور شريعت ننده برکسته
 مول ايله يک دکره صاغ ايله بي ديو امر ايدوب قادر دکلم ديدکده حضرت رسول عليه السلام (لا استطعت
 يعني بولايکي کرچکدن قادرا وليه سن ديو بدعالي ايتکين صاغ اين فالدروب اغز يته ايتکي قادرا اولوز اولدي
 وده اوي يه چاغر ديو يک پردوخبر کلوب بعد زمان يته چاغر ديو يته يک پرديدک ننده (لا شيع الله بطنه
 يورمفين يک يک اصلا طوع اولدي * وبعث بادشاهي خسروي ايمانه دعوت ايجون نامه کوندروب اول لعين
 بي دين يدا اين نامه بي ياره ايوب حضرت رسول عليه السلام ايتدکده (اللهم مرق ملکک کما مرق کلابي)
 سورد يرو واقعا خسروي اوغلو شيريه حضرت رسول عليه السلام حيا تده خنجره ياره ايوب حضرت عر
 خلافتنده ولايت عجمي مسلمانلر فتح وضبط ايدوب نعل خسرو دخی منقرض اولدي * وطائفة عربدن
 بي کلاب اوستنه عسکر کوندروب ايمانه دعوت ايجون برنامه دخی کوندر دکارنده اول ماعونلر عتاد ايدوب
 نامه بي تحقير ايتد کارنده رسول عليه السلام ايتدوب (ما لم اذهب الله عقولهم) ديو کين اوزماندن
 الي هذا الان او طائفة نك صغار وکبار وکور وانا في جله مختل العقل ومختلط الکلام اولوب اهل رعدده واهل
 عله در رديعنا * وبرکون مدينه ده رسول عليه السلام چارسوده خلقه امر معروف ونهي منکر ايد رکن
 مروانک پدري حکم بن العاص آدلو ملعون بليد حضرت رسولک ادينه بکوب مجر دمه لنمکچون
 کوزني اکوب قبایوب يوزيني يورشدروب يعني حاشا تقيد ايتدکده رسول عليه السلام ديو بياقوب
 کندوکی نيجي کوسر سکن اوله سين ديمکين في الحال اغزي وکوزي محکم اکوب بد شکل اولوب نيجي
 ييلار دنصکره او حاله وفات ايتدی * ومعارج النبوه ده مذکور دکر رسول عليه السلام برکسته بي
 بريره کوندروب واردده بعض کذب واقرا ايدوب ايتد کارنده بدعالي ايتکين اوکسنه قارني ياريلوب
 هلال اولش بولنوب هر نه برده دفن ايتد يلسه اصلا بوقبول ايتيوب طشره اتاردی (مجهزات) برنوع دخی
 حضرت رب العالمين حبيبي انواع بالار دن معصوم ومحفوظ وامين ايتد وکيدر که بوقصه دایم اولوب لکن

اكانچه آثار و علامت و مرآت ايله واقع اولدى * تفسير كبريه مذکور در كه حضرت رسول عليه السلامي
مكده داي چهل اين طاشله اورمق ديلد كده مباركه نام و زلنده ايكي از درها كورمكين اول كاب لثيم خوف
عظيله خائف و ذاهب اولدى * و معارج النبوه ده مذکور در كه حضرت رسول عليه السلام بده ده ايكن
ينه اوجده سل ناهل فرصت غنچدر ديوپ ضرر قصد ايتد كده كمال خوفله دونوب بعض كافرلندن
ارنده سكوب نه قورقده ديوپ و در قلنده محمد ايله ارامزده آتشدن برخندق ييدا اولوب عظيم قنادرلر وار
رطافه كورده كه قنادريله منع ايتد يلازل سببدن غایت قورقده ديوپ رسول عليه السلام اكر اوجده ل
يكايه شايدي ملائكه خدائي قايوب چله اعضا سن بری برندن جدا ايدردی دیوادی یوردی * و هجرتك
اوجني ييلنده حضرت رسول عليه السلام غزوه عطفه سنده براناج دينده ياكز ياقوركن عربدن دعور اولو
برمشور و بر سادر كافر ايقدن كوروب يالين قلع ايله كايوب رسول عليه السلام اواند قده سني بنندن كيم
قورنار ديوپ رسول عليه السلام دخی الله ديد كده چي ايل عليه السلام عربك كو كسته اورمقن يقايوب
قلبي التندن ديوپ حضرت رسول عليه السلام قلبي آلوب سني بنندن كيم منع ايدرديوپ اودخی (لا احدكن
خير آخذ) ديوپ مكنت ايتد كده عفو ايدوب واقدي روايتنده ايمانه كايوب قومندن وافر كسته ني
ايمانه كنوردی اشوقه حقه (يا ايها الذين آمنوا اذكروا نعمه الله عليكم اذ هم قوم ان يسطوا اليكم
ايديكم فكفتم ايديهم عنكم) آيتي نازل اولدى و هر وجه له جات بوقصه نك عيني بر يلدن صكره غزوه ذات
الرقاعده دخی واقع اولدى * تفسير معالم التنزيلده اشبو ايكنجي قصه ده كي كافر حضرت رسوله قلع حواله
ايتد كده اتي ديوپ قلع دوشوب غروب بي ادب مستحق القضب ظاهر ابلاب محض قدرت رب ايله
سر كرافسني انده اولان اغاچه محكم اوره اوره ياشي باره لنوب دماغي تار مار اولدى و بو تقد برجه
بو خصوص دخی بشقه بر مجزه غرايت اثار اولور * و هجرتك در دخی ييلنده غزوه بني النضيرده حضرت
رسول عليه السلام يورديرك حصارلر لثنه واروب سويلشوركن بر معاون يوقارودن بريول كورمن
طاشني ضرر قصد ايله آتق ديلد كده قدرت حقه الي طويلوب آتقه قادر اولوب حبر ايل عليه السلام
حضرت رسوله خبروردی * و بر قصه ده اوج مجزه دخی بودر كه هجرتك طقوزنده ايمانه كايوب ايلچيلر
كونورن عرب قبيله لندن عامر ايله ابدنام ايكي كافر حضرت رسوله ضرر قصد نه عهداشوب كاه كارنده
عامر قارشوبه كايوب سويلشوركن اريد ادين اردلر نه كايوب قلبي قينندن بر قارش قدر چيقار دنده
الي طويلوب قايوب عامر قارشودون نه طور رسن ديواشارت ايتد كده حضرت رسول عليه السلام
دونوب قايوب (اللهم اكفني ما يمشي) ديوپ ايكي سي كند كارنده عامر ايله نچون عهده وفا ايتد ديوپ
اورخی نجه ايله هم عشر چند كه محمد قصد كند ايتدم سني انكه بنم مابنده كوردم ديوپ بعده ياز كوني اولوب
هواد برانندن نشان بوغيكن ناكاه يامر اله سيري يدا اولان اريد اوستنه كوكدن يلدريم ايوب بندوكي دومي
ركه دري قايوب هلاك ايدوب عامر كافر قايوب بولده كيدر كن اي ملات الموت كل سكه جنگ ايدلم ديوان
ايرساندنه بر ملات قنادريله اوروب قايوب ديري كوزنده يا خورديو غار نه طاعون چيقاروب دخی تكرارات
اوزنده ايكن هلال اولدى * تفسير سوره (و يرسل الصراق فيصيبهم امن يشاء وهم يجادلون في الله
وهو شديد الحمان) آيتي بوقصه ره اشارتدر ديشل * و بركون حضرت رسول عليه السلام آبدست آلوب
ايچ اداكار يرك بريني كيوب بريني دخی كيم استر كن هوان بر قوش كايوب قايوب سلكوب ايچندن بريلان
دوشوب بعده اول طير باد سيرا صاحب خيادوكي اشاغه بر اقدی بعده حضرت رسول عله السلام ادوكي
سلكوب كيمكي منت وضع ايتد بر و بر مجزه حفظ رسول دخی يوقاروده غزوه طاشنده شق شجر در كده
كانظر اولنه (فانده) كتب تفسير وسيره محمدر كه رسول عليه السلام سفر لده و هجرتده كندولرني
ايچايدن نجه ره بلكدوب (وان الله يعصمك من الناس) آيتي نازل اولد قده وعده الهيمه به يقين حاصل اولغين
آندن فراغت ايدوب اعدا اراسته نهها كروب نهها ياقوب اصلا خوف ايتزل اولديلر (مجزات) بر نوع دخی
اعضاء شريفه لر نه مخصوصه مبارك اغزله نه واللر نه متعاني اولاندر كده بيجد واقع اولوب نجه لر
باب برنده نهها حرات ازلدن و محله كجه مناسبه له جايجا كده در ازلر ماعداسن بعضي بودر كه

معارج النبوه ده مذکور در كه صحابه دن اني بن مال كده حضرت رسولك مبارك يوزلر بن سيلد كاري
بره قمره لر اولوب بعده هر كيرلن كجه آتسه براغوب چله كيري ياقوب مبارك يوزلر طوفيقين مقرر مه به
آتش ضرر ايتموب صابونه يوش كبي يالك و تابناك آتشدن چيقار ايدی و مبارك اغزلي يازيله عون باريله
انواع امر اض و اعراضه نجه دفعه في الحال شفا و صفا كلسدر كه بر قايحي قصه غارده و ميجزات باب غزواتده
واشوباب انواع مجزاتندن بو محله دلجا بجا مناسبه له ذكرا و لشدن نظر اوانه * و صحابه دن بريني قيو منك
صوفي طوزلور ديوپ شكاييت ايتد كده حضرت رسول عليه الصلوة والسلام واروب ايچنه نوكرمكين في الحال
سكر مثال اولوب مدینه منوره ده ابدن طانلوصو بوغيدي و بر كره برقيونك صوفي قوعا ايچندن ايچوب باقيسي
قيويه دوكد كارنده داغما ايچندن مسك رايحه مي چي تار اولدى * و عاشورا كورنده كرمه لر حضرت فاطمه به
همه امر اوغلا قققلر كن كور ديوپ هر بريك اغزله نوكروب والده منه و بروب بوي اخشامه دلانمن رمه
ديوب اوغلا قققلر قاري ريق حلاوت رفيق حضرت رسول شفيق ايله تحقيق طوياردی * و بركون حضرت
حسين صومز قندن شكاييت ايتد كده رسول عليه السلام مبارك ديلا ريني انك اغزله نه موقد قده صومزاني
بالكايه دفع اولدى * و عتيبه بن فرقدا اولو كسته نك بدتده قور دشی دید كاری مرض چيقوب حضرت رسول
عليه السلام اتي صويوب كوده منه نوكروب بعده مبارك الله يله مسح ايدوب يا خور كند و مبارك الله يله
نوكروب بعد مسح ايتد كارنده في الحال شفا يولوب كوده سندن مسكن الطف رايحه استعمال اولوب حتى
مزبورك بر قايحي خاتوني رويح طيبه استه عملانده بزل مقدور ايدوب عتيبه نك رايحه لطيفه مي انله غالب
كلوردی بو خصوص دخی بشقه بر مجزه عظيمة در و وايكسي دخی كتب سيره اولانك كل اجمالدر كه حضرت
سلطان فارسي ديار عجمه دن دين حق ارامقون كيدوب تدريجه مدینه ده بر يودنك قوللغنه دوشوب بعده
ايمانه كايوب بر قايحي يلدن صكره اوچيوز خرماتاجيله فرق اوقيه التون بهايه كده رسول عليه السلام
ايشيدوب مبارك الله يله ايكيوز طقسان طقوزنر ما اغايي ديكوب چله مي اول زمانده ميوه و بروب بريني
حضرت عمر ديكيمكن ميوه ويرمده كده حضرت رسول عليه السلام اتي حبة اروپ مبارك الله يله ديكده كده
ميوه و بروب بعض غزالدن طاقو جورطه مي قدر التون كايوب سلمان به ويرد كارنده يارسول الله بوعايت
آزدر بنم بهامه يتشيز ديكين مبارك الله يله يرك او ستنه و بروب ويرد كارنده حردن آتري اغراولغين فرق
اوقيه في افنديسي نامه اولان يهودي به و بروب فرق اوقيه دخی سلمان به باقي خالدي هر فرق در همه عريجه
اوقيه ديتوب چله مي كه مسكان اوقيه ايدی اوج ييك ايكيوز درهم اولور * و تاريخ امام بخارنده هر ويدركه
حفظه بن حديك باشنه رسول عليه السلام مبارك الله يله يرك يوقوب (بورك فيك) ديودعا ايچين بعده بر كسته نك
يوزنده يابرقيونك همه مسنده شيش اولسه من بو حنظله كند و الله اوفوروب باشنه قوبوب (بسم الله على اثر
يدرسول الله) ديوپ بعده اول شيش او ستنه التي سورد كده ورم والم ساكن و سالك راه عدم اولوردی * و معارج
النبوه ده مذکور در كه قتاده بن ملحانك يوزنه حضرت رسول عليه السلام مبارك الله يله يرك يوقوب
اولغين اعضاي يورشد قده يوزي مهره لو كاغد كبي راق و نه خاف طوروب و حتى انك من من موده بر كسته
انك او كنده طورركن او كسته نك اردندن برخاقون كايوب كند كده او خانوك قد و قامت و صورتی او كسته
قتاده نك يوزنده آيينه دن كورركي بالتمام كوروب نچ ايتدی * و مواهب لدنيه ده مذکور در كه رسول عليه
السلام بركون غازي لار كن شيطان له من غازين يوزمغيچون كده رسول عليه السلام اتي طويوب صيقوب
حتى مبارك الله يله انك اغزي ملياري آتدی * و صحيحه ده هر ويدركه (ان عقر سمان الجن تفلت على البارحة
ليقطع على صلوفا فامكني الله منه فاخذته فاردت ان اربطه على سارية من سواري المسجد حتى تنظروا اليه
كلهم فتذكرت دعوة اخي سليمان رب اغفر لي و هب لي ملكا لا يتغيري لاحد من بعدي فردته خاشا) ديويور مشاير
و صحابه دن بريني قيو منك صوفي طوزلور ديوپ شكاييت ايتد كده رسول عليه السلام بر كن ايچنده مبارك
اياقلا رين يوقوب اشو صوفي اول قيو به دوكد كده كارنده في الحال سكر مثال اولدى * و كتب
سيره محمدر كه مدینه ده رئيس المناقنين اولان عبدالله بن ابی بن سلول من موده حضرت رسول
چاغردوب صورتا مسلمان شكنده اولغين ارقه كرده اولان كورمكي بكافن ايد سزد بومنت ايتد كده رسول

عليه السلام دخی بجز دلف و کره معتمد اولوب کاتبه احسان ایدوب حتی غار بن دخی قلند قلند بهض
 صوابه نه خوش بویه ایدیکز دیوب بونردخی (وما یغنی عنه قیصری و ملوک و الله انی کنت ارجو ان یدلم به الف
 من قومه) دیوبوردیلر واقعاً کفار قبیلله خیر جدن تمام یکن عدد کسره رئیسری ابن ابی حضرت رسول
 کوما کندن نفع رجایندیکنه تعجب ایدوب حق بیغمه ایدوب کی مقرر الحقیق دیوبله بی بر او غوردن صادقانه
 ایمانه کادیلر معلوم اوله که حضرت رسول علیه السلام اکثر اعضاء شریفه لری کذا اولنا نلردن غیر بی بعد
 اوصاف صافی اولوب اکن انلری معجزات بایده یازده قدن اوصاف و خصایص بایده یازمق انسب و اولی
 کورغ کین اول محله تا خیر اولندی (معجزات متفرقه) که بللو بر نوعدن اولده یوقمک دخی افرادی بی حد
 ولایه اولوب ایملرندن بهضاری بونلرد که ذکر او انوریه تا سیرده مذکور در که حضرت رسول مکده اوائل
 بونلرنده کفار قریش بدکیش ایملرندن ولید بن مغیره عاص بن وائل حارث بن قیس اسود بن یفوث اسود
 ابن المطلب باب جفا و استیزاده سائر لردن زیاده اولغین امر حقله جبرائیل علیه السلام (انا کفیناک
 المستزین الذین یجعلون مع الله الهه آخر فسوف یعلمون) آیتی کتوروب بونلردن لری سندن دفع ایچون
 ایملرینی قایم و امر او اندم دیوب ولید کذا ایغنه اینکجینک او یکسره او چچینک بورتیه درد یغینک بائنه
 بشخصیک کوزلرینه اشارت ایدکده بقدر قائله تهالی ولید کذا ایغنه براوق طولا شوب کال تکبرندن اکیلوب
 سیانه آتقعه عار لغین عرقی طبعی طمرینه باقوب عرق النسا مریضه او غرا یوب عاصک او یکسره سنده دیکن باقوب
 طلوم کی شیبوب حارث بونلردن قائلر اریکار اقوب اولکی اسود براغاج دیدنده صحیح و سالم او تورور کن
 ناگاه بائنی اغاجه متصل اوروب ایکنی اسود اعی اولوب جله سی هلاک اولدیله و معارج النبوه ده عاصله
 مغیره نک هریری بنی محمد تکریسی قتل ایددی دیوبزاد و نغان بعد ویدایان ایل جان ویردی
 دیوبیان اولشدر و کتب سیرده محرورد که قبیلله دوس رئیس طفیل بن عمرو و هجرتدن اول مکده ایمانه کلوب
 ولایتده قومی ایمانه دعوت ایچون حضرت رسولدن بر معجزه و علامت دیدوب بونلردخی (اللهم اجعل له
 آیه) دیوب عا ایدوب طفیل قومه وارد قده ایکی قاشی اورنا سنده بر نور عظیم برق اورمغه باشلا دقده یارب
 بوعلامتی یوزمندن کیدروب برغیری نسنه مده ایل که قوم بنی کندودین باطل لردن چیقیدیم ایچون عقوبت
 اولدی صامتسونلر دیوب عا ایدکده اول نور تابان یوزندن کیدوب الله طوتدینی قاجیحیسی او جنده معلق
 قندیل مثالنده ظاهر اولوب قومک بعضی اوزمانده بعضی دخی خیر غزاسنه دلندن ریجه ایمانه کلدیلر
 و مدینه ده بنی النجار طائفه سندن برخاونه برجنی عاشق اولوب دایما کلوب حضرت رسول علیه السلام
 مدینه به کلدکارند نصکره بر کون خاتونک دیوارینه کلوب او توروب خاتون کانچون او ایکی کی کلز اولدک
 دیدکده (جاء النبی الذی یحرم الزنا و الحرام) دیوب جواب کلام ایددی و بعد الهجرة اصحابدن یتش کسره سربه
 برمه و نه ده تفصیل محتاج و جملله غدر کفار له برکونده شهید اولد قلند ایملرندن سابقا حضرت ابو بکر
 قول اولوب قدما صحابه دن عامر بن فهیره ی حربه ایل اورده قلند کافر لک کوزلری قارشو سنده ملک کار کو که
 چکوب حضرت رسول خبر و برد کارنده (دفنته ملائکه الجنة و رفع روحه الی عابین) یورمشلر و صحابه دن
 خیب آدلو کسره یی مکده کافر لک اصوب بعدا وفات عبرت ایچون ایدر مدکارنده مدینه دن حضرت
 رسول علیه السلام انی خفیة الوب کتورمکه آدم کوندرد کارنده ایکی کسره میتی دارا غاجندن بر طرافتله الوب
 کتورور کن کافر لک طوبوب اردلر نجه یتش نقر آتلو کوندروب یشتند کارنده خیبی کافر لک ایچون اشاغه
 بر افند قلند بریار یلوب نابید اولغین کافر لک دیوب کتدیله و کار صحابه ابراردن سعد بن معاذ غزوه اخذده
 هجرو اولوب بعد زمان اوسبله وفات ایدکده حضرت رسول علیه السلام خبر و برد کیری اوزره نمازینه
 یتش یکن ملک حاضر اولوب و دخی کمال سروریندن عرش عظیم صابو لوب و مقبره سی قازیلور ککن مسک
 رایحه سی عالمی طوبوب طراغندن برکسره برقبه آلوب کیدوب بعد زمان باقده صافی مسک
 اولش کوردی و حضرت رسول علیه السلام غزوه حدیبیه ده مکده عمره ایتک ایچون وارمق ایستوب
 کفار قریش رضوایر ممکن عمره شرا طنک بعضی ادا ایچون حاضر اولان اصحابله قربانلر و غازیلوب تراش
 اولد قلند بر کک بل اسوب جله نک مائری حاجتی رفو یاق بردن مکده ایلندی هجرتنک یدسنده رسول

عليه السلام حبش پادشاهی نجاشی به وروم پادشاهی هر قله و عجم پادشاهی خسروه و مصر حاکی موقمه
 و شام حاکی حارث غسانی به و عمان حاکی می تمامه ایلده و ده به ایمانه دعوت ایچون بر رنمه ایلد ایچیکه
 کورنرد که برر کسره نه تعیین اید کارنده واره جملری ولایت خاقانک دیلرینی بلزلر ایکن اول کجیه یاقوب
 ابرسی قدرت حقله هر بری اودیلر یلوب اکلا یوب تمام سو یلمکه باشلا دی اشبو قصه عظیم مجزه در دینشدر
 و کتب سیرده مذکور در که عجم پادشاهی خسروه انسان ورتده بر ملک تنه استنده کورینوب الله بر عاصا
 طوبوب ای خسرو الله تعالی کو کدن کابل بر بیغمه کوند و مشدر کایان کتوربو خنده بونی باشکده یاره لم
 دیوب اودخی فارسجه بهل بهل یعنی قوا نجهتمه قوا نجهتمه دیوب کاه جک ییل دخی بویه ایدوب او چچی
 ییلده دخی بویه ایدوب لکن ایمانه کلیه جکی معلوم اولغین عصابی باشده یاره ایوب کیدوب او کجیه خسروی
 کیدونک او غلو شیرویه خنجر ایل اوروب قتل ایددی و رسول علیه السلام صحابه دن علاه الحضری بی ولایت
 بحرین پادشاهی ایمانه دعوت نامه ایل کوندروب اودخی یولدا شریله دریا کنارنه کلوب کی اولماغین بعض دعا
 او یوب دریا اوزرنده قدرت حقله یور یوب کوب کتدیله و صحابه دن جزء اسلمی ایدر حضرت رسوله بر سفرده
 بر قرا کو کجیه ده عسکر یول آزدروب طاعنه قلندنه بنم بارمقلم حکمت خدا ایلده سنده آسار یضیا اولغین
 طاعنه لارنک ضیا سنده جمع اولدیله و مدینه ده بر قرا کو بیغمه و رلو کجیه ده یسون نمازی قیلند قد نصکره
 حضرت رسول علیه السلام قساده بن النعمانک الله براغاج یاره سی و یروب یو کله ییله کیت یولده او کو کجیه
 وارد کیه اوز ذراع یره دل ضیای اولسه کر کدر اولک ایچنه کیدر کده بر سیاه نسنه کورسک کر کدر
 ای دو کوب قواسین که اوشیطا ندر دیوب مزبور قناده کندکده جله ییور دقاری یا تمام واقع اولدی یوقصه
 حقیقده ایکی معجزه در و حضرت رسول علیه السلام بائندن بر قرا کو کجیه ده عباد بن بشر ایلد
 ابن حصین بر مصطفی کیدوب هر برینک الله بر عصابا اولوب یولده کیدر کن برینک عصابی قدرت حقله
 جراج اولغین آنک ضیا سله یور یوب یول آیلدینی یره کلوب هر بری بر یوله کندکده هر برینک عصابی
 کندوبه بر جراج اولدی و بر کون مدینه ده رسول علیه السلام حیره شریفه لردن مسجد چیقوب (ان یسط
 احدنوبه حتی اقصی مقالی هذه ثم یجمع الاوی ما قول) دید کارنده ابوهریره خرقه سن یاقوب رسول علیه
 السلام مو یلیه جکاری سوزی بتورده کده (اجعها) دیوب اودخی خرقه سی دیو شروب کو کسره قوجده
 هر ایشدر و سوزی اصلا او نقر اولدی حتی کندودن مر ویدر که حضرت رسولدن بش طفر جق طاموسی
 علم از بر یوب ایکیستی چیماردم اگر او چنی چیماریدم خلق بنی طاشلردی دیوب بر روایتده حضرت
 رسولدن ایکی قاب طاموسی علم از بر لکد بر بنی خلقه دیدم بر بنی دخی کشف ایدیم باشم کسلوردی دیدی
 و کبار قدما صحابه دن زید بن حارثه بی تفصیل محتاج و جملله بر تنه یولده بر خرابه ایچنده ساقا قتل نفوسه
 معتمد و مانوس اولان کرا ایل طوتدینی قاطر جیسی اولد رملک ایستوب یودخی بعدا احتیضان ایکی رکعت
 نماز یلوب بعده اوج کره یا ارحم الراحمین دیدکده هر برنده (لا تقبله) یعنی قتل ایلده دیو هاشندن بر صدا کلوب
 یا نمرده آدم و از اوله دیو قاطر جی ملعون طمره چیقوب یتنه کیروب او چخیده صافی دموردن او جی آتشدن
 حربه لور به یبتلو آتلو کلوب قاطر جی حربه ایل قتل ایدوب مزبور زید سن (یا ارحم الراحمین) دعاسی ابتدا
 دیدیکده بر بنی کجی کو کده اولوب ایکنجیده او ایکی کو کده اولوب او چخیده سکا یشتدم دیوب ملائکه دن
 ایدوکی مقرر اولدی و دلائل النبوه ده اولان تفصیلک ایمانی بودر که حضرت رسول علیه السلام ملک خاتونی
 ام سلمه آزاد ایدوب بعده خدمت رسوله تعیین ایدیکه سفینه آدلو صحابی روم سفرنده عسکردن ابریلوب
 کافره امیر اولوب بعده قاجوب کور کن برارسلان کوروب بر رسول اللهم قولیم سر گذشتم بودر دیوب
 حکایت ایدکده ارسلان یو کایوزین کوزین و یروب یا نجه یور یوب آدم سنی ایشدیکه یو کاشر باره سون
 دیوارسلان درت یکا کدروب یوقلید یتنه فی الحاله کلوب بواسطه جاق عسکر اسلامه دل کتوروب
 بعده و یوب کتدی و مسلمانلردن جهجه غماری حضرت عثمان خلافتنده خروج ایدوب حضرت رسولک
 مبارک عصارینی آلوب دیری ایل قید قده بر ییلد نصکره دیننده شیر پنجه مرخی چقدی و کتب سیرده
 مذکور در که حضرت معاویه شامدن حجه کلوب حضرت رسولک مدینه ده کی مشیر بن یفثر بنی تبرکاشامه

ایستاد ایچون برندن بحر بن ایستاده کوش طوطوب عالم قرا کو طلمات اولوب بلد زردخی کورنگین فراغت ایدی

(باب خامس عشر در خصایص و فضائل رسول اکرم صلی الله علیه وسلم)

معلوم اوله که خصایص و فضائل رسول مقبول محمد و الشجاعت و عود الخصال مطولات کتب سیده واجباته محرماته مباحاته فضائل و کراماته تقسیم اولوب لکن اولکی اوج قدم نقلیه متعلق اولان احکام شریعه دنیوی و اولوب مناقب و مراتب علیه لرندن اولامغله چندان فضیلتین بیان ایقامه کین بو مختصر ایجازانه ابده اطنابدن اجتناب اولوب طلب بالا اختصار اهام مهمات اولان اکثر فضائل و بعض خصایصی ذکر نه اتمه اراچون مواهب لدینه دن و شیخ جلال الدین سیوطینک اذ و ذج الیب فی خصایص الحبيب رساله مستند بعض معتبران پوزاون مقداری فضیلت و خاصه نقل اولندیکه ایجازندن خصایص احوال معراج و احوال وفات و احوال اخروی لری بعد خصایص و فضائل شامل اولغین حقیقه ندیه نیجه پوزنیکه نیجه یکن عدد ذکر و اشارت اولنش اولور * اولام معلوم اوله که اتفاق عامه علما الله روح شریف حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم ابد امرمدا اول جمیع مخلوقات خدا جل و علا در (دیگر) جمیع مخلوقات دخی بالاتفاق آنک نورندن برانلشدن حتی بعض علماء عرفان امتیاس (النبی صلی الله علیه وسلم) و الجلس العالی علی جمیع الاجناس و الالب الاکبر جمیع الموجودات و الناس) دیوب بعض عارفین دخی بومری بویه تبیین ایشدور (نظم) اجد من سل آن خلاصه کون * پرده پوش ام بدامن عون * نه سپهر از وجود او شد چیزه بلکه هر ده هزار عالم نیز * زنده هر چه بود و هر چه بود * دولتی زیر برکت چهره بود * هستی از وی علم بر آورده * لوتفاخر به نیستی کرده (دیگر) مواهب لدینه ده به ضعیف دیدیکه حضرت آدمک جدی برادربوب دخی روح شفیق اولادین حق تعالی حبیبی محمدی آدمک جسدندن محض قدرتیله چیه عاروب پیغمبر ایدوب میثاق الوب بعده نه جسد لواع آدم نفاعه ارجاع ایدوب آدمه شفع روح اندنصرکه اولدی واقعاً حضرت رسوله نه زمانده پیغمبر اولدیکه دیو صورده قلنده (و آدم بن الروح و الجسد حین اخذ منی الميثاق) یورد قلمی و دخی بو کاکیز بر قاج حدیثیله خصوصه دلالت و شهادت ایدردیومذ کوردور (دیگر) اخذ میثاق اولنلرک دخی اولدور (دیگر) روزالست ده بی دیوار قرار الوهیت و ربوبیت خدا جل و علا یدنلرک دخی اولدیرنکیم بو خصوص باب احوال آدم علیه السلامه تفصیل اولنلشدور (دیگر) اتفاق علماء آفاق اوزره جمیع کائنات اول سید سادات و منبع سعادات ایچون برادلفین افضل و اکمل عامه مخلوقاترنکیم دیشلردور (نظم) بحر که آفرینش را غرض اوست * مراد از جوهر و جرم و عرض اوست * سپه سالار دیوان نبوت سر برافزای او ان جلالت * خلایق خوشه چین خرمن او * ملائک خاشع رو ب کاشن او * فلان را خاکبایش تاج زرین * بقرآن نهفت او طه و بس * فرشته در رکابش راه پوی * فلک میدان او را نیم کوی * کل خورشوی این فیروزه کلشن * شبستان چهار تنخ روشن * زر خاص ز کلن کبریا اوست * همه عالم مسند و کیمیا اوست * نناومدش انسان چون توان گفت * که مدح او خداوند جهان گفت * طفیلش هر چه بود و هر چه باشد * کرامت دیش ازین دیگر چه باشد (دیگر) کعب الاحبار دن می ویدر که حق تعالی محمد دخی عرش و جنان و هفت اجالت و انزله اولان جمیع اشیا ملک اوزرینه یازمشدر بحر و مطور اولان عبد پر قصور ایدور * همان الشیخ علویانده دکل سفلیانده دخی یازمشدر زبیرا کتاب المیزانده هندستانده بر در لولکل اولور که پیرا قلمی اوستنده قدرندن محمد رسول الله یازمشدر دیوب * مواهب لدینه ده می ویدر که هندستانک برینده بر در لولکل کل بر که هر برینک هر پیرانی اوستنده قدرندن آق خطله (لا اله الا الله محمد رسول الله) یازمشدر بر جزیره منده بر آق کل بر که صاری خطله (براءة من الرحمن الرحیم الی جنات النعیم لا اله الا الله محمد رسول الله) یازمشدر بر شهر منده دخی بر سینه کل بر که آق خطله (لا اله الا الله محمد رسول الله) ابو بکر الصدیق عمر الفاروقی یازمشدر و اشبوشهرک جه خلق طاشلره طاوب * کبری و پیغمبرند بر بلزلر بر شهر منده دخی میوه می بادام کبی بر اعاج اولوب یشلرینک ایچنده یشیل پیراق وارد که اوستنده قزل خطله (لا اله الا الله محمد رسول) یازمشدر اهل هند را اول میوه الله تبرک ایدوب و پیغمور یا نغمه انکه استقالید لر

بصره فرشته ایل شهر ینک ابر ماغنده دخی بر صیاد بر بالی طوطوب صاع طوقنده لاله الا الله صولنده محمد رسول الله یازمش کوردی و بعض کسینه لر بر صاری قاون یا خود قار پوز کوردیلر که اوستنده وافر خطله اولوب جله دن بر طرفنده الله بر طرفنده دخی اجد یازمشدر هجرتک سکر پوزید بینه یاطوقنده بعض کسینه لر تازره اوزم دانه غنی اوستنده سیاه خطله محمد یازمش کوردیلر و دخی بر جزیره ده بر یولک اغاج واریش که پیرا قلمینک لطیف رایحه می اولوب هر پیراق اوستنده قزل آق یشل فارشوب شمشدر و زی آشکاره جلی خطله قدرندن اوج سطر یازمشدر که بری (لا اله الا الله) بری (محمد رسول الله) بری (ان الدین عند الله الام) در دخی خراسان ولایتنده بر اوغلا بنج طوغوب قدرندن بر طرفنده (لا اله الا الله) بر طرفنده (محمد رسول الله) یازمشدی دیوب تفصیل اولنوب کتاب موضوعات العلومده هر قومدر که بر معتد علیه کسینه بکا دیدیکه بر صادق کسینه نقل ایتدیکه بر چکر که کوردیمکه بر قنادی اوستنده (لا اله الا الله) برنده دخی (محمد رسول الله) یازمش دیوب اشبو تاریخ مختصر معتبرک چاق استازنده احوال ماوراء جبل قافنده بو ذکر اولنان اموره مشابه تفصیل یکمشدر اکا دخی نظر اولنه (دیگر) خصایص الحبیبه مذکوردر که ملائکه کرام نام واجب الاحترام رسول علیه السلامی علی الدوام ذکر ایدر لر (دیگر) تفسیر کبیرده مذکوردر که حضرت آدمه ملائکه سجوده امر اولنلشدن لری جبین میننده نور محمدی اولدیفیچون ایدی (دیگر) ینه خصایصده مذکوردر که آدم علیه السلام زماننده نماز ایچون اوقنان اذان ایچنده حضرت محمد اسی یله اوقنوردی (دیگر) هر یدر که انیساک هر برندن و امتازندن دخی محمد سزل زمانکزه پیغمبر اولورسه اکایمان کتوروب نصرت و معاونت ایدر سز دیو عهد و میثاق ایشدور (و اذا خذ الله میثاق التین لما آتیتکم من کتاب و حکمة ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به ولتنصرنه) آیتندن هر ادبدر امام سبکی ایدر بو آیت جمیع انبیای و امم ماضیه امت محمد اولوب حضرت محمد علیه السلام فی الانبیاء اولغه دلالت ایدر انکچون ایلله معراجده اول رسول همام جله انبیایه امام اولوب یوم قیامتده دخی جله می علم شریف رسول اولان و آء الحمد من قور و لامع التنده جمیع اوابه لر کر کدر (دیگر) کتب و صحف سابقه ده خصوصاً تورا و زبور و انجیلده حضرت رسول علیه السلام و اصحاب و خلفای و سائر امتی اوصاف صافله مدح اولنوب آخر زمانده کله جکنه اشارت و بشارت اولنلشدور (دیگر) حضرت حق حبیبی شریفا کند و اسم و صفاتدن اولان محمود اچندن محمد لفظی مشتق ایدوب نهجه ایشدور شکیم صحابه دن حسان ابن ثابت رضی الله عنه دیشدر (نظم) و شق له من اسم لیجیه * فذوا العرش محمد و هذا محمد (دیگر) خصایص الحبیبه یکن اسمی اولوب یشی اسماء اللہ دن ایدی بعضی اسماء حسنیه عدد نهجه طقسان طقوز اسمی و ارایدی دیدی دیوب شفاء قاضی عیاضده اسماء حسناندن اوزرانه جمعی ایدیلر دیوب احکام القرآن اسماء الله عدد نهجه تمام یکن اسمی و ارایدر دیوب مواهب لدینه ده حروف نهجی ترتیبیلده درتوزدن زیاده اسمی یازمشدر که جله می اوصاف و مدایح مسجندن کثره الاسماء دلیل شرف المسمی مثلی معلوم علمادور (دیگر) هر ویدر که دنیایه سعادتله کلدکاری ساعت بر عظیم نورله طوغوب والده ماجده لری آنک ضیاء منده شام شهرنک تصرلرین کوروب سائر انبیاء والده لری دخی بو حال مشاهده ایدر لر ایش (دیگر) بدن حنلری بال و تابالت طوغوب مبارک کو بکاری قدرندن کیش و سنت اولش طوغوبلر انبیاءدن منتلو طوغانلر جله اون اوج کسینه در که یوقاروده نام بن نوح علیه السلام فصلنده یازمشدر (دیگر) طوغوب ابتدا پوزینه و وشدکاری آنده شهادت بارمقلرین قالدروب مجده ایتدیلر (دیگر) حین ولادنده نیجه عظیم علامتله ظهور ایشدور که بعضی باب ولادت رسوله یکمشدر بعضی دخی کافی تفصیل به محتاج اولوب مولد کابارنده مذکوردر (دیگر) طوغوب قدرنده شیاطین ملاعین کو که جقه دن و ککو که یقلا شقندن بالکلیه محروم و رجوم نجوم ایل ممنوع و مغموم اولدیلر (دیگر) طوغوب قدرنده جمیع عمالت جهانده اولان اصنام و اوان سرنگون و کفار خیر حیران و محزون اولدیلر (دیگر) سعادتله اوغلا بنج ایکن مبارک یشکاری بعض ملائکه صلا لر ایدی (دیگر) ینه بشکده ایکن کول پوزنده کی ای ایلر سوبلشوب کتوبلر نه بر اشارت ایدر لر به آی اول طرفه میل ایدردی (دیگر) امام و اقدی قولنجه

بشکده ایکن سویلیدیلر (دیگر) کتب سیده محمدر اولدی قی اوزره قبل النبوه اوغلاقی ایکن دخی
 جهراده کردکاری برده مبارک باشلری اوستندن برپاره بولت خالی اولموب مایسان اولوردی ملکر دخی
 کولکه ایدوردی دیشلر (دیگر) مبارک سینه حکمت دینه لری ابتدا اوج یاشنده بعده پیغمبر اولدولنده
 بعده لایله معراجده جبرائیل علیه السلام شق ایتمشدرکه تفصیلی باب ولادتند بکمشدر نظر اولنه (دیگر)
 خصایص الحبیبه مذکوردرکه جمیع انبیانک مهر نبوتلری صاغ الماری اوستنده اولوب لکن حضرت رسولک
 مبارک ارقه لنده صول کورکه یقین بولک اوستنده ایدیکه قلبلرینه اصلا شیطان ظفر بولماغیچون ایدی
 بهضاریله طوغدیلر دیوب قول اصح اوزره جبرائیل علیه السلام جنتدن کتوردیکی خاقه حی عقیب
 شق صدرده مهر لوب انک نشانی ایدی (دیگر) مرویدرکه رسول علیه السلام اوکندن نیجه کوررسه
 اردندن دخی اوله کورردی (دیگر) کوندزاید نلنده نیجه کوررسه کیجه قرا کولنده دخی اوله کورردی
 (دیگر) مبارک کوزلری تریا بچنده قاج یلدوز وارایدوکنی کورمش ایدی (دیگر) مبارک اغزلرینک
 یاری یعنی نوکری آچی صولری لندی ایدوب نیجه خسته لره شفا اوغلاقیقاره سودی برینه غذا اولمشدی (دیگر)
 مبارک کوزلری او بودقه قلب شریقلری دائما اوبانی طورردی (انامه اشرا الانبیاء تام اعیننا ولا تمام قلوبنا)
 حدیثی اوزره جله انبیاء بوالده مشترک ایدیلر (دیگر) مدت عززلنده استک واقع اولماشدی سائر
 انبیاء دخی بولیدیلر زرا استک کسلدن و کسل شیطاننددر (دیگر) مدت عززلنده استلام اوق
 اولماشدی سائر انبیاء دخی بولیدیلر زرا استلام شیطاننددر (دیگر) بدن شریقلرینک عرقی مسکدن
 اعلا فوقین نیجه کسسته لر جمع ایدوب نه طر فاطیب ایچون صقلردی حتی طبرانی روایت ایتمشدرکه
 برقیق کسسته قوزی اره ویردکده حضرت رسولدن جهازه معاونت رجالیوب بولنده دخی حاضر نشسته
 بولماغین برکوک شیشه ایچنده عرق شریقلرین طولدروب (منه فاطیه طیب) دیوب ویردکده واقعا
 اوقزاندن یوزینه وانباینه سورده راجحه سنی جله فوکشیلری طویوب قوقوب صفال سوروب مدینه ده
 اول شانده بیت المطیین دیو آد قومشدری (دیگر) مبارک قامتلری معتدل ایکن جددن آشری
 اوزون بولوکسسته یاتنده یورسه لریا خود اوتورسه لالبته اندن اوزون و یوکسک کورینورلدی بوخصوص
 غایت غریب معجزه دردیملر (دیگر) شمس و قمر ضیاسنده یورسه لریا کولکه لری پرده و شیزدی زرا
 (اللهم اجعلنی نورا) دیو دعا ایتمشدری (ع) بومشدر نورک اولز کولکه می (نظم) ذات تو خورشید
 سهر صفاست * لاجرم سایه نه اندر قفاست * سایه چه سان با تو کند مهری * روکه تو خود
 سایه نور الهی (دیگر) خصایص الحبیبه سقرلده حضرت رسوله ملکاروامی زماننده بولند دخی
 کولکه لک اولوردی واقعا جگر کولکه نه حضرت رسول علیه السلام توچه یوردقه مقدمه بعض کسسته لر
 واروب کولکه به او نورمش اولسه لک کولکه اوزاوب حضرت رسوله بوشوردی دینوب لکن مواهب لدینه ده
 حضرت رسوله بولندر و ملکار مایسان اولد قری قبل النبوه ای وکی محاشده مصر حدیثی مدینه به کلد کارنده
 بولمغه کلان اهل مدینه نک نیجه می اوبکرله پیغمبری فرق ایدو میوب بواشاده حضرت رسولک اوستنه
 کونش کلد کده اوبکر قالدوب کندورداسیله کولکه ایتدکده اوعلامندن فرق ایدیلر دینوب بوعلامندر
 قبل النبوه ایدی دیدوکی غالباً صحیح اولقدرد زرا بعد النبوه (اللهم اجعلنی نورا) دیدکاری نه بناء نور محض
 اولمقین شمس و قمر ضیالنده اصلا کولکه لری پرده و شیزدی دیو اتفاق اولمشدر اوزر لینه بولت و ملائکه
 قنادی سایان اولیچ معجزه مزبوره نک اثری ظاهر اولماش اولور و الله اعلم بالصواب (دیگر) مبارک
 بدنلرینه ولباسلرینه بت و سیکات و سیوری سیکات اصلا قوغزایدی (نظم) حلوی هسین انبیایی *
 بین طرفه که بر تو یک مکس نیست (دیگر) لباس شریقلرینی رنه دکاوکیسه لریا اصلا کیرلن زایدی (دیگر)
 رنه پرده کسسته قازانده نیجه ملکار داغایله یوروب کیدوب اصلا خالی اوازردی حتی بوسیدن بولده
 میان یوریدکجه جله احبابی اوبکه یوریدوب قفای ملائکه به قورک دیراردی (دیگر) طاش اوستنده
 یوریدکدرنده مبارک ایاقلری طاشنه تأثیر ایدوب حقور ایدردی قوم اوستنده یوریدکدرنده اصلا ابرلری یعنی
 ایاقلری نشالری کورنزدی بوابکی قصه غایبده امر غریبدر دیشلر (دیگر) دخی یوریدکدری زمانده

پروزی مبارک ایاقلری اشته طلی اولوردی (دیگر) قضاء حاجت ایتد کارنده البته بریار یلوب بول و غلطلری
 فی الحال ایچرو لوب بعده قیاسوب پروزنده اندن ذره دکاوشان کورغیوب واول مجلدن مسکند ذرکی
 لطیفه راجحه ظهور ایدوب سائر انبیاء خالی دخی بولیدیلر (دیگر) سیدکاری و قانلری قول اصح اوزره
 طاهر و حلال اولمقین بعض صحابه تبرکال یحیوب کبی شفا بولوب کینه دخی دخول جنتلریشا رت یورمشدر
 تکیم کتب سیده تفصیل اولمشدر و الحاصل خصایص بدینه لری وافر اولوب نیجه سنده انبیاء الله مشترک اولوب
 اکثری کندولره مخصوص ایدیکه تفصیلی مطولات کتب سیده محمدر (دیگر) اعظم فضائل رسول
 هدایت منہاج معراج مورث الایم جدرکه انبیاء و مرسلیندن هیچ برینه میسر اولد یقندن ماعدا حقیقه قنده
 نیجه یوزیکه نیجه ییک مہزات و علاماتی مشتمل اولمقین تفصیلی نیجه جاند کتب اولمغه مقولدر کمال اجالی بودرکه
 براق بران ایلر آندده مکده دن قدسه اندن هفت آسمانه اندن عرش و رحانه واروب عجایب آثار ملکوتی و غراب
 اسرار لاهوتی کوروب یلوب حضرت رب العزیز قول انهر و اظهر اوزره چشم سرائلی بی کیفیت کورمک
 میسر اولمشدر تکیم شیخ نظامی دیشدر (نظم) دید محمدن بچشم ذکر * بالک بدین چشم سرائل چشم سرائل *
 خورده سرائلی که حق آمیخته * جرعه آن بردل مار میخسته * لب بشکر خنده یاراسته * امت خود را ز خدا
 خواسته * همش از کنج توانکرشده * جله مقصود میسر شده (دیگر) اول سید الانامه صلوة و سلام است
 عالی همه فرض اولوب انبیاء و مرسلیندن هیچ برینه کند و امتی صلوة و سلام ایتمک فرض ایدوکی معلوم دکادر
 بالکرامت دکل ملائکه کرام الله حضرت رب علام دخی صلوة و سلام ایدر صلواته متعلق نقیصیل همه
 عن قریب باب صلواته ذکر اولنور (دیگر) کتب سیده محمدر که رسول علیه السلام افضل جمیع
 مخلوقات اولای یعنی کبی علم جمیع ماسوی الله ایدوکی محل اشتباه اولموب (انامه دینه العلم) حدیثی اکا کواهدر
 صدق نبوت و کمال فضیلتلرینه شاهد بولر که ای اولوب دینده بر فردن استفاده ایتمکشن حضرت
 رب کریم علم علوم اولین و آخرینی اکا تعالیم ایدوب عارف ایزار ملک و ملکوت واقف اطوار عالم لاهوت
 ایتمشدر تکیم قصیده برده دیشدرکه (نظم) فان من جودک الدینا و ضررتنا * ومن علومک علم اللوح
 والقلم (نثر) مواهب لدینه ده مذکوردر که رسول علیه السلام (مثالی امتی فی الماء والطین
 و عات الامماء کاه کاه علم آدم الامماء کاه) یورمشدر پس حضرت آدمه اسماء جمیع علوم تعلیم اولتدی کبی
 حضرت محمد علیه السلام هم اسماء جمیع علوم هم حقایق و ذوات جمیع علوم تعلیم اولمشدر تکیم قصیده برده
 صاحبی برغیری قصیده سنده حضرت رسول خطابادیشدرکه (نظم) لا ذات العلوم من عالم الغیب *
 ومنها لا دم الامماء (نثر) خصایص الحبیبه مذکوردر که حضرت رسوله مغیبات خسته دن ماعدا
 جمیع اشیا نک علی ویراشدی بعضلر قواچه آند دخی بالدر یلوب لکن کتم و اخفاء سیله مامور ایدیلر حقیقت
 روح دخی معلوملری ایدی دکلمیدی بوجه اختلاف اولمشدر (دیگر) بنه خصایصده مذکوردر که
 حضرت رسول امتی عرض اولنوب جله سنی کوردی و یوم قیامتہ دل امتی ایچنده واقعا اوله حق ایدسه
 جله سنی دخی عرض و اعلام اولندی (دیگر) مواهب لدینه ده و هیدن مرویدر که کتب سابقه دن بخش
 برگابده کوردمک حق تعالی جمیع بنی آدمه ویردیکی عقل حبیبینه و بردوکی عقله نسبت دنیا قوملرینه کوره
 بر ذره قدردر (دیگر) فضائل رسولدن بری دخی کله جلد بابده تفصیل اولنه حق و جله جمیع اخلاق حمیده
 غیر عدیده می جمع ایدوب هر بر خصلت حسنه لری مجموع مخلوقاتده اولاندن زیاده اولد یقندر که حضرت
 خدا جل و علا قرانده (وانک لعلی خلق عظیم) دیوتا ایتمکین تفصیلی قابل تحریر و ادا دکدر تکیم شیخ
 ابن الفارضی برکسسته واقعه سنده کوروب ایچون حضرت رسول مدح ایتمکد دیدکده یوز باعی ایدم مدح
 صواب مورث التواب هم جواب سحر حلال انتساب تحسینا کتساب ایدوب دیشکه (نظم) اری کل مدح
 فی الذی مقصرا * وان بالغ المثنی علیه واکثرا * اذا الله انی بالذی هو اهل * علیه فامقدار ماعدا ح الوری
 (نثر) تفاسیرده (وانک لعلی خلق عظیم) آیتده حق تعالی رسولنی جمیع اخلاق حمیده دن تزییه و جمیع اخلاق
 حمیده ایلر توصیفه اشارت واردر دینوب بعض عارفلر دیشدرکه (نظم) ای کفته ذات حق بخودی
 خودت ثنا * ما از کجا مدح و ثناء تو از کجا * ما خود کیم تابش تو دم ز نیم * درم عرض امرک لولک

والضحي * لطف خدای بجه کالات خاق را * یکجای کرد و دادید و نام مصطفی * مقصود آفرینش
 عالم تویی همان * زانجا شدی بهر و شرف شاه انبیا (دیگر) بری دخی کلمه شهادتده و اذان و اقامتده
 و تشهد و ادعیه و انواع عبادتده و خطبه رده و مجالس نصیحتده و اوقات ضیق و شدتده و دخی نیجه حالتده
 حق قبر و محشر و جنتده و محصل ارضین و سماواتده و جمیع عوالم و کائناتده و السنه عامه مخلوقاتده اسم محمد
 علیه السلام مقارن نام رب الانام اولدیفیدر که رسول علیه السلام (انانی جبریل علیه السلام فقال ان ربی
 وربک يقول لا اتدری کیف رفعت ذکرت الله اعلم قال اذا ذکرت معی) دیو یوروب (ورفعنا لک
 ذکرتک) آیتی بو کادلات ایدوب ماسوی الاهدن بر فردو بوحالت میسر اولدیفی مقرر ددیمش (نظم)
 زهی عزت زهی رفعت زهی جاه * زهی فضل و کرامت بارک الله (دیگر) بجه فضائل ربک اعظمی
 حبیب الله اولد قلدیر که کتب سیرده سلمان فارسیدن مریدر که (هبط جبرائیل علی النبی صلی الله علیه وسلم
 فقال ان ربک يقول ان کنت اتخذت ابراهیم خلیلا فقد اتخذتک حبیباً و ما خلقت خلقاً اکرم علی منک و لقد
 خلقت الدنیا و اهلها لا اعرفهم کرامتک و منزلتک عندی و لولاک ما خلقت الدنیا (نظم) چوکفتی حبیب
 اله الانام * همه مدحها گفته شد و السلام (دیگر) حضرت رسولدن دخی مریدر که (ان الله اتخذنی
 خلیلاً کما اتخذ ابراهیم خلیلاً) یور مشر معارج النبوه ده مذکور دد که حق تعالی ابراهیمی خلیل ایدیدسه
 محمد مصطفی هم خلیل هم حبیب ایدوب امتک صلواتده دخی حبیب اطلاق ایددی تنه کیم قرانده
 (قل ان کنت تحبون الله فاتبعونی يحبکم الله) یور مشدر (دیگر) کتب فاسیرده تفسیر راولمشدر که
 (واسوف یعطیک ربک فترضی) آیتی حق تعالی رسولنه دیناده و بره جکی علوم و کالات و احکام شریعت
 و دیانات و اعدایه نصرت و غلبات و یوم قیامتده دلالتده واقع اوله جتی فتوحات و انواع واقعات و آخرتده
 و بره جکی اقسام شفاعات و درجات عالیات و خارج علم مخلوقات اولان انواع حالات و معاملات و آخرتده
 و بره جکی اقسام شفاعات و تجلیاته اشارتدربو خصوص اعظم و اعم ثارات اولوب بومر نه و عده عظیمه عمده
 انبیادن بری کریمه میسر اولدیفی مقرر دد حتی تفسیر جلالتده مذکور دد که بوایت کریمه نزول ایتد کده
 رسول علیه السلام (اذ لا ارضی و واحد من امتی فی الشار) یور مشدر یعنی بویه اولیجی امتدن هیچ
 برکسته نک جهنمه اولدیفنه راضی اولزم دیکدر (جعلنا الله من امتیه و بنینا علی سنته و ملتیه و احببنا
 فی زمیرنه و حرمانا علی النار بشفاعته بعزته و حرمتیه) (دیگر) کتب سیرده مقرر دد که رسول الله صلی الله
 علیه وسلم لیالی و ایامده یقظه و منامده و وحدت و کثرتده سقر و اقامتده کاه قلبا و بدنا کاه همان قلبا و جناب
 حقه و عامله دن بر لحظه خالی اولوب (لی مع الله وقت لا یجعی فیهِ ملک مقرب و لانی مرسل) حدیثی
 منه و مخبه بعض زمانلده تجلیات حیه الهیه به بالکلیه مستغرق اولوب ارشاد عباد یحیون توجیه قلب
 شریقرین عالم بشریتده دوندنر من استد کزنده دفعه بحال اولماغین تدربجه اولسون دیو (کلمتی یا حیرا)
 یعنی یا عائشه بکاسو یله دیو یوروردی * مریدر که صباح غار نیک سنتی قیلوب حضرت عائشه و ابانق ایسه
 از کله سو یلشوب دکله بر مقدار یر یوزینه سو یکنوب بعده فرضی جماعته قیلغه طهره چیقارلردی
 سنت عقبتده طوغری طهره به حقیقه (تجلیات الهیه دن حاصل اولان اسرار و انوار جهنتدن مبادل
 یوزینه هیچ کسته باقغه قادر اولمز دیویشدر (دیگر) علما دیدیر که حق تعالی قرآنده هر یغمیره اسمیه
 خطاب ایدوب لکن حبیبی مجرد تعظیبا و صافیه ندا ایشدر (یا ایها النبی یا ایها الرسول) کبی تنکیم بعض
 شعر ابو معنای انبا ایشدر که (نظم) فدعاجع الرسل کلاباسه * ودعاک و حدیث بالرسول و بالنبی (نثر)
 خصوصاً (انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنه و مرابطاً نبیراً) آیتده بش وصف شریف ایل
 توصیف اولمشدر بحر سطور اولان عید بر قصور ایدربو ذکر اولتان خاصه نوعدن کتب سیرده و غیرده
 کور مدیکم بر معنای رعنا و لکه حضرت رب عزت رسولنه محض محبتدن او خشامغه و ملاطفه به متعلق
 بعض اوصافله دخی خطاب یور مشدر (یا ایها المزمیل یا ایها المذکر) کبی (دیگر) علما دیدیر که رسول علیه
 السلام افصح فصحاء انسان و ابلیغ بلغاء ذوی العرفان اولمغین جمیع لغات عربله تسکلم ایدوب بلغاء عرب عربا
 حیران اولورلردی بر حدیثده (انا افصح العرب) بر حدیثده (کانت لغه اسماعیل قد درست فجاء فیها جبرائیل

نظمتها) بر حدیثده (ان الله عز وجل آتی فاحسن تأدیبی و نشأت فی بنی معد بن بکر) دیو یور مشدر
 (دیگر) بر فضیلت خاصه لری دخی کلمات شریفه لری جوامع الکلام اولدیفی یعنی الفاظ سیرده دهانی کثیره
 جمع اولدیفیدر او باده نیجه یوزیک احادیث شریفه لری اولوب جامع فصیح علیه و مورث منافع دنیویه
 و اخروییه اولنلرندن یوزدانه مانند سبعة اولوی شاهانه ذکر اولمغی فکرا و لندیکه یونلر دد (انما الاعمال بالنیات
 ۴ اذ لم تسخ فاصنع ما شئت ۱۳ احسن سواعن اناس بسوء الظن ۴ اتق شر من احسنت الیه ۵ ان الله یکره
 البطال ۶ ال محمد کل تقی ۷ اعبدا الله کانت تراه فان لم تکن تراه فانه یزال و احسب نفسك مع الموتی و اتق دعوة
 المظلوم فانها مستجابة ۸ علی لدینک بقدر مقامک فیها و اعل لا تخرتک بقدر بقائک فیها و اعل الله بقدر
 حاجتک الیه و اعل للناس بقدر صبرک علیها ۹ اتقوا دعوة المظلوم و ان کان کافراً فانه لیس دونه حجاب ۱۰
 اتقوا فراسة المؤمن فانه ینظر بنور الله ۱۱ احب حبیبک هونا تباعسی ان ینکون بغیضک یوماً و ما بغض
 بغیضک هونا تباعسی ان ینکون حبیبک یوماً ۱۲ استزلوا الرزق بالصدقة ۱۳ اشتدی أزمة تنفرجی
 ۱۴ اصل کل داء البردة ۱۵ اعقابها و توکل ۱۶ اغدما او متعلبا او مستعماً او محباً و لا تکن الخاسر
 ۱۷ تمک ۱۸ اکرم الناس اتقاهم ۱۸ ان الظلم ظلمات یوم القیامة ۱۹ ان لصاحب الحق مقالا ۲۰ انزلوا
 الناس منازلهم ۲۱ ایاک وکل امرئ یشتر منه ۲۲ ایاک وقرین السوء فانک به تعرف ۲۳ ایاک و ما یسوء
 الاذن ۲۴ الاسلام برید و لا ینقص ۲۵ الاملا یعلا و لا یرمی ۲۶ البلاء موکل بالناطق ۲۷ البشاشة خیر
 من القری ۲۸ الثأنی من الرحمان و المحملة من الشیطان ۲۹ جف القلم بما هو کائن ۳۰ حب الدنیا رأس
 کل خطیئة ۳۱ حبک الشئ یعنی و یصم ۳۲ حبی الله و نعم الوکیل امان لکل خائف ۳۳ حسن الخلق
 نصف الدین ۳۴ حق الجنة بالمکاره و حق النار بالشهوات ۳۵ الحرب خدعة ۳۶ الحسود لا یسود ۳۷
 الخلف حدث اولندم ۳۸ الحسنة ضالة المؤمن ۳۹ خیر الامور و سطها ۴۰ الدال علی الخیر کفاله
 ۴۱ الدیامر رعة الاخرة ۴۲ الدیامر من المؤمن و جنة الکافر ۴۳ الرضاع یغیر الطباع ۴۴ الفرق رأس
 الحکمة ۴۵ زرغباً ترزد حجاباً ۴۶ السعید من وعظ بقره ۴۷ السلامة فی العزلة ۴۸ صوموا تصحوا ۴۹
 الصلوة عماد الدین ۵۰ الصبر مفتاح الفرج ۵۱ الصدقة تمنع سبعین باباً من ابواب البلاء هونم الخدام و البرص
 ۵۲ الضرورات تبیح المحظورات ۵۳ طوبی لمن شغل عینه عن عیوب الناس ۵۴ طلب العلم فریضة علی کل مسلم
 ۵۵ العدة دین ۵۶ العدة عطية ۵۷ الفنا لیس فی ما فی الیدی الناس ۵۸ الفاتحة لما قرأت له ۵۹ فی الحركات
 البرکات ۶۰ القناعة کثرة لا ینقد و کثرة لا ینفی ۶۱ کن فی الدنیا کأنک غریب او عابر سبیل و عد نفسك من
 احباب القبور ۶۲ الکرم اذا قدر ۶۳ کن بالمره کذبا ان یحدث بکل ما یسمع ۶۴ کل ما هوأت قریب
 ۶۵ کن بالمره و اعظا ۶۶ کن بالموت و اعظا و کن بالیقین غنی ۶۷ کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته ۶۸
 کما تدین تدان ۶۹ لیس الخیر کالعائنة ۷۰ لکل مقام مقال ۷۱ لیس الشدید من غلب الناس انما الشدید
 من غلب علی نفسه ۷۲ ما نقص مال من صدقة ۷۳ ما جمع شیء الی شیء احسن من حلم الی علم ۷۴ ما خاب من
 استخار و لا ند من استشار و لا عال من اقتصد ۷۵ الجمال بالامانة ۷۶ المرء مع من احب ۷۷ المستشار مؤمن
 ۷۸ المسلم من سلم المسلمون من لسانه و یده ۷۹ المعذبة دیت الداء و الحیة رأس کل دواء ۸۰ المقدر کائن ۸۱
 من حسن اسلام المرء ترک ما لا یغنیه ۸۲ من صحت شجاعت ۸۳ من استوی یوماً فهو مغبون ۸۴ من تشبه
 بقوم فهو منهم ۸۵ من مات علی شیء بعثه الله علیه ۸۶ من لا یرحم لا یرحم ۸۷ المؤمن مرآة المؤمن
 ۸۸ المؤمن المؤمن کالینیان یسده بعضه بعضاً ۸۹ الناس برما تم اشبهتهم بابائهم ۹۰ الندم قوبة ۹۱
 النسا حبال الشیطان ۹۲ نية المؤمن خیر من عمله ۹۳ اللهم نصف الهرم ۹۴ لا ایمان لمن لا امانة له
 و لا دین لمن لا عهد له ۹۵ لا تظهر الثمارة باخیک فیعافیه الله و یتلک ۹۶ لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق
 ۹۷ لا صغیرة مع الاصرار و لا کبیرة مع الاستغفار ۹۸ لا یجعی علی المرء الا یده ۹۹ لا یغنی حذر من قدر
 ۱۰۰ یبعث الناس علی نیاتهم (فانده) امام غزالی اعل لدینک بقدر مقامک فیها و اعل لا تخرتک بقدر
 بقائک فیها و اعل الله بقدر حاجتک الیه و اعل للناس بقدر صبرک علیها (حدیثده جمیع عالم علی مندر جدر
 دیوب امام شافعی (انما الاعمال بالنیات) حدیثده علامته فی داخل و زرا دینک ظاهری و باطنی اولوب

نیت باطنه عمل ظاهره متعلق درود خنی نیت عبودیت قابل در عمل عبودیت جوار حد در یوب بعض علماء من یور
 حدیث دینک نیک در زیرا دین اوج قسده که بری قول بری عمل بری نیت در یوب بعض علماء من یور که
 رسول علیه السلام قواعد اسلامی و متفرقات شریع و احکامی در حدیثه جمع است در بری (اعمال الاعمال
 بالنیات) بری (الحلال بین و الحرام بین) بری (البینه لامدی و البین علی من انکر) بری (لا یکهل ایمان المرء حتی
 یحب لایحیه ما یحب لنفسه) در که اولی عباداته ایکنی معاملاته او چنی خصوصیات و حکوماته در دینی آداب
 و مناسقاته و تفریع عن الجنایات شاملدر دیگر خصایص و فضائل رسول علیه السلام در بری دخی کتب
 سیره محرر اولاندر که حضرت خداجل و علا رسولنه مفاتیح خزائن اجناس عالمی اعطایا ایکنی جمیع
 اوراق مخلوقات بر محمدین تقسیم ارا نور (نظم) هر فتح و فتوح که ترا در راه است * یا عزت و دواتی کزین
 درگاه است * این جله و صدهزار دیگر چندین * از نور محمد رسول الله است (دیگر) ین سیره محرر در که
 رسول علیه السلام عدا و صها جمع کناهلک صفا و کناهلک برندن بالکلیه معصوم ایدی سائر انبیایا چاق
 بویه دکل اید کوری یوفاروده باب احوال مشتر که انبیاده یکم شد * خصایص الحبیبه رسول علیه السلام
 فعل مکر و هه ارتکاب در دخی میرا ایدی دیومذ کوردر (دیگر) و محرر در که نماز قیلان کسبه تشهده
 ایکنی السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و بركاته دیوب سائر انبیایه و ملائکه به خطاب جائز کادر (دیگر)
 بری دخی نبوتله سلطنت جمع ایکنی تکلیف اولند فده فقر اختیار اید و کیدر * مواهب لدنیه ده
 مرید که بر کون رسول علیه السلام (یا جبرائیل و الذی بعثک بالحق ما امسی لآل محمد سقه من دقیق
 ولا کف من سویق) دیو کمال فتر لین حکایت اید کده فی الحال کو کدن بر صوت عظیم ایشیدوب قورقوب
 قیامت قو عقه الله تعالی امری ایدی دیوب جبرائیل دخی یوق لکن سنک سوزک ایشید کده اسرافیل
 امر ایدی سکانزل اید یور دیوب اسرافیل علیه السلام کده (ان الله مع ما ذکرک فبعثنی الله الیک بمفاتیح
 خزان الارض و امر فی ان اعرض علیک اسیر معک جبال تم امه زمردا و ایا قوتا او ذهبا و فضة و ان شئت نبیا
 و ملک و ان شئت نبیا و ایدا) دیوب جبرائیل علیه السلام قواضله اشارت ایدوب رسول علیه السلام دخی اوج
 کره (بل نبیا عیدا) دید بر منق ترمیده دخی مذ کوردر که رسول علیه السلام (عرض علی ربی لیجعل لی بطعاه
 سکه ذهابا لایارب و لکن اشبع یوما و اوج یوما فاذا جعت تضربت الیک و ذکرک و اذا شبعت حدتک
 و نکرک) دید بر خصایص الحبیبه (اولی الذی علیه السلام خزان الارض علی فرس ابلق علیه قطیفة
 من سندس) دیوب تفصیلته تعرض اولنما شد (دیگر) جمیع انبیاء و مرسلین بنی آدم در همان
 بر قوم مخصوصه پیغمبر اوله کلمه ایکنی رسول علیه السلام اتفاق علماء آفاق اوزره جمیع ام عالمه
 و قبائل بنی آدمه خصوصاً جن طائفه لر نه دخی مرسل اولن شد در حتی قدماء علماد ددن بری
 سبکی اختیار و جمیع ملائکه مغلیه و علویه به دخی مرسل اولن شد در حتی قدماء علماد ددن بری
 (ان الله لم یقصر رساله محمد علی التلیل بل عها جمیع العالمین فکل من کان الله ربه فمحمد رسول) دیدر
 (نظم) ای نور تو منظور دل و جان همه * وی آیت رحمت تو در شان همه * شاهان سرا بر دهم ملک و ملکوت *
 در پیش تو خادم و نو سلطان همه (دیگر) و ما ارسلناک الا رحمة لاهل الدین آیتی مده و مخیه اون سکر بیک عالمه
 سبب رحمت ایدی مؤمنینک مطیع و عاصیلر نه طریقه سبب رحمت اولد یقین معلوم اما کفار دخی رحمت
 اولد یقین سائر انبیاء امتلر سنک کافر لری کبی دنیاده عذاب - قله بالکلیه هلال اولقندن نجات بولد قلدیرید عشاره
 مرید که رسول علیه السلام (هل اصابک من هذه الرحمة شی) دیو جبرائیل علیه السلام صوروب اودخی
 (نم کنش اشقی العاقبة فامنت ببناء الله تعالی علی بقوله ذی قوه عند ذی العرش مکن مطاع ثم امین) دیو
 جواب و پرش معمارج النبوه مرید که ایدس مرید مطرود اولد کده امر - قله موکل اولان بر ملک
 هر کون آنک روی بد خویش شد تله بر طبا شیدا و بر بار نه بد لذات لری کتب یوب حضرت رسول اشیر آیت نزول
 اید کده جمیع ماسوی الله عالم دیکن ابلیس خسیض بن دخی عالمیاند نم دیو جناب حقندن حصه طلب ایدوب
 او طبا شیده رفقه تضرع اید کده رسول علیه السلام حرمتنه اندن قورتلدی (نظم) ای رونق دو عالم
 از مات محمد * وی اقتضار آدم اردولت محمد * در بارگاه سدره روح الامین نداند * سر یکده است حق را

با حضرت محمد * این شدند دایه از هیبت سادات * چون حرفی رحمت آمد بر نیت محمد * در روز عرض
 اکبر یعنی که امتناش * آزاد کشته زانین از برکت محمد * مردم همه که بران فردا ز دوزخ اما دوزخ شود
 کر بران از مات محمد * ای نفس تدر کش دو کش می شریعت * تاروز حشر نوحی از شریعت محمد (دیگر)
 علماد یسر در که حضرت رسول طالب رضای خدا اولد یقندن ماعدا حق تعالی دخی آنک رضای طیبالب
 اولوب (واسوف یعطیک ربک فترضی) یوروب سائر انبیادین برینه بویه معامله ایتموب جلد دن موسی
 علیه السلام لساندن حکایه (و عیات الیک رب اترضی) یور مشدز (ع) فشتان مابین هذا و ذلک (دیگر)
 ینده دیکر که سائر انبیاء کند و امتلرندن ایشیدکاری اختلالی کند و ولدن کند و لری نئی ایدوب لکن حضرت
 رسول اولان اختلالی قرآنده حق جل و علا بالذات نئی ایشید (دیگر) ینده دیکر که زلات انبیایی
 حق تعالی بعد زمان عفو ایدوب و قرآنده حکایت اید کده منت طریقه یاد ایدوب و هر برینک زللی
 نه اید و کتی تصریح ایدوب لکن حبیبینه کایک فرضا زلات دخی واقع اولد یسه ستر ایدوب بطریق الفرض واقع
 اولوب اوله چقه بالکلیه مغفرت نامه اوله جفی اعلام یوروب بحسب الظاهر ترک اولی اسلوبنده اولان
 بر خصوصه عتاب صورتده کمال ملاطفه اید (عفا الله عنک لم اذنت لهم) یوروب غایتده مقبول
 درگاه پرورد کار ایدوب اشعار اولن شد (دیگر) ینده دیکر که حضرت رسول علیه السلام وجوه
 فضیلتی سائر انبیادین هر برینک و مجموع عنک فضیلتلرندن اکل و افضل اولد یقندن ماعدا هر برینده
 مخصوص اولد قلدی بعض فضائل و خصایص دخی باعینته یا نظیر غایبه مالک اولوب بر خصوصت تفصیلی
 کتب سیره محرر در جلد دن قرآنده کایا انبیاء لساندن رجا طریقه یقیده بیان اولان حالات حضرت رسول
 - رسول طریقه خبر و بر اشدر تکمیل ابراهیم علیه السلام (ولا تخزنی يوم یبعثون) دخی (الی ذاهب الی ربی
 ینیدین) دخی (واجعل لی لسان صدق فی الاخرین) دیوب حبیب الله - فنده (یوم لا یخزی الله النبی و الذین
 آمنوا معه) دخی (و عذبتک من اطاعوا مستقیما) دخی (ورقه ثالث ذکرک) یور یلوب موسی علیه السلام طوره
 کایم اولد یسه محمد علیه السلام عرش پرورده کلیم اولد یقندن ماعدا موسایه میسر انبیاء نجلی خدا یه
 منظم اولوب عیسی علیه السلام احیاء موق اید یسه محمد علیه السلام نیجه کره یوزیک مرده دیلاری
 احیایدوب انک منتهای معراجی عالم دنیا یونک منتهای معراجی عرش اعلا ایدی (دیگر) مجزات لری دخی
 سائر انبیاء هر برینک بالکلیه جلد سنک مجزاتلرندن زیاده ایدی بعض کتب سیره سنک به ضنده اوج سنک
 مجزات لری و ارایدی دیو مذ کوردر (دیگر) امی دخی جمیع انبیاء امتلر سنک مجزاتلرندن عدد و کالده و تفر
 و سائر حالده زیاده اولوب جمیع اهل جنتک ناشانی امت محمد در دیو احادیث شریفه واردر (دیگر)
 حضرت رسولان توایلری دخی سائر انبیادین اضعاف مضاعف زیاده ایدی زیر مواهب لدنیه ده یوم قیامتده
 هر مهندی و عامل اعمال حسنه سنک تواین حاصل ایدوب استاده دخی آنک منلی استادی استاده ایکی
 منلی او چنی استاده درت منلی در دخی به سکر منلی بواسطه حضرت رسولده هر استاده شاکردی و اذکن
 ایکی منلی اولوب یوحنا یله مثلا یکر منی استاده بشیوزیک و بکری درت یکن ایکیوز سکان ایکی
 نواب اولقین حضرت رسولک هر برامتی طرفندن کند و له حاصل اولان نوابلر دخی جمیع انس و جن
 و ملائکه محاسب اولسه لر حساب اید میوب عاجز اوله را که همان الله عز و علا آگاهدر یوم عباد بعض
 عارفلر دیکر (نظم) فلا حسن الا من محاسب حسنه * ولا حسن الا حسنه انه (نثر) حضرت
 رسولک یقدر حسنات و ثوابات عظیمه لری کد و ل بالذات ایدکاری انواع عبادات و اعمال صالحه متوالیبت
 و حضرت حق اکامیبت و عنایتندن مزید اکرام اید انعام ایدوبکی موبات بعد و غایتندن ماعدا در سلف
 عظام لکن خاف کرامدن وجوه انضایاتلر سنک بری دخی اشیر تضاعف اید و رقصه سید و دیو مذ کوردر (دیگر)
 خصایص رسولک بری دخی (نصرت بالرب مسیره شهر) حدیثی اوزره او کارندن واردلرندن بر آتی بولدن
 اعدا دین بولدن خوف ایدر لری سائر انبیایه و حال ویرلیدی حدیثدن مفهوم اولوب تواریخ دخی
 شهادت ایدر (دیگر) اسم شریف لره ندا ایکنی و حضور شریف لره جهر لره تکلم ایکنی و بر کسبه یونلری
 و راه هجراتدن یعنی هجره قبوسندن دیوار اودندن دخی موضع بعیددن مطلقاندا ایکنی و یوله یور و کن

اول كثر ينه بكمي حق تعالى مؤمنه حرام استبدى ما ترا مني في ساجده يا غر زدي (ديكر)
 ابن عباس رضي الله عنه ايدر حق تعالى انبياد برينك عر ينه عينا يديكي مسوعم اوليوب لكن قرأ نده
 (لعمرك انهم اني مكرم بكمهون) ديوب حبيبك عر ينه عينا استندر (ديكر) جبرائيل عليه السلام
 اول باصكره افضل ملائكة اولان اسرافيل عليه السلام حضرت رسوله نجه كه نازل اولوب انبيادن هيچ
 برينه نازل اولامندر ديمندر (ديكر) حضرت رسوله وحى الهى جميع طرق وحى الهى اولمشديكه تفصيلي
 ابتدائى بوده بكمندر سائر انبياءه جاق بويه حال واقع اولامندر (ديكر) حضرت رسول عليه السلام
 جبرائيل ملكي صورتى اوزره ايكي كه كوروب سائر انبياءه بوسال واقع اولامندر ديمندر (ديكر) حضرت
 رسوله كوكدن جبرائيل يكرى درت يك كه نازل اولوب جله انبياده غايت جوق ايندوكى موسى عليه
 السلام دركه همانا كادريوز كه اينشدر كه (ديكر) كتب سبرده مذ كوردركه ايمانك كيى شريعت
 كيى حقيقت صاحب اولوب ايكي سنى دخی جمع ايتك حضرت رسوله مخصوص ايدى قصه خضر وموسى
 عليهم السلامه خضر موسايه (الى على علم لا ينفى لك ان تعلمه وانت على علم لا ينفى لى ان اعلمه) ديديكي
 بوكلامه شاه در ديمندر (ديكر) ودخی مذ كوردركه (اوتيت مفاتيح الارض) حديثي مفهم ومنجه حق
 جل وعلا حبيب دينا و ما فيناي تليك ايدوب كيف مايشا تصرف ايدردى امام غزالي رسول عليه السلام
 صحابه دن تيم داري به وقياسته دل انك نلندن اولنده قدس شريف شري دخی كفار الله ايكن برقره عليك
 ايدوب مؤيد ملك كرى اولمغه حضرت على خطيله حجت وبر كاري اكاباه در ديش (ديكر) حق تعالى به
 حبيبي اله اندو بر ملك جاز اولوب سائر انبياء اله وملائكة اله جاز كادريوز علما اتفقا استندر (ديكر)
 حق تعالى رسولك خاتونك بنى تعظيم و رعایت و محرم ايجون تكاح جهتندن امتراك والد له ايدوب
 (وازاوجه امهاتم) ديوب سوردندر (ديكر) انبيا خاتونك ككي ازواجهه سبب ضرر دنيوي اولوب
 سائر لى نه نفع و نه ضرر ايدر اما حضرت رسولك طقوز عدد خاتونك كند و له امور دينيه و دنيويه ده
 معاونت ايدردى فقر و فاقته غايتده صابره و شاكه اولد قلندن ماعدا اقوال و افعال رسول سيد البشرى
 خلقه روايتله امور شريعت و سنى امته نشر ايدوب حتى بعضا احكام شريعتك ربي مقدارى عائشه
 صديقته در اخذ اولمشدر ديمندر (ديكر) مر ويدركه حضرت رسولك بنات و ازواجي افضل نساه عالمين اولوب
 جميع اصحابي دخی انبيادن غيري جميع امهاتن افضل و اكملدر شهر لى مدینه منوره دخی مكرمه
 مكرمه دنصكره افضل جميع بلاد و ممالك عالم اولوب مسجد شريف ندره بر كركت نماز يكركت نوباي ياز بلور
 سائر عبادت لرد دخی اك كوره در قهر شريف بقريله منبر ارابي خود جستن ايدوكى (ماين قهرى و منبرى روضه
 من رياض الجنة) حديثيله ثابت در شعب الايمان بيقيده (من زارني بعد موتي فكأنما زارني في حياتي ومن
 مات باحدا لم يموت مني الا من يوم القيامة) ديوب حضرت رسولن مر ويدر سائر انبياده بوذ كر اولنان
 امور له هيچ برينى بوغيدى (ديكر) خصايص الحبيبه مذ كوردركه ازواج رسوله ساشا قذف ايدن ابن عباس
 قولنجه نوبه مى مقبوله اوليوب قاضى عياض ديديكي اوزره قتل اولوب بعضا قولنجه قتل اولوق حضرت
 عائشه به سبك جزاى اولوب سائرله قذف و سبك جزاى ايكي حد قذف اولمقدر زيرا عائشه به سب قرأنى
 تكذيبه مؤدى اولمدين كفر در ديو اتفاق اولمشدر صحابه نك برينك والده منه ده قذف ايدنك دخی جزاى
 ايكي حد قذف در ديمندر (ديكر) كتب سبرده محروم در كه (كل حبيب و نسب يقطع يوم القيامة الا سبي و نهي)
 حديثي مفهم و منجه هر قرابت نسبيه و سببيه قياسته اصلا مغيده كددر اما حضرت رسولك قرابت نسبيه
 و سببيه لى مفيد در و نسبدن مراد ولادت اله اولان قرابت در سبدن مراد تكاح اله اولان قرابت در
 ديديكي معبدن مراد دخی قياسته امت محمد سبب لى نه منسوب اولوب سائر امترا سبب لى نه منسوب
 اولوزر (ديكر) خصايص رسولن برى دخی كرم لى اولادى كند و له منسوب اولد بغير تنكيم مشد
 طبرانيده حضرت رسولن (كل بنى ام يفسون الى عصبة ابيهم الا ولد فاطمة فالى انا اوهام وانا عصبتهم
 ديوب دخی (ان الله جعل ذرية كل نبي في صلبه وان الله جعل ذرية نبي في صلب علي) ديوب مر ويدر زيرا جميع دخی
 آمده قزاوغلى پدر نه منسوب اولوب لام جده منسوب دكادر تنكيم شاعر ديمندر (نظم) بنو ناسوا ابنا ناسا

و ناسا * بنو ناسا ابنا الرجال الابعاد (ديكر) مواهب لدينه ده مذ كوردركه اسم رسول اله تسمى يعنى
 اداس اولوق دنياده و آخر نده نافذ در زيار رسول عليه السلام سوردركه (وقوف عبدان بين يدي الله تعالى
 قيا مريمهم الى الجنة فيقولان ربنا بما استأهلنا الجنة ولم نعمل إلا بتجار بنياه الجنة فيقول الله تعالى ادخلا
 الجنة فالى البيت على نفسي ان لا يدخل النار من اسمه احمد ولا محمد) ودخی سوردركه (قال الله تعالى وعزى
 وجلالى لا عذبت احدا تسمى باسمك فى النار) ودخی حضرت على ديمندر كه (ما من مائدة وضعت خضر عليها
 من اسمه احمد او محمد الا قدم الله ذلك المنزل كل يوم مرتين) محروم طور اولان عبد بر قصور ايدر اسم رسوله
 تسجينك منعت دنيويه سنه مواهبه دليل ذكر ايموب لكن اكاد ايل جامع الصغير سيوطيه (اذا سميت
 الولد محمدا فاكرموه و اوسعوا له فى المجلس ولا تقبضوا له وجهها) حديثيله (اذا سميت الولد محمدا فلا تضربوه
 ولا تحرموه) حديثيدر (ديكر) يته مواهب لدينه ده مذ كوردركه (وانزل الله الكتاب والحكمة) آيتنده
 كابدن مراد قرآن حكمتدن مراد سنت يعنى اقوال و افعال رسول عليه السلام * امام اوزاعى ايدر
 جبرائيل عليه السلام حضرت رسوله قرآن كى سنت دخی انزال و تعاليم ايدردى (ديكر) خصايص رسولن
 برى دخی اتباع مقتدرى و اقتداء سبيل لى وجوبندن ماعدا فرضيت كال محبت ايدر تنكيم ديمندر (بيت)
 هر كز خدای خواهد فردوس دلکشدارا * حب رسول شرطست از بهر اين جزا را (نثر) صحیح بخارى ده
 (لا يؤمن احدكم حتى اكون اليه احب من والده و ولده و الناس اجمعين) ديوب دخی (لن يؤمن احدكم حتى
 اكون احب اليه من نفسه) ديوب ايكي حديث شريف مر ويدر * كرامتيا بخندن برى ايدر حضرت رسول صلى
 الله عليه وسلمى واقعه ده كوروب (يا رسول الله اعذرني فان محبة الله شغلتنى عن محبتك) ديديكه (يا مبارك
 من احب الله فقد احبني) ديوب سورد يله ض سلف نومضمننده ديمندر كه (نظم) الايا محب المصطفى زد صبا به
 وضوح اسان الذكر منه بطييه * ولا نعبان بالباطلن فانما * علامه حب الله حب حبيبه (نظم) اى مختصر
 بذات نودرات كائنات * اصل محبت تو كايده در نجات * هر ذات مستحق صفات كال نيست * اى ذات بر كال
 نوبجوه صفات (رباعى) اى دل طمع ملك مؤبد داري * در سر هوس دولت مرمد داري * هر چيز
 مرادنت با خود داري * كردد دل و جان مهر محمد داري (نثر) علما ديمندر كه علامات محبت رسول
 چوقدر اعظمى رسول اكرمك شريعت و طريقت و سنت و سيرته اقتدا و انلردن عدم تجار و زوعدم ابادر آيت
 هدايت غايت (قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله) بومدعا به كواهدر (رباعى) يارب زو طباب
 عطاييم مدام * مستغرق غايت و خطاييم مدام * شايد كه گاه ما ز ما عفو كن * كرم صدق محب مصطفاييم مدام *
 (نظم) چون نور محمدى زمعبود بود * بس هر كه محمد بست پرسود بود * خواهى كه رضاي حق تعالى يابى *
 ان كن كمحمد از تو خوشنود بود (ديكر) خصايص رسولن برى دخی (قل لا اسألكم عليه اجرا الا المودة
 فى القربى) آيتي مفهم و منجه محبت اهل بيتراك و جويديركه كتب حديثشه (احبوا الله لا يغدوكم به من نعمته
 و احبوا نبي محب الله و احبوا اهل بيته) ديوب دخی (من ابغض اهل البيت فهو منافق) ديوب دخی (من صنع
 الى احدا من اهل بيتي يداك كافيتة عليها يوم القيامة) ديوب دخی (من صنع الى احدا من اهل بيتي معروف و فاجز
 عن مكافاته فى الدنيا فان المكافاة فى الآخرة) ديوب دخی (لا يغضنا اهل البيت احد الا ادخله الله النار)
 ديوب حديثيدر رسول آل بيت رسول صدقة واجب امانى حرام اولان بنى هاشم مؤمن ايدركه انل
 آل على و آل عقیل و آل جعفر در كه بواو جى حضرت رسولك عزاده ليدر ودخی آل عباس در كه
 عم حضرت رسول در ديمندر بعض علما جوب محبت اهل بيت حقه ديمندر كه (شعر) يا اهل بيت رسول
 الله حكيم * فرض من الله فى القرأت انزل * يكفكم من عظيم الفقر انكم * من لم يصل عليكم صلاة *
 (ديكر) وجوب محبت صحابه مقدده دخی رسول عليه السلام سوردندر (الله الله فى اصحابي لا تغدوهم
 غرضا من بعدى من احبهم فقد احبني ومن ابغضهم فقد ابغضني ومن اذاهم فقد اذاني ومن اذاني فقد اذاه الله
 ومن اذى الله فو شك ان ياخذ) (ديكر) حق تعالى حبيبته امتي خصوصنده بحضور اوله جق برنسته
 مدت حياتده كوستردى لكن سائر انبيا كند و له صاغ ايكن كينك امتي هلال اولوب كينك دخی امتي انواع
 متكرانه مشغول اولوب او خصوصدن اكثرى غمناك ايديدر (ديكر) و حضرت رسول محمد درت و زير

عديم النظر اليه مؤيد ايد يله كه جبرائيل وميكائيل وابوكرو وعر در يومئذى حديثه ثابت اولمش در كه ان الله ايدنى
 باربعة وزا انين من اهل السما جبرائيل وميكائيل وابين من اهل الارض ابو بكر وعمر (يو ر مشدر (ديكر)
 مر ويدركه هر كس كه طائفة چندن بر رقر بنى اولوب رسول عليه السلام كند وقر بنى اولان جنى في ايمان
 كند وديكر صحيح مسلمده مر ويدركه (ما منكم من احد الا وقد وكل به قرينه من الجن قالوا واياله يا رسول الله
 قال وايال الا ان الله جل وعلا اعاننى عليه قال لم فلا يا امرئ الاجنبي يورثه شلدر (ديكر) بالغ ايكن وفات
 ايمش هر ميتة البته قبرنده منكر وكبير من ربك ومن نبيك ديوب حضرت رسولن سوال ايدرلر (ديكر) قرات
 احاديث رسول عليه السلام عبادت مورثة الثواب اولوب مجلس قرات ايجون اولان مستحبات وآداب
 بودركه اعتدال وتطيب اولوب كتاب حد يثي بر يو كسك نسته اوزرينه قوبوب وقوبوب واوقيان كسكه
 مجلسه كاتره اصلا قاتله ما يوب وحاضر اولنر رفع صوت ايجيه ل وديكى اهل حديثك روى فرخنده خويلرى
 سارنادهن زياده نورانيت وطراوت اوزره اولوب او طائفة حفاظ وامراه مؤمنين اقبليده مذكور در روبر بعضلر
 بونلر عقنده ديشدر كه (نظم) اهل الحديث هم اهل النبي وان لم يعصبوا نفعه انفسه سمعوا (ديكر)
 بكار خصايص رسولن بعضلرى دخی بونلر در كه مرض مونلرند اوج كون جبرائيل عليه السلام كلوب با محمد
 ربك سكا سلام ايدوب خاطرلك صور در ديوب وفاتلرى حالنده كند ولرى وامتلرى حقنده اولقدر بشارتلا
 ايتديكه على وفق المراد شاد اولديلر وفات ايتديكر نده ظهور ايدن امور تفصيله محتاج اولوب بوجه لك اكترى
 سائر انبياء واقع اولما مشدر (ديكر) روح شريفلرى قبضه حضرت عزرائيل انسان صورتده كلوب
 ايجر و به اجازتله كيروب سائر انبيادن هيج برندن اجازت استخام مشدر ديشدر * كتاب درج الدرر ده مذكور در كه
 عزرائيل كلكده اسماعيل اولوب ربك ايله تمشيك ملك كلش ايديكه هر بريله تمشيك دخی وار ايدى (ديكر)
 مواهب لدنيه ده قبر رسولده صلى الله عليه وسلم بدن شريفلر بنضم ايدن موضع جميع بقاع ارضدن افضل
 ايدوكى متفق عليه اولوب نيجيه علماء قولنجه كعبه دن و عوات سبه دن دخی بعض علماء قولنجه عرش عظيمدن
 دخی افضل در ديومذ كورد در قصيدة برده صاحبي ديشدر كه (نظم) لا طيب بعدل تر باضم اعظمه * طوبى
 لمن تشق منه وملتم (ديكر) علماء آفاق اتفاق ايشلدر كه الان رسول عليه السلام بدن شريفلر اولوكى
 كى بونلر اولوب نبوت و رسالتده باقى و در بيات تجليات الهية به راقيدر نيجيه ل قوا نجه قبر شريفلر نده اذان
 واقامتله جماعتله نماز قلوب انلر و جميع انبياء قبور شريفلر نده صلوة وتلاوت قرآن و بعض عبادات
 ايدوب مكبه و اووب هيج دخی ايدرلر و فتاواى برازنده حضرت رسول عليه السلام الان نبوت و رسالت اوزره
 اولوب شديكى حالده دخی بغير عزم رسولدر ديوب اعتقاد ايتك واجبد ر ديوب مصر حدر الهالات والبشر
 فى الصلوة على سيد البشر آدلوكايد به جله انبياء قبرلر نده باجسادهم حياتده اولد قلرينه احاديثده دلائل قاطعه
 وارد در ديوب بر قاجى ذكر اولمشدر (ديكر) (ان الله ملائكة سياحين فى الارض يلغون عن امتى السلام
 حديثه ان الله ملكا اعطاه جميع العباد كاهم فامن احد يصلى على الا ابلغنمها و اى سالت ربى ان لا يصلى على
 عبد صلوة الا صلى عليه عشر امثاله) حديثى مفهوم نجه بعض ملائكة كرام صلوات و برن مسلمانلرلك
 صلوات اسم و رسميله حضرت رسولده عرض واعلام ايدرلر يوم قيامته دلهر كون قبر حضرت رسولى بتش
 بيك لائى زيارت ايدوب بركون كلانلر بر دخی نوبت ذكر ايدوكى يوقار و ده باب احوال ملائكة ده كم مشدر
 (ديكر) سعيد بن المسيب ايدر هيج بركون يوقدر كه انده حضرت رسولده امتك علملرى صبا حده
 واخنامده عرض اولنوب انلر دخی بونلرى سياريله و علملريله بليده لر نه الصلوة والبشر نام كايد به مجر در كه
 رسول عايه السلام (حياتى خير لكم تحذون ويحدث لكم فاما اذا مت كان وفاى خير لكم بعرض على اعمالكم
 فان رأيت خيرا حدث الله وان رأيت غير ذلك استغفرت الله لكم) ديوب يور مشدر (فالله رب العالمين
 وصلى الله على خير خلقه محمد وآله وصحبه وازواجه الطاهرين (ديكر) خصايص الحبيبه طائفة نسا به
 زيارت قبر رسول عاليجناب بى شك وارتياح مرتبة استجابده اولوب لكن سائر قبور زيارتى انلر بالكلية
 مكروه در (ديكر) خصايص لرندن برى دخی بودركه حياتلر نده كى كى وقائلرند نصكره دخی هر نه زمانده
 وهر نه مكانده اولورسه جناب رب الهباده انلر له نول ايدنلرلك اكترى داتما بر مراد اولوب بوايدده

مصباح الظلام فى المستغيثين بغير الانام نام كتاب محبت اسمده يازمشدر او خصوصك بجز جيا ياتدن بر قطره
 وشمس تابانندن بر ذره بودر كه روضه شريفه لر بر اعرافى زيارت ايدوب (اللهم انك امرت بعتق العبيد
 وهذا حبيبك وانا عبدك فاعتقنى من النار على قبر حبيبك) ديوب مناجات ايتديكه (يا هذا سأل العتق لك
 وحده هلا سالت لجميع الخلق اذهب قد اعتقناك من النار) ديوب هاتندن برندا كلدى و مر ويدركه كيار
 مشايخدن حاتم اصم قبر معظم خرق عالم صلى الله عليه وسلم ياتنده طوروب (يا ربنا زنا قبر نبيك فلا تردنا خائبين
 ديد كده ياهذا ما اذنا لك فى زيارة قبر حبيبنا الا وقد قبلنا الفارج انت ومن معك من الزوار مغفور لكم)
 ديوب هاتندن برندا كلدى واهب لدنيه ده مؤانق قسطلاتى ايدر بكار بر مرض عارض اولوب بر قاجى يل طوروب
 اطبا عاجز قالد قده مكده بر كيجيه حضرت رسولده امته فاته ايتديكه ده او كيجيه واقعه ده بر كسسته النده
 كاغد طوبوب (هذا دوا لدا احمد بن القسطلاتى من الحضرة الشريفة بهذا الاذن الشريف النبوى) ديوب يازر
 اويخودن اويانديغمده الله حقير من مرضم بالكلية كيش بولوب بركت حضرت مصطفى ايله شفا و صفا اولدم
 اندن اول بر جاريه من نيجيه زمان مصر و ده اولوب جناب رسولله استشفاع ايتديكه ده جاريه بى انجيدن جنى في
 واقعه ده بر كسسته بكار كند وروب بونى سكاى صلى الله عليه وسلم كوندردى ديوب بشد دخی جته عتاب ايدوب
 جاريه بى ارتق انجتمامكه عين وروب اويخودن اوياندم و اويانديغمده جاريه فى الحال محبت بولوب من بعد
 صرع عارض اولز اولدى (ديكر) حضرت رسولك يوم قيامته ظهور ايدده جلك انواع نضا تليد در كه
 بو خصوصك افرادى حددن بيرون اولوب كال اجالى بودركه قبردن ابتدا بونلر قلوب اشرف البسة چشندن
 تاج وحله كيدر بولوب براقه بنوب تمشيك ملك الله حشر اولوب لواء الحمدى مبارك لدر نده طوبوب جله انبياء
 واملك التنده طوروب عروسة عرمانده اولان طائعين وعصاة بيك ييل حيران و سر كردان طور مقدن
 عاجز اولد قلر نده جله سى اتفاقا اولادى بعد نوح و ابراهيم وموسى وعيسى عليهم الصلوة والسلام حضراته
 واروب فصل قضايه شروع اولنق ايجون رجا و شفاعت ديلد كازنده هر برى اعتذارله عجز اظهار ايدوب
 عاقبت حضرت رسولده كلك كازنده جناب حقده سجده ايدوب مناجات ايتديكه شفاعتى مقبول برورد كار و جميع
 مخلوقاتدن افضلينك آشكار اولور و حضرت رب العزة جله مخلوقاتدن اول بونلر نظر ايدوب امتلرى دخی جميع
 اعمدن مقدم حساب اولوب و جله سندن مقدم صراطدن كجوب و جسته جله سندن مقدم كيروب محصل
 كند ولرى وامتلرى سائر انبياء و اعمدن امورنا محصورة ممتاز و مر افراز اولورلر * خصايص الحبيبه قيامته
 حضرت رسولك مبارك باشلر نده و بوزلر نده اولان هر قيللرلر هر برنده بر نور اولوب سائر انبياء همان آدم
 باشنه ايكيشنر نور و بريله جكدرد دخی حضرت فاطمه صراطدن كجك ديلد كده اهل موقف كوزلر بكنزى
 قبا كره فاطمه بنت محمد كجوب كيده يورد بوندا اولنه و دخی جسته جله عالمدن مقدم ابتدا كند ولرى بعد
 كره لرى كيره جكدرد (ديكر) كتب سنده مذكور در كه شفاعت الهى قسدر برى قول اصح اوزره ايجى مقام
 محمود اولان شفاعت عامه عظمادر كه جميع اهل موقفى انتظاردن تخليصه متعلق اولمغن جميع مخلوقاتدن
 افضل ايتلرى اول آنده عيان اولوب * ايكينى بر قوبى جسته بلا حساب ادخال ايتكده متعلقدر * اوجينى
 بهد الحساب مستحق عذاب اولنلرى عذابدن تخليصه متعلقدر * در دجى عصات مؤمنينى ناردن اخراج
 متعلقدر * بشينى قول اصح اوزره حسنات وسيناتى برابر اولان اصحاب اعرافك جسته دخوللر نه متعلق
 اولان شفاعتدر * التينى اهل جنتدن نيجيه لر در جله زياده سنه متعلق اولان شفاعتدر (ديكر)
 مر ويدركه شفاعت رسولله كند و امتندن تمشيك كسسته انلرلر هر بريله دخی تمشيك كسسته بلا حساب
 ولا عذاب جسته داخل اولسه (كر كدر تكليم مستدام احمدده حضرت رسولن مر ويدركه) اعطيت
 سبعين الفامن امتي يدخلون الجنة بغير حساب وجوههم كالقمر ليله اليدر قلوبهم على قلب واحد
 فاسترددت ربى عز وجل فزادنى مع كل واحد سبعين الفاً) ديوب يور مشدر برن بوجه لك عذدى بى يك كره
 يوزيك اولوب مثلايدى يك آت يوكى عثمانى اخيه عدى قدر اولمش اولوب (ديكر) كتب سنده اولدينى
 اوزره حضرت رسوللر جسته مسكن معينلرى اولان وسيله آدلوه قيامك اوصافى تمامن الهندن غيرى بر فرد
 بيلوب كال اجالى بودركه عرش برينه غايت يقين اولوب جميع اهل جنت مقاملر نه بر رهنال شرف

توالی ایریشن مدره المنتی اغاجنک کوک ائده در رسول علیه السلام جله اهل جنتک ولی نعمتی اولمخچون
 نم اهل جنت اول خبر که هر غرن چپقار (ولسوف یعطیک ربک قرصی) آیتده ابن عباس ایدو حق تعالی
 حیینه جنتده آق انجودن بیک عدد قصر ویرد که خال منوری جله مسک اذقراولوب هر قصرده بحد و حصر
 ولدان و غلمان و حور عین و آلات و اسباب تنعم و حضور و اردر بوجه دن غیری هر لحظه و آنده تجلیات
 جلیات رب رحمان بحد و بیابان اولوب قابل توصیف و بیان دکلدور (نظم) تا از دل و جان بال و بحر دشوی *
 وز هستی مخود تمام بی خود نشوی * تاشاه عالمک مؤبد نشوی * واقف زمانت محمد نشوی * حاصل
 کلام علی وجه التمام اعلام فضائل سید الانام (نظم) عقل عاجز مانده در تعریف او * بس همین تعریف
 در توصیف او (نثر) بخوای کلام مجزاست و آنچه خارج طوق بشر ایدو کی مقرر اولمخچون عنان یکران قلم بدیع
 البیان سر بیع الجریان اول میدان بیابانده جولاندن منصرف و ذکر اخلاق و عادات مورثه السعادات لری
 سمته منصف قیادوب اول باب شرف انتساب عالی مقام مسکی الختام اولاق مر ام اولوب اسان ترکیده
 اشرف مداح لری اولان کلام لطافت اسام متصف بالارتسام قلندی (محرره) ای شاهد بزم لیل اسرا *
 فعلینکه فرس عرش اعلا * کورمدی بهمانده حضرت که * کردون هزار دیده همتا * وصف کده عقول
 عاجز اولدی * علم کده جهول قلب دانا * عرفانده قودن اعلم اولدک * ذاتک نه اوله دیرسه ماعرفنا *
 ای صاحب مرالی مع الله * یوق سر که حقدن اوز که آگاه * ای علمه مدینه حله منیع * عرفانه خزینه
 لطفه جمیع * سرچشمه سن انبیایه طحکم * کرچشمه اوله الکنده اصبع * اطوار که جهان مشرف *
 انوار که جنان مرصع * چون ایکی جهان رحمت اولدک * اولدی کرمک قویه مطمع * و صافدر
 سکا چو فتاح * انسان ندراوله سکا مداح * ای شافع ذنب اهل عصیان * مرآت جمال سر سحمان *
 یوز سوردی قیوکه جله عالم * اولدک چو حبیب رب رحمان * وصف کد قدر بیان اوانه * ذاتکده عیان
 هزار چندان * بر بحر در فضاثلک * کیم * نه حد بولتورا کانه پایان * اولسون طپوکه سلام دایم *
 ای زمره انبیایه خاتم

(باب سادس عشر در اخلاق و عادات رسول اکرم صلی الله علیه و سلم)

حضرت خیر عالم صلی الله علیه و سلم علم و عرفانده فهم و ایقانه ذکا و فطنتده مضاهمه و وضع و مسکنده
 حلم و شفقتده صبر و سکینتده غیرت و جتده صداقت و امانتده صلابت و دیانتده طاعت و عبادتده شجاعت
 و مهارتده بلاغت و فصاحتده لطافت و ملاحتده ورع و عفافده کرم و انصافده بذل و انفاقده لطف و اشفاقده
 وقار و حیاده زهد و تقوا ده سخی و عزمده رأی و حزمده بی شک و اشتباه اکل ماسوی الله اولوب جمیع کالات
 سنیة انسانیه فی علی الوجه النافع شوبله محیط و جامع ایدیلر که هر بر خصلت حسنه لری مجموع انسانده اولاندن
 اضعاغ مضاعف زیاده ایدو کی محقق و متقی اولوب هر بر صفت تفصیلا بیانی نیجه کلام مستقل اولمغه محکمدر
 پس یوباید علماء سر سید البشر کلام مفصلی محصلی بودر که * اول اول رسول صاحب صفات اعداء
 و اولادن هر نه جفا کورسه لطیف خاطرله عفو ایدوب غایت حول و حلیم و کریم اولمخچون مدت عمر لرنده
 امور دنیویه ده مجرد کند و نفس لرنه متعلق بر نسیه ایچون هیچ برکسنه دن انتقام الماسلردی حتی احد
 غزاسنده کافر لرنه مبارک یوز لری مجروح اولوب بر دین لری قیرلده قده جانب کفار دن حضرت حقه
 اعتذار ایدوب (اللهم اغفر لقومی فانهم لا یعلمون) دیشلدر (نظم) آنکه بادشمنان کرم و رزد * دانکه
 بادشمنان چکونه بود (دیکر) شفقت لری دخی نه ایدده اولوب بعض جانور لره بر ظرفله صوب و بر و بر ایچمه
 مبارک اللریله طوب و طور لردی و بند کاری آنک یوزنی و کوزنی یکار لره ورد اللریله سیار لردی (دیکر)
 احسانه غایت رعایت ایدوب بر بیسی ککند و لری چاغرسه لبیک دیو جواب و بر و بر و انلر ایچلرنده
 اصلا باقربن اوز انقبوب داماد برچو کوب و طواره بند کلرنده یا نلر نیجه بیان یورینلر که بعضی کند و لرنه و کی
 طوار لرنه اولر لردی (دیکر) نواضع لری دخی نه ایدده اولوب بر سر فرده بر قیون بوغاز لامق امر ایدوب
 احسان لری بر یوز غازه لم بری بن درین صواب بری بن بد و بریم دیرکن یوزلر دخی بن اودون جمع ایدوب دایم دیوب
 یارسول الله او خدمتی بن ایدر دیکارنده (قد علمت انکم تکفونی و لکنی اکره ان اغیر عنکم فان الله یکره من

عبدنه ان یراه متباین اصحابه) دیوب بعده بالذات قالیقوب اودون جعنه مشغول اولدی (دیکر) اصحاب
 جمع اولدقاری مجلسه کاد کارنده صدره کیم یوب هر نه برده کدک یوزلر سه هه مان اوردده اولور لردی برکون
 عصایه طیاروب طشره جقد کلرنده صحابه تعظیما باغ اوزره قالد کلرنده (لا تقوموا کما یقوم الاعاجم لتعظیم
 بعضهم بعضا انما اناعبدوا کل کما یا کل العبد و اجلس کما یجلس العبد) دیوب یوزلر (دیکر) مجلسده
 اکثر یا اوزر لری دیر چو کک اولوب کاه احتیاب ایدوب یعنی مبارک دیر لرنه دیکوب اللری کربند ایدوب
 مرابع اوزر مرقی آرواقع اولور دی (دیکر) کال کرم و شفقت و نواضع لرنه قولاری و جاریه لری ما کولات
 و ملو مانده و نیجه اوردده کند و لره برابر طوب اصلا طعام و لباس برین انلردن فرق ایدوب میوب و او ایچنده
 خدمتی آنلره برابر ایدوب و طعمای دخی احسانا آنلره یله اوزر و بر یوب و یوله طوار اوزرینه بتوب
 کیدرکن یا نلر نیجه بولنان قولاری ککند و طوار لری آردنه بند و بر و مدت عمر لرنده خدمت کارد و کک
 و سوکک و قاتیق اصلا واقع اولد یغندن غیری کند و لره خدمت ایدنه کند و لری دخی خدمت ایدوب یا نلر
 خدمت کار لری اولان انس بن مالک ایدر کند و لره اون ییل خدمت ایدم سفر و حضرده بتم آنلره ایدیکم
 خدمتدن آنلر بکایتدیکي خدمت زیاده ایدی و یوقدر زمانده اصلا بکا انجیم یوب بر ککراف دیوب
 و ایشلر یکم و ایشلر یکم نسته لرنه بر بیسی ایچون نه ایچون بونی ایشلر نیچون بونی ایشلر لری یا مشلدر
 (دیکر) قفتان لرنه بشماق لرنه قوغالین کند و لری یا یوب قیون لرنه دخی احسانا کند و لری صاغوب و طوار لرنه
 یم و بر و بر چارسودن صافون اله حق نسته بی کند و لری آلوب کو توروب و سفر لرنه طوار لرنه کند و لری
 یم و بر و بر کاه تیمار دخی ایدوب و دوه لرنه کندی اللریله یا غلیوب و الحاصل سفر و حضرده خدمت لرنه کاه
 بالذات کندیلر مستقلا ایدوب و کاه خدمت لرنه معاونت ایدر لردی (دیکر) اهل مدینه دن نیجه لرنه
 خدمت کار لری بعض حاجت ایچون کلوب حضرت رسولی چاغرد قده عادت عرب اوزره بی تکلفانه
 مبارک اللریله یا یوشوب ال آله و یروب یا لکزجه یاده کیدر لردی (دیکر) و نیجه فقر او مساکین و اصحاب
 مرادک حاجت لرنه بتورمکه آنلره یله یا لکزجه کیدر لردی (دیکر) عیادت مرضی و نعل بیت اهل بیت
 موقی خود داماد عادت مورثه السعادات لری اولوب حتی مجرد تطیب خاطر ایچون کفره و مناقیق خسته لرنه
 کورمه کد دخی وار لردی (دیکر) هر یوزر که هر صبح نمازین قبلد قده جاعته دویوب (هل فیکم من یرض
 اعوده) دیوب و ارا یسه عبادتده واروب یوخسه (هل فیکم جنازة انبهما) دیوب و ارا یسه آق نیجه
 و تکفین ایدوب و دفن ایچون واروب قبرنه دخی یله کیدوب یوقدر بر لره (من رأی منکم رؤیا فلیقصها
 علینا) دیوب یوزلر دخی یعنی دوش کورمش کسنه و ارا یسه بزه دیسونکه نه بیر ایدده یم دیکدر (دیکر)
 اصحابدن برین اوج کون کورمه لرو و بر یسه کاش ایه خیر دعا ایدوب شهرده ایه یوقلا مغه
 واروب خسته ایه خود عیادتده البته وار لردی (دیکر) یوله راست کد کار نه ابتدا کند و لری
 سلام و بر لردی (دیکر) کاه دوه به کاه آنه کاه قاتره کاه جاره کاه یا لکز کاه برکسنه اید یله یوب انی
 ارد لرنه وار لردی (دیکر) سید القوم خادمهم) حدیثی مضعونجه مسافر لرنه و اصحابنه بالذات
 خدمت ایتک واقع اولور دی (دیکر) مدت عمر لرنده قهقهه اید اصلا کولیم یوب یا لکه همان تبسم ایدوب
 غایتده محکم کول کده مبارک دیش لری بر مقدار کورینه جک قدر کولوب لکن صدای ایشلر یله جک قدر واقع
 اولوب کول لردی (دیکر) اکثر زمانده ملا حظه و فکرله سکوت اوزره اولوب آرسو یلیوب آرزو کولوب
 هر سوز مو یلکه یا شلر نیجه کال لطف و حسن خلق لرنه تبسم ایدر لرنه سو یلر لردی (دیکر)
 تکامه حاجت یو یکن کلام غیر مفیدی سو یا یوب نوا احتیاج اولد قده محتدر و معده و بر معنی بر کلام
 فصیح بر حکمت و معنی سو یلیوب حاضر اولنر لرنه جله می ایشلر یوب بالتمام فهم و تعلم ایتک ایچون نیجه کلام
 شریف لرنه او جرکه تکلم ایدر لردی (دیکر) ایات و یرانه اطفال و صبیانه و بعض عجایب و سنو انه
 موافقت شریعت شریعه اوزره بعض مناسب مزاج و لطیفه ایدوب لکن قلب شریف لری جناب حقه
 معامله دن بی ریب و شک بر لحظه و بر آن اصلا منفک اولر لردی (دیکر) نواضع لری کالنده ایکن من عند الله
 مه ایشلر نه ایدده اولمخچون احسانه بی تکلفانه اختلاطده ایکن مبارک یوزلر نه طوع و باقعه نیجه می حرمت

ایم یوب انما بقی بر کون یا نلرسته بر کسسه کلوب روی فرخنده خویارسته باقد قد بلایسب در یوب رسول
 علیه السلام انی کوروب (هون علیک فانی است بملک ولا جبار انما انما امر آه من قریب تا کل القید)
 دیکرین حرف دهنست الیفل لزه منی ساکن اولوب مرادین ادا ایتدی (دیکر) بواب و حاجبری
 اوایوب اهل حاجات بی تعب و واسطه واصل مرادات اولورلردی (دیکر) کتب سیده محرز در که رسول
 علیه السلام پرده ایچنده او نوران بکر قزلردن حجاب و حیا ده زیاده اولوب هیچ بر کسسه نک یوزینه طوغری
 باقیوب حق خاوندلرینه کند و مبارک قاصو قلرین و او دیرلرینی اصلا ککوستر میوب مجامعت حائنه
 او ناند قزلردن کند و مبارک باشلرین پورغانله او زلردی (دیکر) هیچ کسسه نک عینی یوزینه او ریم یوب
 و غایانه دخی شکایت ایتیمب همان بر کسسه نک فعلنه یا قوائنه راضی اولسه لر (ما بال قوم یفعلون کذا)
 یعنی ییچون بو طائفه شویله ایش ایشلر دیرلردی (دیکر) حق تعالی نک رسول و حبیب مقبول ایکن
 (ان لا علیکم بالله و اشد کم له خشية) حدیثی اوزره بجز در تعظیم او خشوع حضرت حقن خویلمی نه ساید
 اولمقن (والذی نفس محمد یدله لور ایتیم مار ایت لضعفکم قلیلا و لیکیم کثیرا) دیوب عواده بولت کوردکده
 یارب یوبی سحاب عذاب ایتیم دیوب بل احد کده (اللهم انی استلک خیرها و خیر ما فیها و خیر ما رسلت به) دیوب
 کول کورلدیکه (اللهم لا تقبلنا بغضبك ولا تمکننا بعذابک و عافنا قبل ذلک) دیوب غماز قیلغه باشلدیکه
 عارض اولان رقت و جالتدن یا نلرنده اولنر اغلیان کسسه ایچی چکدوکی کبی صدا ایشلر لرلردی تلاوت
 قرآن ایتدیکه آیت خوف کادکده تموز ایدوب یعنی رحمة الله صیغوب آیت رحمت کادکده رحمة اللهی
 رجا ایدوب آیت تنزیه و تقدیس کادکده جناب حق تقدیس ایدرلردی (دیکر) قوت قلب و شجاعت ده
 دخی نه ساید اولمقن حنین غزا سنده مسلمانلر غنیمته طاعلوب کند و لراوج و درت کسسه ایلد قلوب کفار
 انام هجوم عام ایتد کارنده رسول علیه السلام انلر جمله ایدوب قاجروب انلر جمله ایتد کارنده کدولر بی بالک
 طوروب بو وجهله نیجه دفعه جمله لواقع اولدی اصلا یزندن ایزه مدیدلر (دیکر) قوت بدینه لری دخی
 نه ساید اولوب طائفه عربدن استادی نظیر اولان نیجه کشتیکر لایله کور شوب جمله سنی باصوب ایچلرندن
 رکانه آد لواعر ایشلر قوتی شویله ایدیکه صفر در بی او سنده ایاق اوزره طوروب اون تفرق تلو یها در کسسه لر
 اول در بی اطرافندن چکوب دری باره لوب رکانه یکانه اصلا یزندن حرکت ایتزدی * کتب سیده
 (فضائل علی الناس باربع بالسحابة و كثرة الجماع و شدة البطش) دیو دخی (انانی جبرائیل
 بقدر فاکت منها فاعطیت قوته اربعین رجلا فی الجماع) دیوایکی حدیث شریف مذکوردر (دیکر) کرم
 و سخا ده دخی حددن زیاده اولوب نیجه کسسه لره نیجه یوزدوم و قیونلر باغشایوب محصل اطراف عمل سکدن
 مال فراوان کادیکی کون جمله سن عدل و فضل ایلد تقسیم و لطفلرین نعمیم ایدوب ایزه بر حبه الیه و میوب
 سخا و عطا لری و کرمی انتهالرین زمره اعداده دین با ضروره تحسین ایدوب نیجه وحشی کافر لری قید کرم فراوانله
 صید ایدوب ایمانه کتور مشلدر (دیکر) مریدر که اول حبیب مولی و رسول باهر العلامة مدت عمرنده
 ارباب حاجانه اصلا لادیم یوب قادر اولد قلرین بذل ایدوب اولد قلرینه حجابلرندن سکوت ایدرلردی بوم فاده
 بعض شعر ایدمدر که (نظم) ما قال لاقط الا فی تشبهه * لولا التشبه کانت لاؤه نعم (دیکر) حق تعالی
 رسولنه جمله دنیا یوزنلر مفتاح کوندر کده ایتیمب قناعت و ترک دنیا اختیار ایتکین مدت عمر لنده
 انفس بقدر ای اوینک اتمکین میوب دایم ایدکاری التمامش ایزه اوینک اتمکی اولوب انی دخی تصدله طو نیجه
 میوب و ایتدکی دخی اکثر یا قنص میوب مکر که خرما کاه مکر که کاه بعض طعام کاه بعض میوه ایلد دخی
 واقع اولوب اوقات متفرقه ده بر بر بر بعض طعاملر و میوه لرد دخی میوب جمله دن تاوق و طواشان و دره و جیران
 و بالی انلرین بیاض درمه و شیرینک واقع اولوب لکن اکثر ایدکاری کاه سود کاه خرما کاه یا لکترجه ایزه اتمکی
 ایدی مطلقا * ککولندن اکثر یا همان بر در لونسنه میوب احیانانا اتمک ایلد بر سینه دخی بملک واقع اولورلردی
 و هر طعمای غایت آزیوب (ما ملا ابن آدم و عاشر من بطنه حنظل الا دی لقیات یقمن صلیه فان غلبت
 الا دی نهسه ثلث للطعام و ثلث للشراب و ثلث للنفس) دیو یوزلردی خانه رحمت اشیانه لنده ایکی اوج
 ای کوب اصلا آتش یا تمامق واقع اولوب اتمک دخی بشر میوب همان خرما ایلد بکتر لردی احیانانا ایکی اوج

کون اصلا طعام میوب آجلقدن بوش بو کورلرینه طامش باغلر لایلی حانه کسسه واقف اولورلردی و قات
 ایتد کارنده بر دورجه لری بر و دیده او نور کیده ایزه ایچون رهن قوش بولندی (نظم) کن فککن
 از خرمن او خوشه چین و او خورده سیرانان جون * هر دو عالم شانه در خوان کرم * و از جماعت سنک بسته
 بر شکم (نثر) احیانانا بر قاج کون لیل و نم اریک میوب صوم و مال ایتدکاری عن قریب عبادت لری فصلنده کاور
 (دیکر) اصلا طعام بر ممل یعنی بکتمانک ایتیمب مزاجلرینه خوش کاور سه بر مقدار یوب خوش کاور سه میوب
 سکوت ایدرلردی (دیکر) کونده همان بر کره یوب انی دخی کاه صبح کاه اخشام میوب معاد تخانه لری
 کیدکده (هل عذکم طعام) دیوب یوقدر دیرلر (ان صائم) دیوب ناذله اوزر طو نارلردی (دیکر)
 طعاملر سفره ده و در موریا غایح صینی به قوم یوب بجز در تواضع و سکنت ایچون یز قیوب دیر چو کوب نسته به
 طیا میوب کمال سکوت و وفارایله حدوشناه پرورد کارایله میوب (انما انما بعد اجلس کلما یجلس العبد و اکل
 کلما کل العبد) دیو یوزلردی (دیکر) طقوز خاوندلرینه و بر قاج خدمت کارلرینه معیت ایچون بعض
 زمانده بر کونک طعام و یوب قوم یوب خرج و صدقه ایدوب (تم العون علی الذین قوتونه) حدیثی مضبوطه
 کاهی بر یلایق ایزه و خرما ذخیره ایدوب آنک ایچندن دخی اصحاب صفیه و ما رحتما جان تصدق ایدوب
 کاهی ایزه به یه جک مقلایوب جمله سن اولشد لرلردی (دیکر) طعاملرده قیون ایزه مزیده قباغه و مطلقا
 طاقو قسمنه خصوصاً عسله خرما یه سوده قایغه و میوه لده تازه خرما یه قار پوزه قاقونه اوزمه خیاریه سارلردن
 ارفوج قیل ایدوب خرما ایلد سوده (اطیبان) سرکه یه (نم الادام الخلل) یوز مشلدر (دیکر) صوایچد کلرنده
 تانی ایلد و سله و جمله ایلد اوج کره آزار ایچوب بده (الحمد لله الذی سقانا عذبا فراوانا و یجعله لهما اجابا
 یذوقناه) دیرلردی (دیکر) انبیاء عادت نیجه اصلا زکاة و صدقه قبول ایتیمب لکن هدیه بی آلوب بجز در
 اطفا و کرما اکثر یا عوض ایدرلردی (دیکر) لباس خصوصنده کیسی شرعاً جائز اولورلردن هر نه بولورلر
 کیمب اکثر زمانلرده کی لباسلری قالین کمال یعنی احرام شکنده دیکه ایش بعض نسنه لر و از اولر یعنی
 فوطه و روشله و ردال اولوب دایم ایدکاری پنبه دن و یوکدن و قیلدن طوقش نسنه لر اولوب اکثر یا ق لباسلر
 اختیار ایدوب بشل کیمک دخی واقع اولوب احیانانا دیکامش لباسلر دخی کیمک واقع اولورلردی جمعه کونلرنده
 و بر املرده و ایلچیلر کادکده و جک زمانلرنده کیمه جک قیتموچه کسا و ردالری و اوقات متفرقه ده بر قاج
 قفتانلری اولوب بر بنی سندس اخضر یعنی بشل قطعی ایدی قزل و نکلو لباس و سیاه کیمک دخی واقع
 اولشد در دیمشله قفتانلر بکلی اوجی بیلکترنده و انکاری اوجی طوقلرنده ایدی لباسلری خصوصی عن قریب
 باب مال رسولده تفصیل اولور (دیکر) مریدر که ارقه لنده اصلا لباس کیر ایتیمب بو خصوص مجزات
 قسندندر دیمشله (دیکر) اکثر یا ق احیانانا سیاه دایند کوب مبارک باشلرنده صاروب بر قارش مقداری
 اوجی ارقه لری نه طبلسان ایدرلردی عمامه لری نه یولونه کوچک اولوب طوی تخمینایدی ذراع مقداری
 ایدی عرقیه مز دلبند و لبند مز همان یا لکتر آق قتیلاو عرقیه کیمک اولورلردی (دیکر) تراش اولوب
 عادت عرب اوزره مبارک باشلر بک صاچی قواقلرینک نصفه یا قین اولوب اوزانده قیر قوب احیانانا باشلرینی
 یاغله یاغلیوب سقره کتدیکه دخی شیشه ایلد یاغ کورلردی و کاهی صاچلرین اوزادوب او روب ایکی یا نه
 کیسوی مشک بوی ایدوب جمله دن مکه فتحنده شهره کید کلرنده ایکی یا نلرنده ایکیشمر کب ولری و ارایدی
 (دیکر) رواج طیبیه مائل اولوب (حبیب الی من دنیا کم ثلاث النساء والطیب و جعلت قره عینی فی الصلاة)
 دیر لایلی مبارک اعضا لریه سنک سوروب و غایله دید کاری زیادی سوروب عود و کافور ایلد بخورلورلردی
 (دیکر) یتاجق دوشکری و بصدق لری ایچی خرما لینی ایلد طولش سختیان اولوب بر خاتون آتی کوروب
 ایچی یوکله طولش بردوشک کتوروب رسول علیه السلام آتی کوردکده (ما هذا یا عاتشه فوالله لو شئت
 لاجری الله منی جبال الذهب و الفضة) دیدیلر (الفصه) ککاه دوشک کاه حصیر کاه قوری پر کاه خرما
 اغاچندن سر بر اوزرنده یا نورلردی (دیکر) مبارک صقالرین بر قبضه دن ارفق قوم یوب طولندن
 و عرضندن مفرضله قیرلردی (دیکر) هر کیجه مرمه لوب مبارک کوزلرینک هر برینه او بر کره
 چکولردی (دیکر) و معاد تخانه لنده آینه طراق سورمه دان مسواک مقراض ایکنه ایلک اکسن

اولیوب سوره کند کارنده دخی بونلری البته یله کورورلردی (دیگر) آیده برکه نوره طو توب اون دخی
 کونده برکه مبارک طرقلین کسوب اندانک طرقلین و قیللین و قان و چقمش دیشن یره دفن ایلمک
 امر ایدرلردی (دیگر) هر حالده نیامنی یعنی صاغ الیه ایشلمکی و ایداصاغله باشلامنی سوب طهارتدن
 غیری نسبه بی سوبله ایتزلردی (دیگر) وهرایشی ممکن اولدیقه تک ایتکه مائل اولوب (ان الله وترحب
 الوتر) یورلردی (دیگر) کجه نصف الیلدک او یوبوب بعده صباحه دله انواع عبادات ایدرلردی
 کوزلی او یوبورکن قبلری ایوانی اولدیقی یوقاروده کجه شدراویومغه یاندیقه صاغ یانبه یاقوب صاغ الی یکانی
 التنه قویوب کاه بعض سوره راوقیوب کاه (اللهم فنی عذابک یوم تبعث عبادک) دیرلردی (دیگر) تفاله
 مائل اولوب تطیری کره کوروب بر خیر مسرت اثر ایشند کده (الحمد لله الذی بنعمته تم الصالحات) دیوبوب
 خبر غم و مسائت ایشند کده کاه (الحمد لله علی کل حال) کاه (یا حی یا قیوم برکتک استغیث) دیرلردی (دیگر)
 اکثر یا غمناک اولدیقه مبارک صغالرن کاه الیه آوب یاقوب کاه صغایوب فکره وارلردی (دیگر)
 غمناک اولدیقه همان نمازه باشلا یوب اولدت و صفایله دفع غم بلکه کسب فرح ایدرلردی (دیگر)
 هیچ برکسته نک حقه آخر کسته نک سوزنی قبول ایتزلردی (دیگر) بحالین علیه لرنده بی فائده شرعیه
 کلمات دنیویه بالکابه سوبلنلردی (دیگر) سوغا قورده یورکن کندورایچون بول اچاغه قومزلردی
 (دیگر) بولده یورورکن اصلا آردلرینه باقیوب قرضارداری دوشسه یا راغاجه ایلنسه یا نلرنده اولنلر
 قالدورلردی و الحاصل آداب و عادات شریفه و احوال و اخلاق لطیفه لری تفصیلنده یعدولایعد کابلر تالیف
 اولنلر کده انزه نظر ایتیمکجه و قوف کای میسر ایلز صلی الله علیه و سلم و علی آله و اصحابه و اجدلنا
 متخلقی بآداب (فصل در عبادات رسول علیه السلام) عادات مورثه السعاده انلرنک افضل و اکثری
 عبادات ایدیکه افراد و اقواما یعد و غایت اولغین علم سیده اولان نیجه کلاب عالی اجمالی بودرک اولان انبیا
 و مرسلیندن هیچ بری اجناس ناسه مبعوث اولماقین خصوصاً توحید خدادن غیری جمیع شرایع مرور
 زمانه و غلبه اصناف کفار ذوی الطغیانله بالکابه معدوم و نامعلوم اولغین اقوال کثیره نک اصحی اوزره
 رسول علیه السلام قبل النبوه شرایع انبیادن هیچ بر یسبله عامل اولیوب لکن زمان ابراهیم و اسماعیل
 علیهما السلامدن برو عادت قدغه اوزره احیاناً و غیره و داغاطواف کعبه ایدوب بونلردن ماعدا مظهر حاللری
 افضل جمیع عبادات اولان (ع) ذکر و فکر و وجد و شکر ایدیکه جناب حقه کاه لسانا و قلبا کاه الیکز قلبا ذکر
 و مناجات و زبان و مروجنان ایلعرض حاجات ایدوب حضرت رب العزتک دائماً آثار قدرتمه نظر و اسرار
 ربوبیت و الوهیتنه فکر و مورت ابر ایدرلردی ماه رمضان کورند کجه ریاضتله کفایت اید جک قدر برآیات
 یجک کونوروب کعبه به بر میل بردن ناظر اولوب بعد زمان نبوتلری خبری آنده کلدیکی سراطا غنه تنها و اربوب
 انده بیرامه دله ایل و تم سارخلوت بکروب بده شهره کاپو ابتدا کعبه بی طواف ایدوب سعادتخانه لرنه
 کورلردی ثانیاً بعد النبوه اولان انواع عبادتلی غایتده فراوان و خارج دایره بیان اولغین بجز بی پایاندن
 برقطره شمس تاباندن بر ذره بودرک مرنور علی نور ظهور بواق ایچون اکثر زمانده هر وقت نماز ایچون
 بشقه ایدست آوب کشیک یاتده قیودخی اولسه هر فتنه ده اسراف جائز کادر دیوب صوبی آزد و کوب
 بعض غمورلن همان اوج کوره یوب (ان لا وضوء شیطانا یقال له الواهمان فاتقوا و اسوا من الماء)
 دنیو یورلردی ادعیه و آداب وضوء کتب فقه و غیره تفصیل اولنلدر اکنسب ثواب بحسب ایچون
 ابره لرن البته کندور اولدوروب صدقه لرن دخی مستحقله کندور بالذات و برورلایدی (دیگر) او یخودن
 او یاند قدغه و ابد مت الدقه و طشره چقه قدغه و نمازه یا نلاد قدغه و ایچور کسیر کده و نیجه احوالده سوال
 طو توب و مرق و حضرده لیل و نم سارده مسواله استعمالنی ترک ایچوب تقع و ثوابی حقه نیجه حدیث
 شریف یورلردی (دیگر) جمیع عبادت لرن زیاده سودکاری صلو اولغین اکثر یا نمازلرن اوزادوب
 هر برکتمده بر قاج جز قرآن اوقیوب حتی اخشام نمازی فرضنده احیاناً نمازلرن اوزادوب سوره انعام
 و اعراف بالتمام برکتمده اوقورلردی (دیگر) تهجد ایل اشراق نمازلی بالکز کندورله مخصوصه
 فرض اولغین هر کجه نصف الیلده تهجده قاقوب عدد کما فی تفسیردن تطویل صلو افضلدر دیو کجه

نافله سنی و ترله اون اوج رکعتدن زیاده قیلوب لکن قیام و رکوع و سجودله هر برنده غایت جوقا کتوب
 طوروب قیامده غایت اوزون سوره راوقیوب کجه و کوندز نمازده ایاق اوزره خصوصاً اکثر کجه لرنده
 همان برایاغ اوزره جوق طوروقدن مرنور زمانله مبارک ایاقلری شیشوب بعض صحابه یا رسول الله ایدوب
 ایدم جکک صوچلری یکی الله تعالی باغسلامشدر نیچون کندیکزه زحمت و برسرزدید کزنده (افلا کون عبدا
 شکورا) یعنی ایتدیسنه شکر ایدییی قول اولیایم ی دیوب فراغت ایچوب عاقبت (طه ما انزلنا علیک
 القرآن لتشیق) یعنی بر سکا قرآنی زحمت حکمک ایچون کوندردمک دیو ایتله جبرائیل علیه السلام کلدکده
 تهجد نمازنده چاق اولکی قدر جوق طوروقنی تحقیف و تعلیل ایدیلر (دیگر) کندورله قرض اولان صلو
 ضعیفی هر قوشلق زمانده کاه ایکی کاه درت کاه سکر کاه اون ایکی رکعت قیلورلردی سائر منلری و نافله نمازلی
 احوالی کتب حدیث و فقه و سیره تفصیل اولنلدر (دیگر) ماه رجب و شعبان و رمضان
 و عشر ذی الحجه و عاشوراده خصوصاً رمضانده عباداته سبی و مهمتلی سائر نمازلردن زیاده اولوردی
 (دیگر) مرنور کهره رمضان اولدوده جله اسیرلری آزاد ایدوب فقرایه تصدقلری زیاده اولوب خوف
 و تعظیم حضرت حقدن مبارک بوزلرنک رنکی متغیر اولوب عشر آخر رمضانده برروایتده جله رمضانده
 ییللرینه قوشاق قوشانوب بیرامه دله اصلا دوشک یا تمیوب صلو و مناجاته عادت لرندن زیاده چالشوب
 هر کجه صباحه دله او یوبوب اعتکافلری احوالی کتب سیده تفصیل اولنوب (من صلی العشاء الاخیره
 فی جماعه فی رمضان فقد ادرك ليله القدر) یورملدر (دیگر) نافله او رجاری حالی بوایدیکه کاه بعض
 آیک نیجه کونلرین متصل ادرج طو توب بعض آیلر نیجه کونلرین طو توب اسکن عاشور و صومنی هیچ بریل
 ترک ایچوب ماه رجب و شعباندن هر برینک کاه جله سنی کاه بعضی طو توب عشر ذی الحجه نک طقوزنی دخی
 طو توب سائر آیلرده کتب حدیث و سیره او هر بره قولنجه هر هفته ده اشین و خیس کونلرین اکثر یا طو توب
 خانقاری ام سلمه قولنجه هر آیک اولکی هفته سندن اشین و خیس ایکنی هفته سندن همان اثینی برروایتده
 ایکنی هفته دن همان خیس حضرت عائشه قولنجه برآیدن سبت و احدی ایکنی آیدن ثلثا و ربع و خیس
 طو توب ام سلمه دن برروایتده دخی مخالفت یهود و نصاری ایچون اکثر یا آمده کی صیاملری سبت و احد اولوب
 ابن عباس قولنجه هر آیک اون اوچنی اون دردننی اون یشتی کونلری اولان ایام بیض صومنی سفر و حضرده
 ترک ایچوب حضرت حفصه قولنجه عاشورا و عشر ذی الحجه و ایام بیض صوملرینی سفر و حضرده ترک
 ایچوب حضرت عائشه دن برروایتده دخی هر آیک مطلقاً قنی کونلری اولورسه اولون اوج کون ادرج
 طو توبی ترک ایچوب اصحاب سنک ابن مسعوددن روایتلنجه هر آیک غره سندن اوج کوننی طو توب
 اشیو قول اخیری حسن بصری ایله علادین بر جماعت اختیار ایتلدر مرنور سطور اولان عبد برقصو ایدر
 نافله صوملری خصوصاً عادت شریفه لری مطرده اولوب ذکر و اذان روایات بعض اوقات حسبله واقع
 اولان حالات اولق ظن اولنوروزرا کتب سیده مرنور کده احیاناً بعد صلو الصبح سعادتخانه لرنه کروب
 فوبی اولان خانقارینه (هل عندکم من طعام) دیو صو و رو قدر برلره (الی صائم) دیو یورلردی و احیاناً
 بر قاج کون و کجه علی التوالی قصدا اکل و شرب ایچوب یجدر ثواب صوم وصال ایدوب بعض صحابه بونلره
 تقلید اید کارنده (الی لست کهینکم الی بطعمنی ربی و یسقینی) دیرلایدی یعنی الله تعالی بنم قارتی قدرندن
 طوق اید مرنور حاله مالت دکلسر تفسکره جبرائیمکز (دیگر) بحالی احوالی ایه یوقاروده مناسبتله
 و فانلردن مقدمه یا نلندر (دیگر) زکوة خصوصی ایه مواهب لدنییه ده زکوة و رملک انبیایه واجب
 دکادی زرا انلر جله ماللرن الله یولنه بذل ایچون قوملردی خصوصاً زکوة طهارنه دیرلرنلر کندورلی
 و ماللری طیب و طاهر ایدکی ظاهر اولغین تطهیر حاجت یوق ایدوکی مقرر در زکاتک فرضینی اثبات ایدن
 (خدمن اموالهم صدقه تطهرهم و زکیم بها) آیتی بو معنایه ایما ایدر انکچون انبیایه و اولاد و نسللرینه
 زکاة الملق حرام اولندر انبیایه صدقه الملق دخی جائز اولوب لکن هدیه الملق جائز ایدی دیومز کوردر (دیگر)
 فقر و ارباب استحقاقه صدق و انفاقلری ایه قابل تمیز اولوب و عشر عشرینی بلکه یکده یعنی یک دیر روز
 حشره دله تحزیر ایدم مرنور زرافتح اولان مالک اسلامیه دن احیاناً مالو ال عظیمه کلوب جله سنی تسیم ایدوب

ایرته به قوسوب اظهار عدل و فضل اله بذر ایدوب حتی غزوه خنیده نیجه کسسه لره وافر مالرباغشلاوب
 مؤلفه اولوب برسی قبيله منه واروب سجده ایشلردی و صور دقلزنده ان محمدایه طی عطاء من لا یحیی الفاقه
 یعنی مدت عریده یو خسلقندن قورقیانلر کی عطا و خایلدیوب بر کره سعادتله مؤذنلری وضابط اموال بیت
 المال اولان بلال حبشی به (انق بلال ولا تخش من ذی العرش افلا لا) دیو یورمشلردی * مریدرکه وفات
 ایتد کزنده برانجه و برالتورنلری و برقول و بر جاریه لری و به سایدی و اسبابلری اولیوب سفرد کید کلری دمور
 چیه لری او نور کیده ارب به سایی ایچون بر به دیده رهن ایدی بو قدر مختا و ترلدی اما قدر بشر دکل ایدی
 مقرر در صلی الله علیه و سلم و شرف قدر و عظم (دیگر) دایما و احیاناً او قدر قاری انواع ادعیه شریفه خصوصه
 حصن حصین و حلیه الارار و نیجه کتاب منتخب و مختار تألیف اولمشدرانلره نظرا تمیزله اطلاع میسر اولم
 یوباید کمال اجمال بودرکه قه و دو قیامده یقظه و منامده کثرت و خلوتده سکون و حرکتده و جمیع حالتده انواع
 ادعیه الطافات اوعیه اویوب علی الانصال بر حالدن بر حاله انتقالده حضرت رب العباد یادی و نام واجب
 الاحتراسیله قاتی شادایمکه غایت معناد ایدیلر اکثر دعاری (ربنا آتانی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا
 عذاب النار) آتی اولوب و هر چه پس آخرنده (سبحانک اللهم ربی و بحمدک لا اله الا انت استغفرک و اتوب الیک)
 دیک عادتلی اولوب (لا یقولن احد یقوم من مجلسه الا غفرله ما کان من ذلك المجلس) دیو یورمشلردی
 (دیگر) استغفار لری خصه و صنده مریدرکه جمیع کاهلرک کاهلر و صفتلرندن بالکلیه معصوم ایکن هر کون
 یوز کره استغفار ایدوب صحیح بخاریده سید الاستغفار (ان یقول اللهم انت ربی لا اله الا انت خلقتنی و انا عبدک
 و انا علی عهدک و وعدک ما استطعت اعوذ بک من شر ما صنعت ابوء لك بنعمتك علی و ابوء بذنی فاغفر لی
 فانه لا یغفر الذنوب الا انت من قالها من الثمار موقنا یا قات من یومعه قبل ان یمیی فم من اهل الجنة و من
 قالها من اللیل موقنا یا قات قبل ان یصبح فم من اهل الجنة) دیو بر حدیث شریف مریدر (دیگر) تلاوت
 قرآن یلری خصه و صنده مواهب لدنیه ده مریدرکه مبارک آواز لری غایتده لذت و مؤثر ایدی قرائتلی
 مدله اولوب اسم الهی یسقه الرحمن الرحیمی یسقه مدایدوب و دخی قطعله اولوب (الحمد لله رب العالمین) دیوب
 طوروب (الرحمن الرحیم) دیوب طوروب و دخی ترتیلله یعنی نه قتی سرعتله و نه قتی بطوایله اولوب آیت آیت قطع
 و وقت ایدر لری حرف مد کد کده مدایدوب قرائتله اولوب مر غوب ایلد تغنی ایدوب یعنی بالحن و لا تکلف
 و لا تفرح حرف مجرد مقتضای طبع اوزره زحمتلر حسن صوتله اوقیوب احیاناً صوت شریفلرین ترجیع ایدوب
 (زینوا القره آن باصواتکم) دیوب و دخی (لیس منا من لم یغن بالقره آن) دیوب و دخی (الکل شی حلیه
 و حلیه القره آن حسن الصوت) دیشلردی بحرر سطور اولان عید پر صور ایدر اگر چه کوردیکم کتب سیرده
 حضرت رسولک خارج صلوتده بطریق المداومه از بردن تلاوت قرآن ایتد کزنده روایت بولدم لکن درج الذور
 فی میلاد سید البشر آدلو فارسی کابده هر کون قرآنندن مقدار معین تلاوت ایدوب اصلا آتی ترک ایتیبوب
 اما شهر رمضانده زیاده ایدر لری دیومذ کوردی (تنبيه) معلوم اوله که سید البریا علیه افضل التحایا فی القدا یا
 و العشا یا حضرت لری نیک نضائل و مزایای سمائل و سجایای امداد نامه و خامه و مداد اله قابل بحر پروتعداد
 اولما معین لاجل الاختصار ذکر اولسان مقداره اقتصار اولندی و القلیل بدل علی اکثر و القطره تدل علی
 القدر (نظم) چه کوریم در اخلاق الطاف او * که شد عقل عاجز در اوصاف او * طفیل وجودش زمین
 و زمان منور زربش مکن و مکان (محرره) شفیع عصافه و ملاذ نام * علیه الصلوة علیه السلام

(باب سابع عشر در حلیه رسول علیه السلام)

قاموسده حلیه نیک معنای کسر حالیه خلقت و صورت و صفت دیکدر دیومذ کوردی اولامبارک باشلری
 اعتدال اوزره یولک اولوب همان سج زمانده بتون تراش ایتدروب سائر زمانده صاحب لری اوزادوب
 کاه و اولق لری و کاه اموز لری برابری اولوب اولانده صالیو یروب بعد زمان بلوک بلوک اولور دیوب فتح مکده
 ایکن یانلرینه فارسیجه کبسودید کاری ایکیشر اورمش صاحب صارقش ایدی باشلری صاحبی کون آشری
 طراوب باغ سور لری (دیگر) مبارک جمیع مینلری یعنی النلری صفه بلور کی واسع و لامع و بر نور
 ایدی شکیم مدح شریفنده بعضلر دیشلردی (نظم) خوب و یار اجمال دلرباست * لیک کس و انیست

آنی کان تراست * هست نوری در جبین تو منیر * صکان یصد پرده نمیکرد دست * نور از عرش و نه
 از کرسی بود * نور تو از مطلع قدمی بود * دید جان نوری یابد ز تو * نور حقست آنکی یابد ز تو (دیگر)
 مبارک قاشلری اینجه و مقوس و قیللری صیق و سیاه اولوب قول اصح اوزره جانق اولوب اورنا سنده کی
 طهر غضب لری زمانده حرکتله کلوب کورینوردی (دیگر) مبارک کوز لری ایری و سیاه کر بکلری
 دخی اوزون و سیاه ایدی (دیگر) قوت بصر و نظر لری حدنم ساینده اولوب کجه قرا کواخنده کوند زکی
 کوروب حتی کوکده تریا بلدر لری ایچنده اون ایکی یا اون بر کوچک بلدر لری اولدیفنی کوروب انلردن قیری
 بر کسسه آتی کور و عسدر لاجل التواضع اکثر یار باقوب اکثر نظر لری آثار قدرت پرورد کاردده ملاحظه
 و افکار ایدی اصلا کوز قو و روغیل باقیوب و کسبه کوز قیوب و باقی استدارنده تمام باقر لری و کوز لری
 نیجه کور لری اوقه لریه دخی اوله کور لری یو خصوص معجزات عظیمه دندر (دیگر) قوت سماع لری دخی
 نمایتده اولوب احیاناً چاق کولک یوزینک آوازی ایشیدر لری (دیگر) مبارک یورونلری حکمه
 و اعتداله اوزون و نیجه و موزون و حسنی حددن افزون اولوب اورنه می بر مقدار کور لوجه ایدی (دیگر)
 مبارک خدی حسنده حدی کوب نه یومری و نه یوقه تمام معتدل و خوب و بر اطافت و محبوب ایدی
 (دیگر) مبارک دود اقلری هر وجهله اعتدال و حسن بر کمال اوزره اولوب آلت دود اقلری اوزره بر حال
 و ارایدی (دیگر) مبارک فم بر حکم لری کمال اعتداله واسع و نور و موفوری باهر و لامع ایدی (دیگر) مبارک
 دیشلری اعتدال ایلد ایری و سیرک و آق و براق اولوب سو یلدیجه اغزلندن نورظهور ایدر لری (دیگر) اغزلری
 یازنده هر درده دو اوشما و کمال حلاوت و صفات اولوب آنک خصایصی یوقار و ده معجزات اعضا شریفه لرنده
 یکمشدر نظر اولنه (دیگر) مبارک لسان حکمت بیانلری کمال فصاحت و غایت لذت و حلاوت ایلد
 سو یلیوب ایشیدن تمام فم و حفظ ایتک ایچون اعتدال اوزره قاتی ایلد و کاهی او بر کره سو یلیوب لسانی
 افصح بیانی اوشع و افغن مفید و مختصر و بر حکم و بر عبر و اوز اوز مؤثر و بر سوز و بر لری فصاحتلی
 اوصاف باب خصایصده یکمشدر نظر اولنه (دیگر) مبارک صد لری معتدل و لطافت ایلد جالب دل و سالب غل
 ایدی (دیگر) مبارک آواز لری تکلف و زحمتلر لطیف و خوب و قرات قرآن ایتد کزنده غایت لذت
 و جاذب القلوب و لغین ایشیدن کمال تاثیر ایدوب نیجه هر کس کافر لری قبللری ایمانده بر اولمشدی (دیگر)
 نداری دخی بلند اولوب سائر کسسه لرنده نامی ایشیدیکر بر آتک ایشیدوردی (دیگر) ضحک و خنده لری
 تبسم مرتبه سنده اولوب غایتده محکم کولد کده مبارک دیشلری کوریلد جک قدردن زیاده اولیوب اصلا
 نه هقه ایتمک واقع اولما مشدی کولدیکه اغزلندن دیشلرندن نور جیقوب دیوار لره بر تو والوردی (دیگر)
 یکلری دخی صوتله اولیوب همان یاشین یاشین اغلیوب قرآن اوقودنده یا نمازده اغلا دیکه مبارک سینه لرندن
 قرآن قینار کی صد ارایشید یلوردی میده مرحمت و امتلرینه شفقت و حضرت حدقن خشیف و قرآنی قرات
 و احیای ایمانی مستلزم الرقه زمانلرنده اغلامق کند و رده عادت ایدی (دیگر) مدت عمر لرنده امتنک و احتلام
 اولان واقع اولیوب سائر انبیادخی بویه ایدیلر (دیگر) لون بشره میشره لری لطیف و ملیح و حیرتله مخلوط بیاض
 صحیح ایدی سائر بدن حسنلری لونی خود سوددن و قاردن آق و لامع و براق ایدی (دیگر) مبارک روی
 بشاشت خوی لری اعتدال ایلد مدور غایت حسندار و منور اولوب جمال فرخنده قال عدم المنالرینه
 هر نظر ایدن اهل نظر بالضروره عظیم محبت ایتک مقرر اولوب عاشق صادق و محب محق اولمغین یانلرندن جدا
 اولمغه جدار ضایع ایدی شکیم خاتونلری عانسه صدیق بونلری مدح ایدوب دیشلردی (نظم) ولوسعوا
 فی مصر اوصاف خده * لما یذ لوانی سوق یوسف من تقد * لوانی زلیخا لور این جینه * لا ترون بالقطع القلوب علی
 الایدی (نثر) مریدرکه اجنبی کسسه لر کلوب حضرت رسولی ابتدا کورد کده دخی اقوال و افعال
 و احوال لرنه واقف اولمغین مجرد بر نظر ایلد حق یقه بر اید و کن مقرر یلوردی شکیم شاعر لری عبدالله بن
 رواحه دیشلردی (نظم) لولم تکن فیہ آیات مبینة * کانت بداهته تبیک بانحیر * مریدرکه فیه از مرقه انانندن
 افصح اولد لری کبی جمیع خوبان جهانندن دخی احسن و امح ایدیلر حضرت ابوهریره (ما رأیت شیئا احسن
 من رسول الله صلی الله علیه و سلم کان الشمس تجری فی وجهه) دیوب بعض علما تمام حسن و جمال رسولی

حق تعالی بزه اظهار غدی زیرا بالتمام ظاهر اولادیدی مبارک یوزلرینه کوزلر قیاملردی بلکه باقدفده دنیاده
 بقابلردی دیوب مریدر که زمان فرح و سرورده وجه پر نورلری آینه مثال اولوب یانلرنده اولان دیوارلر
 عکسی انده عیان و نمایان اولوردی کیجه قرا کولفنده طشره دن ایچر و کیرنلر یوزلری نورلرن او ایچنده
 یره دوشش اکنه فی کوزلر لایدی مدح و جمن رسوله قصیده برده دیشدر (نظم) فهو الذی تم معناه
 و صورتی * تم اصطفا جیبیا باری النعم * منزله عن شریک فی محاسنه * بخوهر الحسن فیه غیر منقسم * بعض
 عارفلر دخی دیشدر (نظم) دران روزی که خویان آفریدند * ترابر جله سلطان آفریدند * چو بوستان چنان
 ترین کردند * بدر بایت رضوان آفریدند * ملاحت بر تو یکسر ختم کردند * پس آنکه ماه کنعان آفریدند *
 تراداند توفیق سعادت * وزان پس نوع انسان آفریدند * ز کردگوی نو کردی ببردند * وزان کردون
 کردان آفریدند * سواری چون نودر میدان خوبی * نیامد تا که میدان آفریدند (دیگر) مبارک
 مقالری نه قوررجی نه سرت نه یومشاق صیق و سیاه و کوربعی جوق اولوب اکثر زمانده طرا یوب برقبضه دن
 زیاده سنی مقراضه قیرقوب و یقارین و باشلری صاحبک اوچلرین دخی قیرقرلری شرعة الاسلامده
 یازلدی اوزره هر خدس و جمعه کونلرنده مقاللری طولا و عرضا پرداخت ایدوب شرح السنه ده یازلدی
 اوزره یقارین و طرناقلرین جمعه نمازندن مقدسجه قیرقوب کسوب کتب سیرده مریدر که حجر شریفه لرندن
 طشره جقمق استبد که آینه به باقوب مقاللرین و باشلری صاحبک دایم ددن طشره چقان اوچلرین
 طرا یوب آینه حاضر بولنده قدده افر صوبانده ابله صوبه باقوب اللریله دوزلر دوزلر بویخصوصک میبندن
 صوبلر قدده (ان الله یحب من عبده اذا خرج لاخوانه ان یتهاجم) دیو یوردر دیرالتش اوچیل یل یسایوب آخر
 عمر لرنده باشلرنده و مقاللرنده جله انجق یکرری مقداری آق قیل اولوب انک دخی کیمی باشلرینک اوکنده کیمی
 مقال باشلرنده کیمی چکه ایل دوداق اراسنده ایدی مقاللرین سیاهدن غیری بعض مناسب سنه لرایله
 بویامق واقع اولوب اکثر زمانده نرک ایدر لردی سیاهله بویامق واقع اولوب اندن هی ایدر لردی
 (دیگر) مبارک کردلری اوزون و موزون و کومش ابرقندن حسی افزون ایدی (دیگر) مبارک
 اللری اعتدال ایل ییوجک و مطم و اوچلری ایچی و امع و بار مقملری ابرججه و قلم مثال اولوب اللری سر بردن این
 و رایججه سی مسک و عنبردن احسن ایدی (دیگر) مبارک ساعدلری یعنی بلکلری اوزون و قوللری
 و یازلری طوق واری و کورکاری ایری و لجه معتدل ایدی (دیگر) مبارک قوللری و اوموزلری
 و سنه لرینک یوقاروسنی قیللرایدی (دیگر) مبارک قوللری حکمت جقه قیلدن خالی آق و مسک
 رایججه لرایدی (دیگر) مبارک سینه رحمت دینه حکمت خزینه لری فضای عرش اعلا کیمی واسع و لامع
 و پر نور و ضیا اولوب یوقاروسنده قیللر اولوب سائلری خصوصاً مملری بری و فاندلری قیلدن خالی اولوب
 سینه لرندن کوبکلرینه دل قیلدن همان برانجه جک خط اولاشق ایدی (دیگر) مخزن اسرار الهی
 و معدن انوار نامتناهی اولان قلب صفا جلب ماسوی سلبلری ایسه مقدما ذکر اولندی اوزره جبرائیل
 علیه السلام اوچ کره شرح و شق ایدوب ایچندن نصیب شیطان اولان او یوشق برقطره قانی چقاروب ایچنی
 آب کورایله یویوب انوار الهیه ایل طولدومغین ایمان و اذعان و عرفان و یقین و معارف ظاهره و باطنه
 و کالات باهره و کاسمه و علوم لدیه و اسرار عظیمه الهیه ایل علما و لدیغیچون اوصاف قابل بیان دکانر حالت
 نوبده کوزلری او یویوب قلبلری انتظار و حیاله عزعلاه ایل متیقظ و آگاه ایدی * و الحاصل مدت عمر لرنده
 جمیع امر لرنده هر لحظه و هر آن قلبلری یاد کرله یا فکرله متوجه جناب رحمان اولوب متصل معامله مع
 الالهده ایدوکی مفرور و دمادم تجلیات الهیه به مظهر ایدی (دیگر) مبارک کتفلری یعنی یاغرنلری
 بصی اولوب ایکی کورکری ادرته سنده صولنه متصل چاق یورکاری مقابله سنده مهر نبوت و ارایدیکه
 قول اصح اوزره کورجین یرطه سی قدر خوب رایججه و نورانی قزل رنک کوسیکل شکنده اتدن یومری بلک
 اولوب اطرافنده قیلغزل اولوب لکن اوستنده خط و ارایدیکی قول صحیح دکانر دیشلر بعضلر مهرله نیسه
 طوغد بلر دیوب بعضلر طوغد لرنده بر ملاک آق خیره صابلمش بر مهر کتوروب آق باصقده ظاهر و یاریدی
 دیوب نرل ظاهر اوزره اوچ یاشنده ابتدای شق صدر لری عقینده واقع اولندر تکیم یوروقاده یکمشد

صحت موتلرینه علامت اولق ایچون وفات ایدکاری ساعت مهر نبوت نشانی ارقه لرندن کندی دیشلر
 (دیگر) مبارک ارقه لرنده بر خاصیت و ارایدیکه اوکلرندن کوردکاری کبی ادرلندن دخی کورورلردی غالباً
 (الام اجماعی نوراً) دیودعالی تکین نور محض اولدیفیچون در برانورل یوزلری ایدی اولوب هر طرفی برابرجه
 ضیا اولور (دیگر) مبارک قارنلری یومری اولوب سینه لری ایل برابر ایدی (دیگر) مبارک بدن حسلری
 نچ و کافور و سیم و نور مشال و لحم و شحم لری با اعتدال و لحم بدنلری کرد و محکم لکن جلد لملری حر بردن
 دخی نرم و یومشق ایدی (دیگر) جسم پر نور یا کلری اکثر یاغرنلر اولوب درلری اولان درلری مسکدن
 دخی لطیف و قوی بعض کسسه لر تطیب ایچون جمیع ایدوب اولور لردی * مریدر که شهرده و یولده هر نه یردن
 یکوب کسسه لر رایججه قایجه طیبه لرندن بللو اولوب یلنوردی تکیم یومشاده شاعر دیشدر که (نظم)
 ولوان ربکا یمه و لکساد هم * نسجک حتی یستدل به الرکب (دیگر) قوت و شجاعتلری خود حددن زیاده
 اولوب مشهور و دیار عرب اولان کشتی کیرلرایله کولاش طوتدقلری باب اخلاق و عاداتده یکمشد (دیگر)
 مبارک قد و قامت باسلامت لری غایبه لطیف و موزون اولوب نه کوته قد نه دراز نه اورتیه بویلو بلکه بر مقدار
 اوزون ایدیلر مع هذا با حکمت خدا حددن زیاده و اشری اوزون بویلو کسسه یانلرینه کاسه البته رسول
 صلی الله علیه وسلم آدن یوکسک و اوزون کور نبوب اول کسسه کوتاه کور نبوردی بوحال ایسه مهجزه
 عظیمه دیو یوزیک که تجربه اولمشد در مریدر که جسم شریفی ظاهر او باطناً نور محض اولمغین آق و کونش
 ضیا لرنده اصلا کولکلری یره دوشدری (دیگر) مبارک فاصقلرینه هر آید بر کره قول اصح اوزره
 نوره سوروب تراش ایدر لردی جماع خصوصاً خود کمال قوتده اولوب حدیث شریفه و موعظه
 او بایده قرق کسسه قوتی و یرلمش ایدیلر بر کیجه طه و زخا و نلرین دورا یقین واقع اولددر (دیگر) مبارک ساقلری
 یعنی بالدرلری اعتدال ایل ایچنه ایدی (دیگر) مبارک اللری کبی مبارک ایاقلری دخی ایری اولوب لکن
 نه اوزون نه قصه اولوب اوکجه لرینک اتی آز ایدی (فانده) کتب سیرده قائلری و سیدکاری و غافلری قول
 صحیح و ظاهر اوزره طاهر اولوب هر یرینک رایججه سی مسک و عنبردن خوریترا اولوب شرب دم و بوللری صحیح
 اولان قول اوزره بعض امراضه شفا حتی سبب دخول جنه الماوی ایدی دیو تصریح و ایمان یتشاردر (فانده)
 و الحاصل معلوم اوله که هر بر عضو شریفی کمال لطافت و اعتدال اوزره براد بلوب جمیع اعضا سعادت
 اقتضای ذره دکانر عیددن بالکلیه میرا ایدی تکیم شاعر لری حسان بن ثابت کندوره خطابا دیشدر
 (نظم) واحسن منك لم تر قط عینی * واحسن منك لم تلد النساء * خلقت منک من کل عیب *
 کانک قد خلقت کانتشاء (نثر) مواهب لدیه ده حضرت رسوله علیه السلام ایمانک تمام دندر که الله تبارک
 و تعالی آنلرک جمیع اعضا بدن شریفلرین بر وجهله یرا عشددر که آنلر دن اول و صکره بر کسسه اووجهله
 براد بلوب و برادیلر دخی دکانر دیو ایمان کتوربلر دیومذ کور اولوب شعر آجهمک سلطان سرافرازی شیخ
 سعدی شیرازی دیشدر که (نظم) ماه فروماند از جمال محمد * سرور وید باعتدال محمد * شمس و قمر
 کمال و منزلتی نیست * در نظر قدر با کمال محمد * این همه پیرایه بسته جنت فردوس * تا که قبواش
 کند بلال محمد * آدم و نوح و ذلیل و موسی و عیسی * آمده بمجوع در ظلال محمد * شمس و قمر در زمین
 حشر تابد * ماه نباشد مکر جمال محمد * سعدی اگر عاشق کنی و جوانی * عشق محمد بس است و آل محمد *
 (لحرره) جانلر فدا ابائی نوزینه محمد * الله ایدر ملوه اوزرینه محمد * انس و ملکدن افضل اولوردر
 چو ذات حق * بی کیف و کم کورندی کوزینه محمد * عرش عظیم روی محمد دن الدی نور * مهر لیه قول
 اولدی یوزینه محمد * قدسبات و آب حیات او بکو نجه * طنود لیل طنوسوزینه محمد * اصلاح
 ایدوب الهی بو عاصی محمدی * لطفکله سالک ایلرینه محمد

(باب نامن عشر در اموال رسول علیه السلام)

اموال دنیای کشفه حقیقه محض جیفه اولمغین حضرت خالق کاف و نون عباد عباد ساداتم بادشاد
 اعتیاد لرین غنای مورث العنا لازم الفنادن مصون ایدیکی معلوم علما و محسوم عقلا در * پس رسول
 جلیل واجب التبعیل صلی الله علیه وسلم کل غداة واصل حضرتلرینک دخی جله مالک اولدقلری مال

فَسَاعَتْ اِبْدِي دِينُوبُ مَحْصُلُ كَلَامٍ هَرَجْهَتْ اَيْلَهُ وَسَعَتْهُ قُدْرَتُهُ حَتَّى هَيَّأَتْهُ اَيْكُنَ الرَّيْنَةَ كَبِيرَةً مَالِ الرَّيْنِ
دَمِيمَةً اَعْجَابُ اسْتِقْفَاقِهِ اِنْفَاقُ اَيْدُوبٍ وَمَعَاشُ نَفْسٍ وَعِيَالٍ وَخَدْمَتُكَارِ اِيْجُونِ تَرْجُلُ قَدْ اَخَارَا اِيْمُيُوبُ قَاتَ
اَوْرَزَهُ مَعِيشَتُهُ بِيْوَاحِرَ وَاعْرَاضَ دُنْيَايَ بِرَاغِرَاضِدُنْ كَالْاَعْرَاضِ لِرَيْنَةِ وَاولَ مَتَاعِ مُسْتَعَارِ كَثِيرِ الْمَضَارِي
اِبْشَاطِ لِرَيْنَةِ بِنَاءُ اَوَّلَقِهِ دَلَالَتُ اَيْدُرٍ بِرَمْعِي اَيْلَهُ اَيَا اَوَّلَتِي بِرُوحِهِ بَارِئُ مَهْمٍ وَلَا زَمْدَرُ عَلَى اَللّٰهِ عَلَيْهِ وَهَلُمْ
وَاجْعَلْنَا مِنْ خِرَاصِ اَمْتِهِ لَدِيْهِ

• (باب ناسع عشر در احوال اولاد رسول عليه السلام)

حضرت سید الانامک اولاد امجد کرامی خصوصاً منک امانی بود که درت کریمه لری اولاد بی متفق علیها و لکن
ارکک ان اوغلاری عددی مختلف فیه اولوب قول صحیح اوزره همان اوج عدد ایدیلرجه اولاد لرینک زمان
ولاد لری ترتیبجه تفصیل حالاری بود که ذکر اولور (فاسم) کتب سیده محمدرکه حضرت رسول اکمل
ولاد لری یواولقین عادت عرب اوزره ابو القاسم کتبیله مکنی و مشهور دنیا اولاد یار قبل النبوه مکده خدیجه
خاتون دن وجوده کلوب بعضی قولنجه یورومکه بعضی قولنجه آنه بکه قادر اولنجبه دن قول اصح اوزره
ونیدی ایه دلشیا یوب بعده وفات ایدی (زینب) بنات رسول اکمل بودر رسول علیه السلام او تو ز
یا شنده ایکن وجوده کلوب مکده قبل نبوه الرسول والده سی حضرت خدیجه نک مشیره زاده سی ابو العاص
ابن الربیععه نکاح اولنوب بعده النبوه زوجی ایمانه کلوب لکن تفریق دخی بحال اولوب بعده الهجره فزای
بدرده بعض کفارله اسیر اولدقه خاتونی مکدن کوندر منک شرطیله آزاد اولنوب وارد دقه کند و برادر یله
کوندر یوب یوله بعض کفار قریش محفه ایچنده حضرت زینبی حربه ایه قورقودوب دوه دن دوشد کده
حلی اولقین دشر یوب کافر لرحب ایه مکده کوندر یوب بعده رسول علیه السلام زینب حارثه بی کوندر مکن
بر کجیه خفیه دوه به بدر یوب قاچوب مدینه به کوردی غزوه حدیبیه دنصکره جه من یور ابو العاص شام
تجارت دن کاورکن مالنی مال اندر اولوب اودخی مدینه به کلد کده مالی و بر لکن مکده به ککیدوب اما تری
صاحب لرته تسلیم ایدوب ایمانه هجرت ایتمکین رسول علیه السلام کریمه لری نکاح سابق اوزره و یا جدید ایه
و بر دیلر مهر و بدر که ذکر اولنان وضع جلدن خسته اولقین هجرت نک سکنجی یا شنده او تو ز یا شنده وفات ایدی
علی آدلو براوغلو فالدیکه سن بلوغه ایرشوب مکده فتنی ککوتده حضرت رسول انی بد کلری دوه نک
اردنه المشردی امامه آدلو برغزی دخی فالدیکه حضرت رسول علیه السلام انی سوب نمازا ایچنده اموز لرینه
بندر یوب سجد ده یره قلوب فالقد قرندنه ینه اموز لرته الورلردی حضرت فاطمه وفاته دنصکره بر موجب
وصیت فاطمه حضرت علی انی نکاح حنوب محمد آدلو اوغلو طوغوب حضرت علی شهید اولدقه بر موجب
وصیت علی اقربا سندن مغیره بن نوفل بن الحارث بن عبدالمطلب نکاح حنوب یحیی آدلو اوغلو طوغوب
مغیره نک نکاحنده ایکن هجرت نک الیستده وفات ایدی * مهر و بدر که حضرت علی وفاته ده امامه بی
معاویه یوزیک التون مهر مجمل ایه نکاح خلق ایستد کده اول همتی عالیه نکاحه راضیه اولدی (رقیه)
قول اصح اوزره رسول علیه السلام او تو زواج یا شنده ایکن وجوده کلوب غایتده حسنا ایدی مکده عنبه
ابن ابی لهب نک مکده سی اولوب (تبتیدا ابی لهب) سوره سی نازل اولدقه عنبه خیانت دته کند و پدر
سفر مقری خاطر یچون دخی قبل الدخول یوشامغین وحی الهی اید حضرت عثمان نکاح اولنوب انکله ایکی
کره ولایت حبشه بعده مدینه به هجرت ایتمشدی غزوه بدرده خسته اولوب عثمان آنی بکله که فالوب اول
اننده وفات ایدوب عزیت کک نازخبری مدینه به کتورن کشته یونک دفته راس کای * مهر و بدر که
عثمان دن حبشه ایکن عبدالله آدلو اوغلو اولوب الی یا شنده ایکن مدینه به یاخود دخی همه امر کن خسته
اولوب وفات ایدی (ام کلثوم) مکده عنبه بن ابی لهب منکده سی ایکن یونی دخی قبل الدخول پدری
خاطر یچون یوشایوب حضرت رسوله جنائید کده (الله سلط علیه کلبا من کلابک) دیو بدد عاید کارنده
شام یولنده برارسلان انی باره باره ایلدی حضرت عثمان خاتونی حضرت رقیه وفات اید کین رسول
علیه السلام هجرت نک اوچتی ییلمنک جادی الاخره سنده امر حقه ام کلثومی عثمان نکاح ایدوب (والدی نفی
سده لوان عسدی مانه بنت عین واحدة بعد واحدة زوجتک آخری هذا خبر بل اخری ان الله یا امری

ان از وجبها) دیدیلر هجرت تک طو زنده وفات ایدوب غازی رسول علیه السلام قبول دین اولنور کن قبری
اوز زنده طور ووب مبارک کوزلندن یاش اقادردی (حضرة فاطمه) رسول علیه السلام قول اصح اوزره
او قوزش یاشنده ایکن وجوده کلوب هجرت تک اون برچی یلنده حضرت رسول وفاتیدن قول اصح اوزره الی
ای صکره ماه رمضانک او چینی کونی یسکر می طقور یاشنده وفات ایدوب اهل بیت رسولدن ابتدا یونکر
وفات ایدوب حضرت رسول حالت نزنده اکوبله بشارت ایتمندی * مواهب لدینه ده رسول علیه السلام
(انما سمیت فاطمة لان الله فطمها وذریتها علی النار) دیوب ودخی (لان الله فطمها ومحجبها عن النار) دیمشردر
یعنی الله تعالی انی وذریتلری وانک محبلمی جهنمدن آزاد ایتمدیکسون فاطمه دیوآد قودیلر زباعر بیجه فطم
کسمکه دیرلر زهرادیمکه ملقبه اولدیقی جمیل وحننا وروی فرخنده خوبی مانتد شمس ضعی لامع الاضوا
اولدیفیچوندر برلقی دخی بتول اولدیقی فضلا و دینا و حسبا و نسیبازمانه می خاقولندن منقطع و ممتاز
اولدیفیچوندر به ضرر دیادن منقطع اولدیفیچوندر دیمشردر حضرت فاطمه سادات خاتمه تک اوصاف صاف
شرف انصافی دائرة ییاندن بیرون و فضائی حنده وارد اولان اخبار و آثار حد و عددن افزوندر (نظم)
چو کفی باوینت خیر الانام * همه مدحها گفته شد و السلام (نثر) مر ویدرکه حضرت رسول احب اهل
اولمقن رسول علیه السلام یونک اغزی او یوب دینی اموب سفره کتدیکجه جله دن صکره آیروب کاد کارنده
ابتدا اکوبلشوردی * کتب حدیثده (فاطمه بضعة منی فن اغضها اغضبی) دیوبر حدیث ودخی
اکا خطبا (اوما ترضین ان تکونی سیدة النساء المؤمنین) دیوبر حدیث ودخی (اوما ترضین ان تکونی افضل
نساء اهل الجنة) دیوبر حدیث ودخی (ان فاطمة احصت فرجها فخرها الله وذریتها علی النار)
دیوبر حدیث شریف ذکر اولنوب * مر ویدرکه رسول علیه السلام وفاتلری حاتده فاطمه تک قولانغه
سیدة نساء اهل الجنة سن واهل بیتدن اول وفات ایدوب بکا اول بولوشان سنسن دیوبشارت ایتمشردر
* مواهب لدینه ده قول مختار اوزره افضل نسوان زمره انسان اولامیم صکره فاطمه صکره خدیجه صکره
عائشه دردیومذ کوردر عائشه صدیقه ایدر حضرت رسول جمیع افعال واحواله فاطمه دن زیاده بکر زکتمه
کوردمذ کادیکی زمانده رسول علیه السلام اکافارشو واروب او یوب کند ویرینه کچوروب رسول علیه السلام
اکا وارد قدده اودخی انله بویه ایدردی * مستدرک حاکمه حضرت علیدن مر ویدرکه (اذا کان یوم القیامة نادى
مئادمم ورا الحجاب یا اهل الجمع غصوا ابصارکم عن فاطمة بنت محمد حتی تمز) یعنی ای محشر خلقی کوزلر بکر
یومک فاطمه بنت محمد کچوب جنته کیدیکجه * کتب سیرده مذ کوردرکه قول اصح اوزره هجرت تک ایکنی
یلنده شهر رجیده حضرت علی یه نکاح اولنوب ذی الحجه ده جمع اولدیلر * مر ویدرکه ابوبکر و عمر حضرت
رسولدن فاطمه بی استدکارنده سکوت ایدوب یا خودو حی الهی به منتظر دم دیوب بعده حضرت علی استدکده
وله دیمکین حضرت علی بر دمورجبه سنی حضرت عثمان در تیورسکسان ایجه به صواب بهره جبه بی عثمان
یه اکا باغشلا یوب بهاسنی حضرت علی مهر مجلد دیو کتوردکده رسول علیه السلام ایچندن بر فطنه ایجه
الوب یا لال یونکله بزم ایچون طیب الیو بر دیوب ایجه لرک باقیسیله جهازندارکن امرای تمکین خرما بیرانی
ایندن اورلش برمر بر وایچی خرمالینی الیه طولمش بر یصدق الدیلر امام احمد بن حنبل حضرت علیدن
وساطله روایت ایتمشدرکه فاطمه تک جهازی برتمالی برقریه بر سختیاندن ایچی خرمالینی الیه طولمش
بر یصدق ایدی * کتاب الحیثیه . ایکی قشاش کومشدن ایکی ییله زک برتمالی بر یصدق بر اعلاج حشاش
برال دکمرتی برقر به ایکی دستی بر منجل یعنی افراق با خود مختل یعنی الک ایدی دیوب * معارج النبوه ده
یوکه طولمش قالن ککارتدن بدوشک سختیاندن بر مقعدینه سختیاندن بر یصدق بر عبا و بوکدن طوقش
بر برده و طیارقندن بر فاج دستلر ایدی دیوب * کتب سیرده محرودرکه رسول علیه السلام عقد نکاح
ایچون بعض اصحابی جمع ایدوب (الحمد لله المجد به عظمته المعبود بقدرته المطاع بسلطانه المهروب من عذابه
وسطوته النافذ امره فی سماه وارضه الذی خلق الخلق بقدرته و سیزم با حکامه واعزهم بدینه واکرمهم بنسبه
صلی الله علیه وسلم ان الله تبارک اسمه و تعالی عظمته جعل المصاهرة مبیلا لاحقا و امرأه فترضا او تنجیه
الارحام و الزنه الا انام فقال عزمن قائل وهو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وکان ذلک بقدره

ابن کلاب بن مره بن کعب بن لوی که من پور قصبی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در دخی زمان جاهلیت دیده لقبی
ظاهر و جمال و کمال ظاهره آید و کتب سیره اولاد آنکاجالی بود که مقدمه خدیجه حضرت رسولی مکده
قبل النبوه دیاوشامه تجارت طریقله میسر نام خدمت کارینه خوشوب کوندروب بعض آثار نبوتی
اشکار اولفین بی اختیار راغبه اولوب صاحب مال و جمال و عقل و کمال و شرف و نسب و عفت و ادب اولفین
قول اصح اوزره فرق باشند ثیب ایکن رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بکری بش باشند ایکن نکاح باعث
الارتیا حلیه مشرفه و مراتب عزتی مضاعفه اولدی مالدار اولفین جله مالی حضرت رسولی بذل و غایت
محبت و رعایتله کسب ثواب بحساب و فضل ایتمشدر جلال فضل و شمائل حدیث بیرون اولوب *
مرویدر که قول مختار اوزره افضل نسوان زمرة انسان اولامریم ایکنی فاطمه اوچنی خدیجه در دخی
عائشه در حضرت رسولان مخدوملری ابراهیم غیری جمیع اولاد لری خدیجه معادت نتیجه دن اولوب سائر
نیکو سر لردن اصلا اولاد کلمه مندی حضرت رسولی ابتدای نبوت لرنده قول اصح اوزره جمیع ناسدن مقدم
خدیجه تصدیق ایتمکین صدیقه دیو لقب قوندی مرویدر که اول ظهور نبوت رسولده جبرائیل علیه السلام
کابو یا محمد خدیجه به الله تعالی دن و بشدن سلام ایدوب جنتده آق انجودن بر کوشک ایل بشارت ایل دیوب
خدیجه دخی الله السلام و منه السلام و علی جبرائیل السلام دیوب جواب و بردی مرویدر که رسول علیه السلام
جغای فقام لنام ایل غمناک و پر آلام اولد جله خدیجه کبری رضی الله عنها امانت و لطف حق تذکری ایل
قاب شریف لری نه تقویت ایدردی * مرویدر که بر کون حضرت رسول علیه السلام خدیجه بی آکوب
خاتون لری عائشه (قدر زک الله خیرا منها) دیوب کنده ریحان اشعار ایتد که رسول علیه السلام (لا والله
ما رزقنی الله خیرا منها آمنت بی حین کذبی الناس و اعطانی مالها حین حرمتی الناس) دیمشدر * مرویدر که
اون بش یل نبوتدن اول اون یل نبوتدن نکره خاتون لری اولوب هجرتدن اوج یل اول مکده ماه رمضانده
التش بش باشند ایکن وفات ایدوب حضرت رسول علیه السلام کند و عمیلری ابوطالب و فاطمه دن همان
اوج یل کون مکره اولفین اول سنه به عام الحزن دیو آدود بیره مرویدر که خدیجه نک اول کی زوجندن
قلان اولادندن هند اولو اوغلی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سی اولوب حضرت علی ایل حضرت عائشه محرابه سنده
تهید اولوب یا خود بصره ده طاعوندن وفات ایدوب چنان سنه جله اهل شهر حاضر اولد یلر من پور هجرت
وصاف بلخ و فصیح اولفین حضرت رسولی وصف و مدح ملج ایتمشدر (عائشه) الصدیقه بنت ابی بکر
ابن ابی قحافه بن عامر بن عمرو بن کعب بن سعد بن تیم بن مره بن کعب بن لوی من پور کعب حضرت رسولان
اجداد دنددر * مرویدر که عائشه مکده نبوت رسولدن دوت یل بش مکره طو غوب الی یایدی باشند
ایکن رسول علیه السلام امر حقه آتی مکده نکاح حلتوب لکن کوجک اولفین بابایی باشند طو روب
همه مدینه ده هجرتدن یدی یا سکر آی مکره یا خود هجرتک ایکنی یلنک شوالده طه و زیانده ایکن جمیع
اولوب وفات رسولده اون سکر باشند اولوب نه مدینه ده هجرتک الی یدی یا الی سکر نبی رمضانده شامده
معایبه خلیفه ایکن وفات ایدوب جلال فضل حدیث بیرون ایدی * خدیجه پندره مرویدر که رسول علیه
السلام اکا خطبا (رایتک فی المنام ثلاث لیل جانی بک الملائک فی خرقة من حررقه قول هذه امرأه انک
فا کشف عن وجهک فا قول ان یتک من عند الله عیضه) دیوب سن ترمذیه مرویدر که جبرائیل علیه السلام
عائشه نک صورتن بر پشل حررقاش باره سنه یازلش کتوروب (هذه زوجتک فی الدنیا والاخره) بر روایتده
(ان الله قد زوجک بایه بکر) دیدی کتب سیره مذکور در که حضرت رسول علیه السلام بوندن غیری
هیچ بر خاتون لری بکر ایکن الماشدر و خدیجه دن مکره نبی سائر لردن زیاده سوب قزل یکافو اولفین جبر
دیو لقب قوبوب و بر سرفه یله کونورد کده یوله یا و قیلنغین بحضور اولوب و عروساه یعنی واه یتیم کلیم
دیدیلر و بر کون صحابه دن بری یا رسول الله (ای النساء احب الین) دیو مورده ده (عائشه) دیوب
(من الرجال) دید کده (ابوها) دیدیلر نه بر کون حضرت رسول علیه السلام (یا عائشه هذا جبرائیل یقرتک
السلام) دیوب بود دخی (وعلیه السلام ورحمة الله وبرکاته) دیدی تفسیر کشفاده شه عائشه دن مرویدر که
(لقد اعطیت نساما اعطیت من امرأه لقد نزل جبریل علیه السلام بصورتی فی راحته حین امر رسول الله

ان یتزوجنی ولقد تزوجنی بکرا و ما تزوج بکرا غیری ولقد نفی وان رأته فی حجری و دفن فی بیتی و لقد حقته
الملائکة فی بیتی وان الوحي لینزل علیه فی اهله فیتحرقون عنه و انه کان لینزل علیه و انما معه فی لحافه و انی لایبته
خلیفته و صدیقه و لقد نزل عذری من السماء و لقد خلقت طیبه عند طیب و لقد وعدت مغفرة و رزقا کریم
دیمشدر * مرویدر که عائشه فقیهه و عالمه و فصیحه و کامله خصوصاً توار یخ و انساب و اشعار طوائف عربی
عارفه و اوقات بارکاتن عباداته و نشر احادیث سید کائنات صافه اولوب تابعین و صحابه دن نیجه عصابة
ذوی الاصابه اندن روایت ایتمشدر بکار صحابه نک مجتهد لردن و معتبر لردن بری دخی بو اولوب حتی بعض
ساف کرام ربیع احکام دین اسلام عائشه دن معلوم اولدی دیوب رسول علیه السلام بو کک اشارت ایدوب
(خذو ثلثی دینکم من هذه الحیرا) دیمشدر * مرویدر که صاحب اجور و موفوره اولان من پورده نک
حضرت رسولدن روایت ایتمدیکی احادیثدن کتب متداوله ده ایکی یلنک ایکیوزاون یا خود یلنک ایکیوز
اون حدیث موجود اولوب فقهاء صحابه دن ابو موسی الاشعری (ما شکل علی احکام رسول الله صلی الله
علیه و سلم شیئاً لانه عائشه الا و قد ناعندها علما) دیوب ین صحابه دن عروة بن الزبیر (ما رأیت احدا
اعلم بمعانی القرآن و بالفریضة و احکام الحلال و الحرام و شعر العرب و علم النسب من عائشه) دیمشدر
علم و کمالدن ماعد اشاعر بلوغه اولوب مدح رسولده دیمشدر که (نظم) ولولمعا فی مصر او صاف خنده *
لما بذلوا فی سوق یوسف من نقد * لوامی زلیخا لوراین جبین * لارن بالقطع القلوب علی الایدی (نثر)
کلمات حکمت معانی بحد و لایعد اولوب بری بودر که بر کسسه (متی اعلم انی محسن) دیو مورده ده اذاعلت
انک مسی دیوب متی اعلم انی مسی دید کده اذاعلت انک محسن دیدی بری دخی (ادعوا قرع باب الملک یفتح
لکم) دیوب (کیف ندیمه) دید کارنده (بالجوع و الظما) دیدی مرویدر که بر کون کند و معی تلاوت ایدر کن
(لقد انزلنا الیکم کتابیه ذکرکم افلا تعقلون) آیتنه کاد کده (والله اطلب ذکری وصفی فی القرآن) دیوب
کمال تدبر و تفکر ایل ختم تلاوت قرآن ایتد کده (ان الله قد اطعنی علی ذکری وصفی فی القرآن) دیوب ندر
دیو مورده ده (و آخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملهم الحالا و آخر متاعی الله ان یتوب علیهم) ایتددر
دیدی (سوره) بات زمعه بن قیس بن عبد شمس بن عبدون بن نصر بن مالک بن حل بن عامر بن لوی جد الرسول
علیه السلام * مقدمه مانوجی ایل مکده ایمانه کابو جغای قربشدن ولایت حبشه ایکنی دفعه هجرت ایدن
احصایله کیدوب مکده کاد کارنده زوجی وفات ایدوب خدیجه دخی وفات ایتمشدر ین قول اصح اوزره ایتد
عائشه به صکره بوکانکاح ایدوب لکن یونیکاه مکده عائشه کوجک اولفین انکاه مدینه ده جمیع اولدیلر *
مرویدر که رسول علیه السلام مدینه ده طوق و زخافون جمیع ایتد کده هجرتک مکرته سوده بی یا شلوچه اولفین
بو شامق ایتد کده یا رسول الله اقصای مرادم همان قیامنده خاتون لری بکر زمهر سندن اولقدر نبی بو شامکر
نوبتی عائشه به باغشدم دیمکین طلاقدن فراغت ایدوب یدی خاتون لری نک نوبتی بر کون عائشه نک ایکی کون
نوبتی اولدی * من پورده سوده مدینه ده قول ششم و راوزره حضرت عمر خلافتک آخرتده بر روایتده جاق هجرتک
الی در دنده وفات ایدی حضرت رسولدن مرواتی کتب حدیثده همان بش حدیث شریفدر (حفصه)
بنت عمر بن الخطاب بن نفیل بن عبد العزی بن عبدالله بن قریظ بن رباح بن زراح بن عدی بن کعب بن لوی *
مقدمه مکده ایمانه کلان صحابه دن اولان زوجی خدیج ایل یله هجرت ایتمشدر ایدی بدر غزاسندن مکره
زوجی وفات ایتمکین قول اصح اوزره هجرتک اوچنی یلنک شعبانده رسول علیه السلام نکاح حلتوب
هجرتک طقوزنده بر جابه خصوصنده انجنوب طلاق رجعی و برد کده جبرائیل علیه السلام کابو (راجع
حفصه فانهما صوامه قوامه و انما زوجتک فی الجنة) دیمکین رسول علیه السلام اکار جعت ایدوب بارشیدیلر
مدینه ده هجرتک قرقری بشی شعبانده یافرق برنده یا شبو ایکی تاریخند ده مقدم خلافت حضرت عثمانده التمش
باشنده ایکن وفات ایدوب حضرت عائشه دن الی یدی یا شبو ایکی تاریخند ده مقدم خلافت حضرت عثمانده التمش
احادیث شریفه روایت ایدوب کتب حدیثده همان بش حدیث عددی مذکوردر (زینب) بنت خزیمه بن الحارث
قبائل عربی دن هلال طائفه سندن در قبل الاسلام قفرایه انعام طعام ایتمکده معشاده اولفین ام الساکین
دیمکده ملقبه بعد الاسلام دخی کثیره الصدقه و غایت عابده و مهذبه ایدی زوج اولی قول اصح اوزره عبدالله

حضرت رسول خداوندی زینب بنت خزیمه نك و حزه نك خاتونی سلی بنت عیسی و جعفر طیار و بعده
 ابو بكر و بعده علی بن خاتونی اسما بنت عیسی و عیسی بن خاتونی لبابه كبریا و خالد بن الولید و
 والده سی لبابه صغیرا نك لاب همشیره سید را حبی بره ایكن حضرت رسول مجونه قودیلر * هر ویدر كه رسول
 علیه السلام فتح خیبر و نكمره مكه به عمره ایتك ایچون كند كده مجونه نك اولكی زوجی و فوات ایتمش اولغین
 یوله محرم ایكن مكه به اون میل برده نكاح ایدوب بعده عمره ایچون مكه ده اوج ككون اوتوروب بعده
 مدینه به دوند كارنده سابقا نكاح اولدی بی منزلده جمع اولوب هجرتك الی برنده یا التمش التیسنده یا الی
 اوچنده مكه ده خسته اولد قده بی مكه دن چیقار یكز زرا رسول علیه السلام بم و فوات مكه ده اولیه جفندن
 خبر و بر مشدی دیوب جفارد قلدن ده بحكمه الله حضرت رسول نكاح اولدی بی و جمع اولد قلدی برده و فوات
 ایدوب انده دفن اولندی (فوات) اولامعلوم اوله كه حضرت رسول انشواون بر عدد خاتونلر نك
 التیسی عربیه و قریشیه ایدیلر كه انلر خدیجه و عاتشه و سوده و حفصه و ام سلمه و ام حبیبه در دردی دخی
 یا لکز عربیه ایدیلر كه ایکی زینب ایه مجونه و جو بریه در بری دخی بی اسرا یلدن ایدیکه صفیه در ۲ یونلر
 ایچندن همان مكه ده خدیجه مدینه ده زینب بنت خزیمه حضرت رسولك حیاتیه و فوات ایدوب طقوزی
 حضرت رسولك صو كینه فالشدر در ۳ حضرت رسولك خدیجه دن غیر یلندن اصلا اولاد لر ی اولامشدر ۴
 عاتشه دن غیر یلر بی بكر المیوب مقدما بر ایكیشر زوجدن فالشدری ۵ زمان واحدده حضرت رسولك
 تحت نكاح حنده طقوز خاتوندن زیاده جمع اولامشدر ۶ خدیجه و فواته نكمره مدینه ده سائر منكو حه لر نك
 اوزدر لیه تصرف ایند كار ی درت جاریه لر ی دخی و ارایدی بری ماریه بنت شمعون قبطیه مصریه ایدیکه
 هجرتك ییچینیلنده مصر پادشاهی موقس بعض هدایا ایلله كوند رمشدی بعده حضرت رسول بونی
 انصرف ایچكین اوغلری حضرت ابراهیم و والده سی اولوب هجرتك اون التیسنده مدینه ده و فوات ایددی
 بری دخی و یحانه بنت شمعون ایدیکه طائفه بی قریظه دن اسیر اولوب ملك عین ایلله تصرف ایدر لردی
 مؤرخیندن ابن الاثیر و آنچه هجرتك التیسنده اعتناق و نكاح ایتمشدر در هجرتك اوننده حجه الوداع نكمره
 مدینه ده حضرت رسول علیه السلام حیاتیه و فوات ایتمشدر امام زهری قولنجیه ملك عین ایلله تصرف نكمره
 آزاد ایدوب بعده كند و اهله كندی بری دخی حضرت رسول خاتونلری زینب بنت جحش باغشلا دی بی
 جاریه ایدی بری دخی غزالر نك بر بسنده الد قلدی بر حسننا جاریه ایدی ۷ كتب سیرده اولان تفصیلات اجمال
 بود كه مقدما ذكر اوان اولان بر منكو حه مدخول بم لاندن ماعدا اوقات متفرقه ده اون ایکی خاتون دخی
 نكاح حنوب ایكیسی بالاعتفاق قبل الدخول و فوات ایتمشدر ایكیسی دخی قول اصح اوزره قبل الدخول یا و فوات
 ایدوب یا بر سبب ایلله مطلقه اولمشدر كه بری قاطعه بنت الضحاله بری غالیه بنت ظبیان ایدی اوچی دخی
 بالاعتفاق قبل الدخول بر سبب ایلله مطلقه اولمشدر ایكیسی دخی بالاعتفاق بر سبب ایلله مطلقه اولوب لكن مدخول
 یها اولد قلدن ده اختلاف اولمشدر بری دخی بعد النكاح و قبل الدخول برادری ایلله یمه كیدوب انلر انده ایكن
 رسول علیه السلام و فوات ایدوب اودخی آخر زوجه و اردی بعض قولنجیه برادریله ایكیسی یمه نه و ذباله
 مرتد اولدیلر در كراولان خاتونلر دن غیر یلر بی الی خاتونی دخی حضرت رسول علیه السلام نكاح حنوب
 ایستوب لكن بعض مواضع سبب ایلله ظهوره كندی

(باب حادی و عشرون در اقرباء رسول علیه الصلوة والسلام)

اهل سیدمشدر در كه حضرت رسولك قول اصح اوزره اون ایکی علری و ارایدیكه اعلری بودر حارث
 و ابوطالب و زبیر و حزه و ابولهب و غیداق و مقوم و ضرار و عباس و قثم و عبد الكعبه و جمل ایدی
 بوجه نك برادر لر ی عبدالله كه پدر رسول علیه السلام در قول اصح اوزره حزه و عباسدن یول اولوب عباس
 جله دن كوچك ایدی ایچلرندن حارث و ابوطالب و حزه و ابولهب و عباس پدر لر ی عبدالمطلبك صو كینه
 فالوب سائر لر ی عبدالمطلبك حیاتیه و فوات ایدیلر جار لیه عبدالله حضرت رسولك نبوته یتشعوب
 ابوطالب ایلله اولوب یتشوب لكن ایمانه كلیوب حزه ایلله عباس نعمت ایمان و صحبت رسول جهان ایلله مكرم
 و منعم و منعم و ذكر جمیل ایلله مشهور عالم اولدیلر و دخی حضرت رسولك علری الی خاتون ایدیکه اعلری

عائمه امیه بیضا برمه صفیه اروی اولوب بالاعتفاق صفیه ایمانه كوب علما سائلك ایكیسی عائمه اید
 اروی دخی ایمانه كادیلر دیوب سائر علما كادیلر دیو اتفاق ایتمشدر در حارثه اروی عبدالله ایلله ابوطالب و عائته
 و حزه و مقوم و جمل و صفیه بر و والده دن اولوب عباسك والده سی بشقه ایدی اشبوا عام و عات سید
 كائناتك معلوم الاسم الی عدد مقداری ابناء و بناتی اولوب اكثری ایمانه كمشدر كه انلر دن و آیاه و امهاترندن
 اهل ایمان اولنر یونلر در كه ذكر اولنور (حزه) بن عبدالمطلب حضرت رسولدن یو كلكی همان درت
 یا ایکی یاش و رضاعدن دخی قلدن اش ایدی نبوت رسولك ایكیسی یا التنجی یلنده مكه ده حضرت عردن اوج
 كون اول ایمانه كوب او محله كفار ه خطا یا بوا یاتی دیمشدر كه (نظم) حمدت الله حین هدی نوادی *
 الی الاسلام و الدین الحنیفی * لدین جاء من رب عزیز * خیر بالعبادهم لطیف * اذ انلیت رساله علینا *
 تحدر و مع ذی اللب الحصیف * و سائل جاء احمد من هداها * یا یات میینه الحروف * واحد مصطفی
 فیما اطاع * فلا تشوه بالقول العنیف * فلا والله تسلمه لقوم * و لما نقض فیم بالسیوف (تر) هر ویدر كه
 جیش قریش ایچنده قبل الاسلام ریاست و شجاعتله مشهور اولوب بعد الاسلام دخی فضائلنك نهایی یوقدر
 جله دن رسول اكرم صلی الله علیه و سلم آتی غایتیه سوب (خیراعامی حزه) دیوب مدح ایدردی و دخی
 (والدی نفی یمده انه مكتوب عند الله عز وجل فی السماء السابعة حزه اسد الله و اسد رسوله) دیوب و دخی
 (سید الشهداء یوم القیامة حزه بن عبدالمطلب) دیمشدر و مدینه ده غزافرض اولد قلدن نصیره ایتد ابونی
 سردار ایدوب او زوز نفر اصحابله غارت قافله قریشه كوند رمشدری بدر غزاسنده بر كافر قتل ایدوب بعض
 مغرله ده علم شریف رسولك یو كونوروب احد غزاسنده دخی مردانه میدانه كیروب ایکی اوج كافر قتل ایدوب
 هجوم اهل اسلامه كفار طاعلده ده دوروب عسکر مسلمینه كلور كن كفار طر فنده طاش اردنده كیرلش
 وحشی آدلو بر عبد حبشی حربه آتوب شهید اید كده الی طقوز یاشنده ایدی بدر غزاسنده حزه آنك بدری
 قتل ایدیکه هند زوجه ابوسفیان حزه نك بورن كسوب قارن یاروب و جكر بن حیقاروب چیروب و كروب
 كفار طاعل قلدن ده رسول علیه السلام ای ارایوب او حاله كورد كده قلب شریقلر ن نارغم فراوانله طاعل یوب
 غشی مرتبه سنه یقین اولوب زار زار غلیوب (یا حزه یا عم رسول الله یا اسد الله و اسد رسوله یا حزه یا فاعل
 انجیرات یا حزه یا كاشف الكربات یا حزه یا ذاب عن وجه رسول الله) دیوب بر وایتده (ان اصاب یمنك اید
 ما و ققت موقفاظ اغیظ لی من هذا) دیوب ثمازی تعظیما یتش تكمیر ایلله قیلوب آنك همشیره زاده سی
 عبدالله بن جحشله بر قبرده دفن ایدیلر حزه نك ایکی اوغلی بر قیزی و ارایدیكه برایکی ورقدن نكمره ذكر اولنور
 (عباس) بن عبدالمطلب حزه نك لاب برادری اولوب اندن كوچك و حضرت رسولدن ایکی یا اوج یاش
 یول ایدی آتی بكرلو ایکی اوریلو صاحبو خوب صورت جسم و بلند قامت ایدی * هر ویدر كه غایتیه شدید
 الصوت اولوب یا غر دقه آوازی بر قاج میل بره ابر یشوب نوره سن ایشیدن بعض حامل ووزر وضع
 حل ایدردی عمو ما قوم قریش مایسنده غایت مكرم و معظم و ایچلرنده اكبر مناصب و ریاسات اولان عمارت
 مسجد الحرام و سقایت زمزم ابوطالب نكمره یو كامل و مفوض اولمشدی ایمانه كلدن دخی حضرت رسول
 غایت محبت و معاونت ایدردی اسلامی زمانده اختلاف اولنوب بعض قولنجیه مقدم اولوب لكن كفاردن
 صقلا یوب بدر غزاسنده كراهتله مكه دن كفارله یله كلوب بعض قولنجیه رسول علیه السلام (من لقی
 العباس فلا یقتله فانه خرج مستكرها) دیوب مسلمانلر دن بری اتی طو قوب عباس كندوبی اندن صانقون كوب
 مكه به واروب بعده ایمانه مدینه به هجرت ایدی بعض قولنجیه بدرده ایمانه كوب لكن مكه به كیدوب
 مكه فتحنده حضرت رسولك قارو حقیقوب آخر مهاجر بن واولدی بعض قولنجیه ایمانی خیر فتحندن مقدم
 اولوب لكن صقلا یوب فتح مكه ده اظه ارایندی بعض قولنجیه بدر غزاسندن مقدم اولوب اخبار كفاری مكه دن
 حضرت رسولك خفیه اعلام ایدوب مكه ده اولان مسلمانلر آنك حیاتیه آسوده اولوب مدینه به كین
 آرزوسنده ایكن رسول علیه السلام (ان مقامك بمكه خیرك) دیو مكشوب كوندروب كلكدن منع ایدیلر
 بر وایتده مدینه به هجرتیه اجازت ایستد كده (یا عم اقم مكانك الذی انت فیه فان الله عز وجل یحتم بك الهجرة
 كما ختم فی النبوة) دیو خبر كوندردیلر مواهب لدینه ده مذ كورد كه مستدر ك حاكمه عروه بن الزبیر دن

(كان العباس قد اسلم واقام على سقايته ولم يهاجر) ديو نقل اولندي في اسبوروايته دلالت ايدر فضائلي
في نهيات اولوب جله دن رسول عليه السلام بونك اسلامن ايشتكده برقول آزاد ايدوب بعد الاسلام نه علم
واكرام ايدوب ودخى (العباس عني وصنواي من اذاه قنذاذاني) ديوب ورسول عليه السلام آني وصف
ايشتكده (اجود الناس كفافا حناه) ديوب وبركره حضرت رسوله كلكده اكا قلوب ايكي ~~كوزل~~ بونك
اراسني او يوب صاغيانه او توردوب (هذا عني من شاء فليبا به بعنه) ديوب عباس دخى (ثم القول هذا يا رسول
الله) ديدكده (ولم لا قول هذا انت عني وصنواي وبقية آباي ووارثي وخير من اخاف من اهلي) ديدكده
بركون (يا عني لا ترم منزل انت وثولك غدا حتى آتيكم فان لي فيكم حاجة) ديوب اودخى جله اولاديه حاضر
وقدم شرفلوزم رسوله منتظر اولدقده ايرتسي رسول عليه السلام خانه عباسه واروب جله سني احرام
شريفله يور يوب (يارب هذا عني وصنواي وهو لا اهل بيتي فاسترهم من النار كستري اياهم بلاء في هذه)
ديدكده اوده نك ديوارلي وقا بونك ايشكي حكمت حقه اوج كره آمين ديوسو يلديلر بروايتده رسول عليه
السلام (اللهم اغفر للعباس ولولده مغفرة ظاهرة وباطنة لا تغادر ذنبا اللهم احفظه في ولده) ديدكده بركره دخى
(اللهم اغفر للعباس ولولده العباس وان احبهم) ديوب مكه قننده اوج كره (اللهم انصر العباس ولولده العباس)
ديوب بعده (يا عني اما علمت ان المهدي من ولدك) ديمشك بركره دخى الله يا شوب (من لم يحب عني هذا الله عز
وجل ولقرابته مني فليس بمؤمن) ديوب بركره دخى (لك يا عني من الله حتى ترضي) ديوب بركره دخى (يا عباس
ان الله عز وجل غير معذب ولا احد من ولدك) ديوب بركره دخى (الا ابشر يا عني ان من ذريتك الاصفيا ومن
عشيرتك الاخفاء) ديوب بركره دخى (هذا عني ابو الخلفاء اجود قريش كفا واجلها وان من ولده السفايح
والمصور والمهدي) ديوب بركره دخى (يا عني يا رسول الله) حضرت رسوله ديوب عباسه غايت
اجلال واعظام ايدوب حضرت عمر وعثمان زمان خلافتنده آنلوروركن بوني ياده كوردكده تعظيما آدن
اينلردي يته حضرت عمر خلافتنده استسقايه كلك لازم كلكده جناب حقه نوسل عباسه ايدوب دعا
ايتديكده يغمور يا محمد خلات عثمانده هجرتك اوتوز ايكني يا اوتوز اوچني ييلنده مدينه ده پيرلكدن
اعني اولمش ايكن وفات ايدوب مدت حمري سكران سكران ايدوب باسكان ييل ايدوب مرويانندن كتهده
اوتوزيش حديث مذكور دراون اوغلي درت قيزي وارايدكده عن قريب ذكر اولنورور (صفيه) بنت عبدالمطلب
برادرلرندن حضرت حمزه ومقوم ورجل ايله بروالده دن ايدوب عات رسلون قول اكتر علما اوزره همان بوايمانه
كلكدر قبل الاسلام زوجي اولان حارث بن حرب بن اميه وفات ايتدكده حضرت خديجه نك برادري عوام
ابن خويلد نكاحلنوب آدن اوج اوغلي اولدي بري زيبردكده عشرة بشره نك بريندرايكني سايب اوچني عبد
الكعبه درمرويدركه حضرت صفيه غزوه خنقدده بريودي قتل ايدوب رسول عليه السلام مال غنيمتدن
سائر غازيلر كي بوكا دخى حصه ويرمشدي كتيب حديثده مرويانندن همان بر حديث يازلشدر
رسول عليه السلام وفاتنده ديدكي مرثيه يوفاروده كچمشدر حضرت عمر خلافتنده هجرتك يكرميسنده
مدينه ده بمش اوج باشنده وفات ايتدي (عاتكه) بنت عبدالمطلب ابوطالب ايله عبدالله والده سندن
اولوب جله همشيرلرندن يول ايدوب علماء فن سيردن محمد بن سعد وابو جعفر عني قولنج اسلامه ككوب
مدينه ده هجرت ايدوب سائر علماء بنات عبدالمطلبده صفيه دن غير يلا اسلامه ككديلر ديو اتفاقا ايتشدر
حضرت رسولك خاتونلري ام سلمه نك پيدري وابو جهل عيسى امية بن مغيرة نك خاتونلري اولوب عبدالله وزهير
آدلو ايكي اوغلي اولشدر كه عن قريب ذكر اولنورور (اروي) بنت عبدالمطلب جله همشيرلرندن كوچك
ايدوب عاتكه ده ذكر اولنان اختلاف بونك حقتده دخى واقع اولشدر برادري حارثله بشقه بروالده دن ايدوب
عمر بن وهب نك خاتونلري اولوب طلب آدلو اوغلي اولشدر امام واقدي مكده رسول عليه السلام دارا قده
ساكن ايكن من يور طلب انده ايمانه كاوب والده سته واروب بن ايمانه كاوب محمد تابع اولدم ديوب اودخى
ابوايمانه سندن ديدكده اوغلي رجاسيله بعد التردد اشهدان لاله الا الله وان محمد رسول الله ديوب بعده حضرت
رسوله قول اولدقده امكان خدمت و معاونت ايدوب اولدي ديوب اسلامه كادي ديتلر دليلي بودرديشلر
(عمار) بن حمزه بن عبدالمطلب المذكور سابقا (يعني) بن حمزه بوايكيسنك كندوردنصكره نسللري
قال يوب يعني نك ياش اوغلي اولشدر ككه بلا عقب وفات ايتشدر عماره ايله يعني حضرت رسول وفاتنده

ناره ايدوب (امامة) بنت حمزه حسني اولوب حضرت رسولك اوكي اوغللري و خاتونلري ام حبيبه نك
زوج اولشدر اولان اوغلي عمرو بن ابي سلمه به نكاح اولندي (فضل) بن عباس بن عبدالمطلب والده سي
لبابه كبري حضرت رسولك خاتونلري ميوه نك همشيره ميسر بروايتده حضرت خديجه نكده ايمانه
كلان اودره من يور فضل غايتده خوب صورت ايدوب مكه قننده ناره بكت اولوب حضرت رسول عليه السلام
اني ناقه لر نك اردينه بدرمشلردي غزوه خنقدده حضرت رسولك ياشدن آيرديوب حجة الوداعده دخى
رديقلري ايدوب هجرتك اون اوچنده شام ياتنده غزوه اجنادينده شهيد اولوب ياخود هجرتك اون سكرنده
ينه ولايت شامده طاعون عواسده مطعون وافات ايتدي برقيزي قالوب حضرت حسن نكاحلنوب بعده
آدن آيراغين ابو موسي الاشعري نكاحلنوب آدن موسى آدلو اوغلي اولوب ابو موسي وفات ايتدكده عمر
ابن طلحه بن عبدالله نكاحلندي به ضرفضلك عبدالله آدلو براوغللي اولشدر ديمشك (عبدالله) بن عباس
هجرتدن اوج ييل اول ياهجرت سته سنده مكده طوغوب والده سي لبابه حضرت رسوله ايتدكده صاغ
قولا غنه اذان وصولته اقامت اوقيوب مبارك توكر كليله اغز بن اجوب آدي عبدالله قوبوب (اللهم بارك
فيه وانشر منه وعلم الحكمة) ديوب خيبر دعا ايدوب (اذهي باب الخلفاء) يعني خليفه لر باباسني آل كيت ديدكده
فضائلي بحد ولايد اولوب بركره بونك حقتده رسول عليه السلام (اللهم فقهه في الدين وعلمه التأويل) ديوب
بركره دخى (اللهم علمه الحكمة) ديوب بركره دخى اتي قوجوب (اللهم علمه الكتاب) ديوب خيبر دعا ايدوب لقيني
ترجمان القرآن قوم مشلردي دعا رسول قبول اولمقين علم تفسير و فقه وحديث و توارينه عظماء علماء صحابه دن
اولوب ترجمان القرآن و حبر الامة و بحر لقيلله مشهور و مذكور اولوب بين العلماء صحابه دن عبادله ديكله
مسمي اولان اوج دورت كسنه نك بريندركه سائر لر نك ايلري علماء صحابه فضلنده كلور مر ويدركه بلند قامت
خوب صورت آن و صاري شين و سيم و جسم عالم كامل و حليم اولوب صفاي حنا ايله يوباردى * مر ويدركه
حضرت عمرو بن مجلسده اكثر كار صحابه نك اوزرلر يته تصدير و محبت و رعايت و توفيق ايدردى حضرت
عثمان وفاتندنصكره روايت حديث و امر فتواده مقتداي جميع مؤمنين اولان ابن عباس و ابن عمر و ابو سعيد
انلدرى و ابو هريره و جابر الانصاري ايدوب صحابه ايجنده علم تفسيرده ماهر اولنلر حضرت علي و ابن مسعود و ابن
عباس و ابوبكر بن كعب و زيد بن ثابت ايدوب صحابه نك اهل فتوا لردن استادي اجتهادي اوزره نشر احكام
مذهب ايدوب ساكردي اولان همان ابن مسعود و زيد بن ثابت و ابن عباس ايدوب واكثر فتوي ايدنلر عاتنه
وعمر و علي و ابن مسعود و ابن عمرو و زيد بن ثابت و ابن عباس ايدوب واكثر روايت حديث ايدنلر ابو هريره
و ابن عمر و عاتنه و جابر و ابن عباس و انس بن مالك و زكريا الكوفي ابن عباسك مروياتي كتب حديثده ييك التيزور
التمش حديثدر بخاربه يوم جمل و محاربة صفين و محاربة نهروانده حضرت علي ايله ايدوب هجرتك التمش
سكرنده مكه به اوج قوناق يره ارض طائفده بمش برياش دورت باشنده وفات ايدوب نمازي حضرت عاينك
فاطمه نكده بر خاتونلر اولان اولادي محمد بن الحنفية قلوب (اليوم مات رباني هذه الامة) ديدوب
مر ويدركه عجيب الشكل برآق قوش كاوب تابوتي ايجنه كيروب بعده جيقه يعني كسنه كورميوپ دفن
اولنقدده هانفدن (يا ايها النفس المطمئنة ارجعي الي ربك راضية مرضية) آيتي اوقنوب بروايتده من اوزدن
برآق قوش جيقوب خلفه علوي منتشر اوانه دليلدر ديو تاويل ايتديلر عباس علي السجاد فضل محمد
عبيدالله آدلو بيش اوغلي اولوب لبابه واسم آدلو ايكي قيزي وارايدوب * مواهب لدينه ده ابن عباسك نسلي غايت
چو غايلوب حتى بغدادده مأمون خليفه زمانده التيزور ييك عدده باصل اولوب بوخصوص استبعاد اولشدر
ديومذ كورد (عبيدالله) بن عباس عبدالمطلب برياش كوچكدر حضرت رسول كورد حديثلر بن
ايشدوب حفظ ايتشدي حضرت علي خليفه اولدقده بوني يته حاكم ايدوب هجرتك اوتوزلشنده
ويايدب سنده امير حج دخى ايتكدين عرفاتده جله حجاجه خطيب و امام اولوب اوچني ريل دخى كوندروب لكن
شامدن معاويه بريند بن النجربة يي كوندروب ايكني اتفاقله شيبه بن عثمان امام نصيب ايتديلر معاويه بن
حكومه بشربن اوطا يي كوندروب عبيدالله ككوب حضرت علي ايتدكده حارثه بن قنانه يي كوندروب
بشر فاجوب عبيدالله تكرار حاكم اولوب حتى حضرت علي شهيد اولنجبه نك طوروب قول اصح اوزره هجرتك

اللی سکرته مدینه یا بینه وفات ایدى * مریدر که باب خضاده حاتم طی ذن زیاده ایدی دیوم برانده
افاده اولوب اول باید عیایب مناقب ذکر اولنددر یول برادرى فضل خوب جمال ایکخی برادرى عبدالله
صاحب علم و کمال اولقین چله ناس (من اراد الجمال والتمه والسعاده فلیأت دار العباس) دیرلردی یعنی (نظم)
جمال رقه و خزانچه اولور کورم دین جهانده حضرت عباس دارنه وارسون (نظم) بن عباس استن
معنامی جامع الخیر یا خود معطی دیکدر حضرت حسنه رضا عدن برادر و امک کبی بودخی حضرت رسوله
صورتده نهایت بکرزدی * روضه الواعظینده قعدن مریدر که حضرت رسول علیه السلام دفن اولند قلزنده
قبرلرینه کیرنرده آخر جهان و مبارک یوزلرین آخر کورن بن ایدم مبارک آغزلرینی تحریرک ایدرلر کورمکین
قولاق اوردم ایکی کره وب امتی دیو سوبد کار بن ایشتم دیدی * مریدر که حضرت علی قتی بجزین
ولایتنه حاکم ایتدی و مکینه ابو قتاده الانصاری بی حاکم ایدوب بعده انی عزل وقتی نصب ایدوب حضرت
علی شهید اولنجیه دلک طوردی بعضار قولنجیه مدینه به حاکم ایتدی استقلال معاریه زمانده
سعید بن عثمانله سمرقند سفره کیدوب انده بعضار قولنجیه مقدمه چاق عثمان خلافتنده شهید اولدی
(عبد الرحمن) بن عباس حضرت رسول علیه السلام حیاتده طوغوب عثمان خلافتنده برادرى معبد
ابن عباسله مغربده افریقیه شهرنده محاربه عظیمده شهید اولدی که عبدالله بن سعید بن ابی مر ح نام
سردارله وار مشردی بعضار قولنجیه شامده شهید اولدی (معبد) بن عباس حضرت رسول علیه السلام
حیاتده طوغوب لیکن انلردن نسته حفظ ایتوب حضرت علی بونی مکینه حاکم ایتدی افریقیه ده شهید
اولدی تنکیم اوج سطر مقدمه ذکر اولندی اشبوالی نفر برادرلرک والده لری لبابه کبرا درکه سابقا ذکر
اولنددر مؤرخین دیشلردر که هیچ یوالی نفر اولاد عباس کبی همان و منار لری متباعد و مشرق برادرلر
دنیا به کلدیه کی متعقددر (کثیر) بن عباس والده سی جاریه رومیه در بعضار قولنجیه حضرت رسولک
وفاتدن بر قاج آی مقدم هجرتک اوتنده طوغوب رقیه فاضل ذکر و کمال اولوب مشاهیر تابعیندن
ابن شهاب و عبدالرحمن الاعرج بوندن روایت حدیث ایتلردر (حارث) بن عباس والده سی قبیله
هذیلدن منکوحه یام ولد ایدی (عون) بن عباس بعض علما بوا یکسینی ذکر ایدوب نیچه ل ذکر ایتام شلردر
قول مثبت اولی ایدوی معلوم علمادر (تمام) بن عباس کثیر الیه بر والده دن ایدیلر حضرت رسول علیه السلام
حیاتنده طوغوب بعض محدثین حضرت رسولدن بالذات بر حدیث روایت ایتلردر دیوب بونقدیرجه
کثیردن کبیر اولق لازم کلوب لیکن بعض علما غام آخر اولاد عباس اولوب حتی عباس بونی کونوروب (نظم)
توا ایتام فصاروا عشره * یارب فاجعلهم کراما برره * واجعلهم ذکر و اتم شجره * دیوا و خشاردی
دیشلردر * مریدر که تمامی حضرت علی بر کره مدینه به حاکم ایدوب بعده عزل ایدوب برینه حضرت ابواوب
انصاری بی نصب ایدوی * مریدر که تمام شجاعت وقوت جسد چمتندن بین الناس اشد واقوی اولوب
نسل و ذریقی قالمشدی (ام حبیبه) بنت عباس والده می لبابه ایدی رسول علیه السلام (ولیفه)
ام حبیبه بنت العباس و اناحی لزوجتها) دیوب لیکن قبل البلوغ رسول علیه السلام وفات ایدوب بره و لده
اسود بن سفیان بن عبدالاسد بن هلال الخزومی نکاحلنوب بره و لده ابوسلمه نک برادرى ام و دین عبدالاسد
ابن هلال الخزومی نکاحلنوب آندن زرق آدلو اوغلی لبابه آدلو قیزی اولدی (صفیه بنت عباس
امینه) بنت عباس بوا یکسینک والده لری بشقه بشقه ایدی بعضار تمام و کثیر وصفیه و امینه نک والده لری
بر ایدی و ام ولد ایدی دیشلر (ام کلثوم) بنت عباس من بوره ام کلثومی امام داره طنی مناقب عباسده
بنت عباس دیو تصحیح ایلیموب ذکر ایشلردر لیکن بعض اهل سیر حضرت عباسک ام حبیبه دن غیر قیزلرین
ذکر ایتام شلر (زینب صفیه) بنت عبدالطلب عمه الرسول علیه السلام من بورزیرلرک بابامی حضرت
خدیجه نک برادرى عوام بن خویلد بن اسد بن عبد العزی بن قحی اولغین بوکا زبیر بن عوام دیرلر معتدل
القامه خفیف اللحم امر اللون با بعض اللون اشعر و خفیف الباریض ایدی بعضار غایت بلند قامت اولغین
آمه بند کده ایاقلری بره سور که یتلا شوردی دیشلر مکده اون الی یاهمان الی یا سکرنا شده حضرت رسولک
ابتداء نبوتلرنده ابو بکر دن اوج بادرلر کسینه دنسکره ایمانه کلوب عیسی بونی بر حصیره صاروب آتش

نورته طوقوب دینکدن دون دیوا شکجه ایدوب زبیر اهل هدا لا اکر ایدو دیوندا ایدردی مریدر که
اولل ظهور نبوتده برکون مکده پیغمبر قتل اولندی دیو برصدا ایشتمکده زبیر طالسب انبیر سالب الضیر
عربان لیکن جان آتوب برانده تیغ بران ایلله طشره جیقوب حضرت رسول (مالک یزید) دیوب بودخی (جمع)
انک قد قتل (دیوب انلردخی) (ما کنت صانعا) دیوب بودخی (اروت والله استعرض اهل مکة) دیکین رسول
علیه السلام بوکا خیر دعا ایتدیلر بوسیدن (اول من سل سیفانی سبیل الله الزبیر) دیوا اتفاق اولنوب یعنی دین
محمدیه رضای حق ایچون ابتدا قیل چقارن زبیردر بالاتفاق عشره مبشره نک بری بودربعض صحابه ایلله
مکده دن حبسه ایکی کره هجرت ایتلدر حضرت رسولک جمع غزالنده یله اولوب کفارله جنگ ایدوب
محل خطر اولان برلده رکاب همایون رسول خدادن جدا جدا اولوب یوللرینه جائن و باش فدا ایدوب
سینه بی کینه بر سکنیه سنده برامات کفار دن یاغش داغلر شککنده بیدیاره لری وار ایدی * مریدر که
بدر فزاستنده صاری دلبنده صاری زول ایدن ملائکه کرام دخی انک عمامه و لباسی صورتنده کورندیلر
اول زمانده حویدلر صاری دلبنده کیزلردی انکچون زبیر صاری کیش ایدی طوائف متفرقه الوان مختلفه ایلله
دلبنده کیمکی هجرتک دیشلر ایتلدر اوچنده مولک مصر دن ملک اشرف شعبان ایتلدر تنکیم جلد
ناینده کورم مریدر که غزوه خندقده رسول علیه السلام (ان لکل نی حواریا و حواری الزبیر) دیدیلر یعنی
هر یغمیرک خاصه کسینه سی اولوب بخدخی خاصه زبیردر مریدر که غایت جواد و سخا معتاد اولغین بیک نفر
ملک قوی اولوب هر بری کسم و یروب بونلرک کسینی اسلام اوشه قوموب و ایرنه به الیقوموب همان اوکون
چله سن تصدق ایدردی کثیر التجاره کثیر المال لیکن کمال سخا سبیلله مدیون اولغین اوغلی عبدالله ایدر
محاربه یوم جلدده بکار بورجلرین وصیت ایدوب ان عجزت عن شیئ منه فاستعن علیه بعمولای دیوب بندخی
مولا کر کیدر دیدکده الله دیدی والله بورچی خصوصنده داغما لم حکدیکمجه یا مولی الزبیر اقص عنه
دیر ایدم حق جل و علا قضا و ادا ایدردی بورج ایدم نسته سبب بوا یکسینه کسینه را کمالا بر امانت
قومن ایشتمکده یوق آله م مکر که قرض و بره سر زبیر اوقور فارمکه ضایع اوله دیوب اوشرطه الوب چله دیوبی
بکرمی ایکی کره یوز بیک ایقه حساب اولنوب ادا ایتکه بر درهم و بر دیناری چیه میوب لیکن وافر ملک
برلری اولغین در تیز کره یوز بیک ایقه به صالتوب بورچی ادا اولنوب بعده درت یله دلهرج زمانده زبیرده
حق اولان کاسون دیوندا ایتدر بلوب بعده بقیه مال نیچه اولادنه و درت خاوتنه قسمت اولنوب بالکسر
خاوتلرله بن مختلفات دیو قرق سکر کره یوز بیک ایقه و بر بلوب بونقدیرجه جمع مختلفاتی بعد اداء الدیون عثمانی
ایقه عدد نیچه اوچ یوز سکمان درت بولن ایقه اولور * مریدر که هجرتک اونوزالتیه سنده ماه جمادی الاخره ده
بصره شهرنده تفصیلی خلافت حضرت علیده ذکر اولنه حق محاربه یوم جلدده حضرت عائشه نک عسکری
طرفنده لیکن صیتوب قاجوب معرکه دن منفصل پروا دیده اوپورکن یا غارده هجده ایدرکن اتفاقا
اوج نظام الی شهید ایتدیلر بصره ده دفن اولنوب مدت عمری الی ایلله الشمس یا التمه غش مایینی ایدی
مریدر که بر خاوتنی حضرت ابوبکرک قیزی امما اولوب آندن عبدالله عروه منذر عاصم مهاجر
آدلو اوغللری خدیجه کبری ام الحسن عائشه آدلو اوج قیزی اولوب بش خاوتندن دخی خالد عمرو
مصعب حمزه عیمده جعفر آدلو اوغللری حبیبه سوده هند ومله زینب خدیجه صفری
آدلو الی قیزی اولمشیدی عبدالله خلیفه اولغین اشاعیده ذکر اولنوب مزبور مصعب برادرى
خلافتنده عراقه حاکم اولوب بش یل انده طوروب برادرى کبی غایت بهادر اولغین نیچه جنگلر ایدوب
عاقبت شهید اولوب بیک یوکدن زیاده ایقه الله کربوب اوقات متفرقه ده چله سن علما و قریه اعطا ایدوب
قایی حضرت زین العابدینه بر دفعه ده قرق بیک التون باغشدی (صائب) بن صفیه زبیر بن العوامک
لا بون برادریدر ایمانه کلوب احد و خندق و ما غزالده حضرت رسولله یله ایدی ابو بکر خلافتنده
مسبیلله کذاب جنگکنده شهید اولدی (عبد الکعبه) بن صفیه صایب وز بیک لا بون برادریدر (عبد الله)
ابن عائشه عمه رسول الله علیه السلام پدری ابوامیه بن المغیره الخزومی ایدی که ابو جهلک عیسی و حضرت
رسولک خاوتنی ام سلمه نک برغیری خاوتندن پدری ایدی مکده عبدالله سابقا حضرت رسولله و اصحابه غایت

دشمن اولوب بعد زمان رسول عليه السلام مکه فتحه کند که بولده قار و شولوب رسول عليه السلام بونک
 بوزینه باقوب بدهد همشیره سی ام سلمه به شفاعت اشدرد کند قبول یورافین صدقه ایمانه کلوب
 مکه فتحه و غزوه حنینه بیه اولوب غزوه طائفه کفارون اوق طوقوب شهید اولدی (زهر) بن عاتکه
 عبداللہ پدروندند ایمانه کلوب مؤلفه القلوب زهر سندن محسوب ایدی (طلب) بن اروی عمه الرسول
 علیه السلام بدری غیر بن وهب راواثل نبوده مکه رسول علیه السلام دارالارقه کیرد که ایمانه کلوب
 بروایتده والده سی دخی ایمانه کنوردوب ولایت حبشه هجرت ایدوب غزوه بدره حضرت رسولله بیه
 اولوب افاضل صحابه اولان مهاجرین اولندن اولوب ولایت شامده هجرتک اون اونچنده اجنادین
 محاربه سنده یا اون بشتنه برمول محاربه سنده شهید اولوب اولادی قالدی (نوفل) بن حارث بن عبدالمطلب
 من بور حارث اکبر امام رسول علیه السلام بونک بونک بونک بونک بونک بونک بونک بونک بونک بونک بونک
 اولوب ایمانه کلان جمع بنی هاشم حقی جزه و عباس سندن دخی یا شولایدی به ضار قولجه بدر غزاسنده اسیر
 اولوب رسول علیه السلام بوکا کند و کی صافون آل دیوب بود دخی مالم یوقدر دیوب جده ده اولان کوندولر که
 نفسکی صافون آل دید که و الله بنم جده ده کوندولر و اراید و کنی الله دن غیر بکنه بیلزدی دیوب ایمانه
 کلوب بیک عدد کوندولر بنی نضنه نداوردی فتح مکه و حنین و طائف غزایند بیه اولوب محاربه حنینده
 سلمان طاعه قلزنده حضرت رسولان یائنده قلان برقاج کسینه نک بریدر حضرت رسوله اوج بیک عدد
 کوندولر برمش اولغین (کافی اری رما حکن نصف اصلا ب المشرکین) دیوب یوریدیلر قبل الايمان عباده
 دوستلر و تجارتده شریکار اولغین بدهد دخی رسول علیه السلام بونک بونک بونک بونک بونک بونک بونک بونک
 اون بشتنه مدینه ده وفات ایدوب حضرت عرقم از بن قیلوب دفینه حاضر اولدی حارث عبداللہ عیمده الله
 مغیره سعید عبدالرحمن ریسعه آدلو اوغللری اولوب خانوقی دره بنت ابی ایهیدن دخی عقبه ولید ابوسله
 آدلو اوغللری اولدی من بور حارث بالغ اولغین بدری نوفل ابیه ایمانه کلوب آنک دخی عبداللہ آدلو اوغلی
 اولاده حضرت رسوله کتوروب دعا ایتدیروب من بور حارث آخر خلافت عثمانده بصره ده وفات ایتدی
 من بور عبداللہ بن نوفل خوب صورت و وجیه و حضرت رسوله شبیه اولوب معاویه خلافتنده ابتدا مدینه به
 بوفانی اولشدر من بور عبداللہ و سعید صحابه دن اولغین آنلردن حدیث روایت اولمشدر من بور مغیره
 قبل الهجره یا هجرتک دردغی بخشی یلنده طوغوب عثمان خلافتنده قاضی اولوب محاربه صفینده علی ابیه
 بیه اولوب ابن ملجم حضرت علی بی قبله چالوب خلیفک اوزرینه هجوم ایتد که مغیره غایت بهادر اولغین
 قارشو واروب ایتد که اسرام اوب طوقوب پره چالوب کوکسینه اونوروب قلعی چکوب آلدی مغیره نک
 یحیی آدلو اوغلی وارایدی من بور عبدالرحمن ایله ریسعه صحابه دن دیک لار ایدی (عبیده) بن الحارث
 بخاری شرحی کرمانیده حضرت رسولدن اون یاش یولک اولوب رسول علیه السلام مکه ده دار الارقه
 کیر من اول ایمانه کلوب بدر غزاسنده مجروح اولوب مدینه به کاورکن التیش اوج یاشسده وفات ایتدی
 دیوب کتب سیرده مجرور که محاربه بدره شبیه آدلو کافرا بیه باده جنگ ایدرکن انی دوشوروب اودخی
 عبیده نک اباعنی دیرندن قبله چالوب آیروب حضرت رسولان یائنده کتوردر کارنده (الست شهید ایا رسول الله)
 دیوب بلی دید کارنده به من نسنه سو یا یوب بعده بونی دید که (نظم) فان یقطعوا رجلي فانی مسلم *
 وارجو به عیاش من الله عالیا * قاله بنی الرحمن من فضل منه * لباء ما من الاسلام غطی المساویا (نثر)
 بعده او حالده یا خود برقاج کونصکره وفات ایدوب (عبداللہ بن الحارث) اصبی عبداللہ بن اولغین رسول
 علیه السلام تبدیل ایتدیلم * مریدر که وادی الصقر آدلو منزلده وفات ایتد که رسول علیه السلام مبارک
 بهر من بونک کفن ایدوب (سعید در کتبه السعاده) بیوریدیلر (ریعه) بن الحارث حضرت رسولدن
 درت بش یاش یولک اولوب بعض احادیث شریفه بن روایت ایتشدر برکون بونک حقتده (نم الرجل ریعه)
 لوقه من شعره و شمر من نوبه) بیوریدیلر فتح خیبر و نصکره رسول علیه السلام بوکا هر ییل یوز کیه یا یوز یولک
 خرم او بروردی حضرت عثمان له تجارتده شریک اولوب هجرتک یکر می اوجنده وفات ایتدی (عباس)
 عبدالمطلب عبداللہ حارث امیه عبداللہ بن ادم آدلو اوغللری اولوب عباس اهل قدر و جاه

اولوب حضرت عثمان اکا یوز یولک ایتد و بصره ده بر یاغشایوب خانوقی صحابه دن حسان بن ثابت ایتدی
 ایدی وافر اولادی و انلرک دخی سی اولشدر من بور عباده عبداللہ محاربه صفینده حضرت علی ابیه ایدی
 من بور ریسعه نک برتیری وارایدی که آنک دخی اولادی اولشدر (ابوسفیان) بن الحارث حضرت رسولک
 ابن عی و حلیه سعیده رضاعندن برادرلری اولغین انلری غایت سورکن یغمبر اولد قلزنده عدو اولوب انلری
 و اصحابلری حاشا هجرو ایدوب مکه فتحه جیه قلزنده قائمده حضرت رسول حلول ایدوب لکن سلمانلرک خوقندن
 تبدیل صورت ایلد قارشو کلوب یوز یولک ده تعلیم حضرت علی ابیه (تالله لقا آثر الله علیه و ان کلنا طاعتین)
 دیکین رسول علیه السلام (الیوم ینقر الله لکم و هو ارجم الراحمین) دیوب عفوایتد کارنده اوغللری عبداللہ
 وجهه قرا بیه ایمانه کلوب لکن اوتانده یقندن اصلا یاشن قالدیر دیوب حضرت رسولک مبارک یوزلرته باقردی
 غزوه حنینده مسلمانلر طاعه قلزنده رسول خدا یائندن جده ایدوب بونک بونک بونک بونک بونک بونک بونک بونک
 طوقوب طوروردی کوندولر مریدر که کسینه کفار ه مقابل اولد یغمزده آتدند اینوب المده یا لیل قلع طوقوب
 رسول علیه السلام اوغری نه چاشوب بده شهید اولدی بیتله طور دینمده بکانتلر ایدوب او حالده عیلمی
 عباس (یار رسول الله) خولک و ابن غمک ابوسفیان فارض عنه) دید که (فعلت ففقر الله له کل عداوة عاد انیها)
 دیوب بیک باقوب (اخو لعمری) دیکین رکابلرند مبارک ایا قلعی ایدیم * کتب سیرده مجرور که بعد الايمان رسول
 علیه السلام اکامیت ایدوب (ابوسفیان بن الحارث من شباب اهل الجنة) بروایتده (سید قتیان اهل الجنة)
 دیوب و دخی غزوه حنینده (ابوسفیان خیر اهل بنی) بروایتده (من خیر اهل بنی) دیدیلر مریدر که باشند سیکل
 اولوب تراش اولد که کسلیکن خسته اولوب هجرتک یکر میسند مدینه ده وفات ایدر اولد که انبای
 اغایتد قلزنده اغلامکز که مسلمان اولالی کلاه اشلام دیوب تسلیم و ربوب مینی نمازق حضرت عمر قیلشدر *
 مریدر که اوغللری عبداللہ وجهه کوندولر بیه ایمانه کلوب حضرت رسولک خنده تلر نه ملازمت ایدوب
 جعفر جاق معاویه خلافتنده وفات ایتدی ابوسفیانک عاتکه آدلو برتیری وارایدی که صحابه دن مصعب بن
 ابی ایه بیک خانوقی اولوب اندن ولدی اولشدر بعضلر قواجه ابوسفیانک علی آدلو بر اوغلی دخی وارایدی
 (مغیره) بن الحارث اصحاب رسولدن اولشدر * امام دارقطنی بونک یرنه امیه بازوب نسلی اولوب
 حدیث دخی روایت ایتد * شدردیش (اروی) بنت الحارث زوجی ابو وداعه السهمیدن مطلب
 ابوسفیان آدلو ابی اوغلی اولشدر (عقیل) بن ابی طالب حضرت رسولی عیسی ابوطالب کندو یا بابی
 عبدالمطلب وفاتد نصکره آنک وصیتله غایت محبت و رعایتله بسایوب بعد النبوه دخی محبت و معاشرت
 دم بدم زیاده و محکم ایدوب لکن کفار قریشدن هجرتندن ایمانه کلبدی * مریدر که جله درت اوغلی ابی
 قیزی اولوب یولک اوغلی طالب بدر غزاسنده کفر اوزره هلالک اولوب سائرلری ایمانه کلتلر در ایکنی اوغلی
 عقیلدر که برادر ی جعفر دن ان بشینه برادرلری حضرت علی سندن یکر می یاش یولک ایدی بدر غزاسنده
 مع الکراهه کفار ایل بیه اولوب مسلمانلر بونی اسیر ایتد کارنده حضرت عباس کندو ایلد بونی صافون اوب
 بعده غزوه حدیبیه دن مقدم ایمانه مدینه به هجرت ایدوب بعده غزوات رسولده جله سنده حاضر اولوب
 برکون رسول علیه السلام بوکا (یا ایا برتیدی احبک حنین) جعفر بن ابی طالب قدیم اسلامه کلوب خانوقیله
 ایاک دیدیلر مریدر که عقیل عاقل معرفت احوال انساب قبائل خصوصنده غایتده * امل اولغین
 کفار قریشک غایت میغوضلری ایدی زیرا دائما آنلرک عیوبن ذکر ایدوب * هجدره و لده بره عین برده عقد
 مجلس ایدوب آیتد و رونده وقایع عربی و احوال نسبی بوکا سوردردی غایت ذکر و حاضر جواب اولوب
 برادر ی حضرت علی به کوسوب معاویه به وارد قده کلی رعایت ایدر * کن برادر ی ذم طریقله یاد ایتد که
 عقیل غیرت چکوب تفصیل محتاج وجهله برقاج کره معار به به نظر ایتد رنک چکوب بشیمان اولوب
 اوتاندره شدرد معاویه نک حیانتده وفات ایتدی (جعفر) بن ابی طالب قدیم اسلامه کلوب خانوقیله
 مکه دن حبشه هجرت ایدوب آتد عبداللہ محمد عون آدلو اوغللری اولوب حبش پادشاهی اولوب
 مسلمان اولان نجاشینک رعایتله مظهر اولوب بعده دعوت رسولله کوچوب خیبر فتحنده کلوب رسول
 علیه السلام آنی کورد که (مادری باجمه الانا فرح بقدم جعفر ام بنی خبی) دیوب جعفری قویوب

ایک فاشی اور تاسی او یوب مال غنچندن اکا و خاوتنه و یوب (اشیت خلقی و خلقی) یعنی صورتی و سیرتی
 بکر دلدید و یوب ویدر که فقرای غایت سوب اکثر آتله او تو یوب مصاحبت معتاد اولغین رسول علیه
 السلام بو کاب المساکین دیر لردی هجرت سکزند ماه جمادی الاولی ده رسول علیه السلام اوچ یکت عدد
 عسکره زید بن حارثه بی سردار ایدوب او شید اولورسه جعفر او شهید اولورسه عبدالله بن رواحه او شهید
 اولورسه برمناسب کسنه سردار او اسون دیوب که ماروم ایله جنسه که کوندر و ولایت شامده مونه آدلو
 برقریه ده اوچ یوز یکت کافرله جنسه که باشلاند قدیه زید شهید اولوب علم شریفی جعفر اوب عظیم صواشوب
 بعده آتدن انوب اتنی سکر لوب تکرار صواشور کن صاع آلی کساد کده علمی حصول الینه آلوب اودخی
 کساد کده ایکی قولیل علم شریفی قوجوب طور ووب بعده قلی ایلی یکه باره اید کارنده او تو رواج باشنده شهید
 اولدی میتنی یوقلد قارنده بدنده طغان عدد دین زیاده یکه یکه بعده علم رسولی ابن رواحه آلوب اودخی
 شهید اولغین صحابه دن بری آلوب خالد بن الولید الینه و بر د کده غایت دلاوری و مادی و امور ضرب و حربه
 مدروما هر اولغین ترتیب صفوف عسکر قلیل ذوی القدر الحلیلی تقدیم و تأخیر ایله بدیل اید کده کفار بی
 تدبیر مستحق التذمیر اسلوب معهود تغییر اولغله بار دمیجی عسکر کادی صاوب قاجوب مسلمانلر آنری عظیم
 قتل ایدر که قووب غنیمت کثیره ایلد و یوب مدینه به سالمین و غنیمت کثیره رسول علیه السلام (ان چه فریطیر
 مع جبرائیل و میکائیل له جناحان عوضه الله من یدیه) دیوب و دخی (دخلت البارحة الجنة فرأيت فيها جعفر
 ابن ابی طالب بطير مع الملائكة) دیکین من یو جعفر بعد الوفا جعفر طیار دیکله اشتهار بولدی او غلی عبد
 الله صحابه کرامدن و عظما و احبایا نامدن کرم و نظریف حلیم و عقیف اولوب بحر الجود دیکله مشهور
 و مودود ایدی باب سخا و حاتم طین زیاده اولوب جمیع امت محرمده بوندن اخبار بر کسنه کلامش در دیوب
 کتب معتبره انده بحیر عقول و راه و اوله جتی آثار سخا بی مسطور در (علی) بن ابی طالب کرم الله وجهه
 رابع خلفه از بن اولغین باب سخا و ده ذکر اولور (ام هانی) بنت ابی طالب امی فاخته با خود هند اولوب
 مکده معراج رسول علیه السلام بونک اوندن ظهور ایتندی هجرت سکزند ماه جمادی الاولی ده رسول علیه السلام
 او کون رسول علیه السلام (قد اجرنا من اجرت یام هانی) دیوب آنک اوند سکزند کت اشراق غازی قیلوب
 بعده صوابه قوری اناک اصلا دیوب ایچنه طوز و سر که قو یوب (ثم الادام الخلل یام هانی لا یفتقر یت فی خلی)
 دید یلر زوچی هبیره دن اولادی اولوب من یور هبیره ولایت خجراته کیدوب آنده کفر او زینته وفات ایدی
 (جاری) بنت ابی طالب ابوسفیان بن الحارث بن عبد المطلب خاتونی اولوب آن دن اولادی اولدی (عبد الله)
 ابن الزبیر ابن عبد المطلب جد الرسول علیه السلام من یور زبیر عبد المطلب بن حنیانده وفات ایتدی او غلی
 عبدالله ایمانه کلوب غزوه حنینده مسلمانلر طاعلده قدیه حضرت رسولک یانندن ابرلیان بر قاج کسنه نک
 بر سید رسول علیه السلام بوکا (ابن عی وحی) دیو یور لردی حضرت ابو بکر خلافتده هجرتک
 اون اوچنده ماه جمادی الاولی ده کفار رومله اولان اجنادین محاربه سنده شیخا غفلت ایدوب تخمینا
 اونو یاشنده ایکن شهید اولوب میتنی لون مقبول کافر او اسنده بولد قلنده جله سنی اوقتل ایتدیکی ظاهر اولدی
 (ضیاعه) بنت الزبیر مقداد بن الاسود خاتونیده جده حضرت رسولله یله اولوب بر خصوصده اکاجات
 ایتدی که امیر ایتمش (ام الحکیم) بنت الزبیر سابقا مذکور اولان زبیر بن الحارث بن عبد المطلب خاتونی
 ایدی (عتبه) بن ابی اهب بن عبد المطلب ابواهب دخی حضرت رسولک عیلمندن ایدی اصحی عبد العزی
 اولوب قزل بکر لغایت خوب صورت اولغین اول ککیتی بابا بی قومش دی مکده حضرت رسول عظیم
 جفا رایدن کفار بخارلر که بری دخی یو ایدی ابوسفیان قیزی و معاویه نک هم شیره سی اولان ابواهب بی ادب تالک
 ام جیل دخی حضرت رسولله داتما جفا ایدوب قرا کو کجه لده یوللری او شته جالیر و دکنلوانا جلق و مغه
 معتاده اولغین دخی (والد عیترتک الاقر بن) آبی نزولنده رسول علیه السلام مکده صفقا و زینته
 جی قووب جله اقر باسن ایمانه دعوت و انذار و نصیحت اید کده مستحق غضب رب اولان ابواهب بی ادب تالک
 الهذا دعوتنا دی که اشبو ایکی ملعون دون حنقه سوره ثبت نزول ایدی ابواهبک کیفیت وفاتی
 فصل غزاه بدرده که شد او غلی اشبو عتبه قبل الاسلام حضرت رسولک رقیه نام کریمه ل بن نکاح حنوب

قبل الاجتماع سوره ثبت نزولنده بابا سی ابرامیله یوشاوب حضرت عثمان نکاح حنوب و یدر که
 مکده حنوبه عتبه و برادری معتب ایلد خوف نندن قاجوب حضرت رسول علیه السلام چاغردوب ایمانه
 کلد کارنده حظ ایدوب ایکسینه دخی خیر دعا ایتدی (معتب) بن ابی اهب ذکر اولدنی اوزره ایمانه کلوب
 غزوه حنینده مسلمانلر طاعلده قدیه حضرت رسولک یانندن ابرلیان بر قاج کسنه نک بری دخی یو ایدی
 یو غزاده بر کوزی حقه شد برادری عتبه ایلد غزوه طاعلده دخی حضرت رسولک خدمتده اولوب دهده
 مکده قلوب مدینه به کتمه یلر ابواهبک اور تاخچه او غلی عتبه کفر او زره باقی قلوب کیفیت هلاک مناسبتله
 مجزات بدد عاده که مشهور نظر اولنه (دره) بنت ابی اهب ایمانه کلوب عیسی او غلی نوفل بن حارث
 ابن عبد المطلب خاتونی ایدی عتبه ولید ابوسله آدلو او غلری اولمشدر (خالده) بنت ابی اهب
 (عزه) بنت ابی اهب یو ایکسینه دخی ایمانه کلدیلر (عبد الله) بن امیه عمه الرسول علیه السلام پدر نک اصحی
 رسول علیه السلام بخش قوما غین عبدالله بن بخش دیکله مشهور ایدی ولایت حبشه ایکی کمره
 هجرت ایدوب دهده حضرت رسول اتی مدینه ده نیچه کره سردار ایدوب و غایت محبت ایدوب بدر غزای
 اسیر لرتک خصوص من اندکله و یو بکر و عمره مشاوره ایتندی غزوه احدده شهید اولوب حضرت حمزه ایلد
 بر من اید و دفن اولمشدر حضرت رسولک خاتونلری زینب بنت خزیمه بونک خاتونی اولوب شهید اولد قدیه ایدی
 رسول علیه السلام نکاح حنوبیلر (ابو احمد) بن امیه خاتونی رفاعة بنت ابی سفیان ایدی حضرت رسولدن
 یاشده یول اولوب هجرتک یکریمب ندن نصره وفات ایدی (زینب) بنت امیه سابقا زید بن حارثه نک خاتونی
 اولوب بعده حضرت رسولک شرف نکاح لری مشرفه اولدی تکیم باب ازواج و مولده که مشدر (حنه)
 بنت امیه زوچی فضلاء صحابه دن مصعب بن عمیر اولوب او شهید اولد قدیه عشره مبشره دن طلحه بن عبدالله
 نکاح حنوب اندن محمد عمران آدلو او غلری اولدی (ام حبیبه) بنت امیه زوچی عشره مبشره دن
 عبد الرحمن بن عوف ایدی (عامر) بن البیضاء عمه الرسول علیه السلام فخر مکده کوتنده ایمانه کلوب حضرت
 عثمان خلافتده دلد حیاتده ایدی او غلی عبدالله حضرت عثمان و فرات و خراسانه حاکم ایدوب یکریم
 درت یاشنده ایدی (اروی) بنت ضاء عمه الرسول علیه السلام پدری کر بن زبیر به بن حبیب بن عبد شمس
 ابن عبد مناف در من یور اروی چه اریاردن حضرت عثمان و والده سی اولوب حضرت رسول علیه السلام
 زماننده ایمانه کلمشدر (ابوسهره) بن بره عمه الرسول علیه السلام پدری ابورهم بن عبد العزی در (ابوسله)
 ابن بره اصحی عبدالله اولوب پدری عبد الاسد بن هلال الخزیمه ویدر ابوسله حضرت رسولک و حزه نک رضاعدن
 برادری اولوب جله سنی بر خاتون زمان واحدده امر رمندی قدامه صحابه دن اولوب مکده دن حبشه بعده
 مدینه به خاتونله هجرت ایدن صحابه نک اولی بودر بدرا یله احد غزایله یله اولوب احدده مجروح اولوب
 یاره ندن فان روان اولد قدیه وفات ایدر کن رسول علیه السلام مبارک اللری کوزی یوموب (الاهم اغفر لابی
 سلمه و ارفع در جته فی علین و اخلف عقبه فی الغابین و اغفر لنا وله یارب العالمین اللهم اضع لفی قبره و نورله
 فی قبره دیو خیر دعا ایتدی بعد القده خاتونی ام سلمه بی کندور نکاح ایتدی لرتکیم یو قاروده که مشدر (فانده)
 کتب سیره مجر در که حضرت رسول شکل و صورتده بکره یلر همان یدی کسنه ایدیکه ۱ جعفر طیار
 ابن ابی طالب که ابن عم الرسول علیه السلام ۲ من یور جعفرک او غلی عبدالله در ۳ ابوسفیان بن الحارث که
 ابن عم الرسول علیه السلام ۴ عبدالله بن نوفل عم الرسول علیه السلام ۵ قثم بن عیامه که ابن عم الرسول
 علیه السلام ۶ حضرت حسن بن فاطمه که ابن بنت الرسول علیه السلام ۷ سائب بن عییند بن نوفل بن
 هاشم بن عبد المطلب بن عبد مناف ایدی

(باب ثانی و عشرون در اصحاب رسول علیه السلام)

اشبو باب تحت نصاب منفعت انتسابده مذکور اولان یکریم عدد فصل شریف الاصلده نیچه فوائد قلاند
 العقیان بیان اولور که (کائنات الباقوت و المرجان) سجه کردان دل و جان و منکوش کوش اذعان و لغه و روحه
 آشکار سز او اراید وکی مانند مهر تابدار روشن و لامع الانوار اولوب کتب تواریخ و منقوب و غیرین
 منتخب و اسلوب مرغوبه مرتب و مهذب و ذهاب قلندیکه ذکر اولان امور اشبو کتب باهر التورک

خصایص و فضائلند و سایر تواریخ و سیر کابرند و رجائی دلائلند و در الهادی و علیه اعتمادی (فصل در تعریف صحابی) خصوص من موصوفه اقوال کثیره اولوب کثیره مواهب لدنیه ده اولانک محصلی بود که قول مختار اوزره حضرت رسوله صاحبی یعنی بعد من البلوغ کثرت مقارنت البتة لازم اولوب مسلمانانک بالغ و نابالغ نندن جمال با کمال حبیب رب معاله زمان نبوت نکرده و حیات دنیویه لایزاله بصیرایسه بر آن نظر اعمی اینسه بر آن ملاقات ایدوب ایمان ایلد و وفات ایدن صحابیدر زمان کفر نکرده نظر ایدوب بعد وفات الرسول ایمانه کلان و ایمان ایلد اکثری ملاقات و مقارنت با همان بر کره نظر ایدوب بعده مرتد اولان صحابی دکلر اما صحابی اولاد نکرده هر تد اولوب بعد وفات الرسول تکرار ایمانه کلان با اتفاق المحدثین صحابی اولوب لکن ارتداد محبط عمل اولغین یونده اشکال وارد صحابی لک انسانه مخصوص اولوب رسول علیه السلام طائفة جنه دخی مرسل اولغین جنلردن تعریف صحابی ماضی اولوب اسمی و احوالی معلوم اولان دخی راجع بود که صحابیدر رسول علیه السلام ملائکه به دخی مرسل ایدی دین بعضی علماء قولنجملری کورن ملائکه دخی صحابه دن او اوش اولور (کاتب السطور اولان عبد پر تصور ایدور خلاصه الفتا واده من اقی النبی علیه السلام من الاعراب مرة او مرتین او مرات لا یسی صحابی اسم ان اشهر بطول صحبة النبی صلی الله علیه وسلم علی طریق التبع له والاخذ منه وبعضهم انه اسم للمؤمن الذي رأى النبی علیه السلام سواء طالت صحبته ام لا ان الحزم بالعدالة تختص بمن اشهر بذلك والباقون کسائر الناس فمهم عدول وغير عدول دینوب * تحریران الهامده الصحابی عند المحدثین وبعض الاصولیین من اقی النبی علیه السلام مسلمان و مات علی اسلامه او قبل النبوة و مات قبلها علی دین الخنیفة کزید بن عمرو بن نفیل و ارتد و عادی حیاته و امامه و وفاته کفره و الاشعث فقیه نظر و الاظهر اننی و عند جمهور الاصولیین هو من طالت صحبته متبعا مدة یثبت معها اطلاق صاحب فلان عرفا بلا تحدید فی الاصح و یتنی علیه نبوت عداله غیر الم لازم فلا یحتاج الی التزکیة او یحتاج و علی هذا جرى الخنیفة * دینبکین مواهب اولان همان محدثه بعض اصولیین قول اولوب لکن تحریرده و علی هذا جرى الخنیفة کلامی و تلویحده الا ان الحزم بالعدالة تختص بمن اشهر بذلك کلامی من بور این همامک کتاب مسایره سنده و اعتقاد اهل السنة تزکیة جمیع الصحابة و الثناء علیهم دیوب و اکابک شارحی دخی تزکیتم واجبة بانبات العدالة لکل منهم و الکف عن الطعن فیم دید و کنه مخالف کور تور و الله اعلم (فصل در فضیلت صحابه) ینه مواهبه مذکور در که جمهور سلف و خلف متفق در که زمره صحابه بعد النبیین و الملائکه المقرین افضل مخلوقاتد و حضرت رسوله مسلمان مقارنت ایدن یا خود مسلمان بر کره کورن عهد صحابه دنصکره کلان جمیع امتدن افضل در اگرچه کیم (مثل امتی مثل المطر لا یدری آخره خیرام اوله) بیور لشدن لکن مجرد زیاده نواب مستلزم فضیلت دکلر زیرا مشاهده رسوله معادل فضیلت اولماق مقرر در * مزبور در که شامی صحابه فتح اید کده طائفة نصاری یونلری کوروب هر حال لری نه تعجب ایدوب و الله یونلر عیالک صحابی اولان حواریوندن افضل در دیشلر (افضل ما شهدت به الاعداء) فضیلت صحابه حقیقه آیات و احادیث کثیره وارد جلد دن (کنتم خیر امة اخرجت للناس) آتی و دخی (و السابقون الاقلون من المهاجرین و الانصار و الذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه و اعدهم جنات تجری تحتها الانهار خالدين فیها ابدان ذلك الفوز العظيم) آتی و دخی (لا تسبوا الصحابی فلان احد الذنق مثل احد ذهابا بلغ مد احدهم ولا تصیفه) حدیثی و دخی (الصحابی کالنجوم باجم اقتدیتم اهتدیتم) حدیثی و دخی (الله فی الصحابی لا یتخذوهم غرضا بعدی فن احبهم فیمی احبهم ومن ابغضهم فببغضی ابغضهم ومن اذاهم فقه اذانی ومن اذانی فقد اذی الله و من اذی الله فیه و مثل ان یاخذهم) حدیثی و دخی (خیر الناس قرنی ثم الثانی ثم الثالث ثم یحیی قوم لا یر فیهم) حدیثی و دخی (خیر امتی القرن الذی بعثت فیم ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم ثم یخلف قوم یحبون السعانة یشهد و اقبل ان یسئلوه) حدیثی و دخی (لأنس النار مسلمانان ائی و اری من رأی) حدیثی و دخی (و ایدوب قرندن مراد صحابه ایکنجیدن مراد تابعین او خجیدن من ادبغ تابعین در دیشلر (فصل در تعظیم صحابه) کتب عقائده مذکور در که جمیع صحابه بی تعظیم و انلر حسن ظن و هر برینه صلاح و عداله اعتقاد و انلر

مطابقا لمن و طعن و بغض و نه صیدن و بعضلرینک محبتیون بعضلرینه بغض و عداوتدن احترازیه طریقه یا عداوت یا قدح و طعن اقتضایده جل طریقه بعضلرینه محبتی تر لک ایلک ادله قطعیه ایلد بر وجه جازم واجب و لازم در بر کسته صحابه دن بری مرتبه ده ایدن افضل اولان بر صحابه دن بر امر دنیوی ایچون محبت دنیویه ایلد زیاده موب لکن افضل اولانی محبت دنیویه یعنی اعتقاد افضلیتله زیاده سوسه آتم اولور مثلاً بر کسته حضرت علی اولادندن اولفله دنیاچه نندن انی حضرت ابوبکر دن زیاده سوب اما آخرت جه نندن ابوبکر علی علیدن زیاده سوب انک عایدن افضلیتنه معرفت اولسه آتم اولور زیرا محبت دنیویه طبعی عید راختیاری دکلر لکن ترک اولی ایتمش اولور (فصل در وجوب کف لسان از احوال صحابه) شرح عقائده صحابه اراسنده واقع اولان منازعات و محاربات ایچون محامل و تاویلات وارد بر سب انلر سب و طعن من لافذف حضرت عائشه کبی ادله قطعیه به مخالف ایسه کفر در مخالف دکلر بدعت و فقه دینوب * مواهب لدنیه ده (اذ ذکر الصحابی فامسکوا) یعنی اصحابم ذکر اولند فده سکوت و امساک لسان ایدک دیوودخی (من سب احدا من اصحابی فاجلدوه) دیوایی حدیث و جامع الصغیر سیوطیه (تکون لاصحابی زلة یفرها الله تعالی لهم لیسما بقتم معی) دیوودخی (شفاعتی مباحة الا من سب الصحابی) دیوایی حدیث دخی مریدر خلاصه الفتا واده حضرت ابوبکره و عمره سب و لعن کفر در اما علی بی انلردن افضل صامق کفر دکلر بدعت و ضلالتدر امام اعظم حضرت نلری مذهب اهل سنت و جماعت ندر دیوودخلدقه (ان تفضل الشیخین و تحب الخنثین و ترى المسح علی الخنثین و تصلی خلف کل بر و فاجر دیدیلر) دینوب کتاب آداب المنازله سب الصحابه مرة واحدة ایس بکفر بل ضلالة و یغز کل سب الی ثلاث مرات و لو سب اکثر من ثلاث مرات یقتل دیومذ کوردر و الله اعلم (فصل در ترتیب فضیلت صحابه) علماء دیشلر در که جل صحابه اوچ قسمه در بری مهاجریندر که مکه فتحنه دن مکه دن و غیر برلردن ترک وطن ایلد هجرت ایدوب حضرت رسوله ایمانه کلش یا خود کلد کدنصکره ایمانه کلش اولنلردن ایکنجی انصار در که قبائل عربیدن مدینه ده و اطراف مدینه ده اولان اوس و خزرج قبیللری و آنلرک حایقرلری یعنی دوستلری اولان قبیللرک مسلمانلردن که حضرت رسوله نصرت و معاونت ایدلری ایچون انصار دیکله اشتیاریولدیلر * اوچنخی (لا هجرة بعد الفتح) حدیثی اوزره فتح مکه زمانده آنده و آخر برلرده ایمانه کلنلدر که آنلر مهاجر و انصار دینوب همان صحابی دینور * جامع ابن الاثره جهنس مهاجرین جنس انصار دن قدما مهاجرین قدما انصار دن بعض قدما انصار بعض مهاجرین متأخریندن افضل اولوب یومر نه دنصکره ینه ارازلنده تفاوت اولوب نیجه اسلامی مؤخر مقدملردن افضللردن مثلاً عمر و بلال کبی دینوب * تاریخ الخلفاء سیوطیه اهل سنت و جماعت اتفاق ایتنلدر که افضل جمیع صحابه اولا چهار بار بعدهم بقية عشرة مبشره بعدهم بقية اهل غزوة بدر بعدهم بقية اهل غزوة احد بعدهم اصحاب بیعت شجرة که انلر اهل بیعت رضوان دخی در بر بعدهم سائر صحابه در دینوب * بحر رسطور و اولان عید بر قصور ایدر چهار بار دنصکره افضل صحابه بقية عشرة اولدبقی نوع و جماعت اعتبار ایلد در زیر افراد اعتبار ایلد چهار بار دنصکره افضل حسن و حسین بعدهما جزء و عباس بعدهما بقية عشرة اولد در اگرچه الی الان یومعشایه دلالت ایدر بر نقل کوردم لکن اخبار و ذوق سلامت آثار بویه اولمقی اقتضا و بونی حتم و ختم و امضا ایدر و الله اعلم علی اظهار و اجم (فصل در اسام صحابه) بحسب ترتیب زمان مواهب لدنیه ده مذکور در که صحابه ایچون علماء اولن ایکی طبقه ذکرا یدیلر ۱ سابق یعنی قدما مسلمین و مسلمانلدر که ابتداء نبوت رسول علیه السلامده ایمانه کلدیلر خدیجه و علی و ابوبکر و زید بن حارثه و بقية عشرة مبشره اولان مکز نفر کبی و یونلرک امشالی کبی مواهب لدنیه ده دخی حضرت عمر ایمانه کلد کده جل صحابه قرقره الی عدد ما یسئله ارکشی و ابن بر عورت ایدیلر دینوب نفسیر فاضله و غیریده عوله یله جل او نور ذرت ارا و اتی عورت اولدیلر دینوب بعض کتیده عمر یا کز اولر لقر قحیسی اولدی دیومذ کوردر و الله اعلم ۲ اصحاب دارالند و در که عر اسلام دنصکره رسول علیه السلام جل صحابه یله دارالند دن دارالندوه به کوچوب آنده اهل مکه دن نیجه ایمانه کلشلردن ۳ شونلدر که ظهور نبوتدن بشنی یلده مکه دن ولایت حبشه کبی اهلبله کبی یا کز هجرت ایدوب جل سی اون بریاون ایکی ارددرت یا بش یا بشی خاوند ایدیلر که احملری و بعض احوال لری هجرت

حبشه فصله بیان اولی و عقبه ثانیه اولان اهل مدینه دن سابق انصار ایدیلر
اولک کیم ایلکی نفر ایلک کیم اولان ایلکی نفر ایدیلر که تفصیلی یوقا روده کیمند ۵ ینه انصار دن اصحاب عقبه ثانیه
اولان بخش از بر عورت ایدیلر که بونلر دخی کیمیت ایمانلری سابقا ذکر اولمشدر بونلرک و انصار دن
سائرلر یکن تفصیللری حقنده رسول علیه السلام (لایقضا الانصار رجل یؤمن بالله والیوم الآخر) دیوب
ودخی رسول علیه السلام غزوه بنی النضیرده جمیع مال غنیمت عظیمه بی انصار اختیارلرله مهاجرینه و برکده
حسن و سائرلر دن حظ ایدوب (اللهم ارحم الانصار و ابناء الانصار و ابناء الانصار) دیوب خیر دعا ایدوب
ینه آنلرک حقنده (و یؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة) آیتی نزل اولمشدر ۶ شول مهاجریندر که
حضرت رسول علیه السلام مدینه به ابتدا کلوب ودخی شهره کیم مدین شهره قریب قبا اولورده ساکن ایکن
مکه دن کادیلر ۷ اهل بدر کیری یعنی حضرت رسولک کفار ایلر ابتدا محاربه سی اولان بدر غزاسنه یله کیدن
اوچیوز اولان اوچ صحابه ایدیلر که بونلرک حقنده رسول علیه السلام (لیسر من شهید بر ابائکم) دیوب ودخی
(ان یدخل النار رجل شهید بر ابائکم) دیوب ودخی حضرت عمره خطابا (وما یدر بک لعل الله اطلع علی
هذه العصابة من اهل بدر فقال اعملوا ما تم ثم نقد غفر لکم) دیشدر ۸ شول مهاجریندر که غزوه بدرله غزوه
حدیبیه اراسته مدینه به هجرت اولمشدر ۹ اهل بیت رضوان ایدیلر که آنلر اصحاب شجره دخی درلر یکن
در تیوزله یکن بشیوز مددی مایینده ایدیلر که غزوه فتح مکه اولنده تفصیل اولمشدر (اقد رضی الله عن المؤمنین
اذ یبايعونک تحت الشجرة فعلم ما فی قلوبهم فاعلم انکم من الله و انهم قحما قریبا) آیتنده مؤمنیندن مراد
بونلر رسول علیه السلام اوزمانده بونلر (انتم خیر اهل الارض) دیوب ودخی بونلرک حقنده (لایدخل النار
ان شاء الله من اصحاب الشجرة احد) برروایتده (لایدخل النار احد من بايع تحت الشجرة) دیوب بومقوله
برلرده ان شاء الله دیکلری شکر ایچون اولموب بچر دادم الله ایلر تبرک ایچوندر دیشدر ۱۰ شول مهاجریندر که غزوه حدیبیه ایلر
بدر حقنده اولان ایکنی حدیبیه اهل حدیبیه دن مراد بونلر ۱۰ شول مهاجریندر که غزوه حدیبیه ایلر
فتح مکه اولنده مدینه به هجرت ایدیلر خالد بن الولیدله عمرو بن العاص کیمی دیشدر ۱۱ شوللردر که حضرت
رسول علیه السلام مکه بی فتح ایدیلر کیمی اول کون ایمانه کلدیلر بونلر جم غفیر و جم کثیر اولوب کیمی طوعا
ایمانه کلوب کیمی خوفا کلوب ایکن اکثرینک تدبیرله ایمانلری قایلریده همیچو طود شاخ متمکن و راسخ
اولمشدر ۱۲ شول میداندر که یوم فتح مکه ده و بعدده حجة الوداعده حضرت رسول یتوب جمال شریفلرین
کورمشدر سائب بن زید کیمی بعد الفتح قول صحیح اوزره هجرت اعتباری منقطع و مرتفع اولدی دیشدر
(مصل در ذکر عشره مبشره) معلوم اوله که حضرت رسول علیه السلام آل و اصحاب ذوی القبولدن جنته
دخول ایلر صراحة یا اشاره بشارت ایدیلر کیمی بعدد و غایت در زیر اوچیوز اولان اوچ کسسه اولان اهل بدر و یکن
در تیوزلر یکن بشیوز مایینده اولان اهل بیت شجره جهته کیمیندر دیوب حدیث صحیح اولوب حتی جله صحابه
بلکه جله تابعین دخی اهل جنت ایدیلر ینه نیز تمذیده (لائس النار سلما لانی و اراى من رأتی) دیوب حدیث
شریف مریدر لکن مجلس واحده اهلرین تعیین ایدوب دخول جنتله صراحة بشارت ایدیلر کیمی عشره
مبشره دیکله مشهور اولمشدر که دردی چهار یا عظامدر که معلوم عامه انام اولوب خلافتلری مناسبتله باب
الخطبة ایدیلر اسنده ذکر اولمشدر بیدخی حضرت رسولک همه سی اوغلی زبیر بن العوامدر که باب اقر باه رسولده
یکه شد ریشی دخی بونلردر که حالالال ذکر اولمشدر (ابو عبیده) عامر بن عبدالله بن الجراح بن هلال بن اهیب
ابن ضبة بن الحارث بن فهر ابن جد الرسول علیه السلام مکه ده و اهل نبوت رسولده حضرت عمر دن مقدم ایمانه
کنلرندر بعدده حبشه هجرت ایدیلر یله اولوب بعدده بدو سائر غزواتده حضرت رسولدن جنتا جدا اولوب
بوللرینه جان و باش فدا ایدیلر دندر رسول علیه السلام (ان لکل امة امینا و امین هذه الامة ابو عبیده
ابن الجراح) دیشدر مریدر که طویل القامة نحیف البدن و خفیف اللحية ایدی بدر غزاسنه مرادنه میدانده
کیروب پیری عبداللہی رضا الله قتل ایدوب بونلر مدینه (لا یجد قوم یؤمنون بالله والیوم الآخر و اذون
من حاد الله و رسوله ولو كانوا ابناءهم) آیتی نازل اولدی احد غزاسنه حضرت رسولک اوزرینه کافلر
طاش اوب باشلرند کیم دمور و غنیمتک ایکی حلقه سی مبارک یکاقلر ینه محکم باتدقده ابو عبیده دیشدر ایلر

انصار و بچکوب چقار دقده ایکی دیشی حقه مشدر ۳ سن تمذیده مریدر که حضرت عائشه به رسول الله
اصحابندن قنفسی سوکولادی دیدکالنده (ابو بکر تم عمر ثم ابو عبیده) دیوب طبرانی دخی روایت ایدر که
صحابه دن ابن عمر (ثلاثة من قریش اصبح قریش و جوهرا و احسن الاخلاق و انتم اجنانا ان حدوثکم لم یکنزولکم
وان حدیثکم لم یکنزولکم ابو بکر الصديق و ابو عبیده بن الجراح و عثمان بن عفان) دیوب صحیح مسلمده دخی
مریدر که حضرت رسول علیه السلام کند و برلرینه خلیفه اولمیشی تصریح و تعیین ایتسه لکیمی ایدرلر دی
دیوب حضرت عائشه به صورلدقده ابو بکر دیوب صکره کیمی دیدکالنده عمری دیوب صکره کیمی دیدکالنده
ابو عبیده بن الجراح دیشدر ۴ مریدر که زاهد و غازی و مجاهد کثیر المغازی اولوب حضرت عمر خد لافتنده
مدینه دن بونی عسکر اسلامه سردار ایدوب شام فتحه کوندروب بعده خالد بن الولیدی سردار ایدوب
ابو عبیده یله اولوب کفارله بعض محاربه لرایدوب شام فتح اولدقده خالد برینه ابو عبیده بی شامه ساکن نصب
ایتدی مریدر که غایتده عابد و اهل تقوی و مجاهد و تارک دنیا اولوب مسکن شر یقنده بعض آلات خریدن
عابد ابرقیون پوستی ایلر صو دستیسندن غیری برنسنه سی یوغیدی ۵ مریدر که حضرت عمر اگر بنم اجمل
کالدکده ابو عبیده حیاتده بونلرورسه بریمانی خلیفه ایدوب نیچون انی خلیفه ایتدک دیوالله تعالی سوال
ایدر سه یارب رسولک (لکل نبی امین و امین ابو عبیده بن الجراح) دیدیکیمی ایشتم دیم دیش حکمة الله عمر
حیاتده هجرتک اون سکزند شام قریبده مشهور بین الناس اولان طاعون عمواسده الی سکر یاشنده
وفات ایدوب نمازی کبار صحابه جنت محلندن معاذ بن جبل قبلمشدر (طلحة) بن عبدالله بن عثمان بن عمرو بن
کعب بن سعد بن تميم بن مره جد الرسول علیه السلام حضرت رسولدن یکریمی الی یاش کوجک اولوب ودخی
صحابه ایچنده سابق و قدما دن و علمادن و فقهاه عظمادن ایدی بدر دن غیری جمیع غزاردده حضرت رسولله یله
ایدی رسول علیه السلام بونلرک حقنده (من اراد ان یستظرا لی شهید یشی علی الارض فلیستظرا لی طلحة)
دیشدر غزوه احدده قفادار رسول مختار اولوب آنلری غایت حیات ایکنین اکا طلحة الخیر دیوب لقب
قویوب ودخی (اوجب طلحة) دیوب یعنی جنته کیرمک مقرر اولدی دیشدر ۶ مریدر که اول غزاه جنت
جراذه طلحه بی صبر و درنک نه نلرک اهلک بر ایلر محکم جنت ایدوب بر ایلر حضرت رسول قور دیوب تیغ و تبره
سپرا یکن اول دست حق برسنه شمل و خلل ایریشوب یعنی چولاق اولمشدر علمادن مهمل اولدی جسد
بی حسدینه دخی غمشش جراحت اصاب ایتدکده رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مبارک اللریله کوزده سنی
صغایوب (اللهم اشفه و قوه) دیدکده فی الحال تحت برکال بولوب اعدا دیله تکرار جنتک یا ملدی کریم
و منفق و منفق و غایتده اهل خیر و متصدق ایدی اوقات منفقده ده عقارلرندن برنی قرق یکن التونه صانوب
جله سن ودخی شامدن تجارندن کلان بدیوز دوه بی یوکار یله جله سن تصدق ایدوب ودخی فی سبیل الله
یشیوز عرقی آنله معاونت غزا ایدوب ودخی اهل بدر دن حیاتده اولان بوز نه صحابه نک هر برینه دردر
بوزالتون وصیت ایدوب بوجه نصکره وفات ایتدکده ورنه سنه دکن مختلفانی اون الی حصه اولوب
هر حصه سکر بوزالتون اولمشدر ۷ مریدر که کوننده بیکر ایلر عانده سی اولوب غایتده اخشیادن اولغین
طلحة الجود و طلحة الفیاض دیومشم و راولوب برکوننده بدیوز یکن ایلر اولمشدر و اقربا سندن برینه
برکره اوچیوز یکن ایلر و بر مشدر شهید اولدقده بعض ایلر قولنجه ایدیلر یکن التوفی ابن جوزی قولنجه اوچیوز
دوه یوکی التوفی چیقدی ۸ مریدر که حضرت ابو بکر وفاتد نصکره آنک قیزی ام کلثومی ۹ شیره سی حضرت
عائشه مزبور طلحه به نکاح ایدوب آندن زکریا یوسف آدلوا و غلاری عائشه آدلوقیزی اولدی هجرتک اووز
التی منده بصره شهرنده معلوم اهالی و کل اولان محاربه یوم جلده حضرت عائشه عسکرینک سرداری
ایکن ینه کند و عسکرلرندن مروان صاحب طغیان یوکار خصوص ایچون عداوت اوزره اولغین جنتک
ارامنده اوق ایلر اوروب شهید ایتدی مدتی عمری التیش درت ییل ایدی (عبد الرحمن) بن عوف بن عبد عوف
ابن عبد الحارث بن زهره بن کلاب جد الرسول علیه السلام غیری اسمی و ارا یکن بعد الاسلام و اسمی حضرت
رسول تودی یوزی اق اوزون بویلو ابری کوکالری یولک اق و قزل بکر لوطو غان بورونلو یاقره یاغز قیللو
کسسه ایدی صحابه ایچنده بودخی سابق و قدما صحابه دن و علمادنه اعظمه دن اولوب غزواتده کفار ایلر

عظیم جنگ وایکسی قتل ایدوب کند و سی دخی بکری بردن مجروح وایکی دیشی قیریلوب وایاقلری افساق
اولوب حضرت عترتید اولاده ایچلرندن برسی برلینه خلیفه اولغه وصیت ابتدکاری التي کسته نک
برسید و تقاسیده مذکور در که سکرینک ایچسی اولوب نصفی حضرت رسوله کتوروب مستحقه توزیع
ایک بونک شانی عیاله کفاف ایچون الیه قوم دید که حضرت رسول (بارک الله لک فیما اعطیت و فیما مسکت)
دیوخیردا ایچکین بفضل الله مالنه او قدر برکت کدی که شکر الله حق بولنه الی سیک التون وصیت ایدوب
یتش بش باشند وقات اید که درت خاوتنک بری ربع غن بدی سکسان سیک ایچله صلح ایتدیلر * مواهب
لدنیه ده مذکور در که دعاه رسول الیه تجارندن عظیم برکت بولوب وقات ایتدیکنده تقسیم ایچون یغلان
فلوری یقن ال الیه وکک ممکن اولماغین ایچنه یای ووقوب قارشدر دیر حال حیاته ده برکونده اووز قول
آزاد ایدوب برکه تجارندن کلشیدی ووزده بی بوکار الیه وحرل الیه فی سبیل الله وروپ اولشدر دی و ساقبار که
نصف مالی اولان درت یکی بعده فرق سیک التونی صدقه ایدوب بعده غزا ایچون بشروزات بعده سیک بشموز
دوه ویرمشد (معد) بن ابی و فاص بن وهب بن عبد مناف بن زهره بن کلاب جد الرسول علیه السلام
مر ویدر که بعد بانی سولک اعضایی قالدین کوته قدقه یاغزا قاطس یعنی یاصی ویاچ بورنلو کوردمسی قبلو اولوب
مقالن بویاردی بودخی صحابه ایچنده سیاق و قدما دن وعلما و قهه ساء عظمادن اولوب حضرت رسوله جمیع
غزالده حاضر و غایبه بهادر اولمقن فارس الاسلام دی که نام و اشتیاق نام بولدی تیرانداز جانکداز اولمقن
غزوه احدده تیر وکان الیه بعض اهل کفر بد کانی مجروح و بعضلر بن بیروح ایتد که رسول علیه السلام
(اللهم سدد و سبیه واجب دعوت) دیوخیردا ایتدیکین من بعده من بورسعد مستحیاب الدعوه اولوب بفضل
الله ایتدیک دعاه مقبول وهر آتدینی تیرا صابت انما جسد پر حید اعدایه وصول بولوب اصلا نشاندن
عدول ایتدیدی حضرت رسولدن بکری اوج یاش کوجک اولوب هجرتک الی بشتده تخه مینا سکسان باشند
یا یتش درت یا یتش اوج ویا خود سکسانند زیاده ایکن مدینه نک طشره سنده یدی میل برده وقات ایتد که
چاق شهره دیک تاوتی مسلمانلر آموزرنده کتوروب عشره مبشره نک آخر وقات ایتدی بودر (سعد) بن زید
ابن عمرو بن نفیل بن عبد العزی بن رباح بن عبد الله بن قریظ بن رزاح بن عدی بن کعب بن لوی جد الرسول علیه
السلام بودخی صحابه ایچنده سیاق و قدما دن و صلحا و عظمادن ایدی بدردن غیری غزالده حضرت رسوله
یله اولوب انلردن بکری یدی یاش کوجک ایدی قبل الاسلام حضرت عمرک اودخی بونک مشیره برن تزوج
ایتدیلر ایدی بدردی زید بن حضرت ابراهیم اوزره ثابت اولوب حضرت رسول کوروب لکن قبل النبوه وقات
ایدوب بونک اوغلی سعید یا رسول الله زیدک احوال کور دیکر وایتدیکر انکچون استغفار ایلک دید که
(نم استغفرله فانه یبعث یوم القیامه امة واحدة) دیدیلر من بورسعد مدینه ده یا کوفه شهرنده هجرتک الی
برنده یا اللیسند بانی غش یادخی زیاده جه ایکن وقات ایتدی (فایده) بحر الکلام امام نسفیده انبیایه
سوال قبر و عذاب قبر و قیامتده حساب دخی اواز اخطال مؤمنینه دخی عذاب قبر و حساب اولز عشره مبشره
دخی حساب مناقشه اولز یعنی نیچون بویه ایلک دیو عتاب اولز اما حساب عرض که بویه ایلک اما عفو
ایلدیم دیک انبیایه دخی اولور دیومذ کوردر (فصل در بیان طبقات علماء صحابه) اشبوفصلده نیچه فایده
برعائده وارد که بوجیت وکیت ایل ذکر اولمسی اشبوکاب صحت نصایک خصائص وفضائل کتندر (فایده)
کتاب فوایح مسکیده کال تفصیلله مذکور در که حضرت رسوله ملازمت و مقارنتیه مداومت ایدن
عصایه صحابه ذوی الاصابه نک اکثری علما و قهه ایدیلر انکچون رسول علیه السلام (اصحابی کالنجوم باهم
اقتدیتم ایتدیتم) یورمشد لکن ایچلرندن قتاوی و احکام و بیان حلال و حرام الیه مشهور انام اولنلر
بری حضرت ابو بکر ایدیکه علم جمیع صحابه ایدی و حضرت عمر ایدیکه ابن عباس برسنه دن سوریلوب قرآن
و حدیث و فعل رسول الله بولسه قول و فعل ابو بکرله اودخی بوغیشه قول و فعل عمر الیه جواب و برردی
زیرا حضرت رسول (اقتدوا بالذین من بعدی ابو بکر و عمر) یورمشدی و حضرت عثمان ایدیکه کبار قهه
صحابه دن ایدی و حضرت علی ایدیکه سعید بن المسیب ایدر (کان عمره و ذیابته من معضله ایس فیما ابو حسن)
یعنی حضرت عمر حضرت علی حاضر دکل ایکن واقع اولان مشکل قضیه دن استعاده ایدردی (حتی قضیه

ولا با احسن اها) مشهور مثل اولشدر (وعبد الله) بن مسعود ایدیکه عظماء قدماء مهاجریندن
و حضرت رسولات خصوص خدا مندن اولوب مدینه ده یا کوفه ده هجرتک اوتوزا یکسند یا اوچنده وقات
ایتدیلر تابعیندن امام شیعی ایدر اصحاب رسوله اندن افقه بوغیدی کتب حدیثه ابن مسعود حنفده
(رضیت لامتی ما رضی اها) ابن ام عبد و مخطط اها ماسخط اها ابن ام عبد (دیو حدیث صحیح وارد امام اعظم
حضرت زینک استادی حماد انک ابراهیم فحی انک علقه انک بن مسعود در (وابو موسی) الاشعری در که رسول
علیه السلام تعلیم قرآن ایچون انی عنه کوندر ووب حضرت عمرانی بصره به حاکم ایتدیدی جمله صحابه دن
زیاده خوب آواز اولوب رسول علیه السلام بونک آوازی حنفده (لقد اوتیت من مارامن من امیر آل داود)
دیدیلر (وابی) بن کعب در که حضرت رسوله کاتب الوحی اولوب قراندن نازل اولانی اکثر یا بویارزدی
(ومعاد) بن جبل در که قتیبه و فاضل و صالح اولوب عهد رسول الله قرآن عظیم الشانی جمیع ایدن درت نفر
انصار کبری وینه عهد رسول الله فتوی و برن صحابینک بریدر (وزید) بن ثابت در که راسخین فی العلم دن
اولوب رسول علیه السلام امتک افروض یعنی علم قرانضه اعلمی زید بن ثابت در سور مشرک ویدر که
ابن عباس کال علم و ادب الیه زیدک اینه واروب علمه متعلق بعض نسبه ایشیدوب واکر نک ایچون زید طشره
حقیقه منتظر طوروب طشره حقیقه ده نیچون کالک بن سکا وارورده دیوب ابن عباس دخی (العلم بونی
ولا بانی) یعنی علم صاحبی کسینه نک ایاغنه وارمز یعنی علم صاحبینک ایاغنه و اراق عادت در دیوب زید آنه
بند که ابن عباس انک اوزنیکسینه یا شوب یا نجبه سیان پوروب زید دخی بوندید که ابن عباس (هکذا
امرنا ان نقبل بعلمنا) دیوب زید دخی تعظیم او و اوضاع ابن عباسک الن طووب اووب (هکذا امرنا ان نقبل
باله دیت فینا علی الله علیه وسلم) دیدی (وابو الدرداء) در که سلوی فوالدی نسبی سده لوتقدتونی لتقدن
رجلا عظیمین امة محمد) در ایدی کال علمدن ماعد احد دن بیرون زاهد و تارک دنیا اولوب برکوجک هجرتی
وارایدیکه ایچنده یا تده ایاقلری طشره جبقاردی و حضرت رسولک خاتونی عائشه صدیق ایدیکه اکثر
احوالی باب ازواج رسوله کچمشدر نظر اولنه (فایده) سلفدن بری ایدر رسول علیه السلام حیاته ده فتوی
ویرنلر مهاجریندن ابو بکر و عمر وعلی انصار دن ابی بن کعب معاذ بن جبل زید بن ثابت ایدی * تابعیندن
امام مسروق ایدر جمله صحابه نک علی عمر علی وزید بن ثابت و ابی بن کعب و ابودرداء ابن مسعود منتهی
اولور یعنی منتقل اولوب بونلرک علی ابن مسعود منتهی اولشدر * تاریخ الخلفاء سب و مایده حضرت
ابن عمر رسول الله زمانده خلقه کیم فتوی و برردی دید کزنده ابو بکر و عمر غیر بلر بن بلم دیوب قاسم بن محمد
ایدر زمان رسوله ابو بکر و عمر و عثمان وعلی خلقه فتوی و برردی دیدر (فایده) در بیان عبادله از علماء
صحابه فوایحده مذکور در که طبقات افقه هاده شیخ ابواسحق شیرازی ایدر رسول علیه السلام و فائد نصکره
صحابه دن پیران یاران رسولک علوی آنلردن نصکره صحابه نک تازه زنده ظهور ایتدی بری عبدالله بن
عباس در که رسول علیه السلام و فائده اون اوج باشند اولوب تفصیل حالی باب اقربا رسوله کچمشدر
نظر اولنه بری عبدالله بن عمر در که امام مالک ایدر وقات رسول نصکره الشمس یله دیک دائم مؤمن حیده خلقه
فتوی و برردی و عبدالله بن الزبیر در که علم مناسک حیده ثبات ماهر اولوب برید بن معاویه نصکره مکده
خایفه اولمقن احوالی باب خلفاده بیان اولنور و عبدالله بن عمرو بن العاص در که حضرت رسولدن احادیث
شریفه بوندن جوق ضیظ و روایت یتش کسینه بوغدی امام بیحی عبادله دیکه مشهور اولنر عبدالله
اسجمله معنی اولان اشبوردت نفر کسینه در عبدالله بن مسعود عبادله دن دکلر زیر بونلردن مقدم وقات
ایدوب بونلر یتاوب زمانلری خلقی بونلرک علمه محتاج اولوب برمسئله به دردی معا اتفاق ایتدیلر
عباده نک قولی یا علی یا مذهب بودر دیوب انکه عمل ایدر زدی دیشدر بحر مسطور اولان عبد بر قصور ایدر
یعنی قولی جمیع محدثین و شافعیه و سایر قولیدر امام جمیع حقیقه قشده عبادله همان ابن مسعود ابن عباس
ابن عمر در غالباً قول محدثین اصطلاح قسیم و قول حنفیه اصطلاح جدید اولنلر و الله اعلم (فایده) یتنه
فوایحده مذکور در که ابن عباس و ابن عمر و ابوسعید خدری و ابو هریره و جابر بن عبدالله و صحابه دن
بونلرک اشالی وقات حضرت عثمان نصکره کاند بونلرک یتنه دیکه ده خلقه انتاخر وایت حدیث ایدر زدی

(فصل در مؤذن اراخواب) بنه خیمه مذکور در که حضرت رسول در آن درت مؤذنری اولوب ۱ بلال حبشیدر که
 مکده امیه آدلو کافله قوی ایکن ایمانه کلکین اقدسی عظیم اشکنجه ایدوب ایمان دن دوندن مکده قادر اولوب
 حضرت ابوبکر اشکنجه بی کورد کده صانون الوب آزاد اشدی بلال فضائی تفصیل محتاجدر ۲ عمرو
 ابن ام مکتوم القرشیدر که مهاجر شدن اولوب اعمی ایدی ۳ سعد بن عابد یا خود سعد بن عبد الرحمن القرظیدر که
 قباده اذان ویرمندر ۴ ابو محذور و اوس الحنظلی المکی در که مکده اذان ویردی بلال صاحب کمال اذاند تر جیع
 ایحبوب اقامتی افراد ایدوب ابو محذور اذاند تر جیع و اقامتی مثنی ایدوب شافعی اقامت بلال اهل مکده
 اذان ابو محذور و اقامت بلال ابو حنیفه و اهل عراق اذان بلال و اقامت ابو محذور ایدوب احد بن حنبل و اهل
 مدینه اذان و اقامت بلال ابو حنیفه و ثنیة لفظ اقامتده اهل مدینه به مخالفت ایتمدر در عینل
 (فصل در ابلجیان رسول علیه السلام) بنه خیمه مذکور در که رسول علیه السلام هجرتک بدنجی بیلی
 اولنده ماه محرمده الی کسنة بی برنامه الیه الی پادشاهی ایته دعوت کوندروب او کجه نک صبا حنده قدرت
 حقه کیده حکمری ولایت خلقتک دیلار بی بیلمش قانقدیلر بو خصوص کار مجز اتنددر ۱ عمرو بن امیه
 الضمری ایدی که حبشه نجاشی یعنی پادشاه اولان اصحمه به کوندروب وارد قده نامه رسولی کوروب یوزینه
 کوزینه سوروب تغطیا تختندن اشاعه ایسوب برده اونوروب صدقه ایمانه کلوب حضورش یفرینه وارمغه
 قادر اولمدر وارردم دیوا اعتذار و محبتنامه کوندردی بعد زمان کند و اوغلنی دخی کوندرد کده بولده
 دریاه غرق اولدی هجرتک طقوزنده نجاشی حبشه وفات ایدکده رسول علیه السلام آنک تمیزی
 چاق مدینه ده قبلدیلر ۲ دحیه بن خلیفة السکلی در که آفی قیصر روم اولان هرقله کوندروب مکتوب شریفی
 کورد کده ایمانه کلکمه تفصیل محتاج و جهله چالشوب ولایتی خلقی هجوم ایتمکین خوفندن میسر اولدی
 تکیم تفصیلی جلد نایده باب ملوک روم آخرنده کاور نظر اولنه ۳ عبدالله بن حذافه در که آفی عجم پادشاهی
 خسرو بن هرمز بن نوشر وانه کوندروب نامه شریفی او قود قده غضبندن باره لیوب حضرت رسول علیه
 السلام ایستد کده (من ق الله ملک) دیوبد دعا ایتمکین خسروی کند و اوغلی شیرویه خنجرله قتل ایدوب بعد
 زمان دولت ملوک عجم بالکلیه منقرض اولدی تکیم باب خلافت حضرت عمرده بیان اونور ۴ حاطب بن ابی
 بلتعده در که مصر پادشاهی موقوفه کوندروب نامه رسولی کوروب زوال سلطنتی خوفندن ایمانه کلکوب لکن
 حضرت رسول بیک فلوری یکر یوب مصری و ماریه و سیرین آدلو ایک جاریه حسنا و برطواشی قول و دلدل
 آدلو اراق قازمده کوندردی رسول علیه السلام انلری الوب (لقدضن الخبیث ملک) دیدیلر شجاع بن وهب
 الاسدی در که دمشق شام پادشاهی ابوالخارث بن ابی شمر القسانی به نامه الیه کوندروب اولعین بی دین بد آیین
 دخی غضبندن ایمانه کلدی ۶ سلیط بن عمرو و العاصمیدر که بن قریبده ولایت بیامده پادشاهلری هودنه بن
 علی الحنفی الیه نامه بن ایمانه کوندروب نامه رسولی او قود قلدن ده نامه ایمانه کلوب هودنه کفر اوزره قالدی
 ۷ هجرتک سکنجی یلمنده ماه ذی القعدة ده عمرو بن العاصی ولایت عمانده جلند اوغلاری ضغری الیه عبده
 کوندروب ایکسینی دخی ایمانه کادیلر منور عمر و حضرت رسول علیه السلام وفاتده دکن عان حاکمی اولوب
 انده طوزردی ۸ بعده علاء بن الحضرمی بی ولایت بحرین پادشاهی منذر بن السامی به کوندروب منذر ایمانه
 کلوب علاءده حاکم اولوب صکره آنک برینه حکومته ابان بن سعدی کوندردیلر ۹ بعده مهاجر یثمدن ابی امیه
 المخزومی بی امر ایتمدن حارث بن کلال الحمیری به کوندروب وارد قده (سانظر فی امری) دیو ایمانه کلدی ۱۰
 هجرتک اونفنی یلمنده ابوموسی الاشعری الیه معاذ بن جبلی ولایت یمن خلقتی ایمانه دعوت کوندروب
 وارد قلدن ده اکثر ملوک و رعایای یمن علی وجه الحسن صدقه ایمانه کلوب انلر نصکره حضرت علی بی دخی یمنه
 کوندردیلر حجة الوداعده مکده کلوب بولشدی ۱۱ بعده جبر بن عبد اللهی ملوک ولایت طاقندن ذوالکلاعه
 و ذوالعمروه کوندرد کلدن ده ایکسینی دخی ایمانه کلوب برانده ایکن رسول علیه السلام وفات ایدی سابقا
 منور ذوالکلاخ حاشا دعوی الوهیت ایدوب توانعنی کندویه طایدر یوب برکون یوکسک یدن انلر نظر
 ایدکده یوزینک عدد کسنة براوغوردن یوکا سجده ایتملردی حضرت عمر خلافتده اون سکنز بیک ملک
 قوللریه کلوب عمره بولسوب قوللر بیک جلد من رضاه الله آزاد ایددی ۱۲ بعده رسول علیه السلام عمرو
 ابن امیه بی حاشا دعوی نبوت ایدن مسیله کذاب نامه الیه کوندردیلر ملعون عناد ایدوب حضرت ابوبکر
 خلافتده

خلافتده جنکده قتل اولدیی اشاعیده کاوراجالا بعض احوالی یوقاروده ذکر اولمشدر ۱۳ بعده قیصر
 روم طرفندن شلمه قریب بلقا ولایتک حاکمی اولان فروغه بن عمرو مکتوب سزایلی کوندرد کده فروغه ایمانه
 کلوب حضرت رسول محبتنامه الیه برآت و بر قاتر و بر جار و نیجه لباسلر و بر قیاه سندس مذهب کوندروب
 حضرت رسول علیه السلام قبول ایدوب مکتوبه جواب یازوب فروغه نک ایلیسیله کوندروب هرقل
 بی عقل فروغه نک ایمان ایستد کده کتوروب حبس ایدوب وفات ایدکده صلب ایدوب یا خود صاغ ایکن
 صلب ایدوب یا خود یونین اوردی یو جلد دن ماعدا هجرتک طقوزنجی بیلی اولنده محرمده قیائل عرب
 مؤمنلرندن انواع اموال صدقات یعنی عشر حیوبات و زکوة دراهم و دنانیر و زکوة بعض حیوانات جهنه
 آملر کوندروب عینه بن حصینی قبیله بنی عقیبه و بریده بی یا خود کعب بن مالک سلم و غفار قبیله رینه و عباد
 ابن بشری سلم و مزینه قبیله لرینه و رافع بن مکین قبیله جهینه به و عمرو بن العاصی قبیله خزازه و خضاک
 ابن سقیان قبیله بنی کلابه و بشر بن سقیان یا بنحزام الهذلی قبیله بنی کعبه و عبد الله بن الیثنه قبیله ذبیانه
 و سعد بن هذیم طائفه سندن برکسنة بی نه کند و قومه کوندردی (فصل در سراس رسول علیه السلام)
 بنه خیمه مذکور در که حضرت رسولی هر سفرده کجه الیه صحابه دن برکسنة بکلیوب بکچیلرندن بری
 رئیس قبیله اوس اولان سعد بن معاذ الانصاریدر که احد غزاسنده بکله ش ایدی فضائی تفصیل محتاجدر
 و ابن عبد قیس الیه محمد بن مسلمة الانصاریدر که احد غزاسنده معاب کادیلر وزیر بن عوامدر که غزوه خند قده
 بکادی و عباد بن بشردر و سعد بن ابی وقاصدر و ابویوب الانصاریدر که غزوه خیبردن دوندن بکادی
 و بلال الحبشیدر که وادی القراده بکادی و سفر کرده کوندرا لات حر بله یانلرنده و قفارنده طوروب حراست
 و حیات ایدلر ایسه و افرکه در که مطولات کتب سیرده غزایراحوالده مناجتله یازاشدر (و الله بصیرک
 من الناس) آیتی نزول ایدکدنصکره بکنتمکی بالکلیه ترک ایدیلر (فصل در خدام رسول علیه السلام)
 بنه خیمه مذکور در که صحابه دن اوقات متفرقه ده حضرت رسول خاصه خدمت ایدلرک بری انس
 ابن مالکدر که رسول علیه السلام مدینه به کلد کلدن ده خدمتکارلری اولوب انس اوغلانچق ایکن
 والده سی ام سلمه حجة للرسول الکرم کتوروب خدمت ایتمک تسلیم ایدی ۱۱ سندن مریدر که اون
 یل خدمت ایدم بی اصلا قاقیوب برکه نیچون شو یل ایدک نیچون شو یل ایدک دیک دخی واقع اولدی
 بنم انلر ایدیکم خدمتدن انلر بکا ایدک لری خدمت زیاده ایدی رسول علیه السلام اکا (اللهم اکرماله
 و اطل عمره و اغفرله) دیو خیر دعا ایتمکین یوزدن زیاده یشایوب یوزمه داری اولادی اولوب مالی دخی
 چو غالوب هجرتک طقسان ایکسینده با اوچنده وفات ایدی حضرت رسولدن ایکیمیک ایکیز او توز
 حدیث روایت ایدوب حضرت ابوهریره بونک حقنده (ما رأیت احدا اشته صلوة رسول الله من انس بن
 مالک) دیشدر و هند بن حارثة الاسلمی و آنک برادری حارثه ایدی و ربیع بن کعب الاسلمیدر که
 آیدستلری خصوص کورردی و معتقه لری اوغلی ابن بن ام ایمندر که مطهره لری کورردی و ابن مسعوددر که
 صحابه و موال و نعلین و ماء طهارت خدمتلرین کوروب حضرت رسول علیه السلام او توردلرنده
 نعللرین یعنی مبارک یا شغلرین دائم اقول و غنده طوقوب حرزجان و راحت جان ایدینوب قالدقلدن ده
 او کله یقه قوردی و عقبه بن عامر الجهمی در که علم قرآن و قرآننده کامل و شاعر فصیح اولوب سقرده و حضرتده
 حضرت رسولک بندکاری طواری ایدوب معاویه زماننده مصره حاکم اولدی و بلال حبشی که مؤذن و حافظ
 بیت المال مسلمین ایدی و حضرت ابوبکر لوقلی سعد یا سعید و حبش پادشاهی نجاشی برادر بیک یا همشیره سنک
 اوغلی ذوخمیره و بیکر بن ملاح اللیثی باطلع بن شریکدر که بندکاری طواری احوال کورردی و ابوذر
 الغفاریدر که قدما و علماء صحابه دند و خاقانلری ام سلمه نک قولی مهاجر و حنین که کند و لره خدمت ایدوب بعده
 عیلمی حضرت عباسه با غلندیلر و نعیم بن ربیعة الاسلمی و کند و ملک قوللری ابو الجراح لاله و شه قوللری
 ابو السمع و اربد و امود و ثعلبه بن عبد الرحمن الانصاری و جره بن الحل و سالم و مایق و ابو عبید و طائفة
 انصاردن بر بیک اوغللری و طائفة نسادن دخی خدمتکارلری اولا پدرلرندن میراث قلدن ام ایمن آدلو
 حبشه جاریه و خوله و سلمی و ام رافع و میونه بنت سعد و ام عباس جاریه حضرت رقیه کرمه رسول علیه

السلام وامة الله بنت رزينة ورزينة ام عليه وماريه ام الرباب وماريه جدته المثنى ابن صالح وصفه در حضرت رسولك جله مالك اول قلمى قوللر وجارية لرعددي باب مال رسول عليه السلام به ذكر اولئك في (فصل) كتب سيرة محمدر دركه حضرت رسولك حضور شريفه لرند به بعض كشارك بوين اورمق لازم كلكه حضرت علي وزير ومقداد بن عمرو ومحمد بن مسلمه وعاصم بن ثابت بن ابى الاظف وضحالك بن مقيم كفار ذوى الطغيانك قبله بوينلر بن اوروردى وقيس بن سعد بن عباد حضرت رسولك حضور شريفه لرند صاحب شرطه يعنى صوبائى مقامه ابدى (فصل در شعرا وخطبا وحدا حضرت رسول عليه السلام) مواهب لدينه ده مذ كوردركه ككفره في نظمه له هجو ايدوب وانلك اشعار ضلالت شعرا خيانت اشعار لر بنه جواب ويرن شعرا رسول عليه السلام كه ب بن مالك وعبدالله بن رواحة الخرزجى وحسان ابن ثابت الخرزجى اولوب كفار بخار قرش كه يله حسان بن عابد غايده رنجيده ايدلر حضرت رسول عليه السلام حسانه (اللهم ايد بروح القدس) ديودعاي ككبن آنك اشعار در باره جبرائيل عليه السلام فاش بيتله معاوت ايتشدر بر حديشه جبرائيل حسان ايله در مادامكه بتم طردن ككفارى اشعار يله دفع ايليه ديور شدر راتش باشنده ايمانه كلوب الشمس ييل دخی ييناوبه هجرتك اللى درنده وفات ابدى پدري وجدى وجديتك پدري جله يوز يكره شير ييل بشامشدر بوخوصوص انصافات عجيبه دندرو حضرت رسولك خطيبى يعنى قبائل عربدن كلان ايليلرله مقفى ومسجع كلام فصاحت التزام ايله مفاخره ومناظره ايدى ثابت بن قيس بن شماس الخرزجى ايديكه آنك اهل جنتندن ايدوكنى بشارت ايتشدرى هجرتك اون ايكيشنده محاربه عمامه ده شهيد ايدلى * مر ويدركه قبيله بنى نعيم ايمانه كلن ايجون كلكارنده (يا محمد اخرج الينا فخرنا ونشاعرك فان مدحنا زين وذمنا شين) ديوب حضرت رسول عليه السلام هجره لرندن مسجده جيقوب (ذلك الله اذا مدح زان واذا ذم شان انى لم ابعث بالكم ولم اومر بالغفر ولكن هاوقا) ديوب بده ثابت بن قيسه آنلك خطيب ايله مناظره ايتك امر ايدوب ثابت غالب اولدقه بنى نعيم شاعرلى اقرع بن حابس قالقوب وشعرى ديديكه (نظم) ايتناك ككبايعر الناس ضلنا * اذا خالفونا عند ذكر المكارم * واناروس الناس من كل معشر * وان ليس في ارض الجبار كدارم (نثر) رسول عليه السلام دخی حسان بن ثابت جواب ويرد يو يوردقه حسان صاحب عرفان ديديكه (نظم) بن دارم لا تفخر وان تفخرم * يهود وبالا عند ذكر المكارم * هيلتم علينا تفخرون وانتم * لنا حول ما بين فن وخادم (نثر) مر ويدركه حضرت رسولك حدافى يعنى يوله يورركن يوررجن اوزره بعض اشعار معقوله ومشروعه في دوه سورنلك ايله مسى صداسته خوب آواز ايله نغنى ايدنلر سابقا ذكر اولان عبدالله بن رواحه دركه مفرعة القضاة رسول عليه السلام مكه به كيرركن اوكار نجه يور يوب وشعرى تكلم وترن ايدرديكه (شعر) خلوا بى الكفار عن سبيله * اليوم نضر بكم على تزييله * ضرب ياربى الهام عن مقيله * ويذهل الخليل عن خليله * ودخى عامر بن الاكوع دركه غزوة خيبره شهيد اولدى ودخى الشجبه اولو برسياه قول ايديكه سورنلك صدامى وارايدى * انس بن مالك ايدر براه بن مالك طائفة رجاله الشجبه نسا به خدا ايدردى (فصل در عدد جميع صحابه كرام) امتيعاب اولو كايده رجال وصبيان دن ايمانله حضرت رسوله جوق يا اردن مقارن اولنلردن ورجال شريف رسول ايمانله بر كه كوردنلردن وزمان شريفه لرند طو غوب پدرو مادري مسلمانلر اولان اوغلا شيرلك دعاه رسول مظهر اولنلردن ومن يور اوغلا شيرلردن حضور شريفه ايدلر لوب نظر رسول وده عالينه مظهر اولنلردن وربالدين حضرت رسول كوردسيوب لكن غائبانه ايمان كدروبو مالار ينك زكائيت المال مسلمين ايجون حضرت رسوله كوندنلردن ايكى ييلك يديوز غش عذارك آدم اوچيوز مسكان برورد طائفة نسا سامينى وكينك تفصيلا وكينك اجمال احوالارى دخی بازلشدر * مواهب لدينه ده مذ كوردركه حضرت رسولك ايدلر وفاتلر نه دل ايمانه كلنلر يحد وبعصا اولعين عدد جميع اصحاب نامعلوم ايدوكى محل ارباب كلكلر لكن بعض غزالده ويجهلده جمع اولنلك عددى معلوم اولوب رسول عليه السلام مكه فتحه اون ييلك نغرايه وغزوة تبوكه غش ييلك ايله وجهه الوداعه طقسان ييلك ايله كيدوب وفات ايتدكارنده يوز يكرى درت ييلك عدد اصحابلرى حياتده موجود ايدى ديشلر والله اعلم بحقيقة الحال وحقيقة المقال

(فانده) تاريخ الخلفاء سبوطيده جميع صحابه دن باشده يول اولنلر همان ابو سبوطيده سبيل بن عمرو ابن البيضايدى ابو بكر ايسه حضرت رسول عليه السلام ولادت دن ايكى ييل ورفاق آي صكره طو غشدر پس جميع صحابه حضرت رسول عليه السلام دن باشده كوچك اولمش اولورلدن يوزم كوردلر لكن حضرت رسولك عيلرى حنزه وعباس حضرت رسول دن اوچ درت باش يول ايدلر * ككرى وعيلرى اوغلى عبيد بن الحارث اون باش يول ايدلر وكى مقرر اولنلر جميع صحابه باشده حضرت رسول عليه السلام دن كوچك ايدى ديك محل نظر در مكر كه اقرباء رسول دن ماعدا اولان اجنبى صحابه كوچك ايدلر ديك اوله والله اعلم بالصواب (فصل در زمان انقراض صحابه) قوايح مسكبه ده امام واقدين مر ويدركه صحابه كرام دن كوفه شهرنده آخر وفات ايدن عبدالله بن ابى اوفى دركه هجرتك مسكان التيسنده وفات ايدى شاهده آخر وفات ايدن عبدالله بن بصره دركه هجرتك مسكان سكرنده وفات ايدى مدينه ده آخر وفات ايدن سهل ابن سعد الساعدي دركه هجرتك طقسان برنده يوز باشنده وفات ايدى بصره شهرنده آخر وفات ايدن خادم رسول عليه السلام اولان انس بن مالك دركه هجرتك طقسان برنده يا اوچنده وفات ايدى مكه ده آخر وفات ايدن ابو الطميل عامر بن والله الله ايدركه هجرتك يوزنجى ييلنده وفات ايدوب باوقاي جميع علماء آفاق صحابه كرام دن آخر وفات ايدى بو اولوب بوندن صكره جميع دنيا ده اصحاب رسولن بر فرد قالمى شيخ ابو اسحاق شيرازى طبقات القهاسنده ايدر صحابه نك عصرى هجرتك طقسانله يوزى اراسنده منقرص اولدى * مواهب لدينه ده مذ كوردركه رسول عليه السلام وفاتلردن بر آي مقدحجه (على رأس مائة لا يبق على وجه الارض من هو عليها اليوم احد) يعنى هجرتك يوزاونجى ييلنك ايدلر حلال يوزنده صاغ اولنلردن بر فرد حياتده بولسه كككدر ديوب يوز باشنده بيله صحابه نك منقرض اولنلر نه اشارت ايدلر (نظم) داتم از حق سلام ورضوانش * يادبراهل بيت ويارانش * اظمروا الدين بينوه لسا * ضاعف الله اجرهم حسنا

(باب ثالث وعشرون در امت رسول عليه الصلوة والسلام)

خصايص امت رسول على همت بعد وعايدلر لكن مواهب لدينه ده وخصايص الجديده ذكر مهماته اكتفا اولنلر انلك انينه اقتفا اولنلر كتب تفاسير وحديث وغير بدن دخی نيمه لطيف واهم نشمل ضم اولندى * اولو معلوم اوله كه اشبوامت نخر عالم عندالله الملك الاكرم افضل ام عالم اولوب قرآنده كنتم خيرامة اخرجت للناس تا مرون بالمعروف وتنهون عن المنكر) ديومذخ اولنلر لكن امام مجاهد بو آيتى بو يله تفسيرايتشدر كه (كنتم خيرامة اخرجت للناس اذا كنتم على الشرائط المذكورة اى اذا تا مرون بالمعروف وتنهون عن المنكر) بضر ديمشلكه اشبو مدحه مخاطب اولنلر خاصة صحابه در سنار امت يله دكلدر (ديكر) ينه قرآنده بونلر خطبا (وكذلك جعلناكم امة وسطا لتكونوا شهداء على الناس) ديور شدر يعنى منزى صلاح وعدهالت اهلى برامت قيادى تاكه مژدن مقدم كلان ايتيا كندو امتلر ينه تبليغ اوامر الهية ايتدكار ينه يوم قيامنده شهود عدول اوله سز (ديكر) ثم اورنالك كتاب الذين اصطفينا من عبادنا آيتده قول اصهر اوزره الذين دن مراد امت محمد صلى الله عليه وسلملر تكيم تفسير واحدى و ككروايتده تفصيل وسائر تفاسيرده اجمال اولنلشدر (ديكر) مواهب لدينه ده مر ويدركه رسول عليه السلام اصحابه (اندرن اى انطاق افضل ايمان) ديوب الملائكة ديدكارنده رسول عليه السلام (وحق لهم بل غيرهم) ديوب اصحاب دخی ايتيا عليهم السلام در ديدكارنده رسول عليه السلام (وحق لهم بل غيرهم) ديوروب بده (افضل الخلق ايماناً قوم في اصلاص الرجال يؤمنون بى ولا يرونى فهم افضل الخلق ايماناً) ديور يوردي (ديكر) ينه مواهبده مذ كوردركه بر حديث شريفده ودخى (طوبى لمن رآنى وآمن بى وطوبى سبع مرات لمن لم يرنى وآمن بى) ديدبلر (ديكر) ينه مواهبده مذ كوردركه بر حديثه ديور شدر دركه (ان موسى لما زلت عليه التوراة وقرأها فوجد فيها ذكر هذه الامة فقال يارب انى اجد فى الالواح امة هم الاخرون السابقون فاجعلها امتى قال تلك امة احمد قال يارب انى اجد فى الالواح امة انا جيلهم فى صدورهم بنرون ساطع افراف جعلها امتى قال تلك امة احمد قال يارب انى

اولا زسه کو کدن آتش کلام بکن بیان اولوب ضایع اولوردی (دیگر) برکنه کدواضیه سنک فلا سانی
 یک جائز اولوب تصدق آتش برنه کدو کیدر (دیگر) و بوات ثواب اهل جنت الوائده حلال وجهه
 بعضی فخر باسل کیدر (دیگر) غزالینه ملائکه کرام حاضر اولوردی (دیگر) همان انجیق انبیانک
 کند و برنه فرض اولان وضو و غسل عن الجنابه و حج و غزای بواته فرض اولدی (دیگر) انبیایه و بریلان
 نوافل بونله دخی و برلدی (دیگر) حضرت موسی امتنک بعضی حقه قرآنده (ومن قوم موسی امة
 جدون بالحق و به بعدون) یوریلوب آکن جمیع امت محمد حقه (ومن خلقنا امة یهدون بالحق و به بعدون)
 یوراشدر دیمشدر (دیگر) قبل الطعام غسل ید سنت موسی اولغین برنوب بعد الطعام غسل ید سنت
 رسول علیه السلام اولغین ایکی نوب و ازدر دیمشدر (دیگر) بواتنک هر برنه در در خاتون نکاح خلق
 (دیگر) و کند و ملتزدن اولیان کنار اهل کتاب طائفه سنک نکاح خلق (دیگر) و جابه نکاح خلق
 (دیگر) و حائض اولان خاتونه جماعتن غیر طریقه اختلاط یتکدر که سائر امره حیض کورمش
 خاتونله بر او طه ده یاغی حرام ایدی (دیگر) و جماع خصوصی وجه مشروع اوزره اولغین هر کشتی
 ایستدیک طریقه جماع یتک که سائر امره همان بر در لو طریقه جماع یتک جائز ایدی (دیگر) مقتولات
 و لیری قصاص ایدر ملک ایله دیت المی اراسنده بخیر اولد قریکه سائر اعمده دیت المی جائز اولوب البتہ
 قصاص لازم ایدی (دیگر) بواته کشف عورت حرام اولمشدر (دیگر) اسمی ام الخبائث و انواعه مناسده
 باعث اولان غیر مستحق الجرم بواته حرام اولد یقیدر (دیگر) تصور دخی حرام اولد یقیدر (دیگر) و بواتنک
 جمیع ام سابقه به امر اولان تکالیف شافیه کثیره دن لطف حق ایله معاف اولد قریکه بوضوح تفصیل
 عظیمه محتاج اولوب امت بنی اسرائیل نه مقوله مشککل تکلیفی و از ایدوکی جلد ثانی آواخرنده امت
 بنی اسرائیل احوالنده کله جکد و نظر اولنه (دیگر) و ام سابقه به حرام اولان امور کثیره بی حق تعالی
 اظفندن و کرمندن بونله حلال ایدو کیدر که تفصیل عظیمه محتاج اولوب کتب فقه و حدیثه و توار یخده
 جابجا مناسبت اوزره یازلمشدر (دیگر) و ما جعل علیکم فی الدین من حرج (آیتی مفهومی و مضمی شرع
 محمدیہ خصوصاً مذهب امام اعظمه عبادات و معاملاتده نیجه رخصت و تومی و ایدوکی تفصیلی
 کتب فقه مطالعده سنه محتاجدر کهب الاحبار ایدر که (اعطی الله هذه الامة ثلاثا لم یعطهن الا الانبیاء
 جعلهم شهداء علی الناس و ما جعل عام فی الدین من حرج و قال ادعونی استجب لکم) (دیگر)
 و جعله امتدن (ان الله رفع عن امتی الخطا و النسیان و ما استکبروا علیه) حدیثی مفهومی و مضمی سهو و خطا
 و نسیانله و نظائر لک جبر و اکر اهل ایدر دکاری امور ایله مؤاخذنه بی حق تعالی کند و لطیفه دنیا و آخرتده
 بونلردن رفع ایدی بنی اسرائیل امتنک کاه ایشلده بجهل بالعقوبه اولد قری اشاعید مامت بنی اسرائیلده
 کاور نظر اولنه (دیگر) (ان الله تجاوز لامی عما حدثت به انفسها ما لم یتکلم او یعمل به) حدیثی ایله
 (اذا هم عبدي بیسته فلا تکتبوا وان علمها فاکتوبها بیسته و اذا هم بحسنة فلم یعملها فاکتوبها حسنة
 وان علمها فاکتوبها عسرا) حدیث قدسی مفهومی و مضمی خاصة همان بواتندن حدیث نفس یعنی عملا
 یا اعتقادا شرع مخالف برسته بی کشتی طبندن کند و نفسیه سولیتوب شویله ایدیم یا شویله ایتمیم دیو
 فکر و خاطر و ملاحظه یتک عفو اولمشدر مشارق ابن ملک شرحنده اولان تحقیق لطیفه تکمیلی بودر که
 اصلده حدیث نفس اوج قسدر بری ضروریدر که انسانک خاطر نه بلا قصد فجأة خطور ایدوب لکن قبل عقد
 العزمه ازاله اولنور بومقوله دن احتراز عمنک اولمانغین ام ماضیه دن دخی معفو ایدی یتکنی اختیار ایدر که
 قصد ایله خطور ایدوب لکن قبل عقد العزمه نه ازاله اولنور بومقوله ردن فی الجمله احتراز عمنک اولغین ام ماضیه به
 سینه یازیلوب لکن نوعا حرج و مشقتدن خالی اولمانغین خاصة امت محمددن عفو اولان بوقدر که اوجنی
 عزیمت دیدکاری بوطین نفسدر که کار صحابه و علمادن نیجه بواتندن بوقسم دخی معفو در دیوب لکن جهود علما
 (وان تدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله فیغفر ان یشاء و یعذب من یشاء) آیتله (لا یؤاخذکم الله بالغو
 فی ایمانکم و لکن یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم) آیتله (ان الذین یحبون ان تنشیع الفاحشة فی الذین استوا لهم
 عذاب الیم) آیتله (ان بعض الظن اثم) آیتله و حسد و کفر و بغض کی مجرد دینه متعلق اولان صفات ذمه مند

حرمتنده اجماع جمیع صنف و خاف ایله استدلال ایدوب بوقسم معفو کدر حتی برکنه برگاه ایشلکه قلبندن
 عزم و قصد ایدوب بعده خوف الله دن غیر بر مانع دیتی سبیلله ایشله مجرد عزیمتی برگاه یازیلوب بعده
 انی ایشلر نه برگاه دخی یازیلور اما انی ایشلر کی همان مجرد الله تعالی خوفندن ایسه برنوب یازیلور (عصما
 الله تعالی من المعاصی و برجنایوم بوضوئیه بالاقدام و الزواوی (دیگر) بواتنک بر بختاری اعدل و افضل
 و اکمل جمیع شرایع ام سابقه درجه مثلاً شریعت موسی علیه السلام قهر و جلال ایدیکه ایچنده تکالیف شافیه
 و از ایدی شریعت عیسی علیه السلام شریعت رفیق و جلال اولوب انده اصلا مقاتله و محاربه امر اولوب حتی
 انجیلده (من لم یملک علی خذلک الا ین و فادله خذلک الا یسر و من نازعک فو بک فاعطه و ردک و من مخرک لم یلا
 فامش معه میلین) دیمشدر و اما رهبانیت و بهبانیت بدعت سینه اولوب انجیلده او قوله نسبه یوغیدی (و رهبانیه
 ابتدعوها) ایق بوقادیلدر دیمشدر (دیگر) سالت ربی ان لا یجمع امتی علی الضلالة فاعطانیها) حدیثی
 مفهومی و مضمی خیار امت محمد بر امر نامه قوله اتفاق یتکدن معصوملدر (دیگر) اجماع و اتفاق لری حجت و امر
 دینده اجماع باده بناء اختلاف لری سبب رحمت اولوب سائر امتنک اختلاف لری سبب عذاب اولوردی بوباده مشهور
 اولان (اختلاف امتی رحمة) کلامی حدیث ضعیف در دیمشدر (دیگر) مرض طاعون بونله شهادت و رحمت
 اولوب سائر امره عذاب و عقوبت ایدی (دیگر) من انتم علیه خیر اوجبته الی الله و من انتم علیه شر اوجبته
 له النار انتم شهداء الله فی الارض انتم شهداء الله فی الارض انتم شهداء الله فی الارض) حدیث صحیح
 مفهومی و مضمی ایکی مؤمن بر مؤمنک حقه شهادت ایدر او مؤمنه جنت واجب اولور مستحق دکل ایکن
 مجرد بوشهادت سبیلله بعض اطف حقه البتہ اهل جنت اولور سائر امتنک بوزین کمنه شهادت ایدر
 مفید دکادی امام نووی ایدر بوحیثک مناسنده صحیح بودر که بر مؤمن بر مؤمنک حقه شهادت ایدر حق تعالی
 مسلمانله الهام ایلان اهل جنتدن اولد یغنه دلیلدر بوبله اولسه شاکت نفی اولوردی رسول علیه السلام ایسه
 ما انزلک تنالی نه نفع اثبات ایتد بومعنا به شاهددر که بر مینه صحابه شاکت ایدر کارنده جبرائیل علیه السلام
 کلوب (یا محمد انما احبکم لیس یکنقولون انه کان یعان کذا و یسر کذا و لکن الله تعالی صدقکم فیما قولون
 و غیره ما لا تعلمون) دیدی اما شمره شاده (و جبت له انصار) ییور دقاری تمهیدده محولدر بی شاکت ایدر اهل
 ناردن اولدی مقاموع دکدر زیاراجا زدر که حق تعالی و من عاصی به عفو و رحمت ایدر (غفر الله ذنوبنا و
 عیوبنا و کشف بقوله کریمنا (دیگر) ادعونی استجب لکم) آیتی و دخی (واذا سالک عبادی عنی فانی قریب
 اجیب دعوت الداع اذا دعان فلیست بعبید و لی و یؤمنوا لی له لهم یرشدون) آیتی مفهومی و مضمی اشبواتک دعاری
 قبول ایدر که هر مؤمنک شرعه مخالف اولمان دعاسی و عد حقه البتہ مستجاب اولور بربایت کیبی مرادنه
 نیز کیبی کیج واصل اولوب کیجک دخی مرادی دیناده حاصل اولوب آکن دعاسی البتہ ضایع اولوب
 کیجنه کله جک بعض بلار انکاه دفع اولوب کیجک آخرته قلوب با مغفرتیه یا جسته دخولنه یا دفع درجسته
 سبب اولور و حاصل ضایع اولان دیمشدر بوجر و مطور اولان عبد پر قصور ایدر محصل بای طریق کان دعاه
 اهل ایمان بالکلیه ضایع اولوب یادیناده یا آخرتده البتہ نافع اولور تنکیم (ما من مسلم یدعوا الله عز وجل بدعوة
 لیس فیها اثم ولا قطیعة رحم الا اعطاه الله بها احدى ثلاث خصال اما ان یهل له دعوته و اما ان یؤخر هاله
 فی الآخرة و اما ان یمصرف عنه السوء و المنایا) حدیثی بوقا شهادت ایدر آکن (استجاب لادم ما لم یعمل یقول
 دعوت فلم یستجب لی) حدیثی مفهومی و مضمی دعایندم قبول اولدی دین کمنه نیک دعاسی بجهل ایدیکه بیچون
 قبول اولماق مقرر اولغین بجهل استیجاب لطف جقه متوکل اونی کر که در بیکه (انتظار الفرج عبادة) حدیثی
 مفهومی و مضمی انتظار لطف پروردگار بشقه برنوب سعادت آ نارددر دعای قبول اولور دیوب بالکلیه مایوس
 اونی ایسه و بال عظیم بلکه بعض کفر مستوجب الجحیم نعوذ بالله من ذلك (دیگر) و اشبواتک دعای
 همت سائر امتنک عله اذل و عورده اقصر آکن فضل حقه نواید اکر در (دیگر) علوم آراین و آخرین
 بونله و برلمشدر (دیگر) بونله جناب حقدن در صنعت و خبر و کمال و منفعت و جمیع اشیا نیک خرائی
 فتح و کشف اولد بوضوح حقیقتده جمیع خصایص و فضائل جامع و شامل بر معنای رعنا و واسع و علم
 کاملدر (دیگر) جمیع ام عالمدن مؤخر اولد سائر بونلر بایانده رسوای اولوب بونلر عیوب و ذنوبی

سائر رکن مخفی و مستور در (دیگر) روایت و اسناد یعنی بوکلامی فلان فلاذن اودخی فلاذن نقل ایلدی
 دیوب مبتلا حضرت رسول دل جمیع راوی لری ذکر ایتمک بواتک فضائل و خصایصندن اولوب قرآن و احادیث
 و احکام دین اسلام زال و خال کلمکدن انکله مخفی و غلظدر (لولا الاسناد لقال کل احد ما شاء) کلام کار علامدر
 سائر امتلرده بومعنی اولوب همان کتب و صحفه اعتماد ایتدکاری ایچون اکثر برری تبدیل و تغییر اولوب صکره
 کتله صحیحی سقیدن غیر ایتده منردی (دیگر) اشبواتک انواع علومده شریف و لطیف کابلر تألیف
 ایتدکاری بکه سائر اعمه منبر اولامشدر براتوع علوم امت محمد سبب قرآن عظیم و احادیث رسول و اسان
 عربیک علوم کتیره به جمع و منیع اولد یقیدر بوم سائر سائر اعلی کابلرده و کلمات انبیارنده خصوصاً سائر ندره
 اصلا یو غیری (دیگر) علم انساب و علم اهر ایدر که بعضی سلف کرام (ان الله خص هذه الامة بثلاث
 لم يعطها من قبلها الامانة والانساب والاعراب) دیمشدر (دیگر) و اشبوات انواع عبادات و اجناس
 حالاتده جناب حق ذکر و فکر و شکر ایدوب تحمید و تسبیح و تکبیر و تهلیل ایدر سائر امتلر چاق بویل دکلردی
 (دیگر) بر نتم به عزیمت ایتدکارنده ان شاء الله دیرلر (دیگر) غضبری حالده لاله الا الله دیرلر
 (دیگر) غزاع و خصوصت لری حالده و غمجلری حالده سبحان الله دیرلر (دیگر) حیرت و اضطراب لری
 حالده لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دیرلر (دیگر) زمان خوف ندره و اصابت شدت و محنتده
 (حسبي الله فم الوكيل) دیرلر (دیگر) مصیبت لری و بلا و محنت لری حالده (ان الله وانا اليه راجعون)
 دیرلر بوجه دن سائر امتلر بالکابه غافل اولد بولر حتی مصیبتده ان الله دیک انبیایه دخی و بریدی صجرت حمرت
 حضرت یوسف دن بعبوب علیه السلام (یا صبی علی یوسف) دیدیکی بوکاد لیلدر دیمشدر (دیگر) بواتک
 اهل مصیبت لری (ان الله وانا اليه راجعون) دیک ایلر نواب بعبوب و برلر یکیدر که (وشر الصابرين الذين
 اذا اصابتهم مصيبة قالوا فانا لله وانا اليه راجعون اولئك على صلوات من ربهم ورحمة ولولاك هم المهدون)
 آیتی دلالت ایدر (دیگر) علم ایدر که استرجاع ایتدکاری (ان الله وانا اليه راجعون) دیک ایلر هوات موت
 مصیبتده مخصوص دکلر فرض ایدر که نکلر علی طامعی قیرلسه استرجاع ایتدکاری کدر ناکه نواب عظیم
 تحصیل ایدر بومر ته رخصت و نعمت و رحمت سائر امتده منبر اولدینی مقرر در (دیگر) بوات ایچون
 حیوانات بر بوجر لری نیجه لری دافا استغفار ایدر لدر دیمشدر در حله عرش و سائر ملائکه دخی قرآنده یورلدینی
 اوزره مؤمنین ایچون دائم استغاثت و طلب مغفرت ایدر لکن خصوص منصوص امت محمد مخصوص
 دکلر رظن ایدر و الله اعلم (دیگر) اشبواتک عمل لری هر کون حضرت رسول علیه السلامه صاحب لری
 اسم و در لریه تفصیل اوزره عرض اولتوب خبر کورد کده شکر ایدوب شر کورد کده بوزلر ایچون استغفار
 یعنی طلب مغفرت برورد کار ایدر صلی الله و سلم علیه و لا اخجلنا کثیرا لدیه انه العفو الرحیم الجواد الکریم
 الهادی الی الصراط المستقیم (دیگر) حق تعالی بواتمه کند و اسماء شریفه سندن مؤمن ایمی قومشدر
 (دیگر) بوزلر قرآن عظیمده خطاب ایتدکاری محض لطف و انعام سندن اعظام و اکرام ایلر ایدوب (یا ایها الذين
 آمنوا) دیو یوروب کتب سابقه ده سائر امتلر خطاب ایتدکاری (یا ایها المساکین) دیو یورودی اشبوا
 ایکی درلو خطاب ارا سنده تفاوت فاحش وارد دیمشدر * شتان مابین الثریا و الثری (دیگر) و اشبوا
 امت ایچنده ملائکه کبی همان مجرور دینج حقه اکتفا عن الطعام ایتدکاری وارد دیمشدر (دیگر) و خضر
 و الیاس و عیسی علیهم السلام امت محمد صلی الله علیه و سلم اولوب سائر امتلر لری برنده انبیادن بر فرد داخل
 دکلدی (دیگر) بوزلر ایچونده حضرت مهدی کاسه کدر که حضرت عیسیاه امام اواسه کدر
 (دیگر) لازال طائفة من امتی ظاهرین علی الحق حتی تقوم الساعة) حدیثی (لا تزال من امتی امة قائمة
 بامر الله لا یضرهم من خذلهم ولا من خالفهم حتی یأتی امر الله و هم ظاهرون) حدیثی مفهوم و مرئی بوم
 قیامت قریب اقراض مؤمنینه دلالت محمد ایچنده هر وجهه نصر دین اسلامه بذل مجهود ایدر بر قوم
 محمود البتة موجود اولوب اسلامه و مفقود اولزلر (دیگر) و ایچونده اقطاب و اوتاد و نجیایه و لایعنی
 ابدال و اردر که (الابدال اربعون رجلا و اربعون امرأة کلمات رجلا بادل الله رجلا کانه و اذامات امرأة
 بادل الله کانه امرأة) حدیثی (ان تخلو الارض عن اربعین رجلا مثل خلیل الرحمن علیه السلام فم یسقون

وهم یصرون مامات منهم احد الا بادل الله مکانه آخر) حدیثی (الابدال اربعون اثنان و عشرون بالشام
 وثمانية عشر بالعراق کلمات منهم احد بادل الله مکانه آخر فاذا جاء الامر قبضوا کلهم فعند ذلك تقوم
 الساعة) حدیثی (لا يزال فی هذه الامة نلافون من ابراهیم خلیل الرحمن کلمات احد بادل الله مکانه رجلا
 ۳۴۵ تقوم الارض و هم یطرون و هم یصرون) حدیثی (خیار امتی فی کل قرن خمسة و الابدال اربعون
 فلا خمسة ینتصون ولا الاربعون کلمات رجل بادل الله مکانه آخر یفون عن ظلمهم و یحسنون
 الی من اساء الیهم و یواصلون فیما اتاهم الله عز و جل) حدیثی (لا يزال اربعون رجلا من امتی قلوبهم علی قلب
 ابراهیم یدفع الله بهم عن اهل الارض یقال لهم الابدال انهم لم یدر کوه صابرة ولا بصوم ولا بصدقة قبل فیم
 ادر کوه صابرة رسول الله قال بالسفاه و النصيحة للمسلمین) حدیثی (ثلاث من کثر فیه فهو من الابدال الرضاء
 بالقضاء و الصبر عن المحارم و الغضب لله) حدیثی (علامة الابدال انهم لا یلعنون شیئا ابدا) حدیثی و ارد
 اولشدر * شیخ معروف کرخی ایدر (من قال فی کل یوم عشر مرات اللهم اصلح امة محمد اللهم فرج عن امة محمد
 اللهم ارحم امة محمد کتب من الابدال) بعض ایدر که ابدالک علامتی بودر که اولادی اواز قدما مشایخ
 کر آمدن ابو بکر کتانی ایدر نقبا و اوجیز کسند در که مغریده نجیایم کسند در که مصرده بد لا فرق کسند در که
 شامده ساکن اولور * اخبار ایدر که کسند در که وجه ارضده سیاحت ایدر * عدد درت کسند در که دنیایک
 درت کوشه سنده اولور * غوث بر کسند در که مکده ساکن اولور امور عامه دن بر حاجت عارض اواسه ابتدا
 تقیصا کمره نجیایم کمره ابدال صکره اخیر صکره عدد ابتها ایدوب یعنی حضرت حقه دعا و تضرع ایدوب
 حاصل اولور و سه فیهما و الا غوث ابتها ایدوب دعای دخی تمام اولدین اجابت دعوت حاصل اولور (دیگر)
 امت محمد فضا ثلث لری دخی بودر که اعدا دین مبین اولان دجال بحال لعین ایلر ترد و بجهانیه محاربه
 و مضاربه ایدر (دیگر) امت محمد بعد الوفاات آخر کسند نک بوزلر ایچون خیره سعیدن بوزلر نفع و نواب
 حاصل اولوب سائر امتلر همان انجیق کند و حیایا ندره کی کند و معیاری نافع اولور دی (و ان لیس للانسان
 الا ما سی) آیتی اون وجهه تاویل اولتفین بومعنی الکخالف دکلر دیمشدر (دیگر) امتی امة مرحومة
 تدخل قبورها بذنوبهم و تخرج من قبورها لا ذنوب علیها تمحص عنها باستغفار المؤمنین لها) حدیثی مفهوم و مرئی
 امت محمد قبرلر ینه کاهله کرب استغفار مؤمنین سبیلر کاهسز چقارلر (دیگر) یوم قیامتده قبور لردن
 جله امتلر دن اول قاتسه لر کدر (دیگر) مشحورده اعضا و ضوری مائده مهر تابان لعان انجیق (الفر
 المحجلون) دیوندا اولتور لرتکیم حدیثده (ان امتی یدعون یوم القیامة غرا محجلین من اثر الوضوء فمن استطاع
 منکم ان یطیل غزته فلیفعل) دیو یورلشدر (دیگر) ینه مشحورده جله امتلر طور دقاری بر ناظر
 و حواله غایتده بوکسک بر مکان عالیده طور سار کدر تکیم حدیثده (انا و امتی علی کوم مشرفین علی الخلائق
 ما من الناس احد الا و دانه منا و ما من نبي کذب قومه الا و نحن نشهد انه باغ رسالة ربیه) یورلشدر (دیگر)
 ظل عرشده طور مقده و فصل قضا خصوص سنده و صراط دن مرورده و سائر امورده جمیع ام ماضیه دن محض
 لطف حق ایلر اصبق اولور بوجه حقیقتده بی حد فضائل و خصایص عظیمه دن عبارتدر (دیگر) مشحورده
 اعمال و وزن اولنده قد بوزلر میز ان لری دخی سائر امتلر نقل و نواب لری ازید و اکل اولور (دیگر) هر امتک
 کافر لری کند و لری پیغمبر کاوب دعوت دین و تبلیغ امر رب العالمین ایتدکاری انکار ایتدکارنده انبیایک تبلیغ
 رسالت لری بوزلر شهادت ایتدکاری شهود عدول اولشدر و تکیم قرآنده (و کذلک جعلنا کم امة وسطا لتکونوا
 شهداء علی الناس) یورلشدر (دیگر) مشحورده اعمال صالحه لری نکلر فوری یا نکلر نجیایه یوریه کدر
 (یوم تری المؤمنین و المؤمنات بشی نورهم بین ایدیم و باجماعتهم) آیتی بوکاد لیلدر ته یور واحدیده اشبوا نورلر
 صاحبی یا نجیایه یور عیسی صراط دن مرور زمانده در که جنسه قولر غوز اولور و قتاده ایدر ان المؤمن یضی له نوره
 کابین عدن الی صنعاه و دون ذلك حتی ان من المؤمنین من لا یضی له نوره الا موضع قدمیه) ابن مسعود ایدر
 (یوتون نورهم علی قدرا اعمالهم منهم من نوره مثل الجبل و ادناهم نور من نوره علی ایهامه یطفا مرة و یضی
 اخرى) دیوب و رساله خصایص الحبیده مذکور در که قیامتده امت محمد دن هر بر نکلر انبیایک اولدینی کبی
 ایکی شرنور لری اولوب سائر امتلر همان بر نور لری اولسه کدر (دیگر) سابقا سابق و مقتصدانا ناج

وظائفنا مغفورة) حديثي مقبول ومجبه خاصة امت محمدية سابقا يعني حسنات سابقا غلب اولاد سابقا يعني
 بلا حساب ولا عذاب اهل الجنة لا حق مقتصدى يعني حسنات وسياقي برابر اولادى جهنم ناسى وازاد
 ظالمى يعني سياقي حسناته غلب اولادى ظالم لنفسه مغفورة ودلشاد در ديمشدر (ثم اورثنا الكتاب الذين
 اصطفى من عبادنا فمهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخيرات باذن الله ذلك هو الفضل الكبير جنات
 عدن يدخلون فيها من اساور من ذهب واواوا لباسهم فيها حرير) آيتك معنا هذه تفسيره حديد
 رسول عليه السلام (كلمهم من هذه الامة) بيورمشدر ديتوب * سنن ترمذيه * ويدركه رسول عليه السلام
 بو آيتى او قودقه (هؤلاء كلمهم بمنزلة واحدة وكلمهم من اهل الجنة) بيورمشدر تفسيره فاضله من ويدركه رسول
 عليه السلام (اما الذين سبقوا فاولئك يدخلون الجنة بغير حساب واما الذين اقتصدوا فاولئك يحاسبون
 جنابا يسيرا واما الذين ظلموا انفسهم فاولئك يحاسبون في طول المحشر ثم يلقاهم الله برحمة) بيورمشدر
 (ديكر) سنن ابى داود ده من ويدركه رسول عليه السلام (امى هذه امة من حومة ليس عليها عذاب في الاخرة
 انما عذابها في الدنيا لعنوا والازل والقتل والبلايا) بيورمشدر رسالة خصايص الحبيبه مذكور در كه اشبو
 امته ديناده وبرزخه يعنى قهره عذابى تعجيل اولادى تا كه يوم قيامته محشره كاهسواره لرم مجسم اوسط
 امام طبرانده حضرت ابو بكر دن من ويدركه رسول عليه السلام (انما خرجهم على امة نكر الحام) بيورمشدر
 مستدرك دوسده ابوهريره دن من ويدركه رسول عليه السلام اذا دخل الله الموحدن النار امامهم فيها
 فاذا اراد ان يخرجهم منها امسهم الم العذاب تلك الساعة) بيورمشدر (ديكر) سائر امته لرى حق تعالى
 آشكاره محاسبه ايدوب انزلت عاملى محشره اولاد نبيجه يوزيك الاى اورثنا سنده وسواى اولوب امامت
 محمدى كيزلوج حساب ايدوب كندوبه تعجيل زندن او تاعسوندوبى دى آگاه ايتزه محشره من ويدركه رسول
 عليه السلام (ان الله يدعى المؤمن فيضع عليه كفه ويستره ويقول انمرف ذنب كذا انمرف ذنب كذا فافقه قول نعم
 اى ربي حتى اذا قرره بذنوبه ورأى في نفسه انه هلك قال سترها عليك في الدنيا وانا اغفرها لك اليوم فيعطى كتاب
 حسناته واما الكافرون والمنافقون فيقول الاشهاد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم الا لعنة الله على الظالمين)
 بيورمشدر ستر الله عيوبنا وغفر بقضله ذنوبنا (ديكر) واشبوا من جنه سائر امته لرى اول كيرلر
 تنكيم حديثه حرمت الجنة على الانبياء حتى ادخلها وحرمت على الامم حتى تدخلها امى) بيورمشدر
 (ديكر) اعطيت سبعين الف من امة يدخلون الجنة بغير حساب وجوههم كالقمر ليلة البدر قلوبهم على قلب
 رجل واحد واستزنت ربي عز وجل فزادنى مع كل واحد سبعين الفا) حديثي فواستجبه بواستدنى جنه حساب
 وعذابسز كيرلر * نيك كسته در كه هر بيله نيك كسته كيرلر كدر بوجه نيك عددى يدى نيك
 كره يوزيك اولوب يدى نيك آت يوكى عثمانى اخيه عددى قدر اولور (محرره) الهى ذات ياك غريجون *
 حبيبت خرق عالم حرمتيچون * بزي اول زمره به الحاق ايله * محيط رحمة اغراق ايله (ديكر) انتم ثلث اهل
 الجنة انتم نصف اهل الجنة انتم ثلث اهل الجنة) حديثي (اهل الجنة عشرون ومائة صف انتم منها ثمانون) حديثي
 اوزره يا محض فضل ربانى امت محمدية جميع اهل جننتك ثلثانى اوله لركدر (ديكر) خصايص الحبيبه
 قيامته اولاد امت محمدية رومادر لرى يا نبيجه بيله كيرلر ديتوب تفاسيره (والذين امنوا واتبعتم ذريتهم بايمان
 الحقناهم ذريتهم وما اتناهم من علم من شئ) آيتده ديمشدر كه مؤمنينك اولاد كبار وصغارى جنده
 يدرومادر لرى درجه لرسنه لايق دكالم كن اولاد كبار لرى كندوايمان مستقر ليله صفار لرى (الولد يبع خيرا لاوين
 دينا) حديثي اوزره يدرومادر لرى نيك ايمان كاملا رسته تبعية يا خود صفار كندوايمان لرى اعتبار ليله مؤمنينك
 اولاد لرى يا نرسنه بيله جه اولغه لذت صفار لرى زباده اوانى ايجون مجر ديمشدر كرامة اولاد لرى دى آنرك
 درجه لرسنه الحاق ايدرمع هذا وابلزندن ذره وشه اكسليوب همان اولاد محض لطف خدا اولش اولور
 رسول عليه السلام (ان الله يرفع ذرية المؤمن في درجته وان ككافوا دونه لتقر بهم عينه) ديوب كن آيتى
 اقنومشدر تفسيره كورائده اشبوذ كراوانان ذريت احوالدر اما اصوله دزجه لرى فروغندن ادنى اولور شه
 نبيجه اولور ديشورسه جواب بودركه ككيزت حقوق واستحقاق كرامت وزعايت جهنمندن اومقوله اصول
 كندوفروغلى درجه لرسنه وصول بالظرفى الاولى در زيرا ابوهريره روايت اخشدركه رسول عليه السلام

(يرفع المؤمن في الجنة درجة يستقر نفسه دونها فيقول يا رب ائلى هذه اقية قول بدعا ولدك وامتغفاره)
 بيورمشدر ديتوب تحقيقى ايتشدر * مواهب لدينه ده دى مذكور در كه (ويشفع الله تعالى الاياه في الابناء والابناء
 في الاياه بدليل قوله تعالى) آياؤكم وابشاوركم لا تدرون ايهم اقرب لكم شعا (فائده) مواهب لدينه ده وغيره
 اشبو باب خصايص امت محمدية اولادى بوجه كنجبه تفصيل اولنرد كراولنوب بعده مذكور در كه حبيب الله
 حرمته آنك امتك سائر امته وبركك خصايص وقضائلر نيك بيله سنى بيان خارج دائرة امكان اولوب
 تفصيلى كتاب مستقل او اغمه مجلد (تبيين) علماء سلف وخلف ديمشدر كه امت محمدية اولادى اولان هر كس
 سعادت هوسه بوجه جازم واجب ولازمدر كه اخلاق زكية مرضيه واوصاف منيية مزييه ايله متصف
 ومختلف اوله تا ككاه امت محمدية افضليت وخير بيله لايق اوله (محرره) صور تا امت اولن آساندر *
 مشكل اما حقيقت اولسيدر (نم) جعلنا الله من صلحاء امته عاملين بسنته ما كين الى طريقته وجشترنا
 في زمرته وادخلنا الجنة بشفاعته انه الكريم الرحيم ذو الفضل العظيم العليم

(باب رابع وعشرون در احوال صلوات بروج سيد كائنات)

بيومشدر اولان بيله قيل وقالى اميقا تفصيل عظيم اقتضاى تخمين مطولات ككتب حديث وسرده
 خصوصاً مواهب لدينه ده وصاحب قاموسك مؤلفات بدن الصلوات والبشر في الصلوة على سيد البشر آدلو
 كتاب مختصاب معتبره احاديث وحكايات واسوله واجوبه واختلافاته اولنرد اطناى باعث ثواب
 اولنشدركه حيرت افزاى عقلا وزهناى سالكان طريقه هذا اولشدر (لكن خير الكلام ما قل ودل)
 موهوم منجه بوعيد كيرلر لى انردن معظمت مهمات انتخاب ونصول نافعة المحصول ختمنده بيان ايتكى
 استصواب ايتدى وبالله اعظم عن كل ما بضم (فصل) صلواتك معنا سنده اختلاف اولنوب صوابه
 اقربى بودركه انبياء اوليان مؤمنه حق تعالى دن صلوات رحمت وغفرت ملائكتدن وانساندن صلوات
 استغفار يعنى انلرايجون طلب رحمت وغفرتدر اما انبياءه حق تعالى دن صلوات ثناوتشريف وتكريم وتيجيل
 ونشر واشاعة ذكركيلدر وملائكة وانساندن اولان صلوات جناب حقن اولان صلواتك بيه انبياء ايجون
 صور تا اصلنى حقيقتده زياده ودوامنى طلب ايد يورمكدور * پس اللهم صل على محمد ذيلك يا رب محمدى
 ديناده نام شريفن عالى ومشهور ورودين لطيفن مؤيد ودائم الظهور واخرتده ثواب لرى بيه وحنابلرى شيع
 طوائف حيرت سرمايه وجنده واصل مقام وميله عالى بايه نورانى سايه ايتكه غايت تعظيم وتكريم وتيجيل
 وتغني ايله ديمكدور آل واصحابه دى صلوة ايله ديك بومعنايه مخالف دكادر زيرا هر شخصك تعظيمى كندو
 حاله كوره اولور يعنى يا رب انلره رحمت وغفرت كثيرة مخصوصه ايله ديمكدور ديمشدر * تماميره (ان الله
 وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما) آيتك معناسى الله تعالى وجميع
 ملاكارى محمدك اظهار شرفته وتعظيم شأنه اعتسارى على الدوامدر پس اى اهل اسلام سز دى اى قادر
 اولد بكنزجه تعظيم وتكريمه اعتناوا اهتمام ايدوب اللهم صل على محمد وسلم ديه سز ديمكدور ديمشدر (فصل)
 انبيائك غير بيله مستقلة صلوة يا سلام اكر چه معنا جهنمندن سيمكدور لكن شعرا انبياءدن اولوب يعنى عرفده
 انلره تخصيص اوانغين استه مال جهنمندن صحيح دكدر مثلا ابو بكر صلى الله عليه يا عليه السلام ديمشدر نيكيم
 رسول عليه السلام عزيز وجليل ايكن محمد عز وجل ديك خطادر زيرا نوايكى وصف شعرا ذكر الاهددر
 صحابه نك ذكرنه مخصوص اولان رضى الله عنه ديك دى بيله در سائر مؤمنيندن بر شه فلان رضى الله عنه
 ديمشدر رجه الله ديشور * امام نووى انبيائك غير بيله مستقلة نصليه بيه بعضلر جا نركوروب بعضلر نك
 اولى در ديوب بعضلر كرايت تحريمه ايله مكره هدر ديوب لكن عادت اهل بدعت كندواعتقاد ايله دكدر بيه
 نصليه ايك اولوب انلرك شعرا لرسنه ايسه نبي اولن ديمشدر بيه اكثر علما اختيار شيعه صحيح بودركه كرايت
 تزيينه ايله مكره هدر ديمشدر (فصل) تفسير كورائده حضرت رسولدن غيرى سائر انبياءه دى
 مذكور اولد قريجه صلوة وبركك افضل ومنا سيدر ديتوب * مواهب لدينه ده حضرت ابن عباس
 (ما علم الصلوة تنبى على احدهن احد الا على النبي صلى الله عليه وسلم) ديوب كن رسول عليه السلام
 (اذا صلتم على فصولا على انبياء الله فان الله بعثهم كايمنى) بيورمشدر ديتوب * مكره سطور اولان عبد

برقصور ایدر غالباً این عباسی را می دانند که همان فی وجوب و بدیع واجب و لازم
 اید و کنی اکثر دیکدر زیر این فی عبارتی کادرات ایدر حدیث شریفه کی فصلوا امری ایسه امر و وجوب
 اولیوب امر ندب و استحباب اولیوب در والله اعلم (فصل) کتاب صلات و بشرده السلام علیک اظنن
 معنای دایم خیرات و برکاتدن خالی اولیوب مکاره و آفاندن سالم اولیوب سن دیکدر و پس اللهم سلم علی محمد
 دیک یارب محمد دعوتی و امتنی و ذکر جلیل بر عزتی جمیع تقابصدن دایم سالم ایله همیشه دعوتی منتشره
 و حجت نامی منتشره و امتی متزاید و متکثره اولسون دیکدر دیوب لکن امام الحرمینک پدری و استادی
 ابو محمد الجونی سلام صلوته معنایستند در انکچون غائبه و غیر انبیاده استعمال اولیوب منلا ابو بکر علیه
 السلام دینیز بو خصوصه احیاء و اموات برابر لکن بالاتفاق حاضر اولان کسینه به سلامه خطاب
 اولنور دیکدر (فصل) امام نووی (یا ایها الذین آمنوا صلو علیهم و ساوا تسلیما) آیتی مفهومیست حضرت
 رسوله تسلیمدن خالی یا لکن صلو و برکت مکر و هدر دیوب لکن شیخ ابن حجر مکر و اولان همان یا لکن تفسیر
 ایدوب اصل تسلیم ایتمکدر اما بر وقتده یا لکن تفسیر و بر وقتده تسلیم ایتمه آیت کریمه ده اولان امر اطاعت
 ایتمش اولور دیوب * محرم و سطور اولان عبد برقصور ایدر تسلیمدن خالی تفسیر مکر و دکاسه باری اقتضای
 احتیاط و دلالت آثار حسیجه اولی و افضل فی کل زمان و محل صلو و سلامی معاً ادا ایتمکدر بو خصوصه
 بکرمی ایکنی فصلده کله جگه ایکی واقعه دلالت ایدر اکانظار و ملاحظه اولنه (فصل) صلات و بشرده
 محرم و در که خلقک نیجه سی صلوته سید اظنن قانوب اللهم صل علی سیدنا محمد دیرلر بو خصوص الفاظ
 مانوره و مشهوره به مخالف اولغین مانوره تشهدده بولیدیمک کرلاید و کی ظاهر در اما خارج صلوته اگرچه
 رسول علیه السلام کند و له سید دیکر منع ایدوب بر کسینه یا خبرنا و ابن خیرنا و سیدنا و ابن سیدنا دیو کند و له
 خطاب ایدکده (یا ایها الناس قولوا بقلوا بقلوا و لا یستولکم الشیطان انما محمد بن عبدالله و رسوله ما احب
 ان ترفعونی فوق منزلتی الی انزلنی الله عز وجل) بیور مشرد لکن کند و مر به لری بیانده (اناسیر ولد آدم
 و لاخر) دید کاری و حضرت حسن ایچون (ان ایضا سید) دید کاری و دخی (ولا یقل احدکم اطعم ربک و ضعی
 ربک اسق ربک و لیقل سیدی و مولای) دید کاری دلالت ایدر که اللهم صل علی سیدنا محمد دیک جائز اوله نمایت
 مانع اولان دلیل بولید تاویل اولنور که مراد شریقلری مجرد تواضعاً لله ایدی یا خود بالذات مواجعه لرند
 مدوح و اتفی کریم و و مشردی یا خود او مدح ایدن لک بعضی غایت مسالفا ایتمشدر یا خود او اظهار
 مدح ایتمک عادتاً اهل جاهلیت ایدی (فصل) بعض صلوته (اللهم ات سیدنا محمد الوسیله و الفضیله
 و المدرجه الرفیعه و المقام المحمود) وارد اولوب دیکدر که وسیله جتده جله مقامردن بالا و اعلا و عرش عظیمه
 اقرب و ادنی اولوب خاصه حضرت رسول مقامی ایدر فضیلت ایسه جمیع مخلوقات مرتبه سندن زیاده اولان
 مرتبه در بغیری در لوم مرتبه در با وسیله نیک برانخی دخی در دیکدر مقام محمود حقیقه کی اقولان بری حق تعالی
 قیامتده یا لکن حبیبی عرش یا کرسی اوزرینه اجلاس ایدر دیوب قول جمهور محققین اوزره مقام محمود
 شفاعت عظمادان عبارتدر (فصل) و بارک علی محمد لفظتک معنایستند صاحب قاموس ایدر برکت و
 وزیاده و کثرت و وسعت و مبرور و شک برکتک معنای خیر مقیم و سرور دایم در جل مبارک دیک حضورنده
 خیر مقیم و دیکدر بعضدر دیکبرکت خبر و کرامتک زیاده اولسیدر * مشاهیر سلفدن حلیمی دیکبرکتک
 اصلی دوام و ثبات در کاهی تین مقامده استعمال اولنوب فلان مبارک دیر یعنی محبوب و مرغوب فیه
 دیکدر اللهم بارک علی محمد دیک یارب محمد ذکر جلیل و دعوت و نشر یعنی دایم آشکار و اتباع و امتن
 اکثرا ایدر دیکدر (فصل) حلیمی ایدر حضرت رسوله صلو و برکتدن مراد حق تعالی به امر شریفه
 امتثال الله طلب رضاء خدا و استیزده اولان حق رسولی ادا در * کتاب شجره المصارفده ابن عبد السلام
 حضرت رسوله صلو و طاعتشاکه آنک حقیقه حق تعالی به شفاعت اوله زیر بر ذره ناجیز قنده و اول حبیب
 الله عز رفته لکن الله تعالی بزه احسان ایدنه مکافات ایتمک و مکافاتدن عاجز اولد یغمزه خیر دعا ایتمک
 امرایتمشدر پس او شرده بی حد و حساب حق اولان رسول و حبیبینه غیری نسبه ایله مکافاتدن عجز می
 یاسکن صلو و طاعت مکافات ارشاد ایدوب امرایتمدی دیوب به بعض علمایند که صلو و برکت ایدر اولنور بغنک

برقائه می دخی فذائل صلو و طاعت حقیقه کله جگه احادیث ایچنده اولان منافع دنیا و آخرت صلو و طاعت
 حاصل اولسون دیکدر (فصل) امام محمد و نیجه علمای اللهم ارحم محمد دیک مکر و هدر زیر حضرت
 رسول ایچون طلب رحمت موهوم وجود معصیتدر دیوب اکثر علماء سلف و خلف جائزدر حضرت رسول
 علیه السلام نهایت مراتب قبوله و وصول بولمشکن اکثر دعا لرند کند و ایچون الله هدن طلب رحمت ایدوب
 و امتنه تعلیم ایدو کی تشهدده عاصنده (السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و بركاته) دیکدر پس رسول ایچون
 الله هدن طاب رحمتدن معصیت وجودین ایام لازم کلز زیر انکاهی اولمیان رحمت فضیلت و کرامت جنسندن
 اولور لطف و فضل خدادن ایسه هیچ بر مخلوقه غنا کلز وافی طلبدن کسل و غنا کلز دیکدر محرم و سطور اولان
 عبد برقصور ایدر روایه و اراحم اظنی صلو و سلام اراشد و ذکر اولیوب جائز اولمی را بحد لکن صلو و طاعت
 همان یا لکن اللهم ارحم محمد دیک منافی اسلوب معتاد مرغوب اولغله سوء ادب اولغین کراهتی صوابه
 ایدر رسول الله علیه السلام رحمة الله دیکدر یا لکن بکزر بر سوز و یلکده اسامه ادب زیاده اولغله غایت
 مکرره ایدو کی ظاهر در غالباً علمادن جائز کور میزند دخی مراد لری اشبو تفسیر اولیوب و الله اعلم (فصل)
 امام رافعی ایدر بعضدر و ارحم محمد اکرامت یا خود ترجمت علی ابراهیم دیرلر بو کلام خبرده کلیوب کلام
 نصیح دخی دگدر زیر اولافصحا عرب اصلا رحمت علیه دیموب رحمته دیرلر ثانیاً ترجم اظننه تکلف معنای
 اولغین حق تعالی به اسنادی لایق دگدر * امام صفائی ایدر رحمت علیه لحن و خطادر صواب اولان تشدید
 حرف حا ایله رحمت ترجمادر (فصل) مواهب لدنییه ده مذکور در که صلوته ذکر اولنور آل محمددن
 مراد قول جمهور اوزره اخذ صدقه حرام اولنور زیر رسول علیه السلام کریمه لری او غلنه (اما ال محمد
 فلا تحمل لنا الصدقة) دیکدر بعضدر مراد ازواج مطهره و ذریات رسول علیه السلام در دیوب * امام نووی
 بونی ترجیح ایدوب بعضدر مراد جمیع امت محمد در دیوب بعضدر مراد امتک صلحا و انقیاسیدر زیر رسول
 علیه السلام آل محمددن صولده قده (ککل تقی من امته محرم) دیوب بده (ان اولیاؤه الا المتقون) آیتی
 اوقیوب بر حدیده دخی (ان آل ابی فلان لیسوا لی باولیا و انما ولی الله و صالح المؤمنین) دیکدر دیوب
 سیوطینک سادات حقیقه کی رساله سنده آل محمد و اهل بیت محمد صدقه المانی حرام اولان بی هاشم مؤمنیدر که
 اندر آل علی و آل عقیل و آل جعفر در که بواچی حضرت رسولک عم زاده لریدر و آل عباسدر که عم حضرت
 رسولدر دیومذ کوردر حرام اولان صدقه دن مراد صدقه واجب در که زکوة و نذر کی زیر صدقه تطوع
 جائز ایدو کی کتب فقهده مصر حدر (فصل) کما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم عبارتده اولان
 تشبیهک تاویلده اختلاف اولنوب بعضدر رسول علیه السلام اتی تواضعاً و امتنه تواضعی تعلیمای دیکدر
 دیوب بعضدر اللهم صل علی محمد کلامی تمام اولوب بده و علی آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و علی آل
 ابراهیم) جله ثانیه اولوب تشبیه اکا متعلقدر بونده محذور بودر زیر یا لکن آل محمد حصولی طلب اولنور
 حضرت ابراهیم ایله آنکه حاصل اولان صلو و طاعت الله یعنی اولیوب نوابک منیدر بو خسه اومه دار نوابه سبب
 اولان صفات عظیمه مثلی دگدر دیوب بعضدر مشبه به مشبه دن اکل اولی مطرد دگدر (الله نور السموات
 و الارض مثل نور کشفه فیما صبح) کی پس تشبیه غیر مشهور بالمشهور در دیوب خسه تشبیه ناقص
 بالکامل دگدر دیوب بعضدر مراد حضرت محمد ایله آنکه طلب اولنور اصل و جنسیتی حضرت
 ابراهیم ایله آنکه اولان صلو و طاعت اصل و جنسینه تشبیهدر (واحسن کما احسن الله الیک) آیتده کی کبی محصل
 کما تشبیهدر کما تشبیه دگدر یعنی تشبیه مقدار بالمقدار دگدر دیوب بعضدر تشبیه احاد بالاحاد دگدر
 بلکه تشبیه مجموع بالمجموع در یعنی آل اتباع معنایستند اولغین آل ابراهیمه جمیع انبیاء بنی اسرائیل داخل
 اولوب آل محمدده ایسه بر پیغمبر بودر پس ایچنده همان بر پیغمبر اولان جلدی ایچنده بعد و عدانیا اولان
 جله به الحاق طلب اولیوب در بعضدر بو جیمی ایضاح ایدوب دیکبر که حضرت محمد ایله آنکه حضرت ابراهیم ایله
 آنندن بعد انبیایه اولان صلو و طاعت الله حاصل اولیوب آل محمد جان آل ابراهیمک مجموعنه اولان مقدار حاصل
 اولیوب بلکه اکثری حضرت محمد اولوب آنکه دخی ایچندن لایق اولد قری قدر اولوب محذور منفع اولور
 (فصل) مواهب لدنییه ده حضرت رسوله علیه السلام صلو و طاعت و برکت امر او اندیقی ابوذر را هروی قولیجه

هجرت آن یکنی سلطنت به ضعیف و خفیه هجرتند مقدم کرده لیلۀ معراجده واقع اولشد در بعضو شهر شعبان
 حضرت رسول صلوٰت شهر بدر زبر (ان الله و ملائکته یصلون علی النبی) ایق شهر شعبانده نزول ایندی
 دینار دیومند کورد (فصل) صلوٰت حکمتده اون در لو قول اولوب ایچلرندن حنفیه مذهبی اوزره
 صحنه قریب اولنری اوج قولدر بری امام کرخی و ابو بکر الرازی قولیدر که کلمه شهادت کبی و حج کبی عرده
 برکه فرزدو * ایکنی خلاصده اولابنی اوزره قدما حنفیه قولیدر که نام رسول علیه السلام بر مجلسده
 نیجه کره ذکر اولاسه آیات سجده تلاوت کبی برکه کفایت ایدر * اوچتی امام طحاوی و صاحب محیط
 و خلاصه ده اولابنی اوزره متأخرین قولیدر که هر ذکر اولندجه فی الحال صلوٰت و برکت واجب اولوب
 جله سنی برکه ایله ادا جائز دکلدر * صاحب کشف و نیجه اشراف (من ذکرکرت عنده فلم یصل علی فدخل النار
 فابعد الله) حدیثی (و شیعی عید ذکرکرت عنده فلم یصل علی) حدیثی و نیجه احادیث هر ذکر اولندجه مستقلا
 صلوٰت و برکه دلالت ایتمکین قول احوط بودر دیوب * تفسیر کورائیده حتی بودر که هر ذکر اولندجه صلوٰت
 و برکت البته واجبدر یومغنایه احادیث دلالتندن غیر (ان الله و ملائکته یصلون علی النبی) آیتنده
 یصلون کلمه می دخی دلالت ایدر بر یافعل مضارع که تجد طریقیله استمراری افاده ایدر دیوب لکن امام
 قدوری و نیجه هر ذکر اولندجه نصلیه واجبدر دیک صحابه و تابعیندن منقول اولوب بر قاج جهمتندن
 سرج و مستقی متخدد دیوب تفصیل ایتمش و الله اعلم (فصل) صاحب قاموس ایدر صلوٰت قدر واجبی
 اللهم صل علی محمد و علی آل محمد دیک البته واجب دکلدر لکن افضل و اولی اسم شریف بر یفلرین اوصاف
 جلیله (بسمه مآثرته ذکر ایتکدر علی محمد و رسول الله) دیک کبی (فصل) علمادیه شلردر که
 نام حضرت رسول علیه السلام ذکر اولندجه بر مقدار رفع صوته صلوٰت مستحب اولوب لکن رفع صوته
 میبالغه اولغیه که او مرتبه مکر و هدر زبر احوطده ایکن مجلس شریفلرنده رفع صوت ایکن مؤمنینه حرام
 اولشدی الان بدین شریفلرله کالاول حیثانده اید کلرنده اتفاق واردر * پس کمال تعظیم و اکرامی کما کان
 واجبدر (فصل) شفا ده مذکوردر که حضرت رسول اکرمی ذکر ایدن یا یشیدن مؤمنه واجبدر که او حالده
 حیثانلرند که مجلس شریفلرند حاضر اولمش کبی حرکتندن سکون و خضوع و خشوع اوزره اوله جمیع
 سلفک عادتلیر و ایدی حتی امام مالک یانده ذکر اولندجه بکزی صراروب بلی یوکیلوب سبی صورلدقه
 بنم کورد کلریمی کورمش اولاید بکزی بویه دیمزد بکزی دیش * سید القراء محمد بن المنکدری کورددر که
 هر زمانده احادیث رسولدن صورلدقه ترجم اولغیه دیک متصل اغلردی * جعفر بن محمدی دخی کورددر که
 کثیر التسمیه و کثیر المزاج ایکن حضرت رسول علیه السلام اکلدجه بکزی صراروب و آبدنسر
 حدیث روایت ایتوردی * عبدالرحمن بن القاسمی دخی کورددر نام رسولی یاد ایتدجه بکزنده فان قال یوب
 دهشتندن اغزی یاری قور یوب دلی دماغنه یا بشوردی * عامر بن عبداللہ بن الزبیر واردرد حضرت رسول
 اکلدقه کوزلرندن باش دو کفجه محکم اغلردی * زهیری دخی کورددر که رسول علیه السلام اکلدقه
 شویله اولوردیکه گویا که نه او که نه بی نه کنه انی یلوردی * صفوانه دخی واردرد متعب بن مجتهد ریدن ایدی
 رسول علیه السلام اکلدقه شویله اغلردیکه یانده اولنلر آتی قویوب کیدر لردی * ایوب جغتیا فی به دخی
 واردرد حدیث رسول علیه السلام اکلدجه کورن ترجم ایدغیه دیک اغلردی دیو جواب و بردی (فصل)
 علمادیه شلردر که صلوٰت و برکت واجب اولابنی یردن غیر نیجه برلده دخی مستحب و مؤکددر ۱ ایتدست
 الزکرکن ۲ جواب اذان عقینده ۳ مسجد دخول و خروج زمانلرند ۴ نمازه اقامت زمانده ۵ نمازلر
 نشمدن ایتننده ۶ صلوٰه جنازه ده ۷ هر دعائک اول و وسط و آخرنده ۸ مجلس ذکرده ۹ قرائت قرآنده
 ۱۰ شرعه موافق هر در لو مجلس آخرنده ۱۱ هر صبا حده و اخشامده ۱۲ چار سوره جیه بقده ۱۳ سفره
 جیه بقده ۱۴ سفر دن کلدجه ۱۵ بر مؤمن آشناسی مؤمنی کوردیکه ۱۶ کجه (ده عبادنه فالقدجه
 ۱۷ رمضان کجه لرنده ۱۸ کشینک قولانغی چکلدیکه ۱۹ برنسنه اونونده ۲۰ حجاجه تبلیه دن
 فراغلری عقینده ۲۱ مکده صفا مروه ده ۲۲ حجر الاسود مبارک اوپولدیکه ۲۳ عرفانده وقفه یه
 طورلدجه ۲۴ قبر رسول عایه السلام زیارت اولندجه ۲۵ یغمرک اسم شریفلری برنسنه اوزرنده

بازالدجہ ۶۶ خصوصاً ہر جہہ کیجہ سی وجہہ کوئی ما ترزما نلردن زیادہ ایتمک استحبابی مؤکد در
(فصل) فضائل صلوات حقنہ کاب الصلوات والبشرہ یوزیکرمی اوج حدیث شریف ذکر اولنوب
ایچلرندن فرق عدد باعث المددی التخاب اولندیکہ یونلردن ۱ من صلی علی کنت شیعہ یوم القیامۃ ۲
ان الله تعالی اعطی ملکاً من الملائکۃ اسماع الخلاق وهو قائم علی قبری الی ان تقوم الساعة لیس احد من امتی
یصلی علی الاقال یا احد فلان بن فلان باسمہ واسم امیہ صلی علیک کذا وضمن الرب عز وجل انه من صلی علی
صلوۃ صلی اللہ علیہ عشر او ان زاد زاد الله ۳ ان الله ملائکة سیاحین فی الارض یبلغوننی من امتی السلام ۴
انکم تعرضون علی باسمائکم وسمائکم فاحسبوا الصلوۃ علی ۵ من صلی علی واحدة صلی اللہ علیہ بیاعشر
صلوات وحطت عنہ عشر خطیئات ورفعت له عشر درجات وكان له کعتی رقاب ۶ من صلی علی صلوۃ کتب
الله له عز وجل له بیاعشر حسنات ومحایم اعنه عشر سیئات ورفعه بیاعشر درجات وکان له عدل
عشر رقاب ۷ قال ابو الطحمة دخلت علی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم واسار بر وجهہ تبرق فقلت یا رسول اللہ
ما رأیت اطیب نفساً ولا اظہر بشرامۃ فی یومک هذا فقال وما لی لا تطیب نفسی وانما فارقت جبریل الساعة
فقال یا محمد من صلی علیک من امک صلوۃ کتب الله له بیاعشر حسنات ومحایم عشر سیئات ورفعه بیاعشر
درجات وقال له الملك مثل ما قال لا فقلت یا جبریل وما ذلک الملك قال ان الله وکلی بک ملکاً من لدن
خلقت انی یبعثک لا یصلی علیک احد من امک الا قال وانت صلی اللہ علیک ولا یكون لصلوۃ منتهی دون
العرش ولا تمزیل الا قالوا صلوا علی قاتلہا کما صلی علی محمد صلی اللہ علیہ وسلم ورد اللہ علیہ مثل قوله
وعرضت علی یوم القیامۃ ۸ من صلی علی صلوۃ صلی اللہ علیہ الملائکۃ ما دام یصلی علی فلیقل العبد من ذلک
اولیکثر ۹ ان اولی الناس بی یوم القیامۃ اکثرهم علی صلوۃ ۱۰ ان الله عز وجل قد وهب لکم ذنوبکم عند
الاسۃ فصار فن استغفرینہ صدقة غفر له ومن قال لا اله الا الله ربیع مزارنہ ومن صلی علی کنت شیعہ
یوم القیامۃ ۱۱ قال ابی بن کعب قلت یا رسول اللہ انی اکثر الصلوۃ علیک فکم اجعل لک من صلواتی قال
ما شئت قلت الربع قال ما شئت وان زدت فهو خیر لک قلت النصف قال ما شئت وان زدت فهو خیر لک قلت
ثلثین قال ما شئت وان زدت فهو خیر لک قلت اجعل لک صلواتی کما قال اذا کنی همک وبغیرک ذبک ۱۲
من صلی علی کل یوم الف مرة لم یمت حتی یرى مقعده فی الجنة ۱۳ قال جبرائیل یا محمد ان الله تعالی یقول
من صلی علیک عشر مرات استوجب الامان من مخطئه ۱۴ ما من عبد یصلی علی صلوۃ تعظیماً الحق الا خلق
الله من ذلک القول ما کاله جناح بالمشرق وجناح بالمغرب ووجلاه فی تخوم الارض وغنقه ملوی بالعرش
ویقول له صل علی عبدی کما صلی علی نبی فهو یصلی علیہ الی یوم القیامۃ ۱۵ من صلی علی صلوۃ صلی اللہ
علیہ عشر او من صلی علی عشر صلی اللہ علیہ مائة ومن صلی علی مائة کتب بین عینیہ برآۃ من النفاق
وبرآۃ من النار وکنت یوم القیامۃ مع الشہداء ۱۶ من صلی علی حین یصبح عشر او حین یسمی عشر
ادركته شفاعتی یوم القیامۃ ۱۷ انه من صلی علی کل یوم ثلاث مرات وکل لیلۃ ثلاث مرات حبالی وشوقاً
الی کان حقاً علی الله ان یقر ذنوبہ نلک اللیلۃ وذلک الیوم ۱۸ اذا سمع المؤذن فقولوا مثل ما یقول ثم صلوا
علی فانه من صلی علی صلوۃ صلی اللہ علیہ بیاعشر ثم صلوا الله فی الوسیلۃ فانہا منزلة فی الجنة لا تنبغی
الا لعبد من عباد الله وارجوان اکون انا هو ومن سأل الله فی الوسیلۃ حلت علیہ الشفاعۃ ۱۹ من قال
جین ینادی المنادی اللهم رب هذا الدعوة التامة والصلوة القائمة صل علی محمد وارض عنا رضی لا یحط
بعده استجاب الله له ۲۰ من قال جین ینادی المنادی اللهم رب هذا الدعوة التامة والصلوة القائمة
صل علی محمد وارض عنه رضی لا یحط بعده استجاب الله عز وجل دعوتہ ۲۱ من قال جین یسبح الذم
اللهم رب هذا الدعوة التامة والصلوة القائمة ات محمداً الوسیلۃ والفضیلۃ وابعثہ مقاماً محموداً الذی
وعده حلت له شفاعتی یوم القیامۃ ۲۲ اکثر واعلی من الصلوۃ فی کل یوم جمعة فان صلاۃ امتی تعرض علی
فی کل یوم جمعة فمن کان اکثرهم علی صلوۃ کان اقر بهم منی منزلة ۲۳ الصلوۃ علی نور علی الصراط فمن صلی علی
یوم الجمعة ثانیین مرة غفرت له ذنوب ثمانین عاماً ۲۴ اذا کان یوم الخمیس بعث الله ملائکة معهم صحیف
من فضة واقلام من ذهب ینکتبون یوم الخمیس ولیلۃ الجمعة اکثر الناس صلوۃ علی النبی صلی اللہ علیہ وسلم

٢٥ ان اقربكم مني يوم القيامة في كل موطن اكرمكم على صلوة في الدنيا من صلى على في يوم الجمعة وليله الجمعة
مائة مرة قضى الله له مائة حاجة سبعين من حوائج الآخرة وثلاثين من حوائج الدنيا ثم يوكّل الله بذلك ملكا
يدخله في قبري كاي دخل عليكم الهدايا يخبرني من صلى على باسمه ونسبه الى عشرينه فانه عندي في صحيفة
بيضاء ان علي بعد موتي كعلي في حيوتي ٢٦ ما من مسلمين بلقيان فيصالح احدهما صاحبه ويسلمان
على النبي صلى الله عليه وسلم الا لم يبرح حتى يغفر ذنوبهما ما تقدم منها وما تاخر ٢٧ اذا دخل احدكم
المسجد فليسلم على النبي صلى الله عليه وسلم وليقل اللهم افتح لي ابواب رحمتك واذا خرج فليسلم على النبي
صلى الله عليه وسلم وليقل اللهم اعذني من الشيطان وفي رواية واذا خرج فليقل اللهم اني استأثرت
من فضلك ٢٨ الدعاء كله محبوب حتى يكون اوله ثناء على الله عز وجل وصلوة على النبي
صلى الله عليه وسلم ثم يدعوا فيستجاب لدعائه ٢٩ ما من دعاء الا بينه وبين السماء حجاب حتى يصلي على محمد
وعلى آل محمد فان فعل انحرى ذلك الحجاب ودخل الدعاء واذا لم يفعل رجع ذلك الدعاء ٣٠ الدعاء بين
الصلوتين لا يرد ٣١ ما جلس مجلسا قوم لم يذكروا الله فيه ولم يصلوا على نبيهم الا كان عليهم عذابهم
وان شاء غفر لهم ٣٢ ما جلس قوم مجلسا لا يصلون فيه على الاكسان عليهم حسرة وان دخلوا الجنة
لمساوون من كثرة الاثواب ٣٣ اذا طنت اذن احدكم فليذكرني وايصل على وليقل ذلك الله بخير من ذكرني ٣٤
لا وضوء لمن لم يصل على النبي صلى الله عليه وسلم ٣٥ من هم بامر قساور فيه وثقه الله لشد امره ومن اراد
ان يحدث حديثا فليصل على فان في صلوة على خلفا عن حديثه وعسى ان يذكره ٣٦ كل امر ذي بال
لم يرد فيه يذكر الله ثم بالصلوة على ثم واقطع محقق من كل بركة ٣٧ من ذكرت عنده فلم يصل على فقد شقي ٣٨
الجنيل من ذكرت عنده فلم يصل على ٣٩ ان اجعل الناس من ذكرت عنده فلم يصل على ٤٠ من ذكرت عنده
فلم يصل على فقد خطي طريق الجنة (فصل) كتاب صلوات وبشرده مفصلا بحمد ربه رسول الله عليه السلام
(من كتب في كتابه صلى الله عليه وسلم لم تزل الملائكة تستغفر له مادام في كتابه) بيوروب ساف كرامك بري ايدر
بجمله حديث طلب ايدر بر كسنة وفات ايد كده دوشنده اني ارقاسنه بشل حله ر كيش كوروب
سبين صورديغمده هر حديثه كورديكم اسم رسول الله عليه السلام الله صلى الله عليه وسلم يازردم انكيون
حق تعالى بونكاه مكافات ايتدي ديدى سلفك بري دخی ايدر بر قوشوم كاغدي وفات ايدوب اني دوشنده
كوروب الله تعالى سكايتدي ديديكده يار قادي ديوب نه سيله ديديكده اسم رسول يازردم غمجه
صلى الله عليه وسلم لفظني يله يازردم غمچون ديدى بري دخی ايدر بر كسنة بكا بعض ننه يازوب حضرت
رسول الله صلى الله عليه وسلم يازردم يرد صلى الله عليه وسلم تسليما كثيرا كثيرا ديو يازمش كوروب سبين
صورديغمده ديديكه نازده لكده كتب حديث يازردم اسم شر يقرني يازدقه صلواتي يله يازمدم دوشنده
جناب شر يقرني كوروب يانلر نه وارديغمده مبارك يوزل بن بدن دوشدوب او يانلر نه بكديكده
يو يانلر بن دخی دوشدوب مكن قارشولر نه واروب يار رسول الله فيكون بدن يوز كزي دوشدوب ديديكده
(لانك اذا ذكرني في كتابك لاتصل على) ديديلر اوزماند نبر واسم شر يقرني البسه صلوات الله يله يازمدم ديدى
ابوسليمان حواني ايدر حديث يازمدم اسم شر يقرني يازديغمجه صلى الله عليه وسلم ديوب يازوب لكن وسلم لفظني
يازمدم دوشده كندولرني كوردم بكا يورديلر ك (بابا سليمان اذا ذكرني في الحديث اذا صليت على) الاتقول
وسلم وهي اربعة بكل حرف عشر حسنة تترك اربعين حسنة) بريك دخی عادتي بويه اولوب ا كادخی
واقعه منده رسول الله عليه السلام (ما تلاتم الصلوة على) يعني نه اولدي سكاكه بكا صلواتي بتون يازمدم
ديوب قاتنه لدر (نبيه) علماده سلسلدر كه حال بومشوا اوزر ارايچي عوام كتاب واحجاب كـ
صلى الله عليه وسلم لفظنندن رمز طرييله بدل اولميجون صلعم ياخود عم ديوبازدقري لايتي اولوبوب
بروجه جازمندن احتراز لازمدر (فصل) الصلوات والبشرده منافع وفضائل صلوات حقنده
احاديثن غيري مذ كور اولان آثار بودر كه حضرت ابو بكر ايدر (الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم
الحق للذوب من الماء للناور والسلام على النبي صلى الله عليه وسلم افضل من عتي الرقاب وحب رسول الله صلى
الله عليه وسلم افضل من ضرب السيف في سبيل الله حضرت علي ايدر (من صلى على النبي صلى الله عليه وسلم

يوم الجمعة مائة مرة يوم القيامة وعلى وجهه من النور نور يقول الناس اي شيء كان يعمل هذا) حضرت
حذيفة ايدر (الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم تترك الرجل وولده وولده) حضرت ابوهريرة ايدر
(من خاف على نفسه النسيان فليكثر الصلوة على النبي محمد صلى الله عليه وسلم) حضرت عبدالله بن عمر ايدر
(ان لا دم عليه السلام من الله موقفا في فسح العرش عليه نوبان اخضران كانه نخلة مخوق ينظر الى من
يتطلع من ولده الى الجنة وينظر الى من يتطلع من ولده الى النار فينما آدم على ذلك اذ نظر الى رجل من امة
محمد صلى الله عليه وسلم يتطابق به الى النار فينادي آدم يا احديا احديا فيقول ليكن يا ابا البشر فيقول هذا رجل
من امتك يتطابق به الى النار فاشد الميز واهرع في اثر الملائكة واقول يا رسول ربى قفوا فقولون نحن الغلاظ
الشداد لانصى الله ما امرنا ونفعل ما نؤمر فاذا ايس النبي صلى الله عليه وسلم قبض على لحيته بيده اليسرى
واستقبل العرش بوجهه فيقول رب اليس وعدتي لا تخزني في امتي فيأتى الند آمن عند العرش اطيعوا واحمدا
وردوا هذا العبد الى المقام فاخرج من حجري بطاقة بيضاء كالغلة فالقها في كفة الميزان وانا اقول بسم الله
فترجع الحسنة على السيئات فينادي مع دوشده جده وثقات موازته انطلقوا به الى الجنة فيقول العبد
يا رسول ربى قفوا حتى اكلم هذا العبد الكريم على ربه فيقول يا بني انت وامي ما احسن وجهك واحسن خلقك
من انت فقد اقلنتي عثرى ورحمت برى فيقول انا نبيلك محمد اللهم صل عليه وسلم وهذه صلواتك التي كنت تصلي
على فقد واقتك احوج ما تكون اليها فليصل الله وسلم عليه تسليما كثيرا) مر ويدركه موسى بيده عليه السلام
حق تعالى يا موسى اريد ان اكون اقرب اليك من كلامك الى اسنانك ومن وساوس قلبك الى قلبك ومن روحك
الى بدنك ومن نور بصرك الى عينك) ديوب وحي ايدوب اودخی (نم يارب ديد كده فاكثر الصلوة على محمد صلى الله
عليه وسلم) ديوب ودخی (يا موسى اتحب ان لا ينالك من عطش يوم القيامة) ديوب اودخی (الهي نم) ديد كده
فاكثر من الصلوة على محمد صلى الله عليه وسلم) بيورمشر بكارمشايخندن ابوحنيفه كاغدي وفات ايد كده
بركسنة اني واقعه ده كوروب الله تعالى سكايتدي ديوب رضى وغفرلى وادخلنى الجنة ديوب
نه سيله ديد كده لما اوقفني بين يديه امر الملائكة تحسبوا ذنوبى وحسبوا صلواتى على النبي صلى الله عليه وسلم
فوجدوها اكثر فقال لهم حسبكم يا ملائكة لا تحاسبوه واذهبوا به الى جنتي بيوردي ديدى بكارمشايخندن
محمد بن سعيد بن مطرف ايدر هر كجه يتاخر زمانده عدد معبلة صلوات ويردم بريجه او يوركن دوشنده
رسول الله عليه السلام كاوب ايچر وكوروب اوده ملك ايچي فوله طولوب بعده بدن يكا كاوب (هات القم الذي
يكتر الصلوة اقبله) يعني كتورشول بكا صلواتي جوق ايدن اغزي او ييم ديوب بندخی اغزم طومغاغ او تاوب
يكاغم طومديغمده مبارك اغزلر يله او يوب في الحال دهشت ايله او ياوب اوده ملك ايچي رايجه مسكه طومش
بولوب سكر كونه دل يكاغمدن رايجه طيبه كتمدي مر ويدركه بكارمشاغلندن خلاد بن كثير وفات ايد كده باشي
التنده (هذا بره من النار خلاد بن كثير) ديوب قدرتن يازمش بر كاغدي بولوب فوايغنه بونك عملي نه ايدى
ديوب ورلد قده هر جمعه كوني صلوات كتورردى ديديلر * زين الجاهل شيخ عفيفه مذ كورديكه حضرت
رسول الله عليه السلام (ثلاثة تحت ظل عرش الله يوم لا ظل الا ظله) ديوب انلر كيلدر ديد كانه (من فرج
عن مكروب امتي واحبي مني واكثر الصلوة على) ديوب ودخی (من اصبح وامسى وقال اللهم يارب محمد
وآل محمد صل على محمد واجر محمد ما هو اهل انعب سبعين كتابا الف صباح ولم يبق لديه حقا الا اذاه
وغفر له ولوالديه وحشره مع محمد وآل محمد عليه السلام) ديوب ودخی (ان الله ملكه جناح بالمغرب وجناح
بالمشرق رأسه تحت العرش ورجلاه تحت الارض السابعة وعليه بعد خلق الله ريش وزغب واذا صلى رجل
او امرأة من امتي على امر الله تعالى له بان يغمس في بحر من نور تحت العرش فيطهر من كل ريشة قطرة
فيخلق الله من كل قطرة ملكا يستغفر له الى يوم القيامة) ديوب ورمددر مر ويدركه قيامته مؤمنك حسنة
وسميتي ميزانه قوند قده حسنة او منته جناب حقندن آق حيفه ل نازل اولوب حسنة رايح اوله قده الله
تعالى (هذه صلواتك على محمد ثقات باميزانك وجفاتها لك ذخيرة) ديوب ويورمشر * دخی مذ كورديكه امام سفيان
ثوري ايدر جمعه وارديغمده كعبه نك اورنوسنه يايشوب متصل روح رسوله صلوات كتوررر بكت كوردم
هر مكانك مخصوص دعائي اولر كه طوافك دعائي صلوات دكادر ادعية ما نوره درديدم ايتديكه اكرن

امام کبر و شیخ المساین اولیاد کثرت می - کا خبر و مرزوم بیانی اولیاد که کور کن یوله پدرم خسته
اولوب وفات اندکده کوزی کوزی سیه باشی خنزیر باشی کبی اولدی بنانی کوروب غمناک اولوب اوینخو
باصدقه دوشنده خوب صورت معتدل القامه بریکت کلوب پدرمک باشی اوچنه او توروب مبارک الیه
یوزنی صیغادقه قرالتی کیدوب باشی انسان باشنده دوندی اول یکت کیدرکن سن کیسن الله سکا رحمت
ایتسون دیدم بنی بیلزمن بن سید ولد آدم محمد ای یکت بیلش اولکه بابا که ملائکه عذاب نازل اولد قلزنده
صلواتی ملکری بکاتی خبر و یردی پس کلوب نازل اولان بلاسن کشف یعنی رفع ایتم بکاصلوات و یردی
اگرچه کیم شرب ایدی یعنی شرب خمری جوق ایدردی یوردی پس اوینخودن او اندم بابا ملک یوزنی اچوب
کوردمکه باشی انسان باشنده دویوب یوزی آق و یرنور و یراق اولش کوردم انکچون اول زمانده ترو اصلا
صلواتدن خالی دکام دیدی * معیان ایدر کچک دیرسن یکت دیدم بعده شا کردلر مه دیدمکه بوقصه بی جله
مسلمانلر خبر و یرنرنا که اویکی کیدلر بابا می کثرت صلوات الیه ناردن نجات بولدق کبی نتیجه مسلمانلر دخی نجات
یوله لری فضیلت صلوات حقده حافظ رشید الدین دیشدرکه (نظم) الایم الراجی المذوبه والاجر * و تکفیر
ذنب سالف انقض الظهرا * علیک یا کثار الصلاة مواظبا * علی المصطی الهادی شفیع الوری طرا * و افضل
خلق الله من نسل آدم * و از کاه موقرعا و شهرهم نفرا * تقدص ان الله جل جلاله * یصلی علی من قالها
مرة عشر * فصلی علیه الله ما جنت الدجی * و اطاعت الافلاک فی اللهها نفرا (فصل) کیتیت صلواتده
معتبرانده قرقدن زیاده حدیث اولوب ایلرندن سکر عدد دباعث المودی انتخاب اولدیکه بونلر ۱ اللهم صل
علی محمد و علی آل محمد کاصلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم و بارک علی محمد و علی آل محمد کبارکت علی ابراهیم
و علی آل ابراهیم انک حید مجید ۲ اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کاصلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک
حید مجید اللهم بارک علی محمد و علی آل محمد کبارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حید مجید ۳ اللهم صل
علی محمد و علی آل محمد کاصلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حید مجید و بارک علی محمد و علی آل محمد
کبارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حید مجید ۴ اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کاصلیت و بارکت علی
ابراهیم و علی آل ابراهیم فی العالمین انک حید مجید ۵ اللهم صل علی محمد النبی الای و ازواجه امهات المؤمنین
و ذریته و اهل بینه کاصلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حید مجید ۶ اللهم صل علی محمد النبی الای و علی
آل محمد کاصلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم و بارک علی محمد النبی الای و علی آل محمد کبارکت علی ابراهیم
و علی آل ابراهیم انک حید مجید ۷ اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و ارحم محمد و آل محمد کاصلیت و بارکت
و رحمت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حید مجید ۸ اللهم اجعل صلواتک و رحمتک علی محمد و علی آل محمد
کاصلیت و بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حید مجید (فصل) بعض صلواتک متافعی خصوصی
بودرکه کتاب الصلوات و البشرده محرردرکه صاحبندن شیخ ابو موسی الضری ایدر زیاده کبی ایلر کیدرکن
افلاک یهنی فاصرغه دیدکاری مهلاک بل اسوب جله خلق خوقا عن الفرق اغلاشوب او حالده بنی اوینخو
باصدقه دوشنده حضرت رسول کوردم یوردی که اهل مرکبه یعنی کبی ایچنده اولنلر دیکه یکت که
(اللهم صل علی سیدنا محمد و علی آل سیدنا محمد صلاة تخیینا بها من جمیع الاهوال و الاوقات و تنقذنا بها
جمیع الخسایات و تطهرنا بها من جمیع السیئات و ترفعنا بها عن الدرجات و تبلغنا بها اقصى الغایات
من جمیع الخیرات فی الحیاة و بعد الممات) دیب و نلر او یانوب خلقه خبر و یروب او چوزکره دیدیمکرمده بلادن
خلاص اولوب قورتلدق * شیخ ابو عبد الله الاسوانی ایدر اشبو صلواتی هرچامهم و هر بلاه مداهمه
یکت که اوقیان کشته یغم و سرجدن فرح و فرج حاصل و مأمولنه اصل اولور * مریدرکه برکسنه
حضرت رسول صلی الله علیه و سلمی دوشنده کورمک دیلسه (اللهم صل علی محمد کما امرت ان فصلی علیه
اللهم صل علی محمد کما هو اهله اللهم صل علی محمد کما تحب و ترضی له ان فصلی علیه اللهم صل علی روح محمد
فی الارواح اللهم صل علی جسد محمد فی الاجساد اللهم صل علی قبر محمد فی القبور) دیوب بلاتعیین تقدردیرسه
دیه همان تک اوق اوزره اختتام ایده یعنی و ترا و زره تمام ایتمکه شمول اوله تا که مرادی حاصل اولوب
مأمولنه و صل یوله (فصل) افضل انواع صلوات حقده اختلاف کثیر اولوب سن ابن ماجه ده مریدرکه

حضرت ابن مسعود (اذ صلیتم علی رسول الله صلی الله علیه و سلم فاجسئوا الصلاة علیه فانکم لاتدرون
اهل ذلک یعرض علیه) دیوب مجلسنده اولنلر امدی بزه تعالیم الیه دید کارنده دیدیکه بویلدیکرکه (اللهم اجعل
صلواتک و برکتک و رحمتک علی سید المرسلین و امام المتقین و خاتم النبیین محمد و رسول الله الخیر و رسول
الرحمة اللهم ابینه مقام محمودا یغبطه فی الاولون و الاخرین اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کاصلیت علی
ابراهیم و علی آل ابراهیم انک حید مجید و بارک علی محمد و علی آل محمد کبارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم
انک حید مجید * کتاب الصلوات و البشرده محرردرکه برکسنه افضل صلوات و صلوات و یرم دیوب رضاعین ایتسه
بعضلر ایدر اول کسنه بویلدیکر که کدرکه کثرت اولیه (اللهم صل علی سیدنا محمد النبی الای و علی کل نبی و ملت
و ولی عدد الشفع و الوتر و عدد کلمات ربنا التامات المبارکات) بعضلر ایدر که بویلدیکر که کدرکه (اللهم صل علی
عبدک و نیک و رسولک النبی الای و علی آله و اصحابه و ازواجه و ذریاته عدد خلقک و زنة عرشک و رضاعتک
و مداد کلماتک) بعضلر ایدر که بویلدیکر که کدرکه (اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کلاذکره الذاکرون و کما
عنه الغافلون) امام راضی و کتاب روضه ده امام نووی ایدر که بویلدیکر که کدرکه (اللهم صل علی محمد و علی آل
محمد کاصلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم و بارک علی محمد و علی آل محمد کبارکت علی ابراهیم و علی آل
ابراهیم انک حید مجید) لکن عزیز نووی کتاب اذ کارده ایدر احادیث صحیحه دن وارد اولنلر جمع ایدوب
دیدک کدرکه (اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک النبی الای و علی آل محمد و ازواجه و ذریته کاصلیت
علی ابراهیم و علی آل ابراهیم و بارک علی محمد النبی الای و علی آل محمد و ازواجه و ذریته کبارکت علی ابراهیم
و علی آل ابراهیم فی العالمین انک حید مجید) سلفدن بری ایدر حضرت رسول دوشنده کوروب یا رسول الله
امام شافعی به هیچ شخص و صبحه بر احد انتکز اولدی دیدیکمده (نعم سألت الله ان لا یحاسبه يوم القيامة) دیوب
سین صورتیغده (انه کان یصلی علی صلوة یصل علی مثلها احد) یعنی بکابر نوع صلوات و یردی که هیچ برکسنه
بکانت کبی صلوات و یرم امشدر اول صلوات نه ایدی دیوب صورتیغده (اللهم صل علی محمد کلاذکره الذاکرون
و صل علی محمد کما غفل عن ذکره الغافلون) دیر ایدی دیوب یوردی * مواهب لدیه ده امام بغوی برکاتنده
افضل صلوات الیه صلوات و یرم که فرضا بین ایدن (اللهم صل علی محمد کما هو اهله و یحققه) دیدک کدر
دیشدر دیوب لکن حدیث شریفه تعالیم اولنلر صلواته بقوی دیدیکبی و امام شافعی (اللهم صل علی محمد
و علی آل محمد کلاذکره الذاکرون و کما غفل عن ذکره الغافلون) دیدیکبی ضم و جمع ایتسه اشمل و اکمل اولور
اگر جمیع روایانده ثابت اولنلر بر صلواتده ممکن اولدقچه جمع ایتسه افضل و احسن اولور دیوب * زین
الجبالة ده مذکوردرکه امام شافعی برکسنه دوشنده کوروب یا امام حق تعالی سکانه ایلدی دیدکده یار لغادی
دیوب نه سیدله دیدکده بش صلوات که حضرت رسول اندر الیه صلوات و یردم دیوب اندرند دیدکده
(اللهم صل علی محمد بعدد من صلی علیه و صل علی محمد بعدد من لم یصل علیه و صل علی محمد کما تحب و ترضی
ان یصلی علیه و صل علی محمد کما امرت بالصلاة علیه و صل علی محمد کما یغنی ان یصلی علیه) دیر ایدم دیدی
صلوات و بشر موانی صاحب قاموس ایدر کیفیات صلواتدن بعضلر (اللهم صل علی محمد و علی آل محمد صلوة
دائمة بدوامک) دیدیک بعضلر (اللهم یا رب محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و اجز محمد علی الله علیه و سلم
ما هو اهله) دیدیک اختیار ایدوب شیخ معروف کرخی اصحابندن ابو الحسن کرخی بویلد صلوات الیه مشغول ایدیکه
(اللهم صل علی محمد علی الدنیا و علی الاخرة و بارک علی محمد علی الدنیا و علی الاخرة) اشبو کیفیات مختلفه
دلالت ایدر که لفظ صلواتده زیاده و نقصان جائز اولوب زیاده نک زمانه عینه و الفاظ معینه اختصاصی یوقدر
لکن جمیع دن افضل و اکمل حضرت رسول تعالیم ایتدی القاطن شریفه در پس محب رسول مختار اولنلر
مرا و اردرکه من احب شیئا اکثر من ذکره فحواشیجه اکثر حالده صلواتدن خالی اولوب اشتغالده اولوب وارد
اولان الفاظی ممکن اولدقچه جمع ایتمک سبی ایده که (لا یكمل ایمان احدکم حتی اکون احب الیه من والده
و ولده و الناس اجمعین) حدیثی منه و منجه هرکس سعادت هوسه بوجه جازم واجب و لازمدر خصوص
(اقدمن الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یرکیمهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة
وان کانوا من قبل لانی ضلال مبین) آیتی دلالتی اوزره هر مؤمنه کند و اوزرنده اولان حق رسولی ادا ایتمک

همجودين بلکہ محض فرض عیندر دیوب بوصولاتی کند و زبان در درفشانند بیان ایستد که (اللهم صل
 علی محمد النبی الامی وعلی آله وازواجه وذریته واصحابه عدد ما خلقت وعدد ما انت خالق ورتبه ما خلقت
 ورتبه ما انت خالق وعلی ما خلقت وعلی ما انت خالق وعلی ما خلقت وعلی ما خلقت وعلی ما خلقت وعلی ما خلقت
 وعدد خلقت ورتبه عرشک ومرتبه ورحمتک ومداد کلماتک ومبلغ رضاک وحقی ترضی وانذارضیت وعدد
 ما ذکرک به خلقت فی جمیع ماضی وعددها ما ذکرک فیما بقی فی کل سنه و شهر و جمعه و یوم و لیلہ و ساعه
 من الساعات ونفس و لحظه و طرقة من الازل الی الابد فی الدنیا والاخره واکثر من ذلك لا یقطع اوله
 ولا ینقد آخره) بحر مطور اولان عبد پر قصور قسم ثالث تاریخ مرآة الکائنات اولان اشبه و قسم سید
 سید الانام صاوة وسلام شرف انتساب ومدح وثناء لای انتظام الیه انعام بولوب مسکی الختام اولای اہم
 نہام واعز مرام اولغین آل حضرت رسول مقبولن سید اجل عدۃ الدین ابوعلی بن الحسن الغزنوی علیہ
 رحمة الرب القوی منظومانتدن اولان شعر لطافت اشعار اختیار اولندیکه بودر (نظم) سلام کالطاف الالہ
 المحجد * سلام کا خلاق النبی الموبد * سلام کسک الصدغ ترهوبہ الصبا * علی صفحتی کافور خدمورد *
 سلام کطل جاد فی عین نرجس * فطر متما کل جفن مسہد * سلام کالحان العنادل سحرہ * بحاجبها جمع
 الحسام المفرد * سلام کما بارد فی حرارہ * لدی القاع بشی غلہ الکبد الصدی * سلام بہ فی لیلہ القدر تنزل
 الملائک والارواح فیہا الی القدر * سلام کافہ ساسی اذا کنت ناطقا * بمدح رسول اللہ جدی ومیدی * علی من
 تصدی منصب الی منصب * علی من تونی سودا ای سودد * علی من تلقی حکمۃ ای حکمۃ * علی من ترقی
 مصعدا ای مصعد * علی من تخطی قاب قوسین فی العلی * وفاز بسہم فی العلی متفرد * علی من لہ عیسی ابن
 مریم حاجب * علی من بہ موی بن عمران مقتدی * علی من بہ عین القلوب فریرہ * بنام بعین اللہ فی خیر
 مرقد * امام جمیع الانبیاء مطہر * رسول الہ العالمین محمد * الیاسید العباد یا من نوریت * لہ دماہ من
 دوام التجدد * ایاخا للرسول کنت نبینا * وادم ملتی بین طین وجہاد * علیک سلام اللہ یادافع الردی *
 ویا شافعافینا ویا کافی الردی * الایام العناق صلوا وسلموا * علی من بہ فزتم بخلد تخذل * وصلوا علی اصحابہ
 النجم الہدی * باہمو من یقتدی فهو یعتدی * جزی اللہ عنا المصطفی ما استحقہ * وما اللہ یجزی جیدا
 غیر جید * انبت الی الرحمن معصیہ * ومن یعتصم بالانبیاء لقد ہدی (اللهم صل علی عبدک ورسولک ونبیک
 وصفیک وخیر خلقک امام المتقین وخاتم النبیین وقالہ الغر المحجلین سیدنا محمد النبی العربی) اللهم آتہ الوسیلۃ
 والفضیلۃ والدرجۃ العالیۃ الرفیعۃ وابعہ مقاما محمودا الذی وعدتہ انک لا تخلف المیعاد اللهم فصل وسلم
 وبارک علیہ وعلی آله واولادہ وازواجه واصحابہ وذریانہ واهل بیتہ وتابعہم باحسن الیوم الذین صلواتہ زاکیۃ
 سامیۃ نامیۃ مطہرۃ مجلۃ لا تنقض من الیہ منہ والیہ ابدا الابدین علیہ رتہ عرشک ومداد کلماتک وتعداد حکمۃ ک
 وبقاء ذاتک وصل وسلم علیہ وعلی اخوانہ من الانبیاء والمرسلین وعلی آل کل وصحبہ وتابعہم وعلی ملائکتک
 المقربین واهل طاعتک اجمعین سبحان ربک رب العزۃ عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد للہ رب العالمین

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

الحذبة الذي ايد هذا الشرع والدين * بالخلفاء الراشدين * والصلوة والسلام على سيد المرسلين *
وحبيب رب العالمين * وعلى آله واصحابه اجمعين (اما بعد) قسم رابع تاريخ مرآت الكائنات اولان
اشبو اوراق صحت سمات مسكية النفعانده خلفاء راشدين يعني چهار يار كزين ومناسبتله حسن وحسين
نفر المؤمنين احوالري تبين اولنوب التي بابيه منقسم وبو وجهله مرئسدر (فائده) اولام معلوم اوله كه
معتبرات متفرقة ده (الخلافة من بعدى ثلاثون سنة ثم خیر ملكا عضوا) ديودنخی (الخلافة ثلاثون عامام
يكون بعد ذلك الملك) ديودنخی (ان او اكتم) اي اول ديتكم (بدي بنوة ثم يكون خلافة ودرجه ثم يكون ملكا
حبرية) ديودنخی (ثلاثون خلافة ونبوة وثلاثون خلافة وملك وثلاثون تحجير ولاخير فيما وراء ذلك) ديودرت
حديث شريف اولوب علماء علمدر كه چهار يار كزيند نصكره حضرت - سنك التي ابلق خلافتي آخرنده
حديثه بيوريلان اونوزيل تمام اولدى واحاديث مزبور نك تاويلنده اشراف مؤمنين امر مبايعتده
اختلاف باختيار حق وعدل اوزره على التوالي خلافت كامله زمانى همان اوتوزيلدره يعنى وفات رسولن

اوتوزيله دكدراند نصكره شرائط مزبور كه اولوب كه بولغيوب اكرملوك مؤمنين ملك عضوض يعني اهل
 ظلم وجور ناپسندیده طور اولورلر ديمشله (فائده) هر ويدر كه رسول عليه السلام وفاتلرند نصكره خلافتي
 هيچ بر زمانده بر كس نه به صراحة تعيين ايتيوب بلكه همان مرض موتلرند وفاتلرند سكرز كون مقدم
 حضرت ابوبكرى امامته تعيين ايتكاه انك خلافتنه ومن ايتديلر زرا امام اولان اعلم واصح موجودين اولان
 اولي ايندوكي (يوم القوم اقرهم الكتاب الله) حديثيله ناسندور * هر ويدر كه رسول عليه السلام زمان حكتلرند
 بر كه كندور مسجد حقيقه ميوب صحابه نمازي قيسلرند ديوب ابو بكر حاضر اولماقين امام عمر
 اولوب رسول عليه السلام آوازيق اشد كده (لاالا يا بى الله والمسلمون الا ايا بكر فليصل بالناس ابو بكر)
 ديوب بر كه دخی حضرت علي به خطابا (سألت الله ان يقدمك ثلاثا فاني على الاقدم ابي بكر) يعني سني سائر
 صحابه اوزرينه تقديم ايتكي الله تعاليدن اوج كه رجائيدم ابو بكرى تقديمدن غيرى حاله الله تعالى رضا
 ويرمدى ديديلر لكن زمان حكتلرند ابو بكر ك خلافتنه نصريحه بكرز نيجه ومن و اشارت ايتلردي جاهل دن
 ايتد امد بنه به كلوب مسجد شمر يقلى بنا اولنور كن مباولك الريله نيايه بر طاش قويدوب ابو بكر طاشكي بنم
 طاشم ياته قويدوب قودقده عمره طاشكي ابو بكر ك طاشي ياته قويدوب قودقده عثمانه طاشكي عمر ك طاشي
 ياته قويدوب قودقده (هؤلاء الخلفاء بعدى) ديديلر بر كه دخی (اقدوا بالذين من بعدى ابي بكر وعمر) ديديلر
 بر كه دخی بر خاتون كلوب بر نسنه ايسند كده بعد زمان كلك امر ايدوب كلوب سزى بولمز سم نه ايدم ديد كده
 (ان لم تجدني فات ابا بكر فانه الخليفة من بعدى) ديديلر مرض موتلرند (اشئني بدواة وقرطاس اكتب
 لابي بكر كتابا لا يختلف عليه اثنان) ديوب بعده (يا بى الله والمسلمون الا ايا بكر) ديديلر كتاب المساي رده علامه
 ابن الهمام ايدو حضرت رسوله ابو بكر خليفه اوله جغنى حق تعالى ييلدروب لکن امته اعلامه امر ايتام شدى
 (باب اول در احوال ابو بكر الصديق رضى الله تعالى عنه)

(باب اول در احوال ابو بکر الصديق رضی اللہ تعالیٰ عنہ)

(نظم) آخر انبياء اول يار * ثانی اثنين اذ هما فی القار * سید بارگاه صدق و صفا * خلف حضرت حبیب خدا * اکا اول دم ویرلای عزت و جاه * دیدی اکا بنی خلیل الله * کیدره قنلی باب جنتدن * اول اول کیره سائر امتدن * بعد عهد النبی بالتحقیق * بشرك افضل درو صدیق * قلدی حکم و حکومتی ایکی یل * اولدی عمر عزیزی مستعمل * ککاشن دینی قلادی عدله زین * رضی الله عنه فی الدارین * (فصل در اسم و نسب و حلیه و کنیه و لقب) معتبرات متفرقه ده مذکور در که ولادت حضرت رسولدن ایکی یل ورفاج آی صکره طوغوب پدری ابو خافه عثمان بن عامر بن عمرو بن کعب بن سعد بن تميم بن مره ابن کعبدر که حضرت رسولک نسب مشرفی ایله منور مره ده جمع اولشدر * بعضرا ابو بکر له اسمی اصلده عتیق ایدی دیوب قول اصح اوزره عبدالکعبه ایدی که رسول علیه السلام عبدالله دیو آقودیلر * هر ویدر که بکر آدلو اوغلی اولیوب لکن عادت عرب اوزره ارکان اوغلی اولق ایچون تقالادخی نازم یکن ابو بکر دیو کنیه قونوب اسمنه غالب اولدی حسن وجمالی یانسی عیویدن خالی اولدیغیچون یا ایمانه جمله دن اول کادیکیچون لکن نیجه احادیث مفهومیجه جهنندن آزاد اولدیغیچون لهی عتیق اولوب بعد الایمان جناب حقندن مکده قصه معراج رسولی اول کیجه نک ایرتسی غائبانه ایسته مکده کمال اعتقادله تصدیق ایتمکین جناب حقندن صدیق لقبیه مشرف اولمشدی صحابه دن انس بن مالک جمیع صحابه دن یاشده یولک اولانرا ابو بکر ایله سهیل ابن عمرو بن البیضا ایدی دیوب لکن حضرت حمزه وعباس وعبیده بن الحارث یوندن یولک ایدوکی یوقاروده تر باب صحابه ده کچمشد نظر اولنه * هر ویدر که آق بکر لویوزی وکوده سی خفیف وکاکلری اوستنده صفالاری خفیف وکوزلری نوعا چقور وآنکی یومریجه اولوب صفالنی حنا وکم ایله یواریدی (فصل در احوال جاهلیت و کیفیت ایمان او) تاریخ الخلفاء شیخ سیوطیده هر ویدر که حضرت صدیق دخی قبل الایمان مکده نصراقریشک اعیان ویکار و مقبول مستشار زندن ایدی اوزمانده دخی اعف ناس اولوب کمال صداقت و صلابت اوزره اولغین اصلانرب خیرا تیموب مشرف دخی سویللمشدی و اوزمانده تجارت اوزره اولغین صاحب مال اولوب جود و سخا و بذل و عطایه معتاد جواد خیر نهاد ایدی حضرت رسوله دیساده ابتدا ایمان کتورن کیم ایدوکنده اختلاف اولوب اول خدیجه ایکنی با اوچنی ابو بکر ایدی که بوخصر صلت تفصیلی

یزید و در باب نبوت رسول علیه السلام که مشد نظر اولنه مر ویدر که ابوبکر حضرت رسول علیه السلامه
 نبوت نردن نیجه بیلر مقدم غایده دوست اولوب قیامت واریتی برلده کاهلنردن اوصاف رسولی و کندونک
 انله صاحب اوله جفتی نیجه **کرمایشیدوب نبوتلری** ظهورنده بی شد ورتد محض محبت و نود دایله
 ایمانه کادی (فائده) مر ویدر که والدہ سی ام اخیر رسول علیه السلام دخی مکده ایکن ایمانه کلوب
 اما بابامی ابو خافه عثمان بن عامر چاق مکده قحده طفسان باشند پیرایکن ایمانه **کلوب** (رب اوزعنی
 ان اشکر نعمتک الی انعمت علیّ و علی والدی) آیتی ابوبکرله والدینی حقه زول ایدی دیوبو جمع
 صحابه ده کندوسی ویدر و مادری و بچه اولادی و اولاد اولادی ایمانه کیش ابوبکر دن غیری برکته یوغیدی
 حتی جمع مهاجر بنده ابوبکر **کردن غیری** بابامی ایمانه کیش کسته یوغیدی دیشلر (فصل در بعض
 فضائل و خصائص او) کتب و تاریخ و سیرده محرودر که ابوبکر صدیق حضرت رسول قبل النبوه خصوصاً
 بعد النبوه مکده و زمان هجرتده رفیق شفیق و محب صدیق ایدی مدینه ده دخی هر سفر و حضرده اجازه
 برابکی دفعه دن غیری جتایب شریف لامع الثور نردن اصلا دور اولوب اوقات یار کانی محبت حضرتده
 مر وایدردی رسول مختار لصدقه باری و محرم امراری و جمع امورده مستشاری اولوب حضرت یرایله
 ایکسی وزیر دایدر و مشیر عظیم النظر ایدیلر رسول علیه السلام (ان الله ایدی باریعة و زراة اثنين من اهل
 السماء جبرائیل و میکائیل و اثنين من اهل الارض ابوبکر و عمر) دیشدر هر مجلسده اصحاب کرام حلقه اولوب
 حضرت رسول علیه السلام صاغ یا نلرنده ابوبکر ی صولرنده عمری اولور دوب ابوبکر حاضر ایکن آنک
 اوستی یاتنه و غائب ایکن آنک پر نه اصلا برکسته بی کورمه یوب آنده اولد یقه بری پوش طور ردی کسته آنک
 اوستی بر نه یکمزدی **تاریخ** سوطیده اولان تفصیلک اجمالی بودر که ابوبکر خوب عاده شجاعت
 و ضاده و علم و کادده خصوصاً توادده چله صحابه دن زیاده ایدی ذکر اولسان امور لک دایملری بودر که
 حضرت علی انجع الناس ابوبکر دیوب و دخی وفات حضرت رسولده مر تدا اولان اکثر قبائل عرب ایله مقاتله
 عزم ایدوب صحابه تر دده ایکن ابوبکر آنله باقیوب کلن طاقوب یا لکتر چه جنکه توجه اید کده صحابه
 اکا تابع اولدیلر و دخی (و سجنهم بالانقی الذی یؤتی ماله یتزکی و مالا حد) آیتی بالاتفاق حضرت ابوبکر حقه
 نازل اولنده رسول علیه السلام (مانعه عنی مال قط مانعه عنی مال ابی بکر) یور مشدر زیر اجازدن تحصیل
 ایدی وکی اموال کثیره بی اوقات متفرقه ده حضرت رسول بذل ایدوب دخی نیجه وجهله فی سبیل الله صرف
 ایتمده و دخی وفات رسولده منع زکوة ایله مر تدا اولنده جنکی مقرر اید کده چله صحابه مسلمانله قلیچ
 چکملک جائز کدر دیور تدا اید کارنده (والله لا قاتان من فرق بین الصلوة و الزکاة و الله لومعونی عقلاً کالو
 یؤدونه الی رسول الله صلی الله علیه و سلم لقاتانهم علی منعه) دیوب صحابه ایله مباحنه اید کده چله سنی
 لازم ایدوب چله دن اعلم ایدوکی ظاهر و مسلم اولدی خصوصاً صحابه دن ابن عمر حضرت رسولک حیاتده
 خلقه فتوی و برنل کبر ایدی دیو صور لده ابوبکر ایله عمر ایدی غیری کسته و ایدوکی کلازم دیشدر *
 زمان خلافتده بر مشکل دعوی کده قرآنده بعده بلدوکی حدیثلرده یوقلیدوب انلرده جواب یولنیز ایه
 صحابه یه صوروب اکا متعلق حدیث بیلر زابسه مشاوره ایدوب اجماع ایدر لسه انکله عمل ایدوب اختلاف
 او انور ایه کند و اجتهاد ایدردی بعده حضرت عمر دخی قرآنده و حدیثده یولدیغنی ابوبکرک اجتهادنده
 یولور لسه البته انکله عمل ایدردی ناچار اولور لسه اجتهاد ایدردی (اقتد و بالذین من بعدی ابی بکر و عمر)
 حدیثی خود چله دن اعلم و افضل ایدوکی مشهور دایل قاطعه در و دخی کادده حد نه ایدله اولوب چله دن
 رسول علیه السلام (ان الله تبارک و تعالی خیر عبدا بین الدنیا و بین ما عنده فاختار ذلک العبد ما عند الله)
 دید کده مراد لری کند و لرایدوکی ابوبکر اکلاوب اغلاوب سائر صحابه آنک سرعت فوجنه تعجب ایدیلر
 و دخی (یوم القوم اقرأهم لکتاب الله) حدیثی اوزره معلوم قرآنده دخی اعلم صحابه او اغبین رسول علیه السلام
 مرض مونلرنده اکی امامته تعیین ایدوب (لا ینبغی اقوم فیم ابوبکر ان یومهم غیره) یور مشدی و دخی
 علم سنده یعنی حدیث و آداب رسولده اعلم صحابه اولوب بعض امور شرعیه ده اکثر یا صحابه اکا مراجعت
 و سوال ایدردی لکن سائر لری کی یوندن چوق حدیث روایت اولمده یغنی حضرت رسول لک ذکره آریشامغین

واولا نجه زمانى اهم مهمات اولان قع و فاع مرتدين و فغات تدار كنه مصروف اولد بيجون ايدى و دخی
 علم تعميره اعلم صحابه اولوب بكار تابعيندن رئيس المعبرين اولان ابن سيرين (كان ابو بكر اعبر هذه الامة
 بعد النبي صلى الله عليه وسلم) ديشدوردخی انساب قبائل عريده خصوصاً انساب قريشه اعلم جميع ناس
 ايدى ديشلوردخی فحما و خطباء ناسدن اولوب حتى بعض سلف خطباء اصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم
 ابو بكر الصديق و علي بن ابى طالب ديشدوردخی رأى و تدبيرده بى نظير و لعين رسول عليه السلام جميع
 امور دنيويه لرب انكاه طائشوب (انافى جبريل فقال ان الله يأمرك ان تستشير ابا بكر) ديوب حتى
 (و اورهم فى الامر) آيتى ابو بكر و عرايه مشاوره ايتمكيجون نازل اولمشدوردخی صحابه ايچنده قرآن
 عظيمى يتون حقتايدن برقاج كسمه نك بريدردخی كمال تقوى ده صحابه دن زياده ايد و كنه (و سيجبها الاثني
 الذي يؤتى ماله بتركي) آيتى دليل قاطع در زيارت حقتده نازل اولمشدورد (صل) انبياد نصكره افضل جميع
 بى آدم اولوب جلالت فضائلده متعلق برقاج آيت كريمه و وافر حديث شريف واردركه به ضلري بونلدر كره اولد
 (ثاني اثنين اذ هما فى الغار) آيتى و دخی (فما من اعطى و اتى و صدق بالحسنى فسيسر الله لى سرى) آيتى و دخی
 (و سيجبها الاثني الذي يؤتى ماله بتركي و مالا حد عنده من نعمة تجزى الابتغاء وجهه ربه الاعلى و اسوف يرضى)
 و دخی برقاج آيت دخی ابو بكر حقتده نازل اولد بغيرده اتفاق اولوب و دخی تفاسيره (الذين ينفقون اموالهم
 بالليل و النهار سرا و علانية فاهم اجرهم عند ربهم و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون) آيتى بر قوله بونك حقتده
 نازل اولمشدوردكه مشروبات انواع صدقاتى تحصيل و تكميل ايچون كيجه (ده اون ينك كوند زلرده اون ينك
 حقيمه اون ينك اشكاره اون ينك التوئى تدريجه تصدقاتي مشدورد بر قوله على حقتده نازل اولدى ديوب
 بر غيرى وجهله حكايات اولمشدورد (ثانيا (رسول عليه السلام ابو بكر الصديق خير الناس الان يكون نبى)
 و دخی (و الله ما طلعت الشمس و لا غربت على احد بعد النبيين و المرسلين افضل من ابى بكر الصديق
 و دخی) ان من امن الناس على فى صحبتده و ماله ابو بكر ولو كنت متخذاً خايلا غيرى لاختذت ابا بكر خيلا
 و لكن اخوة الاسلام) و دخی اما نك يا ابا بكر اول من يدخل الجنة من امتى) و دخی (حب ابى بكر و شكره واجب
 على كل امتى) و دخی (الناس كامم بحاسبون الا ابا بكر) ديوب و مشدورد دخی (خصال الخير ثمانية و ستون
 خصله اذا اراد الله بعبده خيرا جعل فيه خصله منها يدخل بها الجنة) ديوب ابو بكر دخی يارسول الله بنده
 او خصلت لردن بر بنى و ارميدرديد كده (ثم جعنا من كل) ديوب بر روايتده رسول عليه السلام (خصال الخير
 ثمانية و ستون) ديوب ابو بكر بنده بر بنى و ارميدرديد كده (كاهما فيك فهنيئاً لك يا ابا بكر) ميورديلرد دخی
 بركون بحباس رسول عليه السلامده (يا ايها النفس المطمئنة) آيتى آخرونه دك اولد ديوب ابو بكر يارسول الله
 (ان هذا الحسن) ديد كده اما ان الملكات سيقوا هالن عند الموت) ديد يلد و دخی بر كره ابو بكر عمره فى الجمله انجنوب
 رسول عليه السلام جله صحابه (ان الله بعثنى اليكم قلائم كذبت و قال ابو بكر صدقت و واسانى بنفسه و ماله
 فهل انتم تاركوا لى صاحبى) ديوب خطاب مشعره انساب ايد كده ابو بكره جله خلق اولكيدن زياده تعظيم ايدرد
 اولوب بعده بر فرددن و تحييده لك كورمدى و انجنوبه جك سوزايتمدى (فصل) ابو بكره عمره ايكيسى
 حقتده مشرئذ كراولنان حديثلر بونلدر كره رسول عليه السلام (انافى جبريل آتفاقلت حدثنى بفضائل
 عمر بن الخطاب فقال لو حدثك بفضائل عمر مئة مائت فوح فى قومه ما نفدت فضائل عمر و ان عمر حسنة
 من حسنات ابى بكر) ديوب و دخی بر كسمه (اى الناس احب اليك يارسول الله) ديوب و دقدده (عائشة)
 ديوب (من الرجال) ديد كده (ابوها) ديوب (ثم من) ديد كده (عمر بن الخطاب) ميورديلرد دخی ايكيسى
 حقتده (هذان سيدا كهول اهل الجنة من الاولين و الاخرين الا النبيين و المرسلين) ديد يلد و دخی بركون
 رسول عليه السلام) صاغ يا لله ابو بكر صول يا لله عمر كلوب مبارك لالالردن هر بريده بر نك الله يا شوب و حالله
 مسجد شريفلر نه كيروب (هكذا بعث يوم القيامة) ديد يلد و دخی ينه بركون بوايكيسى كورد كارنده (هذان
 السع و البصر) يعنى بوايكيسى كورنذر قولانغدر ديد يلد و دخی بركون بوايكيسنه خطابا (الحمد لله
 الذي ابدى بكى) و ينه بركون (لوا اجتماعنا فى مشورة ما خالفناك) ديد يلد و دخی بوايكيسى حقتده (ان لكل نبى
 خاصة و ان خاصتى من امتى ابو بكر و عمر) و دخی (انى لارجو لامتى فى جهم لاني بكر و عمر مارا رجولهم فى قول

ما تر تدین و کفار عرب قبیله لایله و طایفه فی ایمانه دعوتند و کفره جنگ ایستاد امرای تنکین خالد عسکره
 کیدوب یولده مشهور عالم اولان حاتم طیلک اوغلی اولوب صحابه دن اولان حضرت عدی قباثل بنی طیه دن برنی
 نصیحتله ایمانه و مهاوته کتوروب بعده سابقه عوای نبوت ایدن طایفه کذاب اوتمه واریلوب ابتدا
 کفار دن قرق نوردن و دفعه حله ایتد کارنده اکثر عسکر طایفه غلامین خالد طفر نشانه بالذات مردانه میدانه
 کیروب مسلمانلردن اطرافدن یورلوب خالد مجاهدله ایکی قلبی پاره لنجه کند و سی بالذات محکم جنگ ایدوب
 کفاری طایفه دوب طلیحه بر یوکرله آنله شامه قاجوب اسیر اولنر حضرت رسول حاشا سب ایتمکین خالد
 حله سنی برخند ایچنده آتسه یا قادی من یور طلیحه حضرت عمر خلافتنده صدقه ایمانه کلوب بعده بر غزاده
 شهید اولدی (فصل در ایمان بعض قبائل) مر ویدر که خالد خیر طالب عدویه غالب اولدند اطرافنده
 اولان قبائل مرتدیه بلوکار محبوب کوندروب آنلردن ایشند کارنده کبی طوعا کبی خوفات ککرار
 ایمانه کلوب خالد آنلر آلات حربلرین الوب کینی و یروب کینی مدینه به کوندروب کند و سی عسکره مسیله
 کذاب اوزرینه کندی (فصل در وقعه بیامه) مر ویدر که قبائل عربدن ولایت ینده تخلصستان اولان
 بیامه شهرنده ساکن قبیله بنی حنیفه مرتد اولوب آنلر ایچلرنده حضرت رسول علیه السلام حیانتنده
 حاشا عوای نبوت ایدوب یوزاللی یا شنده اولان مسیله کذاب اوزرینه خالد ماجد هجرتک اون ایکسی ربع
 اولدنده عسکره واروب وقت طلوع شمسده مقل باغلا یوب ایکی طرفدن مرارا عظیم حله ل اولوب حتی
 قیلردن علوجیه قوب مسلمانلردن ینک کفار قرق ینک عدد اولوب فرآند خاصه اشو کافر لرحقه
 (ستدعون الی قوم اولی باس شدید) یورلدن یوز اوزره قیلر جنگده غایت ماهر لاولغین مسلمانلری اوج کره
 طایفه دوب درد نیچده مسلمانلر کفار مستحق الرجوم اوتمه علی العموم هجوم ایدوب حرب شدید و ضرب
 مدیدیدار اولدند و کفره حله کفار قاجوب مسیله نک طوردن ییول باغچه کیروب دفع کزنده ایچون
 قابوی بند ایتد کارنده زمره انصار و حله لبراردن در تیز و نر دلاور نظر آور که ایچلرندن انس بن مالک
 برادری برآه ابن مالک هزرمعارک ویر مقصص الممالک اولوب قدیم الایامدن هر جنگه باشلاند قد حدت
 و شدتدن اولاد تروپ بعده غشی اولوب بعد الا فاقه فان شاعنی عادی ایدی حله سی قیلر ینک قیلرین قیروب
 همان تیغ عربان بران جان ستانله کله تکبیر کویان عزم رزم بستان ایدوب ایچلرندن برنی قلفان ایچنه قیروب
 نیزه لایله قالد یروب باغچه دیوارین آشد قد قیوی اجوب لکن شهید اولوب مسلمانلر کیرد کارنده کفار فرار
 ایتسوند یوقاوده بکچیلر قیوب بعده ایچر وده محکم جنگ اولدند جناب حقدن عون و نصرت ایل وقت
 عصرده مسیله کذاب ایل کفار خا کسار طعمه شیر شیر آبدار اولدیلر اشو جنگ طفر رنکره کوردن یکره
 ینک یا اون ینک یا ایدی بی کندن زیاده جمه کسسه قتل اولنوب مشاهیر صحابه دن حضرت عمر برادری
 زید بن الخطاب و طفیل بن عامر الدوسی و سائب بن عثمان بن مظعون و ثابت بن قیس بن شماس و ابود جانه ایل یله
 حله مسلمانلردن ینک ایکوز یا ینک سکز یوز یا مشاهیر یندن بخش انصار دن دخی بخش سائر مسلمیندن
 بشوز کسسه شهید اولوب لکن باقی قلان مسلمانلر حله هجرو ح اییدیلر حتی سردار اولان خالد مجاهد مدینه
 یکره عدد جنگ کوردم لکن هجرتنده بنی حنیفه کبی جنگده ماهر و بلیه صابر اصلا بر طایفه کوردم *
 مر ویدر که بقیه السیوف اولان عبید و نسوان و صبیان ایچلرندن اسیر اولان بر کافرک تعلیمه ایرتسی کون
 سلاحلر کیوب اولری ایچندن کونته قاروشو ایراقدن کورند کارنده مسلمانلر انلری جنگه قادر کامل آدملر
 صافین اول اسیر لرا واسطه سیله کافر لرحله مال و منالارین ویرمک و اهل و اولاد لرنک نصی اسیر اولن اوزره
 صلحه راضی اولدیلر بعده حله سی ایمانه کلوب مسلمانلر بیامه شهرنده اول و آخر حله اون بش کون طوروب
 بعده مدینه منوره به کتدیلر (فصل در غزای عراق) مر ویدر که حضرت ابوبکر خالدی ینه سردار اولی ایل
 کوندر دکه بغداد فر بنده کمر حله حیره شهرینه واروب نصاری عربدن اولان خلق ایله صلحه ایدوب
 مقبضات شهرنه واروب خراب ایتد کده حیره شهری خلقنک املاکی اولغین نوشمرک خلقی عهدی یوزوب
 سردار ایل جنگ ایتد کارنده ریشلری قتل اولنوب کدور قاجوب خالد خورنق شهرنه کیدوب حیره
 بر سردار کوندر و وارد قد انلری حله اصره ایل نصیبت ایدوب در تیز یا شنده اولوب حیره نک حاکی اولان

عرو بن عبد المسیح خالد ایل صلح ایدوب بعد خالد انک چاتاینده بر کسبه کوروب اولوب اوج ایچنه نوشادوب
 بوندر یوب عرو دخی زهر قاتلد و که آخر عمر در مغلوب اولور سم عسکر مک هلا کتی کوریم دیو کتور مندم
 دیوب خالد ماجد (لن غوث نفس حتی یاتی اجلها) دیوب بعده (بسم الله خیر الاماء ورب الارض والسماء
 ایس بضرع اسمه داه) دیوب زهری کند و اغزنه انوب یوطوب حاضر اولنر منع ایده میوب نوکل کاملی
 حرمتنه اکاملا ضرر ایتوب اکا کرامت و حضرت رسوله و مجزیه بر غایت ظهور ایتدی (یت) اگر تیغ
 عالم یچیند زجای * نبرد رکی تا نخواهد خدای (نر) بعده خالد حیره ده طوروب بصره قریبده ایل شهرنی
 صلحه و بغداد فر بنده سلاطین جم تختکاهی اولان مداین شهرنی جنگ ایل فتح ایدوب بعده طوردن یی
 ولایت شام فتحنه مر در تهمین اولندی تنکین عن قریب ذکر اولنور (فصل در غزای بحرین و ظمور
 کرامات) مر ویدر که حضرت ابوبکر صحابه دن علاه الحضری فی بحرین ولایتک مرتد اولان خلقله جنگه
 مر در ایدوب یولده بر حمراده و سزاقدن حله عسکره هلاک یقلا شد قد و متوکل حق جل و علا اولان علاه
 باهره لاطوارندن انوب حاجت نمازین قیلوب (یا حلیم یا علیم یا علی یا عظیم اسقنا) دید کده فی الحال دعای
 مستجاب و روی هوا بر صاحب اولوب عظیم یغمور یا غدی بعد قطع المنازل لب دریاه واصل اولوب
 مرتدین بی دین یولری ایشیدوب کیلری آتسه یا قفین مسلمانلر عثمان اولد قلدند حضرت علا ینه ایکی
 رکعت نماز قیلوب (یا حلیم یا علیم یا علی یا عظیم اجزنا) دیوب بعده مسلمانلر جوزو دیوب یله اولان حضرت
 ابوهیره ایدر و اوزرنده یورودنک الله حقیقون بزم و طوار لرنک اصلا ایا قز یزاش اولوب حله عسکر
 درت ینک نفر ایدی بروایتده یورود کوری دریایوزی بر کونک یول ایدی دیشلر حتی یله اولان بر شاعر ماهر
 بو کرامت عظیمه حقدنه دیدیکه (نظم) الم تر ان الله ذل بجره * وانزل بالکفر احدی الجلائل *
 دعانا الذی شق البصار بغناهنا * باعظم من فلق البصار الا وائل (نر) مر ویدر که دریای کج کارنده
 ولایت بحرینده هجرتنده هجر شهرنه واروب بعد الحاربه خلقی اسیر ایدوب بعد وفات النبی صلی الله علیه
 وسلم ویرمن اولد قزلی خراجلرین ویرمکه باشلیدلر سابقا حضرت رسولک مکتوب شر به لایله من یور علا بحرین
 پادشاهی مندرین سوا بی دینه دعوت و واروب اکثر اهل ولایتله ایلنه کلس اولوب دین یهود و یحوش اوزره
 باقی قلاتلری خراج ویرمک اوزره ایدیلر * مر ویدر که خراج ویرمکه عناد ایدن ولایت بحرین خلقنک سائر
 طایفه لری قوت مسلمینی کوروب اهل هجر کبی مصالحه ایتدیلر زمره مؤمنین سالدین و غامین مدینه
 دوند کارنده حضرت علا یورک اغریب سندن یولده وفات ایتدیلر صوبولن غامین یوغیوب ققتانیه دفن اولنوب
 آرزماند نکره یولده صوبولن غین دونوب قردن چقاروب سنت اوزره غسل و تکفین ایچون قیرینی آچد قلدند
 ایچنده میتی یولغیوب نجب ایتد کارنده عسکر دن بری بنانی وفات ایدر کین (یا علی یا عظیم یا حلیم اخف
 موتی ولا تطلع علی عورتی احدا) دیدیکنی ایشتم دید کده مسلمانلر دونوب کندیلر دخی علانک کراماتندن
 ایدی (فائده) کتاب مقومه مذکور در که بصره ده بر کسسه نک قول اغنه طاش کیروب حله اطبا خراج
 و علا یندن عاجز قالوب المی نهایته ایرد کده حسن بصری شاکر لردن بری آتی کورمکه واروب کاد رمان
 اولورمه علاه حضرت عیسی عا سندن اولور دوتعلیم ایتد کده خریف الم الیف الی او قود قد فی الحال بالطف رب
 متعال قول اغنده اولان طاش بلا سبب حدت و شدت ایل حقیقوب چاق دیواره طوقنوب خسته به شفا و صفا
 حاصل اولدی (فصل) تاریخ الخلفاء ده حضرت ابوبکر رضی الله عنه مرتد اولان طایفه لردن اهل
 ولایت عا نه صحابه دن عکرمه بن ابی جهلی و دخی اهل حیره به مهاجریندن ابی بن امیه فی و بر طایفه به
 دخی زیاد بن ابی ایدی کوندر دیو نبوب امانه کیفیه لک کوندر دیکنی بیان اولغیوب بو عدا حقر تفصیلنه طفر
 یولامغین اشارتله قناعت اولندی لکن کتب سیرده طایفه عربدن ولایت عا ن پادشاهی مایه کتوب
 رسول علیه السلام ایل ایمانه کلندی دیومذ کوردر (فصل در غزوات و وفات ولایت شام) معتبرات
 متفرقه ده اولان کمال تفصیلک اجمالی بودر که حضرت ابوبکر مرتد اولان قبائل عربک کینی قتل ایدوب کینی
 تکرار ایمانه کتوروب خراج ویرمکه عناد ایدنلری دخی حیره و قهر ایل راضی ایتد کده کفار رومله جنگه
 نیت ایدوب بعد المشاوره عشره مبشره دن ابو عبیده بن الجراح و معاویه نک برادری یزید بن ابی قحاف

وشر حیل بن حسنہ بن سدر ایدوب بعدہ دیار بندہ اولان قبائل مسیحی غزایہ کوئندرمکہ دعوت ایدوب
 جم غفیر کلدے کده اولایندی صکره شر حیل صکره بن عسکر بن وافر قبائل عرب الیہ ابو عبیدہ بن
 کوئندروب سردار یا نجه ابو بکر مجردنواب ایچون بیان یوروپ بعد الصالح والوصایا وداعا شوب
 فیصروم اولان هرقل بن عقل خبر الدقه فلسطیندن دمشق اندن حصه اندن انطاکیه واروب انده
 عظیم عسکر جمع ایدوب ابو عبیدہ شام یانده عمان ولایتندن ماب شہر یتہ واروب خلقی جیقوب اثناء
 محاربه ده ایچر وقاجوب بعد الحاصره صلح اولوب بعدہ مسلمانلریا بیہ واروب کفارک عظیم عسکر جمعہ
 تدارکار بن خلیفہ مکزیله اشند کده هجرتک اون ایکسندہ مدینہ دن مکہ واروب حج ایدوب کادے کده
 اوقات متفرقه ده اولایک بعدہ یوزمده اللیدن زیادہ جہ بعدہ یمندہ قبیلہ همداندن یکدن زیادہ جہ بعدہ
 بن سلیمان یوزمده بعدہ بر قاج قبیلہ دن ایکموز کسته کوئندروب سردار واصل اولدیله بعدہ وافر عسکرله
 عربون العاصی دخی کوئندروب بولده عربون قبائل عربدن نیجه لری یله ایدروب جله ایکیک کسنه الیہ
 واروب عربون قاطین شہر یتک یزید بلقان شہر یتک شر حیل حص قرشدہ اردن یا خود ولایت بصره ده حوران
 شہر یتک ابو عبیدہ بیانیہ نک اوزرندہ قرار ایدوب بعدہ مسلمانلردن بعض بلوکلر بعض کفار الیہ بر قاج رده
 محاربه لرایدوب اکثرندہ مسلمانلر کفاری صیوب فاجروب بر یسنده بعض مسلمانلر شہید اولوب بعدہ هرقل
 برادری تدارق یتک یتک عسکر الیہ قاطین قر بندہ کادی (فصل در امارت خالد بن قزای شام) عوم هجوم
 کفار روم مشغوم حضرت ابو بکر مکتوب الیہ معلوم اولدقه محقندہ رسول علیه السلام (ثم عبد الله
 واخوانه ثم خالد بن الوليد سيف من سيف الله سله على الكفار والمنافقين) یوردی ذوالبطنش
 السید والرأى السید خالد بن الولید که امر حرب ووعاده طالعی کشاده اولوب بیر کارزار بلکه ابراش یار ایدی
 ساقا مالک عراق فتحه کوئندرش اولمغن اکامکتوب کوئندروب جمع عسا کر شامه انی سردار یتکده مقدما
 عراقه نیجه فتحه ایدوب حیره شہر ندہ ایکن یانده اولان مسلمانلر نصفن اندہ بر سردار الیہ قویوب هـ مان
 سکر یوزالی ادم الیہ کندومی کفار غافلر ایکن اردلرندن کجوب عجله الیہ واروم ایچون بر غایت صعب مخالف
 بولدن کیدوب نیجه بالار کجوب بولده اوج طاقه به اوغرا یوب هر بر بنی قیروب فاجروب مالار واسیرلر اوب
 تد مر شہر دخی بعد الحاصره خلقیله مصالحه ایدوب بعدہ شامه ولایت حورانہ کلوب غارت ایدوب
 بصری الیہ بعلبکدن کفارہ ایکیشر یتک یاردیجی کلوب هر بر بنی ایکموز کسنه الیہ مسلمانلر صیوب قلعه به
 فاجروب بعدہ شہر خلقی جیقوب مسلمانلر اوق سربو یب ایتدی یتک کافر جیقوب یتک ایتدی یوزدن
 زیادہ جہ مسلمانلر ایک کده جله ایدوب بونلر طوروب بعدہ بونلر جله ایتد کارندہ کفارک اکثری قتل اولوب
 شہر هجوم اولند قده اهل شہر رجاسیله مصالحه اولدی فی الحبال خالد طاقه عربدن اهل شام اولان قبیلہ
 غسان بادشاہی حارث بن الایهمی مرج الصفره ده غارت ایدوب عسکر یتک کینی قتل کینی اسیر ایدی
 (فصل در وقعة محاربه اجنادین) ابو عبیدہ الیہ خالد دمشقده جمع اولوب کفارله جنگده ایکن یتہ کفارک
 اجنادینده عظیم جمعیتری اولدی یتہ ایتدی کده فلسطینده اولان عربو بصری ده اولان شر حیل بر غیر رده
 اولان یزید جله من اجنادینده جمع اوله لم دیو خبر کوئندروب بعدہ یوا یکسی توجه ایتد کده کفار دمشق
 در عقب یتشوب جنگده کفره صینوب اوج میل بره دل مسلمانلر آنلری قیروب قویوب باقیلری فاجوب
 دمشق کیدر یلر بعدہ بش سردار مسلمان جله عسکرلر یله اجنادینده جمع اولوب هجرتک اون اوچندہ جادی
 الاولنک یکر می سکر ندہ سبت کوئی نصف نمارده کفار الیہ مقابلہ اولوب مسلمانلر اوق سربو بعدہ صاعدن
 وصولدن یوروپ جله ایتد کارندہ مسلمانلر دخی بالرجل والخیل مانند سیل پرویل دفعه هجوم ایتد کارندہ
 زمرة کفره (کائهم حر مستغفرة فرت من قسورة) ناچار فرار ایدوب مسلمانلردن یتدی سکر کسنه شہید اولوب
 کن کفار دن سردارلر اوج یتک کسنه قتل ونیجه دخی اسیر اولوب باقیلری اطرافه فاجوب قلعه لہ کیروب
 جله مالاری مسیحیہ غنیمت اولدی اشبو خبر بشارت اتر حضرت ابو بکرک خسته لکنده کلوب اول کون
 وفات ایتدی * مریدر که بعد غلبه المسلمین بش سردار نصرت آیین انصافله واروب دمشق شہر فی اطرافندن
 محاصره ایتدی (فصل در وقعة مرج الصفر) مریدر که زمان محاصره ده احیاناً چنگر اولوب بعدہ

هرقل دمشق یاردمه بش یتک کافر کوئندروب اهل حص ودمشق دخی جمع اولوب اهل اون بش یتک کفار الیہ
 مسلمانلر جنگ ایتد کارندہ کفره صینوب معرکه ده اوج یکد قریب کافر قتل ونیجه سی دخی اسیر اولدی باقیلری
 طاغیلوب دمشقده حصه هرقله فاجدیله راشبو محاربه وقعه اجنادیندن یکر می کون صکره ایدی بعدہ مسلمانلر
 دوئوب یتہ دمشق شہر فی محاصره ایدوب یوانندہ مدینہ دن حضرت ابو بکرک وفاتی و حضرت عمرک خلافتی
 خبری کادی (فصل در وفات حضرت ابو بکر رضی الله عنه) سبب موتندہ اختلاف اولمشدر ابن عمر
 قولنجه حضرت رسولک فراقته دویمیوب دما دم ضعی ارتوب نیجه لوقولنجه بعض یو دیلر طرفندن بریلده
 هلاک ایدہ جنگ زهریدو لمکین تدر یجله ضعیف اولوب واقدی قولنجه صوغنی کونده غسل ایتکین اون
 بش کون محوم اولوب جماعته نمازی حضرت عمر قیلدی بعضلر قولنجه غم فراق حضرت رسول الاهدن
 مرض سیل عارض اولوب محصل مرض موتندہ طیب کتور ملک ایتد کارندہ کتور قومیوب بنی طیب
 کور مشدر یوب یتدی دید کارندہ (انی فعال لما اريد) دیدی دیوب طیبیدن مرادی حضرت رب حکیم
 ایدو کتی رمز الیہ تفهیم ایدوب آخر کلامی (رب توفنی مسلما والحقنی بالصالحین) اولدی ابن اسحاق قولنجه
 هجرتک اون اوچندہ جادی الاخره نک یکر می ایکسندہ جہه کوئی قول اکثر اوزره صالی کجه سی وقت
 عشاءه وفات ایتدی التمس اوج یحیی یانده اولوب اولوزیدی یانده ایمانه کادی وصیتی اوزره میتنی خاتونی
 اعباخت عیس یودی (گرامات) کتب معتبره ده هجرتدر که دفن ایچون حجره حضرت رسولی اچق ایتدیوب
 (هذا ابو بکر الصديق اشتهى ان يدفن عند النبي صلى الله عليه وسلم) دیو بعض صحابه ندا ایتد کارندہ باب حجره
 قدرندن آچلوب برروایتده (ادقنوه کرامته) دیو برروایتده (ضموا الحبيب الى الحبيب) دیو هاتقدن
 برصد ا کادی * مریدر که وفات رسولده کی کبی اهل مدینہ کریان ونالان و غمناک وحیران اولوب حضرت
 رسولک تابوتنه قیوب نمازی حضرت عمر قیلوب قهر ایچنه اوغلی عبد الرحمن الیہ عمر و عثمان وطلحه قویوب
 کجه ایچنده دفن ایتدیله مدت خلافتی ایکیل اوج آی طقوز ایدی یا اون یا یکر می الی کون ایدی دیشدر
 مکده ساکن اولان بابائی ابو خافه چوقدن اعی اولوب الی آیدن صکره طقسان یتدی یانده وفات ایتدی مکہ
 فتحنده ایمانه کیشدی * مریدر که حضرت عمر حضرت ابو بکرک دفندن دوند کد صکره یو مر یتہ بی دیشکه
 (نظم) ذهب الذين احبهم * فعليك يا دنيا السلام * لاتذکر بن العیش لی * قاله یس بعد هم وحرام *
 انی رضیع وصالهم * والطفل يؤلمه النظام (فانده) مریدر که ابو بکرک وفاتندہ برانجه والتوفی فالیوب
 کیدوکی فتنای دخی سابقات المالدن ویراش اولمغن خدمت مسلمین تمام اولدی دیو یتہ بیت المال رد اولنق
 وصیت ایدوب حضرت عمر خلیفه اولوب اکاتسم اولند قده (رحمک الله یا ابابکر اقد اتمیت من جاء بعدک)
 دیدی فی الحقیقه چاق بو قدر زهد وورع وتقوی وعدم حب دنیا اعظم مراتب کالد و بوندن زیادہ اولنق
 محالدر رضی الله عنه وارضاه وجعل فی اعلا الجنان مأواه (فصل در جمع قرآن) کتاب الاتقان
 سبوطیده اولان تفصیلک اجمالی بودر که قرآن عظیم الشان جله اوج کره جمع اولمشدر ۱ حضرت رسول
 علیه السلام جمعیدر که بتون سوره لر بعض آیتلر نازل اولدقه قرآن یازمغه مخصوص اولان کاتبه اوقیوب
 کینی دری وسختیان باره لیتہ کینی کوکاره و بعضی طاشاره وخرما چبوقلر یتہ وسمیر تخته سنه یازدروب بعض
 آیتلر دخی نازل اولد قده یونی فلان سوره نک فلان آیتی التنه یازلد یو امر ایدوب یواسلر الی جمع اولوب جمیع آیات
 قرآنی شمیدی ترتیبی اوزره یازدروب لکن بعض آیت کریمه نسخ اولنق احتماله بنا جمیع قرآنی شمیدی مصنف
 ترتیبی اوزره بریرہ جمع ایتد میوب و متفرق یازش اولوب جله سی بریرده موجود اولوب صحابه نک
 بعضنده اولان بعضنده یوغیدی ودخی هرماه رمضانده برکه یکن رمضان دیر وبقدر سوره وایت نازل
 اولد یسه حضرت رسول علیه السلام جبرائیله عرض ایدوب یعنی از بردن اوقیوب جبرائیل علیه السلام
 دکایوب کتاب مقابلہ رکبی از بردن تطبیق ایدوب وفات ایدہ جکاری سنه نک رمضانده یو خصوص ایچون
 حضرت جبرائیل ایک کره کادی ۲ ایکینی جمع حضرت ابو بکر جمعیدر که محاربه یمامه ده حافظ قرآن اوللردن
 نیجه صحابه شہید اولد قده بعض آیات وسور قرآن انقراض حفظ الیہ ضایع اوان خوف اولتور دیو حضرت
 عمر القاسم له حضرت ابو بکر مقدم کاتب قرآن اوللردن زید بن ثابت جمع آیات وسور قرآن امر ایتد کده

صحابه نك هر برنده فتنه دارانسته و ارايه سه كه تو دودوب هر بار زلمش يا حفظ اولئس اولان مقداري حضرت
 رسولك حضورش ريفنده باز زلفينه يا خود و فائزى سه سنده جناب شريفلى نه عرض اولنديغنه يا يكيشر
 كسنه نه ماد تاريله كاغداورتنه يا زوب جله قرأنى صحيفه لوده جمع ايدوب بدهد انشا و ره اسمنى مصحف قويوب
 اونسخته شريفه يى حضرت ابوبكر اولوب بعد الوفات حضرت عمر اولوب بعد الوفات حضرت عثمان بن عفان
 رسولك خاتونى حضرت فصفه الوب بعده آنك لندن حضرت عثمان الدي ٣ اوچنى جمع هجرتك يكرى
 بشنده حضرت عثمان جعيدر كه حضرت رسول عليه السلام زمانندن بروقرآن عظيمك بعض كلمائى يدي
 درلواقت عربله او قنوب بعده خلق ايچنده انواع لغات قبائل عرب اختلافيله چو غلوب كللى نزاعه
 وارد فنده حضرت عثمان ايشيدوب فصفه دن مصحف ابوبكرى كوچك صند و غيله كتور دودوب زيد بن ثابت
 و اوزن بر كاه دخی امر ايشكين جمع اولوب هر آيتى و سوره يى حضرت رسول عليه السلام نچيه اوقو غشدر
 ايد و كنى اهتمام تام ايله موروب ييلوب بعده جله قرأنى همان لغت قریش اوزره اتفاهله يا زوب چاق محمد يكي
 ترتيب و اولوب اوزره يدي عدد مصحف شريف يا زيلوب برى مكه به برى شامه برى يمنه برى بصره به و برى
 بحر ينه برى كوفه به كوندر ييلوب برى دخی مدينه ده اليقونوب لغت قريش دن غیری سائر لغت ايله يا زمينى
 و اوقومنى بالكلية منع ايدوب امت محمدیه اختلاف دو شما مكچون سائر لغت ايله يا زيلان مصحفلى آنشه
 باق امر ايتدى بعده جميع ديناده اولان مصحف ايشويدي عدد نسخته شريفه دن يا زيلوب شابع اولدى
 (لحوره) حق تعالى ايد شابع انكه على * تابع ايد اكا دنياده جمع مللى (فصل در اولاد حضرت ابوبكر)
 مريد كه جله اوج اوغلى و اوج قیزی و ارايد كه كوندر در (عبدالله) اكبر اولاديد كه سابقه دن ايمانه كاوب لكن
 مكه فتحه دن لغت زوات رسولده ييله اولد بقی معلوم اولوب اما فتحه و حنين و طائف غزالنده حضرت
 رسولله ييله اولوب غزای طائفه اوق باره سندن مجروح اولوب باباسنك اول خلافتنده ياره سى آچلوب
 آن دن وفات ايدوب اولادى قالمدى (عبد الرحمن) كاكب الاستيعابه اكه اولاد ابوبكر بودردى نوب مريد كه
 زمان كفرنده تيراند از و به سادر اولغين بدر و احد غزالنده كفار ايله ييله اولوب بعده صلح الحديبيه ده ايمانه كاوب
 اسمى عبد الكعبه ايسكه كن رسول عليه السلام عبد الرحمن قوديار و قعه يمامه ده يدي نفر كافر قتل ايتددر
 لطيفه چي كشاده طبع كسنه اولوب بحار به يوم جلد هـ مشيره سى حضرت عائشه نك عكرندن اولوب
 حضرت معاويه اوغلى يرنده كند و دن صكره خلافت ايجون بيعت الدقهده عبد الرحمن بوزيك اخه كوندر كده
 (لا ايج دينى بدنيان) ديوردايدوب مكه به كيدوب آنده هجرتك اللى اوچنده اوينوا ايچنده بلا سبب وفات
 ايدوب محمد آل و براوغلى و ارايد كه اودنى صحابه دن ايدى (محمد بن ابى بكر) هجرتك اوتنده طوغوب و الله سنى
 جعفر بن ابى طالبك خاتونيد كه جعفر شهيد اولد فنده ابو بكر نكاح حلوب اودنى وفات ايتد كده جعفر نك
 برادرى حضرت على نكاح حلوب محمدى اوغلى كبي رعایت ايدوب حضرت عليمك هر جنكده سر عكرى
 اولوردى زهاد صحابه دن ايكن اشاغنده بيان اولنه حق و جهله حضرت عثمانك قتلنه سبب اولوب بعده معاويه
 خلافتنده حضرت على افى مصره حاكم ايدوب كوندروب هجرتك اوتوزم كزنده معاويه حضرت عثمان
 انتقام چيون محمدك اوزينه عسكر كوندروب جنكده قاجوب برخا به ده بر ميت حمار ايچنه كيد كده جيفه ايله
 ييله آنشه باقد بلر قول اكبر اوزره جنكده قتل و انوب بعده جيفه حمار ايچنه قونوب آنشه يا قد يار به ضلر قول اخه
 صاغ ايسكه كن قويوب باقد يلمد ما يوم جلد هـ مشيره سى حضرت عائشه به خصوص ايجون بوكه هوا ايله
 انوب اسر قلات ديدده حار محمدى (امام) حضرت ابوبكر ليل قيزى و عبدالله و الله سندن برادرى
 محمد دن يولك اولوب اوائل بوتنده ايمانه ككشدر حضرت رسولله هجرتده يوله كتور مكچون دريدن سفره نك
 آغزن بسلامه قوشاغنى ايكي ياره ايتد كده ذات النطاقين ديولقب قوغشدى عشرة مشيره دن زيرك خاتونى
 اولوب اندن اولان اولادى باب اقرباء حضرت رسول عليه السلامه كچمشد يوزباشنه و اروب دينلى صاغ
 دو كليب اوغلى عبد الله حجاج ظالم كه ده قتل و صلب ايتكين اغلامقنن از زماند نصكره اجماعى اولوب
 وفات ايتدى (عائشه الصديقہ) رضى الله عنهما عبد الرحمن و الله سندن حضرت رسولك خاتونى اولغين باب
 ازواج رسول عليه السلامه احوالى كچمشد (ام كنوم) و الله سنى بوكا حامل ايكن حضرت ابوبكر وفات

ایدوب یود کده هم شیر می عاتشه بونی عشره بشردن طلعیه نکاح ایدوب اندن زکریا و یوسف آدلو
او غلاری عاتشه آدلو قیری اولدی (فصل) امام ذهبی ایدرامت محمد بن بر قاج کسته بروفته فریده عصر
و وحید در ایدلر اولاصحابه دن حضرت ابوبکر علم انبایه عمر قوه فی امر الایمه عثمان حیاده علی
قضاده ابی بن کعب قرآنده زید بن ثابت قرآنده ابو عبیده امامنده ابن عباس تقبیرده ابو ذر صدق ایچده
خالد بن الولید شجاعنده نایانایه یسیندن حسن بصری وعظمه وهب بن نمیه قصده ابن سیرین تعبیرده امام
نافع قرآنده امام ابو حنیفه فقهده ابن اسحاق مغازی وسیرده مقاتل تأویلده کلبی قصص قرآنده نائنا
مشایخ وعلمادن فضیل بن عیاض عبادنده خلیل بن احمد علم عرونده سیمویه شجوده امام مالک علم حدیثده
امام شافعی فقه و حدیثده ابو عبیده عربیده علی بن احمد المزی علالده یحیی بن معین رجاده ابو تمام شعرده
امام احمد بن حنبل علم فتنده امام بخاری تقد حدیثده شیخ حمید بغدادی تصوفده محمد بن نصر المروزی
علم اختلافده جانی مذهب اعتزالده امام اشعری علم کلامده محمد بن زکریا علم طیده ابو معشر یحیی علم نجومده
ابراهیم کرمانی تعبیرده ابن نباته خطبهده یعنی علم انشاده ابو الفرج اصفهانی محاضرهده ابو قاسم الطبری
عوالیده ابن حزم ظاهرده ابو الحسن البکری کذابلقده و سریری مقامنده یعنی طرز خاص و بلاغت اوزره
مقامات آدلو کاتب تألیفنده ابن منده سمعت رحلهده متنبی شعرده موصلی غناده یعنی خوب آوازاقده موصلی
شطر شیخ بازاقده خطیب بغدادی سرعت قرآنده علی بن هلال حسن خطبه عطاء السلی خوفده قاضی
فاضل علم انشاده اصمعی نوادرده اشعب حرص و طعمده مهید خوب آوازاقده ابو علی بن سینا علم فلسفهده

(باب ثانی در احوال عمر الفاروق رضی اللہ عنہ)

(نظم) یار ثانی عرد در عادل * حامی حق و ماحی باطل * باطلی حقدن اولدی چون فاروق * سر بخاغا
ایردی تا عیوق * چون انک عدلی اولدی نوش روان * او تودلدی زمان نوش روان * اولدی چون شمع کبی
راست زبان * دیدی یغمبر کاظم جان * اولدی یغیون اوسایه رحمان * سایه سندن قاجردی هر شیطان *
کربنی کامه بعد عهد رسول * دیدی احمد عراوایدی اول * ویردی اسلامه عدله رونق * او توره رستمی
حضرت حق (فصل در نسب و حلیه و ایمان او) عمر بن الخطاب بن نفیل بن عبدالمزی بن رباح بن قریظ
ابن رزاح بن عدی بن کعب در * نسی حضرت رسوله و ابو بکر که بعد جمع اولور ابو جهلک همشیره زاده سی
اولوب حضرت رسولدن اون اوچ یا اون طوقوز یا بکری بریاش کو چکدر قبل الایمان قریش ایچینده ایمان
یا اثر اذک بریسی دخی بو اولوب * مرویدر که قریب اغتر جسم و غایت بلند قامت و کوزلی قیزل و احول یعنی
شامی ایدی یقلمزینک او چ صاری شین اولوب عثمانک اولدغه یانه ~~ک~~ راستد بجه یقلمزینک او چونی بورردی
یقلمزینک وصفانک قیلاری چوق و صیق اولوب لکن یکانلرینک قیلاری آزادی مول الینی صاغ الی کبی نیجه
دیلمسه قوللا نوردی صاغ الیه مول قولاغن طوقوب اگره پانجه دن صحرایوب آتیه نوردی مهابتی وقوت قلبی
حد نهایتده ایدی مکده نبوت حضرت رسولک التخی سیلنده او توز اوچ یا بکری یدی یا شنده ایکن تاریخ
الخلفه سده فرق قمر ار اون برنفر عورت یا او توز طوقوز اریکری اوچ عورت یا قرقش ار اون بر عورتد نصکره
ایمانه کادی دینوب لکن کشفاده ابن عباس قواخچه او توز اوچ اراتی عورتد نصکره ایمانه کادی دینوب
بود ~~ک~~ را ولمان ار لر و عورتلر چقای قریشدن اذن رسوله ولایت حبشه دفعه ثانیده هجرت ایدوب آتیه
ساکن و وجود اولان مسکسان اوچ یا مسکسان ایکی ار اون مکر یا بکری بر عورتدن ماعدا ایدیلر حضرت
عزل کیفیت ایمانده اقوال کثیره مفعله اولوب محصلی حضرت رسولک جناب حقدن رجائی سبب اولاند
زیرا ابو جهلله عرق قریش ایچینده غایت ملائمه موصوف و هسانله معروف و لغیز رسول علیه السلام
بر زمانده (اللهم اعز الاسلام باحب هذین الرجائین الیک بهما ابن الخطاب ابوبائی جهلی بن هشام) دیو بر زمانده
دخی (اللهم اعز الدین بهما) دیو بر زمانده دخی (اللهم اعز الاسلام بعمر بن الخطاب خاصه) دیو دعای شملردی
(فصل) فاروق لقبیه مشهور اولد یقلمزینک سبیده تاریخ سیوطیده ینه کندودن مرویدر که مکده حضرت
رسوله وارد قدده و وجود اولان صحابه یه کفار چقا ایتماسکیون ارقم بن ابی الارقل خانه سنده صحابه ایله بنهان
کوروب ایمانه کد کده یار رسول الله دین حق اوزرده کلمه و زوب بلی دید کارنده پس نیچون کیزلور و زلفکر

آشکاره اولم دیوب حضرت رسولی اصحابیه قالدیوب کعبه فی طواف ایچون حرمه کیرد کارنده کفار
 قریش بوجر آتیشو کتی کوروب بیحضور اولد قلنده حتی باطلدن فرق ایتدی کیچون یعنی ایردیغیچون رسول
 علیه السلام بو کافاروق دیوب لقب قودیلر که معنای مبالغه ایلد یعنی غایت جوق فرق ایتدیجی دیکدر ره مریدر که
 عریانانه کاد کده جبرائیل نازل اولوب (یا محمد استبشراهل السموات باسلام عمر) دیدی تفاسیرده مذکوردر که
 فاروق لقبیه سبب بودر که بریم و دیوب برمنافق برده عواده حضرت رسوله هر افعه اولوب شرعه یهودی به حکم
 ایتد کارنده منافق راضی اولوب شخصی عمره چکوب مابین زده من حکم ایلد دیوب یهودی حضرت رسول
 حکم ایتدیکنی دید کده حضرت عمر مزقوده طور کوز ایچورده برهم وارد کوروب دعوا کزنصل ایدیم
 دیوب ایچور کوروب قلبن طاقوب جیعدی فی الحال منافق قتل ایدوب حکم رسول قبول ایتانک دعواسنی
 بویه فصل ایدرم دید کده حضرت رسوله همین جبرائیل امین کاوب عمر حمله باطلی فرق ایتدی دیو
 خبر و برد کده رسول علیه السلام عمره انت الفاروق دیو خطاب ایتدی لر ایکی صحیفه مقداری اشاعیده اشبه و
 قصه غیری وجهله روایت اولمشدر نظر اولنه (فصل) مکدن مدینه به هجر فی خصوصنده حضرت علیدن
 مریدر که هجرت ایدنلده عمر دن غیری آشکاره هجرت ایتمش برکسنه بیلم هجرت عزیبت ایتد کده قلبن
 طاقوب یایی چکنه الوب الله بر قاج اوق طوق بکار کفار قریش اشترار قورنده کعبه فی طواف ایدوب
 نماز قیلوب بعده اندل یاتنه کاوب (شاهت الوجوه) دیوب بعده کیمکه والدہ سنی مصیبه و اوغلنی یتیمه که
 و خاوقنی طوللغه براتی استرسه بکامکه شهر ینک هجر استنده کلسون دیوب کتد کده خورلندن اردنجه اصلا
 برکسنه کتدی مدینه ده طاقه انصار دن بران العازب ایدرمه ساجر یندن بزه ابتدا کاتلم مصعب بن غیر
 بعده ابن ام مکتوم بعده عمر بن الخطاب ایلد یکر می سوار ایدی حضرت رسول نه حالده در دیو صورتیغمزده
 ارد مزجه کلک اوزره درلر دیدیلر (فصل) فضائی حقهده احادیث کثیره اولوب فضائی ابو بکرده اشتراک
 اوزره ذکر اولشانلردن ماعد مخصوص اولنل ینک بعضاری بودر که اوقات متفرقه ده رسول علیه السلام
 (لو کان بعدی نبی لکان عمر بن الخطاب) و دخی (عمر سراج اهل الجنة) و دخی (ان الله جعل الحق علی لسان
 عروقله) و دخی (یا ابن الخطاب والذی نفسی بیده مالم یکن الشیطان سالکاً فی حلقه الا سلاک فی اغیر حلق)
 و دخی (ان الشیطان لم یلق عمر منذ اسلم الا جرح لوجهه) و دخی (ما فی السماء ملک الا هو یوقر عمر ولا فی الارض
 شیطان الا یمر من عمر) و دخی (ان الحق بعدی مع عمر حیث کان) بیورمشدر و دخی من ابغض عمر فقه ابغضنی
 ومن احب عمر فقد احبنی وان الله باهی الملائکه بالناس عشیه عرفة عامة و باهی بعمر خاصة و انه لم یبعث الله
 نبیا الا کان فی امته محدث وان یکن فی امتی منهم احد فهو عمر) دیوب بعض صحابه نیجه محدث یار رسول الله
 دید کارنده (یکلام الملائکه علی اسانه) دیدیلر و دخی حضرت رسوله جبرائیل کاوب اقری عمر السلام و اخیره
 ان غضبه عز و رضاه حکم) دیدی و دخی برکون رسول علیه السلام عمره اشارت ایدوب (هذا غلق الفتنة
 لا يزال بینکم و بین الفتنة باب شدید الغلق ما عاش هذا بین اظهركم) دیوب و دخی برکون رسول علیه السلام
 (قال لی جبرائیل لیبک الاسلام علی موت عمر) بیورمشدر واقعا امت محمد ایچنده فتنه و فساد ایدو بونک
 وفاتند نکره تدربجله ظهورا تمکه باشدی تکیم تفصیلی باب حضرت عثمانده کاور (فصل) فضیلتی
 حقهده صحابه و غیردن کلمات کثیره واردر که بعضی بودر حضرت ابو بکره مرض موتنده به ضلع عمر غضبه لو
 کشید رانی بزه خلیفه ایتد و کچون ربکده جواب و بررسن دید کده (اقول له وایت علمم خیر هم) دیدی ۲
 حضرت علی (اذا ذکر الصالحون فغیرا بهم ما کانست بعد ان السکینه تنطق علی لسان عمر) دیوب ۳ حضرت
 ابن مسعود (لو ان علم عمر وضع فی کفة میزان و وضع علم احمیا الارض فی کفة لرجح علم عمر بعلمهم و لقد کانوا یرون
 انه ذهب بتسعة اعشار العلم و دخی (اذا ذکر الصالحون فغیرا بهم ما کان عمر اعلمنا بکتاب الله و افقهنا
 فی دین الله) دیوب ۵ حضرت حذیفه کان علم الناس کان مدسوسا فی الجرح مع عمر ۶ و دخی (والله لا اعراف
 رجلا لا یاخذ فی الله لومة لائم الا عمر) دیوب ۷ حضرت عمر کتدی کتب الاجبار به بن اوصافی
 کتب سابقه ده نیجه بولورسن دید کده (امیرشید لا یاخذ فی الله لومة لائم ثم یكون من بعد له خلیفه
 یقتله فقه طالمة ثم یكون البلاء) دیدی ۸ حضرت جعفر صادق (انا بری عن ذکر ابابکر و عمر الا بخیر) دیدمشدر

(فصل در موافقات ۴) تاریخ الخلفاء مسیوطیده مذکوردر که حضرت ۴ امور دینه و دنیویه دن برسنه فی
 معقول کورسه اکثر با مراده موافق آیت نازل اولوردی ۱ مکده ایکن (یا رسول الله واتخذنا من مقام
 ابراهیم مصلی) دید کده (واتخذنا من مقام ابراهیم مصلی) آیتی ۲ مدینه ده (یا رسول الله یدخل علی نساءک
 البر و انما جبر فلو امرتین یحییین) دید کده مشهور اولان حجاب آیتی ۳ ازواج رسول الله علیه السلام
 بر خصوص چون جمع اولد قلنده (عسی ربه ان ینزلک ان یدله ازواج خیرا منکن) دید کده جاق بونک عینی
 اولان آیت ۴ بدر غزاسیچون مدینه دن حقهده رسول علیه السلام صحابه به طانشده ده عمر حقیقه معنی رأی
 ایتد کده (کما اخرجک ربک من ینک بالحق وان فریقاً من المؤمنین اسکارهون) آیتی ۵ ینه بدرده کفار
 اسیر ایچون رسول علیه السلام صحابه به طانشوب ابو بکر قتل ایلد دیوب عرفه قتل ایلد دیوب رسول علیه السلام
 تر حاقوق ایتد کده (لولا کتاب من الله سبق لاسکم فیما اخذتم فی عذاب عظیم) آیتی کاوب عمر لر رأی صواب
 بدوکی ظاهر اولدی ۶ امر قهریم خورجاستنده (اللهم ین لسانی الخیر یا ناسا فایما) دید کده سمرت خیر آیتی
 ۷ و اقد خلقنا الانسان من سلاله من طین) آیتی عمر ایشیدوب قدرة الله کمال نیچندن (قتیل الله احسن
 الخالقین) دید کده جاق آنک عینی اولان آیت نازل اولدی ۸ رئیس المنافقین اولان ابن ابی بن ملول وفات
 ایتد کده ظاهر اسلمان اولفین آنک رجاسیله رسول علیه السلام مبارک کوملکار بن اکا کفن ایدوب نمازین
 قیلوب عمر منعه چالشد فده جوق یکم یوب (ولا تصل علی احد منهن مات ابدا) آیتی ۹ منافیقندن بر طاقه
 ایچون حضرت رسول علیه السلام استغفر ایدوب حضرت عمر (سواء علمم أم تغفرت لهم أم لم تستغفر لهم)
 دید کده (سواء علمم استغفرت لهم أم لم تستغفر لهم ان تستغفر لهم سبعین مرة فتن ینفر الله لهم) آیتی ۱۰
 قصه اذک دید کوری بهتان حضرت عائشه ده رسول علیه السلام عائشه فی بوشامفی صحابه ایلد طانشده ده
 حضرت عمر (من زوجکها یا رسول الله) دیوب الله دید کارنده (افظن ان ربک یلبس علیک سحابة هذاهتان
 عظیم) دید کده کمال برات و عفت عائشه حقهده نازل اولان اون آیتک ایچنده (سحابة هذاهتان عظیم)
 کلامی بیله ایدی ۱۱ بریهودی عمری کوروب (ان جبریل الذی یدکره صاحبکم عدوانا) دیوب عمر دخی
 (من کان عدوا لله و ملائکته و رسوله و جبریل و میکائیل فان الله عدو لکافرین) دیوب فی الحال جاق بونک
 عینی اولان آیت نازل اولدی ۱۲ ایکی دعوا جینک بریمه حضرت رسول علیه السلام حکم ایدوب مدعی
 علیه راضی اولوب بزی عمره کوندر دیوب خصمه بیله وارد قلنده مدعی عمره حکم رسولی بیلدوب مدعی
 علیه صورتی کچکدر دید کده بریکزده طورک مزه بن حقیقه دیوب مه ادتخانه منه کیروب قلبن طاقوب
 حقیقه حکم رسوله راضی اولیانی قتل ایدوب مدعی حضرت رسوله خبر و برور رسول علیه السلام ما کت
 اظن ان یجتری عمر علی قتل و من دید کده (فلا وربک لا یؤمنون حتی یحکموا فیما نجر بینهم) آیتی نزول
 ایدوب ۴ رک اصابتی ظهور ایتدی ایکی صحیفه یوقاروده اشبه مدعی یهودی مدعی علیه منافق ایدی
 دیوب کمشدر ۱۳ برکون عمر او بونکن بر قوی ایچور و کوروب عمر او بونک (اللهم سرم الذخول) دید کده
 (یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتنا غیر یونکم حتی تستأنسوا و تسلوا علی اهلها) آیتی نزول ایتدی بو ذکر
 اولشانلردن غیری کیمی لفظا کیمی معنی موافقات قرآنیه می بر قاج واردر دیشلر (فصل در کیفیت بیعت
 بهم) هریدر که حضرت ابو بکر مرض موتنده بکار صحابه نک هر برینه عمری نیجه بیلورسن دیو صورتی
 هر بری مدح و ثنا ایتد کده کاتیلر حضرت عثمانه بونی یازدر دیر که (بسم الله الرحمن الرحیم) هذا ما عهد
 ابو بکر بن ابی قحافة فی آخر عهده بالدینا خارجا منک و عند عهده بالآخره داخلها حیث یؤمن الکافر و یوقن
 الفاجر و یرصد الکاذب انی استخلفت علیکم بعدی عمر بن الخطاب فاسمعوا له و اطیعوا و انی لم آک الله و رسول
 یدینه و نفسی و یا اکم خیرا فان عدل فذلک ظنی به و علی فیه و ان یدل فذلک امر ما اکتسب و ان یرد
 ولا علم الغیب و سیملم الذین ظلموا ای منقلب یقلبون و السلام علیکم و رحمة الله) بعده بونی مهرلدوب
 عثمانه و یروب بونک ایچنده کی کسنه خلیفه اولیچون بیعت اک دیوب اودخی مسجد کده جله صحابه
 هرکیم اینه راضی اولدق دیوب بعده ابو بکر عمری چاغردوب تنهاده وافر و صیقل و نصیحتلر ایدوب طشره
 حقهده اردنجه الارین قالدیوب (اللهم انی لم ارد بذلک الاصلاحهم و خفت علیهم الفتنة فعمت فیم بماتت

اعلم به واجتهدت لهم رأی فوات علمهم خیرهم واقواهم علیهم واحرصهم علی ما ارشدهم وقد حضر فی من
امرک ما حضر فاخلع فیهم قمم عبادک ونواصیم یدک اصلحهم ولا تم واجعله من خلفائک الراشدین
واصلح له رعبته (دیودعالبدی) مریدرکه حضرت ابوبکر هجرتک اونی جادی الاخره سنک به کرمی
سکزی کونی اولان صالی کیمجه سی وفات ایدوب ودفن اولوب ایرتسی حضرت عمره جمله مسلمانلریعت
ایتدیلر (فصل) کرامات حضرت عمر عدد رمل وحصادن اکثر اولوب مشهورلری وکتیده مذکورلری
بونلدرکه ۱ ساریه آدلوب بر سرداری عمده تمهاندن شهرنده کفارله محاربه ده مغلوب اولوبورکن چاق مدینه ده
جعه کونی خطبه او قورکن قدرت حقه کشف اولغین عینله آشکاره کوروب (باساریه الجبل) دیواییکی
یا اوج کره چاغروبینه خطبه بی اوقومه باشا یوب خاق حیران اولوب بر آید انصکره خبر نظر کاد کده کافرلر
بزی صیوب اولو تابه المی دینه کلرنده (باساریه الجبل) دیو حضرت عمر نداسن ایشتمدیکم زده یا نزه یقین بر طاعه
ارقه من و یروب تکرار چنک ایتد کده یو کره بزغالب اولدق دیشلر ۲ برکسنه به اسکن ندر دیوب چره دید کده
کینک اوغلی دیوب شهاب اوغلی دید کده نه طاقه دن دیوب حره دن دید کده مسکنک نه بر در دیوب حره
دید کده نه محله دیوب ذات لظی ده دید کده (ادرنک اهلک فقد احترقوا) دیوب حر یق کیدوب مکانه وارد ده
واقعه ساجله اهل یامش بولدی ۳ مصر فتح اولدقده اهل مصر حاکم جدید کلوب اشوب نیل ارماعنک قدیدن
عادی بودرکه هر یاده بر کره زمان معینه بر کوزل بکر قیزی ترین ایدوب صوابینه براقیمجه طاشیز
دید کارنده اودخی بولده نامعقول و نامشروع ایشلر دین اسلامده حرامدر دیو رضا و بر صوب بجمعه
الله نیل دخی نیجه مدت ارمایوب اهل مصر ترک وطن ایتمککی مقرر ایتد کارنده حاکم مصر عمره خبر
کوندره کین بونیله براغه سز دیو بر کاغده باره جکی کوندروب ایچنده بونی یازمشدیکه (من عبدالله عمر امیر
المؤمنین الی نیل مصر اما بعد فان کنت تجری من قبلک ورضاک فلا تجری وان کان الله یجریک فاسأل الله
الواحد الله ان یجریک) وره کلوب نیله براغده اوه کیمجه علی خلاف العاده اون الی ذراع یوکک کاککی که
تمام نهایتدر براوغردن طاشوب جمیع اهل مصر شاد اولوب شاشوب حضرت عمرک حرمت و کرامتنه اول
عادت قدیمه باطله بالکلیه کسلوب عاظمه اولدی الی یومنا هذا دخی نیل ارتبور ۴ مریدرکه حضور
شریفنده نیجه سوزلر سولمه قنغیسی کذب ایدوکی وقنغیسی صدق ایدوکی معلوملری اولوردی ۵ اثنقبا
اهل عراق بونک طرفندن اولان حاکمی طاشلر قنغین ایشتمد کده جماعته قیلدیقی نمازده کمال غضبندن سهو
ایدوب تمام ایتد کده (اللهم انه قد اید و اعلی فایس علمهم وعل علمهم بالانعام الثقی یحکم فیهم بحکم الجاهلیه
لا یقبل من محسنهم ولا یتجاوز عن مسیئهم) دیوب بی امیر زمانده حجاج ظالمک طوره ایشلر ایدوب دخی
اول زمان حجاجک وجودی و انان طومعه سی یوق ایدی (فصل در زهد و عدالت حضرت عمر) مریدرکه
کندوبه بیت المال دن نفقه و کسوه تعیین خصوصتده دیشدرکه (انه لا یجمل اعم من مال الله الا حلتان حله
للمتاه و له التصیف و ما حبه و اعتمر و قونی و قوت اهل بیی کر جل من قریش ايس باغنا هم و لا باقرهم ثم انا
بعد رجل من المساین) و دخی کند و حقنده دیشدرکه (احب الناس الی من رفع الی عیوبی) و دخی برو لایته
حاکم کوندر دیکه آ نه بنامک و آیر تلش و تلش بغدادی اتمکنی عیامک و اینجه اباس کیامک و اهل حاجان دن
قبوسنی قبالو طومعه اکر بونلردن بری ایدر سه عتاب و عتاب ایدر چکنه قول و عهد ایدردی و دخی هر نیل
ججه واروب رعایا و بر ایا نه کلوب حاللرین مرادلری اوزره اعلام ایتمکده و هر ولایتک حاکمک ظلم و عدائی
بیامکده سب اولمچون تحت حکمنده اولان عمال و حکامی زمان ججه کند و ایلده مکده جع اولمغه تیهلر ایدوب
یلده بر کره ملاقات اولوب رعایا و حکام احواللرین بالتمام بروجه اهتمام بوقلاردی و دخی بر نیل خط اولدقده
قورالیه برابر اونی ایچون اصلا یا غلور و سوزسنه عیوب بایکه همان زیت یانی یوب اوسیدن بشره شریفه سی
قرار مشدی و دخی خلیفه ایکن یوکدن طوقش و بر قاج برده حقیان باره سیله یامش کهنه قنغان کیردی
ودخی الله و اموزنده دره یعنی توره یا خود قاجی طوقش چار سولرده کروب خاقی تأدیب ایچون انکاه
اودوب اول توره تک هیبتی خاق ایچنده قیلدن زیاده ایدی برکون سواقده ابی بن کعب اردنجه وافر کسنه
اویدوب کیدرکن کورد کده تورد ایلد اوروب (ان هذا من الله و فی الله لا ینبوع) دیوب بر کره دخی بر حجاب

کاد کده سعد بن ابی وقاص اباع اوزرنه قاله ما منین توره ایلد اوروب (انک لم تمب اختلافه فاردت ان تعرف
ان الخلافه لایمناک) دیدی و دخی بولده خرما کد کارین کورد کده دیو شروب مسلمانلر متع اولسونلر
دیو بعض اولر ایچنه اناردی و دخی مکیمجه کتدیکه اصلا چاردی اولوب هه ان اغاج اوستنه یا خود قنغان
یا بعض نسنه اورتوب کولکه سنده اورتوردی و دخی کثرت بکادن مبارک یکا نلرنده ایکی خط سیه
نشان اولمشدی و دخی تلاوت قرآن وردی اولوب بعض آیلر اوقوده ججه احسانا دوشوب بر قاج کون
خسته اولوب عیادت اولنوردی و دخی برکون بالی آرزو یوب اسلم آدلو قوی بر دوه به شوب مدینه به درت
کونلک بولدن کتوروب دوه بر مقدر صقلدی دوه نک اعضاسنی یوبوب سلیوب کاد کده حضرت عمر
قالقوب دوه نه حالده در کوره ییم دیوب قولانی التنده اثر عرق کورد کده عمرک آرزو سیچون بر حیو انججه
عذاب ایش سن والله کتوردیکل بالقدن عمر دامت دیوب واقعی ایدی و دخی اوغللر دن بر نه شرع احد
اورمق لازم کلوب خسته اواقین اصلا سیر کدوب اجرای حق ایچون دکنک التنده وفات ابدی تسکیم
اولادی فصلنده تفصیل اولنور (لحرره) زهی عدل و زهی تقوی زهی داد که منع ایدی حردن
حب اولاد و دخی برکون برکسنه دیوار اردنلر ایشتمدیکه حضرت عمر یوسوزی تنهاسنده کندوبه
سویلرکه عمر بن الخطاب قورمه امیر المؤمنین اولسه کر کدر والله یا عمر الله دن قورق یوخسه الله سکا عذاب
ایدردی و دخی برکون بر یوزدن بر صمان چو بی الوب (یا لیتنی هذه التنبه ایتنی لم اکن شینا لیت ای لم تادی)
دیدی و دخی برکون ارقه سنده صوایله طولو بر قریه کور یلوب سبی صورلدقده (ان نفسی اعبتنی فاردت ان
اذها) دیدی و دخی اقر باسندن بری بیت المال دن بر مقدار نسنه ایتد کده قاقوب (اردت ان الی الله ملک
جافیا) دیوب ده کده و مالندن اون بیک اخه و بر دی امام مخفی ایدر خلیفه ایکن تجارت ایدردی و دخی
هر کیمجه مدینه ده شهر ایچنده تنه اجه خفیه کروب احوال ارا مل و ایا ای و اشیاء و اشیاء انای تجسس و نفوس
ایچون قیولر و بنجره لره یناشوب قولاق اوروب دکلوب بعض فقیره خاقنلر مبارک ارقه سیله حوال ایلد
ذخیره طاشوب کینه کندوبی ییلد یروب و کینه اصلا ییلد ر میوب کینه ذخیره ایتد کده آتشی یا قوب
طعامنی دخی بشروب کیدردی و دخی زین الجاساسده مذکوردرکه حضرت عمر ایام ولایله ایتدیکه جمیع
افعالی بریره یازوب هر ججه کونی کانظر ایدوب باب عدل و تقوا ده کمال دقتی و علوهی اوزره تمام مراد ججه
اواقعه دره قدر نقصان بوا به عمر نیچون بولده ایتدیک دیوب مبارک الله طو تدینی توره ایلد کند و کندوبی
دو کرایدی وفات ایتد کده بدن حسنده آ نار ضرب موجود و مشهوره ایدی و الحاصل دور امدنبر و جمیع
عالمده انیا دکنکره او رعد الله چاق بوقدر محمد و ساعی و راحت عامه مخلوقاتی طالب و مرای بر حاکم
اکل جمیع ام و ملده کلامشدر مناقب عالیة المراتبی حردن بیرون و عددن افزون اولغین اول باید نم السحر
فی سیره عمر آدلو کلبه منبره نظرا بنیانلر عدل بر کالری و سار کالری کما بد فی ظاهر و باهر اولر (فصل
در اویات حضرت عمر) ۱ مریدرکه خلیفه اولدقده بر مقدار زمانه دل خاق یوکا خلیفه خلیفه رسول الله
دیرلردی اوزون سوزا و این ترک اولنوب امیر المؤمنین دینوب دنیاده ایتد ابووصف ایلد و موصوف اولان بودر
۲ دین اسلامده ابتدایل حسابجه تاریخ قوبوب مکدوبه و غیره تاریخ یازن بودر حضرت علی مشورتیه
خلافتک اوچنی ییلده هجرت رسول اولانی تاریخ قوبوب هجرتک اون النبی ییلدن یازمه بشلادیلر ۳
کثرت فتوحات ایلد اطرافدن مسلمانلر ایچون وافر مال جمع اولمغه باشلا دقده ایتد بیت المال ایچاد ایدن بودر
۴ رضانه تراویج نمازق حضرت رسول علیه السلام جماعته همان بر کیمجه قلوب فرض اولم و دن دیوامته
شفقة ارقق جماعته قلیوب هر کشتی اولرنده تنه اجه قیلردی هر کیمجه ججه ججه جماعته قلیانی ایتد اعادت
ایدن حضرت عمر در دخی حضرت علی و هضائک کیمجه لرنده قنابدلی چوق ججه لره اوغر ارفنده (نور الله علی
عمر فی قبره کما نور عاینا مصادنا) دیشدر ۵ هر کیمجه شهر ایچنده خلقک احوالی یوقلا فیچون خفیه
تنه اجه کروب اولر قیوسنه و بنجره و باجدره قولاق اوروب برکسنه شرعه مخالف ایش ایشلری یا مخالف سوز
مولری و کندودن شکایت ایدر لری اج و محتاج و مریض و مظلوم قسندن کسنه نه واری دیوب بکایوب
اکا کوره ۶ ایدوب یوحالی ایتد ابو ایچاد ایدی صکره کلان خلفا و مولوک بوطریق عدالت رفقه سلوک

ایچون کیجه که مکه بنقه آدم تعیین ایدوب اسمعیل عیسی قودیلر ۶ هجری ایدنه عقوبت ایدکی دخی ایدوب
 یو ایدی ۷ حد شرب خر عددنده صحابه اختلاف ایدوب سکهان دکنک عددنی یو تعیین ایدی ۸ نکاح
 منع حرام ایدوکنی ایدوب ایدوب ۹ ام ولد یعنی ایدوب ایدوب ایدی ۱۰ صلوة جنازه تکبیرلرنده عدد
 معین یو غیکن درت تکبیره خلقی جمع ایدن بودر ۱۱ ابتدا دیوان ایجاد ایدن بودر * مریدرکه هجرتک
 اون بنشده جله صحابه وغیره مرتبه لرینه کوره بیت المالدن سنوی وظیفه تعیین ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب
 ضبط ایدوب دین اسلامده یو وضع یونک ایجاد ایدوب اولاحضرت عباسه عم رسولدر یونیل یکرعی بش یونک
 ائجه ساتراقریارسوله قریشنه کوره سننه تعیین ایدی * ویشه صحابه دن اهل غزای بدر اولکلرک هر برینه
 بشر یونک وانلر دنگره کیره واهل بیعت شجره یه دردر یونک انلر دنگره کیره اوچر یونک عجم ایدوب
 محاربه لرنده حاضر اولان عوام مسلماننه ایکشیر یونک وانلر دنگره کیره یکر دخی مکره کیره بش یوز بعدهم
 اوچر یوز بعدهم ایکشیر یوزالیشیر ائجه تعیین ایدی ۱۲ مصر دریا سندن ایدامدینه به ذخیره کنوردن دخی
 بودر ۱۳ علم فراتنده عول مسئله ی ۱۴ وسور یله کرن آندن زکاة الملق یونک ایجاد ایدر ۱۵ برکنسه یه
 ابطال الله بقال دیمک ودخی ایدک الله دیمک یونک ایجاد ایدر که حضرت علی به دیمشدر ۱۶ وعمالکی فتح ایدوب
 ارض سواد عراق عربی مساحت ایدیرن ۱۷ واسلامده صدقه حبس ایدن یونلردر ۱۸ و تادیب ناس
 ایچون یوز یاقاچی کتورن ۱۹ و شهرلرده ساکلردن غیر ی بنقه قاضیلر نصب ایدن ۲۰ بصره وکوفه
 وجزیره و شام و مصر و موصل شهرلرین بنا ایدیرن ایدوب بعض کتیده کوفه یی بنایدن حضرت علی در
 دیمشدر ۲۱ مکه ایدمینه اراشده براوایدوب یول اوزناشده آرونی دوکن یولیلر ایچون آنک ایچنه
 اون وخرما و قوری اوزوم و بعض ما کولات قودوب اسمعی دارالدقیق قوئشده ۲۲ مدینه ده مسلمانلر
 چوغالدقده هجرتک اون یید بنشده مسجد حضرت رسولی توسیع ایچون بعض اطرافندن اولر صاوتن آکوب
 قاتق دیلیوب صاحب لری راضی اولد قلزنده شرعه جبراً آکوب تمام جهالنی بیت المالدن وروب بعد البنا
 مسجدک ایچنه چاقل طاشی دوشستدر ۲۳ ولایت حجازدن جله یو و طائفه منی دیار شامه و نصارادن
 اولان اهل نجراتی کوفه شهرنه سور کون ایدی ۲۴ تاریخ ایدامده مکه ده مقام حضرت ابراهیم کعبه یه
 متصل طور درکن طواف برندن منفصل اولان ایچون شهیدکی برشته کتورن بودر دیوب لکن یوقصه یی
 حضرت رسول علیه السلام فتح مکه ده ایشلردی دیوب قاروده کچه شددر ۲۵ قدیدن کعبه نک مسجدی
 حرمی احاطه ایدر دیواری اولوب اطراف بنده صیتی اوزر اولوب ازلندن یول یکر دی عر خلافتنده خلق
 چوغالدقده حرم اطرافنده اولر صاوتن آکوب یوقصه حرمی توسیع ایدوب اطرافنی احاطه ایچون آدم یوندن
 ایچ دیوار یایدوب قندیلار اود دیواره آصلوب ایده بناردی (فصل در فتوحات حضرت عر) یونک
 زماشده اولان غزوات و فتوحات ییچد و غایات اولوب او یایدنه نیچه کاید عظیم تفصیلار اولغین کمال اجمال
 یوسنوال اوزره در که سردار سفر ولایت شام اولان ابو عبیده بن الجراح ایلد خالد بن الولید و سردار سفر
 ولایت مصر اولان عمرو بن العاص و سردار سفر ولایت عجم اولان سعد بن ابی وقاص اللریله جله اون اوج ییل
 ایچنده دمشق و حص و حماه و شیزر و معره و طبریه و حوران و ولایت اردن و فلسطین که
 رملدر و عسقلان که عزه در و نابلس و صیصه و ادریافا و حلب و قنسیرین و انطاکیه
 و جبیل و لاذقیه و سمرین و تیزین و عزاز و منبج و مروج و دلولک و انطرطوس و مرعش
 و قیساریه و جبع و ولایت مصر و اسکندریه و طرابلس مغرب و برقه و بعض بلاد روم و ولایت طائفه
 بربر و ولایت نوبه و دیار عراق عربیه کوفه قرینه قادیسیه و بغداد قرینه تختگاه ملوک عجم
 اولان مداین کسری و رقه و تکریت و موصل و خالاکوردستان اولان ولایت جزیره و نصیبین
 و دیاربکر دیکلری قره آمد و دها و ارمینیه و حران و رأس العین و خابور و بیسار و قرقیا
 و سیاط و ادربایجان که تختگاهی شهرتیرد و تهاوند و بصره و ابله و اهواز و جلولا و حلوان
 و واسط و واسطه و فارس و تنر و سوس و کرمان و مکران و سیستان و جرجان
 و جندیابور و قزوین و زنجان و طبرستان و هراة و ماه سندان و مرو و همدان و ری

وانک اطرافنی و کسکر و قومس و دینور و بعض ولایت خراسان یو جله نک کیجی جنگ و جبرله کیجی
 محاصره و صبرله کیجی صلح نافعه کیجی هر برندن مخلوط وجهه جامعله هر برین غایت تفصیله مجتاج طریقه
 فتح و ضبط و عمالک اسلامیه به ضم و ربط اولاندی * جله دن شام غزاشنده اولنلر کفار روم ایلد درت دفعه
 عظیم محاربه ایدوب جله نک اعظمی هجرتک اون بنشده حوران شهرنده اولان وقعه یرموله دید کار بدرکه
 مسلمانلر اوز یونک عددده قریب یاقرق یونک بالالی یونک اولوب اما کافرلر یونک یونک زبانه پروا بنده اوچ یونک
 کسسه اولوب بشی اونی بری برلین آت اوستندن زنجیر ایلد بغلامغین عسکر کفارک نصنی مقداری کیجی قتل
 کیجی آت ایانی ائشده چکنوب هلاک اولوب مسلمانلر دن آز کسسه شهید اولدی * عجم غزاشنده
 اولنلر ایلد وقعه قادیسیه و غیره یی یونک کسسه اولوب التمش یونک یاقرق یونک یونک یونک مقداری عجموس
 مخلوط غایت تفصیلله محتاج طریقه لره هر ارا عظیم جنگلر ایدوب عجم شاهی رذجر د کمال خوف و ذهرله
 شهر بشیر قاجوب وقعه جاولا دید کلمی محاربه عظیمه ده ییچد کفار عجم قیریلوب رذجر د قاجوب بلخه کچک
 ایچون نهر جیجونی یکرکن مسلمانلر بنشوب عسکر نه تفرقه و اختلاف دوشوب اکثری مسلمانلر منضم
 اولوب دفع خوف و وهم ایدیلر رذجر د کیمیت هلاکی جلد ناییده ملولک عجم یایی آخرنده کاوره مریدرکه
 مسلمانلر مالک عجمدن نیچه یوز یونک فلور یونک انواع مال غنیمت اولوب جله دن مدا بنده نوشروانک ایوان دید کاری
 دیو ایخانه منده طول و عرضی التمش ذراع اولوب صافی التوتله حریردن طوقنوب ایچنده چکر صوری
 نقش اولوب جواهرله مرصع ایچوبه دنیا اولان قالی عالی و عالی النوب مدینه به کوندربوب حضرت عرانی
 باره یاره ایدوب اهل غزای بدر اولان اوچ یوز نفر مقداری اشرف اصحابه اولشدر و هر حصه یکر میشیر
 فلوری به صاقلدی * و درفش کاویان دید کاری مشهور جهان اولان مرصع سنجانی دخی الوب یوزوب
 اون ایکی کره یوز یونک التون حاصل اولدی * مریدرکه شام سرداری بعد از فتح دمشق و غیره هجرتک اون
 التیشنده قدس شریف شهرنی محاصره ایدکده ایچنده کی کافرلر یونک کابل مرده یونهری فتح ایده جنگ
 عسکرلکی شومقوله مقتله یازاش اولغین مره میسر د کادر دید کارنده اوصفتلرک صاحبی حضرت
 عمر ایدرکی ظاهر اولغین سردار مدینه به خبر کوندرکده بالذات کلوب کافرلر کورد کارنده بودر دیو رضایله
 قاعه یی تسلیم ایدیلر * مریدرکه بصره ایلد کوفه شهرلری ابتدا عمر بن ایدردی یته مریدرکه زمان
 خلافتنده بمالک اسلامیه غایت چوغالوب التی یونک التیوز الی الی برده خطبه او قنور اولدی اوزمانده
 برهم رده متعده مسجد و جامع بنا اولغی غایت آرواقع اولوردی (فصل در امور متفرقه) کینه حضرت
 عمره متعلقه در * مریدرکه حضرت رسولک کومش مهر لرندن ماعدا کندونک دخی بنقه مهری اولوب
 نقش (کفی بالموت و اعظا) کلای ایدی ودخی خلافتنک اولکی ییلنده مکه ده زمان جده خطبه عرفاتی
 او قومه عشره مبشره دن عبد الرحمن بن عوفی کوندروب بعده اون ییلد دله عر کندونی حجه واروب خطبه
 او قیوب آخر جنده حضرت رسولک جله خاتونلرین ییلد ایلندی و هجرتک اون یید بنشده ولایت حجازده خط
 اولوب استعفا لازم کلدکده عم حضرت رملدر دیوب عباسک الله یاشوب باشی اچوب (اللهم اناسکشف
 الیک بعم نیک ان تذهب عنا الحبل وان تسمی القیث) دیو عایت کده فی الحال بقه و رکوب بر قاج کونه دن
 یاغدی (فصل در اولاد عر) مریدرکه طه و زاغلی درت قیزی وارایدیکه یونلردر (عبدالله) مکه ده کوچک
 ایکن بابا ییلد معالیمه کلوب بدر و مادر لریله ییلد هجرت ایدکده اون یاشنده اولوب بدر و احد غزالرند نصکره
 هر غزالده حضرت رسولله ییلد ایدی عالم و زاهد و ناطق بالحق و جله مسلمینه ناصح ائقی اولوب عبدالله دیکله
 مشهور عالم اولان علما صحابه دن اوج ییادرت کسسه نک بریدر علم و کمالی احوالی فصل علما صحابه ده یکمصدوره
 مریدرکه مائندن هر یکندوکی چانسری تصدق و جانلوی آزادا شکمه معاد اولغین قوللرندن هر بری یولایکی
 بنم صلاحی یکنیدی دیو مسجد مدامت و عظیم عبادت ایدوب عبدالله آگاه اولدقده حفظندن آزاد
 و دلاشاد ایدردی قوللر لئی الدار لر دید کارنده (من خدعنا بالله الخدع عاله) دیوب مدت عر نده یونک عدد
 نفس آزادا یکنیدی حجاج ظالم بر خصوصه یو کالایضوب آنک معرفت ییلد برکنسه ج زماشده کثرت اراشده
 برزهر لایکنه کوندردی ظرافتله ایاغنه باتروب مرصه موب اولوب هجرتک نقش اوچنده سکهان

دوت باه سنان التي باشند وفات ايدوب حضرت رسول دن روايت ايدوبى حديث ندرن كابلده ايكي ييك
ايكيوز ويا ايكي ييك التيموز او نور حديث واردر ديمش كند و دهنكره بعض اولادى قالمشدر (عبدالرحمن
الاكبر) حضرت عمر بن الخطاب و اوج اوغلى اولفين بوكا اكبر ديد يله حضرت رسول كوروب لكن حديث بن
روايت ايتيموب عبداللهم والد مسى زينب بنت مظعوندر (زيد الاكبر) بواسته ايكي برادر اولفين بوكا اكبر
ديد يله والده مسى حضرت علي بنك حضرت فاطمه دن اولان قيزى ام كاتومدر بر غزاده طاش طوقنوب اندن
وفات ايتدى اولادى قالمشدر بعض ايدوب والده مسيله بر ساعته وفات ايدوب اوسيدن برى برينه وارث
اولمق و نمازلى قلنى ايجون والده سنك نابوق بوندن مؤخر قونجى ايدوبنده ظهور ايتدى (عاصم) والده مسى
جيسله بنت عاصمدر فاضل واهل خير اولوب هجرتك تمشنده وفات ايتدى (عياض) والده مسى عاتكه بنت
زيددر (زيد الاصغر عبيد الله) بواسته سنك والده لرى ام كلثوم بنت جردل در من بور عبيد اهل قوت و بهادر
اولفين بابامى عمر شهيد اولاده قبلن عربان ايدوب عجمده اهو از ايله تسر حاكمى ايكن فتح اولنده مدينه به
كتور بلوب ايمان كلوب بيت المالدن سيلده مايكي ييك الحقه وظيفه مسى اولان هر مزانى نصارى دن اولان جفنيه
نام كافرى و فيروز مده و نك بر كوچك قيزى قتل ايدوب قصاص اوغنى ديلند كده فيروز بابامى شهيد ايدوبى
كجه نك اولنده عبدالرحمن بن ابى بكر فيروز و هر مزان و جفنيه بر تهم ايره كيروب و قصه مسى اور تاسنده
وايكي اوجى كسكن بر خضر اور نارنده طوروب خفيه بعض سنه سويلشه كار بن كوروب بكا خبر و بر مشدى
ديمكن صحابه دن عمرو بن العاص دون امير المؤمنين شهيد اولدى بوكون اوغلى قتل اولسون ديوقصاص
اولفقه قوموب حضرت علي خليفه اولاده عبيد الله قصاص خونندن قاجوب مدينه به واروب
بعده محارب مدينه مقتول اولوب كند و دهنكره بعض اولادى قالمدى (عبدالرحمن الاوسط) والده مسى
ام ولد جاريه درونك كنيى ابو شحمه ايدى كند و صوكنه اولادى قالمك لكن منقرض اولدى يله كتاب المتقى ده
مذكور در كه بركون حضرت عمر بر قيز كلوب بر كوچك اوغلا نجي كوروب اوغولك ابو شحمه بكا ستانه
راست كلوب جبار بكارنا ايتدى بو آنك اوغلي در ديد كدم مدينه واروب من بور اوغله موزدقه اغلايوب
افرا بكمين باشنه يا شوب سور بوب مسجد رسول كوروب صحابه اراسته صوبوب خلق اغلايوب
افلح آدلو قولة حد زانى غير محصن اولان بوزد كنك اورمق امراسته كده ابو شحمه يا ابى ارحمى ديوب اغلايوب
حضرت عمر دى اغلايوب (انما فعل هذا كى رحمت الله و برحمتى) ديوب افلح هر دك كنك اور دقه ابو شحمه
اغلايوب عمر اشر به ديوب بنمه وارد قده بابا جهم بر ايجم صوبور ديوب اودى (يا بنى ان كان بك بطهرك
فستيتك محمد صلى الله عليه وسلم شربه لا ظم بعد هالدا يا غلام اضر به) ديوب كسانه وارد قده (يا بنى
السلام عليك) ديوب عمر دى و عليك السلام ان رأيت محمدا فاقراه منى السلام و قل له خلفت عمر يقرأ القرآن
و يقيم الحد و يا غلام اضر به) ديوب طقسانه وارد قده ابو شحمه نك آوازي كدوب ضعيف و افين جله صحابه
هجوم ايدوب بقيه حد تاخير اولسون شمدى هلاك اولايه و رياز قرد ديوب عمر دى (كالم تؤخر المعصية لا تؤخر
العقوبة) ديوب بوزد كنك تمام اولدى بى ساعت روى قبض اولفين عمر اغلايوب (يا بنى تحمض الله عنك الخطايا)
ديوب بعده باشى ديزنه الوب تكار اغلايوب (يا بنى من قتل الحق يابى من مات عند انقضائه الحد يابى من لم ير
ابوه و افار به) ديوب جله خلق دى صوت باندله تالان و كريان اولوب دفتك قرغنى كجه مسى صحابه دن
حضرت حذيفه دوشنده حضرت رسول كوروب بانلنده ابو شحمه ايكي يشل حله كيش طوروب رسول
عليه السلام حذيفه به (اقرأ عمر منى السلام و قل له هكذا امرك الله ان تقرأ القرآن و تقيم الحدود) ديوب و روب
ابو شحمه دى (اقرأ ابى منى السلام و قل له طهر الله كاطهرت) ديدى بسبب ضرب و وفاتده بر مفصل
روايت دى اولوب لكن ذكر اوانان ابن عباس قولى و افين انى اختيار و اكا اقتصار اولندى (عبدالرحمن
الاصغر) بونك والده مسى بر غير ام ولد جاريه در صوكنه اولادى قالمدى (حفصه) عبداللهم عبدالرحمن اكبر
والده سندن حضرت رسول خاتون اولفين باب ازواج رسولده كجه مشدر (رفيعة) ابراهيم بن نعيم اللهم
خاتون اولوب انك نكاجنده وفات ايدوب اولادى اولما مشدى (فاطمه) عيسى اوغلى عبدالرحمن بن زيد
ابن الحارث بن هشام بن المغيرة نك خاتون اولوب عبداللهم آدلو اوغلى اولدى (زينب) عبداللهم بن مرقاة

الهدويك خاتون ايدى (فصل) حضرت عول مدت خلافتده بمالك اسلاميه ده وفات ايدن كيار اخبار
صحابه نو ندر كه عقبه بن غزوان و علاء بن الحضرمى و قيس بن السكن و ابو جانه پدر حضرت ابوبكر و هند
والده معاويه و سعد بن عباد و رئيس طائفة انصار و سهل بن عمرو و ابن ام مكتوم الاعشى مؤذن الرسول عليه
السلام و عياش بن ابى ربيعة و عبدالرحمن برادر زبير بن العوام و قيس بن ابى صهصه كه قرآن عظيمي جمع
ايدنك بر يدر و نوفل بن الحارث ابن عم الرسول عليه السلام و ابو سفيان برادر نوفل و حضرت حاربه ام ولد
حضرت رسول عليه السلام و ابو عبيدة بن الجراح احد عشرة مبشره و معاذ بن جبل و زياد بن ابى سفيان
برادر معاويه و ثمر جليل بن حمنة كه ايكي سى دى شام سردارى ايد يله و فضل بن عباس ابن عم رسول الله
عليه السلام و ابو جندل بن مهيل و ابو مالكة الاشعر و صفوان بن المعطل و ابى بن كعب كاتب وحى رسول الله
عليه السلام و بلال حبشى مؤذن رسول عليه السلام و آسية بن الحضير و براء بن مالك برادر انس و زينب بنت
جحش زوجة الرسول عليه السلام و عياض بن غنم و ابو الهيثم بن التيهان و خالد بن الوليد سردار اعظم
و جابر و رئيس قبيلة بنى عبد القيس و نه مان بن المقرن و قتادة بن النعمان و اقرب بن حابس و سودة بنت زمعه
زوجة الرسول عليه السلام و عويم بن ساعدة و غيلان الثقفى و ابو محجن الثقفى و صحابه دن نجيحه كسندى دى
وفات ايتشدر (فصل در شهادت حضرت عمر) مر ويدر كه اكثرا اللهم ارزنى شهادة فى سبيلك واجعل
موتى فى بلد رسولك) ديدو عا ايدوب آخر جنده دى منى دن مكه به كاور كن بولده ارقه مسى اوسته يا قوب ابن
قالدروب (اللهم كبرنى و ضعف قوى و انتشرت رعبى فاقبضى اليك غير ضيع و لا مفترط) ديدو دعا ايتد كده
قبول اولوب مدينه به كلد كده شهيد اولدى سبى بوايدى كه بالغ اولش مشر كني مدينه شهر نه قومامغه معتاد
ايكن صحابه دن كوفه حاكمى مغيرة بن شعبه نك استاد مورجى و نقاش و شجارا بن مجومى يا نصرانى اولان
ابو اولوه فيروز نام قولنى صنعت انك ايجون شهر كير مكه مغيرة رجاسيله اجازت و روب بعده فيروز جكر موز
حضرت عمر كلوب ايتدى افتدم بن ايدو ايكيوز ايقه به كسجه كسدى ايدو ايكيوز قازغنه قاد و دكام ديد كده
صنعتنى صوبوب ديو و برد كده عمر بوقدر صنعتله ايكيوز ايقه جوق دكام در ديمكين فيروز لعين قلمبندن
كين كيچر و ببعده عمر يا فيروز ايتد كده اعلايل دكر منلرى بيار مش سن بكا دى بريل دكر منى ياب ديوب
ويلد كده اودى بكار دكر من بيايم كه مشرق و غرب اهلى اراسته مذكور او اسون ديوب كده عرفراسته
مرادى بياوب (انقد توعدى العلى انما) ديوب بس نمايچون قصاص اجزن سن و حقتندن كلز سن ديد كلزنده
(لا تصاص قبل القتل) ديوب ايرنسى كعب الاحبار كلوب نورانده سنك شكل و اوصاف و احوالكي
كور مشدر سن شهيد اولفقه اوج كون قالمدى ديوب فيروز امين قبضه مسى اور تاسنده وايكي طرفى كسكين
بر خنجر دوزوب زهرله واروب هجرتك يكرى اوج ذى الحجه سنك يكرى يدينى كوفى اولان اربعا كجه مسى
آخرنده صباح نمازنده مقدسجه مسجد كيروب كيزلنوب غازه صفر دوزلد كده اراقه كيروب محرابده عمر غازه
الله اكبر ديدى ساعت خنجرله اوج برده ياللى برده كه برسى ايكي ياغرى اور تاسنده برسى قاضى اوستيدو
اوروب حضرت عمر (دونكم الكلب فانه قتلى) ديد كده مسلمانلر طوقته سكر دشد كده يورد كارنده اون اوج
يا خود اون بر كسندى دى اوروب آنلك بر قاجى وفات ايدوب عاقبت بر كسندى انى اوردندن قوجا قلايوب
يا خود اوسته احرام آتوب طوتلد قده مدينه بى دين بد آيين الله كى خنجر ايله كند و بى دى بوغاز ليوب حضرت
عمر عبدالرحمن بن عوفك الله يا شوب صباح نمازنى مسلمانلر قلوب و ديوامام ايدوب سعاد تخانه سنه
ايتلد كارنده مسلمانلر چاغردوب بى كيم اوردى كورلديوب خبر و يرد كارنده (فات الله لقد امرت به معروفا
الحمد لله الذى لم يجعل منيتى بيد رجل يدعى الاسلام) بر روايتده (بيد رجل سجد لله سجدة واحدة يحسب
بلا اله الا الله) ديوب كعب الاحبارى كور دكده بوشعرى ديدى كه (نظم) و واعدنى كعب ثلثا اعتدا *
ولا شك ان القول ما قاله كعب * و ما بى حذار الموت انى ليت * و لكن حذار الذنب بقية ذنب (نثر)
بعده طبيب كتور يلوب سودايجو و يلوب قاصو غزن طشره جيقده موت مقر اوافين بورجلر بى حساب
ايتد يروب سكران التى ييك الحقه اولفين اوغلى عبداللهم (ان وفى مال آل عرفاده من اموالهم و لا فضل
بى عدى بن كعب وان لم يصب اموالهم فسل فى قريش و لا ندهم الى غيرهم فاذ عنى هذا المال) ديوب بعده

و میت آید بکزو خایه تعیین آید **==** زدید کارنده (ما را یکی احد الحق بهما الامر من هؤلاء النفر الذی توفی رسول الله صلی الله علیه وسلم و دعوتهم راض) دیوب آنرا که پدر دید کارنده عثمان و علی و طلحه و زبیر و عبد الرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص در اوج کونه دلم ملاظه اول ذنوب التینک بریسی خایه اولسون دیوب و خایه نصبه دلم صحابه به صهیپ روی امام اولتی تعیین آید و بعض نصایح و وصایا و احوال نص **==** کمره حضرت عائشه دن آنک حجره شریفه منده حضرت رسول علیه السلام و ابو بکر را نلرنده دفته اجازت ایستد و ابودخی بن آفی کند همچون ایقه و مشددم اما که عمری نفسه ترجیح آید رم دیوب عرایشه قد کده **==** ظ اولوب جین احتضاره مبارک باشی او علی عبدالله ک دیری او متنده ایکن بوییتی دیدیکه (نظم) ظلوم لنفسی غیرانی مسلم * اصلی صلائی کاها و اصوم (نثر) مر ویدر که چه او شنبه کونی مجروح اولوب میت کونی وفات آید و اب حد کونی صباح دن دفن اولوب اگر چه رسول علیه السلام (ان الشمس والقمر آیتان من آیات الله لایسک فان لموت احد ولا حیاته) یور مشدر لکن بحکمه الله یوم وفات عمرده کونش طوتلدی مر ویدر که قول مشدور او زره مدت عمری الشمس اوج ابن عباس قولنجبه الشمس الی سالم بن عبد الله بن عمر قولنجبه الشمس بش قناده قولنجبه الشمس بر و اقدی قولنجبه الشمس به ضلر قولنجبه الی بش یا الی طقوز یا الی درت سیل اولوب مدت خلافتی اون ییل و الی ییل و دخی درت یایش با سکر با اون اوج کون آیدی (تنبیه) حضرت عباس دن مر ویدر که عمری دوشنده کورد مک بر ییل دعا یتدم به ده کورد مکه آننک عرقی سیلر با یام انا م سکا خدا اولسون یا امیر المؤمنین ندر حالات دیم هذا اوان فرغت وان کاد عرش عمر ایذ لولای لقیته رؤفا رحیما دیدی یعنی حسابدن شمعی قورتلدم اگر رؤف و رحیم الهک لطفه مقارن اولما یتدم عالم خراب اولوردی **==** اصدار دن بری دخی اون ییلند نص کمره واقعه ده عمری آننک عرقی سیلر کوروب یا امیر المؤمنین نه ایشلر سن دید کده دخی شمعی قورتلدم اگر بک رحقی اولمیدی هلاک اولوردم دیوب **==** به صحابه دن عمرو بن العاص دخی واقعه ده **==** کوروب حالی صورتده سزدن آیر لالی اون ایکی ییلدر که **==** سابدن شمعی قورتلدم دیش (لحیره) کوزن آچسون همیشه هر والی * خوف حق دن هیچ اولسون خالی * حاکم عدله چون حساب اولیسر * پس نیجه اوله ظالمک حالی (نثر) لکن معلوم اوله که اشبو سوال و حساب مجرد تلطفیفا اولوب زجر ا و تنسیفا اولدی فی مقرر در زیر ادر آدم دن بر و انیسادن و ابو بکر دن مکره عمر دن عادل بلکه اکام عادل بر حاکم بالذل دنیا به کلامشدر دیو علماء آفاق اتفاقا ایتلدر (نظم) عدله و پردی عالمه رونق * ارنوره رحقی حضرت حق *

(باب ثالث در احوال عثمان ذوالنورین رضی اللہ عنہ)

(نظام) ظل رحمان و صاحب التورین * علم و حلم ایام جمع البحرین * سید بارگاه علم و حیا * مروت سالار
اهل صدق و صفا * جامع فضل و ناسر قرآن * صدق در معرفت عثمان * فضله اولدم اولدی بی بدل اول *
بدل اولدی الینه دست رسول * اولیده ویرمشدی حق اکادیمی * ملک ابدن او تا نور دیدی نبی * نه فلک قدر
ایدی او یار کزین * که اولدی اول نفس از هرینه قرین * آنرا اولد کمره دیدی پیغمبر * اولسه ویرر
ایدم دخ دختر * بوجه فضل ایله ظلم اولندی اسکا * عاقبت اولدی افضل الشهدا * یا تدیقی یری حق
جنان ایسون * روضه عرشی آشیان ایسون (فصل در نسب و حلیه و ابتداء ایمان او) عثمان بن عفان بن
ابی العاص بن امیه بن عبدمنس بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب در * نسبی حضرت رسول الله
عبد منافده ابوبکر و عمر له کعبه جمع اولور حضرت رسول الله الی یایدی باهمان برایش کوجک اولوب آنلر له
عمری یضانت عبد المطلب قزی اروی خاتونک او غلیدر * اورنه بودلو خوب صورت صاری شین طوغان
بورنلو بوزنک اتی خشیغه بطی یا غزنلو کوجک کمری ایری قولاری اوزون و موزون و صفاتی چوق اولوب
بویا بوب صاری شین ایدردی بعد زمان بعض دینلری او یامغین التون تل ایله صادر درمشدی پدر غزاسنده
چیک چقاروب یوزند بر قاج دانه نشان قالمشدی * ابن امحقاق قولنجه حضرت رسول الله ایمان کتورن
رجالت دوردر تحسیدر حضرت ابوبکر سبب اولوب والده بی دخی ایمانه کلمشدر * مر ویدر که عیسی حکم بن
ابی العاص عثمانی طوغوب ایله حکم بغلابوب ابا و اجدادک دیننه دون لوحه و الله سنی اصلا حوزنم

دید که و الله بن دیني اصل از آنکه احتیالی بود در یوب ایما فی نجر نابت کبی راسخ و نابت اوله من اسیدین
کسب شدند و راه و ترک جفا بندی (فصل در مناقب او) فضائی حقه اخبار و آثار یار اولوب
اجالی بود که حضرت رسول بر بری اردنجه ایکی کریمه لویه و یکوسی و چهار یار دید کاری دوت
مقبول زینت بری و مخصوص کاتب و کاتب الوحي یعنی کاتب القرآن ایدی و کار رسول علیه السلام مکده
پیغمبر اولد قد نصکره امر حقه کریمه لری حضرت رقیه بی نکاح ایدوب بعده جفای کفاردن ولایت حبشه
هجرت ایدن مؤمنینک اولی بودر خانویه کند که رسول علیه السلام (صمیم ما الله ان عثمان لاول من هاجر
الی الله باهله بعد لوط) دیوب بعد زمان اهلیله حبشیدن مدینه به کوب بد رغزاسی زمانده اهلی خسته اولمغین
انک احوال کور مکچون بر روایتده کند و دخی چچک چیمار مغین رسول علیه السلام آتی شهرده قویوب
لکن غزانو اینده و مال غنیمتده ساثره شریک ایدوب اهلی وفات ایتمکین رسول علیه السلام غزادن کاد که
ام کلثوم آدلو بر کریمه لرین دخی امر حقه نکاح ایدوب مزبور به (ان بعلک اشبه الناس بجدک ابراهیم و ایمن
محمد) دیوب یعنی سنک زوجک عثمان جدک ابراهیم پیغمبره و باباک محمد جله خلقک غایت بکره بنیدر و دخی
رسول علیه السلام (ان انشبه عثمان یابینا ابراهیم) دیوب و دخی عثمان (من اشبه اصحابی فی خلقه) دیشدر
مرویدر که بر پیغمبرک ایکی قیزی نکاح خلق دور آمدن برو جله انسانده عثمانن غیره منیر اولمغین
ذوالنورین دیولقب قویوب ملائکه ایچنده دخی بونکه مذکور و مشهور اولدی و هجرتک طقوزنجی یلنده
حضرت ام کلثوم دخی وفات ایتد که رسول علیه السلام (لوان لی اربعین بنتا زوجت عثمان واحدة بعد واحدة
حتی لا یبقی منهن واحدة) یعنی فرق قیزم اولسه بری بر سنک اردنجه عثمان نکاح ایدردم چاق هیچ بری قالمیچمه
دیدر که مرویدر که بر کون حضرت رسول عثمان کاد که مبارک خفانلر سنک انکی دیوشرب حضرت عائشه
سبیتی صورتده (الاستحی من رجل تستحی منه ملائکه الرحمن) دیوب بر کوره دخی بونک حقه
عثمان بن عفان و ابی فی الدینا و ابی فی الاخره) دیوب بر کوره دخی (عثمان اخی و رفیق فی الجنة) دیشدر (نظم)
زهی عزت زهی رفعت زهی جاه زهی قدر و کرامت بارک الله (نثر) مرویدر که غزوه جدیده رسول
علیه السلام بونی اهل مکه به ایچی کوندر و باده صحابه دن هر بری بیعت ایتد که رسول علیه السلام
صاغ الرئی فالدر و باده عثمان دیوب صول الریته اوروب هده لعثمان یعنی بویعت عثمان کدر دیوب
مبارک الاربی آنک الندن بدل ابتکله انک قدر فی اقراتدن ارفع واجل ایتدیلر و دعاء حضرت رسولله
طریق تجارتدن مالی چو غالب غزوه تبوکه عزیمت اولد قد غایت خط و شدت حرارت هوا زمانی اولقله
اسباب سقرده هر وجهله مضایقه و اضطراب نیایده ایکن مهمات مسلمینه صرف ایچون جله آلتیه بر نیجه
بوزیا خود بیک دوه واللی التمش یا تمش آت و بیک یا اون بیک نقد فلوری کتورد که رسول علیه السلام اولوب
غایت حظ ایدوب (ماعلی عثمان ماعل بعده) و دخی ایکی کره (ماضر عثمان ماعل بعد الیوم) و دخی (عفو الله
لک یا عثمان ما سرت و ما اعلنت و ما هو کان الی یوم القیامة ما یبالی ماعل بعدها) بیوردی جامع الصغیر
سویطیده مرویدر که رسول علیه السلام (لید خان بشفاعه عثمان سبعون الفا کلهم قد استوجبا النار
و یدخلون الجنة بغیر حساب) بیورمشدر مرویدر که حضرت عثمان کار علماء صحابه دن اولوب بعض مسائل
شرعیه ده حضرت عمر الیه شویه مباحنه ایدر دیکه انلری کورن چکشور لر صاوردی ابن سیرین ایدر
علم مسائل سجده اعلی صحابه عثمان باده ابن عرایدی مرویدر که جله امت سجدده همان دوت کسمه نمازده
بر کره عتده بتون قرآنی ختم ایتدیلر که صحابه دن حضرت عثمان و عیم داری تابمیدن سعید بن جبیر زمام
ابو حنیفه ایدیلر و حضرت عثمان کثرت تلاوتله ایکی مصحف شریف اسکیدوب الیه یا بشهدن اوراق
پاره نمشدی تا بایعیدن بری ایدر بر جمعه کوفی حضرت عثمانی کوردمکه متبرده او نوروب مؤذن اذان
ویر و کن خلقله سویلنوب خسته لر بی و نرخ احوالی و سایر احوال برین صورت پوزلاردی بری دخی
ایدر خدمتکار لری چوق ایکن هر کیجه نمازده قالد قد هیچ بریستی او یاندرمیوب آبدست ابریغی کندو
طولدر و بخدمتکار لریکزه امرایسه کره دید کارنده یوق کیجه انلر کدر راحت اولسونلر دیر ایدی مرویدر که
اشاعره مذکور اوانه حق و جله محاسره اولوب دوستلر سنک بری ایچور کورد که حضرت عثمان کند و حقه

دینک (اختیار) عند ربی عشر الی رابع اربعة فی الاسلام و انکحنی رسول الله صلی الله علیه وسلم ابنته ثم توفت فانکحنی ابنته الاخری ولا تغنی ولا تغنی ولا وضعت یمنی علی فرجی منذ بایعته رسول الله صلی الله علیه وسلم ولا مررت فی جمعة منذ اسلمت الا وانا اعتق به اربعة الا ان لا تكون عندی فاعطتها بعد ذلك ولا زینت فی جاهلیة ولا اسلام قط ولا سرق فی جاهلیة و اسلام و اقد سمعت القرآن علی عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم (فصل در کفایت بیعت باد) مرویدر که حضرت عردن اولند قدده اوج کونه دلک صحابه کرام خلافت امرنده مناوره ایدوب عاقبت سابقا عمر وصیت ایدوبکی الی کسسته نک بشی دبلد و کنی تعیین ایتمکی التینک بری اولان عبدالرحمن بن عوفه تقویض ایند کارنده صحابه حضورنده حضرت عثمان بیعت ایتمکین جمله سنی حسن و ذایل بیعت ایدوب هجرتک بکرمی اوچنی یلی بحر منک غره سنده ایدی (فصل در فتوحات وغیر) مرویدر که هجرتک بکرمی اوچنده عجمده ری شهر نک خلقی حضرت عر زمانده اولان صلی بوزمغین بصره حاکمی ابوموسی الاشعری واروب تکرار فتح ایدی اشبوسنده جمله خلقه عومابورن قنماقی عارض اولمغین سنة الرافد یو آدقونوب حضرت عثمان رف سیدله حجه کسکدن فالوب زبون اولوب وصیت دخی ایدی ینه اشبوسنده کفار روم الندن مسلمانلر وافر قلعه لفتح ایدوب حضرت عثمان کوفه حاکمی مغیره بن شعبه بی عزل ایدوب برینه سعد بن ابی وقاصی کوندردی بر ییلد نصره سعدی دخی عزل ایدوب کندونک لام برادری اولوب صحابه دن اولان ولید بن عقبه بن ابی المعیطی کوندروب لکن ولید شارب الخمر اولمغین اکثر ناس عثمانه عداوته بلند بلرم بور ولید اون ایکی یلک عسکر کوندروب اذربا بجانده بر دعه بی فتح ایدوب ینه اشبوسنده اسکندریه خلقی عصیان ایتمکین مصر حاکمی عمرو بن العاص تکرار فتح واهلی مقتول و اسیر ایدی بکرمی الی سنة سنده حضرت عثمان حرم مسجد رسولی و حرم کعبه بی توسیع ایچون هر بر یلک اطراف اندن بعض اولر صافون الوب قانیدی ینه بوسنده عجمده کرام اسلام عثمان بن ابی العاص عجمده شاپور شهرنی مسلمانلر هر ییلده اووز کره یوز یلک ایچ ویرمک اوزره صلح ایلد فتح ایدی بکرمی یدی سنة سنده شام حاکمی حضرت معاویه کسکدرله دریادن جزیره قبرسه واروب بعد القتل والسی جزیره اهلی مسلمانلر هر ییلده یدی یلک التون خراج ویرمک اوزره ینه صلح ایدوب بعد عثمان بن ابی العاص ایلد ابوموسی الاشعری عجمده اوچان خلقنی مسلمانلر هر ییلده بکرمی ایکی کره یوز یلک ایچ ویرمک دار ایچرد اهلی دخی اون کره یوز یلک ایچیه صلح ایدوب ینه اشبوسنده حضرت عثمان مصر حاکمی عمرو بن العاصی عزل ایدوب برینه کندونک رضاعدن برادری عبدالله بن ابی سرحی کوندروب وارد قدده بکرمی یلک عسکرله مغیره مغرایدوب قیروان شهرنه قریب طایمطله آدوشهرده یوز بکرمی یلک کافرله جنکه بشلا نوب پادشاهلری جرجیر بر آق قازره ینوب ایکی آتو جاریه ایلد جمله عسکر ینک آردنده خیلی منفصل طوروب اوزره ینه جاریه ل طاسوس قورقرندن قلمان کسکی یولک کولکه لک طوز لر دی صحابه دن ابن زبیر آئی کوروب اووز عددیر آرا تلوسچوب بومو به قویوب کندوب لکر جرجیرک اوزره ینه وارد قدده ابتدا آئی ایچی صانوب بعده بلد کده قاجوب ابن زبیر ینوب باشن کسوب جدایه دیکوب تکبیرله قالدرد قدده مسلمانلر کوروب تکبیرله کفاره هجوم ایند کارنده کیمنی قیروپ کیمنی قاجوب افریقیه شهرنی دخی آلوب اموال غنیت بعد اخراج الخس عسکر اسلامه تقسیم اولوب هر برینه بیکریا اوچریک فلوری ویرلای ینه اشبوسنده ده ولایت مغیره انداس شهرنی فتح اولندی هجرتک بکرمی طقوزنده سابقا بشکده اوغلا تحقیکن حضرت رسوله کتوریلوب تیما اغزیه نوکر دکاری عبدالله بن عامر بن کر بر آدو مردار شجاعتش عجمده اصطخر شهرنی عظیم جنکله جبرافخ ایدوب محاربه دالم حکما مکن فتح اولور سه زفا قلدن شهر قیوسنده دل قانری ایچیه خلقی قیره مرهار عین ایتمکین شهر لودن یجد کسسته قیروپ قانری اومزیه اولد قدده اوستنه صودوکوب ایدوب بعده اصطخر اطرافنده بعض شهر لردخی الدبلر ینه اشبوسنده حضرت عثمان مدینه ده مسجد رسولی تکرار بیودوب طولنی یوز التمش عرضی یوز الی ذراع ایدوب مقفی ساج اغاچندن و دیوارلرین منقش طاشله و مره در کالرله بایردی ینه بوسنده ابوموسی الاشعری بی بصره دن ابن ابی العاصی ولایت فارس دن عزل ایدوب بوا یکی حرمی مزبور ابن کریره و بر دی بوسنده اصفهان شهرنی تکرار فتح اولندی هجرتک اووزنده سعید بن العاص

آدو سرداری طایفه سانی محاسره ایلد الوب ابن کوربدخی عجمده جهور شهرنی و بعض شهرنی دخی و ملکوت فارسی الدفنه سابقدن جمیع عمالک عجم پادشاهی رزیدر قاجوب مسلمانلرانی بر مقداره قویوب بعده ابن کر برک عجمکری ولایت سنجب تانده زالی ایلد باش شهرلرین فتح ایدوب زرنج شهر نک خلقنی یلک جاریه و عمر بر یل برراتون طاس ویرمک اوزره صلح ایدوب بعده ابن کر بر ولایت خراسانده نیجه شهرلر فتح ایدوب هر اقله خلقی محاربه به قار شوکوب لکن جنکده صینوب بعده ابن کر بر تیشاوری صلحله یا جنکله الوب بعده بلوک کوندروب شهر طوسی و نواحی سنی صلحله الوب شهر سمرخس خلقله صلح ایدوب مرو شهر نک خلقی صلح ایچون خبر کوندرد کارنده هر ییل بکرمی ایکی کره یوز یلک ایچ ویرمک اوزره صلح اولوب بعده بیقی و بر قدده شهرلرین دخی الوب بعده ابن کر بر احنف بن قیس یلک نفر آتلواله کوندرد کده طخارسه تان و جوجرجان و قاریاب و جمله اول نواحی خلقی که کفار اولوب پادشاهلری یا سردارلری اسمی طوغان شاه ایدی مسلمانلرله عظیم جنک ایدوب لکن جمله سی صینوب بعده احنف بن شهرینه وارد قدده انک خلقی هر ییل دیرتوز یلک ایچ ویرمک اوزره صلح اولوب بعده خوارزم شهرنه واروب لکن اتی فتحه مجال اولمغین دونوب همان بر قاج ایچنده بکرمی ندر شهر رفخ اولمغین ابن کر بر شکر الله العزیز الوهاب یند یوردن حج شریفه کیدوب احنفی خراسان حاکم قود قدده اهل خراسان مسلمانلرله جنکی آسان صانوب مرو و ده جمیع اولوب احنف انلری صیوب قاجوب بعده ابن کر بر بصره ده طوروب خراسان و مرو و جبال ولایت ینه حاکم نصب ایدوب سابقا بخان عجم پادشاهی رزیدر جودی خراسانده بر دکره نیقی قتل ایدی هجرتک اووز اوچنده قسطنطینیه قریبده وقعه مضیق واقع اولوب شام حاکمی معاویه سردار مسلمانلری جزیره قبرسه تکرار غزا اولندی و دخی کفار عجمدن قارن نام کسسته هر ائده قرق یلک نفر عسکر جمیع ایدوب هجوم ایند کده عبدالله بن حازم درت یلک کسسته ایلد مقابل اولوب قارن کدر مقارن قتل اولوب کفره طاعنوب مسلمانلر مال کثیر و یجد اسیر آلوب ابن حازم غزاه لازم حکومت خراسانده باقی و داتم اولدی بصره حاکمی ابن ابی سرح دخی ولایت حبشه سفر ایدوب تانده بعض برلر فتح ایدی (فائده) کتاب الحیسه مذکور در که فتوحات کثیره سیدله اطراف عالمدن مدینه ده حضرت عثمانه یجد ولایت مال کوندرب الوب یا لکر خزان کسرا دن مسلمانلرک الدقاری یوز یلک بدره التون ایدیکه هر بدره نک وزنی درت یلک اوقیه ایدیکه هر اوقیه قرتدرهم اولمغین هر بدره یوز التش یلک درهم اولور (فصل در اولیات عثمان) ۱ تاریخ الخلفاء و غیره مذکور در که حضرت عثمان جمیع امت محمدیه اهل و عیالی ایلد هجرت ایدنلرک اولی در ۲ والده سی حیساننده خلیفه اولنلرک اولی در ۳ خطبه ده حصر اولنلرک اولیدر که خلافته بیعت اولند قدده منبر رسوله جیقوب بالو برنسته اوقومقدده حصر اولمغین (ایها الناس ان اول مرکب صعب وان بعد الیوم ایام اوان اعش تأتکم الخطبة علی وجهها و ما کنا خطباء و سیمعلن الله) دیدی ۴ زینتله مسجد بنا یلک بونک ایجادیدره تکبیر ایند کده آوازی بلند ایتمک اولیدر ۶ جمعه کوتله نمازدن مقدم شماره لده صلا ویردرمکی ۷ مؤذنه وظیفه ویرمکی ۸ بیرام نماز ینک خطبه سنی نمازدن تقدیم ایتمکی ۹ زکاة لازم اولنلر مال لردن زکاة ویرمکی هر کس ینک کندوبه تقویض ایتمکی ۱۰ صاحب شرطه یعنی برکسینه بی صوابی ایتمکی ۱۱ حضرت عمر اولدنی کی شرا عدادن احتراز مسجدده مقصوده بایدروب نمازی آنک ایچنده یا لکر طوروب قانی حضرت عثمان احداث ایتمکدر ۱۲ همان لغت قریش اوزره یدی عجمده صحت یازدروب برین مدینه ده یقویوب التیشی بر عظیم شهره کوندروب لغت قریبندن غیری لغات عرب ایلد اصلا و قسودن دو حکم و تنبیه ایندروب حتی سائر لغتله یازیلان مصحفی آتسه یا حق امر ایتمکین اول من جمع القرآن عثمان دیو مشهور اولندر حقیقتده اول جامع القرآن حضرت رسول علیه السلام را یکنی ابو بکر اوچنی عثمانلر که بو خصوصت قصصی باب احوال ابو بکرده کجشد و نظر اولنه ۱۳ اول من قطع القطایع درو یعنی ارض سوادید کاری ولایت عراقده بعض کسسته لره کوب بیجوب معمور ایتمکین و عین برلر تمیلک ایدوب اهل عیندن دخی بعض کسسته لره کفارله غزا ایچون دیار عراقده نوطن ایتمکی اختیار ایدوب ینده اولان انواع عقار لره عراقده بعض برلر استبدال ایدوب کند کارنده ینده کی عقارل بیت المال ایچون ضبط اولندی

۱۴ اول من حی الحی در یعنی مدینه نیک از استانی اولان بقیمه اطرافی زکاتدن بیت المال ایچون جمع اولان دوه ره مرعی اولغیچون قوریدوب وکندینک ملک صریحی اولان کیلری کندیکن اموال تجارتندن غیرنسه کتورمکدن قوریدوب منع ایتمندی اشوق قطع اراضی ایله حمایت اراضی و مرابک ابتدا عثمانن صادر اولدی ۱۵ ابتدا امت محمد ایچنده نزاع و اختلاف بونک زمانده ظاهر ایدوب خلق بر برلرین خطبه به باشلدی شول امور خصوصده که صحابه و غیره انک سبیل عثمانه انجنوب عتاب ایتملردی اندن اول مسائل شرعیده اختلاف اولغی واقع اولوب لیکن بر برلرین خطبه ایتملردی ۱۶ مدینه دهه ض منکرات قمنندن ابتدا ظهور ایدن نسه کبوتر بارلق ایدیکه کثرت فتوحات ایل مال چو عالمین نیجه کمنه لر کورکچن بسایوب اوچورمغه معتاد اولدقه حضرت عثمان خلافتک سکرنجی یلنده انری منعه آدمی تعیین ایتمکین چله کبوتر لرک قنادلرین کسوب کبوتر خانه لری یقردی ۱۷ اوائل سیوطیده مرویدر که امت محمدده اول ظهور ایدن ظلم تخ عن الطریق یعنی ماول بولدن دیک ایدیکه عثمان زماننده پیدا اولدی (فصل در متفرقات) مرویدر که حضرت عثمانک مهرینک نقشی (آمنت بالذی خلق فوسی) بروایتده (آمنت بالله مخلصا) ایدی حضرت رسولک کومش او منته محمد رسول الله قازمش خاتم شریقلری دخی نیجه زمان بونک یارمقنده طوروب هجرتک او تو زنجی یلنده قیویه دوشوب اراندقه بولغیوب علامت شرردن یومسلانر عثمانک اولوب عثمانه دخی انجنوب یار مرویدر که خلافتک اول یلنده عبدالرحمن بن عوفی عرفاتده خطبه حجی او قومغه کوندوب بعده هر یل کندوسی بالذات کیدوب شهید اولدی یعنی یلده محاصره اولغین ابن عباسی کوندوب خطبه بی اکا مبارک ایلدی مرویدر که زمان خلافتنده اکثر عالم فتح اولوب اموال غنایم و خراج و محصولات ممالک شرق و غرب مدینه به کاور اولغین مدینه شهری غایتده معمور و اکثر خلق اغنیاء اولوب حتی در دیور یل انجه به خرما باغچه لری و یوزر یل انجه به برار انار نور صائلور اولدی حضرت عثمان خود کندوسی اموال عظیمه صاحبی اولوب دفعه یل ملک قوله مالک اولدی حضرت ابوبکر و عمر و علی و اکثر صحابه فقر و عبادتی حضرت عثمان و نیجه صحابه غنا و عبادتی اختیار ایدوب ایکی طریق دخی شرعه توفیق اولغله محض لطف حق و صواب و وسیله تحصیل ثواب ایدوکی فی شکر و ارباب ایدر (ع) و الناس فیما یشقون مذاهب (فصل در اولاد عثمان) مرویدر که طقوز یا اون اوغللری یدی یاسکر قیزلری و ارایدیکه بونلور (عبدالله الاکبر) اولکی عثمانک خاتونی رقیه بنت رسول الله علیه السلام دن مکده وجوده کلوب حبشه هجرتده یله اولوب الی باشنده ایکن بحکمة الله تعالی مبارک کوزنی خروس دلده خسته اولوب وفات ایتدی (عبدالله الاصغر) عثمانک ایکنی خاتونی ام کلثوم بنت رسول الله علیه السلام دن اولادی اولمبوب حضرت رسولک حیاتده اوردخی وفات ایتمکین فاخته بنت غزوانی نکاح حلتوب اشبو عبدالله الاصغر آندن طرغشدر عثمانک اکبر و اشرف اولاد ایدر اولاد ونسلی قالمشدر مکده منساده وفات ایتدی (ابان) نابینه دن اولوب محاربه یوم جلد حضرت عائشه طرفنده اولوب ابتدا بومنهم اولدی ابرص و احول و اصم ایدی لکن فاضل کامل و زاهد و عامل اولغین عبدالمالک بن مروان خلیفه اولدقه بونی مدینه به حاکم ایدوب بعده ابان غایتده متلوج اولوب هجرتک یوزبش نده مدینه ده وفات ایتدی و افرنسل اولوب حالا اندلس شهرنده موجود در دیشلر (خاند) عثمان شهید اولدقه قانی طبعلا بن مصطف بونک اولاد یلک اللرنده طوروردی تاریخ مختصر جامعده مذکوردر که عثمان خلافتنده برکون برطور ایاوزلوب ایاغیل برنسنه آتدقه خالده طوقنوب اندن وفات ایتدی نسلی و ذریقی و ارایدی (عمر) والده سی عینه قبیله ازددن جنب قزیدر اشبو عمر و لک دخی نسلی و ارایدی (سعيد) معاویه خلیفه اولدقه بونی خراسانه حاکم ایدوب آنده ایکن قتل اولدی من بور مختصرده سر قندی فتح ایدوب آنده کوزی جیقوب بختل کمنه ایدی دیومذ کوردر (ولید) سعید ایله ایکنینک والده لری فاطمه بنت الولیددر (عبدالمالک) اوغلانچق ایکن وفات ایتدی والده سی ملیکه بنت عینه بن حصن القرازیدر (مغیره) والده سی ابوجهل قیزی اسمادر (مریم الکبری) عمروک والده سنددر تاریخ مختصرده مخررد که سعید بن العاص بونک کوچک همشیره سی عمروه فی نکاح حلتوب اول وفات ایتمکین اشبو مریمی نکاح حلتوب سعید وفات ایتد که عبدالرحمن بن حارث بن هشام

نکاح حلتوب آنک نکاح جنده وفات ایتدی (ام سعد) برادری سعید سابق الذکرک والده سنددر عبدالله آدو کمنه بونک خاتونی اولدی (عائشه) بونک بابامی حضرت عثمان حارث بن الحکم بن العاصه یوز یل انجه انجه ازله نکاح ایدوب بعده حارث وفات ایدوب حضرت ابن زبیرک خاتونی اولدی (ام ابان) بونی دخی بابامی بعد زمان خلیفه اولان مروان بن الحکم بن العاصه یوز یل انجه انجه ازله نکاح ایتمشدر (ام عمرو) والده سی ربه بنت شیبه بن ربه بن عبد شمس ایدی (مریم الصغری) والده سی نایله بنت فرافسه ایدی (ام السین) والده سی ام ولد جاریه ایدی (عمره) سعید بن العاصک خاتونی اولوب آنک نکاح جنده وفات ایتدی (فصل) حضرت عثمان خلافتنده وفات ایدن کاراخیار بونلور صحابه دن ابوسفیان بدر معاویه و ابوالدرداء قاضی شام و عشره مبشره دن عبدالرحمن بن عوف و حضرت عباس عم الرسول علیه السلام و ابن مسعود که اوصافی علماء صحابه ده نیجه محله مرارا یکمشددر و ابوذر الغفاری که اسلامه کتیرک بشیدیدر و عیسی بن ماریه یلندن که اباجار وینه صحابه ده اهل بدر دن اولان مقداد بن الاسود و ابوطحله الانصاری که شجاعتمده ضرب مثل ایدی و عباد بن الصامت قاضی قدس شریف و برادری اوس بن الصامت و حاطب بن ابی بلتع و سائر صحابه دن حارث بن نوفل و عبدالله بن حذافه و زید بن خارجه و لید بن ربه شاعر مشهور و سعید بن المسیب بدری مذهب و سعید بن عباس عم رسول الله علیه السلام و ابولبابه الانصاری و نعم بن مسعود و سائر ناسدن خطبته شاعر و ابو ذریب شاعر و صحابه دن و غیردن دخی نیجه کمنه لر (فصل در شهادت عثمان) (نظم) فایدرای ککول جهان فانی * بکامه یوم و ش بویرانی * خاقه تقدیری حواله ایدر * اکلامر کمنه سر سبجانی * کرم و مراد اراده بهانه اولور * مدت عمرک ارمه بابانی * اولدی ناکه شهید ذوالنورین * خاکه دوشدی اویر نورانی * کورن صاعقه ابرو باراندر * ایلین کول یوزنی ظلمانی * دستمال طوقوب یوزبش فلک * اکوب اغرا وورد خندان * و که مائده لاله نعمان * قانه غرق اولدی حضرت عثمان (نثر) معلوم اوله که امت محمد ابتدا ابر بن بلا و محنت و غنا و مصیبت بوقصه اولوب حتی طلب دی و اخذ انعامی ایچون اولان محاربه لده ایکی طرفدن طقسان یلک مسلمان مقتول اولوب نیجه بیکی صحابه دن ایدی بعده چاق اقراض دولت بی امیه ده دلظهور ایدن انواع قن و محن چله بوخصه و صحن ناشی و عالمه منتشر وفاتی اولغین اشبو قصه حیرت حصه کتب تواریخ و سیرده جایجا اختلاف اوزره انواع روایت ایل حکایت اولوب کمال اجالی بومنوال اوزره درک برکون رسول علیه السلام کمنه و زدنصره برقنه ظهور ایدر چکین خبر و برد کده (بقول فیما هذا) دیوب عثمانه اشارت ایدوب شهادت عثمانه بوندن غیر نیجه دفعه دخی تصریح و تبلیغ ایتملردی * پس سبب و کیفیت قتلنده مرویدر که الی یلده امور خلافتده حضرت عمر تمام تقلید ایدوب لیکن آنک کی صلابت اوزره اولمبوب حاتم النفس اولغین خصوص ازماننده اکثر ممالک شرق و غرب صلح و حربله فتح اولوب اطراف عالم دن اموال عظیمه کلوب خلقه و افراسا انرا ایدوب حتی بعضله نیجه یوز یل انجه باغشلا یوب الی یلده نصره کار ممالک اسلامییه حکومتلرین اشراف مشاهیر صحابه طوررکن غیر صحابه دن کند و اقرباسنه و ربوب و بعض اقرباسنه بیت المالدن مائز ناسدن زیاده مال و ور مکده بشلا یوب و دخی تفصیل محتاج اولوب لیکن شرعه مخالف اولسان بعض امور صدور ایتد که ترک اولی و نامناسب افعال ایدر یوردی خلق انجنوب اکثر قلوب اندن صیوب بعده هجرتک او تو زبش نده رضا دن برادری و مصر جاکی اولان عبدالله بن ابی سرحدن شکایتیلر کاد کده حضرت عثمان اکاعتاب آمیز خبر کوندوب شاکیلر مصره وارد قلدن عبدالله آنک برینی وفات اید نیجه دلده و ککین مصر دن التیور کمنه و سابقا کوفه خلقی حاکم ایلدی وجه شرعی چکشوب شکایت کد کارنده عثمان آنک بر قاضی حبس ایتمش اولغین حالا کوفه دن ایکیوز بصره دن یوزالی کمنه دخی عثمانی خلافتدن خلع و رفع ایتمک مدینه به کلوب جمعه کوفی متبرده عثمان انله خطابا (یا هو لا یعلم الله و اهل المدينه انکم ملعونون علی لسان محمد صلی الله علیه و سلم) دیوب محمد بن سلمه قلوب و انا انهم بدلان دبد کده جمع اولان اشقیاجله صحابه بی طاشلا یوب حتی عثمان منبرده غشی اولوب بعده ایتد کده الله اولان عصای شریف حضرت رسولی جمیع غفاری آدلو خبیث دیزی ایل ایکی باره ایدوب بر یلده نصره دیزنده شیر نیجه چیقاروب اندن هلال اولدی * مرویدر که اشبو غوغا کوفی

حضرت حسن و سعد بن ابی وقاص و زید بن ثابت و ابوهریره عثمان طرفندن اشقیایه جنگ ایدوب بعده
امر عثمان فراغت ایدوبلر بعده عثمان اوتوز کونه دلک مسجد شریفه اوقات صلواتده چصار اولوب بعده
ماه شوالک غرمسندن ایک آی مقداره دلک منوراشیه عثمانی سعادتخانه شده محاصره ایدوب بعده مصره
حاکم جدید کوندلرک اوزده مصالحه اولغین حضرت ابوبکرک اوغلی حمزوی حاکم دیکوب بونلرله کوندروب
اوچتی قوناقدن عثمانک مهر یله مهرلش مکتوبله کیدر بر اولاق طوقلوب مکتوبده * اذنا انالک محمد و فلان
و فلان فاحتل فی قتالهم و ابطال کابه و قز فی عملک حتی یأتیک رأی و اجس من یحیی * یتظلم منک لیا تیک
رأی فی ذلک ان شاء الله تعالی و دیو یازاغین محمد بونی کوروب یله اولان بعض صحابه مکتوبی مهرلدوب
برینه امانت و بروروب جله می دونوب مدینه به کوب کجار صحابه عثمانه بولوشوب مکتوبی کوستر کزنده
مهر بتم لکن خطدن اصلاحیم یوقدر دیو محکم عین ایدوب عم زاده می و دامادی و کتاب السمری اولان
مروانک خطی ایدوکی یلیکین خبرک یوغسه مروانی بزه ویردیکارنده اوزرینه سرعه برنسته نایت اولدین
ظلم اقتل اولنه دیو احتیاط و مر جتندن مروانی اله ویردیکده جله صحابه عثمانه انجوب محمد ایل اهل مصر
یا مروانی بزه ویریا سنک لسانکدن ترور ایدنه نک حقدن کلزایک البتہ خلافتدن فراغت ایدوب بودخی
رسول علیه السلام بکار کون یا عثمان (انه لعل الله ان یقیمه صلیصا فان ارادک علی خلعه فلا تخلعه)
یورمشدی دیوب فراغت رضایر مدیده کند و الله سعادتخانه سنده توابعندن التیوز کسینه محاصره
ایدوب طشره دن صوکه ورمکدن بالکلیه منع ایدکارنده مائرجه به دخی بعد الاضطراب لایکی مروانی
ویره دیو افعال ایدوب لکن بعض اشقیایه عثمانی قتل ایدو جک اولدیلر دیو ایشیدلر کده حضرت علی و نیجه
صحابه هر بری بر اوغلاری کوندروب عثمانه ضرر ایرما میچون قیوسنده طوروب محکم کوزده سز
دیو ایدوب یو چابده عثمانک ایچروده کی انبای و طشره دکی بعض احبابی عثمانه دیواری دلوب جیقوب
جله خانی اعوانک اولان مکه شهرنه یاد مشق شام شهرنه کیدوب انی دار الخلافه ایل یاخود آشکاره جیقوب
اشقیایه جنک رضایر دیکارنده امت محمدیه ایدراقچ ککن بن اوزم مکه به دخی کترم زرار رسول علیه
السلام (یلدر جل من قریش بکته یکرن عذابه نصف عذاب العالم) دیمدر اوکسینه بن اوزم شامه دخی
کیدوب دار هجرتی و حضرت ر و له بجو اورقنی ترک انجزم دیوب نیجه یوزملک قوی اولغین انزل بعضی
جنک عزم ایدکارنده فراغت ایدن آزاد اولس دیوب یکر مسن آزاد ایددی * محصل مدت محاصره اولان
اون کونده طشره دن ایچرویه او قرا تلوب برکسینه قتل اولوب مروان شقاوت عنوان مجروح اولوب
بعده طشره ده بکچیلر دن اولان حضرت حسنه و بعضله اوق طوقلوب قانلری آقدقه محاصره ایدن
اشقیایه حسن مجروح اولدینه مسلمانر غضب ایدلر دیو خورندن سابق الذکر اولان محمد ایل یکی باوج یادرت
اهل مکر و آشوب عثمان او تنک آردندن خفیه دیو ار آشوب ایچروده اولانلر جله می طشره دن هجوم ایدلری
دفع ایچون طام اوزرنده اولوب عثمان خاتونیلر یالکترجه اوتوزوب اوکیجه دوشنده حضرت رسولی کوروب
صبر ایل کله جک کیجه برمله افطار ایدرسن دیو یورمغین شهید اوله جفتی ییلوب کشف عورت اولسون
دیو طون کیوب بعده مصحف شریفی آجوب تلاوت قرآن ایدرکن منور محمدک اشارتیلر یولداشلر تنک
بریمی یوماز لیب بعده قاجوب عثمانک مبارک فاندن معصوده (فسمکفیکهم الله وهو السميع العليم) آیتی
اوسته برقطره طام لیب یو آیت کریمه بحکمة الله انک فانی انتهای آتیه جفته کویار من اولوب واقعا و سپیدن
ناخی اولان محاربه رده ایک طرفدن طهسان سیک کسینه مقتول اولوب محمد دخی بعد زمان معاویه طرفندن
طو تلوب آتیه یا فاشدر تنکیم اولاد او بکرده تفصیل اولمشدر * مرویدر که اهل مصر دن بری یالین قیلرله کیروب
عثمانک بعد الشهادت یورن کسکه یوریدکده خاتونی منعه چالشوب قوی یاره لتوب باش بارمقی کسلوب عاجزه
اولدقه رباح آدو قوراندن استمداد ایدکده رباح ذوقلاخ عثمانک قیلرله اول حر یف ضلالت الی بی توقف
و مطل قتل ایددی (لحرره) ظالمک ایدرکی قانزایانه * لابد اوغررنا کهانی جاته (نثر) مرویدر که
خبر هادت ایشیدلر کده حضرت علی و مائرجه به شاشوب مکر دیوب واروب کال حیرت دن هر بری نیچون
محافظله ده افعال ایدلر دیو کند و اوغلانه طایفه اوروب بعده جله صحابه تفصیل محتاج و جمله حضرت

علی بی خلیفه ایدوب بیعت ایدیلر (فصل در تاریخ وفات و مدت خلافت عمر و کیفیت دفن حضرت عثمان)
زمان شهادتی هجرتک اوتوز بشی ذی الحجه سنک سکر نجفی یا بدیجی یا اون ایکتی یا اون اوچتی یا اون سکر نجفی
یا بکر می التنی کونی جمعه یا چهارشنبه یا شنبه کونی بعده العصر اولوب مدت خلافتی تمام اون ایک ییلدن
برقاج کون اکسک ایددی مدت عمری دخی یشیش یا اکسکان یا سکسان بریا سکسان اوچ یا سکسان درت
یا سکسان الی یا سکسان سکر یا سکسان طوقوز یا طهسان یا طهسان بش لکن قول اصح اوزره سکسان ایک
ایدی کیفیت ذمتنده دخی اقوال مختلفه مفصله اولوب اصحی اوزره جمعه کونی شهید اولوب بیت کیجه می
قرا کولده همان درت یاش یا الی کسینه خفیه شهر دن جیقاروب حاضر قازانش برقیه یولدا قزنده نمازین
قیلوب عله ایلدق ایدوب بدولری اچسونلر دیو بلور سز ایشیدیلر بعض سلفدن مرویدر که دفن ایدلر اردلر دن
کلور برقراتی کوروب خوف ایدلر کزنده (لا روع علیکم ایتوا فانما یستألفنکم معکم) دیوندا کلوب ملائکه
ایدوکی معلوم اولدی دیمشدر

(باب رابع در احوال حضرت علی رضی الله عنه)

(نظم) باب شهر علوم ربانی * سوره واردات سبحانی * ماه دوران امیر صاحب جاه * شاه مردان علی ولی الله *
یار رابع اول منی ولی * مشکل دین لکله اولدی جلی * آدی کیی اولوب مبارک ذال * عادت ایدی
اکسکان و قال * انت منی اکابر تدر * انامک عجب اشارتدر * ایریشوب اکاچون عنایت رب *
ساقی کوثر اولدی استه هب * قدس الله سره الاعلی * کرم الله وجهه ایدا (فصل در نسب و حلیه و ابتدای
ایمان او) علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب که حضرت رسولک عم زاده سید رسول علیه السلام اوتوز یاشنده
ایکین وجوده کلوب والده می فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف که به نیک ایچنه زیارته کیدر کده بحکمة
الله علی آنده طومشدر دیو بروایت غیر نایته اولوب یو حالت ینه صحابه دن حکیم بن حزام ایلد علین غیر یلر
نصیب اولما مشدر دیمشدر حضرت رسوله ایدله نبوتلرنده خدیجه ایلد ورقه بن نوفل نصکره و ابو بکر دن اول
یا صکره اون باطوقوز یا سکر یا بدی یا اون اوچ یا اون بش یا اون الی یاشنده ایمان کتورمشدر او غلامحق
ایکین دخی یوندن اصلا عبادت اصنام صادر اولما مقین یاخود سابقا والده می اصنامه حیده ایتلر دیلر که
منع ایتلر ایچون قاری ایچنده حرکت ایدیکچون امی یا داولدقه کرم الله وجهه دینور دیمشدر * بدری
ابو طالب ایمانه کلیم لکن والده می فاطمه ایمانه کلوب مدینه به یله هجرت ایدوب مدینه ده وفات ایچندر
مرویدر که علی قاره یاغز بلندر کدن کولر یوزلویری و میاه کوزلور خوب و نورانی و ورنلور و نه یو یلوی صی
یاغز نورلور قاقصلو جسیم کسینه ایدی صفای صیق و اوزون و اموزلر ته دلک یا بلش صی اولوب بیر اولدقه
صفای و باشی صاحب پنبه مثال اغار مشدری (فصل در اسامی و اقباب و کنیه های او) مرویدر که بدری بیانده
ایکین طومغین والده می آدی سید و قویوب بدری کلدکده علی قودی خیر غزاستنده (انالذی حتی ای
حیدره) دیدیک برقصه به اشارتدر وافر کنیه لری اولوب بری ابو الحسن درکده اوغلی حسن طوعدقه قونوب
یونکله مشهور ایدی بری دخی ابوالریمحانین درکده حسین طوعدقه نصکره رسول علیه السلام قویوب (سلام
علیک یا ابالریمحانین فغن قلیل تذهب ریحائک و الله خلیفتی علیک) دیمشدری بری دخی ابوتراب ایدیکه
برکون خاتونی حضرت فاطمه به کوسوب بربرد میا تلوب او بودقه رسول علیه السلام کوروب اوسته وافر نور
قوة فین (اجاس یا اباتراب) دیدیلر محبت و ملاطفه به متعلق اولغین حضرت علی بوکنیتی غایت دور ایدی
کثرت اسما شرف مسما به دلالت ایچکین لقبی دخی جوق اولوب اسد الله و مرتضی و یضه البلد و امین و شریف
و هادی و مهتدی و عسوب الامه و کرار و ابو قصم عبارتلر دن هر بر یله ملقب ایدی و ذوالاذن
الواعیه دخی دیرلر ذریا (تعبها اذن واعیه) آیتی نزل ایدکده رسول علیه السلام (الهم اجعلها
اذن علی) دیمکین * علینک کندودن مرویدر که اورد عادت نصکره اصلا برنسته می او فوعدم (فصل در مناقب
حضرت علی رضی الله عنه و کرم الله وجهه) فضائلی بعد و شمائلی لا تعد اولوب حضرت رسولک ابن می
و دامادی و در دنجی یار و فامشادی و وصیدی و آخرت قزنداشی و محرم اسراری و مردانسی اولوب هر علم
و عاده کامل و مکمل ایدوکی ثبات و مدللدر (اولا) * حقدن آفات کثیره نزل ایدوب حتی ابن عباس (مازل)

فی احد من کتاب الله ما نزل فی علی (دیوب ودخی) (نزلت فی علی) (تلمیذ آیه) (دیوب و تفسیرده) (الذین یستحقون
اموالهم باللیل والنهار سیرا وعلانية ظلم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون) آیتند
ابن عباس من روید که بر کون حضرت علی همان درت آنچه به مالک ایکن لیل و نهارده مروجه سارده بر روی
تصدق آیت کده عند الله کلی ثواب حاصل اولمغین بآیت نازل اولدی * شبهه سارده بآیت ابوبکر حقند
بر غیری وجهله روایت و حکایت اولمشدر (ثانیاً) اوقات متفرقه ده نیجه احادیث شریفه وارد اولوب بعضی
بوندر که ۱ رسول علیه السلام بوکا خطابا (انت اخي فی الدنیا والاخره) دیوب ۲ بونک حقند (علی منی
وانامن علی) دیوب ۳ (من کنت مولاه فلی مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه) دیوب ۴ (النظر الی
علی عبادته) دیوب ۵ (من احب علیا فقد احبني ومن احبني فقد احب الله ومن ابغض علیا فقد ابغضني ومن
ابغضني فقد ابغض الله) دیوب ۶ (علی مع القرآن والقرآن مع علی لا یتفرقان حتی یردا علی الخوض) دیوب
۷ قاعه خیر فتح اولنه جتی کجه (اما والله لا عظمی الراه عذار جلا کرار غیر فرار یحب الله ورسوله و یحب الله
ورسوله یفتح الله علی یدیه) دیوب ۸ یرتبی رایه بی معنی سنجانی علی به و یردیله ۸ رسول علیه السلام غزوه تبوک
کیدر کن علی بی مدینه ده محافظه به قوبوب (اتخافنی فی النساء والصدیقان) دیوب محزون اولدنده (اما ترضی
ان تكون منی بمنزله هارون من موسی غیر انه لای بعدی) دیدیلر ۹ رسول علیه السلام بر کون (ان الله امرنی
بحب اربعة واخبرنی انه یحبهم) دیوب آنکر کیم در دیوب و در کون (علی منهم) دیوب صکره (ابوذر والمقداد
وسلمان) دیدیلر ۱۰ بر کون حضرت علی کند و می کند و حقند دیمشدر که (والذی فلق الحبة وبرأ النسمة
انه لعهد النبی الی الی انه لا یحبني الا مؤمن ولا یغضی الا منافق) دیدی ۱۱ یتنه حضرت علیدن مرویدر که
رسول علیه السلام بنی بنه قاضی ایدوب کوئدوب یار رسول الله کنج یا شلوم قضا احوال بلزم دیدیکمه
مبارک الیه کوکمه اوروب (اللهم اهد قلبه وثبت امامه) دیمکن الله جیحون بود عادنصرکه هیچ بر عواده
شبهه ایتر اولدم دیدی ۱۲ رسول علیه السلام (الصدیقون ثلاثة حبیب بن مزی الخیار مؤمن آک یاسین
الذی قال یقوم اتبعوا المرسلین وحز قیل مؤمن آل فرعون الذی قال اتقتلون رجلا ان یقول ربی الله وعلی بن
ابی طالب الثالث وهو افضلهم) دیدی ۱۳ رسول علیه السلام (انامدینة العلم وعلی باهما) دیدی * تاریخ
الخلافة سیوطی بوجیدت نه حاکم دیدیکی کبی صحیح درونه ابن الجوزی ونووی دیدکاری کبی موضوع در بلکه
جیدت حسندر دیمشدر (فصل در فوائده متفرقه) که حضرت علی به متعلقه در (فائده) حضرت
علی حقند صحابه و غیر بارک مدح و ثناری بیدر اولوب بعضی بودر که حضرت عمر اقضانا علی دیوب ودخی
بر مشکل حال واقع اولدجه (نمود بانه من معضله لیس لها ابوالحسن) دیدی حتی قضیه ولا باحسن
اهما مثل مشهور در و حضرت ابن عباس (اذا حدثنا ثقة عن علی الفیما لا نعدوها) دیوب ودخی سعید
ابن المذنب علیدن غیری صحابه دن هیچ بر سی سلوق دیزدی دیدی یعنی بکار نه صورر سکز صورک جواب
و یردم دیمشدر و دخی حضرت عائشه یا تنده حضرت علی باد اولدنده (امانه اعلم من بقی بالنسبة) دیوب ودخی
امام احمد بن حنبل (ما ورد لاحد من اصحاب رسول الله علیه السلام من الفضائل ما ورد لعلی رضی الله عنه)
دیدی (فائده در علم و کمال او) باب صحابه ده فصل طبقات علماء صحابه ده حضرت علینک فضائل علیه سی
احوالی منه لایازلشدر کانظر اولوب بعده معلوم اوله که ابوبکر و عمر و عثمان نصرکه علم وافضل جیح صحابه
اولوب علوم ظاهره نیک نیجه مسائل و احکامی * علوم باطنه نک خود جله سی بوندن اخذ اولوب حتی کند و دن
مرویدر که رسول علیه السلام بکا علیدن یتک باب او کردوب بعده بکا ابوبکر هر بزندن بیکر باب فتح اولدی
* ودخی مرویدر که یالکر بجله شریفه نک اسرارین اظهارا یتک دیلم نیجه قطار طواروکی کابل یازدم
فواجح مسکبه ده جفر جامعه آدور کاب تألیف ایدوب جیح علوم حریفه و امر اعدیه و دقایق و حقایق اندن
متفرع اولوب اکثر امور ماضیه و آتییه بی آنده دخی درج و رموز و اشاراتله صنعتلر خرج ایتشدر لکن آنک
اسرارنی کما یتنبی فهم ایتک اولادندن بطنه مدبطن بررکسته به خصوص ایدی دیوب مذکور در (فائده
در انواع کالات او) مرویدر که علی ولی من تاض یالک قاب و بی اغراض و جواهر و اعراض دنیای مراخذن
غایت اعراض ایدوب کمال زهد و قناعت و دائم عبادت و طاعات اوزره اولوب کثرت صلواتن دیر زنده

نا-ورانی بتشدی و می و همی نهایت بتشدی ذکا و سرعت جوابده و قوت حفظ و حل مشکلات
هر باید نوادر عالمدن و عظما * حکما * بنی آدمدن اولوب جلالت سائلده صحابه به محتاج الیه و معول
علیه ایدی فصاحت و بلاغتده و شجاعت و سخاوتده خود فائق الاقران و مشار بالبنان اولمغین مشهور مال
اولوب ضرب مثل اولوودی غایده خنده روی و کرخوی عالی همت صاحب سخاوت حلیم سلیم و اهل
عفو و قابل عذر و هفوسجباب الدعاء مستطاب العطا ایدی * غزوه تبوکدن غیری جمیع غزواتده حضور
سید کائناتده مردانه میدانه کیروب کفار بخارک کار زارده کارلرین زار و جانلرندن بیزار ایدی کی خصوصاً
فتح قلعه خیبرده کوسر دینکی شجاعت و کرامت بی حد و غایتدر * محصل ذات ملک صفاتده اولان خصال
حمیده و فعال پسندیده سنی با تمام شرح و اعلام بر کاب مسئله محتاج ایدوکی معلوم ذوی الافهامدر (ع)
مثله رعارفه تکی الاشاره (فوائد) مرویدر که ابن عباس ایدر (کانت لعلی ثانی عشره متقیه ما کانت لاحد
من هذه الامة) ام سلمه ایدر (کان رسول الله صلی الله علیه وسلم اذا غضب لم یجتز احد ان یکلمه الا علی) ودخی
علینک کند و مستدن مرویدر که (ما رمدت ولا صدعت منذ مسح رسول الله صلی الله علیه وسلم وجهی و تفل
فی عینی يوم خیبر حین اعطانی الراية) حضرت رسول علیه السلام مرویدر که علی به خطابا (انک تقابل علی
القرآن کما قاتلت علی تنزیه) دیوب خوارج و فرق باغیه الیه مقاتله ایدوب حق انک الله اوله جعته اشارتدر
* یتنه اکا خطابا (اشقی الناس رجلاً ن با علی اندری من اشقی الاولین) دیوب بودخی (الله ورسوله اعلم) دیدیکمه
(عابر الناقه) دیوب صکره (اندری من اشقی الاخرین) دیوب بودخی (الله اعلم ورسوله) دیدیکمه بر روایتده
(فانک) دیوب بر روایتده (اشقی الاخرین الذی یضربک علی هذه) دیوب کند و مبارک باشلرین کوسر توب
(فیبل منها هذه) دیوب مبارک صفالربنی کوسر توب حضرت علینک باشی یا یلوب صفالنه فان روان اولغله
شهید اوله جعته اشارت ایتدیلر یتنه علیدن مرویدر که (دعانی رسول الله صلی الله علیه وسلم فقال ان فیک مثلاً
من عیسی ابغضته اليهود حتی یمتوا امه واجتهه النصارى حتى انزلوه بالمنزل الذی ایس به الا وانه یملک فی
اثبات محب مفرط یقرظنی بالیس فی و یبغض یحبه شتانی علی ان یمتونی) دیدی * مرویدر که مهر یتک تقشی
(نعم القادر الله) یاخود (الملک الله الواحد القهار) ایدی حضرت رسولدن روایت ایتدیکی حدیثلر دن بشیر
سکسان التیسی کتب احادیثه مذکور در دیمشدر * فواجح مسکبه ده قرآن عظیمی ابتدا خط کوفی الیه یازن
و صحابه دن حضرت خضری کورن علیدر دیوب مذکور در (فوائد در ایجاد علم نحو) شاگردی
و اوغلری خواجه سی ابوالابود الدوایدن مرویدر که بر کون حضرت علی بی رضی الله عنه باشن اشاعه
ایدوب فکر ایدر کوروب سینی سوال ایلدیکمه (انی سمعت فی بلدکم هذا الخافردت ان امته کتبا فی اصول
الحریة) دیوب بتدخی (ان فقلت هذا احییتنا وبقیت هذه اللغة) دیوب اوج کون نصرکه وارد یغمده
(بسم الله الرحمن الرحیم الکلام کله اسم و فعل وحرف فالاسم ما بان عن المسمی والفعل ما بان عن حركة المسمی
والحرف ما بان عن معنی اسم یا هم ولا فعل) دیوب یازنش بر کاغذی الیه وروب (تبعه وزد فیه ما وقع لک واعلم
یا ابی الامود ان الاشیاء ثلاثة ظاهرو مضمرو وثی لیس بظاهر ولا مضمور وانما تتفاضل العلماء فی معرفة ما لیس
بظاهر ولا مضمور) دیوب بعده امر شربی اوزره بعض نشله جمع ایدوب جناب شریفنه عرض ایدم جله دن
حروف نصب یله اولوب * ان * ولیت * ولعل * وکان حرفلرینی یازوب تشدید نوله لک کت حرفنی
یازره دیمده نیجون فی ترک ایلدیکم دیوب بتدخی آتی حروف نصیدن ظن ایتدم دیدیکمه (بل هی منها فزدها فها)
دیدی (فائده) کتب معتبره ده حضرت علینک دقایق علوم و اسرار و صوفیه متعلق بحد کلمات عالیات
حکمت سانی یازنش اولوب اشبوکاب فوائده مشحونه اندن نمونه درج ایتمکچون طلبا لا اختصارا یکی کلام
شرربی ذکر نه اقتصار اولندی ۱ مرویدر که بر جودی می کان ربنا دیوب و رفته (لم یکن مکان هو کان
ولا کینونه کان بلا کیف کان ایس له قبل ولا غایه انقطعت الغایات دونه فهو غایه کل غایه) دیوب جواب
و یرمکن برودی ایمانه مهتدی اولدی ۲ برکسته دخی اخبرنی عن القدر و قضا و قدر دن صورده ده
(طریق ظلم لا تسک) دیوب تکرار صورده ده (بحر عمیق لا تجله) دیوب تکرار صورده ده (سرخی علینک
فلا تقش) دیوب تکرار صورده ده (ایها السائل ان الله خلقک لما شاء اولما شاء) دیوب اودخی بل لما شاء

ديك كده (فست ملك كاشاه) ديوب صاحب فهم صافي به جواب كافي وشافي ايدي (ع) اهل اذعانه غير خافيد
(ع) درخانه اكر كس است يك حرف بس است (فائده) حضرت علي بن ابي طالب صدمه ديكه مشهور اولان
يوزعدد كلام شرف انما من قرق عدد باعث المدي جامع مهمات نصايح والمغنين بوجده دكر اولنق
ذكر اولن ديكه بونارد ١ ايمان المره يعرف بايمانه ٢ اخولن من واماك بنسب لامن واسال بنسب ٣ ادب المره
خير من ذممه ٤ بع الدنيا بالآخره ترجيح ٥ باكر تسعد ٦ بطن المره عدوه ٧ تقال بالخير تله ٨ تكامل المره
في الصلوة من ضعف الايمان ٩ ثلاثه هلكات عجب وبخل وهوى ١٠ جد بما تجدد ١١ جمال المره في الحلم
١٢ جليس السوء شيطان ١٣ جولة الباطل ساعة وجولة الحق الى الساعة ١٤ خف الله تامن غيره ١٥
خالق نفسك تسرح ١٦ خالطوا الناس بالنسك واجسادكم وزايلوهم باعمالكم وتلوكم فان المره
ما اكتسب وهو يوم القياسه مع من احب ١٧ دينار الشهيح حجر ١٨ زوايا الدنيا مشحونه بالزوايا ١٩ سوء
الخلق وحسنه لا خلاص منها ٢٠ سيرة المؤمن تنبي عن سيرته ٢١ سكوت اللسان ملامه الانسان ٢٢
شمة من المعرفة خير من كثير من العمل ٢٣ شرط الالفه ترك الكفاة ٢٤ شر الناس من بقيه الناس ٢٥
ضمن الله رزق كل احد ٢٦ ضرب الحبيب اوجع ٢٧ ضرب اللسان اشد من طعن السنان ٢٨ ظلمه الظلم
نظم الايمان ٢٩ ظل الاوج اوج ٣٠ علو الهيم من الايمان ٣١ عدو عاقل خير من صديق جاهل ٣٢
علي قدر الكاسا مدرج ليك ٣٣ عذاب القبر من الخيمة ٣٤ عقيب كل ليلة يوم ٣٥ من كثر كلامه كثر ملامه
٣٦ نيل المني في الغشا ٣٧ وضع الاحسان في غير موضعه ظلم ٣٨ وحدة المره خير من جليس السوء ٣٩
هموم المره بقدر همومه ٤٠ يطالبك الرزق كما تطالبه (فائده) اكرجه حضرت علي بن ابي طالب (انا الذي سمعني ابي
حيدر) ديدوكي رجزدن غيري شعر ديدوكي حقيقته ثابت دكادر ديكه كمن مستقل شرح يازلمش ديوان
علي اولو بر كآب اطيقده مرتب ومهذب بعيد قصائد ورباعيات ومفردات حكمت سمات لري ذكر اولنغين
ايچلرندن بعض اشعار فصاح لاجل الاتصاح نقل اولنغدي (نظم) الهى انت ذو فضل ومن *
وانى ذو خطايا فاعف عني * وظنى فيك يارب جيل * فحق يا الهى حسن ظنى (ديكر) ايا من ليس لي
منه مجبر * به قولن من عذابك استجير * انا عبد المقترب كل ذنب * وانت السيد الصمد الفوق * فان عذبتني
فالتذنب منى * وان تغفر فانت به جدير (ديكر) اذا جادت الدنيا عليك فخذ بها * على الناس طارا
انما تغلب * فلا الجود يغنيها اذا هي اقبلت * ولا الجلب يغنيها اذا هي تذهب (ديكر) انما الدنيا
فناء ليس للدنيا ثبوت * انما الدنيا كبيت نهجته انكسرت * واقد يكفك فيها ايها الجاهل قوت *
وله مرى عن قريب كل من فنى يموت (ديكر) انى وجدت وفي الايام تجربة * لاصبر عاقبة محمودة الاثر *
وقل من جد في امر يطالبه * فاستصحب الصبر الاقارب انظر (ديكر) اتم الناس اعرفهم بقصه *
واقهرهم اثمونه وحرصه * وذل النقص ما استغنى عنه * فكم مستجلب عيبا القصة (ديكر) اصبر على
الدهر لا تنضب على احد * فلا ترى غمر ما في الاوج مخطوط * ولا تقين يدار لا انتفاع بها * والارض
واسعة والرزق مبسوط (ديكر) دع ذكرهن فمالهن وفاء * ربح الصبا وعهودهن سواء * يكسرن
قلبك ثم لا يجبرنه * وتلوهم من الدوا خلاه (ديكر) دع الحرص على الدنيا وفي العيش فلا تطمع *
ولا تجمع من المال فلا تدري لمن تجمع * ولا تدري افي ارضك ام في غيرها تصرع * فان الرزق مقسوم
وكذا المره لا يقع * فقير كل من يطمع غنى كل من يقع (ديكر) فلو كانت الدنيا تال بقطنة * وفضل
وعقل نات اعلى المطالب * ولكننا الارزاق حظ وقصة * وفضل ملوك لا يجيله طالب (ديكر) قس
الغدا بالامس كى تسرح * ولا تسعين سعي رعاها * فلا غرحن لا وزارها * ولا تنسجن لا وصالها *
سل الدور تغبر واضمح بها * بان لا يقاء لارباها (ديكر) كيفية المره ليس المره يدركها * فكيف كيفية
الجبار في القدم * هو الذي انشا الاشياء مبتدعا * فكيف يدركه مستحدث النسم (ديكر) كم من ادب فطن
عالم * يستكمل العقل مقل عديم * ومن جهول مكثر ماله * ذلك تقدير العزيز العليم (ديكر) ايس البلية
في ايمان عجا * بل السلامة فيها العجب العجب * ليس اليتم الذي قدمات والده * بل اليتم قيم العلم والحسب *
(ديكر) ما اكثر الناس لابل ما اقلهم * والله يعلم انى لم اقل فتدا * انى لا فتح عني حين افتحها * على كثير

واكن لا اري احدا (ديكر) ما لا يكون فلا يكون بجيلة * ابدا وما هو كثر سيكون * سيكون ما هو كثر
في وقته * واخواله الهالة متعب محزون * يسى القوي فلا ينال به عيه * حظا ويحظى عاجز ومهين *
(ديكر) لا تامن الموت في لحظ ولا نفس * ولو تمنت بالجاب والحرص * واعلم بان مهم الموت نافذة *
اسكل مدرع مناومترس * ما بال ديك ترضى ان تدنسه * وثوب دنيا لمغسول من الدنس * ترجو النجاة
ولم تسلك مسالكها * ان السفينة لا تجرى على اليابس (فصل در كيفيت بيعت بعلى كرم الله وجهه)
مر ويدوك حضرت عثمان شهيد اولاده حضرت علي واروب كوروب غايت محزون اولوب اوكون يار تسي
يا اوج ياش كون صكره اكر صحابه بوكا بيعت ايتك ديلد كارنده اهل بدر كيه بيعت ايدر لر سه خليفه
اودرد يمين اهل يدرك خيانتده اولن لري جله كاب سندن احق يوقدر ديد كارنده هجرتك اوتوز بشي
ذي الجبهه سلك اون طوقه وزني كوتنده جله سيله مسجد شريفه واروب منبره جيتوب ابتدا طلحه وزبير بعده
سائر صحابه بيعت ايدوب كيار صحابه دن سهد بن ابي وقاص وسهد بن زيد وابن عمر وحسان بن ثابت وابو سعيد
الخدري وصهيب الرومي وزيد بن ثابت واسامة بن زيد ومغيرة بن شعبه وعبد الله بن سلام وكعب بن مالك
ومسلمة بن محمد ومحمد بن مسلمة ونعمان بن بشير وفضالة بن عبيد وكعب بن عجرة وقدامة بن مظعون بيعت
ايتد يلمر بس حضرت علي مرواني واتباعني طلب ايتد كده قاجوب كيزانديلر بعده ولايت عمن خلقي وبصره نك
خلقي طور دقلري يردن بيعت بعني خلافتني قبول واطاعت ايدوب جميع بلاد شام خلقي كرمي يلدن
برو عرو عثمان طرفلرندن نيابة حاكمرى اولان معاويه بيعت ايتديلر (فصل در وقعة جمل) (اولا) كتب
كلامه مذ كوردر كه صحابه نك هر برينه محبت وتعظيم وحسن ظن ايتك وطعنندن ولعنندن وفي الجمله بغض
وعداوتندن وسو ظنندن احتراز ايتك احاديث صحيحه دلايليه واجيد در تنكيم باب احوال صحابه ده تفصيل
اولنغدر (ثانيا) صحابه ارا سنده واقع اولان محاريات ومنازعات خصوصنده بعضلر ينة محبة بعضلر ينة
سو ظنندن احتراز دخي بوجه جازم واجب ولا زمر زيرا آتدره اولان نزاع وقتال اهل دنيا كبي محبت جاه
ومال ايچون اوليوب هر بري عالم كامل ومجتمه مستقل اولغين كند واجتهاد واعتقادى اوزره با مجر د اظهار
حق يانفع است محمده سعي محقق ايچون ايدوب سائر مجتهدلر كبي مصيب اولنلر ايكيشر ثواب مخطي اولنلر
مجر د تفصيل رضاي خدا به عه لري ايرشدوكي قدر سهد قصور ايتامكين بر رثواب حاصل اولنق مقرر در
فرضان اعلى مجر د محبت دنيا ايچون اولد سده الله بوب كنه اهلر بنى الله تبارك وتعالى رضوى حرمتنه
عقوبايده جكنه جامع الصغير يومايده (تكون لا صحابي زلة يغفرها الله تعالى لهم لسابقتهم معي) حديثي
دلايت وشهادت ايدوب * پس معلوم اوله كه محاربة ونه يوم جلده قواربجده اولان تفصيل عظيم اجمالى
بودر كه عشره مبشره دن طلحه وزبير ما بقا حضرت علي به بيعت ايدوب بعده بوى قتل عثمان مانع اوليوب
سبب اولدى صاعفين يفتلرندن بر قاج كون صكره مكبه واروب انده حضرت عائشه بي عثمانك فان طلبنه
تحريلك ايدوب عثمانك ولايت عندن كلش ايكى حاكى مال وعسكر وبروب جله در نيوزدوه لودر نيوزدخي
آتلر وقاير لوايله جيقوب بعده جله اوج ييك كسسه ايل بصره واروب آتلك حاكى بونلرله محكم جلك ايتد كده
حاكم طو توب عثمانك قتل ايدنلر وقتله معاونت ايدنلر كين قتل اولنوب كين بعد العقوبات قوروير يلوب
اهل بصره طلحه وزبيره بيعت ايدوب مدينه ده حضرت علي ايتد كده خلافتك در دخي آيتده صحابه وغير يدن
درت ييك ياخودهمان طقوز يوز كنه ايله جيقوب طوغر وكوفه به واروب خاقندن معاونت ديلد كده
اون ييك كسسه او يوب واروب اركيه ناحق بيره فان دوكلسون جلك ايتام دو خبر كوندروب منعه مجال
اولد قده ايرتدى كون كه هجرتك اوتوزالتى جادى الاخره منك اون برنجيه سى نخيس كوفى ايدى حضرت
علي حضرت رسول صلى الله عليه وسلمك دلل ادلوات قاتر ينة يذوب ايكى عه كرجنكه بشلا قده ابتدا
سدرت طلحه بي ينة كندو طرفلرندن اولان مروان خبيث كيزلو عدوتنه بناء اوله اوروب شهيد ايدوب
بعده حضرت زبير قاجوب اوج كسسه آتلك اردنه دوشوب بروايدنه يا توب او يوركن ياخود غار قيار كن
بعده ده شهيد ايدوب مكره كده ايكى طرفندن محكم جلك اولاده حضرت عائشه نك محبة سنى كوتورنلر ده في
بركسسه مكر ايدوب دوشد كده عسكرى صينوب محصل ايكى طرفندن جله اون ييك يا اون اوج ييك كسسه

با یکدیگر می بیند مقداری یا عاقبت طرقتدن سکر یک یا اون بدی یک حضرت علی طرقتدن همان یک مقداری
 کشته مقتول اولدی بعد حضرت علی بصره ده اون بش کون او توروب اول انشاده عاتشه بی زوجه حضرت
 رسول علیه السلام و ام المؤمنین در انواع رعایتله مکیه کونندروب کندوسی کوفه به کنندی (فصل
 در وقعه محاربه صفین) کین وزنی اوزره فرات ابرمعی کارنده بربرک اسیدر بوتة صلیک دخی کال اجاتی بودرکه
 حضرت عثمان شهید اولده قده فائلو کوماسکی دمشق شامه ایلدیلوب مشیرا و متقه قونوب یکری ییلدن برونیابه
 انده سا کم اولوب عثمانک اوزا قدن نوعا خصمی معاویه انک قانی اتقان طلبه خاکی تخریک ایتمکین التیش
 یک کشته جمع اولوب اول انشاده وقعه جل ظهورا تیش اولغین حضرت علی کوفه دن معاویه به اهل شامله
 یکایهت ایدن و نایوخته جنگ ایدرم دیو ایلی کونندروب اودخی جنگی اختیار اید کده حضرت علی
 ایچلرندن تیش نقری اهل یدردن ید یوزی اهل یعت رضواندن در تیوزی سائر مهاجرین وانصاردن
 اولان طقسان یک یا تیش یک عسکر ایله هجرتک او تورا تیشی شوالیک بشتی کوفی صفینه کیدوب معاویه
 ایشند کده یوزیکری یک یا همان سگسان بش یک یا تیش یک عسکر ایله علیدن مقدم واروب فراته قونوب
 عسکر حضرت علی کلوب صومز ره قونوب بعده صوبه الم چکمکین هجوم ایدن کزنده عسکر معاویه اور کوب
 وافر کشته لری غرق اولوب صوکارنه عسکر حضرت علی صومز ره عسکر معاویه قونوب بعده حضرت علی
 معاویه به مسلمانلر کانلری دو کلمه مکچون کندویه یعت ایدر مکمه متصل خبر کونندروب معاویه راضی
 اولد قده محرم آخره دله صلحه اتفاق اولوب محرم اوخرنده حضرت علی معاویه به (غزلک غزلک نصار قصار
 ذلک ذلک فاحش فاحش فعلک فعلک شیدی بهذا) دیو یازوب کونندروب اودخی اکا (غلی قدری علی قدری
 دیو جواب کونندروب عسادی مقرر اولد قده ماه صفر غره سنده چهارشنبه کوفی ایکی عسکر صفیة لایوب
 طقوز کونه دله هر کون جنگ اولوب اول انشاده حضرت علی طرقتده قده ماه عظماء صحابه دن عمار بن یاسر
 شهید اولد قده سابقا کاحضرت رسول علیه السلام (یا عمار یثقل الذمة الساعية) دیکین عسکر معاویه نیک
 برقرقه می باغی و طاعی برایشن دیو جنگدن فراغت ایدوب اونتی جمعه کجه می تا صبحه دله متصل
 محکم جنگ اولوب حتی حضرت علی شجاعت نشانه مردانه میدانه کیروب کندو الیه در تیوز کشته قتل
 ایدوب محصل منزل صیفینده ایکی عسکر جله یوزاون کون او توروب طقسان کره جنگ اولوب اوج کوننده
 حرب ممتد و ضرب مشند اولوب حضرت علی طرقتدن یک کرمی بش یک معاویه طرقتدن قرق بش یک
 یا سگسان بش یک کشته قتل اولوب معاویه بو حاله مضطرب اولد قده صحابه دن وزیر عرو بن العاص
 تعلیمله کندو عسکرلرندن بشیوز کسه به بر مصحف و یروب آچوب اللزنده طوبوب مسلمانلر ایکی طرفدن
 نیجه به دله قیریلورز مزوز کتد کده نصره کفارله کیم جنگ ایفسون کلوز ایکی طرفدن برکشته بی حکم
 نصب ایدم یعنی ماینیزی فصل ایتمک حاکم تعیین ایدم لم که قرآن عظیمه ارازمده حکم ایدوب ایکسی نه
 فکره اتفاق ایدر لسه جله مرا کاراشی اولوب مصالحه ایدم دیو نداز ایدوب بعده معاویه طرفدن مزوز
 عرو بن العاص حضرت علی طرقتدن ابوموسی الاشعری تعیین اولوب اشبوایکی حکم کله جنگ ییل مدینه
 و شام و کوفه به اوزر و نای برده دومة الجندل نام مکانه جمع اولوب بر فکر صحیحه اتفاقله حکم ایتمک
 عهد لشوب و مضمونه صلحنامه یازیلوب حضرت علی عسکرله کوفه به معاویه دخی عسکرله شامه کیدوب
 او تورا سکر شعیبانه محل موعوده عمرو ایله ابوموسی الاشعری طرفیندن در دیوز اشراف ناسله جمع اولوب
 معاویه یله کلوب لکن حضرت علی کلیوب مزوز عمرو غاینده بخشد اولوب تدبیری مقابله سنده معاویه اکا
 سابقا متصرف اولد یعنی جله ولایت مصر یک کتی وعده ایتمکین ابوموسی به جله ایتمکچون مشیر ابتدا سن
 بعده بن حنیف بن علی بی بن معاویه بی خلافتدن خلع ایدوب بعده جله مسلمانلر اتفاقله کبی دیر لسه
 او خلیفه اولوب امت محمد اراشدن نزاع بالکلمه کفسون دیوب ابوموسی غاینده صافی درون و نازل فکر و مکر
 دنیای دون اولغین یا نوب مشیر حنیفوب (ایما الناس اننا نظرنا فی امر هذه الامة فلم نراصلح لامرها ولا لم
 لسنهنا من امر اجتماع رأی و رأی عمرو علیه وهوان یخلع کل مناصحیه و یجعل امر المسلمان الیم بولون علیهم
 من احبوا وانی خدمت علیا فاستقبلوا امرکم و ولوا من شتم) دیوب مشیردن اینوب بعده عمرو حنیفوب (قد قال

ابوموسی ما جمعتم من خلع صاحبه وانی خاتمته کا خاتمته وایت معاویه کایت حیل سیتی هذانی عنی فانه
 ولی عثمان و الطالب یدمه و احق الناس بمقامه) دیوب اید کده ابوموسی عمرو لرنک کدو و ککنه انجنوب
 مالک لا وقتک الله غدرت دیوب غایت عارندن مکیه کیدوب بویه حیل اولغین عسکر حضرت علی و معاویه
 تکرار نزاعه دوشوب معاویه شامه کیدوب اهل شام اکایهت ایدوب حضرت علی اعصی و بطاع
 معاویه دیوب کال الم و غم مدغم ایله کوفه به واروب امور خلافتنه ضعف کلوب معاویه قوت و شوکت بولوب
 حضرت علی بوقصه دن ایکی ییل صکره کوفه ده شهید اولدی شکیم عن قریب کاور (فائده) هر ویدرکه
 بلاد متفرقه ده عشره مبشره دن سعد بن ابی وقاص ایله سعید بن زید و سایر صحابه نیک اشرافندن زید بن ثابت
 ابوموسی الاشعری اسامة بن زید صهیب الرومی ابوالدیر السلی محمد بن مسلمه و دخی نیجه صحابه (من اختار
 العزلة فالعزلة) مفهوم نیجه عزای اختیار ایدوب (اذا کان غزوا لکفار فانتلنا فاما قتل اهل الفتنة والبقی
 فلا تقاتل اهل القبلة) دیوب وقعه جل ایله وقعه صفین محاربه لرنه اصلا فار شدیلر (فصل ظهور و خوارج)
 اشی و تفصیلک دخی اجاتی بودرکه سابقا ذکر اولسان تحکم خصوصی واقع اولد قده عسکر حضرت علیدن
 بغداد قمر شده ثروان خلقی اولان اون یک مقداری اشقیاق ایدم (ان الحکم الا لله) یورلغین حاکم الله در سن
 نیچون انسان حکم نه راضی اولد دیو حضرت علی به انجنوب بعده حضرت علی به و معاویه به و جله صحابه به
 و نوابه لرنه شاشا کافر لر در دیو اعتقاد باطل ایدوب شرو ج ایدن کزنده خوارج دیو اید قونوب حضرت
 رسول علیه السلام (الخوارج کلاب النار) یورمغین حضرت علی بونله نصیحت ایچون ابن عباسی
 کوندر کده نصفتدن زیاده می بویه و انصافه کلوب باقیرلی عناد ایدوب نهروانه واروب آند بولار کوب
 مسلمانلری قیرمه باشد قزنده حضرت علی بونله واروب جنگ اولد قده غلبه ایدوب درت یک خارجی
 قیروب ایچلرندن همان بدی کشته قورنلور یسلرندن ذوالخو بصره و اشعث بن قیس و غیره قتل اولندیلر
 هر روز زمانه یه طائفة خوارج جو غالوب بعض اعتقادده اشرا کده نصره هر بری بعض معتقل اعتقاد
 باطل اوزره بدی فرقه اولدیلر تکیم کتب علم کلامده احوالری بیان اولغشدر (فصل در رابطه ظاهر و فرق
 ضاله در امت محمد) هر ویدرکه حضرت رسول علیه السلام حضرت علی به خطابا) ان فیک مثلامن عیسی
 ابغضته الی و دخی بهتوا امه و احبته النصاری حتی از لوه بال منزل الذی یس به) دید کاری و دخی (یک لک فیک
 انسان محب عال و مبغض قال) دید کاری ظاهر و ایدوب اولابغض و عداوت ایدن خوارج طائفه می بعده
 شرعه مخالف محبت زانده بی فائده مضرت عانده ایدن شیهه شیهه دن سبایه و دخی غلاة دید کاری بر طائفه
 پیدا اولوب اشبو غلاة عتاة علیم لعنة رب السکائنات حاشا و کلا علی ایچون الله در دیو اعتقاد باطل ایدوب
 رئیس لری عبدالله بن سبا علی به (انت الاله حقا) دیو خطاب اید کده اولغین بی دینی مداین شهر نه سور کون
 ایدوب بعده بوزعم باطلده اولنلرک بعضار بی آتیه یاقوب بعده اول طائفه ناخاتفه ضلالت عاکفه یکری فرقه
 غیره و تلقه اولوب جله شک اعتقاد لری باطل ایکن بعض مسائل باطله لرنده نزاع ایدوب بری لرلر کفار ایدر
 اولوب بعدهم قدریه و معتزله و روافض و مرجیه و جبریه و مشیم طائفه لری ظهور ایدوب محصل تدویر جله
 تیش ایکی فرقه باطله پیدا اولدی شکیم کتب کلامده تفصیل اولغشدر (عصمنا الله الملك المتعال من الزیغ
 و الضلال فی الاقوال و الافعال بحرمة محمد صلی الله علیه وسلم بالغدروالا صال) (فصل در اولاد حضرت علی)
 بونلرک عددنده اختلاف اولوب اون درت یا اون الی یا اون ایکی ارکان اون مکر یا اون طقوز یا اون الی یا اون
 بدی قزایدیلر دیوب اشعری بودر (حسن) خلیفه اولغین احوالی عن قریب بشقه باید مذ کرا و نور (حسن)
 برادر ی مناسبته لرنک آخرنده بشقه باید مذ کرا و نور (حسن) اشبو اوج برادر لک والد لری حضرت فاطمه
 یات حضرت محمد صلی الله علیه وسلم حسن ایچون کاب خنیده کوچک ایکن وفات ایددی دینوب
 ایکن کاب معارج النبوه ده سقط یعنی دوشوک واقع اولغین حضرت فاطمه نیک مرض موته سبب اولوب
 محسن دخی باشم مدی دیومذ کوردر (محمد الا کبر) بو کاحمد ابن الحنفیه دیر لر زرا فاطمه حیاته ده حضرت
 علی غیری خاتون المیوب جاریه دخی طو عیوب فاطمه وفات اید کده ابو بکر خلافتنده امیر اولان بی
 حنیفه قبیله سندن الد بی منکوحه دن یا جاره به دن اولوب بو خصوصه حضرت رسول صلی الله علیه وسلم

امر و اشارت اختیار می نماید و در و شجاع و سختی و فصیح کشته اولوب و قهقهه جلده باباسنک علمداری ایدی
 حجاج ظالم مکيه عسکر چکوب کلد کده ابن زبیر طرقتن حجاجله چکده محمد صینوب مکيه اوج قوناق ارض
 طانقه کیدوب هجرتن کسان برنده وفات ایدی (عباس) اکبر و قهقهه کربلا ده برادری حضرت حسین
 علمداری اولوب اندن مقدمه شهید اولدی (عثمان) بودخی کربلا ده شهید اولدی (جعفر) بودخی اندر دندر
 (عبدالله) بودخی اندر دندر اشبورت برادر لک والده لری ام البنین آدلو بر خاوند (محمد الاوسط) بودخی
 شهید اولدی کربلا ده والدیه سی ام ولد جاریه در (یحیی) کوچک ایکن وفات ایدی (عون) یحیی ایله والده لری
 اجماع بنت عمید که حضرت علینک برادری جعفر طیارک خاوقی اولوب اول شهید اولده حضرت ابو بکره
 نکاح لوب اودخی وفات اید کده حضرت علی به نکاح حلت شدی (عمر الاکبر) والده سی مرتدا اولان بنی زلمیه
 قبیله سی اسیر زندن صافون الفس جاریه ایدی (محمد الاوسط) والده سی امامه بنت ابی العاص بن الربیع
 ایدی (عبدالله) انتقام حضرت حسین بهانه سبیله خروج ایدن مختار سققی مصعب بن الزبیر ایله ایتدیکی
 محاربه ده عیددی قتل ایدی (ابو جعفر) بوا یکی برادر لک والده لری بنی تمشلیدن لیلی بنت خالد بن معوذ در
 (زینب الکبری) والده سی حضرت فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و سلمدر عبدالله بن جعفر عیسی علی
 شهید اولده قهقهه قیزی زینب ایله خاوقی ایلا یی نکاح لوب ایکسی زمان واحدده نکاح ده جمع اولوب زینبیدن
 علی و عون یاعلی و عون و عباس و ام کلثوم یاعلی و ام کلثوم و رقیه آدلو اولادی اولوب بعده زینب عبدالله
 نکاح ده وفات ایدی زینب اولاد نکاح لوب چو غالوب هر برینه شریف زینبی دیر لردی نسکیم باب اولاد
 حضرت رسولده فاطمه احوالک آخرنده تفصیل اوانشدر (ام کلثوم الکبری) بودخی فاطمه دن اولوب
 حضرت رسولک وفاتندن مقدمه طوعشدر هجرتن اوندی بیستده عمر خلیفه ایکن بونی نکاح حلت شدی
 علیدن ایتدی بودخی التي یدی باشندده در دیکده مرادم غرض نفس دکل بلکه رسول علیه السلام (کل حبیب
 ونسب منقطع يوم القيامة الا سبي ونسبی) دیکین دیر مکده حضرت رسولله ماینزده سبب ونسب اولده دیکده
 تفصیل به محتاج وجهله فرق بیک اجمعه هرله نکاح اولوب بعده اندن زید آدلو اوغلی رقیه آدلو قیزی اولوب
 عمر شهید اولده جعفر طیارک اوغلی عون یا محمد نکاح لوب آندن اولادی اولوب اودخی وفات اید کده
 آنک برادری محمد یا عون نکاح لوب اندن قیزی اولوب اودخی وفات اید کده برادری عبدالله بن جعفر آوب
 اندن اولادی اولوب آنک نکاح ده عمر دن اوغلی زید ایله بر کونده بر ساعته وفات اید بر بر و ایتده عبدالله
 دخی ام کلثوم دن مقدمه وفات ایدی (رقیه) عمر الاکبرک والده مستندر (ام الحسن) جعده بن هبیره
 الحز و مینک خاوقی اولدی (رمله الکبری) بوا یکی همشیره لک والده لری ام سعید بنت عروه بن مسعود الثقفیدر
 (ام هانی) عیسی اوغلی عبدالرحمن بن عقیلک خاوقیدر (میونه) عیسی اوغلی عبدالله الاکبر ابن عقیلک
 خاوقیدر (زینب الصغری) عیسی اوغلی محمد بن عقیلک خاوقیدر (رمله الصغری) حالی نامه لومدر (ام کلثوم
 الصغری) عیسی اوغلی عبدالله الاوسط بن عقیلک خاوقیدر (فاطمه) بنی الحارثندن سعید بن الاسودک
 خاوقیدر (ام اکرام) حالی نامه لومدر (ام سلمه) حالی نامه لومدر (ام جعفر) حالی نامه لومدر (جانه) حالی
 نامه لومدر (امامه) افراسندن صلت بن نوفل بن الحارث بن عبدالمطلبک خاوقیدر بعض کتیده امامه برینه
 نقیه ذکر اولمشدر (نقیسه) اشبواون ایکی عدد قیز لک هر بری بر ام ولد جاریه دن ایدی زیر حضرت علی
 فاطمه وفاتندن صکره بر قاج مشکوچه واون طقوز اوده اقی جاریه المش ایدی بعض کتیده اسمی نامه لومدر
 بر قیزی دخی ذکر اولوب تمامجه سوزو یازدن اول کوچک ایکن وفات ایدی دیمشدر (فنده) معلوم
 اوله که علینک اول و ذری بنی حسن و حسین و محمد بن الحنفیه و عباس و عمر دن منتشر اولوب سائر اولادینک
 نسلی منقرض اولدی بعض کتیده مذکور در که حضرت علینک کده و حیاتده ذکر و وراثتندن اون طقوز
 اولادی وفات ایدوب اون اوج اولادی دخی موکده قالب وارث اولوب التي نفری کربلا ده شهید اولدی
 (فصل) حضرت علینک زمان خلافتده وفات ایدن اثرا ذک عظمه استندن اولو قهقهه جلده طلمه وزیر
 وایکی طرفدن نیجه صحابه و نیجه سی سائر مسلمانان و ثانیاً وقعه مدینه علی طرفندن اهل بدر دن عمار
 ابی اسیر و سائر صحابه دن ذواله مادیین خرجه بن ثابت و نیجه لردی و سید التابین ابویس القرنی شهید اولدی

وایکی طرفدن دخی سائر مسلمانان نیجه بیک کشته مقتول اولدی و مدت خلافت علیده بلاد منقرضه
 فراشونده وفات ایدن صحابه ک عظمای حذیفه بن الیمان ایدی و سلمان فارسی که ابوبکر و زبیر و ابی بکر و ابی
 زیاد و یثام شدی و مهیب روی و خباب بن الارت و عقیل الداری و ابورافع بنده حضرت رسول علیه السلام
 (فصل در کیفیت شهادت حضرت علی کرم الله وجهه) هر ویدر که نه طریقه شهید اوله جفی ساجا اعلام
 حضرت رسول ایله معلومی اولمقین خوارچدن اولان عبدالرحمن بن ملجم لعین بر کون کلد کده (امامه فاطمی)
 یعنی بنی قتل اید کده بود دیوب امدی فیجوت شدی حقدن کلز بر دید کزنده قتادن اول تصاص
 اوانز دیوب بعده ابن ملجم به خوارچدن برک بن عبدالله و عمرو بن بکر ایله مکده جمع اولوب ابن ملجم علی بی برک
 معاویه بی عمرو دخی مصر یکی عمرو بن العاصی قتل ایتکه عهد لوب برک شامه وارد قده معاویه بی قبله
 چالوب قهقهه راست کلمکین هلاک ایتدیوب لکن اولاد که جک طماوی کسوب مجروح اولده بر لوط لوب
 الن ایاض قیروب بهد زمان قتل ایتدی بر عمرو دخی مصره واروب عمرو بن العاصی مسجد بولنده کوزند وکی
 کون بحکمه الله یورکی آغر بغین امامته صوباشیسی خارجی کوندروب عمروانی مصر یکی صانوب قبله
 شهید ایدوب ابن ملجم عامه الاهن الا تم قلین زهر ایلوب شیبب خارجی ایله هجرتن قرقنی سنه سنک رمضانده
 قول اکثر اوزره اون یذخی کون اولان جمعه کجه سی صباح نمازندن اول قرا کولنده حضرت علینک اوی
 قیوستده بکایوب عادت اوزره ارکندن صباح اذانی او قند قده حضرت علی قالدوب اوغلی حضرت حسن
 بو کجه حضرت رسولی دوشنده کوروب یار رسول الله امتک المرنندن عظیم بلا لربکم دیدم انله بد دعا ایله
 دید کارنده (الله ابدلنی بهم خیرا لی منهم و ابدلهم فی شرا لهم منی) دیدم دیوب مسجد کتک ایچون طشره
 کید رکن اوده بیلد کازی برقاج قازل فارشوکوب چاغر شوب حضرت علی بوندن تطیر ایدوب (هذه
 ما یجیة تتبعها نایجة) یعنی بو چاغر بچیلرک عقینده ماتم ایچون عورتلر اغلاشسه لکر کدر دیوب قویه وارد قده
 چالشوب هزار زحمله آچوب حصار کن ازار شری قویه ایلشوب او کجه مؤذنی کند و وارد نجه اوغلی
 حسن ایل طشره چاقوب حضرت عمره تقلید الله نوره طوبوب (ایم الناس الصلوة الصلوة) دیوانکله خلقی
 اویاندر مق صد دنده ایکن ابن ملجم ایل شیبب بعض ثننه سولشوب معالج صالوب چالوب شیبب قلی قبوتک
 یوقار و منه طوقوب ابن ملجمک قلی حضرت علینک الله طوقوب دماغنه دیک قفاسن یارد قده (فزت
 ورب الکعبة) یعنی کعبه تک ربیسی الله حقیقون شهادته فازرو اصل اولدم دیوب بعده (لا یتکم الرجل
 یا خود (لا یتکم الکعب) یعنی قاجر میوب طو ناسز دید کده فی الحال شیبب قاجوب قوریلوب علی بی
 سعائنه سنه قودیلر ابن لهجه غیره بن الحارث بن نوفل بن عبدالمطلب احرام اوب طوبوب یره چالوب
 قلین چکوب اوب کندی باغلا یوب حضرت علی به ایلند کارنده (احبسوه واطیبوا طعماهم و البسوا افراسه
 فان اعش فاناولی دمی عفوا ارضاصا وان مت فالحقوه فی اخصمه عند رب العالمین) دیوب بعده اولاد
 و اتباعنه نصیحتلر و وصیتلر دیوب قول اکثر اوزره احد کجه سی کریمه لرنک بر پسی اغلر کن (امکتی فلوترین
 ما لری لما یکت) دیوب کوردیک کزنده دید کارنده (هذه الملائكة وفود النبیون و محمد صلی الله علیه و سلم
 یقول یاعلی ابشر فانصبر الیه خیر مما انت فییه) دیوب وصیتلر بی تمام ایت کده (اقرأ علیکم السلام ورحمة الله
 وبرکاته) دیوب (بعده لا اله الا الله) دیوب فی الحال وفات اید کده اوغلاری حسن و حسین و برادر زاده سی
 عبدالله بن جعفر یوبوب و مینی اوزره حضرت رسولک غنی زماننده حتو طندن ارتان مسکی حتو ایدوب
 نمازین حضرت حسن قیلوب خفیة وقت محرده کوفه ده قول اکثر اوزره دارا لاماره ده دفن اولوب خوارچ
 خوفندن قبری بلور بر ایدوب بعضلر قولنجه بعده مدینه به ایلند ایچون خفیة چصار یوب دویه
 یو کلد یوب دویه قاجوب بی نام و نشان اولدی بعضلر قولنجه او قان دو مطا قه عربدن بنی طی قبیله سنه واروب
 آنده دفن اولندی دیوب بعضلر چاق ایتدن کوفه به متصل ارض نجفده مدفون دیوب بعضلر مدینه به
 ایلد یوب آنده خاوقی حضرت فاطمه یاننده دفن اولندی دیدیلر (فصل در متفرقات) قول اصح اوزره
 عمری التمش اوج بعض اقواله التمش بش یا التمش یدی یا التمش سکر یا التمش سکر یا التمش یدی یا التمش
 و مدت خلافتی درت یل و طقوز آری و سکر یا یدی آری و التمش یا سکر یا اوج یا اون درت کون یا بش یل و التمش آری

یا اللّٰهی یل ایدی * مریدر که جله خلق ابن ملجم ملعون یا فقی ایچون کبریتله حصیر کتور و رب زنداندن
 جی قار یلوب الاری و یا فانی کسلوب کوزلرینه قیزمش دمور میل چکلوب دلی دخی چقاریلوب کسلوب
 برصدوقله آنسه اتوب باقدیلر و مریدر که وفات حضرت علی به شاگردی و اوغلری خواجه سی ابوالاسود
 الدولی و ایاتی مرثیه دیمشکه (نظم) الایاعین و یحکامه دینا * الانبکی امیر المؤمنینا * وقول الخوارج
 حیث کانوا * فلا قرت عیون الشامتینا * فی شهر الصیام بختمه ونا * بخیر الناس طرا اجمینا * قتلتم خیر
 من ركب المطایا * وذلها * و من ركب السفینا * وکل متاقب الخیرات فیه * وحب رسول رب العالمینا *
 وکانبل مقتله بخیر * نری مولی رسول الله فینا * یمیم الحق لا یرتاب فیه * وبعده فی العدی والاقرینا * ولیس
 بکاتم عالمیه * ولم یخاف من المتخیرینا * کان الناس اذ قد دوا علیا * اهام حار فی بلاد منینا * فلا تسمت
 معاویه بن صخر * فان بقیه الخلفاء فینا *

(باب خامس در احوال حسن بن علی رضی الله عنهما)

(نظم) بن نجبه مدح ایدم حسن ابیله حسینی کیم * ایکی هماد رضی الله عنهما (فصل در ولادت و نسبه
 و حلیه) سبط معظم سید معظم ریحان مشهور سلطان مسعود ذوالقدر الجلی حسن بن امام علی که والده
 ماجده سیده سی حضرت فاطمه سعادتمند در مریدر که قول اصح اوزره هجرتک اوجینی یلنده
 رمضانک نصند مدینه ده وجوده کادکده رسول علیه السلام واروب اوغلو بیکا کوسرتک دیوب مبارک
 اللرینه آلوب صاغ قولاغنه اذان مولنه اقامت وروب آدی نه قودیکز دیوب بابا سی علی حرب قودق دیدکده
 (بل هو حسن) دیوب حسن قویوب بریلد نصکره حسین بعده محسن طوغد قدغه دخی بویه موروب بابا سی علی
 حرب قودق دیدکده رسول علیه السلام آتی تغییر ایدوب (انما حیتهم بولده هارون شبر و شبر و مشبر) دیوب
 یوریدیلر * مریدر که هارون یغیرک یولک اوغلیک آدی تشدید حرف باله شبر یعنی معنای حسن دیمک
 اولوب هارون موسانک برادر ی اولدینی ککی علی دخی حضرت رسولک عم زاده سی و آخرت قرنداشی
 اولغین وحی الهی ابی یولک اوغلیک سی حسن قویوب اوزمانه کالجبه طائفه عربده بواسم هجیرکسنه به
 قوغش دکلدی * مریدر که خوبروی و منبل موی و ملک خوی اولوب کوسندن باشه دلک حضرت رسول
 علیه السلامه شکل و صورتده و هر عضوده غایتده بکره یوب سائر ناسده چاق بویه بکرکسنه یوغیدی مبارک
 صفاتی اغارمغه باشاره ده بعض نسمه ابیله اکثر برینی یوباردی تفسیر کشفده (و احال عقده من لسانی)
 آیدمه مذکوردر که حسنک دخی موسی یغیرکبی دیلنده لکنت اولوب حضرت رسول علیه السلام عبسی
 موسادن میراث دکلدی دیوب و مرشد (نحرره) خوب دیدی شاعر روی نژاد * ایدمه خدا جتنی مستزاد *
 لکنی واریده صقین بی وقوف * آریلر طوطی لودیلدن حروف (فصل) فضیلتی حقنده اولان احادیثک
 بعضی بوندردر که ۱ کوچک ایکن برکون رسول علیه السلام بونی اموزلرینه الوب (اللهم انی احبه فاجبه)
 دیوب ۲ برکه دخی دیرلرینه الوب (من احبنی فلیحبه و لیبلغ الشاهد الغائب) دیوب ۳ برکه دخی دیرلرینه آلوب
 حسن کوچک اولغین یارمقلری حضرت رسولک مبارک صفالری نه صوقوب اوینا یوب آلدی غایت
 محبتدن مبارک دیلرین حسنک اغزشه صوقوب (اللهم انی احبه فاجبه) دیدی ۴ برکه دخی مجر دمحبه انکله
 بر مقدار اونیامق ایچون مبارک دیلرین چقاروب اودخی غایت کوچک اولغین دیلرینک حترق کوروب
 طوغقه هجوم ایدردی ۵ دخی نماز قیلد قلزنده سجده ایدرکن حسن کوچک اولغین مبارک ارقه لرینه
 یشدیکه کمال محبتدن ایدر میوب کندودن اینجیه دلک طغزلردی رکوع ایتد کارنده یانلرینه کاهه او بر جابه
 یکسون دیوب مبارک ایاقرین آیرلردی ۶ برکه آتی مبارک اموزلرنده کونوررکن برکسنه حسن خطایانم
 مرکب رکت یا غلام دیوب رسول علیه السلام دخی (وتم الراکب هو) دیدیلر ۷ برکون دخی آتی منبره یله
 چقاروب (ان ابی هذا سید و اهل الله ان یصلح به بین قتلین من المسلمین) دیوب معاویه ابیله اوله جق مصالحه لرینه
 اشارت ایتدیلر و برادر لیه ابیکسی حقنده مشترک وارد اولان حدیثک دخی بعضی بوندردر که رسول علیه
 السلام (الحسن و الحسین سیدا شایب اهل الجنة) دیوب و دخی (هماریجاتی من الدنیا) دیوب و ابیکسی دخی
 برریدرلرند او نوردرکن (هذان ابنا ابی انام انی احبهم ما فاجهم ما احب من یحبهم) دیوب و دخی ای

اهل یتک احب الیک دیو و ولد قدغه (الحسن و الحسین) یوریدیلر (فصل در اوصاف و اخلاق او) مریدر که
 حضرت حسن جنت مسکن غایت سلیم و حلیم و سخی و کریم و ادیب و قور و حور و صبور و زاهد و صالح
 و عابد و مفلح و عالم و عامل و عاقل و کامل فصیح سیرج الجواب ملیح بدیع الخطاب جمیع اوصاف حمیده بی جامع
 و وجود شریفی امت محمد نافع بر ذات ملائک صفات ابدی باب سخاده حاتم طیدن زیاده اولوب برکه سینه به
 یوزیک الجفه احسانه جزئی نسمه بی به انه ایدوب استغاضه خدا جل و علا یله ایکی کره جمیع مالن اوج کره دخی
 جمیع مالک نصن اهل استحقاقه تصدق و انفاقا یتشدی وافر طوارری و ارایکن مجر دتحصیل اجر جزیل
 ایچون مدینه دن مکه به یکر می بش کره علی خلاف العاده حج شریفه پیاده کتشد رغایت حلیم و یالک زبان
 اولوب کلمات خش و غضبیدن بر حرفی متکلم اولوب مدت عمرنده آندن برکسنه اصلا متالم اولما تشدی
 غایتده متوکل و اهل عرفان و یقین اولغین ابوذر (القراب الی من الغنا و السقم احب الی من الصحه) دیر
 دید کارنده (رحم الله ابناذرا اما انا فاقول من اتکل علی حسن اختیار الله له لم یکن ان یتکون فی غیر الحاله الی
 اختار الله) دیوب جواب بر حکمت و صواب و بر دی * فوایح مسکیده امت محمد ایچنده ابتدا قطب اولان
 حسن بن علی در دیوب و الحاصل حضرت سید البشرک بو سمره متبرعالی کهر یتک اوصاف صاف شرف
 انصافی بی حد و شمار اولغین ذکر اولسانه انتصار اولندی (نظم) چوککفی که فرزند خیر الانام *
 همه مدحها گفته شد و السلام (فصل در احوال خلافت و فراغت) مریدر که پدری حضرت علی شهید
 اولد قدغه کامطیع اولان اهل عراق دن قرق یکدن زیاده کسنه یو کایست ایدوب الی آیه دلک کوفه و بصره
 و دیار عراق و خراسانه و مکه و مدینه و ولایت حجاز و یمنه پدری ککی خلافتله حکومت ایدوب بمالک
 اسلامیه نلک آلدن ماعداسن معاویه ضبط ایدوب بری برلرینه سرفروا یتوب بعده معاویه بونکله جنکه
 عسکر ابیله بودخی عسکر ابیله حقیقوب ارض شواد عراقده بغداده قریب انبار نام علیه یقین مسکن آلدی برده
 جمیع اولوب مقنانه مقرر اولد قدغه مفلک دما دن احتساب و رضاه خدا اولغین قتال وجدالی ترک ایدوب خلافتی
 مکافراغت ایدیم شو شرطله که اهل عراق و حرمیندن بر فردی پدرمه و بکامه او تریچون انجته میوب و سئل
 وفاتکد نصکره خلافتی بکاتعمین و وصیت ایدوب و بیت المالدن بورچلم اودیوب و سنوی وظیفه تعیین
 ایدمه سن دیوب معاویه به خبر کوندرروب اودخی جله شرطری قبول ایتمکین قدس شریفده هجرتک قرق بری
 ربیع الاولنده یاربیع الاخرنده یا جسادى الاولی سنده معاویه ابیله صلح اولوب حسن حقنده حضرت رسولک
 (ان ابی هذا سید و اهل الله ان یصلح به بین قتلین من المسلمین) دید کار یتک عینی واقع اولدی بعده کوفه یه اول
 حضرت حسن بعده معاویه واروب اهل کوفه معاویه به بیعت ایدوب جله امت محمد معاویه به بیعت
 و رضای بر مکن یوسنه به عام الجماعه دیوب آد قدیلر (فانده) مؤرخین دیمشدر که به حکمه الله خلفا
 و نلامیندن التبی کسنه لرا کتر یا خلق و عزل اولانه کلوب بعضی التخیلرده واقع اولوب بعضی لدره الی
 ارا سنده دخی واقع اولمشدر مثلا حضرت رسول علیه السلام و ابوبکر و عمر و عثمان و علی و نصکره حسن بعده
 معاویه و یزید و مروان و عبد الملک و نصکره ابن زبیر بعده و ابی و سلیمان و عمر بن عبداله زبیر و یزید
 و هشام و نصکره و ابیله خلق اولوب بعده بنی امیه نلک آخری اولان اوج کسنه نلک سلطنتلری خلال بولوب برلرینه
 خلفاء عباسیه کلدکده ابتدای اولان سقا و منصور و مهدی و هادی و رشید و نصکره امین * بعده مأمون
 و معتصم و باقر و متوکل و منتصر و نصکره مستعین بعده معتز و مهتدی و معتضد و مکتفی دن صکره معتز
 بعده قاهر و راضی و متقی و مستنکی و مطیع دن صکره طایع * بعده قادر و قائم و مقتدی و مستظهر
 و مسترشد و نصکره راشد و خلق اولوب * بعده مکتفی و مستنجد و مستنضی و ناصر و ظاهر و نصکره مقتدر
 مادس ایکن خلق اولغینوب * بعده مستنصم بالله خلیفه اولوب هلا کوشته سنده شید اولد قدغه بغدادده
 خاقان عباسیه منقرض اولدی سائر ملوکده دخی یوقلانده بعض التخیلر خا خا الخش بعضا و التیامش
 بولندی (فصل در احوال زمان فراغ) مریدر که کوفه ده معاویه حضرت حسن در یوزیک الجفه وروب
 بعده حضرت حسن مدینه به کیدوب وفات ایدنجیه دلک سکر طوقوزیل آتده مجاور اولوب معاویه بو کایله
 یوزیک الجفه وظیفه تعیین ایدوب اتفاق بر ییلده وظیفه کلیم اکلندکده خرجله هضایه به یکمکین آتی

طلب ایچون مکتوب یازمق دیلوب ینه فراغت ایند کده او کجه واقعه سنده حضرت رسولی کوروب (کیف انت یا حسن) دیوب بودخی (بخیر یا انت) دیوب وظیفه کلدی کنی شکایت ایدوب رسول علیه السلام (ادعوت بدواة لکتب الی مخلوقه ثلاث تذکره ذلک) دیوب بودخی (نعم یا رسول الله کیف اصنع) دید کده (قل اللهم اغفر لی فی قلبی رجلاً واقطع رجائی عن من سواک حتی لا ارجو احداً غیرک اللهم وما ضعت عنه قوتی وقصر عنه عملی ولم تنه الیه رغبتی ولم تبلغه مسألتی ولم یجر علی لسائی مما اعطیت به احداً من الاولین والآخرین من المیقین تخصنی به یا رب العالمین) دیوب بودخی برهفته مقداری بود عایه مشغول اولد کده شامدن معاویه اون بش کده یوز بیلک آخه خرجلقی کوندروب حضرت حسن قبول دعا سنه سوینوب (الحمد لله الذی لا ینسی من ذکره ولا یخیب من دعاه) دیوب حضرت رسولی تکرار کوروب (یا حسن کیف انت) دیوب حالنی سوروب بودخی (بخیر یا رسول الله) دیوب مال عظیم کلدی کنی مفصلاً خبر ویرد کده (یا بنی هکذا من رجالتا لای ولم یرج المخلوق) دیوب بودخی مریدر که هجرتک فرق در دنده یا التیسند یا الی برنده معاویه حجه کلد کده حسن انکله بولشوب بورجلندن شکایت ایتمکین معاویه کا دفعه مکسان بیلک التون یا غش لدی (فصل در اولاد وارواح حضرت حسن) کتاب الصغوه ده اون بش اوغلی سکر قیزی واریدی دیوب کتاب موالید اهل یتده بجله اون اوغلی بر قیزی واریدی که اعلی عبدالله وقاسم وحسن وعبدالله وعبد الرحمن واحد واسماعیل وحسین وعقیل وام الحسن آدلو قیزی ایدی دیوب * کتاب ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی ده حسن وفات ایند کده حسن عبدالله عمرو زید ابراهیم آدلو اوغلی قالدی دیوب * تاریخ مختصر جامعده حسنک اولادی حسن وزید عمرو وحسین وطلحه وعبد الرحمن وقاسم وابوبکر وعبدالله در که اشوب صکره کی اوچی حضرت حسینله بیلر کداده شهید اولوب حضرت حسنک نسلی الحق حضرت حسن ایلر زید آدلو ایکی اوغلدند در سائر اولادینک ذلک لاری منقطع اولدی دیوب * جمیع تواریخده مذکور در که حضرت حسن غایت چوق اوچی وچوق پوشایچی اولوب حتی کند و پیری حیانتده اوقات متفرقه طهسان یوزاون خاتون نسکا حلقش اولوب حسن خلقی نمایند ایکن جزئی سبیل هر آلدوغنی آرزمانده پوشاوب امنی کی صورت و سیرتی حسن اولغین هر خاتون اکا کمال عشق و محبتله آیلوب حتی حضرت علی (یا اهل الکوفة لا تزوجوا الحسن فانه رجل مطلق) دیوب حاضر لک بریسی و لزوجنه فارشی امسک و ما کره طلق دیدی ایچلرندن برینی نسکا حلقده او خاتون بوکایوز جاریه کوندروب هر برینی بیکرا خجه ایلر کوندردی (فصل در کوفت شهادت او) بو تفصیلک اجمالی بودر که حضرت حسن معاویه کند و نصکره خلیفه ایتمکده عهد ایدوب بجله خاتون معلومی اولد کده مستحق عذاب شدید اولان برید عنید علیه لعنة الملك الحمید پدیری معاویه نصکره خلافت کندوبه اولغی امید ایتمکین حسنک خاتون چعه بیت الاشعث بن القیس زهر کوندروب حسنه پدروب هلاک ایدر سکتی بن نسکا حلقوب از بانا بفرق مال عظیمه غرق ایدیم دیکین اول ملعونه مغبونه بوخبر مکرانه مفتونه اولوب تارک حقوق متقادمه و قتل شوهر عالی کوهره عازمه و جازمه اولوب تفصیلک محتاج وجهله بر قاج دفعه زهر پدروب جناب حقه دعا و تره عرش رتبه حضرت رسول صاحب قره التجا ایلر شفا بولوب خاتون ایدوب کتی ظن غالب ایلر یلور کن کمال حلم و کرمدن طمعیوب حقه صالوب سعادتخانه شدن غیری یرده یا نور اولوب کندوبی و ما کولات و شرواتی تمام حفظ ایدر اولد کده اول ملعونه بر قاج کون ظفر بولوب عاقبت بر کجه خفیه واروب برداق ایچنه وافر الماس خرده لری قوبوب کیدوب کجه حضرت حسن قاقوب ایچد کده جگری باره لککه باشلیوب وفات ایدر کن برادری حضرت حسین کیم زهر لکدی سویلتمکده اقدام و ابرام اید کده بلجک قتل ایدر مین دیوب ایدرم دید کده (ان یکن الذی اظن قاله انشد یا ساو شد تکبیرا) والا صاحب ان یقتل فی بری دیوب خاتون ایدو کتی دیوبرمیوب برادر لری بر لریه بعض مکالمات و معاملات نصکره (نظم) ایدری روح شریفی عزم چنان * رضی عنه رب الرحمن (فصل) در امور متفرقه هجرتک فرق طقوزی یا اللیسی یا الی بری ربیع الاولنک بشند مرقق الی یا فرق بدی یا فرق سکر یا شنده ایکن ابتدا زهر ید و کند و بر وجه فرق کون خسته اولمش ایکن وفات ایدوب مدت خلافتی همان الی آی و بر قاج کون اولوب حضرت رسولنک (الخلافة بعدی ثلاثون سنة)

دید کاری او تو زیل خلافت حضرت حسن آخرنده تمام اولدی بعد الفراغ سکر طقوزیل مدینه ده او نوروب حین وفاتده سنت اوزره بدن شریفی برادر لری حسین و محمد و عباس غسل ایدوب مدینه نیک من الوستانی اولان بقیع مبارکده والده جی حضرت فاطمه نک قبری یاتده دفن ایدر (حرره) بودر حالنی جهانتک ای برادر * اولور اولدی بونده مهر * ادانی برور و اشرف کسدر * اعلی قان ایچمک اکا ایشدر * عدودر انبیا و اولیا * دوشور بجله من چاه بلایه * ایدر چور و جی ایچ المزداد * النون صدهزاران آه و فریاده (نثر) هر ویدر که شامده معاویه حضرت حسنک وفاتن ایشند کده اضطرار بدن خلاص اولدم دیوب سوینوب ابن عباسه خبر ویرد کده اوچ کره رحم الله ایا محمد دیوب بعده * یا معاویه لا تسد قبرته - قبرتک ولا یرید عمره فی عمرک و انی کما صینا بالحسن فلقد اصابتنا بامام المتقین وخاتم الذین خیر الله تلك الصدقة وسکن تلك العبرة وکان الخلف عابثاً من بعده * دیوب جواب با صواب و یرمش یعنی (حرره) کسینه موته مهر و اوله * بش اون کون دواته مغرور اوله * ایکی خصلت بری اولد کده قانی * چوقا کتیز وفات ایدر او ثانی * کوزک آج اشوبدنیایی وفادری بوکون اکا ایلر یارین سکا در (نثر) هر ویدر که جعهده مغبونه همدنه وفا یتسون دیوبرید ملعونه خبر کوندروب او دخی زوجنه نه ایلدیکه بکانه ایلر دیوب بر او ناز یر سور کون ایدوب ذات وفات ایلر آند هلاک اولدی (حرره) بوسوزی دیمدر ارباب صفا * بک وفادار دندار دزن وفا * قولنه فعليه الدافه نیک * عاقل ایدر ییل سن انی دشمنک

(باب عا دس در احوال حسین بن علی رضی الله عنهما)

حط سعید مظلوم شهید مقبول خدام مقبول کربلا (حرره) قره العین سید کونین * نذر دینا درین امام حسین * بجله ایلر اولدیلر شهید * رضی الله عنهم ابدا (نثر) برادری حضرت حسن خلافت مناسبتیلر خلیفا ایچنده یازلق اولی اولغین اند یازیلوب اما حضرت حسین اگر چه خلیفه اولمادند ولکن ایکی شقیق شقیق احوال ذکر کنی بری برندن تقریق صوب صوابدن بعید و تحقیق اولغین انک دخی اجمال حالنی بیاتنه شروع اولدی (فصل در ولادت و بعض احوال او) هر ویدر که قول اصح اوزره هجرتک در دخی بیلی شهبانتک بشنی یادردخی یا اوچنی صالی کونی مدینه ده وجوده کلوب حضرت رسول علیه السلام واروب مبارک لارینه اوب صاغ قولانه اذان مولده اقامت اوقیوب امر حقه اسمی حسین قوبوب بعده رسول علیه السلام اغلیوب ابه سی اولان اسمها خاتون نجیون اغلر مزید کده (ای هذا یا اسماء انه مقتله الباغیه من امتی لا تاها الله شفاعة یا اسماء لا تخبری فاطمة فانها قریبة عهد ولادة) دیوب بر زمانده دخی رسول علیه السلام (قال لی جبریل قال الله تعالی انی قتلت بدم یحیی بن زکریا سبعین الفاً وانی قاتل بدم الحسين بن علی سبعین الفاً وسبعین الفاً) دیدی * هر ویدر که حضرت حسن قارندن باشنده دلک حضرت حسین قارندن یا غنه دلک حضرت رسول غایت بکر زردی (فصل در فضائل او) برادر لریه فضیلت مشترک لری حقدده اولان حدیثلر مقدماد کراولغین اعاده اولدگی لکن معلوم اوله که علم وحلم و کماله و فضل و بذل و سائر خالده برادر لریه برینک نظیری اولد یغندن غیری فوایح مسکیده مذکور در که هر کون بیلر رکعت نماز قیلوب وعظما علماء صحابه دن ایدی علم سروف و اسما در چشمه علما اولوب (فی القرآن علم کل شیء و علم القرآن فی الالحرف التي فی اوائل السور و علم الحروف فی لام الف) دیوب برادری کی یکری بش کره حج ایچندر (فصل در کیفیت شهادت او) (نظم) دل و جان طولدی قان بو واقعه دن * تیره اولدی جهانبو واقعه دن ایلدی دوزخ و جنان افغان هم طقوز آسمان بو واقعه دن * کادی فریاده یرده و کوکده * ملک و انس و جان بو واقعه دن (نثر) قصه غم حصه بر غصه کربلا تفصیل عظیم اقتضا ایتدیکندن ماعدا اوحش مصائب عظمتی ادهش نواب کبری الخش غرائب دنیا اولوب نیران بیانیله شامه و نامه و زبان سوزان اوانی جای کمان دگدره پس اول باید اطمینان اجتناب محض صواب اولغین کمال اجمال بوحوال اوزره در که هجرتک التثنی رجبتک غره سنده شامده معاویه وفات اید کده اهل شام و مصر و حلب و اکثر مالک عجم و عرب انک اوغلی برید عنید بیلده بیعت ایتمکین مدینه ده دخی خبر کوندرد کده حضرت حسینله حضرت ابن زبیر رضایرمیوب رجب آخرنده مکده کیدوب اعیان اهل کوفه حسینی کندولر خلیفه ایتمکده دعوت ایچون

نامه لر کوندروب بودخی انلری امتحان ایچون قدما عزماده می سلم بن عقیلی کوندرد کده اونوزیک کسینه
معایع اولوب حسین ایشتد کده کوفه به عزم ایدوب بعض کار صحابه کته دیومنه چالشد قلزنده رسول الهی
دوشنده کوردیم بکار نسنه امر ایندی البته انی ایدرم دیوب اهل بیتندن اون سکره اتر توایندن التمش نقرایله که
بوجه نلک اونوزایکیسی صحابه کرامدن اید بلدی الحجه نلک یکر میبنده مکدن بوله جیقوب مقدما یزید عنید
اهل کوفه نلک کندویه مختلترین ایشتد کده عید الله بن زیاد ی حاکم کوندروب کلد کده اهل کوفه انی همان
اونوز کسینه سیله محاصره ایستد بلر کن بر حیلله ایل خلق طاعدوب بعده مسلکی کتوردوب قتل ایتمکدن بوله
خلق ناچار کامطیع اولوب بوله حسین بونی ایشتد کده مضطرب اولوب بعده قضایه رضایله سحرای کر بلایه
وارد کده ابن زیاد وافر عسکر ایله عمر بن سعد بن ابی وقاصی حدینی برنده سرفروایند که چون فوات ایرمغندن
صوالقندن و تبدیل مکان ایتمکدن بالکلیه منع اگر جنک ایدرسه قتل ایتمکچون کوندروب کلد کده یدی
سکر کون غایت جفا ایله محاصره ایدوب بعد القیل والقال جمعه کونی عاشورا کونی صباحدن وقت
ظهیر دله غایت تفصیل محتاج وجهله محکم حرب وقتال و ضرب و جدال اولوب حضرت حسین نوراله
اوقات متفرقه ده بوله اونوزایکیسی اتلوقرق پیاده اولان کسینه لایله جنک ایچنده عظیم و الیم جفا لایله
شهید ایدوب ایچرندن ایکسی کند و اوغلری دردی برادر لری بشی برادر زاده لری بشی عم زاده لری اولوب
برروایند یکر ایچی اولاد و اقربا لردن ایدیلر (نظم) باچنین سنک دلها که ازان قوم آمده از هواسنک
نیاید زهی مستنکر ایچنین واقعه حادث شد و آنکاه هنوز جرخ کردان و قورش و خورشید انور
انالله وانا الیه راجعون و جمیع المؤمنین من هذه المصيبة العظمی متفععون متوجعون (نظم) کسی
زچون ویرادم نمی تواندزد که نقشند حوادث ویرای چون ویراست (فصل در متفرقات)
(اولا) سر سعادت انسر شد ادت اثری قول اصح اوزره مدینه به کوندروب آنده والدیه می یاننده
دفن اولوب بعض قولجه دمشق شامده دفن اولوب برقول غیر صحیح اوزره خلفاء مصر رأس حسین در
دیو شهر عسقلانندن برایشی مصره ایلتوب دفن ایستد بلریدن شریفی ایله بالاتفاق کربلا ده قلوب
نه طریقله دفن اولند یقی مقتل کابلزنده تفصیل اولمشدر (ثانیا) مدت عمری قول اصح اوزره الی الی ییل
ویش آئی ویش الی کون ایدی (ثالثا) فارسی و ترکی مقتل کابلزنده بعد القتل علامات سماویه وارضیه دن
و افر عذاب و غراتب ظهور ایدوب مصلایازیلوب عربی مقتلرده دخا کنیز ایلوب لکن نوارخ و سیرده
اولنلک بعضی بولرد که یوم قتله کونش طویلوب وافر ییلدزلر اولوب یدی کونه دله کونشک نوری غایت
ضعیف اولوب الی آیه دله کول یوز سنک کار لری قان کبی قرمز ی اولوب بعده دایما قزارمقدن خالی اولوب
آنندن اول اصلا کوه بوعلامت ظهور و انش دکلدی و دخی قدس شریفده هر قالدربیلان طاش التنده
قان بوانوب و دخی عسکر یزیددن بری حضرت حسین ذم ایدرکن کوکدن ایک ییلدزلر انوب کوزلرین کور
ایدوب و دخی حضرت رسول نبوتدن بشیوزیل اول یالمن برکتی داده بر طاش اوستنده بویی قازلمش
بولدیلر که (نظم) از چو امة قتلت حسینا شفاعة جده یوم الحساب برروایند کلد دوارندن
قدرتدن برال جیقوب اوزرنده بوییت قانله یازلمش اولوب روضه الشهداده بویی هاتف غیب ندا ایندی
دیومذ کورد (رابعاً) جمیع شهادتک باشری یزید بلیده ایلد بلورکن غایت تفصیل محتاج وجهله بوله بکچیلر
هلاکنه و غیره متعلق جانب حقن عذاب امور ظم و رندن صکره و اصل اولد کده اول لعین بی دین بد آیین
غایت شاد اولوب بعده مسلمانلردن خوف و حجابندن ظاهر اندامت و قتل اید نلده غضب و ملامت کوستروب
بعده اولاد و عیال شهید ای کلی رعایتله و مللری اولان مدینه به ارسال و سلامتله ایصال ایندی (محرره)
ایله یارب یزید له قتل روح نایا کنه امانتله مرقدی حفره حجیم واسون عرصات ایچره هم رجب
واسون بری دارالعباد اوله دایم مبتلای عذاب اوله دایم دخا که اعانت ایلینه اهل بیت
اهانت ایلینه شهادت و حبه سلام ایله یرلرین روضه سلام ایله چکد بلر چون بلا براه خدا رضی الله
عنهم ابدا (فصل) در اولاد حضرت حسین ذخانرا عباد مذکور در که الی اوغلی اوچ قیزی و اربادی
امملری علی الاکبر علی الاوسط علی الاصغر محمد عبدالله جعفر زینب سکینه فاطمه در که علی اکبر ایل

عبدالله کر بلا ده شهید اولدیلر کتاب صفوه علی الاوسط و محمد و عبد الله و زینب ذکر اولمشدر
(فائده مهمه در کرامته) معلوم اوله که طائفة شیعه و روافضک عربجه ائمة اثنی عشر جمعه دوازده
امام ترکیه اون ایکی امام دید کارینک اوچی حضرت علی و حسن و حسین در که ذکر اولمشدر (در دینی)
حضرت حسینک اوغلی علی الاوسط یا علی الاصفدر که حسینک جله نسل و ذریه لری همان بوندن منتشر
اولوب سا و اولاد نلک نسل منقرض اولمشدر من بور علی هر کیجه ییک رکعت نماز قیلغه معتاد اولغین زین
العابدین دیکله مشهور عالم اولوب حبیاد دخی در لردی هجرتک اونوز التیسنده یا اونوز سکر زنده یا اونوز
اوچنده مدینه ده طوغوب والدیه می آخر ملوک عجم اولان یزدجرد لک قیزی شهر باو خاقوند و یا خود غزاله آدلو
برجاریه در من بور علی کر بلا ده خسته اولوب چادرده عورتلر ایچنده یا تغین عسکر یزید بونی قتل ایستد بلر
هجرتک طقسان در دنده یاننده محرمک اون ایکینی کونی الی سکر یاننده وفات ایندی علم یاطن و ظاهرده
حددن بیرون ماهر اولوب بکار تابعیندن امام زهری (ما رأیت افعه منه) دیشدر صحیفه کامله آدلودون
و جموع و افراد عیة شریفة ایجاد ایتمشدر که کمال بلاغت و جلاوتنه و موافقنک هر حاله مهارتله اهل
عرفان و انار حیران قالدیلر سریدر که عبد الملك خلافتنده اوغلی هشام جبه واروب طوافده من اجه دن حجر
الاسودی اوچکده قادر اوله مامغین کثرت ماولجه مطافده کر می قویوب اونوزر کن زین العابدین حجر
الاسوده کلدیکه اکاتعظیا خلق یاربیلوب بروروب برقاج دفعه اولد کده اهل شامک بریسی بوکیدر که بوله
تعظیم ایدر لردیوب هشام آئی ییلورکن مجرد خندندن بیلم دیوب اوکسینه آنده حاضر اولان فرزدق آدلو
شاعر مشهوره صور دقه فرزدق اظهار الحق فی الحال بوقصیده فی ایجاد و انشاء ایدیکه (نظم)
هذا الذي تعرف البطساء وطأته * والبيت يعرفه والحل والحرم * هذا ابن خير عبد الله كلمهم *
هذا النبي الطاهر العلم * اذ رأته قریش قال قائلها * الى مكارم هذا نبي الكرم * بنی الی ذروة
المجد الذي قصرت * عن يله ساعرب الاسلام والجم * يكاد يسكه عرفان راحته * ركن الحطيم اذا ماجاه
يستلم * بين نور الهدى عن نور غره * كالشمس تخباب عن اشراقه الظلم * مشتقة عن رسول الله بعبته *
طابت عناصره والقيم والقيم * من جده دان فضل الانبياء له * وفضل امته دانته الام * هذا ابن
فاطمة ان كنت جاهله * بحجته انبياء الله قد ختوا * الله شرفه قدما وعظمه * جرى بذالك له في لوحه
القلم * فليس قولك من هذا بضاره * العرب تعرف من انكرت والجم * كذا يديه صاحب عم فقههما *
تستوفان فلا يعرفونهم * سهل الخليفة لا تخشى بوادره * يزينه اثنان حسن الوجه والكرم *
لا يخلف الوعد مجون تقيته * رجب الفناء اريب حين يعزيم * عم البرية بالا حسان وانقشت *
عنه الفياضة والاملاق والعدم * من معشر حريم دين وبغضهم * كثر وقورهم مني ومعتصم * ان عذاهل
التقى كانوا انتم * اوقيل من خير اهل الارض قبلهم * لا يستطيع جواد بعد غايتم * ولا يدانهم قوم
وان كرموا * هم الغيور اذا ما ازمت * والامداد الشري والباس محتدم * لا ينقض العسر بسطا
من اكفهم * سيات ذلالت ان اتر و ان عدموا * يستدفع السوء بسطامن اكفهم * ويسترب به الاحسان
والنعم * مقدم بعدد كرامته * في كل برومختوم به الكرام * يابى لهم ان يحمل الذم ساحتهم * خير كريم
وايد بالندی هضم * اى الخلاق ليست في رقابهم * لا ولية هذا اوله نعم * من يعرف الله يعرف اولية ذا *
والدين من بيت هذا ناله الام * ما قال لاقط الا في تشهده * لولا التشهد كانت لاؤهم (نثر) هشام بومدح
عظمی ایشتد کده کمال خلت و خجرت نندن فرزدق مکة ایلد مدینه اراستده حبیب ایتدروب زین العابدین انی
ایشتد کده فرزدقه اون ایک ییک الحجه کوندروب (اعذرنا یا افراس فلو کان عندنا اکثر من هذا لوصنا لاله)
دیوعذر ایتد کده اودخی (یا ابن رسول الله ما قات الذي قات الاغضبا لله عز وجل ورسوله وما كنت لارأ
عليه شياً) دیو خبر کوندروب بودخی (شکرا لله لا الا اهل بیت اذا اغضنا امر النعدیه) دیو خبر
کوندرد کده ناچار قبول ایدوب بعده یه فرزدق هشامی هجوا ایدوب دیدیکه (نظم) ایچسبی بین
المدینه والی * الیما قلوب الناس هیو منیها * بقلب رأسم یکن رأسم سید * وعیناله حوله بادعوبها
(نثر) هشام بونی ایستدوب بالضروره حبسندن آزاد ایتدی (بنی) محمد بن زین العابدین در که

علمه بتقری یعنی توسع و تجری اولفین محمد الباقدر دیکه عالمه مشهور و اولوب آبا و اجدادی کبی علوم ظاهره و باطنیه ده خصوصاً علم حروف و اسماء فائق الاقران و مقتدای علماء زمان ایدی والده سی حضرت حسن بن قیزی فاطمه در هجرتک الی مدینه مدینه ده جدی حسین حیاتند طوغوب یوزاون درنده یا اون سکرده یا اون پدیده مدینه ده الی مدینه یا الی سکر یا التمش اوج یا تمش اوج یا شده وفات ایدوب جعفر عبدالله ابراهیم علی زینب ام سلمه اولاد ایدی اولشدر (التنجی) جعفر صادق بن الباقدر که مدینه ده سکانه یا کسان اوچده طوغوب بنه مدینه ده هجرتک یوز قرق سکر سینه سنده وفات ایدی والده سی حضرت ابوبکرک اوغلی محمدک قیزی والده سنک والده سی ابوبکرک اوغلی عبدالرحمانک قزید جعفرک محمد اسمعیل عبدالله موسی علی آدلو اوغلاری و ارایدی مزبور جعفر دن امام اعظم و امام مالک و سفیان ثوری و سفیان ابن عیینه حدیث روایت ایدوب امام اعظم (ما رأیت اقله من جعفر بن محمد وقد دخانی له من الهیبة ما لم یدخلنی للمصنوع) دیشدر فوایح مسکینه ده علم حروف و اسماء استاد علماء صوفیه اولوب پدی یا شده ایکن غوامض اشرار علوی سوزیدی علم حروفه خافیه آدلو کاتب یازوب امیرار عبیه درج ایتندی چیمه شدن ایت بن سعد ایدر کده جیل ای قبیله چیمه کوردم که برکسته او وروب نفسی کسلنجه یارب یارب بنه نفسی کسلنجه رب رب بنه نفسی کسلنجه یا حی یا حی بنه نفسی کسلنجه یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین دیوب و اسلوبه پدی کمره مناجات ایدوب بعده (اللهم انی اشتهی من هذا العنب قاطعیه اللهم ان بردای قد اخلقا) دیدکده والله دخی سوزی تمام ایتدین جانب غیب بلاعبیدن فی شک و ریب بر طوبیله تازه اوزم وایکی ازار او کته کلوب اوزمانده اصل تازه اوزم یوغیدی * پس یتک دیلد کده یانه واروب بن دخی سکه شریکم دیم نه سبیل دیدکده سن دعا ایدر کن بن آمین دیر ایدم دیم توله کل بر واکل ایه اما ایتدین بر نسته صقله دیوب بد کده اصلا چکرده کی اولوب انک مثلی دیناده کوردمم ایکن زتمام طوبوب لکن سبت ذره قدر کسلوب بعده عادت عرب اوزره اول ایکن ازلک برینی قوشانوب برینی یوز یوتوب طاغدن اشاعه ایتوب کند کده آردنجه بهض کسه لره بو کیدر دیم جعفر صادق در دید یلد یومذ کوردر (یدنجی) موسی الکاظم بن جعفر الصادق در کمال حلم و عفو جهندن کاظم دیکه ملقب ایدی علم حروف و اسماء فرید عصر صائر علومه دخی وحید در ایدی یوزیکری سکرده طوغوب خلفاء عباسیه دن محمد المهدی حجه کله کده بونی بغداد یله ایلدوب بعده مدینه ده کوندروب هارون الرشید دخی حجه کله کده بونی بغداد یلدوب هجرتک یوز کسان اوچنده بغدادده وفات ایدوب هارونک امر یله وزیر یحییاه بر مکی موسای تازه خرم الله زهر لدی دیشدر والله اعلم (سکرتنجی) علی الرضا بن موسی الکاظم در مزید که بابایی موساند والده سی دوشنده حضرت رسولی کوروب بحجه آدلو جاریه کی اوغلک موسایه باغشله کمالدن یوز یوزینک خیری یعنی افضل وجوده کله کر کدر یوزروب اندن مراد علی الرضا ایدی یوزالی اوچده مدینه ده طوغوب ایکیوز ایکیده یا سکرده بحمد طوس شهرنده فجاء وفات ایدی فضل و کمالی حددن بیرون اولوب مأمون خلیفه شیعی اولفین کند و نصکره خلافتی بوکاتعین ایدوب عهد نامه یازدنده امام رضا خوش قبول ایدم اما جدم حضرت عیسیک جعفر جامع آدلو کابی دلالت ایدر که بوخصوص حاصل اولیه دیوب واقعا کندی موسی مأمون دن اول وفات ایدی بهض زهر یدر دیل دیوب مأمون بونی ولی عهد ایدیکنه مأمونک اقربایی الخجوب مأمون خراسنده ایکن آنلک بر بسی خروج ایدوب تفصیل محتاج نیجه محاربه اولدیقی فی الحقیقه زهر اندیکنه دلالت ایدر * مزید که مشایخ عظامدن حضرت معروف کرخی سابقاً طائفة نصاری دن یا مجوس یلدرن براوغلان ایکن بونک الله ایمانه کلوب بوکاحدمستکار اولوب علم تصوف و علم اسماء و سرفی بوندن اخذ ایدوب بوندن مقدم وفات ایدی (طوقرینجی) محمد الجواد بن علی الرضا در که برقی دخی تقیدر یوز طقسان شده مدینه ده طوغوب تازه ایکن کمال علم و کمالی اولفین مأمون خلیفه بوکاتعینی نکاح ایدوب مدینه ده یله کوندروب بعده هر ییلده بوکااون کره یوزینک اچقه خرجلق کوندروب بعده جواد بغداد کلوب ایکیوز یکرمیده بغدادده بکری بش یا شده وفات ایدوب نمازنی معتمد خلیفه قیلوب جدی موسی الکاظم یا تده دفن اولندی (اوننجی) علی الهادی بن محمد

الجواد در که والده سی ام ولد جاریه یا خوده مأمون خلیفه نک قیزیدر ایکیوز اون درنده مدینه ده طوغوب ایکیوز الی درنده یا قرق شده بغدادده قریب ساهره دیدکاری سمرمن رای شهرنده وفات ایدی (دیگر) اون برنجی حسن العسکری بن علی الهادی در که برقی دخی زکی در سمرمن رای شهرنی معتمد خلیفه یا پدروب بجه عسکر یلد بغدادن اکا کوچکین اون شهرک بر آدی دخی عسکر اولوب بعده متوکل خلیفه علی الهادی بی بغداددن سمرمن رای به کوندروب اون ییل آنده ساکن اولوب حسن دخی آنده طوغوغین علی الهادی حسن عسکری دیکه مشهور اولشدری مزبور حسن ایکیوز اونوز ایکیده یا اونوزده یا ایکیوز ایکیده یا برده طوغوب ایکیوز ایتنده سمرمن رای ده وفات ایدی بعض کتبه مدینه ده طوغدی دیشدر (دیگر) اون ایکنجی محمد المهدی بن حسن العسکری در که ایکیوز الی شده طوغوب شیعیه طائفه (ری یوتکچون ایکیوز اتمش شده یا تمش شده یا طقسان ایتده طقوز یادت یا بش یا اون طقوز یا شده ایکن سمرمن رای ده بر سر دایه یعنی زیر زمینه والده سی نظار ایدر کن کیروب بعده چقمیوب قالوب آخر زمانده ظهیر ایدر چک مهدی یوزد یوزم ایدوب حجه منتظر قائم صاحب الزمان مهدی زمان دیوب قیله و مشلدر لکن بواعتقاد ایکی وجهله باطلدر یزیر اول کتب معتبره ده آخر زمانده کی مهدی حقه اولاد در سولدن یا اهل بیت رسولدن اولوب اسمی محمد بابایی اسمی عبدالله اوله جفته دخی آل عباس دن اوله جفته ایکی حدیث صحیح و صریح مروی اولوب بعض معتبر ائمه اسمی محمد بابایی حضرت حسن ناساندن والده سی حضرت عباس نسلندن اوله جفتی ابن عباس دن مرویدر * نایناشواهد النبوه ده مذکور در که مشایخ عظامدن شیخ علاء الدوله حجتانی چله اقطاب و ایدالی یازدیقی محمله دیشدر که محمد بن حسن العسکری کیزلند کده ایدالان اولوب بعده تدریججه میدالایدال اولوب اوزمانک قطبی علی بن حسین البغدادی وفات ایدکده نمازین یوقیلوب برینه تطب اولوب اون طقوزیل قطیننده طوروب بعده بودخی وفات ایدی بهض محمد المهدی بن غیری اون برامامک اسمایسن بریتده جمع ایدوب دیشدر که (نظام) علی بعده حسنان زین باقر جعفر * موسی و الرضا و محمد و علی و ذو العسکر * ضوان الله تعالی علیهم اجمعین و صلی الله تعالی وسلم علی خیر خلقه محمد وآله و صحبه الطیبین الطاهرین و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین

تم النصف الاول من کتاب تاریخ مرآة الکائنات و امسال الله اتمام الباقی فی اقرب الاوقات علی حسن الحالات و استغفره من کل ذنب و تقصیراته حسبنا و نعم النصیر



